





وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

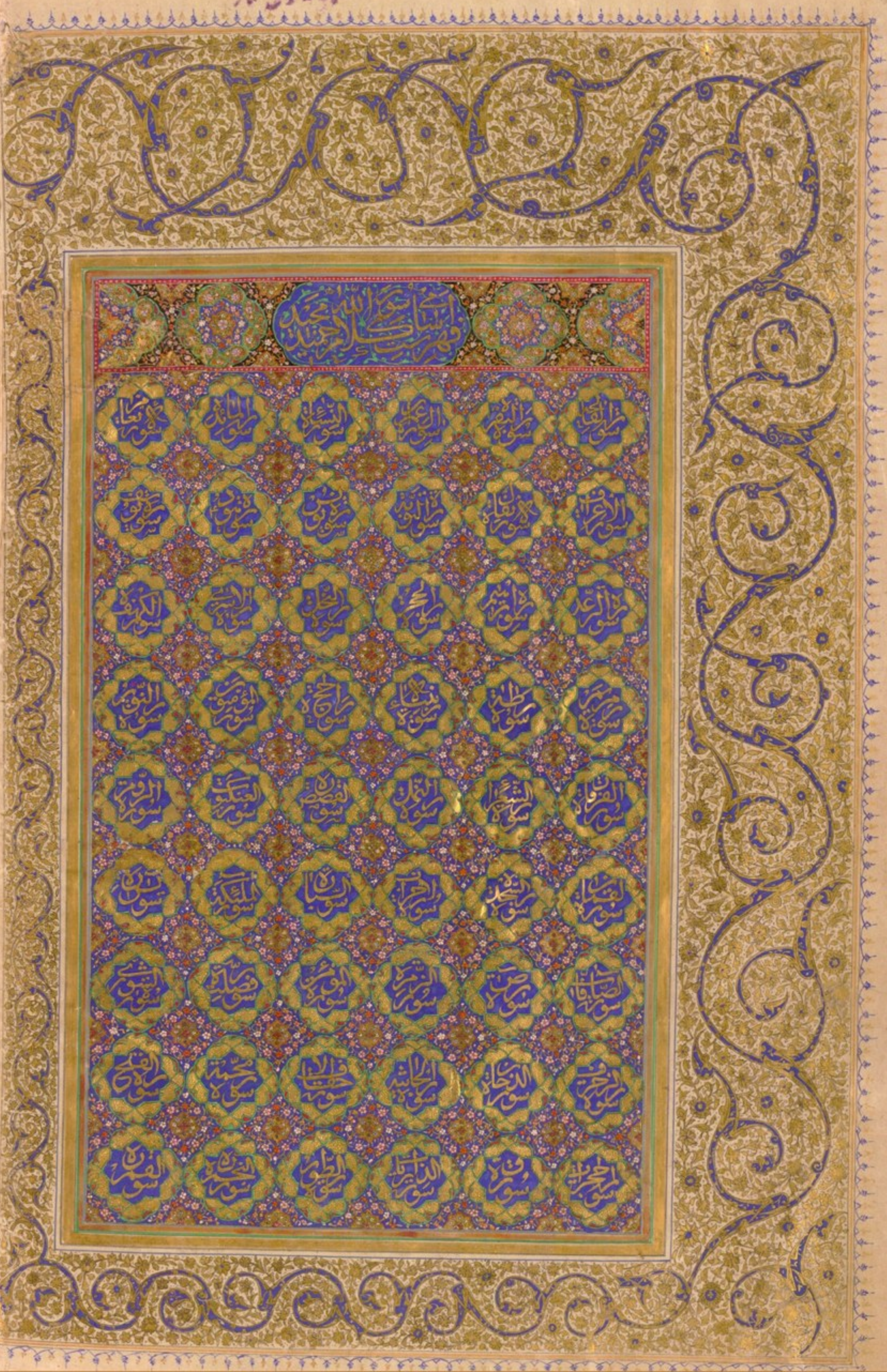
کتابخانه دولتی			
اسم کتاب	[illegible]		
اسم مؤلف			
تاریخ طبع یا تحریر			
عده کلیه صفحات			
عده صورت ها			
عده سرلوحه ها			
عده صفحات تذهیب شده	[illegible]		
ذکر علائم جلد کتاب			
درزمان وزارت			
تاریخ ورود بکتابخانه			
نمره الفبـه	۲۴	نمره کتاب	۷۵۳

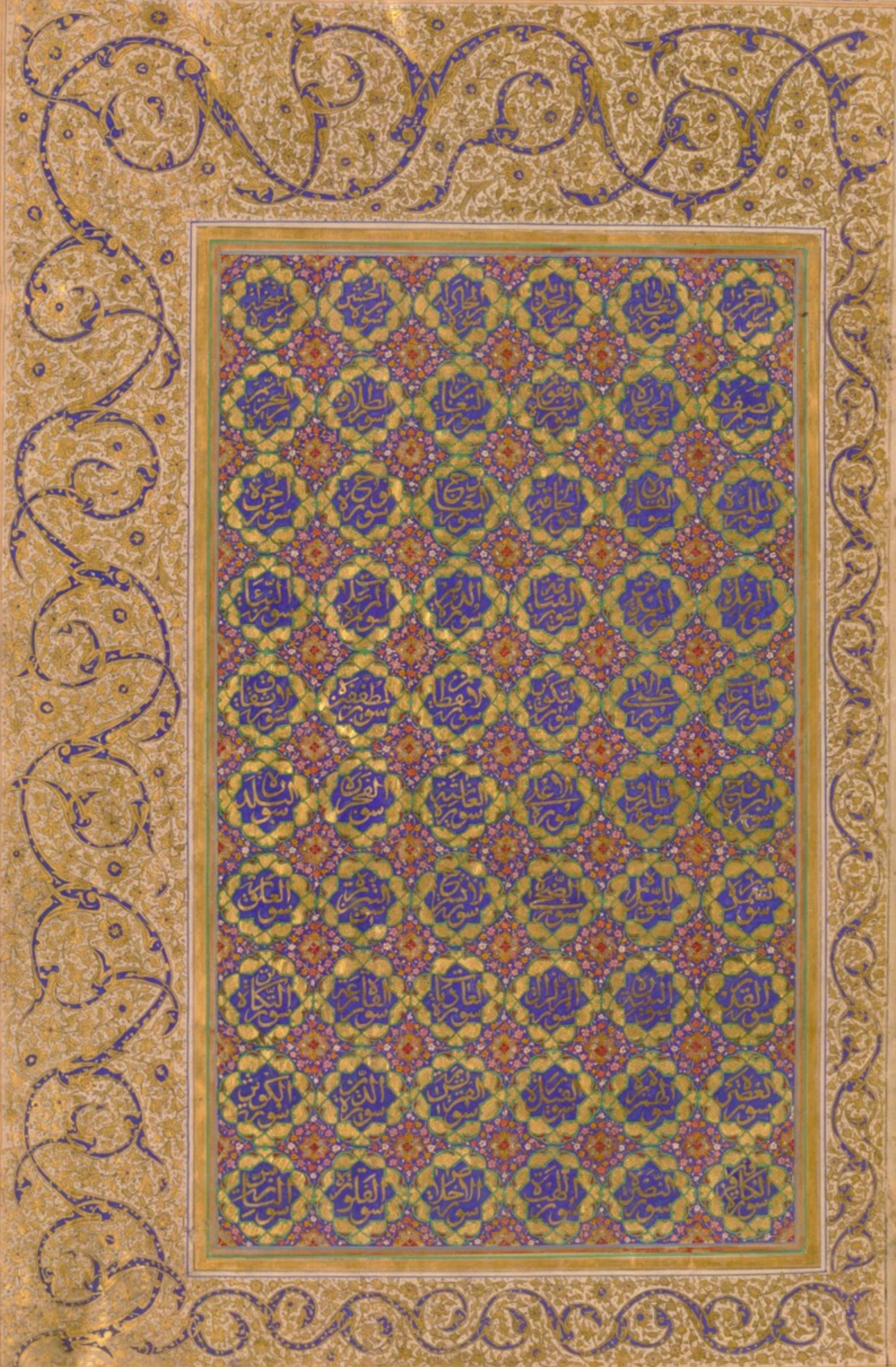
محل مهر کتابخانه و امضای مدیر کتابخانه [illegible]

مطبعه مجلس

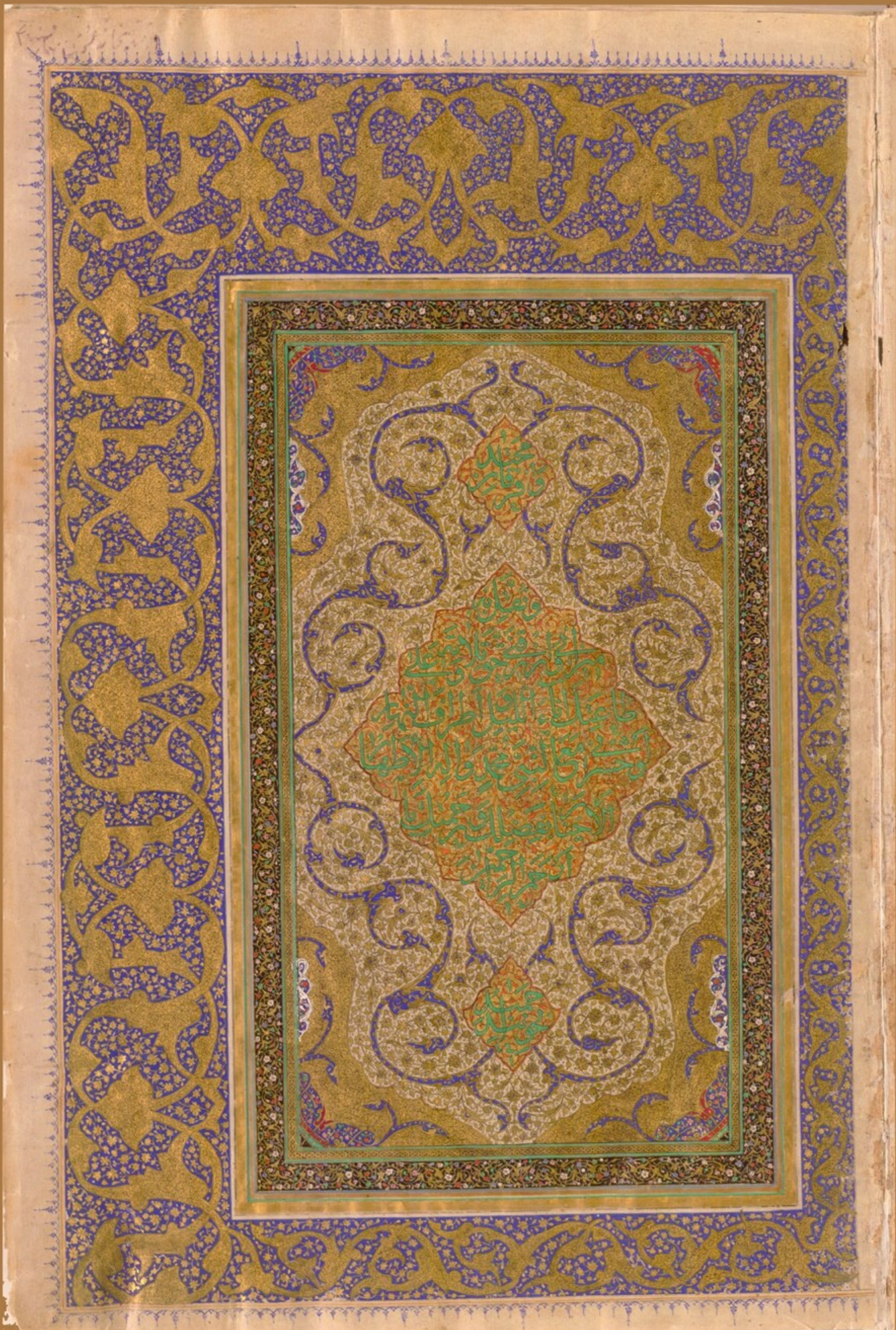


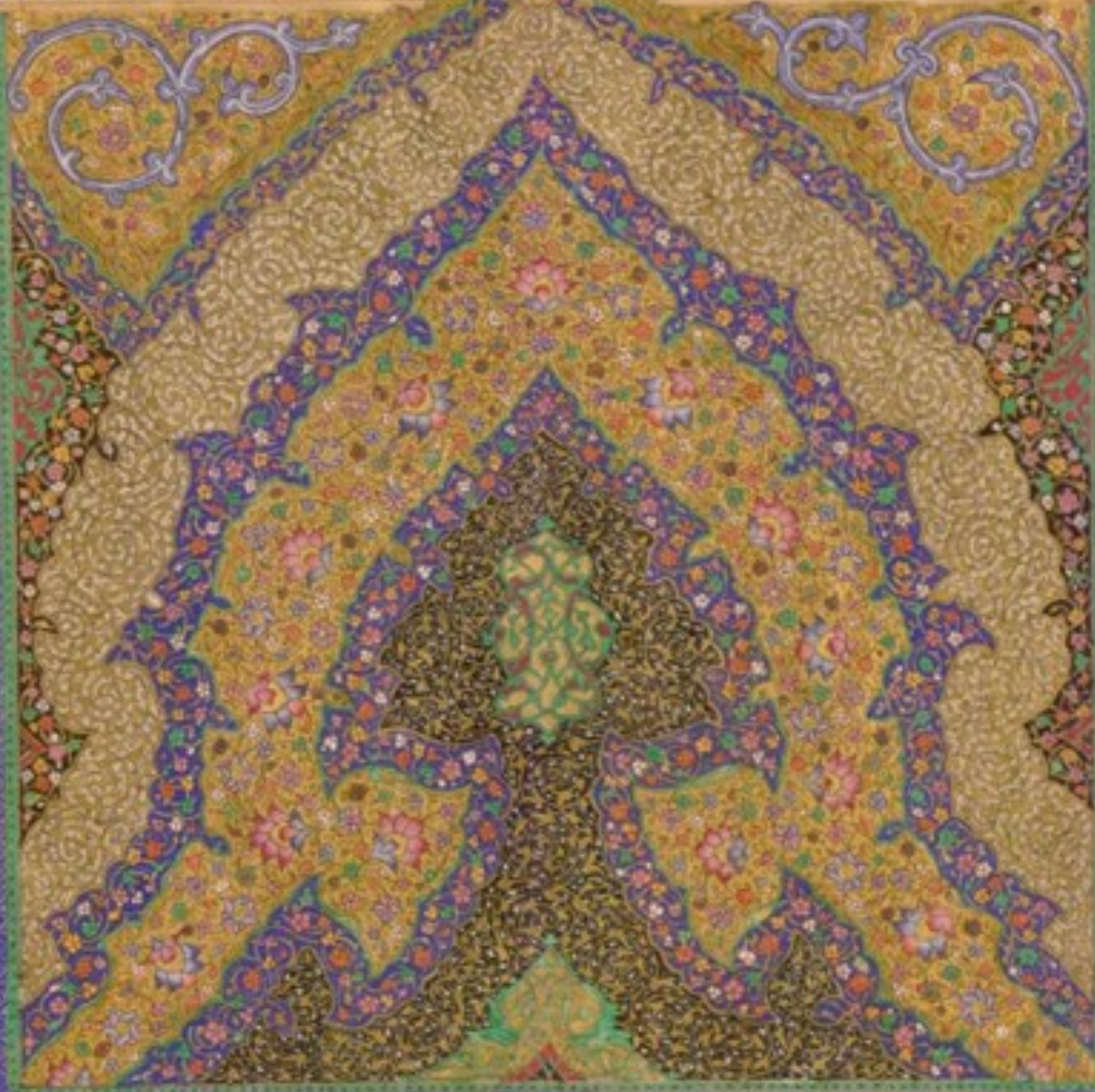









آناء الليل وأطراف النهار
واحشرني مع النبي محمد وآله الأطهار
والأخيار بفضلك ورحمتك يا
أرحم الراحمين



سورة فاتحة الكتاب سبع آيات مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بسيار بخشنده و مهربان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝

سپاس مر خداى را كه پروردگار جهانيان است بخشنده مهربان

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ۝ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ

پادشاه روز جزا ترا مى پرستيم و از تو

نَسْتَعِينُ ۝ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۝

يارى ميجوييم بنماى ما را راه راست

صِرَاطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ

راه آنانكه انعام كردى بر ايشان

الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ۝

خشم كرده شده بر ايشان و نه راه گمراهان

لا يمسه الا المطهرون



سورة البقرة مائتان وثمانون وست آيات مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده و مهربان

الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى

این کتاب هیچ شکی نیست در آن راه نمای

للمتقين الذين يؤمنون بالغيب ويقيمون

برای پرهیزکاران آنانکه گرویده‌اند به نهانی و برپای دارند

الصلوة ومما رزقناهم ينفقون و

نماز را و از آنچه روزی دادیم ایشان را انفاق می کنند

الذين يؤمنون بما انزل اليك وما انزل

آنکسانی که میگروند بآنچه فرستاده شده بتو و آنچه فرستاده شده

من قبلك وبالآخرة هم يوقنون

از پیش تو و بآخرت ایشان یقین می کنند

تنزيل من رب العالمين

أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ إِنَّ

الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا

يُؤْمِنُونَ خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ

غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا

بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ

الَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ فِي قُلُوبِهِمْ

مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَٰكِنْ لَا يَشْعُرُونَ وَإِذَا قِيلَ

لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَٰكِنْ لَا يَعْلَمُونَ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ

آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا

نَحْنُ مُسْتَهْزِءُونَ ۝ ٱللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِى طُغْيَٰنِهِمْ

يَعْمَهُونَ ۝ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ ٱشْتَرَوُا۟ ٱلضَّلَٰلَةَ بِٱلْهُدَىٰ فَمَا

رَبِحَت تِّجَٰرَتُهُمْ وَمَا كَانُوا۟ مُهْتَدِينَ ۝ مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ ٱلَّذِى

ٱسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّآ أَضَآءَتْ مَا حَوْلَهُۥ ذَهَبَ ٱللَّهُ بِنُورِهِمْ وَ

تَرَكَهُمْ فِى ظُلُمَٰتٍ لَّا يُبْصِرُونَ ۝ صُمٌّۢ بُكْمٌ عُمْىٌ فَهُمْ لَا

يَرْجِعُونَ ۝ أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ فِيهِ ظُلُمَٰتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ

يَجْعَلُونَ أَصَٰبِعَهُمْ فِىٓ ءَاذَانِهِم مِّنَ ٱلصَّوَٰعِقِ حَذَرَ ٱلْمَوْتِ وَ

ٱللَّهُ مُحِيطٌۢ بِٱلْكَٰفِرِينَ ۝ يَكَادُ ٱلْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَٰرَهُمْ

كُلَّمَآ أَضَآءَ لَهُم مَّشَوْا۟ فِيهِ وَإِذَآ أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا۟ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ

لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَٰرِهِمْ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ۝

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱعْبُدُوا۟ رَبَّكُمُ ٱلَّذِى خَلَقَكُمْ وَٱلَّذِينَ مِن

قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ فِرَٰشًا

والسماء بناء وانزل من السماء ماء فاخرج به من الثمرات

و آسمان را بنائی و فرستاد از آسمان آب را پس بیرون آورد بان از میوه جات

رزقا لكم فلا تجعلوا لله اندادا وانتم تعلمون ۝ وان كنتم

روزیی برای شما پس نگردانید خدا را همتایان و شما میدانید و اگر هستید شما

في ريب مما نزلنا على عبدنا فاتوا بسورة من مثله وادعوا

در شک از آنچه فرو فرستادیم بر بنده خود پس بیارید سوره مانند آن و بخوانید

شهداءكم من دون الله ان كنتم صادقين ۝ فان لم تفعلوا

گواهان خود را از دون خدا اگر هستید شما راستگویان پس اگر نکردید

ولن تفعلوا فاتقوا النار التي وقودها الناس والحجارة

و نخواهید کرد هرگز پس بپرهیزید از آتش که آتش انگیزان مردمان و سنگ کبریت

اعدت للكافرين ۝ وبشر الذين امنوا وعملوا الصالحات

آماده کرده شده برای کافران و بشارت باد آنان را که گرویدند و کردند کردار نیک

ان لهم جنات تجري من تحتها الانهار كلما رزقوا منها

بدرستیکه مر ایشان را بوستانهاست که میرود از زیر آنها جویها هر گاه روزیی داده شوند از آن

من ثمرة رزقا قالوا هذا الذي رزقنا من قبل واتوا به

از میوه او روزیی گویند این میوه ایست که روزی داده شده بودیم ما از پیش و بیارند او را

متشابها ولهم فيها ازواج مطهرة وهم فيها خالدون ۝

مانند یکدیگر و مر ایشان راست در آن زنان پاکیزه و ایشانند در آن جاویدان

ان الله لا يستحيي ان يضرب مثلا ما بعوضة فما فوقها

بدرستیکه خدا شرم نکند و باک ندارد از آنکه بزند داستانی که باشد از پشه پس آنچه از پشه برتر باشد

فاما الذين امنوا فيعلمون انه الحق من ربهم واما الذين

پس اما آنکه گرویدند پس میدانند که این کلام راست است از پروردگار ایشان و اما آنکه

كفروا فيقولون ماذا اراد الله بهذا مثلا يضل به

نگرویدند پس میگویند چه چیز خواسته خدا این مثل گمراه کند بان

این فقره مبنی است بر عود ضمیر مثل بر نزلنا و
محتمل است که ضمیر راجع بعبد باشد بنا بر این
حاصل معنی آنکه اگر شک دارید در آنکه قرآن
مجید از جانب ماست و احتمال میدهید که
بنده ما خود انشاء آن نموده باشد پس بیارید از
شما کسیکه مثل آن باشد در این که چیزی نخوانده
و ننوشته و با کسی از احوال گذشتگان مطلع باشد
معاشرت ننموده و با این هم اکتفا مکنید بلکه بلغا
و فصحائی که حاضرند بمعاونت خود طلبید و
یکسوره که شبیه بقرآن باشد بیاورید و اگر این
اراده کنید نتوانست و نخواهید توانست آورد
چون عاجز شوید از اینمعنی پس ایمان بیاورید و بپرهیزید
از آتش که آتش افروزان آدمی باشد

یعنی این
میوه مانند میوه ایست
که در بهشت پیش خوردیم چنانکه حکایت
کرده اند که مؤمن در بهشت از
طبقی که در پیش اوست میوه میخورد
و چون در طبق می نگرد چنانکه خورده
بود در آن می بیند پس این سخن را میگوید
پس فرشته می گوید که بخور از این
که در صورت اگرچه همان است اما
در طعم و مزه مختلف
است

كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ

بسیار را و راه نماید بان بسیار را و گمراه نکند خدا بان مگر تباه کاران را

الَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ

آنچنان کسانیکه می شکنند پیمان خدا را پس از پیمان آن و می برند آنرا که فرموده

اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

است بان که به پیوندند و افساد مینمایند در زمین گروه ایشانند زیان کاران

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ

چگونه کافر شوید بخدا و بودید شما مرده پس زنده گردانید شما را پس بمیرانید شما را پس

يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۞ هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ

زنده گرداند شما را پس بسوی او بازگردید اوست آنکه آفریده برای شما آنچه در زمینست

جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ

همه پس پرداخت بسوی آسمان پس یکسان کرد آنها را هفت آسمان و اوست بهر

شَيْءٍ عَلِيمٌ ۞ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ

چیزی دانا و چون گفت پروردگار مر ملائکه را که منم گرداننده در زمین

خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ

جانشینی گفتند آیا می گردانی در آن آنکه تباهی کند در آن و بریزد خونها را

وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

و ما تسبیح گوئیم بحمد تو و منزه میشماریم مر ترا گفت بدرستیکه من میدانم آنچه را که نمیدانید

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ

و آموخت آدم را نامها همه پس اظهار کرد آنها را بر ملائکه پس گفت

أَنبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَٰؤُلَاءِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ۞ قَالُوا سُبْحَانَكَ

خبر دهید مرا بنامهای اینها اگر هستید شما راست گویان گفتند پاکا

لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ۞ قَالَ

نیست دانشی ما را مگر آنچه آموختی ما را بدرستیکه تو توئی دانا و محکم کار گفت

يَا آدَمُ أَنبِئْهُم بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنبَأَهُم بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ
إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنتُمْ
تَكْتُمُونَ ۝ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ
أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ۝ وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ
أَنتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا
تَقْرَبَا هَٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ
عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ
لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ۝
فَتَلَقَّىٰ آدَمُ مِن رَّبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ ۝ قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّي
هُدًى فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ

هم فيها خالدون ۞ يا بني اسرائيل اذكروا نعمتي التي انعمت

عليكم واوفوا بعهدي اوف بعهدكم واياي فارهبون ۞

وامنوا بما انزلت مصدقا لما معكم ولا تكونوا اول كافر

به ولا تشتروا باياتي ثمنا قليلا واياي فاتقون ۞ ولا

تلبسوا الحق بالباطل وتكتموا الحق وانتم تعلمون ۞ واقيموا

الصلوة واتوا الزكوة واركعوا مع الراكعين ۞ اتامرون

الناس بالبر وتنسون انفسكم وانتم تتلون الكتاب افلا

تعقلون ۞ واستعينوا بالصبر والصلوة وانها لكبيرة الا

على الخاشعين ۞ الذين يظنون انهم ملاقوا ربهم وانهم

اليه راجعون ۞ يا بني اسرائيل اذكروا نعمتي التي

انعمت عليكم واني فضلتكم على العالمين ۞ واتقوا

يوما لا تجزي نفس عن نفس شيئا ولا يقبل منها شفاعة

حزب

وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ۝ وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ
و گرفته نشود از آن عوضی و نه ایشان یاری کرده شوند و چون که نجات دادیم شما را از آل
فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ
فرعون که میرسانیدند شما را بدی عذاب میکشتند پسران شما را و زنده میگذاردند
نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ۝ وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ
زنان شما را و در این شما را بلا بود از پروردگار شما بزرگ و چون که جدا کردیم شما را
الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ۝ وَإِذْ
دریا را پس رهانیدیم شما را و غرق کردیم آل فرعون را و شما می نگریستید و چون که
وَاعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ
وعده کردیم ما موسی را چهل شب پس گرفتید گوساله را از بعد او و شما بودید
ظَالِمُونَ ۝ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ
ستمکاران پس درگذشتیم ما از شما از پس آن شاید که شما شکر کنید
۝ وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ
و چون که دادیم ما موسی را کتاب و فرقان باشد که شما راه یابید
وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ
و چون گفت موسی مر گروه خود را ای قوم بدرستیکه شما ستم کردید بر نفسهای خود را
بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ
بگرفتن شما گوساله را پس بازگردید بسوی پروردگار خود پس بکشید نفسهای خود را
ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ
آن بهتر برای شما نزد پروردگار شما پس پذیرفت توبه شما را بدرستیکه او اوست
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۝ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى
پذیرنده مهربان و چون گفتید ای موسی ایمان نیاوریم مر ترا تا ببینیم
اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ۝
خدا را آشکارا پس فرا گرفت شما را صاعقه و شما می نگریستید

ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَظَلَّلْنَا
عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِن
طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ
يَظْلِمُونَ ۝ وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَٰذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ
شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ
خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ۝ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا
غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ
بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۝ وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا
اضْرِب بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا
قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ
وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ۝ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَن
نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنبِتُ

الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا قَالَ

أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا

فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَ

بَاءُو بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ

اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا

يَعْتَدُونَ ۞ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَىٰ

وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ

أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۞ وَإِذْ

أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ

بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۞ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ

ذَٰلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ

الْخَاسِرِينَ ۞ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ

فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ۝ فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِمَا بَيْنَ

يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ ۝ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ

أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ۝ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ

يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ

عَوَانٌ بَيْنَ ذَٰلِكَ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ ۝ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ

يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا

تَسُرُّ النَّاظِرِينَ ۝ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ

الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ ۝ قَالَ

إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ

مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا

كَادُوا يَفْعَلُونَ ۝ وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ

مخرج ما كنتم تكتمون ۝ فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحي
الله الموتى ويريكم اياته لعلكم تعقلون ۝ ثم قست
قلوبكم من بعد ذلك فهي كالحجارة او اشد قسوة وان من
الحجارة لما يتفجر منه الانهار وان منها لما يشقق فيخرج منه
الماء وان منها لما يهبط من خشية الله وما الله بغافل عما
تعملون ۝ افتطمعون ان يؤمنوا لكم وقد كان فريق منهم
يسمعون كلام الله ثم يحرفونه من بعد ما عقلوه وهم
يعلمون ۝ واذا لقوا الذين امنوا قالوا امنا واذا خلا
بعضهم الى بعض قالوا اتحدثونهم بما فتح الله عليكم
ليحاجوكم به عند ربكم افلا تعقلون ۝ اولا يعلمون ان الله
يعلم ما يسرون وما يعلنون ۝ ومنهم اميون لا يعلمون
الكتاب الا اماني وان هم الا يظنون ۝ فويل للذين



يكسبون

يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا
مینویسند کتاب را بدستهای خود پس میگویند این از نزد خداست تا بخرند

بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا
بآن بهای اندک پس وای برآنان ازآنچه نوشت دستهای ایشان و وای برآنها ازآنچه

يَكْسِبُونَ ۝ وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً
کسب کردند و گفتند هرگز مس نمیکند ما را آتش مگر روزهای شمرده شده

قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ
بگو آیا فرا گرفتید نزد خدا پیمانی را پس خلاف نمیکند خدا پیمان خود را آیا

تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَ
میگویند برخدا آنچه نمیدانند آری هرکس که کسب کند بدی را و

أَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ
احاطه کند بآن گناهش پس آنها اهل آتشند ایشانند در آن جاودانان

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ
و آنانکه ایمان آوردند و کردند کار نیکو آنهایند اهل بهشت ایشانند

فِيهَا خَالِدُونَ ۝ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ
در آن جاودانان و هنگامی که گرفتیم پیمان از بنی اسرائیل که نپرستید

إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَ
مگر خدا و به پدر و مادر نیکوئی کردن و صاحب قرابت و یتیمان و

الْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَوةَ وَآتُوا
بیچارگان و گویید برای مردمان خوبی را و برپا دارید نماز را و بدهید

الزَّكَوةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ ۝
زکوة را پس برگشتید مگر اندکی از شما و شما روگردانندگانید

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ
و هنگامیکه گرفتیم پیمان از شما که مریزید خونهای خود را و بیرون مکنید

[illegible]

انفسكم من ديارکم ثم اقررتم وانتم تشهدون ۝ ثم انتم هؤلاء

خود ها تان را | از | خانه ها تان | پس | اقرار کردید و شما | گواه میدهید | پس | شما | این جماعت

تقتلون انفسكم وتخرجون فريقا منكم من ديارهم تظاهرون

می کشید | خود ها تان را | و بیرون کنید | پاره | از خود ها تان | از خانه ها تان | هم پشت میشوید

عليهم بالاثم والعدوان وان ياتوكم اسارى تفادوهم

بر ایشان | بر گناه | و بیداد | و اگر آورند شما را | اسیران | فدیه میدهید آنها را

وهو محرم عليكم اخراجهم افتؤمنون ببعض الكتاب و

و حال آنکه او حرامست بر شما | اخراج شان | آیا پس ایمان میدارید ببعضی | از کتاب | و

تكفرون ببعض فما جزاء من يفعل ذلك منكم الا خزى فى

و کافر میشوید | ببعضی | پس چیست جزای آنکه میکند | این را | از شما | مگر خواری | در

الحيوة الدنيا ويوم القيمة يردون الى اشد العذاب وما

زندگانی | دنیا | و روز | قیامت | بر گردانیده میشوند بسوی سخت ترین عذابی | و نیست

الله بغافل عما تعملون ۝ اولئك الذين اشتروا الحيوة الدنيا

خدا | غافل | از آنچه می کنید | آنها | کسانی اند که می خریدند | زندگانی دنیا را

بالاخرة فلا يخفف عنهم العذاب ولا هم ينصرون ۝ ولقد

بآخرت | پس تخفیف داده نشود از ایشان | عذاب | و نه آنها | یاری کرده شوند و هر آینه تحقیق

اتينا موسى الكتاب وقفينا من بعده بالرسل واتينا

دادیم | موسی را | کتاب | و براثر هم فرستادیم از بعد او | رسولان | و | دادیم

عيسى بن مريم البينات وايدناه بروح القدس افكلما

عیسی | پسر مریم را | بینه ها | و تایید کردیم او را بروح | پاک | آیا پس هر گاه

جاءكم رسول بما لا تهوى انفسكم استكبرتم ففريقا كذبتم

آمد شما را | فرستاده | بآنچه | نمیخواست | نفسهای شما | سرکشی کردید | پس پاره | تکذیب کردند

وفريقا تقتلون ۝ وقالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بكفرهم

و پاره را | کشتید | و گفتند دلهای ما | غلاف دار است | بلکه لعنت کرد خدا | ایشان را بکفر شان

فقليلا

فقليلا ما يؤمنون ۞ ولما جاءهم كتاب من عند الله مصدق

پس کمی ایمان میآوردند ۞ و چون آمد ایشان را کتاب از نزد خدا تصدیق کننده

لما معهم وكانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا به

آنچه که با ایشانست و بودند از پیش که طلب فتح می کردند بر آنانکه کافر بودند بآن

فلعنة الله على الكافرين ۞ بئسما اشتروا به أنفسهم أن

پس لعنت خدا بر کافران ۞ بداست آنچه فروختند بآن خودهاشان را که

يكفروا بما أنزل الله بغيا أن ينزل الله من فضله على من يشاء

کافر شوند بآنچه فرو فرستاد خدا از راه حسد که فرو می فرستد خدا از فضل خود بر آنکس که میخواهد

من عباده فباءو بغضب على غضب وللكافرين عذاب مهين

از بندگان خود پس بازگشت کردند بخشمی از خشمی ۞ و از برای کافرانست عذاب خوار کننده

وإذا قيل لهم آمنوا بما أنزل الله قالوا نؤمن بما أنزل علينا

و چون گفته شود مر ایشان را که ایمان آورند بآنچه فرو فرستاد خدا گویند ایمان می آوریم بآنچه فرو فرستاد بر ما

ويكفرون بما وراءه وهو الحق مصدقا لما معهم قل فلم تقتلون

و کافر میشوند بآنچه سوای آنست و او حق است تصدیق کننده آنچه با ایشانست بگو پس چرا کشتید

أنبياء الله من قبل إن كنتم مؤمنين ۞ ولقد جاءكم موسى

پیغمبران خدا را پیش از آنکه بودید گروندگان ۞ و هر آینه بتحقیق آمد شما را موسی

بالبينات ثم اتخذتم العجل من بعده وأنتم ظالمون ۞ وإذ أخذنا

با بینها پس گرفتید گوساله را از بعد او و شمائید ستمکاران ۞ و هنگامی که گرفتیم

ميثاقكم ورفعنا فوقكم الطور خذوا ما آتيناكم بقوة

پیمان شما را و بلند کردیم بالای شما را طور را بگیرید آنچه دادیم شما را بتوانائی

واسمعوا قالوا سمعنا وعصينا وأشربوا في قلوبهم العجل

و بشنوید گفتند شنیدیم و نافرمانی کردیم و آمیخته کرده شد

بكفرهم قل بئسما يأمركم به إيمانكم إن كنتم مؤمنين

بکفرشان بگو بد چیزیست آنچه امر می کند بآن ایمان شما اگر هستید گروندگان

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ

بگو اگر باشد برای شما خانه آخرت نزد خدا خالصه از غیر

النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا

مردم پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید راستگویان و آرزو نکنند آن را هرگز بسبب آنچه

قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ۝ وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ

پیش فرستاده دستهای ایشان و خدا داناست بستمکاران و هر آینه می یابی ایشان را حریص ترین مردمان

عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ

بر زندگی و از آنانکه شرک آوردند دوست میدارد یکی ایشان ای کاش عمر داده می شدند هزار سال

وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

و نیست او دور کننده اش از عذاب اگر عمر داده شود و خدا بیناست بآنچه می کنند

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ

بگو اگر باشد دشمن مر جبرئیل را پس بدرستی که او فرود آورد او را بر دل تو باذن خدا

مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ مَنْ

تصدیق کننده مر آنچه باشد میان دو دستش و هدایت و بشارت مر گروندگان را کسی که

كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ

باشد دشمن خدا و فرشتگان و پیغمبران او و جبرئیل و میکائیل پس بدرستی که خدا

عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ ۝ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا

دشمن است مر کافران را و هر آینه بتحقیق فرو فرستادیم بتو آیتهای روشن و

يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ۝ أَوَكُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ

کافر نشوند بآن مگر بدکاران آیا و هرگاه پیمان بستند عهدی را انداختند آن را

فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ

گروهی از ایشان بلکه بیشتر ایشان نمی گروند و چون آمد ایشان را فرستاده از

عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

از نزد خدا تصدیق کننده مر آنچه را با ایشان است انداختند گروهی را از آنکه داده شدند کتاب را

الکتاب

كِتَابَ اللّٰهِ وَرَآءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا

کتاب خدا پس پشتهاشان گویا ایشان نمیدانند و پیروی کردند آنچه را میخواندند

الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَٰكِنَّ

شیاطین بر ملک سلیمان و کافر نشد سلیمان و لیکن

الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ

شیاطین کافر شدند می آموختند مردمان را سحر و آنچه فرستاده شد بر دو فرشته

بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا

بابل هاروت و ماروت و نیاموختند هیچ احدی را تا اینکه میگفتند

إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ

جز این نیست که ما آزمایشیم پس کافر مشوید پس آموختند از آنها آنچه جدائی می افکندند بآن میان

الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُم بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللّٰهِ وَ

مرد و زن او و نبودند ایشان ضرر رسانندگان بآن هیچ احدی مگر باذن خدا و

يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ

می آموختند آنچه ضرر میرسانید ایشانرا و نفع نمیداد ایشانرا و بتحقیق دانستند که هر آینه خریدار آنرا نیست مر اورا

فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا

در آخرت هیچ نصیبی و هر آینه بد است آنچه فروختند بآن خودهاشانرا اگر بودند که میدانستند

يَعْلَمُونَ ۝ وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِندِ اللّٰهِ خَيْرٌ لَّوْ

میدانستند و اگر آنکه گرویدند و پرهیزکار شدند هر آینه مزد داده شده از نزد خدا بهتر بود اگر

كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا

بودند که میدانستند ای آنانکه گرویدند مگوئید راعنا و بگوئید

انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ مَا يَوَدُّ الَّذِينَ

انظرنا و بشنوید و از برای کافرانست عذاب دردناک دوست نمیدارند آنانکه

كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْكُم مِّنْ

کافر شدند از اهل کتاب و نه مشرکان اگر فرستاده شود بر شما از



خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ

خوبی از پروردگار شما و خدا مخصوص می سازد برحمت خود هر کرا میخواهد و خدا صاحب فضل

الْعَظِيمِ ۝ مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنْسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلِهَا أَلَمْ

بزرگ است آنچه منسوخ کنیم از آیتی یا ترک کنیم آنرا بیاریم بهتر از آن یا مانندش را آیا

تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ

نمیدانی که خدا بر همه چیز تواناست آیا نمیدانی که خدا مر او راست پادشاهی

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝

آسمانها و زمین و نیست مر شما را از غیر خدا هیچ یاری و نه یاری دهنده

أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ

آیا میخواهید که سوال کنید پیغمبراتان را چنانکه پرسیده شد موسی از پیش

وَمَنْ يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

و اگر بدل بگیرد کفر را بایمان پس بتحقیق که گمگشته است در میان راه

وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا

دوست داشته بسیاری از اهل کتاب کاش میگردانید شما را از بعد ایمانتان کافران

حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا

از روی حسد از نزد خودشان از بعد آنکه ظاهر شد مر ایشانرا حق پس عفو کنید

وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَ

و درگذرید تا بیاورد خدا امرش را بدرستیکه خدا بر هر چیز تواناست و

أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ

برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را و آنچه پیش فرستید برای خودتان از خوبی

تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ

می یابید آنرا نزد خدا بدرستیکه خدا بآنچه می کنید بیناست و گفتند هرگز داخل نشود بهشت را

الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ

بهشت را مگر کسی که باشد یهود یا ترسا این است آرزوهاشان بگو

هاتوا برهانكم ان كنتم صادقين بلى من اسلم وجهه لله وهو
بيارید حجت خود را اگر هستید راست گویان آری اگر خالص گردانید وجهش را برای خدا و او

محسن فله اجره عند ربه ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون
نیکوکار است پس مر او راست مزدش نزد پروردگارش و نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک می شوند

وقالت اليهود ليست النصارى على شيء وقالت النصارى
و گفتند یهودان نیستند نصرانیان بر چیزی و گفتند ترسایان

ليست اليهود على شيء وهم يتلون الكتاب كذلك قال
نیستند یهودان بر چیزی و آنها میخوانند کتاب را همچنین گفتند

الذين لا يعلمون مثل قولهم فالله يحكم بينهم يوم القيمة فيما
آنانکه نمیدانند مانند گفتن ایشان پس خدا حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه

كانوا فيه يختلفون ومن اظلم ممن منع مساجد الله ان يذكر
بودند که در آن اختلاف میکردند و کیست ستمکارتر از آنکه منع کرد مسجدهای خدا را که مذکور شود

فيها اسمه وسعى في خرابها اولئك ما كان لهم ان يدخلوها
در آن نامش و کوشیدند در خرابی آنها ایشان نباشد از برای ایشان که داخل شوند آنها

الا خائفين لهم في الدنيا خزي ولهم في الاخرة عذاب
مگر بیم دارندگان برای ایشان است در دنیا خواری و برای ایشانست در آخرت عذاب

عظيم ولله المشرق والمغرب فاينما تولوا فثم وجه الله
بزرگ و مر خداست مشرق و مغرب پس هر کجا که رو آرید پس آنجا روی خداست

ان الله واسع عليم وقالوا اتخذ الله ولدا سبحانه بل له
بدرستی که خدا وسعت دهنده داناست و گفتند فرا گرفت خدا فرزندی را دایم پاکیش را بلکه مر او راست

ما في السموات والارض كل له قانتون بديع السموات
آنچه در آسمانها و زمین است همگی او را فرمان بردارند نخست پدید آرنده آسمانها

والارض واذا قضى امرا فانما يقول له كن فيكون
و زمین است و چون اراده کند کاری را پس جز این نیست که میگوید مر او را که بشو پس می شود

گفته اند

که چون این آیه نازل شد حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منادی را فرمود که ندا کند الا لا یحج
بعد العام مشرک و لا یطوفن بهذا البیت عریان
این دلیلست بر این که مراد از مساجد مکه و مسجد
الحرام بوده باشد و الله یعلم و از زید ابن علی
ابن الحسین علیهما السلام بوساطت آبای کرام
او از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست
که مراد از مساجد درین کریمه جمیع روی زمین است
بدلیل قول حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
و آله جعلت لی الارض مسجدا و ترابها طهورا
و از حضرت امام جعفر صادق مرویست که
شان نزول آیه منع قریش است حضرت
رسول را از دخول مکه و مسجد الحرام و در بعضی از
روایات وارد شده که بعد از هجرت آنحضرت
قریش خراب نمودند مساجدی را که آن حضرت

این آیه

و لله المشرق در شان نماز نافله آمده و گروهی
قول و جهک شطر المسجد الحرام در باب فریضه
و این تفسیر از ائمه هدی صلوات الله علیهم مرویست
و فرموده اند که حضرت رسول وقتی که بخیبر تشریف
و هنگامی که از مکه مراجعت مینمودند نماز نافله را

[illegible]

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللّٰهُ اَوْ تَاْتِينَا اٰيَةٌ كَذٰلِكَ

قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا

الْاٰيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۝ اِنَّا اَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا

وَلَا تُسْئَلُ عَنْ اَصْحَابِ الْجَحِيمِ ۝ وَلَنْ تَرْضٰى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا

النَّصَارٰى حَتّٰى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ اِنَّ هُدَى اللّٰهِ هُوَ الْهُدٰى وَ

لَئِنِ اتَّبَعْتَ اَهْوَاۤءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاۤءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ

اللّٰهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝ اَلَّذِينَ اٰتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ

حَقَّ تِلَاوَتِهِ اُولٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَاُولٰئِكَ هُمُ

الْخَاسِرُونَ ۝ يَا بَنِي اِسْرَاۤئِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي اَنْعَمْتُ

عَلَيْكُمْ وَاَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ۝ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا

تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا

شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ۝ وَاِذِ ابْتَلٰى اِبْرٰهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ

فاتمهن

فَاَتَمَّهُنَّ قَالَ اِنِّی جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِی قَالَ
پس تمام کرد آنها را گفت بدرستی که من گرداننده ام ترا برای مردمان پیشوا گفت و از فرزندان من گفت

لَا يَنَالُ عَهْدِی الظَّالِمِينَ ۝ وَاِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً
نرسد عهد من ستمکاران را و هنگامی که گردانیدیم خانه را جای بازگشتن

لِلنَّاسِ وَاَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ اِبْرٰهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا
برای مردمان و امن و بگیرید از مقام ابراهیم جایگاه نماز و عهد کردیم

اِلٰى اِبْرٰهِيمَ وَاِسْمٰعِيلَ اَنْ طَهِّرَا بَيْتِیَ لِلطَّآئِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ
با ابراهیم و اسمعیل که پاک کنید خانه مرا از برای طواف کنندگان و معتکفان

وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ۝ وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا بَلَدًا
و راکعان و ساجدان و هنگامی که گفت ابراهیم پروردگارا بگردان این را شهری

اٰمِنًا وَارْزُقْ اَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ اٰمَنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَ
ایمن و روزی ده اهلش را از میوه ها آنکس که ایمان آورد از ایشان بخدا

الْيَوْمِ الْاٰخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَاُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ اَضْطَرُّهُ اِلٰى
و روز بازپسین گفت و کسی که کافر شد پس برخوردار کنم اندکی پس ملجا سازم او را بسوی

عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ وَاِذْ يَرْفَعُ اِبْرٰهِيمُ الْقَوَاعِدَ
عذاب دوزخ و بد است آن جای بازگشت وقتی که بلند کرد ابراهیم پایه ها را

مِنَ الْبَيْتِ وَاِسْمٰعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ
از خانه و اسمعیل پروردگارا قبول کن از ما بدرستیکه تویی تو شنوای

الْعَلِيمُ ۝ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا اُمَّةً
دانا پروردگارا و بگردان ما را دو گردن نهنده مخلص برای خود و از فرزندان ما گروهی

مُسْلِمَةً لَكَ وَاَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ
فرمانبردار مر ترا و بنما ما را مناسک ما و بپذیر بر ما بدرستی تویی تو توبه پذیرنده

الرَّحِيمُ ۝ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ
مهربان پروردگارا و برانگیز در میان ایشان پیغمبری از ایشان که بخواند بر ایشان

آياتك ويعلمهم الكتاب والحكمة ويزكيهم إنك أنت
آیتهای ترا و بیاموزد ایشان را کتاب و حکمت و پاک سازد ایشان را بدرستی که توئی تو
العزيز الحكيم ۝ ومن يرغب عن ملة إبراهيم إلا من سفه
غالب درست کردار و کیست که برگردد از کیش ابراهیم مگر آنکس که خوار کرده
نفسه ولقد اصطفيناه في الدنيا وإنه في الآخرة لمن
نفس خود را و هر آینه بتحقیق برگزیدیم او را در دنیا و بدرستی که او هست در آخرت هر آینه از
الصالحين ۝ إذ قال له ربه أسلم قال أسلمت لرب العالمين
شایسته کاران هنگامی که گفت مر او را پروردگارش که فرمانبر گفت فرمان بردم مر پروردگار جهانیان را
ووصى بها إبراهيم بنيه ويعقوب يا بني إن الله اصطفى
و وصیت کرد بآن ابراهیم پسران خود را و یعقوب ای پسران من بدرستی که خدا برگزید
لكم الدين فلا تموتن إلا وأنتم مسلمون ۝ أم كنتم شهداء
برای شما دین را پس باید که شما نمیرید الا و در شما باشید از مسلمانان یا بودید حاضر شدگان
إذ حضر يعقوب الموت إذ قال لبنيه ما تعبدون من
وقتی که حاضر شد یعقوب مرگرا و هنگامی که گفت مر پسرانش را چه می پرستید از
بعدي قالوا نعبد إلهك وإله آبائك إبراهيم وإسماعيل
بعد من گفتند می پرستیم خدای ترا و خدای پدران ترا ابراهیم و اسمعیل
وإسحاق إلها واحدا ونحن له مسلمون ۝ تلك أمة قد خلت
و اسحق خدای یگانه و ما هستیم مر او را گردن نهندگان آنها گروهی بودند که بتحقیق درگذشتند
لها ما كسبت ولكم ما كسبتم ولا تسألون عما كانوا
مر آنهاراست آنچه کسب کردند و مر شماراست آنچه کسب کردید و پرسیده نشوید از آنچه بودند که
يعملون ۝ وقالوا كونوا هودا أو نصارى تهتدوا قل بل
میکردند و گفتند باشید یهودان یا ترسایان تا راه یابید بگو بلکه
ملة إبراهيم حنيفا وما كان من المشركين ۝ قولوا آمنا بالله
دین ابراهیم راست حق گرای و نبود از شرک آورندگان بگوئید گرویدیم بخدا

وما

وما أنزل إلينا وما أنزل إلى إبرهيم وإسمعيل وإسحق و
و آنچه فرو فرستاده شد بسوی ما و آنچه فرستاده شد بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و
يعقوب والأسباط وما أوتي موسى وعيسى وما أوتي
یعقوب و فرزندان و آنچه داده شد موسی و عیسی را و آنچه داده شد
النبيون من ربهم لا نفرق بين أحد منهم ونحن له مسلمون
به پیغمبران دیگر از پروردگار ایشان جدایی نمی اندازیم میان یکی از ایشان و ما ایم مر او را گردن نهندگان
فإن آمنوا بمثل ما آمنتم به فقد اهتدوا وإن تولوا فإنما هم
پس اگر ایمان آورند بمانند آنچه گرویدید بآن پس بتحقیق هدایت یافتند و اگر رو گردانند پس جز این نیست که ایشان
في شقاق فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم صبغة
در مخالفت اند پس بسنده باشد ترا از ایشان خدا و اوست شنوای دانا رنگ کرد
الله ومن أحسن من الله صبغة ونحن له عابدون قل
خدا و کیست نیکوتر از خدا در رنگ کردن و ما مر او را پرستندگانیم بگو
أتحاجوننا في الله وهو ربنا وربكم ولنا أعمالنا ولكم
آیا خصومت می کنید با ما در خدا و اوست پروردگار ما و پروردگار شما و ما راست کردارهای ما و مر شما راست
أعمالكم ونحن له مخلصون أم تقولون إن إبرهيم و
کردارهای شما و ما ایم مر او را مخلصان آیا میگویید که ابراهیم و
إسمعيل وإسحق ويعقوب والأسباط كانوا هودا أو
اسمعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان او بودند یهودان یا
نصارى قل ءأنتم أعلم أم الله ومن أظلم ممن كتم شهادة
ترسایان بگو آیا شما داناترید یا خدا و کیست ستمکارتر از آنکه پوشید گواهی را
عنده من الله وما الله بغافل عما تعملون تلك أمة
نزد او از خدا و نیست خدا بیخبر از آنچه می کنید آن جماعتی بودند
قد خلت لها ما كسبت ولكم ما كسبتم ولا تسئلون عما
که بتحقیق درگذشت مر آنهاست آنچه کسب میکردند و مر شماراست آنچه کسب کردید و سؤال کرده نمی شوید از آنچه

كانوا يعملون ۞ سيقول السفهاء من الناس ما ولىهم عن قبلتهم

التي كانوا عليها قل لله المشرق والمغرب يهدي من يشاء

إلى صراط مستقيم ۞ وكذلك جعلناكم أمة وسطا لتكونوا

شهداء على الناس ويكون الرسول عليكم شهيدا وما

جعلنا القبلة التي كنت عليها إلا لنعلم من يتبع الرسول

ممن ينقلب على عقبيه وإن كانت لكبيرة إلا على الذين

هدى الله وما كان الله ليضيع إيمانكم إن الله بالناس لرءوف

رحيم ۞ قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك قبلة

ترضىها فول وجهك شطر المسجد الحرام وحيث ما كنتم

فولوا وجوهكم شطره وإن الذين أوتوا الكتاب ليعلمون

أنه الحق من ربهم وما الله بغافل عما يعملون ۞ ولئن أتيت

الذين أوتوا الكتاب بكل آية ما تبعوا قبلتك وما أنت

بتابع

بتابع قبلتهم وما بعضهم بتابع قبلة بعض ولئن اتبعت اهواءهم
من بعد ما جاءك من العلم انك اذا لمن الظالمين ۝ الذين
آتيناهم الكتاب يعرفونه كما يعرفون ابناءهم وان فريقا
منهم ليكتمون الحق وهم يعلمون ۝ الحق من ربك فلا تكونن
من الممترين ۝ ولكل وجهة هو موليها فاستبقوا الخيرات
اين ما تكونوا يأت بكم الله جميعا ان الله على كل شيء قدير ۝
ومن حيث خرجت فول وجهك شطر المسجد الحرام وانه
للحق من ربك وما الله بغافل عما تعملون ۝ ومن حيث خرجت
فول وجهك شطر المسجد الحرام وحيث ما كنتم فولوا
وجوهكم شطره لئلا يكون للناس عليكم حجة الا
الذين ظلموا منهم فلا تخشوهم واخشوني ولاتم نعمتي عليكم
ولعلكم تهتدون ۝ كما ارسلنا فيكم رسولا منكم

يتلوا عليكم آياتنا ويزكيكم ويعلمكم الكتاب و
كه بخواند بر شما آيتهاى ما را و پاك سازد شما را و بياموزد شما را كتاب و

الحكمة ويعلمكم ما لم تكونوا تعلمون ۞ فاذكروني
حكمت و بياموزد شما را آنچه نبوده باشيد كه بدانيد پس ياد كنيد مرا

اذكركم واشكروا لي ولا تكفرون ۞ يا ايها الذين
تا ياد كنم شما را و شكر كنيد مرا و ناسپاسى مكنيد اى آن كسانى كه

آمنوا استعينوا بالصبر والصلوة ان الله مع الصابرين
گرويديد يارى جوييد بصبر و نماز بدرستى كه خدا با صبر كنندگان است

ولا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله اموات بل احياء و
و مگوييد مر كسانى را كه كشته ميشوند در راه خدا مردگانند بلكه زندگانند و

لكن لا تشعرون ۞ ولنبلونكم بشيء من الخوف و
وليكن نميدانيد و هر آينه مى آزماييم شما را بچيزى از خوف و

الجوع ونقص من الاموال والانفس والثمرات وبشر
گرسنگى و كاستن از مالها و نفسها و ميوه ها و مژده ده

الصابرين ۞ الذين اذا اصابتهم مصيبة قالوا انا لله
صبر كنندگان را كسانى را كه چون رسد مصيبت ايشان را گويند بدرستى كه ما از آن خداييم

وانا اليه راجعون ۞ اولئك عليهم صلوات من ربهم
و بدرستى كه ما بسوى او بازگشت كنندگانيم آنها اند بر ايشانست رحمتها از پروردگارشان

ورحمة واولئك هم المهتدون ۞ ان الصفا والمروة
و آمرزش و آنها اند آنها كه راه يافتگان بدرستى صفا و مروه

من شعائر الله فمن حج البيت او اعتمر فلا جناح عليه
از نشانهاى خداست پس كسى كه حج گزارد آن خانه را يا عمره كرد پس نيست گناهى بر او

ان يطوف بهما ومن تطوع خيرا فان الله شاكر عليم ۞
كه طواف كند بر آن و كسى كه رغبت كند خوبى را پس بدرستى كه خدا شاكر و داناست

آيه ان الصفا

از حضرت صادق مرويست كه در عمرة القضا نازل شد و منشاء آن آن بود كه حضرت رسالت با كفار قريش شرط كرده بود كه ايشان بتهايى كه بر صفا و مروه گذارده بودند ...

ان الذين



إن الذين يكتمون ما أنزلنا من البينات والهدى من بعد
ما بيناه للناس في الكتاب أولئك يلعنهم الله ويلعنهم
اللاعنون ۝ إلا الذين تابوا وأصلحوا وبينوا فأولئك أتوب
عليهم وأنا التواب الرحيم ۝ إن الذين كفروا وماتوا وهم
كفار أولئك عليهم لعنة الله والملائكة والناس أجمعين
خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب ولا هم ينظرون ۝
وإلهكم إله واحد لا إله إلا هو الرحمن الرحيم ۝ إن في
خلق السماوات والأرض واختلاف الليل والنهار
والفلك التي تجري في البحر بما ينفع الناس وما أنزل
الله من السماء من ماء فأحيا به الأرض بعد موتها و
بث فيها من كل دابة وتصريف الرياح والسحاب المسخر
بين السماء والأرض لآيات لقوم يعقلون ۝ ومن الناس

مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللهِ اَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا

کسیست که میگیرد از غیر خدا همتایان دوست میدارد ایشانرا چون دوستی خدا و آنانکه گرویدند

اَشَدُّ حُبًّا لِلهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا اِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ اَنَّ

سخت ترند در دوست داشتن خدا و اگر ببینند آنانکه ستمگر کردند هنگامی که ببینند عذاب را بدرستی که

الْقُوَّةَ لِلهِ جَمِيعًا وَاَنَّ اللهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ۞ اِذْ تَبَرَّاَ الَّذِينَ

توانائی مخصوص خداست همگی و بدرستی خدا سخت عذاب است وقتی که بیزاری جویند آنانکه

اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَاَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْاَسْبَابُ

پیروی کرده شدند از آنانکه پیروی کردند و ببینند عذاب را و بریده شود بایشان اسبابها

وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ اَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّاَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا

و گویند آنانکه پیروی کردند کاش بودی برای ما بازگشتنی پس بیزاری جستیم از ایشان چنانکه بیزاری جستند از ما

كَذٰلِكَ يُرِيهِمُ اللهُ اَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ

همچنانکه نماید ایشان خدا کردارشانرا حسرتها است بر ایشان و نباشد ایشان بیرون رونده

مِنَ النَّارِ ۞ يَا اَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْاَرْضِ حَلَالًا

از آتش ای مردمان بخورید از آنچه در زمین است حلال

طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ اِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

پاکیزه و پیروی مکنید گامهای شیطان را بدرستی که او شما را است دشمنی آشکارا

اِنَّمَا يَاْمُرُكُمْ بِالسُّوٓءِ وَالْفَحْشَاءِ وَاَنْ تَقُولُوا عَلَى اللهِ

این است جز این نیست که امر میکند شما را به بدی و زشتی و آنکه گوئید بر خدا

مَا لَا تَعْلَمُونَ ۞ وَاِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا اَنْزَلَ اللهُ قَالُوا بَلْ

آنچه نمیدانید و چون گفته شود مر ایشانرا که پیروی کنید آنچه فرو فرستاد خدا گفتند بلکه

نَتَّبِعُ مَا اَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا اَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

پیروی میکنیم آنچه الفت یافته ایم بر آن پدران خود را اگرچه بوده باشد پدران ایشان که نمیدانند

شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ۞ وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي

چیزی را و نه راه یابند و مثل آنانکه کافر شدند مانند مثل کسانی است

يَنْعِقُ

ينعق بما لا يسمع الا دعاء ونداء صم بكم عمى فهم لا
که بانگ زند بآنچه نشنود مگر خواندنی و آواز کرانست و گنگانند کورانند پس ایشان
يعقلون ۝ يا ايها الذين امنوا كلوا من طيبات ما رزقناكم
در نمی یابند بعقل ای آنانکه ایمان آورده اید بخورید از پاکیزها آنچه روزی کردیم شمارا
واشكروا لله ان كنتم اياه تعبدون ۝ انما حرم عليكم
و شکر کنید مر خدا را اگر باشید که اورا عبادت کنید جز این نیست که حرام کرد بر شما
الميتة والدم ولحم الخنزير وما اهل به لغير الله فمن اضطر
مردار و خون و گوشت خوک و آنچه صدا بلند کرده باشند برای غیر خدا پس کسی که مضطر شد
غير باغ ولا عاد فلا اثم عليه ان الله غفور رحيم ۝ ان
خروج کننده بر امام و نه تجاوز کننده پس نیست گناهی بر او بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست بدرستی که
الذين يكتمون ما انزل الله من الكتاب ويشترون به
آنانکه میپوشند آنچه فرو فرستاد خدا از کتاب و میفروشند بآن
ثمنا قليلا اولئك ما ياكلون فى بطونهم الا النار ولا
بهای اندک آنها اند که نمیخورند در شکمهاشان مگر آتش و
يكلمهم الله يوم القيمة ولا يزكيهم ولهم عذاب اليم
سخن نمی کند بایشان خدا روز قیامت و پاک نمیسازد ایشان را و مر ایشانراست عذاب دردناک
اولئك الذين اشتروا الضلالة بالهدى والعذاب
آنها اند که خریدند گمراهی را بهدایت و عذاب را
بالمغفرة فما اصبرهم على النار ۝ ذلك بان الله نزل
بآمرزش پس چه چیز شکیبا گردانید ایشانرا بر آتش آن است باین که خدا فرو فرستاد
الكتاب بالحق وان الذين اختلفوا فى الكتاب لفى شقاق
کتاب را براستی و بدرستیکه آنانکه اختلاف کردند در کتاب هر آینه در بدی و نفاق
بعيد ۝ ليس البر ان تولوا وجوهكم قبل المشرق و
دور نیست نیکوئی آنکه بگردانید رویهای شما را پیش از مشرق و

ٱلمَغرِبِ وَلٰكِنَّ ٱلبِرَّ مَنْ آمَنَ بِٱللّٰهِ وَٱليَومِ ٱلآخِرِ وَٱلمَلٰٓئِكَةِ
مغرب و لیکن نیکو کسیست که ایمان آورد بخدا و روز بازپسین و فرشتگان

وَٱلكِتٰابِ وَٱلنَّبِيّٖنَ وَآتَى ٱلمَالَ عَلٰى حُبِّهٖ ذَوِي ٱلقُربٰى وَ
و کتاب و پیغمبران و داد مال را بر دوستی او صاحبان قرابت و

ٱليَتٰامٰى وَٱلمَسٰاكِينَ وَٱبنَ ٱلسَّبِيلِ وَٱلسَّآئِلِينَ وَفِي ٱلرِّقَابِ
یتیمان و درماندگان و روندگان راه و سؤال کنندگان و در گردنها

وَأَقَامَ ٱلصَّلٰوةَ وَآتَى ٱلزَّكٰوةَ وَٱلمُوفُونَ بِعَهدِهِم إِذَا عٰاهَدُوا
و برپای داشت نماز را و داد زکوة را و وفا کنندگان بعهد شان چون پیمان کنندگان

وَٱلصّٰابِرِينَ فِي ٱلبَأسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَحِينَ ٱلبَأسِ أُولٰٓئِكَ
و شکیبایان در سختیها و زیانها و هنگام کارزار آنها اند

ٱلَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولٰٓئِكَ هُمُ ٱلمُتَّقُونَ ۞ يٰٓا أَيُّهَا ٱلَّذِينَ آمَنُوا
کسانی که راستی کردند و آنها اند آنها پرهیزکاران ای کسانی که گرویدید

كُتِبَ عَلَيكُمُ ٱلقِصٰاصُ فِي ٱلقَتلٰى ٱلحُرُّ بِٱلحُرِّ وَٱلعَبدُ
نوشته شد بر شما قصاص در کشته شدها آزاد به آزاد و بنده

بِٱلعَبدِ وَٱلأُنثٰى بِٱلأُنثٰى فَمَن عُفِيَ لَهُ مِن أَخِيهِ شَيءٌ فَٱتِّبَاعٌ
به بنده و زن بزن پس کسی که عفو کرده شد مر او را از برادرش چیزی پس از پی رفتن است

بِٱلمَعرُوفِ وَأَدَآءٌ إِلَيهِ بِإِحسٰانٍ ذٰلِكَ تَخفِيفٌ مِن رَبِّكُم
بخوبی و ادا کردن به او به نیکویی آن سبک است از پروردگار شما

وَرَحمَةٌ فَمَنِ ٱعتَدٰى بَعدَ ذٰلِكَ فَلَهُ عَذٰابٌ أَلِيمٌ ۞ وَلَكُم
و رحمت است پس از آنکه از حد گذشت پس از آن پس مر او راست عذاب دردناک و مر شما راست

فِي ٱلقِصٰاصِ حَيٰوةٌ يٰٓا أُولِي ٱلأَلبٰابِ لَعَلَّكُم تَتَّقُونَ ۞
در قصاص زندگانی ای صاحبان خردها باشد که شما پرهیز کنید

كُتِبَ عَلَيكُم إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ ٱلمَوتُ إِن تَرَكَ خَيرًا
نوشته شد بر شما چون حاضر شود یکی را از شما مرگ اگر گذارید مالی را

یعنی
سخت نگیرد بر قاتل هرگاه پریشان
باشد و صبر کند تا وقتی که
مقدور شود
با مدارت زود دیت را
بدهد و تاخیر نیندازد

الوصية

الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ

فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ

اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ

فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ

عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ

تَتَّقُونَ ۝ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ

عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ

مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ

إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ

هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ

مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ

فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ



الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللهَ عَلَى مَا هَدَىٰكُمْ وَ

دشواری را و برای آنکه تمام کنند شماره را و بزرگی یاد کنند خدا را بر آنچه هدایت کرد شما را و

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي

باشد که شما شکر کنید و چون پرسند تو را بندگان من از من پس بدرستی که من

قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي

نزدیک برآورنده ام خواندن خواننده را چون بخواند مرا پس باید طلب اجابت کنند مرا و باید بگروند به من

لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ۝ أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ

باشد که ایشان بعلاج رسند حلال کرده شد برای شما شب روزه جماع با

نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللهُ أَنَّكُمْ

زنان شما ایشان لباس اند مر شما را و شما باشید لباس مر ایشان را دانست خدا که شما

كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ

بودید که خیانت کردید خودتان را پس پذیرفت بر شما و درگذشت از شما

فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا

پس اکنون مباشرت کنید با ایشان و بجوئید آنچه نوشت خدا برای شما و بخورید و بیاشامید

حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ

تا پیدا شود مر شما را رشته سفید از رشته سیاه از

الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ

صبح پس تمام کنید روزه را تا شب و مباشرت مکنید آنها را و شما باشید

عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَٰلِكَ

معتکفان در مسجدها این حدهای خدا است پس نزدیک مشوید آن را همچنین

يُبَيِّنُ اللهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ

بیان میکند خدا آیتهایش را برای مردمان باشد که پرهیزکار شوند و مخورید مالهای یکدیگر را

بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا

میان خودتان بباطل و مفرستید آن را بحاکمها تا بخورید پاره را

امن

مِنْ اَمْوَالِ النَّاسِ بِالْاِثْمِ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۞ يَسْئَلُونَكَ عَنِ

از مالهای مردمان بجای و شما میدانید سوال میکنند ترا از

الْاَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِاَنْ

هلالهای ماه بگو آن وقتهاست برای مردمان و حج گذاردن خوب بآنکه

تَاْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلٰكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقٰى وَاْتُوا الْبُيُوتَ

درآیید بخانها از پشتهای آنها و لیکن نیکویی کسی که پرهیز کند و درآیید بخانها

مِنْ اَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۞ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ

از درهای آن و بپرهیزید از خدا باشد که رستگار شوید و کارزار کنید در راه خدا

اللّٰهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

خدا باکسانیکه کارزار می کنند شمارا و از حد درمگذرید بدرستیکه خدا دوست نمیدارد از حد گذرندگان را

وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَاَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ اَخْرَجُوكُمْ وَ

و بکشید ایشانرا هر جا که یابید شان و بیرون کنید ایشانرا از هر جا که بیرون کردند شمارا

الْفِتْنَةُ اَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

و فتنه سخت تر است از کشتن و کارزار مکنید ایشانرا نزد مسجد الحرام

حَتّٰى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَاِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذٰلِكَ جَزَاءُ

تا آنکه کارزار کنند شمارا در آن پس اگر کارزار کنند با شما پس کارزار شان همچنین است جزای

الْكَافِرِينَ ۞ فَاِنِ انْتَهَوْا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۞ وَقَاتِلُوهُمْ

کافران پس اگر باز ایستند پس بدرستی که خدا آمرزنده مهربان است و کارزار کنید ایشانرا

حَتّٰى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلّٰهِ فَاِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ

تا نبوده باشد فتنه و باشد دین برای خدا پس اگر باز ایستند پس نیست تعدی

اِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ۞ اَلشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ

مگر بر ستمکاران ماه حرام بماه حرام است و حرمتها

قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدٰى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ

قصاص است پس کسی که تعدی کرد بر شما پس تعدی کنید بر او بمانند

یعنی
چنانچه مشرکان حرمت
ماه ذیقعده الحرام سال گذشته را
نگاه نداشته مانع شما شدند و خواستند
با شما مقاتله نمایند شما هم در ماه
ذیقعده این سال روید بمکه بعنوان
قهر و غلبه و اگر مانع شما شوند شما با
ایشان کارزار نمایید
بی خوف

ما اعتدى عليكم واتقوا الله واعلموا ان الله مع المتقين

آنچه تعدی کرد بر شما و بپرهیزید از خدا و بدانید بدرستیکه خدا با پرهیزکاران است

وانفقوا في سبيل الله ولا تلقوا بايديكم الى التهلكة

و انفاق کنید در راه خدا و میندازید بدستهای خود خود را به هلاکت

واحسنوا ان الله يحب المحسنين واتموا الحج والعمرة

و نیکوئی کنید بدرستی خدا دوست میدارد نیکوکاران را و تمام کنید حج و عمره را

لله فان احصرتم فما استيسر من الهدي ولا تحلقوا رؤسكم

برای خدا پس اگر بازداشته شوید پس آنچه میسر شود از هدیه و قربانی و متراشید سرهای خود را

حتى يبلغ الهدي محله فمن كان منكم مريضا او به اذى

تا آنکه برسد قربانی بجای خودش پس کسی که باشد از شما بیمار یا با او آزاری باشد

من راسه ففدية من صيام او صدقة او نسك فاذا امنتم

از سر او پس فدا است از روزه یا صدقه یا قربانی کردن پس چون ایمن شوید

فمن تمتع بالعمرة الى الحج فما استيسر من الهدي فمن لم

پس کسی تمتع کند از عمره به حج پس آنچه میسر شود از قربانی پس کسی که

يجد فصيام ثلثة ايام في الحج وسبعة اذا رجعتم تلك

نیافت پس روزه سه روز در حج است و هفت چون بازگشتید این است

عشرة كاملة ذلك لمن لم يكن اهله حاضري المسجد

ده روزه تمام آن برای کسیست که نباشد اهل او حاضران مسجد

الحرام واتقوا الله واعلموا ان الله شديد العقاب الحج

الحرام و بپرهیزید از خدا و بدانید که خدا سخت عقوبت حج

اشهر معلومات فمن فرض فيهن الحج فلا رفث ولا فسوق

ماههای معلوم است پس کسی که واجب گرداند در آن حج را پس نه جماع است و نه کارهای بد

ولا جدال في الحج وما تفعلوا من خير يعلمه الله وتزودوا

و نه جنگ در حج و هرچه میکنید از خوبی میداند آن را خدا و توشه برگیرید

فَاِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوٰى وَاتَّقُونِ يَا اُولِي الْاَلْبَابِ ۞ لَيْسَ

پس بدرستی بهترین توشه پرهیزکاریست و بپرهیزید از من ای صاحبان خردها نیست

عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَاِذَا اَفَضْتُمْ مِنْ

بر شما گناهی اینکه بجویید زیادتی را از پروردگارتان پس چون برگشتید از

عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ

عرفات پس یاد کنید خدا را نزد مشعر الحرام و یاد کنید او را

كَمَا هَدٰيكُمْ وَاِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ ۞ ثُمَّ اَفِيضُوا

چنانکه هدایت کرد شما را و اگرچه بودید پیش از آن هرآینه از گمراهان پس بازگردید

مِنْ حَيْثُ اَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ

از جائی که برگشتند مردم و آمرزش خواهید از خدا بدرستی که خدا آمرزنده

رَحِيمٌ ۞ فَاِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ

مهربانست پس چون گذاردید مناسک حجهای خود را پس یاد کنید خدا را

كَذِكْرِكُمْ اٰبَاءَكُمْ اَوْ اَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ

مثل یاد کردن شما پدرانتان را یا سختتر یاد کردنی پس از مردمان کیست که

يَقُولُ رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْاٰخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ

میگوید پروردگارا بده ما را در دنیا و نیست مر او را در آخرت هیچ نصیبی

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ

و از ایشان کیست که میگوید پروردگارا بده ما را در دنیا خوبی و در آخرت

حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۞ اُولٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا

خوبی و نگاه دار ما را از عذاب آتش آنها ایشانراست بهره از آنچه

كَسَبُوا وَاللّٰهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۞ وَاذْكُرُوا اللّٰهَ فِي اَيَّامٍ

کسب کردند و خدا زود حسابست و یاد کنید خدا را در روزهای

مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا اِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ

شمرده شده پس کسی که شتاب کند در دو روز پس نیست گناهی بر او و کسی که

از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه مرویست که قریش چون از مناسک حج فارغ میشدند و مفاخره بر آباء خود و حکایت روزگاران گذشته را ذکر میکردند پس خدا تعالی امر نمود که بجای ذکر پدران خود ذکر خدا کنید در آن مکان شریف

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که حسنه دنیا زن نیکوست و حسنه آخرت بهشت است

و از اخبار مستفاد میشود که ایام معدودات عبارت از ایام تشریق است

نصف

تأخر فلا إثم عليه لمن اتقى واتقوا الله واعلموا أنكم إليه
تحشرون ومن الناس من يعجبك قوله في الحيوة الدنيا
ويشهد الله على ما في قلبه وهو ألد الخصام وإذا تولى
سعى في الأرض ليفسد فيها ويهلك الحرث والنسل
والله لا يحب الفساد وإذا قيل له اتق الله أخذته
العزة بالإثم فحسبه جهنم ولبئس المهاد ومن الناس
من يشري نفسه ابتغاء مرضات الله والله رءوف بالعباد
يا أيها الذين آمنوا ادخلوا في السلم كافة ولا تتبعوا
خطوات الشيطان إنه لكم عدو مبين فإن زللتم
من بعد ما جاءتكم البينات فاعلموا أن الله عزيز
حكيم هل ينظرون إلا أن يأتيهم الله في ظلل من الغمام
والملائكة وقضي الأمر وإلى الله ترجع الأمور سل بني

اسرائیل کم آتیناهم من آیة بینة ومن یبدل نعمة الله

ای پسر اسرائیل را که چند دادیم ایشان را از آیت روشن و کسی که تبدیل کند نعمت خدا را

من بعد ما جاءته فإن الله شدید العقاب ۝ زین للذین

از بعد آنچه آمد او را پس به درستی خدا سخت عقوبت است آراسته شد برای آنانکه

کفروا الحیوة الدنیا ویسخرون من الذین آمنوا والذین

کافر شدند زندگانی دنیا و سخریه کنند بکسانی که گرویدند و آنانکه

اتقوا فوقهم یوم القیمة والله یرزق من یشاء بغیر حساب

پرهیزکار شدند بالای ایشان روز قیامت و خدا روزی میدهد کسی را که میخواهد بغیر حساب

کان الناس أمة واحدة فبعث الله النبیین مبشرین و

بودند مردمان امت و گروه واحد پس برانگیخت خدا پیغمبران را مژده دهنده و

منذرین وأنزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

ترساننده و فرو فرستاد با ایشان کتاب را بحق تا حکم کند میان مردمان

فیما اختلفوا فیه وما اختلف فیه إلا الذین أوتوه من

در آنچه اختلاف کردند در آن و اختلاف نکردند در آن مگر آنانکه داده شدند از

بعد ما جاءتهم البینات بغیا بینهم فهدی الله الذین

بعد آنچه آمد ایشان را از حجتها از راه بغی میانشان پس هدایت کرد خدا کسانی را که

آمنوا لما اختلفوا فیه من الحق بإذنه والله یهدی من

گرویدند مر آنچه اختلاف کردند در آن از حق بامر او و خدا هدایت میکند هر کرا

یشاء إلی صراط مستقیم ۝ أم حسبتم أن تدخلوا الجنة

میخواهد بسوی راه راست آیا پنداشتید که داخل میشوید بهشت را

ولما یأتکم مثل الذین خلوا من قبلکم مستهم البأساء

و هنوز نیامده است شما را مثل کسانی که گذشتند پیش از شما رسید ایشان را سختی

والضراء وزلزلوا حتی یقول الرسول والذین آمنوا معه

و ضررها و جای برکنده شدند تا میگفت فرستاده و کسانی که گرویدند با او

از حضرت
ابی جعفر علیه السلام
مرویست که پیش از نوح همه آدمیان
بر فطرت الهی بودند مهتدی نه
بودند و نه گمراه این بعضی پیغمبری و برخی
ندا شنیدند مکلف بودند بعمل بمقتضای
عقول و فرمود که پس پیغمبران را
خدای تعالی فرستاد با شرایع و
بعضی از مفسرین گفته اند که همه
ناس پس از نوح علیه السلام
کافر بودند پس خدای تعالی پیغمبران
و شرایع را فرستاد

مَتیٰ نَصْرُ اللّٰهِ اَلَا اِنَّ نَصْرَ اللّٰهِ قَرِیبٌ ۞ یَسْئَلُونَکَ مَاذَا
کی باشد یاری خدا آگاه باشید بدرستی یاری خدا نزدیکست میپرسند ترا که چه چیز
یُنْفِقُونَ قُلْ مَآ اَنْفَقْتُمْ مِنْ خَیْرٍ فَلِلْوَالِدَیْنِ وَالْاَقْرَبِینَ وَ
انفاق کنند بگو آنچه را انفاق کردید از مال پس از برای پدر و مادر و نزدیکان و
الْیَتَامیٰ وَالْمَسَاکِینِ وَابْنِ السَّبِیلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَیْرٍ
بی پدران و بیچارگان و پسران راه و آنچه میکنید از خوبی
فَاِنَّ اللّٰهَ بِهٖ عَلِیمٌ ۞ کُتِبَ عَلَیْکُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ کُرْهٌ لَکُمْ
پس بدرستیکه خدا بآن داناست نوشته شد بر شما کارزار و آن مشقت مر شما راست
وَعَسیٰ اَنْ تَکْرَهُوا شَیْئًا وَهُوَ خَیْرٌ لَکُمْ وَعَسیٰ اَنْ تُحِبُّوا شَیْئًا
و شاید که ناخوش دارید چیزی را و آن بهتر است مر شما را و شاید که دوست دارید چیزی را
وَهُوَ شَرٌّ لَکُمْ وَاللّٰهُ یَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۞ یَسْئَلُونَکَ
و او بد است مر شما را و خدا میداند و شما نمیدانید می پرسند ترا
عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِیهِ قُلْ قِتَالٌ فِیهِ کَبِیرٌ وَصَدٌّ
از ماه حرام کارزار کردن در آن بگو کارزار در آن بزرگست و باز داشتن
عَنْ سَبِیلِ اللّٰهِ وَکُفْرٌ بِهٖ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاِخْرَاجُ اَهْلِهٖ
از راه خدا و کفر بخدا و مسجد الحرام و بیرون کردن اهل او
مِنْهُ اَکْبَرُ عِنْدَ اللّٰهِ وَالْفِتْنَةُ اَکْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا
از آن بزرگتر است نزد خدا و فتنه بزرگتر است از قتل و همیشه
یَزَالُونَ یُقَاتِلُونَکُمْ حَتّیٰ یَرُدُّوکُمْ عَنْ دِینِکُمْ اِنِ اسْتَطَاعُوا
کارزار می کنند با شما تا برگردانند شما را از دین شما اگر توانائی داشته باشند
وَمَنْ یَرْتَدِدْ مِنْکُمْ عَنْ دِینِهٖ فَیَمُتْ وَهُوَ کَافِرٌ فَاُولٰئِکَ حَبِطَتْ
و کسی که برگردد از شما از دین خویش پس بمیرد و او کافر باشد پس آنها ناچیز میشود
اَعْمَالُهُمْ فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَاُولٰئِکَ اَصْحَابُ النَّارِ هُمْ
کردارشان در دنیا و آخرت و آنها اند یاران آتش ایشانند

فيها خالدون ۞ ان الذين امنوا والذين هاجروا وجاهدوا

في سبيل الله اولئك يرجون رحمة الله والله غفور

رحيم ۞ يسئلونك عن الخمر والميسر قل فيهما اثم كبير

ومنافع للناس واثمهما اكبر من نفعهما ويسئلونك

ماذا ينفقون ۞ قل العفو كذلك يبين الله لكم الايات

لعلكم تتفكرون ۞ في الدنيا والاخرة ويسئلونك

عن اليتامى قل اصلاح لهم خير وان تخالطوهم فاخوانكم

والله يعلم المفسد من المصلح ولو شاء الله لاعنتكم ان

الله عزيز حكيم ۞ ولا تنكحوا المشركات حتى يؤمن ولامة

مؤمنة خير من مشركة ولو اعجبتكم ولا تنكحوا المشركين

حتى يؤمنوا ولعبد مؤمن خير من مشرك ولو اعجبكم

اولئك يدعون الى النار والله يدعوا الى الجنة و

المغفرة باذنه ويبين اياته للناس لعلهم يتذكرون

آمرزش باذن اوست و بیان میکند آیتهایش را برای مردمان باشد که ایشان پند گیرند

ويسئلونك عن المحيض قل هو اذى فاعتزلوا النساء في

و می پرسند ترا از حیض بگو آن بد است پس کناره جوئید از زنان در

المحيض ولا تقربوهن حتى يطهرن فاذا تطهرن فاتوهن

حیض و نزدیکی مکنید تا آنگه پاک شوند پس چون پاک شوند پس بیائید ایشان را

من حيث امركم الله ان الله يحب التوابين ويحب المتطهرين

از همه جا که فرمود شما را خدا بدرستی خدا دوست میدارد توبه کنندگان را و دوست میدارد پاکان را

نساؤكم حرث لكم فاتوا حرثكم انى شئتم وقدموا

زنان شما کشت زار اند مر شما را پس بیائید کشت زار خود را هر جا خواهید و مقدم دارید

لانفسكم واتقوا الله واعلموا انكم ملاقوه وبشر المؤمنين

برای خودهاتان و بپرهیزید از خدا و بدانید بدرستی که شما ملاقات کننده اید او را و مژده ده گروندگان را

ولا تجعلوا الله عرضة لايمانكم ان تبروا وتتقوا

و مگردانید خدا را دست آویز از برای سوگندهاتان که نیکوئی کنید و پرهیزگاری نمائید

وتصلحوا بين الناس والله سميع عليم لا يؤاخذكم الله

و اصلاح کنید میان مردم و خدا شنوای داناست میگیرد شما را خدا

باللغو في ايمانكم ولكن يؤاخذكم بما كسبت قلوبكم

به بیهوده در سوگندهاتان و لیکن میگیرد شما را بآنچه کسب کرده دلهای شما

والله غفور حليم للذين يؤلون من نسائهم تربص اربعة

و خدا آمرزنده بردبار است مر کسانی را که دور باشند از زنانشان انتظار بردن چهار

اشهر فان فاءو فان الله غفور رحيم وان عزموا الطلاق

ماه است پس اگر باز آیند پس بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست و اگر اراده کنند طلاق را

فان الله سميع عليم والمطلقات يتربصن بانفسهن ثلثة

پس بدرستی خدا شنوای داناست و زنان طلاق داده شده انتظار میبرند بخودهاشان سه

قُرُوٓءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللّٰهُ فِيٓ أَرْحَامِهِنَّ إِنْ

طهر و حلال نیست مر ایشان را که پنهان کنند آنچه را آفریده خدا در رحمهاشان اگر

كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذٰلِكَ

هستند که ایمان آرند بخدا و روز آخر و شوهران ایشان سزاوارترند بباز آوردن ایشان در آن

إِنْ أَرَادُوٓا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ

اگر اراده کنند اصلاح را و برای ایشانست مانند آنچه بر ایشانست بنیکوئی

وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ

و مر مردان راست بر ایشان پایه و خدا غالب درست کردار است طلاق دو بار است

فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ

پس نگاه داشتن بنیکوئی است یا رها کردن بنیکوئی و حلال نیست مر شما را که

تَأْخُذُوا مِمَّآ اٰتَيْتُمُوهُنَّ شَيْـًٔا إِلَّآ أَنْ يَخَافَآ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ

بگیرید از آنچه داده باشید ایشان را چیزی مگر آنکه بترسند که برپای ندارند حدهای

اللّٰهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللّٰهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا

خدا را پس اگر بترسید که برپای ندارند حدهای خدا را پس نیست گناهی بر ایشان در آنچه

افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللّٰهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ

فدا داد زن بآن این حدهای خدا است پس در مگذرید از آنها و کسیکه در گذرد

حُدُودَ اللّٰهِ فَأُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُونَ ۝ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ

حدهای خدا را پس آنها ایشانند ستمکاران پس اگر طلاق دهد او را پس حلال نمیشود

لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتّٰى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ

از برای او از بعد تا نکاح کند شوهری غیر او را پس اگر طلاق دهد پس نیست گناهی

عَلَيْهِمَآ أَنْ يَتَرَاجَعَآ إِنْ ظَنَّآ أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللّٰهِ وَتِلْكَ

بر ایشان که بر گردند اگر گمان داشته باشند که برپای دارند حدهای خدا را و این

حُدُودُ اللّٰهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَآءَ

حدهای خدا است که بیان میکند از برای گروهی که بدانند و چون طلاق دهید زنان را

در باب حکم طلاق

فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ
وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَقَدْ
ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ
عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ
بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ وَإِذَا
طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ
أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِ
مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَٰلِكُمْ أَزْكَىٰ
لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَالْوَالِدَاتُ
يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ
الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ
لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا



وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَٰلِكَ فَإِنْ أَرَادَا
فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَ
إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ
إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۞ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ
أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ
أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۞ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ
بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ
سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَٰكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا
قَوْلًا مَعْرُوفًا ۞ وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ
أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ

عده وفات
چهار ماه و ده روز است
مگر آنگه زن حامله باشد که در این صورت
عده او ابعد اجلین است از چهار ماه و
ده روز و وضع حمل و عده وفات ثابت است
مطلقا هر چند زوجه صغیره
باشد یا یائسه

کتب اخبار و جمعه معلوم است مفوضه المهر است و آن این است که در حین عقد مهر مذکور لیکن عین تعین و تعیین آن مفوض تعیین احد زوجین بعد از عقد باشد

از حضرات ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام مرویست که مراد از صلوة وسطی صلوة ظهر است و گویا منشا اینکه از او وسطی گفته اند این است که در میانه نمازهای که در روز واقع میشود واقع شده و بعضی از مفسرین تفسیر بنماز عصر کرده اند و بعضی بنماز شام و بعضی هر یک از نمازهای پنجگانه را گفته اند و بنابر این احتمالات وسطی بمعنی فضلی خواهد بود مشتق از وسط بمعنی افضل است و هر یک از نمازهای یومیه افضلند از غیر یومیه و بعضی گفته اند که آن یکی از این نمازهاست و آن نماز معین است از آنها و بر ما معلوم نیست از قبیل خفا لیلة القدر در میان شبها

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

اللّٰه غفور حليم ۝ لا جناح عليكم ان طلقتم النسآء ما لم

خدا آمرزنده بردبار است ۝ نیست گناهی ۝ بر شما ۝ اگر طلاق دهید ۝ زنان را ما دام

تمسوهن او تفرضوا لهن فريضة ومتعوهن على الموسع قدره

که مس نکرده باشید یا مقرر کرده باشید برای ایشان امری ۝ و برخوردار ایشان ۝ بر هر که توانگر است ۝ اندازه پس

وعلى المقتر قدره متاعا بالمعروف حقا على المحسنين ۝

و بر آنکه تنگدست است اندازه او برخوردار کردن ۝ بنحو نیکی ۝ حق را ۝ بر ۝ نیکوکاران

وان طلقتموهن من قبل ان تمسوهن وقد فرضتم لهن

و اگر ۝ طلاق داده ایشان ۝ پیش از ۝ آنکه مس کنید ایشان را و بتحقیق واجب کرده اید ۝ برای ایشان

فريضة فنصف ما فرضتم الا ان يعفون او يعفوا الذي

واجبی و مهری را پس نصف ۝ آنچه معین کرده اید ۝ مگر ۝ اگر بخشند ۝ یا ببخشد ۝ کسی که

بيده عقدة النكاح وان تعفوا اقرب للتقوى ۝

بدست اوست ۝ بستن ۝ نکاح ۝ و اگر ببخشند ۝ این نزدیکتر است مر پرهیزکاری را

ولا تنسوا الفضل بينكم ان الله بما تعملون بصير ۝ حافظوا

و فراموش مکنید ۝ احسان را ۝ میان خودتان بدرستیکه خدا ۝ با آنچه می کنید ۝ بیناست ۝ نگاهداری کنید

على الصلوات والصلوة الوسطى وقوموا لله قانتين

بر ۝ نمازها ۝ و ۝ نماز ۝ میانه ۝ و بر پای ایستید برای خدا ۝ دعا خوانان

فان خفتم فرجالا او ركبانا فاذا امنتم فاذكروا الله

و اگر ۝ بترسید ۝ پیادگان ۝ یا ۝ سواران ۝ پس چون ایمن شوید ۝ پس یاد کنید ۝ خدا را

كما علمكم ما لم تكونوا تعلمون ۝ والذين يتوفون منكم

چنانکه ۝ آموخت شما را ۝ آنچه ۝ نبودید که ۝ بدانید ۝ و کسانی که ۝ وفات یکنند از شما

ويذرون ازواجا وصية لازواجهم متاعا الى الحول غير

و می گذارند ۝ جفتهارا ۝ وصیتی ۝ برای ۝ جفتهاشان ۝ برخورداری تا یک سال ۝ بدون

اخراج فان خرجن فلا جناح عليكم فيما فعلن في انفسهن

بیرون رفتن ۝ پس اگر ۝ بیرون روند پس نیست گناهی ۝ بر شما ۝ در آنچه ۝ کردند ۝ در خودهاشان

من معروف والله عزيز حكيم ۝ وللمطلقات متاع بالمعروف

حقا على المتقين ۝ كذلك يبين الله لكم آياته لعلكم

تعقلون ۝ ألم تر إلى الذين خرجوا من ديارهم وهم ألوف

حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم أحياهم إن الله لذو

فضل على الناس ولكن أكثر الناس لا يشكرون ۝ و

قاتلوا في سبيل الله واعلموا أن الله سميع عليم ۝ من ذا الذي

يقرض الله قرضا حسنا فيضاعفه له أضعافا كثيرة

والله يقبض ويبسط وإليه ترجعون ۝ ألم تر إلى الملإ من

بني إسرائيل من بعد موسى إذ قالوا لنبي لهم ابعث لنا

ملكا نقاتل في سبيل الله قال هل عسيتم إن كتب عليكم

القتال ألا تقاتلوا قالوا وما لنا ألا نقاتل في سبيل الله

وقد أخرجنا من ديارنا وأبنائنا فلما كتب عليهم القتال

تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ۝ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ

إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا ۚ قَالُوا أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ

الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ

الْمَالِ ۚ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً

فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ ۖ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ وَاسِعٌ

عَلِيمٌ ۝ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَن يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ

فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ

تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُم بِنَهَرٍ

فَمَن شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَن لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ

اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ ۚ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ ۚ فَلَمَّا

جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ

الجزء ٣

بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ
فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ
الصَّابِرِينَ ۝ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ
عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ
فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ
وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ
بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ
تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ
تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ
وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ
وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ
مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَلَٰكِنِ اخْتَلَفُوا

فمنهم من آمن ومنهم من كفر ولو شاء الله ما اقتتلوا و

پس از ایشان کیست که ایمان آورد و از ایشان کسی که کافر شد و اگر میخواست خدا کارزار نکردندی

لكن الله يفعل ما يريد ۞ يا أيها الذين آمنوا أنفقوا مما

و لکن خدا میکند آنچه میخواهد ای کسانی که گرویده اید انفاق کنید از آنچه

رزقناكم من قبل أن يأتي يوم لا بيع فيه ولا خلة ولا شفاعة

روزی دادیم شما را از پیش که بیاید روزی که نباشد بیعی در آن و نه دوستی و نه شفاعتی

والكافرون هم الظالمون ۞ الله لا إله إلا هو الحي القيوم

و کافران ایشانند ستمکاران خداست نیست خدائی مگر او که زنده و پاینده است

لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السماوات وما في الأرض

نگیرد او را نه پینکی و نه خوابی مر او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است

من ذا الذي يشفع عنده إلا بإذنه يعلم ما بين أيديهم

کیست آنکه شفاعت کند نزد او مگر بفرمان او میداند آنچه میان دستهاشانست

وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه إلا بما شاء

و آنچه از پس پشت ایشان است و احاطه نمیکنند بچیزی از دانش او مگر بآنچه خواسته باشد

وسع كرسيه السماوات والأرض ولا يؤوده حفظهما

گنجایش یافته کرسی او آسمانها و زمین و گران نیست او را نگاهداری آنها

وهو العلي العظيم ۞ لا إكراه في الدين قد تبين

و اوست بلند بزرگ نیست اکراهی در دین بتحقیق ظاهر شد

الرشد من الغي فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد

راست روی از گمراهی پس کسی که کافر شد بر بتها و ایمان آورد بخدا پس بتحقیق

استمسك بالعروة الوثقى لا انفصام لها والله سميع

چنگ در زد بدستگیر محکم که پاره شدن نباشد مر او را و خدا شنوای

عليم ۞ الله ولي الذين آمنوا يخرجهم من الظلمات إلى النور

دانا است خدا دوست کسانی است که گرویدند بیرون می برد ایشان را از تاریکیها بسوی روشنی

والذين

از حضرت
ابی جعفر علیه السلام
مرویست که هر که آیة الکرسی را یکمرتبه
بخواند خدا تعالی ببرکت آن دور
میکرداند از او هزار مکروه از مکاره
دنیا و هزار مکروه از مکاره آخرت
که کمترین مکاره دنیا فقر و
کمترین مکاره آخرت
عذاب قبر است

این تفسیر
از حضرت صادق
مرویست و بعضی از مفسرین هم
چنین گفته اند مانند مجاهد و قتاده
و بعضی تفسیر بهر طاغی از جن و انس کرده
و بعضی بساحر گفته اند و بعضی
معبودی غیر خدا گفته اند و گفته
شیطان شامل این معانی همه
هست

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَآؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ
النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ
أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَٰهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ
إِذْ قَالَ إِبْرَٰهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَ
أُمِيتُ قَالَ إِبْرَٰهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ
بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الظَّالِمِينَ ۝ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا
قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ
ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ
قَالَ بَل لَّبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ
لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ وَ
انظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ

گویند
آن خصومت کننده
نمرود مردود
بود

مفسران
گفته اند که او
کالذی عطف است بر معنی
کلام سابق و گویا گفته ارایت
کالذی حاج ابراهیم فی ربه
و ارایت کالذی مر علی قریة
و آن مرد عزیر پیغمبر
بود

از حضرت
امیر المومنین علیه السلام مرویست
که عزیر از خانه خود بیرون آمد و حال آنکه
زنش حامله بود و او در آن وقت به پنجاه
رسیده بود پس خدا تعالی او را میراند و
بعد از صد سال دیگر زنده کرد پس بخانه
خود بازگشت بر صورت پنجاه سالگان
و پسرش که در وقت سفر او حمل بود بصد
سالگی رسیده بود پس پسرش
بزرگتر از او بود پس
این آیت

لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ

أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِنْ لِيَطْمَئِنَّ

قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ

كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ

أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ

اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ

مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا

مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ

يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا

صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ

ٱلنَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ

عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ

مِمَّا كَسَبُوا وَٱللَّهُ لَا يَهْدِي ٱلْقَوْمَ ٱلْكَافِرِينَ ۝ وَمَثَلُ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ

أَمْوَالَهُمُ ٱبْتِغَاءَ مَرْضَاتِ ٱللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ

أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ

وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِن نَخِيلٍ

وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَاتِ

وَأَصَابَهُ ٱلْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ

فِيهِ نَارٌ فَٱحْتَرَقَتْ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ

تَتَفَكَّرُونَ ۝ يَا أَيُّهَا ٱلَّذِينَ آمَنُوا أَنفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ

مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ ٱلْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا ٱلْخَبِيثَ

مِنْهُ تُنفِقُونَ وَلَسْتُم بِآخِذِيهِ إِلَّا أَن تُغْمِضُوا فِيهِ وَٱعْلَمُوا



إِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ

بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ

عَلِيمٌ ۝ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ

خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ۝ وَمَا أَنْفَقْتُمْ

مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ

مِنْ أَنْصَارٍ ۝ إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا

وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ

سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ

وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنْفُسِكُمْ

وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ

إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ۝ لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي

سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ







اغنياء من التعفف تعرفهم بسيماهم لا يسئلون الناس

توانگران از عفت گرفتن می شناسی ایشانرا بسیمای ایشان سوال نمی کنند مردمانرا

الحافا وما تنفقوا من خير فان الله به عليم الذين ينفقون

بابرام و آنچه انفاق می کنید از مال پس بدرستی خدا آنرا داناست کسانیکه انفاق می کنند

اموالهم بالليل والنهار سرا وعلانية فلهم اجرهم

اموال ایشان را بشب و روز آشکارا و پنهان پس مر ایشانراست مزد ایشان

عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون الذين

نزد پروردگار ایشان و نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک میشوند آنانکه

ياكلون الربوا لا يقومون الا كما يقوم الذي يتخبطه

میخورند ربا را بر نمی خیزند مگر همچنانکه برخیزد کسی که مصروع میکند او را

الشيطان من المس ذلك بانهم قالوا انما البيع مثل

شیطان از دیوانگی آن است باینکه گفتند جز این نیست که بیع مانند

الربوا واحل الله البيع وحرم الربوا فمن جاءه موعظة من

رباست و حلال کرد خدا بیع را و حرام کرد ربا را پس کسی که آمد او را پندی از

ربه فانتهى فله ما سلف وامره الى الله ومن عاد فاولئك

پروردگارش پس باز ایستاد پس مر او راست آنچه گذشت و کار او با خداست و کسی که عود کرد پس آنها

اصحاب النار هم فيها خالدون يمحق الله الربوا ويربي

یاران آتشند ایشان در آن جاودانیان اند بی برکت گرداند خدا ربا را و افزونی دهد

الصدقات والله لا يحب كل كفار اثيم ان الذين

صدقه ها را و خدا دوست نمیدارد هر ناسپاس گناهکار را بدرستیکه کسانی که

امنوا وعملوا الصالحات واقاموا الصلوة واتوا الزكوة

گرویدند و کردند کارهای شایسته و برپای داشتند نماز را و دادند زکوة را

لهم اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون

مر ایشانراست مزد ایشان نزد پروردگار ایشان و نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک میشوند

از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما منقول است که این آیه در شان حضرت سید الاوصیا صلوات الله علیه نازل شده و فرموده که چهار درهم آنحضرت داشت یکی را در روز صدقه کرد و یکی را در شب و یکی را پنهان و یکی را آشکارا و از ابن عباس هم بر این معنی در کتب عامه مروی گشته

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که گناه یک درهم ربا نزد خدا بزرگتر است از هفتاد زنا که همه با محرم در بیت الحرام واقع شده باشد

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که در شب معراج دیدم جمعی را ...



يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله وذروا ما بقي من الربوا إن كنتم
مؤمنين ۝ فإن لم تفعلوا فأذنوا بحرب من الله ورسوله
وإن تبتم فلكم رءوس أموالكم لا تظلمون ولا تظلمون
وإن كان ذو عسرة فنظرة إلى ميسرة وأن تصدقوا
خير لكم إن كنتم تعلمون ۝ واتقوا يوما ترجعون فيه إلى
الله ثم توفى كل نفس ما كسبت وهم لا يظلمون ۝ يا أيها
الذين آمنوا إذا تداينتم بدين إلى أجل مسمى فاكتبوه
وليكتب بينكم كاتب بالعدل ولا يأب كاتب أن
يكتب كما علمه الله فليكتب وليملل الذي عليه الحق
وليتق الله ربه ولا يبخس منه شيئا فإن كان الذي
عليه الحق سفيها أو ضعيفا أو لا يستطيع أن يمل هو
فليملل وليه بالعدل واستشهدوا شهيدين من رجالكم

فإن



فان لم يكونا رجلين فرجل وامراتان ممن ترضون من

الشهداء ان تضل احدهما فتذكر احدهما الاخرى

ولا ياب الشهداء اذا ما دعوا ولا تساموا ان تكتبوه

صغيرا او كبيرا الى اجله ذلكم اقسط عند الله واقوم

للشهادة وادنى الا ترتابوا الا ان تكون تجارة حاضرة

تديرونها بينكم فليس عليكم جناح الا تكتبوها واشهدوا

اذا تبايعتم ولا يضار كاتب ولا شهيد وان تفعلوا فانه

فسوق بكم واتقوا الله ويعلمكم الله والله بكل شيء

عليم ۝ وان كنتم على سفر ولم تجدوا كاتبا فرهان مقبوضة

فان امن بعضكم بعضا فليؤد الذي اؤتمن امانته

وليتق الله ربه ولا تكتموا الشهادة ومن يكتمها فانه

اثم قلبه والله بما تعملون عليم ۝ لله ما في السموات

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ

و آنچه در زمین است و اگر آشکار کنید آنچه در نفسهای شماست یا پنهان دارید حساب میکند

بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ

شما را بآن خدا پس آمرزد آنکه را میخواهد و عذاب میکند آنکه را میخواهد و خدا بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ ۞ آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ

چیز تواناست بگروید فرستاده او را بآنچه فرو فرستاده شد بسوی او از پروردگار او و گروندگان

كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ

همگی گرویدند بخدا و فرشتگان او و کتابهای او و فرستادگان او و تفرقه نمیکنیم

بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا

میان احدی از فرستادگان او و گفتند شنیدیم و اطاعت کردیم آمرزش تو پروردگارا

وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ۞ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا

و بسوی تست بازگشت تکلیف نمیکند خدا نفسی را مگر باندازه توانائی او

لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ

برای اوست آنچه را کسب کرده و بر اوست آنچه را کسب کرد پروردگارا مواخذه مکن ما را اگر

نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى

فراموش کردیم یا خطا کردیم پروردگارا و بار مکن بر ما بار گرانی همچنانکه بار کردی او را بر

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا

کسانی که پیش از ما بودند پروردگارا و بار مکن بر ما آنچه را نیست توانائی مر ما را بآن و بگذر از ما

وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

و بیامرز ما را و ببخش ما را توئی آقای ما پس یاری ده ما را بر گروهی که پوشندگان حق اند

سورة آل عمران مائتا آية مدنية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

الم

غفرانک

مصدر فعل محذوفست و گویا گفته اغفر لنا غفرانک و بعضی گفته اند که مفعول فعل محذوفست و در اصل لنا لک غفرانک بوده

در کتاب

کافی از حضرت صادق مرویست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که از امت من برداشته شده چهار چیز خطا و نسیان و معصیتی که مجبور بر آن باشند و آنچه در تحت قدرت ایشان نبوده باشد و این گفته خدای عز و جل است که ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا تا آخر و گفته خداست که الا من اکره و قلبه مطمئن بالایمان و جمعی از مفسرین هم باین تفسیر گفته اند و بنا بر این سوال از راه خضوع و خشوعی باشد که بندگی خدا مطلوبست هر چند که در آنها مواخذه در واقع نباشد مانند طلب مغفرتی که از انبیا و اوصیا علیهم السلام صادر میشده از راه خضوع و مذلت در مقام بندگی بی آنکه معصیتی کرده باشد و بعضی نسیان را بمعنی ترک طاعت و خطا را بمعنی فعل معصیت گرفته اند از روی عمد بقرینه سوال والله یعلم

الٓمٓ ۝ الله لا اله الا هو الحي القيوم ۝ نزل عليك الكتاب

بالحق مصدقا لما بين يديه وانزل التورىة والانجيل

من قبل هدى للناس وانزل الفرقان ۝ ان الذين

كفروا بايات الله لهم عذاب شديد والله عزيز ذو

انتقام ۝ ان الله لا يخفى عليه شيء في الارض ولا

في السماء ۝ هو الذي يصوركم في الارحام كيف

يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم ۝ هو الذي انزل

عليك الكتاب منه ايات محكمات هن ام الكتاب

واخر متشابهات فاما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون

ما تشابه منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تاويله وما يعلم

تاويله الا الله والراسخون في العلم يقولون امنا به كل

من عند ربنا وما يذكر الا اولوا الالباب ۝ ربنا



لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۝ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا

رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا

لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَٰئِكَ

هُمْ وَقُودُ النَّارِ ۝ كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ

الْعِقَابِ ۝ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ

إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝ قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ

الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ

مِثْلَيْهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي

ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصَارِ ۝ زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ

مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ

وَالْفِضَّةِ







والفضة والخيل المسومة والانعام والحرث ذلك

و نقره و اسبان نشان دار و شتر و گاو و گوسفند و زراعت آن

متاع الحيوة الدنيا والله عنده حسن المآب قل اؤنبئكم

مایه زندگانی دنیاست و خدا نزد او نیکو بازگشت بگو آیا خبر دهم شما را

بخير من ذلكم للذين اتقوا عند ربهم جنات تجري من

به نیکوتر از آن شما برای کسانی که پرهیزکاری کردند نزد پروردگارشان بهشتهائی که روان است از

تحتها الانهار خالدين فيها وازواج مطهرة ورضوان

زیر آن نهرها جاودانیان در آن و جفتهای پاکیزه و خشنودی

من الله والله بصير بالعباد الذين يقولون ربنا اننا

از خدا و خدا بیناست به بندگان آنانکه میگویند پروردگارا به درستی که ما

امنا فاغفر لنا ذنوبنا وقنا عذاب النار الصابرين و

گرویدیم پس بیامرز ما را گناهان و نگاه دار ما را از عذاب آتش صبرکنندگان و

الصادقين والقانتين والمنفقين والمستغفرين بالاسحار

راستگویان و فرمانبرداران و انفاق کنندگان و طلب آمرزش کنندگان در سحرگاهان

شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم

گواهی داد خدا به درستی او نیست خدائی مگر او و فرشتگان و صاحبان دانش

قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند

ایستاده اند به راستی و عدل نیست خدائی مگر او که غالب و درست کردار است به درستی که دین نزد

الله الاسلام وما اختلف الذين اوتوا الكتاب الا

خدا اسلام است و اختلاف نکردند کسانی که داده شدند کتاب را مگر

من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم ومن يكفر بايات الله

از بعد آنچه آمد ایشان را دانش سبب گمراهی میانشان و کسی که کافر شد بآیتهای خدا

فان الله سريع الحساب فان حاجوك فقل اسلمت

پس به درستی خدا زود حساب است پس اگر مجادله کنند ترا پس بگو خالص گردانیدم

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که هر که طلب مغفرت کند خدا تعالی را هفتاد مرتبه در وقت سحر پس و از اهل این آیه است و از حضرت رضا علیه السلام از حضرت مرویست که مراد از مستغفرین مصلین در وقت سحر است والله اعلم

وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ

ءَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ

الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ

بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ

يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ أُولَئِكَ

الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ

نَاصِرِينَ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ

يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ

وَهُمْ مُعْرِضُونَ ۝ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا

أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ

مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي

الملك

الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء و

تذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير

تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج

الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء

بغير حساب ۞ لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء

من دون المؤمنين ومن يفعل ذلك فليس من الله في شيء

الا ان تتقوا منهم تقية ويحذركم الله نفسه والى

الله المصير ۞ قل ان تخفوا ما في صدوركم او تبدوه

يعلمه الله ويعلم ما في السموات وما في الارض والله

على كل شيء قدير ۞ يوم تجد كل نفس ما عملت من خير

محضرا وما عملت من سوء تود لو ان بينها وبينه امدا

بعيدا ويحذركم الله نفسه والله رؤف بالعباد

قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله ويغفر لكم
ذنوبكم والله غفور رحيم ۝ قل اطيعوا الله والرسول
فان تولوا فان الله لا يحب الكافرين ۝ ان الله اصطفى
ادم ونوحا وال ابرهيم وال عمران على العالمين ۝
ذرية بعضها من بعض والله سميع عليم ۝ اذ قالت امرات
عمران رب اني نذرت لك ما في بطني محررا فتقبل
مني انك انت السميع العليم ۝ فلما وضعتها قالت رب
اني وضعتها انثى والله اعلم بما وضعت وليس الذكر
كالانثى واني سميتها مريم واني اعيذها بك وذريتها
من الشيطان الرجيم ۝ فتقبلها ربها بقبول حسن و
انبتها نباتا حسنا وكفلها زكريا كلما دخل عليها
زكريا المحراب وجد عندها رزقا قال يا مريم

أنى لك هذا قالت هو من عند الله إن الله يرزق من
يشاء بغير حساب ۝ هنالك دعا زكريا ربه قال
رب هب لي من لدنك ذرية طيبة إنك سميع الدعاء
فنادته الملائكة وهو قائم يصلي في المحراب أن الله
يبشرك بيحيى مصدقا بكلمة من الله وسيدا وحصورا
ونبيا من الصالحين ۝ قال رب أنى يكون لي غلام وقد
بلغني الكبر وامرأتي عاقر قال كذلك الله يفعل
ما يشاء ۝ قال رب اجعل لي آية قال آيتك ألا تكلم
الناس ثلاثة أيام إلا رمزا واذكر ربك كثيرا وسبح
بالعشي والإبكار ۝ وإذ قالت الملائكة يا مريم إن
الله اصطفاك وطهرك واصطفاك على نساء العالمين
يا مريم اقنتي لربك واسجدي واركعي مع الراكعين

از حضرت ابی جعفر علیه السلام منقول است واکثر مفسرین هم حکایت کنند و بعضی از ایشان گفته اند که حصور کسیست که منع خود از نساء نماید

ذٰلِكَ مِنْ اَنْبَاۤءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ اِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ اِذْ

يُلْقُونَ اَقْلَامَهُمْ اَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ اِذْ يَخْتَصِمُونَ

اِذْ قَالَتِ الْمَلٰۤئِكَةُ يَا مَرْيَمُ اِنَّ اللّٰهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ

الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ قَالَتْ

رَبِّ اَنّٰى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذٰلِكِ

اللّٰهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاۤءُ اِذَا قَضٰى اَمْرًا فَاِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرٰىةَ وَالْاِنْجِيلَ وَرَسُولًا

اِلٰى بَنِي اِسْرَاۤئِيلَ اَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِاٰيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ اَنِّي

اَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَاَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا

بِاِذْنِ اللّٰهِ وَاُبْرِئُ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ وَاُحْيِي الْمَوْتٰى بِاِذْنِ

اللّٰهِ وَاُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَاْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ اِنَّ فِي

ذلك

ذلك لاية لكم ان كنتم مؤمنين ۞ ومصدقا لما بين

در این هر آینه نشانه است برای شما اگر باشید گروندگان و تصدیق کننده مر آنچه میان

يدي من التورىة ولاحل لكم بعض الذي حرم عليكم

دو دست منست از توریت و از برای آنکه حلال گردانم برای شما بعضی از آنچه حرام کرده شد بر شما

وجئتكم باية من ربكم فاتقوا الله واطيعون ۞ ان

و آمدم بشما با نشانه از پروردگار شما پس بپرهیزید از خدا و اطاعت کنید بدرستی که

الله ربي وربكم فاعبدوه هذا صراط مستقيم ۞ فلما

خدا پروردگار من و پروردگار شماست پس بپرستید او را این است راه راست پس چون

احس عيسى منهم الكفر قال من انصاري الى الله قال

دریافت عیسی از ایشان کفر را گفت کیست یاوران من بسوی خدا گفتند

الحواريون نحن انصار الله امنا بالله واشهد بانا مسلمون

حواریون که ما یاوران خداییم گرویدیم بخدا و گواهی ده که ما مسلمانانیم

ربنا امنا بما انزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا مع

پروردگارا گرویدیم بآنچه فرستادی و پیروی کردیم فرستاده را پس بنویس ما را با

الشاهدين ۞ ومكروا ومكر الله والله خير الماكرين

گواهان و مکر کردند و مکر کرد خدا و خدا بهترین مکر کنندگان است

اذ قال الله يا عيسى اني متوفيك ورافعك الي ومطهرك

هنگامی که گفت خدا ای عیسی بدرستی که من بردارنده توام و بلند گرداننده توام بسوی خود و پاک گرداننده توام ...

من الذين كفروا وجاعل الذين اتبعوك فوق الذين كفروا

از آنانکه کافر شدند و گرداننده آنانکه پیروی کردند ترا بالای آنانکه کافر شدند

الى يوم القيمة ثم الي مرجعكم فاحكم بينكم فيما كنتم

بسوی روز قیامت پس بسوی منست بازگشت شما پس حکم میکنم میان شما در آنچه بودید که

فيه تختلفون ۞ فاما الذين كفروا فاعذبهم عذابا شديدا

در آن اختلاف میکردید پس اما آنانکه کافر شدند پس عذاب میکنم ایشان را عذابی سخت

في الدنيا والاخرة وما لهم من ناصرين ۝ واما الذين
امنوا وعملوا الصالحات فيوفيهم اجورهم والله لا يحب
الظالمين ۝ ذلك نتلوه عليك من الايات والذكر
الحكيم ۝ ان مثل عيسى عند الله كمثل ادم خلقه من تراب
ثم قال له كن فيكون ۝ الحق من ربك فلا تكن من الممترين
فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا
ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم وانفسنا
وانفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين ۝
ان هذا لهو القصص الحق وما من اله الا الله وان الله
لهو العزيز الحكيم فان تولوا فان الله عليم بالمفسدين
قل يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة سواء بيننا و
بينكم الا نعبد الا الله ولا نشرك به شيئا ولا يتخذ

بعضنا

بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا
بانا مسلمون ۝ يا اهل الكتاب لم تحاجون في ابرهيم وما
انزلت التورىة والانجيل الا من بعده افلا تعقلون ۝
ها انتم هؤلاء حاججتم فيما لكم به علم فلم تحاجون فيما
ليس لكم به علم والله يعلم وانتم لا تعلمون ۝ ما كان ابرهيم
يهوديا ولا نصرانيا ولكن كان حنيفا مسلما وما كان
من المشركين ۝ ان اولى الناس بابرهيم للذين اتبعوه و
هذا النبي والذين امنوا والله ولي المؤمنين ۝ ودت
طائفة من اهل الكتاب لو يضلونكم وما يضلون
الا انفسهم وما يشعرون ۝ يا اهل الكتاب لم تكفرون
بايات الله وانتم تشهدون ۝ يا اهل الكتاب لم تلبسون
الحق بالباطل وتكتمون الحق وانتم تعلمون ۝ وقالت

یهود
ونصاری باهم
منازعه داشتند درباب حضرت
ابراهیم یهود میگفتند یهودی بود
ونصاری میگفتند نصرانی بود و
مرافعه بخدمت حضرت رسول آوردند
این آیه آمد غرض آنکه منازعه شما
اصلا صورتی ندارد چه دین یهود از تورات
موسی و دین نصاری از انجیل عیسی علیه
السلام معلوم است و ابراهیم
پیش از موسی هزار سال و پیش از
عیسی دو هزار سال بود
چنانچه در تفاسیر است
والله اعلم

طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا
طایفه از اهل کتاب که ایمان آرید بآنچه فرو فرستاده شد بر آنانکه گرویدند

وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ وَلَا تُؤْمِنُوا
اول روز و کافر شوید آخرش باشد که ایشان بر گردند و ایمان میاورید

إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَى هُدَى اللَّهِ أَنْ يُؤْتَى أَحَدٌ
مگر از برای کسی که تابع باشد دین شما را بگو بدرستی که هدایت هدایت خداست اینکه داده شود احدی

مِثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ
مثل آنچه داده شدید یا حجت آورند شما را نزد پروردگار شما بگو بدرستی که فضل

بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ
بدست خداست میدهد آنرا کسی را که میخواهد و خدا وسعت دهنده داناست مخصوص میگرداند برحمت خود

مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۝ وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
هر کرا میخواهد و خدا صاحب احسان بزرگست و از اهل کتاب

مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ
کسی باشد که اگر امین سازی او را بر قنطاری میرساند او را بسوی تو و از ایشان کسی باشد که اگر امین سازی او را بدیناری

لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ
نمیرساند او را بتو مگر مادامیکه باشی بر او ایستاده آن باین است که ایشان

قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ
گفتند نیست برما در ناخواندگان راهی و میگویند بر خدا

الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝ بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ
دروغ و ایشان میدانند آری کسی که وفا کند بعهد خود و پرهیزکاری کند پس بدرستی که

اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ
خدا دوست میدارد پرهیزکاران را بدرستی که آنان که میخرند بعهد خدا و سوگندهای ایشان

ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ
بهائی اندک آنها را نیست نصیبی مر ایشان را در آخرت و سخن نگوید با ایشان



الله ولا ينظر اليهم يوم القيمة ولا يزكيهم ولهم عذاب اليم

خدا و نظر نکند بسوی ایشان روز قیامت و پاک نکند ایشان را و مر ایشانراست عذاب دردناک

وان منهم لفريقا يلون السنتهم بالكتاب لتحسبوه من

و بدرستیکه از ایشان پاره ای می پیچند زبانهای خود را بکتاب تا پندارید آنرا از

الكتاب وما هو من الكتاب ويقولون هو من عند

کتاب و نباشد آن از کتاب و میگویند آن از نزد

الله وما هو من عند الله ويقولون على الله الكذب وهم

خداست و نیست آن از نزد خدا و میگویند بر خدا دروغ و ایشان

يعلمون ۞ ما كان لبشر ان يؤتيه الله الكتاب والحكم

میدانند نمی باشد از برای انسانی آنکه بدهد او را خدا کتاب و حکم

والنبوة ثم يقول للناس كونوا عبادا لي من دون الله

و پیغمبری پس میگوید از برای مردمان که بشوید بندگان مر مرا از غیر خدا

ولكن كونوا ربانيين بما كنتم تعلمون الكتاب وبما

و لیکن باشید ربانیان بآنچه بودید که بیاموزانید کتاب و بسبب

كنتم تدرسون ۞ ولا يامركم ان تتخذوا الملائكة

بودید آنکه بخوانید و امر نمیکند شما را که بگیرید فرشتگان

والنبيين اربابا ايامركم بالكفر بعد اذ انتم مسلمون

و پیغمبران را ارباب آیا امر میکند شما را بکفر بعد از آنکه شما گردن نهندگانید

واذ اخذ الله ميثاق النبيين لما اتيتكم من كتاب وحكمة

و هنگامیکه گرفت خدا پیمان پیغمبران را که آنچه دادم شما را از کتاب و حکمت

ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم لتؤمنن به ولتنصرنه

پس آمد شما را رسولی تصدیق کننده مر آنچه با شماست هر آینه بگروید بآن و یاری کنید او را

قال ءاقررتم واخذتم على ذلكم اصري قالوا اقررنا

گفت آیا اقرار کردید و گرفتید بر آن شما پیمان مرا گفتند اقرار کردیم ما



قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُم مِّنَ الشَّاهِدِينَ ۞ فَمَن تَوَلَّىٰ بَعْدَ
ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۞ أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ
أَسْلَمَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ
يُرْجَعُونَ ۞ قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ
إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا
أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ
مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ۞ وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن
يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۞ كَيْفَ يَهْدِي
اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ
وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۞ أُولَٰئِكَ
جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ
خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ۞

إلا الذين تابوا من بعد ذلك وأصلحوا فإن الله غفور رحيم

إن الذين كفروا بعد إيمانهم ثم ازدادوا كفرا لن تقبل

توبتهم وأولئك هم الضالون ۞ إن الذين كفروا وماتوا و

هم كفار فلن يقبل من أحدهم ملء الأرض ذهبا ولو

افتدى به أولئك لهم عذاب أليم وما لهم من ناصرين

لن تنالوا البر حتى تنفقوا مما تحبون ۞ وما تنفقوا من شيء

فإن الله به عليم ۞ كل الطعام كان حلا لبني إسرائيل

إلا ما حرم إسرائيل على نفسه من قبل أن تنزل التوراة قل

فأتوا بالتوراة فاتلوها إن كنتم صادقين ۞ فمن افترى

على الله الكذب من بعد ذلك فأولئك هم الظالمون ۞ قل

صدق الله فاتبعوا ملة إبراهيم حنيفا وما كان من المشركين

إن أول بيت وضع للناس للذي ببكة مباركا وهدى



لِلْعَالَمِينَ ۞ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ

كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا

وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ۞ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ

لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا تَعْمَلُونَ ۞ قُلْ يَا

أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ

تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۞ يَا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ ۞ وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ

تُتْلَى عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ

هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۞ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ

حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۞ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ

اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ

كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخوانا
بودید دشمنان پس الفت بهم ساینده میان دلهای شما پس گردیدید بنعمت او برادران
وكنتم على شفا حفرة من النار فانقذكم منها كذلك
بودید بر کنار مغاک از آتش پس رهانید شما را از آن همچنین
يبين الله لكم اياته لعلكم تهتدون ۝ ولتكن منكم
بیان میکند خدا برای شما نشانها شاید که شما راه یابید ۝ و باید که باشد از شما
امة يدعون الى الخير ويامرون بالمعروف وينهون عن
گروهی که بخوانند بسوی خوبی و امر کنند بنیکوئی و نهی کنند از
المنكر واولئك هم المفلحون ۝ ولا تكونوا كالذين
زشتی و آن گروه ایشان رستگاران ۝ و مباشید مانند کسانی که
تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءهم البينات واولئك
تفرقه شدند و اختلاف کردند از بعد آنچه آمد ایشانرا بینه ها و آن جماعه که
لهم عذاب عظيم ۝ يوم تبيض وجوه وتسود وجوه فاما
برای ایشانست عذاب بزرگ ۝ روزی که سفید شود روها و سیاه شود روها پس اما
الذين اسودت وجوههم اكفرتم بعد ايمانكم فذوقوا
آنانکه سیاه شد روهای ایشان آیا کافر شدید بعد از ایمان شما پس بچشید
العذاب بما كنتم تكفرون ۝ واما الذين ابيضت وجوههم
عذاب را بسبب بودن شما که کافر میشدید ۝ و اما آنانکه سفید شد روهای ایشان
ففي رحمة الله هم فيها خالدون ۝ تلك ايات الله نتلوها
پس در رحمت خدا ایشان در آن جاوید ایشان ۝ این آیتهای خداست میخوانیم
عليك بالحق وما الله يريد ظلما للعالمين ۝ ولله ما في
بر تو براستی و نیست خدا که خواهد ستم برای جهانیان ۝ و مر خدا راست آنچه در
السموات وما في الارض والى الله ترجع الامور ۝ كنتم
آسمانها و آنچه در زمین است و بسوی خدا بر گردانیده میشود کارها ۝ هستید

از امیر المؤمنین صلوات الله علیه مرویست که فرمود که این فرقه جمعی اند از این امت که بدعتها در دین گذاشته و بهواهای نفسانی عمل کرده

خیر امةٍ اخرجت للناس تامرون بالمعروف وتنهون

عن المنکر وتؤمنون بالله ولو امن اهل الکتاب لکان

خیرا لهم منهم المؤمنون واکثرهم الفاسقون لن

یضروکم الا اذی وان یقاتلوکم یولوکم الادبار

ثم لا ینصرون ضربت علیهم الذلة این ما ثقفوا الا

بحبلٍ من الله وحبلٍ من الناس وباءو بغضبٍ من الله و

ضربت علیهم المسکنة ذلک بانهم کانوا یکفرون بایات

الله ویقتلون الانبیاء بغیر حقٍ ذلک بما عصوا وکانوا

یعتدون لیسوا سواء من اهل الکتاب امة قائمة

یتلون ایات الله اناء اللیل وهم یسجدون یؤمنون

بالله والیوم الاخر ویامرون بالمعروف وینهون عن

المنکر ویسارعون فی الخیرات واولئک من الصالحین

ذلک
در هر دو جا
اشاره است بباز گشت نمودن
یهود بخشم الهی و خوار شدن در دنیا
و غرض آنکه این عقوبت ایشان در دنیا
و آخرت از دو جهه است یکی کفر و قتل
پیغمبران دیگری تجاوز از حد در فروع
یعنی ترک عبادات و فعل محرمات و این
دلیلست بر مذهب اهل حق که آن مکلف بودن
کفار است بفروع دین و بقوله ذلک بما
عصوا اشاره است بکفر و
قتل پیغمبران

وما

وما يفعلوا من خير فلن يكفروه والله عليم بالمتقين

ان الذين كفروا لن تغنى عنهم اموالهم ولا اولادهم

من الله شيئا واولئك اصحاب النار هم فيها خالدون

مثل ما ينفقون في هذه الحيوة الدنيا كمثل ريح فيها

صر اصابت حرث قوم ظلموا انفسهم فاهلكته وما ظلمهم

الله ولكن انفسهم يظلمون يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا

بطانة من دونكم لا يألونكم خبالا ودوا ما عنتم

قد بدت البغضاء من افواههم وما تخفي صدورهم اكبر

قد بينا لكم الايات ان كنتم تعقلون ها انتم اولاء

تحبونهم ولا يحبونكم وتؤمنون بالكتاب كله واذا

لقوكم قالوا امنا واذا خلوا عضوا عليكم الانامل من الغيظ

قل موتوا بغيظكم ان الله عليم بذات الصدور ان

تمسسكم حسنة تسؤهم وان تصبكم سيئة يفرحوا بها و

ان تصبروا وتتقوا لا يضركم كيدهم شيئا ان الله

بما يعملون محيط ۝ واذ غدوت من اهلك تبوئ المؤمنين

مقاعد للقتال والله سميع عليم ۝ اذ همت طائفتان

منكم ان تفشلا والله وليهما وعلى الله فليتوكل المؤمنون

ولقد نصركم الله ببدر وانتم اذلة فاتقوا الله لعلكم

تشكرون ۝ اذ تقول للمؤمنين الن يكفيكم ان

يمدكم ربكم بثلثة الاف من الملئكة منزلين ۝

بلى ان تصبروا وتتقوا ويأتوكم من فورهم هذا يمددكم

ربكم بخمسة الاف من الملائكة مسومين ۝ وما

جعله الله الا بشرى لكم ولتطمئن قلوبكم به وما النصر

الا من عند الله العزيز الحكيم ۝ ليقطع طرفا من الذين



كفروا او يكبتهم فينقلبوا خائبين ليس لك من الامر
شيء او يتوب عليهم او يعذبهم فانهم ظالمون ولله ما في
السموات وما في الارض يغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء
والله غفور رحيم يا ايها الذين امنوا لا تاكلوا الربوا
اضعافا مضاعفة واتقوا الله لعلكم تفلحون واتقوا
النار التي اعدت للكافرين واطيعوا الله والرسول
لعلكم ترحمون وسارعوا الى مغفرة من ربكم وجنة
عرضها السموات والارض اعدت للمتقين الذين
ينفقون في السراء والضراء والكاظمين الغيظ والعافين
عن الناس والله يحب المحسنين والذين اذا فعلوا فاحشة
او ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم ومن
يغفر الذنوب الا الله ولم يصروا على ما فعلوا وهم يعلمون

روایت
که حضرت سید
الساجدین علی بن الحسین زین العابدین
علیهما السلام روزی جهة وضو نشسته بود و کنیزی
ابریقی پر آب حاضر ساخته بود جهة آنحضرت آن
ابریق از دستش افتاد و بر سر مبارک آنحضرت خورد و
جراحتی در سر آنحضرت بهم رسید آنحضرت نگاهی بجانب
کنیز کرد کنیز گفت که خدا تعالی میفرماید که والکاظمین
الغیظ پس آنحضرت فرمود که خشم را فرو نشاندم
پس آنحضرت ساکت شد آن کنیز خواند والعافین عن
الناس آن حضرت فرمود که خدا از تو عفو کند پس
آن کنیز خواند که والله یحب
المحسنین پس آنحضرت فرمود که برو
ترا از مال خود آزاد کردم
قربة الی الله

أولئك جزاؤهم مغفرة من ربهم وجنات تجري من تحتها
الأنهار خالدين فيها ونعم أجر العاملين ۝ قد خلت من
قبلكم سنن فسيروا في الأرض فانظروا كيف كان عاقبة
المكذبين ۝ هذا بيان للناس وهدى وموعظة للمتقين
ولا تهنوا ولا تحزنوا وأنتم الأعلون إن كنتم مؤمنين
إن يمسسكم قرح فقد مس القوم قرح مثله وتلك الأيام
نداولها بين الناس وليعلم الله الذين آمنوا ويتخذ منكم
شهداء والله لا يحب الظالمين ۝ وليمحص الله الذين آمنوا
ويمحق الكافرين ۝ أم حسبتم أن تدخلوا الجنة ولما
يعلم الله الذين جاهدوا منكم ويعلم الصابرين ۝ ولقد
كنتم تمنون الموت من قبل أن تلقوه فقد رأيتموه وأنتم
تنظرون ۝ وما محمد إلا رسول قد خلت من قبله الرسل

أفإن مات أو قتل انقلبتم على أعقابكم ومن ينقلب على
عقبيه فلن يضر الله شيئا وسيجزي الله الشاكرين
وما كان لنفس أن تموت إلا بإذن الله كتابا مؤجلا ومن يرد
ثواب الدنيا نؤته منها ومن يرد ثواب الآخرة نؤته منها
وسنجزي الشاكرين وكأين من نبي قاتل معه ربيون كثير
فما وهنوا لما أصابهم في سبيل الله وما ضعفوا وما استكانوا
والله يحب الصابرين وما كان قولهم إلا أن قالوا ربنا
اغفر لنا ذنوبنا وإسرافنا في أمرنا وثبت أقدامنا وانصرنا
على القوم الكافرين فآتاهم الله ثواب الدنيا و
حسن ثواب الآخرة والله يحب المحسنين يا أيها الذين
آمنوا إن تطيعوا الذين كفروا يردوكم على أعقابكم
فتنقلبوا خاسرين بل الله مولاكم وهو خير الناصرين

سنلقي في قلوب الذين كفروا الرعب بما أشركوا بالله
ما لم ينزل به سلطانا ومأواهم النار وبئس مثوى الظالمين
ولقد صدقكم الله وعده إذ تحسونهم بإذنه حتى إذا فشلتم
وتنازعتم في الأمر وعصيتم من بعد ما أراكم ما تحبون
منكم من يريد الدنيا ومنكم من يريد الآخرة ثم صرفكم
عنهم ليبتليكم ولقد عفا عنكم والله ذو فضل على
المؤمنين ۝ إذ تصعدون ولا تلوون على أحد والرسول
يدعوكم في أخراكم فأثابكم غما بغم لكيلا تحزنوا على ما
فاتكم ولا ما أصابكم والله خبير بما تعملون ۝ ثم أنزل عليكم
من بعد الغم أمنة نعاسا يغشى طائفة منكم وطائفة
قد أهمتهم أنفسهم يظنون بالله غير الحق ظن الجاهلية
يقولون هل لنا من الأمر من شيء قل إن الأمر كله

لله

لله يخفون في انفسهم ما لا يبدون لك يقولون لو كان

لنا من الامر شيء ما قتلنا هيهنا قل لو كنتم في بيوتكم

لبرز الذين كتب عليهم القتل الى مضاجعهم وليبتلي

الله ما في صدوركم وليمحص ما في قلوبكم والله

عليم بذات الصدور ۝ ان الذين تولوا منكم يوم التقى

الجمعان انما استزلهم الشيطان ببعض ما كسبوا ولقد

عفا الله عنهم ان الله غفور حليم ۝ يا ايها الذين امنوا لا

تكونوا كالذين كفروا وقالوا لاخوانهم اذا ضربوا في

الارض او كانوا غزى لو كانوا عندنا ما ماتوا وما قتلوا

ليجعل الله ذلك حسرة في قلوبهم والله يحيي ويميت

والله بما تعملون بصير ۝ ولئن قتلتم في سبيل الله او متم

لمغفرة من الله ورحمة خير مما يجمعون ۝ ولئن متم او

قُتِلْتُمْ لَاِلَى اللّٰهِ تُحْشَرُونَ ۞ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ لِنْتَ لَهُمْ

وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ

عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْاَمْرِ فَاِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ

عَلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ۞ اِنْ يَنْصُرْكُمُ اللّٰهُ فَلَا غَالِبَ

لَكُمْ وَاِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ

عَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۞ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ اَنْ يَغُلَّ وَمَنْ

يَغْلُلْ يَاْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ثُمَّ تُوَفّٰى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ

وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۞ اَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللّٰهِ كَمَنْ بَاۤءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللّٰهِ

وَمَاْوٰيهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۞ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ

بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ۞ لَقَدْ مَنَّ اللّٰهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ اِذْ بَعَثَ فِيهِمْ

رَسُولًا مِنْ اَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ اٰيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ

الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَاِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

اولما اصابتكم مصيبة قد اصبتم مثليها قلتم انى هذا

قل هو من عند انفسكم ان الله على كل شيء قدير ۞ وما

اصابكم يوم التقى الجمعان فباذن الله وليعلم المؤمنين

وليعلم الذين نافقوا وقيل لهم تعالوا قاتلوا في سبيل الله

او ادفعوا قالوا لو نعلم قتالا لاتبعناكم هم للكفر يومئذ

اقرب منهم للايمان يقولون بافواههم ما ليس في قلوبهم

والله اعلم بما يكتمون ۞ الذين قالوا لاخوانهم وقعدوا

لو اطاعونا ما قتلوا قل فادرءوا عن انفسكم الموت ان كنتم

صادقين ۞ ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا

بل احياء عند ربهم يرزقون ۞ فرحين بما اتاهم الله

من فضله ويستبشرون بالذين لم يلحقوا بهم من

خلفهم الا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۞ يستبشرون

بنعمة من الله وفضل وان الله لا يضيع اجر المؤمنين ۝ الذين

استجابوا لله والرسول من بعد ما اصابهم القرح للذين

احسنوا منهم واتقوا اجر عظيم ۝ الذين قال لهم الناس

ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا وقالوا

حسبنا الله ونعم الوكيل ۝ فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم

يمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله والله ذو فضل عظيم ۝

انما ذلكم الشيطان يخوف اولياءه فلا تخافوهم وخافون

ان كنتم مؤمنين ۝ ولا يحزنك الذين يسارعون في

الكفر انهم لن يضروا الله شيئا يريد الله الا يجعل لهم

حظا في الاخرة ولهم عذاب عظيم ۝ ان الذين اشتروا

الكفر بالايمان لن يضروا الله شيئا ولهم عذاب اليم ۝ ولا

يحسبن الذين كفروا انما نملي لهم خير لانفسهم انما

نملي لهم ليزدادوا اثما ولهم عذاب مهين ۝ ما كان

الله ليذر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث

من الطيب وما كان الله ليطلعكم على الغيب ولكن

الله يجتبي من رسله من يشاء فامنوا بالله ورسله وان

تؤمنوا وتتقوا فلكم اجر عظيم ۝ ولا يحسبن الذين يبخلون بما

اتيهم الله من فضله هو خيرا لهم بل هو شر لهم سيطوقون

ما بخلوا به يوم القيمة ولله ميراث السموات والارض و

الله بما تعملون خبير ۝ لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله

فقير ونحن اغنياء سنكتب ما قالوا وقتلهم الانبياء بغير

حق ونقول ذوقوا عذاب الحريق ۝ ذلك بما قدمت ايديكم

وان الله ليس بظلام للعبيد ۝ الذين قالوا ان الله عهد

الينا الا نؤمن لرسول حتى ياتينا بقربان تاكله النار

قُلْ قَدْ جَآءَكُمْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِى بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِى قُلْتُمْ فَلِمَ

قَتَلْتُمُوهُمْ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَاِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ

رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ جَآؤُا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ

كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ وَاِنَّمَا تُوَفَّوْنَ اُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَاُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا

اِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ لَتُبْلَوُنَّ فِى اَمْوَالِكُمْ وَاَنْفُسِكُمْ وَ

لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ اُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ اَشْرَكُوا

اَذًى كَثِيرًا وَاِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَاِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ

الْاُمُورِ وَاِذْ اَخَذَ اللّٰهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ اُوتُوا الْكِتَابَ

لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَآءَ ظُهُورِهِمْ وَ

اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ

يَفْرَحُونَ بِمَا اَتَوْا وَيُحِبُّونَ اَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا



تحسبنهم بمفازة من العذاب ولهم عذاب اليم ۝ ولله

ملك السموات والارض والله على كل شيء قدير ۝ ان

في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار

لايات لاولي الالباب ۝ الذين يذكرون الله قياما و

قعودا وعلى جنوبهم ويتفكرون في خلق السموات والارض

ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك فقنا عذاب النار ۝

ربنا انك من تدخل النار فقد اخزيته وما للظالمين من

انصار ۝ ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي للايمان ان امنوا

بربكم فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا

وتوفنا مع الابرار ۝ ربنا واتنا ما وعدتنا على رسلك

ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد ۝ فاستجاب

لهم ربهم اني لا اضيع عمل عامل منكم من ذكر او انثى



بعضكم من بعض فالذين هاجروا واخرجوا من ديارهم

واوذوا في سبيلي وقاتلوا وقتلوا لاكفرن عنهم سيئاتهم

ولادخلنهم جنات تجري من تحتها الانهار ثوابا من عند

الله والله عنده حسن الثواب لا يغرنك تقلب الذين

كفروا في البلاد متاع قليل ثم ماويهم جهنم وبئس

المهاد لكن الذين اتقوا ربهم لهم جنات تجري من تحتها

الانهار خالدين فيها نزلا من عند الله وما عند الله خير

للابرار وان من اهل الكتاب لمن يؤمن بالله وما انزل

اليكم وما انزل اليهم خاشعين لله لا يشترون بايات الله

ثمنا قليلا اولئك لهم اجرهم عند ربهم ان الله سريع

الحساب يا ايها الذين امنوا اصبروا وصابروا ورابطوا

واتقوا الله لعلكم تفلحون

سورة النساء مائة وست وسبعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يا ايها الناس اتقوا ربكم الذى خلقكم من نفس

واحدة وخلق منها زوجها وبث منهما رجالا كثيرا ونساء

واتقوا الله الذى تساءلون به والارحام ان الله كان

عليكم رقيبا ۞ واتوا اليتامى اموالهم ولا تتبدلوا الخبيث

بالطيب ولا تاكلوا اموالهم الى اموالكم انه كان

حوبا كبيرا ۞ وان خفتم الا تقسطوا فى اليتامى فانكحوا

ما طاب لكم من النساء مثنى وثلاث ورباع فان خفتم

الا تعدلوا فواحدة او ما ملكت ايمانكم ذلك ادنى

الا تعولوا واتوا النساء صدقاتهن نحلة فان طبن لكم

عن شيء منه نفسا فكلوه هنيئا مريئا ۞ ولا تؤتوا السفهاء

اموالكم التى جعل الله لكم قياما وارزقوهم فيها



الارحام



واكسوهم وقولوا لهم قولا معروفا ۞ وابتلوا اليتامى حتى

اذا بلغوا النكاح فان آنستم منهم رشدا فادفعوا اليهم

اموالهم ولا تاكلوها اسرافا وبدارا ان يكبروا ومن كان

غنيا فليستعفف ومن كان فقيرا فلياكل بالمعروف فاذا

دفعتم اليهم اموالهم فاشهدوا عليهم وكفى بالله حسيبا

للرجال نصيب مما ترك الوالدان والاقربون وللنساء نصيب

مما ترك الوالدان والاقربون مما قل منه او كثر نصيبا مفروضا

واذا حضر القسمة اولوا القربى واليتامى والمساكين فارزقوهم منه وقولوا

لهم قولا معروفا ۞ وليخش الذين لو تركوا من خلفهم ذرية ضعافا

خافوا عليهم فليتقوا الله وليقولوا قولا سديدا ۞ ان الذين

ياكلون اموال اليتامى ظلما انما ياكلون في بطونهم

نارا وسيصلون سعيرا ۞ يوصيكم الله في اولادكم

للذكر

لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ

ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ

لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ

يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ

فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَ

أَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ

إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبُعُ مِمَّا

تَرَكْنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا

تَرَكْتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ

مِمَّا تَرَكْتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ

يُورَثُ كَلَالَةً أَوِ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ

منهما السدس فإن كانوا أكثر من ذلك فهم شركاء في
الثلث من بعد وصية يوصى بها أو دين غير مضار وصية
من الله والله عليم حليم ۝ تلك حدود الله ومن يطع الله و
رسوله يدخله جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها
وذلك الفوز العظيم ۝ ومن يعص الله ورسوله ويتعد
حدوده يدخله نارا خالدا فيها وله عذاب مهين ۝ واللاتي
يأتين الفاحشة من نسائكم فاستشهدوا عليهن أربعة منكم
فإن شهدوا فأمسكوهن في البيوت حتى يتوفاهن الموت أو
يجعل الله لهن سبيلا ۝ واللذان يأتيانها منكم فآذوهما
فإن تابا وأصلحا فأعرضوا عنهما إن الله كان توابا رحيما
إنما التوبة على الله للذين يعملون السوء بجهالة ثم يتوبون
من قريب فأولئك يتوب الله عليهم وكان الله عليما حكيما

وليست

وَلَيسَتِ التَّوبَةُ لِلَّذِينَ يَعمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ اِذَا حَضَرَ اَحَدَهُم

المَوتُ قَالَ اِنِّي تُبتُ الاٰنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُم كُفَّارٌ

اُولٰئِكَ اَعتَدنَا لَهُم عَذَابًا اَلِيمًا ۝ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا

لَا يَحِلُّ لَكُم اَن تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرهًا وَلَا تَعضُلُوهُنَّ لِتَذهَبُوا

بِبَعضِ مَا اٰتَيتُمُوهُنَّ اِلَّا اَن يَاتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ

بِالمَعرُوفِ فَاِن كَرِهتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ اَن تَكرَهُوا شَيئًا وَ

يَجعَلَ اللّٰهُ فِيهِ خَيرًا كَثِيرًا ۝ وَاِن اَرَدتُّمُ استِبدَالَ زَوجٍ

مَكَانَ زَوجٍ وَاٰتَيتُم اِحدٰىهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَاخُذُوا مِنهُ شَيئًا

اَتَاخُذُونَهُ بُهتَانًا وَاِثمًا مُبِينًا ۝ وَكَيفَ تَاخُذُونَهُ وَقَد اَفضَىٰ

بَعضُكُم اِلَىٰ بَعضٍ وَاَخَذنَ مِنكُم مِيثَاقًا غَلِيظًا ۝ وَلَا

تَنكِحُوا مَا نَكَحَ اٰبَاؤُكُم مِنَ النِّسَاءِ اِلَّا مَا قَد سَلَفَ اِنَّهُ

كَانَ فَاحِشَةً وَمَقتًا وَسَاءَ سَبِيلًا ۝ حُرِّمَت عَلَيكُم

أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَ

بَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ

وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي

فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا

دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ

أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ

كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ

أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ

أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ

مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا

تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝

وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ

الجزء ٥

فمن ما ملكت ايمانكم من فتياتكم المؤمنات والله اعلم
بايمانكم بعضكم من بعض فانكحوهن باذن اهلهن و
اتوهن اجورهن بالمعروف محصنات غير مسافحات ولا
متخذات اخدان فاذا احصن فان اتين بفاحشة فعليهن نصف
ما على المحصنات من العذاب ذلك لمن خشي العنت منكم
وان تصبروا خير لكم والله غفور رحيم يريد الله ليبين
لكم ويهديكم سنن الذين من قبلكم ويتوب عليكم
والله عليم حكيم والله يريد ان يتوب عليكم ويريد الذين
يتبعون الشهوات ان تميلوا ميلا عظيما يريد الله ان
يخفف عنكم وخلق الانسان ضعيفا يا ايها الذين
امنوا لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل الا ان تكون
تجارة عن تراض منكم ولا تقتلوا انفسكم ان الله كان

بِكُمْ رَحِيمًا ۝ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ

نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ۝ إِن تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ

مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُم مُّدْخَلًا

كَرِيمًا ۝ وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ

نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا

اللَّهَ مِن فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۝ وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا

مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ

أَيْمَانُكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

شَهِيدًا ۝ الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ

بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَبِمَا أَنفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ

قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ

نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ

فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلا ان الله كان عليا كبيرا

وان خفتم شقاق بينهما فابعثوا حكما من اهله وحكما من

اهلها ان يريدا اصلاحا يوفق الله بينهما ان الله كان

عليما خبيرا ۞ واعبدوا الله ولا تشركوا به شيئا وبالوالدين

احسانا وبذي القربى واليتامى والمساكين والجار

ذي القربى والجار الجنب والصاحب بالجنب وابن

السبيل وما ملكت ايمانكم ان الله لا يحب من كان

مختالا فخورا ۞ الذين يبخلون ويامرون الناس بالبخل

ويكتمون ما اتاهم الله من فضله واعتدنا للكافرين

عذابا مهينا ۞ والذين ينفقون اموالهم رئاء الناس ولا

يؤمنون بالله ولا باليوم الاخر ومن يكن الشيطان له

قرينا فساء قرينا ۞ وماذا عليهم لو امنوا بالله واليوم

الآخر وانفقوا مما رزقهم الله وكان الله بهم عليما ان

الله لا يظلم مثقال ذرة وان تك حسنة يضاعفها

ويؤت من لدنه اجرا عظيما فكيف اذا جئنا من كل

امة بشهيد وجئنا بك على هؤلاء شهيدا يومئذ يود

الذين كفروا وعصوا الرسول لو تسوى بهم الارض

ولا يكتمون الله حديثا يا ايها الذين امنوا لا تقربوا الصلوة

وانتم سكارى حتى تعلموا ما تقولون ولا جنبا الا عابرى

سبيل حتى تغتسلوا وان كنتم مرضى او على سفر او جاء

احد منكم من الغائط او لامستم النساء فلم تجدوا

ماء فتيمموا صعيدا طيبا فامسحوا بوجوهكم وايديكم

ان الله كان عفوا غفورا الم تر الى الذين اوتوا نصيبا

من الكتاب يشترون الضلالة ويريدون ان تضلوا

السبيل ۞ والله اعلم باعدائكم وكفى بالله وليا وكفى بالله
نصيرا ۞ من الذين هادوا يحرفون الكلم عن مواضعه
ويقولون سمعنا وعصينا واسمع غير مسمع وراعنا ليا
بالسنتهم وطعنا في الدين ولو انهم قالوا سمعنا واطعنا
واسمع وانظرنا لكان خيرا لهم واقوم ولكن لعنهم الله
بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا ۞ يا ايها الذين اوتوا الكتاب
امنوا بما نزلنا مصدقا لما معكم من قبل ان نطمس وجوها
فنردها على ادبارها او نلعنهم كما لعنا اصحاب السبت
وكان امر الله مفعولا ۞ ان الله لا يغفر ان يشرك به ويغفر
ما دون ذلك لمن يشاء ومن يشرك بالله فقد افترى اثما
عظيما ۞ الم تر الى الذين يزكون انفسهم بل الله يزكي من يشاء
ولا يظلمون فتيلا ۞ انظر كيف يفترون على الله الكذب

مراد
از کلمات لغت پیغمبر آخر الزمان است و غیر از آن از احکام شرعیه که در توراه تحریف کرده اند

خلاصه
مضمون این تفسیر از ابو البحار و از حضرت ابو جعفر علیه السلام حکایت شده [illegible]

وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُبِينًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ
يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا
هَٰؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ
اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا ۝ أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ
الْمُلْكِ فَإِذًا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا ۝ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ
عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ
وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ۝ فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ
مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ
جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ

حزب

وندخلهم

وندخلهم ظلا ظليلا ۝ ان الله يامركم ان تؤدوا الامانات
الى اهلها واذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل ان
الله نعما يعظكم به ان الله كان سميعا بصيرا ۝ يا ايها
الذين امنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولى الامر منكم
فان تنازعتم في شيء فردوه الى الله والرسول ان كنتم تؤمنون
بالله واليوم الاخر ذلك خير واحسن تاويلا ۝ الم تر الى
الذين يزعمون انهم امنوا بما انزل اليك وما انزل من قبلك
يريدون ان يتحاكموا الى الطاغوت وقد امروا ان يكفروا
به ويريد الشيطان ان يضلهم ضلالا بعيدا ۝ واذا قيل
لهم تعالوا الى ما انزل الله والى الرسول رايت المنافقين
يصدون عنك صدودا ۝ فكيف اذا اصابتهم مصيبة
بما قدمت ايديهم ثم جاءوك يحلفون بالله ان اردنا الا

احسانا وتوفيقا ۝ اولئك الذين يعلم الله ما في قلوبهم
فاعرض عنهم وعظهم وقل لهم في انفسهم قولا بليغا ۝ وما
ارسلنا من رسول الا ليطاع باذن الله ولو انهم اذ ظلموا
انفسهم جاءوك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول
لوجدوا الله توابا رحيما ۝ فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك
فيما شجر بينهم ثم لا يجدوا في انفسهم حرجا مما قضيت ويسلموا
تسليما ۝ ولو انا كتبنا عليهم ان اقتلوا انفسكم او اخرجوا
من دياركم ما فعلوه الا قليل منهم ولو انهم فعلوا ما يوعظون
به لكان خيرا لهم واشد تثبيتا ۝ واذا لاتيناهم من لدنا
اجرا عظيما ۝ ولهديناهم صراطا مستقيما ۝ ومن يطع الله
والرسول فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين و
الصديقين والشهداء والصالحين وحسن اولئك

در فلا وربك لا زايده است براى تاكيد قسم

از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه روايت كرده كه ...

رفيقا

رفيقا ۝ ذلك الفضل من الله وكفى بالله عليما ۝ يا ايها الذين
امنوا خذوا حذركم فانفروا ثبات او انفروا جميعا ۝ وان
منكم لمن ليبطئن فان اصابتكم مصيبة قال قد انعم الله
على اذ لم اكن معهم شهيدا ۝ ولئن اصابكم فضل من
الله ليقولن كان لم تكن بينكم وبينه مودة يا ليتني
كنت معهم فافوز فوزا عظيما ۝ فليقاتل في سبيل الله الذين
يشرون الحيوة الدنيا بالاخرة ومن يقاتل في سبيل الله فيقتل
او يغلب فسوف نؤتيه اجرا عظيما ۝ وما لكم لا تقاتلون
في سبيل الله والمستضعفين من الرجال والنساء والولدان
الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها
واجعل لنا من لدنك وليا واجعل لنا من لدنك نصيرا ۝
الذين امنوا يقاتلون في سبيل الله والذين كفروا يقاتلون

از
حضرت صادق
علیه السلام مرویست که فرمود
که اگر همه اهل آسمانها بگویند که
خدا احسان کرده بر ما که ما با رسول
نبودیم هر آینه همگی بسبب این
سخن مشرک خواهند بود
م

گویند
جمعی از ضعفا و فقرای
مسلمانان بعد از هجرت بعلت عدم
استطاعت مهاجرت در مکه آمدند
و از خدا تعالی این استدعا را
مینمودند که نوعی کند که تو توانند
از مکه بیرون رفت
م

فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ

الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا

أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَآتُوا الزَّكَوٰةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ

الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ

خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا

أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ

لِمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا ۝ أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ

وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشَيَّدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا

هَٰذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَٰذِهِ مِنْ

عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَٰؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا

يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا ۝ مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ

اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ

لِلنَّاسِ

للناس رسولا وكفى بالله شهيدا من يطع الرسول
فقد اطاع الله ومن تولى فما ارسلناك عليهم حفيظا
ويقولون طاعة فاذا برزوا من عندك بيت طائفة منهم
غير الذي تقول والله يكتب ما يبيتون فاعرض عنهم و
توكل على الله وكفى بالله وكيلا افلا يتدبرون القرآن
ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافا كثيرا
واذا جاءهم امر من الامن او الخوف اذاعوا به ولو ردوه
الى الرسول والى اولى الامر منهم لعلمه الذين يستنبطونه
منهم ولولا فضل الله عليكم ورحمته لاتبعتم الشيطان
الا قليلا فقاتل في سبيل الله لا تكلف الا نفسك
وحرض المؤمنين عسى الله ان يكف باس الذين كفروا
والله اشد باسا واشد تنكيلا من يشفع شفاعة

بیت
اینجا یعنی درست
کردن کاریست در شب یعنی از
شب بیشنهاد خاطر خود کردن
که در روز چنین و چنین کند حاصل
معنی اینکه شب تمام شب دیگر
اندیشه که فردا خلاف
گفته تو کنند

درین
آیه مراد حضرات
ائمه هدی صلوات الله علیهم است
اولی الامر ایشان مشغول است
و جماعتی بعضی امرای لشکر بعضی
سلاطین و بعضی علما
گفته اند

اما من جماعت ابی جعفر و
ابی عبد الله علیهما السلام منقول است
که فضل خدا و رحمت او پیغمبر و علی
علیهما الصلوة و
السلام اند

حَسَنَةً يَكُن لَّهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَمَن يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً

يَكُن لَّهُ كِفْلٌ مِّنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقِيتًا ۝ وَإِذَا

حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا ۝ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ



يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ۝

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُم بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ

أَن تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا

مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ

وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدتُّمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ أَوْ

جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَن يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ

ولو شاء الله لسلطهم عليكم فلقاتلوكم فان اعتزلوكم
فلم يقاتلوكم والقوا اليكم السلم فما جعل الله لكم
عليهم سبيلا ۝ ستجدون اخرين يريدون ان يامنوكم و
يامنوا قومهم كلما ردوا الى الفتنة اركسوا فيها فان لم
يعتزلوكم ويلقوا اليكم السلم ويكفوا ايديهم فخذوهم
واقتلوهم حيث ثقفتموهم واولئكم جعلنا لكم
عليهم سلطانا مبينا ۝ وما كان لمؤمن ان يقتل مؤمنا
الا خطأ ومن قتل مؤمنا خطأ فتحرير رقبة مؤمنة ودية
مسلمة الى اهله الا ان يصدقوا فان كان من قوم
عدو لكم وهو مؤمن فتحرير رقبة مؤمنة وان كان من قوم
بينكم وبينهم ميثاق فدية مسلمة الى اهله وتحرير
رقبة مؤمنة فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين توبة

مِنَ اللّٰهِ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا

فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ

لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ

اللّٰهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا

تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللّٰهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ كَذَٰلِكَ

كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ

خَبِيرًا ۝ لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي

الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ

فَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ

دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِينَ

عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَ

رَحْمَةً وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ

الْمَلٰٓئِكَةُ ظَالِمِىٓ اَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ

فِى الْاَرْضِ قَالُوٓا اَلَمْ تَكُنْ اَرْضُ اللّٰهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا

فِيهَا فَاُولٰٓئِكَ مَأْوٰيهُمْ جَهَنَّمُ وَسَآءَتْ مَصِيرًا ۝ اِلَّا

الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَآءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ

حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ۝ فَاُولٰٓئِكَ عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَعْفُوَ

عَنْهُمْ وَكَانَ اللّٰهُ عَفُوًّا غَفُورًا ۝ وَمَنْ يُهَاجِرْ فِى سَبِيلِ اللّٰهِ

يَجِدْ فِى الْاَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ

مُهَاجِرًا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ اَجْرُهُ

عَلَى اللّٰهِ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَاِذَا ضَرَبْتُمْ فِى الْاَرْضِ

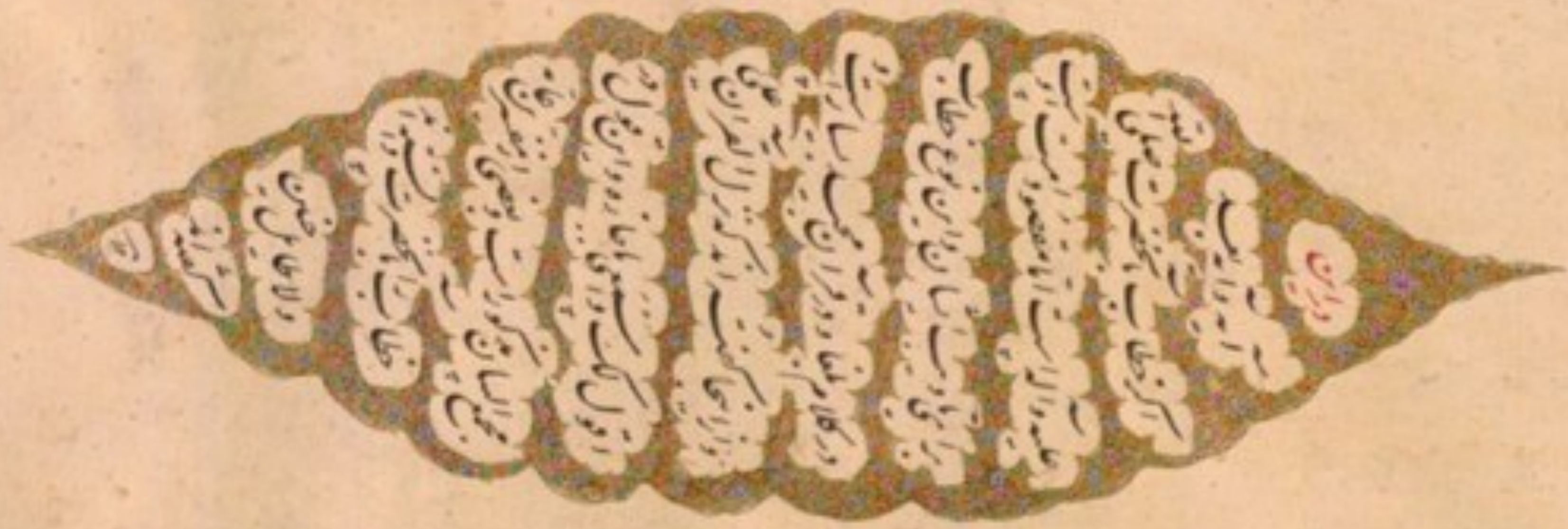
فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلٰوةِ اِنْ خِفْتُمْ اَنْ

يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوٓا اِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا

مُبِينًا ۝ وَاِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَاَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلٰوةَ فَلْتَقُمْ طَآئِفَةٌ

مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ
وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا
مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ
مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ
مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ
إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ۝ فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ
فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ
فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا
مَوْقُوتًا ۝ وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ
فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ
وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ

بالحق



بالحق لتحكم بين الناس بما اريك الله ولا تكن للخائنين

خصيما ۝ واستغفر الله ان الله كان غفورا رحيما ۝ ولا

تجادل عن الذين يختانون انفسهم ان الله لا يحب من كان

خوانا اثيما ۝ يستخفون من الناس ولا يستخفون من الله

وهو معهم اذ يبيتون ما لا يرضى من القول وكان الله

بما يعملون محيطا ۝ ها انتم هؤلاء جادلتم عنهم في الحيوة

الدنيا فمن يجادل الله عنهم يوم القيمة ام من يكون

عليهم وكيلا ۝ ومن يعمل سوءا او يظلم نفسه ثم يستغفر الله

يجد الله غفورا رحيما ۝ ومن يكسب اثما فانما يكسبه على

نفسه وكان الله عليما حكيما ۝ ومن يكسب خطيئة

او اثما ثم يرم به بريئا فقد احتمل بهتانا واثما مبينا ۝

ولولا فضل الله عليك ورحمته لهمت طائفة منهم

أَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ

شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ

تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ

مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ

النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ

نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ

لَهُ الْهُدَى وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّى وَنُصْلِهِ

جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ

مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا

بَعِيدًا إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا

شَيْطَانًا مَرِيدًا لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ

نَصِيبًا مَفْرُوضًا وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَآمُرَنَّهُمْ

حزب

فليبتكن آذان الانعام ولامرنهم فليغيرن خلق الله

ومن يتخذ الشيطان وليا من دون الله فقد خسر خسرانا

مبينا ۝ يعدهم ويمنيهم وما يعدهم الشيطان الا

غرورا ۝ اولئك مأويهم جهنم ولا يجدون عنها محيصا

والذين آمنوا وعملوا الصالحات سندخلهم جنات تجري

من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا وعد الله حقا ومن

اصدق من الله قيلا ۝ ليس بامانيكم ولا اماني اهل

الكتاب من يعمل سوءا يجز به ولا يجد له من دون الله وليا

ولا نصيرا ۝ ومن يعمل من الصالحات من ذكر او انثى

وهو مؤمن فاولئك يدخلون الجنة ولا يظلمون نقيرا

ومن احسن دينا ممن اسلم وجهه لله وهو محسن واتبع

ملة ابراهيم حنيفا واتخذ الله ابراهيم خليلا ۝ ولله ما في

رمی
دین او چیست که از حضرت صادق علیه السلام مرویست و از ابن عباس و مجاهد و جمعی دیگر هم حکایت شده و مؤید آن کریمه فطرة الله التی فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله و اکثر مفسرین آن را خصی نمودن حیوانات و آدمیان نموده اند

سیم
لیس ضمیر مستتر راجع است بامر ثواب و عقاب که از کلام سابق مستفاد است و خطاب مسلمانان و بقولی با کفار قریش است والله اعلم

نقیر
در اصل شقه ضعیفی است در شکم خرما و آن کنایه از ضعف و قلت باشد

السموات وما في الارض وكان الله بكل شيء محيطا
ويستفتونك في النساء قل الله يفتيكم فيهن وما يتلى
عليكم في الكتاب في يتامى النساء اللاتي لا تؤتونهن
ما كتب لهن وترغبون ان تنكحوهن والمستضعفين من
الولدان وان تقوموا لليتامى بالقسط وما تفعلوا من
خير فان الله كان به عليما وان امراة خافت من بعلها
نشوزا او اعراضا فلا جناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحا
والصلح خير واحضرت الانفس الشح وان تحسنوا وتتقوا
فان الله كان بما تعملون خبيرا ولن تستطيعوا ان تعدلوا
بين النساء ولو حرصتم فلا تميلوا كل الميل فتذروها
كالمعلقة وان تصلحوا وتتقوا فان الله كان غفورا رحيما
وان يتفرقا يغن الله كلا من سعته وكان الله واسعا

حكيما ولله ما في السموات وما في الارض ولقد وصينا
الذين اوتوا الكتاب من قبلكم واياكم ان اتقوا الله و
ان تكفروا فان لله ما في السموات وما في الارض وكان
الله غنيا حميدا ولله ما في السموات وما في الارض وكفى
بالله وكيلا ان يشا يذهبكم ايها الناس ويات باخرين
وكان الله على ذلك قديرا من كان يريد ثواب الدنيا
فعند الله ثواب الدنيا والاخرة وكان الله سميعا بصيرا
يا ايها الذين امنوا كونوا قوامين بالقسط شهداء لله ولو
على انفسكم او الوالدين والاقربين ان يكن غنيا او
فقيرا فالله اولى بهما فلا تتبعوا الهوى ان تعدلوا وان تلوا
او تعرضوا فان الله كان بما تعملون خبيرا يا ايها الذين
امنوا امنوا بالله ورسوله والكتاب الذي نزل على رسوله

والكتاب الذي انزل من قبل ومن يكفر بالله وملائكته

وكتبه ورسله واليوم الآخر فقد ضل ضلالا بعيدا

ان الذين امنوا ثم كفروا ثم امنوا ثم كفروا ثم ازدادوا كفرا

لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم سبيلا بشر المنافقين

بان لهم عذابا اليما الذين يتخذون الكافرين اولياء

من دون المؤمنين أيبتغون عندهم العزة فان العزة لله

جميعا وقد نزل عليكم في الكتاب ان اذا سمعتم ايات الله

يكفر بها ويستهزأ بها فلا تقعدوا معهم حتى يخوضوا في

حديث غيره انكم اذا مثلهم ان الله جامع المنافقين

والكافرين في جهنم جميعا الذين يتربصون بكم فان

كان لكم فتح من الله قالوا الم نكن معكم وان كان

للكافرين نصيب قالوا الم نستحوذ عليكم ونمنعكم من

اشارت

المؤمنين

المؤمنين فالله يحكم بينكم يوم القيمة ولن يجعل الله

للكافرين على المؤمنين سبيلا ۝ ان المنافقين يخادعون

الله وهو خادعهم واذا قاموا الى الصلوة قاموا كسالى

يراؤن الناس ولا يذكرون الله الا قليلا ۝ مذبذبين

بين ذلك لا الى هؤلاء ولا الى هؤلاء ومن يضلل الله

فلن تجد له سبيلا ۝ يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا الكافرين

اولياء من دون المؤمنين اتريدون ان تجعلوا لله عليكم

سلطانا مبينا ۝ ان المنافقين في الدرك الاسفل من النار

ولن تجد لهم نصيرا ۝ الا الذين تابوا واصلحوا واعتصموا

بالله واخلصوا دينهم لله فاولئك مع المؤمنين وسوف

يؤت الله المؤمنين اجرا عظيما ۝ ما يفعل الله بعذابكم

ان شكرتم وامنتم وكان الله شاكرا عليما ۝ لا يحب الله



الجهر بالسوء من القول الا من ظلم وكان الله سميعا عليما

ان تبدوا خيرا او تخفوه او تعفوا عن سوء فان الله كان

عفوا قديرا ان الذين يكفرون بالله ورسله ويقولون

نؤمن ببعض ونكفر ببعض ويريدون ان يتخذوا بين ذلك

سبيلا اولئك هم الكافرون حقا واعتدنا للكافرين

عذابا مهينا والذين امنوا بالله ورسله ولم يفرقوا بين

احد منهم اولئك سوف يؤتيهم اجورهم وكان الله غفورا

رحيما يسئلك اهل الكتاب ان تنزل عليهم كتابا من

السماء فقد سألوا موسى اكبر من ذلك فقالوا ارنا

الله جهرة فاخذتهم الصاعقة بظلمهم ثم اتخذوا العجل

من بعد ما جاءتهم البينات فعفونا عن ذلك واتينا

موسى سلطانا مبينا ورفعنا فوقهم الطور بميثاقهم

از حضرت ابی جعفر علیه السلام مرویست که در تفسیر این آیه فرمود که خدا دوست نمیدارد دشنام دادن را برای نصرت یافتن بر خصم مگر از آنکسی که رسیده باشد که در آنوقت جایز هم و دشنامی که در دین جایز است

وقلنا

وقلنا لهم ادخلوا الباب سجدا وقلنا لهم لا تعدوا في
السبت واخذنا منهم ميثاقا غليظا فبما نقضهم ميثاقهم
وكفرهم بايات الله وقتلهم الانبياء بغير حق وقولهم
قلوبنا غلف بل طبع الله عليها بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا
وبكفرهم وقولهم على مريم بهتانا عظيما وقولهم انا
قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول الله وما قتلوه وما صلبوه
ولكن شبه لهم وان الذين اختلفوا فيه لفي شك منه
ما لهم به من علم الا اتباع الظن وما قتلوه يقينا بل
رفعه الله اليه وكان الله عزيزا حكيما وان من اهل
الكتاب الا ليؤمنن به قبل موته ويوم القيمة يكون عليهم
شهيدا فبظلم من الذين هادوا حرمنا عليهم طيبات
احلت لهم وبصدهم عن سبيل الله كثيرا واخذهم

الربوا وقد نهوا عنه واكلهم اموال الناس بالباطل

واعتدنا للكافرين منهم عذابا اليما لكن الراسخون

في العلم منهم والمؤمنون يؤمنون بما انزل اليك وما انزل

من قبلك والمقيمين الصلوة والمؤتون الزكوة والمؤمنون

بالله واليوم الاخر اولئك سنؤتيهم اجرا عظيما انا اوحينا

اليك كما اوحينا الى نوح والنبيين من بعده واوحينا

الى ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط وعيسى

وايوب ويونس وهرون وسليمان واتينا داود زبورا

ورسلا قد قصصناهم عليك من قبل ورسلا لم نقصصهم

عليك وكلم الله موسى تكليما رسلا مبشرين ومنذرين

لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرسل وكان الله عزيزا

حكيما لكن الله يشهد بما انزل اليك انزله بعلمه و

الملئكة

الملئكة يشهدون وكفى بالله شهيدا ۝ ان الذين كفروا
وصدوا عن سبيل الله قد ضلوا ضللا بعيدا ۝ ان
الذين كفروا وظلموا لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم
طريقا ۝ الا طريق جهنم خالدين فيها ابدا وكان ذلك
على الله يسيرا ۝ يا ايها الناس قد جاءكم الرسول بالحق
من ربكم فامنوا خيرا لكم وان تكفروا فان لله ما فى
السموات والارض وكان الله عليما حكيما ۝ يا اهل الكتاب
لا تغلوا فى دينكم ولا تقولوا على الله الا الحق انما
المسيح عيسى بن مريم رسول الله وكلمته القيها الى مريم
وروح منه فامنوا بالله ورسله ولا تقولوا ثلثة انتهوا
خيرا لكم انما الله اله واحد سبحانه ان يكون له ولد
له ما فى السموات وما فى الارض وكفى بالله وكيلا ۝

لَن يَستَنكِفَ المَسِيحُ أَن يَكُونَ عَبدًا لِلّٰهِ وَلَا المَلٰٓئِكَةُ
المُقَرَّبُونَ وَمَن يَستَنكِف عَن عِبَادَتِهِ وَيَستَكبِر فَسَيَحشُرُهُم
إِلَيهِ جَمِيعًا ۞ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِم
أُجُورَهُم وَيَزِيدُهُم مِن فَضلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ استَنكَفُوا وَ
استَكبَرُوا فَيُعَذِّبُهُم عَذَابًا أَلِيمًا ۞ وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِن
دُونِ اللّٰهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۞ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَد جَاءَكُم
بُرهَانٌ مِن رَبِّكُم وَأَنزَلنَا إِلَيكُم نُورًا مُبِينًا ۞ فَأَمَّا الَّذِينَ
آمَنُوا بِاللّٰهِ وَاعتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدخِلُهُم فِي رَحمَةٍ مِنهُ وَفَضلٍ
وَيَهدِيهِم إِلَيهِ صِرَاطًا مُستَقِيمًا ۞ يَستَفتُونَكَ قُلِ اللّٰهُ
يُفتِيكُم فِي الكَلَالَةِ إِنِ امرُؤٌا هَلَكَ لَيسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُختٌ
فَلَهَا نِصفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِن لَم يَكُن لَهَا وَلَدٌ فَإِن كَانَتَا
اثنَتَينِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِن كَانُوا إِخوَةً رِجَالًا

از حضرت
ابی عبدالله مرویست که نور یعنی
ولایت علی ابن ابی طالب علیه السلام است

ونساء فللذكر مثل حظ الانثيين يبين الله لكم ان تضلوا

والله بكل شيء عليم

سورة المائدة مائة وعشرون آية مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

يا ايها الذين امنوا اوفوا بالعقود احلت لكم بهيمة

الانعام الا ما يتلى عليكم غير محلي الصيد وانتم حرم

ان الله يحكم ما يريد يا ايها الذين امنوا لا تحلوا شعائر

الله ولا الشهر الحرام ولا الهدي ولا القلائد ولا امين

البيت الحرام يبتغون فضلا من ربهم ورضوانا واذا

حللتم فاصطادوا ولا يجرمنكم شنان قوم ان صدوكم

عن المسجد الحرام ان تعتدوا وتعاونوا على البر والتقوى

ولا تعاونوا على الاثم والعدوان واتقوا الله ان الله شديد

العقاب حرمت عليكم الميتة والدم ولحم الخنزير

وما اهل لغير الله به والمنخنقة والموقوذة والمتردية والنطيحة

وما اكل السبع الا ما ذكيتم وما ذبح على النصب و

ان تستقسموا بالازلام ذلكم فسق اليوم يئس الذين كفروا

من دينكم فلا تخشوهم واخشون اليوم اكملت لكم دينكم

واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام دينا فمن

اضطر في مخمصة غير متجانف لاثم فان الله غفور رحيم

يسئلونك ماذا احل لهم قل احل لكم الطيبات وما

علمتم من الجوارح مكلبين تعلمونهن مما علمكم الله

فكلوا مما امسكن عليكم واذكروا اسم الله عليه واتقوا

الله ان الله سريع الحساب اليوم احل لكم الطيبات و

طعام الذين اوتوا الكتاب حل لكم وطعامكم حل

لهم والمحصنات من المؤمنات والمحصنات من الذين

اوتوا الكتاب من قبلكم اذا اتيتموهن اجورهن محصنين

غير مسافحين ولا متخذي اخدان ومن يكفر بالايمان

فقد حبط عمله وهو في الاخرة من الخاسرين ۝ يا ايها الذين

امنوا اذا قمتم الى الصلوة فاغسلوا وجوهكم وايديكم

الى المرافق وامسحوا برءوسكم وارجلكم الى الكعبين

وان كنتم جنبا فاطهروا وان كنتم مرضى او على سفر

او جاء احد منكم من الغائط او لامستم النساء فلم تجدوا

ماء فتيمموا صعيدا طيبا فامسحوا بوجوهكم وايديكم منه

ما يريد الله ليجعل عليكم من حرج ولكن يريد ليطهركم

وليتم نعمته عليكم لعلكم تشكرون ۝ واذكروا نعمة

الله عليكم وميثاقه الذي واثقكم به اذ قلتم سمعنا و

اطعنا واتقوا الله ان الله عليم بذات الصدور ۝ يا ايها

الذین امنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ولا یجرمنکم

کسانی که گرویده اید باشید ایستادگان برای خدا گواهان بعدل و باید که باز ندارد شما را

شنئان قوم علی ان لا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی

دشمنی گروهی بر این که عدالت نکنید عدالت کنید که آن نزدیکتر است مر پرهیزکاری را

واتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون ۞ وعد الله الذین امنوا و

و بترسید از خدا بدرستی که خدا آگاه است بآنچه می کنید وعده داده خدا کسانی را که گرویدند و

عملوا الصالحات لهم مغفرة واجر عظیم ۞ والذین کفروا

کردند کارهای شایسته مر ایشان راست آمرزش و مزد بزرگ و کسانی که کافر شدند

وکذبوا بایاتنا اولئک اصحاب الجحیم ۞ یا ایها الذین

و تکذیب نمودند آیتهای ما را این گروه یاران آتش اند ای کسانی که

امنوا اذکروا نعمت الله علیکم اذ هم قوم ان یبسطوا الیکم

گرویدید یاد کنید نعمتهای خدا را بر خود وقتی که قصد کردند گروهی که بگشایند بسوی شما

ایدیهم فکف ایدیهم عنکم واتقوا الله وعلی الله فلیتوکل

دستهاشان پس باز داشت دستهای ایشان را از شما و بترسید از خدا و بر خداست پس باید توکل کنند

المؤمنون ۞ ولقد اخذ الله میثاق بنی اسرائیل وبعثنا

گروندگان و هر آینه بتحقیق که گرفت خدا پیمان از فرزندان اسرائیل و برانگیختیم

منهم اثنی عشر نقیبا وقال الله انی معکم لئن اقمتم الصلوة

از ایشان دوازده مهتر و گفت خدا بدرستی که با شمایم البته اگر بپا دارید نماز را

واتیتم الزکوة وامنتم برسلی وعزرتموهم واقرضتم الله

و بدهید زکوات را و بگروید بفرستادگان من و یاری نمائید ایشان را و قرض دهید خدا را

قرضا حسنا لاکفرن عنکم سیئاتکم ولادخلنکم

قرضی نیکو هر آینه بپوشانیم از شما بدیهای شما را و هر آینه در آوریم شما را

جنات تجری من تحتها الانهار فمن کفر بعد ذلک

بهشتهائی که میرود از زیر آنها نهرها پس هر که کافر شود پس از این

برای
هر سبطی از دوازده
سبط بنی اسرائیل سرکرده مقرر شده
بود که متکفل احوال و امور ایشان که
دخل در تعیش نظام دنیای
داد امر و نواهی که دخل در
نظام امر آخرت دارد
بوده باشد

منکم

منكم فقد ضل سواء السبيل ۝ فبما نقضهم ميثاقهم لعناهم

وجعلنا قلوبهم قاسية يحرفون الكلم عن مواضعه و

نسوا حظا مما ذكروا به ولا تزال تطلع على خائنة منهم الا

قليلا منهم فاعف عنهم واصفح ان الله يحب المحسنين ۝

ومن الذين قالوا انا نصارى اخذنا ميثاقهم فنسوا حظا

مما ذكروا به فاغرينا بينهم العداوة والبغضاء الى يوم

القيمة وسوف ينبئهم الله بما كانوا يصنعون ۝ يا اهل

الكتاب قد جاءكم رسولنا يبين لكم كثيرا مما كنتم

تخفون من الكتاب ويعفوا عن كثير ۝ قد جاءكم من الله

نور وكتاب مبين ۝ يهدي به الله من اتبع رضوانه سبل

السلام ويخرجهم من الظلمات الى النور باذنه ويهديهم

الى صراط مستقيم ۝ لقد كفر الذين قالوا ان الله هو

الْمَسِيحِ ابْنِ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا اِنْ اَرَادَ اَنْ يُهْلِكَ
مسیح پسر مریم بگو پس کیست که منع کند از خدا چیزی را اگر خواست که هلاک کند
الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَاُمَّهُ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ جَمِيعًا وَلِلّٰهِ مُلْكُ
مسیح پسر مریم را و مادر او را و آنکه در زمین باشد همگی و مر خدا راست پادشاهی
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ
آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست می آفریند آنچه میخواهد و خدا بر هر
شَيْءٍ قَدِيرٌ ۞ وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارٰى نَحْنُ اَبْنَآءُ اللّٰهِ وَ
چیز تواناست و گفتند یهودان و ترسایان که ما پسران خداییم و
اَحِبَّآؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ اَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ
دوستان او بگو پس چرا عذاب میکند شما را بگناهان شما بلکه شما آدمیانید از آنچه آفرید
يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَآءُ وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَ
می آمرزد مر هر کرا میخواهد و عذاب میکند کسی را که میخواهد و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و
الْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَاِلَيْهِ الْمَصِيرُ ۞ يَا اَهْلَ الْكِتَابِ
زمین و آنچه میان آنهاست و بسوی اوست بازگشت ای اهل کتاب
قَدْ جَآءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلٰى فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ اَنْ تَقُولُوا
بتحقیق آمد شما را فرستاده ما بیان میکند برای شما بر فاصله از فرستادگان مبادا که گویید
مَا جَآءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَآءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ
نیامد ما را هیچ مژده دهنده و نه بیم دهنده پس بتحقیق آمد شما را مژده دهنده و بیم دهنده
وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۞ وَاِذْ قَالَ مُوسٰى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ
و خدا بر هر چیز تواناست و چون گفت موسی مر قوم خود را ای گروه
اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ جَعَلَ فِيكُمْ اَنْبِيَآءَ وَجَعَلَكُمْ
یاد کنید نعمت خدا را بر شما هنگامی که گردانید در میان شما پیغمبران و گردانید شما را
مُلُوكًا وَاٰتٰكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ اَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ۞ يَا قَوْمِ ادْخُلُوا
پادشاهان و داد شما را آنچه نداد احدی از جهانیان ای گروه داخل شوید

الارض

فترة
زمان ما بین دو رسول را
گویند که رسولی در میانه خلق نباشد
در مجمع البیان از بعضی از مفسرین حکایت
کرده که ما بین ولادت عیسی و محمد
پانصد و شصت و نه سال بود و بعد از
عیسی علیه السلام چهار پیغمبر بوده اند
آنان که حق سبحانه در قرآن مجید
حکایت فرموده که اذ ارسلنا الیهم
اثنین فکذبوهما فعززنا بثالث و گفته اند
چهارم را نمیدانم کیست و از آن
زمان صد و سی و چهار نبوت بود
و بعد از آن زمان
فترت
شد

الارض المقدسة التي كتب الله لكم ولا ترتدوا على ادباركم

فتنقلبوا خاسرين ۝ قالوا يا موسى ان فيها قوما جبارين

وانا لن ندخلها حتى يخرجوا منها فان يخرجوا منها فانا داخلون

قال رجلان من الذين يخافون انعم الله عليهما ادخلوا

عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غالبون ۝ وعلى الله

فتوكلوا ان كنتم مؤمنين ۝ قالوا يا موسى انا لن ندخلها

ابدا ما داموا فيها فاذهب انت وربك فقاتلا انا ههنا

قاعدون ۝ قال رب اني لا املك الا نفسي واخي فافرق

بيننا وبين القوم الفاسقين ۝ قال فانها محرمة عليهم

اربعين سنة يتيهون في الارض فلا تأس على القوم الفاسقين

واتل عليهم نبأ ابني آدم بالحق اذ قربا قربانا فتقبل من احدهما

ولم يتقبل من الآخر قال لاقتلنك قال انما يتقبل الله

نصف

مِنَ الْمُتَّقِينَ لَئِن بَسَطتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ

يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ إِنِّي أُرِيدُ

أَن تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ

الظَّالِمِينَ فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ

مِنَ الْخَاسِرِينَ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ

يُوَارِي سَوْأَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ

هَٰذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْأَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ

مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا

بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ

أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا

بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم بَعْدَ ذَٰلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ

فَسَادًا اَنْ يُقَتَّلُوٓا اَوْ يُصَلَّبُوٓا اَوْ تُقَطَّعَ اَيْدِيهِمْ وَاَرْجُلُهُمْ

مِنْ خِلَافٍ اَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْاَرْضِ ذٰلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا

وَلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ اِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ اَنْ

تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوٓا اَنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ

اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَابْتَغُوٓا اِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ

لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ اَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْاَرْضِ

جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لِيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ مَا

تُقُبِّلَ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۝ يُرِيدُونَ اَنْ يَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ

وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ ۝ وَالسَّارِقُ وَ

السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوٓا اَيْدِيَهُمَا جَزَآءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللّٰهِ

وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَاَصْلَحَ فَاِنَّ اللّٰهَ يَتُوبُ

عَلَيْهِ اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ



والارض يعذب من يشاء ويغفر لمن يشاء والله على كل
شيء قدير ۞ يا ايها الرسول لا يحزنك الذين يسارعون في
الكفر من الذين قالوا امنا بافواههم ولم تؤمن قلوبهم
ومن الذين هادوا سماعون للكذب سماعون لقوم
اخرين لم ياتوك يحرفون الكلم من بعد مواضعه يقولون
ان اوتيتم هذا فخذوه وان لم تؤتوه فاحذروا ومن يرد الله
فتنته فلن تملك له من الله شيئا اولئك الذين لم يرد الله
ان يطهر قلوبهم لهم في الدنيا خزي ولهم في الاخرة عذاب
عظيم ۞ سماعون للكذب اكالون للسحت فان جاءوك فاحكم
بينهم او اعرض عنهم وان تعرض عنهم فلن يضروك شيئا
وان حكمت فاحكم بينهم بالقسط ان الله يحب المقسطين
وكيف يحكمونك وعندهم التورىة فيها حكم الله ثم يتولون

مِن بَعْدِ ذَٰلِكَ وَمَا أُولَٰئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ۝ إِنَّا أَنزَلْنَا التَّوْرَاةَ

فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ

هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِن كِتَابِ

اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِ وَلَا

تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ ۝ وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ

بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنفَ بِالْأَنفِ وَالْأُذُنَ

بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَن تَصَدَّقَ

بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَّهُ وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ

هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا

لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى

وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً

لِلْمُتَّقِينَ ۝ وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ

يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۝ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ

الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا

عَلَيْهِ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ

مِنَ الْحَقِّ لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ

لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا

الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ

تَخْتَلِفُونَ ۝ وَأَنِ احْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ

وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا

فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا

مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ ۝ أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ

مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا

تتخذوا اليهود والنصارى أولياء بعضهم أولياء بعض و
من يتولهم منكم فإنه منهم إن الله لا يهدي القوم الظالمين
فترى الذين في قلوبهم مرض يسارعون فيهم يقولون نخشى
أن تصيبنا دائرة فعسى الله أن يأتي بالفتح أو أمر من عنده
فيصبحوا على ما أسروا في أنفسهم نادمين ويقول الذين
آمنوا أهؤلاء الذين أقسموا بالله جهد أيمانهم إنهم لمعكم
حبطت أعمالهم فأصبحوا خاسرين يا أيها الذين آمنوا من
يرتد منكم عن دينه فسوف يأتي الله بقوم يحبهم و
يحبونه أذلة على المؤمنين أعزة على الكافرين يجاهدون
في سبيل الله ولا يخافون لومة لائم ذلك فضل الله يؤتيه
من يشاء والله واسع عليم إنما وليكم الله ورسوله و
الذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم

راكعون ۝ ومن يتول الله ورسوله والذين آمنوا فإن حزب

الله هم الغالبون ۝ يا أيها الذين آمنوا لا تتخذوا الذين اتخذوا

دينكم هزوا ولعبا من الذين أوتوا الكتاب من قبلكم

والكفار أولياء واتقوا الله إن كنتم مؤمنين ۝ وإذا

ناديتم إلى الصلوة اتخذوها هزوا ولعبا ذلك بأنهم قوم

لا يعقلون ۝ قل يا أهل الكتاب هل تنقمون منا إلا أن

آمنا بالله وما أنزل إلينا وما أنزل من قبل وأن أكثركم

فاسقون ۝ قل هل أنبئكم بشر من ذلك مثوبة عند

الله من لعنه الله وغضب عليه وجعل منهم القردة و

الخنازير وعبد الطاغوت أولئك شر مكانا وأضل عن سواء

السبيل ۝ وإذا جاؤكم قالوا آمنا وقد دخلوا بالكفر

وهم قد خرجوا به والله أعلم بما كانوا يكتمون ۝ وترى كثيرا



منهم يسارعون في الاثم والعدوان واكلهم السحت لبئس
ما كانوا يعملون ۞ لولا ينهيهم الربانيون والاحبار عن قولهم
الاثم واكلهم السحت لبئس ما كانوا يصنعون ۞ وقالت
اليهود يد الله مغلولة غلت ايديهم ولعنوا بما قالوا بل يداه
مبسوطتان ينفق كيف يشاء وليزيدن كثيرا منهم ما
انزل اليك من ربك طغيانا وكفرا والقينا بينهم العداوة
والبغضاء الى يوم القيمة كلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها
الله ويسعون في الارض فسادا والله لا يحب المفسدين
ولو ان اهل الكتاب امنوا واتقوا لكفرنا عنهم سيئاتهم
ولادخلناهم جنات النعيم ۞ ولو انهم اقاموا التورية و
الانجيل وما انزل اليهم من ربهم لاكلوا من فوقهم
ومن تحت ارجلهم منهم امة مقتصدة وكثير منهم ساء ما

یهود گویند که حق تعالی عالم ممکنات را بر ترتیبی که دارد خواهد داشت تا روز قیامت و بعد از آن الی غیر النهایة در ازل ایجاد کرد دفعة و دیگر همیشه معطل بوده و خواهد بود

يعملون ۞ يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك وان
لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس ان
الله لا يهدي القوم الكافرين ۞ قل يا اهل الكتاب
لستم على شيء حتى تقيموا التورية والانجيل وما انزل اليكم
من ربكم وليزيدن كثيرا منهم ما انزل اليك من ربك
طغيانا وكفرا فلا تاس على القوم الكافرين ۞ ان الذين
امنوا والذين هادوا والصابئون والنصارى من امن
بالله واليوم الآخر وعمل صالحا فلا خوف عليهم ولا هم
يحزنون ۞ لقد اخذنا ميثاق بني اسرائيل وارسلنا اليهم
رسلا كلما جاءهم رسول بما لا تهوى انفسهم فريقا
كذبوا وفريقا يقتلون ۞ وحسبوا الا تكون فتنة فعموا
وصموا ثم تاب الله عليهم ثم عموا وصموا كثير منهم والله

بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ۞ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْمَسِيحُ

ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللّٰهَ رَبِّي

وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللّٰهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ

وَمَأْوٰيهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ۞ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ

قَالُوا إِنَّ اللّٰهَ ثَالِثُ ثَلٰثَةٍ وَمَا مِنْ إِلٰهٍ إِلَّا إِلٰهٌ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ

يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللّٰهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۞ مَا

الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَ

أُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ انْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ

لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انْظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ ۞ قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ

اللّٰهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللّٰهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۞

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا

تتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل واضلوا كثيرا وضلوا

عن سواء السبيل لعن الذين كفروا من بني اسرائيل

على لسان داود وعيسى ابن مريم ذلك بما عصوا وكانوا

يعتدون كانوا لا يتناهون عن منكر فعلوه لبئس ما

كانوا يفعلون ترى كثيرا منهم يتولون الذين كفروا لبئس

ما قدمت لهم انفسهم ان سخط الله عليهم وفي العذاب هم

خالدون ولو كانوا يؤمنون بالله والنبي وما انزل اليه

ما اتخذوهم اولياء ولكن كثيرا منهم فاسقون لتجدن

اشد الناس عداوة للذين امنوا اليهود والذين اشركوا و

لتجدن اقربهم مودة للذين امنوا الذين قالوا انا نصارى

ذلك بان منهم قسيسين ورهبانا وانهم لا يستكبرون

واذا سمعوا ما انزل الى الرسول ترى اعينهم تفيض من الدمع

مما عرفوا من الحق يقولون ربنا آمنا فاكتبنا مع الشاهدين

وما لنا لا نؤمن بالله وما جاءنا من الحق ونطمع أن يدخلنا

ربنا مع القوم الصالحين ۝ فأثابهم الله بما قالوا جنات

تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها وذلك جزاء المحسنين

والذين كفروا وكذبوا بآياتنا أولئك أصحاب الجحيم ۝ يا

أيها الذين آمنوا لا تحرموا طيبات ما أحل الله لكم ولا

تعتدوا إن الله لا يحب المعتدين ۝ وكلوا مما رزقكم الله

حلالا طيبا واتقوا الله الذي أنتم به مؤمنون ۝ لا يؤاخذكم الله

باللغو في أيمانكم ولكن يؤاخذكم بما عقدتم الأيمان

فكفارته إطعام عشرة مساكين من أوسط ما تطعمون

أهليكم أو كسوتهم أو تحرير رقبة فمن لم يجد فصيام ثلاثة

أيام ذلك كفارة أيمانكم إذا حلفتم واحفظوا أيمانكم

كذلك يبين الله لكم اياته لعلكم تشكرون ۝ يا ايها الذين

امنوا انما الخمر والميسر والانصاب والازلام رجس

من عمل الشيطان فاجتنبوه لعلكم تفلحون ۝ انما يريد

الشيطان ان يوقع بينكم العداوة والبغضاء في

الخمر والميسر ويصدكم عن ذكر الله وعن الصلوة فهل

انتم منتهون ۝ واطيعوا الله واطيعوا الرسول واحذروا فان

توليتم فاعلموا انما على رسولنا البلاغ المبين ۝ ليس على

الذين امنوا وعملوا الصالحات جناح فيما طعموا اذا ما اتقوا

وامنوا وعملوا الصالحات ثم اتقوا وامنوا ثم اتقوا واحسنوا

والله يحب المحسنين ۝ يا ايها الذين امنوا ليبلونكم الله

بشيء من الصيد تناله ايديكم ورماحكم ليعلم الله

من يخافه بالغيب فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب اليم

يا ايها

يا أيها الذين آمنوا لا تقتلوا الصيد وأنتم حرم ومن قتله
منكم متعمدا فجزاء مثل ما قتل من النعم يحكم به ذوا عدل
منكم هديا بالغ الكعبة أو كفارة طعام مساكين أو عدل
ذلك صياما ليذوق وبال أمره عفا الله عما سلف ومن
عاد فينتقم الله منه والله عزيز ذو انتقام ۞ أحل لكم
صيد البحر وطعامه متاعا لكم وللسيارة وحرم عليكم
صيد البر ما دمتم حرما واتقوا الله الذي إليه تحشرون ۞
جعل الله الكعبة البيت الحرام قياما للناس والشهر
الحرام والهدي والقلائد ذلك لتعلموا أن الله يعلم ما في
السماوات وما في الأرض وأن الله بكل شيء عليم ۞ اعلموا
أن الله شديد العقاب وأن الله غفور رحيم ۞ ما على الرسول
إلا البلاغ والله يعلم ما تبدون وما تكتمون ۞ قل لا

يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا

اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا

عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ

حَلِيمٌ ۝ قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ

مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَ

لَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا

يَعْقِلُونَ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ

قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا

يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ

أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ

جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ

اذا

اذا حضر احدكم الموت حين الوصية اثنان ذوا عدل منكم

او اخران من غيركم ان انتم ضربتم في الارض فاصابتكم

مصيبة الموت تحبسونهما من بعد الصلوة فيقسمان بالله

ان ارتبتم لا نشتري به ثمنا ولو كان ذا قربى ولا نكتم

شهادة الله انا اذا لمن الاثمين ۝ فان عثر على انهما استحقا

اثما فاخران يقومان مقامهما من الذين استحق عليهم الاوليان

فيقسمان بالله لشهادتنا احق من شهادتهما وما اعتدينا

انا اذا لمن الظالمين ۝ ذلك ادنى ان ياتوا بالشهادة على

وجهها او يخافوا ان ترد ايمان بعد ايمانهم واتقوا الله واسمعوا

والله لا يهدي القوم الفاسقين ۝ يوم يجمع الله الرسل

فيقول ماذا اجبتم قالوا لا علم لنا انك انت علام الغيوب

اذ قال الله يا عيسى ابن مريم اذكر نعمتي عليك وعلى والدتك

إذ أيدتك بروح القدس تكلم الناس في المهد وكهلا
وإذ علمتك الكتاب والحكمة والتوراة والإنجيل وإذ
تخلق من الطين كهيئة الطير بإذني فتنفخ فيها فتكون
طيرا بإذني وتبرئ الأكمه والأبرص بإذني وإذ تخرج
الموتى بإذني وإذ كففت بني إسرائيل عنك إذ جئتهم بالبينات
فقال الذين كفروا منهم إن هذا إلا سحر مبين ۝ وإذ
أوحيت إلى الحواريين أن آمنوا بي وبرسولي قالوا آمنا واشهد
بأننا مسلمون ۝ إذ قال الحواريون يا عيسى ابن مريم هل يستطيع
ربك أن ينزل علينا مائدة من السماء قال اتقوا الله إن كنتم
مؤمنين ۝ قالوا نريد أن نأكل منها وتطمئن قلوبنا ونعلم
أن قد صدقتنا ونكون عليها من الشاهدين ۝ قال عيسى ابن
مريم اللهم ربنا أنزل علينا مائدة من السماء تكون لنا



عيدا

عيدا لأولنا وآخرنا وآية منك وارزقنا وأنت خير الرازقين

قال الله إني منزلها عليكم فمن يكفر بعد منكم فإني أعذبه

عذابا لا أعذبه أحدا من العالمين ۞ وإذ قال الله يا عيسى ابن

مريم أأنت قلت للناس اتخذوني وأمي إلهين من دون

الله قال سبحانك ما يكون لي أن أقول ما ليس لي بحق إن

كنت قلته فقد علمته تعلم ما في نفسي ولا أعلم ما في نفسك

إنك أنت علام الغيوب ۞ ما قلت لهم إلا ما أمرتني به

أن اعبدوا الله ربي وربكم وكنت عليهم شهيدا ما

دمت فيهم فلما توفيتني كنت أنت الرقيب عليهم وأنت على

كل شيء شهيد ۞ إن تعذبهم فإنهم عبادك وإن تغفر

لهم فإنك أنت العزيز الحكيم ۞ قال الله هذا يوم ينفع

الصادقين صدقهم لهم جنات تجري من تحتها الأنهار



خالدين فيها ابدا رضى الله عنهم ورضوا عنه ذلك الفوز
العظيم لله ملك السموات والارض وما فيهن وهو على كل
شيء قدير

سورة الانعام

ماية وخمس وستون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى خلق السموات والارض وجعل الظلمات
والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون هو الذى
خلقكم من طين ثم قضى اجلا واجل مسمى عنده ثم انتم تمترون
وهو الله فى السموات وفى الارض يعلم سركم وجهركم
ويعلم ما تكسبون وما تاتيهم من اية من ايات ربهم الا
كانوا عنها معرضين فقد كذبوا بالحق لما جاءهم فسوف
ياتيهم انبؤا ما كانوا به يستهزؤن الم يروا كم اهلكنا
من قبلهم من قرن مكناهم فى الارض ما لم نمكن لكم

وارسلنا

وَأَرْسَلْنَا السَّمَآءَ عَلَيْهِم مِّدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي
مِن تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ
وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ
كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ۝ وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ
مَلَكٌ وَلَوْ أَنزَلْنَا مَلَكًا لَّقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ ۝ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ
مَلَكًا لَّجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلْبِسُونَ ۝ وَلَقَدِ
اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُم مَّا كَانُوا
بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ۝ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ
عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ۝ قُل لِّمَن مَّا فِي السَّمَٰوَاتِ وَالْأَرْضِ قُل لِّلَّهِ
كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَٰمَةِ لَا رَيْبَ
فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَلَهُ مَا سَكَنَ
فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ

وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ اِنِّیٓ

اُمِرْتُ اَنْ اَكُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَسْلَمَ وَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ قُلْ

اِنِّیٓ اَخَافُ اِنْ عَصَيْتُ رَبِّیْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ مَنْ يُصْرَفْ

عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهٗ وَذٰلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِيْنُ وَاِنْ يَمْسَسْكَ

اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهٗٓ اِلَّا هُوَ وَاِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلٰی كُلِّ

شَیْءٍ قَدِيْرٌ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهٖ وَهُوَ الْحَكِيْمُ الْخَبِيْرُ

قُلْ اَیُّ شَیْءٍ اَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللّٰهُ شَهِيْدٌ بَيْنِیْ وَبَيْنَكُمْ وَاُوْحِیَ

اِلَیَّ هٰذَا الْقُرْاٰنُ لِاُنْذِرَكُمْ بِهٖ وَمَنْ بَلَغَ اَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُوْنَ

اَنَّ مَعَ اللّٰهِ اٰلِهَةً اُخْرٰی قُلْ لَآ اَشْهَدُ قُلْ اِنَّمَا هُوَ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ وَّ

اِنَّنِیْ بَرِیْٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُوْنَ اَلَّذِيْنَ اٰتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُوْنَهٗ

كَمَا يَعْرِفُوْنَ اَبْنَآءَهُمُ الَّذِيْنَ خَسِرُوْٓا اَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰی عَلَی اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ كَذَّبَ بِاٰيَاتِهٖٓ اِنَّهٗ



لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ۝ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا

أَيْنَ شُرَكَاؤُكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ۝ ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا

أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ۝ انْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا

عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ

إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ

وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ

يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ

وَمَا يَشْعُرُونَ ۝ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا

نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝

بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا

عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۝ وَقَالُوا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا

وما نحن بمبعوثين ۝ ولو ترى اذ وقفوا على ربهم قال أليس

هذا بالحق قالوا بلى وربنا قال فذوقوا العذاب بما كنتم

تكفرون ۝ قد خسر الذين كذبوا بلقاء الله حتى اذا جاءتهم

الساعة بغتة قالوا يا حسرتنا على ما فرطنا فيها وهم يحملون

اوزارهم على ظهورهم الا ساء ما يزرون ۝ وما الحيوة الدنيا

الا لعب ولهو وللدار الاخرة خير للذين يتقون افلا تعقلون

قد نعلم انه ليحزنك الذي يقولون فانهم لا يكذبونك

ولكن الظالمين بايات الله يجحدون ۝ ولقد كذبت رسل

من قبلك فصبروا على ما كذبوا واوذوا حتى اتيهم نصرنا ولا

مبدل لكلمات الله ولقد جاءك من نبأي المرسلين

وان كان كبر عليك اعراضهم فان استطعت ان تبتغي

نفقا في الارض او سلما في السماء فتاتيهم باية ولو شاء الله

لجمعهم

نصف

لجمعهم على الهدى فلا تكونن من الجاهلين ۝ انما يستجيب

الذين يسمعون والموتى يبعثهم الله ثم اليه يرجعون ۝ و

قالوا لولا نزل عليه اية من ربه قل ان الله قادر على ان

ينزل اية ولكن اكثرهم لا يعلمون ۝ وما من دابة في

الارض ولا طائر يطير بجناحيه الا امم امثالكم ما فرطنا

في الكتاب من شيء ثم الى ربهم يحشرون ۝ والذين كذبوا

باياتنا صم وبكم في الظلمات من يشا الله يضلله ومن

يشا يجعله على صراط مستقيم ۝ قل ارايتكم ان اتيكم عذاب

الله او اتتكم الساعة اغير الله تدعون ان كنتم صادقين ۝

بل اياه تدعون فيكشف ما تدعون اليه ان شاء وتنسون

ما تشركون ۝ ولقد ارسلنا الى امم من قبلك فاخذناهم

بالباساء والضراء لعلهم يتضرعون ۝ فلولا اذ جاءهم

یعنی هرچه باید از مواعظ و غیر آنها در قرآن هست که ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین

بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلٰكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ
عذاب ما زاری کردند و لیکن سخت شد دلهای ایشان و زینت داد مر ایشان را دیو رجیم
مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۞ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ
آنچه بودند که میکردند پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شدند بآن پس گشودیم بر ایشان درهای هر
شَيْءٍ حَتّٰى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ
چیزی تا آنگاه که شاد شدند بآنچه داده شدند گرفتیم ایشان را ناگاه پس آنگاه ایشان نومید شدند
فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۞ قُلْ
پس کنده شد بیخ آن گروهی که ستم کردند و سپاس مر خدای را که پروردگار جهانیان است بگو
أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللّٰهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلٰى قُلُوبِكُمْ مَنْ
چه می بینید اگر فرا گیرد خدا شنوائی شما و بینائی شما و مهر زند بر دلهای شما کیست
إِلٰهٌ غَيْرُ اللّٰهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ
معبودی بجز خدا که بیاورد بشما آن بعین چگونه بکرر میگردانیم و می آریم آیتها پس ایشان
يَصْدِفُونَ ۞ قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللّٰهِ بَغْتَةً أَوْ
روی میگردانند بگو آیا می بینید شما اگر بیاید شما را عذاب خدا ناگاه یا
جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ ۞ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ
آشکارا آیا هلاک کرده میشود جز گروه ستمکاران و نمیفرستیم پیغمبران را
إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا
مگر مژده دهندگان و ترسانندگان پس کسی ایمان آورد و کار شایسته کرد پس نیست ترسی بر ایشان و نه
هُمْ يَحْزَنُونَ ۞ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا
ایشان اندوهناک میشوند و آنانکه دروغ بستند بنشانهای ما پس میرسد ایشان را عذاب بآنچه
كَانُوا يَفْسُقُونَ ۞ قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللّٰهِ وَلَا أَعْلَمُ
بودند که کار زشت میکردند بگو نمیگویم مر شما را که نزد منست خزانهای خدا و نمیدانم
الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحٰى إِلَيَّ قُلْ
آنچه پنهان است و نمیگویم برای شما بدرستی که من فرشته ام پیروی نمیکنم مگر آنچه وحی کرده میشود بسوی من بگو

یعنی
بعد از آیه آیه دیگری
آوریم برای پند ایشان و گاهی از
راه دلایل [illegible] می آریم و گاهی
از راه موعظه و نصیحت و گاهی از را
وعده و وعید و مانند
اینها

هل

هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ۝ وَأَنذِرْ بِهِ
الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِ وَلِيٌّ
وَلَا شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَاةِ
وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ
وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِم مِّن شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ
وَكَذَٰلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوا أَهَٰؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِم
مِّن بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ۝ وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ
يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ
الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ
وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ
سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ ۝ قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن
دُونِ اللَّهِ قُل لَّا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ

ایمنی
از اهل بیت عصمت
علیهم السلام منقول است پس در کلام
استعاره است و اکثر مفسرین چنین
گفته اند

گویند
جمعی از قریش بحضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله رسیدند
دیدند که صهیبا و بلال و عمار و جمعی دیگر از ضعفا
و فقرا نشسته بودند گفتند ای محمد می‌پسندی
که ما پیرو و همنشین این جمع باشیم چنانچه ایشان را
از خود برانی کاه باشد ما هم ایمان بیاوریم پس
این آیه آمد و صاحب کشاف از سلمان
و خباب روایت کرده که گفته این آیه در شان
ما نازل شد ما نزدیک آنحضرت صلی الله
علیه و آله می‌نشستیم بجدی که زانوی ما
بزانوهای مبارک آنحضرت می‌رسید
برمیخواست چون این آیه آمد ما
نشسته بودیم آنحضرت برمیخواست
برعایت ما

المهتدين ۞ قل انى على بينة من ربى وكذبتم به ما عندى
ما تستعجلون به ان الحكم الا لله يقص الحق وهو خير الفاصلين
قل لو ان عندى ما تستعجلون به لقضى الامر بينى وبينكم
والله اعلم بالظالمين ۞ وعنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا
هو ويعلم ما فى البر والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها ولا
حبة فى ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا فى كتاب
مبين ۞ وهو الذى يتوفيكم بالليل ويعلم ما جرحتم بالنهار
ثم يبعثكم فيه ليقضى اجل مسمى ثم اليه مرجعكم ثم ينبئكم بما
كنتم تعملون ۞ وهو القاهر فوق عباده ويرسل عليكم
حفظة حتى اذا جاء احدكم الموت توفته رسلنا وهم لا
يفرطون ۞ ثم ردوا الى الله مولهم الحق الا له الحكم
وهو اسرع الحاسبين ۞ قل من ينجيكم من ظلمات البر والبحر

تدعونه

تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ
الشَّاكِرِينَ ۝ قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ
تُشْرِكُونَ ۝ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ
فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ
بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ ۝
وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ
لِكُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ
يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ
غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَىٰ
مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ
مِنْ شَيْءٍ وَلَٰكِنْ ذِكْرَىٰ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ وَذَرِ الَّذِينَ
اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ

بِهٖٓ اَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌۢ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَلِيٌّ وَّلَا

بان مباد اگر گرایند و شود بعضی آنچه کسب کرد نباشد مراو را از غیر خدا دوستی و نه

شَفِيْعٌ وَاِنْ تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَّا يُؤْخَذْ مِنْهَا اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ

شفاعت کننده و اگر جزا دهد هر جزای گرفته نشود از آن آنها اند آنانکه

اُبْسِلُوْا بِمَا كَسَبُوْا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيْمٍ وَّعَذَابٌ اَلِيْمٌۢ بِمَا كَانُوْا

گرایند و شدند بآنچه کسب کردند برای ایشان شرابست از آب جوشان و عذاب دردناک بآنچه بودند

يَكْفُرُوْنَ ۝ قُلْ اَنَدْعُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَ

که حق را میپوشیدند بگو آیا میخوانیم از غیر خدا آنچه سود نبخشد بما و ضرر نرساند ما را و

نُرَدُّ عَلٰٓى اَعْقَابِنَا بَعْدَ اِذْ هَدٰىنَا اللّٰهُ كَالَّذِى اسْتَهْوَتْهُ الشَّيٰطِيْنُ

بازپس گردانیده شویم بر پاشنه‌های خود بعد از آنکه راه نمود ما را خدا چون کسی که راه بردند او را دیوان

فِى الْاَرْضِ حَيْرَانَ لَهٗٓ اَصْحٰبٌ يَّدْعُوْنَهٗٓ اِلَى الْهُدَى ائْتِنَا قُلْ

در زمین سرگشته مر او را رفیقان باشند که میخوانند او را بسوی راه راستی که بیا ما را بگو

اِنَّ هُدَى اللّٰهِ هُوَ الْهُدٰى وَاُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ۝

بدرستیکه راه نمائی خدا اوست راه راست و مامور شده ایم که گردن نهیم پروردگار جهانیان را

وَاَنْ اَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاتَّقُوْهُ وَهُوَ الَّذِيْٓ اِلَيْهِ تُحْشَرُوْنَ ۝ وَ

و اگر بر پا دارید نماز را و بترسید از او و اوست آنکه بسوی او فراهم آورده میشوید و

هُوَ الَّذِىْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُوْلُ كُنْ

اوست آنکه آفرید آسمانها و زمین را براستی و روزیکه میگوید بشو

فَيَكُوْنُ ۝ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِى الصُّوْرِ عٰلِمُ

پس میشود گفتار او راست و مر او راست پادشاهی روزیکه دمیده شود در صور دانای

الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيْمُ الْخَبِيْرُ ۝ وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهِيْمُ

نهان و آشکاراست و اوست درست کردار آگاه و چون گفت ابراهیم

لِاَبِيْهِ اٰزَرَ اَتَتَّخِذُ اَصْنَامًا اٰلِهَةً اِنِّيْٓ اَرٰىكَ وَقَوْمَكَ فِىْ

مر پدر خود را آزر آیا میگیری بتان را خدایان بدرستیکه من میبینم ترا و گروه ترا در



ضَلَالٍ مُبِينٍ ۞ وَكَذَٰلِكَ نُرِيٓ إِبْرَٰهِيمَ مَلَكُوتَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ ٱلْمُوقِنِينَ ۞ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ ٱلَّيْلُ
رَءَا كَوْكَبًا قَالَ هَٰذَا رَبِّي فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَآ أُحِبُّ
ٱلْآفِلِينَ ۞ فَلَمَّا رَءَا ٱلْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَٰذَا رَبِّي فَلَمَّآ أَفَلَ
قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلضَّآلِّينَ ۞
فَلَمَّا رَءَا ٱلشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَٰذَا رَبِّي هَٰذَآ أَكْبَرُ فَلَمَّآ أَفَلَتْ
قَالَ يَٰقَوْمِ إِنِّي بَرِيٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ۞ إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ
لِلَّذِي فَطَرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ
وَحَآجَّهُۥ قَوْمُهُۥ قَالَ أَتُحَٰٓجُّوٓنِّي فِي ٱللَّهِ وَقَدْ هَدَىٰنِ وَلَآ أَخَافُ
مَا تُشْرِكُونَ بِهِۦٓ إِلَّآ أَن يَشَآءَ رَبِّي شَيْـًٔا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ
شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ۞ وَكَيْفَ أَخَافُ مَآ أَشْرَكْتُمْ وَلَا
تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِٱللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِۦ عَلَيْكُمْ سُلْطَٰنًا

فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا

پس کدام یک ازاین دو گروه سزاوارترند بایمنی اگر هستید که بدانید کسانیکه گرویدند

وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ

ونیامیختند ایمان ایشانرا بستم ایشانند که ایشانراست ایمنی وایشان راه یافتگانند

وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ ۚ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ

واین است حجت ما که دادیم آنرا بابراهیم بر گروه او بلند گردانیدیم مراتب آنرا که

نَشَاءُ ۗ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ۝ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۚ كُلًّا

خواهیم بدرستی که پروردگار تو محکم کار داناست و بخشیدیم مراورا اسحق و یعقوب هر یکرا

هَدَيْنَا ۚ وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ ۖ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ

راهی نمودیم و نوح را راه نمودیم از پیش و از فرزندان نوح داود و سلیمان

وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

و ایوب و یوسف و موسی و هرون و همچنین جزا میدهیم نیکوکارانرا

وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ ۖ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ وَ

و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس هر یک از شایسته کارانند و

إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا ۚ وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ

اسمعیل و الیسع و یونس و لوط و هر یک را افزونی دادیم بر جهانیان

وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ ۖ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ

و از پدرانشان و فرزندانشان و برادرانشان و برگزیدیم ایشانرا و راه نمودیم ایشانرا

إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ

بسوی راه راست این است راهنمائی خدا که راه مینماید بآن هرکرا میخواهد

مِنْ عِبَادِهِ ۚ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝

از بندگان خود و اگر انباز گیرند هر آینه باطل شد از ایشان آنچه بودند که میکردند

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ۚ فَإِنْ

آنها کسانی اند که دادیم ایشانرا کتاب و حکمت و پیغمبری پس اگر

در مجمع البیان گفته اند که بعضی گفته اند که کریمه الذین آمنوا کلام حضرت ابراهیم علیه السلام است و این معنی از امیر المؤمنین صلوات الله علیه مرویست و بعضی آنرا کلام ایجاد دانسته اند

يكفر

يكفر بها هؤلاء فقد وكلنا بها قوما ليسوا بها بكافرين ۝

أولئك الذين هدى الله فبهداهم اقتده قل لا أسئلكم

عليه أجرا إن هو إلا ذكرى للعالمين ۝ وما قدروا الله

حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء قل من أنزل

الكتاب الذي جاء به موسى نورا وهدى للناس

تجعلونه قراطيس تبدونها وتخفون كثيرا وعلمتم

ما لم تعلموا أنتم ولا آباؤكم قل الله ثم ذرهم في خوضهم

يلعبون ۝ وهذا كتاب أنزلناه مبارك مصدق الذي

بين يديه ولتنذر أم القرى ومن حولها والذين يؤمنون

بالآخرة يؤمنون به وهم على صلاتهم يحافظون ۝ ومن أظلم

ممن افترى على الله كذبا أو قال أوحي إلي ولم يوح

إليه شيء ومن قال سأنزل مثل ما أنزل الله ولو ترى

إذ الظالمون في غمرات الموت والملئكة باسطوا أيديهم

أخرجوا أنفسكم اليوم تجزون عذاب الهون بما كنتم

تقولون على الله غير الحق وكنتم عن ءاياته تستكبرون

ولقد جئتمونا فرادى كما خلقناكم أول مرة وتركتم

ما خولناكم وراء ظهوركم وما نرى معكم شفعاءكم الذين

زعمتم أنهم فيكم شركؤا لقد تقطع بينكم وضل عنكم

ما كنتم تزعمون إن الله فالق الحب والنوى يخرج الحي

من الميت ومخرج الميت من الحي ذلكم الله فأنى تؤفكون

فالق الإصباح وجعل الليل سكنا والشمس والقمر

حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم وهو الذي جعل

لكم النجوم لتهتدوا بها في ظلمات البر والبحر قد فصلنا

الآيات لقوم يعلمون وهو الذي أنشأكم من نفس

وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ

يَفْقَهُونَ ۞ وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ

نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا

وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ

وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انْظُرُوا إِلَى

ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۞

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ

بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَصِفُونَ ۞ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَ

الْأَرْضِ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ

كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۞ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا

هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۞

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ

اللطيف الخبير ۝ قد جاءكم بصائر من ربكم فمن ابصر

فلنفسه ومن عمى فعليها وما انا عليكم بحفيظ ۝ و

كذلك نصرف الآيات وليقولوا درست ولنبينه لقوم

يعلمون ۝ اتبع ما اوحى اليك من ربك لا اله الا هو و

اعرض عن المشركين ۝ ولو شاء الله ما اشركوا وما جعلناك

عليهم حفيظا وما انت عليهم بوكيل ۝ ولا تسبوا الذين

يدعون من دون الله فيسبوا الله عدوا بغير علم كذلك

زينا لكل امة عملهم ثم الى ربهم مرجعهم فينبئهم بما كانوا

يعملون ۝ واقسموا بالله جهد ايمانهم لئن جاءتهم اية

ليؤمنن بها قل انما الآيات عند الله وما يشعركم انها اذا

جاءت لا يؤمنون ۝ ونقلب افئدتهم وابصارهم كما

لم يؤمنوا به اول مرة ونذرهم في طغيانهم يعمهون ۝



وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا

عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَٰكِنَّ

أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ ۝ وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ

الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ۝ وَلِتَصْغَىٰ

إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا

مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ ۝ أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ

إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ

أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ۝ وَتَمَّتْ

كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ

الْعَلِيمُ ۝ وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ

اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ۝ إِنَّ

رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ۝

پروردگار تو اوست دانا بکسی که گمراه میشود از راه او و اوست دانا تر براه یافتگان

فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللهِ عَلَيْهِ اِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ ۝ وَمَا

پس بخورید از آنچه یاد کرده شده نام خدا براو اگر هستید بنشانهای او گروندگان و چیست

لَكُمْ اَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا

مر شما را که نخورید از آنچه یاد کرده شد یاد خدا براو و براستی پدید کردم برای شما آنچه

حَرَّمَ عَلَيْكُمْ اِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ اِلَيْهِ وَاِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ

حرام شد بر شما مگر آنچه ناچار شوید بسوی او و بدرستیکه بسیاری هر آینه گمراه میشوند

بِاَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ ۝ وَذَرُوا

بخواهشهای خود بدون دانش بدرستی که پروردگار تو اوست دانا به از حد در گذرندگان و واگذارید

ظَاهِرَ الْاِثْمِ وَبَاطِنَهُ اِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْاِثْمَ سَيُجْزَوْنَ

آشکارای گناه و پنهان او را بدرستی که کسانی که کسب کنند گناه را بزودی جزا داده میشوند

بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ ۝ وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللهِ

بآنچه بودند که کسب میکردند و مخورید از آنچه یاد کرده نشده نام خدا

عَلَيْهِ وَاِنَّهُ لَفِسْقٌ وَاِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ اِلَى اَوْلِيَائِهِمْ

براو و بدرستیکه او هر آینه نافرمانی است و بدرستی که دیوان هر آینه میرسانند بسوی دوستانشان

لِيُجَادِلُوكُمْ وَاِنْ اَطَعْتُمُوهُمْ اِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ۝ اَوَمَنْ كَانَ

تا مجادله کنند با شما و اگر پیروی کنید ایشان را بدرستی که شما از انباز گیرندگانید آیا کسی که بود

مَيْتًا فَاَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ

مرده پس زنده کردیم او را و گردانیدیم مر او را روشنی که میرود بآن در میان مردمان چون کسی که

مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذٰلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ

صفت او میرود در تاریکیها نیست که بیرون آید از آنجا همچنین آراسته شده برای کافران

مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ اَكَابِرَ

آنچه بودند که میکردند و همچنین گردانیدیم در هر دهی بزرگان را

ظاهر آنست که ذبیحه که ترک تسمیه شده باشد وقت ذبح حرام باشد مطلقا خواه عمدا و خواه نسیانا چنانچه مذهب بعضی از اصحاب قائل بحلیت آن در صورت نسیان شده و از اهل بیت علیهم السلام صراحت در این معنی وارد

١٧٧

مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا

يَشْعُرُونَ ۝ وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ

مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ

سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ

بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ ۝ فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ

لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا

كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَٰلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَهَٰذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا

الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ۝ لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ

وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ

الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ

وَبَلَغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَّلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ

گویا
بسبب منع الطاف
خود از ایشان باعتبار عدم
قابلیت

مار
جنیان بهره
یافتیم که ما رهنمائی بشهوات
نفسانی نموده و جنیان از ما بهره یافتند
بحصول مطلب و مدعای ایشان
که اضلال بود

خالدين فيها إلا ما شاء الله إن ربك حكيم عليم ۝ وكذلك

جاودانیان در آن مگر آنچه را خواست خدا بدرستی که پروردگار تو درست کردار داناست و همچنین

نولي بعض الظالمين بعضا بما كانوا يكسبون ۝ يا معشر

بر گماریم پاره از ستمکاران را بپاره دیگر بآنچه هستند که کسب میکردند ای گروه

الجن والإنس ألم يأتكم رسل منكم يقصون عليكم آياتي

پریان و آدمیان آیا نیامد مر شمارا فرستادگان از شما که بخوانند بر شما آیتهای

وينذرونكم لقاء يومكم هذا قالوا شهدنا على أنفسنا وغرتهم

و بیم میکنند شمارا از رسیدن روز شما این است که گفتند گواهی دهیم بر خود ما و فریفت ایشان را

الحيوة الدنيا وشهدوا على أنفسهم أنهم كانوا كافرين ۝

زندگانی دنیا و گواهی دادند بر خود ایشان بدرستی ایشان بودند ناگروندگان

ذلك أن لم يكن ربك مهلك القرى بظلم وأهلها غافلون

این از آنست که نیست پروردگار تو هلاک کننده قریه‌ها بستم و مردمان ده بیخبرانند

ولكل درجات مما عملوا وما ربك بغافل عما يعملون ۝

و از برای هر یک مرتبه‌هاست از آنچه کردند و نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه میکنند

وربك الغني ذو الرحمة إن يشأ يذهبكم ويستخلف

و پروردگار تو بی‌نیاز است خداوند بخشایش اگر خواهد میبرد شمارا و میگرداند جانشین

من بعدكم ما يشاء كما أنشأكم من ذرية قوم آخرين

از بعد شما آنچه خواهد همچنانکه پدید آورد شمارا از فرزندان گروهی دیگر

إن ما توعدون لآت وما أنتم بمعجزين ۝ قل يا قوم اعملوا

بدرستی که آنچه وعده کرده شده‌اید هر آینه آمدنی است و نیستید عاجز کننده بگو ای گروه کار کنید

على مكانتكم إني عامل فسوف تعلمون من تكون له عاقبة

بر جایگاه و توانائی خود بدرستی که من کار کننده‌ام پس زود باشد که بدانید که باشد مراورا سرانجام

الدار إنه لا يفلح الظالمون ۝ وجعلوا لله مما ذرأ من الحرث

آن سرای بدرستی که رستگار نمیشوند ستمکاران و گردانیدند برای خدا از آنچه آفرید از کشت

والانعام

وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَٰذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَٰذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا
كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ
شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۝ وَكَذَٰلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِنَ
الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ
دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ۝ وَقَالُوا
هَٰذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَ
أَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا
افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ وَقَالُوا مَا فِي
بُطُونِ هَٰذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا
وَإِنْ يَكُنْ مَيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ
إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ۝ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ
وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا

حزب

مهتدين ۝ وهو الذي انشا جنات معروشات وغير

معروشات والنخل والزرع مختلفا اكله والزيتون والرمان

متشابها وغير متشابه كلوا من ثمره اذا اثمر واتوا حقه يوم

حصاده ولا تسرفوا انه لا يحب المسرفين ۝ ومن الانعام

حمولة وفرشا كلوا مما رزقكم الله ولا تتبعوا خطوات

الشيطان انه لكم عدو مبين ۝ ثمانية ازواج من الضان

اثنين ومن المعز اثنين قل الذكرين حرم ام الانثيين

اما اشتملت عليه ارحام الانثيين نبئوني بعلم ان كنتم

صادقين ۝ ومن الابل اثنين ومن البقر اثنين قل الذكرين

حرم ام الانثيين اما اشتملت عليه ارحام الانثيين ام

كنتم شهداء اذ وصاكم الله بهذا فمن اظلم ممن افترى على

الله كذبا ليضل الناس بغير علم ان الله لا يهدي القوم

الظَّالِمِينَ ۞ قُل لَّا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٍ

يَطْعَمُهُ إِلَّا أَن يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ

رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ

فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۞ وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ

ذِي ظُفُرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا

مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَٰلِكَ

جَزَيْنَاهُم بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ۞ فَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل

رَّبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا

وَلَا حَرَّمْنَا مِن شَيْءٍ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ

ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِندَكُم مِّنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِن تَتَّبِعُونَ

إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ ۞ قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ

فلو شاء لهدىكم اجمعين ۝ قل هلم شهداءكم الذين

پس اگر خواستی هر آینه راه نمودی همه را ۝ بگو بیارید گواهان خود را آنانی که

يشهدون ان الله حرم هذا فان شهدوا فلا تشهد معهم

گواهی میدهند بدرستیکه خدا حرام کرد این را پس اگر گواهی دادند پس مده گواهی با ایشان

ولا تتبع اهواء الذين كذبوا بايٰتنا والذين لا يؤمنون

و پیروی مکن خواهش آنان را که دروغ شمردند آیتهای ما را و کسانیکه نگرویدند

بالاخرة وهم بربهم يعدلون ۝ قل تعالوا اتل ما حرم ربكم

بروز بازپسین و آنها به پروردگار خود برابر میکنند ۝ بگو بیایید تا بخوانم آنچه حرام کرده پروردگار شما

عليكم الا تشركوا به شيئا وبالوالدين احسانا ولا

بر شما این که شریک نکنید بآن چیزی را و با پدر و مادر نیکویی کنید و نه

تقتلوا اولادكم من املاق نحن نرزقكم واياهم ولا تقربوا

کشید فرزندان خود را از درویشی و افلاس ما روزی میدهیم شما را و ایشان را و نزدیک مشوید

الفواحش ما ظهر منها وما بطن ولا تقتلوا النفس التي حرم

کارهای زشت را آنچه آشکارا است از آن و آنچه پنهان باشد و مکشید نفسی را که حرام کرده

الله الا بالحق ذلكم وصىكم به لعلكم تعقلون ۝ ولا

خدا مگر براستی این است وصیت کرد شما را بآن باشد که شما دریابید بعقل و

تقربوا مال اليتيم الا بالتي هي احسن حتى يبلغ اشده و

نزدیک مشوید مال بی پدر و مادر را مگر بآنچه آن بهتر است تا برسد به نیرومندی او و

اوفوا الكيل والميزان بالقسط لا نكلف نفسا الا

تمام بدهید پیمانه را و ترازو را بداد و درستی تکلیف نمیکنیم نفسی را مگر

وسعها واذا قلتم فاعدلوا ولو كان ذا قربى وبعهد الله

بقدر توانایی آن و چون بگویید پس عدالت کنید و اگر باشد صاحب نزدیکی و به پیمان خدا

اوفوا ذلكم وصىكم به لعلكم تذكرون ۝ وان هذا

وفا کنید این است که وصیت کرد شما را بآن باشد که شما پند گیرید و بدرستی که این

هلم

اسمی است بمعنی فعل امر و لازم آمده و بمعنی تعال یعنی بیا چون کریمه هلم الینا یعنی بیایید بسوی ما و متعدی هم آمده چنانکه در این کریمه چه هلم شهداءکم بمعنی است که بیاورید شهداء خود و حاضر کنید گواهان خود را و بنا بلغه مشهوره واحد و تثنیه و جمع مذکر و مؤنث همه در آن مساوی اند میگویند هلم زید و هلم یا ایها الرجلان و هلم ایها الرجال و هلم یا هند و هلم یا هندان و هلم ایها النسوة و این آیه مبنی است بر این لغت مشهوره چه مخاطب جماعتی اند و بعضی گویند هلم مختلف میشود در افراد و تثنیه و جمع و مذکر و مؤنث باختلاف مخاطبین و هلم بنا بر هر دو مذهب مرکب است از ها تنبیه و لم که صیغه امر است از لم بمعنی ضم و بعد از ترکیب الف از ها افتاده بعلت سکون لام بوده پس باید که صیغه امر آن المم بوده باشد بسکون لام بر وزن انصر و همزه وصل افتاده بسبب تحریک لام چه ضمه میم اول المم بما قبل منتقل و میم در میم ادغام شده و چون لام متحرک شد احتیاج بهمزه وصل زایل شد همزه افتاده لم بحصول پیوست و کوفیان گفته اند که هلم در اصل هل ام بوده و حرکت همزه بما قبل منتقل و همزه افتاده است و این قول مردود است بعلت جواز دخول هل بر صیغه

صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ
راه من راست است پس پیروی کنید او را و از پی مروید راههای دیگر را پس جدا میگرداند شمارا

عَنْ سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ثُمَّ آتَيْنَا
از راه خود این است که وصیت کرد شمارا تا آن باشد که شما پرهیزکار شوید پس دادیم

مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ
موسی را کتاب برای تمامی بر آنکه خوبی کرد و برای تفصیل مر هر چیز را

وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ وَهَٰذَا كِتَابٌ
و راهنمائی راه راست و بخشایش باشد که ایشان برسیدن پروردگارشان بگروند و این است نامه که

أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ أَنْ
فرو فرستادیم او را بابرکت پس پیروی کنید او را و بپرهیزید باشد که شما بخشیده شوید که مبادا

تَقُولُوا إِنَّمَا أُنْزِلَ الْكِتَابُ عَلَىٰ طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا
گوئید جز این نیست که فرو فرستاده نشده نامه مگر بر دو طایفه پیش از ما و اگر هستیم

عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ
از خواندن ایشان هر آینه بیخبران یا گوئید اگر آنکه فرو فرستاده بر ما کتاب

لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى
هر آینه بودیم براه راست تر از ایشان پس بدرستی آمد شمارا درستی از پروردگار شما و راهنمائی

وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي
و بخشایش پس کیست ستمکارتر از آنکه دروغ بست بنشانهای خدا و روی گردانید از آن بزودی جزا دهیم

الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ
آنان را که برگردند از نشانهای ما بدی عذاب را آنچه بودند که برگشتند

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ
آیا چشم راه و نگاه است مگر آنکه بیاید ایشان را فرشته یا بیاید پروردگار تو یا

يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ
بیاید پاره از آیتهای پروردگار تو روزی که بیاید پاره از آیتهای پروردگار تو سود ندارد

خلاصه

معنی این آیه آنکه ما قرآن را فرستادیم برای آنکه شما ای گروه قریش عذری نتوانید گفت روز قیامت برای گروه خود باینکه یهود و نصارا را پیش از ما کتاب آسمانی آمده بود که از آنها حقیقت ملت تو می شود و ما آنرا نتوانستیم خواند اگر بما هم کتابی می آمد چنانکه بایشان آمده ما هم بهو ایشان می آوردیم چنانکه جمعی از ایشان ایمان آوردند بلکه ما زودتر و بهتر ایمان می آوردیم پس بفرستادن این قرآن حجت را بر شما تمام کردیم

از حضرت

ابو جعفر علیه السلام مرویست که این آیه در باب ارباب بدعت و ضلالت است و بعضی گفته اند که در باب یهود و نصاری است و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که یهود هفتاد و یک گروه شدند همه بجهنم خواهند رفت مگر یک گروه و امت من هفتاد و سه گروه خواهند شد و همه بهشت خواهند رفت مگر یک گروه و بعضی گفتار قریش را گویند

نفسا ايمانها لم تكن امنت من قبل او كسبت في ايمانها

نفسی را گرویدن آن که نبوده باشد گرویده باشد از پیش یا کسب کرده باشد در گرویدنش

خيرا قل انتظروا انا منتظرون ۝ ان الذين فرقوا دينهم

نیکی بگو منتظران باشید بدرستی که ما هم منتظرانیم بدرستی که آنانکه جدا ساختند دینشان را

وكانوا شيعا لست منهم في شيء انما امرهم الى الله ثم ينبئهم

و بودند گروه گروه نیستی از ایشان در چیزی جزاین که کار ایشان با خداست پس آگاه میسازد

بما كانوا يفعلون ۝ من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و

بآنچه بودند که میکردند هرکه آورد نیکی را پس مر او راست ده برابر مانند آن و

من جاء بالسيئة فلا يجزى الا مثلها وهم لا يظلمون ۝

هرکه آورد بدی را پس جزا داده نشود مگر مانند آن و ایشان ستم کرده نشوند

قل انني هداني ربي الى صراط مستقيم ۝ دينا قيما ملة

بگو بدرستیکه مرا راه راست نمود پروردگار من بسوی راه راست دینی که راست و دین

ابرهيم حنيفا وما كان من المشركين ۝ قل ان صلاتي و

ابراهیم پاکیزه حق گرای است و نبود از شرک آورندگان بگو بدرستی نماز من

نسكي ومحياي ومماتي لله رب العالمين ۝ لا شريك له

بندگی و فرمانبرداری من و زندگانی من و مردن من مر خدای راست که پروردگار جهانیان است نیست همتا و انبازی مر او را

وبذلك امرت وانا اول المسلمين ۝ قل اغير الله ابغي ربا

و با آن مامور شده ام و منم نخستین گردن نهندگان بگو آیا بجز خدا بجویم پروردگاری

وهو رب كل شيء ولا تكسب كل نفس الا عليها ولا تزر

و اوست پروردگار هر چیز و نکند هر نفسی مگر بر او و بر ندارد

وازرة وزر اخرى ثم الى ربكم مرجعكم فينبئكم بما

بارگناه بردارنده بارگناه دیگری را پس بسوی پروردگار شما بازگشت شماست پس آگاهی دهد شما را بآنچه

كنتم فيه تختلفون ۝ وهو الذي جعلكم خلائف الارض

بودید که در آن اختلاف میکردید و اوست آنکه کرد شما را خلیفه های روی زمین



و دعا



وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا

آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

سورة الاعراف وهي مائتان وست آيات مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

المص كِتَابٌ أُنْزِلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ

مِنْهُ لِتُنْذِرَ بِهِ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ اتَّبِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ

مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ

وَكَمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ

فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا

ظَالِمِينَ فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ

فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ

الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَمَنْ

خفت موازينه فاولئك الذين خسروا انفسهم بما كانوا

سبک آمد سنجیدهای او پس این گروه کسانی اند که زیان کردند خود باشان را بسبب آنچه بودند

باياتنا يظلمون ۝ ولقد مكناكم في الارض وجعلنا

که بنشانهای ستم می کردند ۝ و هر آینه بحقیق جای دادیم شما را در زمین و گردانیدیم

لكم فيها معايش قليلا ما تشكرون ۝ ولقد خلقناكم ثم

برای شما در آن مایه های زندگانی اندک همی سپاس دارید ۝ و هر آینه براستی آفریدیم ما شما را پس

صورناكم ثم قلنا للملائكة اسجدوا لادم فسجدوا الا

بنگاشتیم شما را پس گفتیم مر فرشته را که سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر

ابليس لم يكن من الساجدين ۝ قال ما منعك الا تسجد اذ

شیطان که نبود از سجده کنندگان ۝ گفت چه چیز باز داشت تو را که سجده نکنی هنگامیکه

امرتك قال انا خير منه خلقتني من نار وخلقته من طين

فرمودیم تو را گفت من بهترم از او آفریدی مرا از آتش و آفریدی او را از گل

قال فاهبط فما يكون لك ان تتكبر فيها فاخرج انك من الصاغرين

گفت پس فرو شو از آن مرتبه پس نباشد مر تو را که برتری و بزرگی جوئی در آن پس بیرون رو بدرستی که تو از خوارشوندگانی

قال انظرني الى يوم يبعثون ۝ قال انك من المنظرين ۝ قال

گفت مهلت ده مرا تا روزیکه برانگیخته میشوند ۝ گفت بدرستی که تو از مهلت دادهشدگانی گفت

فبما اغويتني لاقعدن لهم صراطك المستقيم ۝ ثم لاتينهم

پس بسبب آنکه گمراه کردی مرا هر آینه بنشینم مر ایشان را بر رهگذار براه تو که راست است پس هر آینه می آیم ایشان را

من بين ايديهم ومن خلفهم وعن ايمانهم وعن شمائلهم

از میان دستهای ایشان و از پشت سر ایشان و از جانب راستشان و از دست چپ ایشان

ولا تجد اكثرهم شاكرين ۝ قال اخرج منها مذؤما مدحورا

و نیابی بیشتر ایشان را سپاس گذاران ۝ گفت بیرون رو از اینجا زشت نکوهیده و رانده شده

لمن تبعك منهم لاملان جهنم منكم اجمعين ۝ ويا ادم

هر آینه آنکه پیروی کرد تو را از ایشان هر آینه پر میکنم دوزخ را از شما همگی ۝ و ای آدم

از حضرت ابی جعفر علیه السلام مرویست که من بین ایدیهم یعنی خوار میکردانم در نظر ایشان کار آخرت را و من خلفهم امر میکنم ایشان را بجمع اموال و بخل ورزیدن از هر حقی که خدا را در آن اموال است تا آنکه بگذارند آنها را برای میراث خواران و عن ایمانهم فاسد میکردانم بر ایشان دین و ملت را بسبب آنچه زینت میدهم در نظر ایشان ضلالت و گمراهی و شهوات نفسانی را و عن شمائلهم بسبب دوست گردانیدن لذتها را نسبت بایشان و غالب نمودن شهوات را بر ایشان

انکن

مکرهت
مقصد بهشت
و گویا گفته شده الا کراهیة ان
تکونا ملکین و کراهیة تکونا من
الخالدین

اسكن انت وزوجك الجنة فكلا من حيث شئتما ولا تقربا
ساکن شو تو و جفت تو بهشت را پس بخورید از هر جا که خواسته باشید و نزدیک مشوید
هذه الشجرة فتكونا من الظالمين ۞ فوسوس لهما الشيطان
این درخت را پس میباشید از ستمکاران پس وسوسه کرد مر ایشانرا دیو
ليبدي لهما ما وري عنهما من سواتهما وقال ما نهيكما
تا ظاهر کرداند مر ایشانرا آنچه پوشیده بود از آن از عورتهای ایشان و گفت ابلیس باز نداشت شمارا
ربكما عن هذه الشجرة الا ان تكونا ملكين او تكونا من الخالدين
پروردگار شما از این درخت مگر اینکه بشوید دو فرشته یا باشید از جاودانیان
وقاسمهما اني لكما لمن الناصحين ۞ فدليهما بغرور فلما ذاقا
و سوگند خورد بدیشان بدرستی که مر شمارا هر آینه از پند دهندگانم پس فرود آورد ایشانرا بفریفتن پس چون چشیدند
الشجرة بدت لهما سواتهما وطفقا يخصفان عليهما من ورق
درخت ظاهر گشت مر ایشانرا عورتهای ایشان و شروع نمودند در ایشان میچسبانیدند و بر میدوختند بر خودشان از برگهای
الجنة ونادىهما ربهما الم انهكما عن تلكما الشجرة
بهشت و ندا کرد ایشانرا پروردگار ایشان که آیا نهی نکردم شمارا از این دو درخت
واقل لكما ان الشيطان لكما عدو مبين ۞ قالا ربنا
و آیا نگفتم مر شمارا بدرستیکه شیطان مر شمارا دشمنی است آشکار گفتند پروردگارا
ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا لنكونن من
ستم کردیم ما بر نفسهای خود و اگر نیامرزی ما را و بخشی ما را هر آینه میباشیم از
الخاسرين ۞ قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو ولكم في
زیانکاران گفت فرود شوید پاره از شما مر پاره را دشمن و مر شما راست در
الارض مستقر ومتاع الى حين ۞ قال فيها تحيون و
زمین آرامگاه و برخورداری تا هنگامی که گفت خدا در آن زندگانی میکنید و
فيها تموتون ومنها تخرجون ۞ يا بني ادم قد انزلنا عليكم
در آن میمیرید و از آن بیرون آورده میشوید ای پسران آدم بدرستی فرستادیم بر شما

لباسا يواري سوآتكم وريشا ولباس التقوى ذلك خير
پوششی که بپوشاند عورتهای شما را و جامهٔ نرم و لباس پرهیزگاری این است بهتر
ذلك من آيات الله لعلهم يذكرون يا بني آدم لا يفتننكم
از آن که از نشانهای خدا است باشد که ایشان پند گیرند ای پسران آدم نباید که بفریبد شما را
الشيطان كما أخرج أبويكم من الجنة ينزع عنهما
شیطان همچنین که بیرون کرد پدر و مادر شما را از بهشت بر می‌کشید از آن
لباسهما ليريهما سوآتهما إنه يراكم هو وقبيله من حيث
دو جامهٔ‌شان را تا بنماید ایشان را عورتهاشان را به درستی که او می‌بیند شما را او و فرزندان و گروه او از جائی که
لا ترونهم إنا جعلنا الشياطين أولياء للذين لا يؤمنون
نمی‌بینید ایشان را به درستی که ما گردانیدیم دیوان را دوستان مر آنان را که نگرویدند
وإذا فعلوا فاحشة قالوا وجدنا عليها آباءنا والله أمرنا
و چون کاری کنند کار زشت گویند یافته‌ایم بر آن پدران‌مان را و خدا امر کرد ما را
بها قل إن الله لا يأمر بالفحشاء أتقولون على الله ما لا تعلمون
آن بگو به درستی که خدا امر نمی‌فرماید به کارهای زشت آیا می‌گوئید بر خدا آنچه نمی‌دانید
قل أمر ربي بالقسط وأقيموا وجوهكم عند كل مسجد
بگو فرموده پروردگار من به داد و راست دارید روهای‌تان را نزد هر نماز گاهی
وادعوه مخلصين له الدين كما بدأكم تعودون
و بخوانید او را خالص دارندگان برای او دین را همچنانکه نخست آفرید شما را باز گردید
فريقا هدى وفريقا حق عليهم الضلالة إنهم اتخذوا
گروهی را راه نمود و گروهی را راست و ثابت آمد بر ایشان گمراهی به درستی که ایشان گرفتند
الشياطين أولياء من دون الله ويحسبون أنهم مهتدون
دیوان را دوستان از غیر خدا و می‌پندارند که ایشان راه یافتگانند
يا بني آدم خذوا زينتكم عند كل مسجد وكلوا واشربوا
ای پسران آدم بگیرید زینت خودتان را نزد هر نماز گاهی و بخورید و بیاشامید

ولا

وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ۞ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي

أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي

الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ

لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۞ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا

بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ

سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۞ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ

أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي

فَمَنِ اتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۞ وَالَّذِينَ

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۞ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ

یوسف
ابن ابراهیم از حضرت
ابی عبد الله علیه السلام روایت
کرده که آنحضرت جبه از خز و طیلسانی از خز
پوشیده بود من عرض کردم که این جامه ها
در باب پوشیدن آن چه می فرمائی فرمود قصوری
ندارد گفتم تار آن ابریشم است فرمود قصوری
ندارد و حضرت امام حسین علیه السلام آنوقتی که شهید شد
جبه خزی در بر داشتند پس آنحضرت فرمود که چون
امیر المومنین علیه السلام عبد الله عباس را بجانب
خوارج فرستاد عبد الله بهترین جامه هائی که داشت در
بر کرد و بهترین بوهای خوشی که داشت بکار برد و
بهترین اسبهائی که داشت سوار شد و با این هیات
در برابر خوارج آمد گفتند یا ابن عباس تو بهترین
مردم بودی از جهت زهد و صلاح الحال می بینیم
که لباس جباران پوشیده و بر اسبان ایشان سوار
شده ابن عباس این آیه را خواند که قل من حرم
زینت الله تا آخر آیه پس آنحضرت فرمود که
لباس فاخر بپوش و ثیاب تجمل در برکن برای آنکه
خدا تعالی جمیل است و جمال و
زینت را دوست می دارد
ولیکن از حلال تحصیل
کن

إذا جاءتهم رسلنا يتوفونهم قالوا أين ما كنتم تدعون من

هنگامی که آمد ایشان را فرستادگان ما میرانند ایشان را گفتند کجاست آنچه بودید که میخواندید از

دون الله قالوا ضلوا عنا وشهدوا على أنفسهم أنهم كانوا

غیر خدا گفتند گم شدند از ما و گواهی دهند بر خودهاشان بدرستی که ایشان بودند

كافرين ۞ قال ادخلوا في أمم قد خلت من قبلكم من الجن

کافران گفت داخل شوید در طایفه هایی که بحقیقت درگذشتند پیش از شما از جن

والإنس في النار كلما دخلت أمة لعنت أختها حتى إذا

و انس در میان آتش هرگاه درآید گروهی لعنت کنند بر آن که خود را تا آنکه

اداركوا فيها جميعا قالت أخراهم لأولاهم ربنا هؤلاء أضلونا

دریابند یکدیگر را در آنجا همگی گویند پسینیان ایشان مر پیشینیان ایشان را پروردگارا اینها گمراه کردند

فآتهم عذابا ضعفا من النار ۞ قال لكل ضعف ولكن لا

پس بده ایشان را عذابی دو چندان از آتش گفت از برای هر یک دو چندان و لیکن

تعلمون وقالت أولاهم لأخراهم فما كان لكم علينا من فضل

نمیدانید و گویند پیشینیان ایشان مر پسینیان ایشان را پس نبود مر شما را بر ما هیچ افزونی

فذوقوا العذاب بما كنتم تكسبون ۞ إن الذين كذبوا

پس بچشید عذاب را بآنچه بودید که کسب میکردید بدرستی آنانکه تکذیب کردند

بآياتنا واستكبروا عنها لا تفتح لهم أبواب السماء ولا

آیتهای ما را و سرکشی کردند از آن گشاده نشود از برای ایشان درهای آسمان و

يدخلون الجنة حتى يلج الجمل في سم الخياط وكذلك

داخل نشوند بهشت را تا هنگامیکه درآید اشتر در سوراخ سوزن و همچنین

نجزي المجرمين ۞ لهم من جهنم مهاد ومن فوقهم غواش

جزا میدهیم گناهکاران را مر ایشان راست از دوزخ بستر و از بالاهای ایشان پوششها

وكذلك نجزي الظالمين ۞ والذين آمنوا وعملوا الصالحات

و همچنین پاداش میدهیم ستمکاران را و آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته

یعنی
هرگز بهشت نمیروند
چه گذشتن جمل از سوراخ سوزن
که غایت عقوبت ایشان است
محال بالذات است

لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا

خَالِدُونَ وَنَزَعْنَا مَا فِى صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ تَجْرِى مِنْ

تَحْتِهِمُ الْاَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِى هَدٰينَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا

لِنَهْتَدِىَ لَوْلَا اَنْ هَدٰينَا اللّٰهُ لَقَدْ جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا

بِالْحَقِّ وَنُودُوا اَنْ تِلْكُمُ الْجَنَّةُ اُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ

تَعْمَلُونَ وَنَادٰى اَصْحَابُ الْجَنَّةِ اَصْحَابَ النَّارِ اَنْ قَدْ وَجَدْنَا

مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا

قَالُوا نَعَمْ فَاَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ اَنْ لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ

كَافِرُونَ وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْاَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ

كُلًّا بِسِيمٰهُمْ وَنَادَوْا اَصْحَابَ الْجَنَّةِ اَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ

لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ وَاِذَا صُرِفَتْ اَبْصَارُهُمْ تِلْقَآءَ

أصحاب النار قالوا ربنا لا تجعلنا مع القوم الظالمين

یاران دوزخ گفتند پروردگارا مگردان ما را با گروه ستمکاران

ونادى أصحاب الأعراف رجالا يعرفونهم بسيماهم قالوا

و آواز دهند یاران اعراف مردانی که میشناسند ایشان را بنشانهای روشان گفتند

ما أغنى عنكم جمعكم وما كنتم تستكبرون أهؤلاء

سود نداشت شمارا گرد کردن شمارا و آنچه بود بدشما که گردنکشی کردند آیا اینها

الذين أقسمتم لا ينالهم الله برحمة ادخلوا الجنة لا خوف

کسانیند که سوگند میخوردید که نرساند ایشانرا خدا ببخشایش درآیید بهشت را نیست ترسی

عليكم ولا أنتم تحزنون ونادى أصحاب النار أصحاب

بر شما و نه شما اندوهناک میشوید و ندا کردند یاران آتش یاران

الجنة أن أفيضوا علينا من الماء أو مما رزقكم الله قالوا إن

بهشت را که فرو ریزید بر ما از آب یا از آنچه روزی کرد شمارا خدا گویند بدرستی که

الله حرمهما على الكافرين الذين اتخذوا دينهم

خدا حرام کرد آن دو را بر کافران کسانی که فرا گرفتند دین خود شانرا

لهوا ولعبا وغرتهم الحيوة الدنيا فاليوم ننساهم كما نسوا

بهزل و بازیچه و بفریفت ایشانرا زندگانی دنیا پس امروز فراموش میکنیم ایشانرا همچنانکه فراموش کردند

لقاء يومهم هذا وما كانوا بآياتنا يجحدون ولقد جئناهم

رسیدن بروز ایشان این و آنچه بودند که بنشانهای ما انکار میکردند و هر آینه بحقیقت آوردیم ایشانرا

بكتاب فصلناه على علم هدى ورحمة لقوم يؤمنون

قرآن که بیان کردیم ایشانرا بر دانش راه راست و بخشایش مر گروهی را که میگروید

هل ينظرون إلا تأويله يوم يأتي تأويله يقول الذين نسوه

آیا چشم میدارند مگر سرانجام او روزی که بیاید سرانجام او گویند کسانی که فراموش کرده

من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق فهل لنا من شفعاء

اورا از پیش بحقیقت آمدند پیغمبران پروردگار ما براستی پس آیا هست مارا هیچ خواهشگری

فيشفعوا

فيشفعوا لنا او نرد فنعمل غير الذي كنا نعمل قد خسروا
انفسهم وضل عنهم ما كانوا يفترون ۝ ان ربكم الله
الذي خلق السموات والارض في ستة ايام ثم استوى
على العرش يغشي الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس و
القمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارك
الله رب العالمين ۝ ادعوا ربكم تضرعا وخفية انه
لا يحب المعتدين ۝ ولا تفسدوا في الارض بعد اصلاحها
وادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله قريب من المحسنين
وهو الذي يرسل الرياح بشرا بين يدي رحمته حتى اذا
اقلت سحابا ثقالا سقناه لبلد ميت فانزلنا به الماء
فاخرجنا به من كل الثمرات كذلك نخرج الموتى لعلكم
تذكرون ۝ والبلد الطيب يخرج نباته باذن ربه و

الَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ
لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ۝ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا
قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ
عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي
ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ
مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ
لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ أَوَعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ
ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ
تُرْحَمُونَ ۝ فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَ
أَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ۝
وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ
مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۝ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ

ازاین
مشغول است که در
کتاب النبوة از حضرت صادق
روایت کرده که چون خدای عز و جل نوح را
برسالت فرستاد و اولاد هبة الله بن آدم
همه تصدیق او کردند و دانستند که آنچه او آورده
از جانب الهی حق است و اولاد قابیل تکذیب او
نموده گفتند که پیش از ما درین زمین جنیان بودند
و خدای عز و جل فرشته برسالت میفرستاد پس اگر
خدا میخواست که بما پیغمبری بفرستد هر آینه فرشته
میفرستاد و از آنحضرت مرویست که آنها که باو
گرویدند هشت نفر بودند و علی بن ابراهیم در تفسیر
خود از آنحضرت صلوات الله علیه روایت کرده
که نوح علیه السلام دو هزار و پانصد سال عمر کرد
از آنجمله هشتصد و پنجاه سال پیش از بعثت و رسالت
زندگانی کرده و نهصد و پنجاه سال دعوت قوم
خود نموده و دویست سال بشغل ساختن کشتی پرداخت
و پانصد سال بعد از آنکه کشتی قرار یافت و آبها
بزمین فرو رفت پس شهرها بنا کرد و فرزندان
خود را در آن شهرها جا داد پس ملک الموت بجهت
قبض روح او آمد و آنحضرت در آفتاب بود
گفت بچه کار آمده گفت آمده ام که بجان پاکت
پردازم گفت آنقدر مهلت میدهی که از آفتاب
بسایه روم گفت چرا بسی دهم و نوح علیه السلام
چون بسایه رسید باو گفت که گویا آن زندگانی
که من در دنیا کردم همین قدر وقت بوده که از این
آفتاب باین سایه آمدم بکن هرچه بآن مأموری
پس قبض روح پاک او نمود
صلی الله علی نبینا و علیه

قرینه

قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

گروه او بدرستیکه ما هر آینه می بینیم ترا در بی خردی و بدرستیکه ما گمان بریم ترا از دروغگویان

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

گفت ای گروه نیست با من بی خردی ولیکن من فرستاده ام از پروردگار جهانیان

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ۞ أَوَعَجِبْتُمْ

می رسانم شما را پیغامهای پروردگارم را و من مر شما را پند دهنده استوارم آیا شگفت

أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ وَ

که آمد شما را یاد کردی از پروردگار شما بر مردی از شما تا بترساند شما را و

اذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي

یاد کنید هنگامی که گردانید شما را جانشینان از پس گروه نوح و افزود شما را در

الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۞ قَالُوا

آفرینش فراخی پس یاد کنید نعمتهای خدا را باشد که شما رستگار شوید گفتند

أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا

آمدی ما را تا بپرستیم خدا را یگانگی او و باز گذاریم آنچه بودند که پرستیدند پدران ما پس بیار ما را

بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۞ قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ

آنچه وعده میدهی ما را اگر هستی از راستگویان گفت بتحقیق واقع و واجب شد بر شما

مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا

از پروردگار شما عذابی و خشمی آیا مجادله میکنید با من در نامهایی که نام برده اید او را

أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ

شما و پدران شما فرو فرستاد خدا آن از هیچ حجتی پس بپائید که من با شما

مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ۞ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ

از پائیدگانم پس رهانیدیم او را و آنانکه با او بودند به بخشایشی از ما و

قَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ

بریدیم ما دنباله آنانرا که دروغ پنداشتند بنشانهای ما و نبودند گروندگان

از حضرت
ابی جعفر علیه السلام
مرویست که قوم عاد بسیار طویل
القامه و بزرگ جثه بودند که گویا درختان
خرمای بسیار بلند بودند و در قوت بمرتبه بودند
که کوه را بدست میکرفتند و از آن سنگهای
عظیم بقوت بازو می کندند
سبحان الله

وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ
و بسوی ثمود برادر ایشان صالح را گفت ای گروه بپرستید خدا را نیست مر شما را

مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هَٰذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ
هیچ خدای جز او بتحقیق آمد شما را نشانها از پروردگار شما این است شتر خدا که مر شما را

آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ
نشانه پس بگذارید آنرا که بخورد در زمین خدا و مسایید او را ببدی پس بگیرد شما را

عَذَابٌ أَلِيمٌ وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ
عذاب دردناک و یاد کنید هنگامی که گردانید شما را جانشینان از پس

عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَ
عاد و جای داد شما را در زمین که فرا گیرید از پشته ها و کوشکها و

تَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ
بتراشید از کوهها خانه ها پس یاد کنید نعمتهای خدا را و به تباهکاری مشتابید در زمین

مُفْسِدِينَ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ
تباهکاران گفتند گروه مهتران آنانکه سرکشی کردند از گروه او مر آنانرا

اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ
که ناتوان شمرده بودند مر آنکسی را که گرویده از ایشان آیا میدانید که صالح فرستاده شده

مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ قَالَ الَّذِينَ
از پروردگارش گفتند بدرستیکه ما بآنچه فرستاده شده بآن گروندگانیم گفتند آنانکه

اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ فَعَقَرُوا النَّاقَةَ
برتری و بزرگی جستند بدرستیکه ما بآنکسی که گرویدید شما بآن ناگروندگانیم پس پی کردند شتر را

وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ
و سر باززدند از امر پروردگار ایشان و گفتند ای صالح بیار ما را آنچه وعده میدهی ما را اگر

كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي
هستی از فرستادگان پس گرفت ایشانرا آواز مهیب و ... جنبش ... در

دارهم

دارهم جاثمين ۝ فتولى عنهم وقال يا قوم لقد ابلغتكم

خانه اشان افتادگان ۝ پس روی گردان شد از ایشان و گفت ای گروه هر آینه براستی رسانیدم شمارا

رسالة ربي ونصحت لكم ولكن لا تحبون الناصحين ۝

پیغامهای پروردگار من و پند دادم مر شمارا و لیکن دوست نمیدارید پندگویان را

ولوطا اذ قال لقومه اتاتون الفاحشة ما سبقكم بها

و لوط را هنگامی که گفت مر گروه خود را آیا می آرید زشتی را پیشی نگرفته شمارا بآن

من احد من العالمين ۝ انكم لتاتون الرجال شهوة

هیچ یک از جهانیان ۝ که براستیکه شما هر آینه می آیید مردان را از خواهش

من دون النساء بل انتم قوم مسرفون ۝ وما كان جواب

از جز زنان بلکه شما گروه اید تباه کاران ۝ و نبود پاسخ

قومه الا ان قالوا اخرجوهم من قريتكم انهم اناس يتطهرون

گروه او مگر آنکه گفتند بیرون کنید ایشان را از ده خود براستیکه ایشان مردمانی اند که پاکی جویند

فانجيناه واهله الا امراته كانت من الغابرين ۝ وامطرنا

پس رهانیدیم او را و اهل او را مگر زن او را که بود از بازماندگان ۝ و بارانیدیم

عليهم مطرا فانظر كيف كان عاقبة المجرمين ۝ والى

بر ایشان بارانی پس بنگر چگونه بود سرانجام کار گناهکاران ۝ و بسوی

مدين اخاهم شعيبا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من

مدین برادر ایشان شعیب را گفت ای گروه بپرستید خدا را نیست مر شمارا هیچ

اله غيره قد جاءتكم بينة من ربكم فاوفوا الكيل و

خدایی جز او بتحقیق آمد شمارا نشانهای روشن از پروردگار شما پس تمام کنید پیمانه و

الميزان ولا تبخسوا الناس اشياءهم ولا تفسدوا في الارض

ترازو را و کم مدهید از مردمان چیزهاشان را و تباه کاری مکنید در زمین

بعد اصلاحها ذلكم خير لكم ان كنتم مؤمنين ۝

پس از خوب کردن آن آن بهتر است برای شما اگر هستید گروندگان

ولا تقعدوا بكل صراط توعدون وتصدون عن
سبيل الله من آمن به وتبغونها عوجا واذكروا اذ كنتم
قليلا فكثركم وانظروا كيف كان عاقبة المفسدين
وان كان طائفة منكم آمنوا بالذي ارسلت به و
طائفة لم يؤمنوا فاصبروا حتى يحكم الله بيننا وهو خير
الحاكمين ۝ قال الملأ الذين استكبروا من قومه لنخرجنك
يا شعيب والذين آمنوا معك من قريتنا او لتعودن في
ملتنا قال اولو كنا كارهين ۝ قد افترينا على الله كذبا
ان عدنا في ملتكم بعد اذ نجانا الله منها وما يكون لنا
ان نعود فيها الا ان يشاء الله ربنا وسع ربنا كل
شيء علما على الله توكلنا ربنا افتح بيننا وبين قومنا
بالحق وانت خير الفاتحين ۝ وقال الملأ الذين كفروا

الجزو ٩

من قومه لئن اتبعتم شعيبا انكم اذا لخاسرون فاخذتهم

الرجفة فاصبحوا في دارهم جاثمين الذين كذبوا

شعيبا كان لم يغنوا فيها الذين كذبوا شعيبا كانوا هم

الخاسرين فتولى عنهم وقال يا قوم لقد ابلغتكم رسالات

ربي ونصحت لكم فكيف آسى على قوم كافرين وما

ارسلنا في قرية من نبي الا اخذنا اهلها بالبأساء و

الضراء لعلهم يضرعون ثم بدلنا مكان السيئة الحسنة

حتى عفوا وقالوا قد مس اباءنا الضراء والسراء فاخذناهم

بغتة وهم لا يشعرون ولو ان اهل القرى امنوا واتقوا

لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض ولكن كذبوا

فاخذناهم بما كانوا يكسبون افامن اهل القرى ان

ياتيهم بأسنا بياتا وهم نائمون او امن اهل القرى ان

يأتيهم بأسنا ضحى وهم يلعبون ۝ أفأمنوا مكر الله فلا يأمن

مكر الله إلا القوم الخاسرون ۝ أولم يهد للذين

يرثون الأرض من بعد أهلها أن لو نشاء أصبناهم بذنوبهم

ونطبع على قلوبهم فهم لا يسمعون ۝ تلك القرى نقص عليك

من أنبائها ولقد جاءتهم رسلهم بالبينات فما كانوا

ليؤمنوا بما كذبوا من قبل كذلك يطبع الله على قلوب الكافرين

وما وجدنا لأكثرهم من عهد وإن وجدنا أكثرهم

لفاسقين ۝ ثم بعثنا من بعدهم موسى بآياتنا إلى فرعون

وملائه فظلموا بها فانظر كيف كان عاقبة المفسدين ۝ و

قال موسى يا فرعون إني رسول من رب العالمين ۝ حقيق

على أن لا أقول على الله إلا الحق قد جئتكم ببينة من

ربكم فأرسل معي بني إسرائيل ۝ قال إن كنت جئت بآية

فأت بها إن كنت من الصادقين ۝ فألقى عصاه فإذا

هي ثعبان مبين ۝ ونزع يده فإذا هي بيضاء للناظرين

قال الملأ من قوم فرعون إن هذا لساحر عليم ۝ يريد أن

يخرجكم من أرضكم فماذا تأمرون ۝ قالوا أرجه وأخاه

وأرسل في المدائن حاشرين ۝ يأتوك بكل ساحر عليم

وجاء السحرة فرعون قالوا إن لنا لأجرا إن كنا نحن

الغالبين ۝ قال نعم وإنكم لمن المقربين ۝ قالوا يا موسى

إما أن تلقي وإما أن نكون نحن الملقين ۝ قال ألقوا فلما

ألقوا سحروا أعين الناس واسترهبوهم وجاءو بسحر عظيم

وأوحينا إلى موسى أن ألق عصاك فإذا هي تلقف ما

يأفكون ۝ فوقع الحق وبطل ما كانوا يعملون ۝ فغلبوا هنالك

وانقلبوا صاغرين ۝ وألقي السحرة ساجدين ۝ قالوا

آمنا برب العالمين ۝ رب موسى وهرون ۝ قال فرعون
آمنتم به قبل أن آذن لكم إن هذا لمكر مكرتموه في
المدينة لتخرجوا منها أهلها فسوف تعلمون ۝ لأقطعن
أيديكم وأرجلكم من خلاف ثم لأصلبنكم أجمعين
قالوا إنا إلى ربنا منقلبون ۝ وما تنقم منا إلا أن آمنا
بآيات ربنا لما جاءتنا ربنا أفرغ علينا صبرا وتوفنا مسلمين
وقال الملأ من قوم فرعون أتذر موسى وقومه ليفسدوا
في الأرض ويذرك وآلهتك قال سنقتل أبناءهم ونستحيي
نساءهم وإنا فوقهم قاهرون ۝ قال موسى لقومه استعينوا
بالله واصبروا إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده
والعاقبة للمتقين ۝ قالوا أوذينا من قبل أن تأتينا
ومن بعد ما جئتنا قال عسى ربكم أن يهلك عدوكم

وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ۝ وَلَقَدْ

أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ

يَذَّكَّرُونَ ۝ فَإِذَا جَاءَتْهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَٰذِهِ وَإِنْ

تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ

عِنْدَ اللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا

بِهِ مِنْ آيَةٍ لِتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ۝ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ

الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ

مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ ۝ وَلَمَّا وَقَعَ

عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ

لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي

إِسْرَائِيلَ ۝ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُمْ بَالِغُوهُ إِذَا هُمْ

يَنْكُثُونَ ۝ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ۝ وَاَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ
مَشَارِقَ الْاَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ
رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي اِسْرَائِيلَ ۝ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ
يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ ۝ وَجَاوَزْنَا بِبَنِي
اِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَاَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى اَصْنَامٍ لَهُمْ
قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا اِلٰهًا كَمَا لَهُمْ اٰلِهَةٌ قَالَ اِنَّكُمْ قَوْمٌ
تَجْهَلُونَ ۝ اِنَّ هٰؤُلَاءِ مُتَبَّرٌ مَا هُمْ فِيهِ وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
قَالَ اَغَيْرَ اللّٰهِ اَبْغِيكُمْ اِلٰهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ۝
وَاِذْ اَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ اٰلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقَتِّلُونَ
اَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ
عَظِيمٌ ۝ وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلٰثِينَ لَيْلَةً وَاَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ
مِيقَاتُ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِاَخِيهِ هٰرُونَ

حزب

بیت

که سؤال آنحضرت

جناب الهی را که بضرورت عقل و نقل امریست

محال برای الزام حجت بر سفهای قوم خود بود

که اصرار براین سؤال داشتند و باین علت چون

بعد از تجلی آن صعقتا و تفرم و ند آنحضرت فرمود

اتهلکنا بما فعل السفهاء

منا

اُخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ

که جانشین باش مرا در قومی که مراست و صلاح آر کار مرا و پیروی مکن راه بدکاران را

وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي

و وقتیکه آمد موسی بوقتیکه قرار داده بودیم و سخن گفت با موسی پروردگار او گفت پروردگارا بنما مرا

أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَٰكِنِ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ

تا نظر کنم تورا گفت هرگز نبینی مرا و لیکن نظر کن بسوی کوه پس اگر

اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ

کوه قرار گیرد بجای خود پس زود بینی مرا پس چون تجلی کرد پروردگار او مر کوه را گردانید کوه را

دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ

ریزه ریزه و افتاد موسی بیهوش پس چون بهوش آمد گفت پاکی تو بازگشتم بسوی تو

وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى

و من اول گروندگانم گفت ای موسی بدرستیکه برگزیدم تورا بر

النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُنْ

مردم به پیغامهای من و بسخن گفتن من با تو پس بگیر آنچه دادم بتو و باش

مِنَ الشَّاكِرِينَ وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ

از شکر کنندگان و نوشتیم ما برای موسی در لوحها از همه چیزی

مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ

نصیحت و زیادتی هر چیز پس بگیر آنرا بعزم تمام و امر کن قوم خود را

يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ سَأَصْرِفُ

که فرا گیرند بنیکوترین آن زود بنمایم شمارا خانه فاسقان زود باشد که بازدارم

عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ

از آیات خود آنها را که تکبر میکنند در زمین بنا حق و اگر

يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ

ببینند هر آیتی که نمی گروند بآن و اگر ببینند راه راست را نگیرند آنرا

مرویست

که حقتعالی از نور

عرش مجید مقدار انگشت کوچک

بر آن کوه ظاهر گردانید از عظمت

آن نور کوه از هم پاشید

اعتراف

آنحضرت بتوبه از راه غایت خضوع و ذلت

و تواضع بوده چون آن سؤال

بامر الهی شده

بود

و

چنین از حضرت ابی عبدالله

علیه السلام مرویست که معنی این کلام این است

که من اول کسانیم که اعتراف مینمودند باینکه

رؤیت محال است از قوم

خود

بعضی

گفته اند که آن الواح از زمرد

بود و بعضی زبرجد و بعضی یاقوت سرخ و پاره

سنگ هم گفته اند و مشهور آنست که در آن الواح

تورات بود و بعضی غیر

آن هم گفته اند

سبيلا وان يروا سبيل الغي يتخذوه سبيلا ذلك بانهم

راه خود و اگر ببینند راه گمراهی را فرا گیرند آنرا راه خود این بسبب آنست

كذبوا باياتنا وكانوا عنها غافلين والذين كذبوا باياتنا

تکذیب کردند نشانها و بودند از آن نشانها بیخبران و آنانکه تکذیب کردند نشانهای ما

ولقاء الاخرة حبطت اعمالهم هل يجزون الا ما كانوا

و رسیدن آخرت را باطل گشت کردار ایشان آیا جزا داده شوند مگر آنچه بودند که

يعملون واتخذ قوم موسى من بعده من حليهم عجلا جسدا

عمل میکردند و فرا گرفتند قوم موسی بعد از رفتن موسی از زیورهای فرعونیان گوساله که بدن محض بود

له خوار الم يروا انه لا يكلمهم ولا يهديهم سبيلا اتخذوه

مر او را آوازی آیا ندیدند که آن نه سخن میکند با ایشان و نه راه مینماید ایشان را راه راست فرا گرفتند آنرا

وكانوا ظالمين ولما سقط في ايديهم وراوا انهم قد ضلوا

و بودند ستمکاران و چون پشیمان گردیدند و دیدند که ایشان گمراه شدند

قالوا لئن لم يرحمنا ربنا ويغفر لنا لنكونن من الخاسرين

گفتند اگر رحم نکند ما را پروردگار ما و نیامرزد ما را هر آینه باشیم از زیانکاران

ولما رجع موسى الى قومه غضبان اسفا قال بئسما خلفتموني

و چون برگشت موسی بسوی قوم خود خشمناک اندوهگین گفت بد جانشینی کردید مرا

من بعدي اعجلتم امر ربكم والقى الالواح واخذ

بعد از من آیا شتاب کردید فرمان پروردگار خود را و انداخت لوحها را و گرفت

براس اخيه يجره اليه قال ابن ام ان القوم استضعفوني

سر برادر خود را میکشید او را بسوی خود گفت ای پسر مادر من بدرستی که قوم بیچاره دیدند مرا

وكادوا يقتلونني فلا تشمت بي الاعداء ولا تجعلني مع

و نزدیک بود که بکشند مرا پس شاد مگردان بمن دشمنان را و مگردان مرا با

القوم الظالمين قال رب اغفر لي ولاخي وادخلنا

گروه ستمکاران گفت موسی پروردگارا بیامرز مرا و برادر مرا و داخل کن ما را

فی رحمتک وانت ارحم الراحمین ۝ ان الذین اتخذوا

در رحمت خود و تو مهربانترین مهربانانی ۝ بدرستی که آنانکه فرا گرفتند

العجل سینالهم غضب من ربهم وذلة فی الحیوة الدنیا

گوساله را زود باشد که برسد ایشانرا غضبی از پروردگارشان و خواری در زندگانی دنیا

وکذلک نجزی المفترین ۝ والذین عملوا السیئات ثم

و همچنین جزا میدهیم دروغگویان را ۝ و آنانکه کردند بدیها پس

تابوا من بعدها وامنوا ان ربک من بعدها لغفور رحیم

توبه کردند از پس آن و ایمان آوردند بدرستی که پروردگار تو بعد از توبه هر آینه آمرزنده و مهربانست

ولما سکت عن موسی الغضب اخذ الالواح وفی نسختها

و چون ساکن شد از موسی خشم گوساله پرستان فرا گرفت بقیه الواح را و در آنچه مکتوب بود در آن

هدی ورحمة للذین هم لربهم یرهبون ۝ واختار موسی

راه نمودن و رحمت مر ایشانرا که از پروردگار خود میترسند ۝ و برگزید موسی

قومه سبعین رجلا لمیقاتنا فلما اخذتهم الرجفة قال رب

قوم خود را هفتاد مرد از برای میقات ما پس چون گرفت ایشانرا صاعقه گفت موسی ای خدای من

لو شئت اهلکتهم من قبل وایای اتهلکنا بما فعل

اگر میخواستی تو هلاک میکردی ایشانرا پیش از این و مرا نیز آیا هلاک میکنی ما را بآنچه کردند

السفهاء منا ان هی الا فتنتک تضل بها من تشاء وتهدی

بیخردان از ما نیست این مگر امتحان تو گمراه میکنی بآن هرکرا خواهی و راه مینمائی

من تشاء انت ولینا فاغفر لنا وارحمنا وانت خیر الغافرین

هرکرا خواهی تو یار مائی پس بیامرز ما را و رحمت کن ما را و تو بهترین آمرزندگانی

واکتب لنا فی هذه الدنیا حسنة وفی الاخرة انا هدنا

و بنویس برای ما در این دنیا نیکوئی و در آخرت آمرزش بدرستی که ما بازگشتیم

الیک قال عذابی اصیب به من اشاء ورحمتی وسعت

بسوی تو گفت خدا عذاب خود را میرسانم بهرکه خواهم و رحمت من فرا رسیده

كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَوٰةَ وَالَّذِينَ هُم
همه چیز را پس زود باشد که بنویسم برای آنانکه پرهیزگاری کنند و دادند زکوة و آنانکه ایشان
بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ۝ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي
بآیات ما ایمان دارند آنانکه متابعت می کنند فرستاده خدا را که پیغمبر ناخوانده و نانویسنده است
يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرٰىةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ
آنکه یابند اسم او را نوشته نزد ایشان در تورات و انجیل امر میکند ایشان را
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ
به نیکوئی و نهی میکند ایشان را از بد و حلال میکند ایشان را خوراکهای پاکیزه و
يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي
حرام میکند بر ایشان خورش پلید را و فرو مینهد از ایشان ثقل ایشان را و بر میدارد غلهایی که بودند
كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ
بود بر ایشان پس آنانکه گرویدند بآن و تعظیم کردند او را و یاری دادند او را و متابعت کردند نور را
الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ
که فرستاده شد با او که قرآنست آنگروه رستگاران بگو ای مردمان
إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ
بدرستیکه من فرستاده خدایم بسوی شما همه آنانکه مراورا است پادشاهی آسمانها و
الْأَرْضِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ
زمین نیست خدائی مگر او زنده میکند و میمیراند پس گروید بخدا و فرستاده او پیغمبر
الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ
ناخوانده آن پیغمبری که ایمان دارد بخدا و سخنان او و پیروی کنید او را شاید شما راه یابید
وَمِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ۝ وَ
و از قوم موسی گروهی هستند که راه مینمایند خلق را بحق و بحق عدل میکنند و
قَطَّعْنَاهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ
متفرق گردانیدیم ایشان را دوازده سبط گروه گروه و وحی فرستادیم بسوی موسی

از استسقا

إذ استسقاه قومه أن اضرب بعصاك الحجر فانبجست منه
اثنتا عشرة عينا قد علم كل أناس مشربهم وظللنا
عليهم الغمام وأنزلنا عليهم المن والسلوى كلوا من
طيبات ما رزقناكم وما ظلمونا ولكن كانوا أنفسهم يظلمون
وإذ قيل لهم اسكنوا هذه القرية وكلوا منها حيث شئتم و
قولوا حطة وادخلوا الباب سجدا نغفر لكم خطيئاتكم
سنزيد المحسنين فبدل الذين ظلموا منهم قولا غير الذي
قيل لهم فأرسلنا عليهم رجزا من السماء بما كانوا يظلمون
واسألهم عن القرية التي كانت حاضرة البحر إذ يعدون
في السبت إذ تأتيهم حيتانهم يوم سبتهم شرعا ويوم لا
يسبتون لا تأتيهم كذلك نبلوهم بما كانوا يفسقون
وإذ قالت أمة منهم لم تعظون قوما الله مهلكهم أو معذبهم

عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا

الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا

نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ

لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَن يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ

رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي

الْأَرْضِ أُمَمًا مِّنْهُمُ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَٰلِكَ وَبَلَوْنَاهُم

بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ

خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَٰذَا الْأَدْنَىٰ

وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلُهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ

يُؤْخَذْ عَلَيْهِم مِّيثَاقُ الْكِتَابِ أَن لَّا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا

الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ

افلا



نصف

افلا تعقلون ۝ والذين يمسكون بالكتاب واقاموا الصلوة
انا لا نضيع اجر المصلحين ۝ واذ نتقنا الجبل فوقهم كانه
ظلة وظنوا انه واقع بهم خذوا ما اتيناكم بقوة واذكروا
ما فيه لعلكم تتقون ۝ واذ اخذ ربك من بني ادم من
ظهورهم ذريتهم واشهدهم على انفسهم الست بربكم
قالوا بلى شهدنا ان تقولوا يوم القيمة انا كنا عن هذا
غافلين ۝ او تقولوا انما اشرك اباؤنا من قبل وكنا ذرية
من بعدهم افتهلكنا بما فعل المبطلون ۝ وكذلك نفصل
الايات ولعلهم يرجعون ۝ واتل عليهم نبا الذي اتيناه
اياتنا فانسلخ منها فاتبعه الشيطان فكان من الغاوين
ولو شئنا لرفعناه بها ولكنه اخلد الى الارض واتبع
هويه فمثله كمثل الكلب ان تحمل عليه يلهث او

تَرْكُهُ يَلْهَثْ ذٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ

بگذاری او را زبان بیرون آورد ‌ مانند ‌ قومی است ‌ که ‌ تکذیب کردند آیات ما را پس بخوان

الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ۝ سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا

قصه‌های مذکوره را شاید ‌ ایشان متفکر شوند ‌ بد است ‌ مثل ‌ گروهی ‌ که تکذیب کردند

بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ ۝ مَنْ يَهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي

آیات ما را ‌ و بر خود ایشان بودند ‌ که ستم کردند ‌ و هر که راه راست نماید خدا پس اوست راه یافته

وَمَنْ يُضْلِلْ فَأُولٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ

و هر کرا واگذارد ‌ پس آن گروه ایشانند ‌ زیان کاران ‌ و بتحقیق آفریدیم ‌ برای دوزخ

كَثِيرًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ

بسیاری ‌ از دیوان ‌ و آدمیان مر ایشان راست ‌ دلها که ‌ در نمی یابند ‌ بآن و مر ایشان راست

أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولٰئِكَ

چشمها که ‌ نمی بینند ‌ بآنها و مر ایشان راست ‌ گوشها که ‌ نمی شنوند ‌ بآنها ‌ آن گروه

كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ۝ وَلِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ

مانند چارپایند ‌ بلکه ایشان ‌ گمراه ترند ‌ آن گروه ایشانند ‌ بیخبران ‌ و مر خدا راست نامهای

الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ

نیکو ‌ پس بخوانید خدا را بآن نامها و بگذارید ‌ آنان را که مایل میشوند ‌ بکجی ‌ در نامهای خدا

سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ

زود باشد که جزا داده شوند آنچه هستند که میکردند ‌ و از آنها که آفریدیم گروهی اند که راه مینمایند

بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ۝ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ

براستی ‌ و بحق ‌ عدول می کنند ‌ و آنانکه ‌ تکذیب کردند ‌ آیات ما را زود باشد که بگیریم ایشان را

مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ۝ أَوَلَمْ

از آنجا که ‌ ندانند ‌ و مهلت دهیم ایشان را ‌ بدرستی که کید و مکر من سخت است ‌ آیا

يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝

فکر نکردند ‌ نیست یار ایشان را ‌ هیچ نوعی جنون نیست او ‌ مگر بیم کننده هویدا

در جهنم لام عاقبت
لام عاقبت مانند لام فالتقطه آل
فرعون لیکون لهم عدوا و حزنا یعنی عاقبت
بسیاری از مردمان دخول جهنم است چه همه کس
برای عبادت آفریده شده بدلیل کریمه و ما خلقت
الجن و الانس الا لیعبدون

خدا را بنامهائی میخوانند
نامهائی که در شرع نیامده یا نامهای
خدا را بر غیر او از بتان اطلاق میکردند

در تفسیر خود از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه روایت کرده که فرمود بحق آنکه جان من در
قدرت اوست که این امت هفتاد و سه گروه
خواهند شد و همه بجهنم میروند مگر یک گروه و
از حضرات ابو جعفر و ابو عبد الله مرویست که آن
گروه مائیم

در لغت گرفتن چیزی است

أَوَلَمْ يَنظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ

آیا نگریستند در ملک بزرگ آسمانها و زمین و آنچه آفرید خدا

مِن شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ

از هر چیز و آیا نظر کردند که شاید نزدیک رسید اجل ایشان پس بکدام سخن

بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ۝ مَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي

بعد از قرآن ایمان می آورند هر که را گمراه کند خدا پس نیست راه نماینده او را و میگذارد ایشان را در

طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا

گمراهی خود ایشان را که حیران اند می پرسند ترا از وقوع قیامت که کی باشد اثبات آن

قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي

بگو جز این نیست که علم آن نزد پروردگار من است آشکارا نکند قیامت را در وقت آن مگر خدا گرانست در

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ

آسمانها و زمین نیاید بشما مگر ناگهان می پرسند ترا

كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ اللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

گویا تو دوست میداری پرسیدن آنرا بگو جز این نیست که علم قیامت نزد خداست و لیکن بیشتر مردمان

لَا يَعْلَمُونَ ۝ قُل لَّا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ

نمیدانند بگو ای محمد نمیتوانم از برای نفس خود نفعی و نه ضرری مگر آنچه خواهد

اللَّهُ وَلَوْ كُنتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ

خدا و اگر بودمی که میدانستم غیب را هر آینه طلب بسیار کردمی از منفعت و نرسیدی بمن

السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ هُوَ الَّذِي

بدی نیستم من مگر بیم دهنده و مژده دهنده برای قومی که ایمان آورند اوست آنکه

خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ

آفرید شما را از یک تن که آدم بود و پدید آورد از جان او جفت او را تا آرام گیرد

إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَت

آدم بحوا پس آنگاه فرو پوشید آدم حوا را بار گرفت حوا بار سبکی پس مستمر بود بآن پس چون گرانبار شد

ارنع
از آن بود که
شرکی برای خدا قرار دهند
گفته اند که در لفظ جعلا و فیما آتیهما مضاف بضمیر
مقدری است و گویا گفته شد و جعل اولاده
بما له شرکا فیما آتی اولادهما و مجاهد و ابن عباس
و جمعی دیگر مضافی تقدیر نکرده اند و گفته اند که
چون حوا حامله شد شیطان بصورت مردی برابر
آمد گفت چه میدانی که در شکم تو چیست و از کجا
بیرون می آید گاه باشد جانوری باشد غیر او
حوا از این سخن متزلزل شده صورت حال را با آدم
در میان گذاشت آدم غمگین شد باز شیطان
نزد حوا آمده گفت مرا نزد خدا قرب و منزلتی هست
پس اگر دعا کنم که حمل تو آدمی باشد شما باشد ورا
عبد الحارث نام میکنی و دعا کنم که بسهولت از
شکمت بر آید و نام شیطان میان فرشتگان حارث
بود حوا قبول آن معنی نمود و میان ایشان این

دعوا الله ربهما لئن آتيتنا صالحا لنكونن من الشاكرين

بخوانند خدا را که پروردگار هر دو بود اگر بدهی ما را فرزند شایسته هر آینه باشیم ۝ از شکر کنندگان

فلما آتاهما صالحا جعلا له شركاء فيما آتاهما فتعالى

پس آن هنگام داد ایشان را فرزندی نیکو گردانیدند او را شریکان در آنچه بخشید ایشان را پس بزرگست

الله عما يشركون ۝ أيشركون ما لا يخلق شيئا وهم يخلقون ۝

خدا از آنچه شریک گیرند او را ۝ آیا شریک می کنند آنچه نیافرینند چیزی را و ایشان آفریده شده اند

ولا يستطيعون لهم نصرا ولا أنفسهم ينصرون ۝ وإن

و نمی توانند ایشان برای خود یاری را و نه نفسهای خود را یاری می دهند ۝ و اگر

تدعوهم إلى الهدى لا يتبعوكم سواء عليكم أدعوتموهم

بخوانید ایشان را بسوی اسلام پیروی نکنند شما را یکسانست بر شما ۝ اگر بخوانید ایشان را

أم أنتم صامتون ۝ إن الذين تدعون من دون الله عباد

یا گنگ شما خاموش باشید ۝ بدرستی آنانکه میخوانید بجز از خدا بندگان خدایند

أمثالكم فادعوهم فليستجيبوا لكم إن كنتم صادقين ۝

مانند شما پس بخوانید ایشان را پس باید که اجابت کنند شما را اگر هستید از راستگویان

ألهم أرجل يمشون بها أم لهم أيد يبطشون بها أم لهم أعين

آیا مر ایشان را پایهاست که میروند بآن پایها یا مر ایشان را دستهاست که بگیرند بآنها یا مر ایشان را چشمهاست

يبصرون بها أم لهم آذان يسمعون بها قل ادعوا شركاءكم

که می بینند بآن یا مر ایشان راست گوشهاست که می شنوند بآنها بگو بخوانید شرکای خود را

ثم كيدون فلا تنظرون ۝ إن وليي الله الذي نزل الكتاب

پس حیله کنید ۝ پس مهلت مدهید مرا ۝ بدرستی که یار من خداست آنکه فرو فرستاد قرآن را

وهو يتولى الصالحين ۝ والذين تدعون من دونه لا يستطيعون

و او یاری کند نیکوکاران را ۝ و آنانکه میخوانید بغیر از خدا نتوانند

نصركم ولا أنفسهم ينصرون ۝ وإن تدعوهم إلى الهدى لا

بر یاری شما و نه بر نفسهای خود یاری کنند ۝ و اگر بخوانید ایشان را بسوی دین حق

مطلب
در تدعوهم یا رسول
خدمت صلی الله علیه وآله وسلم
در ترهم

يسمعوا

یسمعوا وتریهم ینظرون الیک وهم لا یبصرون خذ العفو
نشنوند و می بینی ایشان را که می نگرند بسوی تو و ایشان نمی بینند ترا فرا گیر صفت گذشت
وامر بالعرف واعرض عن الجاهلین واما ینزغنک من
و امر کن مردم بنیکویی و روی بگردان از نادانان و اگر بر انگیزاند ترا از
الشیطان نزغ فاستعذ بالله انه سمیع علیم ان الذین
شیطان وسوسه پس پناه گیر بخدا بدرستیکه او شنوای داناست بدرستی که آنان که
اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون
پرهیزگار شدند چون برسد ایشان را وسوسه از شیطان یاد کنند خدا را پس آنگاه ایشان بینا باشند
واخوانهم یمدونهم فی الغی ثم لا یقصرون واذا لم تاتهم
و برادران شیاطین میکشند ایشان را در گمراهی پس باز نمی ایستند و چون نیاوری بکافران
بایة قالوا لولا اجتبیتها قل انما اتبع ما یوحی الی من ربی
معجزه گویند چرا فراهم نساختی آن آیه را بگو جز این نیست که پیروی میکنم آنچه وحی کرده میشود بسوی من از پروردگارم
هذا بصائر من ربکم وهدی ورحمة لقوم یؤمنون
این قرآن دلیلهاست از پروردگار شما و راهنما و بخشایش مر گروهی را که ایمان آرند
واذا قرئ القران فاستمعوا له وانصتوا لعلکم ترحمون
و چون خوانده شود قرآن پس بشنوید آنرا و خاموش باشید شاید شما بخشیده شوید
واذکر ربک فی نفسک تضرعا وخیفة ودون الجهر
و یاد کن پروردگار خود را در دل خود بزاری و ترس و پایین تر از بلندی
من القول بالغدو والاصال ولا تکن من الغافلین ان
از گفتار در بامداد و شبانگاه و مباش تو از غافلان بدرستی
الذین عند ربک لا یستکبرون عن عبادته ویسبحونه وله
آنانکه نزد پروردگار تواند گردنکشی نمیکنند از پرستش خدا و تنزیه میکنند خدا را و
سورة الانفال — یسجدون — وخمس وسبعون آیة مدنیة
او را سجده می کنند

مشهور من الاصحاب انست که وجوب انصات و استماع قرآن مخصوص بماموم است چنانچه از حضرت ابی جعفر مرویست و از ابن عباس و ابن مسعود و جمعی دیگر حکایت شده که مسلمانان در ابتدا حال در اثنای نماز سخن می گفتند و گاه که کسی در اثنای وارد می شد و میپرسید که چند رکعت نماز کرده اند ماموین جواب می گفتند پس خدا تعالی ایشان را باین آیه منع از آن و در صحیحه سلیمان بن خالد از حضرت ابی عبد الله مرویست که هرگاه امام قرائت را بلند کند ساکت شوید که خدا تعالی فرموده وانصتوا لعلکم ترحمون و ظاهر بعضی از اخبار وجوب انصات و استماع است مطلقا چنانچه از حضرت صادق صلوات الله علیه منقول است که فرمود که واجبست انصات برای شنیدن قرآن در نماز و در غیر نماز و هم از آنحضرت بسند دیگر مرویست که ابن کوا عقب حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه خواند لئن اشرکت لیحبطن عملک ولتکونن من الخاسرین و آنحضرت از قرائت ساکت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ الْاَنْفَالِ قُلِ الْاَنْفَالُ لِلّٰهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللّٰهَ

می پرسند ترا ای محمد از حکم غنایم بگو غنایم مر خدا راست و پیغمبر را پس بترسید از خدا

وَاَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَاَطِيعُوا اللّٰهَ وَرَسُولَهُ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

و اصلاح کنید در میان خود و پیروی کنید خدا و فرستاده او را اگر هستید گروندگان

اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ اِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَاِذَا تُلِيَتْ

عَلَيْهِمْ اٰيَاتُهُ زَادَتْهُمْ اِيمَانًا وَعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۞ اَلَّذِينَ

يُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۞ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ

حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۞

كَمَا اَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَاِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

لَكَارِهُونَ ۞ يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَاَنَّمَا

يُسَاقُونَ اِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ۞ وَاِذْ يَعِدُكُمُ اللّٰهُ اِحْدَى

الطَّائِفَتَيْنِ اَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ اَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ

لَكُمْ وَيُرِيدُ اللّٰهُ اَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ

ليحق الحق ويبطل الباطل ولو كره المجرمون ۞ اذ تستغيثون

ربكم فاستجاب لكم اني ممدكم بالف من الملائكة مردفين

وما جعله الله الا بشرى ولتطمئن به قلوبكم وما النصر

الا من عند الله ان الله عزيز حكيم ۞ اذ يغشيكم النعاس امنة

منه وينزل عليكم من السماء ماء ليطهركم به ويذهب

عنكم رجز الشيطان وليربط على قلوبكم ويثبت به

الاقدام ۞ اذ يوحي ربك الى الملائكة اني معكم فثبتوا

الذين امنوا ساالقي في قلوب الذين كفروا الرعب فاضربوا

فوق الاعناق واضربوا منهم كل بنان ۞ ذلك بانهم

شاقوا الله ورسوله ومن يشاقق الله ورسوله فان الله شديد

العقاب ۞ ذلكم فذوقوه وان للكافرين عذاب النار

يا ايها الذين امنوا اذا لقيتم الذين كفروا زحفا فلا تولوهم

الادبار ومن يولهم يومئذ دبره الا متحرفا لقتال او

متحيزا الى فئة فقد باء بغضب من الله وماويه جهنم

وبئس المصير فلم تقتلوهم ولكن الله قتلهم وما رميت اذ

رميت ولكن الله رمى وليبلى المؤمنين منه بلاء حسنا

ان الله سميع عليم ذلكم وان الله موهن كيد الكافرين

ان تستفتحوا فقد جاءكم الفتح وان تنتهوا فهو خير لكم

وان تعودوا نعد ولن تغنى عنكم فئتكم شيئا ولو كثرت

وان الله مع المؤمنين يا ايها الذين امنوا اطيعوا الله و

رسوله ولا تولوا عنه وانتم تسمعون ولا تكونوا كالذين

قالوا سمعنا وهم لا يسمعون ان شر الدواب عند الله

الصم البكم الذين لا يعقلون ولو علم الله فيهم خيرا

لاسمعهم ولو اسمعهم لتولوا وهم معرضون يا ايها الذ

آمنوا استجيبوا لله وللرسول إذا دعاكم لما يحييكم واعلموا

أن الله يحول بين المرء وقلبه وأنه إليه تحشرون ۝ واتقوا

فتنة لا تصيبن الذين ظلموا منكم خاصة واعلموا أن الله

شديد العقاب ۝ واذكروا إذ أنتم قليل مستضعفون في

الأرض تخافون أن يتخطفكم الناس فآواكم وأيدكم بنصره

ورزقكم من الطيبات لعلكم تشكرون ۝ يا أيها

الذين آمنوا لا تخونوا الله والرسول وتخونوا أماناتكم

وأنتم تعلمون ۝ واعلموا أنما أموالكم وأولادكم فتنة وأن

الله عنده أجر عظيم ۝ يا أيها الذين آمنوا إن تتقوا الله يجعل

لكم فرقانا ويكفر عنكم سيئاتكم ويغفر لكم والله

ذو الفضل العظيم ۝ وإذ يمكر بك الذين كفروا ليثبتوك

أو يقتلوك أو يخرجوك ويمكرون ويمكر الله والله

خيرُ الماكرين ۞ واذا تتلى عليهم اياتنا قالوا قد سمعنا لو

بهترین جزا دهنده مکاران است ۞ و چون خوانده شود بر ایشان ۞ آیتهای ما گفتند ۞ بدرستی که شنیدیم اگر

نشاء لقلنا مثل هذا ان هذا الا اساطير الاولين ۞ و

خواهیم ۞ هر آینه بگوییم ما مانند این نیست ۞ این ۞ مگر ۞ قصه های ۞ پیشینیان ۞ و

اذ قالوا اللهم ان كان هذا هو الحق من عندك فامطر

وقتی که گفتند ۞ بار خدایا ۞ اگر هست ۞ این قرآن او راست ۞ از نزد تو ۞ پس ببار

علينا حجارة من السماء او ائتنا بعذاب اليم ۞ وما كان

بر ما ۞ سنگ ۞ از آسمان ۞ یا بیار بما ۞ عذابی دردناک ۞ و نیست

الله ليعذبهم وانت فيهم وما كان الله معذبهم وهم يستغفرون

خدا که عذاب کند ایشان را ۞ و تو در میان ایشانی ۞ و نیست ۞ خدا عذاب کننده ایشان ۞ و ایشان ۞ استغفار میکنند

وما لهم الا يعذبهم الله وهم يصدون عن المسجد الحرام

و چیست ایشان را ۞ که عذاب کند ایشان را ۞ خدا و ایشان ۞ باز میدارند ۞ از ۞ مسجد ۞ الحرام

وما كانوا اولياءه ان اولياؤه الا المتقون ولكن اكثرهم

و نیستند ایشان متولیان مسجد ۞ و نیست متولیان مسجد ۞ مگر ۞ پرهیزکاران ۞ و لیکن ۞ بیشتر ایشان

لا يعلمون ۞ وما كان صلاتهم عند البيت الا مكاء

نمیدانند ۞ و نیست ۞ نماز مشرکان ۞ نزدیک خانه خدا ۞ مگر ۞ صفیر کوفتن

وتصدية فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون ۞ ان الذين

و دست بدست زدن پس بچشید ۞ عذاب را بسبب آنچه بودید ۞ که کافر شدید ۞ بدرستی که آنانکه

كفروا ينفقون اموالهم ليصدوا عن سبيل الله فسينفقونها

کافر شدند ۞ نفقه می کنند ۞ مالهای خود را ۞ تا باز دارند مردم را ۞ از راه خدا پس زود باشد که نفقه کنند

ثم تكون عليهم حسرة ثم يغلبون ۞ والذين كفروا الى جهنم

مالها را پس باشد بر ایشان ۞ پشیمانی پس ۞ مغلوب گردند ۞ و آنانکه ثابت اند در کفر ۞ بسوی دوزخ

يحشرون ۞ ليميز الله الخبيث من الطيب ويجعل الخبيث

حشر کرده شوند ۞ تا ممیز کند خدا ۞ ناپاک را ۞ از پاک ۞ و بگرداند ۞ جمع کفار را

از حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه مرویست که در تفسیر این کریمه فرمود که نیستند اولیا مسجد الحرام مگر پرهیزکاران
از ابن عباس منقول است که قریش طواف خانه برهنه میکردند و صفیر میزدند و کف دستها بر هم میزدند

بعضه

الجزو ١٠

بَعْضَهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلَهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ
هُمُ الْخَاسِرُونَ ۞ قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُوا إِن يَنتَهُوا يُغْفَرْ لَهُم
مَّا قَدْ سَلَفَ وَإِن يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ ۞
وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ
انتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۞ وَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ
مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ۞ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن
شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ
وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنتُمْ آمَنتُم بِاللَّهِ وَمَا أَنزَلْنَا
عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ ۞ إِذْ أَنتُم بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُم بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ
وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدتُّمْ لَاخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ
وَلَٰكِن لِّيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا ۞ لِّيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ

عن بينة ويحيى من حى عن بينة وان الله لسميع عليم

از حجتی روشن و زنده بماند هر که زنده از حجتی روشن و بدرستی که خدا شنوای داناست

اذ يريكهم الله فى منامك قليلا ولو اريكهم كثيرا

چون مینمود ایشان را خدا در خواب تو اندک و اگر مینمود بتو ایشان را بسیار

لفشلتم ولتنازعتم فى الامر ولكن الله سلم انه عليم بذات

مرآینه بددل شدید و هر آینه نزاع میکردید در کار و لیکن خدا بسلامت نگهداشت بدرستی که او داناست بآنچه در

الصدور واذ يريكموهم اذ التقيتم فى اعينكم قليلا و

سینه هاست و چون مینمود خدا بشما ایشان را چون ملاقات کردید در چشمهای شما اندکی و

يقللكم فى اعينهم ليقضى الله امرا كان مفعولا والى

اندک گردانید شما را در چشمهای ایشان تا حکم کند خدا کاری را که هست کرده شده و بسوی

الله ترجع الامور يا ايها الذين امنوا اذا لقيتم فئة فاثبتوا

خدا باز گردانید شود کارها ای آنانکه گرویده اید چون ملاقات کنید گروهی پس ثابت باشید

واذكروا الله كثيرا لعلكم تفلحون واطيعوا الله ورسوله

و یاد کنید خدا را بسیار تا شما رستگار شوید و طاعت کنید خدا و فرستاده او را

ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ريحكم واصبروا ان الله

و خلاف مکنید پس بددل شوید و برود دبدبه و قوت و دولت شما و صبر کنید بدرستی که خدا

مع الصابرين ولا تكونوا كالذين خرجوا من ديارهم

با صبر کنندگان است و مباشید مانند آنانکه بیرون رفتند از خانهای خود

بطرا ورئاء الناس ويصدون عن سبيل الله والله بما

از سرکشی و نمودن بمردم و باز میدارند از راه خدا و خدا بآنچه

يعملون محيط واذ زين لهم الشيطان اعمالهم وقال لا

میکنند احاطه کننده است و یاد کن آنرا که آراست برای ایشان شیطان کارهای ایشان را و گفت نیست

غالب لكم اليوم من الناس وانى جار لكم فلما تراءت

غلبه کننده مر شما را امروز از مردمان و بدرستی که من فریادرسنده ام شما را پس چون بدیدند

الفئتان

الفئتان نکص علی عقبیه وقال انی بریء منکم انی
بر دو لشکر برگشت شیطان بر دو پاشنه و گفت که من بیزارم از شما بدرستی که من
اری ما لا ترون انی اخاف الله والله شدید العقاب
می بینم آنچه نمی بینید بدرستی که من می ترسم از عذاب خدا و خدا سخت عقوبت است
اذ یقول المنافقون والذین فی قلوبهم مرض غر هؤلاء
و یاد کن چون گفتند منافقان و آنانکه در دلهای ایشان مرضی است فریفته است مومنان را
دینهم ومن یتوکل علی الله فان الله عزیز حکیم ولو
دین ایشان را و هر که توکل کرد بر خدا پس بدرستی که خدا غالب درست کردار است و اگر
تری اذ یتوفی الذین کفروا الملائکة یضربون وجوههم
دیدی ای محمد آن وقت را که قبض روح مینمایند آنانی را که کافر شدند فرشتگان میزنند بر رویهای
وادبارهم وذوقوا عذاب الحریق ذلک بما قدمت
ایشان و پشتهای ایشان و گویند بچشید رنج آتش سوزان را آن عذاب حریق بسبب آنست که فرا پیش داشت
ایدیکم وان الله لیس بظلام للعبید کداب ال فرعون
دستهای شما و بدرستیکه خدا نیست ظلم کننده بسیار مر بندگان را همچون عادت گروه فرعون است
والذین من قبلهم کفروا بایات الله فاخذهم الله بذنوبهم
و آنانکه پیش از فرعونیان بودند کافر شدند بآیات خدا پس گرفت ایشان را خدا بگناهان ایشان
ان الله قوی شدید العقاب ذلک بان الله لم یک
بدرستی که خدا توانای سخت عقوبتست این عقوبت بسبب آنست که خدا نیست
مغیرا نعمة انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم وان الله
تغییر دهنده نعمتی را که انعام کرده بر گروهی تا وقتیکه تغییر کنند آنچه بنفسهای ایشانست و بدرستی که خدا
سمیع علیم کداب ال فرعون والذین من قبلهم کذبوا
شنوای داناست مثل عادت قوم فرعون و آنانکه بودند پیش از فرعونیان تکذیب کردند
بایات ربهم فاهلکناهم بذنوبهم واغرقنا ال فرعون
نشانهای پروردگارشان پس هلاک کردیم ایشان را بگناهان ایشان و غرق کردیم فرعونیان را

در روضه
کافی از حضرت
ابی جعفر علیه السلام مرویست که
جبرئیل در آن روز حواله شیطان نمود شیطان
گریزان شد و میگفت ای جبرئیل خدا تعالی مرا مهلت
داده تا آنکه خود را بدریا انداخت زراره گوید که
بخدمت آنحضرت عرضه داشتم که شیطان از چه راه
میترسید از شمشیر جبرئیل و حال آنکه میدانست که
تا روز قیامت زنده خواهد ماند
فرمود می ترسید که عضوی
از او را ناقص گرداند

وَكُلٌّ كَانُوا ظَالِمِينَ ۝ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِندَ اللَّهِ الَّذِينَ
و همه بودند ستمکاران بدرستی بدترین جنبندگان نزد خدا آنانند
كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ الَّذِينَ عَاهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنقُضُونَ
که کافر شدند پس ایشان نمیگروند آنان را که عهد گرفتی از ایشان پس میشکنند
عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ۝ فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ
عهد خود شان را در هر باری وایشان پرهیز نمی کنند پس اگر دریابی ایشان را در جنگ
فَشَرِّدْ بِهِم مَّنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ۝ وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن
پس میدا و کن بسبب قتل ایشان آنرا که در پشت ایشان است شاید ایشان پند گیرند و اگر ترسی از
قَوْمٍ خِيَانَةً فَانبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ
گروهی که عهد کرده خیانتی را پس بفکن بسوی ایشان برمساوات بدرستی که خدا دوست نمیدارد خیانت کاران را
وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ ۝ وَ
و مپندارید آنان را که کافر شدند پیشی گرفتند بدرستی که ایشان عاجز نمیکنند ما را و
أَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ
آماده کنید برای ایشان آنچه توانید از اسباب حرب واز اسبان بسته می ترسانید
بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ
باین اسعداد دشمنان خدا و دشمنان خود را و می ترسانید دیگران را غیر کفار مدینه نمیدانید شما ایشان را خدا
يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ
میداند ایشان را و آنچه نفقه میکنید از چیزی که دارید در راه خدا تمام کرده خواهد بسوی شما و
أَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ۝ وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
شما ستم دیده نخواهید شد و اگر میل کنند مشرکان بصلح پس تو هم میل کن بصلح و توکل کن بر خدا
إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ وَإِن يُرِيدُوا أَن يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ
بدرستی او ست شنوای دانا و اگر خواهند که بفریبند تو را بصلح خود پس بدرستی که
اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ ۝ وَأَلَّفَ بَيْنَ
خدا اوست آنکه قوت داد ترا بیاری خود و بهمه مومنان والفت داد میان

ثقف
در لغت بمعنی ظفر وتشرید
بمعنی تفریق ومراد از من خلفهم مشرکین غیر
قریش است یعنی ظفر شما بر قریش باعث آن
شده که غیر ایشان متفرق شوند ونقض عهد شما
واجتماع بر محاربه شما
نکنند

حاصل
مضمون این آیه کریمه
بنابر تفسیری آنکه باید گمان نکنند
کفره اینکه پیش گرفته بر امر الهی واو را عاجز کردانند
در کارهای او نه چنین است ایشان خدا را عاجز
نمیتوانند نمود وهرچه خدا خواهد میکند وبنابر تفسیر
دیگر آنکه باید گمان نکنی ای محمد که کفره پیشی گرفته اند
بر خواسته الهی وایشان هرچه خواهند می کنند
چنین نیست بلکه ایشان نتوانند خدا را عاجز نمود
وهرچه می شود خطاب اگرچه بآنحضرت است لیکن
مراد امت است

قُلُوبِهِمْ لَوْ اَنْفَقْتَ مَا فِی الْاَرْضِ جَمِیعًا مَا اَلَّفْتَ بَیْنَ قُلُوبِهِمْ

وَلٰکِنَّ اللّٰهَ اَلَّفَ بَیْنَهُمْ اِنَّهُ عَزِیزٌ حَکِیمٌ ۝ یَا اَیُّهَا النَّبِیُّ حَسْبُکَ

اللّٰهُ وَمَنِ اتَّبَعَکَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ ۝ یَا اَیُّهَا النَّبِیُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِینَ

عَلَی الْقِتَالِ اِنْ یَکُنْ مِنْکُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ یَغْلِبُوا

مِائَتَیْنِ وَاِنْ یَکُنْ مِنْکُمْ مِائَةٌ یَغْلِبُوا اَلْفًا مِنَ الَّذِینَ کَفَرُوا

بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا یَفْقَهُونَ ۝ اَلْاٰنَ خَفَّفَ اللّٰهُ عَنْکُمْ وَعَلِمَ اَنَّ فِیکُمْ

ضَعْفًا فَاِنْ یَکُنْ مِنْکُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ یَغْلِبُوا مِائَتَیْنِ وَاِنْ

یَکُنْ مِنْکُمْ اَلْفٌ یَغْلِبُوا اَلْفَیْنِ بِاِذْنِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ مَعَ الصَّابِرِینَ

مَا کَانَ لِنَبِیٍّ اَنْ یَکُونَ لَهُ اَسْرٰی حَتّٰی یُثْخِنَ فِی الْاَرْضِ

تُرِیدُونَ عَرَضَ الدُّنْیَا وَاللّٰهُ یُرِیدُ الْاٰخِرَةَ وَاللّٰهُ عَزِیزٌ حَکِیمٌ ۝

لَوْلَا کِتَابٌ مِنَ اللّٰهِ سَبَقَ لَمَسَّکُمْ فِیمَا اَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِیمٌ ۝

فَکُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَیِّبًا وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ

يا ايها النبي قل لمن في ايديكم من الاسرى ان يعلم الله

ای پیغمبر بگو مر کسانی که در دست شمایند از اسیران اگر داند خدا

في قلوبكم خيرا يؤتكم خيرا مما اخذ منكم ويغفر لكم

در دلهای شما نیکویی بدهد شما را بهتر از آنچه فرا گرفته اند از شما و می آمرزد مر شما را

والله غفور رحيم ۝ وان يريدوا خيانتك فقد خانوا الله

و خدا آمرزنده مهربانست و اگر خواهند خیانت کردن تو پس تحقیق خیانت کردند با خدا

من قبل فامكن منهم والله عليم حكيم ۝ ان الذين امنوا وهاجروا

پیش ازین پس توانایی داد از ایشان و خدا داناست حکمت بدرستی که کسانی که گرویدند و هجرت کردند

وجاهدوا باموالهم وانفسهم في سبيل الله والذين اووا

و جهاد کردند بمالهای خود و نفسهای خود در راه خدا و کسانی که جا دادند

ونصروا اولئك بعضهم اولياء بعض والذين امنوا ولم

و یاری کردند آن گروه پاره ایشان دوستان اند پاره را و آنانکه گرویدند و

يهاجروا ما لكم من ولايتهم من شيء حتى يهاجروا وان استنصروكم

هجرت نکردند نیست مر شما را از دوستی ایشان هیچ چیز تا هجرت کنند و اگر طلب یاری کنند شما

في الدين فعليكم النصر الا على قوم بينكم وبينهم ميثاق

در دین پس بر شماست یاری مگر بر گروه که میان شما و میان ایشان عهدی

والله بما تعملون بصير ۝ والذين كفروا بعضهم اولياء بعض

و خدا آنچه میکنید بیناست و آنانکه کافر شدند بعضی شان دوستان بعضی اند

الا تفعلوه تكن فتنة في الارض وفساد كبير ۝ والذين

مگر کنید آنرا حاصل شود فتنه در زمین و فسادی بزرگ در دین و آنانکه

امنوا وهاجروا وجاهدوا في سبيل الله والذين اووا ونصروا

گرویدند و هجرت کردند و جهاد کردند در راه خدا و آنانکه جا دادند و یاری کردند

اولئك هم المؤمنون حقا لهم مغفرة ورزق كريم ۝

آنگروه ایشانند گرویدگان راست مر ایشانراست آمرزش و روزی نیکو



والذين

حزب

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِن بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَٰئِكَ مِنكُمْ
وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ
شَيْءٍ عَلِيمٌ

سورة التوبة مائة عشرون وتسع آية مدنية

بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدتُّم مِّنَ الْمُشْرِكِينَ
فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي
اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ
إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ
وَرَسُولُهُ فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ
غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ إِلَّا الَّذِينَ
عَاهَدتُّم مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا
عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ
يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ

حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ

هر جا که بیابید ایشان را و بگیرید ایشان را و بازدارید ایشان را و بنشینید برای کشتن ایشان بر هر

مَرْصَدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَآتَوُا الزَّكٰوةَ فَخَلُّوا

کمین پس اگر توبه کنند و برپای دارند نماز را و بدهند زکوة را پس خالی کنید

سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۞ وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ

راه ایشان را بدرستی که خدا آمرزنده مهربان است و اگر یکی از مشرکان زنهار خواهد از تو

فَأَجِرْهُ حَتّٰى يَسْمَعَ كَلَامَ اللّٰهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ

پس زنهار ده او را تا بشنود کلام خدا پس برسان او را بجای امن او این امان بسبب آنکه ایشان

قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ ۞ كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللّٰهِ وَ

گروهی اند که نمیدانند چگونه باشد برای مشرکان عهدی نزد خدا و

عِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا

نزد فرستاده او مگر آنانکه عهد بستید نزد مسجد الحرام پس

اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ۞ كَيْفَ

مادام که مستقیم باشند با ایشان استقامت ورزند مر ایشان را بدرستیکه خدا دوست میدارد پرهیزکاران را چگونه باشد

وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ

و اگر ظفر یابند بر شما مراعات نکنند با شما حق قسم را و نه وفای عهد را راضی میسازند شما را

بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبٰى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ ۞ اشْتَرَوْا بِآيَاتِ

بدهنهای خود و سرباز میزند دلهای ایشان و بیشتر ایشان بدکارانند خریدند بنشانهای

اللّٰهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا

خدا بهای اندک را پس اعراض کردند از راه دین خدا بدرستی که ایشان بد کارند آنچه بودند که

يَعْمَلُونَ ۞ لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولٰئِكَ هُمُ

میکردند مراعات نمیکنند مشرکان در حق مومنی قسم و نه عهد را و ایشان ایشانند

الْمُعْتَدُونَ ۞ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَآتَوُا الزَّكٰوةَ

تجاوز کنندگان پس اگر توبه کنند و برپای دارند نماز را و بدهند زکوة را

احد

فاعل فعل محذوف و استجارک مفسر اوست بدلیل لزوم دخول ان بر جمله فعلیه و گویا گفته و ان استجارک احد من المشرکین استجارک فاجره

فاخوانکم

فَاِخْوانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْاٰياتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ وَاِنْ

پس برادران شمایند در دین و تفصیل میدهیم آیتها را برای گروهی که میدانند و اگر

نَكَثُوا اَيْمانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقاتِلُوا

بشکنند قسمهای خود را از بعد عهدشان و طعن زنند در دین شما پس بکشید

اَئِمَّةَ الْكُفْرِ اِنَّهُمْ لا اَيْمانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ ۝ اَلا تُقاتِلُونَ

پیشوایان کفر را بدرستی که ایشان را نیست قسمی باشد که ایشان باز ایستند ۝ آیا جنگ نمی کنید

قَوْماً نَكَثُوا اَيْمانَهُمْ وَهَمُّوا بِاِخْراجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَؤُكُمْ

با قومی که بشکستند قسمهای خود را و قصد کردند به بیرون کردن پیغمبر و ایشان ابتدا کردند

اَوَّلَ مَرَّةٍ اَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللّٰهُ اَحَقُّ اَنْ تَخْشَوْهُ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

اول مرتبه آیا می ترسید از ایشان پس خدا سزاوارتر است از آنکه بترسید اگر هستید گروندگان

قاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللّٰهُ بِاَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ

جنگ کنید با مشرکان تا عذاب کند ایشان را خدا بدستهای شما و رسوا سازد ایشان را و یاری دهد شما را بر ایشان

وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ ۝ وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ

و شفا دهد سینه های گروهی گروندگان را ۝ و ببرد خدا اندوه و خشم دلهای کفار

وَيَتُوبُ اللّٰهُ عَلىٰ مَنْ يَشاءُ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ اَمْ حَسِبْتُمْ

و قبول توبه کند خدا برای هر که میخواهد و خدای داناست درست کردار است ۝ آیا می پندارید

اَنْ تُتْرَكُوا وَلَمّا يَعْلَمِ اللّٰهُ الَّذِينَ جاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ

اگر ترک کرده شوید نادانسته است خدا آنانکه جهاد کردند از شما و فرا نگرفته اند از

دُونِ اللّٰهِ وَلا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللّٰهُ خَبِيرٌ بِما

غیر خدا و نه غیر فرستاده او و نه غیر از مومنان دوست نهانی و خداوند داناست بآنچه

تَعْمَلُونَ ۝ ما كانَ لِلْمُشْرِكِينَ اَنْ يَعْمُرُوا مَساجِدَ اللّٰهِ شاهِدِينَ

میکنید ۝ نباشد مر مشرکان را که عمارت کنند مسجدهای خدا را در حالی که گواه باشند

عَلىٰ اَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ اُولٰئِكَ حَبِطَتْ اَعْمالُهُمْ وَفِي النّارِ

بر خود ایشان به کفر آن گروهند باطل شد عملهای ایشان و در آتش

از تفسیر
ابوحمزه منقول است
که چون عباس در روز بدر اسیر گرد
مهاجر و انصار ملامت او بکفر و قطع رحم نمودند او
گفت همین در اظهار معایب ما می کوشید و از
محاسن ما هیچ نمیگویید گفتند مگر شما صفت نیکی باشد
گفت بلی بخدا سوگند که ما عمارت مسجد الحرام
مینماییم و حجابت یعنی دربانی کعبه با ماست و سقایت
حاج میکنیم و هر که در آزار باشد او را نجات میدهیم
پس خدا تعالی فرستاد که ما كان للمشركين ان يعمروا
مساجد الله تا آخر آیه

هم خالدون ۞ انما يعمر مساجد الله من امن بالله واليوم

ايشان جاويدمند ۞ جز اين نيست كه عمارت ميكند مسجدهاي خدا را هركه ايمان آورد بخدا و روز

الاخر واقام الصلوة واتى الزكوة ولم يخش الا الله فعسى

قيامت و بپاي داشته باشد نماز را ۞ و بدهد زكوة را و نترسد مگر از خداي پس شايد

اولئك ان يكونوا من المهتدين ۞ اجعلتم سقاية الحاج و

آن گروه آنكه باشند از راه يافتگان ۞ آيا مي گردانيد سقايت اهل حاج را و

عمارة المسجد الحرام كمن امن بالله واليوم الاخر وجاهد في

عمارت مسجد الحرام را چون كسي ايمان آورد بخدا و روز آخر و جهاد كرد در

سبيل الله لا يستون عند الله والله لا يهدي القوم الظالمين

راه دين خدا برابر نيستند ايشان هر دو نزد خدا و خدا راه نمي نمايد گروه ستمكاران را

الذين امنوا وهاجروا وجاهدوا في سبيل الله باموالهم

آنانكه گرويدند و هجرت كردند و جهاد كردند در راه دين خدا بمالهاي خود

وانفسهم اعظم درجة عند الله واولئك هم الفائزون

و نفسهاي خود در مرتبه بزرگترند از روي مرتبه نزد خدا و آن گروه ايشانند رستگاران

يبشرهم ربهم برحمة منه ورضوان وجنت لهم فيها

مژده ميدهد ايشان را پروردگار ايشان برحمت نازل ازو و خشنودي ۞ و بهشتها مر ايشان راست در آن

نعيم مقيم ۞ خالدين فيها ابدا ان الله عنده اجر عظيم ۞

نعمتي دائم ۞ كه جاويد باشند در آن هميشه بدرستيكه خدا نزد اوست مزد بزرگ

يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا اباءكم واخوانكم اولياء ان

اي ۞ آنانكه گرويده ايد مگيريد ۞ پدران خود را و برادران خود را دوستان اگر

استحبوا الكفر على الايمان ومن يتولهم منكم فاولئك

دوست دارند ايشان كفر را بر ايمان ۞ و هركه دوست دارد ايشان را از شما پس آن گروه

هم الظالمون ۞ قل ان كان اباؤكم وابناؤكم واخوانكم

ايشانند ستمكاران ۞ بگو اگر باشد پدران شما ۞ و پسران شما و برادران شما

باتفاق علماي اهل سنت رضي الله عنهم و نقل اخبار از طاهرين
خصوصا كتب صحاح عامه اين آيه در شان امير المومنين
صلوات الله عليه نازل شده از آنجمله در طرف
عامه از بريده منقول است كه روزي از روزها شيبه
و عباس با يكديگر سخني در باب تفاخر ميكردند در
ميان آن شنيدند كه امير المومنين عليه السلام رسيد
پرسيد كه چه ميگوييد عباس گفت حقتعالي مرا فضيلتي
داده كه هيچ احدي را نداده مرا منصب ميرابي
سقايت حاج مرا فرا رسيده شيبه گفت مرا رسيده
والاي عمارت مسجد الحرام رسانيده آنحضرت فرمود
كه چيزي دارم كه از آن بتفاخر چيزي من داده است
خداي تعالي اين صغر سن كه شما دانسته ايد و رسيده
كه چه بود او شده يا علي فرمود اينكه شمشير بر سينه هاي
بزرگ شما زدم تا ايمان آوريد بخدا و رسول
پس عباس غضبناك برخاست و دامن كشان بنگاه
آنحضرت نزد رسول خدا صلي الله عليه و آله رفت
و عرضه داشت كه آيا نمي بيني كه بروي من علي
سخن درشتي ميگويد و حكايت شكايت آميز را
تقرير نمود آنحضرت فرمود كه علي را طلبيد چون
آنحضرت حاضر شد رسول خدا فرمود كه چه باعث
بود كه عم خود را آزرده كردي فرمود كه يا رسول الله
سخن حقي با وي گفتم خواه آزرده شود و خواه خشنود
پس جبرئيل آمد و عرض كرد كه اي محمد بحقيقت كه پروردگار
سلامت ميرساند و ميفرمايد براي ايشان بخوان اجعلتم
سقاية الحاج تا آخر آيات پس عباس سه مرتبه
فرمود كه بحقيقت ما راضي
شديم و در دو صنه

وازواجكم

وَاَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَاَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ

و زنان شما و خویشان شما و مالهائی که کسب کرده اید شما آن را و بازرگانی که می ترسید شما

كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا اَحَبَّ اِلَيْكُمْ مِنَ اللّٰهِ وَ

کساد آن را و مسکنها که می پسندید آن را دوست تر بسوی شما از خدا و

رَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتّٰى يَاْتِيَ اللّٰهُ بِاَمْرِهِ وَ

فرستاده او و جهاد کردن در راه خدا پس انتظار برید تا بیارد خدا عقوبت خود را و

اللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۞ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ

خدا راه ننماید گروه بدکاران را بتحقیق که یاری کرد شما را خدا

فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ اِذْ اَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ

در مواضع بسیار و روز جنگ حنین چون بعجب آورد شما را بسیاری شما

فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْـًٔا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْاَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ

پس دفع نکرد از شما چیزی را و تنگ شد بر شما زمین با فراخی آن

ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ ثُمَّ اَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِينَتَهُ عَلٰى رَسُولِهِ وَ

پس برگشتید از حرب گریزندگان پس فرستاد خدا آرام و سکون را بر فرستاده خود و

عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَاَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا

بر گروندگان و فرستاد لشکرها که ندیدید آن را و عذاب کرد آنان را که کافر شدند

وَذٰلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ۞ ثُمَّ يَتُوبُ اللّٰهُ مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ

و این پاداش کافران بود پس توبه می پذیرد خدا از بعد این

عَلٰى مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۞ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اِنَّمَا

بر هر که خواهد و خدا آمرزنده مهربانست ای آنانکه گرویده اید جز این نیست

الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هٰذَا

که مشرکان پلید اند پس نزدیک نشوند بمسجد الحرام بعد از این سال ایشان

وَاِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ اِنْ

و اگر بترسید از درویشی پس زود باشد که بی نیاز گرداند شما را خدا از فضل خود اگر

شاء ان الله عليم حكيم ۞ قاتلوا الذين لا يؤمنون بالله ولا

خواهد بدرستی که خدا دانای درست کردار است کارزار کنید با آنها که نگروند بخدا و نه

باليوم الآخر ولا يحرمون ما حرم الله ورسوله ولا يدينون دين

بروز قیامت وحرام نمیدارند آنچه حرام کرد خدا و پیغمبر او و نمی پذیرند دین

الحق من الذين اوتوا الكتاب حتى يعطوا الجزية عن يد و

حق را از آن جماعت که داده شده‌اند کتاب تا بدهند جزیه را از دست خود و

هم صاغرون ۞ وقالت اليهود عزير ابن الله وقالت النصارى

ایشان خوار باشند وگفتند ترسایان که عزیر پسر خداست و گفتند ترسایان

المسيح ابن الله ذلك قولهم بافواههم يضاهئون قول الذين

که عیسی پسر خداست این گفتار ایشانست بدهنهای ایشان مشابهی می‌سازند سخن خود را بسخن آنانکه

كفروا من قبل قاتلهم الله انى يؤفكون ۞ اتخذوا احبارهم

کافر شدند پیش از ایشان بکشد ایشان را خدا چگونه مصروف شده‌اند از حق بباطل گرفتند یهود علمای خود را

ورهبانهم اربابا من دون الله والمسيح ابن مريم وما امروا

و زاهدان خود را خدایان از غیر خدا و عیسی پسر مریم را و مامور نشدند

الا ليعبدوا الها واحدا لا اله الا هو سبحانه عما يشركون ۞

مگر آنکه بپرستند خدای یگانه را نیست خدائی مگر او پاکست او از آنچه با او شریک می‌سازند

يريدون ان يطفئوا نور الله بافواههم ويأبى الله الا ان يتم

میخواهند آنکه فرو نشانند نور خدا را بدهنهای خود و نمیخواهد خدا مگر آنکه تمام کند

نوره ولو كره الكافرون ۞ هو الذي ارسل رسوله بالهدى

دین روشن خود را و اگرچه کراهیت دارند کافران اوست آنکه فرستاد پیغمبر خود را براهنمائی

ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون ۞

و دین حق تا ظاهر گرداند بر همه دینها همه و اگرچه کراهیت دارند مشرکان

يا ايها الذين آمنوا ان كثيرا من الاحبار والرهبان

ای آنانکه گرویده‌اید بدرستی بسیاری از علمای یهود و زاهدان

از حضرت ابی جعفر و ابی عبدالله علیهما السلام مرویست که فرمودند بخدا سوگند که یهود و نصاری علمای خود را نپرستیدند لیکن از پیش خود علمای ایشان احکام وضع نمودند و ایشان بر وی آن احکام مستمر شدند پس من حیث لا یشعر علمای خود را پرستیده‌اند و این کلام از آنحضرت اشاره است بعبادت اهل خلاف علمای خود را حیث لا یشعر علمای ایشان هم از پیش خود حلال و حرام قرار میدهند و عوام ایشان متابعت آن احکام می‌کنند

از حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه مرویست که این اشاره است بخروج مهدی آل محمد صلوات الله علیهم که در آنوقت هیچ کافری نماند مگر آنکه اعتراف بنبوت محمد صلی الله علیه و آله نماید

لياكلون

نصف

لياكلون اموال الناس بالباطل ويصدون عن سبيل الله

هر آینه میخورند مالهای مردمان را بباطل و باز میدارند مردم را از راه دین خدا

والذين يكنزون الذهب والفضة ولا ينفقونها في سبيل

و آنانکه گنج و دفینه می کنند از طلا و نقره و نفقه نمیکنند آن گنجها را در راه

الله فبشرهم بعذاب اليم ۝ يوم يحمى عليها في نار جهنم فتكوى

خدا پس مژده ده ایشان را بعذاب دردناک روزیکه گرم کرده شود بر آن در آتش دوزخ پس داغ کنند

بها جباههم وجنوبهم وظهورهم هذا ما كنزتم لانفسكم

با آنها پیشانیهای ایشان را و پهلوهای ایشان را و پشتهای ایشان را گویند این است گنجهای شما برای نفسهای خود

فذوقوا ما كنتم تكنزون ۝ ان عدة الشهور عند الله اثنا

پس بچشید آنچه بودید که گنج و ذخیره میکردید بدرستیکه حساب ماهها نزد خداست دوازده

عشر شهرا في كتاب الله يوم خلق السموات والارض

ماه است در لوح محفوظ خدا روزیکه آفرید آسمانها و زمین را

منها اربعة حرم ذلك الدين القيم ۝ فلا تظلموا فيهن انفسكم

از آن دوازده چهار ماه حرام است این دوازده و حساب درست پس ستم مکنید در این چهار ماه نفسهای خود را

وقاتلوا المشركين كافة كما يقاتلونكم كافة واعلموا ان الله

و کارزار کنید با مشرکان همه چنانکه جنگ می کنند با شما همه و بدانید بدرستی که خدا

مع المتقين ۝ انما النسيء زيادة في الكفر يضل به الذين

با پرهیزکاران است جز این نیست که تاخیر حرمت ماهی بماه دیگر افزونی است در کفر گمراه می شوند بدان کافران

كفروا يحلونه عاما ويحرمونه عاما ليواطئوا عدة ما حرم

کافر شدند حلال می کنند نسی را یکسال و حرام می کنند یکسال تا موافق کنند شمار آنچه حرام کرده

الله فيحلوا ما حرم الله زين لهم سوء اعمالهم والله لا يهدي

خدا پس حلال می کنند آنچه حرام کرده خدا آراسته برای ایشان شیطان بدی کارها را و خدا راه نمی نماید

القوم الكافرين ۝ يا ايها الذين امنوا ما لكم اذا قيل

گروه کافران را ای آنانکه گرویدند چیست شما را چون گویند

لكم انفروا في سبيل الله اثاقلتم الى الارض ارضيتم بالحيوة

شما را که بیرون روید در راه خدا گرانی کنید بسوی زمین آیا راضی شده اید بزندگانی

الدنيا من الاخرة فما متاع الحيوة الدنيا في الاخرة الا قليل

دنیا از آخرت پس نیست برخورداری زندگانی دنیا در آخرت مگر اندکی

الا تنفروا يعذبكم عذابا اليما ويستبدل قوما غيركم

مگر اگر بیرون نروید عذاب کند شما را عذابی دردناک و بدل کند شما را بقومی غیر شما

ولا تضروه شيئا والله على كل شيء قدير الا تنصروه فقد

و زیان نتوانید رسانید او را چیزی و خدا بر همه چیز تواناست اگر نصرت ندهید پیغمبر خدا را پس بتحقیق که

نصره الله اذ اخرجه الذين كفروا ثاني اثنين اذ هما في الغار

نصرت داد پیغمبر را چون بیرون کردند او را آنانکه کافر بودند در حالی که دوم او و یکی او و ابوبکر در غار بودند

اذ يقول لصاحبه لا تحزن ان الله معنا فانزل الله سكينته

چون گفت پیغمبر مر یار غار را که اندوه مخور بدرستی که خدا با ماست پس فرستاد خدا آرام و سکون

عليه وايده بجنود لم تروها وجعل كلمة الذين كفروا

بر او و قوت داد پیغمبر را بلشکرها که ندیدید شما آنرا و گردانید کلمه آنان که کافر شدند

السفلى وكلمة الله هي العليا والله عزيز حكيم انفروا خفافا

فروتر و کلمه خدا آنست بلندتر و خدا غالب درست کار است بیرون روید سبکبار

وثقالا وجاهدوا باموالكم وانفسكم في سبيل الله

و سنگین بار و جهاد کنید با مالهای خود و نفسهای خود در راه خدا

ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون لو كان عرضا قريبا

این بهتر است برای شما اگر هستید که بدانید اگر بودی دعوت مال یا بی

وسفرا قاصدا لاتبعوك ولكن بعدت عليهم الشقة و

و سفری نزدیک هرآینه پیروی کنندی ترا ولیکن و دور شد برایشان که زحمت می کشند و

سيحلفون بالله لو استطعنا لخرجنا معكم يهلكون

زود باشد که سوگند خورند بخدا که اگر توانستیم هرآینه بیرون می آمدیم با شما هلاک میکنند

گویند
چون حضرت رسالت
پناهی متوجه تبوک بود جمعی از منافقان بهانها [illegible]

انفسهم

انفسهم والله يعلم انهم لكاذبون عفا الله عنك لم اذنت

خود هاشان را | خدا می داند | انکه ایشان دروغگو باشند | درگذرد خدا | از تو برای چه رخصت فرمودی

لهم حتى يتبين لك الذين صدقوا وتعلم الكاذبين

ایشان را | تا | روشن میشد | مر تو را | آنانکه راست گفتند | و میدانستی | دروغگویان را

لا يستاذنك الذين يؤمنون بالله واليوم الاخر ان يجاهدوا

رخصت نمی طلبند از تو | آنانکه | ایمان دارند | بخدا | و روز | قیامت | اینکه جهاد نمایند

باموالهم وانفسهم والله عليم بالمتقين انما يستاذنك

بذل مالهای خود | و خودشان | و خدا داناست | بپرهیزکاران | جز این نیست که رخصت میخواهند از تو

الذين لا يؤمنون بالله واليوم الاخر وارتابت قلوبهم فهم

آنانکه | ایمان ندارند | بخدا | و روز | رستخیز | و در شک افتاده | دلهاشان | پس ایشان

في ريبهم يترددون ولو ارادوا الخروج لاعدوا له عدة

در شک خود | سرگردان میگردند | و اگر اراده کردندی بیرون رفتن را | هر آینه آماده میکردندی برای خروج

ولكن كره الله انبعاثهم فثبطهم وقيل اقعدوا مع

سفر را | و لیکن کراهت داشت | خدا | برانگیختن ایشان را پس بازداشت ایشان را | و گفته شد | بنشینید | با

القاعدين لو خرجوا فيكم ما زادوكم الا خبالا ولا

نشستگان | اگر بیرون آمدندی در میان شما | نیفزودندی شما را | مگر تباهی | و

اوضعوا خلالكم يبغونكم الفتنة وفيكم سماعون

در میان شما | طلب میکردند شما را | فتنه | و در میان شما شنوندگانند

لهم والله عليم بالظالمين لقد ابتغوا الفتنة من قبل

مر ایشان را | و خدا داناست | بستمکاران | هر آینه طلبیدند | فتنه را | پیش از این

وقلبوا لك الامور حتى جاء الحق وظهر امر الله وهم كارهون

و گردانیدند | برای تو | کارها را | تا آنکه آمد | راستی | و غالب شد | امر خدا | و ایشان ناخواهندگان بودند

ومنهم من يقول ائذن لي ولا تفتني الا في الفتنة سقطوا

و از ایشان | کسی است که میگوید | رخصت ده مرا | و در فتنه میفکن مرا | آگاه باش که | در فتنه افتاده اند

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ۞ إِن تُصِبْكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ
و بدرستیکه دوزخ هر آینه فرا گیرنده است بکافران ۞ اگر برسد بتو خوبی اندوهگین شوند ایشان
وَإِن تُصِبْكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِن قَبْلُ وَ
و اگر برسد ترا ماتمی ۞ گویند بدرستی که گرفتیم ما کار خود را پیش از این و
يَتَوَلَّوا وَّهُمْ فَرِحُونَ ۞ قُل لَّن يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا
برگردند و ایشان شادمانانند ۞ بگو نرسد ما را مگر آنچه نوشته خدا برای ما
هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۞ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ
اوست ناصر ما و بر خدا پس باید توکل کنند گروندگان ۞ بگو آیا انتظار میبرید
بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَن يُصِيبَكُمُ
بما مگر یکی از دو نیکویی و ما انتظار میبریم بشما اینکه برساند شما را
اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِندِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُم
خدا عذابی از نزد خود یا بدستهای ما پس انتظار برید بدرستی ما با شما
مُّتَرَبِّصُونَ ۞ قُلْ أَنفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَّن يُتَقَبَّلَ مِنكُمْ
انتظار برندگانیم ۞ بگو اگر نفقه کنید از رغبت یا بکراهیت قبول کرده نخواهد شد از شما هرگز
إِنَّكُمْ كُنتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ ۞ وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقْبَلَ مِنْهُمْ
بدرستی که شما هستید گروهی بدکاران ۞ و باز نداشت ایشان را اینکه قبول کرده شود از ایشان
نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ
نفقه های ایشان مگر اینکه ایشان کافر شدند بخدا و بفرستاده او و نمی آیند
الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ ۞
بنماز مگر اینکه ایشان کاهلانند ۞ و نفقه نمیکنند مگر اینکه ایشان ناخوش دارندگانند
فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُم
پس باید تعجب نیاورد ترا مالهای ایشان و نه فرزندان ایشان جز این نیست که میخواهد خدا که عذاب کند ایشان را
بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ۞
با آنها در زندگانی دنیا ۞ و بیرون رود جانهای ایشان و ایشان کافرانند

استفهام
انکاریست و غرض
آنست که باید که بدانید که عاقبت کار در جهاد
یا شهادتست و فوز بنعیم اخروی یا ظفر و اخذ
غنیمت و بر یک نعمتی است عظیم
یکی از
حسنی غلبه و غنیمت و دیگر
شهادت و ثواب
دایم

ویحلفون

وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُم مِّنكُمْ وَلَٰكِنَّهُمْ قَوْمٌ
و سوگند میخورند بخدا که ایشان از جمله شمایند و نیستند ایشان از شما و لیکن ایشان گروهی اند که

يَفْرَقُونَ لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَغَارَاتٍ أَوْ مُدَّخَلًا لَّوَلَّوْا
می ترسند اگر بیابند پناهی یا غارها یا سوراخی روی کنند

إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ وَمِنْهُم مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ
بسوی آن و ایشان می شتابند و از منافقان کسی هست که عیب کند ترا در صدقات

فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِن لَّمْ يُعْطَوْا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ
پس اگر داده شوند از آن خشنود شوند و اگر داده نشوند از آن آنگاه ایشان خشم گیرند

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ
و اگر ایشان خشنود شوند بآنچه داد ایشانرا خدا و فرستاده او و گویند کافیست ما را خدا

سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ
زود باشد که بدهد ما را خدا از فضل خود و فرستاده او بدرستی که ما بسوی خدا رغبت کننده گانیم

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا
جز این نیست که زکوات مر درویشانراست و محتاجانراست و عمل کننده گانرا بر آن

وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ
و قومی که الفت کرده دلهای ایشان و آزاد کردن بندگان و وام داران و صرف کردن در راه خدا

وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ وَ
و راه گذاران بی مال فرض فرمودنی از خدا و خدا دانا و درست کار است

مِنْهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنُ خَيْرٍ
از منافقان آنانند که می آزارند پیغمبر را و میگویند که پیغمبر مردی خوش شنواست بگو او شنونده خیرات

لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا
برای شما میگرود بخدا و میگرود مر مؤمنان را و رحمت مر آنانرا که ایمان آوردند

مِنكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ يَحْلِفُونَ
از شما و آنانکه می آزارند پیغمبر خدا را مر ایشانراست عذاب دردناک قسم میخورند

بالله لكم ليرضوكم والله ورسوله احق ان يرضوه ان كانوا

بخدا برای شما | تا راضی کنند شما را | و خدا | و پیغمبر او سزاوارتر اند | آنکه | خشنود سازند اگر هستند

مؤمنين ۞ الم يعلموا انه من يحادد الله ورسوله فان له

گروندگان | آیا ندانسته اند | آنکه | هر که | خلاف کند با خدا و فرستاده او پس بدرستی که مر او راست

نار جهنم خالدا فيها ذلك الخزي العظيم ۞ يحذر المنافقون

آتش دوزخ | همیشه در آن باشد | آن | رسوائی بزرگست | حذر میکنند | منافقان

ان تنزل عليهم سورة تنبئهم بما في قلوبهم قل استهزءوا ان

اینکه فرود آید بر ایشان | سوره از قرآن که آگاه سازد | آنچه | در دلهاشانست | بگو استهزا کنید | بدرستی که

الله مخرج ما تحذرون ۞ ولئن سألتهم ليقولن انما كنا

خدا بیرون آورنده | چیزیست که حذر میکنید از آن | و اگر بپرسی ایشان را | اگر چه می گویند | جز این نیست که ما بودیم

نخوض ونلعب قل أبالله وآياته ورسوله كنتم تستهزءون

مشغول بقرآن و بازی میکردیم | بگو | بخدا و آیات او | و فرستاده او و بودید شما | که استهزا میکنید

لا تعتذروا قد كفرتم بعد ايمانكم ان نعف عن طائفة

عذر مگوئید | بدرستی که کافر شدید | بعد از | گرویدن شما | اگر عفو کنیم | از طایفه

منكم نعذب طائفة بانهم كانوا مجرمين ۞ المنافقون

از شما | عذاب میکنیم | طایفه دیگر را باینکه | هستند | گناهکاران | مردان منافق

والمنافقات بعضهم من بعض يأمرون بالمنكر وينهون

و زنان منافق | بعضی از ایشان | از بعضی | امر میکنند | بکار بد | و باز میدارند

عن المعروف ويقبضون ايديهم نسوا الله فنسيهم ان المنافقين

از نیکوئی مردم | و میگیرند از بخل | دستهای خود را | ترک کردند خدا را فراموش کرد | ایشان را بدرستی که منافقان

هم الفاسقون ۞ وعد الله المنافقين والمنافقات و

ایشان | فاسقانند | وعده کرد خدا | مردان منافق را | و زنان منافق را و

الكفار نار جهنم خالدين فيها هي حسبهم ولعنهم الله

کافران | در آتش دوزخ | جاوید باشند در آن | بس است ایشان را | و دور کرد ایشان را خدا

یعنی صدقه و انفاق نمیکنند بعلت بخل

و [illegible]

وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ ۝ كَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنكُمْ
و ایشان راست عذاب دایم همچنان آنانند که بودند پیش از شما که بودند سخت‌تر از شما

قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُم
از روی قوت و بیشتر بحسب مال و فرزندان پس بهره گرفتند بنصیب خویش همچنانکه بهره یافتند

بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُم بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ
بنصیب خویش همچنانکه بهره یافتند آنانکه بودند پیش از شما بهره خویش و شروع کردید

كَالَّذِي خَاضُوا أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
چنانکه شروع کردند آن گروه نابود گشت کردار ایشان در دنیا و آخرت

وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ
و آن گروه ایشان زیان کارانند آیا نیامد ایشان را خبر آنانکه پیش از ایشان بودند

قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَٰهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَ
قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و

الْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ
قوم موتفکات آمد ایشان را پیغمبر ایشان با معجزات پس نیست خدا

لِيَظْلِمَهُمْ وَلَٰكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ وَالْمُؤْمِنُونَ وَ
که ستم کند ایشان را ولیکن بودند که بر نفسهای خود ستم کردند و مردان مومن و

الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ
زنان مومنه بعضی ایشان دوستان بعضی اند امر کنند به نیکویی و

يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَوٰةَ
باز دارند از بدی و بپای میدارند نماز را و میدهند زکوة را

وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ
و فرمان میبرند خدا و فرستاده او را آن گروه زود باشد که رحم کند ایشان را خدا بدرستی که خدا

عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ
غالب درست کار است وعده کرد خدا گروندگان را و زنان گرونده را بوستانها





تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها ومساكن طيبة في

که میرود از زیر آنها نهرها که جاوید باشند در آن و جایگاه پاکیزه در

جنات عدن ورضوان من الله أكبر ذلك هو الفوز العظيم

بوستانهای با اقامت و خشنودی از خدا بزرگتر است این آن رستگاری بزرگست

يا أيها النبي جاهد الكفار والمنافقين واغلظ

ای پیغمبر جهاد کن با کفار و منافقان و درشت باش

عليهم ومأواهم جهنم وبئس المصير يحلفون بالله ما

بر ایشان و بازگشت ایشان دوزخست و بد بازگشتی است سوگند میخورند بخدا که

قالوا ولقد قالوا كلمة الكفر وكفروا بعد إسلامهم

نگفته اند و بتحقیق گفتند کلمه کفر را و کافر شدند بعد از اسلام ایشان

وهموا بما لم ينالوا وما نقموا إلا أن أغناهم الله و

و قصد کردند بآنچه نیافتند و کینه نداشتند مگر آنکه بی نیاز کرد ایشان را خدا و

رسوله من فضله فإن يتوبوا يك خيرا لهم وإن يتولوا

فرستاده او از فضل خود پس اگر توبه کنند آن توبه بهترست مر ایشان را و اگر برگردند

يعذبهم الله عذابا أليما في الدنيا والآخرة وما لهم في

عذاب کند ایشان را خدا عذابی دردناک در دنیا و آخرت و نیست مر ایشان را در

الأرض من ولي ولا نصير ومنهم من عاهد الله لئن

زمین هیچ دوستی و نه یاری دهنده و بعضی از ایشان کیست که عهد کرد با خدا که اگر

آتانا من فضله لنصدقن ولنكونن من الصالحين فلما

بدهد ما را از فضل خود هر آینه صدقه دهیم و باشیم از شایستگان پس آن هنگام که

آتاهم من فضله بخلوا به وتولوا وهم معرضون فأعقبهم

داد ایشان را از فضل خود بخل کردند بآن و روی گردانیدند و ایشان اعراض کنندگانند پس از پی در آورد ایشان را

نفاقا في قلوبهم إلى يوم يلقونه بما أخلفوا الله ما وعدوه

نفاقی در دلهای ایشان بسوی روزی که ملاقات کنند بسبب آنکه خلاف کردند بخدا آنچه وعده داده

فيما



وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ۝ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ

وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ۝ الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ

مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا

تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ

لَهُمْ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي

الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝ فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ

رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي

سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا

لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ۝ فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً

بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَىٰ طَائِفَةٍ مِنْهُمْ

فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ

تقاتلوا معي عدوا انكم رضيتم بالقعود اول مرة

جنگ نکنید در مصاحبت من دشمنی بدرستی که شما راضی شدید بنشستن اول مرتبه

فاقعدوا مع الخالفين ۝ ولا تصل على احد منهم مات ابدا

پس بنشینید با پس ماندگان و نماز مگذار بر هیچکس از ایشان که مرده باشد همه

ولا تقم على قبره انهم كفروا بالله ورسوله وماتوا وهم

و مایست بر سر قبر او بدرستی که ایشان کافر شدند بخدا و فرستاده او و مردند و ایشان

فاسقون ۝ ولا تعجبك اموالهم واولادهم انما يريد الله ان

بدکارانند و باید که بتعجب نیارد ترا مالهای ایشان و فرزندان ایشان جز این نیست که میخواهد خدا که

يعذبهم بها في الدنيا وتزهق انفسهم وهم كافرون ۝

عذاب کند ایشان را بآن در دنیا و بیرون رود جانهای ایشان و ایشان کافران باشند

واذا انزلت سورة ان امنوا بالله وجاهدوا مع رسوله

و چون فرستاده شود سوره که بگروید بخدا و جهاد کنید مصاحبت پیغمبر او

استاذنك اولوا الطول منهم وقالوا ذرنا نكن مع القاعدين

رخصت خواهند از تو خداوندان مال از ایشان و گویند بگذار ما را تا باشیم با نشستگان

رضوا بان يكونوا مع الخوالف وطبع على قلوبهم فهم لا

راضی شدند باینکه بوده باشند با زنان و کودکان و مهر نهاده شد بر دلهای ایشان پس ایشان

يفقهون ۝ لكن الرسول والذين امنوا معه جاهدوا باموالهم

فهم نمی کنند لیکن فرستاده خدا و آنانکه گرویده اند با او جهاد کردند بمالهای خود

وانفسهم واولئك لهم الخيرات واولئك هم المفلحون ۝

و بنفسهای خود و آن گروه مر ایشانراست خوبیها و آن گروه ایشانند رستگاران

اعد الله لهم جنات تجري من تحتها الانهار خالدين

آماده ساخت برای ایشان بهشتها که میرود از زیر آنها نهرها که جاوید باشند

فيها ذلك الفوز العظيم ۝ وجاء المعذرون من الاعراب

در آن این است فیروزی بزرگ و آمدند عذر گویندگان از اعراب

ليؤذن

ليؤذن لهم وقعد الذين كذبوا الله ورسوله سيصيب
تا رخصت داده شود وایشان از او نشستند آنانکه دروغ گفتند با خدا و فرستاده او زود باشد که برسد
الذين كفروا منهم عذاب اليم ۝ ليس على الضعفاء ولا
آنانرا که کافر شدند از ایشان عذاب دردناک نیست بر ناتوانان و نه
على المرضى ولا على الذين لا يجدون ما ينفقون حرج
بر بیماران و نه بر آنانکه نیابند چیزی را که نفقه کنند گناهی
اذا نصحوا لله ورسوله ما على المحسنين من سبيل والله
چون نیکخواهی نمایند خدا را و پیغمبر او را نیست بر نیکوکاران هیچ راه عتابی و خدا
غفور رحيم ۝ ولا على الذين اذا ما اتوك لتحملهم قلت
آمرزنده مهربان است و نه بر آنانکه چون آمدند تو را تا سوار کنی ایشان را گفتی
لا اجد ما احملكم عليه تولوا واعينهم تفيض من
نمی یابم چیزی را که سوار کنم شما را بر او و باز گشتند و چشمهای ایشان روان می شد از
الدمع حزنا الا يجدوا ما ينفقون ۝ انما السبيل على
اشک بجهت اندوه اینکه نمی یابند آنچه نفقه کنند جز این نیست که راه عتاب بر
الذين يستاذنونك وهم اغنياء رضوا بان يكونوا مع
آنان که رخصت میخواهند از تو و ایشان توانگرانند خشنود بودند باینکه بوده باشند با
الخوالف وطبع الله على قلوبهم فهم لا يعلمون ۝
زنان و کودکان و مهر نهاد خدا بر دلهای ایشان پس ایشان نمیدانند
يعتذرون اليكم اذا رجعتم اليهم قل لا تعتذروا
عذر خواهند آورد بسوی شما چون برگردید بسوی ایشان بگو عذر میاورید
لن نؤمن لكم قد نبانا الله من اخباركم وسيرى الله عملكم
هرگز باور نخواهیم داشت شما را بتحقیق که خبر داده است خدا از خبرهای شما و زود باشد که ببیند خدا کردار شما را
ورسوله ثم تردون الى عالم الغيب والشهادة فينبئكم
و فرستاده او پس بازگردانیده خواهید شد بسوی جزای دانای نهان و آشکار پس خبر دهد شما را

از ابو حمزه ثمالی منقول است که ایشان هفت نفر بودند سه نفر از بنی النجار عبد الرحمن بن کعب و عتبة بن زید و عمرو بن غنیمه و یک نفر از بنی عمرو بن عوف سالم بن عمیر و هرم بن عبد الله و عبد الله بن عمرو و یکی از مزینه عبد الله بن معقل بخدمت رسول خدا رفتند هنگام خروج آنحضرت بجهاد تبوک و عرضه داشتند که یا رسول الله تهیه ما نمای و ما را با خود ببر که ما هیچ نداریم آنحضرت فرمود که من هم هیچ ندارم ایشان بگریه آمدند از غایت اندوه

بما كنتم تعملون ۝ سيحلفون بالله لكم اذا انقلبتم اليهم
آنچه بودید که میکردید ۝ زود باشد که قسم میخورند بخدا برای شما چون بازگردید شما بسوی ایشان
لتعرضوا عنهم فاعرضوا عنهم انهم رجس وماويهم جهنم
تا اعراض کنید از ایشان پس اعراض کنید از ایشان بدرستی ایشان پلیدند وجای ایشان دوزخ است
جزاء بما كانوا يكسبون ۝ يحلفون لكم لترضوا عنهم فان
پاداش را بآنچه بودند که کسب میکردند ۝ قسم میخورند برای شما تا راضی شوید از ایشان پس اگر
ترضوا عنهم فان الله لا يرضى عن القوم الفاسقين ۝ الاعراب
راضی شوید از ایشان پس بدرستی که خدا راضی نمی شود از گروه بدکاران ۝ عربان بادیه
اشد كفرا ونفاقا واجدر الا يعلموا حدود ما انزل
سخت ترند کفر ۝ و نفاق را و سزاوارترند از آنکه ندانند اندازهای آنچه فرستاد
الله على رسوله والله عليم حكيم ۝ ومن الاعراب من يتخذ ما
خدا بر پیغمبر خود و خدا دانای درست کار است ۝ و از اعراب بادیه کیست که فرا میگیرد آنچه
ينفق مغرما ويتربص بكم الدوائر عليهم دائرة السوء والله
نفقه مینماید تاوانی و غرامتی و انتظار میبرد بشما گردشهای روزگار بر ایشان گردشهای بد روزگار و خدا
سميع عليم ۝ ومن الاعراب من يؤمن بالله واليوم الاخر و
شنوای داناست ۝ و از اعراب بادیه کسانی هستند که ایمان دارند بخدا و روز قیامت و
يتخذ ما ينفق قربات عند الله وصلوات الرسول الا انها
فرا میگیرد آنچه صدقه میدهند اسباب تقرب نزد خدا و سبب درودهای پیغمبر بدانید که نفقات سبب
قربة لهم سيدخلهم الله في رحمته ان الله غفور رحيم ۝
قربشان است زود باشد که داخل کند ایشانرا خدا در رحمت خود بدرستی که خدا آمرزنده مهربان است
والسابقون الاولون من المهاجرين والانصار والذين
و پیشی گیرندگان پیشینیان از مهاجران و انصار و آنانکه
اتبعوهم باحسان رضي الله عنهم ورضوا عنه واعد لهم
پیروی کردند ایشانرا بنکوئی خشنود گشت خدا از ایشان و خشنود گشتند از او و آماده کرد ایشانرا

علیهم دائرة السوء جمله دعائیه است برای نفرین بایشان

السابقون مبتدا و رضی الله عنهم خبر اوست باتفاق عامه و خاصه اول مومنان بآنحضرت صلی الله علیه و آله از مردان علی بن ابی طالب صلوات الله علیه و از زنان خدیجه بود رضی الله عنها لیکن عامه گویند چون علی علیه السلام در اول وقت خورد سال بود و بحد بلوغ نرسیده بود ایمانش اعتبار ندارد پس اول مومنین از مردان ابوبکر است

جنات تجري تحتها الانهار خالدين فيها ابدا ذلك

الفوز العظيم ۞ ومن حولكم من الاعراب منافقون ومن

اهل المدينة مردوا على النفاق لا تعلمهم نحن نعلمهم

سنعذبهم مرتين ثم يردون الى عذاب عظيم ۞ وآخرون

اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملا صالحا وآخر سيئا عسى الله

ان يتوب عليهم ان الله غفور رحيم ۞ خذ من اموالهم صدقة

تطهرهم وتزكيهم بها وصل عليهم ان صلوتك سكن

لهم والله سميع عليم ۞ الم يعلموا ان الله هو يقبل التوبة

عن عباده ويأخذ الصدقات وان الله هو التواب

الرحيم ۞ وقل اعملوا فسيرى الله عملكم ورسوله و

المؤمنون وستردون الى عالم الغيب والشهادة فينبئكم

بما كنتم تعملون ۞ وآخرون مرجون لامر الله اما يعذبهم

وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا

ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ

اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ

يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۝ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى

التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ

أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ ۝ أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ

تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ

هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ

قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ



والقرآن ومن أوفى بعهده من الله فاستبشروا ببيعكم
الذي بايعتم به وذلك هو الفوز العظيم ۝ التائبون العابدون
الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الآمرون
بالمعروف والناهون عن المنكر والحافظون لحدود
الله وبشر المؤمنين ۝ ما كان للنبي والذين آمنوا أن
يستغفروا للمشركين ولو كانوا أولي قربى من بعد ما تبين
لهم أنهم أصحاب الجحيم ۝ وما كان استغفار إبراهيم لأبيه
إلا عن موعدة وعدها إياه فلما تبين له أنه عدو لله تبرأ
منه إن إبراهيم لأواه حليم ۝ وما كان الله ليضل قوما بعد
إذ هداهم حتى يبين لهم ما يتقون إن الله بكل شيء عليم ۝
إن الله له ملك السماوات والأرض يحيي ويميت وما
لكم من دون الله من ولي ولا نصير ۝ لقد تاب الله







عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ
الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ
إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا حَتَّى إِذَا
ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ
وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ
اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا
مَعَ الصَّادِقِينَ ۝ مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ
مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ
عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ
مِنْ عَدُوٍّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ
أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۝ وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَ

يقطعون



يقطعون واديا الا كتب لهم ليجزيهم الله احسن ما كانوا
يعملون ۞ وما كان المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل
فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين ولينذروا قومهم
اذا رجعوا اليهم لعلهم يحذرون ۞ يا ايها الذين امنوا
قاتلوا الذين يلونكم من الكفار وليجدوا فيكم غلظة
واعلموا ان الله مع المتقين ۞ واذا ما انزلت سورة فمنهم
من يقول ايكم زادته هذه ايمانا فاما الذين امنوا فزادتهم
ايمانا وهم يستبشرون ۞ واما الذين في قلوبهم مرض فزادتهم
رجسا الى رجسهم وماتوا وهم كافرون ۞ اولا يرون انهم
يفتنون في كل عام مرة او مرتين ثم لا يتوبون ولا هم
يذكرون ۞ واذا ما انزلت سورة نظر بعضهم الى بعض هل
يريكم من احد ثم انصرفوا صرف الله قلوبهم بانهم

قوم لا يفقهون ۝ لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه
گروهی اند که نمی یابند ۝ بتحقیق که آمد شما را ۝ پیغمبری ۝ از جنس شما ۝ دشوار است بر او

ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رءوف رحيم ۝ فان تولوا
آنچه در رنج افتید ۝ حریص است ۝ بر اسلام شما ۝ و بگروندگان ۝ مهربان بخشاینده است ۝ پس اگر برگردند

فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب
پس بگو که ۝ بس است مرا ۝ خدا ۝ نیست خدائی ۝ مگر ۝ او ۝ بر او ۝ توکل کردم ۝ و اوست پروردگار

العرش ۝ سورة يونس مائة وتسع آيات مكية ۝ العظيم ۝
عرش ۝ بزرگ

بسم الله الرحمن الرحيم ۝
بنام ۝ خداوند بخشاینده مهربان

الر تلك آيات الكتاب الحكيم ۝ اكان للناس عجبا ان اوحينا
منم خدای بخشاینده این سوره آیتهای قرآنست که مشتمل است حکمت ۝ آیا هست مردمان را ۝ عجبی ۝ اینکه وحی کردیم

الى رجل منهم ان انذر الناس وبشر الذين آمنوا ان لهم قدم
بسوی مردی که از ایشانست ۝ اینکه بترسان ۝ مردم را ۝ و مژده ده آنان را که ایمان آورده اند اینکه مر ایشانراست سابقه

صدق عند ربهم قال الكافرون ان هذا لساحر مبين
براستی ۝ نزد پروردگارشان ۝ گفتند ۝ کافران ۝ بدرستیکه این مرد جادوئیست آشکار

ان ربكم الله الذي خلق السموات والارض في ستة ايام
بدرستی که پروردگار شما خدائی است که ۝ آفرید آسمانها ۝ و ۝ زمین را ۝ در ۝ شش ۝ روز

ثم استوى على العرش يدبر الامر ما من شفيع الا من بعد
پس ۝ مستولی شد ۝ بر آفریدن عرش تدبیر میکند بامر کاینات را نیست هیچ شفاعت کننده ۝ مگر ۝ پس از

اذنه ذلكم الله ربكم فاعبدوه افلا تذكرون ۝ اليه
رخصت دادن شما را ۝ خدا که پروردگار شماست پس بپرستید او را آیا پس یاد نمی کنید ۝ بسوی اوست

مرجعكم جميعا وعد الله حقا انه يبدؤا الخلق ثم يعيده
بازگشت شما ۝ همه بموت ونشور وعده داد خدا وعده راست بدرستی که خدا اول آفرید خلق را پس میراند و زنده کند

از حضرت ابی عبد الله علیه السلام مرویست که هر که سوره یونس را در هر دو ماه یکنوبت بخواند ایمن است از اینکه از جمله جاهلین باشد در روز قیامت از مقربان درگاه الهی است

سابقه قدم از آن گویند که که پیش تقدم می باشد و مراد از آن کردارهای نیکست یا شفاعت شفیع روز محشر

لیجزی الذین امنوا وعملوا الصالحات بالقسط والذین کفروا

لهم شراب من حمیم وعذاب الیم بما کانوا یکفرون

هو الذی جعل الشمس ضیاء والقمر نورا وقدره منازل

لتعلموا عدد السنین والحساب ما خلق الله ذلک الا

بالحق یفصل الایات لقوم یعلمون ان فی اختلاف

اللیل والنهار وما خلق الله فی السموات والارض

لایات لقوم یتقون ان الذین لا یرجون لقاءنا ورضوا

بالحیوة الدنیا واطمانوا بها والذین هم عن ایاتنا غافلون

اولئک ماویهم النار بما کانوا یکسبون ان الذین امنوا

وعملوا الصالحات یهدیهم ربهم بایمانهم تجری من

تحتهم الانهار فی جنات النعیم دعویهم فیها سبحانک

اللهم وتحیتهم فیها سلام واخر دعویهم ان الحمد لله



ربّ العالمين ۝ ولو يعجل الله للناس الشرّ استعجالهم
کپروردگار جهانیانست ۝ واگر تعجیل کند خدا برای مردمان دعای بد را همچون تعجیل ایشان
بالخير لقضي اليهم اجلهم فنذر الذين لا يرجون لقاءنا
به دعای خیر هرآینه گذارده شود وایشان را اجل ایشان پس میگذاریم آنان را که امید ندارند برسیدن ثواب ما
في طغيانهم يعمهون ۝ واذا مسّ الانسان الضرّ دعانا
در گمراهی ایشان سرگردان ۝ وچون برسد بآدمی سختی ورنجی بخواند ما را
لجنبه او قاعدا او قائما فلما كشفنا عنه ضرّه مرّ كان
حالیکه تکیه کرده یا نشسته باشد یا ایستاده باشد پس چون برداریم از او رنج او را برود و بگذرد گویا که
لم يدعنا الى ضرّ مسّه كذلك زيّن للمسرفين ما كانوا
که او نخوانده باشد که با او رسیده باشد ضرری همچنین ۝ زینت داده شیطان برای اسراف کاران آنچه میبودند
يعملون ۝ ولقد اهلكنا القرون من قبلكم لما ظلموا و
که میکنند ۝ و بدرستی که هلاک کردیم ما اهل قرنها را پیش از شما که ستم کردند و
جاءتهم رسلهم بالبيّنات وما كانوا ليؤمنوا كذلك نجزي
آمد ایشان را پیغمبران بحجتهای روشن و نبودند که ایمان آورند همچنین جزا میدهیم
القوم المجرمين ۝ ثم جعلناكم خلائف في الارض من
گروه گناهکاران را ۝ پس گردانیدیم شما را جانشین ها در زمین از
بعدهم لننظر كيف تعملون ۝ واذا تتلى عليهم آياتنا
پس ایشان تا بنگریم که چگونه عمل میکنید ۝ وچون خوانده شود برایشان آیتهای ما
بيّنات قال الذين لا يرجون لقاءنا ائت بقرآن غير هذا او
که روشن است گفتند آنانکه امید ندارند برسیدن ثواب وعقاب ما بیار قرآنی غیر این یا
بدّله قل ما يكون لي ان ابدّله من تلقاء نفسي ان اتّبع الا
بدل کن او را بگو نیست مرا که تبدیل کنم قرآن را از پیش نفس خود و متابعت نمیکنم مگر
ما يوحى اليّ انّي اخاف ان عصيت ربّي عذاب يوم عظيم
آنچه را که وحی شود بمن بدرستی که من میترسم اگر عاصی شوم از پروردگار خود عذاب روز بزرگ

فنذر
معطوفست بر مقدری
گویا گفت شده و لکن لا نعجل ولا نقضی
فنذر وغرض آنست که از باب استدراج ایشان را
باقی گذاشتیم و بر خطایای ایشان اگر قیم
نعوذ بالله من غضب الله

قل

عمر
چهل سالی است که
آنحضرت مبعوث گردیده

یعنی
چون حقتعالی مقدر کرده
و فرموده که جزای گردن کاران در آخرت
باشد و در دنیا مؤاخذه نمیاید مجرمان و گناهکاران
زنده گذاشته و اگر چنین نبودی هر آینه
بعقوبات گناهکاران
هلاک ساختی

قل لو شاء الله ما تلوته عليكم ولا ادريكم به فقد لبثت
بگو اگر خواستی خدا نخواندمی قرآن را بر شما و نه شما را دانا کردی خدا بقرآن پس بتحقیق درنگ
فيكم عمرا من قبله افلا تعقلون فمن اظلم ممن افترى
کردم در میان شما عمر دراز پیش از قرآن آیا پس خرد استعمال نمی کنید پس کیست ستمکارتر از کسی که بنهد
على الله كذبا او كذب باياته انه لا يفلح المجرمون
بر خدا دروغی یا تکذیب کند آیتهای او را بدرستی که رستگار نشوند گناهکاران
ويعبدون من دون الله ما لا يضرهم ولا ينفعهم ويقولون
و می پرستند فرا از خدا آنچه را که ضرر نرساند ایشان را و نه نفع رساند ایشان را و میگویند
هؤلاء شفعاؤنا عند الله قل اتنبئون الله بما لا يعلم في
این بتان شفیعان ما اند نزد خدا بگو آیا خبر میکنید خدا را بآنچه نمیداند خدا در
السموات ولا في الارض سبحانه وتعالى عما يشركون وما
آسمانها و نه در زمین پاکست و بلندست از آنچه او را شریک میدهند و
كان الناس الا امة واحدة فاختلفوا ولولا كلمة سبقت
نبودند آدمیان مگر امتی یگانه پس اختلاف کردند و اگر نه کلمه ایست که پیشی گرفته
من ربك لقضي بينهم فيما فيه يختلفون ويقولون لولا
از پروردگار تو هرآینه حکم کرده شدی میان ایشان در آنچه در آن اختلاف می کنند و میگویند چرا
انزل عليه اية من ربه فقل انما الغيب لله فانتظروا اني
فرستاده نشد بر او معجزه از پروردگار او پس بگو جز این نیست که علم غیب مر خدا راست پس انتظار برید بدرستی که من
معكم من المنتظرين واذا اذقنا الناس رحمة من بعد
با شما از منتظرانم و چون بچشانیم ما مردم را فراخی از پس
ضراء مستهم اذا لهم مكر في اياتنا قل الله اسرع مكرا
سختی که رسیده باشد ایشان را چون مکری مر ایشان را در آیتهای ما بگو خدا اسرع بعقوبت است در جزای مکر
ان رسلنا يكتبون ما تمكرون هو الذي يسيركم في
بدرستیکه فرستادگان ما می نویسند آنچه می اندیشند او [illegible] آنکه بقدرت سیر میدهد شما را در

البر والبحر حتى اذا كنتم في الفلك وجرين بهم بريح طيبة
خشکی و دریا تا چون باشید شما در کشتی و روان شوند ایشان بادی خوش
وفرحوا بها جاءتها ريح عاصف وجاءهم الموج من كل
و شاد شوند بآن ناگاه بیاید بادی سخت و آید ایشان را موج دریا از هر
مكان وظنوا انهم احيط بهم دعوا الله مخلصين له الدين
جا و گمان کنند که ایشان فرو گرفته شده اند ببلا بخوانند خدا را در حالی که خالص کنند برای او دین
لئن انجيتنا من هذه لنكونن من الشاكرين فلما انجيهم
اگر نجات دهی ما را از این هر آینه باشیم از شکرگذاران پس چون نجات داد ایشان را
اذا هم يبغون في الارض بغير الحق يا ايها الناس انما بغيكم
ناگاه ایشان ستم کنند در زمین بناحق ای مردمان جز این نیست که فساد شما
على انفسكم متاع الحيوة الدنيا ثم الينا مرجعكم فننبئكم
بر نفسهای شماست برخورداری از زندگانی دنیا پس بسوی ماست بازگشت شما پس خبر کنیم شما را
بما كنتم تعملون انما مثل الحيوة الدنيا كماء انزلناه
بآنچه بودید که میکردید جز این نیست که مانند زندگانی دنیا مانند آبی است که فرستادیم آن را
من السماء فاختلط به نبات الارض مما ياكل الناس و
از آسمان پس آمیخت بآن گیاه رسته از زمین از آنچه میخورند مردم و
الانعام حتى اذا اخذت الارض زخرفها وازينت وظن
آنچه میخورند چهارپایان تا وقتیکه فرو گرفت زمین پیرایه خود را و آراسته شد و گمان بردند
اهلها انهم قادرون عليها اتيها امرنا ليلا او نهارا
اهل آن زمین که ایشان توانا هستند بر آن ناگاه آمد بآن زمین عذاب ما شب یا روز
فجعلناها حصيدا كان لم تغن بالامس كذلك
پس گردانیدیم شبیه بدرو دیده گویا که هرگز نبود در زمان متقدم همچنان
نفصل الايات لقوم يتفكرون والله يدعوا الى دار
مشروح میکردانیم نشانهای قدرت خود را برای گروهی که فکر می کنند و خدا میخواند کافرا بسوی سرای

متاع
الحیوة الدنیا
بنا بر قرائت نصب چنانکه حفص
خوانده مفعول فعل محذوف و باین تقدیر است
که تمتعون المتاع الحیوة الدنیا و بنا بر قرائت
رفع خبر مبتدا محذوف و بر این تقدیر است که ذلک
متاع الحیوة الدنیا و وجوه دیگر هم
گفته اند والله تعالی
یعلم

لفظ
امس کنایه از زمان
نزدیک بزمان حاضر است
و این کنایه در کلام بلغا شایع است

السلام

السلام ويهدي من يشاء الى صراط مستقيم ۝ للذين

سلامت و راه مینماید هرکرا میخواهد بسوی راه راست مرآنانرا که

احسنوا الحسنى وزيادة ولا يرهق وجوههم قتر ولا

نیکوئی کرده اند نیکوئی ایمان و زیاده است و نپوشاند روهای ایشانرا غباری و نه

ذلة اولئك اصحاب الجنة هم فيها خالدون ۝ والذين

خواری آن گروه یاران بهشتند ایشان در بهشت جاویدانند و آنانکه

كسبوا السيئات جزاء سيئة بمثلها وترهقهم ذلة

کسب کردند بدیهارا پاداش بدیست مانند آن و بپوشاند ایشانرا خواری

ما لهم من الله من عاصم كانما اغشيت وجوههم قطعا

نباشد مرایشانرا از خدا هیچ نگاهدارنده گویا پوشیده شده روهای ایشانرا پارها

من الليل مظلما اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون

از شب در حالیکه تاریک بود آن گروه یاران آتشند ایشان در آن جاویدانند

ويوم نحشرهم جميعا ثم نقول للذين اشركوا مكانكم

و یاد کن روزی که برانگیزانیم ایشانرا از همه پس گوییم مرآنانرا که شرک آوردند بایستید برجای شما

انتم وشركاؤكم فزيلنا بينهم وقال شركاؤهم ما كنتم

و شریکان شما پس جدا کنیم میان ایشان و گویند شرکا و بتان ایشان که نبودید شما

ايانا تعبدون ۝ فكفى بالله شهيدا بيننا وبينكم ان

که مارا می پرستیدید پس کافیست خدا گواه میان ما و میان شما اگر

كنا عن عبادتكم لغافلين ۝ هنالك تبلوا كل نفس ما اسلفت

بودیم ما از پرستش شما بیخبران در آن مقام باز یابد هر نفسی آنچه پیش فرستاده

وردوا الى الله مولاهم الحق وضل عنهم ما كانوا يفترون

و باز گردانیده شوند بسوی خدا که متولی ایشانست براستی و گم کرده ازیشان آنچه بودند که دروغ می بستند

قل من يرزقكم من السماء والارض امن يملك السمع

بگو کیست که روزی می دهد شمارا از آسمان و زمین چون آیا کیست که خداوندی کند

اشارت
بسیاهی روی کافران
چنانکه در کریمه ویوم القیمة تری الذین
کذبوا علی الله وجوههم مسودة وارد شده
تصریح باین است

وَالْاَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ

و چشم را و کسی که بیرون می آورد زنده را از مرده و بیرون می آورد مرده را از زنده

وَمَنْ يُدَبِّرُ الْاَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللّٰهُ فَقُلْ اَفَلَا تَتَّقُونَ فَذٰلِكُمُ

و کیست که تدبیر کند کار عالم را پس گویند که این خداست پس بگو آیا پس نمی ترسید پس آن کس شما را

اللّٰهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ اِلَّا الضَّلَالُ فَاَنّٰى تُصْرَفُونَ

خداست پروردگار شما بحق پس چه چیز است بعد از راستی مگر گمراهی پس کجا گردانیده میشوید

كَذٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا اَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

همچنین سزاوار است فرمان پروردگار تو بر آنانکه کار بد کردند بدرستی ایشان ایمان نمی آرند

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ

بگو آیا هست از شریکان شما کسی که اول بیافریند خلق را پس اعاده کند بگو

اللّٰهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَاَنّٰى تُؤْفَكُونَ قُلْ هَلْ مِنْ

خدا آغاز کند آفرینش خلق پس اعاده کند پس از کجا مصروف میشوید بگو آیا هست از

شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي اِلَى الْحَقِّ قُلِ اللّٰهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ اَفَمَنْ

شریکان شما که باشند کسی که راه نماید بسوی حق بگو خدا راه مینماید مر حق را آیا پس آنکه

يَهْدِي اِلَى الْحَقِّ اَحَقُّ اَنْ يُتَّبَعَ اَمَّنْ لَا يَهِدِّي اِلَّا اَنْ يُهْدٰى

راه نماید بسوی حق سزاوارتر است که پیروی کرده شود یا آنکه راه نیابد مگر آنکه راه نموده شود

فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ وَمَا يَتَّبِعُ اَكْثَرُهُمْ اِلَّا ظَنًّا اِنَّ

پس چیست مر شما را چگونه حکم کنید و پیروی نمیکنند بیشتر ایشان مگر گمانی فاسد را بدرستیکه

الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ

گمان بی نیاز نگرداند کسی را از حق چیزی بدرستی که خدا داناست بآنچه می کنند

وَمَا كَانَ هٰذَا الْقُرْاٰنُ اَنْ يُفْتَرٰى مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلٰكِنْ

و نشده این قرآن این که بر بافته شود از غیر خدا و لیکن

تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ

تصدیق آنچه بود پیش روی او و بیان آنچه نوشته شد بر شما نیست شکی در آن

ام

این تفسیر
بنابر آنست که انهم
لا یؤمنون بدل باشد از کلمة ربک جهة
بیان حکم چنانچه بعضی از مفسرین گفته اند و
بقول بعضی علت است برای حقت بتقدیر حرف
جر و گویا گفته که انهم لا
یؤمنون

خلاصه
مضمون این آیه این که
این کتاب دروغی نیست که از
غیر خدا تعالی صادر شده باشد بلکه حق است
و بوحی الهی آمده و مصدق
کتابهای پیش است و
بیان کننده احکام
خداست

مِن رَبِّ العالَمِينَ ۞ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ

از پروردگار جهانیان ۞ یا میگویند که بر بافته قرآن را بگو پس بیارید سوره مانند آن

وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۞

و بخوانید هر کرا توانید از غیر خدا اگر هستید راستگویان ۞

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَٰلِكَ

بلکه تکذیب کردند آنچه را فرا نرسیدند بعلم آن ۞ و هنوز نیامده ایشانرا معنی قرآن همچنان

كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ۞

تکذیب کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس بنگر که چگونه بود عاقبت ستمکاران ۞

وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ ۞

و از ایشان کسی هست که ایمان دارد باو و از ایشان کسی هست که ایمان نمی آرد باو و پروردگار تو داناتر است به بدکاران ۞

وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا

و اگر تکذیب کنند ترا پس بگو که مراست جزای عمل و مر شما راست جزای عمل شما شما بیزارید از آنچه

أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ۞ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ

من میکنم و من بیزارم از آنچه می کنید ۞ و از ایشان کسی هست که گوش میدارد بسوی تو آیا پس تو

تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ ۞ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ

میشنوانی کران را و اگرچه هستند که در نمی یابند ۞ و از ایشان کیست که نظر کند بسوی تو

أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ ۞ إِنَّ اللَّهَ لَا

آیا پس تو راه مینمائی کوران را و اگرچه هستند که نمی بینند ۞ بدرستی که خدا

يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَٰكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۞ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ

ستم نمیکند مردمان را هیچ چیز و لیکن مردم بر خودشان ستم میکنند ۞ و روزی که جمع کنیم کافران را

كَأَنْ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ

گویا که درنگ نکرده اند مگر ساعتی اندک از روز آشنائی دهند باهم میان ایشان بتحقیق

خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ۞ وَإِمَّا

زیان کردند آنانکه تکذیب نمودند برسیدن جزای خدا و نبودند راه یافتگان ۞ و اگر

نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ

اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ ۞ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا

جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۞ وَيَقُولُونَ

مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۞ قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي

ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ

أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ۞ قُلْ

أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ

الْمُجْرِمُونَ ۞ أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ آلْآنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ

تَسْتَعْجِلُونَ ۞ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ

تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ۞ وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقٌّ هُوَ قُلْ إِي

وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ۞ وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ

مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ

وقضي بينهم بالقسط وهم لا يظلمون ۝ الا ان لله ما في السموات

والارض الا ان وعد الله حق ولكن اكثرهم لا يعلمون ۝

هو يحيي ويميت واليه ترجعون ۝ يا ايها الناس قد جاءتكم

موعظة من ربكم وشفاء لما في الصدور ۝ وهدى

ورحمة للمؤمنين ۝ قل بفضل الله وبرحمته فبذلك فليفرحوا

هو خير مما يجمعون ۝ قل ارايتم ما انزل الله لكم من رزق

فجعلتم منه حراما وحلالا قل آلله اذن لكم ام على الله تفترون

وما ظن الذين يفترون على الله الكذب يوم القيمة ان

الله لذو فضل على الناس ولكن اكثرهم لا يشكرون ۝

وما تكون في شان وما تتلوا منه من قران ولا تعملون

من عمل الا كنا عليكم شهودا اذ تفيضون فيه وما يعزب

عن ربك من مثقال ذرة في الارض ولا في السماء ولا

اصغر من ذلك ولا اكبر الا في كتاب مبين ۝ الا ان

خُردتر از مورچه و نه بزرگتر مگر که در کتاب روشنست بدانید براستی که

اولياء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۝ الذين امنوا و

دوستان خدا را نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهگین می‌شوند کسانی که گرویدند و

كانوا يتقون ۝ لهم البشرى في الحيوة الدنيا وفي الاخرة

بودند که پرهیز میکردند مر ایشان راست مژده در زندگانی دنیا و در آخرت

لا تبديل لكلمات الله ذلك هو الفوز العظيم ۝ ولا

نیست بدل کردنی مر سخنان خدا را این بشارت آن رستگاری بزرگست و باید

يحزنك قولهم ان العزة لله جميعا هو السميع العليم ۝ الا ان

که غمگین نکند ترا گفتار ایشان بدرستی غلبه مر خدا راست همه اوست شنوای دانا بدانید بدرستی که

لله من في السموات ومن في الارض وما يتبع الذين يدعون

مر خدا راست هر که در آسمانها و هر که در زمینست و چه چیز را متابعت میکنند آنانکه میخوانند

من دون الله شركاء ان يتبعون الا الظن وان هم الا

از غیر خدا انبازان پیروی میکنند مگر گمان را و نیستند ایشان مگر

يخرصون ۝ هو الذي جعل لكم الليل لتسكنوا فيه

دروغ میگویند اوست آنکه گردانید برای شما شب را تا بیارامید در آن

والنهار مبصرا ان في ذلك لايات لقوم يسمعون ۝ قالوا

و روز را روشن بدرستی که در این هر آینه نشانهاست مر گروهی را که میشنوند گفتند که

اتخذ الله ولدا سبحانه هو الغني له ما في السموات وما في

فرا گرفت خدا فرزندی پاکست خدا او است بی نیاز مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در

الارض ان عندكم من سلطان بهذا اتقولون على الله

زمینست نیست نزد شما هیچ حجتی بر آن قول آیا میگوئید بر خدا

ما لا تعلمون ۝ قل ان الذين يفترون على الله الكذب

آنچه نمیدانید بگو بدرستی که آنانکه می‌بندند بر خدا دروغ

لا یفلحون

عقبة
بن خالد از
حضرت ابی عبد الله علیه
السلام روایت کرده که فرمود یا عقبه خداوند
قبول نمیکند در روز قیامت از بندگان خود جز این
دینی که شما دارید و حایلی نیست میان شما و
میان دیدن چیزی از احوال آخرت که باعث
سرور و چشم روشنی شما باشد مگر آنکه روح شما باینجا
رسد و اشاره برگ گردن مبارک خود فرمود
پس فرمود که این در کتاب الهی مذکور است
خوانده اند که الذین آمنوا وکانوا یتقون لهم البشری
فی الحیوة الدنیا و از حضرت ابو جعفر علیه السلام
منقول است که چون مومن از قبر برآید بشت را
با وی نمایند و فرشتگان باستقبال او آمده
لحظه بلحظه بشارت بازو میدهند با و تا آنکه داخل
شود اللهم ارزقنا
بجاه محمد

حزب

لا يفلحون ۝ متاع في الدنيا ثم الينا مرجعهم ثم نذيقهم

رستگار نمیشوند ۝ برخورداری در دنیا پس بسوی ماست بازگشت ایشان پس میچشانیم ایشان را

العذاب الشديد بما كانوا يكفرون ۝ واتل عليهم

عذاب سخت بسبب آنچه بودند که کفر می ورزیدند ۝ و بخوان بر ایشان

نبأ نوح اذ قال لقومه يا قوم ان كان كبر عليكم مقامي

خبر نوح را چون گفت مر گروه خود را ای گروه من اگر هست بزرگ بر شما مقام من

وتذكيري بايات الله فعلى الله توكلت فاجمعوا امركم

و پند دادن من بنشانهای خدا پس بر خدا توکل کردم پس جمع کنید امر خود را

وشركاءكم ثم لا يكن امركم عليكم غمة ثم اقضوا

و شریکان خود را پس باید نباشد امر شما بر شما پوشیده پس ادا کنید

الي ولا تنظرون ۝ فان توليتم فما سألتكم من اجر ان اجري

بمن آنچه خواهید و مهلت مدهید مرا ۝ پس اگر روی بگردانید پس نخواستم از شما هیچ مزدی نیست مزد من

الا على الله وامرت ان اكون من المسلمين ۝ فكذبوه فنجيناه

مگر بر خدا و مامورم من که بوده باشم از گردن نهندگان ۝ پس تکذیب کردند پس نجات دادیم او را

ومن معه في الفلك وجعلناهم خلائف واغرقنا الذين

و کسی را که با اوست در کشتی و گردانیدیم ایشان را جانشینان و غرق کردیم آنانرا که

كذبوا باياتنا فانظر كيف كان عاقبة المنذرين ۝ ثم

تکذیب کردند بنشانهای ما پس بنگر چگونه بود سرانجام بیم کرده شدگان ۝ پس

بعثنا من بعده رسلا الى قومهم فجاءوهم بالبينات فما

برانگیختیم از بعد نوح پیغمبران بسوی قوم ایشان پس آمدند ایشانرا با معجزهای روشن پس

كانوا ليؤمنوا بما كذبوا به من قبل كذلك نطبع على

نبودند که ایمان آورند بآنچه تکذیب کرده بودند آنرا پیش از این همچنین مهر مینهیم بر

قلوب المعتدين ۝ ثم بعثنا من بعدهم موسى وهرون

دلهای از حد درگذرندگان ۝ پس برانگیختیم از بعد ایشان موسی و هرون

اجماع
در اینجا بمعنی عزم است
میگویند اجمعت الامر و اجمعت علیه
و جمعت الامر بمعنی عزمت علیه و شرکاءکم
مفعول معه است و غمة چیز پوشیده و پنهان را
گویند میگویند غم الهلال هرگاه در زیر ابر پوشیده
شود و اقضوا الی یعنی ادوا الی و انظار یعنی
امهال است و خلاصه مضمون آیه اینست که اگر گران
است در میان شما و پند و نصیحت کردن من شما را
بر شما گران است و اراده اخراج یا قتل من دارید
من توکل بر خدا کرده ام و مرا کسی ضرر نمیتواند
رسانید پس شما عزم خود را در باب آزار من
جزم کنید و شریکان خود را هم بدین طلب [illegible]
[illegible]

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَائِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ

بسوی فرعون و اشراف قوم او با معجزات ما پس گردنکشی کردند و بودند ایشان گروهی گناهکاران

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَٰذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ ۞ قَالَ

پس چون آمد ایشان را سخن راست از نزد ما گفتند بدرستی که این هر آینه جادوییست ظاهر گفت

مُوسَىٰ أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَٰذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ

موسی آیا میگویید مر سخن راست را که آمد از حق بشما آیا سحر است این و رستگار نشوند جادوان

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا

گفتند آیا آمده ما را تا بگردانی ما را از آنچه یافته ایم بر آن پدران خود را و باشد از برای شما

الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ ۞ وَقَالَ

بزرگی و پادشاهی در زمین و نیستیم ما مر شما را تصدیق کنندگان و گفت

فِرْعَوْنُ ائْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ۞ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ

فرعون بیارید بسوی من همه جادوی دانا پس چون آمدند جادوگران گفت مر ایشان را موسی

أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ۞ فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ

بیندازید آنچه شما می اندازید پس چون انداختند گفت موسی آنچه آورده اید شما آن جادو است

إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ۞ وَيُحِقُّ اللَّهُ

بدرستی که خدا زود باطل کند آن را بدرستی که خدا اصلاح نمی کند کار بدکاران را و ثابت کند حق را

الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ۞ فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ

حق را بسخنان خود و اگر چه کراهت دارند گناهکاران پس ایمان نیاوردند مر موسی را مگر فرزندان

مِنْ قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ

از قوم او با وجود ترس از فرعون اشراف قوم ایشان اینکه عذاب کند ایشان را و بدرستی که

فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ ۞ وَقَالَ مُوسَىٰ

بود فرعون هر آینه متکبر است در زمین و بدرستی که او از اسراف کنندگانست و گفت موسی

يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ

ای گروه اگر هستید شما گروندگان بخدا پس بر او توکل کنید اگر هستید گردن نهندگان

فقالوا

فقالوا علی الله توکلنا ربنا لا تجعلنا فتنة للقوم الظالمین

پس گفتند بر خدا توکل کردیم ما ای پروردگار ما مگردان ما را محل عذاب برای گروه ستمکاران

ونجنا برحمتک من القوم الکافرین ۝ واوحینا الی

و خلاصی ده ما را برحمت خود از گروه کافران و وحی کردیم ما بسوی

موسی واخیه ان تبوا لقومکما بمصر بیوتا واجعلوا بیوتکم

موسی و برادر او بیرون آنکه جای گیرید برای قوم خود بشهر مصر خانه‌ها و بگردانید خانهای خود را

قبلة واقیموا الصلوة وبشر المؤمنین ۝ وقال موسی ربنا

قبله و بپای دارید نماز را و مژده ده مومنان را و گفت موسی ای پروردگار ما

انک اتیت فرعون وملاه زینة واموالا فی الحیوة الدنیا

بدرستی تو دادهٔ فرعون را و اشراف قوم او را زینت و مالها در زندگانی دنیا

ربنا لیضلوا عن سبیلک ربنا اطمس علی اموالهم واشدد

ای پروردگار ما تا گمراه کنند از راه تو پروردگار ما اثر محو فرست بر مالهای ایشان و سخت بگیر

علی قلوبهم فلا یؤمنوا حتی یروا العذاب الالیم ۝ قال قد

بر دلهای ایشان پس ایمان نیارند تا ببینند عذاب دردناک گفت بتحقیق

اجیبت دعوتکما فاستقیما ولا تتبعان سبیل الذین

مستجاب شد دعای شما پس ثابت باشید و پیروی مکنید راه آنانرا

لا یعلمون ۝ وجاوزنا ببنی اسرائیل البحر فاتبعهم فرعون

که نمیدانند و گذرانیدیم ما پسران اسرائیل را از دریا پس از پی در آمد ایشانرا فرعون

وجنوده بغیا وعدوا حتی اذا ادرکه الغرق قال

و سپاه او برای ستم و از حد گذرانیدن تا آنگه دریافت ایشانرا غرق گفت

امنت انه لا اله الا الذی امنت به بنوا اسرائیل وانا

فرعون ایمان آوردم باینکه نیست معبودی بحق مگر آنکه خدائی است که گرویدند باو بنی اسرائیل و من

من المسلمین ۝ الان وقد عصیت قبل وکنت من

از گردن نهندگانم آیا حالا ایمان می آوری و بتحقیق که گناه کردی پیش ازین و بودی تو از

المفسدين ۝ فاليوم ننجيك ببدنك لتكون لمن خلفك

اية وان كثيرا من الناس عن اياتنا لغافلون ۝ ولقد

بوانا بني اسرائيل مبوا صدق ورزقناهم من الطيبات فما

اختلفوا حتى جاءهم العلم ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة

فيما كانوا فيه يختلفون ۝ فان كنت في شك مما انزلنا

اليك فسئل الذين يقرؤن الكتاب من قبلك لقد

جاءك الحق من ربك فلا تكونن من الممترين ۝ ولا تكونن

من الذين كذبوا بايات الله فتكون من الخاسرين ۝ ان

الذين حقت عليهم كلمت ربك لا يؤمنون ۝ ولو جاءتهم

كل اية حتى يروا العذاب الاليم ۝ فلولا كانت قرية امنت

فنفعها ايمانها الا قوم يونس لما امنوا كشفنا عنهم عذاب

الخزي في الحيوة الدنيا ومتعناهم الى حين ۝ ولو شاء

رَبُّكَ لَآمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ

پروردگار تو همه آنها که در زمین اند همه آیا پس تو اکراه میکنی مردم را

حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ۝ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ

تا آنکه باشند گروندگان و نباشد هیچ نفسی که ایمان آرد مگر بفرمان

اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ۝ قُلِ انْظُرُوا مَاذَا

خدا و میگرداند رجس را بر آنانکه تعقل نمیکنند بگو بنگرید که چه چیزهاست

فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ

در آسمانها و زمین و دفع نمیکند دیدن آیتها را و بیم کنندگان از گروهی

لَا يُؤْمِنُونَ ۝ فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ

که ایمان نمیآورند پس آیا چشم میدارند و منتظرند مگر مانند ایام آنانکه گذشتند پیش

قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ۝ ثُمَّ نُنَجِّي

از ایشان بگو پس انتظار برید بدرستی که من با شما از انتظار برندگانم پس نجات داریم

رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَٰلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنْجِ الْمُؤْمِنِينَ ۝

پیغمبرانمان را و آنانکه گرویدند همچنین که سزاوار است بر ما که نجات دهیم مؤمنان را

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ

بگو ای مردمان اگر هستید شما در گمان از دین من پس نمی‌پرستم

الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَٰكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ

آنان را که شما می‌پرستید بجز از خدا و لیکن پرستش میکنم من خدا را آنکه میمیراند شما را

وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَأَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ

و مأمور شده‌ام که باشم از گروندگان و اینکه راست گردان روی خود را برای دین

حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝ وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا

حق و مباش البته از مشرکان و مخوان بغیر از خدا آن چیزی که

يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذًا مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ وَإِنْ

سود ندهد ترا و ضرر نرساند ترا پس اگر بکنی پس بدرستی که باشی تو از ستمکاران و اگر

از حضرت ابی عبدالله مرویست که رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب معراج فرمود که جبرئیل براق آورده آنحضرت به بیت المقدس برد و آنحضرت پیغمبران علیهم السلام دید صبح با اصحاب خود گفت که شب بیت المقدس رفتم و برادران خود از پیغمبران را دیدم گفتند یا رسول الله چگونه بیت المقدس رفتی در یکشب و بازگردیدی فرمود که جبرئیل براق آورد و سوار آن شدم و علامت آنست این سخن آنکه قافله ابوسفیان که شتر سرخ جلو بی فلان آب ناول شده بودند و شتر سرخ موی گم کرده در طلب آن بودند گردیدی زنان فضون گفتند این علامت که میگوید ممکن است که بود سوار بتند روی آمده خبر آن آورده باشد شما که بشام رفته اند آنرا دیده اید و بازارها و خانه‌ها آنرا بر سید به چیز که رسیت میگوید بیاید آنحضرت چون شب دیده بود و از تماشا اطلاع نداشت و هرگاه چیزی از آنحضرت میپرسیدند و میدانست بسیار بروی گران می آمد بخاطر گو آنگاه بی شرمه بسیار کشش خاطر شریف در آن حین بود که جبرئیل فرود آمده گفت یا رسول الله این شام است و حجاب بر داشت شهر برای آنحضرت نظر فرمود شام را دید پس آنحضرت هر چه پرسیدند که خانه فلانی و فلان مکان کجاست جواب فرمود هر چه پرسیدند جواب فرمود و ایشان بیشتر که آنحضرت منکر اند کی از قریش فرمود که اینست که خدا فرموده که وما تغنی الآیات والنذر عن قوم لا یؤمنون

يمسسك الله بضر فلا كاشف له الا هو وان يردك بخير
برساند ترا خدا ضرری پس نیست بازدارنده مر آن را مگر او و اگر خواهد خدا ترا صحت
فلا راد لفضله يصيب به من يشاء من عباده وهو الغفور
پس نیست رد کننده مر فضل خدا را میرساند فضل خود را بهر که خواهد از بندگان خود و اوست آمرزنده
الرحيم قل يا ايها الناس قد جاءكم الحق من ربكم فمن اهتدى
مهربان بگو ای مردمان بدرستی که آمد شما را راستی از پروردگار شما پس هر که راه یافت
فانما يهتدي لنفسه ومن ضل فانما يضل عليها وما انا عليكم
پس جز این نیست که راه می یابد برای خود و هر که گمراه شد پس جز این نیست که گمراه میشود بر او و نیستم من بر شما
بوكيل واتبع ما يوحى اليك واصبر حتى يحكم الله وهو خير
نگاهبان و پیروی کن آنچه وحی کرده می شود بسوی تو و صبر کن تا حکم کند خدا و او بهترین

سورة هود ثلاث وعشرون ومائة آية وهي مكية

الحاكمين
حکم کنندگانست

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشاینده مهربان

الر كتاب احكمت آياته ثم فصلت من لدن حكيم خبير
منم خدای که می بینم این کتابی است که استوار کرده شده آیات او پس جدا کرده شد بسوره سوره و آیه آیه از نزد حکیم آگاه دانا
الا تعبدوا الا الله انني لكم منه نذير وبشير وان
که عبادت نکنید مگر خدا را بدرستی که من مر شما را از جانب او بیم دهنده و مژده دهنده ام و دیگر آنکه
استغفروا ربكم ثم توبوا اليه يمتعكم متاعا حسنا الى
آمرزش طلبید پروردگار شما پس توبه کنید بسوی او تا برخوردار کند شما را برخورداری نیکو بسوی
اجل مسمى ويؤت كل ذي فضل فضله وان تولوا فاني
تا وقت نام برده شده و تا بدهد هر خداوند فضل را ثواب فضل او و اگر برگردید پس بدرستی که من
اخاف عليكم عذاب يوم كبير الى الله مرجعكم وهو
می ترسم بر شما عذاب روز بزرگ را بسوی جزای خدا است بازگشت شما و او

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که روز جمعه سوره هود را بخواند حق سبحانه و تعالی او را با پیغمبران مبعوث گرداند و حساب او را آسان گرداند و از او هیچ گناه عارف نشود

مراد از احکام آیات ... اثبات صدق انها شده و مراد از تفصیل آیات آنکه بیان حلال و حرام و قصص پیغمبران کرده و امم سالفه در انها شده

مسته ليقولن ذهب السيئات عني انه لفرح فخور
الا الذين صبروا وعملوا الصالحات اولئك لهم مغفرة
واجر كبير فلعلك تارك بعض ما يوحى اليك وضائق
به صدرك ان يقولوا لولا انزل عليه كنز او جاء
معه ملك انما انت نذير والله على كل شيء وكيل ام
يقولون افتريه قل فاتوا بعشر سور مثله مفتريات وادعوا
من استطعتم من دون الله ان كنتم صادقين فان لم
يستجيبوا لكم فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله
الا هو فهل انتم مسلمون من كان يريد الحيوة الدنيا
وزينتها نوف اليهم اعمالهم فيها وهم فيها لا يبخسون
اولئك الذين ليس لهم في الاخرة الا النار وحبط ما صنعوا
فيها وباطل ما كانوا يعملون افمن كان على بينة من

مسته ليقولن ذهب السيئات عني انه لفرح فخور

الا الذين صبروا وعملوا الصالحات اولئك لهم مغفرة

واجر كبير فلعلك تارك بعض ما يوحى اليك وضائق

به صدرك ان يقولوا لولا انزل عليه كنز او جاء

معه ملك انما انت نذير والله على كل شيء وكيل ام

يقولون افتريه قل فاتوا بعشر سور مثله مفتريات وادعوا

من استطعتم من دون الله ان كنتم صادقين فان لم

يستجيبوا لكم فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله

الا هو فهل انتم مسلمون من كان يريد الحيوة الدنيا

وزينتها نوف اليهم اعمالهم فيها وهم فيها لا يبخسون

اولئك الذين ليس لهم في الاخرة الا النار وحبط ما صنعوا

فيها وباطل ما كانوا يعملون افمن كان على بينة من



رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً

پروردگارش واز پی درآید برهان او را گواهی از خدا و پیش از قرآن تورات موسی م پیشوا بود و بخشایش

أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ

آن گروه میگروند بآن و هر که کافر شود بقرآن از گروه بود پس آتش دوزخ وعده گاه اوست

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

پس مباش تو در گمان از این موعد درستی که این حق است از پروردگار تو و لیکن بیشتر مردمان

لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ

نمیگروند و کیست ستمکارتر از آنکه دروغ بندد بر خدا دروغی را آن گروه عرض خواهند شد در قیامت

عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ

بر پروردگارشان و میگویند گواهان این گروه آنانند که دروغ گفتند بر پروردگارشان

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ۝ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

بدانید که لعنت خدا بر ستمکاران است آن گروه که آنانند که باز میدارند از راه خدا

وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ۝ أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا

مردم را و میخواهند آن را کجی و ایشانند بآخرت ایشان کافرانند آن گروه نیستند خدا را

مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ

عاجز کننده کان در زمین و نیست مر ایشان را بجز خدا هیچ دوستان

يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا

افزوده شود برای ایشان عذاب نبودند که توانند شنیدن و

كَانُوا يُبْصِرُونَ ۝ أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ

نبودند که ببینند آن گروه آنانند که زیان کردند بر نفسهای خود و گم شد از ایشان

مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ

آنچه بودند که دروغ می بستند بی شک و شبهه ایشان در آخرت ایشان زیانکارانند

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَى رَبِّهِمْ

بدرستی آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته و آرام کردند بسوی پروردگارشان

مراد

در اینجا از شاهد امیرالمؤمنین
علیه السلام است چنانچه از حضرات
ابی جعفر و ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله
علیهما السلام مرویست و صاحب تاریخ طبری هم
از جابر بن عبدالله انصاری از امیرالمؤمنین صلوات الله
علیه روایت کرده باعتبار غایت ربط و اتحادی که
میان آنحضرت و رسول خدا صلی الله علیه بود چنانچه
از حدیث قدسی ترا د یا علی نفسک نفسی مستفاد است
تعبیر بلفظ منه و اتبعه و اکثر عامه این آیه را بمعنی
دیگر گمان کرده بعضی گفته اند که مراد از شاهد منه زبان
آنحضرت است که بزبان تلاوت قرآن بر قوم خود
می نمود و بعضی گفته اند ضمیر منه راجعست بخدا و
شاهد قرآنست و من کان مبتدا و خبرش محذوف
و باین تقدیر است که افمن کان علی بینة من ربه
الی آخر کمن لا بینة له و لا شاهد
و همزه استفهام در اصل
بر من کان داخل بوده
و فاء من
کان
بوده

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ
آن گروه یاران بهشتند ایشانند در آن جاوید مانندگان صفت دو گروه مؤمن و کافر
كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا
مانند کور و کر و بینا و شنوا است آیا مساوی میشوند از روی صفت
أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ
آیا پس پند نمیگیرند و هر آینه براستی فرستادیم نوح را بسوی گروه خود بدرستی که من شما را
نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝ أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ
بیم دهنده ظاهرم که نپرستید مگر خدا را بدرستی که من میترسم بر شما عذاب
يَوْمٍ أَلِيمٍ ۝ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ
روز با درد و الم را پس گفتند اشراف قوم آنانکه کافر شدند از قوم نوح نمی بینیم ترا
إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ
مگر آدمی مانند ما و نمی بینیم ترا که پیروی کرده باشند ترا مگر آنانکه ایشان خسیسان مانند بی
الرَّأْيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ
تامل و نمی بینیم شما را بر ما هیچ افزونی از مال بلکه گمان میکنیم شما را دروغگویان
قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً
گفت ای قوم آیا خبر دهید اگر باشم بر حجتی هویدا از پروردگار خود و داده است خدا مرا رحمتی
مِنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ
از نزد خود که نبوت است پس پوشیده ماند بر شما آیا توانیم الزام کنیم شما را و حال آنکه شما آنرا ناخواهندگانید
وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا
و ای قوم من سؤال نمیکنم شما را بر ادای رسالت مالی نیست که مزد رسالت من مگر بر خدا و نیستم
أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُو رَبِّهِمْ وَلَٰكِنِّي أَرَاكُمْ
من راننده آنانرا که بگرویدند بدرستی که ایشان رسیده اند بجزای پروردگار ایشان ولیکن من می بینم شما را
قَوْمًا تَجْهَلُونَ ۝ وَيَا قَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ
گروهی که نمیدانید و ای قوم من کیست که یاری دهد مرا از عذاب خدا اگر برانم ایشان را

یعنی تکذیب کنندگان بسبب عدم انتفاع از استماع آیات و دیدن معجزات مانند کور و کر و تصدیق کنندگان از آنها بسیار شنوا بینا اند

یعنی بی تامل و عاقبت اندیشی متابعت تو کرده اند

افلا

أفلا تذكرون ۞ ولا أقول لكم عندي خزائن الله ولا أعلم

آیا پس در نمی یابید آنرا و نمیگویم من مر شما را که نزد منست خزینهای علم خدا و نمیدانم من

الغيب ولا أقول إني ملك ولا أقول للذين تزدري أعينكم

غیب را و نمیگویم بدرستیکه من فرشته ام و نمیگویم من مر آنها را که بخواری در ایشان مینگرد چشمهای شما

لن يؤتيهم الله خيرا الله أعلم بما في أنفسهم إني إذا لمن الظالمين

نمیدهد ایشانرا خدا خوبی خدا داناتر است بآنچه در نفسهای ایشانست اگر من برانم آن هنگام از ستمکارانم

قالوا يا نوح قد جادلتنا فأكثرت جدالنا فأتنا بما تعدنا

گفتند ای نوح بتحقیق که مخاصمه کردی با ما پس بسیار کردانی جدال را با ما پس بیار مارا آنچه وعده داده مارا

إن كنت من الصادقين ۞ قال إنما يأتيكم به الله إن

اگر هستی تو از راستگویان گفت نوح جز این نیست که بیارد شمارا آن خدا اگر

شاء وما أنتم بمعجزين ۞ ولا ينفعكم نصحي إن أردت أن

بخواهد و شما نیستید عاجز کنندگان و سود نمیدهد شمارا پند من اگر خواهم که

أنصح لكم إن كان الله يريد أن يغويكم هو ربكم وإليه

نصیحت کنم مر شمارا اگر است خدا خواهد که گمراه کند شمارا اوست پروردگار شما و بسوی او

ترجعون ۞ أم يقولون افتراه قل إن افتريته فعلي إجرامي

باز گردیده شوید بلکه گفتند دروغ می بندد نوح بگو اگر افترا کرده ام وحی را پس بر منست گناه من

وأنا بريء مما تجرمون ۞ وأوحي إلى نوح أنه لن يؤمن من

و من بیزارم از آنچه گناه میکنید و وحی کرده شد بسوی نوح که هرگز ایمان نیارد از

قومك إلا من قد آمن فلا تبتئس بما كانوا يفعلون ۞ واصنع

قوم تو مگر کسیکه بتحقیق ایمان آورد پس ناامید مباش بآنچه هستند که می کنند و بساز با

الفلك بأعيننا ووحينا ولا تخاطبني في الذين ظلموا

نوح کشتی را بپاسداری و رعایت ما و وحی کردن ما و خطاب مکن با من در آنانکه ستم کردند

إنهم مغرقون ۞ ويصنع الفلك وكلما مر عليه ملأ

بدرستی ایشان غرق شدگانند و می ساخت نوح کشتی را و هرگاه که بگذشتی براو گروهی

[illegible]

مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ اِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَاِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ

از قوم نوح استهزا کردند بر او گفت نوح اگر استهزا میکنید با ما پس بدرستی که استهزا خواهیم کرد شما را

كَمَا تَسْخَرُونَ ۞ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَاْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ

همچنانکه استهزا می کنید پس زود باشد که بدانید آنکس را که بیاید او را عذابی که رسوا سازد او را و فرود آید

عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ ۞ حَتَّى اِذَا جَاءَ اَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا

بر او عذاب دایم تا وقتی آمد عذاب ما و بر جوشید آب از تنور گفتیم ما نوح را

احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَاَهْلَكَ اِلَّا مَنْ سَبَقَ

که بردار در آن کشتی از هر نر و ماده دو تا و دو تا و اهل خود را مگر آنکس را که پیشی گرفته بر او

عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ اٰمَنَ وَمَا اٰمَنَ مَعَهُ اِلَّا قَلِيلٌ ۞ وَقَالَ

بر او گفتار و در آور در کشتی هر که گرویده و گرویده بودند با او مگر اندکی و گفت

ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٖيهَا وَمُرْسٰيهَا اِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ

سوار شوید در کشتی و بگوئید بنام خداست هنگام راندن کشتی و ایستادن بدرستی که پروردگار من آمرزنده

رَحِيمٌ ۞ وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ

مهربانست و کشتی می برد ایشان را در میان موجی که از بزرگی مانند کوهها بود و آواز داد نوح

ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ

پسر خود را و بود در کناره از کشتی ای پسر من سوار شو با ما و مباش با کافران

قَالَ سَاٰوِي اِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ

گفت پسر نوح زود باشد که جای گیرم بکوهی بلند که نگاه دارد مرا از آب گفت نوح نیست نگاهدارنده امروز

مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ اِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ

از عذاب خدا مگر آنکس که بخشد و حایل شد میان نوح و پسر او موج پس بود پسر نوح از غرق شدگان

وَقِيلَ يَا اَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ اَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءُ

و گفته شد ای زمین فرو بر آب خود را و ای آسمان باز گیر آب خود را و کم کرده شد آب

وَقُضِيَ الْاَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ

و گذارده شد کار کفار و قرار گرفت کشتی بر کوه جودی و گفته شد دوری باد از رحمت گروه

از حضرت ابی عبد الله مرویست که چون اراده الهی تعلق بهلاک قوم نوح گرفت چهل سال پیش از طوفان زنان را عقیم گردانید که فرزندی از ایشان متولد نشد و چون نوح از ساختن کشتی فارغ شد بفرموده خدا از بان [illegible] همگی حیوانات را طلبید و هیچ حیوانی نبود مگر آنکه حاضر شد و از هر جنسی از اجناس حیوانات نر و ماده در کشتی کرد بغیر از موش و گربه و مومنان تمام روی زمین هشتاد تن بودند و ایشان در کشتی از سرگین حیوانات و کثافات متاذی شده شکایت بخدمت آنحضرت بردند خوک را طلبید و دستی بر پیشانی آن مالید عطسه کرد موش از بینی آن افتاد و بسرگین و کثافات را میخوردند و توالد و تناسل مینمودند بسبب آن از کثرت موش آزار میکشیدند شکایت بخدمت آنحضرت بردند شیر را طلبید و دستی بر پیشانی آن کشید عطسه کرد گربه از بینی آن افتاد و در خبر دیگر وارد است که خوک را بکشتی نبرده بود و خوک برای خوردن نجاسات از عطسه فیل پیدا شد

الظالمين ۝ ونادى نوح ربه فقال رب ان ابني من اهلي

ستمکاران را ۝ و ندا داد نوح پروردگار خود را پس گفت پروردگارا بدرستی که پسر من از اهل منست

وان وعدك الحق وانت احكم الحاكمين ۝ قال يا نوح انه

و بدرستی که وعده تو راستست و تو بهترین حکم کنندگانی ۝ گفت خدای ای نوح بدرستی که

ليس من اهلك انه عمل غير صالح فلا تسئلن ما ليس لك به

او نیست از اهل تو بدرستی که او کردار ناشایسته پس سوال مکن آنچه را نیست از برای تو بآن

علم اني اعظك ان تكون من الجاهلين ۝ قال رب اني اعوذ

دانش بدرستی که پند میدهم ترا از آنکه بوده باشی از نادانان ۝ گفت نوح پروردگارا بدرستی که من پناه

بك ان اسئلك ما ليس لي به علم والا تغفر لي وترحمني

میبرم بتو از آنکه بپرسم ترا آنچه نیست مرا بآن دانشی و اگر نیامرزی مرا و رحم نکنی بمن

اكن من الخاسرين ۝ قيل يا نوح اهبط بسلام منا

باشم از زیانکاران ۝ گفته شد ای نوح فرود آی بسلامتی از جانب ما

وبركات عليك وعلى امم ممن معك وامم سنمتعهم ثم

و برکتها بر تو و بر گروهی چند از آنها که با تو اند و گروهی که بزودی برخورداری دهیم ایشان را

يمسهم منا عذاب اليم ۝ تلك من انباء الغيب نوحيها اليك

پس برسد ایشان را از ما عذاب دردناک ۝ این قصه از خبرهای غیب است وحی کردیم ما بسوی تو

ما كنت تعلمها انت ولا قومك من قبل هذا فاصبر ان

نبودی تو که بدانی آن را تو و نه قوم تو پیش از نزول این قصه پس صبر کن بدرستی که

العاقبة للمتقين ۝ والى عاد اخاهم هودا قال يا قوم

سر انجام مر پرهیزکارانست ۝ و بسوی عاد برادر ایشان هود گفت ای قوم

اعبدوا الله ما لكم من اله غيره ان انتم الا مفترون

بپرستید خدا را نیست مر شما را هیچ خدائی غیر او نیستید شما مگر دروغ بستگان بخدا

يا قوم لا اسئلكم عليه اجرا ان اجري الا على الذي فطرني

ای قوم سوال نمیکنم شما را بر او مزدی نیست مزد من مگر بر کسیکه آفرید مرا

حزب

از حضرت علی ابن موسی الرضا صلوات الله علیهما منقولست که نوح در کشتی آنقدر که خدا خواست ماند و کشتی بامر الهی میرفت پس خدای تعالی با کوهها خطاب فرمود که کشتی خود را بر یکی از شما فرود خواهم آورد پس کوهها همه تفاخر کردند و تکبر چنان می پنداشتند که بر روی آن خواهد نشست بسبب ارتفاع و عظمتی که بخود گمان میبردند و جودی که آن کوه کوچکی بود در موصل از راه خضوع و فروتنی راه این گمان بخود نمیداد پس بفرموده الهی کشتی بر آن قرار گرفت و چون سینه کشتی به آن کوه رسید نوح گفت یا ماریا اتقن و این کلام بزبان عبری باین معنی است که یارب اصلح و در روایت دیگر وارد شده که با همان اتقن و ان تاویل یا احسن است و دور نیست که یا احسن در این خبر تصحیف کاتب باشد و یا ترجمه اصل حدیث واضح نباشد

أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ

آیا پس تعقل نمی کنید ۝ وای قوم ۝ طلب آمرزش کنید از پروردگار خود پس بازگشت کنید بسوی خدا تا بفرستد

السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ

از آسمان ۝ بر شما ۝ باران ۝ و زیاده کند شما را توانائی بسوی توانائی شما ۝ و اعراض مکنید از خدا گناهکار

قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ

گناهکاران باشید گفتند ای هود نیاوردی بما حجتی ۝ و نیستیم ما ترک کنندگان خدایان خود از گفته تو

وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ۝ إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا

و نیستیم ما مر ترا گروندگان ۝ نمیگوئیم ما ۝ مگر آنکه رسانیده اند ترا بعضی از خدایان خود

بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ ۝

بدی ۝ گفت که من ۝ گواه میکنم خدا را ۝ و گواه باشید که من ۝ بیزارم از آنچه شریک میسازند او را

مِنْ دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنْظِرُونِ ۝ إِنِّي تَوَكَّلْتُ

از غیر خدا ۝ پس کید کنید در دفع من همه پس ۝ مهلت مدهید مرا ۝ بدرستی که من توکل کردم

عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا

بر خدا پروردگار من و پروردگار شما ۝ نیست هیچ جنبنده ۝ مگر که او گیرنده است موی پیشانی او را

إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ

بدرستی که پروردگار من ۝ بر راه ۝ راست ۝ پس اگر برگردید ۝ پس تحقیق که رسانیده ام شما را

مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا

آنچه ۝ فرستاده شده بودم بآن بسوی شما ۝ و جانشین شما کند پروردگار من ۝ گروهی ۝ غیر از شما ۝ و

تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ۝ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا

ضرر نتوانید رسانید بخدا چیزی بدرستی که پروردگار من بر هر چیز نگاهبانست ۝ و آن هنگام که آمد امر بعذاب

نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ

رهانیدیم ما هود را ۝ و آنانکه گرویدند با او ۝ برحمتی ۝ از ما ۝ و رهانیدیم ایشان را از

عَذَابٍ غَلِيظٍ ۝ وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا

عذاب ۝ درشت ۝ و این قبیله عاد ۝ انکار کردند بنشانهای پروردگار شان و گناه کردند

یعنی
این امر از باب تهدید
با قوم بوده و حاصلش آنکه هر کاری
خواهید بکنید و هر حیله که خواهید
برانگیزید در باب ایذا و قتل من
بعنایت الهی ضرری بمن نتوانید
رسانید

رسله واتبعوا امر كل جبار عنيد ۝ واتبعوا في هذه الدنيا

با پیغمبران خود و پیروی کردند فرمان هر گردنکش ستیزه کار را ۝ و پیروی کرده شدند در این دنیا

لعنة ويوم القيمة الا ان عادا كفروا ربهم الا بعدا لعاد

لعنت را و روز قیامت هم بدانید که قوم عاد کافر شدند پروردگار خود بدانید که دوری است عاد را

قوم هود ۝ والى ثمود اخاهم صالحا قال يا قوم اعبدوا الله

که قوم هود بودند ۝ و فرستادیم بسوی ثمود برادر ایشان صالح گفت ای قوم بپرستید خدا را

ما لكم من اله غيره هو انشاكم من الارض واستعمركم

نیست مر شما را هیچ خدای بغیر او ۝ و آفرید پدر شما آدم را از زمین و زندگانی داد شما را

فيها فاستغفروه ثم توبوا اليه ان ربي قريب مجيب ۝ قالوا

در زمین پس طلب آمرزش کنید او را پس بازگشت کنید بسوی او که پروردگار من نزدیک اجابت کننده ۝ گفتند

يا صالح قد كنت فينا مرجوا قبل هذا اتنهىنا ان نعبد ما

ای صالح تحقیق که بودی تو در میان ما امید داشته شده پیش ازین آیا نهی میکنی ما را که بپرستیم آنچه

يعبد اباؤنا واننا لفي شك مما تدعونا اليه مريب ۝ قال

می پرستیدند پدران ما و بدرستی که ما هر آینه در شک هستیم از آنچه میخوانی ما را بسوی آن شکی در تهمت افکننده گفت

يا قوم ارايتم ان كنت على بينة من ربي واتاني منه رحمة

ای قوم آیا خبر دهید مرا اگر باشم بر حجتی از جانب پروردگار من و داد مرا از خود رحمتی

فمن ينصرني من الله ان عصيته فما تزيدونني غير تخسير ۝

پس کیست که یاری کند مرا از خدا اگر نافرمانی کنم امر او را پس زیاد نمیکنید مرا غیر نسبت زیان کاری من

ويا قوم هذه ناقة الله لكم اية فذروها تاكل في ارض الله

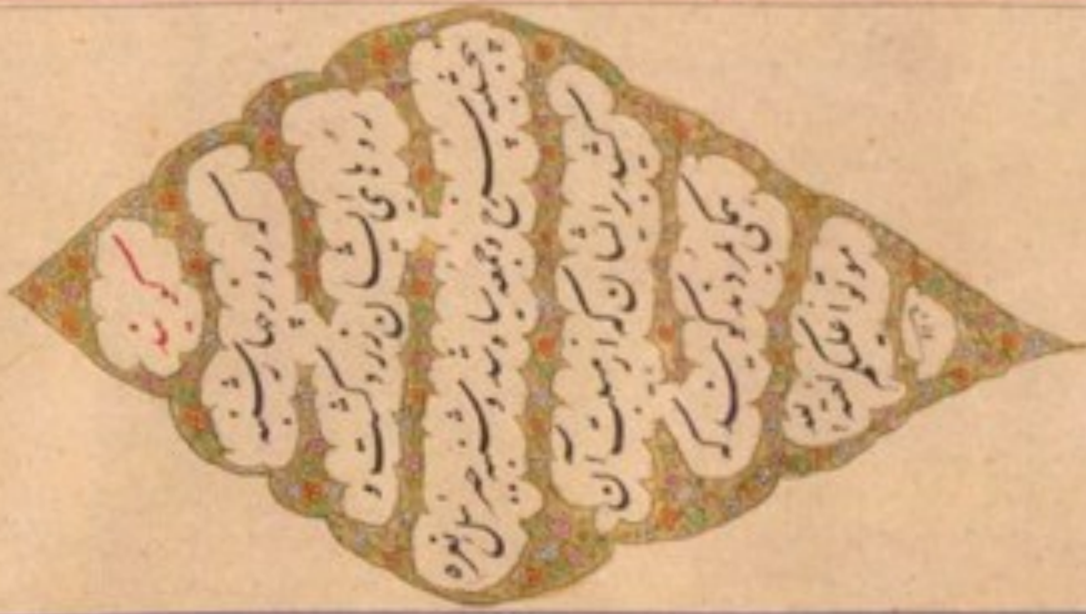
و ای قوم من این شتر خداست برای شما علامتی پس بگذارید او را تا بخورد در زمین خدا

ولا تمسوها بسوء فياخذكم عذاب قريب ۝ فعقروها فقال

و نرسانید این ناقه را ببدی پس بگیرد شما را عذاب نزدیک ۝ پس پی کردند آن ناقه را پس گفت

تمتعوا في داركم ثلثة ايام ذلك وعد غير مكذوب

صالح برخورید در خانهای خود سه روز این وعده وعده ایست غیر دروغ



فلما جاء امرنا نجينا صالحا والذين امنوا معه برحمة منا و

پس چون آمد فرمان ما نجات دادیم صالح را و آنان را که ایمان آورده بودند با او برحمتی از ما و

من خزي يومئذ ان ربك هو القوي العزيز ۝ واخذ الذين

از رسوائی آن روز بدرستیکه پروردگار تو اوست توانای غالب و گرفت آنان را که

ظلموا الصيحة فاصبحوا في ديارهم جاثمين ۝ كان لم يغنوا فيها

ستم کردند فریاد عظیم پس گشتند در خانهای خود بزمین فرو افتادگان گویا هرگز نبوده اند در خانها

الا ان ثمود كفروا ربهم الا بعدا لثمود ۝ ولقد جاءت

بدانید که ثمود کافر شدند به پروردگار خود بدانید که دوری است ثمود را از رحمت و بتحقیق که آمدند

رسلنا ابرهيم بالبشرى قالوا سلاما قال سلام فما لبث

فرستادگان ما با براهیم بمژده دادن فرزند گفتند سلامی کردیم گفت ابراهیم سلام بر شما پس درنگ نکرد

ان جاء بعجل حنيذ ۝ فلما را ايديهم لا تصل اليه نكرهم و

تا آنکه آورد ابراهیم گوساله بریان پس چون دید ابراهیم دستهای ایشان را که نمی رسد بآن گوساله منکر شمرد ایشان را و

اوجس منهم خيفة قالوا لا تخف انا ارسلنا الى قوم لوط

در دل گرفت ازیشان ترسی گفتند ملائکه مترس بدرستی که ما فرستاده شده ایم بسوی قوم لوط

وامراته قائمة فضحكت فبشرناها باسحق ومن وراء اسحق

و زن ابراهیم ساره ایستاده بود پس خندید پس مژده دادیم او را با سحق و از پس اسحق

يعقوب ۝ قالت يا ويلتى ءالد وانا عجوز وهذا بعلي شيخا

یعقوب گفت ساره وا عجبا آیا میزایم من و من پیرم و این شوهر من پیر است

ان هذا لشيء عجيب ۝ قالوا اتعجبين من امر الله رحمت الله

بدرستیکه این هر آینه چیزی عجب است گفتند ملائکه آیا تعجب میکنی از فرمان خدا رحمت خدا

وبركاته عليكم اهل البيت انه حميد مجيد ۝ فلما

و برکتهای او بر شما که اهل خانه ابراهیمید بدرستی که خدا ستوده شده بزرگوار است پس چون

ذهب عن ابرهيم الروع وجاءته البشرى يجادلنا في

رفت از ابراهیم ترس و آمد او را مژده مجادله میکرد با رسولان ما در کار

قوم

گویند که فرستادگان چهار فرشته بودند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و کروبیل و از حضرت صادق مرویست که آن فرشتگان نزد لوط رفتند و آن حضرت در مزرعه بود نزدیک بقریه پس سلام کردند بر آنحضرت بصورتهای نیکو و جامهای سفید پوشیده بصورت جوانان همو پیچکلاه درآمدند و آنحضرت بمیزبانی ایشان تن در داده و بسماجت قومش را میدانست از ترس فضیحت ایشان غمگین شد و چاره شموانست نمود که ضیافت ایشان نا سماجت قومش را بر هم زند

از حضرت صادق مرویست که خدا تعالی بجبرئیل فرموده بود که آن قوم را هلاک مکن تا لوط چهار نوبت بر بدی کردار ایشان شهادت ندهد پس لوط که بهمراهی فرشتگان بجانب میرفت با خود گفت که چه کاری میرم ایشان نزد بدترین خلق خدا جبرئیل گفت این یکبار لوط سه مرتبه دیگر همین را گفت این چهار با بسمع جبرئیل رسید

قَوْمِ لُوطٍ ۞ إِنَّ إِبْرَٰهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّٰهٌ مُّنِيبٌ ۞ يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ

هَٰذَآ إِنَّهُۥ قَدْ جَآءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ ءَاتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ

وَلَمَّا جَآءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيٓءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ

هَٰذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ۞ وَجَآءَهُۥ قَوْمُهُۥ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِن قَبْلُ

كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ قَالَ يَٰقَوْمِ هَٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِى هُنَّ أَطْهَرُ

لَكُمْ فَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِى ضَيْفِىٓ أَلَيْسَ مِنكُمْ رَجُلٌ

رَّشِيدٌ ۞ قَالُوا۟ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِى بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ

لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ ۞ قَالَ لَوْ أَنَّ لِى بِكُمْ قُوَّةً أَوْ ءَاوِىٓ إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ

قَالُوا۟ يَٰلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَن يَصِلُوٓا۟ إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ

بِقِطْعٍ مِّنَ ٱلَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ إِلَّا ٱمْرَأَتَكَ إِنَّهُۥ

مُصِيبُهَا مَآ أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ ٱلصُّبْحُ أَلَيْسَ ٱلصُّبْحُ بِقَرِيبٍ

فَلَمَّا جَآءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَٰلِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً

مِن سِجِّيلٍ مَّنضُودٍ ۞ مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ
از گل سخت برهم نهاده شده نشان کرده شده نزد پروردگار تو و نیست این از ستمکاران
بِبَعِيدٍ ۞ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ
دور و فرستادیم بسوی مدین برادر ایشان شعیب را گفت ای قوم بپرستید خدا را
مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُم
نیست مر شما را هیچ خدائی غیر او و کم مکنید پیمودن و سنجیدن ترازو را بدرستی که می بینم شما را
بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ ۞ وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا
مالدار و بدرستیکه می ترسم بر شما عذاب روز احاطه کرده شده و ای قوم تمام
الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ
بپیمائید و بسنجید ترازو را براستی و کم مکنید ناقص مردمان را چیزهای ایشان را
وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ۞ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن
و تباهی مجوئید در زمین که از بدکاران باشید آنچه باقی گذارد خدا بهتر است برای شما اگر
كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ۞ وَمَا أَنَا عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ ۞ قَالُوا يَا شُعَيْبُ
هستید گروندگان و نیستم من بر شما نگاهبان گفتند ای شعیب
أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَن نَّتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَن نَّفْعَلَ
آیا نمازهای تو امر میکند تو را که ترک کنیم آنچه می پرستند پدران ما یا آنکه نکنیم
فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ۞ قَالَ يَا قَوْمِ
در مالهای خود آنچه خواهیم بدرستی که تو هر آینه توئی بردبار راه یافته شده گفت شعیب ای قوم
أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا
آیا دیدید اگر بوده باشم بر حجتی از پروردگار من و روزی دهد مرا از نزد خود روزی نیکوی خوب
وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا
و نمیخواهم من این که مخالفت کنم شما را بسوی آنچه نهی میکنم شما را از آن نمیخواهم من مگر
الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
باصلاح آوردن کار شما مادام که استطاعت داشته باشم و نیست توفیق من مگر بخدا بر اوست توکل من



مراد از آن نشان و علامات بقول بعضی نشانهای عذاب بود و بقولی نشانهائی بود که سبب امتیاز آن سنگها از سنگهای روی زمین بود و بقولی نامهای اهل قریه بود که بر هر سنگی نام شخص بود و بقولی آن سنگها برنگ سرخ و سفید بود

یعنی ستمکاران این امت و کفره قریش در سفر بازرگانی بشام آن سنگها را می بینند و بقولی مراد از ظالمین قوم لوطاند و غرض آنکه بعیدی ندارد نزول آن عذاب بر ایشان بعلت آنکه مستحق آن بودند و بقولی مراد هر ستمکار است و غرض آنست که هر ستمکاری ساعت بساعت باید مترصد نزول چنین عذابی باشد

وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ۝ وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ
وبسوی اوست بازگشت من وای قوم من باید که برآن ندارد شما را دشمنی من آنکه برسد شما را
مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا
مانند آنچه رسید قوم نوح را یا قوم هود را و قوم صالح را و نیستند
قَوْمُ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ ۝ وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا
قوم لوط از شما دور وطلب آمرزش کنید از پروردگار خود پس بازگردید
إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ۝ قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا
بسوی او بدرستی که پروردگار من مهربان دوست دارنده است گفتند ای شعیب نمی فهمیم بسیاری
مِمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ
از آنچه میگویی تو و بدرستیکه ما می بینیم تورا درمیان خود ناتوان و اگر نه اقوام ما بردین تو بودند هرآینه سنگسار میکردیم
وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ ۝ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ
تورا و نیستی تو برما غالب ارجمند گفت ایقوم من آیا قوم من عزیزترند برشما
مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظِهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ
از خدا و فرا گرفته اید امر خدا را پس پشت خود فراموش شده بدرستی که پروردگار من آنچه میکنید احاطه کننده است
وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ
و ایقوم من عمل کنید بر مکان خود و آنچه میکنید بدرستی که من عمل کننده ام زود باشد که بدانید
مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ
که کرا بیاید عذابی که رسوا کند او را و کیست او دروغگوینده و انتظار برید بدرستی که من با شما
رَقِيبٌ ۝ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ
نگاهبانم و هنگامیکه آمد امر ما رهانیدیم شعیب را و آنانکه گرویدند با او
بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ
برحمتی از جانب ما و گرفت آنانرا که ستم کردند فریاد جبرئیل پس گشتند در خانهای شان
جَاثِمِينَ ۝ كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا بُعْدًا لِمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ
مردگان زمین افتاده گوییا هرگز اقامت نکرده اند در آن دیار بدانید که دوری است مر اهل مدین را همچنانکه دور است

یعنی
پر زمانی از
حکایت عذاب قوم گذشته
یا اینکه جایگاه ایشان از شما دور
نیست و می بینید قریه نگون شده
ایشانرا

مِن سِجّیلٍ مَنضودٍ ۝ مُسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ وَما هِیَ مِنَ الظّالِمینَ

از گل سخت برهم نهاده شده نشان کرده شده نزد پروردگار تو و نیست این از ستمکاران

بِبَعیدٍ ۝ وَإِلیٰ مَدیَنَ أَخاهُم شُعَیبًا قالَ یا قَومِ اعبُدُوا اللهَ

دور و فرستادیم بسوی مدین برادر ایشان شعیب را گفت ای قوم پرستید خدا را

ما لَكُم مِن إِلٰهٍ غَیرُهُ وَلا تَنقُصُوا المِكیالَ وَالمیزانَ إِنّی أَراكُم

نیست مر شما را هیچ خدائی غیر او و کم مکنید پیمودن و سنجیدن ترازو با را بدرستی که می بینم شما را

بِخَیرٍ وَإِنّی أَخافُ عَلَیكُم عَذابَ یَومٍ مُحیطٍ ۝ وَیا قَومِ أَوفُوا

مالدار و بدرستیکه می ترسم بر شما عذاب روز احاطه کرده شده و ای قوم تمام

المِكیالَ وَالمیزانَ بِالقِسطِ وَلا تَبخَسُوا النّاسَ أَشیاءَهُم

بپیمائید و بسنجید ترازو را براستی و کم مکنید ناقص مردمان از چیزهای ایشان را

وَلا تَعثَوا فِی الأَرضِ مُفسِدینَ ۝ بَقِیَّتُ اللهِ خَیرٌ لَكُم إِن

و تباهی مجوئید در زمین که از بدکاران باشید آنچه باقی گذارد خدا بهتر است برای شما اگر

كُنتُم مُؤمِنینَ ۝ وَما أَنَا عَلَیكُم بِحَفیظٍ ۝ قالوا یا شُعَیبُ

هستید گروندگان و نیستم من بر شما نگاهبان گفتند ای شعیب

أَصَلاتُكَ تَأمُرُكَ أَن نَترُكَ ما یَعبُدُ آباؤُنا أَو أَن نَفعَلَ

آیا نمازهای تو امر میکند ترا انکه ترک کنی آنچه می پرستند پدران ما یا آنکه بکنیم

فی أَموالِنا ما نَشاءُ إِنَّكَ لَأَنتَ الحَلیمُ الرَّشیدُ ۝ قالَ یا قَومِ

در مالهای خود آنچه خواهیم بدرستی که تو هر آینه توئی بردبار راه یافته شده گفت شعیب ای قوم

أَرَأَیتُم إِن كُنتُ عَلیٰ بَیِّنَةٍ مِن رَبّی وَرَزَقَنی مِنهُ رِزقًا حَسَنًا

آیا دیدید اگر بوده باشم بر حجتی از پروردگار من و روزی دهد مرا از روزی نیکوی خوب

وَما أُریدُ أَن أُخالِفَكُم إِلیٰ ما أَنهاكُم عَنهُ إِن أُریدُ إِلّا

و نمیخواهم من این که مخالفت کنم شما را بسوی آنچه نهی میکنم شما را از آن نمیخواهم من مگر

الإِصلاحَ مَا استَطَعتُ وَما تَوفیقی إِلّا بِاللهِ عَلَیهِ تَوَكَّلتُ

باصلاح آوردن کار شما مادامی که استطاعت داشته باشم و نیست توفیق من مگر بخدا براوست توکل من



مراد از آن نشان و علامات بقول بعضی نشانهای عذاب بود و بقولی نشانهائی بود که سبب امتیاز آن سنگهای زمین بود و بقولی نامهای اهل قریه بود که بر هر سنگی نام شخص بود و بقولی آن سنگها برنگ سرخ و سفید بودند

یعنی ستمکاران این امت و کفره قریش در سفرها از حجاز بشام آن سنگها می بینند و بقولی مراد ظالمین قوم لوطند و غرض آنکه بعدی ندارد نزول آن عذاب بر ایشان بعلت آنکه مستحق آن بودند و بقولی مراد هر ستمکارانست و غرض آنست که هر ستمکاری ساعت بساعت باید منتظر نزول چنین عذابی باشد

والیه



وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ۝ وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِيٓ أَن يُصِيبَكُم

و بسوی او بست بازگشت من ۝ و ای قوم من نباید که بر آن دارد شما را دشمنی من آنکه برسد شما را

مِّثْلُ مَآ أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَٰلِحٍ وَمَا

مانند آنچه رسید قوم نوح را یا قوم هود را و قوم صالح را و نیست

قَوْمُ لُوطٍ مِّنكُم بِبَعِيدٍ ۝ وَٱسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوٓا

قوم لوط از شما دور ۝ و طلب آمرزش کنید از پروردگار خود پس بازگردید

إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ۝ قَالُوا يَٰشُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا

بسوی او بدرستی که پروردگار من مهربان دوست دارنده است ۝ گفتند ای شعیب نمی فهمیم بسیاری

مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَىٰكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَٰكَ

از آنچه میگوئی و بدرستی که ما می بینیم ترا در میان خود ناتوان و اگر نه اقوام ما بودی ترا سنگسار کردیمی

وَمَآ أَنتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ ۝ قَالَ يَٰقَوْمِ أَرَهْطِيٓ أَعَزُّ عَلَيْكُم

و نیستی تو بر ما غالب ارجمند ۝ گفت ای قوم من آیا قوم من عزیزترند بر شما

مِّنَ ٱللَّهِ وَٱتَّخَذْتُمُوهُ وَرَآءَكُمْ ظِهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

از خدا و فرا گرفتید او را پس پشت خود فراموش شده بدرستی که پروردگار من آنچه میکنید احاطه کننده است

وَيَٰقَوْمِ ٱعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَٰمِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ

و ای قوم من عمل کنید بر مکان خود و آنچه میکردید بدرستی که من عمل کننده ام زود باشد که بدانید

مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَٰذِبٌ وَٱرْتَقِبُوٓا إِنِّي مَعَكُمْ

که کرا بیاید عذابی که رسوا کند او را و کیست او دروغ گوینده ۝ و انتظار برید بدرستی که من با شما

رَقِيبٌ ۝ وَلَمَّا جَآءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ

نگاهبانم ۝ و هنگامی که آمد امر ما رهانیدیم شعیب را و آنانکه گرویدند با او

بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَأَخَذَتِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا ٱلصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَٰرِهِمْ

برحمتی از جانب ما و گرفت آنانرا که ستم کردند فریاد جبرئیل پس گشتند در خانه هاشان

جَٰثِمِينَ ۝ كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَآ أَلَا بُعْدًا لِّمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ

مردگان بر زمین افتاده گویا هرگز اقامت نکرده بودند بدانید که دوری است مر اهل مدین را چنانکه دور است

ثمود ۝ ولقد ارسلنا موسى بآياتنا وسلطان مبين ۝ الى فرعون

قوم ثمود را ۝ و بتحقیق که فرستادیم موسی را با کتاب توراة و معجزات ۝ ظاهر ۝ بسوی فرعون

وملائه فاتبعوا امر فرعون وما امر فرعون برشيد ۝ يقدم

و اشراف قوم او پس پیروی کردند حکم فرعون را و نبود حکم فرعون برنج رشد و صواب ۝ پیش روی کند

قومه يوم القيمة فاوردهم النار وبئس الورد المورود ۝ و

قوم خود را روز قیامت پس وارد سازد ایشان را در آتش و بد مکانیست در آمده شده در آن ۝ و

اتبعوا في هذه لعنة ويوم القيمة بئس الرفد المرفود ۝ ذلك

از پی در آورده شدند در این دنیا لعنت را و روز قیامت بد عطائی است داده شده ۝ این خبر

من انباء القرى نقصه عليك منها قائم وحصيد ۝ وما

از خبرهای دهها است که میخوانیم بر تو بعضی از آنها که قایم است و بعضی خراب ۝ و

ظلمناهم ولكن ظلموا انفسهم فما اغنت عنهم الهتهم التي

ستم کردیم ما ایشان را و لکن ستم کردند بر نفسهای خود پس منع نکرد از ایشان خدایان ایشان که

يدعون من دون الله من شيء لما جاء امر ربك وما زادوهم

میخواندند [illegible] غیر از خدا هیچ چیز وقتیکه آمد فرمان پروردگار تو بعذاب و زیاده نکردند

غير تتبيب ۝ وكذلك اخذ ربك اذا اخذ القرى وهي ظالمة

ایشان را غیر هلاک شدن ۝ و همچنین است گرفتن پروردگار تو چون گرفت اهل دهها را و حال آنکه ستمکار بودند

ان اخذه اليم شديد ۝ ان في ذلك لاية لمن خاف عذاب

بدرستیکه گرفتن خدا دردناک سخت است ۝ بدرستی که در این هر آینه علامتی است از برای کسی که بترسد عذاب

الاخرة ذلك يوم مجموع له الناس وذلك يوم مشهود ۝

قیامت را ۝ این روز قیامت روزیست که فراهم آمده اند در آن مردمان و این روزیست حاضر کرده شده

وما نؤخره الا لاجل معدود ۝ يوم يات لا تكلم نفس

و ما تاخیر نکنیم قیامت را مگر برای مدتی شمرده شده ۝ روزیکه بیاید آن روز سخن نگوید هیچ نفسی

الا باذنه فمنهم شقي وسعيد ۝ فاما الذين شقوا ففي النار

مگر بفرمان خدا پس بعضی ایشان بدبخت باشند و بعضی نیکبخت ۝ پس آنانکه بدبخت اند پس در آتش

هم

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ۝ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمٰوَاتُ وَ

مر ایشان راست در آن آتش فریاد سخت و ناله زار که جاوید باشند در آن ما دامیکه قایم باشد آسمانها و

الْاَرْضُ اِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ اِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ۝ وَاَمَّا

زمین مگر آنچه خواهد پروردگار تو بدرستی که پروردگار تو کننده است هر چه را خواهد و اما

الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمٰوَاتُ

آنانکه نیکبخت شدند پس در بهشتند جاویدانیان در آن ما دامیکه باشد آسمانها

وَالْاَرْضُ اِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ ۝ فَلَا تَكُ

و زمین مگر آنچه خواهد پروردگار تو عطایی غیر منقطع پس مباش تو

فِي مِرْيَةٍ مِمَّا يَعْبُدُ هٰؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ اِلَّا كَمَا يَعْبُدُ

در گمان از آنچه می پرستند ایشان نمی پرستند مگر همچنانکه می پرستیدند

اٰبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَاِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ ۝ وَ

پدران ایشان پیش از ایشان و بدرستی که ما هر آینه تمام رساننده ایم بهره ایشان را در حالی که غیر ناقص باشد و

لَقَدْ اٰتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ

بتحقیق که دادیم ما موسی را کتاب تورات پس اختلاف کردند در آن و اگر نه سخنی بود

سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَاِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ

پیشی گرفته از جانب پروردگار تو هر آینه حکم کرده شده میان ایشان و ایشان هر آینه در شک اند از قرآن گمانی که در شک افکنده

وَاِنَّ كُلًّا لَمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ اَعْمَالَهُمْ اِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

و بدرستی که هر یک چون که تمام خواهد داد ایشان را پروردگار تو جزای کردار ایشان بدرستی خدا با آنچه میکنند آگاه است

فَاسْتَقِمْ كَمَا اُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا اِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

پس مستقیم باش در این همچنانکه مامور شده و هر که توبه کرده با تو و از حد در مگذرید بدرستی که خدا با آنچه می کنید

بَصِيرٌ ۝ وَلَا تَرْكَنُوا اِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا

بیناست و میل مکنید میل اندک بسوی آنانکه ستم کردند پس برسد شما را آتش و نیست

لَكُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مِنْ اَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ ۝ وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ

مر شما را از غیر خدا هیچ دوستی پس یاری کرده نشوید و بپای دار نماز را

مراد از سموات و ارض در دو آیه سما آخرت و ارض آخرتند و آنها دایم خواهند بود و بعضی گفته اند که لفظ ما دامت السموات والارض کنایه از خلود و دوام است هر چند که سما و ارضی نباشد و منشا این کنایه آن است که تا دنیاست آسمانها و زمین هست پس عرب ازین کلام خلود می فهمد چنانکه عددی که مشهور باشد در کثرت میگویند و محض کثرت از آن میخواهند و معنی استثنا در دو آیه خالی از اشکالی نیست چه بلا خلاف اشقیا یعنی کفره هرگز از جهنم بیرون نمی آیند و سعدا یعنی مومنین هم بعد از دخول بیرون نمیروند والعلم عند الله

از حضرت صادق مرویست که مراد از طرفی نهار نماز صبح و شام است و از زلف لیل نماز خفتن و بنابراین نماز ظهر و عصر از این آیه مستفاد نیست

طرفي النهار وزلفا من الليل ان الحسنات يذهبن السيئات

و طرف روز و در ساعتها ی از شب بدرستی که نیکوئیها میبرد بدیها را

ذلك ذكرى للذاكرين ۝ واصبر فان الله لا يضيع اجر

این امر باستقامت پندیست مر یادکنندگان را ۝ و صبر کن پس بدرستی که خدا ضایع نمیکند مزد

المحسنين ۝ فلولا كان من القرون من قبلكم اولوا

نیکوکاران را ۝ پس چرا نبودند از اهل قرنها از پیش شما بودند خداوندان

بقية ينهون عن الفساد في الارض الا قليلا ممن انجينا

عقل باز میداشتند مردم را از فساد در زمین مگر اندک بودند از آنها که نجات دادیم ما

منهم واتبع الذين ظلموا ما اترفوا فيه وكانوا مجرمين ۝ وما

از ایشان و پیروی کردند آنها که ستم کردند آنچیز را که متنعم بودند در آن و بودند گناهکاران ۝ و نبود

كان ربك ليهلك القرى بظلم واهلها مصلحون ۝ ولو

و نبود پروردگار تو که هلاک کند اهل دیها را بستم و حال آنکه اهل آن اصلاح آینده گان باشند ۝ و اگر

شاء ربك لجعل الناس امة واحدة ولا يزالون مختلفين

خواستی پروردگار تو هرآینه گردانیدی مردم را یک گروه بر یک دین و همیشه باشند اختلاف کنندگان

الا من رحم ربك ولذلك خلقهم وتمت كلمة ربك لاملان

مگر آنرا که رحم کند پروردگار تو و از این قدر بیافرید ایشان را و تمام شد سخن پروردگار تو هرآینه پر سازم

جهنم من الجنة والناس اجمعين ۝ وكلا نقص عليك

دوزخ را از دیوان و آدمیان همه ۝ و هر قصه که میکنیم بر تو

من انباء الرسل ما نثبت به فؤادك وجاءك في هذه الحق

از خبرهای پیغمبران چیزیست که ثابت میگردانیم بآن دل تو را و آمده است بتو در این آنچه راستست

وموعظة وذكرى للمؤمنين ۝ وقل للذين لا يؤمنون

و پندیست و یاد بودی مر مؤمنان را ۝ و بگو مر آنها را که ایمان نمی آورند

اعملوا على مكانتكم انا عاملون ۝ وانتظروا انا منتظرون ۝

عمل کنید بر حالتی که بر آن هستید بدرستی که ما عمل کنندگانیم ۝ و انتظار برید بدرستی که ما انتظار برندگانیم

ابو حمزه ثمالی از حضرت ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام روایت نموده که روزی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روی بمردم نموده فرمود که کدام آیه است در کتاب الهی که باعث امیدواری شما بیشتر است پاره خواندند که ان الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء فرمود که این آیه نیکوست لیکن آنکه من میخواهم نیست دیگری گفت و من یعمل سوء او یظلم نفسه الآیه فرمود که این هم نیکوست اما آن نیست دیگری گفت والذین اذا فعلوا فاحشة الآیه فرمود که این هم نیکوست اما آن نیست دیگری یا ایها الذین اسرفوا علی انفسهم الآیه فرمود که نیکوست و آن نیست پس مردم ساکت شدند آنحضرت فرمود که ای گروه مسلمانان چرا ساکت شدید گفتند بخدا سوگند که دیگر آیه درین باب معلوم نیست فرمود که شنیدم از دوست خود رسول الله که امیدوارترین آیه در کتاب خدا این است که و اقم الصلوة طرفی النهار و زلفا من اللیل و تا آخر تلاوت نمود و فرمود که ای علی سوگند بآنکه مرا براستی فرستاده در حالتی که من بشارت دهنده و تخویف نماینده ام که هر کاه یکی از شما برخیزد و وضو سازد و اطراف و جوانب ...



ولله

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ
و مر خدا راست غیب آسمانها و زمین و بسوی او باز گردیده میشود کار بتمام
فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ
پس بندگی کن او را و توکل کن بر او و نیست پروردگار تو غافل از آنچه میکنید



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان
الٓر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا
منم خدای که می بینم این سوره و آیتهای او کتابی است ظاهر بدرستی ما فرستادیم کتابرا که قرآن عربی است
لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ
شاید شما تعقل کنید ما میخوانیم بر تو بهترین قصه‌ها را
بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هٰذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ
بآنچه وحی کردیم ما بسوی تو این سوره را که خوانده می شود بدرستی که تو بودی تو پیش از نزول این سوره هر آینه از
الْغَافِلِينَ إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ
بیخبران چون گفت یوسف مر پدر خود را ای پدر من بدرستی که من دیدم در خواب
عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ
یازده ستاره و آفتاب و ماه را دیدم آنها را مرا سجده کنندگان بودند
قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ
گفت یعقوب ای پسر من قصه مکن خواب خود را بر برادران خود پس حیله کنند مر تو را
كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَكَذٰلِكَ
حیله کردنی بدرستی که شیطان مر انسان را دشمنی است ظاهر و همچنین که
يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ
برگزیده تو را بر میگزیند پروردگار تو و بیاموزد تو را از تفسیر حدیث خوابها و تمام کند نعمت خود را

از
حضرت
ابی عبد الله علیه السلام مرویست
که هر که سوره یوسف را در هر روز یا
در هر شب بخواند خدای عز و جل او را
محشور میگرداند در روز قیامت و جمال
او که جمال او مانند جمال یوسف باشد
و هیچ ترسی و فزعی نه بیند و از جمله
بهترین بندگان صالح خدای
عز و جل خواهد
بود

عَلَيْكَ وَعَلَىٰٓ ءَالِ يَعْقُوبَ كَمَآ أَتَمَّهَا عَلَىٰٓ أَبَوَيْكَ مِن قَبْلُ إِبْرَٰهِيمَ

بر تو و بر فرزندان یعقوب چنانکه تمام کرد آنرا بر پدران تو پیش ازین که ابراهیم

وَإِسْحَٰقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۞ لَّقَدْ كَانَ فِى يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِۦٓ ءَايَٰتٌ

و اسحق اند بدرستی پروردگار تو دانای است کار است بحقیق که هست در قصه یوسف و برادران او نشانها

لِّلسَّآئِلِينَ ۞ إِذْ قَالُوا۟ لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَىٰٓ أَبِينَا مِنَّا وَ

قدرت مر پرسنده کان را یاد کن که گفتند برادران که یوسف و برادر او دوست تر است نزد پدر ما از ما وحال که

نَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ۞ ٱقْتُلُوا۟ يُوسُفَ أَوِ ٱطْرَحُوهُ

ما جماعتی با قوتیم بدرستی که پدر ما هر آینه در گمراهی ظاهر است گفتند بکشید یوسف را یا بیفکنید دور

أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا۟ مِنۢ بَعْدِهِۦ قَوْمًا صَٰلِحِينَ

بزمینی دور خالی از عمارت که خالی ماند از برای شما روی پدر شما و باشید شما بعد از امر یوسف گروهی نیکوکاران

قَالَ قَآئِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا۟ يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِى غَيَٰبَتِ ٱلْجُبِّ

گفت گوینده از ایشان مکشید یوسف را که بزرگ گناهیست و بیفکنید او را در قعر چاه

يَلْتَقِطْهُ بَعْضُ ٱلسَّيَّارَةِ إِن كُنتُمْ فَٰعِلِينَ ۞ قَالُوا۟ يَٰٓأَبَانَا مَا

تا فرا گیرند او را بعضی سیر کنندگان اگر هستید شما کنندگان بشورت من گفتند ای پدر ما چیست

لَكَ لَا تَأْمَ۫نَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُۥ لَنَٰصِحُونَ ۞ أَرْسِلْهُ مَعَنَا

مر ترا که ایمن نمیدانی ما را بر یوسف و بدرستی که ما مر او را هر آینه نیکخواهانیم بفرست او را با ما

غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبْ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ۞ قَالَ إِنِّى لَيَحْزُنُنِىٓ أَن تَذْهَبُوا۟

فردا بصحرا تا در عیش بخورد میوه و بازی کند و بدرستی که ما او را هر آینه نگاه دارندگانیم گفت یعقوب بدرستی که مرا هر آینه اندوهگین دارد

بِهِۦ وَأَخَافُ أَن يَأْكُلَهُ ٱلذِّئْبُ وَأَنتُمْ عَنْهُ غَٰفِلُونَ ۞ قَالُوا۟

اینکه ببرید او را و میترسم اینکه بخورد او را گرگ و شما از او بیخبران باشید گفتند

لَئِنْ أَكَلَهُ ٱلذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّآ إِذًا لَّخَٰسِرُونَ ۞

بخدای هرگاه بخورد او را گرگ و ما گروه توانائیم بدرستی ما در آن هنگام باشیم زیانکاران

فَلَمَّا ذَهَبُوا۟ بِهِۦ وَأَجْمَعُوٓا۟ أَن يَجْعَلُوهُ فِى غَيَٰبَتِ ٱلْجُبِّ ۚ وَأَوْحَيْنَآ

پس چون ببردند برادران یوسف را و اجماع کردند که بیفکنند او را در قعر چاه و وحی کردیم ما



إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَٰذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ وَجَآءُوٓا أَبَاهُمْ

بسوی او هر آینه خبر دهی ایشان را باین کار ایشان و ایشان نمیدانند و آمدند نزد پدر خود

عِشَآءً يَبْكُونَ ۝ قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا

شبانگاه گریه کنان گفتند ای پدر ما بدرستی که ما رفتیم پیشی میکردیم بر هم بدویدن و واگذاشتیم

يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ

یوسف را نزد متاع خود پس خورد او را گرگ و نیستی تو ای پدر باور دارنده

لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ ۝ وَجَآءُو عَلَىٰ قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ

ما را و اگرچه باشیم راستگویان و آوردند بر پیراهن او خونی دروغ گفت

بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ

یعقوب بلکه زینت داد برای شما نفسهای شما کاری را پس کار من صبریست نیکو و خدا یاری خواسته شده

عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ۝ وَجَآءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ

بر آنچه وصف می کنید و آمدند کاروان روز چهارم پس فرستادند آب کشنده خود را

فَأَدْلَىٰ دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَىٰ هَٰذَا غُلَامٌ وَأَسَرُّوهُ بِضَاعَةً

پس فرو گذاشت دلو خود را گفت ای مژده این پسریست و پنهان کردند او را برای تجارت

وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ۝ وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ

و خدا داناست بآنچه می کنند و فروختند یوسف را بهای اندک که درم چند بود شمرده شده

وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ ۝ وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ

و بودند در باره او از بی رغبتان و نامهربان و گفت آنکس که خرید او را از اهل مصر از

لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَٰلِكَ

مر زن خود زلیخا را که گرامی دار آرامگاه او را شاید که سود دهد ما را یا بگیریم او را بفرزندی و همچنین

مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ

جای دادیم مر یوسف را در زمین و تا بیاموزانیم او را از تعبیر خوابها

وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَلَمَّا

و خدا غالبست بر امر او و لیکن بیشتر مردمان نمیدانند و آن هنگام

بعضی
گفته اند که
استباق ایشان بتیراندازی
بوده که گرو و در این شریعت هم جایز و محمود است
و بعضی اسب تازی و برخی گفته اند که آن
مسابقت باقدام بوده و گرو دویدن در آن شریعت
ایشان مجوز بوده

بیضاوی
روایت کرده که چون یعقوب پیراهن خون
آلود را دید بر روی خود مالید تا آنکه روی
مبارکش با آن خون رنگین شد و گفت تا امروز
گرگی حلیم تر از این گرگ ندیدم پسر مرا خورد و
پیراهنش را پاره نکرده و گفته اند ازین جهت گفت

بل سولت لکم انفسکم
امرا
از
حضرت
علی ابن الحسین علیهما السلام مرویست که
آن بیست درهم بوده و بیجده درهم از حضرت
صادق روایت شده و مفسرین بیست و
دو درهم گفته اند و مشهور آنست که بایع
برادران یوسف بوده و گفته اند که یهودا
هر روز بر سر چاه می آمد و تعهد او مینمود چون مطلع
شد که قافله او را از چاه بر آورده برادران را
آگاه نموده آمدند و او را بمالک که سالار قافله
بود فروختند و مؤید اوست کانوا فیه من الزاهدین

بلغ اشده اتيناه حكما وعلما وكذلك نجزي المحسنين
گو رسیده باشد او بیختی دادیم او را نبوت و علم تعبیر و مانند این وجزا میدهیم نیکوکاران را
وراودته التي هو في بيتها عن نفسه وغلقت الابواب و
وطلب مراد کرد از یوسف که یوسف در خانه او بود از نفس خود و بست درهای خانه را و
قالت هيت لك قال معاذ الله انه ربي احسن مثواي انه
گفت که پیش من آی که من از توام گفت پناه میبرم بخدا بدرستی که پروردگار من نیکو ساخت جایگاه مرا بدرستیکه
لا يفلح الظالمون ولقد همت به وهم بها لولا ان راى
رستگار نمیشوند ستمکاران و بدرستی که قصد کرد او وقع زن را اگر ندیدی یوسف راه
برهان ربه كذلك لنصرف عنه السوء والفحشاء انه من
روشن پروردگار خود را همچنین نمودیم تا بگردانیم از یوسف بدی و کردار زشت را بدرستی که او از
عبادنا المخلصين واستبقا الباب وقدت قميصه
بندگان خالص ماست و پیشی گرفت یوسف بفرار و زلیخا بدر خانه و درید زلیخا پیراهن یوسف را
من دبر والفيا سيدها لدا الباب قالت ما جزاء من اراد
از پس پشت در گشادن و دریافتند هردو عزیز زن را نزدیک در گفت زلیخا با عزیز که چیست جزای کسی که اراده کند
باهلك سوءا الا ان يسجن او عذاب اليم قال هي راودتني
باهل تو بدی را مگر آنکه زندان کرده شود یا بعذاب دردناک گفت یوسف زلیخا درخواست مرا
عن نفسي وشهد شاهد من اهلها ان كان قميصه قد
از نفس من و گواهی داد گواهی دهنده از کسان زلیخا که کودک شیرخواره بود اگر هست پیراهن یوسف پاره
من قبل فصدقت وهو من الكاذبين وان كان
از پیش پس راست میگوید زلیخا و یوسف از دروغگویان است و اگر باشد
قميصه قد من دبر فكذبت وهو من الصادقين فلما را
پیراهن یوسف پاره از پشت سر پس دروغ گفت زلیخا و یوسف از راستگویان است پس چون دید
قميصه قد من دبر قال انه من كيدكن ان كيدكن
پیراهن یوسف پاره شده از پشت گفت عزیز بدرستی که این از کید شماست بدرستی که حیله شما زنان

از حضرت صادق مرویست که برهان پروردگار او نبوتی بود که حق تعالی باو داده بود که مانع ارتکاب فواحش است و علم شریعتی که صارف از قبایح و بنا بر این اشکالاتی که در این آیه شده است همه مندفع میشود چه خلاصه مضمون این است که اگر نبوت و حکمت بآنحضرت داده نشده بودی نزدیک بودی که او هم اراده کند و بسبب این دو مانع عظیم این اراده از وی صادر نشد

شاهد طفلی بود در پیش ماهه خواهرزاده زلیخا و بقولی مردی دانا از خویشان زلیخا بود و بقولی آن مرد عم زاده زلیخا بود

عظيم ۝ يوسف اعرض عن هذا واستغفري لذنبك انك

بزرگست ۝ گفت یوسف دوری کن از این و ای زلیخا طلب آمرزش کن مر گناه خود را بدرستی که تو

كنت من الخاطئين ۝ وقال نسوة في المدينة امرات العزيز

بودی از خطاکاران ۝ و گفتند جمعی از زنان در شهر مصر که زن عزیز

تراود فتاها عن نفسه قد شغفها حبا انا لنريها في ضلال

طلب کرده غلام خود را از نفس خود و بدرستی که یوسف شکافته دل او را از دوستی که ما می بینیم زلیخا را در گمراهی

مبين ۝ فلما سمعت بمكرهن ارسلت اليهن واعتدت

آشکار ۝ پس هنگامی که شنید زلیخا حیله ایشان را فرستاد بسوی زنان و آماده کرد

لهن متكا واتت كل واحدة منهن سكينا وقالت اخرج

برای ایشان تکیه گاه و داد هر یک از زنان را کاردی و گفت یوسف را که بیرون آی

عليهن فلما راينه اكبرنه وقطعن ايديهن وقلن حاش

بر زنان ۝ پس چون دیدند یوسف را بزرگ دیدند او را و بریدند دستهای خود را و گفتند پاکست

لله ما هذا بشرا ان هذا الا ملك كريم ۝ قالت فذلكن الذي

خدا از عجز نیست این آدمی نیست این مگر فرشته گرامی ۝ گفت زلیخا پس این غلام هست که

لمتنني فيه ولقد راودته عن نفسه فاستعصم ولئن لم

کردید ملامت مرا در آن و بتحقیق که من خواستم او را از نفس او پس نگاه داشت خود را و اگر چنانچه

يفعل ما امره ليسجنن وليكونا من الصاغرين ۝ قال رب

نکند یوسف آنچه امر کنم او را هر آینه بزندان کرده شود و هر آینه که باشد از خوارشدگان ۝ گفت یوسف ای پروردگار

السجن احب الي مما يدعونني اليه والا تصرف عني كيدهن

زندان دوست تر است نزد من از آنچه میخوانند مرا بسوی او و اگر نگردانی از من بدی در حیله ایشان را

اصب اليهن واكن من الجاهلين ۝ فاستجاب له ربه

میل کنم بسوی زنان و باشم از جمله نادانان ۝ پس اجابت کرد برای او پروردگار او

فصرف عنه كيدهن انه هو السميع العليم ۝ ثم بدا لهم

پس گردانید از او حیله و بدی زنان را بدرستی که او شنوا و داناست ۝ پس ظاهر شد مر ایشان را

ابو حمزه ثمالی از حضرت علی ابن الحسین علیهما السلام روایت کرده که چون آن زنان از مجلس برخواستند هر یک از ایشان پنهانی بخدمت آنحضرت فرستادند و خواستند جای زیارت و دیدن او را نمودند و بعضی از مفسرین گفته اند که آن زنان از زلیخا التماس نمودند که مرخص سازد هر یک را که با آنحضرت خلوت نموده خواستند جای قضای حاجت زلیخا از وی باشند و بعد از خلوت هر یک برای خود خواستند دعا نمودند

مِن بَعدِ ما رَاَوُا الاٰياٰتِ لَيَسجُنُنَّهُ حَتّیٰ حِينٍ ۝ وَدَخَلَ مَعَهُ

از پس آنچه دیدند دلایل و علامات عصمت یوسف را آینه در زندان کنند او را وقتی مقرر و در آمد با یوسف

السِّجنَ فَتَيانِ قالَ اَحَدُهُمآ اِنّی اَرانی اَعصِرُ خَمراً وَقالَ الاٰخَرُ

زندان را دو جوان بنده پادشاه گفت یکی از ایشان بدرستی که من میبینم که می افشردم شراب را گفت دیگری

اِنّی اَرانی اَحمِلُ فَوقَ رَأسی خُبزاً تَأكُلُ الطَّيرُ مِنهُ نَبِّئنا

بدرستی که من دیدم که برداشته ام بالای سر خود نان را که میخوردند مرغان از آن نان خبر ده ما را

بِتَأويلِهِ اِنّا نَرٰيكَ مِنَ المُحسِنينَ ۝ قالَ لا يَأتيكُما طَعامٌ تُرزَقانِهِ

از تعبیر این خواب بدرستی که ما میبینیم ترا از نیکوکاران گفت یوسف نیاید بشما خوردنی که روزی داده شوید

اِلّا نَبَّأتُكُما بِتَأويلِهِ قَبلَ اَن يَأتِيَكُما ذٰلِكُما مِمّا عَلَّمَنی رَبّی

آن مگر آنکه خبر دهم شما را از تعبیر آن خواب پیش از آنکه بیاید بشما آن خبر این از خبرهاست که آموخت مرا پروردگار

اِنّی تَرَكتُ مِلَّةَ قَومٍ لا يُؤمِنونَ بِاللّٰهِ وَهُم بِالاٰخِرَةِ هُم كافِرونَ

بدرستیکه من ترک کرده ام کیش گروهی را که نمیگروند بخدا و ایشان بقیامت ایشان کافرانند

وَاتَّبَعتُ مِلَّةَ اٰبائی اِبرٰهيمَ وَاِسحٰقَ وَيَعقوبَ ما كانَ لَنا

و پیروی کردم کیش پدران خود ابراهیم و اسحق و یعقوب را نسزد ما را

اَن نُشرِكَ بِاللّٰهِ مِن شَیءٍ ذٰلِكَ مِن فَضلِ اللّٰهِ عَلَينا وَعَلَی

آنکه شرک آوریم بخدا چیزی را این بینائی از فضل خداست بر ما و بر

النّاسِ وَلٰكِنَّ اَكثَرَ النّاسِ لا يَشكُرونَ ۝ يا صاحِبَیِ السِّجنِ

مردمان و لیکن بیشتر مردمان شکر نمیکنند ای دو صاحب من در زندان

ءَاَربابٌ مُتَفَرِّقونَ خَيرٌ اَمِ اللّٰهُ الواحِدُ القَهّارُ ۝ ما تَعبُدونَ

آیا خداوندان پراکنده کان بسیار بهترست یا خدای یگانه غالب بر همه نمی پرستید

مِن دونِهِ اِلّا اَسمآءً سَمَّيتُموها اَنتُم وَاٰباؤُكُم ما اَنزَلَ اللّٰهُ بِها

غیر از خدا مگر نامهائی چند که نام نهاده اید آنرا شما و پدران شما خدایان فرو نفرستاد خدای بآن

مِن سُلطانٍ اِنِ الحُكمُ اِلّا لِلّٰهِ اَمَرَ اَلّا تَعبُدوا اِلّا اِيّاهُ ذٰلِكَ

آنها هیچ حجتی نیست حکم پرستش مگر برای خدا امر کرده که نپرستید مگر او را این است

حاصل
بدا مقدر است
و لیسجننه مفسر اوست و گویا
گفته ثم بدا لهم السجن و بدا بمعنی ظهور است
و مراد از آیات علاماتی است که دلالت بر
عصمت یوسف داشت از پاره شدن پیراهن
از عقب و گواهی طفل و بریدن زنان دستهای
خود را و بعضی گفته اند که مراد علامات
هوس زلیخاست

یعنی
تعبیری کنم که صدق آن بر شما ظاهر شود
پیش از آنکه طعام شما بیاید و آنچه تعبیر نمایم
واقع شود پیش از
آن

گویند
بعد از تعبیر خواب
که آن مرد مصلوب گفت دروغ گفتم خوابی ندیده
بودم فرمود که اگر دیده و اگر ندیده تعبیرش
واقع میشود و بعضی گفته اند که بحسب آنچه خوابها
دیده شده بود و برای آنحضرت چون منظور بود
که علم تعبیر میدانم آنخوابها را وضع کرده
بودند و از طرق اهل بیت علیهم السلام مرویست
که مصلوب آنخواب را وضع کرده
و دیگران در واقع در
واقعه دیده
بودند

الدین

الدین القیم ولکن اکثر الناس لا یعلمون ۝ یا صاحبی

دین حق درست و لیکن بیشتر مردمان نمی دانند ای دو مصاحب

السجن اما احدکما فیسقی ربه خمرا و اما الاخر فیصلب فتاکل

زندان من اما یکی از شما پس سیراب کند و بیاشاماند پروردگار و آقای خود را شراب و اما دیگری پس بر آویخته شود پس بخورند

الطیر من راسه قضی الامر الذی فیه تستفتیان ۝ وقال

مرغان شکاری از سر او حکم کرده شد کار در خواب شما که در ان خواب طلب تعبیر کردید و گفت یوسف

للذی ظن انه ناج منهما اذکرنی عند ربک فانسه

مر آنکس را که گمان کرد او که رستگار بود از آن دو نفر یاد کن مرا نزد پروردگار خود پس فراموش گردانید

الشیطان ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین ۝ وقال

شیطان یاد کردن پروردگار را پس درنگ کرد یوسف در زندان هفت سال و گفت

الملک انی اری سبع بقرات سمان یاکلهن سبع عجاف

پادشاه با خواص در کشتی که در خواب دیدم هفت گاو فربه بنیکو که میخورند آنها را هفت گاو لاغر

وسبع سنبلات خضر واخر یابسات یا ایها الملا افتونی

و هفت خوشه گندم سبز و هفت دیگر خشک ای بزرگان فتوی دهید

فی رؤیای ان کنتم للرؤیا تعبرون ۝ قالوا اضغاث احلام

در تعبیر خواب من اگر هستید مر خواب را تعبیر کننده گفتند این خواب شوریده پریشان

وما نحن بتاویل الاحلام بعالمین ۝ وقال الذی نجا منهما

و نیستیم ما بتعبیر خوابهای شوریده دانایان و گفت آنکسی که نجات یافت از ان

وادکر بعد امة انا انبئکم بتاویله فارسلون ۝ یوسف

و بیاد آورد حکایت یوسف را بعد از هفت سال من خبر دهم شما را بتعبیر آن پس بفرستید مرا بزندان گفت ای یوسف

ایها الصدیق افتنا فی سبع بقرات سمان یاکلهن سبع

ای بسیار راستگو فتوی ده ما را در هفت گاو فربه که میخورند هفت

عجاف وسبع سنبلات خضر واخر یابسات لعلی ارجع

گاو لاغر را و هفت خوشه گندم سبز و هفت دیگر خشک شاید که من برگردم

از حضرت صادق صلوات الله علیه منقول است که جبرئیل در زندان بر آنحضرت نازل شد و با وی گفت ای یوسف که ترا نیکوترین خلایق گردانید گفت پروردگار من گفت که ترا دوست تر از برادران گردانید گفت پروردگار من گفت که فرمود ستارها را که سجده تو کنند فرمود پروردگار من گفت که حضرت سنگ را از تو باز داشت ... فرمود پروردگار من گفت که تو را از چاه نجات داد گفت پروردگار من گفت که ... پروردگار من ... پروردگار تو میگوید که چه چیز باعث آن شد که حاجت خود را از مخلوقی خواهی ... بعلت آن گفتار چند سال در زندان بمانی

و هم از آنحضرت مرویست که یوسف در زندان ... گریست که در و دیوار زندان از گریه او بگریه در آمدند

و هم از آنحضرت مرویست که جبرئیل در زندان تعلیم وی نمود که در عقب هر نمازی بگوید اللهم اجعل لی فرجا و مخرجا و ارزقنی من حیث احتسب و من حیث لا احتسب و از آنحضرت مرویست که چون مدت حبس یوسف منقضی شد و خدای عزوجل رخصت داد که دعای فرج بخواند یوسف طرف روی را بر زمین نهاد و گفت اللهم ان کانت ذنوبی قد اخلقت وجهی عندک فانی اتوجه الیک بوجه آبائی الصالحین

إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا

بسوی مردمان شاید ایشان بدانند گفت یوسف که زراعت کنید هفت سال بعادت مستمر پس انچه

حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ ثُمَّ

بدروید پس بگذارید او را در خوشه آن مگر اندکی از آنچه میخورید پس

يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا

بیاید بعد از این سالها هفت سال سخت که بخورند مردمان آنچه پیش کرده اید برای ایشان مگر اندکی

مِمَّا تُحْصِنُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ

از آنچه نگاه دارید پس بیاید بعد از این سالها که در آن سال فریاد رسیده شوند مردمان

وَفِيهِ يَعْصِرُونَ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ

و در این سال بیفشرند انگور و غیره و گفت پادشاه بیارید یوسف را نزد من پس چون آمد فرستاده بیوسف

قَالَ ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ

گفت یوسف برگرد بسوی پروردگار خود پس سوال کن او که چیست حال زنانی که بریدند دستهای خود را

إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدْتُنَّ

بدرستی که پروردگار من بحیلهای ایشان داناست گفت پادشاه زنان را که چه بود حال کار شما چون خواستید

يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ

یوسف را از نفس او گفتند زنان که پاکست خدا از عجز آنچه ندانستیم ما بر یوسف هیچ بدی

قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ

گفت زن عزیز حالا ثابت و مستقر شد حق من خواستم او را از نفس او

وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ذَٰلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ

و بدرستی که یوسف بود هر آینه از راستگویان این برای آن بود تا بداند که من خیانت نکردم او را در نهان او

وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ

و بدرستی که خدا راه نمی نماید حیله خیانت کنندگان را و تبرئه نمیکنم من نفس خود را بدرستیکه

النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ

نفس هر آینه امر کننده است به بدی مگر آنچه رحم کند پروردگار من بدرستی که پروردگار من آمرزنده مهربانست

وقال

گویند که چون پادشاه مصر صفات کمال یوسف را دریافت گفت هیچکس قابل پادشاهی نیست چون تو خود را معزول نمود و امر حکومت را بوی گذاشت [illegible]

ذلک لیعلم مقول قول حضرت یوسف

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ
و گفت پادشاه بیارید یوسف را تا من تا خالص کنم برای نفس خود پس چون سخن گفت پادشاه
إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ ۞ قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ
بدرستی تو امروز نزد ما با جاه و امینی گفت یوسف بگردان مرا بر خزینهای زمین
إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ۞ وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَبَوَّأُ مِنْهَا
بدرستیکه من حفظ کننده و دانایم و همچنین جای دادیم ما یوسف را در زمین مصر جای گرفت از زمین
حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ
هر جا را که میخواست میرسانیم ما رحمت خود را بهر که خواهیم و ضایع نمیکنیم مزد نیکوکارانرا
وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ۞ وَجَاءَ إِخْوَةُ
و هرآینه مزد آخرت بهتر است مر آنانرا که گرویدند و بودند که پرهیز میکردند و آمدند برادران
يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ ۞ وَلَمَّا
یوسف پس داخل شدند بر یوسف پس شناخت ایشانرا و ایشان مر او را نشناسند و هنگامی که
جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي بِأَخٍ لَكُمْ مِنْ أَبِيكُمْ أَلَا تَرَوْنَ
بساخت کار ایشانرا بکارسازی ایشان گفت بیارید بسوی من برادر خود را که از جانب پدر شماست آیا نمی بینید
أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ۞ فَإِنْ لَمْ تَأْتُونِي بِهِ
که من تمام می پیمایم کیل را و من بهترین فرود آورندگانم پس اگر نیارید بمن برادر خود را
فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ ۞ قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ
پس نیست کیلی برای شما نزد من و نزدیک مشوید بولایت من گفتند زود باشد که حیله کنیم از او
أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ۞ وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ
پدر او را و بدرستی ما کننده کاریم و گفت یوسف مر غلامان خود را که بگذارید مال تجارت ایشانرا
فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ
در بارهای ایشان شاید ایشان بشناسند آنرا چون برگردند بسوی اهل خودشان شاید ایشان
يَرْجِعُونَ ۞ فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ
برگردند پس هنگامی که برگشتند بسوی پدرشان گفتند ای پدر ما منع شد از ما پیمودن طعام

در کتاب
التیسیر از حضرت
صادق روایت است که چون برادران یوسف
او را در چاه انداختند جبرئیل آمد و گفت که
ترا در چاه انداخته گفت برادرانم از حسدی که
داشتند گفت میخواهی ازین چاه برآئی گفت آری
از خدای ابراهیم و اسحق و یعقوب است جبرئیل گفت
خدای آن شه میفرماید که بگو اللهم انی اسئلک بان
لک الحمد لا اله الا انت بدیع السموات والارض
یا ذی الجلال والاکرام ان تصلی علی محمد و آل محمد
ببرکت این دعا حقتعالی در چاه برای او فرجی
مقرر فرمود و بیرون آمد از آن چاه و نجات
یافت و مکر آن زن و پادشاهی مصر
که بجمال او در نمی آمد زیور
او گردانید

فارسل معنا اخانا نكتل وانا له لحافظون ۝ قال هل
پس بفرست با ما برادر ما ابن یامین را تا کیل طعام بگیریم و بدستی ما مر او را نگاهدارندگانیم گفت آیا
امنكم عليه الا كما امنتكم على اخيه من قبل فالله خير
ایمن دارم شما را بر او مگر چنانکه ایمن داشتم شما را بر برادر او پیش ازین پس خدا بهترین
حافظا وهو ارحم الراحمين ۝ ولما فتحوا متاعهم وجدوا
حفظ کننده گانست و او بخشنده ترین بخشندگانست و هنگامیکه گشودند بار خود را یافتند
بضاعتهم ردت اليهم قالوا يا ابانا ما نبغي هذه بضاعتنا
مال تجارت خود را باز گردانیده شد بسوی ایشان گفتند ای پدر ما چه طلبیم از احسان این بضاعت ماست
ردت الينا ونمير اهلنا ونحفظ اخانا ونزداد كيل بعير
که رد کرده شد بسوی ما و طعام گیریم بجهت اهل خود و حفظ کنیم برادر ما را و زیاده ستانیم بعوض شترواری
ذلك كيل يسير ۝ قال لن ارسله معكم حتى تؤتون موثقا
این یک شتر بار کیلی اندک است گفت نفرستم او را با شما تا آنکه بیارید بمن پیمانی و عهدی
من الله لتاتنني به الا ان يحاط بكم فلما اتوه موثقهم قال
از جانب خدا که البته بیارید بمن او را مگر آنکه احاطه بشما شود پس چون دادند او را پیمان خود را گفت
الله على ما نقول وكيل ۝ وقال يا بني لا تدخلوا من باب
خدا بر آنچه میگوییم نگاهبان است و گفت ای پسران من داخل نشوید از یک دروازه
واحد وادخلوا من ابواب متفرقة وما اغني عنكم من الله
و داخل شوید از دروازه های پراکنده و دفع نمیکنم از شما از جانب خدا
من شيء ان الحكم الا لله عليه توكلت وعليه فليتوكل
هیچ چیز نیست حکم مگر خدا را بر او توکل کردم و بر او پس باید توکل کنند
المتوكلون ۝ ولما دخلوا من حيث امرهم ابوهم ما كان
توکل کنندگان و هنگامی که داخل شدند از آنجا که امر کرده بود ایشان را پدر ایشان نبود که
يغني عنهم من الله من شيء الا حاجة في نفس يعقوب قضاها
که دفع کند از ایشان از خدا هیچ چیز لیکن حاجتی بود در نفس یعقوب ظاهر کرد آنرا

از حضرت صادق صلوات الله علیه روایتی منقولست که خلاصه مضمونش این که چون فرزندان یعقوب بخدمت یوسف رسیدند عرضه داشتند که ابن یامین برادریست که بفرموده شما آمده آنحضرت ایشان را ضیافت کرده مائده گسترده فرمود که هر کدام از یک مادر بدر بر سر خوانی بنشینید ابن یامین تنها ایستاده بود پرسید که تو مگر برادر مادری نداری گفت برادری داشتم که برادران میگویند او را گرگ خورده پرسید که اندوه تو در مفارقت او بچه حد است گفت بحدی که یازده فرزند مرا شد همه را نامی که داشتم ما خوذ از نام او یوسف گفت چنان می بینم که بعد از وی دست در گردن زنان نمودی و فرزند خود را بوسیدی ابن یامین گفت آری من پدری صالح دارم مرا فرمود که زن بخواه کاه باشد که فرزندان از تو بهم رسد پس یوسف گفت بیا در خوان من رفاقت نمای و گفت من برادر توام چنانچه برادران نفهمند برادران با یکدیگر گفتند که خدا تعالی یوسف و برادرش را زیادتی داده که پادشاه مصر او را پهلوی خود نشانده با او در خوان رفاقت نموده

وانه

وَاِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِمَا عَلَّمْنَاهُ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

و بدرستی که او خداوند علم بود که آموخته بودیم ما او را و لیکن بیشتر مردمان نمیدانند

وَلَمَّا دَخَلُوا عَلٰى يُوسُفَ اٰوٰى اِلَيْهِ اَخَاهُ قَالَ اِنِّى اَنَا اَخُوكَ فَلَا

و چون داخل شدند بر یوسف جای داد یوسف بسوی خود برادر خود را بدرستی که من برادر توام پس

تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ

اندوهگین مباش بآنچه بودند که میکردند پس هنگامی که ساز کرد ایشان را بساز راه گردانید مشربه طلا را

فِى رَحْلِ اَخِيهِ ثُمَّ اَذَّنَ مُؤَذِّنٌ اَيَّتُهَا الْعِيرُ اِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ

در بار برادر خود ابن یامین پس ندا کرد ندا کننده ای کاروانیان بدرستیکه شما هرآینه دزدانید

قَالُوا وَاَقْبَلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقِدُونَ قَالُوا نَفْقِدُ صُوَاعَ

گفتند برادران در حالیکه روی آورده بر ایشان چه چیز گم کردید گفتند گم کردیم صاع

الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَاَنَا بِهِ زَعِيمٌ قَالُوا تَاللّٰهِ لَقَدْ

پادشاه را و هر کرا بیارد آنرا اوراست بار یک شتر گندم و من بآن ضامنم گفتند قسم بخدا که بتحقیق

عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِى الْاَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ قَالُوا فَمَا

میدانید شما که نیامده ایم ما تا فساد کنیم در زمین و نیستیم ما دزدان گفتند پس چیست

جَزَاؤُهُ اِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وُجِدَ فِى رَحْلِهِ فَهُوَ

جزای دزد اگر باشید شما دروغگویان گفتند جزای دزد و گرفتن کسیست که یافت شود مال در بار او پس اوست

جَزَاؤُهُ كَذٰلِكَ نَجْزِى الظَّالِمِينَ فَبَدَاَ بِاَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ

جزای دزدی او همچنین جزا میدهیم ستمکاران را پس ابتدا کرد ندبباز کردن بارها ایشان پیش از

وِعَاءِ اَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ اَخِيهِ كَذٰلِكَ كِدْنَا

ظرف بار برادر او پس بیرون آورد آن مشربه را از ظرف بار برادر او همچنین کید تدبیر دادیم ما

لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَاْخُذَ اَخَاهُ فِى دِينِ الْمَلِكِ اِلَّا اَنْ يَشَاءَ اللّٰهُ

مر یوسف را بالهام نبود یوسف تا بگیرد برادر خود را در کیش پادشاه مگر آنکه خواهد خدا

نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِى عِلْمٍ عَلِيمٌ قَالُوا

بلند میکنیم مرتبه هر کرا خواهیم و بالای هر خداوند علمی داناست گفتند

از حضرت صادق مرویست که ایشان سارق صاع نبودند و آن حضرت هم دروغ نگفت و گویا مراد آنحضرت از نسبت سرقت آن بود که یوسف را از پدرش دزدیدند و درباره او خیانت کردند

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که آن صاع از طلا بود و بعضی از نقره گفته اند و بقولی از نقره و طلا مرصع بوده است

إن يسرق فقد سرق أخ له من قبل فأسرها يوسف في نفسه

اگر دزدی کرد این یامین پس بتحقیق دزدی کرد برادر او پیش ازین پس پنهان داشت آنرا یوسف در نفس خود

ولم يبدها لهم قال أنتم شر مكانا والله أعلم بما تصفون ۝ قالوا

و اظهار نکرد آنرا برای ایشان گفت شما بدترید از روی منزلت و خدا داناست بانچه وصف میکنید گفتند

يا أيها العزيز إن له أبا شيخا كبيرا فخذ أحدنا مكانه إنا نراك

ای عزیز بدرستی که مر او را پدری پیر بزرگ است پس بگیر یکی از ما را بجای او بدرستی ما می بینیم ترا

من المحسنين ۝ قال معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا متاعنا

از نیکوکاران گفت پناه میبرم بخدا از آنکه بگیریم بکسی دزدی را مگر آنکه یافتیم متاع خود را

عنده إنا إذا لظالمون ۝ فلما استيئسوا منه خلصوا نجيا قال

نزد او بدرستی ما در آن هنگام ستمکاران باشیم پس چون ناامید شدند برادران از یوسف یکطرف شدند رازگویان گفت

كبيرهم ألم تعلموا أن أباكم قد أخذ عليكم موثقا من الله و

بزرگ ایشان آیا نمیدانید آنکه پدر شما بتحقیق گرفت بر شما عهدی محکم از جانب خدا و

من قبل ما فرطتم في يوسف فلن أبرح الأرض حتى يأذن لي

پیش ازین آنچه تقصیر کردید در حق یوسف پس زایل نشوم من از زمین مصر تا رخصت دهد مرا

أبي أو يحكم الله لي وهو خير الحاكمين ۝ ارجعوا إلى أبيكم

پدر من یا حکم کند خدا برای من و او بهترین حکم کنندگان است بازگردید بسوی پدر خود

فقولوا يا أبانا إن ابنك سرق وما شهدنا إلا بما علمنا وما كنا

پس بگوئید ای پدر ما بدرستیکه پسر تو دزدی کرد و شهادت نمیدهیم ما مگر بآنچه دانیم ما و نیستیم ما

للغيب حافظين ۝ واسأل القرية التي كنا فيها والعير التي

مرغیب را نگاه دارندگان و اگر باور نداری بپرس از اهل دهی که بودیم ما در آن و آن قافله که

أقبلنا فيها وإنا لصادقون ۝ قال بل سولت لكم أنفسكم

روی نهاده ایم در آن و بدرستی ما راستگویانیم گفت یعقوب بلکه زینت داد برای شما نفسهای شما

أمرا فصبر جميل عسى الله أن يأتيني بهم جميعا إنه هو العليم

کاری را پس کار من صبر نیکوست شاید خدا اینکه بیاورد بمن ایشان را همه بدرستی که او داناى

خلاصه

مضمون این که در دزدی یوسف یا پادشاه مصر سزاوار نبود دزد را به بندگی گرفتن لیکن چون در ملت یعقوب و برادرانش چنین بود این حیله برانگیخت از برای نگاه داشتن برادرش

اطهار صلوات الله علیهم مرویست که یعقوب علیه السلام را خواهری بود که تکفل احوال یوسف و تربیت او مینمود در شیرخوارگی و بعد از آن و چون چند سال بر آن بگذشت میرسید که یعقوب یوسف را از وی بگیرد کمر بندی که نزد او بود بر کمر او بست و ادعای آن نمود چون طریقه ایشان آن بود که دزد ملک صاحب مال میشد و بدین حیله او را نگاه داشت

از حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه مرویست که یعقوب از حق تعالی استدعای رویت ملک الموت نمود چون او را دید گفت قبض روح او شده گفت نه چون دانست که زنده است گفت یا بنی اذهبوا

الحكيم ۝ وتولى عنهم وقال يا اسفى على يوسف وابيضت

درست کارست ۝ و روی گردانید از ایشان ۝ و گفت ۝ ای اندوه من ۝ بر فراق یوسف ۝ و سفید شد

عيناه من الحزن فهو كظيم ۝ قالوا تالله تفتؤ تذكر يوسف

چشمهای او ۝ از اندوه پس او پر بود از خشم فرزندان ۝ گفتند ۝ قسم بخدا که همیشه باشی که بنالی یاد کنی یوسف را

حتى تكون حرضا او تكون من الهالكين ۝ قال انما اشكوا

تا بشوی بیمار مشرف بر موت یا باشی تو ۝ از هلاک شدگان ۝ گفت یعقوب جز این نیست که گله

بثى وحزنى الى الله واعلم من الله ما لا تعلمون ۝ يا بنى اذهبوا

میکنم اندوه خود را ۝ بسوی خدا و میدانم ۝ از خدا آنچه ۝ نمیدانید ۝ ای فرزندان من بروید

فتحسسوا من يوسف واخيه ولا تياسوا من روح الله انه لا

وتفحص کنید ۝ از یوسف ۝ و برادرش ۝ و نا امید مشوید ۝ از رحمت ۝ خدا بدرستی که او

ييأس من روح الله الا القوم الكافرون ۝ فلما دخلوا

نا امید نمیشود از رحمت ۝ خدا ۝ مگر ۝ گروه ۝ کافران ۝ پس هنگامی که داخل شدند

عليه قالوا يا ايها العزيز مسنا واهلنا الضر وجئنا ببضاعة

بر او ۝ گفتند ۝ ای ۝ عزیز ۝ رسید ما را ۝ و کسان ما را ضرر و سختی ۝ و آوردیم ما متاعی

مزجاة فاوف لنا الكيل وتصدق علينا ان الله يجزى

اندک ۝ پس تمام کن برای ما ۝ کیل را ۝ و تصدق کن ۝ بر ما ۝ بدرستی که خدا جزا میدهد

المتصدقين ۝ قال هل علمتم ما فعلتم بيوسف واخيه اذ

تصدق کنندگان را ۝ گفت یوسف آیا دانستید که ۝ چه کردید ۝ بیوسف ۝ و برادر او آنوقت

انتم جاهلون ۝ قالوا ءانك لانت يوسف قال انا يوسف و

که شما ۝ نادان بودید ۝ گفتند ۝ آیا تو البته ۝ تو ۝ یوسف ۝ گفت منم ۝ یوسف ۝ و

هذا اخى قد من الله علينا انه من يتق ويصبر فان الله لا

این ۝ برادر منست بتحقیق که منت نهاد خدا ۝ بر ما بدرستی که هر که ۝ بترسد ۝ و صبر کند ۝ پس بدرستی که خدا

يضيع اجر المحسنين ۝ قالوا تالله لقد اثرك الله علينا وان

ضایع نمیکند مزد نیکوکاران را ۝ گفتند ۝ قسم بخدا که هر آینه بتحقیق ۝ برگزید ترا ۝ خدا ۝ بر ما و بدرستی که

كُنَّا لَخَاطِئِينَ ۝ قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ

بودیم ما خطا کنندگان ۝ گفت یوسف هیچ سرزنشی نیست بر شما امروز که می آمرزد خدا مر شما را

وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۝ اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَٰذَا فَأَلْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ

و او بخشاینده ترین بخشندگانست ۝ ببرید پیراهن مرا این را پس بیفکنید او را بر روی

أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ ۝ وَلَمَّا فَصَلَتِ

پدر من تا باز گردد بینا ۝ و بیارید بسوی من کسان خود را همه ۝ و چون که جدا شد

الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ ۝

کاروان گفت پدر ایشان بدرستی من می یابم بوی یوسف را اگر مرا بنقصان عقل نسبت نکنید

قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ ۝ فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ

گفتند قسم بخدا بدرستی که تو هر آینه در گمراهی قدیمی تو ۝ پس آن هنگام که آمد مژده دهنده

أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ

انداخت پیراهن را بر روی او پس برگشت بینا ۝ گفت یعقوب آیا نگفتم مر شما را بدرستی که من داناترم از جانب خدا

مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ

آنچه نمیدانید شما ۝ گفتند ای پدر ما طلب آمرزش کن برای گناهان ما بدرستی که ما بودیم گناهکاران

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝ فَلَمَّا

گفت یعقوب زود باشد که استغفار کنم برای شما پروردگار من بدرستی که او آمرزنده مهربانست ۝ پس چون

دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ

داخل شدند بر یوسف جای داد بسوی خود پدر و مادر خود را و گفت داخل شوید در شهر مصر اگر خواهد

اللَّهُ آمِنِينَ ۝ وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ

خدا که ایمن باشید ۝ و بر داشت پدر و مادر خود را بر تخت و بروی در افتادند برای یوسف سجده کنندگان و گفت

يَا أَبَتِ هَٰذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ

ای پدر این تعبیر خواب منست پیش از این بتحقیق گردانید آنرا پروردگار من راست بتحقیق

أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ

که نیکوئی کرد بمن چون بیرون آورد مرا از زندان و آورد شما را از بادیه بعد از آنکه

گویند که یوسف از برادران پرسید که کدام یک پیراهن چون آلوده برای پدرم بردید یهودا گفت من بردم یوسف گفت این پیراهن مرا هم تو ببر ... از حضرت صادق مرویست ... از علی ابن محمد الجواد علیهما السلام مرویست که سجده یعقوب ... حق تعالی ... آدم

أن



أن نزغ الشيطان بيني وبين إخوتي إن ربي لطيف لما يشاء
فساد کرد شیطان میان من و میان برادران من بدرستی که پروردگار من لطف کننده است هر کرا خواهد
إنه هو العليم الحكيم ۞ رب قد آتيتني من الملك وعلمتني
بدرستی که او دانای حکیم است پروردگارا بتحقیق که دادی مارا پادشاهی و آموختی مارا
من تأويل الأحاديث فاطر السموات والأرض أنت وليي في
از تعبیر خوابها ای پیدا کننده آسمانها و زمین تو یاور منی در
الدنيا والآخرة توفني مسلما وألحقني بالصالحين ۞ ذلك
دنیا و آخرت بمیران مرا مسلمان و برسان مرا بنیکوکاران این قصه یوسف
من أنباء الغيب نوحيه إليك وما كنت لديهم إذ أجمعوا
از اخبار غیبست که ما وحی کردیم او را بسوی تو و نبودی تو نزد ایشان چون جمع کردند
أمرهم وهم يمكرون ۞ وما أكثر الناس ولو حرصت بمؤمنين
امر خود را و ایشان مکر میکردند و نیستند بسیاری از مردم و اگر حریصی تو بایمان آوردن
وما تسألهم عليه من أجر إن هو إلا ذكر للعالمين ۞ و
و نمیخواهی از ایشان بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست او مگر پندی مر عالمیان را و
كأين من آية في السموات والأرض يمرون عليها وهم عنها
بسا از نشانهای قدرت ما در آسمانها و زمینست که میگذرند معاندان بر او بر آنها و ایشان از آنها
معرضون ۞ وما يؤمن أكثرهم بالله إلا وهم مشركون ۞
اعراض کننده کانند و ایمان نمی آرند بیشتر ایشان بخدا مگر آنکه ایشان مشرکانند
أفأمنوا أن تأتيهم غاشية من عذاب الله أو تأتيهم الساعة
آیا ایمن شدند که بیاید ایشان را پوشیده از عذاب خدا یا بیاید ایشان را قیامت
بغتة وهم لا يشعرون ۞ قل هذه سبيلي أدعوا إلى الله على
ناگهان و ایشان نمیدانند بگو این راه منست که میخوانم مردم را بسوی خدا بر
بصيرة أنا ومن اتبعني وسبحان الله وما أنا من المشركين ۞
بینائی من و هر که پیروی کرد و پاکست خدا و نیستم من از مشرکان

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِم مِّنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ

و نفرستادیم ما پیش از تو مگر مردانی که وحی میکنیم ما بسوی ایشان از اهل دیها

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن

آیا پس سیر نمیکنند در زمین پس بنگرند که چگونه بود سرانجام آنانکه

قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ حَتَّىٰ إِذَا

پیش از ایشان هر آینه سرای آخرت بهتر است مر آنانرا که پرهیزکردند آیا پس تعقل میکنند تا اگر

اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ

نومید شدند پیغمبران وگمان کردند بدرستیکه ایشان بتحقیق دروغگوی شدند آمد ایشانرا یاری ما پس نجات

مَن نَّشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ لَقَدْ كَانَ فِي

هر کرا خواستیم و باز گردانیده نشود عذاب ما از گروه گناهکاران بدرستیکه هست در

قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن

قصه های ایشان پندی مر خداوندان خرد هارا نیست قرآن سخن دروغ و لیکن

تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً

هست تصدیق آنچیزی که بود پیش روی او و تفصیل هر چیزی و راه نماینده و وسیله رحمت

لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

برای قومی که میگروند

سورة الرعد ثلاث واربعون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

المر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ الْحَقُّ

منم خدائی که میدانم این آیتها آیات قرآن است وآنچیزیست که فرستاده بسوی تو از پروردگار تو راست

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ

و لیکن بیشتر مردم نمیگروند خدای آنکه برافراشت آسمانها

بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

بی ستون که ببینند آنرا پس قصد کرد بر استوار و آفریدن عرش و رام کرد آفتاب و ماه را

از حضرت نبی علیه السلام مرویست که هر که سوره رعد را بسیار بخواند حقتعالی او را بحساب بهشت برد و او را شفاعت دهد و او را در جمیع اهل بیت و آشنا و برادران او و بر خویشان و همسایگان او

كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ
هر یک میرود تا وقتی نام برده شده تدبیر میکند کار عالم را بیان میکند آیات را شاید شما برسیدن جزای
رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ
پروردگار شما یقین کنید ۝ و او ست آنکه گشید ۝ زمین را بر آب و گردانید در آن کوهها
وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشِي
و نهرها ۝ و از همه ۝ میوه ها ۝ گردانید در آن ۝ دو صنف ۝ می پوشاند
اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَفِي
شب را ۝ بروز ۝ بدرستیکه در آن ۝ هر آینه نشانهاست مرگروه را که فکر می کنند ۝ و در
الْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ
زمین پارهاست ۝ پیوسته مزروع و غیر مزروع بوستانها ۝ از ۝ انگور ۝ وکشتها ۝ و درخت خرما
صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَىٰ بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ
چند شاخ بهم ۝ و غیر چند شاخ ۝ آب داده میشوند بآبی ۝ یگانه ۝ و زیادتی میدهیم بعضی را ۝ بر
بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ
بعضی ۝ در ۝ میوه ۝ بدرستیکه در ۝ این هر آینه نشانهاست مرگروهی را که تعقل کنند
وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ
و اگر ۝ عجب میداری پس تعجب کرده گفتار ایشانرا آیا چون باشیم خاک آیا آنوقت که ما باشیم هر آینه در آفرینش تازه
أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ
آنانند ۝ که ۝ کافر شدند ۝ بپروردگار خود ۝ و آن گروه ۝ طوقها ۝ در گردنهای ایشان است
وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ
و آن گروه ۝ یاران آتشند ایشان ۝ در آن جاوید مانندگانند ۝ وطلب تعجیل میکنند از تو بعذاب جزا
قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثُلَاتُ وَإِنَّ رَبَّكَ
پیش از خوبی و عاقبت ۝ و بتحقیق گذشته ۝ پیش از ایشان ۝ عقوبتهای مثال ایشان و بدرستیکه پروردگار تو
لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَىٰ ظُلْمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ
هر آینه خداوند آمرزش ۝ مردمان است ۝ بر ستم ۝ ایشان ۝ و بدرستی پروردگار تو ۝ هر آینه سخت عقوبتست

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ
ومیگویند آنانکه کافر شدند چرا فرستاده نمیشود براو نشانه از پروردگار او جز این نیست
مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ۝ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى وَمَا
که تو بیم کننده و برای هر گروهی هدایت کننده ایست خدا میداند آنچه برمیدارد هر زنی و آنچه
تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ ۝ عَالِمُ
بکاهد رحمها و آنچه زیاده میسازد از خلقت و هر چیز نزد اوست باندازه ایست دانای
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ ۝ سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَّ
نهان و آشکار بزرگوار عظیم الشان برتر یکسانست از شما در علم او هر که پوشاند
الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ
سخنی را و هر که آشکار کند با مردم و هر که طلب کننده خفاست در شب و ظاهر کننده خود است در روز
لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ
مر آنکس را فرشتگانند از پیش روی او و از پس او که نگاه میدارند او را بفرمان خدا
إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ
بدرستی که خدا تغییر نمیدهد آنچه با گروهی باشد تا تغییر دهند آنچه در نفسهای ایشانست و چون خواهد خدا
بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ ۝ هُوَ الَّذِي
بگروهی بدی عذاب پس بازگردانیدن نیست مر او را و نیست مر آن قوم را بغیر از خدا هیچکس متولی اوست آنکه
يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ ۝ وَ
بنماید شما را برق برای ترس مسافر و طمع مقیم بباران و پدید آورد ابرهای گران را و
يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ
تسبیح میگوید رعد بحمد خدا و فرشتگان از ترس خدا و فرو میفرستد صاعقه ها را
فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ
پس میرساند بآن هر کرا میخواهد و ایشان جدل میکنند در شان خدا و او سخت
الْمِحَالِ ۝ لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ
توانست مر خدار است خواندن بحق که لا اله الا الله است و آنانکه میخوانند جز از وی اجابت نمی کنند

لهم بشيء الا كباسط كفيه الى الماء ليبلغ فاه وما هو ببالغه

و ایشان از اجابت چیزی مگر مانند کسی که بگشاید هر دو دست خود را بسوی آب تا برسد آب بدهن او و نیست او رسنده بدهن

وما دعاء الكافرين الا في ضلال ۞ ولله يسجد من في

و نیست خواندن کافران مگر در گمراهی و مر خدا را سجده میکنند کسی که در

السموات والارض طوعا وكرها وظلالهم بالغدو والاصال

آسمانها و زمین است از روی رغبت و کراهت و سایه های ایشان بامداد و مغرب

قل من رب السموات والارض قل الله قل افاتخذتم من دونه

بگو کیست پروردگار آسمانها و زمین بگو خدا بگو آیا پس فرا گرفتید بجز از خدا

اولياء لا يملكون لانفسهم نفعا ولا ضرا قل هل يستوي

دوستان مالک نیستند برای نفسهای خود نفعی و نه دفع ضرری بگو آیا برابر باشد

الاعمى والبصير ۞ ام هل تستوي الظلمات والنور ۞ ام

نابینا و بینا یا آیا برابر است تاریکی شرک و روشنائی ایمان یا

جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشابه الخلق عليهم

ساختند برای خدا شریکان که بیافریدند چون آفریدن خدا پس مشابه شد آفریده بر ایشان

قل الله خالق كل شيء وهو الواحد القهار ۞ انزل من

بگو خدا آفریننده هر چیز است و اوست یگانه غالب بر همه فرو فرستاد از

السماء ماء فسالت اودية بقدرها فاحتمل السيل زبدا

آسمان آب پس روان شد رودخانها باندازه آن پس برداشت آن آب روان کف

رابيا ومما يوقدون عليه في النار ابتغاء حلية او متاع زبد

بلند را و بار او از آنچه می افروزند بر او در آتش چون زر و نقره برای طلب زینت یا برای ظروف کفی است

مثله كذلك يضرب الله الحق والباطل ۞ فاما الزبد

مانند کف آب همچنانکه مثل میزند خدا حق و باطل را پس اما کف روی آب

فيذهب جفاء واما ما ينفع الناس فيمكث في الارض كذلك

پس میرود در حال مطروح و آنچه سود رساند مردم را پس میماند درنگ در زمین همچنین

حق تعالی

در این آیه دو مثل زده برای حق و باطل چنانکه در کریمه کذلک یضرب الله الحق والباطل تصریح بآن شده و اول تشبیه نموده حق را بآب صافی که از آسمان جاری شده منافع بسیار بر آن مترتب میشود از آشامیدن و تطهیر و زراعات و امثال آن و باطل را بکفی که بر روی سیل نشیند که اصلا از آن حاصل نیست و ثانیا تشبیه نموده حق و باطل را بمعدنیاتی که با آتش گداخته میشود خالص از آن بر می آید که زیور و ظرف از آن سازند و غش آن بکف بر می آید و دور می اندازند و بهیچ کار نمی آید و حق ثابت است و باطل چون نفی

يضرب الله الامثال للذين استجابوا لربهم الحسنى والذين

ميزند خدا مثلها را مر آنان را كه اجابت نمودند مر پروردگار شان را ثواب نيكوست و آنانكه

لم يستجيبوا له لو ان لهم ما في الارض جميعا ومثله معه

اجابت نكردند مر او را اگر باشد مر ايشان را آنچه در زمين است همه و مانند او با او باشد

لافتدوا به اولئك لهم سوء الحساب ومأويهم جهنم وبئس

هر آينه فدا كنند آنرا آن گروه مر ايشان راست بدى شمار و جايگاه ايشان دوزخ است و بد است

المهاد افمن يعلم انما انزل اليك من ربك الحق كمن هو

آرامگاه آيا پس آنكه ميداند كه آنچه فرستاده شد بسوى تو از پروردگار تو راست است مانند كيست كه او

اعمى انما يتذكر اولوا الالباب الذين يوفون بعهد الله

كور باشد جز اين نيست كه پند مى پذيرند خداوندان خردها آنانكه وفا ميكنند بعهد خدا

ولا ينقضون الميثاق والذين يصلون ما امر الله به ان

و نمى شكنند پيمان را و آنانكه مى پيوندند آنچه امر كرد خدا بآن آنكه

يوصل ويخشون ربهم ويخافون سوء الحساب والذين

پيوند كنند و مى ترسند از پروردگار خود و مى ترسند از بدى حساب و آنانكه

صبروا ابتغاء وجه ربهم واقاموا الصلوة وانفقوا مما رزقناهم

صبر كردند براى طلب رضاى پروردگار خود و بپاى داشتند نماز را و نفقه كردند از آنچه روزى داديم ايشان را

سرا وعلانية ويدرءون بالحسنة السيئة اولئك لهم عقبى

پنهان و آشكارا و دفع ميكنند بنيكوئى بدى را آن گروه مر ايشان راست سرانجام خانه

الدار جنات عدن يدخلونها ومن صلح من ابائهم وازواجهم

نيكو بوستانهاى باقامت داخل مى شوند در آن و هر كه شايسته باشد از پدران ايشان و زنان ايشان

وذرياتهم والملئكة يدخلون عليهم من كل باب

و فرزندان ايشان و فرشتگان در آيند بر ايشان از هر درى

سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار والذين ينقضون

رحمت بر شما باد بسبب آنچه صبر كرديد پس خوب سرانجامى است آن سراى و آنانكه مى شكنند



آنچه خدا تعالى امر نموده بوصل و پيوند بهمه شامل صله رحم و رعايت حق اولى القربى اعنى اهل بيت رسالت صلى الله عليه و آله هر دو است بلكه شامل صله مؤمنين نيز هست از حضرت ابى عبد الله مرويست كه رسول خدا فرمود كه نكوئى با پدر و مادر و صله رحم حساب را آسان ميگرداند پس اين آيه را تلاوت فرمود و از حضرت موسى بن جعفر عليهما السلام مرويست كه در تفسير اين آيه فرمود كه رحم آل محمد است [illegible] اللهم صل من وصلنى و اقطع من قطعنى [illegible] يعنى مقصود بالذات ازين آيه امر بصله آل محمد است و بالتبع در هر رحمى جارى شد

عهد الله من بعد ميثاقه ويقطعون ما امر الله به ان يوصل
عهد خدا را از بعد پیمان خود را و می برند آنچه امر کرده خدا آن که پیوستن آن
ويفسدون في الارض اولئك لهم اللعنة ولهم سوء الدار
و تباهی می کنند در زمین آن گروه مر ایشانراست دوری از رحمت و مر ایشانراست بدی سرای آخرت
الله يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر وفرحوا بالحيوة الدنيا
خدا می گشاید روزی را برای هر که خواهد و تنگ میسازد و شاد شدند بزندگانی دنیا
وما الحيوة الدنيا في الاخرة الا متاع ويقول الذين كفروا
و نیست زندگانی دنیا در آخرت مگر برخورداری اندک و گویند آنانکه کافر شدند
لولا انزل عليه اية من ربه قل ان الله يضل من يشاء ويهدي
چرا فرو فرستاده نشد بر او آیتی از پروردگار او بگو بدرستی که خدا گمراه میکند هر که را خواهد و راه مینماید
اليه من اناب الذين امنوا وتطمئن قلوبهم بذكر الله الا
بسوی خود هر که بازگردد آنانکه گرویدند و آرام میابد دلهای ایشان بیاد کردن خدا بدانید
بذكر الله تطمئن القلوب الذين امنوا وعملوا الصالحات
که بیاد خدا آرام می یابد دلها آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته
طوبى لهم وحسن ماب كذلك ارسلناك في امة قد خلت
زندگانی خوش ایشانراست و نیکو بازگشت همچنان فرستادیم ترا در میان گروهی که گذشته اند
من قبلها امم لتتلوا عليهم الذي اوحينا اليك وهم يكفرون
پیش از ایشان امتها تا بخوانی بر ایشان آنچه وحی کردیم بسوی تو و ایشان کفر میورزیدند
بالرحمن قل هو ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب
برحمن بگو اوست پروردگار من نیست معبودی مگر او بر او توکل کردم و بسوی اوست بازگشت
ولو ان قرانا سيرت به الجبال او قطعت به الارض او كلم
و اگر بودی کتابی در عالم که بحرکت آن رانده شدی بآن کوهها یا شکافته شدی بآن زمین یا سخن
به الموتى بل لله الامر جميعا افلم يياس الذين امنوا ان لو يشاء
گفته شدی بآن مردگان بلکه مر خدا راست کارها همه آیا پس ناامید نشدند آنانکه گرویدند از آنکه اگر خواهد

خلاصه
معنی طوبی لهم
[illegible]

الله لهدى الناس جميعا ولا يزال الذين كفروا تصيبهم بما

خدا هر آینه راه نمودی مردمان را همه و همیشه آنانکه کافر شدند میرسد ایشان را بسبب آنچه

صنعوا قارعة أو تحل قريبا من دارهم حتى يأتي وعد الله إن

کردند از تکذیب کرده کوبنده یا فرود آید نزدیک از خانه ایشان تا وقتیکه بیاید وعده خدا بدرستی که

الله لا يخلف الميعاد ولقد استهزئ برسل من قبلك

خدا خلاف نکند وعده خود را و بتحقیق که استهزا کرده شد بپیغمبران پس از تو

فأمليت للذين كفروا ثم أخذتهم فكيف كان عقاب

پس مهلت دادیم مر آنان را که کافر شدند پس گرفتم ایشان را چگونه بود عقوبت من ایشان را

أفمن هو قائم على كل نفس بما كسبت وجعلوا لله شركاء

آیا پس کسیکه او نگاهبان است بر هر نفس بآنچه کسب کرده و میگردانند برای خدا شریکان

قل سموهم أم تنبئونه بما لا يعلم في الأرض أم بظاهر من القول

بگو نام نهید ایشان را یا خبر میدهید خدا را بآنچه نمیداند در زمین است یا بآشکار از سخن

بل زين للذين كفروا مكرهم وصدوا عن السبيل ومن

بلکه زینت داده شده برای آنانکه کافر شدند حیله مکر ایشان و باز داشته شده اند از راه راست و هر کرا

يضلل الله فما له من هاد لهم عذاب في الحيوة الدنيا و

گمراه گذارد خدا پس نیست مر او را هیچ راه نماینده مر ایشان راست عذاب در زندگانی دنیا و

لعذاب الآخرة أشق وما لهم من الله من واق مثل الجنة

هر آینه عذاب قیامت سخت تر است و نیست مر ایشان را از خدا هیچ نگاه دارنده صفت بهشتی

التي وعد المتقون تجري من تحتها الأنهار أكلها دائم

که وعده داده شدند پرهیزکاران میرود از زیر آن نهرها میوه آن همیشه باشد

وظلها تلك عقبى الذين اتقوا وعقبى الكافرين النار و

و سایه آن بر طرف نشود آن عاقبت آنانست که پرهیز کردند و عاقبت کافران آتش است و

الذين آتيناهم الكتاب يفرحون بما أنزل إليك ومن

آنانکه دادیم ایشان را کتاب شاد میشوند بآنچه فرستاده شد بسوی تو و از

الاحزاب

الاحزاب من ينكر بعضه قل انما امرت ان اعبد الله ولا

گروه کفار ۞ کسی هست که انکار میکند بعضی از قرآن را بگو جز این نیست که مامور شدم که پرستم خدا را و

اشرك به اليه ادعوا واليه مآب ۞ وكذلك انزلناه حكما

شریک نگیرم بان بسوی خدا میخوانم خدا را و بسوی وست بازگشت من ۞ و همچنین فرستادیم ما قرآن را کتابی محکم

عربيا ولئن اتبعت اهواءهم بعد ما جاءك من العلم ما لك

عربی ۞ و اگر پیروی کنی آرزوهای ایشان را بعد از آنکه آمد ترا از دانش نباشد مر ترا

من الله من ولي ولا واق ۞ ولقد ارسلنا رسلا من

از خدا هیچ یاری و نه نگاه دارنده ۞ و براستی فرستادیم ما پیغمبران را از

قبلك وجعلنا لهم ازواجا وذرية وما كان لرسول ان يأتي

پیش از تو و دادیم ما ایشان را زنان و فرزندان و نبوده مر پیغمبران را که بیارد

بآية الا باذن الله لكل اجل كتاب ۞ يمحوا الله ما يشاء

معجزه که از خواهد مگر بفرمان خدا مر هر وقتی را نوشته ۞ محو میکند خدا آنچه میخواهد

ويثبت وعنده ام الكتاب ۞ واما نرينك بعض الذي نعدهم

و ثابت میکند و نزد اوست اصل کتاب ۞ و اگر بنمائیم ترا پاره از آنچه وعده دادیم ایشان را

او نتوفينك فانما عليك البلاغ وعلينا الحساب ۞ اولم

یا بمیرانیم ترا پس جز این نیست بر تو رسانیدن و بر ماست حساب ۞ آیا

يروا انا نأتي الارض ننقصها من اطرافها والله يحكم لا

نمی بینند که فرمان ما می آید بزمین که میکاهیم زمین را از اطراف آن و خدا حکم میکند نیست

معقب لحكمه وهو سريع الحساب ۞ وقد مكر الذين من

تعقیب اندازنده مر حکم او را و او زود حساب است ۞ و بدرستی که مکر کردند آنانکه

قبلهم فلله المكر جميعا يعلم ما تكسب كل نفس وسيعلم

پیش از ایشان بودند پس مر خدا راست جزای مکر جمیعا میداند خدا آنچه کسب میکند هر نفسی و زود باشد که

الكفار لمن عقبى الدار ۞ ويقول الذين كفروا لست مرسلا

بدانند کافران هر کرا باشد عاقبت سرای دیگر ۞ و میگویند آنانکه کافر شدند نیستی تو فرستاده شده

از اخبار ائمه اطهار و اقوال علمای اخیار معلوم میشود که حق تعالی دو لوح ایجاد فرموده جهت ثبت احوال کائنات در باب قضا و قدر و مقضیات آنها یکی لوح محفوظ و اثبات و هرچه در آن مکتوبست قابل تعلیق بدا و تغییر ندارد و دیگری لوح محو و اثبات که ام الکتاب هم میخوانند و هرچه در آن ثبت است از جهت حکمتی است که بدا در آن راه دارد چنانچه حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که فرموده هر چه میباشد یکی امری موقوف یعنی امری حتمی است که متعلق بشرطی است و دوم امری محتوم امری موقوف خدا در آن مشیتی و اراده ایست حکم میکند بر وفقی که خواهد اجرای آن حکم و خواهد بتغییر آن میدهد و امر محتوم البته واقع میشود و تغییر نمیپذیرد و از حضرت ابو جعفر مرویست که در باب شب قدر فرموده که در آن فرشتگان می آیند باسمان دنیا و مینویسند معنی در لوح محو و اثبات هرچه در آن سال واقع خواهد شد آنچه بر بندگان میرسد و هر چه در علم الهی موقوف بشرطی است که خدا را در آن اراده و مشیتی هست و پس از ثبت هرچه خواهد خدا پیش از حلش میاندازد و هرچه را خواهد محو میسازد و هرچه را خواهد ثابت نگاه میدارد و نزد اوست ام الکتاب یعنی لوحی که امور حتمیه در آن ثبت است

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ

بگو بست خدا گواه میان من و میان شما و کسی نزد او ست علم کتاب

سورة ابراهيم عليه السلام و هي اثنتان و خمسون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

منم خدائی که میدانم این کتابیست که فرستادیم او را بسوی تو تا بیرون آوری مردم را از تاریکیهای کفر بسوی روشنائیهای ایمان

بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَىٰ صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۞ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي

بفرمان پروردگارشان بسوی راه خداوند غالب ستوده او ست خدائی که مر او راست آنچه در

السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

آسمانها و آنچه در زمینست و رنج مر کافرانراست از عذاب سخت

الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ

آنانکه دوست می دارند زندگانی دنیا را بر آخرت و باز میدارند مردم را از راه

اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۞ وَمَا أَرْسَلْنَا

خدا و میطلبند آنها کجی را آن گروه اند در گمراهی دور و نفرستادیم ما

مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ

هیچ پیغمبری را مگر بزبان قوم او تا بیان کند برای ایشان پس گمراه کند خدا هر کرا میخواهد

وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۞ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا

و راه مینماید هر کرا میخواهد و او ست غالب درست کار است و بحقیق که فرستادیم ما

مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ

موسی را بدلایل خود که بیرون آر قوم خود را از تاریکیهای کفر بسوی روشنائیهای ایمان و پند ده ایشان را

بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

بروزهای خدا بدرستی که در این هرآینه علامتهاست برای هر صبر کننده شکر گذاری

از حضرت ابی عبد الله علیه السلام مرویست که هر که سوره ابراهیم و حجر هر دو را در دو رکعت نماز در روز جمعه بخواند هرگز تنگدستی نه بیند و هرگز در ویشی و جنون باو نرسد

در اخبار اهل بیت علیهم السلام مذکور است که مراد از من عنده علم الکتاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است و در خبری واقعست که در باب آصف بن برخیا گفت و قال الذی عنده علم من الکتاب بتنکیر علم و دخول من تبعیضی بر کتاب که مفید آنست که اندکی از علم کتاب با او بود و در باب آنحضرت فرمود و عنده من علم الکتاب یعنی باضافه مصدر بمعرف بلام که مفید عموم است و مؤید این معنی است اخباریکه دلالت میکند بر انکه اسمای اعظم الهی هفتاد و سه است معرفت یکی مخصوص

[illegible]

و اذ

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنجَاكُم

و چون گفت موسی مر قوم خود را یاد کنید نعمت خدا را بر شما وقتی که رهانید شمارا

مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ

از آل فرعون میچشانیدند شما را بدی عذاب و میکشتند پسران شما را

وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ۚ وَفِي ذَٰلِكُم بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ

و زنده میگذاشتند زنان شما را و در این محنت شما آزمایشی بود از پروردگار شما بزرگ

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ۖ وَلَئِن كَفَرْتُمْ

و چون اعلام کرد پروردگار شما که اگر شکر کنید هر آینه زیاده کنم نعمت شما را و اگر کفران کنید

إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ۝ وَقَالَ مُوسَىٰ إِن تَكْفُرُوا أَنتُمْ وَمَن فِي

بدرستی که عذاب من سخت است و گفت موسی ای قوم اگر کافر شوید شما و هر که در

الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ

زمین است همه پس بدرستی که خدا هر آینه بی نیاز ستوده است آیا نیامد بشما خبر آنانکه

مِن قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ ۝ وَالَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ لَا

پیش از شما بودند از قوم نوح و عاد و ثمود و خبر آنانکه بعد از ایشان بودند نمیداند

يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ ۚ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ

کسی عدد ایشان را مگر خدا آمد ایشان را پیغمبران ایشان با معجزات پس بازگردانیدند دستهای خود را

فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ

در دهنهای خود و گفتند بدرستی ما کافر شدیم بآنچه فرستاده شدید شما بآن و بدرستی که ما هر آینه در شکیم

مِّمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ۝ قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ

از آنچه میخوانید ما را بسوی آن در تهمت افکنده گفتند پیغمبران ایشان آیا در خدا و وجود او شک دارید

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ

با آنکه آفریننده آسمانها و زمین است میخواند شما را تا بیامرزد مر شما را از گناهان شما

وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ قَالُوا إِنْ أَنتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا

و تا بازپس دارد شما را تا وقتی نام برده شده گفتند نیستید شما مگر آدمی زاد مانند ما

از حضرت
ابی عبد الله ع
مرویست که فرمود که خدا تعالی از من عنده
علم الکتاب ما را خواسته و علی اولین ماست
و فاضلترین ماست و بهترین ماست بعد از
پیغمبر و در خبر دیگر از آنحضرت مرویست که دست
بر سینه خود گذاشته فرمود که نزد ماست والله
علم کتاب تماما و از طرق عامه هم مثل آن
حدیث منقول است که در تفسیر ثعلبی از عبد الله
ابن سلام روایت کرده که حضرت پیغمبر را
پرسیدم که کیست آنکه اوست علم الکتاب آن
حضرت فرمود که آنها ذلک علی ابن ابیطالب
و حافظ ابو نعیم از ابن حنفیه حکایت کرده که
گفت من عنده علم الکتاب علی ابن ابیطالب
و بقول بعضی از مفسرین عامه
من عنده علم الکتاب
خدا تعالی است

تريدون ان تصدونا عما كان يعبد اباؤنا فاتونا بسلطان مبين
میخواهید که بازدارید مارا از آنچه بود که می پرستیدند پدران ما پس بیارید بما حجتی روشن

قالت لهم رسلهم ان نحن الا بشر مثلكم ولكن الله يمن
گفتند مر ایشانرا پیغمبران ایشان که نیستیم ما مگر آدمی مانند شما و لیکن خدا منت میکند

على من يشاء من عباده وما كان لنا ان ناتيكم بسلطان الا
بر هر که خواهد از بندگان خویش و نیست مارا آنکه بیاریم بشما حجتی مگر

باذن الله وعلى الله فليتوكل المؤمنون وما لنا الا نتوكل
بفرمان خدا و بر خدا پس باید توکل کنند مومنان وچیست مارا آنکه توکل نکنیم

على الله وقد هدىنا سبلنا ولنصبرن على ما اذيتمونا وعلى
بر خدا و بتحقیق راه نمود مارا راههای راست و صبر میکنیم بر آنچه ایذا میرسانید مارا و بر

الله فليتوكل المتوكلون وقال الذين كفروا لرسلهم
خدا پس باید توکل کنند توکل کنندگان وگفتند آنانکه کافر شدند مر پیغمبران خودرا

لنخرجنكم من ارضنا او لتعودن في ملتنا فاوحى اليهم ربهم
هر آینه بیرون کنیم شمارا از زمین خود یا آنکه عود کنید در کیش ما پس وحی کرد بسوی ایشان پروردگار

لنهلكن الظالمين ولنسكننكم الارض من بعدهم ذلك
هر آینه هلاک کردانیم ستمکارانرا و هر آینه ساکن گردانیم شمارا در زمین از پس ایشان این

لمن خاف مقامي وخاف وعيد واستفتحوا وخاب كل
برای کیست که بترسد از ایستادن و بترسد از وعید من وطلب فتح کردند و نومید شد هر

جبار عنيد من ورائه جهنم ويسقى من ماء صديد
گردنکش ستیزنده از پس او دوزخ است و بیاشامانند اورا از آب چرک بدن

يتجرعه ولا يكاد يسيغه وياتيه الموت من كل مكان و
جرعه جرعه میخورد اورا و نزدیک نیست که بگلو فرو برد اورا و میاید اورا مرگ از هر جانبی و

ما هو بميت ومن ورائه عذاب غليظ مثل الذين كفروا
نیست او مرده و از پس اوست محنت و عذابی درشت مانند آنانست که کافر شدند

ربهم





بربهم اعمالهم كرماد اشتدت به الريح في يوم عاصف لا

بپروردگار خويش كردار ايشان چون خاكستر است كه سخت بگذرد بآن باد در روز كه سخت است

يقدرون مما كسبوا على شيء ذلك هو الضلال البعيد

قادر نباشند كفار از آنچه كسب كرده اند بر چيزي اين است اورا گمراهي دور

الم تر ان الله خلق السموات والارض بالحق ان يشا يذهبكم

آيا نديدي بدرستيكه خدا آفريد آسمانها و زمين را براستي اگر خواهد خدا ببرد شمارا

ويات بخلق جديد وما ذلك على الله بعزيز وبرزوا لله

و بيارد آفريده تازه و نيست اين بر خدا دشوار و ظاهر شوند از قبر براي

جميعا فقال الضعفؤا للذين استكبروا انا كنا لكم تبعا

خدا همه پس گفتند عجزه كفار مر آنان را كه گردنكشي كردند بدرستي كه ما مر شمارا پيروانيم

فهل انتم مغنون عنا من عذاب الله من شيء قالوا لو هدينا

پس آيا هستيد شما دفع كننده از ما از عذاب خدا از چيزي گفتند اگر راه نمودي مارا

الله لهديناكم سواء علينا اجزعنا ام صبرنا ما لنا من محيص

خدا هر آينه راه نموديم شمارا يكسانست بر ما آيا جزع كنيم يا صبر كنيم نيست ما را هيچ گريزگاهي

وقال الشيطان لما قضي الامر ان الله وعدكم وعد الحق

و گويد شيطان چون حكم كرده شد كار بدرستي كه خدا وعده كرد شمارا وعده راست

ووعدتكم فاخلفتكم وما كان لي عليكم من سلطان

و وعده كردم شمارا پس خلاف كردم شمارا و نبود مرا بر شما هيچ حجتي

الا ان دعوتكم فاستجبتم لي فلا تلوموني ولوموا انفسكم

مگر اينكه خواندم شمارا پس اجابت كرديد مرا پس ملامت مكنيد مرا و ملامت كنيد نفسهاي خود را

ما انا بمصرخكم وما انتم بمصرخي اني كفرت بما اشركتمون

نيستم من فريادرسنده شمارا و نه شما فريادرسنده من بدرستي كه من كافر شدم بآنچه شريك كرده بوديد

من قبل ان الظالمين لهم عذاب اليم وادخل الذين امنوا

پيش از اين بدرستي كه ستمكاران مر ايشان راست عذاب دردناك و در آورده شوند آنانكه گرويدند

وعملوا الصالحات جنات تجري من تحتها الانهار خالدين
و کردند کارهای شایسته بوستانها که میرود از زیر آنها نهرها که جاوید باشند

فيها باذن ربهم تحيتهم فيها سلام ألم تر كيف ضرب الله
در آن بفرمان پروردگار ایشان درود ملائکه برایشان در آنجا سلام آیا ندیدی تو که چگونه زد خدا

مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت وفرعها
مثل را کلمه پاکیزه که توحید است مانند درخت پاکست که اصل آن ثابتست و شاخ آن

في السماء تؤتي اكلها كل حين باذن ربها ويضرب الله
در آسمانست میدهد میوه خود را در هر وقت بفرمان پروردگار خود و میزند خدا

الامثال للناس لعلهم يتذكرون ومثل كلمة خبيثة
مثلها را برای مردم شاید ایشان پند گیرند و مثل سخن ناپاک که

كشجرة خبيثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار
کفر است مانند درخت ناپاکست که جدا و برکنده شود از بالای زمین نیست مر او را هیچ ثباتی

يثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت في الحيوة الدنيا وفي
ثابت میکند خدا آنان را که گرویده اند بسخن راست ثابت در زندگانی دنیا و در

الآخرة ويضل الله الظالمين ويفعل الله ما يشاء ألم تر الى
آخرت و گمراه میکند خدا ستمکاران را و میکند خدا آنچه میخواهد آیا ندیدی تو بسوی

الذين بدلوا نعمت الله كفرا واحلوا قومهم دار البوار جهنم
آنانکه بدل کردند شکر نعمت خدا را بکفران و فرود آوردند قوم خود را بسرای هلاک که آن دوزخست

يصلونها وبئس القرار وجعلوا لله اندادا ليضلوا عن
در آیند در آن و بد قرارگاهیست و فرا گرفتند مر خدا را شریکان تا گمراه کنند مردم را از

سبيله قل تمتعوا فان مصيركم الى النار قل لعبادي
راه خدا بگو برخورید پس بدرستی که بازگشت شما بسوی آتش است بگو مر بندگان مرا

الذين آمنوا يقيموا الصلوة وينفقوا مما رزقناهم سرا و
که ایمان آورده اند که بپای دارند نماز را و نفقه دهند از آنچه روزی دادیم ایشان را نهان و

مراد از قول ثابت ایمانست که بادله و براهین ثابت شده باشد و فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة متعلق بیثبت و از حضرات ائمه هدی علیهم السلام مرویست و اکثر مفسرین هم گفته اند که مراد از حیوة دنیا حیوة قبرست

علانية

عَلانِيَةً مِنْ قَبْلِ اَنْ يَاْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ ۝ اَللّٰهُ الَّذِي

و آشکارا ۝ پیش از آنکه بیاید روزی که نباشد خرید و فروخت و آن روز نه دوستی کردن با هم خدا آنست

خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ وَاَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاَخْرَجَ بِهِ

که آفرید آسمانها ۝ و زمین را و فرو فرستاد از آسمان آبی پس بیرون آورد بآن

مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ

انواع میوه‌ها ۝ روزی برای شما و مسخر کرد برای شما کشتی را تا میرود ۝ در دریا

بِاَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْاَنْهَارَ ۝ وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ

بامر خدا ۝ و مسخر کرد برای شما نهرها ۝ و مسخر کرد مر شما را آفتاب و ماه را که پیوسته در حرکت

وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۝ وَاٰتٰيكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَاَلْتُمُوهُ وَاِنْ

و مسخر کرد برای شما شب ۝ و روز را ۝ و بداد شما را از هر ۝ چیز سؤال کردید شما او را و اگر

تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوهَا اِنَّ الْاِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ۝

بشمارید نعمتهای خدا را ۝ شماره نتوانید کرد آنرا بدرستی انسان هر آینه ستمکار است ۝ ناسپاس

وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا الْبَلَدَ اٰمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ

و یاد کن چون گفت ابراهیم ۝ پروردگارا بگردان این شهر را ایمن ۝ و دور گردان مرا و فرزندان

اَنْ نَعْبُدَ الْاَصْنَامَ ۝ رَبِّ اِنَّهُنَّ اَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ

اگر بپرستیم بتها را ۝ پروردگارا بدرستی که بتان گمراه کردند بسیاری ۝ از مردمان را

فَمَنْ تَبِعَنِي فَاِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَاِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ رَبَّنَا

پس هر که پیروی من کرد پس بدرستی که او از منست و هر که عصیان کرد مرا پس بدرستی که تو آمرزنده مهربانی ۝ پروردگارا

اِنِّي اَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ

بدرستی من ساکن کردم من فرزندان خود را بر وادی که صاحب زرع نیست نزد خانه تو که حرام است

رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلٰوةَ فَاجْعَلْ اَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي اِلَيْهِمْ

ای پروردگار ما تا بپا دارند نماز را پس بگردان دلهای ۝ مردم را که بشتابند بسوی ایشان

وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ۝ رَبَّنَا اِنَّكَ تَعْلَمُ

و روزی ده ایشان را از میوه‌ها ۝ تا شاید ایشان شکر کنند ۝ پروردگارا بدرستی که تو میدانی

از حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه مرویست که خدا تعالی مردم را فرمود که بروند و طواف این سنگها کنند پس نزد ما آیند و بما اعلام نمایند ولایت و اطاعت و محبت خود را و عرض کنند بر ما یاری خود را پس این آیه را تلاوت نمود

مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِن شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا

آنچه نهان میکنیم ما و آنچه آشکارا میکنیم ما و پوشیده نیست بر خدا هیچ چیز در زمین و نه

فِي السَّمَاءِ ۝ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ

در آسمان ستایش مر خدای راست که بخشید مرا بر پیری اسمعیل را

وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ ۝ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ

و اسحق را بدرستی که پروردگار من شنونده دعاست پروردگارا بگردان مرا برپا دارنده نماز

وَمِن ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ۝ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ

و از فرزندان من پروردگارا و قبول کن دعا را پروردگارا بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و

لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ۝ وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ

مر مؤمنان را روزی که برپا شود حساب و مپندار خدا را غافل از آنچه میکنند

الظَّالِمُونَ ۝ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ۝ مُهْطِعِينَ

ستمکاران جز این نیست که تاخیر میکند عذاب ایشان برای روزی که خیره شود در آن روز دیدها صاحب دیدها باشند

مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ ۝ وَ

شتابنده و بسوی خود برداشتگان خود بازنگردد بسوی ایشان چشمهای ایشان و دلهای ایشان از تحیر خالی از فهمست و

أَنذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخِّرْنَا

و بیم ده مردم را روزی که بیاید ایشان را عذاب پس گویند آنانکه ستم کردند پروردگارا پس دار ما را

إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبْ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرُّسُلَ ۗ أَوَلَمْ تَكُونُوا

بسوی مدتی نزدیک تا اجابت کنیم خواندن ترا و پیروی کنیم پیغمبران را ملائکه گویند آیا نبوده که

أَقْسَمْتُم مِّن قَبْلُ مَا لَكُم مِّن زَوَالٍ ۝ وَسَكَنتُمْ فِي مَسَاكِنِ

قسم میخوردید پیش از این که نباشد شما را هیچ زوالی و ساکن بودید شما در مسکنهای

الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا

آنانکه ستم کردند بر نفسهای خود و روشن شد مر شما را که چگونه کردیم با ایشان و زدیم ما

لَكُمُ الْأَمْثَالَ ۝ وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِندَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَ

برای ایشان مثلها و بتحقیق مکر کردند مکر ایشان و نزد خدا جزای مکر ایشانست

ان

إِن كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ ۞ فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ

بدرستیکه بود مکر ایشان تا از جای برود از آن کوهها پس مپندار تو خدا را

مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ ۞ يَوْمَ تُبَدَّلُ

خلاف کننده وعده خود و پیغمبران خود را بدرستیکه خدا غالب خداوند انتقام است روزی که تبدیل کرده شود

الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ

زمین غیر این زمین و آسمانها با آسمانهای دیگر و ظاهر شوند برای حساب خدای یگانه غلبه کننده

وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ۞ سَرَابِيلُهُم

و به‌بینی گناهکاران را در آن روز با هم بسته در غلها و بندها پیراهنهای ایشان

مِّن قَطِرَانٍ وَتَغْشَىٰ وُجُوهَهُمُ النَّارُ ۞ لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ

از قیر و قطران و بپوشد روهای ایشان را آتش تا جزا دهد خدا هر نفسی را بجزای

مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۞ هَٰذَا بَلَاغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا

آنچه کسب کرده بدرستیکه خدا زود حساب است این قرآن کفایت برسانیدن مردم تا مردم از او بیم کرده شوند

بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ

به آن و تا بدانند جز این نیست که او است خدای یگانه و تا پند گیرند خداوندان عقلها

سورة الحجر تسع وتسعون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُّبِينٍ ۞ رُّبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا

منم خدای که می‌بینم این آیتهای سوره و آیتهای او و قرآن روشن است ای بسا وقت که دوست دارند آنکه کافر شدند

لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ ۞ ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ

که کاشکی بودند مسلمانان بگذار ایشان را بخورند و برخورداری یابند و مشغول سازد ایشان را آرزوها

فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۞ وَمَا أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ

پس زود باشد که بدانند و هلاک نکردیم ما هیچ دهی را مگر که هلاک کردن ایشان را زمانی مقرر

در تغییر سموات و ارض

در روز قیامت چند وجه گفته اند یکی تغییر ذات
آنها چنانکه بیضاوی از حضرت امیر المؤمنین
روایت کرده که زمین از نقره و آسمانها از طلا
خواهند بود و از حضرات ابو جعفر و ابو عبد الله
علیهما السلام مرویست که زمین در آن روز نان گرده
میشود که خلایق از آن میخورند تا از حساب فارغ
شوند و موید این معنی است آنچه از ابو ایوب انصاری
در کتب عامه مرویست که یکی از علمای یهود از
رسول خدا صلی الله علیه و آله استفسار از این
تبدیل نمود آنحضرت فرمود که خلایق در آن روز مهمانان
خدا خواهند بود و مائده برای ایشان مهیا می گردد
دویم تغییر باعتبار صفات چنانکه اکثر از
مفسرین گفته اند که زمین در آن روز هموار میشود که اصلا
در آن پستی و بلندی نماند و آفتاب و ماه و ستارگان
برطرف خواهند شد

از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست
که هر که این سوره بخواند بعدد مهاجر و
انصار بخواند برای او
ده حسنه نویسند

الحجر ۱۴

ما تسبق من امة اجلها وما يستاخرون ۝ وقالوا يا ايها

پیشی نگیرند هیچ گروهی مدت هلاک خود را و باز پس نمانند ۝ و گفتند کفار عرب ای

الذی نزل علیه الذکر انک لمجنون ۝ لوما تاتینا

آنکسی که فرود آمده شد بر او قرآن بدرستی تو دیوانه ۝ چرا نمی آری با

بالملائکة ان کنت من الصادقین ۝ ما ننزل الملائکة الا

فرشتگان را تا بدهند گواهی اگر هستی از راستگویان ۝ فرو نفرستیم ما فرشتگان را مگر

بالحق وما کانوا اذا منظرین ۝ انا نحن نزلنا الذکر وانا له

براستی و نباشند آن هنگام مهلت داده شدگان ۝ بدرستی ما فرو فرستادیم قرآن و بدرستی که ما او را

لحافظون ۝ ولقد ارسلنا من قبلک فی شیع الاولین ۝

نگهبانانیم ۝ و بتحقیق فرستادیم پیش از تو در گروه پیشینیان

وما یاتیهم من رسول الا کانوا به یستهزؤن ۝ کذلک

و نیامد بایشان هیچ پیغمبری مگر آنکه بودند که باو استهزا میکردند ۝ همچنین

نسلکه فی قلوب المجرمین ۝ لا یؤمنون به وقد خلت سنة

درمی آوریم ما ذکر قرآن را در قلوب گناهکاران ۝ نمیگروند بآن ۝ و بتحقیق گذشت سنت

الاولین ۝ ولو فتحنا علیهم بابا من السماء فظلوا فیه یعرجون

پیشینیان ۝ و اگر بگشائیم برایشان دری از آسمان پس باشند همه روزه در آن بالا روند

لقالوا انما سکرت ابصارنا بل نحن قوم مسحورون ۝

هر آینه گویند جز این نیست که بسته شده چشمهای ما بلکه ما ایم قوم سحر کرده شده

ولقد جعلنا فی السماء بروجا وزیناها للناظرین ۝ و

و بتحقیق که ما قرار دادیم در آسمان برجها و آراستیم آنرا برای نظر کنندگان ۝ و

حفظناها من کل شیطان رجیم ۝ الا من استرق السمع

نگاه داشتیم آسمان را از هر دیوی رانده شده ۝ مگر دیوی که بدزدد شنودن را

فاتبعه شهاب مبین ۝ والارض مددناها والقینا فیها

پس از پی درآید آنرا ستاره روشن ۝ و زمین را باز گسترانیدیم و درافکندیم در زمین

مراد از زینت سما چنانچه از حضرت صادق مرویست و مفسران هم گفته اند زینت آن ستارهاست

ابن عباس گفته که شیاطین به آسمانها بالا می شدند و استراق سمع ممنوع نبودند یعنی پنهان می شنیدند که فرشتگان چون باهم سخنی گویند در کاینات می شنیدند بدزدیدند و بعضی از آن بر زمین آوردند از آن خبرها آگاه می ساختند و از آنجا بود که کهنه در جاهلیت خبر از اخبار آینده میدادند و چون عیسی مبعوث شد شیاطین بالکلیه از عروج بآسمان ممنوع شدند تا آسمان چهارم میشدند و استراق سمع از فرشتگان آن آسمانها میکردند و چون پیغمبر صلی الله علیه و آله مبعوث شد شیاطین بالکلیه از عروج بآسمان ممنوع شدند و استراق سمع ایشان منع کرده و اگر خواهند بالا روند بزنند شهاب بر ایشان

دوانیدیم

رواسي وانبتنا من كل شيء موزون ۞ وجعلنا لكم فيها

کوهها و رویانیدیم در زمین از همه چیزی سنجیده و گردانیدیم برای شما در زمین

معايش ومن لستم له برازقين ۞ وان من شيء الا عندنا

اسباب معیشت و ساختیم آنرا که نیستید او را روزی دهندگان و نیست هیچ چیز مگر که نزد ماست

خزائنه وما ننزله الا بقدر معلوم ۞ وارسلنا الرياح لواقح

خزینهای آن و فرو نمیفرستیم ما آنرا مگر باندازه معلوم و فرستادیم ما بادهای باردار

فانزلنا من السماء ماء فاسقيناكموه وما انتم له بخازنين ۞

پس ما از آسمان آبی پس سیراب گردیم شمارا از آن آب و نیستید مر آنرا نگاهدارندگان

وانا لنحن نحيي ونميت ونحن الوارثون ۞ ولقد علمنا المستقدمين

و بدرستی که ما زنده میکنیم و میمیرانیم و مائیم وارثون و هر آینه بتحقیق دانستیم پیشی گرفتگان را

منكم ولقد علمنا المستأخرين ۞ وان ربك هو يحشرهم

از شما و بتحقیق که دانستیم ما پس ماندگان را و بدرستی که پروردگار تو او جمع میکند ایشانرا

انه حكيم عليم ۞ ولقد خلقنا الانسان من صلصال من حما

بدرستی او درست کار دانا و بتحقیق که آفریدیم ما آدمی را از گل خشک گردیده از لای سیاه

مسنون ۞ والجان خلقناه من قبل من نار السموم ۞ واذ

بدبوی و جن را آفریدیم ما او را پیش از خلق آدم از آتش بی دود و یاد کن چون

قال ربك للملائكة اني خالق بشرا من صلصال من

گفت پروردگار تو مر فرشتگان را بدرستی من آفریننده ام آدمی را از گل خشک شده از

حما مسنون ۞ فاذا سويته ونفخت فيه من روحي فقعوا

لای سیاه گندیده بدبوی پس چون راست کردم صورت او را و در آوردم در آن از روح خود پس بیفتید

له ساجدين ۞ فسجد الملائكة كلهم اجمعون ۞ الا ابليس

برای او سجده کنندگان پس سجده کردند ملائکه و فرشتگان همه ایشان با تمام مگر شیطان

ابى ان يكون مع الساجدين ۞ قال يا ابليس ما لك الا تكون

گردن کشید از آنکه بوده باشد با سجده کنندگان گفت ای شیطان چیست مر ترا که نباشی

مع الساجدين ۝ قال لم اكن لاسجد لبشر خلقته من صلصال من

با سجده کنندگان ۝ گفت شیطان نیستم من که هرآینه سجده کنم مر آدمی را که آفریدی او را از گل خشک از

حما مسنون ۝ قال فاخرج منها فانك رجيم ۝ وان عليك

لای بدبوی سیاه مصور ۝ گفت خدا پس برون رو از آسمان پس بدرستی که تو رانده شده و بدرستیکه بر تست

اللعنة الى يوم الدين ۝ قال رب فانظرني الى يوم يبعثون

دوری از رحمت ما تا بروز جزا ۝ گفت شیطان پروردگارا پس مهلت ده مارا تا روزیکه برانگیخته شوند مردم

قال فانك من المنظرين ۝ الى يوم الوقت المعلوم ۝ قال رب

گفت خدا پس بدرستی که تو از مهلت شدگانی ۝ تا روز وقت دانسته شده ۝ گفت شیطان پروردگارا

بما اغويتني لازينن لهم في الارض ولاغوينهم اجمعين ۝

بسبب نومید ساختن تو مرا هرآینه آرایش کنم برای آدمیان از زمین گناه و هرآینه گمراه کنم ایشانرا همه

الا عبادك منهم المخلصين ۝ قال هذا صراط علي مستقيم ۝

مگر بندگان تو از ایشان که خالص شده باشند ۝ گفت خدا این راهیست که حق است بر من رعایت آن

ان عبادي ليس لك عليهم سلطان الا من اتبعك من الغاوين

بدرستی که بندگان ۝ نیست مر تورا بر ایشان ۝ حجتی ۝ مگر آن کسیکه متابعت تو کنند از گمراهان

وان جهنم لموعدهم اجمعين ۝ لها سبعة ابواب لكل

و بدرستی که دوزخ ۝ هرآینه وعده گاه ایشان باشند همه ۝ مر دوزخ را هفت ۝ در است ۝ از برای هر

باب منهم جزء مقسوم ۝ ان المتقين في جنات وعيون ۝

دری از جمیع گمراهان ۝ پاره ایست قسمت کرده شده ۝ بدرستی که پرهیزکاران در بوستانها و چشمه های آب

ادخلوها بسلام امنين ۝ ونزعنا ما في صدورهم من غل

گویند ایشانرا که درآیید بسلامتی در حالی که ایمن باشید ۝ و بیرون کنیم آنچه ۝ در سینه های ایشانست از کینه

اخوانا على سرر متقابلين ۝ لا يمسهم فيها نصب وما هم

بیشناسند برادران را می نشینند بر تخت که روی بروی باشند ۝ نرسد ایشانرا ۝ در بهشت ۝ رنجی ۝ و نیستند ایشان

منها بمخرجين ۝ نبئ عبادي اني انا الغفور الرحيم ۝ وان

از بهشت بیرون کرده شدگان ۝ خبر ده ۝ بندگان مرا بدرستی که من آمرزنده ۝ مهربانم ۝ و آنکه

از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه مرویست که جهنم هفت طبقه است بر بالای یکدیگر باین ترتیب آن طبقات جهنم است و بالای آن لظی است و بالای آن سقر و بالای آن حطمه و بالای آن سعیر و بالای آن هاویه و اکثر مفسرین ابواب را باین طبقات تعبیر کرده اند لیکن در نامهای آنها و کیفیت ترتیب آنها اختلاف کرده اند و بعضی ابواب را بمعنی درها گفته اند نه بطبقات لفظ

عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ۝ وَنَبِّئْهُمْ عَن ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ ۝ إِذْ دَخَلُوا

عذاب من بر عاصی عذابی است دردناک و خبر ده بندگان مرا از مهمانان ابراهیم هنگامی در آمدند

عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنكُمْ وَجِلُونَ ۝ قَالُوا لَا تَوْجَلْ

بر او فرشتگان پس گفتند سلام میکنیم گفت ابراهیم بدرستی که ما از شما ترسانیم گفتند مترس

إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ۝ قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَن مَّسَّنِيَ الْكِبَرُ

بدرستی که ما مژده میدهیم ترا به پسری دانا گفت ابراهیم آیا بشارت میدهید مرا در وقت اگر رسیده مرا پیری

فَبِمَ تُبَشِّرُونَ ۝ قَالُوا بَشَّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ الْقَانِطِينَ

پس چگونه بشارت میدهید مرا گفتند بشارت میدهیم ترا براستی پس مباش تو از ناامیدان

قَالَ وَمَن يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ۝ قَالَ فَمَا

گفت ابراهیم که نومید باشد از رحمت پروردگارش مگر گمراهان گفت ابراهیم پس چیست

خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ۝ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ

کار بزرگ شما ای فرستادگان گفتند بدرستی که ما فرستاده شدیم بسوی گروه

مُّجْرِمِينَ ۝ إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ إِلَّا امْرَأَتَهُ

گناهکاران مگر آل لوط بدرستی که ما نجات دهنده ایشانیم همگی را مگر زن او را

قَدَّرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ ۝ فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ

تقدیر کردیم ما که آن زن از باز ماندگان باشد پس چون آمدند بخانه لوط فرشتگان

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنكَرُونَ ۝ قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ

گفت بدرستی که شما گروهی بیگانه اید که نمی شناسیم شما را گفتند بلکه آمدیم ما تو را با آنچه بودند در آن

يَمْتَرُونَ ۝ وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ۝ فَأَسْرِ

شک می کردند و آوردیم بتو خبر عذاب را براستی و بدرستی که ما راستگویانیم پس ببر

بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنكُمْ

اهل خود را پاره از شب و برو از عقب اهل خود و باید که نگاه نکند از شما

أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ۝ وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَٰلِكَ

کسی و بروید آنجا که مامورید و حکم کردیم ما بسوی او آن

الامر ان هؤلاء مقطوع مصبحين ۝ وجاء اهل المدينة

امر در پشتی که بنیاد آنگروه بریده شود که صبح درآیند ۝ و آمدند اهل شهر بخانهٔ لوط

يستبشرون ۝ قال ان هؤلاء ضيفي فلا تفضحون ۝ واتقوا

مژده میدادند یکدیگر را ۝ گفت لوط بدرستی که اینها مهمان منند پس رسوا مکنید مرا ۝ و بترسید

الله ولا تخزون ۝ قالوا اولم ننهك عن العالمين ۝ قال

از خدا و رسوا مسازید مرا ۝ گفتند اهل شهر آیا ما نهی نکردیم ترا از حمایت غریبان ۝ گفت لوط

هؤلاء بناتي ان كنتم فاعلين ۝ لعمرك انهم لفي سكرتهم

اینها دختران منند اگر هستید شما کنندگان ۝ قسم بحیات تو ای محمد بدرستی که قوم لوط بودند در بیهوشی خود

يعمهون ۝ فاخذتهم الصيحة مشرقين ۝ فجعلنا عاليها

سرگردان ۝ پس فرو گرفت ایشان را صدای جبرئیل که بروشنی روز بودند ۝ پس گردانیدیم ما بلندی آن را

سافلها وامطرنا عليهم حجارة من سجيل ۝ ان في ذلك

زیر آن شهرها و بارانیدیم ما بر ایشان سنگی از گل محکم کرده ۝ بدرستی که در هلاک ایشان

لايات للمتوسمين ۝ وانها لبسبيل مقيم ۝ ان في ذلك

علامتهاست مر خداوندان فراست را ۝ و بدرستی که آن شهرها براهیست که دایم میروند ۝ بدرستی که در این

لاية للمؤمنين ۝ وان كان اصحاب الايكة لظالمين ۝

نشانهایست برای گروندگان ۝ و بدرستیکه بودند یاران ایکه یعنی قوم شعیب ستمکاران

فانتقمنا منهم وانهما لبامام مبين ۝ ولقد كذب اصحاب

پس انتقام کشیدیم از ایشان و بدرستی که منازل ایکه و مدین بر راهی روشنست ۝ و بتحقیق که تکذیب کردند یاران

الحجر المرسلين ۝ واتيناهم اياتنا فكانوا عنها معرضين ۝ و

حجر که ثمود اند پیغمبران را ۝ و دادیم ما ثمود را آیتهای خود را پس بودند از آن آیات اعراض کنندگان ۝ و

كانوا ينحتون من الجبال بيوتا امنين ۝ فاخذتهم الصيحة

بودند که میتراشیدند از کوهها خانها در حالیکه ایمن بودند پس گرفت ایشان را فریاد جبرئیل

مصبحين ۝ فما اغنى عنهم ما كانوا يكسبون ۝ وما خلقنا

در حالیکه بصباح درآمده گان بودند پس منع نکرد از ایشان عذاب را آنچه بودند که کسب میکردند ۝ و نیافریدیم ما

بقوله ... در تفسیر از حضرت ابی عبدالله صلوات الله علیه مرویست که ما ییم متوسمین ... و ایکه ... که بسبب عصیان بصیحه هلاک شدند

السموات والارض وما بينهما الا بالحق وان الساعة لاتية

آسمانها و زمین را و آنچه میان این هر دو است مگر براستی و بدرستی که قیامت آینده است

فاصفح الصفح الجميل ان ربك هو الخلاق العليم ولقد

پس درگذر درگذشتنی نیکو بدرستی که پروردگار تو او است آفریننده دانا و بتحقیق

اتيناك سبعا من المثانى والقران العظيم لا تمدن عينيك

دادیم ما تو را هفت آیه از مثانی یعنی سوره فاتحه و دادیم قرآن بزرگ را باز مکش ای محمد هر دو چشم خود را

الى ما متعنا به ازواجا منهم ولا تحزن عليهم واخفض جناحك

بسوی آنچه برخورداری دادیم ما بآن اصناف از کافران را و اندوه مخور بر کفار و فرو گیر بال خود را بتواضع

للمؤمنين وقل انى انا النذير المبين كما انزلنا على

مر گروندگان را و بگوای محمد که منم بیم دهنده آشکار همچنانکه فرستادیم بر

المقتسمين الذين جعلوا القران عضين فوربك لنسئلنهم

قسمت کنندگان آنانکه گردانیدند قرآن را پاره پاره پس قسم بپروردگار تو که هر آینه

اجمعين عما كانوا يعملون فاصدع بما تؤمر واعرض عن

بپرسیم از ایشان همه از آنچه بودند که میکردند پس آشکار کن بآنچه مامور شده و اعراض کن از

المشركين انا كفيناك المستهزءين الذين يجعلون

شرک آورندگان بدرستی که ما کفایت کردیم استهزا کنندگان را آنانکه میگردانند شریک

مع الله الها اخر فسوف يعلمون ولقد نعلم انك يضيق صدرك

با خدا خدای دیگر پس زود باشد که بدانند و بتحقیق که میدانیم ما بدرستی که تنگ میشود سینه تو

بما يقولون فسبح بحمد ربك وكن من الساجدين واعبد

بآنچه میگویند کفار پس تسبیح کن بحمد و سپاس پروردگار خود و باش از سجده کنندگان و پرستش کن

ربك حتى ياتيك اليقين

پروردگار خود را تا بیاید بتو مرگ

سورة النحل ثمان وعشرون ومائة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

از حضرات امیر المؤمنین و ابی جعفر و ابی عبد الله صلی الله علیهم تفسیر سبع المثانی بفاتحه الکتاب مرویست و منشا این اسم آنست که این سوره دو نوبت نازل شد یکی در مکه و دیگری در مدینه و بلا خلاف هفت آیه است و وجوه دیگر هم گفته اند و اکثر مفسرین هم آنرا بفاتحه الکتاب تفسیر کرده اند و بعضی کل قرآنرا گفته اند و اقوال دیگر هم روایت شده

حزب

بعضی گفته اند که مراد از ازواج معنی اشباه و امثال است و آن حال است از ضمیر به و خلاصه مضمون آنکه نظر مینداز بآنچه ما بعضی از کفره را بآن بهره مند کرده ایم از نعمتها در حالتی که آنها شبیه یکدیگرند در عام لذات

از حضرت ابی عبد الله صلوات الله علیه مرویست که هر که سورهٔ نحل را در هر ماه تلاوت نماید کفایت کرده شود قرض او در دنیا و هفتاد نوع از انواع بلاها که خفیفترین آنها جذام و برص است او را خدا از او محفوظ بدارد و مسکن او در بهشت عدن باشد

خطاب با مشرکین است که می گفتند فامطر علینا حجارة من السماء یا آنکه می گفتند متی هذا الوعد

أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

آمد امر خدا که قیامت باشد پس شتاب مکنید در آمدن و پاکست خدا و برتر از آنچه شریک می سازند با او

يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

فرو میفرستد فرشتگان را بوحی یا بقرآن از فرمان خود بر هر که خواهد از بندگان خود

أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ۝ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

آنکه بیم کنید خلق را آنکه نیست خدایی مگر من پس بترسید آفرید آسمانها و زمین را

بِالْحَقِّ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ

برastی و برتر است از آنچه شریک می کنند با او آفرید آدمی را از آب منی

فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ۝ وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ

پس چون شعور یافت وجدل کننده هویداست و چهارپایان را آفرید ایشان را برای شما در آنها پوستین چرمینه

وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ۝ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَ

و منفعتها و از آنها میخورید و مر شما را در آن زینتی است وقتی که باز میگردانید از چراگاه

حِينَ تَسْرَحُونَ ۝ وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بَالِغِيهِ

و وقتیکه بچراگاه میبرید و بر میدارند این انعام بارهای شما را بسوی شهری که نباشید رسنده بآن

إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ

مگر برنج که بنفسها رسد بدرستی که پروردگار شما مهربان بخشنده است و آفرید اسبان و استرها

وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَعَلَى اللَّهِ

و خرها تا سوار شوند آنها را و آرایش کنید و می آفریند آنچه شما نمیدانید و بر خداست

قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ۝

بیان کردن راههای راست و بعضی از آن راهها کجست و اگر خواهد خدا هر آینه راه نماید شما را همه

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ

اوست آنکه فرستاد از آسمان آبی برای شما از آنست آشامیدن و از آنست

شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ۝ يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ

درخت در آن میچرانید چهارپایان را میرویاند برای شما بآب زرع را و درخت زیتون را و خرما

والاعناب

وَالْاَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِقَوْمٍ
و انگور را و از همه میوه بدرستی که در این هر آینه نشانه است مر گروهی که
يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَ
فکر میکنند و رام گردانید برای شما شب را و روز را و آفتاب را و ماه را و
النُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِاَمْرِهِ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝
ستارگان را رام شدگانست بامر خدا بدرستی که در این علاماتی است برای گروهی که در می یابند
وَمَا ذَرَاَ لَكُمْ فِي الْاَرْضِ مُخْتَلِفًا اَلْوَانُهُ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً
و رام کرد برای شما در زمین چیزها که مختلف اند رنگهای آن بدرستی که در آن اختلاف هر آینه علامتی
لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَاْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا
برای قومی که پند گیرند و اوست آنکه مسخر کرد دریا را تا بخورید از آن گوشت
طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاخِرَ
تازه و بیرون آرید از آن دریا پیرایه که بپوشید آنرا و می بینی کشتی را شکافنده
فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَاَلْقَى فِي
در آب و تا که طلب کنید از زیادتی روزی او تا شاید شکر کنید و افکند در
الْاَرْضِ رَوَاسِيَ اَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَاَنْهَارًا وَسُبُلًا لَعَلَّكُمْ
زمین کوههای بلند استوار تا که میل کند زمین بشما و آفرید نهرها و راهها تا شاید شما
تَهْتَدُونَ ۝ وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ۝ اَفَمَنْ يَخْلُقُ
راه یابید و پدید آورد نشانها و بستارها آدمیان راه می یابند آیا پس کسی که می آفریند
كَمَنْ لَا يَخْلُقُ اَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝ وَاِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللّٰهِ لَا
چون کسیست که نمی آفریند آیا پس یاد نمی کنید و اگر خواهید که بشمارید نعمت خدا را نتوانید
تُحْصُوهَا اِنَّ اللّٰهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا
شمرد آنرا بدرستی که خدا هر آینه آمرزنده مهربان است و خدا میداند آنچه پنهان میکنید و آنچه
تُعْلِنُونَ ۝ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا
ظاهر میکنید و آنانکه میخوانند از غیر خدا نمی آفرینند چیزی را

انواع
مختلفه عبارت است
از پوشیدنیها و خوردنیها
و غیر اینها

از
حضرت صادق صلوات الله
علیه مرویست که ما علاماتیم
و نجم رسول خداست

وَهُمْ يُخْلَقُونَ ۝ اَمْوَاتٌ غَيْرُ اَحْيَآءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ اَيَّانَ يُبْعَثُونَ

وایشان آفریده شده اند مردگانند نه زندگان و نمیدانند که کی برانگیخته میشوند

اِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْاٰخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكِرَةٌ

خدای شما خدای یگانه است پس آنانکه نمی گروند به آخرت دلهای ایشان ناشناسنده است

وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ۝ لَا جَرَمَ اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا

وایشان گردنکشانند حقا که خدا میداند آنچه پنهان میکنند و آنچه

يُعْلِنُونَ اِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ ۝ وَاِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا اَنْزَلَ

ظاهر میسازند بدرستی که خدا دوست ندارد گردنکشان را و چون گفته شود کافران را که چه چیز فرستاد

رَبُّكُمْ قَالُوا اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ ۝ لِيَحْمِلُوا اَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ

پروردگار شما گفتند سرگذشت پیشینیان را تا بردارند بار گناه خود را تمام و کامل روز

الْقِيٰمَةِ وَمِنْ اَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ اَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ

قیامت و بعضی از گناهان ایشان را که گمراه میسازند ایشان را بی دانشی بدانید بد باریست آنکه می کشند

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَاَتَى اللّٰهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ

بدرستی که مکر کردند آنانکه بودند پیش از ایشان پس آمد فرمان خدا به بناهای ایشان از جانب اساس پس افتاد

عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَاَتٰيهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ

بر ایشان سقف خانها از بالای ایشان و آمد ایشان را عذاب از آنجا که نمیدانستند

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ اَيْنَ شُرَكَآئِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَآقُّونَ

پس روز قیامت رسوا کند خدا ایشان را و گوید خدا آن روز کجایند شریکان من آنانکه بودید که از عناد خلاف میکردید

فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ اُوتُوا الْعِلْمَ اِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوٓءَ عَلَى الْكَافِرِينَ

با خدا در ایشان گفتند آنانکه داده شدند علم را بدرستی که رسوایی امروز و بدی بر کافران است

الَّذِينَ تَتَوَفّٰيهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ ظَالِمِي اَنْفُسِهِمْ فَاَلْقَوُا السَّلَمَ مَا كُنَّا

آنانکه میمیرانند ایشان را فرشتگان در حالی که ستمکارند بر نفسهای خود پس اندازند صلح و گویند نبودیم ما که

نَعْمَلُ مِنْ سُوٓءٍ بَلٰى اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ فَادْخُلُوا اَبْوَابَ

کردار بدی کنیم بدرستیکه خدا داناست بآنچه بودید که میکردید پس درآیید بدرهای

بجهنم

گویند
که این آیه در باب
مقتسمین یعنی هم سوگندان که
قریب بآن مذکور شد
نازل شده

در خبر است
که هر که تعلیم حکمی از احکام شریعت
بدیگری نماید ثواب خود و ثواب عمل
متعلم را هم بیابد و هر که بدعتی در دین گذارد
سزای گناه خود و کردار تابع خود را هم بیابد
و فایده لفظ بعض آنست که ظاهر شود که
تابعین هم سزای بسبب کرده خود می یابند
هر چند که بقدر سزای متبوعین
نباشد

یعنی
در چنین روزی که اطاعت و انقیاد نفعی
ندارد اظهار صلح و فرمان برداری میکنند
و زیاده بر این انکار میکنند اعمال ناشایسته
خود را در چنین روزی که انکار
هیچ اثری ندارد

جهنم خالدين فيها فلبئس مثوى المتكبرين ۝ وقيل للذين

دوزخ جاوید در حالی که جاوید باشند در آن پس بد جایگاهیست مقام متکبران گردنکشان ۝ وگفته شود آنان را که

اتقوا ماذا انزل ربكم قالوا خيرا للذين احسنوا في هذه الدنيا

پرهیز کردند چه چیز فرستاد خداوند پروردگار شما گفتند قرآن بهتر است مر آنان را که نیکویی کردند در این دنیا

حسنة ولدار الآخرة خير ولنعم دار المتقين ۝ جنات عدن

نیکویی است و دار آخرت بهتر است از آن و نیکو سرایست پرهیزکاران ۝ بهشت با اقامت که

يدخلونها تجري من تحتها الانهار لهم فيها ما يشاؤن

در آیند در آن میرود از زیر آنها جویها مر ایشان راست در بهشت آنچه میخواهند

كذلك يجزي الله المتقين ۝ الذين تتوفاهم الملائكة

مانند این جزا میدهد خدا پرهیزکاران را ۝ آنانکه قبض روح ایشان کنند فرشتگان

طيبين يقولون سلام عليكم ادخلوا الجنة بما كنتم

که پاکیزه باشند میگویند سلام خدا بر شما در آیید در بهشت بسبب آنچه بودید که

تعملون ۝ هل ينظرون الا ان تاتيهم الملائكة او ياتي

میکردید ۝ آیا انتظار میبرند کافران مگر آنکه آید ایشان را فرشتگان یا بیاید

امر ربك كذلك فعل الذين من قبلهم وما ظلمهم الله و

فرمان پروردگار تو همچنین کردند آنانکه پیش از ایشان بودند و ستم نکرد ایشان را خدا و

لكن كانوا انفسهم يظلمون ۝ فاصابهم سيئات ما عملوا

ولیکن بودند ایشان بر نفسهای خود ستم کردند ۝ پس رسید ایشان را جزای بدیها آنچه کردند

وحاق بهم ما كانوا به يستهزءون ۝ وقال الذين اشركوا

و فرود آمد بایشان آنچه بودند که بآن استهزا میکردند ۝ و گفتند آنانکه شرک آوردند

لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء نحن ولا اباؤنا ولا

اگر خواستی خدا نپرستیدیمی بغیر او هیچ چیز را نه ما و نه پدران ما و نه

حرمنا من دونه من شيء كذلك فعل الذين من قبلهم فهل

حرام میکردیم ما بی حکم خدا هیچ چیز را همچنین کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس آیا



علی الرسل الا البلاغ المبین ۝ ولقد بعثنا فی کل امة
بر پیغمبران مگر رسانیدن آشکار ۝ و بتحقیق برانگیختیم ما در میان هر گروهی
رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت فمنهم من هدی
فرستاده اینکه بپرستید خدا را و بپرهیزید از پرستیدن بت پس از ایشان کسی بود که هدایت کرد
الله ومنهم من حقت علیه الضلالة ۝ فسیروا فی الارض
خداوند او را و از ایشان کسی بود که ثابت شد بر او گمراهی ۝ پس سیر کنید در زمین
فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین ۝ ان تحرص علی
پس نظر کنید که چگونه بود سرانجام تکذیب کنندگان ۝ اگر حرص داشتی یا محمد بر
هدیهم فان الله لا یهدی من یضل وما لهم من ناصرین ۝
هدایت ایشان پس بدرستی که خدا هدایت نمیکند کسی را که گمراه ساخت و نیست ایشان را از هیچ یاری کنندگان
واقسموا بالله جهد ایمانهم لا یبعث الله من یموت بلی وعدا
و قسم خوردند بخدا سخت ترین سوگندان که برنمیانگیزاند خدا کسی را که بمیرد آری برانگیخته شوند وعده
علیه حقا ولکن اکثر الناس لا یعلمون ۝ لیبین لهم
وعده بر او راست ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند ۝ تا بیان کند برای ایشان
الذی یختلفون فیه ولیعلم الذین کفروا انهم کانوا
آنچه اختلاف میکردند در آن و تا بدانند آنانکه کافر شدند بدرستی که ایشان بودند
کاذبین ۝ انما قولنا لشیء اذا اردناه ان نقول له کن فیکون ۝
دروغگویان ۝ جز این نیست که گفتار ما مر چیزی را که خواهیم آفریدن اینکه بگوئیم مر آن را باش پس باشد
والذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوئنهم فی الدنیا
و آنانکه هجرت کردند در راه دین خدا بعد از آنکه ستم کرده شدند هرآینه جای دهیم ایشان را در دنیا
حسنة ولاجر الاخرة اکبر لو کانوا یعلمون ۝ الذین صبروا
جای نیکو و هرآینه مزد آخرت بزرگتر است اگر باشند که بدانند ۝ آنانکه صبر کردند
وعلی ربهم یتوکلون ۝ وما ارسلنا من قبلک الا رجالا
و بر پروردگار خود توکل میکنند ۝ و نفرستادیم ما پیش از تو مگر مردان را

نوحی

نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ بِالْبَيِّنَاتِ
که وحی کردیم بسوی ایشان پس بپرسید اهل ذکر را اگر هستید شما که نمیدانید فرستادیم با معجزها

وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ
کتابهای نوشته و فرستادیم بسوی تو قرآن را تا روشن کنی برای مردم آنچه فرستاده شد بسوی ایشان

لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ۝ أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ
شاید ایشان تفکر کنند آیا پس ایمن شده اند آنانکه مکر کرده اند مکرهای بد اگر فرو برد

اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ۝
خدا ایشان را بزمین یا بیارد ایشان را عذاب از جایی که ندانند

أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ۝ أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ
یا بگیرد ایشان را در حالت آمد شد ایشان پس نیستند ایشان عاجز کنندگان خدا یا بگیرد ایشان را در فزع بر ترس

فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ
پس بدرستی پروردگار مهربان و بخشنده است آیا ندیدند بسوی آنچه آفریده خدا از چیزی که

يَتَفَيَّؤُا ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ ۝
میگردد سایه های ایشان از دست راست و چپ که سجده کنندند مر خدا را و ایشان برافتاده و خواراند

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ
و خدا را سجده میکند آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست از جنبندگان و فرشتگان

وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ۝ يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا
و ایشان سرکشی میکنند میترسند ملائکه از پروردگار خود از بالای ایشان و میکنند آنچه

يُؤْمَرُونَ ۝ وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ
مامور می شوند و گفت خدا فرا مگیرید دو خدا را بخدائی جز این نیست که خدای شما یکتاست

فَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ ۝ وَلَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ
پس از من بترسید و مرا وراست آنچه در آسمانها و زمینست و مر او راست دین که

وَاصِبًا أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ ۝ وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا
واجبست آیا پس بغیر از خدا می ترسید و آنچه بشما رسد از نعمتها پس از جانب خداست پس چون

از حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه مرویست که مائیم اهل الذکر و در تفاسیر عامه از ابن عباس بچند سند مذکور است که اهل الذکر محمد و علی و فاطمه و حسنین علیهم السلام اند و حضرت حق سبحانه در کریمه ذکرا رسولا پیغمبر خود را ذکر نامیده بعلت آنکه مذکر ثقلین است و بقول ابن عباس اهل ذکر قاریان قرآنند و بقول مفسرین علمای یهود و نصاری اند

چون عذاب غالبا از بالا بزیر می آید و ممکن است که من فوقهم اشاره بعلو قدر و رتبه الله تعالی باشد

نصف

مسكم الضر فاليه تجارون ثم اذا كشف الضر عنكم اذا فريق
برسد بشما ضرری پس بسوی او تضرع می کنید پس چون بردارد آن سختی را بر شما آنگاه گروهی
منكم بربهم يشركون ليكفروا بما اتيناهم فتمتعوا فسوف
از شما بپروردگار شما شرک می آرند تا کفر ورزند بآنچه دادیم ایشان را پس برخورید پس زود باشد
تعلمون ويجعلون لما لا يعلمون نصيبا مما رزقناهم تالله
که بدانید و میگردانند از برای چیزی که علمی ندارند حصه از آنچه روزی کردیم ایشان را قسم بخدا
لتسئلن عما كنتم تفترون ويجعلون لله البنات سبحانه
که پرسیده شوند از آنچه هستند که دروغ می بندید و میگردانند برای خدا دختران پاکست خدا
ولهم ما يشتهون واذا بشر احدهم بالانثى ظل وجهه
و مر ایشان راست آنچه آرزو دارند و چون مژده داده یکی از ایشان بولادت دختری روی او
مسودا وهو كظيم يتوارى من القوم من سوء ما بشر به
سیاه گردد و او پر باشد از خشم پنهان شود از قوم از بدی آنچه خبر داده شده
ايمسكه على هون ام يدسه في التراب الا ساء ما يحكمون
باو آیا نگاه دارد او را بر خواری یا بپوشد او را در خاک بدانید که بدست آنچه حکم می کنند
للذين لا يؤمنون بالاخرة مثل السوء ولله المثل الاعلى
مر آنان را که ایمان ندارند بقیامت صفت بدیست کشتن دختران و مر خدا راست صفت بلند
وهو العزيز الحكيم ولو يؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترك عليها
و اوست غالب درست کار و اگر بگیرد خدا مردمان را بستم و کفر ایشان نگذارد بر روی زمین
من دابة ولكن يؤخرهم الى اجل مسمى فاذا جاء اجلهم لا
هیچ جنبنده و لیکن خدا تاخیر میکند ایشان را تا وقتی نام برده شده پس چون آمد اجل ایشان
يستاخرون ساعة ولا يستقدمون ويجعلون لله ما
باز پس نروند ساعتی و پیشی نگیرند ساعتی و میگردانند برای خدا آنچه
يكرهون وتصف السنتهم الكذب ان لهم الحسنى لا جرم ان
نمیخواهند و وصف میکند زبانهای ایشان دروغ را که مر ایشان راست خوبی و بهشت حقا که در آخرت

حکایت
از حال مشرکان
قریش است که بعضی از حرث
و چهارپایان خود را مخصوص بتان
میدانستند و پیش از
این گذشت
قریش
می گفتند که فرشتگان
دختران خدااند

هم الن

لهم النار وانهم مفرطون ۝ تالله لقد ارسلنا الى امم من قبلك
مر ایشانرا است آتش و بدرستی که ایشان پیش فرستاده شوند ۝ بخدا که براستی ۝ فرستادیم پیغمبرانرا بسوی امتان که پیش از
فزين لهم الشيطان اعمالهم فهو وليهم اليوم ولهم عذاب
تو بود پس بیاراست برای ایشان شیطان کردار ایشانرا ۝ پس او دوست ایشانست امروز و مر ایشانراست عذاب
اليم ۝ وما انزلنا عليك الكتاب الا لتبين لهم الذي اختلفوا
دردناک ۝ و فرو نفرستادیم بر تو ۝ قرآن را ۝ مگر آنکه روشن کردی مر ایشانرا ۝ آنچه اختلاف کردند
فيه وهدى ورحمة لقوم يؤمنون ۝ والله انزل من السماء
در آن ۝ و راه نما ۝ و رحمت ۝ مر گروهی را که ایمان دارند ۝ و خدا فرستاد ۝ از آسمان
ماء فاحيا به الارض بعد موتها ان في ذلك لاية لقوم
آبی ۝ پس زنده گردانید ۝ زمین را بعد از مردن او ۝ بدرستی که در ۝ این هر آینه علامتی است گروهی را
يسمعون ۝ وان لكم في الانعام لعبرة نسقيكم مما في
که میشنوند ۝ و بدرستیکه شما راست ۝ در ۝ چهارپایان ۝ هر آینه دلالتی ۝ می آشامانیم شما را از آنچه در
بطونه من بين فرث ودم لبنا خالصا سائغا للشاربين
شکمهای آنهاست از میان سرگین ۝ و خون ۝ یا شیری پاک ۝ گوارنده ۝ مر شرب کننده گانرا
ومن ثمرات النخيل والاعناب تتخذون منه سكرا ورزقا
و از ۝ میوه های درخت خرما ۝ و ۝ انگورها ۝ فرا میگیرید ۝ از آن مست کننده ۝ و روزی
حسنا ان في ذلك لاية لقوم يعقلون ۝ واوحى ربك الى
نیکو ۝ بدرستی که در ۝ این هر آینه علامتیست مر گروهی را که تعقل میکنند ۝ و الهام کرد پروردگار تو بسوی
النحل ان اتخذي من الجبال بيوتا ومن الشجر ومما يعرشون ۝
زنبوران عسل که فرا گیرید ۝ از شکاف کوهها خانه ها ۝ و از میان درختان و از آنچه مردمان بنا میکنند
ثم كلي من كل الثمرات فاسلكي سبل ربك ذللا يخرج
پس بخورید از ۝ هر میوه ۝ پس درروید ۝ براه ۝ پروردگار خود در حالیکه منقاد باشید
من بطونها شراب مختلف الوانه فيه شفاء للناس ان في
بیرون می آید از شکمهای ایشان شراب ۝ مختلف ۝ در رنگ ۝ در آن شربت شفاست مر مردمان را بدرستی که در

دوست ایشان است یعنی در دنیا و اما در آخرت از ایشان بیزار است
گوید قریش می گفتند اگر محمد راست میگوید که ثواب و عقابی هست ما از اهل بهشت خواهیم بود

ذلك لآية لقوم يتفكرون ۝ والله خلقكم ثم يتوفيكم و
این هر آینه علامتی است مر گروهی را که تفکر می کنند ۝ و خدا آفرید شما را پس میراند شما را و
منكم من يرد الى ارذل العمر لكي لا يعلم بعد علم شيئا ان
از شما کیست که رد کرده میشود بسوی خوارترین زندگی و پیری تا نداند بعد از دانستن چیزی را بدرستی که
الله عليم قدير ۝ والله فضل بعضكم على بعض في الرزق
خدا داناست و تواناست ۝ و خدا افزونی داده بعضی از شما بر بعضی در روزی
فما الذين فضلوا برادي رزقهم على ما ملكت ايمانهم فهم
پس نیستند آنانکه زیاده یافتند از مال برگرداننده مال خود برآنها که مالک شده دستهای ایشان پس ایشان
فيه سواء افبنعمة الله يجحدون ۝ والله جعل لكم من
باشند همه در مال مساوی آیا پس بنعمت خدا انکار میکنند ۝ و خدا کرد برای شما از
انفسكم ازواجا وجعل لكم من ازواجكم بنين وحفدة
نفسهای شما زنان را و کرد برای شما از زنان شما پسران و اولاد اولاد
ورزقكم من الطيبات افبالباطل يؤمنون وبنعمت الله هم
و روزی کرد شما را از پاکیزه ها آیا پس بیهوده گروند و میکنند و بنعمت خدا ایشان
يكفرون ۝ ويعبدون من دون الله ما لا يملك لهم
کافر میشوند ۝ و می پرستند غیر از خدا چیزی را که مالک نیست برای ایشان
رزقا من السموات والارض شيئا ولا يستطيعون ۝ فلا تضربوا
روزی دادن از آسمانها و از زمین چیزی را و قدرت ندارند ۝ پس نزنید
لله الامثال ان الله يعلم وانتم لا تعلمون ۝ ضرب الله مثلا
برای خدا مثلها و اشباه بدرستی که خدا میداند و شما نمیدانید ۝ زد خدا مثلی است
عبدا مملوكا لا يقدر على شيء ومن رزقناه منا رزقا
که بنده درم خریده که توانائی ندارد بر چیزی و آزادی که روزی دادیم ما او را از خود روزی
حسنا فهو ينفق منه سرا وجهرا هل يستوون الحمد لله بل
نیکو پس آن مرد نفقه می کند از آن مال پنهان و آشکارا آیا برابر اند این دو با هم حمد مر خدا را بلکه

خلاصه
مضمون آیه این که
خدا تعالی بعضی از شما را
در باب رزق زیادتی بر دیگران داده
که متکفل احوال ایشان شوید چنانچه شما را بر عبید
و اما تفضیل داده و هیچ یک از شما خود را
راضی نمیشوانید که عبید و اما خود را
شریک در مال خود نمایند و از مال خود بایشان
عطا کند پس چون بندگان خدا را شریک او
در ملک میدانید و حاصل آنکه چیزی را که بر خود
روا نمیدارید چون بر خود روا میدارید
گفته که این آیه در باب نصاری نجران نازل
شده که مسیح را شریک خدا میدانستند و بعضی
مفسرین احتمال دیگر هم داده اند که فهم
سوا آنکه نفی باشد و حاصلش آنکه روزی
نمیدهند عبید و اما و عیال خود را بلکه
خدا تعالی بهمه روزی داده و همگان
با عبید و اما در روزی
مساوی اند

اكثرهم لا يعلمون ۝ وضرب الله مثلا رجلين احدهما ابكم
بیشتر ایشان نمیدانند ۝ و زد خدا مثلی آن این است که دو مرد که یکی از ایشان گنگ

لا يقدر على شيء وهو كل على موليه اينما يوجهه لا
قدرت ندارد بر چیزی و او گنگ گرانست بر کسی که متولی امر او باشد هر جا بفرستد او را باز

يات بخير هل يستوي هو ومن يامر بالعدل وهو على صراط
نیاید بخوبی آیا مساویست آن گنگ و کسی که امر میکند براستی و او بر راه

مستقيم ۝ ولله غيب السموات والارض وما امر الساعة
راستست ۝ و مر خدا راست پنهان آسمانها و زمینست و نیست آمدن قیامت

الا كلمح البصر او هو اقرب ان الله على كل شيء قدير ۝
مگر مانند گردیدن چشم زدن یا بلکه نزدیکتر بدرستی که خدا بر هر چیز تواناست

والله اخرجكم من بطون امهاتكم لا تعلمون شيئا وجعل
و خدا بیرون آورد شما را از شکمهای مادران شما نمیدانستید هیچ چیز و آفرید

لكم السمع والابصار والافئدة لعلكم تشكرون ۝
برای شما گوش و چشمها و دلها شاید شما شکر کنید

الم يروا الى الطير مسخرات في جو السماء ما يمسكهن الا
آیا نمی بینید بسوی مرغان در حالیکه رام شده اند در میان آسمان و زمین نگاه نمیدارد ایشانرا مگر

الله ان في ذلك لايات لقوم يؤمنون ۝ والله جعل لكم من
خدا بدرستی که در این هر آینه نشانهاست مر گروهی را که میگروند ۝ و خدا گردانید برای شما از

بيوتكم سكنا وجعل لكم من جلود الانعام بيوتا تستخفونها
خانهای شما آرامگاهی و گردانید برای شما از پوست چهارپایان خانها سبک می یابید آنرا

يوم ظعنكم ويوم اقامتكم ومن اصوافها واوبارها واشعارها
روز نقل خود و روز اقامت شما و از پشمهای انعام و پشمهای نرم شتر و موهای بز

اثاثا ومتاعا الى حين ۝ والله جعل لكم مما خلق ظلالا و
و رختهای پوشیدنی و برخورداری تا وقتی کهنه شود ۝ و خدا گردانید برای شما از آنچه آفرید از کوه و دشت

برگاه
آن پسر بان
بحاصل آن کاردان سخنگو یکسان
نباشد چگونه بتان بی شعور با
حکیم علی الاطلاق یکسان
باشند

یکی
از نشانهای توانائی
مرغانست بر پریدن و دیگری
نگاهداشتن آنها در هوا با آنکه بالطبع مایل
بسفلند باعتبار ثقل و دیگری آفریدن هوا را
در نهایت لطافت که مرغان
ببال و پر توانند قطع مسافت
نمود

جعل لكم من الجبال اكنانا وجعل لكم سرابيل تقيكم الحر

گردانید برای شما از کوهها پوششها و گردانید برای شما پیراهنهای صوف و کتان و از گرما نگاه دارد

وسرابيل تقيكم بأسكم كذلك يتم نعمته عليكم

و پیراهنها که نگاه دارد شما را از جنگ شما و همچنین تمام میکند نعمت خود را بر شما

لعلكم تسلمون ۝ فان تولوا فانما عليك البلاغ المبين ۝

شاید شما اسلام آورید پس اگر برگردند پس نیست بر تو مگر رسانیدن پیغام آشکار

يعرفون نعمت الله ثم ينكرونها واكثرهم الكافرون ۝ ويوم

میشناسند مشرکان نعمت خدا را پس منکر میشوند آنرا و بیشتر ایشان کافرند و روزیکه

نبعث من كل امة شهيدا ثم لا يؤذن للذين كفروا ولا هم

برانگیزیم از هر گروهی گواهی پس رخصت نه دهند مر آنانرا که کافر شدند و نه ایشان

يستعتبون ۝ واذا رأى الذين ظلموا العذاب فلا يخفف عنهم

طلب کرده میشوند و چون ببینند آنانکه ستم کردند عذاب را پس سبک نشود از ایشان

ولا هم ينظرون ۝ واذا رأى الذين اشركوا شركاءهم قالوا

عذاب و نه ایشان مهلت داده شوند و چون ببینند آنانکه شرک آوردند شریکان خود را گویند

ربنا هؤلاء شركاؤنا الذين كنا ندعوا من دونك فالقوا

پروردگارا اینان شریکان مااند آنان که بودیم که میخواندیم ایشانرا بغیر از تو پس انداختند

اليهم القول انكم لكاذبون ۝ والقوا الى الله يومئذ

بسوی ایشان سخن را بدرستی که شما هرآینه دروغگویانید و بیفگنند بسوی خدا آن روز صلح

السلم وضل عنهم ما كانوا يفترون ۝ الذين كفروا وصدوا

که ایمان اوردند و گم کرد از ایشان آنچه بودند که دروغ می بستند آنانکه کافر شدند و بازداشتند مرا

عن سبيل الله زدناهم عذابا فوق العذاب بما كانوا يفسدون

از راه دین خدا زیاد کردیم ایشانرا عذابی بالای عذاب بآنچه بودند که فساد میکردند

ويوم نبعث في كل امة شهيدا عليهم من انفسهم وجئنا

و روزیکه برانگیزانیم در هر گروهی گواهی بر ایشان از نفس ایشان و بیاریم





بك

بك شهيدا على هؤلاء ونزلنا عليك الكتاب تبيانا لكل
تو را يا محمد گواه بر آن گروه و فرستاديم ما بر تو قرآن را که بيان روشنست برای هر
شيء وهدى ورحمة وبشرى للمسلمين ۞ ان الله يامر
چيز و راهنما و بخشنده و مژده دهنده مر گردن نهندگان را براستی که خدا امر ميکند
بالعدل والاحسان وايتاء ذي القربى وينهى عن الفحشاء
بعدل و نيکويی طاعت و عطا دادن خويشان نزديک و نهی ميکند از کار زشت
والمنكر والبغي يعظكم لعلكم تذكرون ۞ واوفوا
و کردار بد و ستم پند ميدهد شما را شايد شما پند گيريد و وفا کنيد
بعهد الله اذا عاهدتم ولا تنقضوا الايمان بعد توكيدها
به پيمان خدا چون عهد ببنديد و مشکنيد سوگندان خود را بعد از استواری
وقد جعلتم الله عليكم كفيلا ان الله يعلم ما تفعلون ۞
و بتحقيق گردانيده ايد شما خدا را بر قسمهای خود ضامن براستی که خدا ميداند آنچه ميکنيد شما
ولا تكونوا كالتي نقضت غزلها من بعد قوة انكاثا تتخذون
و مباشيد شما مانند زنی که بشکافت و بگشاد ريسمان خود را بعد از استحکام که از رشته تاب داشت ميگيريد
ايمانكم دخلا بينكم ان تكون امة هي اربى من امة انما
سوگندان خود را خيانت ميان خود تا باشيد گروهی آن گروه زياده از گروهی ديگر جز اين نيست
يبلوكم الله به وليبينن لكم يوم القيمة ما كنتم فيه تختلفون
می آزمايد شما را خدا بآن و تا ظاهر کند برای شما روز قيامت آنچه بوديد که در آن اختلاف ميکرديد
ولو شاء الله لجعلكم امة واحدة ولكن يضل من يشاء
و اگر خواهد خدا هر آينه بگردانيد شما را در آن گروه متفق وليکن فرو گذارد بگمراهی هر که خواهد
ويهدي من يشاء ولتسئلن عما كنتم تعملون ۞ ولا تتخذوا
و راه مينمايد هر کرا خواهد و هر آينه پرسيده شويد از آنچه بوديد که ميکرديد و فرا مگيريد
ايمانكم دخلا بينكم فتزل قدم بعد ثبوتها وتذوقوا السوء
سوگندان خود را عذر ديگر ميان خود پس بلغزد قدم شما از اسلام بعد از استواری آن و بچشيد اندوه رنج

از حضرت صادق صلوات الله عليه مرويست که اين آيات در شان ولايت علی عليه السلام نازل شد و آن عهدی که رسول خدا از اين امت گرفته بود که سلام کنند برا و بلفظ امير المومنين يعنی امت چون بکلی ظاهرا قبول اين عهد نموده بودند حقتعالی در اين آيات تاکيد عهد و ميثاق مذکور نموده و اکثر مفسرين گويند که خطاب در اين آيه با مسلمانانست که بيعت با رسول خدا صلی الله عليه و آله نموده بودند و غرض آنکه البته بعد از تاکيد عهد و بيعت آنرا مشکنند مانند آن زنی که رشته خود را بقوت تمام بافت و آخر تارهای آنرا از هم گشود و گفته اند که آن ريطه دختر عمرو بن کعب بن سعد بن تيم بن مره بود که با کنيزان و دختران خود هر روز تا نصف روز ريسمان ميتافت پس همه را از هم می انداخت و باين اعتبار او را حمقاء قريش و خرقاء مکه ميناميدند و بقولی اين مثلی است که شبيه بوجود خارجی داشته باشد و ان تکون بتقدير لام تعليل علتست برای نقض عهد و حاصلش آنکه نقض عهد ميکنيد بعلت آنکه ميخواهيد که گروهی برای خاطر ايشان اين نقض از شما صادر ميشود زياده اند از طايفه [illegible]

بما صددتم عن سبيل الله ولكم عذاب عظيم ولا تشتروا
بسبب آنچه ایستادید از راه دین خدا و مر شماراست عذاب بزرگ و مخرید

بعهد الله ثمنا قليلا انما عند الله هو خير لكم ان كنتم تعلمون
بعهد خدا بهای اندک را بدرستی که نزد خداست او بهترست مر شما اگر هستید که بدانید

ما عندكم ينفد وما عند الله باق ولنجزين الذين صبروا
آنچه نزد شماست فانی شود و آنچه نزد خداست باقی باشد و جزا دهیم آنانرا که صبر کردند

اجرهم باحسن ما كانوا يعملون من عمل صالحا من ذكر
مزد ایشان بهترست آنچه بودند که میکردند هر که کند کردار شایسته از مرد

او انثى وهو مؤمن فلنحيينه حيوة طيبة ولنجزينهم اجرهم
یا زن و او مومن باشد پس هر آینه زندگانی دهیم او را زندگانی پاکیزه و هر آینه جزا دهیم ایشانرا مزد ایشان

باحسن ما كانوا يعملون فاذا قرات القران فاستعذ بالله
بهترین آنچه بودند که میکردند پس چون بخوانی قرآن را پس پناه گیر بخدا

من الشيطان الرجيم انه ليس له سلطان على الذين امنوا وعلى
از شر شیطان رانده شده بدرستیکه نیست شیطانرا تسلطی بر آنانکه گرویدند و بر

ربهم يتوكلون انما سلطانه على الذين يتولونه والذين هم
پروردگار خود توکل می کنند جزاین نیست که تسلط شیطان بر آنان که دوست دارند او را و آنانکه ایشان

به مشركون واذا بدلنا اية مكان اية والله اعلم بما ينزل
بسبب شیطان شرک آورنده گانند و چون بدل کنیم آیتی را از قرآن بجای آیتی و خدا داناترست بآنچه فرو میفرستد

قالوا انما انت مفتر بل اكثرهم لا يعلمون قل نزله روح
گویند جزاین نیست که تو افترا کننده بلکه بیشتر ایشان نمیدانند بگو فرو آورد او را

القدس من ربك بالحق ليثبت الذين امنوا وهدى وبشرى
جبرئیل از پروردگار تو براستی تا ثابت کند آنانرا که ایمان آورده اند و هدایت کردن و مژده دادن

للمسلمين ولقد نعلم انهم يقولون انما يعلمه بشر لسان
مسلمانانرا و براستی ما میدانیم که ایشان میگویند جزاین نیست که می آموزاند او را آدمی زبان

گویند قریش میگفتند که قرآن از جانب خدا نیست و چون مشتمل است بر اخبار امم سابقه و آنحضرت چیزی نخوانده بود و کتابی ندیده بود و معاشرت با کسی که اطلاع بر احوال ایشان داشته باشد نکرده بود و بعضی میگفتند آن اخبار را از سلمان فارسی تعلیم دارد و بارها میگفتند که بلعام جوانی بود نصرانی در مکه کلام او دست درجمی می گفتند که کلام بعیش یا عایش رومی است که پیامبر شد و بعضی گفته اند که از دو رسته مکه در جاهلیت از مردم عین التمر در مکه سکنی داشتند بود و ندانه تعلیم گرفت حقتعالی در جواب فرمود که لغت عجمی که شما این قصص را نسبت با ایشان میدهید لغت عجمی است و این قصص عربی است و شما با آنکه در کمال فصاحت و بلاغت هستید عاجز و ناتوانید که یک آیه مثل آن آورد و چگونه این عجمان توانستند آنرا تالیف و ترکیب نمایند

الذي

الذي يلحدون إليه أعجمي وهذا لسان عربي مبين

آنانکه میگردانند کفار خود را بسوی او کلام عجمی و این زبان عربی ظاهر است

إن الذين لا يؤمنون بآيات الله لا يهديهم الله ولهم عذاب

بدرستی که آنانکه نمیگروند بنشانهای خدا راه ننماید ایشانرا خدا و ایشانراست عذاب

أليم إنما يفتري الكذب الذين لا يؤمنون بآيات الله و

دردناک جز این نیست که دروغ می بندند آنانکه نمیگروند بنشانهای خدا و

أولئك هم الكاذبون من كفر بالله من بعد إيمانه إلا من

آن گروه ایشانند دروغگویان هرکه کافر شود بخدا بعد از ایمان خویش مگر کسی که

أكره وقلبه مطمئن بالإيمان ولكن من شرح بالكفر صدرا

اکراه داشته شد و دل او آرمیده باشد بایمان و لیکن هرکه بگشاید بکفر سینهٔ خود را

فعليهم غضب من الله ولهم عذاب عظيم ذلك بأنهم استحبوا

پس بر ایشان غضب است از خدا و مر ایشانراست عذاب بزرگ این عذاب بجهة آنست که ایشان دوست

الحيوة الدنيا على الآخرة وأن الله لا يهدي القوم الكافرين

داشتند زندگانی دنیا را بر آخرت و بدرستی که خدا راه ننماید گروه کافرانرا

أولئك الذين طبع الله على قلوبهم وسمعهم وأبصارهم و

آنها آنند کسانی که مهر نهاد خدا بر دلهای ایشان و گوش ایشان و چشمهای ایشان و

أولئك هم الغافلون لا جرم أنهم في الآخرة هم الخاسرون

آن گروه ایشانند بیخبران حقا که ایشان در قیامت ایشانند زیانکاران

ثم إن ربك للذين هاجروا من بعد ما فتنوا ثم جاهدوا و

پس بدرستی پروردگار تو مر آنانرا که هجرت کردند بعد از آنکه عذاب کشیده بودند پس جهاد کردند و

صبروا إن ربك من بعدها لغفور رحيم يوم تأتي كل

صبر کردند بدرستی که پروردگار تو بعد از آن هر آینه آمرزنده مهربانست روزیکه بیاید هر

نفس تجادل عن نفسها وتوفى كل نفس ما عملت وهم لا

نفسی جدل کند با نفس خود و بتمام داده شود هر نفسی جزای آنچه کرده و ایشان



يظلمون ۝ وضرب الله مثلا قرية كانت امنة مطمئنة

اسمیده شوند و زد خدا مثلی و آن امنست که دهی بود ایمن از جبارات آرمیده

ياتيها رزقها رغدا من كل مكان فكفرت بانعم الله فاذاقها

می آمد بآن ده روزی ایشان فراخ از هر جانبی پس کافر شدند بنعمتهای خدا پس چشانید

الله لباس الجوع والخوف بما كانوا يصنعون ۝ ولقد جاءهم

خدا اهل آن ده را پوشش گرسنگی و ترس بسبب آنچه بودند که کردند از بدی و بحقیق که آمد ایشان را

رسول منهم فكذبوه فاخذهم العذاب وهم ظالمون ۝ فكلوا

پیغمبری از ایشان پس تکذیب کردند او را پس گرفت ایشان را عذاب و ایشان ستمکاران اند پس بخورید

مما رزقكم الله حلالا طيبا واشكروا نعمت الله ان كنتم اياه

از آنچه روزی داد شما را خدا حلال پاکیزه و شکر کنید نعمت خدا را اگر هستید که خدا را

تعبدون ۝ انما حرم عليكم الميتة والدم ولحم الخنزير وما

می پرستید جز این نیست که حرام کرده اند بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه

اهل لغير الله به فمن اضطر غير باغ ولا عاد فان الله غفور

آواز بر داشته باشد بغیر از نام خدا پس هر که مضطر شود که طالب لذت نباشد و نه در گذرنده پس بدرستیکه خدا آمرزنده

رحيم ۝ ولا تقولوا لما تصف السنتكم الكذب هذا حلال و

مهربانست و مگویید مر آنچه را که وصف میکند زبانهای شما دروغ را این حلال است و

هذا حرام لتفتروا على الله الكذب ان الذين يفترون على

این حرام است تا ببندید بر خدا دروغ را بدرستی که آنانکه می بندند بر

الله الكذب لا يفلحون ۝ متاع قليل ولهم عذاب اليم ۝ وعلى

خدا دروغ را رستگار نمیشوند متاعی اندک است و مر ایشان راست عذابی دردناک و بر

الذين هادوا حرمنا ما قصصنا عليك من قبل وما ظلمناهم

آنانکه یهود شدند حرام کردیم آنچه خواندیم بر تو پیش از نزول سوره و ستم نکردیم با ایشان

ولكن كانوا انفسهم يظلمون ۝ ثم ان ربك للذين عملوا السوء

ولیکن بودند که بخود شان ستم میکردند پس بدرستیکه پروردگار تو مر آنان را که گناه کردند

گویند
که این قریه
عبارت از مکه است که رسول
خدا صلی الله علیه و آله اهل آنرا نفرین کرد
و فرمود اللهم اشدد وطاتک علی مضر واجعل
علیهم سنین کسنی یوسف پس هفت سال خدای
عز و جل قحط و غلا بر ایشان گماشت تا بحدی
که مضطر بخوردن پوست و موی حیوانات شدند
و بعضی گفته اند که قریه دیگر بود پیش از آنحضرت
که بعلت تکذیب پیغمبر خود بآن
بلا مبتلا شدند

بِجَهٰالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ وَاَصْلَحُوا اِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا

بنادانی پس توبه کردند بعد از آن و بصلاح آورند کار خود را بدرستی که پروردگار تو بعد از توبه

لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ۞ اِنَّ اِبْرٰهِيمَ كَانَ اُمَّةً قَانِتًا لِلّٰهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ

هر آینه آمرزنده مهربانست بدرستیکه ابراهیم بود یک امت فرمان بردار خدا مایل از ادیان باطله و نبود

مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۞ شَاكِرًا لِاَنْعُمِهِ اجْتَبٰهُ وَهَدٰيهُ اِلٰى صِرَاطٍ

از مشرک آورندگان شکر کننده بود مر نعمتهای خود را که برگزید خدا او را و راه نمود او را بسوی راه

مُسْتَقِيمٍ ۞ وَاٰتَيْنٰاهُ فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَاِنَّهُ فِى الْاٰخِرَةِ لَمِنَ

راست و دادیم ما او را در این دنیا نیکوئی و بدرستیکه او در آخرت از جمله

الصّٰالِحِينَ ۞ ثُمَّ اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ اَنِ اتَّبِعْ مِلَّةَ اِبْرٰهِيمَ حَنِيفًا وَمَا

شایسته کارانست پس وحی کردیم ما بسوی تو آنکه پیروی کن کیش ابراهیم را مایل بود از ادیان باطله و نبود

كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۞ اِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا

از مشرکان جز این نیست که گردانیده شد تعظیم شنبه بر آنانکه اختلاف کردند

فِيهِ وَاِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ

در آن و بدرستیکه پروردگار تو هر آینه حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه بودند که در آن

يَخْتَلِفُونَ ۞ اُدْعُ اِلٰى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ

اختلاف میکردند بخوان مردم را براه پروردگار خود که اسلام است بدلیل ثابت و پند نیکو

وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِى هِىَ اَحْسَنُ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ

و مباحثه نمای با ایشان بطریقه که آن بهتر است بدرستیکه پروردگار تو داناتر است بآنکه گمراه شد از

سَبِيلِهِ وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ۞ وَاِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ

راه دین حق و او داناترست بره یافتگان و اگر عقوبت کنید پس عقوبت کنید مانند

مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصّٰابِرِينَ ۞ وَاصْبِرْ وَمَا

آنچه عقوبت کرده شدید بآن و اگر صبر کنید شما هر آینه او بهترست مر صبر کنندگان را و صبر کن و نیست

صَبْرُكَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِى ضَيْقٍ مِمَّا

صبر تو مگر بتوفیق خدا و غمگین مباش بر ایشان و مباش در تنگی از آنچه

مقتالی

حضرت ابراهیم را امت نامیده باعتبار آنکه در بدایت حال او بود و صاحب ملت حق ... یا باعتبار آنکه صفات کمالی که از آنحضرت بود در کثرت بکمال مرتبه بود که گویا اجتماعش در یک شخص ممکن نبود همانا همچو بود متصف بآن صفات از فضل کرم چنانکه گفته اند و لیس من الله بمستنکر ان یجمع العالم فی واحد و بقولی امت بمعنی مقتدی به ... آنحضرت مقتدای گردید انی جاعلک للناس اماما پیشوای کافه خلایق ... ایشان بود بفرمان حق تعالی در امور دینی و دنیوی

والقولی

مراد آنست که تعظیم روز شنبه مقرر نشد مگر بر آنانکه اختلاف کردند در آن و گویند در بدایت حال خدا تعالی حکم فرمود ... که تعظیم روز جمعه ... که آن روزیست که خدای عز و جل فارغ شده از آفریدن آسمانها و زمین پس حق تعالی بتعظیم روز شنبه بر ایشان فرمود و سخت گرفت ... خود در صید آن روز

الجزء ۱۵

يمكرون ۝ ان الله مع الذين اتقوا والذين هم محسنون ۝
مکر می کنند ۝ بدرستی که خدا با ۝ آنانست که پرهیز کردند و آنانکه ایشان ۝ نیکوکارانند

سورة بنی اسرائیل مائة واحد عشر آیة مکیة

بسم الله الرحمن الرحيم ۝
بنام ۝ خداوند بخشاینده مهربان

سبحان الذي اسرى بعبده ليلا من المسجد الحرام الى المسجد
پاک از عیوبست ۝ آنکه ۝ برد ۝ بنده خود را در زمانی اندک از شب ۝ از مسجد الحرام ۝ بسوی مسجد

الاقصا الذي باركنا حوله لنريه من اياتنا انه هو السميع
دور تر ۝ که وضع خیر و برکت و کمالات فرمودیم در حوالی آن ۝ تا بنمایم او را از غرایب قدرت ما بدرستی که او

البصير ۝ واتينا موسى الكتاب وجعلناه هدى لبني اسرائيل
شنوای بیناست ۝ و دادیم ما ۝ موسی را توریت ۝ و گردانیدیم او را راهنما بر بنی ۝ اسرائیل

الا تتخذوا من دوني وكيلا ۝ ذرية من حملنا مع نوح انه
آنکه نگیرید ۝ جز از من خدائی را ۝ وکیل ۝ او لاد آنکسیکه بر داشتیم ما او را ۝ با نوح ۝ بدرستیکه

كان عبدا شكورا ۝ وقضينا الى بني اسرائيل في الكتاب
بود نوح بنده ۝ شکر کننده ۝ و اعلام کردیم ما بسوی پسران یعقوب ۝ در کتاب توریت

لتفسدن في الارض مرتين ولتعلن علوا كبيرا ۝ فاذا جاء وعد
هر آینه ۝ در ۝ زمین دو مرتبه ۝ و هر آینه بلند شوند تکبری بزرگ ۝ پس چون بیاید وعده عقوبت

اولهما بعثنا عليكم عبادا لنا اولي باس شديد فجاسوا
اول ۝ برانگیخته ایم ۝ بر شما ۝ بندگان ما را که ۝ خداوندان کارزار سخت ۝ پس در آمدند

خلال الديار وكان وعدا مفعولا ۝ ثم رددنا لكم الكرة
میان خانهای شما و هست این وعده کرده شده ۝ پس بازگردانیم برای شما غالب شوید

عليهم وامددناكم باموال وبنين وجعلناكم اكثر نفيرا ۝
برایشان ۝ و مدد دهیم شما را ۝ بمالها ۝ و پسران ۝ و گردانیدیم شما را بیشتر از آنکه بودند گروهها

ان

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که هر که سورهٔ بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند از دنیا بیرون نرود تا آنکه دیدار حضرت قائم آل محمد صلوات الله علیه را دریابد و در زمرهٔ اصحاب آنحضرت باشد

در مجمع البیان روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که در مکه جبرئیل شبی آمد و با من گفت که برخیز ای محمد برخواستم و با وی تا خانه بیرون آمدم جبرئیل و میکائیل و اسرافیل را دیدم جبرئیل براق را پیش کشید و آن بزرگتر از دراز گوش و کوچکتر از استر بود و رویش مانند روی آدمی و دمش چون دم گاو و یالش چون یال اسب و دستها و پاهایش چون شتر زینی از بهشت داشت پس گفت سوار شو سوار شدم و در همی تا بیت المقدس فرشتگان از آسمان فرود آمده گفتند بشارت باد تورا بکرامت عظمی [illegible]

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ

اگر نیکوئی کنید شما نیکوئی کنید برای نفسهای خود و اگر بدی کنید پس وبال آن بر شماست پس چون آید وعده

الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ

عقوبت فساد دوم تا بد سازند رویهای شما را و تا داخل شوند در سجده گاه چنانکه داخل شدند اول مرتبه

وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا ۝ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ

و تا هلاک کنند آنچه غالب شوند بر آن هلاک کردنی شاید پروردگار شما اینکه رحم کند بر شما و اگر

عُدْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا ۝ إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ

برگردید بفساد برگردیم ما بعقوبت و گردانیدیم ما دوزخ را برای کافران زندان بدرستیکه این قرآن

يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ

راه مینماید که آن راست تر است و مژده میدهد مؤمنان را آنانکه میکنند کردار شایسته

أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ۝ وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا

بدرستیکه مر ایشان راست مزدی بزرگ و بدرستی که آنانکه ایمان نمیآورند بآخرت آماده کردیم ما

لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ

برای ایشان عذاب دردناک و میخواند آدمی بدی مثل خواندن او بخوبی و هست

الْإِنْسَانُ عَجُولًا ۝ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ

انسان بسیار شتاب کننده و گردانیدیم ما شب و روز را دو علامت پس محو گردیم علامتی را

اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ

که شب است و گردانیدیم علامتی را که روز است روشن تا طلب کنید در روشنی افزونی از پروردگار شما

وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا

و تا بدانید شما شمار سالها و حساب آجالها و همه چیز را تفصیل دادیم تفصیل دادنی

وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ

و هر انسانی را لازم گردیم با و عمل او را در گردن او و بیرون آریم برای او روز

الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا ۝ اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ

قیامت نوشته که دارد که بیند آن کتاب گشاده گویند بخوان نامه خود را بس است نفس تو امروز

عروجی باسمان واقع شد که هر گز چنان چیزی در نیکوئی مشاهده ننموده بودم از آنجا پس باسمان اول رفتم و در آنجا عجایب چند و غرایب زیاد مشاهده کردم و فرشتگان آن آسمان همگی بر من سلام کردند پس جبرئیل مرا باسمان دویم برد و در آنجا عیسی ابن مریم و یحیی ابن ذکریا علیهما السلام را دیدم و از آنجا باسمان سیم مرا برد و در آنجا یوسف را دیدم و از آنجا باسمان چهارم برد و در آنجا ادریس را دیدم و از آنجا باسمان پنجم برد و هارون را دیدم پس باسمان ششم برد پس خلق بسیار دیدم که در میان هم میرفتند و در آنجا گریبان را دیدم پس باسمان هفتم برد و در آنجا هم خلق بسیار و فرشتگان بیشمار دیدم و از حضرت صادق منقول است که جبرئیل آنحضرت را در معراج بجائی برد و ایستاد و گفت یا محمد بجائی هست که هیچ پیغمبری نرفته و منقول است که آنحضرت فرمود که از آنجا گذشتم تا باعلی علیین رسیدم و حکایات عجیبه چند فرمود تا آنکه فرمود پس پروردگار با من سخن کرد و من با او سخن گفتم و بهشت و دوزخ و سدرة المنتهی را دیدم و عرش و کرسی را ملاحظه نمودم و از حضرت صادق مرویست که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله باسمان دنیا رسید فرشتگان آن آسمان همگی باستقبال آمده چندان خندان بودند پس بفرشته رسید اندوهناک و عبوس کرده گفت با جبرئیل چرا آن فرشتگان همه خندان و شاد اند و این فرشته اندوهگین گشت و علت حزن چیست

عليك حسيبا ۝ من اهتدى فانما يهتدي لنفسه ومن ضل

بر تو حساب کننده ۝ هر که راه یابد پس جز این نیست که راه یابد برای نفس خود و هر که گمراه شد

فانما يضل عليها ولا تزر وازرة وزر اخرى وما كنا معذبين

پس جز این نیست که گمراه می شود بر نفس خود و برندارد هیچ بردارنده گناه نفس دیگر را و نیستیم ما عذاب کنندگان

حتى نبعث رسولا ۝ واذا اردنا ان نهلك قرية امرنا مترفيها

تا آنکه برانگیزانیم پیغمبری را ۝ و چون خواهیم ما که هلاک کنیم ما اهل شهری را امر کنیم ما منعمان شهر را

ففسقوا فيها فحق عليها القول فدمرناها تدميرا ۝ وكم اهلكنا

بعبادت پس فاسق شوند ایشان پس واجب شود بر ایشان کلمه پس بیخ برکنیم ایشان را بیخ برکندنی ۝ و بسیار که هلاک کردیم

من القرون من بعد نوح وكفى بربك بذنوب عباده خبيرا

از اهل دیها بعد از نوح و بس است پروردگار تو بگناهان بندگان خود دانا

بصيرا ۝ من كان يريد العاجلة عجلنا له فيها ما نشاء لمن

و بینا ۝ هر که باشد که خواهد دنیا را تعجیل کنیم مال دنیا را برای او در این دنیا آنچه خواهیم برای هر که

نريد ثم جعلنا له جهنم يصلها مذموما مدحورا ۝ ومن اراد

خواهیم پس گردانیم ما برای او دوزخ را که درآید بدوزخ نکوهیده باشد و رانده شده ۝ و هر که خواهد

الاخرة وسعى لها سعيها وهو مؤمن فاولئك كان سعيهم

آخرت و بشتابد برای آن شتافتنی و او مومن باشد پس آن گروه هست سعی ایشان

مشكورا ۝ كلا نمد هؤلاء وهؤلاء من عطاء ربك وما

پسندیده شده ۝ هر یک از این دو گروه را و این گروه را از عطای پروردگار تو و نیست

كان عطاء ربك محظورا ۝ انظر كيف فضلنا بعضهم على

عطای پروردگار تو منع کرده شده ۝ ببین که چگونه افزونی دادیم پاره از آدمیان را بر

بعض وللاخرة اكبر درجات واكبر تفضيلا ۝ لا تجعل

پاره و هر آینه آخرت بزرگتر است از درجه ها و بزرگتر است بزرگواری افزونی ۝ فرا مگیر و مگردان با

مع الله الها اخر فتقعد مذموما مخذولا ۝ وقضى ربك

خدای تعالی خدایان دیگر پس بنشینی در دوزخ نکوهیده و فروگذاشته شده ۝ و حکم کرد پروردگار تو

الا تعبدوا الا اياه وبالوالدين احسانا اما يبلغن عندك

الكبر احدهما او كلاهما فلا تقل لهما اف ولا تنهرهما

وقل لهما قولا كريما واخفض لهما جناح الذل من الرحمة

وقل رب ارحمهما كما ربياني صغيرا ربكم اعلم بما في نفوسكم

ان تكونوا صالحين فانه كان للاوابين غفورا وات ذا

القربى حقه والمسكين وابن السبيل ولا تبذر تبذيرا

ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين وكان الشيطان

لربه كفورا واما تعرضن عنهم ابتغاء رحمة من ربك ترجوها

فقل لهم قولا ميسورا ولا تجعل يدك مغلولة الى عنقك

ولا تبسطها كل البسط فتقعد ملوما محسورا ان ربك يبسط

الرزق لمن يشاء ويقدر انه كان بعباده خبيرا بصيرا

ولا تقتلوا اولادكم خشية املاق نحن نرزقهم واياكم

إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا ۝ وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً

بدرستی که کشتن ایشان هست خطائی بزرگ ۝ و نزدیک مشوید بزنا بدرستی زنا هست خصلت زشت

وَسَاءَ سَبِيلًا ۝ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ

و بد راهیست ۝ و مکشید آن نفس را که حرام کرده خدا مگر بحکم راست و هر که

قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفْ فِي الْقَتْلِ

کشته شد در حالتیکه مظلوم باشد پس بدرستی که گردانیدیم مر وارث مقتول را سلطنتی پس باید که ولی خون اسراف نکند در قتل

إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا ۝ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

بدرستی که آن ولی خون هست یاری کرده شده ۝ و نزدیک مشوید بمال یتیم مگر بطریقه که آن طریقه خوبتر است

حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ ۝ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ۝ وَ

تا برسد یتیم بنهایت قوت ۝ و وفا کنید بعهد بدرستی که عهد هست طلب کرده شده ۝ و

أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ

بپیمائید کیل را چون بپیمائید ۝ و وزن کنید با ترازوی راست آن بهتر است

وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ۝ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ

و نیکوتر از روی تاویل ۝ و از پی مرو آنچه نیست تو را بآن دانشی بدرستی که گوش و چشم

وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ۝ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ

و دل همه آنها هست از هر یک پرسیده شده ۝ و راه مرو در زمین

مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ۝ كُلُّ ذَٰلِكَ

که کبر کنی بدرستی که تو نتوانی شکافت زمین را و هرگز نرسی بکوهها از روی بلندی ۝ همه اینها که مذکور شد

كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ۝ ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ

هست بدی آن نزد پروردگار تو کراهت داشته شده ۝ این از آن چیزیست که وحی کرده بسوی تو

رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا

پروردگار تو از حکمت ۝ و مگردان با خدا خدای دیگر را که آری او را شریک پس انداخته شوی در جهنم ملامت

مَدْحُورًا ۝ أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ

کرده شده و رانده شده ۝ آیا پس برگزید برای شما پروردگار شما پسران و فرا گرفت از فرشتگان

افاصفا

از حضرت صادق صلوات الله علیه تفسیر مجمع البیان و بیضاوی از جابر روایت کرده که وقتی در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که کودکی آمد و عرضه داشت که مادرم پیراهنی از شما میخواهد آنحضرت فرمود که ساعتی دیگر بیا آن کودک باز نزد مادر برگشت مادرش گفت برو و بگو که مادرم پیراهنی که بر بدن شماست میخواهد آن کودک برگردید بخدمت حضرت آن حکایت عرضه داشت پس آنحضرت پیراهن خود را از بدن بیرون آورد و بوی داد و برهنه نشست و بلال اذان نماز گفت و مردمان انتظار آنحضرت میکشیدند و آنحضرت بعلت عریانی از خانه بیرون نیامد حقتعالی این آیه فقعد ملوما محسورا فرستاد

مراد از اسراف آنست که وارث مقتول را که قاتل را عیبناک کند بریدن گوش و بینی یا عضوی دیگر مثل قصاص یا آنکه غیر قاتل را در عوض بکشد

از حضرت ابو جعفر علیه السلام مرویست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که روز حساب بنده سوال کرده شود از چهار چیز عمر خود را در چه کار صرف کرده و بدن خود را در چه چیز کهنه کردی و مال خود را از کجا پیدا کردی و در چه مصرف صرف نمودی چهارم سوال از دوستی ما خانواده رسالت

إناثا إنكم لتقولون قولا عظيما ۝ ولقد صرفنا في هذا القرآن

و دختران را بدرستی که شما هر آینه میگوئید گفتاری بزرگ ۝ و بدرستی که گردانیدیم ما در این قرآن برات

ليذكروا وما يزيدهم إلا نفورا ۝ قل لو كان معه آلهة كما

خود را از فرزند تا پند پذیر شوند و نمی افزاید ایشانرا الا نفرت کردن ۝ بگو یا محمد اگر باشد با خدای بحق خدایان چنانکه

يقولون إذا لابتغوا إلى ذي العرش سبيلا ۝ سبحانه وتعالى

میگویند آنگاه هرآینه طلب کردندی آن خدایان بسوی خداوند عرش راهی ۝ پاکست خدا و برتر

عما يقولون علوا كبيرا ۝ تسبح له السموات السبع والأرض

از آنچه میگویند ایشان برتر و بزرگتر ۝ تسبیح میکند مر او را آسمانهای هفتگانه و زمین

ومن فيهن وإن من شيء إلا يسبح بحمده ولكن لا تفقهون تسبيحهم

و هرچه در ایشانست و نیست هیچ چیز ۝ مگر که تسبیح میکند خدا را بحمد خدا ولیکن شما نمی یابید تسبیح ایشانرا

إنه كان حليما غفورا ۝ وإذا قرأت القرآن جعلنا بينك و

بدرستی هست خدا بردبار آمرزنده ۝ و چون بخوانی یا محمد قرآن را گردانیدیم ما میان تو و

بين الذين لا يؤمنون بالآخرة حجابا مستورا ۝ وجعلنا على قلوبهم

میان آنانکه نمیگروند بقیامت پرده پوشیده ۝ و گردانیدیم بر دلهای ایشان

أكنة أن يفقهوه وفي آذانهم وقرا وإذا ذكرت ربك

پوششها که مانعست از آنکه بفهمند قرآنرا و نهادیم در گوشهای ایشان گرانی و چون یاد کنی ۝ پروردگار را در قرآن

في القرآن وحده ولوا على أدبارهم نفورا ۝ نحن أعلم بما يستمعون

در قرآن یگانه و یکتائی او را و باز گردانند کافران پشتهای خود را گریزنده شدند ۝ ما داناتریم بآنچه میشنوند

به إذ يستمعون إليك وإذ هم نجوى إذ يقول الظالمون إن تتبعون

قرآن را چون گوش میدارند بسوی تو و وقتیکه ایشان راز گویند چون گفتند ۝ ستمکاران کفار که متابعت میکنید شما

إلا رجلا مسحورا ۝ انظر كيف ضربوا لك الأمثال فضلوا فلا

مگر مردی را که سحر کرده شده است ۝ بنگر که چگونه زدند برای تو مثلها ۝ پس گمراه شدند پس

يستطيعون سبيلا ۝ وقالوا أإذا كنا عظاما ورفاتا أإنا لمبعوثون

نمیتوانند یافت راهی ۝ و گفتند آیا وقتی که باشیم استخوان و خاکهامی پوسیده آیا ما برانگیخته شدگانیم

خلاصه
مضمون آنکه چون
گوش میدارند هنگام تلاوت
نمودن تو گوش میدارند باواز تو بقصد استهزا
بتو و بقرآن و باین سبب گوش میدارند
ما باین بهتر از ایشان
میدانیم



خلقا جديدا ۝ قل كونوا حجارة او حديدا ۝ او خلقا مما يكبر في
آفریدن تازه ۝ بگو یا محمد اگر باشید سنگ یا آهن ۝ یا آفریده از آنچه بزرگست در
صدوركم فسيقولون من يعيدنا قل الذي فطركم اول مرة
سینه های شما چون آسمان اول مرتبه پس زود باشد که گویند کیست باز می آورد ما را بگو آن کسی که آفرید شما را اول مرتبه
فسينغضون اليك رءوسهم ويقولون متى هو قل عسى ان يكون
پس زود باشد که بجنبانند بسوی تو سرهای خود را و بگویند کی خواهد بود او بگو شاید آنکه بوده باشد
قريبا ۝ يوم يدعوكم فتستجيبون بحمده وتظنون ان لبثتم الا قليلا ۝
این نزدیک روزیکه بخوانند شما را پس شما اجابت کنید که با حمد خدا باشید و گمان برید که درنگ کردید مگر اندکی
وقل لعبادي يقولوا التي هي احسن ان الشيطان ينزغ بينهم
و بگو مر بندگان مرا که بگویند این کلمه را آن بهتر است بدرستی که شیطان دشمنی می افکند میان ایشان
ان الشيطان كان للانسان عدوا مبينا ۝ ربكم اعلم بكم
بدرستی که شیطان هست مر انسان را دشمنی آشکار ۝ پروردگار شما داناترست بشما
ان يشا يرحمكم او ان يشا يعذبكم وما ارسلناك عليهم
اگر خواهد ببخشد شما را ۝ و اگر خواهد عذاب کند شما را ۝ و نفرستادیم ما تو را بر کفار
وكيلا ۝ وربك اعلم بمن في السموات والارض ولقد فضلنا
نگهبان ۝ و پروردگار تو داناترست آنچه در آسمانها ۝ و زمینست ۝ و بتحقیق که ترجیح دادیم ما
بعض النبيين على بعض واتينا داود زبورا ۝ قل ادعوا الذين
پاره از پیغمبران را بر پاره ۝ و دادیم داود را کتاب زبور ۝ بگو یا محمد با کفار بخوانید آنانکه
زعمتم من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم ولا تحويلا ۝
گمان کردید که خدایانند بغیر خدا پس مالک نیستند بر برداشتن سختی از شما و نتوانند تغییر آن را
اولئك الذين يدعون يبتغون الى ربهم الوسيلة ايهم اقرب
آنکه ایشان که میخوانند طلب ایشان بسوی پروردگار ایشان وسیله هر کدام از ایشان که نزدیکتر
ويرجون رحمته ويخافون عذابه ان عذاب ربك كان
بخدا و امید میدارند رحمت او را و میترسند از عذاب او بدرستی که عذاب پروردگار تو هست که

خلاصه
مضمون آنکه این
پیغمبران که مردم را بر ایشان
میخوانند با آنکه در کمال قرب‌اند بدرگاه خدا
هر کدام که قربشان بیشتر است متوسل میشوند
بطاعت و خدمتگاری و چه جای آنانکه
قربشان کمتر است پس طریق اولی باید شما هم
برای تحصیل قرب الهی متوسل بطاعت او
شوید

خلاصه
مضمون اینکه مانع ما از فرستادن معجزاتی
که امت تو ای محمد طلبیده‌اند مانند طلا شدن
صفا و امثال آن نیست جز اینکه پیش از این
مردم از پیغمبران خود چنین معجزها میخواستند و
ما میدادیم بعد از آن چون ایمان نمی‌آوردند
ایشان را مستاصل مینمودیم و تو هم اگر داده
شود ایمان نخواهند آورد بالضروره میبایست
امت تو را هم مستاصل نموده و من با وجود قرار
قرار داده‌ام که برکت
تو امت تو را مستاصل
ننمایم

محذورا

مَحْذُورًا ۝ وَإِن مِّن قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ
که حذر کرده شود ۝ و نیست هیچ دهی مگر که ما هلاک کننده ایم اهل او را پیش از روز قیامت یا
مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا
عذاب کننده ایم اهل او را عذابی سخت هست این حکم در کتاب لوح نوشته شده
وَمَا مَنَعَنَا أَن نُّرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَن كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ
و باز نمیدارد ما را آنکه بفرستیم معجزات خود را مگر آنکه تکذیب کردند بآن پیشینیان
وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا
و دادیم ما ثمود را ناقه که بیننده بود پس ستم کردند بآن و نفرستادیم آیات را مگر
تَخْوِيفًا ۝ وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا
برای ترسانیدن و چون گفتیم برای تو بدرستی که پروردگار تو احاطه کند بر مردمان و نگردانیدیم ما
الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِّلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي
آن خواب را که بتو نمودیم مگر آزمایش برای مردم و نگردانیدیم درخت ملعون را در
الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ۝ وَإِذْ
قرآن و میترسانیم کافران پس نمی افزاید ایشان را مگر سرکشی بزرگ ۝ و چون
قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ
گفتیم ما مر فرشتگان را که سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر شیطان گفت شیطان
أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ۝ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَٰذَا الَّذِي كَرَّمْتَ
آیا سجده کنم مر کسی را که آفریده از خاک ۝ گفت شیطان آیا دیدی تو آن را که گرامی داری تو
عَلَيَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا
بر من اگر واپس داری تو مرا تا سوی روز قیامت هر آینه مستولی شوم بر فرزندان او مگر
قَلِيلًا ۝ قَالَ اذْهَبْ فَمَن تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ
اندکی را ۝ گفت خدا که برو پس هر که متابعت کند ترا از ایشان پس بدرستی که دوزخ جزای شماست
جَزَاءً مَّوْفُورًا ۝ وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُم بِصَوْتِكَ
جزای تمام ۝ و از جای بجنبان هر کرا توانی از ایشان بآواز خود

از حضرت ابی عبد الله علیه السلام

مرویست که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم
شبی در خواب دید که بوزینه چند بر منبر او میجهند
و خلایق را پس و در میکردند آنحضرت
غمگین از خواب برخاست بحدی که اثر اندوه از
روی مبارکش ظاهر میشد پس جبرئیل آمد و این
آیه آورد و ما جعلنا الرؤیا التی اریناک فرمود
که شجره ملعونه بنی امیه اند آنحضرت فرمود
که آیا در عهد من و در زمان من خواهند بود
فرمود نه لیکن آسیای اسلام در گردش خواهد بود
از ابتدای هجرت تو بمدینه تا ده سال از گردش
می افتد تا بر سال سی و پنج از هجرت و تا پنج سال
در گردش خواهد بود و بعد از آن تا چاریست از
آسیای ضلالت و آن ایستاده بر قطبش پس از آن
پادشاهی گروه فرعون صفت است و آنحضرت
امام علیه السلام فرمود که خدا تعالی فرستاد
درین باب انا انزلناه فی لیلة القدر و ما ادریک
ما لیلة القدر لیلة القدر خیر من الف شهر و
فرمود هزار ماه پادشاهی بنوامیه است که در آنها
شب قدری نیست حضرت رسول آنها را
پنهان داشته حکایت را در نهانی با علی و اهل
بیتش اظهار نمود پس حضرت امام فرمود که
هیچکس از ما خروج نکرده و خروج نخواهد کرد
تا زمان قیام قائم آل محمد
مگر که آزار و رنج رسید
ملالی

وَاجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَ
و برانگیزان برایشان سواران و پیادگان خود را و مشارکت کن با ایشان در مالهای حرام و

الْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ۝ إِنَّ عِبَادِي
فرزندان ایشان و وعده ده ایشان را و نیست وعده شیطان ایشان را مگر فریب بدرستیکه بندگان من

لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝ رَّبُّكُمُ الَّذِي
نیست مر ترا برایشان استیلائی و بس است پروردگار تو وکیل بندگان خود پروردگار شما کیست که

يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ
میراند برای شما کشتی را در دریا تا طلب روزی کنید از فضل خدا بدرستی که او هست بشما

رَحِيمًا ۝ وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَن تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا
مهربان و چون برسد شما را سختی در دریا گم شود از خاطر شما هر کرا میپرستید مگر خدا پس چون

نَجَّاكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنسَانُ كَفُورًا ۝ أَفَأَمِنتُمْ
رهانید شما را بسوی بیابان برگشتید از توحید و هست انسان ناسپاس آیا پس ایمن شدید

أَن يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا
از آنکه فرو برد شما را بطرفی از زمین یا فرو فرستد بر شما بادی که سنگ بر شما اندازد پس

تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا ۝ أَمْ أَمِنتُمْ أَن يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ
نیابید برای خود نگاهدارنده یا ایمن شدید از آنکه اعاده کند شما را در دریا مرتبه دیگر

فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا
پس بفرستد بر شما شکننده از باد پس غرق کند شما را بانچه کافر شدید پس نیابید

لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا ۝ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي
برای خود بر ما بآن غرق از پس تابعی و بتحقیق که کرامت کردیم ما فرزندان آدم را و برداشتیم ایشان را در

الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ
خشکی و دریا و روزی دادیم ایشان را از پاکیزه ها و فزونی دادیم ایشان را بر بسیاری

مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ۝ يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ
از آنچه آفریدیم افزونی دادنی روزیکه بخوانیم هر گروهی از مردم را با پیشوا ایشان

بصحت پیوسته از حضرت امام رضا صلوات الله علیه که از پدران بزرگوار خود علیهم السلام از حضرت رسول خدا روایت کرده که در روز قیامت خوانده میشود هر آدمی با امام زمان خود و کتاب پروردگار خود و سنت پیغمبر خود پس منادی ندا خواهد کرد که بیایید ای پیروان ابراهیم پیروان موسی ای پیروان عیسی ای پیروان محمد ای پیروان ائمه هدی و هر که پیرو اولی الامر پیغمبر و امام زمان خود باشد جواب خواهد داد و در تحت لوای او جمع خواهد شد و هر که پیروی نکرده باشد در زمره بحشان محشور شود و ابدی گرفتار خواهد گردید و از حضرت عبدالله منقول است که پشیمان خواهند بود کسی که در دنیا از آل محمد روی گردانید و پیروی ایشان نکرد و بیاید در روز قیامت چون در روز قیامت شود هر گروهی خوانده شوند بسوی کسی که پرستیده اند و متابعت کرده اند پس رسول خدا اکرم و شما بسوی کسانی دارید که بکجا خواهند برد شما را بسوی بهشت خواهند برد قسم به پروردگار کعبه قسم به پروردگار کعبه الحمد لله علی ما هدانا و له الشکر علی ما اولانا

فمن

فمن اوتي كتابه بيمينه فاولئك يقرؤن كتابهم ولا يظلمون
پس هر که داده شود کتاب کردار او بدست راست او پس آنها میخوانند کتاب خود را و ستمدیده نشوند
فتيلا ومن كان في هذه اعمى فهو في الاخرة اعمى
باندازه رشته میان خرما و هر که هست در این دنیا نابینا پس او در قیامت کور است
واضل سبيلا وان كادوا ليفتنونك عن الذي اوحينا
و گمراه تر از راه نابینائی و بدرستی که نزدیک بود که در فتنه اندازند ترا از آنچه وحی کردیم ما
اليك لتفتري علينا غيره واذا لاتخذوك خليلا ولولا
بتو تا افترا کنی بر ما غیر آنچه وحی کردیم و آنگاه که بگیرند ترا دوست و اگر نه
ان ثبتناك لقد كدت تركن اليهم شيئا قليلا اذا لاذقناك
که ثابت داشتیم ترا بتحقیق که نزدیک بودی که میل کنی بسوی ایشان چیزی اندک آنوقت هر آینه میچشانیدیم ترا
ضعف الحيوة وضعف الممات ثم لا تجد لك علينا نصيرا
دو چندان عذاب زندگانی و دو چندان عذاب مردن پس نمی یافتی برای خود در دفع عذاب یاری کننده
وان كادوا ليستفزونك من الارض ليخرجوك منها
و بدرستیکه نزدیک بودند که بلغزانند ترا از زمین تا بیرون کنند ترا از آن
واذا لا يلبثون خلافك الا قليلا سنة من قد ارسلنا
و آنگاه درنگ نکنند بعد از رفتن تو مگر اندکی سنت کردیم برآنها که فرستادیم
قبلك من رسلنا ولا تجد لسنتنا تحويلا اقم الصلوة لدلوك
پیش از تو از پیغمبران ما و نیابی مر عادت ما را تبدیلی بپادار نماز را در وقت زوال
الشمس الى غسق الليل وقران الفجر ان قران الفجر كان
آفتاب تا تاریکی شب و بپا دار نماز صبح را بدرستیکه نماز صبح هست
مشهودا ومن الليل فتهجد به نافلة لك عسى ان يبعثك
گواه شده و بعضی از شب پس بیدار شو بقرآن که نماز شب است زاید است برای تو شاید برانگیزد ترا
ربك مقاما محمودا وقل رب ادخلني مدخل صدق
پروردگار تو مقامی پسندیده و بگو ای پروردگار من داخل کن مرا در قبر در آوردنی راست

لام
در لدلوک الشمس از
برای توقیت و دلوک زوال آفتاب است
بنا بر مذهب امامیه رضی الله عنهم و غسق اللیل
ظلمت آخر شب است و نصف شب در جمع البیان
شده از آنجمله از عبید ابن زراره مرویست که
حضرت ابو عبد الله در این آیه فرمود که خدای
عز و جل چهار نماز واجب ساخته که اول وقت
آنها زوال آفتاب است و آخر وقتشان نصف
شب از آنجمله دو نماز است که اول وقت آنها زوال
آفتاب و آخر وقتشان غروب آفتاب است لیکن
یکی پیش از دیگریست و از آنجمله دو نماز است
که اول وقتشان غروب آفتاب است و آخر آن
نصف شب است لیکن یکی مقدم است بر دیگری
و در کتب علما از رسول خدا صلی الله علیه و آله
مرویست که جبرئیل وقت دلوک آفتاب
آمد و با من نماز گذارد و مراد از قرآن فجر نماز صبح
و از قرآن آن گفته که مشتمل است بر قرائت
حمد و سوره در جمیع رکعات بخلاف باقی نمازها
که تمام رکعتهای آنها قرائت واجب نیست بلکه
در عدد و کیفیت اول مخیر است مصلی میان قرائت
و تسبیح با اعتبار آنکه هر گاه در اول طلوع فجر گذارده
شود فرشته های کاتبان اعمال شب و روز گواه
اعمال و ازبر همه در نامه عمل و مینویسند چنانکه در
اخبار وارد است که هر صبح دو فرشته بجهت
نوشتن اعمال نیک و بد هر بنده می آیند و
دو فرشته که در شب باین کار مامور بوده
میروند و هر گاه نماز فجر در اول طلوع گذارده

وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَل لِّي مِن لَّدُنكَ سُلْطَانًا نَّصِيرًا

و بیرون آور مرا بیرون آوردنی راست و بگردان برای من از نزد تو حجتی یاری کننده

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ۝ وَنُنَزِّلُ

و بگو آمد حق و نا چیز شد باطل بدرستیکه باطل هست ناچیز شده و فرو میفرستیم

مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ

از قرآن چیزی که او شفاست و بخشایشی مر گروندگان را و زیاده نمیکند ستمکاران را

إِلَّا خَسَارًا ۝ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا

مگر زیان کردنی و چون انعام کردیم ما بر انسان روی گرداند از ما و دور کرد پهلوی خود را

مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا ۝ قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ

و چون برسد باو بیماری و فقری هست بسیار ناامید بگو هر کس کاری کند بر طبیعت خود پس پروردگار شما

أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا ۝ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ

داناتر است بکسی که او راه یافته است بصواب و سؤال میکنند ترا از کیفیت روح بگو روح

مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُم مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا ۝ وَلَئِن شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ

از امر پروردگار منست و داده نشدید از دانش مگر اندکی و اگر خواهیم ببریم

بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا ۝

آنچه را که وحی کردیم ما بسوی تو پس نیابی تو برای خود بر ما وکیلی

إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا ۝ قُل لَّئِنِ اجْتَمَعَتِ

مگر رحمت از پروردگار تو بدرستی فضل او هست بر تو بزرگ بگو اگر جمع شوند

الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَن يَأْتُوا بِمِثْلِ هَٰذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ

آدمیان و جنیان بر اینکه بیارند مانند این قرآن در فصاحت نیارند مانند آن

وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ۝ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي

و اگر چه باشد بعضی از ایشان مر بعضی را هم پشت و بدرستی که مکرر کردیم ما برای مردم در

هَٰذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا

این قرآن از هر نوعی چون امر و نهی پس سر باز زدند بیشتر مردمان مگر ناسپاسی را

وقالوا



وَقَالُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنبُوعًا ۝ أَوْ تَكُونَ

وگفتند ما نگرویم مر تورا تا روان سازی برای ما از زمین که باشد چشمه آب یا باشد

لَكَ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا ۝

مر تورا بستانها از درخت خرما و انگور پس روان کنی جویها درمیان آن بوستانها روان کردنی

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا أَوْ تَأْتِيَ بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ

یا آنکه بیفکنی آسمان را چنانکه وعده دادی تو بر ما پاره پاره یعنی قیامت یا بیاری تو خدا را و فرشتگان را

قَبِيلًا ۝ أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّن زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَىٰ فِي السَّمَاءِ وَ

برابر ما یا باشد برای تو خانه از زر یا بروی به آسمان و

لَن نُّؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرَؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي

ایمان نیاریم ما مر برآمدن تورا بر آسمان تا فرود آری بر ما کتابی که بخوانیم او را بگو پاکست پروردگار من

هَلْ كُنتُ إِلَّا بَشَرًا رَّسُولًا ۝ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ

آیا هستم مگر آدمی فرستاده شده و منع نکرد مردم را آنکه ایمان آرند وقتیکه آمد ایشان را

الْهُدَىٰ إِلَّا أَن قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَّسُولًا ۝ قُل لَّوْ كَانَ فِي

بیان حق که قرآنست مگر آنکه گفتند که آیا برانگیخت خدا آدمی را پیغمبر بگو یا محمد اگر بودندی در

الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ

زمین فرشتگان که میرفتند در حالیکه مقیم بودند هر آینه فرستادیم بر ایشان از

السَّمَاءِ مَلَكًا رَّسُولًا ۝ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ

آسمان فرشته را پیغمبر بگو یا محمد گواه بس است خدا میان من و میان شما بدرستی که

كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ۝ وَمَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ

خدا هست بر بندگان خود آگاه و بینا و هر کرا حکم بهدایت کند خدا پس اوست راه یافته شده

وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ

و هر کرا گمراه کند پس نیابی تو مر ایشان را دوستان از غیر خدا و حشر کنیم ایشان را روز

الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَّأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ

قیامت بر رویهای ایشان که کور باشند و گنگ و کر و جایگاه ایشان دوزخ است

كلما خبت زدناهم سعيرا ۝ ذلك جزاؤهم بانهم كفروا باياتنا
هنگامی که ساکن شود زبانه آن زیاد کنیم ایشان را آتش سوزان اینست جزای ایشان بدرستی که ایشان کافر شدند بآیات ما
وقالوا ءاذا كنا عظاما ورفاتا ءانا لمبعوثون خلقا جديدا ۝ اولم
وگفتند آیا وقتیکه باشیم استخوانها و خاک پوسیده آیا ما برانگیخته کان باشیم خلقی تازه آیا
يروا ان الله الذي خلق السموات والارض قادر على ان يخلق
نمی بینند بدرستیکه خدائی که آفرید آسمانها و زمین را تواناست بر آنکه بیافریند
مثلهم وجعل لهم اجلا لا ريب فيه فابى الظالمون الا كفورا
مانند ایشان را و گردانید مر ایشان را مدتی نیست شکی در آن پس ابا کردند ستمکاران از آنکه ناسپاسی
قل لو انتم تملكون خزائن رحمة ربي اذا لامسكتم خشية
بگو اگر شما مالک شوید خزاین روزی پروردگار مرا آن هنگام البته امساک کنید و بخل ورزید
الانفاق وكان الانسان قتورا ۝ ولقد اتينا موسى تسع ايات
از نفقه کردن و هست آدمی بخیل و بتحقیق دادیم ما موسی را نه آیت
بينات فسئل بني اسرائيل اذ جاءهم فقال له فرعون اني
روشن پس بپرس پسران یعقوب را هنگامیکه آمد ایشان را پس گفت مر او را فرعون بدرستیکه من
لاظنك يا موسى مسحورا ۝ قال لقد علمت ما انزل هؤلاء
گمان میکنم ترا ای موسی سحر کرده شده و بیخرد گفت موسی بدرستی که دانسته تو که نفرستاد این آیات را
الا رب السموات والارض بصائر واني لاظنك يا فرعون
مگر پروردگار آسمانها و زمین که روشنند آیتها و بدرستیکه من گمان کردم ترا ای فرعون
مثبورا ۝ فاراد ان يستفزهم من الارض فاغرقناه ومن معه
هلاک شده پس خواست فرعون آنکه دور کند ایشان را از زمین مصر پس غرق کردیم او را و هرکه با او بود
جميعا ۝ وقلنا من بعده لبني اسرائيل اسكنوا الارض
همه را و گفتیم ما بعد از غرق فرعون مر پسران یعقوب را که ساکن باشید در زمین مصر
فاذا جاء وعد الاخرة جئنا بكم لفيفا ۝ وبالحق انزلناه وبالحق
پس چون آمد وعده ایشان در قیامت بیاریم ایشان را که بهم جمع باشید و براستی فرستادیم قرآن را براستی

آیات تسع
نه معجزه ایست که باین حضرت
عطا شده بود ید بیضا و عصی و تظلیل طور یا
دعای آنحضرت و شکافتن دریا و طوفان و
ملخ و قمل و ضفدع و خون و بعضی تسع گفته اند
که عبارتست از نهی از شرک و از اسراف و
از قتل نفس و از تمامی نزد سلطان یعنی سعایت و
شکایت نزد او و از عمل سحر و از رباخواری و از
قذف محصنه و از فرار از جهاد و از صید
روز شنبه و اقوال دیگر هم
روایت شده

نزل

نزل وما ارسلناك الا مبشرا ونذيرا ۝ وقرانا فرقناه لتقراه
فرود آمد • و تو را نفرستادیم مگر مژده دهنده و بیم کننده • و قرآن را جدا کردیم و فرستادیم تا بخوانی آن را
على الناس على مكث ونزلناه تنزيلا ۝ قل امنوا به او لا تؤمنوا
بر مردمان بر آهستگی • و فرو فرستادیم او را فرستادنی • بگو ایمان آرید به آن یا ایمان نیارید
ان الذين اوتوا العلم من قبله اذا يتلى عليهم يخرون للاذقان
به درستیکه آنانکه داده شدند علم پیش از آن چون خوانده شود بر ایشان می افتند بر زنخهای خود
سجدا ۝ ويقولون سبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا
در حال سجود • و میگویند پاکست پروردگار ما به درستی که هست وعده پروردگار ما کرده شده
ويخرون للاذقان يبكون ويزيدهم خشوعا ۝ قل ادعوا الله
و می افتند • بر زنخهای خود میگریند در حال سجود و زیاد کند ایشان را فروتنی • بگو بخوانید خدا را
او ادعوا الرحمن ايا ما تدعوا فله الاسماء الحسنى ولا تجهر
یا بخوانید رحمن را هر کدام که بخوانید خوبست پس مر او راست نامهای نیکو • و بلند مکن
بصلوتك ولا تخافت بها وابتغ بين ذلك سبيلا ۝ وقل الحمد
نماز خود را • و آهسته مخوان آن را بسیار و طلب کن میان جهر و اخفات راهی را • و بگو حمد و سپاس
لله الذى لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك فى الملك ولم يكن
مر خدای را که فرا نگرفت فرزندی و نبوده باشد مر او را شریکی در پادشاهی • و نیست
له ولى من الذل وكبره تكبيرا ۝
مر او را دوستی از جهة مذلت • و عجز و تعظیم کن و بزرگ شمار او را تعظیم کردنی

سورة الكهف مائة عشر آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم ۝
بنام خدای بخشاینده مهربان
الحمد لله الذى انزل على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجا
حمد مر خدای راست که فرستاد بر بنده خود محمد قرآن را و نکرد قرآن را چیزی از کجی
قيما لينذر باسا شديدا من لدنه ويبشر المؤمنين الذين
آن کجی راست تا بیم کند • آزار • سخت • از نزد خود • و مژده دهد مومنان را • آنانکه

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرمود مراد از جهر در این آیه بسیار بلند کردن آواز است و مراد از اخفات بسیار آهسته کردن بحدی که گوش خود نشنود و میانه باید خواند و ظاهر این آیه کریمه آنست که جهر و اخفات در نمازهای یومیه بتفصیلی که در کتابها مذکور است واجب نباشد چنانکه مذهب سید مرتضی و ابن جنید است رضی الله عنهما که قایل باستحباب شده اند و سید گفته که آن سنت موکد است بحدی که در بعضی از اخبار وارد شده که اگر جهر و اخفات ترک نموده باشد اعاده کند نماز را و بسند صحیح از علی ابن جعفر مرویست که از حضرت موسی ابن جعفر صلوات الله علیه سوالی کردم که اگر مردی در نمازهای واجبی که باید بلند قرائت نموده آهسته بخواند چه صورت دارد آنحضرت فرمود که اختیار دارد اگر خواهد بلند بخواند و اگر نخواهد آهسته و مذهب اکثر علمای امامیه وجوب جهر است در نماز صبح و دو رکعت اول نماز شام و خفتن و وجوب اخفات در بواقی بلکه بعضی دعوی اجماع بر این معنی نموده اند

عیاشی از علی ابن حمزه ثمالی روایت کرده که حضرت ابی عبد الله علیه السلام فرمود که هر که سوره کهف را هر شب جمعه تلاوت کند از دنیا نخواهد بیرون رفت مگر با شهادت و روز قیامت حشرش با شهدا خواهد بود و در موقف در صف شهدا خواهد ایستاد

يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا ۝ مَاكِثِينَ فِيهِ أَبَدًا ۝
میکنند کارهای شایسته بدرستی که مر ایشانراست مزدی نیکو که مقیم باشند در آن اجر همیشه
وَيُنْذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ۝ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا
و بیم کند آنانرا که گفتند فرا گرفت خدا فرزندی نیست مر ایشانرا باین گفتار هیچ دانشی و نه
لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا
مر پدران ایشانرا بزرگست گفتن ایشان که بیرون می آید از دهنهای ایشان نمیگویند مگر
كَذِبًا ۝ فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا
دروغرا پس همانا تو کشنده نفس خود را بر نشانهای ایشان اگر ایمان نیارند باین
الْحَدِيثِ أَسَفًا ۝ إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ
سخن یعنی قرآن بجهة اندوه و غم بدرستی که ما گردانیدیم آنچه در زمینست از آرایش برای وی تا معامله آزمایندگان
أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۝ وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ۝
کنیم که کدام بهتر است در کردار و بدرستیکه گردانند ه چیزی را که بر روی زمینست زمینی بی گیاه
أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا
آیا گمان کردی تو که اصحاب کهف و یاران رقیم بودند از نشانهای قدرت شگفت
إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ
چون جای گرفتند جوانان بسوی غار پس گفتند پروردگارا بده ما را از نزد خود
رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ۝ فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي
بخششی و مهیا ساز برای ما از کار ما صواب و راستی پس زدیم ما بر گوشهای ایشان در
الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ۝ ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى
غار مهالی که سخن نشنیدند در سالهای شمرده شده پس بیدار کردیم ایشانرا تا بدانیم که کدام از دو گروه شمارداننده
لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا ۝ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا
تر است مر آن مدت را ما قصه میکنیم بر تو خبر ایشانرا براستی بدرستی که ایشان جوانان بودند که گرویدند
بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى ۝ وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا
بپروردگار شان و زیاده کردیم ایشانرا راه نمودن و ببستیم ما بر دلهاشان چون ایستادند نزد شاه پس گفتند

مشهور
میان مفسرین آنست
که اصحاب کهف و اصحاب
رقیم یکی بوده اند و ایشان همان گروهی اند که
خدای عز و جل در این آیات حکایت ایشان
کرده و در تفسیر رقیم خلاف شده و بعضی گفته اند
که آن نام کوهیست که کهف در آن بوده و بقولی
نام قریه ایست که اهل کهف از آنجا بمغاره رفتند
و بقولی نام لوحی بود که بعد از آنکه اصحاب کهف ناپیدا
شدند و بعد آمدند و حال ایشان بر مردم ظاهر
شد نامهای ایشانرا بر آن سنگ نقش کردند
بر در غار که نشستند و بقولی نام کتابی است که
مشتمل است بر احوال اصحاب کهف
والعلم عند الله

ربنا

رَبُّنَا رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ لَنْ نَدْعُوَا مِنْ دُونِهِ اِلٰهًا لَقَدْ

پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمینست هرگز نخواهیم پرستید غیر از خدا خدایانی دیگر بحقیق که

قُلْنَا اِذًا شَطَطًا ۝ هٰٓؤُلَآءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ اٰلِهَةً لَوْلَا

گفته باشیم آن هنگام سخن دور از حق آن گروه که قوم مایند فرا گرفتند از غیر خدا خدایان دیگر چرا

يَاْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطٰنٍ بَيِّنٍ فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا ۝

نمی آرند کافران ایشان حجتی ظاهر پس کیست ستمکارتر از آنکه افترا کرد بر خدا دروغی

وَاِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ اِلَّا اللّٰهَ فَاْوٗا اِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ

و چون یکسو شدند از کافران و هر چه پرستیدند مگر خدا را گفت یملیخا پس بازگشت کنید بسوی غار تا

لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهٖ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ اَمْرِكُمْ مِرْفَقًا ۝ وَتَرَى

بگستراند برای شما پروردگار شما از بخشش خود و بسازد برای شما کار شما را آنکه نفع کیرید و می بینی تو

الشَّمْسَ اِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَاِذَا غَرَبَتْ

آفتاب را چون طلوع کند میل کند از غار ایشان بجهتی که خداوند دست راست و چون

تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذٰلِكَ مِنْ اٰيٰتِ اللّٰهِ

غروب کند میرود از ایشان و بگردد بسوی چپ غار و ایشان در فراخی اند از غار این از آیات خداست

مَنْ يَهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهٗ وَلِيًّا مُرْشِدًا ۝

هر که را راه نماید خدا پس اوست راه یافته شده و هر که گمراه کند پس نیابی تو مر او را دوستی راه راست

وَتَحْسَبُهُمْ اَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ

و می پنداری ایشان را بیدار و ایشان خفتگان اند و میگردانیم ما ایشان را بدست راست و دست

الشِّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ

چپ و سگ ایشان گسترده است دست خود را بر آستانه خانه نشسته اگر اطلاع یابی

عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا ۝ وَكَذٰلِكَ

بر ایشان هر آینه روی بگردانی از ایشان بجهه گریختن و پر کرده شوی از ایشان از روی ترس و همچنین

بَعَثْنٰهُمْ لِيَتَسَآءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَآئِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا

برانگیختیم ایشان را تا سوال کنند میان همه گفت گوینده از ایشان چند وقت درنگ کردید گفتند درنگ کردیم

حکایت

که در آن غار محاذی بنات النعش و وضع غار بنحوی که آفتاب هنگام طلوع و غروب بدو پهلوی غار تابیدی و شعاع آفتاب بدرون غار نتابیدی و یاران غار از حرارت آفتاب محفوظ بودند و بعو حق تعالی بقدرت کامله خود چنان کرد که شعاع آفتاب بدرون غار نتابد چند که وضع عالم چنان بود که بایستی آفتاب در آن تابد

گویند که چون بیدار شدند و دم بغار رفتند وقت ظهر بود که بیدار شدند بعضی گفتند که یکروز بود خوابیده ایم و بعضی گفتند بکروز بگمان آنکه از وقت صبح تا ظهر روز دیگر خوابیده اند چون دیدند که موها و ناخنها زیاده از حد دراز شده گفتند پروردگار

يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ
روزی یا بعضی از روز گفتند پروردگار شما داناتر است بانچه درنگ کردید پس بفرستید یکی از میان خود

بِوَرِقِكُمْ هَٰذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَىٰ طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ
بدین درمها که دارید بسوی شهر پس باید که بنگرد که کدام یک پاکیزه‌تر دارد طعام پس بیارد شما

بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا ۝ إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا
خوردنی ازآن طعام و باید که نرمی کند و خبر نکند بشما هیچکس را بدرستیکه ایشان اگر غالب شوند

عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا
بر شما سنگسار کنند شما را یا بازگردانند شما را بکیش ایشان و هرگز رستگاری نیابید آنوقت

وَكَذَٰلِكَ أَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ
[illegible] ایشان بدانند که وعده خدا راستست و بدرستیکه قیامت

لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ
شکی نیست درآن وقتی که نزاع میکردند میان خویشان امر دین خود را پس گفتند بنا نهید بر ایشان

بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ
بنا نهادنی پروردگار ایشان داناترست بایشان گفتند آنانکه غالب بودند بر دین ایشان هرآینه فرا گیریم

عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا ۝ سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ
بر ایشان مسجدی زود باشد که گویند که سه تن بودند چهارم ایشان سگ ایشان بود و میگویند ترسایان

خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ
پنج نفر بودند و ششم ایشان سگ ایشانست انداختن بغیب و میگویند مسلمانان هفت نفرند

وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ
و هشتم ایشان سگ ایشانست بگو پروردگار من داناترست بشماره ایشان نمیدانند ایشان را مگر اندکی

فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا
پس مجادله مکن در ایشان مگر جدالی آشکارا و فتوی مجوی و مپرس در شان ایشان از اهل کتاب هیچکس را

وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ۝ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَاذْكُرْ
و مگو هر چیز را بدرستی که من کننده‌ام این را فردا مگر آنکه [illegible]

تفسیر
که چون یاران غار بچه
خرید طعام بشهر آمد و درهم داد و نه
بسکه دقیانوس بود که مدتهای مدید بران
گذشته بود و بعضی از اهل شهر گفتند که گنجی
یافته دقیانوسی و او را بنزد پادشاه که
مردی بود خدا پرست نیکو کاری بردند نصاری
بردند پس آن یار غار حکایت خود را
نقل کرد بعضی گفتند که ما از پدران خود
شنیده‌ایم که چند جوان در عهد دقیانوس ملک
گریختند ایشان آن جماعت خواهند بود
و این تفسیر از اهل بیت علیهم السلام مرویست
گویند قصه اصحاب کهف را از آنحضرت
پرسیدند فرمود که فردا بیایید تا بگویم و این
وعده را آن داد که جبرئیل خبر آورد و چون
نگفت انشاء الله جبرئیل تا چهل
روز نیامد و بعد از آن آمد
و این آیه آورد

رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنِ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَٰذَا

پروردگارت را چون فراموش کنی آنرا و بگو شاید که راه نماید پروردگار من هرچه نزدیکتر است از شان

رَشَدًا ۝ وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا

اصحاب کهف از روی صواب و درنگ کردند ایشان در غار خود سیصد سال و زیاد کردند

تِسْعًا ۝ قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ

نه سال دیگر بگو یا محمد خدا داناتر است بآنچه درنگ کردند مر خدا راست پوشیده های آسمان و زمین چه بیناست خدا

وَأَسْمِعْ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا ۝

و شنوا نیست ایشان را از غیر خدا هیچ دوستی و شریک نمیکند در حکم خدا کسی را

وَاتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ

و تلاوت کن آنچه وحی کرده شد بسوی تو از کتاب پروردگار تو نیست تبدیل کننده مر کلمات او را

وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ۝ وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ

و نیابی تو بجز خدا پناهی و شکیبائی کن نفس خود را با آنانکه میخوانند

رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ

پروردگار خود را بامداد و شبانگاه میخواهند رضای خود را و باید که در نگذرد چشمهای تو از ایشان

تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا

که خواهی تو آرایش زندگانی دنیا را و فرمان مبر آنرا که غافل گردانیدیم دل او را از یاد خود

وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا ۝ وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ

و پیروی کرده آرزوهای نفس خود را و هست کار او پیش نهاده از حق و بگو قول درست که قرآنست از پروردگار شماست پس

وَمَنْ شَاءَ فَلْيَكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَ

هر که خواهد ایمان آورد و هر که خواهد پس کافر باش بدرستی که ما آماده کرده ایم برای ستمکاران آتشی که فرو گیرد ایشان را سراپرده های شان

إِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ

اگر داد خواهی کنند از تشنگی که فریاد رسیده شوند بآبی مانند دُردی زیت که بریان کند رویها را بد شراب است

وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ

و بد جائیست تکیه گاه ایشان بدرستیکه آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته بدرستی که ما ضایع نمیکنیم



اجر من احسن عملا ۝ اولئك لهم جنات عدن تجري من تحتهم

مزد کسی را که نیکو کرد است از کردار ۝ آنگروه مر ایشانراست بوستانهای با اقامت که میرود از زیر منازل ایشان

الانهار يحلون فيها من اساور من ذهب ويلبسون ثيابا خضرا

نهرها پیرایش کنند در آن بوستانها از دستینهای ساخته از طلا و بپوشند جامهای سبز

من سندس واستبرق متكئين فيها على الارائك نعم

از دیبای نازک و دیبای کنده تکیه زدگان باشند در بهشت بر تختها نیکو باداشتی است

الثواب وحسنت مرتفقا ۝ واضرب لهم مثلا رجلين جعلنا

بهشت و نیکوست از روی تکیه گاه ۝ و بزن برای ایشان مثلی آن است که دو مرد که دادیم

لاحدهما جنتين من اعناب وحففناهما بنخل وجعلنا بينهما

مریکی از ایشان را دو بوستان از انگورها و محفوف گردانیدیم آنرا بنخلستان و گردانیدیم میان دو باغ

زرعا ۝ كلتا الجنتين اتت اكلها ولم تظلم منه شيئا و

کشت زاری ۝ آن دو باغ بدادی میوه خود را و ستم نکردی از میوه معهود چیزی و

فجرنا خلالهما نهرا ۝ وكان له ثمر فقال لصاحبه وهو يحاوره انا

وروان کردیم میان هر دو باغ نهری ۝ و بود مر او را میوهای دیگر پس گفت مر صاحب خود را و جدال میکرد

اكثر منك مالا واعز نفرا ۝ ودخل جنته وهو ظالم

با مومن من بیشترم از تو از جهت مال و عزیزترم از جهت کثرت اولاد ۝ و درآمد بباغ خود آن کافر و ستم کننده است

لنفسه قال ما اظن ان تبيد هذه ابدا ۝ وما اظن الساعة

مر نفس خود را گفت گمان نمی برم آنکه فانی شود این همرگز ۝ و گمان ندارم قیامت را

قائمة ولئن رددت الى ربي لاجدن خيرا منها منقلبا ۝

آینده قایم ۝ و اگر بازگردانیده شوم بسوی پروردگار خود هر آینه بیابم من بهتر از این باغ جای بازگشتن

قال له صاحبه وهو يحاوره اكفرت بالذي خلقك

گفت مر او را صاحب خود او و او جدال میکرد او را آیا کافر شدی بآنکه آفرید ترا

من تراب ثم من نطفة ثم سوىك رجلا ۝ لكنا هو الله ربي

از خاک پس از نطفه پس راست کرد ترا مردی ۝ لیکن میگویم اوست خدا پروردگار من

علی

ابن ابراهیم گفته که مرد کافر تو انگری در جاهلی مومن فقیر بود و بعضی گفته اند که ایشان برادر و پسر یکی از بزرگان بنی اسرائیل بودند یکی مومن و دیگری کافر مومن اموالی که میراث پدر بار رسید صرف راه خدا نمود و کافر اموال را تمام با ملاک و باغات و مزارع داد و این گفته بار ایشان بود

خلاصه گفتار آن کافر با مومن این که این دنیا همیشه خواهد بود و این بوستان با من متسع همیشه هست و روز قیامت و معادی نیست و بر فرضی که معادی شد الله مرا جایی بازین بوستان خواهد بود و این سخن را از آن گفت که گمانش این بود که باستحقاق آن بوستان باو داده شده و همیشه این استحقاق او را خواهد بود

ولا

وَلَآ أُشْرِكُ بِرَبِّىٓ أَحَدًا ۝ وَلَوْلَآ إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَآءَ

و شریک نمی کنم بپروردگار خود کسی را و چرا وقتیکه داخل شدی در باغ خود نگفتی آنچه خواهد

ٱللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِٱللَّهِ إِن تَرَنِ أَنَا۠ أَقَلَّ مِنكَ مَالًا وَوَلَدًا ۝ فَعَسَىٰ

خدا نیست قوت مگر بخدا اگر می بینی مرا که من کمترم از تو از جهت مال و فرزند پس شاید

رَبِّىٓ أَن يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ

پروردگار من بدهد بهتر از باغ تو و بفرستد بر بوستان صاعقه ها از آسمان

فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا ۝ أَوْ يُصْبِحَ مَآؤُهَا غَوْرًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُۥ

پس گردد آن بوستان زمین بی گیاه یا گردد آب بوستان فرو رفته بزمین پس نتوانی مر آن را

طَلَبًا ۝ وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِۦ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَآ أَنفَقَ فِيهَا

طلب کردن و احاطه کرده شد میوه باغ پس صباح کرد میگردانید هر دو کف خود را بر آنچه نفقه کرده بود در آن

وَهِىَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَٰلَيْتَنِى لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّىٓ

و آن افتاده بود بر سقفهای خود و میگفت ای کاش من نمیکردم شریک پروردگار خود

أَحَدًا ۝ وَلَمْ تَكُن لَّهُۥ فِئَةٌ يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا

کسی را و نبود آن کافر را گروهی که یاری دهند او را از غیر خدا و نبود آن کافر یاری جوینده

هُنَالِكَ ٱلْوَلَٰيَةُ لِلَّهِ ٱلْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا ۝ وَٱضْرِبْ

آنجا یاری کردن مر خدا راست که راست گوست بهتر از ثواب و بهتر از راه عاقبت و بیان کن

لَهُم مَّثَلَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا كَمَآءٍ أَنزَلْنَٰهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ فَٱخْتَلَطَ بِهِۦ نَبَاتُ

برای ایشان مانند زندگانی دنیا را که مانند آبیست که فرو فرستادیم آن را از آسمان پس آمیخت بسبب آن گیاه

ٱلْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ ٱلرِّيَٰحُ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ

زمین پس بامداد کرد خشک گشته پراکنده میکند او را بادها و هست خدا بر هر چیز

مُّقْتَدِرًا ۝ ٱلْمَالُ وَٱلْبَنُونَ زِينَةُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَٱلْبَٰقِيَٰتُ

توانا مال و پسران آرایش زندگانی دنیاست و کارهای پاینده

ٱلصَّٰلِحَٰتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ۝ وَيَوْمَ نُسَيِّرُ ٱلْجِبَالَ

شایسته بهتر است نزد پروردگار تو از روی ثواب و بهتر است از روی امیدواری و روزیکه سیر فرمائیم کوهها را

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که فرمود که عجب دارم از کسی که بترسد چرا پناه نمی برد بگفته خدای عز و جل حسبنا الله و نعم الوکیل زیرا که بعد از آن فرموده فانقلبوا بنعمة من الله و فضل لم یمسسهم سوء و عجب دارم از کسی که غمگین باشد چرا متوسل نمیشود بگفته لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین که شنیده ام که خدا بعد از آن فرموده فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین و عجب دارم از کسی که حیله با او کرده شود چرا متوسل نمیشود بقول خدای عز و جل و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد که شنیده ام قول خدا را بعد از آن فوقاه الله سیئات ما مکروا و عجب دارم از کسی که دنیا و زینت آن را دوست دارد چرا متوسل نمیشود باین قول خدای عز و جل که ما شاء الله لا قوة الا بالله پس تحقیق که خدای تعالی در عقب آن فرموده فعسی ربی ان یؤتین خیرا من جنتک

مراد از باقیات صالحات کردارهای نیک است و فرزندان شایسته است و در جملهٔ ... از انبیا ... آن یکی از امور ... اهمیت آن ... خاکی از رسول مرویست که فرمود اگر عاجز آیید از شب و از جهاد با دشمن با بدکردار عاجز نشوید از گفتن سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر برای آنکه این کلمات از جمله باقیات صالحاتند پس گویید آنها را و از حضرت ابی عبد الله علیه السلام مرویست

وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ۝ وَ
و به بینی زمین را ظاهر شده و جمع کنیم همه را پس فرو نگذاریم از ایشان کسی را و
عُرِضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ
عرض کرده شوند بر پروردگار تو صف کشیده خدا گوید بتحقیق آمدید بما همچنانکه آفریده بودیم شما را اول بار نه چنانست
زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا ۝ وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ
که گمان کردید که نسازیم برای شما وقتی و گذاشته شود نامه های اعمال پس بینی گناهکاران را
مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَٰذَا الْكِتَابِ لَا
ترسناکان از آنچه در کتابست و میگویند وای بر ما چه بوده است این نامه اعمال را که
يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا
فرو نگذاشته است گناهان کوچک و نه بزرگ را مگر آنچه شمرده شده است آنرا و یابند آنچه کرده اند
حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ۝ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ
حاضر و ستم نکند پروردگار تو کسی را و چون گفتیم مر فرشتگان را که سجده کنید مر آدم را
فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ
پس سجده کردند همه مگر شیطان که بود از جن پس بیرون رفت از فرمان پروردگار خود آیا پس میگیرید شیطان
وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ
و فرزندان او را دوستان بجز از من و ایشان برای شما دشمن اند بد است مر ستمکاران را شیطان
بَدَلًا ۝ مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ
بدل زخدا حاضر نکرده ام ایشان را در وقت آفریدن آسمانها و زمین و نه در وقت آفریدن نفسهای
وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا ۝ وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ
ایشان و نیستم من فرا گیرنده گمراهان یاران مددکاران و روزیکه گوید خدا بخوانید ایشان را شریکان مرا
الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا ۝
آنانکه گمان کردید پس بخوانند ایشان را پس اجابت نکنند مر ایشان را و گردانیدیم میان ایشان جای هلاک
وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا
و ببینند گناهکاران آتش را پس گمان کردند که ایشان در آن افتادگانند و نیابند از آن آتش مکان برگشتن

تفسیر ضمیر اشهدتهم والفسهم راجعست بابلیس و ذریت ابلیس و مضلین هم عبارت از ایشان و غرض اظهار کمال قدرت خداست که بهیچ باب محتاج بمددکاری دیگری نیست یا تغییر جمعی که اطاعت ایشان نموده اند با اینکه اطاعت شما ایشان را میماند بفرمان برداری کسی شخصی را که کمال قدرتی و دانشی بوی رو دهد و ایشان علم مخلوقات ندارند پس بغیر مخلوقات بطریق اولی پس از چه سبب از فرمان ایشان می جهید و بقولی ضمیر راجعست بمشرکین که می گفتند فرشتگان دختران خدایند و غرض آنکه این گروه هنگام خلق عالم موجود نبوده اند تا هنگام ایجاد فرشتگان دیده باشند پس از چه راه میگویند که از خدا متولد شده اند

ولقد

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِى هٰذَا الْقُرْاٰنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ

و بتحقیق که ما بیان کردیم در این قرآن برای مردمان از هر مثلی که محتاج اند و هست

الْاِنْسَانُ اَكْثَرَ شَیْءٍ جَدَلًا ۝ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ اَنْ يُؤْمِنُوا اِذْ

انسان بیشتر از همه چیز که مخلوقست از روی جدل و منع نکرد مردم را از آنکه بگروند و قتیکه

جَاۤءَهُمُ الْهُدٰى وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ اِلَّا اَنْ تَاْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْاَوَّلِيْنَ

آمد ایشان را راه نماینده و آمرزش خواهند پروردگار خود را مگر انتظار اینکه بیاید ایشان را عادت پیشینیان

اَوْ يَاْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ۝ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِيْنَ اِلَّا مُبَشِّرِيْنَ

یا بیاید ایشان را عذاب آخرت روی بروی و نفرستادیم ما پیغمبران را مگر بشارت دهندگان

وَمُنْذِرِيْنَ وَيُجَادِلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا

و بیم کنندگان و مجادله میکنند آنانکه کافر شدند به بیهوده تا زایل گردانند

بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوْا اٰيٰتِىْ وَمَا اُنْذِرُوْا هُزُوًا ۝ وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ

به باطل حق خود را و فرا گرفتند آیات کتاب را و آنچه بیم کرده شده بآن مسخره گرفته و کیست ستمکارتر از آنکه

ذُكِّرَ بِاٰيٰتِ رَبِّهٖ فَاَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِىَ مَا قَدَّمَتْ يَدٰهُ اِنَّا

یاد کرده شود بنشانهای پروردگار خود پس اعراض کند از آن و فراموش کند آنچه پیش فرستاده دستهای او بدرستی

جَعَلْنَا عَلٰى قُلُوْبِهِمْ اَكِنَّةً اَنْ يَّفْقَهُوْهُ وَفِىْ اٰذَانِهِمْ وَقْرًا وَاِنْ تَدْعُهُمْ

که ما گردانیدیم بر دلهای ایشان غلاف از بیم آنکه بفهمند آنرا و در گوشهای ایشان گرانی و اگر بخوانی ایشان را

اِلَى الْهُدٰى فَلَنْ يَّهْتَدُوْا اِذًا اَبَدًا ۝ وَرَبُّكَ الْغَفُوْرُ ذُو الرَّحْمَةِ

بسوی هدایت پس راه نیابند زمان دعوت تو هرگز و پروردگار تو آمرزنده و خداوند بخشش است

لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوْا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَّهُمْ مَّوْعِدٌ لَّنْ

اگر بگیرد خدا کافران را بآنچه کسب کردند هر آینه تعجیل کند مر ایشان را عذاب بلکه مر ایشان راست زمان وعده که

يَّجِدُوْا مِنْ دُوْنِهٖ مَوْئِلًا ۝ وَتِلْكَ الْقُرٰٓى اَهْلَكْنٰهُمْ لَمَّا ظَلَمُوْا

نیابند بجز از خدا پناهی و این دیها هلاک کردیم ما ایشان را هنگامیکه ستم کردند

وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَّوْعِدًا ۝ وَاِذْ قَالَ مُوْسٰى لِفَتٰىهُ لَآ اَبْرَحُ

و گردانیدیم برای هلاک ایشان وعده معلوم و چون گفت موسی مر جوان خود را که زایل نشوم

گویند

که موسی علیه السلام

از حقتعالی درخواست که اگر در بندگان تو کسی

داناتر باشد از من مرا با وی برسان که از وی تعلم

کنم وحی آمد که خضر داناتر است از تو گفت از

کجا جویم او را فرمود در کنار دریا جائی که دریای

فارس و دریای روم بهم می پیوندند نزد صخره گفت

از چه معلوم کنم آنجا را فرمود که ماهی خشکی را

بردار هر جا آن ماهی زنده شود آنجا خضر را جوئی

موسی علیه السلام ماهی در زنبیلی نهاده با

یوشع بن نون بآن سمت روانه شد و چون بمجمع

البحرین رسیدند در کنار دریا موسی بخواب رفت

و یوشع بیدار بود و آن زنبیل را در آب گذاشته

بود ناگاه دید که آن ماهی خشک زنده شد و در دریا

رفت چون حضرت موسی بیدار شد از خاطر

یوشع روایت الحکایت محو شد با موسی گشت

از آنجا گذشته بعد از رفتن قدری از راه موسی علیه

السلام گرسنه شد و طعام چاشت از یوشع

طلبید آنوقت حکایت ماهی بخاطر یوشع آمده با

موسی از آن درمیان آورد موسی فرمود که

مطلب ما از این سفر رفتن همان مکانی است که

این امر عجب وقوع یافته از آنجا بازگشتند و پی ها را

برداشته خود را بآن صخره رسانیدند

در آنجا ملاقی دو دریای علم

دست بهم

داد

حَتّٰٓى اَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ اَوْ اَمْضِيَ حُقُبًا ۞ فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا
تا آنکه برسم بمجمعی که میان دو دریاست و گذشت یا بروم من زمان دراز پس چون رسیدند بمجمعی که میان دو دریا
نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ۞ فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ
فراموش کردند ماهی خود را پس فراگرفت راه خود را در دریا چون سردآب پس چون گذشتند گفت موسی
لِفَتٰيهُ اٰتِنَا غَدَآءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هٰذَا نَصَبًا ۞ قَالَ
یار خود را بیار بما طعام ما را هر آینه دیدیم ما ازین سفر خود این سفر رنج گفت
اَرَاَيْتَ اِذْ اَوَيْنَآ اِلَى الصَّخْرَةِ فَاِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَآ اَنْسٰنِيهُ
خبر داری چون جای گرفته بودیم بآن سنگ کنار چشمه پس بدرستی که من فراموش کردم ماهی را و فراموش نکردانید مرا
اِلَّا الشَّيْطٰنُ اَنْ اَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا ۞
مگر شیطان از آنکه یاد دهم تو را و گرفت ماهی راه خود را در بحر راه عجب
قَالَ ذٰلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَارْتَدَّا عَلٰٓى اٰثَارِهِمَا قَصَصًا ۞ فَوَجَدَا عَبْدًا
گفت این قصه ماهی چیزی بود که می طلبیدیم پس بازگشتند بر نشانهای خود از پی رفتنی پس یافتند بنده
مِنْ عِبَادِنَآ اٰتَيْنٰهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنٰهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا
از بندگان ما را که دادیم ما او را بخششی از نزد ما و آموختیم ما از نزد خود دانشی
قَالَ لَهُ مُوسٰى هَلْ اَتَّبِعُكَ عَلٰٓى اَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا ۞
گفت مرا او را موسی آیا پیروی کنم تو را بر شرط آنکه بیاموزی مرا از آنچه آموخته شده تو از صواب
قَالَ اِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ۞ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلٰى مَا لَمْ تُحِطْ
گفت بدرستی که تو هرگز نتوانی با من صبر کردن و چگونه صبر کنی بر آنچیزی که احاطه نکرده
بِهِ خُبْرًا ۞ قَالَ سَتَجِدُنِيٓ اِنْ شَآءَ اللّٰهُ صَابِرًا وَلَآ اَعْصِي لَكَ
بآن چیز از دانائی گفت زود باشد که بیابی مرا اگر خواهد خدا صبر کننده و نافرمانی نکنم تو را
اَمْرًا ۞ قَالَ فَاِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْئَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتّٰٓى اُحْدِثَ لَكَ
هیچ کاری گفت پس اگر پیروی کنی مرا پس مپرس مرا از چیزی تا من احداث کنم برای تو
مِنْهُ ذِكْرًا ۞ فَانْطَلَقَا حَتّٰٓى اِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ
از آن چیز بیانی پس روان شدند تا آنکه سوار شدند در کشتی خضر سوراخ کرد کشتی را گفت

یعنی
پیروی میکردند
نقش قدمهای خود را پیروی
کردنی بغایت حزم و احتیاط
که تا بآن صخره بتوانند
رسید

اخرقتها

أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا ۝ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ
آیا سوراخ کردی تا غرق کنی اهل آنرا بدرستیکه آوردی تو چیزی عجب را گفت آیا نگفتم من
إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ۝ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ
آنکه تو نتوانی با من صبر کردن گفت موسی مؤاخذه مکن مرا بآنچه فراموش کردم من
وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ۝ فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا
و بکلفت مرسان مرا در کار من دشواری پس برفتند تا چون دیدند پسری
فَقَتَلَهُ قَالَ أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا
پس بکشت او را گفت آیا کشتی نفسی را پاک گناه بغیر کشتن نفسی بدرستی که آوردی چیزی
نُكْرًا ۝ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ۝ قَالَ
زشت گفت آیا نگفتم مر تو را که تو هرگز نتوانی با من صبر کردن گفت
إِنْ سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي
اگر سؤال کنم تو را از چیزی بعد از این پس مصاحبت مکن با من بدرستی که رسیده باشی تو از نزد من
عُذْرًا ۝ فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلَهَا
بعذری پس برفتند تا چون در آمدند باهل دهی طلب طعام کردند از اهل آن ده
فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَّ فَأَقَامَهُ
پس ابا کردند آنکه ضیافت کردندی پس یافتند در آنجا دیواری میخواست که بیفتد پس راست کرد او را
قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا ۝ قَالَ هَٰذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَ
گفت اگر میخواستی هر آینه فرا میگرفتی بر او مزدی گفت این است جدائی میان من و
بَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ۝ أَمَّا
میان تو زود باشد که آگاه کنم تو را بتعبیر آنچه نتوانستی بر او صبر کردن اما آن
السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا
کشتی پس بود از بیچارگان که کار میکنند در دریا پس خواستم بحکم خدا که معیوب کنم آنرا
وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا ۝ وَأَمَّا الْغُلَامُ
و بود در عقب ایشان پادشاهی که میگیرد همه کشتی را بغصب و اما کشتن پسر



از حضرت
صادق صلوات الله علیه مرویست که آن
قریه را ناصره نام بود و در کنار دریا واقع
و از ابن عباس انطاکیه منقول است و بعضی
ایله گفته اند و هم از آنحضرت منقول است
که اهل آن قریه ضیافت ایشان نکردند و بعد از آن
هیچکس را ضیافت نخواهند کرد تا روز قیامت
از حضرت
صادق صلوات الله
علیه مرویست که آن دو یتیم هفت پشت با آن
پدر صالح میرسیدند و فرمود که حق تعالی بسبب
صلاح مردی با صلاح می آورد حال فرزند و فرزند
زادگان او و مردم خانه او و خانهای حوالی
او را پس همیشه در حفظ حمایت الهی خواهند بود
بسبب حرمت او و کرامت
او بر خدا تعالی

فكان ابواه مؤمنين فخشينا ان يرهقهما طغيانا وكفرا

پس بود پدر و مادر او هر دو مومن پس ترسیدیم ما آنکه در رسانند بدیشان سرکشی و کفران

فاردنا ان يبدلهما ربهما خيرا منه زكوة واقرب رحما

پس خواستیم ما اینکه بدل دهد ایشان را پروردگار ایشان بهتر از او در پاکی و نزدیکتر از روی مهربانی

واما الجدار فكان لغلامين يتيمين في المدينة وكان تحته

و اما آن دیوار پس بود از دو پسر یتیم در این شهر و بود در زیر آن دیوار

كنز لهما وكان ابوهما صالحا فاراد ربك ان يبلغا اشدهما

گنجی از ایشان و بود پدر ایشان مردی نیک پس خواست پروردگار تو آنکه برسند قوت

ويستخرجا كنزهما رحمة من ربك وما فعلته عن امري ذلك

و بیرون آورند گنج خود را بجهة بخشش از پروردگار تو و نکردم من او را از پیش خود این است

تاويل ما لم تسطع عليه صبرا ويسئلونك عن ذي القرنين

تفسیر که نتوانستی بر او صبر کردن و میپرسند تو را یهود از قصه ذوالقرنین

قل ساتلوا عليكم منه ذكرا انا مكنا له في الارض و

بگو زود باشد که بخوانم بر شما از او خبری بدرستی قوت دادیم در زمین

اتيناه من كل شيء سببا فاتبع سببا حتى اذا بلغ مغرب الشمس

دادیم او را از هر چیزی سببی پس پی رفت وسیله را تا چون رسید بجای فرو رفتن آفتاب

وجدها تغرب في عين حمئة ووجد عندها قوما قلنا يا ذا

یافت آفتاب را که فرو رفت در چشمه آب گرم و یافت ذوالقرنین نزدیک آن چشمه جمعی بت پرست را گفتیم ای

القرنين اما ان تعذب واما ان تتخذ فيهم حسنا قال اما

ذوالقرنین یا آنکه عذاب میکنی آن قوم را و یا میگیری در باب ایشان نیکوئی گفت اما

من ظلم فسوف نعذبه ثم يرد الى ربه فيعذبه عذابا نكرا

آنکه ستم کند پس زود باشد که عذاب کنیم او را پس بازگشته شود بسوی پروردگار خود پس عذاب کند او را عذابی

واما من امن وعمل صالحا فله جزاء الحسنى وسنقول له

و اما آنکه ایمان آورد و کرد کار شایسته پس مر او راست پاداش نیکو و زود باشد که گوئیم او را

کتاب کافی از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مرویست که آن دفینه طلا نبود و نقره نبود بلکه چهار کلمه بود لا اله الا انا من ایقن بالموت لم یضحک سنه ومن ایقن بالحساب لم یفرح قلبه ومن ایقن بالقدر لم یخش الا الله

از حضرت امیر المومنین علیه السلام مرویست که ذو القرنین بنده شایسته بود که خدا را دوست داشتی و خدا او را دوست داشتی

امی

مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا ۝ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ۝ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا
از فرمان خود کاری آسان پس از پی رفت راهی را ۝ تا رسید بجای بر آمدن آفتاب یافت او را

تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا ۝ كَذَٰلِكَ وَقَدْ
که طالع میشد بر قومیکه نگردانیده بودیم برای ایشان غیر آفتاب پوششی ۝ همچنان بود امر او وهیچ که

أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ۝ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ۝ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ
احاطه کرده بود علم ما بآنچه نزدیک او بود از روی خبر پس از پی در آمد سببی ۝ تا چون رسید میان دو کوه

وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ۝ قَالُوا يَا ذَا
دریافت پیش آن دو کوه گروهی که نزدیک نبودند که دریابند سخنی را ۝ گفتند ای

الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ
ذو القرنین بدرستی که یاجوج و ماجوج تباهی کنندگانند در زمین پس آیا بگردانیم

لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ۝ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ
برای تو خرجی از مال خود بر آنکه بنا کنی میان ما و میان ایشان بندی ۝ گفت آنچه تمکین داده مرا در آن

رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ۝ آتُونِي زُبَرَ
پروردگار من بهتر است پس یاری دهید مرا بقوتی که بگردانم میان شما و میان ایشان جای سخت ۝ بیارید برای من قطعهای

الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا
بزرگ از آهن تا آنکه مساوی شد میان هر دو جانب او گفت ذو القرنین بدمید بآنها تا چون

جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا ۝ فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ
گردانید آهن آتش گفت بیارید من تا بریزم بر بالای آهن مس جوش ۝ پس نتوانستند یاجوج و ماجوج که

يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا ۝ قَالَ هَٰذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي
بالا روند بر آن و ظاهر شوند و نتوانستند او را سوراخ کردن ۝ گفت این بخشایشیست از پروردگار من

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ ۖ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا ۝
پس چون آمد وعده پروردگار من بگرداند آنرا خورد ۝ و هست وعده پروردگار من درست راست

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ ۖ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ۝
و واگذاریم بعضی ایشان را در روز جزا و اضطراب کنند در بعضی دیگر و دمیده شود در صور

یعنی
کوهی و درختی و بنائی
و عمارتی در دیار ایشان نبوده گویند که زیر
زمین نهبا ساخته بودند که هنگام حرارت
آفتاب بآنها پناه میجستند و گاهی میان دریا
میرفتند و از حضرت صادق صلوات الله علیه
مرویست که این گروه صنعت
بنای خانها نمیدا
نستند

فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ۝ وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا ۝
پس جمع کنیم همه را جمع کردنی ۝ و عرض کرده شیم دوزخ را آن روز برای کافران عرض کردنی
الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنْ ذِكْرِي وَكَانُوا لَا
آن کافران که بود چشمهای ایشان در پرده از یاد کردن من و نتوانستند که
يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا ۝ أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي
شنیدن کلام را ۝ آیا پس پندارند آنانکه کافر شدند اینکه فرا گیرند بندگان مرا
مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا ۝ قُلْ
از غیر من دوستان بدرستی که ما آماده کردیم دوزخ را برای کافران منزلی ۝ بگو
هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ۝ الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ
آیا خبر دهیم شما را به زیانکارترین مردم از روی کردار ۝ آنانکه گم شد شناختن ایشان
فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ۝ أُولَٰئِكَ
در زندگانی دنیا و ایشان می پندارند آنکه ایشان نیکو می کنند کار را ۝ آن گروه
الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ
آنانند که کافر شدند بنشانهای پروردگار خود و رسیدن جزای خود پس تباه گشت کارهای ایشان پس قائم نکنیم
لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا ۝ ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا
برای ایشان روز قیامت ترازوئی ۝ اینست که جزا و پاداش ایشان دوزخست بانچه کافر شدند و فرا گرفتند
آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ
آیات مرا و پیغمبران مرا چیزی که سخریه کنند ۝ بدرستی که آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته هست
لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ۝ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ۝
مر ایشان را بوستانهای فردوس منزل مهمانی که جاوید باشند در آن نجویند از آن جا بجا گردیدنی
قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ
بگو اگر باشد دریا سیاهی برای نوشتن سخنان پروردگار من هر آینه فانی گردد دریا پیش از آنکه
تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ۝ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ
فانی شود سخنان پروردگار من و اگرچه بیاریم بمانند محیط مدد سیاهی ۝ بگو جز این نیست که من آدمیزادم

و بقولی
مراد از کلمات جمیع مقدورات
اوست از جهان موجودات و بقولی عقوبتهای
ارباب طغیان و ثوابهای اهل
ایمان است
از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه مرویست که
هیچ بنده نمیخواند آیه قل انما انا بشر مثلکم را تا
در وقت خواب مگر آنکه آماده میشود برای او نوری
در خوابگاهش تا بیت الله الحرام و اگر از اهل
بیت الله الحرام باشد نوری خواهد بود برای
او تا بیت المقدس و از حضرت صادق علیه
السلام مرویست که هیچ بنده نمیخواند آخر
کهف را هنگام خوابیدن مگر آنکه بیدار میشود
در وقتی که میخواهد

مثلکم

مثلكم يوحى الي انما الهكم اله واحد فمن كان يرجوا لقاء

مانند شما وحی کرده میشود بسوی من جز این نیست که خدای شما خدای یگانه است پس کسی که امید دارد برسیدن

ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك بعبادة ربه احدا

جزای پروردگار خود پس باید بکند کاری شایسته و شریک نسازد به بندگی پروردگار خود کسی را

سورة مريم ثمان وتسعون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

كهيعص ذكر رحمت ربك عبده زكريا اذ نادى

این سوره را ... یاد کردن بخشایش پروردگار تست بنده خود زکریا را چون خواند

ربه نداء خفيا قال رب انى وهن العظم منى واشتعل

پروردگار خود را خواندنی پنهان گفت زکریا پروردگارا بدرستیکه سست شد استخوانها در بدن من و سفید شد

الراس شيبا ولم اكن بدعائك رب شقيا وانى خفت الموالى

از پیری موی سر من و نبودم من بخواندن تو ای پروردگار من ناامید و بدرستی که من ترسیدم از دوستان

من وراءى وكانت امراتى عاقرا فهب لى من لدنك وليا

از پس خود و هست زن من نازاینده پس ببخش مرا از نزد خود فرزندی که متولی

يرثنى ويرث من ال يعقوب واجعله رب رضيا يا زكريا

امر من باشد که میراث گیرد از مال من و میراث گیرد از فرزندان یعقوب و بگردان فرزند مرا پروردگارا شایسته گفتیم ای زکریا

انا نبشرك بغلام اسمه يحيى لم نجعل له من قبل سميا

بدرستی که بشارت میدهیم ترا به پسری که اسم او یحیی است نیافریدیم مر او را پیش ازین همنامی

قال رب انى يكون لى غلام وكانت امراتى عاقرا وقد بلغت

گفت زکریا پروردگار من چگونه باشد مرا پسری و هست زن من نازاینده و بتحقیق که رسیده ام

من الكبر عتيا قال كذلك قال ربك هو على هين و

از پیری بضعف و خشکی اعصاب گفت جبرئیل همچنین در پیری فرزند دهم ترا گفت پروردگار تو این بر من آسانست

مرویست که روزی حضرت امام علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه نزد مامون رفت و دید که وضو میساخت و غلامی آب بدست او میریخت پس فرمود و لا یشرک بعبادة ربه احدا مامون غلام را دور کرد و خود وضو را تمام کرد

از امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هرکه بقرائت این سوره مواظبت نماید نمیرد تا آنچه مراد او باشد از دنیا و نفس و مال و فرزند بیابد و در آخرت از اصحاب عیسی و مریم باشد و مقابل پادشاهی حضرت سلیمان در بهشت باو دهند و از فرزند نمیرد

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که مراد از موالی درین کریمه اعمام و عمزادگانند و ابن عباس کلاله و مجاهد عصبه و بعضی عمزادگان و بعضی مطلق وارث گفته اند و گویند که ایشان از بدبختان بنی اسرائیل بوده اند

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که یحیی علیه السلام چهل سال بعد از بشارت بوجود آمد

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که امام حسین علیه السلام هم همنامی پیش از خود نداشت و نگریست آسمان و نگریست آسمان بر کسی مگر بر ایشان که چهل روز بر ایشان میگریست ... که گریستن آسمان چگونه بود فرمود که آفتاب

قَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا ۞ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً

و بدرستی آفریدم ترا پیش از آنکه یحیی باشد و حال آنکه نبودی تو چیزی گفت زکریا پروردگارا بگردان از برای من علامتی

قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ۞ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ

گفت علامت برای تو آنست که سخن نگوئی با مردم سه روز تمام یعنی شبانه روز پس بیرون رفت بر قوم خود

مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ۞ يَا يَحْيَى

از مصلی پس اشارت کرد باایشان که تسبیح کنید خدای را هر بامداد و شبانگاه گفت ای یحیی

خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا ۞ وَحَنَانًا مِنْ لَدُنَّا

بگیر کتاب را بجد و جهد و دادیم ما او را حکمت در حال کودکی و دادیم او را رحمتی از نزد خود

وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا ۞ وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا ۞

و پاکیزگی و بود پرهیزکار و نیکوکار با پدر و مادر و نبود سرکش و نافرمان پدر و مادر

وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ۞ وَ

و رحمت بر او روزی که متولد شد و روزیکه میمیرد و روزیکه برانگیخته میشود زنده و

اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ۞

یاد کن در قرآن مریم را چون بگوشه رفت و منفرد شد از اهل خود در جایگاهی که جانب مشرق بود

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا

پس فرا گرفت از پیش خود پرده پس فرستادیم بسوی مریم روح خود را پس متصور شد او مر

بَشَرًا سَوِيًّا ۞ قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ۞

مریم را آدمی تمام خلقت گفت مریم که من پناه میبرم بخدای بخشاینده از تو اگر هستی تو پرهیزکار

قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ۞ قَالَتْ أَنَّى

گفت جبرئیل جز این نیست که من فرستاده پروردگار توام تا بخشم مر ترا پسری پاکیزه و پاک از گناه گفت مریم چگونه

يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ۞ قَالَ كَذَلِكِ

باشد مرا پسری و حال آنکه مس نکرده است مرا آدمی براه شرع و نبوده‌ام من بدکاره مگر او گفت جبرئیل چنین است

قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا

گفت پروردگار تو این امر بر من آسانست و تا بگردانیم علامتی برای مردمان و بگردانیم بخششی از خود

مراد

از حکم درین کریمه نبوت است

از حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه مرویست

که یحیی علیه السلام هرگاه گفتی یا رب در جواب

لبیک یا یحیی شنیدی

از حضرت

ابی جعفر صلوات الله علیه مرویست که

جبرئیل یقه پیراهن مریم علیها السلام را گرفت

و بادی در وی دمید همان ساعت فرزندی

در رحمش تمام خلقت شد مانند طفلی که در رحم

نه ماهه شود پس مریم بیرون آمد از آنجا که غسل

میکرد و حال آنکه حامله سنگین بار بود خاله اش

که او را دید نشناخت و از همان راهی که داشت

از شرم خاله اش یعنی زن ذکریا و از شرم

ذکریا بجای دوری رفت و آن حمل را بر زمین

گذاشت و هم از آنحضرت صلوات الله علیه

مرویست که مدت حملش نه ماه بود و بعضی از

مفسرین شش ماه و برخی هشت ماه گفته اند که

این از معجزات آنحضرت است چه هیچ طفلی هشت ماهه

زنده نمیماند

وکان

وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا ۞ فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ۞ فَأَجَاءَهَا

و هست این کاری حکم کرده شده ۞ پس آبستن گرد مریم را پس یکسو شد رفت با آن حمل در جایی که دور از شهر بود پس آورد مریم را

الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا وَكُنْتُ

درد زاییدن بسوی درخت خرما ۞ گفت مریم ای کاشکی مرده بودم پیش از این حال و بودم من

نَسْيًا مَنْسِيًّا ۞ فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ

چیز حقیر فراموش شده ۞ پس آواز داد مریم را از زیر قدم او که اندوهگین مباش بدرستی که آفریده پروردگار تو

تَحْتَكِ سَرِيًّا ۞ وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ

زیر قدم تو جوی آب ۞ و بجنبان ای مریم بسوی خود درخت خرما ۞ خشک را که ۞ فرو ریزد ۞ بر تو

رُطَبًا جَنِيًّا ۞ فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ

خرمای ۞ تر تازه بار چیده پس بخور از خرما ۞ و بیاشام از آب و روشن ساز چشم را پس اگر ببینی تو از

الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ

آدمیان کسی را پس بگو باشاره که من نذر کردم ۞ برای خدای بخشاینده روزه صمت پس سخن نکنم ۞ امروز

إِنْسِيًّا ۞ فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا

آدم و نوشته را ۞ پس آورد مریم عیسی را بسوی قوم خود که بر داشته بود عیسی را گفتند ای مریم بدرستی که آمدی چیزی

فَرِيًّا ۞ يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ

عجب را ۞ ای خواهر ۞ هرون ۞ نبود ۞ پدر تو ۞ مردی بد ۞ و نبود

أُمُّكِ بَغِيًّا ۞ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ

مادر تو ۞ زناکار ۞ پس اشاره کرد مریم بسوی عیسی گفتند قوم خود که چگونه سخن کنیم ۞ از آنکه هست

فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ۞ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي

در ۞ گهواره ۞ کودک ۞ گفت عیسی بدرستی که من بنده خدایم ۞ داده مرا خدا کتاب ۞ و گردانیده

نَبِيًّا ۞ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ

مرا پیغمبر ۞ و گردانیده مرا ۞ مبارک یعنی شفای امراض هر جا باشم ۞ و وصیت کرد مرا با قامت نماز

وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ۞ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا

و دادن زکوة تا مادام که باشم ۞ و گردانیده مرا نیکوکار با مادرم ۞ و نگردانید مرا گردنکش

حزب

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که منشا آرزوی مرگ مریم آن بود که در قوم خود رشیدی ندید و مدرا نبت در رشدی که نسبت نبی و زنا باو نمید و میدانست که همه ورا از نه خواهند گفت

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که آن نخله عجوه و عجوه نوعی است از خرما در مدینه که بهترین انواع خرماهای آنجاست

از حضرت ابو جعفر علیه السلام مرویست که عیسی پا بر زمین زد و نهر آبی پیدا شد

شقيا ۝ والسلام علي يوم ولدت ويوم اموت ويوم ابعث
بدبخت ۝ و رحمت خدا بر منست روزی که بزادم و روزی که بمیرم و روزی که برانگیخته شوم
حيا ۝ ذلك عيسى ابن مريم قول الحق الذي فيه يمترون
زنده ۝ این مذکور عیسی پسر مریم است ۝ گفتار راست ۝ که آن قول حق که در آن شک دارید
ما كان لله ان يتخذ من ولد سبحانه اذا قضى امرا فانما يقول
سزاوار نباشد مر خدا را آنکه فرا گیرد هیچ فرزندی منزه است او چون حکم کند کاری را پس جز این نیست که گوید
له كن فيكون ۝ وان الله ربي وربكم فاعبدوه هذا صراط
مر او را باش پس میباشد ۝ و بدرستیکه خدا پروردگار من و پروردگار شماست پس پرستید او را این است راه
مستقيم ۝ فاختلف الاحزاب من بينهم فويل للذين كفروا
راست ۝ پس اختلاف کردند همه فرقه ها ۝ از میان یکدیگر ۝ پس وای مر آنانکه کافر شدند
من مشهد يوم عظيم ۝ اسمع بهم وابصر يوم يأتوننا لكن
از وقت حاضر شدن روز بزرگ ۝ چه شنوا باشند کافران و چه بینا باشند روزیکه بیایند بما ۝ لیکن
الظالمون اليوم في ضلال مبين ۝ وانذرهم يوم الحسرة
ستمکاران ۝ امروز ۝ در گمراهی هستند ۝ آشکارا ۝ و بترسان ایشان را ۝ از روز ندامت
اذ قضي الامر وهم في غفلة وهم لا يؤمنون ۝ انا نحن نرث
وقتی که ساخته شود کار و ایشان ۝ در غفلت اند و ایشان ۝ ایمان نمی آرند ۝ بدرستیکه ما میراث گیریم
الارض ومن عليها والينا يرجعون ۝ واذكر في الكتاب
زمین را و هر که بر او است ۝ و بسوی ما باز گشته شوند ۝ و یاد کن ۝ در قرآن
ابرهيم انه كان صديقا نبيا ۝ اذ قال لابيه يا ابت لم تعبد
قصه ابراهیم ۝ بدرستیکه او بود راستگو ۝ پیغمبر ۝ چون گفت ابراهیم مر پدر خود را ای پدر من چرا پرستی
ما لا يسمع ولا يبصر ولا يغني عنك شيئا ۝ يا ابت اني قد
چیزی را که نمیشنود ۝ و نمی بیند ۝ و دفع نمیکند ۝ از تو ۝ چیزی را ۝ ای پدر بدرستیکه من بحقیق
جاءني من العلم ما لم يأتك فاتبعني اهدك صراطا سويا ۝
آمد مرا ۝ از دانش ۝ آنچه ۝ نیامد ترا ۝ پس پیروی کن مرا تا راه نمایم ترا راه راست

در باب
آنحضرت بنی اسرائیل
چهار فرقه شدند یاره بکفر آنحضرت قایل شدند
گفتند که از زنا بهم رسیده و یعقوبیه گفتند که او
خداست و اسرائیلیه گفتند که او ثالث ثلاثه است
و بسه خدا قایل شدند خدای تعالی و مریم و عیسی
علیهما السلام و نسطوریه گفتند
که او پسر خداست

در صحیح
مسلم از ابو سعید خدری
منقول است که رسول خدا فرمود که چون
اهل بهشت ببهشت روند و دوزخیان را
بدوزخ برند منادی ندا کند که ای بهشتیان همه
گردنها برکشند و نظاره نمایند و گوید ای
دوزخیان همه گردنها برکشید بنظاره پس مرگ را
بیاورند بصورت قوچی فربه پس منادی با هر دو
گروه گوید مر گرامی شناسید همه گویند آن
این قوچیست مرگ همگی شناسند پس میکشند
آن قوچ را و بکشند پس با بهشتیان گویند بشارت
باد شما را از جاویدان در بهشت که مرگ رفت
و با دوزخیان گویند که ای یاران جهنم مرگ را
مبارک که مرگ دعا گفت پس آنحضرت فرمود که
این است تفسیر گفتار خدا که
وانذرهم یوم الحسرة
باجماع علمای امامیه رضی الله عنهم آزر که حضرت
ابراهیم تعبیر از آن بپدر نموده پدر آنحضرت
نبوده و باعتبار تربیت او را پدر خوانده
و اخبار در این باب بسیار است

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ
اى پدر مپرست شيطان را بدرستيكه شيطان هست مر خداى بخشنده را
عَصِيًّا ۞ يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَٰنِ
نافرمان اى پدر بدرستى كه من ميترسم اگر برسد بتو عذابى از خدا
فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ۞ قَالَ أَرَاغِبٌ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ
پس باشى تو مر شيطان را پيرو و قرين گفت آيا روى گرداننده تو از خدايان من اى ابراهيم
لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا ۞ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ
اگر باز نايستى هر آينه سنگسار كنم ترا و دور كن از من زمانى دراز گفت ابراهيم سلام بر تو باد
سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا ۞ وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا
زود باشد كه آمرزش خواهم ترا از پروردگار خود بدرستى كه خدا هست بمن مهربان و كناره گيرم از شما و آنچه
تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُو رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي
ميخوانيد شما از غير خدا و ميخوانم پروردگار خود را شايد كه نبوده باشم بخواندن پروردگار خود
شَقِيًّا ۞ فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ
نااميد پس چون كناره گرفت مر ايشان را و آنچه مى پرستيدند از غير خدا بخشيديم ما ابراهيم را
إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ۞ وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا
اسحق و يعقوب و همه را گردانيديم ما پيغمبر و بخشيديم ما مر ايشان را از بخشش خود
وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ۞ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ
و گردانيديم ما براى ايشان زبان راست كه بلند بود و ياد كن در قرآن قصه
مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ۞ وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ
موسى را بدرستى كه موسى بود پاك گردانيده شده و بود فرستاده پيغمبر و ندا كرديم او را از جانب كوه
الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ۞ وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ
طور كه دست راست بود و نزديك گردانيديم او را كه راز گوينده بود و بخشيديم او را از رحمت خود برادر او
هَارُونَ نَبِيًّا ۞ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ
هارون را پيغمبر و ياد كن در قرآن اسمعيل را بدرستى او بود راستگو

از
حضرت
ابى عبد الله
مرويست كه آنحضرت با مردى
وعده كرده بود كه در جاى مخصوص انتظار او
برد و آن مرد وعده را فراموش نموده آنحضرت
يكسال در آن محل انتظار او برد تا آنگاه كه آن مرد
آمد و بعضى از مفسرين سنه رو گفته اند و هم از
آنحضرت گفته اند كه آن اسمعيل ذبيح الله نبوده
بلكه اسمعيل بن حزقيل است كه حقتعالى به پيغمبرى
بسوى قومش فرستاده بود و آن گروه مخالفت
نموده پوست سر و روى او را كندند پس حضرت
حق سبحانه و تعالى او را مخير ساخت در عذاب
قومش و او از تقصير ايشان در گذشت و بثواب
الهى راضى شد و كار ايشان را بخدا گذاشت پس
فرشته آمد از نزد پروردگار او و گفت خداوند
ترا سلام ميرساند و ميفرمايد كه ديدم آنچه
قوم تو با تو كردند و امر فرمود كه فرمان تو
برم پس هر عقوبتى كه نسبت بايشان اراده
فرمائى بفرما تا بتقديم رسانم آنحضرت فرمود
كه ميخواهم اقتدا بشوم حسين
عليه السلام نمايم

الوعد وكان رسولا نبيا ۝ وكان يأمر اهله بالصلوة و
درست وعده و بود فرستاده خدا پیغمبر ۝ و بود که میفرمود کسان خود را بنماز کردن و

الزكوة وكان عند ربه مرضيا ۝ واذكر في الكتاب ادريس
زکوة دادن و بود نزد پروردگار خود پسندیده ۝ و یاد کن در قرآن قصه ادریس را

انه كان صديقا نبيا ۝ ورفعناه مكانا عليا ۝ اولئك الذين
بدرستی او بود راستگو پیغمبر ۝ و برداشتیم او را بمکانی بلند ۝ آنها آنانند

انعم الله عليهم من النبيين من ذرية ادم وممن حملنا مع
که انعام کرد خدا بر ایشان از میان پیغمبران از فرزندان آدم و از ذریه آنها که برداشتیم با

نوح ومن ذرية ابرهيم واسراءيل وممن هدينا واجتبينا
نوح و از فرزندان ابراهیم و یعقوب و از آنها که راه نمودیم و برگزیدیم

اذا تتلى عليهم ايت الرحمن خروا سجدا وبكيا ۝ فخلف
چون خوانده شود بر ایشان آیات خدای بخشاینده بروی در افتادند سجده کننده و گریه کننده ۝ پس رسید

من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات فسوف
بعد از ایشان فرزندان که ضایع کردند نماز را و پیروی کردند آرزوها را پس زود باشد

يلقون غيا ۝ الا من تاب وامن وعمل صالحا فاولئك يدخلون
که برسند بجزای ناپاکی ۝ مگر آنکه توبه کرده باشند و گرویده باشند و کرده باشند کار نیکو پس آن گروه در آیند

الجنة ولا يظلمون شيئا ۝ جنت عدن التي وعد الرحمن عباده
در بهشت و ستم کرده نشوند چیزی را ۝ در بهشتهای با اقامت که وعده کرده است خداوند کان را

بالغيب انه كان وعده ماتيا ۝ لا يسمعون فيها لغوا الا سلما
که نهانند بدرستی که بود وعده خدا آینده ۝ نشنوند در بهشت سخن بیهوده مگر سلام

ولهم رزقهم فيها بكرة وعشيا ۝ تلك الجنة التي نورث
و مر ایشانراست روزی ایشان در بهشت صبح و شام ۝ این بهشت که میراث میدهیم

من عبادنا من كان تقيا ۝ وما نتنزل الا بامر ربك له
از بندگان خود را هر که باشد پرهیزکار ۝ و فرو نمی آئیم مگر با امر پروردگار تو مراوراست

از حضرت ابوجعفر صلوات الله علیه مرویست که ادریس را باسمان بردند و قبض روح آنحضرت در میان آسمان چهارم و آسمان پنجم شد

از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام مرویست که این آیه در شان ما نازل شده یعنی مقصود ذکر از ذریت ابراهیم و ظاهراً که ذریت اسرائیل اشاره به پیغمبران بنی اسرائیل باشد

مراد از ضایع کردن نماز تاخیر است از حضرت صادق صلی الله علیه مرویست تاخیر آنهاست از اوقات فضیلت

ما بين

نکته

چون از آنحضرت از
حال اصحاب کهف و ذی القرنین
و روح پرسیدند و آنحضرت بروز
دیگر وعده داد و بامید آنکه جبرئیل علیه السلام
آید و چون این وعده را متعلق بمشیت نساخت
جبرئیل تا چهل روز نیامد پس آمد و این عذر گفت
و این آیه در حکایت آن
عذر آمد

مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَٰلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا
آنچه پیش روی ماست و آنچه در پس ماست و آنچه در میان اینهاست و نیست پروردگار تو فراموشکار

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ
پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنها پس پرست او را و صبر کن

لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ
در بندگی او را آیا میدانی خدا را همنامی و میگوید آدمی آیا در وقتی که بمیرم

لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ
هرآینه بیرون آورده شوم زنده آیا یاد نکند آدمی که ما آفریدیم او را از

قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ
پیش و نبود چیزی پس قسم بپروردگار تو هرآینه فراهم آوریم ایشان را با دیوان پس

لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ
حاضر سازیم همه را اطراف دوزخ که بزانو درآمده باشند پس بیرون آوریم از هر گروهی

أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَٰنِ عِتِيًّا ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ
هرکه از ایشان سخت تر باشد بر خدا از روی سرکشی پس ما داناتر هستیم بآنکه ایشان سزاوارترند

بِهَا صِلِيًّا وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا
بدوزخ از روی درآمدن و نیست از شما مگر که رسیده اند بدوزخ هست بر پروردگار تو جزم

مَقْضِيًّا ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا
حکم کرده شده پس نجات دهیم آنان را که پرهیزگار شدند و بگذاریم ستمکاران را در آتش که بزانو درآمده اند

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ
و چون خوانده شود بر ایشان آیتهای ما که روشنست گویند آنانکه کافر شدند مر آنان را که

آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا وَكَمْ
گرویدند از این دو گروه بهترند از روی مجلس و مکان و بهترند از روی مجلس و بسا که

أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِئْيًا قُلْ مَنْ كَانَ
هلاک کردیم ما پیش از ایشان گروهی را که ایشان نیکوتر بودند از متاع و هیئت بگو هرکه باشد

فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ

در گمراهی پس مهلت کند برای خدا مهلتی و هنگامیکه ببینند آنچه وعده کرده میشوند بآن

إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا

یا عذاب دنیا و یا عذاب قیامت پس زود باشد که بدانند کیست او بدتر از روی مکان

وَأَضْعَفُ جُنْدًا وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ

وضعیفتر از روی سپاه و زیاده میکند خدا آنان را که هدایت یافته اند راه یافتنی و کارهای

الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا أَفَرَأَيْتَ الَّذِي

شایسته که نماز پنجگانه و تسبیحات اربعه بهتر است نزد پروردگار تو از ثواب و بهتر است از روی بازگشت آیا دیدی آنرا که

كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمِ

کافر شد بنشانهای ما و گفت بخدا سوگند که داده شوم مال و فرزند آیا مطلع شده بر غیب یا

اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ

گرفته است از نزد خداوند پیمانی نه چنانست زود باشد که بنویسیم آنچه میگوید و باز کشیم

لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا وَنَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا وَاتَّخَذُوا

از برای او از عذاب بازکشیدنی و میراث گیریم بر کرک او آنچه میگوید بیاید بما تنها و فرا گرفتند

مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ

غیر از خدا خدایان تا باشند مر ایشانرا عزت کنندگان نه چنانست زود باشد که انکار کنند عبادت ایشانرا

وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى

و باشند بر ایشان دشمن آیا ندیدی بدرستیکه فرستادیم شیطانها را بر

الْكَافِرِينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا

کافران حرکت میدهند ایشانرا بگناه پس تعجیل مکن بر ایشان جز این نیست که میشماریم برای ایشان شمردنی

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ

روزیکه جمع کنیم پرهیزکارانرا بسوی خداوند خود که وارد شدگان باشند و میرانیم گناهکارانرا بسوی دوزخ که

وِرْدًا لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

تشنگان باشند مالک نباشند شفاعت کردن کسی را مگر آنکه گرفته از نزد خدا عهدی



وقالوا

ابو حمزه ثمالی روایت کرده اند که در تفسیر خود از حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود با علی علیه السلام که بگو اللهم اجعل لی عندک عهدا و اجعل لی فی قلوب المؤمنین ودا پس علی علیه السلام این را گفت پس این آیه نازل شد و از جابر بن عبد الله انصاری هم بنظیر این روایت کرده و از ابن عباس هم حکایت کرده که گفت این آیه در شان و خصوص علی بن ابیطالب است پس هیچ مومنی نیست مگر آنکه در دل او دوستی علی علیه السلام است و مومنین را [illegible] از حضرت امیر المومنین علیه السلام که فرمود اگر بزنم بر بینی مومن این شمشیر را برای آنکه مرا دشمن دارد هرگز مرا دشمن ندارد و اگر دنیا را تمام بمنافق دهم که مرا دوست دارد نخواهد داشت این چنین است [illegible] که بر زبان پیغمبر گذشته که دشمن نمیدارد ترا مومن و دوست نمیدارد ترا منافق

نصف

[illegible] عبارتست از کردن کاری که باعث تعب نفس شود و از حضرت صادق مرویست که حضرت رسول خدا [illegible] این آیه نازل شد [illegible]

از ابی عبد الله علیه السلام روایتست که ترک مکنید قرائت طه را [illegible] میدارد [illegible] سوره را [illegible] و [illegible] اعمال [illegible] دهد [illegible] ثواب [illegible] باشد که [illegible] مشغول [illegible] سوره

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَٰنُ وَلَدًا ۞ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا ۞ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ

و گویند کفار فرا گرفته خدا فرزند را براستی که آوردید کاری زشت نزدیک شد که آسمانها

يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ۞ أَنْ دَعَوْا

شکافته شود ازین حرف و شکافته شود زمین و بیفتد کوهها شکسته شدنی چه خواندند

لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدًا ۞ وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَٰنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ۞ إِنْ كُلُّ مَنْ فِي

از برای خداوند فرزند و سزاوار نباشد مر خداوند را که بگیرد فرزندی و نیست هر که در

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَٰنِ عَبْدًا ۞ لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَ

آسمانها و زمینست مگر آنکه آینده است بخدای خداوند بنده را بتحقیق که خدا شمرده ایشانرا و

عَدَّهُمْ عَدًّا ۞ وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا ۞ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا

شمرده ایشانرا شمردنی و همه ایشان آینده اند روز قیامت تنها بدرستیکه آنانکه گرویدند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَٰنُ وُدًّا ۞ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ

و کردند کارهای شایسته زود باشد که بگرداند برای ایشان خداوند دوستی پس جز این نیست که آسان کردیم ما

بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنْذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا ۞ وَكَمْ أَهْلَكْنَا

قرآنرا بزبان تو تا مژده دهی بآن پرهیزکاران را و بترسانی بآن گروه ستیزه کنندگان را و بسا که هلاک کردیم

قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا ۞

پیش از ایشان از اهل زمان هیچ می یابی و می بینی از ایشان کسی را یا میشنوی مر ایشانرا آواز پوشیده

سورة طه [illegible] آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

طه ۞ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ ۞ إِلَّا تَذْكِرَةً لِمَنْ يَخْشَىٰ ۞

ای پیغمبر [illegible] فرو نفرستادیم بر تو قرآن را تا رنج بکشی بلکه فرستادیم پند مر کسی را که می ترسد

تَنْزِيلًا مِمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى ۞ الرَّحْمَٰنُ عَلَى الْعَرْشِ

فرو فرستاده شده از آنکه آفرید زمین و آسمانهای بلند را خداوند بخشایش که بر عرش

استوى ۝ له ما في السموات وما في الارض وما بينهما وما

مستوی گشت ۝ مراوراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست ۝ و آنچه میان این هردوست

تحت الثرى ۝ وان تجهر بالقول فانه يعلم السر واخفى ۝

و آنچه در زیر خاکست ۝ و اگر بلند کنی گفتن خود را پس بدرستی که میداند پوشیده و پنهان‌تر را ۝

الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى ۝ وهل اتيك حديث

خدائی که نیست خدا معبودی مگر او مراوراست نامهای نیکو ۝ و آیا آمد تورا خبر

موسى ۝ اذ رانارا فقال لاهله امكثوا انى انست نارا لعلى

موسی ۝ چون آمد و دید آتش وادی ایمن را پس گفت مر اهل خود را که درنگ کنید بدرستی که من دیدم آتشی را شاید من

اتيكم منها بقبس او اجد على النار هدى ۝ فلما اتيها نودى

بیارم برای شما از آتش پاره یا بیابم بر آتش راه نماینده ۝ پس چون آمد نزد آتش ندا کرده شد

يا موسى ۝ انى انا ربك فاخلع نعليك انك بالواد المقدس

ای موسی ۝ بدرستی که منم پروردگار تو پس بیرون کن نعلین خود را بدرستی که تو رسیده بوادی پاکیزه که

طوى ۝ وانا اخترتك فاستمع لما يوحى ۝ اننى انا الله لا اله

طوی اوست ۝ و من برگزیدم تورا پس گوش دار آنچه را که وحی کرده شده ۝ بدرستیکه منم خدای بحق نیست خدای

الا انا فاعبدنى واقم الصلوة لذكرى ۝ ان الساعة

مگر من پس بندگی مرا و بپای دار نماز را برای یاد کردن من ۝ بدرستی که قیامت

اتية اكاد اخفيها لتجزى كل نفس بما تسعى ۝ فلا يصدنك

آینده است نزدیکست که پنهان کنم آنرا تا جزا داده شود هر نفسی بآنچه میشتابد ۝ پس باید که باز ندارد ترا

عنها من لا يؤمن بها واتبع هويه فتردى ۝ وما تلك بيمينك

از قیامت آنکس که ایمان ندارد بآن و پیروی کرده از روی نفس خود را پس هلاک شوی ۝ و چیست این بدست راست تو

يا موسى ۝ قال هى عصاى اتوكؤا عليها واهش بها على غنمى

ای موسی ۝ گفت موسی این عصای منست تکیه میکنم بر آن ۝ و فرو میریزم بآن برگ درخت را برای

ولى فيها مارب اخرى ۝ قال القها يا موسى ۝ فالقيها فاذا

گوسفندان خود و برای ذر آن حاجتهای دیگر هست ۝ گفت خدا بینداز آنرا ای موسی ۝ پس بینداخت آنرا پس آنجا

حية

گفته اند که مراد از سر گفتار است که با یکدیگر در متعارفات به پنهانی واقع میشود و مراد از اخفی تر از آن حدیث نفس است و از حضرات امامین علیهما السلام مرویست که مراد از سر حدیث نفس است و اخفی تر آنچه بخاطر آدمی میرسد پس فراموش کنید

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که معنی این آیه کریمه آنست که هرگاه بخاطرت رسد که نمازی بر ذمه تست آنرا بگذار خواه در وقت باشد خواه بعد از وقت

از عباس گفته که مراد آنست که نزدیکست که وقت آمدن روز رستخیز را از خود هم مخفی دارم چه جای آنکه بدیگران بیان نمایم و مبرد در تصحیح این سخن گفته که عادت عربست که هرگاه خواهند مبالغه در اخفای ما فی الضمیر خود کنند گویند پنهان داشتم آنرا حتی از نفس خود و حق تعالی در این کریمه مبالغه در اخفای آن نموده بر وفق متعارف عرب و بعضی گفته اند که معنی آنست که میخواهم آنرا پنهان دارم از غیر خود

حَيَّةٌ تَسْعَىٰ ۞ قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا
آن مار بی شد که می شتافت ۞ گفت خدا بگیر آن را ۞ و مترس زود باشد که او را برگردانیم بصورت

الْأُولَىٰ ۞ وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ
اول ۞ و باهم آور دست خود را بسوی پهلوی خود بیرون آید آن دست سفید روشن بی

سُوءٍ آيَةً أُخْرَىٰ ۞ لِنُرِيَكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَىٰ ۞ اذْهَبْ إِلَىٰ
بدی که آن معجزه دیگر است ۞ تا بنمایم ترا از نشانهای خود که بزرگست ۞ برو با این معجزه بسوی

فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ۞ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ۞ وَيَسِّرْ لِي
فرعون بدرستی که او از حد درگذشته است گفت پروردگارا گشاده کن ۞ برای من سینه مرا ۞ و آسان کن برای من

أَمْرِي ۞ وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي ۞ يَفْقَهُوا قَوْلِي ۞ وَاجْعَلْ
امر مرا ۞ و بگشای گره ۞ از زبان من ۞ تا فهم کنند گفتار مرا ۞ و بگردان

لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي ۞ هَارُونَ أَخِي ۞ اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي ۞ وَأَشْرِكْهُ
برای من وزیری ۞ از کسان من ۞ هرون برادر من ۞ محکم کن بهرون پشت مرا ۞ و شریک گردان او را

فِي أَمْرِي ۞ كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا ۞ وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا ۞ إِنَّكَ كُنْتَ
در کار من ۞ تا تسبیح کنیم ترا بسیار ۞ و یاد کنیم ترا بسیار ۞ بدرستی که تو هستی

بِنَا بَصِيرًا ۞ قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَىٰ ۞ وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَيْكَ
باحوال ما بینا ۞ گفت خدا بتحقیق که داده شد آنچه سوال کرده ای موسی ۞ و بتحقیق منت نهادیم بر تو

مَرَّةً أُخْرَىٰ ۞ إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ ۞ أَنِ اقْذِفِيهِ فِي
مرتبه دیگر ۞ وقتیکه وحی کردیم بسوی مادر تو آنچه وحی کرده شد ۞ که بینداز فرزند خود را در

التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ ۞ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ
تابوت ۞ پس بیفکن که او را وست در دریا ۞ پس بیفکند او را از کشتی دریا در کنار ۞ فرا گیرد او را

عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ ۞ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي ۞ وَلِتُصْنَعَ
دشمن من ۞ و دشمن او ۞ و افکندم بر تو ۞ دوستی از من ۞ و تا پرورده شوی

عَلَىٰ عَيْنِي ۞ إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَنْ يَكْفُلُهُ
بر دیدن من ۞ یاد کن وقتیکه آید خواهر تو پس گفت او ۞ آیا دلالت کنم شما را ۞ بر کسیکه کفالت او را

فرجعناك الى امك كي تقر عينها ولا تحزن ۞ وقتلت نفسا

اورا کند در شیر دادن پس گردانیدیم تو را بسوی مادر تو تا روشن شود چشم وی نه اندوهناک گردد ۞ و کشتی تو قبطی را

فنجيناك من الغم وفتناك فتونا ۞ فلبثت سنين في اهل

پس نجات دادیم تو را از غم و آزمودیم تو را آزمودنی ۞ پس درنگ کردی سالهای متعدد در میان اهل

مدين ثم جئت على قدر يا موسى ۞ واصطنعتك لنفسي ۞ اذهب

مدین پس آمدی تو بر اندازه ای موسی ۞ و برگزیدیم تو را برای دوستی خود ۞ برو

انت واخوك باياتي ولا تنيا في ذكري ۞ اذهبا الى فرعون

تو و برادر تو بمعجزات ما ۞ و سستی مکنید در رسانیدن پیغام من ۞ بروید هر دو بسوی فرعون

انه طغى ۞ فقولا له قولا لينا لعله يتذكر او يخشى ۞ قالا

بدرستی که او از حد در گذشته است پس بگوئید با او گفتنی نرم ۞ شاید او پند گیرد ۞ یا بترسد ۞ گفتند

ربنا اننا نخاف ان يفرط علينا او ان يطغى ۞ قال لا تخافا

پروردگارا بدرستی که ما میترسیم اگر فرعون عقوبت کند بر ما ۞ یا اگر زیاده سرکشی کند ۞ گفت خدا مترسید

انني معكما اسمع وارى ۞ فاتياه فقولا انا رسولا ربك

بدرستیکه من با شمایم می‌شنوم دعای شما را و می‌بینم ۞ پس آمدند او را پس گفتند بدرستی که فرستادگان پروردگار

فارسل معنا بني اسرائيل ولا تعذبهم قد جئناك باية من

توایم پس بفرست با ما ۞ پسران یعقوب را ۞ و عذاب مکن ایشان را ۞ بحقیق آمدیم ما بتو ۞ نشانه از

ربك والسلام على من اتبع الهدى ۞ انا قد اوحي الينا ان العذاب

پروردگار تو و سلامتی دو جهان بر کسیکه پیروی ۞ کند راه راست را ۞ بدرستیکه ما بحقیق وحی شد بسوی ما آنکه عذاب

على من كذب وتولى ۞ قال فمن ربكما يا موسى ۞ قال ربنا

خدا بر کسیست که دروغ بست بر انبیا و روگردانید از ایشان ۞ گفت پس کیست پروردگار شما ای موسی ۞ گفت موسی پروردگار ما

الذي اعطى كل شيء خلقه ثم هدى ۞ قال فما بال القرون

آنست که عطا کرد ۞ هر چیز را از مخلوقات صورتی پس راه نمود ۞ گفت ۞ پس چیست حال قرنهای

الاولى ۞ قال علمها عند ربي في كتاب لا يضل ربي ولا

پیشین ۞ گفت موسی علم بحال ایشان نزد پروردگار منست در کتابی که ۞ خطا نکند پروردگار من و

این
کنایه از آنست
که تربیت یابی چنانچه من میخواهم چه کاربر
شخصی کاری برای دیگری در برابر چشم او کند
چنانچه او میخواهد خواهد کرد بعینی تمام بخلاف
آنکه غایبانه او کند گاه باشد که مسامحه کند
و بعضی گفته اند که معنی آنست که تربیت یابی
بحفظ و حمایت چه هر گاه خواهند دعا کنند
شخصی را بانیکه حقتعالی حفظ تو
میکوید اعین الله
علیك
از
حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم
در مجمع البیان روایت کرده که فرمود رحمت
کناد خدایتعالی برادرم موسی را که بکشت
مردی را از روی خطا و حال
دوازده ساله بود
گویند
خطاب شد بموسی که بمصر برو و وحی آمد در مصر
بهارون که باستقبال موسی از مصر بیرون
بیرون رود و در یک منزلی مصر بهم رسیدند خوردند
و آنجا مخاطب باین خطاب
گردیدند

يَنسَى ۝ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا

فراموش نمیکند آنخدائی که گردانید برای شما زمین را فراش و پدید آورد برای شما در زمین راهها

وَأَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَخْرَجْنَا بِهِۦٓ أَزْوَٰجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّىٰ ۝

و فرستاد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم بآن اصناف گوناگون از رستنی پراکنده

كُلُوا وَٱرْعَوْا أَنْعَٰمَكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّأُولِي ٱلنُّهَىٰ

بخورید و بچرانید چهارپایان را بدرستی که در این علامتهاست مر خداوندان خرد را

مِنْهَا خَلَقْنَٰكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ ۝ وَ

از زمین آفریدیم شما را و در زمین باز آریم شما را و از زمین بیرون آریم شما را مرتبه دیگر و

لَقَدْ أَرَيْنَٰهُ ءَايَٰتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ ۝ قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا

بدرستیکه نمودیم ما او را یعنی فرعون را معجزهای خود همه را پس دروغ داشت موسی را و اباکرد گفت آیا آمده ما را تا بیرون کنی

مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَٰمُوسَىٰ ۝ فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِۦ فَٱجْعَلْ بَيْنَنَا

ما را از زمین ما بسحر خود ای موسی پس هرآینه بیاریم برای تو جادوئی مانند جادوئی تو پس مقرر کن میان

وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَّا نُخْلِفُهُۥ نَحْنُ وَلَآ أَنتَ مَكَانًا سُوًى ۝ قَالَ

ما و میان خود وعده که خلاف نکنیم آنرا ما و نه تو در جائی که مساوی و هموار باشد گفت

مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ ٱلزِّينَةِ وَأَن يُحْشَرَ ٱلنَّاسُ ضُحًى ۝ فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ

زمان وعده شما روز آرایش است و جمع کرده شوند مردمان در چاشت پس برگشت فرعون

فَجَمَعَ كَيْدَهُۥ ثُمَّ أَتَىٰ ۝ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى ٱللَّهِ

پس فراهم آورد کید و سحر خود را پس آمد گفت مر ایشان را موسی وای بر شما دروغ مبندید بر خدا

كَذِبًا فَيُسْحِتَكُم بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ ٱفْتَرَىٰ ۝ فَتَنَٰزَعُوٓا

دروغی را پس مضطر گرداند شما را بعذاب و بتحقیق که بی بهره شد هر که دروغ بست پس منازعه کردند

أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسَرُّوا ٱلنَّجْوَىٰ ۝ قَالُوٓا إِنْ هَٰذَٰنِ لَسَٰحِرَٰنِ

کار خود را میان هم و پنهان داشتند سرگوشی را گفتند بدرستیکه این دو کس ساحرانند که

يُرِيدَانِ أَن يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ

میخواهند بیرون کنند شما را از زمین شما بسحر خود و ببرند مذهب شما را که بهترین

الْمُثْلٰى ۞ فَاَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا وَقَدْ اَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ

بد بهتر است و آئین پس جمع کنید ادوات حیله خود را پس بیائید بوعده گاه صف زده و بتحقیق که رستگار شد امروز

اسْتَعْلٰى ۞ قَالُوا يَا مُوسٰى اِمَّا اَنْ تُلْقِيَ وَاِمَّا اَنْ نَكُونَ اَوَّلَ مَنْ

که برتر شد گفتند ای موسی یا آنست که تو می افکنی عصا را یا آنکه ما باشیم اول کسی که

اَلْقٰى ۞ قَالَ بَلْ اَلْقُوا فَاِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ اِلَيْهِ مِنْ

بیفکند گفت موسی بلکه بیفکنید پس آنوقت ریسمانهای ایشان و عصاهاشان نموده شد بموسی از

سِحْرِهِمْ اَنَّهَا تَسْعٰى ۞ فَاَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسٰى ۞ قُلْنَا لَا

سحر ایشان آنکه اینها میشتابند پس دریافت در دل خود ترسی موسی گفتیم ما

تَخَفْ اِنَّكَ اَنْتَ الْاَعْلٰى ۞ وَاَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا

مترس بدرستی که تو ای تو برتر و بیفکن آنچه در دست راست است تا فرو برد آنچه کردند ساحران

اِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ اَتٰى ۞ فَاُلْقِيَ

جز این نیست که ساختند فریبهای جادوبان و رستگار نشود ساحر هر جا که آید پس در افکنده شدند

السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا اٰمَنَّا بِرَبِّ هٰرُونَ وَمُوسٰى ۞ قَالَ اٰمَنْتُمْ لَهُ

جادوان سجده کننده گفتند گرویدیم بپروردگار هرون و موسی گفت فرعون آیا ایمان آوردید بموسی

قَبْلَ اَنْ اٰذَنَ لَكُمْ اِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ

پیش از آنکه رخصت دهیم مر شما را بدرستیکه او بزرگ شماست آنکه آموخت شما را جادوئی

فَلَاُقَطِّعَنَّ اَيْدِيَكُمْ وَاَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَاُصَلِّبَنَّكُمْ فِي جُذُوعِ

پس ببرم دستهای شما را و پاهای شما را از خلاف هم و هر آینه بیاویزم شما را در شاخهای درخت

النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ اَيُّنَا اَشَدُّ عَذَابًا وَاَبْقٰى ۞ قَالُوا لَنْ نُؤْثِرَكَ

خرما و هر آینه بدانید که کدام یک از ما سخت تر است از روی عذاب و پاینده تر گفتند البته اختیار نکنیم تو را

عَلٰى مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا اَنْتَ قَاضٍ

بر آنچه آمده ما را از معجزات و بر خدائی که آفریده ما را پس حکم کن آنچه تو حکم کننده

اِنَّمَا تَقْضِي هٰذِهِ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ۞ اِنَّا اٰمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا

جز این نیست که حکم این زندگانی دنیا را بدرستی که گرویدیم بپروردگار خود تا بیامرزد ما را

خطايانا

خطايانا وما اكرهتنا عليه من السحر والله خير وابقى ۝ انه

گناهان مارا و آنچه اکراه کردی ما را بر آن از جادوی و خدا بهتر است و پاینده‌تر بدرستی که

من يأت ربه مجرما فان له جهنم لا يموت فيها ولا يحيى ۝

هر که بیاید نزد پروردگار خود گناهکار پس مر برستی مر او راست دوزخ که نمیمیرد در آن و نه زنده می شود

ومن يأته مؤمنا قد عمل الصالحات فاولئك لهم الدرجات

و هر که بیاید او را گرونده و کرده باشد کارهای شایسته پس آن گروه مر ایشان راست مرتبه های بلند

العلى ۝ جنات عدن تجري من تحتها الانهار خالدين فيها



عالی و بوستانهای با اقامت که میرود از زیر آنها نهرها که جاوید باشند در آن

وذلك جزاء من تزكى ۝ ولقد اوحينا الى موسى ۝ ان اسر

و این جزای کسیست که پاک گشت و بحقیق که وحی کردیم ما بسوی موسی که ببر

بعبادي فاضرب لهم طريقا في البحر يبسا لا تخاف دركا

بندگان خود را پس بگردان برای ایشان راهی در دریا که خشک باشد مترس از دریافتن

ولا تخشى ۝ فاتبعهم فرعون بجنوده فغشيهم من اليم ما غشيهم

دشمن و مترس پس از پی در آمد ایشان را فرعون با لشکر خود پس فرو گرفت ایشان را از دریا آنچه ایشان را فرو گرفت

واضل فرعون قومه وما هدى ۝ يا بني اسرائيل قد انجيناكم

و گمراه کرد فرعون قوم خود را و راه ننمود ای پسران یعقوب بحقیق نجات دادیم شما را

من عدوكم وواعدناكم جانب الطور الايمن ونزلنا

از دشمنان شما و وعده دادیم شما را بطرف کوه طور راست و فرستادیم

عليكم المن والسلوى ۝ كلوا من طيبات ما رزقناكم ولا

بر شما ترنجبین و مرغ بریان بخورید از پاکیزه‌ها آنچه روزی کردیم شما را و

تطغوا فيه فيحل عليكم غضبي ومن يحلل عليه غضبي

سرکشی مکنید در آن پس فرود آید بر شما خشم من و هر که فرود آید بر او خشم من

فقد هوى ۝ واني لغفار لمن تاب وآمن وعمل صالحا ثم

پس بحقیق که افتاد در هلاک و بدرستیکه من آمرزنده‌ام مر کسی را که توبه کرد و ایمان آورد و کرد کار شایسته

اهتدى ۝ وما اعجلك عن قومك يا موسى ۝ قال هم اولاء

را و راست یافت ۝ و چه چیز شتابان کرد ترا از قوم تو ای موسی ۝ گفت ایشان را گروهی اند

على اثري وعجلت اليك رب لترضى ۝ قال فانا قد فتنا

بر اثر من ۝ و شتاب کردم بسوی تو پروردگار تا خشنود شوی از من گفت خدا پس هر آینه ما معامله آزمایش کردیم

قومك من بعدك واضلهم السامري ۝ فرجع موسى الى

قوم ترا ۝ بعد از تو ۝ و گمراه کرد ایشان را ۝ سامری ۝ پس برگشت موسی بسوی

قومه غضبان اسفا ۝ قال يا قوم الم يعدكم ربكم وعدا

قوم خود که خشمناک بود و اندوهگین ۝ گفت ای قوم آیا وعده نداده بود شما را پروردگار شما وعده

حسنا ۝ افطال عليكم العهد ام اردتم ان يحل عليكم

خوب ۝ آیا پس دراز شد بر شما زمان مفارقت من یا خواستید اگر فرود آید بر ایشان

غضب من ربكم فاخلفتم موعدي ۝ قالوا ما اخلفنا موعدك

خشمی از پروردگار شما پس خلاف کردید وعده مرا ۝ گفتند که ما در پیمان خلاف نکردیم وعده ترا

بملكنا ولكنا حملنا اوزارا من زينة القوم فقذفناها

باختیار خود ولیکن برداشتیم بارهای گران از زیور قبطیان پس در آتش انداختیم زیور را

فكذلك القى السامري ۝ فاخرج لهم عجلا جسدا له خوار

پس همچنین انداخت سامری آنرا در آتش ۝ پس بیرون آورد برای ایشان کالبد گوساله مر او را بانگی بود

فقالوا هذا الهكم واله موسى ۝ فنسي ۝ افلا يرون الا

پس گفتند این است خدای شما و خدای موسی ۝ پس فراموش کرد خدا را آیا پس نمی بینند

يرجع اليهم قولا ۝ ولا يملك لهم ضرا ولا نفعا ۝ ولقد قال

اگر باز نمیگردد بسوی ایشان گفتار جواب ۝ و مالک نیست برای ایشان ضرری و نه سودی ۝ و تحقیق که گفت

لهم هرون من قبل يا قوم انما فتنتم به وان ربكم الرحمن

مر ایشان را هرون پیش از آمدن موسی ای قوم جز این نیست که مبتلا شدید بآن و بدرستی که پروردگار شما بخشنده است

فاتبعوني واطيعوا امري ۝ قالوا لن نبرح عليه عاكفين حتى

پس پیروی کنید و اطاعت کنید امر مرا ۝ گفتند زایل نشویم ما بر پرستش گوساله و مجاور باشیم عبادت را تا

حتى

يرجع الينا موسى ۝ قال يا هرون ما منعك اذ رايتهم ضلوا
برگردد بسوی ما موسی ۝ گفت ای هرون چه چیز منع کرد تورا چون دیدی ایشانرا که گمراه شدند
الا تتبعن افعصيت امري ۝ قال يا ابنؤم لا تاخذ بلحيتي ولا
آنکه از عقب من بیایی آیا سرکشیدی از فرمان من ۝ گفت ای پسر مادر من فرا مگیر محاسن مرا و نه
براسي اني خشيت ان تقول فرقت بين بني اسرائيل ولم ترقب
موی سر مرا که من ترسیدم آنکه بگوئی تو جدائی انداختی میان پسران یعقوب ۝ و نگاه داشتی
قولي ۝ قال فما خطبك يا سامري ۝ قال بصرت بما لم يبصروا
سخن مرا ۝ گفت پس چیست کار عظیم تو ای سامری ۝ گفت بینا شدم بآنچه ندیدند
به فقبضت قبضة من اثر الرسول فنبذتها وكذلك سولت
آنرا بنی اسرائیل پس گرفتم قبضهٔ خاک از نشان قدم جبرئیل پس افکندم در شکم گوساله و همچنین بیاراست
لي نفسي ۝ قال فاذهب فان لك في الحيوة ان تقول لا مساس
برای من نفس من کار را ۝ گفت پس برو تو پس بدرستی مر توراست در زندگانی دنیا آنکه بگوئی هیچ کس مس مکن مرا
وان لك موعدا لن تخلفه وانظر الى الهك الذي ظلت
و بدرستی که مرا وعده ایست که خلاف نکنیم ۝ و بنگر بسوی خدای که بودی همه روز در بندگی
عليه عاكفا لنحرقنه ثم لننسفنه في اليم نسفا ۝ انما الهكم
او و بودی مقیم ۝ هر آینه بسوزانیم او را پس پراکنده کنیم آنرا در دریا پراکندنی ۝ بجز این نیست که خدای شما
الله الذي لا اله الا هو وسع كل شيء علما ۝ كذلك نقص
خدائیست که نیست معبودی مگر او و فرا رسیده بهر چیز علم او ۝ همچنین قصه کنیم ما
عليك من انباء ما قد سبق وقد اتيناك من لدنا ذكرا
بر تو از اخبار آنچه بحقیقت گذشته و بدرستی که ما دادیم تورا از نزد خود قرآن
من اعرض عنه فانه يحمل يوم القيمة وزرا ۝ خالدين فيه
هر که روی بگرداند از قرآن پس بدرستیکه وی برمیدارد در روز قیامت بار گران ۝ که جاوید باشند در آن
وساء لهم يوم القيمة حملا ۝ يوم ينفخ في الصور ونحشر
و بد است مرایشانرا روز قیامت بار ایشان ۝ روزیکه دمیده شود در صور و حشر کنیم

مساس
صیغهٔ فعال است از
مماسه و معنی لا مساس این است که بعضی
از ما بعضی را مس نکند و در مجمع البیان گفته
بقول بعضی که همگی بنی اسرائیل و غیر ایشان مأمور
الهی مأمور شدند که با سامری مجلس و مصاحبت
نکنند و خوردنی باو ندهند کار بر او تنگ شد
در صحراها با بهایم میچرید و از ابن عباس منقولست
که اولاد او هم باین بلا مبتلا شدند حتی آنکه
بازماندگان ایشان هم تا امروز چنین اند
و کسی را که در بیابانها ببینند گویند لا مساس
یعنی نزدیک من میا و دست بمن مرسان
و اگر یکی از ایشان را یا دیگری
از غیر ایشان مماسه بعضوی واقع شدی بدرد
فی الفور تب دار می شدند و مترجم گوید که از
شیخ محقق فاضل مدقق عالم ربانی شیخ علی نوادهٔ
شیخ علی بن شیخ سعید شهید ثانی زین
الدین قدس سره شنیدم که یکی از مشایخ عدول
و ثقات حکایت کرد که در یکی از صحراهای شام
شخصی عریان میگشت و میگفت لا مساس و از
حضرت ابو جعفر مرویست که موسی اراده
کشتن سامری نمود وحی آمد که ای موسی او را
مکش که بحلیهٔ سخاوت
محلی است

الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ۝ يَتَخَافَتُونَ بَيْنَهُمْ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ۝

گناهکاران را در آن روز کبود چشمان باشند پنهان میان خودشان درنگ نکردیم در دنیا مگر ده شبانه روز

نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا

ما داناتریم بانچه میگویند وقتیکه گوید تمامترین ایشان از روی خرد درنگ نکردید مگر روزی

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ۝ فَيَذَرُهَا قَاعًا

و میپرسند یا محمد ترا از کوهها پس بگو پراکنده خواهد نمود آنرا پروردگار من پراکنده کردنی پس بگذارد آنرا

صَفْصَفًا ۝ لَّا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا ۝ يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ

درحالتیکه زمین هموار باشد نه بینی در آن اعوجاجی و نه اندک بلند در آن روز پیروی کنند مردمان

الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَٰنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا

اسرافیل را هیچ کجی نباشد اورا و پست شود آوازها از برای خدا پس نشنوی در آن روز مگر

هَمْسًا ۝ يَوْمَئِذٍ لَّا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَٰنُ وَرَضِيَ

آواز نرم را در آن روز سود ندهد شفاعت مگر آنکه رخصت دهد مر او را خدا و رضای

لَهُ قَوْلًا ۝ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا

او باشد در سخن گفتن میداند خدا آنچه پیش ایشان است و آنچه پس ایشانست و احاطه نتوانند کرد بذات خدا از روی

وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ ۖ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ۝ وَمَن يَعْمَلْ

دانش و خوار و ذلیل باشد رویها از برای خدای زنده پاینده و بدرستی که بی‌بهره است هر که برداشت ستمی و هر که عمل میکند

مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا ۝ وَ

از کردار شایسته و او گرویده باشد پس نترسد از زور از ستم و نه از شکست و

كَذَٰلِكَ أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ

مانند آن فرستادیم ما کتابرا که قرآن عربیست و مکرر گردانیدیم در آن از آیات وعید شاید ایشان

يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا ۝ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ ۗ وَلَا

بپرهیزند یا احداث کند قرآن برای ایشان پندی پس بلند مرتبه است خدای پادشاه راست و

تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِن قَبْلِ أَن يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ ۖ وَقُل رَّبِّ

شتاب مکن بقرائت قرآن پیش از آنکه ادا کرده شود بسوی تو وحی آن و بگو پروردگارا



زدنی

زدني علما ۝ ولقد عهدنا الى ادم من قبل فنسي ولم نجد

بیفزا مرا دانش ۝ و بدرستی که عهد کردیم ما ۝ بسوی آدم ۝ پیش از تو پس فراموش کرد عهد و نیافتیم

له عزما ۝ واذ قلنا للملائكة اسجدوا لادم فسجدوا

مر او را عزمی ۝ و چون گفتیم ۝ مر فرشتگان را که ۝ سجده کنید ۝ مر آدم را ۝ پس سجده کردند

الا ابليس ابى ۝ فقلنا يا ادم ان هذا عدو لك ولزوجك

مگر شیطان که اباکرد ۝ پس گفتیم ما ای آدم ۝ بدرستی که این است دشمن ۝ مر ترا ۝ و زن تو را

فلا يخرجنكما من الجنة فتشقى ۝ ان لك الا تجوع فيها

پس باید چون نکند شما را ۝ از بهشت پس در رنج افتی تو ۝ بدرستی که مر تراست در بهشت که گرسنه نشوی در آن

ولا تعرى ۝ وانك لا تظمؤا فيها ولا تضحى ۝ فوسوس اليه

و نه برهنه باشی ۝ و بدرستی که تو تشنه نشوی در آن و در آفتاب نباشی ۝ پس وسوسه کرد با آدم

الشيطان قال يا ادم هل ادلك على شجرة الخلد وملك

شیطان ۝ گفت ۝ ای آدم ۝ آیا راهنمائی کنم ۝ بر درخت ۝ جاوید ۝ و پادشاهی که

لا يبلى ۝ فاكلا منها فبدت لهما سواتهما وطفقا

کهنه نشود ۝ پس بخوردند از آن گندم پس ظاهر شد مر ایشان را عورت ایشان ۝ و در ایستادند

يخصفان عليهما من ورق الجنة وعصى ادم ربه فغوى ۝

می‌چسبانیدند ۝ بر عورات خود از ۝ برگ درخت بهشت ۝ و خلاف کرد آدم پروردگار خود را پس بی‌بهره ماند

ثم اجتبه ربه فتاب عليه وهدى ۝ قال اهبطا منها جميعا

پس برگزید آدم را پروردگار او پس قبول کرد توبه او را و راه نمود او را ۝ گفت فرود آیید از بهشت ۝ همه

بعضكم لبعض عدو فاما يأتينكم مني هدى فمن اتبع

بعضی از شما ۝ مر بعضی را دشمنند ۝ پس اگر بیاید بشما در زمین از نزدیک من راهنمائی پس هر که پیروی کرد

هداى فلا يضل ولا يشقى ۝ ومن اعرض عن ذكرى فان

هدایت را ۝ پس گمراه نشود ۝ و نه برنج افتد ۝ و هر که رو گردانید از ۝ ذکر من ۝ پس بدرستی که

له معيشة ضنكا ونحشره يوم القيمة اعمى ۝ قال رب

مر او راست زیستنی ۝ تنگ ۝ و حشر کنیم ۝ روز ۝ قیامت او را نابینا ۝ گفت خداوند

معویه بن عمار گوید که از حضرت صادق صلوات الله علیه پرسیدم که مردی حج نکرده و مالی دارد او فرمود که از آنهایی است که خدا تعالی فرموده و نحشره یوم القیمة اعمی گفتم سبحان الله کور محشور خواهد گرد او را خدا تعالی از راه حق والسلام

علی من اتبع الهدی

لِمَ حَشَرْتَنِيٓ أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنتُ بَصِيرًا ۝ قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَتْكَ ءَايَٰتُنَا

چرا حشر کردی مرا نابینا و بحقیق بودم من بینا گفت خدا همچنین بود آمد بتو آیات ما

فَنَسِيتَهَا وَكَذَٰلِكَ ٱلْيَوْمَ تُنسَىٰ ۝ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ

پس تو فراموش کردی و همچنین امروز فراموش کنیم و همچنین جزا دهیم هر که اسراف کند

وَلَمْ يُؤْمِنۢ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ ۚ وَلَعَذَابُ ٱلْءَاخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَىٰٓ ۝ أَفَلَمْ

و نگروید بآیات پروردگار خود و هر آینه عذاب آنجهان سخت تر و پاینده تر است آیا

يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ ٱلْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَٰكِنِهِمْ ۗ

راه ننمود مر کافرانرا بسا هلاک کردی پیش از ایشان از اصحاب قرنها که میرفتند در مکانهای خود

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّأُو۟لِي ٱلنُّهَىٰ ۝ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ

بدرستیکه در این هر آینه علامتهاست مر خداوندان خرد را و اگر نه سخنی است که پیشی گرفته

مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى ۝ فَٱصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ

از پروردگار تو هر آینه بودی عذاب ایشان لازم و وقتی نامیده شده پس صبر کن بر آنچه میگویند

وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ ٱلشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا ۖ وَمِنْ ءَانَآئِ

و تسبیح کن مقرون بحمد پروردگار تو پیش از طلوع آفتاب و پیش از فرو رفتن آن و از ساعات

ٱلَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ ٱلنَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ ۝ وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ

شب پس نماز گذارد در طرفهای روز شاید که خشنود شود خدا و باز مکش چشمت را

إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِۦٓ أَزْوَٰجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۝ لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۚ

بسوی چیزی که متع کرده ایم بآن اصناف از کفره را چون اهل کتاب بزینت زندگانی دنیا تا بیازمائیم ایشانرا در آن

وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ۝ وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱصْطَبِرْ

و روزی پروردگار تو بهتر است و پاینده تر و امر کن اهل بیت خود را بنماز و صبر کن

عَلَيْهَا ۖ لَا نَسْـَٔلُكَ رِزْقًا ۖ نَّحْنُ نَرْزُقُكَ ۗ وَٱلْعَٰقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ ۝

بر نماز نمیخواهیم از تو روزی ما روزی میدهیم تو را و سرانجام مر پرهیزگار راست

وَقَالُوا۟ لَوْلَا يَأْتِينَا بِـَٔايَةٍ مِّن رَّبِّهِۦٓ ۚ أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةُ مَا فِي ٱلصُّحُفِ

و گفتند کفار چرا نمی آری بما نشانه از پروردگار خود آیا نیامد ایشانرا خبر آنچه در کتابها

از
حضرت
ابو جعفر صلوات الله
علیه مرویست که حقتعالی رسول خود را فرمود
در این آیه که اهل بیت خود را امر بنماز فرماید و
همه مردمانرا با ایشان شریک نفرمود تا
بدانند مردمان که اهل بیت آنحضرت را نزد
خدا تعالی قرب و منزلتی است که دیگرانرا
نیست پس در جای دیگر ایشانرا با همه مردمان
امر بنماز نمود و در اینجا
خصوص ایشانرا مامور
گردانید

الاولی

الاولى ۞ ولو انا اهلكناهم بعذاب من قبله لقالوا ربنا لولا

پیش است ۞ و اگر ما هلاک کردیم گناهکاران را بعذاب خود پیش از او هر آینه گفتندی پروردگارا چرا

ارسلت الينا رسولا فنتبع اياتك من قبل ان نذل ونخزى

نفرستادی بسوی ما پیغمبری پس پیروی میکردیم آیات ترا پیش از آنکه خوار شویم و رسوا گردیم

قل كل متربص فتربصوا فستعلمون من اصحاب الصراط

بگو همه منتظرند پس انتظار برید پس زود باشد که بدانید که گیست یاران راه راست

السوى ومن اهتدى ۞

و شما و آنکه راه یافته است

سورة الانبياء مائة واثنا عشرة آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اقترب للناس حسابهم وهم فى غفلة معرضون ۞ ما ياتيهم

نزدیک شد مردم را حساب ایشان و ایشان در بیخبری اعراض کنندگان نیامد ایشان را

من ذكر من ربهم محدث الا استمعوه وهم يلعبون ۞ لاهية

هیچ پند از پروردگار ایشان نو فرستاده که تازه باشد مگر آنکه بشنوند و ایشان بازی میکردند مشغولست

قلوبهم واسروا النجوى الذين ظلموا هل هذا الا بشر مثلكم

دلهای ایشان و پوشیده میدارند راز خود را آنانکه ستم کردند بر خود آیا هست این مگر آدمی مانند شما

افتاتون السحر وانتم تبصرون ۞ قال ربى يعلم القول فى

آیا میروید بجادو و شما می بینید گفت پروردگار من میداند سخن هر کس را

السماء والارض وهو السميع العليم ۞ بل قالوا اضغاث

در آسمان و زمین و اوست شنوای دانا بلکه گفتند قرآن سخنهای

احلام بل افتريه بل هو شاعر فلياتنا باية كما ارسل الاولون

پراکنده است بلکه محمد بهم بسته و بافته او را بلکه محمد شاعر است پس باید بیارد بما آیتی همچنانکه معجزه پیغمبران مرسل پیش

ما امنت قبلهم من قرية اهلكناها افهم يؤمنون ۞ وما

ایمان نیاوردند پیش از ایشان هیچ شهری که هلاک کردیم ایشان را آیا پس ایمان می آورند ایشان و

منتظر ما
نصرتیم که خدای تعالی
بما وعده داده و شما انتظار
غلبه بر ما میبرید

الجزو ۱۷

از
ابو عبد بقیه
مرویست که هر که این سوره را
بشوق بخواند رفیق جمیع پیغمبران باشد در
جنات نعیم و در دنیا در چشم مردمان
عزیز و محترم باشد و خوار
نشود

ارسلنا قبلك الا رجالا نوحي اليهم فاسئلوا اهل الذكر

نفرستاديم ما پيش از تو مگر مردان كه وحي كرده شد بسوي ايشان پس بپرسيد از اهل كتاب پندي

ان كنتم لا تعلمون وما جعلناهم جسدا لا يأكلون

اگر نميدانيد كه نميدانيد و نكردانيد پيغمبران را خداوند بدني كه نخورند

الطعام وما كانوا خالدين ثم صدقناهم الوعد فانجيناهم

طعام را و نبودند پيغمبران جاويد ماندگان پس راست گردانيديم با ايشان وعده عذاب پس نجات داديم

ومن نشاء واهلكنا المسرفين لقد انزلنا اليكم كتابا فيه

ايشان را و هر كه خواستيم و هلاك كرديم ما اسراف كنندگان را هر آينه فرو فرستاديم بسوي شما كتابي كه در آنست

ذكركم افلا تعقلون وكم قصمنا من قرية كانت ظالمة

شرف بزرگواري شما آيا پس در نمي يابيد و بسا در هم شكستيم از گروهي كه بودند ستمكار بر خود

وانشأنا بعدها قوما اخرين فلما احسوا بأسنا اذا هم

و آفريديم بعد از ايشان گروهي ديگر پس وقتيكه دريافتند عذاب ما را آنگاه ايشان

منها يركضون لا تركضوا وارجعوا الى ما اترفتم فيه و

از آن ده ميگريختند ملائكه گفتند مگريزيد و باز گرديد بسوي آنچه متنعم شده بوديد در آن و

مساكنكم لعلكم تسئلون قالوا يا ويلنا انا كنا ظالمين

بسوي مكانهاي خود شايد ايشان پرسيده شويد گفتند اي واي بر ما بدرستي كه ما بوديم ستمكاران

فما زالت تلك دعويهم حتى جعلناهم حصيدا خامدين

پس هميشه بود اين خواندن ايشان تا گردانيديم ايشان را گياهي درويده و افسرده

وما خلقنا السماء والارض وما بينهما لاعبين لو اردنا

و نيافريديم آسمان و زمين را و آنچه ميان آنهاست كه بازي كنندگان باشيم اگر ميخواستيم

ان نتخذ لهوا لاتخذناه من لدنا ان كنا فاعلين بل نقذف

انكه فرا گيريم مشغولي را هر آينه فرا ميگرفتيم از نزد خود اگر بوديم ما كننده لهو بلكه ميافكنيم

بالحق على الباطل فيدمغه فاذا هو زاهق ولكم الويل مما

حق را كه جدا است بر باطل پس بشكنيد باطل را پس آن هنگام باطل محو شده باشد و مر شما راست ويل از آنچه

از حضرت ابو جعفر صلوات الله عليه مرويست كه حضرت امير المومنين عليه السلام كه مائيم اهل الذكر و مويد اين معني آنكه خداي تعالي رسول خود را در كريمه ذكرا رسولا ذكر نامیده و عامه بعضي احبار يهود و علماء نصاري گفته اند و بقولي مراد از ايشان ارباب سير و تاريخ عارفين باحوال پيشينيان است و بقولي اهل ذكر اهل قرآنند

فرداي قيامت از كردهاي خود باز كرديد بجاهاي خود شايد سوال كنند درويشان از شما و شما چيزي بايشان بدهيد چنانچه ميكرديد

مراد از لهو فرزند و آيه رد بر آنهاست كه مسيح و فرشتگان را پسر و دختران خدا گفتندي و گويند لهو در لغت اهل يمن بمعني فرزند است و بقولي مراد از لهو زن و غرض رد قول نصاري است كه مريم زن خداست

تَصِفُونَ ۝ وَلَهُ مَن فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِندَهُ لَا

وصف میکنند ❁ و مر اوراست آنچه در آسمانها ❁ و زمینست ❁ و هر که نزدیک اوست

يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ۝ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ

سرکشی میکنند ❁ از بندگی خود ❁ و نه هیچ مانده می‌شوند ❁ تنزیه میکنند خدا را شب

وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ۝ أَمِ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ

و روز ❁ پست نمیشوند از عبادت ❁ آیا ❁ فرا گرفتند خدایان ❁ از زمین که ایشان مرده زنده میکنند

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ

اگر باشد در میان آسمان و زمین خدایان بجز خدا ❁ هر آینه تباه شدی هر دو پس پاکست خدا که پروردگار عرش است

عَمَّا يَصِفُونَ ۝ لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ ۝ أَمِ اتَّخَذُوا

از آنچه وصف میکنند ❁ پرسیده نشود خدا از آنچه میکند و ایشان پرسیده میشوند ❁ آیا ❁ فرا گرفتند

مِن دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَٰذَا ذِكْرُ مَن مَّعِيَ

بغیر از خدا خدایان دیگر ❁ بگو بیارید ❁ دلیل خود را ❁ این توحید یاد کردن کسانیست که با منست

وَذِكْرُ مَن قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُم مُّعْرِضُونَ ۝ وَمَا

و یاد کردن کسانی که پیش از من بوده‌اند بلکه بیشتر ایشان نمیدانند حق را پس ایشان اعراض کنندگانند ❁ و

أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا

نفرستادیم پیش از تو هیچ پیغمبری را مگر آنکه وحی کردیم بسوی او بدرستیکه نیست معبودی مگر من

فَاعْبُدُونِ ۝ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَٰنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ

پس بپرستید مرا ❁ و گفتند فرا گرفت خدا فرزند منزه است خدا بلکه ملائکه بندگانند

مُّكْرَمُونَ ۝ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُم بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ۝ يَعْلَمُ

گرامی کرده شده ❁ پیشی نگیرند ملائکه با خدا بسخن و ایشان بفرمان خدا کار میکنند ❁ میداند خدا

مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ وَهُم

آنچه پیش ایشانست و آنچه پس ایشانست ❁ و درخواست شفاعت نمیکنند مگر کسی را که خدا راضی باشد و ایشان

مِّنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ۝ وَمَن يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَٰهٌ مِّن دُونِهِ

از ترس خدا ترسانند ❁ و هر که گوید از فرشتگان که من خدایم بجز از خدا

استفهام انکاریست و غرض توبیخ مشرکان است پرستیدن بتانی که قادر بر احیای مردگان نیستند

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که مراد از من معی هر کسیست که با آنحضرت بوده و خواهد بود تا روز قیامت و از من قبلی هر که پیش از آنحضرت بوده از امتهای گذشته و بنا بر این مراد از ذکر موعظه و پندیست که در باب توحید مذکور شد چنانچه بعضی از مفسرین گفته‌اند و بقول بعضی از ایشان مراد از ذکر من معی احکام شریعت ایشان است و از ذکر من قبلی اخبار امم سابقه است

فذلك نجزيه جهنم كذلك نجزي الظالمين ۝ اولم ير الذين

پس آن را جزا دهیم او را دوزخ ۝ همچنین جزا میدهیم ستمکاران را ۝ آیا ندانستند آنانکه

كفروا ان السموات والارض كانتا رتقا ففتقناهما و

کافر شدند ۝ آنکه ۝ آسمانها ۝ و زمین بودند بسته و برهم نهاده پس گشادیم ما آنها را و

جعلنا من الماء كل شيء حي افلا يؤمنون ۝ وجعلنا في الارض

گردانیدیم از آب ۝ هر چیز را که زنده است آیا پس نمیگروند ۝ و گردانیدیم در زمین

رواسي ان تميد بهم وجعلنا فيها فجاجا سبلا لعلهم يهتدون

کوههای استوار تا بجنباند آدمیان را ۝ و گردانیدیم در آن کوهها گشاده راهها تا شاید ایشان ۝ راه یابند

وجعلنا السماء سقفا محفوظا وهم عن اياتها معرضون ۝

و گردانیدیم آسمان را ۝ سقفی نگاه داشته شده و ایشان ۝ از نشانهای آسمان اعراض کنندگانند

وهو الذي خلق الليل والنهار والشمس والقمر كل

و اوست آنکه ۝ آفرید شب ۝ و روز را ۝ و آفتاب ۝ و ماه را ۝ هر یک

في فلك يسبحون ۝ وما جعلنا لبشر من قبلك الخلد افان

در فلکی ۝ شنا کنند ۝ و نداده ایم ما هیچ آدمی را ۝ پیش از تو یا محمد جاوید ماندن آیا پس

مت فهم الخالدون ۝ كل نفس ذائقة الموت ونبلوكم

اگر بمیری تو پس ایشان جاوید مانندگانند ۝ هر ۝ نفسی چشنده است ۝ مرگ را ۝ و می آزمائیم شما را

بالشر والخير فتنة والينا ترجعون ۝ واذا راك الذين كفروا

به بدی ۝ و خوبی آزمودنی ۝ و بسوی ما ۝ بازگردیده میشوید ۝ و چون میبینند ترا آنانکه کافر شدند

ان يتخذونك الا هزوا اهذا الذي يذكر الهتكم وهم

فرا نگیرند ترا ۝ مگر از روی مسخره گویند آیا این آنکس است که مذمت میکند خدایان شما را و ایشان

بذكر الرحمن هم كافرون ۝ خلق الانسان من عجل سأريكم

بذکر ۝ خدا ایشان ۝ کافرند ۝ آفریده شد انسان از شتابزدگی زود باشد که بنمائیم

اياتي فلا تستعجلون ۝ ويقولون متى هذا الوعد ان كنتم

شما را آیات خود پس شتاب مکنید در عذاب ۝ و میگویند کی خواهد بود این وعده ۝ اگر هستید

در کتاب
روضه کافی از حضرت
ابو جعفر صلوات الله علیه در حدیث
شامی از آنحضرت پرسید از تفسیر کریمه اولم یر
الذین کفروا ان السموات والارض تا آخر پس
آنحضرت فرمود که گویا گمان میکنی که مراد
آنست که آسمان و زمین چسبیده بود پس خداوند
یکی را از دیگری جدا کرد شامی گفت آری پس
آنحضرت فرمود که استغفار کن ازین عقیده و
بتحقیق که حقتعالی درین کلام میفرماید که آسمان
رتق بود یعنی باران نمی بارید و زمین
رتق بود یعنی چیزی نمیرویانید پس چون
خلایق را بیافرید فتق آسمان نمود بباریدن
باران و فتق زمین نمود برویانیدن نباتات
پس شامی گفت که گواهی میدهم که تو از
فرزندان پیغمبرانی و تفسیری که گمان شامی بود
از ابن عباس منقول است و بقولی مراد
آنست که آسمانها برهم نشسته و زمینها برهم
نشسته بود پس خدا تعالی فتق آنها نمود یعنی
آنها را هفت طبقه و اینها هفت طبقه گردانید
و مخفی نیست که ذکر وجعلنا
من الماء کل شیء حی موید معنی
اول است

صادقی

صادقين ۝ لو يعلم الذين كفروا حين لا يكفون عن وجوههم
النار ولا عن ظهورهم ولا هم ينصرون ۝ بل تأتيهم بغتة
فتبهتهم فلا يستطيعون ردها ولا هم ينظرون ۝ ولقد استهزئ
برسل من قبلك فحاق بالذين سخروا منهم ما كانوا به يستهزءون
قل من يكلؤكم بالليل والنهار من الرحمن بل هم عن ذكر
ربهم معرضون ۝ أم لهم آلهة تمنعهم من دوننا لا يستطيعون
نصر أنفسهم ولا هم منا يصحبون ۝ بل متعنا هؤلاء وآباءهم
حتى طال عليهم العمر أفلا يرون أنا نأتي الأرض ننقصها من
أطرافها أفهم الغالبون ۝ قل إنما أنذركم بالوحي ولا
يسمع الصم الدعاء إذا ما ينذرون ۝ ولئن مستهم نفحة
من عذاب ربك ليقولن يا ويلنا إنا كنا ظالمين ۝ ونضع
الموازين القسط ليوم القيمة فلا تظلم نفس شيئا وإن كان

مِثقالَ حَبَّةٍ مِن خَردَلٍ أَتَينا بِها وَكَفى بِنا حاسِبينَ ۝ وَلَقَد

همسنگ دانه از اسپند بیاریم ما آنرا و بسست بما حساب کنندگان و بدرستی که

آتَينا مُوسى وَهارُونَ الفُرقانَ وَضِياءً وَذِكراً لِلمُتَّقينَ ۝ الَّذينَ

دادیم ما موسی و هرون را کتابی و روشنی و پندی مر پرهیزگاران را آنانکه

يَخشَونَ رَبَّهُم بِالغَيبِ وَهُم مِنَ السّاعَةِ مُشفِقُونَ ۝ وَهذا ذِكرٌ

می ترسند از پروردگار خود بغیب و ایشان از قیامت ترسندگانند و این قرآن سخنی است

مُبارَكٌ أَنزَلناهُ أَفَأَنتُم لَهُ مُنكِرُونَ ۝ وَلَقَد آتَينا إِبراهيمَ

با خیر فرستادیم او را آیا پس شما قرآن را از انکار کنندگانید و بحقیق دادیم ما ابراهیم را

رُشدَهُ مِن قَبلُ وَكُنّا بِهِ عالِمينَ ۝ إِذ قالَ لِأَبيهِ وَقَومِهِ ما

راه راستی پیش ازین و بودیم ما باو دانایان چون گفت مر پدر خود را و قوم خود را چیست

هذِهِ التَّماثيلُ الَّتي أَنتُم لَها عاكِفُونَ ۝ قالُوا وَجَدنا آباءَنا

این صورتها که پیوسته آنها شما را مجاورانید گفتند یافتیم پدران خود را

لَها عابِدينَ ۝ قالَ لَقَد كُنتُم أَنتُم وَآباؤُكُم في ضَلالٍ مُبينٍ

که اینها را میپرستیدند گفت ابراهیم که بودید شما و پدران شما در گمراهیند آشکار

قالُوا أَجِئتَنا بِالحَقِّ أَم أَنتَ مِنَ اللّاعِبينَ ۝ قالَ بَل رَبُّكُم

گفتند آیا آوردی بما براستی یا تو از بازی کنندگانی گفت ابراهیم بلکه پروردگار شما

رَبُّ السَّماواتِ وَالأَرضِ الَّذي فَطَرَهُنَّ وَأَنا عَلى ذلِكُم مِنَ

پروردگار آسمان و زمینست که آفرید آنها را و من برآنچه گفتم شما را از

الشّاهِدينَ ۝ وَتَاللَّهِ لَأَكيدَنَّ أَصنامَكُم بَعدَ أَن تُوَلُّوا

گواهانم و قسم بخدا که هر آینه تدبیری کنم در باب بتان شما بعد از آنکه روی گردانید شما

مُدبِرينَ ۝ فَجَعَلَهُم جُذاذاً إِلّا كَبيراً لَهُم لَعَلَّهُم إِلَيهِ يَرجِعُونَ

برگشته کنندگان شما پس گردانید بتان را پاره پاره مگر بت بزرگ ایشان را شاید ایشان بسوی او باز گردند

قالُوا مَن فَعَلَ هذا بِآلِهَتِنا إِنَّهُ لَمِنَ الظّالِمينَ ۝ قالُوا سَمِعنا

گفتند که کرد این را بخدایان ما بدرستی که او از ستمکارانست گفتند شنیدیم ما



از حضرت
صادق صلوات الله
علیه مرویست که چون ابراهیم را در منجنیق نشانیدند
وخواستند که در آتش بیندازند جبرئیل آمد وگفت
السلام علیک یا ابراهیم ورحمة الله وبرکاته آیا
حاجتی داری گفت اما الیک فلا یعنی دارم اما
بتو نه وچون او را بآتش انداختند گفت یا الله یا واحد
یا احد یا صمد یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد
پس حقتعالی آن آتش را گلستانی کرد از برای
او و بوستانی سبز وخرم وبا جبرئیل در آن
بوستان بصحبت وحکایت مشغول شدند و
گویند که آنحضرت در آنوقت شانزده ساله بود

بعضی
گفته اند که این ارض مبارک
عبارتست از بیت المقدس که مقام پیغمبران
بود وبعضی دیگر گفته اند که حقتعالی در حق آن فرموده
ان اول بیت وضع للناس للذی ببکة مبارکا
وبقولی شام است وآنرا مبارک از آن نامیده
که انهار ونعمت فراوان در آن بوده وبهر تقدیر
زمینی که از آنجا نجات یافته
ارض کوفه بوده

فتى يذكرهم يقال له ابرهيم ۝ قالوا فأتوا به على اعين الناس
که جوانی یاد میکرد ایشانرا بدی ومیگویند مر او را ابرهیم ۝ گفتند پس بیارید او را بچشمهای مردمان
لعلهم يشهدون ۝ قالوا ءانت فعلت هذا بالهتنا يا ابرهيم
شاید ایشان گواهی دهند ۝ گفتند آیا تو کردی این کار را بخدایان ما ای ابراهیم
قال بل فعله كبيرهم هذا فسئلوهم ان كانوا ينطقون ۝
گفت ابرهیم بلکه کرده او را بزرگ ایشان این پس بپرسید ازایشان اگر هستند که سخن گویند
فرجعوا الى انفسهم فقالوا انكم انتم الظالمون ۝ ثم نكسوا
پس بازگشتند بنفسهای خود پس گفتند بدرستی که شما ستمکارانید پس نگونسار کرده
على رءوسهم لقد علمت ما هؤلاء ينطقون ۝ قال افتعبدون
سرهای خود را گفتند دانستی که این بتان سخن نگویند ۝ گفت پس بندگی میکنید
من دون الله ما لا ينفعكم شيئا ولا يضركم ۝ اف لكم ولما
بغیر از خدا چیزی را که نفع نکند شما را چیزی ونه دفع ضرر کند از شما زشتی باد بر شما وآنچه
تعبدون من دون الله افلا تعقلون ۝ قالوا حرقوه وانصروا
می پرستید از غیر خدا آیا پس تعقل نمیکنید ۝ گفتند بسوزانید ابراهیم را ویاری دهید
الهتكم ان كنتم فاعلين ۝ قلنا يا نار كوني بردا وسلاما
خدایان خود را اگر هستید کنندگان نصرت ۝ گفتیم ما ای آتش باش سرد و سلامت
على ابرهيم ۝ وارادوا به كيدا فجعلناهم الاخسرين ۝ ونجيناه
بر ابراهیم ۝ وخواستند باو دشمنی پس گردانیدیم ایشانرا زیانکاران ۝ ورهانیدیم ابراهیم
ولوطا الى الارض التي باركنا فيها للعالمين ۝ ووهبنا له
ولوط را بسوی زمینی که برکت دادیم او را در آن از برای جهانیان را ۝ وبخشیدیم ما ابراهیم را
اسحق ويعقوب نافلة وكلا جعلنا صالحين ۝ وجعلناهم
اسحق ویعقوب در حالیکه عطیه بود وهر یکرا گردانیدیم ایشانرا از بندگان شایسته کار ۝ وگردانیدیم ایشانرا
ائمة يهدون بامرنا واوحينا اليهم فعل الخيرات واقام الصلوة
پیشوایان که راه نمایند بفرمان ما ۝ ووحی کردیم ما بسوی ایشان کردن نیکوییها را وبپای داشتن نماز را

وَاِيتَآءَ الزَّكوٰةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ ۝ وَلُوطًا اٰتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا

و دادن زکوٰة را و بودند مارا پرستندگان و لوط را دادیم ما او را حکمت و علم پیغمبران

وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِى كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَآئِثَ اِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ

و رهانیدیم او را از دیهی که بودند اهل آن میکردند کارهای بد بدرستیکه ایشان بودند گروهی

سَوْءٍ فَاسِقِينَ ۝ وَاَدْخَلْنَاهُ فِى رَحْمَتِنَا اِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ وَ

بد و تبه کار و در آوردیم او را در رحمت خود بدرستی که او از شایستگانست و

نُوحًا اِذْ نَادٰى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَاَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ

و یاد کن نوح را چون خواند خدا را پیش از ابراهیم پس اجابت کردیم ما مر او را پس رهانیدیم او را و اهل او را از غمی

الْعَظِيمِ ۝ وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِاٰيَاتِنَا اِنَّهُمْ

بزرگ و یاری دادیم ما او را از گروهی که آنان تکذیب کردند نشانهای ما بدرستی که ایشان

كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاَغْرَقْنَاهُمْ اَجْمَعِينَ ۝ وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ اِذْ

بودند گروهی بد پس غرق کردیم ایشان را همگی و داود و سلیمان را یاد کن چون

يَحْكُمَانِ فِى الْحَرْثِ اِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ

حکم کردند در زراعت قومی که پراکنده شده بودند در شب بودند در آن کشت گوسفندان قوم و بودیم ما مر حکم ایشان را

شَاهِدِينَ ۝ فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا اٰتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَ

حاضران پس فهمانیدیم ما آن را سلیمان و همه را دادیم ما پیغمبری حکم و علم آن و

سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ ۝ وَعَلَّمْنَاهُ

رام کردیم ما با داود کوهها را که تسبیح میکنند و مرغان را و بودیم ما کنندگان و آموختیم ما

صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَاْسِكُمْ فَهَلْ اَنْتُمْ شَاكِرُونَ

داود را ساختن زره برای شما تا نگاه دارد شما را از کارزار شما پس آیا هستید شما شکرگزاران

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِى بِاَمْرِهِ اِلَى الْاَرْضِ الَّتِى بَارَكْنَا

و رام کردیم برای سلیمان باد را که وزنده بود و بسیار میرفت بفرمان او بسوی زمینی که برکت دادیم ما

فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَىْءٍ عَالِمِينَ ۝ وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ

او را و بودیم بهر چیز دانایان و رام کردیم دیوان را کسانی که غواصی میکردند

مجمع البیان از حضرت ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام روایت کرده که گله گوسفند مردی در شبی به بوستان دیگری رفته آن را ضایع و نابود کرد مالک آن بوستان مرافعه را نزد داود علیه السلام برد آنحضرت فرمود که آن گله را بصاحب باغ دهند پس سلیمان گفت ای پیغمبر خدا حکم این واقعه غیر از این است باید این باغ را بخداوند گله سپرد تا خدمت نموده از انحالت اول برگرداند و گله را در آن مدت بصاحب باغ داد تا از شیر آن منتفع شود و پس از آن هر یک را بصاحبش رد نمود و بعضی گفته اند که بنای حکم سلیمان علیه السلام بر نسخ حکم داود بود و بعضی از مفسرین عامه بنای دو حکم را باجتهاد گذاشته اند و این با طریقه امامیه موافق نیست چه احکام انبیا همه از وحی الهی بوده نه باجتهاد و انبیا علیهم السلام و شیخ طایفه محقق محمد ابن یعقوب رضی الله عنه در کتاب کافی از معویه بن عمار روایت کرده که آنحضرت فرمود که امامت عهدیست از جانب خدا تعالی برای جمعی مخصوص و هیچ امامی را نمیرسد که امامت را بعد از خود بدیگری بدهد غیر آنکه حقتعالی مقرر فرموده

لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَٰلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ ۝ وَأَيُّوبَ إِذْ

برای او و میکردند کار دیگر غیر غواصی و بودیم ما برای ایشان از آنکه نگاه دارندگان و یاد کن ایوب را چون

نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا

خواند پروردگار خود را که بدرستی که رسید مرا بدی و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی پس اجابت کردیم

لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً

مر او را پس بردیم ما آنچه باو رسید از رنج و دادیم ما او را فرزندان او و مانند ایشان با ایشان رحمتی

مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ ۝ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا

از نزد ما و پندی برای پرستندگان و اسمعیل و ادریس را و

الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ ۝ وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ

ذو الکفل را همه پیغمبران صبر کنندگان و درآوردیم ایشان را در رحمت خود بدرستیکه ایشان

مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ

از شایستگان اند و صاحب ماهی یونس را وقتیکه رفت از میان قوم خشمناک پس گمان کرد که

لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ

تنگ نگیریم روزی برابر او پس ندا کرد در تاریکیهای شب و شکم ماهی که نیست خدائی مگر تو

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ

منزهی تو بدرستی که بودم من از ستمکاران پس اجابت کردیم او را و رهانیدیم او را

مِنَ الْغَمِّ وَكَذَٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ

از غم و همچنین نجات دادیم مؤمنان را و یاد کن زکریا را وقتیکه ندا کرد پروردگار خود

رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ

که پروردگارا مگذار مرا تنها و تو بهترین وارثانی پس اجابت کردیم ما او را

وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ

و بخشیدیم ما او را یحیی و بصلاح آوردیم ما برای او زن او را بدرستی که ایشان بودند که سرعت میکردند

فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ

در خوبیها و میخواندند ما را از جهت رغبت ثواب و ترسیدن عقوبت و بودند ما را فروتنان

یعنی
ظاهر آنست که فرزندانش
که مردند زنده شده باشند مثل آنها
فرزندان دیگر هم بوی کرامت شده باشد
چنانچه از حضرت ابی عبد الله علیه السلام مرویست
و بقول بعضی از مفسرین آنحضرت از جانب الهی
مخیر شد که در دنیا همان فرزندان برای او زنده
شوند یا آنکه مثل آنها بوی داده شود و آنها
در آخرت حیات ابدی داشته باشند و آن
حضرت این شق را اختیار کرد و گویند که فرزندان
او مرده بودند هفت دختر و هفت پسر و بقولی
هفت دختر و سه پسر
بودند

وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا

و یاد کن آن زن را که نگاه داشت فرج خود را پس دمیدیم ما در آن از روح خود و گردانیدیم مریم

وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ۝ إِنَّ هَٰذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا

و پسر او را علامتی برای جهانیان بدرستیکه این ملت اسلام ملت شماست که ملتی است یگانه و منم

رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ۝ وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ

پروردگار شما پس پرستید مرا و پاره پاره گردند امر خود را میان خود همه ایشان بسوی ما باز گردندگانند

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا

پس کسیکه بکند از کارهای شایسته و او گرونده باشد پس ناسپاسی نیست مر سعی او را و بدرستی که ما

لَهُ كَاتِبُونَ ۝ وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ۝

مر او را نویسندگانیم و محال است بر دهی که هلاک کردیم آنرا بدرستی که ایشان باز گردند بدین

حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ

تا چون گشاده شود یاجوج و ماجوج و ایشان از همه بلندی و پستی که شتابند

وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا

و نزدیک شد وعده راست پس آن هنگام قصه آنست که خیره شد چشمهای آنانکه کافر شدند

يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَٰذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ ۝ إِنَّكُمْ

گویند ای وای بر ما بدرستی که بودیم ما در غفلت از این بلکه بودیم ستمکاران بدرستی که شما

وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ

و آنچه می پرستید از غیر خدا آتش افروز دوزخید شما مر آنرا در آیندگانید

لَوْ كَانَ هَٰؤُلَاءِ آلِهَةً مَا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ لَهُمْ فِيهَا

اگر بودی این بتان خدایان در نیامدندی به دوزخ و همگی در آن جاویدانند مر ایشانراست در آن

زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ

ناله زار و ایشان در دوزخ نشنوند حرف خوبی بدرستی که آنانکه پیشی گرفت برای ایشان از جانب ما نیکوئی

أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ۝ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ

ایشان از دوزخ دور شدگانند نشنوند آواز آتش را و ایشان در آنچه آرزو کرد

گو چون آیه انکم وما تعبدون نازل شد عبد الله بن الزبعری که یهودی بود بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض داشت که شما میگفتید عزیر و عیسی و مریم شایسته کسان بودند فرمود آری گفت ایشان را پرستش میکنند غیر از خدا پس ایشان در دوزخ خواهند رفت پس حق تعالی این آیه فرستاد که ان الذین سبقت لهم منا الحسنی تا آخر

انفسهم

أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ ۝ لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ
نفسهای ایشان جاوید مانندگانست اندوهناک نکند ایشان را ترسی که بزرگترین ترسهاست و پیش باز آیند ایشان را ملائکه
هَٰذَا يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ۝ يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ
این روز ثواب شماست که بودید شما که وعده داده میشدید یاد کن روزی که به پیچیم آسمان را مانند پیچیدن
السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ ۚ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِيدُهُ ۚ وَعْدًا عَلَيْنَا ۚ إِنَّا كُنَّا
طومار برای کتابها چنانکه ابتدا کردیم اول آفرینش بازگردانیم آن را وعده ایست بر ما بدرستی که بودیم ما
فَاعِلِينَ ۝ وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ
کنندگان و بتحقیق که نوشتیم ما در زبور بعد از نوشتن آن در تورات آنکه زمین
يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ۝ إِنَّ فِي هَٰذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ
بهشت میراث گیرد آن را بندگان من شایسته اند بدرستی که در این هر آینه کفایتست مر گروه پرستندگان را
وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ۝ قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ
و نفرستادیم ما تو را مگر رحمتی مر همه جهانیان را بگو جز این نیست که وحی میشود بسوی من که جز این نیست
إِلَٰهٌ وَاحِدٌ ۖ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ ۝ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنتُكُمْ عَلَىٰ
خدای شما خدای یگانه است پس آیا شما گردن نهندگانید پس اگر برگردند پس بگو آگاه کردم شما را بر
سَوَاءٍ ۖ وَإِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ أَم بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ ۝ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ
طریق سویه و نمیدانم آیا نزدیک یا دور است آنچه وعده داده میشوند بدرستی که او میداند آشکار
مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ۝ وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَ
از گفتار کفار و میداند آنچه پنهان میکنند و نمیدانم تاخیر عقوبت را شاید آزمایش باشد مر شما را و
مَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ۝ قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ ۗ وَرَبُّنَا الرَّحْمَٰنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا
برخورداری تا وقت اجل گفت پروردگارا حکم کن بحق و پروردگار ما مهربانست بر آنچه

سورة الحج ثمان | تَصِفُونَ ۝ | وسبعون آية مدنية
او وصف می کنند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

مراد از فزع اکبر روز قیامتست وقتی که صور قیامت دمیده شود بدلیل کریمه ویوم ینفخ فی الصور ففزع من فی السموات ومن فی الارض و بقولی فزع وقتیست که دوزخ را بدوزخ برند

از حضرت ابی جعفر صلوات الله وسلامه علیه مرویست که این گروه اصحاب مهدی آل محمد اند و ظهور مهدی آل محمد صلی الله علیه وآله در آخر الزمان متفق علیه عامه و خاصه است اگرچه خلاف در وقت ولادت آنحضرت شده و بضرورت مذهب اهل بیت علیهم السلام آنحضرت وجود یافته و الحال غایب است



يا ايها الناس اتقوا ربكم ان زلزلة الساعة شيء عظيم يوم
ای مردمان بترسید از عذاب پروردگار شما بدرستی که جنبانیدن قیامت چیزی بزرگست روزی که
ترونها تذهل كل مرضعة عما ارضعت وتضع كل ذات
ببینید آنرا غافل شود از دهشت هر زن شیر ده از فرزندی که شیر داده آنرا و بنهد هر زن
حمل حملها وترى الناس سكارى وما هم بسكارى ولكن
حامله بار خود را و بر بینی تو مردم را مست و نیستند ایشان مست و لیکن
عذاب الله شديد ومن الناس من يجادل في الله بغير علم
عذاب خدا سخت و از مردمان کیست که جدال میکند در راه خدای بی دانش
ويتبع كل شيطان مريد كتب عليه انه من تولاه فانه
و پیروی میکند هر شیطان را که متمرد است نوشته شد بر شیطان بدرستی که هرکه دوست دارد او را بدرستیکه
يضله ويهديه الى عذاب السعير يا ايها الناس ان كنتم
او گمراه کند او را و راه نماید او را بسوی عذاب آتش سوزان ای مردمان اگر هستید شما
في ريب من البعث فانا خلقناكم من تراب ثم من نطفة ثم من
در شک از برانگیختن خدا مردم پس بدرستی که ما آفریدیم شما را از خاک پس از منی پس از
علقة ثم من مضغة مخلقة وغير مخلقة لنبين لكم ونقر
خون بسته پس از پاره گوشت تمام خلقت و غیر تمام خلقت تا بیان کنیم برای شما و قرار میدهیم
في الارحام ما نشاء الى اجل مسمى ثم نخرجكم طفلا ثم لتبلغوا
در رحمهای مادران آنچه را که خواهیم تا وقت نام برده شده پس بیرون شمارا از رحمهای مادران کودک پس از آن برسید
اشدكم ومنكم من يتوفى ومنكم من يرد الى ارذل العمر
بکمال جوانی قوت و خرد و بعضی از شما کیست که متوفی کرده از شما بعضی کیست که رد کرده شود بسوی زبونترین عمر
لكيلا يعلم من بعد علم شيئا وترى الارض هامدة فاذا انزلنا
تا ندانند بعد از دانستن چیزی را و بر بینی زمین را خشک پس چون فرستادیم ما
عليها الماء اهتزت وربت وانبتت من كل زوج بهيج
بر زمین آب بار از جنبش کند و بر آید ماننده خمیر مایه و بر رویاند از هر صنفی از نبات تازه رنگ

از ابی عبد الله که هرکه سوره حج را تلاوت نماید در سال آن سال بسر نرسد که بزیارت بیت الله مشرف شود و اگر بمیرد خدا او را بهشت رساند و آنچه خواهد عطا فرماید و از او راضی خشنود باشد

گویا مراد از زلزله روز قیامت که شورش در میست و فنی که مردگان از قبرها بر آیند و بعضی از مفسران گفته اند که مراد شورش در روز قیامت و بقول زلزله است که پیش از بر آمدن آن بقیامت باعتبار آنست که این زلزله از علامات قیامت

گویا افراد خطاب در ترى الناس سكارى بعلت اختصاص این خطاب است بحضرت رسالت و بجهة اشعار اینکه مردمان در آن روز از کثرت مستی حیرت بحدی رسیده اند که گویا دیگری را نمی بینند

ذولکم

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَاَنَّهُ يُحْيِ الْمَوْتٰى وَاَنَّهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

آنچه مذکور شد بسبب آنست که خدا اوست ثابت و بدرستیکه اوست که زنده میکند مردگان را و بدرستیکه او بر هر چیز تواناست

وَاَنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيْهَا وَاَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُوْرِ

و آنکه قیامت آینده است نیست شکی در آن و بدرستیکه خدا برمی‌انگیزاند کسانی که در گورند

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُّجَادِلُ فِي اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَّلَا هُدًى وَّلَا كِتٰبٍ

و از مردمان کیست که مجادله میکند در کلام خدا بدون دانش و بی دلیل رهنماینده و بی کتاب

مُّنِيْرٍ ۝ ثَانِيَ عِطْفِهٖ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ لَهٗ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ

روشن در حالیکه پیچیده است گردن خود را تا گمراه کند مردم را از راه خدا مر او راست در دنیا خواری

وَّنُذِيْقُهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَذَابَ الْحَرِيْقِ ۝ ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدٰكَ

و بچشانیم او را روز قیامت عذاب آتش سوزان این عذاب بسبب آنست که پیش فرستاده دستهای تو

وَاَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيْدِ ۝ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّعْبُدُ اللّٰهَ عَلٰى

و بدرستیکه خدا نیست ستم کننده مر بندگان را و از مردمان کیست که میپرستد خدا را بر

حَرْفٍ فَاِنْ اَصَابَهٗ خَيْرُ اطْمَاَنَّ بِهٖ وَاِنْ اَصَابَتْهُ فِتْنَةُ انْقَلَبَ

کناره پس اگر برسد او را خوبی آرام گیرد بآن و اگر برسد او را آزمایشی از فقر و مرض برگردد

عَلٰى وَجْهِهٖ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةَ ذٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِيْنُ

بر روی خود یعنی از توحید زیان کرد دنیا و آخرت را این زیانی است ظاهر

يَدْعُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَضُرُّهٗ وَمَا لَا يَنْفَعُهٗ ذٰلِكَ هُوَ الضَّلٰلُ

میخواند در پرستش بجز از خدا چیزی را که ضرر نمیرساند او را و نه سود میدهد او را این خواندن و پرستیدن گمراهی است

الْبَعِيْدُ ۝ يَدْعُوْا لَمَنْ ضَرُّهٗ اَقْرَبُ مِنْ نَّفْعِهٖ لَبِئْسَ الْمَوْلٰى وَ

دور میخواند کسی را که ضرر او نزدیکتر از نفع اوست هر آینه بد یاریست صنم و

لَبِئْسَ الْعَشِيْرُ ۝ اِنَّ اللّٰهَ يُدْخِلُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ

بد مصاحبیست و آنچه کار یاری بدرستیکه خدا در می آورد آنان را که گرویدند و کردند کارهای شایسته

جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ اِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيْدُ ۝

بوستانها که میرود از زیر آنها نهرها بدرستیکه خدا میکند آنچه میخواهد

مَن كَانَ يَظُنُّ أَن لَّن يَنصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ

هر که باشد که گمان کند آنکه یاری نخواهد داد او را خدا در دنیا و آخرت پس باید فرو گذارد رسنی از سقف

إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ ۝ وَ

خانه بسوی آسمان پس ببرد آنرا پس باید نظر کند آیا ببرد این کار حیله او آنچه او را بخشم آورد و

كَذَٰلِكَ أَنزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يُرِيدُ ۝ إِنَّ

همچنین فرستادیم او را در حالتی که نشانهای روشنست و بدرستی که خدا راه مینماید هر کرا میخواهد بدرستی که

الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَىٰ وَالْمَجُوسَ

آنانکه گرویدند و آنانکه یهود شدند و ستاره پرستان و ترسایان و گبران

وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ

و آنانکه شرک آوردند بدرستیکه خدا جدائی می افکند میان ایشان روز قیامت بدرستی که خدا بر

كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن

همه چیز گواه است آیا نمی بینی آنرا که خدا را سجده میکند مر او را است هر که در آسمانها و کسی که

فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَ

در زمینست و آفتاب و ماه و ستارگان و کوهها با آب و درخت سایه و

الدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَ

چهارپایان با شاخها و بسیاری از مردمان و بسیاری از ایشان که لازم شد بر او عذاب و

مَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ۝ هَٰذَانِ

هر کرا خوار کند خدا پس نیست مر او را هیچ اکرام کننده بدرستی که خدا میکند آنچه میخواهد این دو گروه

خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ

دشمنند که جدال نمودند در دین پروردگار خود پس آنانکه کافر شدند بریده شد برای ایشان جامه ها

مِّن نَّارٍ يُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ۝ يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ

از آتش ریخته میشود از بالای سرهای ایشان آبی جوشان که گداخته شود بآن آنچه در شکمهای ایشان

وَالْجُلُودُ ۝ وَلَهُم مَّقَامِعُ مِنْ حَدِيدٍ ۝ كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا

و پوستهای ایشانست و ایشانراست گرزها از آهن هرگاه خواهند که بیرون آیند

منها

بر این
تفسیر لیقطع ماخوذ است
از قطع بمعنی اختناق و مختنق را از آن
قطع میگویند که قطع نفس او می شود و مراد
از سماء جهة علو است و این مثلی است که گویند
با کسی که بخشم آید و علاجی نتواند نمود خود را خفه کند
و بقولی مراد از آیه آنست که کسی که گمان میبرد
و میخواهد که خدا نصرت محمد نکند پس بیندازد
کمندی بر آسمان و چنگ بر آن زند و قطع
مسافت نماید و منع نصرت او
کند

مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ۝ إِنَّ اللَّهَ

از آتش از غم و اختناق و بازگردانیده شوند در آن و گویند بچشید عذاب آتش سوزان بدرستی که خدا

يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

در می آورد آنان را که گرویدند و کردند کارهای شایسته در بوستانها که میرود از زیر آنها

الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ

جویها زیور بسته شوند در آن از دستینه های از طلا و مروارید و پوشش ایشان

فِيهَا حَرِيرٌ ۝ وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَىٰ صِرَاطِ

در بهشت ابریشم است و راه نموده شوند مومنان بچیزهای پاکیزه از گفتار و راه یافته شوند بسوی راه خدای

الْحَمِيدِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

ستوده بدرستی که آنانکه کافر شدند و باز میدارند مردم را از راه دین خدا

وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ

و از آن مسجد الحرام که ساخته ایم او را برای مردمان که مساویست مقیم در آن

وَالْبَادِ ۚ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ وَ

و آینده و از بادیه و هر که اراده کند در آن حرم که میل از حق باشد بستم قرین باشد بچشانیم او را از عذاب دردناک و

إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ

چون بیان کردیم و تعیین نمودیم برای ابراهیم جای خانهٔ کعبه را و گفتیم او را شرک میاور بمن چیزی و پاکیزه کن

بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ۝ وَأَذِّنْ فِي

خانهٔ مرا برای طواف کنندگان و ایستادگان بنماز و رکوع کنندگان و سجده کنندگان و ندا ده ای ابراهیم

النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ

میان مردم بدعوت حج تا بیایند بتو که پیادگان باشند و سواره بر هر شتری لاغر آیند از هر

فَجٍّ عَمِيقٍ ۝ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ

راه فراخ که دور باشد تا حاضر شوند در منفعتها که برای ایشان و تا یاد کنند نام خدا را در روزهای

مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ ۖ فَكُلُوا مِنْهَا وَ

معلوم کرده شده بر آنچه روزی داده ایشانرا از زبان بستگان چارپایان پس بخورید از آن و

صدوق رضی الله روایت کرده که حضرت ابراهیم صلوات الله علیه چون مامور شد بنای کعبه بر هر رکنی از ارکان نشست بانگ بلند گفت هلم للی الحج پس باید بسوی حج بشتابید پس هر که در پشتهای مردان و رحمهای زنان بود جواب گفت پس هر که یک جواب گفت یک حج کند و هر که ده جواب گفت ده حج کند و هر که جواب نگفت هیچ حج نکند

از حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه مرویست که مراد از منافع منافع اخروی است که عبارت از عفو و مغفرت است

أطعموا البائس الفقير ۝ ثم ليقضوا تفثهم وليوفوا نذورهم

بخورانید محنت کشیده و محتاج را پس بگذارید همه مناسک حج را و وفا کنید نذرهای خود را

وليطوفوا بالبيت العتيق ۝ ذلك ومن يعظم حرمات الله

و باید که طواف کنند بخانهٔ آزاد از غرق طوفان ۝ امور حج این است و هر که بزرگ دارد حرمتهای خدا را

فهو خير له عند ربه وأحلت لكم الأنعام إلا ما يتلى عليكم

پس آن بهتر است برای او نزد پروردگار او و حلال کرده شده برای شما همه چارپایان مگر آنکه خوانده شود بر شما

فاجتنبوا الرجس من الأوثان واجتنبوا قول الزور ۝ حنفاء

پس دور شوید از پلیدی که آن بتان است و دور شوید از گفتار دروغ ۝ که میل کننده باشید

لله غير مشركين به ومن يشرك بالله فكأنما خر من السماء فتخطفه

برای خدا نه شرک آورندگان بخدا و هر که شرک آورد بخدا پس گویا در افتاد از آسمان بروی زمین پس بود اندرا

الطير أو تهوي به الريح في مكان سحيق ۝ ذلك ومن يعظم

مرغان ربایند او را یا باد او را در مکانی دور از دستگیر ۝ حقیقت امر آنست و هر که بزرگ دارد

شعائر الله فإنها من تقوى القلوب ۝ لكم فيها منافع إلى

علامتهای خدا را پس بدرستیکه آن تعظیم از پرهیزکاری دلهاست ۝ مر شما راست در مناسک حج سودها تا

أجل مسمى ثم محلها إلى البيت العتيق ۝ ولكل أمة جعلنا

زمان قیامت نام برده شده پس جای مناسک حج بسوی خانهٔ آزاد از غرق است ۝ و مر هر گروهی را که پیش از شما بودند

منسكا ليذكروا اسم الله على ما رزقهم من بهيمة الأنعام

گردانیدیم محل عبادتی تا یاد کنند نام خدا را بر ذبح آنچه روزی کرد ایشان را از بسته زبانان شتر و گاو و گوسفند

فإلهكم إله واحد فله أسلموا وبشر المخبتين ۝ الذين إذا ذكر

پس خدای شما خدائیست یگانه پس مر او را گردن نهید و مژده ده فروتنان را ۝ آنانکه چون یاد کرده شود

الله وجلت قلوبهم والصابرين على ما أصابهم والمقيمي

خدا بترسد دلهای ایشان و مژده ده صبر کنندگان را بر آنچه رسیده ایشان را و برپای دارندگان

الصلوة ومما رزقناهم ينفقون ۝ والبدن جعلناها لكم

نماز را و از آنچه روزی دادیم ایشان را انفاق میکنند ۝ و شتران بزرگ گردانیدیم آن را برای شما

بعضی
شعائر را همه مناسک
حج تفسیر کرده اند و منافع را
بمنافع دنیوی و اخروی از تجارات و امثال
اینها و محل مناسک را بجای محل شدن و آن کعبه است
بعلت آنکه آخر افعال حج طواف است مر نسا را
که بعد از آن همه محرمات احرامی حلال میشود و
بعضی شعائر را تفسیر بهدی سیاق نموده گفته اند
که محل ذبح آن در احرام عمره ضروره است در
ما بین صفا و مروه و در احرام حج منی است و بنا
بر این اطلاق بیت عتیق که نام کعبه است بر همه
بعنوان مجاز است و منافع را ایشان بمنافع هدی
سیاق از سواری و شیر و پشم و مانند آنها است و
اجل مسمی آن وقتی است که قربانی هدی شود و
بنا بر اول وقت فراغ از اعمالست
۳۳

فیها

مِنْ شَعَآئِرِ اللّٰهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ عَلَيْهَا صَوَآفَّ فَاِذَا

از نشانهای دین خدا مر شما را در آن نیکویی بسیار است پس یاد کنید نام خدا را بر کشتن شتر که صف زدگان باشند

وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَاَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذٰلِكَ

پس چون بیفتد بر زمین پهلوهای شتران پس بخورید از آن و بخورانید درویش قناعت کننده و درویش سؤال کننده همچنانکه

سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۞ لَنْ يَنَالَ اللّٰهَ لُحُومُهَا

رام کردیم برای شما شاید که شما شکر کنید هرگز نرسد بخدا گوشتهای قربانی

وَلَا دِمَآؤُهَا وَلٰكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوٰى مِنْكُمْ كَذٰلِكَ سَخَّرَهَا

و نه خونهای ایشان و لیکن میرسد بقبول آنچه پرهیزکاریست از شما همچنین رام کردیم

لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللّٰهَ عَلٰى مَا هَدٰيكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ۞ اِنَّ اللّٰهَ

انعام را برای شما تا بزرگی یاد خدا ارا بر آنچه راه نمود شما را و مژده ده نیکوکاران را بدرستیکه خدا

يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ اٰمَنُوا اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ ۞

دفع کند ضرر کفار را از آنان که ایمان آوردند بدرستی که خدا دوست نمیدارد هر خیانت کننده ناسپاس را

اُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِاَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَاِنَّ اللّٰهَ عَلٰى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

رخصت شد مر آنانرا که خواهند کارزار کنند بدرستی که ایشان ستمدیده شدند و بدرستی که خدا بر یاری ایشان هر آینه تواناست

الَّذِينَ اُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ اِلَّا اَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللّٰهُ وَ

آنانکه بیرون کرده شدند از خانه های خود بنا حق مگر آنکه میگفتند که پروردگار ما خداست و

لَوْلَا دَفْعُ اللّٰهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ

اگر نه دفع کردن خدا بودی مردم را پاره از ایشان را بپاره هر آینه ویران شدی صومعه راهبان و کلیساها

وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللّٰهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ

و کنیسه ها و مسجدهای مسلمانان که همیشه یاد کرده شده در آنها نام خدا بسیار و هر آینه یاری دهد

اللّٰهُ مَنْ يَنْصُرُهُ اِنَّ اللّٰهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ۞ اَلَّذِينَ اِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي

خدا کسی را که یاری کند او را خدا بدرستی که خدا هر آینه توانا و صاحب انجاعت آنانند که تمکین دادیم ایشانرا در

الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ وَاَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ

زمین بجای دارند نماز را و دادند زکوة را و امر کردند بمعروف و نیکوئی و

از حضرت ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام مرویست که قانع آنست که قناعت کند بهرچه با وعطا کنی بدش نیاید و رو ترش نکند و بخشم نیاید و معتر آنست که دست دراز کند برای گرفتن چیزی و در روایتی دیگر از حضرت صادق مرویست که قانع آنست که سؤال کند و بهرچه بوی عطا خشنود باشد و معتر آنست که بجانها بگدیه رود

حزب

از حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه مرویست که این آیه اذن للذین اخرجوا تا آخر درباب مهاجرین نازل شده و حکمش جاریست در آل محمد که از شهرهای خود بیرون کرده شدند یعنی از خانهای خلافت امامت و مهاجرین در حدیث و آیه و اقوال مفسرین احتمال مهاجرین از مکه بمدینه یا از مکه بحبشه دارد و هردو هم محتمل است

نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلّٰهِ عَاقِبَةُ الْاُمُوْرِ ۞ وَاِنْ يُكَذِّبُوْكَ

نهی کردند از زشتیها و مر خدا راست سرانجام کارها و اگر تکذیب کردند تو را

فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوْحٍ وَعَادٌ وَثَمُوْدُ ۞ وَقَوْمُ اِبْرٰهِيْمَ

پس بحقیق که تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم

وَقَوْمُ لُوْطٍ ۞ وَاَصْحٰبُ مَدْيَنَ وَكُذِّبَ مُوْسٰى فَاَمْلَيْتُ

و قوم لوط و اصحاب مدین پیغمبران خود را و تکذیب کرده شد موسی پس مهلت دادیم

لِلْكٰفِرِيْنَ ثُمَّ اَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيْرِ ۞ فَكَاَيِّنْ مِّنْ قَرْيَةٍ

مر کافران را پس گرفتیم ایشان را پس چگونه بود نا پسندیدن من ایشان را پس چه بسیار از اهل شهرها

اَهْلَكْنٰهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلٰى عُرُوْشِهَا وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ

که هلاک کردیم ما آنها را و حال آنکه ظالم بودند پس آن دیهها افتاده اند بر سقفهای خود و بسا چاه معطل شده

وَّقَصْرٍ مَّشِيْدٍ ۞ اَفَلَمْ يَسِيْرُوْا فِي الْاَرْضِ فَتَكُوْنَ لَهُمْ قُلُوْبٌ

و بسا کوشک بلند افراخته آیا پس سیر نکردند در زمین پس بود مر ایشان را دلها که

يَّعْقِلُوْنَ بِهَا اَوْ اٰذَانٌ يَّسْمَعُوْنَ بِهَا فَاِنَّهَا لَا تَعْمَى الْاَبْصَارُ

در می یابند بسبب آنها یا گوشها میشنوند بآن گوشها پس قصه این است که کور نیست چشمهاشان

وَلٰكِنْ تَعْمَى الْقُلُوْبُ الَّتِيْ فِي الصُّدُوْرِ ۞ وَيَسْتَعْجِلُوْنَكَ

و لیکن کور است دلهای ایشان که در سینه هاست و طلب تعجیل میکنند از

بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُّخْلِفَ اللّٰهُ وَعْدَهٗ وَاِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ

کفار بنزول عذاب و هرگز خلاف نکند خدا وعده خود را و بدرستی که روزی از روزها نزد پروردگار تو

كَاَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّوْنَ ۞ وَكَاَيِّنْ مِّنْ قَرْيَةٍ اَمْلَيْتُ لَهَا

مانند هزار سال است از آنچه می شمارید و چند از اهل دیهها که مهلت دادیم آنها را

وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ اَخَذْتُهَا وَاِلَيَّ الْمَصِيْرُ ۞ قُلْ يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ اِنَّمَآ

و ایشان ستمکار بودند پس گرفتیم ایشان را بعذاب و بسوی منست بازگشت بگوای مردمان جز این نیست

اَنَا لَكُمْ نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ۞ فَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ

که منم مر شما را بیم کننده ظاهر پس آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته مر ایشان راست



مغفرة

مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۞ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ
آمرزش و روزی بزرگوار و آنانکه سعی کردند در ابطال آیات در حالی که زعم ایشان

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ۞ وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ وَلَا
آن بود که اگر و بیهند باز دارند و ایشان اهل دوزخ و نفرستادیم ما پیش از تو هیچ رسولی و نه هیچ

نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّىٰ أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي
پیغمبری مگر آنکه چون تلاوت کرد افکند شیطان در وقت تلاوت او پس باطل کرد خدا آنچه می افکند

الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۞ لِيَجْعَلَ
شیطان پس محکم میکند خدا آیات خود را و خدا دانای درست کار است تا بگرداند

مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ
آنچه القا میکند شیطان آزمایشی برای آنانکه در دلهای ایشان مرضی و مر آنان را که سخت است

قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ۞ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا
دلهای ایشان و بدرستی که ستمکاران هر آینه در خلافی دور اند و برای آنست که بدانند آنانکه داده شده

الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ
علم بدرستیکه قرآن حق است از پروردگار تو پس گرویدند بقرآن پس نرم شود بقرآن دلهای ایشان و بدرستی که خدا

لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۞ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا
هر آینه راه نماینده آنهایی است که گرویدند بسوی راه راست و زایل نباشند آنانکه کافر شدند

فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابُ يَوْمٍ
در شک از قرآن تا بیاید ایشان را قیامت ناگهان یا بیاید ایشان را عذاب روز

عَقِيمٍ ۞ الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
نازاینده پادشاهی در آن روز مر خدا راست حکم میکند میان ایشان پس کسانی که گرویدند و کردند

الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۞ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
کارهای شایسته در بوستانهای پر نعمت اند و آنانکه کافر شدند و تکذیب کردند آیات ما را

فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۞ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
پس آن گروه مر ایشانراست عذاب خوار کننده و آنانکه هجرت کردند در راه دین خدا

سید مرتضی رضی الله عنه فرموده که تمنی احتمال دارد که بمعنی تلاوت باشد و خلاصه مضمون آیه اینکه هر پیغمبری که پیش از تو بوده چنین بوده که چون تلاوت نمود آنچه مامور بود برسانیدن آن بقوم خود ایشان تحریف آن نمودند بزیادت و کم میکردند چنانچه یهود کردند و نسبت آن تحریف بشیطان بعلت آنست که بفریب و وسوسه شد پس خدا تعالی آن تحریف را نسخ و زایل کرد و هیچ اثر بر این غرض این سخن تسلی دادن رسول آخر الزمان بر آنچه مشرکان میکردند تکذیب آنحضرت و زیاد کردن مدح خدایان خود در آنچه آنحضرت تلاوت نمود و قسم دوم که تمنی در لغت عرب بمعنی تلاوت آمده چنانچه حسان بن ثابت گفته تمنی کتاب الله اول لیله و آخره لاقی حمام المقادر و اگر مراد از تمنی تمنای دل باشد توجیه کلام آنست که رسولی هر گاه در دل آرزوی بعضی از چیزها کند شیطان او را وسوسه نمود و باطل میخواند و خدا تعالی ایشان را در راه نمائی خود او را از ریب او باز میدارد و بقول بعضی از مفسرین اهل سنت تمنی علی کرده گفته اند که مراد آنست که رسول هر گاه در دل خود قصد کاری و نیت در کار کند شیطان در خواهش او تصرف کند و او را مشغول مباحات دنیوی گرداند چنانچه بیضاوی گفته و بقول بعضی از ایشان آنحضرت چون امیدش تمام در کلام الله است در ایام قریش چون سوره والنجم ایشان میخواندند و بآن آیه رسیدند و مناة الثالثة الاخری شیطان او را وسوسه نمود بحدی که سهواً از زبان مبارکش جست که تلک الغرانیق العلی و ان شفاعتهن لترتجی مشرکان از استماع این سخن

ثُمَّ قُتِلُوا اَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللّٰهُ رِزْقًا حَسَنًا وَاِنَّ اللّٰهَ لَهُوَ خَيْرُ
پس کشته شدند یا مردند هر آینه روزی دهد ایشانرا خدا روزی نیکو و بدرستی که خدا اوست بهترین
الرّٰازِقِينَ ۝ لَيُدْخِلَنَّهُمْ مُدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَاِنَّ اللّٰهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ
روزی دهندگان هر آینه در آورد ایشانرا در آوردنی که راضی شوند و بدرستی که خدا هر آینه دانا بردبار است
ذٰلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ
این امر خدا است و هر که عقوبت کند بمانند آنچه عقوبت کرده شود بآن پس ستم کرده شود برو هر آینه نصرت دهد
اللّٰهُ اِنَّ اللّٰهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ ۝ ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ
خدا بدرستی که خدا هر آینه درگذرنده آمرزنده است این قدرت بسبب آنست که خدا در آورد شب را در روز
وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَاَنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۝ ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ
و در آورد روز را در شب و بدرستی که خدا شنوا بیناست این نصرت بسبب آنست که خدا
هُوَ الْحَقُّ وَاَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ
اوست ثابت و آنست که آنچه میخوانند بجز از خدا اوست باطل و بدرستی که خدا اوست
الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ۝ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ
برتر بزرگوار آیا ندیدی که خدا فرستاد از آسمان آبی پس گشت
الْاَرْضُ مُخْضَرَّةً اِنَّ اللّٰهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي
زمین سبز و خرم بدرستی که خدا لطف کننده آگاه است مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در
الْاَرْضِ وَاِنَّ اللّٰهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا
زمینست و بدرستی که خدا اوست بی نیاز ستوده آیا ندیدی بدرستی که خدا رام کرد برای شما آنچه
فِي الْاَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِاَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ اَنْ
در زمینست و رام کرد کشتی را که میرود در دریا بامر خدا و نگاه دارد آسمانرا اینکه
تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلَّا بِاِذْنِهِ اِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝
بیفتد بر زمین مگر بفرمان او بدرستی که خدا بمردمان مهربان بخشاینده است
وَهُوَ الَّذِي اَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَكَفُورٌ
و اوست آنخدائی که زنده کرد شما را پس میمیراند شما را پس زنده میکند شما را بدرستی که آدمی ناسپاس است

نهایت مسرور شده همگی بسجده افتادند و نماند کسی در مسجد از مومنان و مشرکان مگر آنکه سجده نمود پس جبرئیل آنحضرت را از آنحال آگاه نموده نهایت غمگین شد پس بجهة تسلی او این آیه آمد و گروهی از ایشان تنزیل نموده گفته اند که شیطان بعد از تلاوت آنحضرت آیات را که مذکور شد و از نجم ملک القرانیق را تا آخر خواند بروشنی که مردمان بردند که آنحضرت خوانده متبرجم گوید حاشا و معاذ الله که شیطان رجیم را راهی در دل و زبان پیغمبران باشد و دخلی در کار ایشان کند بلکه ظاهر آنست که سخن مذکور از ملک القرانیق تا آخر از مفتریات قریش بوده که بجهة معارضه قرآن ساخته و در صحیفه معاونت شیاطین جن و انس آن سخنها انجامیده و گویا مراد از آیه کریمه آنست که هیچ پیغمبری پیش از تو نفرستادیم مگر که هرگاه تمنای کاری و تدبیر چاره میکرد برای ترویج دین شیطان رجیم حیله میکرد که تا امر او بعمل نیاید و قومش بر ضلالت باقی باشند و غرض تسلی پیغمبر است بر مخالفت مشرکان والله اعلم

لكل امة جعلنا منسكا هم ناسكوه فلا ينازعنك في الامر

مر همه گروهی را گردانیدیم دینی و متعبدی که ایشان پذیرنده آن بودند پس باید نزاع نکنند تو در امر

وادع الى ربك انك لعلى هدى مستقيم وان جادلوك

و بخوان مردم را بسوی پروردگار خود بدرستی که تو هر آینه بر راه راستی و اگر جدال کنند با تو

فقل الله اعلم بما تعملون الله يحكم بينكم يوم القيمة فيما

پس بگو خدا داناتر است بآنچه میکنید خدا حکم میکند میان شما روز قیامت در آنچه

كنتم فيه تختلفون الم تعلم ان الله يعلم ما في السماء و

هستید در آن اختلاف می کنید آیا ندیده آنرا که خدا میداند آنچه در آسمان و

الارض ان ذلك في كتاب ان ذلك على الله يسير ويعبدون

زمین است بدرستی که همه آنها در کتاب نوشته شده بدرستی که علم بر همه اشیا بر خدا آسانست و میپرستند

من دون الله ما لم ينزل به سلطانا وما ليس لهم به علم وما

بجز از خدا چیزی که فرستاده نشد بپرستش آن حجتی و برهانی و آنچیزی را که نیست مر ایشان را بآن علمی و نیست

للظالمين من نصير واذا تتلى عليهم اياتنا بينات تعرف

مر ستمکاران را هیچ یاری کننده و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما که روشنند میشناسی

في وجوه الذين كفروا المنكر يكادون يسطون بالذين

در روی آنها که کافر شدند انکار را نزدیک باشند که بر جهند و بگیرند آنها را که

يتلون عليهم اياتنا قل افانبئكم بشر من ذلكم النار وعدها

میخوانند بر ایشان آیات ما را بگو آیا پس خبر دهم شما را ببدتر از این که میگویید آن آتشست که وعده کرد

الله الذين كفروا وبئس المصير يا ايها الناس ضرب

آنرا خدا آنها را که کافر شدند و بد موضع بازگشتنست دوزخ ای مردمان زده شد

مثل فاستمعوا له ان الذين تدعون من دون الله لن يخلقوا

مثلی در پرستش شما بتان را پس بشنوید آنرا و این است آنها که میخوانند بتان را از غیر خدا هرگز نیافرینند

ذبابا ولو اجتمعوا له وان يسلبهم الذباب شيئا لا يستنقذوه

مگسی را با وجود خوردی و اگرچه اجتماع کنند برای آفریدن و اگر برباید از بتان مگس چیزی را نتوانند خلاص کرد آنرا



مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ ۝ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ

از مگس سست است جوینده ونیز مگس ضعیف است مطلوب که نباشد در دفع آن تعظیم نکردند کفار خدا را حق تعظیم کردن

إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝ اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ

بدرستی که خدا هر آینه توانای غالبست خدا برمیگزیند از فرشتگان پیغمبران واز مردمان پیغمبران

إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۝ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ

بدرستی که خدا شنوای بیناست میداند خدا آنچه پیش روی آدمیانست و آنچه پس ایشانست و بسوی خدا

تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا

بازگردانیده شود کارها ای آنانکه گرویده اید رکوع کنید و سجود کنید و بپرستید

رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ

پروردگار خود را و بکنید نیکوئی را شاید شما رستگار شوید و جهاد کنید در راه دین خدا حق

جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ

جهاد کردن او حق سبحانه برگزید شما را و نساخت بر شما از امور دین هیچ تنگی

مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا

بلکه وسیع گردانید چون توسعه دین پدر شما ابراهیم او نام نهاد شما را مسلمانان پیش از قرآن و در قرآن نیز

لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا

تا باشد پیغمبر شما گواه بر شما بقبول دعوت و باشید شما گواهان بر مردمان پس بپای دارید

الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى

نماز را و بدهید زکوة را و چنگ در زنید بفضل خدا اوست متولی کار شما پس نیکو خداوندیست او

وَنِعْمَ النَّصِيرُ

و نیکو یاری دهنده

سورة المؤمنون مائة ثمانية عشر آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ۝ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ۝ وَ

بتحقیق رستگار شدند مومنان کسانی که ایشان در نماز خود فروتنی کنندگانند



از نبی صلی الله علیه و سلم مرویست که هر که سوره مومنون را بخواند حق تعالی خاتمه امور او را بسعادت مقرون کند و هر که در هر جمعه و شب جمعه تلاوت این سوره مداومت نماید جایگاه منزل او با پیغمبران مرسل در فردوس و خاتم پیغمبران ارجمند شود

الذينهم

الذين هم عن اللغو معرضون ۝ والذين هم للزكوة فاعلون ۝ و

آنانکه ایشان از بیهوده روگردانندگانند ۝ و ایشان که مر زکوة را کنندگانند

الذين هم لفروجهم حافظون ۝ الا على ازواجهم او ما ملكت

و کسانی که ایشان مر عورت خود را نگاه دارندگانند از مباشرت حرام مگر بر زنان حلال خود یا بر آنکه مالک شده

ايمانهم فانهم غير ملومين ۝ فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك هم

دستهای ایشان یعنی کنیزان پس ایشان ملامت کرده شدگان نیستند پس هر که جوید بیرون از این مباشرت غیر زنان و کنیزان خود پس

العادون ۝ والذين هم لاماناتهم وعهدهم راعون ۝ والذين هم

آنگروه ایشان درگذرندگانند و آنانکه ایشان مر امانتهای خود و عهدهای خود را رعایت کنندگانند و آنانکه

على صلواتهم يحافظون ۝ اولئك هم الوارثون ۝ الذين يرثون

بر نمازهای خود محافظت می کنند آن گروه ایشان میراث برندگانند آنانکه میراث برند

الفردوس هم فيها خالدون ۝ ولقد خلقنا الانسان من

فردوس را ایشان در آن جاوید مانندگانند و بتحقیق که آفریدیم آدمی را از

سلالة من طين ۝ ثم جعلناه نطفة في قرار مكين ۝ ثم خلقنا

خلاصه بیرون شده از گل پس گردانیدیم نسل آدم را از نطفه قرار گرفته در قرارگاه استوار پس گردانیدیم

النطفة علقة فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة

آن نطفه سفید را خون سرخ پس آفریدیم آن خون سرخ را پاره گوشت خاییده شده پس آفریدیم آن گوشت را

عظاما فكسونا العظام لحما ثم انشاناه خلقا اخر فتبارك الله

استخوان پس پوشانیدیم آن استخوانها را گوشت پس آفریدیم او را آفریدنی دیگر پس بزرگست خدا

احسن الخالقين ۝ ثم انكم بعد ذلك لميتون ۝ ثم انكم

که بهترین آفرینندگانست پس بدرستی که شما بعد از خلق اعضا هر آینه میرندگانید پس بدرستی که شما

يوم القيمة تبعثون ۝ ولقد خلقنا فوقكم سبع طرائق وما كنا

روز قیامت برانگیخته می شوید و بتحقیق که آفریدیم بالای شما هفت آسمان را که طریقهاست و نبودیم

عن الخلق غافلين ۝ وانزلنا من السماء ماء بقدر فاسكناه

ما از خلق بیخبران و فرو فرستادیم از آسمان آبی باندازه پس ساکن گردانیدیم آب را

مراد
از لغو هر قول و فعل
و صوت حرام و بی فایده است و در بعضی
از اخبار اهل بیت علیهم السلام تفسیر بغنا و ملاهی
شده و از حضرت صلوات الله علیه منقول است
که اعراض از لغو آنست که هر گاه کسی با تو سخن
کند باطل بگوید که اعراض نمایی بلکه از وی روی گردانی
و در صدد انتقام او
در نیایی

متعه
داخل است در ازواج
لغة و عرفا پس آیه دلالت ممکن
بر حرمت متعه یا باعتبار حصر زنان حلال
بر ازواج و ملک یمین چه زوجه خصیصا معقوده
بعقد دوام ندارد بلکه معقوده مطلق است خواه
بعقد دوام باشد یا عقد منقطع و صاحب کشاف
هم گفته این آیه دلالت میکند بر حرمت متعه
هر گاه نکاح صحیح باشد او هم داخل ازواج است
پس استدلال بعضی از عامه باین آیه بر حرمت
نکاح متعه بی صورت است و صحت نکاح متعه
پیش از این در آیه متعه مذکور
شد

فِی الْاَرْضِ وَاِنَّا عَلٰی ذَهَابٍ بِهٖ لَقَادِرُوْنَ ۝ فَاَنْشَاْنَا لَكُمْ بِهٖ

در زمین و بدرستیکه ما بر بردن آن آب هر آینه قادریم پس بیافریدیم برای شما بان آب

جَنّٰتٍ مِّنْ نَّخِیْلٍ وَّاَعْنَابٍ لَكُمْ فِیْهَا فَوَاكِهُ كَثِیْرَةٌ وَّمِنْهَا

بوستانها از خرماستان و انگورستان برای شما در آنها میوه‌های بسیار است و از آن میوه‌ها

تَاْكُلُوْنَ ۝ وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُوْرِ سَیْنَآءَ تَنْۢبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ

میخورند و درختی که بیرون می آید از کوه طور سینا از زیتون میرویید بروغن و نان خورش

لِّلْاٰكِلِیْنَ ۝ وَاِنَّ لَكُمْ فِی الْاَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِیْكُمْ مِّمَّا فِیْ بُطُوْنِهَا

مرخورندگان را و بدرستی مر شمار است در چهارپایان چیزیکه اعتبار گیریدی آشامیم شمارا از آنچه در شکمهای ایشانست

وَلَكُمْ فِیْهَا مَنَافِعُ كَثِیْرَةٌ وَّمِنْهَا تَاْكُلُوْنَ ۝ وَعَلَیْهَا وَعَلَی الْفُلْكِ

و مر شمار است در انعام منفعتهای بسیار و از آن میخورند و بر این انعام و بر کشتی

تُحْمَلُوْنَ ۝ وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوْحًا اِلٰی قَوْمِهٖ فَقَالَ یٰقَوْمِ اعْبُدُوا

برداشته میشوید و بتحقیق فرستادیم نوح را بسوی قوم خود پس گفت ای قوم بپرستید

اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَیْرُهٗ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ ۝ فَقَالَ الْمَلَؤُا الَّذِیْنَ كَفَرُوْا

خدا را نیست مر شما را هیچ خدائی غیر خدای بحق آیا پس پرهیز نمی کنید پس گفتند اشراف قوم آنانکه کافر شدند

مِنْ قَوْمِهٖ مَا هٰذَآ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ یُرِیْدُ اَنْ یَّتَفَضَّلَ عَلَیْكُمْ

از قوم نوح نیست این مرد مگر آدمی مانند شما میخواهد آنکه تفضل کند بر شما

وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَاَنْزَلَ مَلٰٓئِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهٰذَا فِیْٓ اٰبَآئِنَا الْاَوَّلِیْنَ

و اگر خواستی خدا هر آینه فرستادی فرشتگان را نشنیدیم اینکه آدم پیغمبر باشد در میان پدران پیشینیان

اِنْ هُوَ اِلَّا رَجُلٌ بِهٖ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوْا بِهٖ حَتّٰی حِیْنٍ ۝ قَالَ رَبِّ

نیست این مگر مردی که با او دیوانگی است پس انتظار برید باو تا وقت مردن گفت پروردگارا

انْصُرْنِیْ بِمَا كَذَّبُوْنِ ۝ فَاَوْحَیْنَآ اِلَیْهِ اَنِ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِاَعْیُنِنَا

یاری ده مرا بسبب آنچه تکذیب کردند پس وحی کردیم ما بسوی او آنکه بساز کشتی را بمحافظت ما

وَوَحْیِنَا فَاِذَا جَآءَ اَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّوْرُ فَاسْلُكْ فِیْهَا مِنْ كُلٍّ

و بتعلیم ما پس چون بیاید امر ما و بجوشد تنور پس درآور در کشتی از هر

طور

کوهی است مابین مصر و ایله و بقولی در فلسطین و آنرا طور سینا بکسر سین و فتح آن و طور سینین گویند باعتبار وقوع آن کوه در سینا یا در سینین که نام آن سرزمین میباشد

نان خورش را از آن صبغ گویند که نان را رنگین میکند

زوجين اثنين واهلك الا من سبق عليه القول منهم ولا

ازن جح گفتار عذاب از اهل تو که ۝ پیشی گرفته بر او مگر آنکه اهل خود را و داخل ساز از حیوانات و وصف

تخاطبني في الذين ظلموا انهم مغرقون ۝ فاذا استويت انت

تو ۝ پس چون راست نشینی غرق شده گانند ایشان بدرستی که ستم کردند در آنانکه پس تماس مکن مرا با خطاب و بود

ومن معك على الفلك فقل الحمد لله الذي نجىنا من القوم

گروه از مارا رهانید آنکه خدا را سپاس و حمد بگو پس ۝ کشتی بر ۝ با تست که هر و

الظالمين ۝ وقل رب انزلني منزلا مباركا وانت خير المنزلين

زندگانی فرود آورنده بهترین و تو با برکت فرود آوردنی مرا فرود آور پروردگارا بگو و ۝ ستمکاران

ان في ذلك لايات وان كنا لمبتلين ۝ ثم انشانا من

آفریدیم ما پس فرستادیم پس بزرگ بلای بدان رسانندگان ما بودیم که بدرستی و علامتهاست هر آینه این ۝ در بدرستیکه

بعدهم قرنا اخرين ۝ فارسلنا فيهم رسولا منهم ان اعبدوا

بپرستید آنکه ایشان از پیغمبری ایشان در ما فرستادیم پس ۝ دیگر گروهی ایشان از بعد

الله ما لكم من اله غيره افلا تتقون ۝ وقال الملا من قومه الذين

آنانکه هود قوم از اشراف وگفتند ۝ پرهیز می کنید پس آیا بجز خدا خدایی هیچ شما را نیست خدا را

كفروا وكذبوا بلقاء الاخرة واترفناهم في الحيوة الدنيا

دنیا زندگانی در ایشان را دادیم بسیار ونعمت قیامت برسیدن وتکذیب کردند ۝ کافر شدند

ما هذا الا بشر مثلكم ياكل مما تاكلون ۝ منه ويشرب

آشامد می و ازاو ۝ میخورید شما آنچه از میخورد ۝ شما مانند ۝ آدمی مگر هود این نیست

مما تشربون ۝ ولئن اطعتم بشرا مثلكم انكم اذا لخاسرون

باشید زیانکار آن وقت شما که بدرستی ۝ خود مانند آدمی را کنید اطاعت اگر و ۝ آشامید می شما آنچه از

ايعدكم انكم اذا متم وكنتم ترابا وعظاما انكم مخرجون

آیا وعده کرد شما را بدرستی که شما چون بمیرید و باشید شما خاک و استخوان بدرستیکه شما بیرون آورده شوید

هيهات هيهات لما توعدون ۝ ان هي الا حياتنا الدنيا

دنیا زندگانی مگر این نیست ۝ شما وعده داده میشوید آنچه دور است دور است



نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ۝ إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ

می‌میریم و زنده می‌شویم و نیستیم ما برانگیخته شدگان نیست این مگر مردی که افترا کرد بر خدا

كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ۝ قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ۝ قَالَ

دروغی و نیستیم ما مر او را باور دارندگان گفت پروردگارا یاری ده مرا بسبب آنچه تکذیب کردند گفت

عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ ۝ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ

خدا بعد از اندک زمانی هرآینه گردند گذران پشیمانان پس گرفت ایشان را فریاد جبرئیل بوجهی ثابت پس گردانیدیم

غُثَاءً فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا

ایشان را چون خاشاک آب آورده پس دوریست از رحمت مر گروه ستمکاران را پس آفریدیم از بعد ایشان قرنهای

آخَرِينَ ۝ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ۝ ثُمَّ

دیگر پیشی نتوانست گرفت هیچ گروهی در وقت عذاب و باز پس نمانند از آن پس

أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَا كُلَّمَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَأَتْبَعْنَا

فرستادیم ما پیغمبران را که پی در پی بودند هرگاه آمدی قومی را پیغمبر ایشان تکذیب کردند او را پس از پی درآوردیم

بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ۝

پاره ایشان را بپاره و ساختیم ایشان را سخنان یعنی حکایتی ماند از ایشان پس دوریست از رحمت گروهی را که نمی‌گروند

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ ۝ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝

پس فرستادیم موسی و برادر او را هارون با معجزات نه گانه و حجتی ظاهر که عصا بود

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ ۝ فَقَالُوا

بسوی فرعون و اشراف قوم او پس تکبر کردند از قبول ایمان و بودند گروهی گردنکشان پس گفتند

أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ ۝ فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا

آیا ایمان آریم مابدو آدمی مانند خود مان و حال آنکه قوم ایشان مر ما را بندگانند پس تکذیب کردند ایشان را پس بودند

مِنَ الْمُهْلَكِينَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

از هلاک شدگان و بحقیق که دادیم ما موسی را کتاب شاید ایشان راه یافته شدگان باشند

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ

و گردانیدیم پسر مریم و مادر او مریم را علامتی و جای دادیم ایشان را به بلندی در بیت المقدس که صاحب قرار بود

مذکور شد که جبرئیل علیه السلام نعره کشید که از هیبت آن قوم صالح همگی مردند از کوچک و بزرگ و زن و مرد

ومعين ۝ يا ايها الرسل كلوا من الطيبات واعملوا صالحا
اني بما تعملون عليم ۝ وان هذه امتكم امة واحدة وانا ربكم
فاتقون ۝ فتقطعوا امرهم بينهم زبرا كل حزب بما لديهم
فرحون ۝ فذرهم في غمرتهم حتى حين ۝ ايحسبون انما نمدهم
به من مال وبنين ۝ نسارع لهم في الخيرات بل لا يشعرون
ان الذين هم من خشية ربهم مشفقون ۝ والذين هم بايات
ربهم يؤمنون ۝ والذين هم بربهم لا يشركون ۝ والذين يؤتون
ما اتوا وقلوبهم وجلة انهم الى ربهم راجعون ۝ اولئك
يسارعون في الخيرات وهم لها سابقون ۝ ولا نكلف نفسا
الا وسعها ولدينا كتاب ينطق بالحق وهم لا يظلمون ۝ بل
قلوبهم في غمرة من هذا ولهم اعمال من دون ذلك هم
لها عاملون ۝ حتى اذا اخذنا مترفيهم بالعذاب اذا هم يجارون

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که رسول خدا فرمود که خدا تعالی میفرماید که بنده مومن من محزون میشود در هرگاه بروی تنگ کردم از این دنیا چیزی را و حال آنکه آن موجب قرب اوست بدرگاه من و شادی میشد هرگاه فراخ کردم نعمتهای دنیا را و حال آنکه آن باعث دوری اوست از درگاه من پس آنحضرت این آیه را تلاوت فرمود

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که مراد آنست که دلهای ایشان خایف است از آنکه آن عطای ایشان پذیرفته نگردد و بنا بر این مضمون آیه اینست که میترسند که کردهای ایشان ... برای آنکه میدانند که بازگشت خواهند کرد بسوی پروردگار خود و ... هم چنین گفته

لا تجأروا اليوم انكم منا لا تنصرون قد كانت اياتي تتلى

عليكم فكنتم على اعقابكم تنكصون مستكبرين به

سامرا تهجرون افلم يدبروا القول ام جاءهم ما لم يات اباءهم

الاولين ام لم يعرفوا رسولهم فهم له منكرون ام يقولون

به جنة بل جاءهم بالحق واكثرهم للحق كارهون ولو

اتبع الحق اهواءهم لفسدت السموات والارض ومن فيهن

بل اتيناهم بذكرهم فهم عن ذكرهم معرضون ام تسئلهم

خرجا فخراج ربك خير وهو خير الرازقين وانك لتدعوهم

الى صراط مستقيم وان الذين لا يؤمنون بالاخرة عن الصراط

لناكبون ولو رحمناهم وكشفنا ما بهم من ضر للجوا في طغيانهم

يعمهون ولقد اخذناهم بالعذاب فما استكانوا لربهم

وما يتضرعون حتى اذا فتحنا عليهم بابا ذا عذاب شديد



إذا هم فيه مبلسون ۝ وهو الذي أنشأ لكم السمع والأبصار

ناگاه ایشان در آن نا امید بوده اند ۝ و اوست آنکه آفرید برای شما گوش و چشمها

والأفئدة قليلا ما تشكرون ۝ وهو الذي ذرأكم في الأرض

و دلها اندکی را شکر میکنید شما ۝ و اوست آنکه آفرید شما را در زمین

وإليه تحشرون ۝ وهو الذي يحيي ويميت وله اختلاف

و بسوی او جمع کرده شوید ۝ و اوست آنکه زنده میکند و میمیراند و مر او راست آمد و شد

الليل والنهار أفلا تعقلون ۝ بل قالوا مثل ما قال الأولون

شب و روز آیا پس تعقل نمی کنند ۝ بلکه گفتند مانند آنچه گفتند پیشینیان

قالوا أإذا متنا وكنا ترابا وعظاما أإنا لمبعوثون ۝ لقد وعدنا

گفتند آیا چون میریم ما و باشیم ما خاک و استخوانها آیا برانگیخته شدگانیم ۝ بتحقیق که وعده داده

نحن وآباؤنا هذا من قبل إن هذا إلا أساطير الأولين ۝ قل

شدیم ما و پدران ما این سخن را پیش از آمدن محمد نیست این مگر افسانهای پیشینیان ۝ یا محمد بگو

لمن الأرض ومن فيها إن كنتم تعلمون ۝ سيقولون لله قل

از کیست زمین و هر که در آنست اگر هستید که میدانید ۝ زود باشد که بگویند که مر خدا راست

أفلا تذكرون ۝ قل من رب السموات السبع ورب العرش

آیا پس پند نمیگیرید ۝ یا محمد بگو کیست پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش

العظيم ۝ سيقولون لله قل أفلا تتقون ۝ قل من بيده ملكوت

بزرگ ۝ زود باشد که بگویند مر خدا را بگو آیا پس چرا نمی پرهیزید ۝ بگو یا محمد کیست بدست اوست پادشاهی

كل شيء وهو يجير ولا يجار عليه إن كنتم تعلمون ۝ سيقولون

هر چیز و او زنهار دهد و فریاد رسد و زنهار داده نشود او را اگر هستید که میدانید ۝ زود باشد که بگویند

لله قل فأنى تسحرون ۝ بل أتيناهم بالحق وإنهم لكاذبون ۝

برای خدا بگو پس چرا فریب خورده میشوید ۝ بلکه آوردیم ایشان را درست و بدرستیکه ایشان هر آینه دروغگویانند

ما اتخذ الله من ولد وما كان معه من إله إذا لذهب كل إله

فرا نگرفت خدا هیچ فرزندی و نیست با او هیچ خدائی چون خدای دیگر بودی هر آینه بردی هر خدائی



بما خلق ولعلا بعضهم على بعض سبحان الله عما يصفون عالم
آنچه آفریده بودی و هرآینه برتری جستندی پاره‌ای از ایشان بر دیگری پاکست خدا از آنچه وصف میکنند دانای

الغيب والشهادة فتعالى عما يشركون قل رب اما تريني ما
نهان و آشکار است پس برتر و بزرگوار است از آنچه شریک می‌آرند بگو پروردگارا اگر بنمایی مرا آنچه

يوعدون رب فلا تجعلني في القوم الظالمين وانا على
وعده کرده شده‌اند بعذاب پروردگارا پس مگردان مرا در گروه ستمکاران و بدرستی که ما بر

ان نريك ما نعدهم لقادرون ادفع بالتي هي احسن السيئة
آنکه بنمایم بتو آنچه وعده میدهیم ایشان را هر آینه توانیم دفع کن بخصلتی که آن خصلت نیکوترست خصلت بد را

نحن اعلم بما يصفون وقل رب اعوذ بك من همزات الشياطين
ما دانا تریم بآنچه وصف میکنند و بگو پروردگارا پناه میبرم بتو از وسوسه‌های شیاطین

واعوذ بك رب ان يحضرون حتى اذا جاء احدهم الموت
و پناه میبرم پروردگارا بتو از آنکه حاضر شوند دیوان نزد من تا هنگامیکه بیاید یکی از ایشان را مرگ

قال رب ارجعون لعلي اعمل صالحا فيما تركت كلا انها
گفت پروردگارا بازگردان مرا شاید من بکنم کار شایسته در آنچه ترک کردم حاشا که او را بازگرداند

كلمة هو قائلها ومن ورائهم برزخ الى يوم يبعثون فاذا
بدرستیکه او کلمه ایست میگوید و اثر ندارد و از پس ایشان مانعیست که نتوانند بدنیا آمد تا روز که برانگیخته میشوند پس چون

نفخ في الصور فلا انساب بينهم يومئذ ولا يتساءلون
دمیده شود در صور پس نسبتها نباشد میان ایشان آن روز یعنی خویشی نفعی ندارد و نپرسند یکدیگر از حال هم

فمن ثقلت موازينه فاولئك هم المفلحون ومن خفت
پس هر که گران باشد ترازوی او پس آن گروه آنانند رستگاران و هر که سبک باشد

موازينه فاولئك الذين خسروا انفسهم في جهنم خالدون
ترازوی کردار او پس آن گروه آنانند که زیان کردند بنفسهای خود در دوزخ جاوید ماندگانند

تلفح وجوههم النار وهم فيها كالحون الم تكن اياتي تتلى
بسوزاند روهای ایشان را آتش و ایشان در آتش زشت رویانند آیا نبود آیات من که خوانده میشد

اما مرکبست از ان شرطیه و ما زائده کافه بعلت ما نون تاکید در فعل شرط در آمده و فلا تجعلنی جزای شرطست و تصدیر هر یک از شرط و جزا بندای پروردگار برای کمال تضرع و خشوع است حاصل مضمون اینکه اگر البته عذاب موعود خواهی فرستاد بر مشرکان پس مرا از میان ایشان بیرون کن که عذاب بمن نرسد

مراد از خصلت نیکوتر کلمه توحید و از سیئه کلمه شرکست و بقولی اول امر بمعروف و ثانی نهی از منکر است و بقولی دیگر اول خصلت عفو و احسان و ثانی مواخذه خلق بدی که از ایشان صادر شود والله تعالی اعلم

علیکم

عليكم فكنتم بها تكذبون ۝ قالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا
بر شما پس بودید شما باین آیات که تکذیب میکردید ۝ گویند ای پروردگار ما غالب شد بر ما بدبختی ما
وكنا قوما ضالين ۝ ربنا اخرجنا منها فان عدنا فانا ظالمون
و بودیم ما گروهی گمراهان ۝ پروردگار ما بیرون آر ما را از آتش پس اگر باز گردیم ما پس هر آینه ستمکاریم
قال اخسؤا فيها ولا تكلمون ۝ انه كان فريق من عبادي
گوید خدا خاموش باشید در آتش و حرف مزنید ۝ هر آینه شان اینست که بودند گروهی از بندگان من
يقولون ربنا امنا فاغفر لنا وارحمنا وانت خير الراحمين ۝
که میگویند ای پروردگار ما ایمان آوردیم پس بیامرز ما را و ببخش ما را و توئی بهترین رحم کنندگان ۝
فاتخذتموهم سخريا حتى انسوكم ذكري وكنتم منهم تضحكون
پس فرا گرفتید مومنان را بر سخریه تا آنکه فراموش گردید یاد کردن مرا و بودید شما با ایشان خنده میکردید
اني جزيتهم اليوم بما صبروا انهم هم الفائزون ۝ قال كم
بدرستی که من جزا دادیم ایشان را امروز بانچه صبر کردند بدرستی که ایشانند رستگاران ۝ گفت خدا چند
لبثتم في الارض عدد سنين ۝ قالوا لبثنا يوما او بعض يوم
درنگ کردید در زمین از روی شمار سالها ۝ گفتند درنگ کردیم ما روزی یا بعضی از یک روز
فاسئل العادين ۝ قال ان لبثتم الا قليلا لو انكم كنتم
پس بپرس از شمار کنندگان ۝ گفت خدا درنگ نکردید مگر اندکی اگر آنکه شما میدانستید
تعلمون ۝ افحسبتم انما خلقناكم عبثا وانكم الينا لا ترجعون
که میدانستید ۝ آیا پس پنداشتید آنکه آفریدیم ما شما را از روی بازی و آنکه شما بسوی ما باز گردیده نشوید
فتعالى الله الملك الحق لا اله الا هو رب العرش الكريم ۝
پس برتر است خدا پادشاه سزاوار نیست هیچ معبودی مگر او که پروردگار عرش بزرگ است
ومن يدع مع الله الها اخر لا برهان له به فانما حسابه عند
و هر که بخواند با خدای خدای دیگر هیچ حجتی نیست مر او را بپرستش خدایان پس جز این نیست که حساب او نزد
ربه لا يفلح الكافرون ۝ وقل رب اغفر وارحم وانت
پروردگار اوست رستگار نمیشوند کافران ۝ و بگو یا محمد پروردگار من بیامرز و رحم کن مرا و تو

خير الراحمين

بهترین رحم کنندگانی

سورة النور اربع وستون آية مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

سورة انزلناها وفرضناها وانزلنا فيها آيات بينات لعلكم

این سوره ایست که فرو فرستادیم آنرا و فرض گردیم احکام این سوره را و فرستادیم در آن آیتهای روشن شاید شما

تذكرون ۝ الزانية والزاني فاجلدوا كل واحد منهما

پند گیرید ۝ آنست که زن زناکار و مرد زناکار را پس بزنید هر یک از این دو را

مائة جلدة ولا تأخذكم بهما رأفة في دين الله ان كنتم تؤمنون

صد تازیانه و باید که فرا نگیرد شما را بایشان مهربانی در حفظ دین خدا اگر هستید که ایمان می آورید

بالله واليوم الآخر وليشهد عذابهما طائفة من المؤمنين ۝

بخدا و روز باز پسین و باید که حاضر شوند در زدن ایشان گروهی بسیار از مؤمنان تا شهرت یابد

الزاني لا ينكح الا زانية او مشركة والزانية لا ينكحها الا

مرد زناکننده نکاح نمیکند مگر زن زناکننده را یا مشرکه را ۝ و زن زناکار بنکاح نیاورد او را مگر

زان او مشرك وحرم ذلك على المؤمنين ۝ والذين يرمون

مرد زناکننده یا مرد مشرک و حرام شد این تزویج بزنا بر مؤمنان ۝ و آنانکه رمی کنند

المحصنات ثم لم يأتوا باربعة شهداء فاجلدوهم ثمانين جلدة

زنان محصنه را بزنا کردن پس نیاورند چهار گواه عادل پس بزنید ایشان را هشتاد تازیانه

ولا تقبلوا لهم شهادة ابدا واولئك هم الفاسقون ۝ الا

و قبول مکنید از آن قذف کنندگان گواهی را هرگز و آن گروه ایشانند بدکاران و گواهی ایشان نپذیرید مگر

الذين تابوا من بعد ذلك واصلحوا فان الله غفور رحيم ۝

آنانکه توبه کردند از پس این قذف و اصلاح کنند پس بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست

والذين يرمون ازواجهم ولم يكن لهم شهداء الا انفسهم

و آنانکه رمی کردند بزنا کردن زنان خود را و نباشد مر ایشان را گواهان مگر نفسهای ایشان

از ابو عبد الله علیه السلام روایتست که مالهای خود را و زنان خود را بحصار این آیات در آورید بقرائت این سوره و در هر روز یا در هر شب هر گز از اهل بیت او زنا بکاری حاصل نشود تا فوت شود چون بمیرد هفتاد هزار فرشته بجنازه او حاضر شوند و برای او دعا و استغفار نمایند تا بقبر در آید مغفور محشور گردد

از حضرات ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام مرویست که ایشان مردان و زنانی بودند مشهور بزنا در زمان رسول خدا پس حقتعالی نهی فرمود از نکاح آن مردان و زنان و امروز هم حکم چنین است که کسی که مشهور بزنا باشد یا حد زنا خورده باشد نکاح نکنید او را تا توبه اش معلوم شود و ظاهر است که نهی تنزیهی باشد نه تحریمی و آیه کریمه بنا بر این منسوخ نخواهد بود چنانچه مشهور میانه اصحاب است و بعضی از عامه گفته اند که نهی تحریمی بوده و در صدر اسلام حرام بوده و بعد از آن منسوخ شده و از عبد الله بن عباس و عبد الله بن عمر و جمعی دیگر از مفسرین منقول است که این آیه نازل

فَشَهَادَةُ اَحَدِهِمْ اَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللّٰهِ اِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ۝ وَ
الْخَامِسَةُ اَنَّ لَعْنَتَ اللّٰهِ عَلَيْهِ اِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۝ وَ
يَدْرَؤُا عَنْهَا الْعَذَابَ اَنْ تَشْهَدَ اَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللّٰهِ اِنَّهُ لَمِنَ
الْكَاذِبِينَ ۝ وَالْخَامِسَةَ اَنَّ غَضَبَ اللّٰهِ عَلَيْهَا اِنْ كَانَ مِنَ
الصَّادِقِينَ ۝ وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَاَنَّ اللّٰهَ تَوَّابٌ
حَكِيمٌ ۝ اِنَّ الَّذِينَ جَاۤءُو بِالْاِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا
لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْاِثْمِ
وَالَّذِي تَوَلّٰى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ لَوْلَا اِذْ سَمِعْتُمُوهُ
ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِاَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هٰذَا اِفْكٌ
مُبِينٌ ۝ لَوْلَا جَاۤءُو عَلَيْهِ بِاَرْبَعَةِ شُهَدَاۤءَ فَاِذْ لَمْ يَاْتُوا بِالشُّهَدَاۤءِ
فَاُولٰۤئِكَ عِنْدَ اللّٰهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ ۝ وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ
وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِيمَا اَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ

وقتیکه فرا گرفتید این سخن را بزبانهای خود و می گفتید بدهنهای خود آنچه نیست برای شما آن دانشی

وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ ۝ وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ

و گمان میبردید آنرا سهل و آن نزد خدا بزرگست و چرا وقتیکه آنرا شنیدید

قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَٰذَا سُبْحَانَكَ هَٰذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ

نگفتید نیست مارا آنکه سخن گوییم باین گفتار پاکی تو این سخنها بهتانی است بزرگ

يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ وَيُبَيِّنُ

وعظ میکند شمارا خدا که عود کنید بمثل آن هرگز تا زنده باشید اگر هستید گروندگان و بیان میکند

اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ

خدا برای شما آیتها که بدایت خدا دانای درست کار است بدرستی که آنانکه دوست میدارند آنکه

تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ

فاش شود زشتیهای زنا در شان کسانی که ایمان آوردند مرایشانراست عذاب دردناک در دنیا

الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

آخرت و خدا میداند و شما نمیدانید و اگر نه فضل خدا بودی بر شما

وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا

و رحمت او و بدرستی که خدا مهربان بخشاینده است ای آنانکه گرویدید پیروی مکنید

خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ

گامهای شیطانرا و هرکه پیروی کند گامهای شیطانرا پس بدرستی که شیطان امر

بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا

میکند بکار زشت و ناپسند و اگر نه فضل خدا بودی بر شما و رحمت او

زَكَىٰ مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ

پاک نگشتی از شما هیچکس همیشه تا آخر ولیکن خدا پاک میکند هرکرا میخواهد و خدا

سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا

شنوای داناست و باید سوگند نخورند خداوندان افزونی از شما و خداوندان فراخی آنکه دهند نفقه

ضمیر سمعتموه و جهت بالمک و خطاب بعتاب آمیز تر آنجا است که شهرت حکایت افک از ایشان پیدا شده و مراد از مؤمنین و مؤمنات همین جماعت است از باب وضع ظاهر موضع ضمیر جهت اشعار بانکه ایمان ایشان مقتضی آن بود که آنرا قبول نکنند جای آنکه بدیگری هم حکایت کنند و بشبهات آن گوشند و مراد از انفسهم آنانی اند که نسبت افک بایشان شده باعتبار آنکه مؤمنین همه کنفس واحده اند

نصف

مراد از فضل در اینجا افزونی در مال است بقرینه عطف صفت بران

اولى القربى والمساكين والمهاجرين فى سبيل الله وليعفوا
صاحبان خويشى و درويشان و مهاجران در راه خدا و بايد كه در گذرد

وليصفحوا الا تحبون ان يغفر الله لكم والله غفور رحيم
جريمه را و بايد كه روى بگرداند از انتقام آيا دوست نميداريد خدا اينكه بيامرزد مر شما را و خدا آمرزنده مهربان است

ان الذين يرمون المحصنات الغافلات المومنات لعنوا فى
بدرستى كه آنانكه رمى ميكنند زنان عفيفه را كه بيخبرند از فعل بد ايمان دارنده اند دور كرده شده اند

الدنيا والاخرة ولهم عذاب عظيم يوم تشهد عليهم
در دنيا و آخرت و مر ايشان راست عذاب بزرگ روزيكه گواهى دهد بر ايشان

السنتهم وايديهم وارجلهم بما كانوا يعملون يومئذ يوفيهم
زبانهاى ايشان و دستهاى ايشان و پاهاى ايشان آنچه بودند كه ميكردند آنروز تمام بدهد ايشان را

الله دينهم الحق ويعلمون ان الله هو الحق المبين الخبيثات
خدا دين ايشان را جزاى كه سزاوار باشد آنرا و ميدانند بدرستى كه خدا اوست ثابت بذات خود ظاهر سخنان ناپاك تمام

للخبيثين والخبيثون للخبيثات والطيبات للطيبين و
مر ناپاكان راست و پليدان شايسته پليدانند و مردان پاكيزه براى مردان پاكيزه اند و

الطيبون للطيبات اولئك مبرؤن مما يقولون لهم مغفرة
مردان پاكيزه براى زنان پاكيزه اند آن گروه مبرا هستند از آنچه ميگويند در باب ايشان مر ايشان راست آمرزش

ورزق كريم يا ايها الذين امنوا لا تدخلوا بيوتا غير
و روزى نيكو اى آنانكه ايمان آورده اند در ميائيد بخانهاى غير

بيوتكم حتى تستانسوا وتسلموا على اهلها ذلكم خير لكم
خانهاى خود تا وقتيكه اعلام كنيد و سلام كنيد بر اهل آن خانها اين استعلام شما بهتر است براى شما

لعلكم تذكرون فان لم تجدوا فيها احدا فلا تدخلوها
شايد شما پند گيريد پس اگر نيابيد در آن خانه ها كسى را پس داخل مشويد در آن خانه ها

حتى يؤذن لكم وان قيل لكم ارجعوا فارجعوا هو ازكى
تا صاحبخانه بيايد و رخصت دهد مر شما را و چون گفته شود براى شما كه برگرديد پس برگرديد بدان برگشتن پاكيزه تر است

ابن تفسير
از حضرات ابى جعفر
و ابى عبد الله عليهما السلام مرويست
كه فرموده اند اين آيه مانند كريمه الزانى لا ينكح
الا زانية نازل شده در باب جمعيكه ميخواستند كه
تزويج نمايند زنان فاحشه را پس خداى تعالى نهى فرمود
ايشان را از تزويج آن زنان و مكروه گردانيد آنرا
بر ايشان و بقول بعضى مراد از خبيثات كلمهاى
ناشايسته است مانند افك و از خبيثون مراد
فاسقان و گويندگان آن
اقوال است

٣٣

حضرت
صادق صلوات الله
عليه اين بيوتات را بخانها و آسياها
و حمامات تفسير فرموده
مراد هر خانه باشد
كه مسكن هم نباشد

لكم والله بما تعملون عليم ۝ ليس عليكم جناح ان تدخلوا بيوتا

غير مسكونة فيها متاع لكم والله يعلم ما تبدون وما تكتمون

قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم ويحفظوا فروجهم ذلك

ازكى لهم ان الله خبير بما يصنعون ۝ وقل للمؤمنات يغضضن

من ابصارهن ويحفظن فروجهن ولا يبدين زينتهن الا ما

ظهر منها وليضربن بخمرهن على جيوبهن ولا يبدين زينتهن

الا لبعولتهن او ابائهن او اباء بعولتهن او ابنائهن او ابناء

بعولتهن او اخوانهن او بني اخوانهن او بني اخواتهن او نسائهن

او ما ملكت ايمانهن او التابعين غير اولي الاربة من الرجال

او الطفل الذين لم يظهروا على عورات النساء ولا يضربن

بارجلهن ليعلم ما يخفين من زينتهن وتوبوا الى الله جميعا

ايه المؤمنون لعلكم تفلحون ۝ وانكحوا الايامى منكم

وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ
و شایستگان ○ از بندگان خود ○ و کنیزان خود ○ اگر باشند ○ درویشان غنی گرداند ایشان را

اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۞ وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ
خدا ○ از فضل خود ○ و خدا وسعت دهنده ○ داناست ○ و باید که جهد کنند ○ آنانکه ○ نیابند اسباب

نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ
نکاح را تا وقتیکه توانگر کند ایشان را ○ خدا ○ از فضل خود ○ و آنانکه ○ طلب می کنند مکاتب را که بنده خود گردد

مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ
از آنچه مالک شده دستهای شما ○ پس مکاتب سازید ایشان را ○ اگر دانید ○ در ایشان ○ خوبی را و بدهید ایشان را

مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ
از مال ○ خدا ○ که داده است شما را و اکراه و اجبار مکنید کنیزان خود را ○ بر زنا

إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهْهُنَّ فَإِنَّ
اگر خواهند پرهیزکاری را ○ تا فرا گیرید مال زندگانی دنیا را ○ و هر که اکراه کند کنیزان خود را

اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۞ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ
پس بدرستی که خدا بعد از اکراه کنیزان ○ آمرزنده کنیزانست مهربان ○ و بتحقیق ما فرستادیم بسوی شما ○ آیتهای

مُبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ
روشن را ○ و مثلی از مثلهائی از آنانکه گذشته اند ○ پیش از شما ○ و پندی از برای پرهیزکاران

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا
خدا آفریننده نور آسمانها ○ و زمینست ○ وصف نوری که منسوب باو مانند روزنه و فانوسیست که در آن

مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ
چراغی افروخته باشد ○ آن چراغ افروخته ○ در ○ قندیل ○ آبگینه باشد و آن قندیل گویا ستاره ایست درخشان چون

يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ
چراغ افروخته شده از روغن درخت بابرکت که زیتونست ○ نه از جانب مشرق ○ و نه از جانب مغرب نزدیکست که

زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ
روغن درخت روشنی دهد و اگر چه ○ نرسیده باشد بآن آتش روشنی است بر روشنی افزوده راه مینماید خدا بنور خود

کتاب

و کتابت مکاتبه را
گویند و آن اینست که مولی
با مملوک خود گوید که مالی در یک مدت یا چند مدت
معلومی بده و آزاد شو و مملوک هم باین معنی راضی
گردد و چون آن مال ادا شود آن مملوک آزاد است
و خیر نابر مشهور میانه امامیه ایمان و صلاحیت است
و بقول بعضی از مفسرین مال است والله تعالی اعلم

حضرت

ابو عبد الله
در حدیث صالح بن سهل همدانی که
در کتاب کافی مذکور است تفسیر فرموده مشکوة را
بفاطمه علیها السلام و مصباح را بحسن و زجاجه را بحسین
علیهما السلام و در تفسیر کانها کوکب دری فرمود
که فاطمه ستاره ایست درخشان میان زنان دنیا
و شجره مبارکه را بابراهیم که نه یهودی بوده و نه نصرانی
و فرمود که یکاد زیتها یضیء نزدیکست که
علم از و منفجر شود نور علی نور امامی است از آن
شجره بعد از امامی یهدی الله لنوره من یشاء هدایت
میکند خدا هر کرا خواهد بوسیله ائمه علیهم السلام
و مؤید این معنی است تعلق فی بیوت اذن الله
تا آخر بمشکوة چه مراد از آن بیوت خانهای
خانواده نبوتست چنانکه بعضی از مفسرین جامع
گفته و روایت کرده اند که چون رسول خدا

مَن يَشَآءُ وَيَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

هر کرا خواهد و بیان میکند خدا مثلها را برای مردمان و خدا بهر چیز داناست

فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَن تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا

در خانها بایست که رخصت داد خدا که بلند شود و در آن آوازها و یاد کرده شود در آن نام خدا تسبیح میکنند مر خدا را در آن

بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ۝ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ

مساجد بامداد و شبانگاه ۝ مردانی که مشغول نمیسازد ایشانرا تجارت و نه خرید و فروخت از یاد کردن

اللهِ وَإِقَامِ الصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءِ الزَّكَوٰةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ

خدا و از نماز گزاردن و بتجارت ایشانرا باز داشتن نماز و دادن زکوة ۝ میترسند ایشان روزی را که بگردد در آن روز

الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ۝ لِيَجْزِيَهُمُ اللهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم

دلها از ادراک و دیدها از دیدن ۝ تا جزا دهد ایشانرا خدا نیکوتر از آنچه کردند و زیادتر کند ایشانرا

مِن فَضْلِهِ وَاللهُ يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

از فضل خود و خدا روزی میدهد هر کرا میخواهد بی حساب ۝ و آنانکه کافر شدند

أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَآءً حَتَّىٰ إِذَا جَآءَهُ

اعمال ایشان از صله رحم و نفقه مانند سراب است بزمین هموار پندارد آنرا تشنگان آب تا چون آمد آنرا

لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللهَ عِندَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللهُ سَرِيعُ

نیابد او را چیزی و بیابد عذاب خدا را نزد عمل خود و پس تمام دهد او را جزای او و خدا زود

الْحِسَابِ ۝ أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِن فَوْقِهِ

زود حسابست ۝ یا کردار کفار مانند تاریکیهاست در دریای عمیق بپوشد آنرا موجی از بالای آن

مَوْجٌ مِن فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ

موج از بالای موج ثانی ابرست این تاریکیها بعضی از آن بالای بعضی اند چون بیرون آرد دست

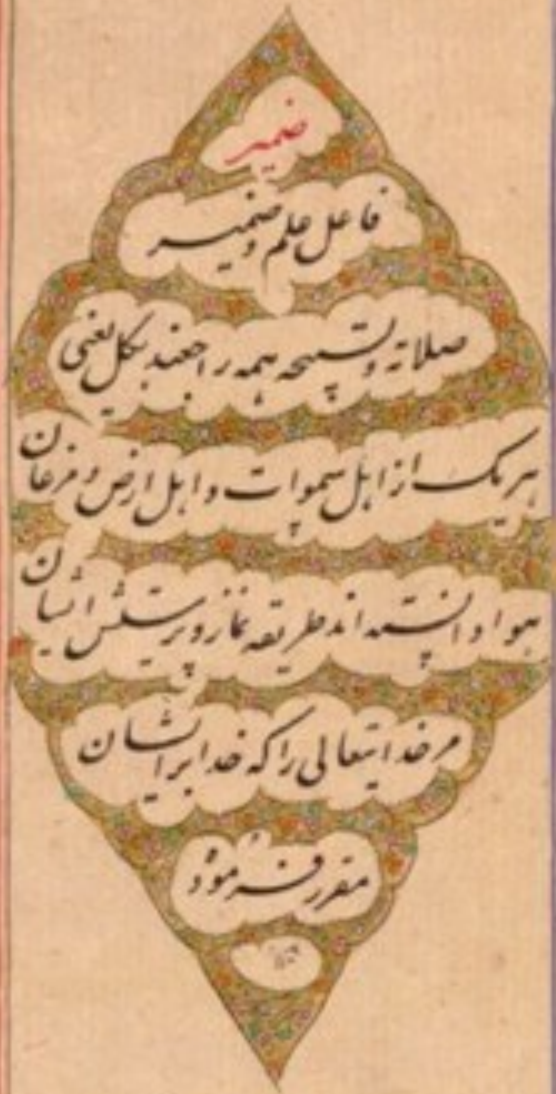
لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَن لَمْ يَجْعَلِ اللهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُورٍ ۝

نزدیک نباشد که ببیند آنرا و هر که نگرداند خدا برای او نوری پس نیست مر او را هیچ نوری

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ

آیا ندیدی که بدرستی که خدا را تسبیح میکنند مر او را است هر چه در آسمانها و زمینست و مرغان

ملاوت منقول پرسیدم که این کدام خانهاست فرمود که بیوت انبیا پس ابو بکر برخواست و عرضه داشت که این خانه یعنی خانهای علی و فاطمه از آن خانهاست فرمود آری از بهترین و فاضلترین آن خانهاست و بنا بر این مراد از رجال ائمه هدی علیهم السلام خواهند بود و از حسن بصری که مشوای علمای عامه است هم منقول است که گفته مراد از مشکوة فاطمه و از مصباح حسنین و زجاجه که گویا ستاره درخشنده فاطمه است از میان زنان دنیا و شجره مبارکه حضرت ابراهیم است که زیتونه نه شرقی و نه غربی یعنی نه یهودی است و نه نصرانی است و مراد از نور علی نور امام بعد امام است که ذریت او تا روز قیامت باشند و خدا راه نماید بسبب او هر کرا خواهد



صَآفَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ

بال‌ها گشاده همه بتحقیق دانسته‌اند دعای خود و تسبیح خود را و خدا داناست بآنچه می‌کنند

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ۞ أَلَمْ تَرَ أَنَّ

و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و بسوی خداست بازگشت آیا ندیدی که

اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ

خدا میراند ابر را پس میچسپاند میان قطعه‌ها پس میگرداند آن را برهم نشسته پس می‌بینی باران را

يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ

بیرون می‌آید از میان آن و فرو میفرستد از آسمان از بلندی کوهها که در اوست از قطعه‌های بزرگ

فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ

از تگرگ پس میرساند آن عذاب به هرکه خواهد و میگرداند آن را از هرکه خواهد نزدیکست که روشنی برق او را

يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ ۞ يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي

ببرد چشمها را میگرداند خدا شب و روز را بدرستی که در

ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصَارِ ۞ وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ

این هرآینه اعتباریست مر خداوندان بینائی را و خدا آفرید هر جنبنده را از

مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ

آب پس بعضی از ایشان آنست که میرود بر شکم خود و بعضی از ایشان آنست که میرود بر دو پا و بعضی از ایشان

مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آنست که میرود بر چهار دست و پا می‌آفریند خدا آنچه میخواهد بدرستی که خدا بر هر چیز تواناست

لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ

هرآینه بتحقیق فرستادیم نشانهای روشن را و خدا راه مینماید هرکرا خواهد بسوی راه

مُسْتَقِيمٍ ۞ وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ

راست و میگویند منافقان ایمان آوردیم بخدا و بفرستاده او و فرمانبرداری کردیم پس برمیگردد

فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَمَا أُولَٰئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ۞ وَإِذَا

گروهی از ایشان بعد از اقرار بایمان و نیستند ایشان گروندگان و چون

دعوا الى الله ورسوله ليحكم بينهم اذا فريق منهم معرضون

خوانده شوند بسوی خدا و فرستاده او تا حکم کند میان ایشان آن هنگام گروهی از ایشان اعراض کنندگانند

وان يكن لهم الحق يأتوا اليه مذعنين افي قلوبهم مرض

و اگر باشد مر ایشان را حق بیایند بسوی پیغمبر گردن نهندگان آیا در دلهای ایشان بیماریست

ام ارتابوا ام يخافون ان يحيف الله عليهم ورسوله بل اولئك

یا در شک انداخته شدند یا میترسند از آنکه حیف و میل کند خدا بر ایشان و فرستاده او بلکه آن گروه

هم الظالمون انما كان قول المؤمنين اذا دعوا الى الله و

ایشانند ستمکاران جز این نیست که هست گفتار مؤمنان چون خوانده شوند بسوی خدا و

رسوله ليحكم بينهم ان يقولوا سمعنا واطعنا واولئك

فرستاده او تا حکم کند میان ایشان آنکه گویند شنیدیم و فرمان بردیم و آن گروه

هم المفلحون ومن يطع الله ورسوله ويخش الله ويتقه

ایشانند رستگاران و هر که اطاعت میکند خدا و فرستاده او را و بترسد از خدا و بپرهیزد از عذاب خدا

فاولئك هم الفائزون واقسموا بالله جهد ايمانهم لئن

پس آنها اند ایشان رستگاران و قسم خوردند بخدا سخت ترین سوگندان ایشان اگر

امرتهم ليخرجن قل لا تقسموا طاعة معروفة ان الله خبير بما

بفرمایی ایشان را هر آینه بیرون روند بگو سوگند مخورید مطلوب از شما اطاعت معروف باخلاص است بدرستی که خدا آگاه است بآنچه

تعملون قل اطيعوا الله واطيعوا الرسول فان تولوا فانما

میکنید بگو پیروی کنید خدا را و پیروی کنید فرستاده را پس اگر برگردانید پس جز این نیست

عليه ما حمل وعليكم ما حملتم وان تطيعوه تهتدوا

که بر پیغمبر است آنچه حمل کرده شد و بر شماست آنچه بار کرده اید و اگر پیروی کنید راه یابید

وما على الرسول الا البلاغ المبين وعد الله الذين امنوا

و نیست بر فرستاده مگر رسانیدن ظاهر وعده داد خدا آنانرا که گرویدند

منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف

از شما و کردند کارهای شایسته هر آینه خلیفه گرداند ایشان را در زمین همچنانکه خلیفه گردانید

مراد از خلافت درین کریمه
وعد الله الذین آمنوا خلافت
مهدی آل محمد است چنانچه از اخبار اهل بیت
مستفاد میشود و در بعضی از تفاسیر مذکور است
و موید اینکه ظاهر فی الارض خلافت تمام روی
زمین است و این خلافت بجز وقت ظهور
آنحضرت نبوده و نخواهد بود و از حضرت ابی
جعفر و ابی عبد الله هم روایت شده که
تصریح بخلافت نه کس در قرآن مجید واقع شده
اول آدم صفی که انی جاعلک فی الارض خلیفة
دویم داود که انا جعلناک فی الارض خلیفة
حضرت امیر المؤمنین که لیستخلفنهم فی الارض
تا آخر و گفته یعنی خلیفه گرداند همچنانکه خلیفه
گردانیدیم کسانی را که پیش بودند یعنی داود
و سلیمان را

الذين

الذين من قبلهم وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم
آنانکه پیش از ایشان بودند و هر آینه ممکن گرداند مر ایشان را دین ایشان که پسندیده است مر ایشان را و هر آینه بدل دهد
من بعد خوفهم امنا يعبدونني لا يشركون بي شيئا ومن كفر
ایشان را از پس ترسیدن ایشان ایمنی که پرستند مرا و شریک نسازند با من چیزی را و هر که کافر شود
بعد ذلك فاولئك هم الفاسقون ۝ واقيموا الصلوة واتوا
بعد ازین پس آنها ایشان بدکاران و بگذارید نماز را و بدهید
الزكوة واطيعوا الرسول لعلكم ترحمون ۝ لا تحسبن الذين
زکوة را و اطاعت کنید پیغمبر را شاید که شما رحم کرده شوید ای محمد مپندار آنانرا که
كفروا معجزين في الارض وماويهم النار ولبئس المصير ۝
کافر شدند عاجز کنندگان خدا در زمین و بازگشت ایشان آتش است و هر آینه بد بازگشتی است
يا ايها الذين امنوا ليستاذنكم الذين ملكت ايمانكم
ای کسانی که ایمان آوردید باید که رخصت طلبند از شما آنانکه مالک شده دستهای شما
والذين لم يبلغوا الحلم منكم ثلث مرات من قبل صلوة الفجر
و آنانکه نرسیده اند باحتلام از شما هر بار سه مرتبه پیش از نماز صبح
وحين تضعون ثيابكم من الظهيرة ومن بعد صلوة
و بگاه وقتیکه می نهید جامهای خود را از نیمروز برای قیلوله و بگاه بعد از نماز
العشاء ثلث عورات لكم ليس عليكم ولا عليهم جناح
خفتن این سه وقت عورت است برای شما نیست بر شما و نه بر ایشان گناهی
بعدهن طوافون عليكم بعضكم على بعض كذلك يبين الله
بعد ازین سه وقت طواف کنندگان اند بر شما بعضی از شما بر بعضی همانند این روشن میکند خدا
لكم الايات والله عليم حكيم ۝ واذا بلغ الاطفال منكم
برای شما دلائل حق را و خدای دانا است درست کار است و چون برسند کودکان از شما
الحلم فليستاذنوا كما استاذن الذين من قبلهم كذلك يبين
باحتلام پس باید رخصت طلبند همچنانکه رخصت طلبیدند آنانکه پیش از ایشان همانند این روشن میسازد

یعنی
هر آینه تمکین و قوت میدهیم دین ایشان را که پسندیده است مر ایشان را و هر آینه بدل میکنیم ترس ایشان را بایمنی و هر که کفران این نعمت یعنی ولایت حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب صلوات الله علیه ورزد بعد از وعده الهی پس آن گروه کافر نعمتان و خداوندان فسق و عصیانند و در تفسیر اهل بیت علیهم السلام مذکور است که اول کسی که کفران ورزید طایفه بودند که مخالفت اهل البیت

خلاصه
معنی این دو آیه آنکه غلامان و کنیزان و کودکان نابالغ آزاد را بگوئید که چون خواهند نزد شما آیند درین سه وقت که پیش از طلوع فجر و وقت پیشین که وقت قیلوله است و بعد از نماز عشا رخصت از شما بخواهند چون درین سه وقت مظنه برهنه شدن بلکه با زنان ملاعبه و مباشرت نمودن پس نخست بیایند نزد شما که مطلع بر عورت شما خواهند شد و در غیر این سه وقت اگر بی رخصت شما نزد شما آیند قصوری و گناهی نیست بعلت اینکه ایشان خدمتکاران شما و پیوسته مخالطه با شمایند و اگر در هر مرتبه رخصتی باید حرج لازم خواهد آمد و کودکان آزاد که بحد بلوغ رسیده باید که هر وقتی که نزد شما آیند رخصت بخواهند و بی رخصت بر شما داخل نشوند این آیه است که غلامان محرم زنان باشند

اللّٰهُ لَكُمْ اٰيٰاتِهِ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۞ وَالْقَوٰاعِدُ مِنَ النِّسٰاۤءِ اللّٰاتِى

خدا برای شما آیتهای خود را و خدا دانای درست کار است و آن کلانسالان از زنان که امید ندارند

لٰا يَرْجُونَ نِكٰاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنٰاحٌ اَنْ يَضَعْنَ ثِيٰابَهُنَّ غَيْرَ

مید ندارند از بهری نکاح خود را پس نیست برایشان گناهی اگر بنهند جامه های خود را در

مُتَبَرِّجٰاتٍ بِزِينَةٍ وَاَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۞

حالتی که ظاهر کننده گان نباشند مواضع زینت خود را و اگر طلب عفو کنند بهتر است برای شما و خدا شنوای داناست

لَيْسَ عَلَى الْاَعْمٰى حَرَجٌ وَلٰا عَلَى الْاَعْرَجِ حَرَجٌ وَلٰا عَلَى الْمَرِيضِ

نیست بر نابینا گناهی و نه بر لنگ گناهی و نه بر بیمار

حَرَجٌ وَلٰا عَلٰى اَنْفُسِكُمْ اَنْ تَاْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ اَوْ بُيُوتِ اٰبٰاۤئِكُمْ

گناهی و نه بر نفسهای شما گناهی از آنکه بخورید از خانهای خود یا خانهای پدران خود

اَوْ بُيُوتِ اُمَّهٰاتِكُمْ اَوْ بُيُوتِ اِخْوٰانِكُمْ اَوْ بُيُوتِ اَخَوٰاتِكُمْ اَوْ

یا خانهای مادران خود یا خانهای برادران خود یا خانهای خواهران خود یا

بُيُوتِ اَعْمٰامِكُمْ اَوْ بُيُوتِ عَمّٰاتِكُمْ اَوْ بُيُوتِ اَخْوٰالِكُمْ اَوْ بُيُوتِ

خانهای عموهای خود یا خانهای عمه های خود یا خانهای خالوهای خود یا خانهای

خٰالٰاتِكُمْ اَوْ مٰا مَلَكْتُمْ مَفٰاتِحَهُ اَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ

خالهای خود یا خانهای آنچه مالک شدید کلید آنرا یا خانهای دوستان خود نیست بر شما

جُنٰاحٌ اَنْ تَاْكُلُوا جَمِيعًا اَوْ اَشْتٰاتًا فَاِذٰا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا

گناهی آنکه بخورید طعام را همگی باهم یا پراکنده پس چون در آیید باین خانهای مذکور پس سلام کنید

عَلٰى اَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُبٰارَكَةً طَيِّبَةً كَذٰلِكَ

بر نفسهای خود سلام کردنی از نزد خدا بسیار خیر با برکت پاکیزه خوش همچنین

يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۞ اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ

بیان میکند خدا برای شما آیتهای خود را تا شاید شما تعقل کنید جز این نیست که گروندگان

الَّذِينَ اٰمَنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَاِذٰا كٰانُوا مَعَهُ عَلٰى اَمْرٍ جٰامِعٍ لَمْ

آنانند که گرویدند بخدا و فرستاده او و چون باشند با او در کاری جمع کننده چون

قاعد
زنی را گویند
که یائسه و از حیض و زادن
نشسته باشد و اللاتی لا یرجون نکاحا قید
احترازیست جهة احتراز از غیر عجوزه و شیخوخ
غرض ازین آیه بیان محرمیت زنان بسیار
پیر است بحدی که کسی رغبت مباشرت با
ایشان نداشته باشد چنانکه پیش ازین مذکور شد
و بنا بر یک تفسیر آنکه مردان بسیار پیر که رغبت
مباشرت با زنان نداشته
باشند محرم زنانند

مراد
سلام بر اهل خانه است
چنانچه از حضرت صادق مرویست
صلوات الله وسلامه
علیه

مراد
از امر جامع امریست
که منشا اجتماع مردم بوده باشد
مانند حضور جهاد و مشورت در
کاری یا نماز جماعتی
و مثال
آنها

يذهبوا

يذهبوا حتى يستأذنوه إن الذين يستأذنونك أولئك الذين

نماز وجهاد تا نروند از پیش رسول رخصت طلب‌کنند از او بدرستی که آنانکه رخصت میطلبند آن گروه آنانند

يؤمنون بالله ورسوله فإذا استأذنوك لبعض شأنهم فأذن لمن

که ایمان می آرند بخدا و فرستاده او پس طلب رخصت کنند تو را یا محمد برای بعضی از کارهای خود پس رخصت ده هرکرا

شئت منهم واستغفر لهم الله إن الله غفور رحيم لا تجعلوا

خواهی از ایشان و طلب آمرزش کن برای ایشان از خدا بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست مگردانید

دعاء الرسول بينكم كدعاء بعضكم بعضا قد يعلم الله

خواندن پیغمبر شما را میان خود همچون خواندن بعضی از شما با بعضی بتحقیق میداند خدا

الذين يتسللون منكم لواذا فليحذر الذين يخالفون عن أمره

آنانرا که بیرون میروند اندک اندک از میان شما که میپوشند یکدیگر را از نهیب پس باید بترسند آنانکه مخالفت میکنند از فرمان خدا

أن تصيبهم فتنة أو يصيبهم عذاب أليم ۞ ألا إن لله ما في

اینکه برسد ایشانرا آزمایشی یا برسد ایشانرا عذاب دردناک بدانید اینکه مر خداراست آنچه در

السماوات والأرض قد يعلم ما أنتم عليه ويوم يرجعون إليه

آسمانها و زمینست بتحقیق که میداند آنچه شما بر آنید و روزیکه بازگردانیده شوند بسوی او

فينبئهم بما عملوا والله بكل شيء عليم ۞

پس آگاه سازد ایشانرا بآنچه کردند و خدا بهمه چیز داناست



بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

تبارك الذي نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيرا

بزرگوارست آنکه فرو فرستاد فرقان را بر بنده خود محمد تا باشد مر جهانیان را بیم‌کننده

الذي له ملك السماوات والأرض ولم يتخذ ولدا ولم يكن له

آن خدائیست که مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین و فرا نگرفت فرزندان و نمیباشد مر او را

شريك في الملك وخلق كل شيء فقدره تقديرا ۞ واتخذوا

شریکی در پادشاهی و آفرید هر چیز را پس اندازه کرد او را اندازه کردنی و فرا گرفتند

محمد
ابن اسحق بن عمار
از حضرت ابو الحسن علیه السلام
نقل میکند که آنحضرت فرمودند یا ابن عمار
ترک مکن قرائت سوره تبارک را
که هرکه این سوره را بخواند حق سبحانه
تعالی هرگز او را عذاب
نکند و حساب او را نفرماید
و منزل او در فردوس
اعلی باشد

مِن دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ
کافران بجز از خدا خدایان که نیافرینند چیزی را و ایشان آفریده شده اند و قدرت ندارند
لِأَنفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَوٰةً وَلَا نُشُورًا
برای نفسهای خود دفع ضرری و نه جلب نفعی و نمیتوانند این خدایان میرانیدن و نه زنده کردن کسی را و نه برانگیختن
وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ
و گفتند آنانکه کافر شدند نیست این قرآن مگر دروغی که بافته آنرا محمد و یاری داده اند او را برآن
قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ
گروهی دیگر چون یهودیان پس بتحقیق آمدند بستمی و بهتانی و گفتند قرآن افسانهای پیشینیان است
اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَىٰ عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا قُلْ أَنزَلَهُ الَّذِي
نوشته محمد آنرا پس آن نوشته املا کرده میشود برو در صبح و شام بگو ای محمد فرستاد این قرآن را
يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا وَ
میداند هر پوشیده را در آسمانها و زمین بدرستی که حقسبحانه آمرزنده است و مهربان و
قَالُوا مَالِ هَٰذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ
گفتند کفار چیست این پیغمبر را که میخورد طعام و میرود در بازارها
لَوْلَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونَ مَعَهُ نَذِيرًا أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنزٌ أَوْ
چرا فرستاده نشد بسوی او فرشته تا باشد با او بیم کننده یا چرا افکنده نشد بسوی او گنجی یا
تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا
باشد برای او بوستانی که بخورد از آن و گفتند ستمکاران که پیروی نمیکنید مگر مردی
مَّسْحُورًا انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا
جادو زده بنگر چگونه زدند برای تو مثلها پس گمراه شدند پس
يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا تَبَارَكَ الَّذِي إِن شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّن
توانائی ندارند براهی بزرگوار است آنکس که اگر خواهد بگرداند برای تو بهتر از
ذَٰلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَل لَّكَ قُصُورًا
این گنج و بوستانی که میرود از زیر آنها نهرها و بسازد برای تو قصرها

کافر گاه می گفتند مسحور است و گاه میگفتند شعر است و بیان علت آرزوی گنج برای وی میکردند گاه میگفتند مصلحت دین خود و کار خود را نمیدانند

بل كذبوا بالساعة واعتدنا لمن كذب بالساعة سعيرا

بلكه تكذيب كردند قيامت را و آماده كرده ايم مركسى را كه تكذيب كرد قيامت را آتش سوزان

اذا راتهم من مكان بعيد سمعوا لها تغيظا وزفيرا ۝ واذا

چون ببيند آتش ايشان را از جائى دور بشنوند در آن آتش آواز جوشيدن و خشم غريدن را و چون

القوا منها مكانا ضيقا مقرنين دعوا هنالك ثبورا ۝ لا

انداخته شوند در آتش بجائى تنگ هم بسته بخوانند در آن مقام بر خود هلاك را

تدعوا اليوم ثبورا واحدا وادعوا ثبورا كثيرا ۝ قل اذلك

مخوانيد امروز يك هلاك را و بخوانيد هلاك بسيار را بگو يا محمد آيا اين

خير ام جنة الخلد التي وعد المتقون كانت لهم جزاء ومصيرا

بهتر است يا بهشت جاويد كه وعده داده شده اند پرهيزكاران هست مر ايشان را جزاى كردار و بازگشتن

لهم فيها ما يشاءون خالدين كان على ربك وعدا مسئولا

مر ايشان راست در بهشت آنچه خواهند جاويدان هست آرزوى ايشان بر پروردگار تو وعده خواسته شده

ويوم يحشرهم وما يعبدون من دون الله فيقول ءانتم اضللتم

و ياد كن روزى كه محشور شوند مشركان و آنچه مى پرستند از غير خدا پس گويد آيا شما گمراه كرديد

عبادي هؤلاء ام هم ضلوا السبيل ۝ قالوا سبحانك ما

بندگان مرا اين گروه يا ايشان گم كردند راه را گويند پاكى تو نيست

كان ينبغي لنا ان نتخذ من دونك من اولياء ولكن متعتهم

مارا و نسزد مر ما را آنكه فرا گيريم بجز از تو هيچ دوستى و ليكن برخوردارى دادى ايشان را

واباءهم حتى نسوا الذكر وكانوا قوما بورا ۝ فقد كذبوكم

و پدران ايشان را تا فراموش كردند ياد كردن تو را و بودند گروهى هلاك شده پس تكذيب كردند شما را

بما تقولون فما تستطيعون صرفا ولا نصرا ومن يظلم منكم

بآنچه ميگوييد پس نميتوانند معبودان دفع عذاب و نه يارى كردن شما را و هر كه ستم كند از شما

نذقه عذابا كبيرا ۝ وما ارسلنا قبلك من المرسلين

بچشانيم او را عذابى بزرگ و نفرستاديم پيش از تو پيغمبران را

نكته

رويت بدوزخ باآنكه دوزخيان آنرا مى بينند جهة مبالغه در عذاب ايشان است كه گويد مينمايد بايشان آثار خشم و غضب خود را و از حضرت صادق عليه السلام منقول است كه دوزخيان در قيامت از يكساله راه آواز زبانه آتش دوزخ را مى شنوند و بقول بعضى از مفسرين از صد ساله راه مى شنوند نعوذ بالله

وعده

دخول بهشت را مسئول ميفرمايد باعتبار آنكه مومنان در دنيا سؤال نموده بودند و حق تعالى اجابت سؤال ايشان نموده و يا باعتبار آنكه بسؤال فرشتگان شده چنانكه ربنا وادخلهم جنات عدن التي وعدتهم چنانكه در مجمع البيان گفته باهر دو اعتبار چنانچه اين آيه كريمه با دارا آن ميدهد



إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا
مگر آنکه ایشان میخوردند طعام را و میرفتند در بازارها و گردانیدیم
بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا ۝ وَقَالَ
بعضی از شما را برای بعضی آزمایش آیا صبر می کنید و هست پروردگار تو بینا و گفتند
الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ
آنانکه امید ندارند رسیدن بجزای ما را چرا فرستاده نمیشود بر ما فرشتگان یا
نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا ۝ يَوْمَ
چرا نمی بینیم پروردگار خود را بتحقیق که استکبار کردند در نفسهای خود و در گذشتند از اندازه در گذشتنی بزرگ روزیکه
يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا
مَحْجُورًا ۝ وَقَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا
أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا ۝ وَيَوْمَ
تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا ۝ الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ
الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ۝ وَيَوْمَ
يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ
سَبِيلًا ۝ يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ۝ لَقَدْ أَضَلَّنِي
عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا

حجرا
مفعول ثانی جعل است
وان با مفعول اول مقدر است
و فاعل یقولون یا دوزخیان اند و کلام با ین
تقدیر است که جعل الله الجنة علینا حجرا محجورا
و این قول ایشان از راه حسرت ندامت یا
فرشتگان اند بتقدیر جعل الجنة علیکم حجرا محجورا پس
غرض از این قول مأیوس گردانیدن ایشان
از بهشت و محجورا صفت حجرا شده برای
مبالغه در حرمت مانند موت مائت و دور است
که مراد آن باشد که فرشتگان عذاب گویند که
سزای شما نیست ای دوزخیان

وقال

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَٰذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا

و گفت پیغمبر در آخرت ای پروردگار من بدرستی که قوم من فرا گرفتند این قرآن را منسوب بهذیان

وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ

و همچنان گردانیدیم برای هر پیغمبری دشمنی از گناهکاران و بس است پروردگار تو

هَادِيًا وَنَصِيرًا ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ

راه نماینده و یاری دهنده و گفتند آنانکه کافر شدند چرا نازل نمیشود بر محمد قرآن

جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ۝

همه یکبار همچنین تا ثابت گردانیم بآن دل تو را و بر تو خواندیم آنرا خواندنی

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا ۝

و نمی آرند تو را مثلی مگر آریم برای تو جوابی درست و نیکوتر از روی تفسیر

الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَكَانًا

آنانکه محشور میشوند بر رویهای خود بسوی دوزخ آن گروه بدترند از روی مکان

وَأَضَلُّ سَبِيلًا ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ

و گمراه تر از روی راه و بتحقیق دادیم ما موسی را کتاب و گردانیدیم با موسی

أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا ۝ فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا

برادر او هرون را یار و مددکار پس گفتیم بروید بسوی گروهی آنانکه تکذیب کردند

بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا ۝ وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ

باتیهای ما پس هلاک کردیم ایشانرا هلاک کردنی و گروه نوح را آن هنگام که تکذیب کردند پیغمبرانرا

أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا

غرق کردیم ایشانرا و گردانیدیم ایشانرا برای مردمان نشانه و آماده کردیم برای ستمکاران عذابی

أَلِيمًا ۝ وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَٰلِكَ

دردناک و عاد و ثمود و یاران چاه رس و اهل قرنها که بودند میان این

كَثِيرًا ۝ وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا ۝ وَلَقَدْ

بسیار و هریک زدیم برای او مثلها و همه را نیست کردیم نیست کردنی و بتحقیق

در مجمع البیان گفته بقول عکرمه رس چاهی بود که اصحاب آن پیغمبر خود را در آن چاه افکندند و بقول بعضی اصحاب که رس گروهی بودند که بر سر چاهی عبادت بتان خود مینمودند و شعیب بر ایشان مبعوث شد و ایشان تکذیب آنحضرت نمودند خدا تعالی بر ایشان خشم گرفته چاه ایشانرا خراب گردانید و ایشان و در آن چاه و خرابه بزمین فرو رفتند و بقولی قریه بود در یمامه که آنرا فلج می نامیدند و پیغمبر خود را کشتند خدا تعالی ایشانرا هلاک گردانید و گفته که پیغمبر ایشان حنظله بود و بقولی رس چاهی بود در انطاکیه که در آنجا حبیب نجار را کشتند و از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت کرده که اصحاب رس زنان بودند که همه سحق کنندگان بودند

اتوا على القرية التي امطرت مطر السوء افلم يكونوا يرونها
آمدند قریش بر دهی که باریده شد بر آن باران بد آیا پس نبودند قریش که دیدندی آنرا

بل كانوا لا يرجون نشورا ۞ واذا راوك ان يتخذونك الا هزوا
بلکه بودند که امید نداشتند بعث را و چون می بینند ترا فرا نمیگیرند ترا مگر بافسوس کرده شده

اهذا الذي بعث الله رسولا ۞ ان كاد ليضلنا عن الهتنا
آیا این آنکسیست که برانگیخت خدا فرستاده نزدیک بود که محمد گمراه کند ما را از خدایان ما

لولا ان صبرنا عليها وسوف يعلمون حين يرون العذاب من
اگر نه آن بود که صبر کردیم ما بر عادت پدران و زود باشد که بدانند زمانی که به بینند عذاب را که است

اضل سبيلا ۞ ارايت من اتخذ الهه هويه افانت تكون عليه
گمراه تر از راه راست آیا دیدی تو کسی را که فرا گرفت خدای خود را آرزوی خود آیا پس تو باشی بر حفظ

وكيلا ۞ ام تحسب ان اكثرهم يسمعون او يعقلون ان هم
نگاهبان بلکه گمان میبری که اکثر مشرکان میشنوند یا تعقل می کنند نیستند ایشان

الا كالانعام بل هم اضل سبيلا ۞ الم تر الى ربك كيف مد
مگر مانند چهارپایان بلکه ایشان گمراه تر ند از راه ایشان را آیا ندیدی بسوی صنع پروردگار خود که چگونه

الظل ولو شاء لجعله ساكنا ثم جعلنا الشمس عليه دليلا
گسترانید سایه را و اگر خواستی هر آینه گردانیدی سایه را ساکن گردانیدیم آفتاب را بر معرفت سایه دلیلی

ثم قبضناه الينا قبضا يسيرا ۞ وهو الذي جعل لكم الليل
پس فرا گرفتیم آن سایه را بسوی خود فرا گرفتن آسان و اوست آنکه گردانید برای شما شب را

لباسا والنوم سباتا وجعل النهار نشورا ۞ وهو الذي ارسل
پوشش و خواب را راحت و گردانید روز را مایه پراکندگی و اوست آنکه فرستاد

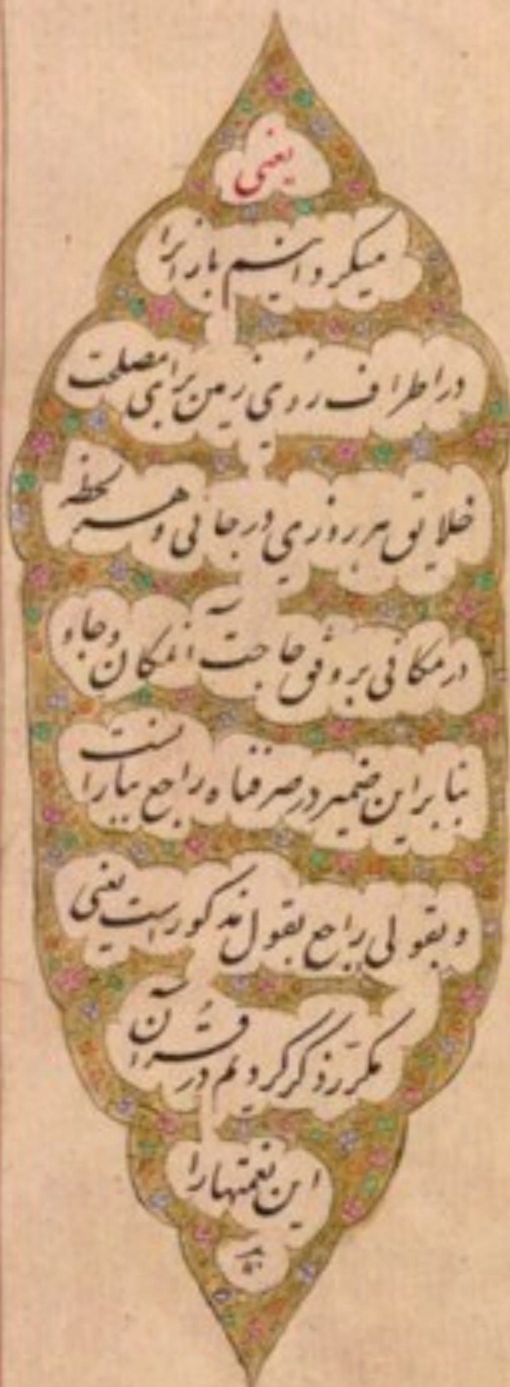
الرياح بشرا بين يدي رحمته وانزلنا من السماء ماء طهورا
بادها را مژده دهنده پیش از نزول رحمت و فرستادیم ما از آسمان آبی پاکیزه

لنحيي به بلدة ميتا ونسقيه مما خلقنا انعاما واناسي كثيرا
تا زنده کنیم بآن آب شهر مرده را و سیراب گردانیم از آنچه آفریدیم چهارپایان و مردمان بسیار

یعنی
بلکه دیدند قریش را
لیکن از حال آن قوم عبرت نگرفتند
بعلت آنکه اعتقاد بروز
قیامت نداشتند

گویند
مراد از ظل هوای پیش از طلوع
فجر و طلوع آفتابست که بهترین هواها بی شبانروز است
و باین علت در صفت بهشت واقع شده و ظل ممدود
و دلالت شمس بر آن از آنست که مشاهده وجود
این ظل و نفع خاص آفتاب است در تحت الافق
و مراد از قبض ظل زوال اوست بسبب طلوع
آفتاب و بقولی مراد از ظل هوای تمام شبست
و محتمل که مراد سایه باشد که از اشیا از مقابله آفتاب
پیدا میشود و آنوقت طلوع آفتاب امتدادی دارد
و بتدریج کم میشود تا آنگاه که آفتاب بنصف النهار
رسد و بعد از آن زیاد میشود بتدریج تا هنگام
غروب آفتاب و قبض عبارت از این ازدیاد
و نقص تدریجی باشد و معنی امتداد و دلالت
شمس در این وقت در وضوح کالشمس فی رابعة
النهار است

ولقد



وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا

و بدرستی که ما گردانیدیم میان ایشان باران را تا پند گیرند در آن پس ابا کردند بیشتر مردم مگر کفران پیغمبر را

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا ۞ فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ

و اگر میخواستیم ما بر آینه می انگیختیم در هر دهی بیم کننده پس فرمان مبر کافران را

وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا ۞ وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَٰذَا عَذْبٌ

و جهاد کن با ایشان بقرآن جهادی بزرگ و اوست آنکه بهم گذاشت دو دریا را که این آب

فُرَاتٌ وَهَٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا ۞ وَ

شیرین است و این یک شور و تلخ و ساخت میان این دو دریا مانعی حاجزی محروم و نارسا و

هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ

اوست آنکه آفرید از آبی آدمی را پس گردانید او را خداوند نژاد و پیوند و هست پروردگار تو

قَدِيرًا ۞ وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَ

توانا و میپرستند کفار از غیر خدا آنچه سود ندهد ایشان را و نه ضرر رساند ایشان را و

كَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا ۞ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَ

هست کافر بر نافرمانی پروردگار خود پشت و نفرستادیم ما تو را مگر مژده دهنده و

نَذِيرًا ۞ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ

بیم کننده بگو نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی مگر آنکه خواهد که فرا گیرد

إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ۞ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ

بسوی پروردگار خود راهی و توکل کن در دفع شر کفار بر زنده که هرگز نمیرد و تسبیح خدا

بِحَمْدِهِ وَكَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا ۞ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ

مقرون بحمد او و بس است خدا بگناهان بندگان خود آگاه آنخدائی که آفرید آسمانها

وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ

و زمین و آنچه در میان آنهاست در شش روز پس مستولی شد بر عرش

الرَّحْمَٰنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا ۞ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَٰنِ قَالُوا

خداوند بخشنده پس بپرس با دانا آگاهی را و چون گفته شود فرا ایشان را که سجده کنید مر خداوند بخشاینده گویند

وَمَا الرَّحْمٰنُ اَنَسْجُدُ لِمَا تَاْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ۞ تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ

و چه چیز است رحمن آیا سجده کنیم مر چیزی را که میفرمایی ما را و زیاده کند ایشان را رمیدن از ایمان بزرگوار است آنکه گردانید

فِي السَّمَآءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ۞ وَهُوَ الَّذِي

در آسمان برجهای دوازده گانه و گردانید در آسمان چراغی که آفتاب و ماه است تابان و او است آنکه

جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ اَرَادَ اَنْ يَذَّكَّرَ اَوْ اَرَادَ

گردانید شب و روز را مخالف یکدیگر برای کسیکه خواهد آنکه یاد کند امر خود را یا خواهد

شُكُورًا ۞ وَعِبَادُ الرَّحْمٰنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْاَرْضِ هَوْنًا وَاِذَا

شکر کند و بندگان خدای بخشنده آنانند که میروند بر روی زمین از روی تواضع و

خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ۞ وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ

چون خطاب کنند ایشان را نادانان گویند گفتاری با سلامت و عباد الرحمن آنانند که شب بروز می آرند برای

سُجَّدًا وَقِيَامًا ۞ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ

رضای پروردگار خود سجده کنند و بپای ایستاده و کسانی که میگویند پروردگارا بگردان از ما عذاب

جَهَنَّمَ اِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ۞ اِنَّهَا سَاۤءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا

دوزخ را بدرستی که عذاب دوزخ هست دائم بدرستی که دوزخ بد است از روی مکان و جای بودن

وَالَّذِينَ اِذَا اَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذٰلِكَ قَوَامًا

و آنانند که چون نفقه کنند اسراف نکنند و تنگ گیری نکنند و هست اسراف ایشان میان اسراف و تفریط

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي

راست ایستاده و آنانند که نمیخوانند با خدا خدایان دیگر و نمیکشند آن نفس را که

حَرَّمَ اللّٰهُ اِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ يَلْقَ اَثَامًا

حرام کرده خدا مگر براستی و زنا نمیکنند و هر که بکند شرک و قتل را برسد بجزای خود

يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا ۞ اِلَّا

دو چندان کرده شود مر او را عذاب روز قیامت و جاوید باشند در عذاب که خوار باشند مگر

مَنْ تَابَ وَاٰمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَاُولٰٓئِكَ يُبَدِّلُ اللّٰهُ سَيِّئَاتِهِمْ

کسیکه بازگشت کند و بگرود و بکند کارهای شایسته پس آن گروه را بدل کند خدا بدیهای ایشان را

مراد
از تذکر و شکر معنی
عامی است که شامل تفکر در مصنوعات
جهت استدلال بر کمال قدرت علم صانع و
ادای فرایض فایته در هر یک از شب و روز است
چه در هر روز و شب مشاهده مصنوعات عجیبه
و نمازهایی که در هر یک فوت شود در دیگری
تدارک آنها میتوان نمود پس هر یک از شب
و روز جانشین دیگرند درین و از اینجا حضرت
صادق صلوات الله علیه فرموده در تفسیر خلفه
که یقضی صلوة النهار باللیل و یقضی صلوة اللیل
بالنهار و آن بیان فرد اکمل ذکر و شکر است
نه برای اختصاص و بقولی مراد از ذکر قضای فوایت
و از شکر قضای نوافل
باشد

حرزه

حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ

يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ۝ وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا

بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ۝ وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا

صُمًّا وَعُمْيَانًا ۝ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ

ذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ۝ أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ

الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ۝ خَالِدِينَ فِيهَا

حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ۝ قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا

دُعَاؤُكُمْ ۝ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ ۝ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا ۝

خواندن شما باشد پس بتحقیق که تکذیب کردید پس زود باشد که جزای آن لازم باشد همیشه

سورة الشعراء آياتها مائتان وعشرون وسبع مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خدای بخشنده مهربان

طسم ۝ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ

أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ۝ إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ

أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ ۝ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحْدَثٍ

گردنهای ایشان مر آن آیه را فروتنان ۝ و نمی آید ایشان را هیچ موعظه از خدای بخشاینده که تازه فرستاده باشد

إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ ۝ فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا

مگر آنکه باشند از آن اعراض کنندگان ۝ پس بتحقیق تکذیب کردند قرآن را پس زود باشد ایشان را وقت مردن آنچه

بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ

بودند که بآن استهزا میکردند ۝ آیا نمی بینند منکران حشر بسوی زمین چند رستنی گیاه برویانیدیم در آن از هر

زَوْجٍ كَرِيمٍ ۝ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۝

صنف نیکو پسندیده ۝ بدرستی که در این نبات هر آینه علامتی است و نیستند بسیاری از ایشان گروندگان

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنِ ائْتِ

و بدرستی که پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان ۝ و یاد کن یا محمد چون ندا کرد پروردگار تو موسی را که توجه کن

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ

بگروه ستمکاران که ۝ طایفه فرعونند آیا نمی ترسند ۝ گفت موسی پروردگارا بدرستی که من

أَنْ يُكَذِّبُونِ ۝ وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى

میترسم از آنکه تکذیب کنند مرا ۝ و تنگ شود دل و سینه من و نگشاید زبان من از عقده و گنگی پس بفرست

هَارُونَ ۝ وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ۝ قَالَ كَلَّا

بسوی هرون ۝ و مر ایشان راست بر من گناهی پس میترسم این که بکشند مرا عوض آن ۝ گفت خدا نه چنانست

فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ ۝ فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا

پس بروید هر دو با آیتهای ما بدرستی که ما با شما شنوندگانیم ۝ پس بیایید نزد فرعون پس بگویید

إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ۝ قَالَ

بدرستی که ما فرستادگان پروردگار عالمیانیم ۝ اینکه بفرست با ما بنی اسرائیل را ۝ گفت فرعون

أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ ۝ وَ

آیا نپروردیم ترا در میان خود بعهد زندگی و درنگ کردی در میان ما از زندگی خود سالها ۝ و

فَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ۝ قَالَ

کردی کردن خود را که کردی و بودی تو از کافران نعمت ۝ گفت موسی

فعلتها

فعلتها اذا وانا من الضالين ۞ ففررت منكم لما خفتكم فوهب

کردم فعل را آن هنگام که بودم من از گمراهان ۞ پس گریختم از شما چون ترسیدم از شما پس بخشید

لی ربی حکما وجعلنی من المرسلین ۞ وتلك نعمة تمنها

مرا پروردگار من فرمانی و گردانید مرا از فرستادگان ۞ واین چه نعمت که منت می نهی آنرا

علی ان عبدت بنی اسرائیل ۞ قال فرعون وما رب العالمین

بر من بسبب آنست که بنده گرفتی بنی اسرائیل را ۞ گفت فرعون و چیست پروردگار جهانیان

قال رب السموات والارض وما بينهما ان كنتم موقنين ۞ قال

گفت پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست اگر هستید شما بی گمانان ۞ گفت فرعون

لمن حوله الا تستمعون ۞ قال ربكم ورب آبائكم الاولين

مر آنان را که دور او بودند آیا نمیشنوید ۞ گفت پروردگار شما و پروردگار پدران شما که پیش بودند

قال ان رسولكم الذی ارسل الیكم لمجنون ۞ قال رب المشرق

گفت فرعون که پیغمبر شما که فرستاده شده است بسوی شما هر آینه دیوانه است ۞ گفت پروردگار مشرق

والمغرب وما بينهما ان كنتم تعقلون ۞ قال لئن اتخذت الها

و مغرب و آنچه میان آنهاست اگر هستید که فهم میکنید ۞ گفت فرعون اگر فرا گیری خدائی

غیری لاجعلنك من المسجونين ۞ قال اولو جئتك بشیء مبین

غیر من هر آینه بگردانم تو را از زندانیان ۞ گفت موسی اگر بیارم تو را معجزه بچیزی روشن

قال فات به ان كنت من الصادقين ۞ فالقى عصاه فاذا هی

گفت پس بیار آنرا اگر هستی از راستگویان ۞ پس افکند عصای خود را پس آن هنگام

ثعبان مبين ۞ ونزع يده فاذا هی بيضاء للناظرين ۞ قال

اژدهائی بود ظاهر ۞ و بیرون آورد دست خود را پس آن دست او درخشنده بود مر نظر کنندگان را ۞ گفت

للملا حوله ان هذا لساحر عليم ۞ يريد ان يخرجكم من ارضكم

فرعون مر اشراف قوم خود را که دور او بودند بدرستی که این هر آینه جادوگریست دانا ۞ میخواهد اینکه بیرون کند شما را از زمین شما

بسحره فماذا تامرون ۞ قالوا ارجه واخاه وابعث فی المدائن

بسحر خود پس چه چیز است که امر میکنید ۞ گفتند تاخیر کن کار او را و برادر او را و بر انگیز در شهرهای خود

یعنی
چون بنی اسرائیل را
بنده و ذلیل گردانیدی و پسران
ایشان را کشتی آن باعث این شد که مرا مادرم
بدریا انداخت و تو برداری و تربیت کنی غرض
آنکه اگرچه تربیت کردن تو مرا نعمتی زیاد بود
و عظیم لیکن منشاش کاری که جبط اجر این
نعمت نموده و بقولی تلك اشاره است بخصلت
ذمیمه و خوی بدی که آن مبهم و نامعلوم است
و ان عبدت بیان و موضح اوست و حاصل
مضمون آنکه موسی در جواب فرعون میگوید این
خوی بد که بنده گیری بنی اسرائیل را هم نعمتی
بوده که منت نهی بر من یعنی اگرچه آن کار کردی
که در واقع نعمتی است لیکن این کار را هم کرده
که رفع اجر آن مینماید و بهر تقدیر
کلام از باب استفهام است
و انکاری است

حاشرین ۝ یاتوک بکل سحار علیم ۝ فجمع السحرة لمیقات

جمع کنندگان تا بیارند همه جادوئی دانا را پس جمع شدند جادوان برای هنگام

یوم معلوم ۝ وقیل للناس هل انتم مجتمعون ۝ لعلنا نتبع

روزی دانسته شده و گفته شد مر مردم را آیا هستید شما جمع آیندگان شاید ما پیروی کنیم

السحرة ان کانوا هم الغالبین ۝ فلما جاء السحرة قالوا لفرعون

جادوان را اگر باشند ایشان غلبه کنندگان پس آن هنگام که آمدند جادوان گفتند مر فرعون را

ائن لنا لاجرا ان کنا نحن الغالبین ۝ قال نعم وانکم لمن

آیا باشد ما را از نزد تو مزدی اگر باشیم ما غلبه کنندگان گفت فرعون آری شما را اجر است بدرستیکه

المقربین ۝ قال لهم موسی القوا ما انتم ملقون ۝ فالقوا حبالهم

شما در این هنگام از مقربانید گفت مر ایشان را یعنی ساحران را موسی بیندازید آنچه شما افکننده اید آلات سحر را پس انداختند ساحران

وعصیهم وقالوا بعزة فرعون انا لنحن الغالبون ۝ فالقی موسی

ریسمانهای خود را و عصاهای خود را و گفتند سوگند بعزت فرعون بدرستیکه ما هر آینه مائیم غلبه کنندگان پس انداخت موسی

عصاه فاذا هی تلقف ما یافکون ۝ فالقی السحرة ساجدین ۝

عصای خود را پس آن هنگام فرو برده بود آنچه ایشان تزویر کرده بودند پس افتادند جادوان سجده کنندگان

قالوا امنا برب العالمین ۝ رب موسی وهرون ۝ قال امنتم

گفتند گرویدیم ما به پروردگار جهانیان پروردگار موسی و هرون گفت فرعون آیا ایمان

له قبل ان اذن لکم انه لکبیرکم الذی علمکم السحر فلسوف

آوردید مر او را پیش از آنکه رخصت دهم شما را بدرستیکه موسی هر آینه بزرگ شماست که آموخته شما را سحر پس هر آینه زود باشد

تعلمون ۝ لاقطعن ایدیکم وارجلکم من خلاف ولاصلبنکم

که بدانید عقوبت مرا هر آینه می برم دستهای شما را و پاهای شما را از خلاف یکدیگر و هر آینه بر دار کنم شما را

اجمعین ۝ قالوا لا ضیر انا الی ربنا منقلبون ۝ انا نطمع

همه گفتند جادوان ضرری نیست بدرستی که ما بسوی پروردگار باز گردندگانیم بدرستی که ما طمع داریم

ان یغفر لنا ربنا خطایانا ان کنا اول المؤمنین ۝ و

که بیامرزد ما را پروردگار ما گناهان ما را که بودیم ما اول گروندگان

واوحینا

اَوۡحَیۡنَاۤ اِلٰی مُوسٰۤی اَنۡ اَسۡرِ بِعِبَادِیۤ اِنَّکُمۡ مُتَّبَعُوۡنَ فَاَرۡسَلَ فِرۡعَوۡنُ فِی

و وحی کردیم ما بسوی موسی که در شب ببر بندگان مرا بدرستیکه شما از پی در آینده شدگانید پس ایشان چون فرستاد فرعون در

الۡمَدَآئِنِ حٰشِرِیۡنَ اِنَّ هٰۤؤُلَآءِ لَشِرۡذِمَةٌ قَلِیۡلُوۡنَ وَاِنَّهُمۡ

در شهرهای خود جمع کنندگان گفت فرعون بدرستیکه این گروه بنی اسرائیل هر آینه گروهی اندکند و بدرستیکه ما ایشان را

لَنَا لَغَآئِظُوۡنَ وَاِنَّا لَجَمِیۡعٌ حٰذِرُوۡنَ فَاَخۡرَجۡنٰهُمۡ مِّنۡ جَنّٰتٍ

بخشم آورندگانیم و بدرستیکه ما جمعی ستیهندگان حذر کنندگانیم از دشمن پس بیرون آوردیم ایشان را از بوستانها

وَّعُیُوۡنٍ وَّکُنُوۡزٍ وَّمَقَامٍ کَرِیۡمٍ کَذٰلِکَ وَاَوۡرَثۡنٰهَا بَنِیۤ

و چشمه ها و گنجهای زر و نقره و منزلهای نیکو همچنین و میراث دادیم اموال و عمارت ایشان را به

اِسۡرَآءِیۡلَ فَاَتۡبَعُوۡهُمۡ مُّشۡرِقِیۡنَ فَلَمَّا تَرَآءَ الۡجَمۡعٰنِ قَالَ اَصۡحٰبُ

پسران یعقوب پس از پی در آمدند ایشان را در حالیکه از طرف مشرق می رفتند پس چون دیدند هر دو گروه را گفتند یاران

مُوۡسٰۤی اِنَّا لَمُدۡرَکُوۡنَ قَالَ کَلَّا اِنَّ مَعِیَ رَبِّیۡ سَیَهۡدِیۡنِ

موسی بدرستیکه در یافته شدگانیم گفت موسی نه چنین است بدرستیکه با منست پروردگار من زود باشد که راه نماید

فَاَوۡحَیۡنَاۤ اِلٰی مُوۡسٰۤی اَنِ اضۡرِبۡ بِّعَصَاکَ الۡبَحۡرَ فَانۡفَلَقَ فَکَانَ

پس وحی کردیم ما بسوی موسی که بزن عصای خود را بدریا پس در هم شکافت دریا پس بود

کُلُّ فِرۡقٍ کَالطَّوۡدِ الۡعَظِیۡمِ وَاَزۡلَفۡنَا ثَمَّ الۡاٰخَرِیۡنَ وَاَنۡجَیۡنَا

هر پاره جدا چون کوه بزرگ و نزدیک گردانیدیم آنجا در دریا فرعونیان را و رهانیدیم ما

مُوۡسٰی وَمَنۡ مَّعَهٗۤ اَجۡمَعِیۡنَ ثُمَّ اَغۡرَقۡنَا الۡاٰخَرِیۡنَ اِنَّ فِیۡ

موسی را و هر که با او بود همه را پس غرق کردیم ما فرعونیان را بدرستیکه در

ذٰلِکَ لَاٰیَةً وَمَا کَانَ اَکۡثَرُهُمۡ مُّؤۡمِنِیۡنَ وَاِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ

این نجات هر آینه علامتی است و نبودند بیشتر قوم فرعون گروندگان و بدرستیکه پروردگار تو هر آینه اوست

الۡعَزِیۡزُ الرَّحِیۡمُ وَاتۡلُ عَلَیۡهِمۡ نَبَاَ اِبۡرٰهِیۡمَ اِذۡ قَالَ لِاَبِیۡهِ وَقَوۡمِهٖ

غالب مهربان و بخوان بر ایشان خبر ابراهیم را چون گفت مر پدر خود را و گروه خود را

مَا تَعۡبُدُوۡنَ قَالُوۡا نَعۡبُدُ اَصۡنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عٰکِفِیۡنَ

چیست که می پرستید گفتند می پرستیم بتان را پس همیشه میباشیم مر ایشان را مجاوران

گویند
لشکر موسی ششصد و
هفتاد هزار بودند و مقدمه لشکرش
قبطیان هفتصد هزار تن بودند که پیش از
فرعون و لشکرش از مصر بیرون رفتند

چه
آنانکه در مصر مانده
بودند همان نیاوردند و آنانکه
با موسی بودند گوساله
پرست بودند

یعنی
عم خود را که آزر بود بعلت تربیت
آنحضرت او را پدر خواندی

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ۞ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ ۞
گفت ابراهیم آیا می شنوند از شما چون میخوانید ایشان را ۞ یا نفع میکنند شما را ۞ یا دفع ضرری کنند
قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ ۞ قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ
گفتند نه چنانست بلکه یافتیم ما پدران خود را همچنین میکردند ۞ گفت ابراهیم آیا دیده اید آنچه میبودید
تَعْبُدُونَ ۞ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمُ الْأَقْدَمُونَ ۞ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي
که می پرستید ۞ شما و پدران شما که پیش ازین بودند ۞ پس بدرستی که ایشان دشمنند مرا
إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ۞ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ۞ وَالَّذِي هُوَ
مگر پروردگار جهانیان ۞ آنکه آفرید مرا ۞ پس او راه مینماید مرا ۞ و آنکه او
يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ۞ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ۞ وَالَّذِي يُمِيتُنِي
طعام میدهد مرا و آب می آشاماند مرا ۞ و چون بیمار شوم ۞ پس او شفا میدهد مرا ۞ و آنکه میمیراند مرا
ثُمَّ يُحْيِينِ ۞ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ۞
پس زنده میکند مرا ۞ و آنکه طمع دارم که بیامرزد مرا گناهان مرا روز قیامت
رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ۞ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ
پروردگارا ببخش مرا حکمی ۞ و ملحق گردان مرا بشایستهکاران ۞ و بگردان برای من زبان
صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ۞ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ۞ وَ
راستی در ثنای نیکو که بعد از من شد و بگردان مرا از وارثان بهشت پر نعمت ۞ و
اغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ ۞ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ۞ يَوْمَ
بیامرز پدر مرا بدرستی که بود از گمراهان ۞ و رسوا مساز مرا روزی که برانگیخته شوند مردم روزیکه
لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ۞ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ۞ وَأُزْلِفَتِ
نفع نکند مال ۞ و نه اولاد ۞ مگر آنکه بیاید بخدا بدل خالص از کفر ۞ و روزیکه نزدیک گردانیده
الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ۞ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ ۞ وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا
شود بهشت مر پرهیزکاران را ۞ و ظاهر کرده شود آتش دوزخ برای گمراهان ۞ و گفته شود مر اهل شرک را که کجایند
كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ۞ مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ ۞
آنچه بودید که می پرستید ۞ از غیر خدا ۞ هیچ یاری میدهند شما را ۞ یا انتقام میکشند

ویقول لی
مراد از لسان صدق
فرزند نیکو کار است که عبارت
از محمد صلی الله علیه و آله و اولاد
امجاد او علیهم السلام

فکبکبوا

فكبكبوا فيها هم والغاوون ۝ وجنود ابليس اجمعون ۝ قالوا
پس بروی در افکنده شوند در دوزخ بتان و گمراهان و لشکریان شیطان همه گویند
وهم فيها يختصمون ۝ تالله ان كنا لفي ضلال مبين ۝ اذ
و حال که ایشان در آن دوزخ باشند و با هم دشمنی کنند قسم بخدا بدرستی که بودیم ما هر آینه در گمراهی آشکار وقتیکه
نسويكم برب العالمين ۝ وما اضلنا الا المجرمون ۝ فما لنا
برابر میکردیم شما را ای بتان بپروردگار جهانیان و گمراه نکردند ما را مگر گناهکاران پس نیست ما را
من شافعين ۝ ولا صديق حميم ۝ فلو ان لنا كرة فنكون من
هیچکس از شفاعت کنندگان و نه دوستی مهربان پس کاشکی اگر بودی ما را بازگشتی بدنیا پس میبودیم
المؤمنين ۝ ان في ذلك لاية وما كان اكثرهم مؤمنين ۝
از گروندگان بدرستی که در آن هر آینه نشانه ایست و نبودند بیشتر ایشان گروندگان
وان ربك لهو العزيز الرحيم ۝ كذبت قوم نوح المرسلين ۝
و بدرستی که پروردگار تو اوست غالب مهربان تکذیب کردند قوم نوح فرستادگان را
اذ قال لهم اخوهم نوح الا تتقون ۝ اني لكم رسول امين ۝
چون گفت مر ایشان را برادر ایشان نوح آیا پرهیز نمیکنید بدرستی که من شما را پیغمبری امینم
فاتقوا الله واطيعون ۝ وما اسئلكم عليه من اجر ان اجري
پس بپرهیزید از خدا و پیروی کنید مرا و نمیخواهم من از شما بر آن هیچ مزدی بدرستیکه مزد من
الا على رب العالمين ۝ فاتقوا الله واطيعون ۝ قالوا انؤمن
نیست مگر بر پروردگار جهانیان پس بترسید از خدا و پیروی کنید مرا گفتند آیا ایمان آوریم
لك واتبعك الارذلون ۝ قال وما علمي بما كانوا يعملون ۝
مر تو را و پیروی کردند تو را اراذل قوم ما گفت نوح و نیست دانش آنچه هستند که میکنند
ان حسابهم الا على ربي لو تشعرون ۝ وما انا بطارد المؤمنين
نیست حساب ایشان مگر بر پروردگار من اگر دانید و نیستم من راننده مومنان
ان انا الا نذير مبين ۝ قالوا لئن لم تنته يا نوح لتكونن
نیستم من مگر بیم کننده ظاهر گفتند اگر باز نایستی از این ای نوح هر آینه باشی تو از

عیاشی

بسند خود از حمران بن اعین روایت کرده که حضرت صادق صلوات الله علیه فرمود که بخدا سوگند که البته ما شفاعت کنیم شیعیان خود را آنگاه که دشمنان گویند فما لنا من شافعین ولا صدیق حمیم و در روایت دیگر بجای مردمان دشمنان ما وارد شده و از اخبار بسیار مستفاد می شود که شفاعت گناهکاران در آن روز مخصوص ایشان نیست بلکه شیعیان ایشان هم در آن روز شفاعت خواهند کرد از آنجمله از ابان بن تغلب مرویست که آن حضرت فرمود که مومن شفاعت کند در روز قیامت خانواده خود را و شفاعتش بدرجه قبول افتد تا آنگاه که خدمتکار مخصوص ماند پس گوید و حال آنکه انگشتان شهادت را برداشته باشد این خادم من نگاه میداشت مرا از گرما پس قبول شفاعتش درباره او شود

مصنف

من باطن حال این گروه را نمیدانم که آیا از روی اخلاص ایمان آورده اند یا از بابت نفاق و طمع عمل بظاهر میکنم و باطن ایشان را بخدا میدانم و حساب ایشان با خداست

مِنَ الْمَرْجُومِينَ ۝ قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ ۝ فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ

از سنگساران ۝ گفت نوح پروردگارا بدرستی که قوم من تکذیب کردند مرا پس بگشای میان من و میان

فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي

ایشان گشایشی و نجات ده مرا و هر که با منست از مومنان ۝ پس نجات دادیم او را و هر که با او بود در

الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ۝ ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ ۝ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً

کشتی پر از آدمیان ۝ پس غرق کردیم ما بعد از نجات نوح باز ماندگان را ۝ بدرستی در این هر آینه علامتیست

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و نبودند بیشتر ایشان مومنان ۝ و بدرستی پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان

كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ ۝ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ

تکذیب کردند قوم عاد پیغمبران را ۝ چون گفت مر ایشان را برادر ایشان هود آیا نمی ترسید از خدا

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۝ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۝ وَمَا أَسْأَلُكُمْ

بدرستی که من مر شما را پیغمبری امینم ۝ پس بترسید از خدا و پیروی کنید مرا ۝ و نمی پرسم شما را

عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ أَتَبْنُونَ بِكُلِّ

بر آن هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان ۝ آیا بنا میکنید بهر

رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ ۝ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ۝ وَإِذَا

موضع بلندی علامتی می کنید ۝ و فرا میگیرید حوضهای آب محکم تا شاید شما جاوید خواهید بود ۝ و چون

بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ ۝ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۝ وَاتَّقُوا الَّذِي

سخت گیری کرد سخت گیری در حالیکه منکرانید ۝ پس بترسید از خدا و پیروی کنید مرا ۝ و پرهیز کنید آنکه شما را

أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ ۝ أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ ۝ وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۝ إِنِّي

که مدد کرد شما را آنچه میدانید ۝ مدد کرد شما را بچهارپایان و پسران ۝ و بوستانها چشمهای آب ۝ بدرستی که من

أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ

میترسم بر شما عذاب روز بزرگ را ۝ گفتند مساویست بر ما اگر موعظه کنی تو یا آنکه باشی

مِنَ الْوَاعِظِينَ ۝ إِنْ هَٰذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ ۝ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ

از موعظه کنندگان ۝ نیست این بت پرستی ما مگر عادت پیشینان ۝ و نیستیم ما عذاب کرده شدگان

یعنی احتیاج ندارید مانند آن بنا بلکه از روی لهو و لعب بنا میکنید گویند کبوترخانها ساخته بودند که کبوتر بازی و بقولی کوشکها بر سر راهها بنا کرده بودند بارایکه از ان شوخی و استهزا میکردند و بقولی در راهها علامتها بجهت شناخت راهها ساخته بودند و مردم احتیاج بانها نداشتند بعلت ستارها

فكذبوه فاهلكناهم ان في ذلك لاية وما كان اكثرهم مؤمنين
پس تکذیب کردند او را پس هلاک کردیم ایشان را بدرستیکه در این هلاک هرآینه علامتیست و نبودند بیشتر ایشان گرویدگان

وان ربك لهو العزيز الرحيم كذبت ثمود المرسلين اذ
و بدرستی پروردگار تو هرآینه اوست غالب مهربان تکذیب کردند قوم ثمود پیغمبران را چون

قال لهم اخوهم صالح الا تتقون اني لكم رسول امين
گفت مر ایشان را برادر ایشان صالح آیا پرهیز نمیکنید بدرستی که من مر شما را پیغمبری امینم

فاتقوا الله واطيعون وما اسئلكم عليه من اجر ان
پس بترسید از خدا و پیروی کنید مرا و نمیخواهم از شما بر آن هیچ مزدی نیست

اجري الا على رب العالمين اتتركون فيما ههنا امنين
مزد من مگر بر پروردگار جهانیان آیا خواهید گذاشت در آنچه از نعم دنیا اینجا در حالیکه ایمن باشید

في جنات وعيون وزروع ونخل طلعها هضيم وتنحتون
در بوستانها و چشمه‌ها و کشتها و خرماستانها که شکوفهٔ آن لطیفست و میتراشیدند

من الجبال بيوتا فارهين فاتقوا الله واطيعون ولا تطيعوا
از کوهها خانه‌ها در حالیکه شادانید پس بترسید از خدا و پیروی کنید مرا و پیروی مکنید حکم

امر المسرفين الذين يفسدون في الارض ولا يصلحون
کفار را که مسرفند بر نفس خود آنانکه تباهی میکنند در زمین و با صلاح نمی‌آرند کار خود را

قالوا انما انت من المسحرين ما انت الا بشر مثلنا فات باية
گفتند جز این نیست که تو از جملهٔ سحر کرده شدگانی نیستی تو مگر آدمی مانند ما پس بیار علامتی

ان كنت من الصادقين قال هذه ناقة لها شرب ولكم
اگر هستی از راستگویان گفت صالح این شتریست که مرا او راست نصیبی از آب و مر شماراست

شرب يوم معلوم ولا تمسوها بسوء فياخذكم عذاب
بهره از آب روز معلوم و مس مکنید آن ناقه را ببدی پس میگیرد شمارا عذاب

يوم عظيم فعقروها فاصبحوا نادمين فاخذهم العذاب
روز بزرگ پس پی کردند ناقه را پس گشتند از پشیمانان پس گرفت ایشانرا عذاب

یعنی
دین ما دینی است که
پدران ما داشته اند و ما آنرا از دست
نمیگذاریم و بسبب آن معاقب نخواهیم شد
و بقولی هذا اشاره است بسخن هود یعنی امثال
این سخنان که تو میگوئی پیش از تو هم بسیار
شنیده ایم و گوش بآن نکرده ایم و بقولی دیگر
اشاره است بموت و سایر عقوبائی که هود
بآنها تهدید ایشان مینمود یعنی این بلیات همیشه
در میان مردم واقع می شده و دخلی در آن
ندارد مخالفت تو و پیغمبران
والله تعالی اعلم

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ۝ وَإِنَّ رَبَّكَ
بدرستیکه در این هر آینه نشانه ایست و نبودند بیشتر ایشان گروندگان و بدرستی که پروردگار تو
لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ۝ إِذْ قَالَ
هر آینه اوست غالب مهربان تکذیب کردند طایفه لوط پیغمبران را چون گفت
لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ ۝ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۝ فَاتَّقُوا اللَّهَ
مر ایشان را برادر ایشان لوط آیا پرهیز نمی کنید بدرستی که من مر شما را پیغمبری امینم پس بترسید از خدا
وَأَطِيعُونِ ۝ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ
و عذاب او و اطاعت کنید مرا و نمیخواهم من از شما بر ادای رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر
رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ ۝ وَتَذَرُونَ مَا
پروردگار عالمیان آیا می آیید بر دوان یعنی لواطه میکنید از میان عالمیان و میگذارید آنرا که
خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُم بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ۝ قَالُوا
آفرید برای شما پروردگار شما از زنان شما بلکه شما گروهی از حد درگذشتگانید گفتند
لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ ۝ قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُم
اگر باز نایستی تو ای لوط هر آینه باشی تو بیرون شدگان گفت که من هر آینه کردار شما را
مِّنَ الْقَالِينَ ۝ رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ۝ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ
از دشمنانم پروردگارا برهان مرا و اهل مرا از آنچه میکنند ایشان پس برهانیدیم او را و اهل او را
أَجْمَعِينَ ۝ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ۝ ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ۝ وَأَمْطَرْنَا
همگی مگر پیرزن لوط که بود از باقی ماندگان پس هلاک کردیم دیگران را و بارانیدیم
عَلَيْهِم مَّطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذَرِينَ ۝ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا
بر ایشان بارانی سنگ پس بد بود باران بیم شدگان بدرستیکه در این هر آینه علامتیست و
كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ۝ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝
نبودند بیشتر ایشان گروندگان و بدرستی که پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان
كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ ۝ إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا
تکذیب کردند یاران بیشه پیغمبران را چون گفت مر ایشان را شعیب آیا

تتقون

تَتَّقُونَ ۝ اِنّى لَكُمْ رَسُولٌ اَمينٌ ۝ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطيعُونِ ۝ وَمَا

نمی پرهیزید ۝ بدرستی که من شما را پیغمبری امینم ۝ پس پرهیز کنید از عذاب خدا و پیروی کنید مرا ۝ و نخواهم من

اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِنْ اَجْرِىَ اِلَّا عَلٰى رَبِّ الْعَالَمينَ ۝

که بپرسم از شما ۝ بر او ۝ هیچ مزدی ۝ نیست مزد من ۝ مگر ۝ بر ۝ پروردگار جهانیان ۝

اَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرينَ ۝ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ

تمام به پیمایید کیل را ۝ و مباشید ۝ از کم پیمایندگان ۝ و وزن کنید ۝ بترازوی

الْمُسْتَقيمِ ۝ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ اَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِى الْاَرْضِ

راست ۝ و کم مکنید ۝ از مردم ۝ چیزهای ایشان را ۝ و تباهی مجویید ۝ در ۝ زمین

مُفْسِدينَ ۝ وَاتَّقُوا الَّذى خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْاَوَّلينَ

که بدکاران باشید ۝ و بترسید از ۝ کسیکه ۝ آفرید شما را ۝ و گروه ۝ پیشینان را

قَالُوا اِنَّمَا اَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرينَ ۝ وَمَا اَنْتَ اِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَاِنْ

گفتند جز این نیست که تو ۝ از جادو گرشدگانی ۝ و نیستی تو ۝ مگر آدمی مانند ما ۝ و بدرستی که

نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبينَ ۝ فَاَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ

گمان میکنیم ترا البته ۝ از دروغگویان ۝ پس بیفکن ۝ بر ما ۝ پاره را ۝ از آسمان

اِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقينَ ۝ قَالَ رَبّى اَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ فَكَذَّبُوهُ

اگر هستی تو ۝ از ۝ راستگویان ۝ گفت پروردگار من داناتر است بآنچه می کنند ۝ پس تکذیب کردند

فَاَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ اِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظيمٍ ۝ اِنَّ

پس گرفت ایشان را ۝ عذاب ۝ روز ۝ سایبان آتش ۝ بدرستی که آن بود عذاب ۝ روز ۝ بزرگ ۝ بدرستیکه

فى ذٰلِكَ لَاٰيَةً وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنينَ ۝ وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ

در ۝ این عذاب علامتی است ۝ و نبودند ۝ بیشتر ایشان ۝ گروندگان ۝ و بدرستی که پروردگار تو هر

الْعَزيزُ الرَّحيمُ ۝ وَاِنَّهُ لَتَنْزيلُ رَبِّ الْعَالَمينَ ۝ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ

اوست غالب مهربان ۝ و بدرستی که این قرآن فرستاده پروردگار جهانیان است ۝ فرستاد قرآن را بمصاحبت

الْاَمينُ ۝ عَلٰى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرينَ ۝ بِلِسَانٍ عَرَبِىٍّ

جبرئیل ۝ بر ۝ دل تو ۝ تا باشی ۝ از بیم کنندگان ۝ بزبان ۝ عربی

یعنی

که ما این قرآن را بتو فرستادیم

برای آنکه تو ای از فصحای عرب

این قرآن بلغه عربی است و این باعث

سهولت فهم اعجاز است و اگر بر عجمی از آن

میفرستادیم ایشان نمیگرویدند

بعلت عدم فهم اعجاز آن

مُبِينٍ ۝ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ۝ أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةً أَنْ يَعْلَمَهُ
ظاهر ۝ و بدرستیکه ذکر قرآن در کتب پیشینیان است ۝ آیا نیست مر قریش را آیتی بر آنکه میدانند

عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ۝ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ۝ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ
قرآن را علماء بنی اسرائیل ۝ و اگر میفرستادیم قرآن را بر بعضی که عجم بودند ۝ پس خواندی قرآن را بر

مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ۝ كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ۝ لَا
بر ایشان نبودندی ایشان گروندگان بقرآن ۝ همچنین عربی فرستادیم در می آوریم آنرا در دلهای گناهکاران ۝

يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۝ فَيَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا
منکروند بآن تا به بینند عذاب دردناک ۝ پس بیاید ایشانرا ناگهان و ایشان

يَشْعُرُونَ ۝ فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ ۝ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ
ندانند ۝ پس گویند آیا هستیم ما مهلت داده شدگان ۝ آیا پس بعذاب ما شتاب می کنند

أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ۝ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ۝
آیا پس دیدی تو اگر برخورداری دهیم ایشانرا سالها ۝ پس بیاید ایشانرا آنچه بودند که وعده داده شده اند

مَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ ۝ وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا
دفع نکند از ایشان عذابرا آنچه بودند که متمتع میکردند بآن ۝ و هلاک نکردیم ما هیچ دهی را مگر اهل آن اهل

مُنْذِرُونَ ۝ ذِكْرَى وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ۝ وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ
پیغمبران بیم کننده بودند ۝ پند دادن و نیستیم ما ستمکاران ۝ و فرود نیاوردند قرآن را دیوان

وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ ۝ إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ ۝ فَلَا
و سزاوار نباشد مر ایشانرا و توانائی ندارند بر آن ۝ بدرستیکه ایشان از شنیدن کلام ملائکه معزول اند پس

تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ ۝ وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ
مخوان با خدا خدایان دیگر را پس باشی تو از عذاب کرده شدگان ۝ و بترسان خویشان

الْأَقْرَبِينَ ۝ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ فَإِنْ
نزدیک خود را ۝ و فرود گذار بال خود را برای کسیکه متابعت تو کرده از گروندگان ۝ پس اگر

عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ۝ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ
نافرمانی کنند پس بگو بدرستیکه من بیزارم از آنچه میکنید ۝ و توکل کن بر خدای غالب

پیش ازین گذشت که احبار یهود قبل از بعثت پیغمبر آخر الزمان خبر از بعثت آنحضرت میدادند و طلب فتح و نصرت ببرکت آنحضرت مینمودند و اخبار ایشان منشاء اسلام قبیله اوس و خزرج شد

گویند مشرکان میگفتند که قرآنرا دیوان بمحمد تعلیم میدهند

الرحیم

الرَّحِيمِ ۝ الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ ۝ وَتَقَلُّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ ۝
مهربان آنکه اینست که می بیند ترا هنگامی که برمیخیزی و می بیند گردیدن ترا در میان سجده کنندگان

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَى مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ
بدرستی وست شنوای دانا آیا خبر کنم شما را بر آنانکه فرود آیند شیطانها

تَنَزَّلُ عَلَى كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ۝ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ ۝
فرود آیند بر هر دروغگوی گناهکار می اندازند گوش را بشنیدن و بیشتر ایشان دروغگویانند

وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ
و شاعران پیروی می کنند زیانکاران آیا ندیدی تو که ایشان در هر وادی متحیرند

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ۝ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
و بدرستی که ایشان می گویند آنچه نمی کنند مگر آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته

وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ
و یاد کردند خدا را بسیار و انتقام کشیدند بعد از آنکه ستم دیده شدند و زود باشد که بدانند آنانکه

ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ۝
ستم کردند بکدام مکان بازخواهند گشت

سورة النمل ثلاث وتسعون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝
بنام خداوند بخشاینده مهربان

طس ۝ تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ ۝ هُدًى وَبُشْرَى
نامیست از نامهای خدا این است آیتهای قرآن و نشانهای کتاب روشن درحالیکه راه نماینده و مژده

لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ
دهنده است گروندگان را کسانی که بپای میدارند نماز را و میدهند زکوة را و ایشان بآخرت

هُمْ يُوقِنُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ
یقین دارند بدرستیکه آنانکه نمیگروند بقیامت آراسته ایم برای ایشان کردار ایشانرا

فَهُمْ يَعْمَهُونَ ۝ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي
پس ایشان متحیرند آنگروه آنانند که ایشانراست بدی عذاب و ایشانند در





الآخرة هم الأخسرون ۝ وإنك لتلقى القرآن من لدن حكيم

قیامت ایشان زیانکارانند و بدرستی که تو یا محمد تلقی میشوی قرآن را از نزد حکیم

علیم ۝ إذ قال موسى لأهله إني آنست نارا سآتيكم منها

دانا چون گفت موسی مر اهل خود را بدرستی که من دیدم آتشی زود باشد که بیارم شما را از آن

بخبر أو آتيكم بشهاب قبس لعلكم تصطلون ۝ فلما جاءها

خبری یا بیارم شما را شعله آتش فراگرفته شده تا شاید شما گرم شوید پس آن هنگام که آمد

نودي أن بورك من في النار ومن حولها وسبحان الله رب

نزدیک آتش ندا کرده شده که برکت داده هر که در مکان آتش و هر که گرداگرد اوست و پاکست خدا و پروردگار

العالمين ۝ يا موسى إنه أنا الله العزيز الحكيم ۝ وألق عصاك

جهانیان ای موسی بدرستی که شان اینست که منم خدای غالب درستکار و بینداز

فلما رآها تهتز كأنها جان ولى مدبرا ولم يعقب يا موسى لا

عصای خود را پس چون دید موسی عصی را که حرکت میکرد گویا ماری بود برگشت روی و بازنگشت بعقب ای موسی

تخف إني لا يخاف لدي المرسلون ۝ إلا من ظلم ثم بدل

مترس بدرستی که نمیترسند نزد من پیغمبران مگر آنکه ستم کرد بخود پس بدل کرد

حسنا بعد سوء فإني غفور رحيم ۝ وأدخل يدك في جيبك

آن ستم را نیکوئی بعد از بدی پس بدرستی که من آمرزنده مهربانم و درآور دست خود را در بغل خود

تخرج بيضاء من غير سوء في تسع آيات إلى فرعون وقومه إنهم

تا بیرون آید سفید درخشان از غیر بدی برص که در نه آیتست بسوی فرعون و قوم او بدرستی که ایشان

كانوا قوما فاسقين ۝ فلما جاءتهم آياتنا مبصرة قالوا هذا سحر

بودند گروهی بدکاران پس آنهنگام که آمد ایشان را آیات ما که بود روشن گفتند این جادوئیست

مبين ۝ وجحدوا بها واستيقنتها أنفسهم ظلما وعلوا فانظر

ظاهر و منکر شدند آنها و یقین میدانستند نفسهای ایشان از روی ستم و بزرگی بود پس بنگر

كيف كان عاقبة المفسدين ۝ ولقد آتينا داوود وسليمان

چگونه بود سرانجام تباه کاران و بتحقیق دادیم داود را و سلیمان را

مراد

از من فی النار

فرشتگانی اند که در آن نور

مشغول تسبیح و تهلیل الهی بودند

و از من حولها موسی چنانچه در

مجمع البیان گفته و محتمل که فرشتگان

هم در حوالی آن نور

بوده باشند

عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
دانش و گفتند ایشان حمد مر خدای را که زیادتی داد ما را بر بسیاری از بندگان خود که مومنند
وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ
و میراث گرفت سلیمان از داود و گفت ای مردمان آموخته شده ام زبان مرغان را
وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ ۝ وَ
و داده شده ام از هر چیز بدرستیکه این عطا هر آینه عطاییست ظاهر و
حُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ
فراهم آمده شد مر سلیمان را لشکرهای او از دیوان و آدمیان و مرغان پس ایشان باز داشته شدند
حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ
بودند تا چون آمدند بر وادی مورچگان گفت مورچه که پادشاه مورچگان بود ای گروه مورچگان
ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ
درآیند در جایگاه خود تا درهم نشکند شما را سلیمان و لشکرهای او و ایشان
لَا يَشْعُرُونَ ۝ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي
ندانند که شما را پایمال کرده اند پس تبسم کرد سلیمان در حالی که ضاحک بود و گفت پروردگارا الهام ده مرا
أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ
با آنکه شکر کنم نعمت تو را که انعام کردی بر من و بر پدر و مادر من و آنکه بکنم
صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ
کار شایسته که راضی شوی و درآر مرا برحمت خود در میان بندگان خود که شایستگانند
وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ
و تفحص لشکر مرغان را پس گفت چیست مرا که نمی بینم هدهد را آیا هست از
الْغَائِبِينَ ۝ لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي
غایب شدگان بخدا که هر آینه عذاب کنم او را عذابی سخت یا بکشم او را یا بیارد بمن
بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝ فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ
حجتی ظاهر پس درنگ کرد هدهد که دور نبود پس گفت مشاهده کردم بچیزی که

در تفسیر

این آیه در مجمع
گفته که واحدی بسند خود از محمد بن
جعفر بن محمد از پدرش علیهم السلام روایت کرده
که داده شده سلیمان بن داود را پادشاهی مشارق
و مغارب روی زمین پس مقصد سال و ششماه
مالک پادشاهی جهانیان همه بوده از جنیان و آدمیان
و دیوان و حیوانات و مرغان و درندگان و باد
داده شده دانش هر چیزی و زبان هر جانوری و
و در عهد او صنعتهای عجیبه که مردمان
آنرا شنیده اند بظهور رسیده است
تفسیر کریمه و علمنا منطق
الطیر تا آخر

منشاء

طلب هدهد آن که حضرت سلیمان محتاج با آب
بود و هدهد آبی که در زیر زمین میدید و را نمایانی
ایشان آب مینمود و تعویل منشا طلب هدهد آن
بود که چون سلیمان در مجلس نشستی مرغان بهوای
مجلس او پر بر سر گستر هندی که مانع آفتاب
باشد و هر یک جای مخصوص داشتند و در آن وقت
چون هدهد شهپر بسیار رفته بود و جای آن خالی بود
آفتاب از آن روزنه در مجلس
او تابیده بود

تحط به وجئتك من سبا بنبا يقين ۝ انی وجدت امراة تملكهم

مشاهده نکرده او را آمدم بتو از شهر سبا بخبر راست ۝ بدرستی که من یافتم زنی را که بلقیس است پادشاهی

واوتيت من كل شيء ولها عرش عظيم ۝ وجدتها وقومها

میکند ایشان را و داده شده آن زن از هر چیز و مر آن زن راست تخت بزرگ ۝ یافتم آن زن را و قوم او را

يسجدون للشمس من دون الله وزين لهم الشيطان اعمالهم

که سجده میکردند مر آفتاب را از غیر خدا و آراسته برای ایشان شیطان کردارشان را

فصدهم عن السبيل فهم لا يهتدون ۝ الا يسجدوا لله

پس باز داشته ایشان را از راه راست پس ایشان راه یافته نمی شوند ۝ انکه سجده نکنند مر خدا را

الذی يخرج الخبا فی السموات والارض ويعلم ما تخفون

که بیرون می آرند پوشیده باران را در آسمانها و زمین و میداند آنچه میپوشید

وما تعلنون ۝ الله لا اله الا هو رب العرش العظيم ۝ قال

و آنچه ظاهر میکنید ۝ خدا نیست خدائی که او پروردگار عرش بزرگ است ۝ گفت

سننظر اصدقت ام كنت من الكاذبين ۝ اذهب بكتابی

زود در نگریم آیا راست گوئی تو یا هستی از دروغگویان ۝ ببر این نوشته مرا

هذا فالقه اليهم ثم تول عنهم فانظر ماذا يرجعون ۝ قالت

پس بیفکن او را بسوی ایشان پس برگرد از ایشان پس بنگر که ایشان بچه چیز باز میگردند ۝ گفت بلقیس چون

يا ايها الملؤا انی القی الی كتاب كريم ۝ انه من سليمان و

نامه را دید ای گروه اشراف بدرستیکه انداخته شد بسوی من نوشته بزرگوار ۝ بدرستی که این نامه از سلیمان است و

انه بسم الله الرحمن الرحيم ۝ الا تعلوا علی واتونی مسلمين

بدرستیکه این نامه مشتمل است بر نام خدای بخشنده مهربان ۝ انکه بزرگی مکنید بر من و بیائید بمن در حالیکه مسلمان باشید

قالت يا ايها الملؤا افتونی فی امری ما كنت قاطعة امرا

گفت بلقیس ای اشراف قوم من فتوی دهید مرا در کار من نبوده ام من قطع کننده کاری

حتی تشهدون ۝ قالوا نحن اولوا قوة واولوا باس شديد

تا حاضر نمی شدید ۝ گفتند اشراف ما خداوندان قوتیم و صاحبان کارزار سخت

والامر

گویند که بلقیس در خواب بود هدهد آن نامه نامی را بر روی سینه او نهاد چون بیدار شد آن نامه را دید و بقولی روزنه در خانه او بود که شعاع آفتاب از آن بخانه او تابیدی و او پرستش آن نمودی هدهد بر آن روزنه نشست چون شعاع آفتاب را ندید متوجه روزنه شد هدهد و نامه را دید و گرفت

۲۲۳

وَالْاَمْرُ اِلَيْكِ فَانْظُرِي مَاذَا تَاْمُرِينَ ۝ قَالَتْ اِنَّ الْمُلُوكَ اِذَا

و اختیار این کار با توست پس بنگر که چه چیز میفرمایی گفت بلقیس بدرستی که پادشاهان چون

دَخَلُوا قَرْيَةً اَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا اَعِزَّةَ اَهْلِهَا اَذِلَّةً وَكَذٰلِكَ

درآیند در دهی تباه سازند آنرا و گردانند عزیزان اهل آنرا خوار و همچنین

يَفْعَلُونَ ۝ وَاِنِّي مُرْسِلَةٌ اِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ

میکنند و بدرستی که من فرستنده ام بسوی ایشان تحفه پس نگرنده ام بچه چیز باز میگردند

الْمُرْسَلُونَ ۝ فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ اَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا اٰتَانِيَ

فرستادگان پس آن هنگام که آمد نزد سلیمان گفت آیا مدد میدهید مرا بمال پس آنچه عطا کرده من

اللّٰهُ خَيْرٌ مِمَّا اٰتَاكُمْ بَلْ اَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ ۝ اِرْجِعْ اِلَيْهِمْ

خدا بهتر است از آنچه داده بشما بلکه شما بهدیه خود شاد میشوید برگرد بسوی ایشان

فَلَنَاْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا اَذِلَّةً وَهُمْ

پس البته بیاریم بایشان لشکری که طاقت مقاومت ندارند به آن و البته بیرون کنیم ایشان را از آن خوار و ایشان

صَاغِرُونَ ۝ قَالَ يَا اَيُّهَا الْمَلَؤُا اَيُّكُمْ يَاْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ اَنْ

خوار شدگان باشند گفت سلیمان ای اشراف قوم من کدام یک می آرد بمن تخت او را پیش از آنکه

يَاْتُونِي مُسْلِمِينَ ۝ قَالَ عِفْرِيتٌ مِنَ الْجِنِّ اَنَا اٰتِيكَ بِهِ قَبْلَ اَنْ

بیایند بمن گردن نهندگان گفت دیوی بدهیبت از جن من بیارم بتو آنرا پیش از آنکه

تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَاِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ اَمِينٌ ۝ قَالَ الَّذِي

برخیزی از جای حکم خود و بدرستیکه من بر آوردن آن هر آینه توانایم امینم گفت آنکه

عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ اَنَا اٰتِيكَ بِهِ قَبْلَ اَنْ يَرْتَدَّ اِلَيْكَ

نزد اوست دانشی از کتاب الهی من می آورم بتو آنرا پیش از آنکه باز گردد بسوی تو

طَرْفُكَ فَلَمَّا رَاٰهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هٰذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي

چشم تو پس هنگامی که دید سلیمان تخت را قرار گرفته نزد خود گفت این از فضل پروردگار منست

لِيَبْلُوَنِي ءَاَشْكُرُ اَمْ اَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَاِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ

تا بیازماید مرا آیا شکر میکنم یا کفران مینمایم و هرکه شکر کرد پس جز این نیست که شکر میکند برای نفس خود

گویند که بلقیس پانصد غلام و پانصد کنیز بود و کنیزان همه را باکو شوارهای مرصع و غلامان را کمرهای زرین بر اسبان تازی سوار کرده بود و پانصد خشت طلا و پانصد نقره و تاجی مکلل بمروارید و یاقوت گرانبها و حقه که در آن مرواریدی گرانبها و یک مرد از بزرگان قوم خود را نزد سلیمان با نامه بخدمت آنحضرت مشتمل بر ذکر تحف و هدایا فرستاد و منتظر مطالب خود را خواسته بود

چون فرستاده بلقیس بیامد معلوم شد که سلیمان پیغمبر خداست حکم او کردن بلقیس با اشراف خود متوجه خدمت آنحضرت شدند و چون آنحضرت از همه آگاهی داد سلیمان با اشراف قوم خود خطاب فرمود که یا ایها الملأ الآیه

از حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه مرویست که فرمود اسم اعظم خدای عز و جل هفتاد و سه است ...

وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ۝ قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنظُرْ
و هر كه كفران ميكند پس بدرستی که پروردگار من بی نیاز کریم است گفت سلیمان ناشناخت کنید برای بلقیس تخت او را بنگریم
أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ ۝ فَلَمَّا جَاءَتْ
آیا راه می یابد بتخت خود یا باشد از آنانکه راه نمی یابند پس چون آمد بلقیس
قِيلَ أَهَٰكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا
گفته شد که آیا این است تخت تو گفت بلقیس گویا اوست و داده شده ایم علم بقدرت خدا پیش از این
وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ۝ وَصَدَّهَا مَا كَانَت تَّعْبُدُ مِن دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا
و هستیم منقادان و منع کرد سلیمان بلقیس را از آنچه بود که میپرستید بجز خدا بدرستی که بلقیس
كَانَتْ مِن قَوْمٍ كَافِرِينَ ۝ قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ
بود از گروه کافران گفته شد بلقیس را که درآی در ساحت این قصر پس چون دید آنرا
حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن
پنداشت آنرا دریا و برکشید دامن جامه را از ساقهای خود گفت بدرستی که این صرح است هموار و صاف از
قَوَارِيرَ ۝ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ
آبگینه گفت بلقیس پروردگارا بدرستی که من ستم کردم بر نفس خود و گردن نهادم با سلیمان
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا
مر خدا را که پروردگار جهانیان است و بتحقیق فرستادیم بسوی ثمود برادر ایشان صالح را گفت
أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ۝ قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ
اگر بپرستید خدا را پس ناگاه ایشان دو فرقه شدند که با هم خصومت میکردند گفت ای قوم چرا
تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ
شتاب میکنید بعذاب پیش از توبه چرا استغفار نمیکنید
اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝ قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَ قَالَ
خدا را شاید شما رحم کرده شوید گفتند قوم فال بد زدیم بتو و بهر که با تست گفت
طَائِرُكُمْ عِندَ اللَّهِ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ۝ وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ
فال بد شما راست نزد خدا بلکه شما گروهی اید که آزموده میشوید و بودند در شهر صالح

در مجمع البیان گفته که سلیمان علیه السلام چون شنید که بلقیس متوجه خدمت او شده بجهة آزمایش کیاست او فرمود دیوان را در مجلس او تختگاهی از شیشه ساختند که در زیر او آب روانی بود و در آب ماهیان و ضفادع و جانوران آبی بسیار بود و تخت خود را در آن تختگاه نهاد و نشست و بقولی کوشکی از شیشه بنا کردند که از غایت صفا مانند آب صافی بود و غرض از وضع این بنا آن بوده که ببیند که استدلال میکند باین آیت بر معرفت صانع تعالی شانه و چون سلیمان خواهش تزویج او داشت و با او گفته بودند که پای پر موئی دارد خواست که پاهایش را ببیند چون بلقیس بمجلس رسید و آنرا دید گمان دریاچه آب کرده پاها را برهنه کرد و آنحضرت چون پای او را دید غمگین شد دیوان جهة ازاله موی و آهک و زرنیخ را تحفه دادند و کشیده و از آن نوره بهم رسید و ازین است در بعضی از اخبار ما وارد شده که در وقت نوره کشیدن بگوید اللهم ارحم سلیمان بن داود عنا

قسعة

تسعة رهط يفسدون في الأرض ولا يصلحون ۝ قالوا تقاسموا
نه نفر از اشراف قوم او که تباهی میکردند در زمین و اصلاح نمی آوردند کار خود را گفتند هم دیگر را
بالله لنبيتنه وأهله ثم لنقولن لوليه ما شهدنا مهلك
قسم میخورید بخدا که هر آینه شبخون میکنیم بر صالح و اهل او پس میگوییم مر ولی او را که ما حاضر نبودیم و ندیدیم موضع
أهله وإنا لصادقون ۝ ومكروا مكرا ومكرنا مكرا
هلاک اهل ورا و بدرستی که ما هر آینه راستگویانیم ۝ و مکر کردند ایشان مکر کردنی و مکر کردیم ما مکر کردنی
وهم لا يشعرون ۝ فانظر كيف كان عاقبة مكرهم أنا
و ایشان نمیدانستند ۝ پس بنگر چگونه بود عاقبت مکر ایشان را بدرستیکه
دمرناهم وقومهم أجمعين ۝ فتلك بيوتهم خاوية بما ظلموا
هلاک کردیم ایشان را و قوم ایشان را همه جماعت ۝ پس آنست خانهای ایشان خالی و منهدم بآنچه ستم کردند
إن في ذلك لآية لقوم يعلمون ۝ وأنجينا الذين آمنوا وكانوا
بدرستی که در این هر آینه علامتیست مر گروهی را که میدانند ۝ و رهانیدیم ما آنان را که گرویدند و بودند
يتقون ۝ ولوطا إذ قال لقومه أتأتون الفاحشة وأنتم
پرهیزکاران ۝ و فرستادیم لوط را بقوم خود چون گفت مر قوم خود را آیا می آیید بخصلت زشت یعنی لواطه و شما میدانید
تبصرون ۝ أئنكم لتأتون الرجال شهوة من دون النساء بل
زشتی آنرا ۝ آیا شما هر آینه می آیید بمردان برای شهوت ۝ غیر از زنان ۝ بلکه
أنتم قوم تجهلون ۝ فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا
شما گروهی هستید که نمیدانید ۝ پس نبود جواب قوم لوط ۝ مگر آنکه گفتند که بیرون کنید
آل لوط من قريتكم إنهم أناس يتطهرون ۝ فأنجيناه و
آل لوط را ۝ از ده خود بدرستی که ایشان مردمانی اند پاک از فعال ما ۝ پس نجات دادیم او را
أهله إلا امرأته قدرناها من الغابرين ۝ وأمطرنا عليهم
یعنی لوط را و اهل او را مگر زن او را که تقدیر کردیم آنرا از باقی ماندگان در عذاب و بارانیدیم بر ایشان
مطرا فساء مطر المنذرين ۝ قل الحمد لله وسلام على عباده
بارانی از سنگ پس بد است باران بیم کرده شدگان ۝ بگو حمد مر خدا راست و سلام بر بندگان او

گویند
صالح علیه السلام شبها
در غاری بعبادت الهی اشتغال
مینمود قومش گفتند که او سه روز دیگر وعده
عذاب نموده پیش از سه روز او را بقتل آوریم اول
شب جمعی از ایشان آن غار رفته در کمین نشستند
ناگاه سنگی از کوه افتاده در غار رسید و دو نمود
و در آنجا هلاک شدند

الذين اصطفى آلله خير اما يشركون ۝ امن خلق السموات و

که برگزیده خدا ایند بهتر است یا آنچه شریک می کنند با او ۝ یا بهتر است آنکه آفرید آسمانها و

الارض وانزل لكم من السماء ماء فانبتنا به حدائق ذات

زمین را و فرستاد برای شما از آسمان آب پس رویانیدیم با آن آب بوستانهای میوه که

بهجة ما كان لكم ان تنبتوا شجرها ءاله مع الله بل هم قوم يعدلون

خداوند خرمی بود نبود مر شمارا اگر برویانید درختان آنها را آیا هست خدائی با خدا بلکه مشرکان گروهی اند که عدول

امن جعل الارض قرارا وجعل خلالها انهارا وجعل لها

میکنند از حق ۝ آنکس که کردانید زمین را قرارگاه و کردانید در میان زمین نهرها ۝ و کردانید برای آن کام

رواسي وجعل بين البحرين حاجزا ءاله مع الله بل اكثرهم

زمین کوههای بلند و کردانید میان دو دریا مانعی که مخلوط نشوند آیا هست خدائی با خدای نو بلکه بیشترشان

لا يعلمون ۝ امن يجيب المضطر اذا دعاه ويكشف السوء و

نمیدانند ۝ آیا بهتر است آنکه اجابت کند بیچاره را چون بخواند او را و برمیدارد بدی را و

يجعلكم خلفاء الارض ءاله مع الله قليلا ما تذكرون

میکرداند شما را خلیفه های زمین آیا خدای دیگر هست با خدا اندکی ۝ پند می پذیرند ۝

امن يهديكم في ظلمات البر والبحر ومن يرسل الرياح بشرا

آیا آنکس بهتر است شمارا که راه مینماید در تاریکیهای بیابان و دریا و آنکس که میفرستد بادها را در حالیکه

بين يدي رحمته ءاله مع الله تعالى الله عما يشركون ۝ امن

مژده دهنده است پیش از نزول رحمت آیا هست خدائی با خدای بحق بزرگست خدا از آنچه شریک می کنند یا بهتر است

يبدؤا الخلق ثم يعيده ومن يرزقكم من السماء والارض

آنکه بیافریند خلق را پس اعاده کند او را و کیست که روزی میدهد شمارا از آسمان و زمین

ءاله مع الله قل هاتوا برهانكم ان كنتم صادقين ۝ قل لا

آیا هست خدای دیگر با خدا بگو بیارید دلیل خود را اگر هستید راستگویان ۝ بگو یا محمد

يعلم من في السموات والارض الغيب الا الله وما يشعرون

نمیداند هرکه در آسمانها و زمینست غیب را مگر خدا ۝ و نمیدانند

ایان

غرض
انست که آنچه در
این دنیا انکار و تکذیب آن مینمایند
در روز قیامت یقین کامل بصدق آن خواهند
داشت و آن روز این علم نفعی بحال ایشان نخواهد
داشت چنانچه در مجمع البیان گفته است

أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ۞ بَلِ ادَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا
که کدام وقت برانگیخته میشوند بلکه تنگ رسیده و استحکام یافته علم ایشان در قیامت بلکه ایشان در شک اند از آن
بَلْ هُمْ مِنْهَا عَمُونَ ۞ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا
بلکه ایشان از آخرت نابینایانند و گفتند آنانکه کافر شدند آیا وقتیکه باشیم ما خاک و پدران ما
أَإِنَّا لَمُخْرَجُونَ ۞ لَقَدْ وُعِدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ
آیا ما بیرون شدگانیم هرآینه بدرستی که وعده داده شده ایم ما و پدران ما پیش ازین نیست
هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۞ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا
این وعده مگر افسانهای پیشینیان بگو ای محمد بروید در زمین پس بنگرید
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ۞ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ
چگونه بود سرانجام گناهکاران و اندوه مخور بر ایشان و مباش تنگدل
مِمَّا يَمْكُرُونَ ۞ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
از آنچه مکر میکنند و میگویند کی خواهد بود این وعده اگر هستید راستگویان
قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ۞ وَإِنَّ
بگو یا محمد شاید که بوده باشد که از پی درآید شما را بعضی آنچه شتاب می کنید و بدرستیکه
رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ
پروردگار تو هرآینه خداوند فضلست بر مردمان و لیکن بیشتر ایشان شکر نمیکنند
وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ۞ وَمَا مِنْ
و بدرستی پروردگار تو هرآینه میداند آنچه میپوشاند آن سینه هاشان و آنچه ظاهر میکنند و نیست هیچ
غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ۞ إِنَّ هَذَا
پوشیده در آسمان و زمین مگر در کتاب روشن بدرستیکه این
الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ
قرآن میخواند بر پسران یعقوب بیشتر آنچه ایشان در آن اختلاف میکنند
وَإِنَّهُ لَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ۞ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ
و بدرستی این قرآن راهنماینده و رحمتست مر مؤمنان را بدرستی پروردگار حکم میکند میان ایشان بحکم خود

اشارت
بکشته شدن و
اسیر گردیدن جمعیت مسلمانان در
بدر و غیره آن از عذابهائی
که پیش از موت بایشان
رسید

وهو العزيز العليم ۝ فتوكل على الله انه على الحق المبين ۝ انك
لا تسمع الموتى ولا تسمع الصم الدعاء اذا ولوا مدبرين ۝ وما
انت بهادى العمى عن ضلالتهم ان تسمع الا من يؤمن باياتنا
فهم مسلمون ۝ واذا وقع القول عليهم اخرجنا لهم دابة من
الارض تكلمهم ان الناس كانوا باياتنا لا يوقنون ۝ و
يوم نحشر من كل امة فوجا ممن يكذب باياتنا فهم يوزعون ۝
حتى اذا جاءو قال اكذبتم باياتى ولم تحيطوا بها علما اماذا كنتم
تعملون ۝ ووقع القول عليهم بما ظلموا فهم لا ينطقون ۝ الم
يروا انا جعلنا الليل ليسكنوا فيه والنهار مبصرا ان فى
ذلك لايات لقوم يؤمنون ۝ ويوم ينفخ فى الصور ففزع من
فى السموات ومن فى الارض الا من شاء الله وكل اتوه
داخرين ۝ وترى الجبال تحسبها جامدة وهى تمر مر السحاب

باب
طریقه حقه امامیه
رضی الله عنهم این آیه اشاره است
برجعت در دنیا هنگام ظهور دولت جناب الائمه
صلوات الله علیه نه بحشر روز قیامت موید
این تفسیر است تنکیر فوجا که مفید تقلیل است و من
تبعیضیه است در ممن یکذب چه در روز قیامت
همه آدمیان از اولین و آخرین محشور خواهند
شد و اختصاص بعضی ندارد و بلکه گذشته از اجماع
بضرورت مذهب امامیه رضی الله عنهم اخبار
متکثره متواتره از اهل بیت علیهم السلام است
که حقتعالی نزد ظهور قائم آل محمد علیهم السلام
گروهی از مردگان شیعیان اهل بیت و جمعی
از مرده دلان منافقان دشمنان ایشان را برانگیزد
تا آنها نصرت دین خدا و شیعیان او دهند و نوع
انتقام از اینها کشند

صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون ۝ من جاء
چون بفعل آرد خدا آنخدائی که مستحکم کرد هر چیز بدرستی که او آگاه است بآنچه میکنید و هرکه بیاید

بالحسنة فله خیر منها وهم من فزع یومئذ آمنون ۝ ومن
بحسنه ای پس مر او راست بهتر از آن حسنه و ایشان از ترس روز قیامت ایمنند و هرکه

جاء بالسیئة فکبت وجوههم فی النار هل تجزون الا
آید ببدی پس نگونسار شود روهای ایشان در آتش آیا جزا داده شوید مگر

ما کنتم تعملون ۝ انما امرت ان اعبد رب هذه البلدة
آنچه بودید که میکردید جز این نیست که مامورم آنکه پرستم پروردگار این خانه و شهر را

الذی حرمها وله کل شیء وامرت ان اکون من المسلمین
که حرام کرده آنرا و مر او راست هر چیز و مامورم آنکه باشم از گردن نهندگان

وان اتلوا القرآن فمن اهتدی فانما یهتدی لنفسه ومن
و آنکه بخوانم قرآن را پس هرکه راه یابد پس جز این نیست راه یابد بر نفس خود و هرکه

ضل فقل انما انا من المنذرین ۝ وقل الحمد لله سیریکم
گمراه شود پس بگو جز این نیست که من از ترسانندگانم و بگو ستایش مر خدا راست زود باشد که بنماید

آیاته فتعرفونها وما ربک بغافل عما تعملون ۝
شما را نشانهای خود پس بشناسید آنرا و نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه می کنید

سورة القصص ثمان وثمانون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحیم ۝
بنام خداوند بخشاینده مهربان

طسم ۝ تلک آیات الکتاب المبین ۝ نتلوا علیک من نبإ موسی
متشابه است جواب قسم آنکه این سوره آیتهای کتاب روشنست میخوانیم بر تو از خبر موسی

وفرعون بالحق لقوم یؤمنون ۝ ان فرعون علا فی الارض
و فرعون براستی برای قومی که بگروند بدرستیکه فرعون برتری جست در زمین

در مجمع البیان از حاکم ابو القاسم حسکانی باسناد او از زید بن علی بن الحسین علیهما السلام روایت کرده که گفت شنیدم که حضرت ابو جعفر صلوات الله علیه میفرمود که ابو عبد الله جدلی بخدمت امیر المومنین رسید آنحضرت فرمود ای عبد الله میخواهی خبر دهم ترا از تفسیر کریمه من جاء بالحسنة فله خیر منها تا الا ما کنتم تعملون گفت آری فدای تو شوم فرمود که حسنه دوستی ما خانواده رسالتست و سیئه دشمنی ماست و هم از حاکم ابو القاسم حسکانی بسند او از جابر بن عبد الله انصاری روایت کرده که رسول خدا فرمود ای علی اگر امت من روزه دارند بحدی که بگردند در لاغری مانند زه کمان و آنقدر نماز گذارند که پشتشان خم گردد مانند کمان و بر او شتر باشند هرآینه سرنگون بر سینهای خود در دوزخ افتند

خواص این سوره در سوره شعرا گذشت

وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ
وگردانید اهل مصر را گروه متفرقه زبون و ناتوان گرفت از ایشان را بکشت پسران ایشان را
وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ۝ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى
وزنده میگذاشت زنان ایشان را بدرستی که فرعون بود از تباه کاران ومیخواستیم که منت نهیم بر
الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ
آنانکه ضعیف شده بودند در زمین و بگردانیم ایشان را پیشوایان و بگردانیم ایشان را وارثان
وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا
وتمکین کنیم ایشان را در زمین وبنمائیم فرعون و هامان را ولشکرهای ایشان را
مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ۝ وَأَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّ مُوسَى أَنْ أَرْضِعِيهِ
از بنی اسرائیل آنچه بودند که حذر میکردند و وحی فرستادیم بسوی مادر موسی که شیرده موسی را
فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا
پس چون بترسی بر او پس بیفکن او را در دریا و مترس و انده مکن مباش بدرستیکه ما
رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝ فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ
بازگردانندهایم موسی را بسوی تو وگردانندهایم او را از پیغمبران پس گرفتند موسی را اهل کسان فرعون
لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا
تا باشد موسی مر ایشان را دشمن و اندوه بدرستیکه فرعون و هامان و لشکرهای ایشان
كَانُوا خَاطِئِينَ ۝ وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٍ لِي وَلَكَ
بودند خطاکاران وگفت زن فرعون آسیه که موسی روشنی چشم منست و تو
لَا تَقْتُلُوهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝
مکشید او را شاید آنکه سود بخشد ما را یا فرا گیریم فرزند او را ایشان نمیدانستند
وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَى فَارِغًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ
وگشت دل مادر موسی خالی از صبر چون دید که نزدیک بود تا ظاهر کند موسی را اگر نه ما بند
رَبَطْنَا عَلَى قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ
نهادیم بر دل او تا باشد از گروندگان وگفت مادر موسی مر خواهر خود را

مجمع البیان کشف
که بصحت پیوسته که امیر المؤمنین
فرموده سوگند بآنکه دانه را شکافته و جانها را
آفریده که برآینه دنیا با ما مهربانی کند با
برگردد بعد ازآنکه با ما بدی کرده
مانند مهربانی ماده شتر بد خو بر فرزند پس تلاوت
فرمود که ونرید ان نمن علی الذین استضعفوا تا آخر
و عیاشی بسند خود از ابو الصباح کنانی روایت
کرده که ابو جعفر صلوات الله علیه بسوی حضرت
ابی عبد الله علیه السلام نگریست و فرمود که
این بخدا سوگند که از آن کسانیست که خدا
در حق ایشان فرموده ونرید ان نمن علی الذین
تا آخر و حضرت علی بن الحسین علیهما السلام فرمود
قسم بآنکه محمد را براستی فرستاد بشارت دهنده
و بیم نماینده که نیکوکاران از ما خاندان بمنزله
موسی و شیعیان اویند
و دشمنان ما و شیعیان ایشان
بمنزله فرعون و شیعیان
اویند

قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَن جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۞ وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ

بروی از او را در خود پس دید موسی را از دور و ایشان نمیدانستند و حرام گردیم بر موسی

الْمَرَاضِعَ مِن قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ

شیر دایگان را پیش از آمدن خواهر پس گفت آیا راه نمایم شما را بر اهل خانه که کفالت این طفل را

لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ ۞ فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا

برای شما و ایشان مر او را نیکخواهان باشند پس بازگردانیدیم موسی را بسوی مادر خود تا روشن شود چشم او و

تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۞

اندوهگین نباشد و تا بداند که بدرستیکه وعده خدا راست است ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي

و آنهنگام که رسید بقوت و کمال خود و راست شد دادیم او را نبوت و دانش و همچنین جزا میدهیم

الْمُحْسِنِينَ ۞ وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ

نیکوکاران را و در آمد موسی بشهر مصر در هنگام غفلتی از اهل مصر پس یافت

فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِن شِيعَتِهِ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ

در آن شهر دو مرد که منازعه میکردند با هم این از تابعان موسی بود و این از دشمن او بود پس فریاد

الَّذِي مِن شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ

خواست موسی را آنکس که از شیعه او بود بر آنکه از دشمن او بود پس مشت زد او را موسی پس بکشت او را

قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ ۞ قَالَ رَبِّ

گفت موسی این از کار شیطان است بدرستیکه او دشمنی گمراه کننده ظاهر است گفت پروردگارا

إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۞

بدرستیکه من ستم کردم بر خود پس بیامرز مرا پس آمرزید او را بدرستیکه او آمرزنده مهربانست

قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ ۞ فَأَصْبَحَ

گفت موسی پروردگارا بسبب آنچه انعام کردی بر من از قوت پس هرگز نباشم مددکار گناهکاران پس بامداد

فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنصَرَهُ بِالْأَمْسِ

در شهر بود ترسنده و انتظار میبرد پس آنگاه آنکس که طلب یاری میکرد دی شام

حزب

عن جنب
در محل نصب است
بر حالیت از فاعل بصرت یعنی
بعیده و میگویند بصرت به عن جنب یعنی عن بعد
و ملخص معنی آنکه چون مادر موسی خواهر موسی را
که عبارت از مریم بود گفت که پی جوئی موسی کن ببین
که با موسی چه میکنند و او بخانه فرعون کنار رخ
در آمده او را بسلامت دید و شنید که در تکاپوی
تحصیل دایه اند برای شیر دادن موسی و حضرت
شیر هیچکس را نمیگرفت گفت من خواهم دایه
نیکی برای او پیدا کنم و مادر را
نشان داد بوی او را شیر داد
۱۲۰

يستصرخه قال له موسى انك لغوي مبين فلما ان اراد

بازطلب فریاد میکرد گفت او را موسی بدرستیکه تو هر آینه گمراهی ظاهر پس آن هنگام که خواست

ان يبطش بالذي هو عدو لهما قال يا موسى اتريد ان تقتلني

موسی انکه بگیرد آن کس را که او دشمن موسی و بنی اسرائیل بود گفت سبطی ای موسی آیا میخواهی انکه بکشی مرا

كما قتلت نفسا بالامس ان تريد الا ان تكون جبارا في الارض

همچنانکه کشتی نفسی را دیروز میخواهی مگر آنکه باشی گردنکش در زمین

وما تريد ان تكون من المصلحين وجاء رجل من اقصا المدينة

و نمیخواهی آنکه باشی از اصلاح کنندگان و آمد مردی از دورتر جای شهر

يسعى قال يا موسى ان الملاء يأتمرون بك ليقتلوك فاخرج

که شتاب میکرد گفت ای موسی بدرستی که اشراف قوم مشورت میکنند در باب تو تا بکشند ترا پس بیرون رو

اني لك من الناصحين فخرج منها خائفا يترقب قال رب نجني

بدرستی که من ترا از خیرخواهانم پس بیرون رفت از مصر ترسان منتظر آنکه از پی او بیایند گفت پروردگارا

من القوم الظالمين ولما توجه تلقاء مدين قال عسى ربي

نجات ده مرا از گروه ستمکاران و آن هنگام که روی آورد بطرف مدین گفت شاید پروردگار

ان يهديني سواء السبيل ولما ورد ماء مدين وجد

انکه راه نماید مرا براه راست و چون وارد کنار آب مدین یافت

عليه امة من الناس يسقون ووجد من دونهم امراتين

بر سر آن گروهی بسیار از مردمان که آب میدهند مواشی خود را و یافت از فرود ایشان دو زن که منع میکردند

تذودان قال ما خطبكما قالتا لا نسقي حتى يصدر الرعاء

گوسفندان از آب گفت موسی چیست حال شما گفتند آب نمیدهیم اغنام را تا آنکه باز گردانند مردم مواشی

وابونا شيخ كبير فسقى لهما ثم تولى الى الظل فقال

خود را و پدر ما پیری است کهن سال پس آب داد برای ایشان پس برگردید بسوی سایه درختی پس گفت

رب اني لما انزلت الي من خير فقير فجاءته احديهما تمشي

پروردگارا بدرستی که من آن چیز را که بفرستی بسوی من از نیکوئی محتاجم پس آمد بسوی موسی یکی از دو زن که میرفت

گویند که مدین شهر شعیب بود هشت روزه راه تا مصر بود و از مملکت فرعون بیرون بود

عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا
بر طریق حیا و شرم گفت ای موسی بدرستی که پدر من میخواند تو را تا پاداش دهد تو را مزد آب دادن گوسفندان

فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ
ما پس چون آمد موسی نزد شعیب و خواند بر او قصه های خود را گفت مترس رهائی یافتی از گروه

الظَّالِمِينَ ۝ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ
ستمکاران ۝ گفت یکی از آن دو دختر ای پدر من بمزد گیر موسی را بدرستی که بهتر کسیست

اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ۝ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى
که بمزد گیری مزدور توانای امین است ۝ گفت شعیب ای موسی بدرستیکه میخواهم بنکاح تو در آورم یکی

ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا
دو دختر خود را از آن بر صداق آنکه نفس خود را اجاره دهی بمن هشت سال پس اگر تمام گردی ده سال

فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ
پس از نزد تست ۝ و نمیخواهم آنکه مشقت نهم بر تو زود باشد که بیابی مرا اگر خواهد

اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ قَالَ ذَٰلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ
خدا ۝ از شایستگان در معامله گفت ۝ این شرط میان من و میان تو که هر کدام از آن دو مدت

قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ۝ فَلَمَّا
که بگذارم ۝ پس نیست هیچ تعدی بر من ۝ و خدا بر آنچه میگوئیم وکیل است پس هنگام

قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا
که بگذارد موسی مدت ده سال را و سیر کرد موسی با اهل خود بمصر دید از طرف کوه طور آتشی

قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا
گفت مر اهل خود را که درنگ کنید بدرستی که من دیدم آتشی را شاید که من بیارم شما را از آن آتش

بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ۝ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ
خبر راه را یا پاره از آن آتش ۝ شاید شما گرم شوید ۝ پس چون آمد نزد آتش ندا کرده شد

مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ
از جانب رود که از جانب راست ایمن بود در جای برکت داده شده ۝ از درخت

صفوان
بن یحیی مرویست
که گفت آنحضرت صادق علیه السلام
پرسیدند که کدام یک از دختران
شعیب این نعام را بموسی آورد فرمود
آنکه زن او شد پرسیدند که کدام
یک از آن دو مدت خدمت
کرد فرمود که مدت دراز
را که ده سال

أَنْ يَا مُوسَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝ وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا

که ای موسی بدرستیکه منم خدائی که پروردگار عالمیانم ۝ و آنکه بیفکن عصای خود را پس چون

رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّىٰ مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَىٰ أَقْبِلْ

دید عصا را که حرکت میکند گویا ماریست بسرعت برگشت و پشت گردانید و برنگشت گفتیم ای موسی پیش آی

وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ ۝ اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ

و مترس پس بدرستی که تو از ایمنانی ۝ در آور دست خود را در گریبان خود تا بیرون آید

بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ

سفید درخشنده از غیر بدی ۝ و جمع کن بسوی خود بال خود را ۝ از ترس پس این

بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ

دو علامت روشنند از پروردگار تو بسوی فرعون و اشراف قوم او بدرستی که ایشان هستند گروهی فاسقان

قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ۝ وَأَخِي

گفت پروردگارا بدرستیکه من کشتم از فرعونیان شخصی را پس میترسم آنکه بکشند مرا ۝ و برادر من

هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسِلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي

هارون او فصیحتر است از من از روی زبان پس بفرست او را با من که مددکار من باشد و تصدیق من کند

أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ۝ قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ

بدرستی که من میترسم که تکذیب کنند ایشان مرا ۝ گفت زود باشد که سخت کنیم بازوی تو را ببرادر تو

وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمَا وَمَنِ

و بگردانیم برای شما تسلطی برا عدا پس نرسند بسوی شما ۝ پس بروید با معجزات ما شما و هر که

اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ ۝ فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا

متابعت کند شما را غلبه کنندگانند پس هنگامی که آمد ایشان را موسی با معجزات که ظاهر بود ۝ گفتند نیست

هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُفْتَرًى وَمَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ۝

این ۝ مگر جادوئی آشکار و افترا کرده شده و نشنیدیم ما مثل این سحر در روزگار ۝ پیشینیان

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ

و گفت ۝ موسی پروردگار من داناتر است بکسی که آمد براه نمودن ۝ از نزد او و داناتر است بر آنکه باشد

یعنی
اگر زیادتی شعاع
نور دست تو خوف بر تو مستولی
کند هر دستی را بزیر بازوی دست
دیگر بر تا بحال خود آید

لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ اِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ۝ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا اَيُّهَا
برای او سرانجام خوب بدرستیکه رستگار نشوند ستمکاران ۝ و گفت فرعون ای
الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ اِلٰهٍ غَيْرِي فَاَوْقِدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى
اشراف قوم نمیدانم من برای شما هیچ خدای جز من پس بر افروز برای من ای هامان آتش بر
الطِّينِ ۝ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي اَطَّلِعُ اِلٰى اِلٰهِ مُوسٰى وَاِنِّي
گل تا پخته شود ۝ پس بگردان برای من کوشکی بلند تا شاید که من مطلع شوم بر خدای موسی و بدرستی که من
لَاَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۝ وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْاَرْضِ
گمان دارم اورا از دروغگویان ۝ و گردنکشی کرد فرعون و لشکرهای او در زمین
بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا اَنَّهُمْ اِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ ۝ فَاَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ
بنا حق و گمان بردند بدرستیکه ایشان بسوی ما بر گردیده نشوند ۝ پس گرفتیم اورا و لشکرهای اورا
فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ۝ وَ
پس افکندیم ایشانرا در دریا پس بنگر چگونه بود سرانجام ستمکاران ۝ و
جَعَلْنَاهُمْ اَئِمَّةً يَدْعُونَ اِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ لَا يُنْصَرُونَ
گردانیدیم ایشانرا پیشوایان گمراهان میخوانند بسوی آتش و روز قیامت یاری کرده نخواهند شد
وَاَتْبَعْنَاهُمْ فِي هٰذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ
و از پی در آوردیم ایشانرا در این دنیا دوری از رحمت و روز قیامت ایشان از زشت رویان
وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا اَهْلَكْنَا الْقُرُونَ
و بتحقیق که دادیم ما موسی را توریت بعد از آنکه هلاک کردیم اهل قرنهای
الْاُولٰى بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ
پیشین را که روشن بود برای مردم و راهنماینده و بخشش شاید ایشان پند پذیرند
وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ اِذْ قَضَيْنَا اِلٰى مُوسَى الْاَمْرَ وَمَا كُنْتَ
و نبودی تو بطرف وادی غربی یا بناحیه طور چون گذاردیم بسوی موسی وحی را و نبودی تو
مِنَ الشَّاهِدِينَ ۝ وَلٰكِنَّا اَنْشَاْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ
از حاضران ۝ و لیکن ما آفریدیم قرنهای بسیار پس دراز شد بر ایشان



الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَ

عمر و زندگی و نبودی تو مقیم در اهل مدین بخوانی بر ایشان آیات ما را و

لَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ۝ وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَ

و لیکن ما هستیم فرستنده تو و نبودی تو حاضر بطرف کوه طور وقتی که ندا کردیم ما و

لَكِنْ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ

و لیکن خبر دادیم تورا بخشش از پروردگار تو تا بیم کنی گروهی را که نیامده ایشان را هیچ بیم کننده پیش از تو

لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ وَلَوْلَا أَنْ تُصِيبَهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ

شاید ایشان پند پذیرند و اگر نه آن بودی که بدیشان رسیدی بآنچه پیش فرستاده

أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ

دستهای ایشان پس گفتندی وقت عذاب ای پروردگار ما چرا نفرستادی بسوی ما پیغمبری تا پیروی کنیم آیات تو را

وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا

و باشیم ما از گروندگان پس چون آمد ایشان را راستی از نزد ما گفتند چرا

أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوَلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ

داده نشد مثل آنچه داده شد بموسی آیا کافر نشدند بآنچه داده شده بود بموسی

مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلٍّ كَافِرُونَ

پیش ازین گفتند این دو ساحر هم پشت شدند و گفتند که ما بهمه آن ناگروندگانیم

قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعْهُ إِنْ كُنْتُمْ

بگو یا محمد پس بیارید کتابی را از نزد خدا باشد که آن رهنماینده تر باشد از توراة و قرآن پیروی کنم

صَادِقِينَ ۝ فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ

آن را اگر هستید راستگویان پس اگر اجابت نکنند مر ترا پس بدان که جز این نیست که پیروی میکنند خواهشهای

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي

خود را و کیست گمراه تر از کسیکه پیروی کند آرزوی خود را بجز راه نمودنی از جانب خدا بدرستی که خدا راه نمینماید

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

گروه ستمکاران را و بحقیق که متصل گردانیدیم برای ایشان قرآن را شاید ایشان را پند پذیرند

خلاصه

مضمون اینکه ترا فرستادیم

ترا برای الزام حجت بر ایشان و قطع عذر ایشان

چه اگر پیغمبر نفرستادیم ترا برسالت و دعوت

بر کفر ایشان را عقوبت مینمودیم میتوانستند گفت

چرا بما پیغمبری نفرستادی که با فرمان تو بریم

و چون ترا فرستادیم این نمیتوانستند

گفت والسلام

سحران خبر مبتدای محذوف باشد بتقدیر هما

سحران و تظاهرا صفت است و مراد درین از

این دو سحر معجزات موسی و معجزه محمد است و

مظاهرت و معاونت باعتبار آنست که هر یک

ازانها مصدق دیگری اند و بقولی مراد از سحران

موسی و محمد اند از باب مبالغه در ساحری نامیدند

عدل و بنا بر قراءت ساحران مراد موسی است

حضرت است و بقولی موسی و هارون و این بسیار

ضعیف است

الذين آتيناهم الكتاب من قبله هم به يؤمنون ۝ وإذا يتلى
عليهم قالوا آمنا به إنه الحق من ربنا إنا كنا من قبله مسلمين
أولئك يؤتون أجرهم مرتين بما صبروا ويدرؤون بالحسنة
السيئة ومما رزقناهم ينفقون ۝ وإذا سمعوا اللغو أعرضوا
عنه وقالوا لنا أعمالنا ولكم أعمالكم سلام عليكم لا نبتغي
الجاهلين ۝ إنك لا تهدي من أحببت ولكن الله يهدي
من يشاء وهو أعلم بالمهتدين ۝ وقالوا إن نتبع الهدى
معك نتخطف من أرضنا أولم نمكن لهم حرما آمنا يجبى
إليه ثمرات كل شيء رزقا من لدنا ولكن أكثرهم لا يعلمون
وكم أهلكنا من قرية بطرت معيشتها فتلك مساكنهم
لم تسكن من بعدهم إلا قليلا وكنا نحن الوارثين ۝ وما
كان ربك مهلك القرى حتى يبعث في أمها رسولا يتلوا

عليهم اياتنا وما كنا مهلكي القرى الا واهلها ظالمون ۝ وما
بر ایشان آیات ما را و نیستیم ما هلاک کننده دیها مگر آنکه اهل آن دیها ستمکار باشند و آنچه
اوتيتم من شيء فمتاع الحيوة الدنيا وزينتها وما عند الله
داده شدید از چیزی پس آن متاع زندگانی دنیاست و زینت آن و آنچه نزد خداست
خير وابقى افلا تعقلون ۝ افمن وعدناه وعدا حسنا فهو
بهتر است و باقی تر آیا پس تعقل نمیکنید آیا پس آنکه وعده کردیم او را وعده نیکو پس او
لاقيه كمن متعناه متاع الحيوة الدنيا ثم هو يوم القيمة من
دریابنده آن موعود است مانند کسی که برخورداری دادیم او را زندگانی دنیا پس او روز قیامت از
المحضرين ۝ ويوم يناديهم فيقول اين شركاءي الذين كنتم
حاضر کرده شدگانست و روزیکه بخواند ایشانرا پس گوید کجاست شریکان من آنانکه بودید
تزعمون ۝ قال الذين حق عليهم القول ربنا هؤلاء الذين
که گمان میکردید گویند آنانکه واجب شده بر ایشان کلمه عذاب پروردگارا این گروه ضعفا آنانکه
اغوينا اغويناهم كما غوينا تبرأنا اليك ما كانوا ايانا يعبدون
گمراه کردیم گمراه کردیم ایشانرا چنانکه گمراه شدیم تبرا کردیم بسوی تو نبودند ایشان که ما را پرستند
وقيل ادعوا شركاءكم فدعوهم فلم يستجيبوا لهم وراوا
و گفته شود که بخوانید شریکان خود را پس بخواندند ایشانرا پس اجابت نکنند ایشانرا و ببینند
العذاب لو انهم كانوا يهتدون ۝ ويوم يناديهم فيقول
عذاب را اگر آنکه ایشان بودندی که راه یافتندی و روزیکه ندا کند خدا کفار را پس گوید
ماذا اجبتم المرسلين ۝ فعميت عليهم الانباء يومئذ فهم
چه جواب دادید پیغمبران را پس پوشیده شود بر ایشان از هول خبرها در آنروز پس ایشان
لا يتساءلون ۝ فاما من تاب وامن وعمل صالحا فعسى
نپرسند از هم پس آنانکه توبه کردند و ایمان آوردند و کردند کار شایسته پس شاید
ان يكون من المفلحين ۝ وربك يخلق ما يشاء ويختار ما
آنکه بوده باشد از رستگاران و پروردگار تو می آفریند آنچه میخواهد و اختیار میکند

کان

كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَتَعَالٰى عَمَّا يُشْرِكُونَ وَرَبُّكَ

مر ایشان را اختیاری پاکست خدا و برتر است از آنچه شرک می آورید و پروردگار تو

يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ وَهُوَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا

میداند آنچه پوشیده سینه های ایشان و آنچه آشکار میکنند و اوست خدای که نیست خدای مگر

هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولٰى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

او مر او راست سپاس در این جهان و آن جهان و مر او راست حکم و بسوی او بازگردانیده میشوید

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللّٰهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلٰى يَوْمِ

بگو آیا می بینید اگر گرداند خدا بر شما شب را پاینده تا روز

الْقِيٰمَةِ مَنْ إِلٰهٌ غَيْرُ اللّٰهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ قُلْ

قیامت کیست خدای غیر خدای که بیارد برای شما روشنی آیا پس نمی شنوید بگو

أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللّٰهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

آیا می بینید اگر گرداند خدا بر شما روز را پاینده تا روز قیامت

مَنْ إِلٰهٌ غَيْرُ اللّٰهِ يَأْتِيكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ

کیست خدای غیر خدای که بیارد برای شما شب را که ساکن شوید در آن آیا پس نمی بینید آثار قدرت را

وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ

و از بخشایش خود ساخت برای شما شب و روز را تا ساکن شوید در شب

وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ

و تا طلب کنید از فضلش رزق را و تا شاید شما شکر کنید و یاد کن ای محمد روزی که ندا کند کفار را

فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ

پس گوید کجا است شریکان من آنانکه بودید شما که گمان میبردند و بیرون آریم ما از هر

أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلّٰهِ

امتی گواهی پس گوئیم ما بیارید حجت روشن خود را پس دانستند که حق مر خدای راست

وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ

و گم کرد از ایشان آنچه بودند که افترا میکردند بدرستی که قارون بود از قوم

تکرار
ایکلام جهة غایت
سرزنش مشرکان است و بقولی
غرض از ندای اول اقرار کشیدن از ایشان است
بگمراهی خود و ندای ثانی جهة بیان اینست که گمراهی
ایشان بی سند و محض متابعت هوای نفس اماره است
گویند
که موسی سه یک علم کیمیا را
بقارون آموخت و سه یک آنرا بیوشع و
سه یک آنرا بهارون قارون بحیله آن
دو ثلث را هم از هارون و یوشع فرا گرفت و
بکیمیا گری آن اموال را اندوخت و بقولی مراد
از آن علم بوجوه صناعات و تجارات و
زراعات که بهیچ اهل شناسائی
آنها ندانستند

موسى فبغى عليهم وآتيناه من الكنوز ما إن مفاتحه لتنوء

موسی پس ستم کرد بر ایشان و دادیم ما او را از گنجها آن مقدار که حمل کلید های آن هر آینه رنج

بالعصبة أولي القوة إذ قال له قومه لا تفرح إن الله لا

می آورد بسیاری از مردمان با قوت را چون گفتند مر او را قوم او که شاد مباش بدرستیکه خداوند

يحب الفرحين ۝ وابتغ فيما آتاك الله الدار الآخرة ولا تنس

دوست ندارد شادی کنندگان را و طلب کن در آنچه داده تو را خدا سرای آخرت و فراموش مکن

نصيبك من الدنيا وأحسن كما أحسن الله إليك ولا تبغ

بهره خود را از دنیا و نیکوئی کن چنانکه نیکوئی کرد خدا با تو و طلب مکن

الفساد في الأرض إن الله لا يحب المفسدين ۝ قال إنما

تباه کاری را در زمین بدرستیکه خدا دوست ندارد تباه کاران را گفت جز این نیست

أوتيته على علم عندي أولم يعلم أن الله قد أهلك من قبله

که داده شده ام بسبب علمی که نزد منست آیا ندانسته که خدا بتحقیق هلاک کرد پیش از او

من القرون من هو أشد منه قوة وأكثر جمعا ولا يسئل

از روزگاران کسی را که او سخت تر بود از او از روی قوت و بیشتر از روی جمعیت مال و پرسیده نشوند

عن ذنوبهم المجرمون ۝ فخرج على قومه في زينته قال الذين

از گناهان گناهکاران پس بیرون رفت بر قوم خود در زینت خود گفتند آنانکه

يريدون الحيوة الدنيا يا ليت لنا مثل ما أوتي قارون إنه

میخواستند زندگانی دنیا را ای کاشکی بودی ما را مانند آنچه داده شده بقارون بدرستیکه او

لذو حظ عظيم ۝ وقال الذين أوتوا العلم ويلكم ثواب الله خير

صاحب بهره بزرگست و گفتند آنانکه داده شد ایشان را علم وای بر شما پاداش خدا بهتر است

لمن آمن وعمل صالحا ولا يلقاها إلا الصابرون ۝ فخسفنا

برای کسیکه گروید و کرد کار شایسته و پیش آورده نشوند مگر صبر کنندگان پس فرو بردیم ما

به وبداره الأرض فما كان له من فئة ينصرونه من دون

قارون و خانه او را بزمین پس نبود مر او را هیچ گروهی که یاری کنند او را غیر از

در مجمع البیان حکایت کرده
که قارون زنی از زناکاران بنی اسرائیل را
تطمیع کرده و بدره زر سر بمهر خود بوی داد بشرط
آنکه فردا در مجمع بنی اسرائیل گوید که موسی میخواست
با من زنا کند و آن زن قبول آن معنی نموده بدره را
بخانه برد و از این حکایت پشیمان شده با خود گفت
که این شنیعه که میکردی بس بود که میخواهی تهمت
زنا بر پیغمبر خدا زنی چون روز شد آن بدره را
بهمراه برد آنجا به مجمع بنی اسرائیل آورده و گفت
قارون مرا تعلیم کرده موسی از این حکایت در غضب
شد و او را نفرین کرد و خطاب الهی رسید که
زمین را رام تو کردیم هرچه خواهی از عقوبت قارون
بآن فرمای پس موسی فرمود ای زمین بگیر
قارون را زمین در زیر تخت قارون بلرزه آمده
تخت را فرو برد قارون چون این حال عجب را
مشاهده کرد موسی را بحق خویشی که عم زاده هم
بودند سوگند داد که از تقصیر وی درگذرد
موسی قبول ننموده باز فرمود که ای زمین فرو بر
او را تا قدمهای وی را بلعید و باز موسی را سوگند
داد قبول نکرده امر بتبلیغ وی نمود تا کمر زمین
رفت باز او را سوگند داد به درجه قبول انتها
تا بزمین فرو رفت پس وحی آمد بموسی که قارون
چند نوبت بتو استغاثه کرد و قسم داد او را
بحق خویشی که از تقصیر او درگذری و از وی عفو
نکردی اگر یکنوبت مرا میخواند و از من استغاثه
مینمود هر آینه از وی عفو میکردم و
بفریادش می رسیدم

اللهِ وما كانَ منَ المنتصرينَ ۞ واصبحَ الذينَ تمنوا مكانهُ

جایگاه او را آرزو کردند آنانکه وبامداد کردند منع کنندگان از ◌ نبودند و خدا

بالامسِ يقولونَ ويكانَّ اللهَ يبسطُ الرزقَ لمن يشاءُ من عبادهِ

از بندگان که میخواهد هر برای را روزی میگشاید خدا که این بصواب است مانند چه بابهم میگفتند ◌ دیروز

ويقدرُ لولا ان منَّ اللهُ علينا لخسفَ بنا ويكانهُ لا يفلحُ

رستکاری نی یابند که میماند چه واو ما را فرو بردی هرآینه برما خدا نهاد منت که بودی آن نه اگر آنرا میکردند تنگ و

الكافرونَ ۞ تلكَ الدارُ الاخرةُ نجعلها للذينَ لا يريدونَ

کافران ◌ آن ◌ سرای ◌ دیگر را گردانیده ایم ما از برای آنانکه نمیخواهند

علوًّا في الارضِ ولا فسادًا والعاقبةُ للمتقينَ ۞ من جاءَ

برتری ◌ در زمین ونه تباهی را و سرانجام برای پرهیزکارانست ◌ هرکه بیاید

بالحسنةِ فلهُ خيرٌ منها ومن جاءَ بالسيئةِ فلا يجزى الذينَ

بصفات نیکو پس مر او راست ثواب بهتر از آن وهرکه بیاید بخصلت بد ◌ پس جزا داده نشوند آنانکه

عملوا السيئاتِ الا ما كانوا يعملونَ ۞ انَّ الذي فرضَ عليكَ

کردند بدیها ◌ مگر مانند آن چیز بودند که میکردند ◌ بدرستی که آنکسی که فرض کرد برتو

القرآنَ لرادكَ الى معادٍ قل ربي اعلمُ من جاءَ بالهدى و

تلاوت قرآن را هرآینه بازگرداننده تست بسوی بازگشت بگو پروردگار من داناترست بکسی که آمده براه راست و

من هوَ في ضلالٍ مبينٍ ۞ وما كنتَ ترجوا ان يلقى اليكَ

کسی او ◌ در گمراهی ◌ ظاهر است ◌ و نبودی تو که امید داشتی آنکه القا کرده شود بسوی تو

الكتابُ الا رحمةً من ربكَ فلا تكوننَّ ظهيرًا للكافرينَ ۞

این کتاب که قرآنست مگر بخشش ◌ از پروردگار تو پس مباش تو هم پشت ◌ مر کافران را ◌

ولا يصدنكَ عن آياتِ اللهِ بعدَ اذ انزلتْ اليكَ وادعُ الى

و باید که بازندارند تورا از آیتهای خدا بعد از آنکه فرو آمد بسوی تو و بخوان مردم را بسوی

ربكَ ولا تكوننَّ منَ المشركينَ ۞ ولا تدعُ معَ اللهِ الهًا آخرَ

پروردگار خود و مباش تو ◌ از مشرکان ◌ و مخوان تو باهمه بار خدا خدای دیگر

بقولی
مراد از معاد مکه است
وبقولی بهشت وسرای آخرت
ومؤید معنی اول است آنچه از بعضی
ارباب لغت منقول است که
معاد الرجل بلده لانه ینصرف
فی البلاد ثم یعود الیه
والله یعلم

لا إله إلا هو كل شيء هالك إلا وجهه له الحكم وإليه

نیست خدائی مگر او هر چیزی نیست شونده است مگر ذات او جل جلاله مر او راست حکم و فرمان و بسوی او

ترجعون

بر گردانیده میشوید

سورة العنكبوت تسع و ستون آية وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الم أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمنا وهم لا

آیا گمان بردند مردمان که گذاشته شوند باینکه گویند ایمان داریم و ایشان

يفتنون ولقد فتنا الذين من قبلهم فليعلمن الله الذين

[illegible]

صدقوا وليعلمن الكاذبين أم حسب الذين يعملون

[illegible]

السيئات أن يسبقونا ساء ما يحكمون من كان يرجوا

[illegible]

لقاء الله فإن أجل الله لآت وهو السميع العليم ومن جاهد

[illegible]

فإنما يجاهد لنفسه إن الله لغني عن العالمين والذين

[illegible]

آمنوا وعملوا الصالحات لنكفرن عنهم سيئاتهم و

[illegible]

لنجزينهم أحسن الذي كانوا يعملون ووصينا الإنسان

[illegible]

بوالديه حسنا وإن جاهداك لتشرك بي ما ليس لك

[illegible]

حزب

از ابی عبد الله روایت که هر که سوره روم و عنکبوت را در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان بخواند پس بخدا سوگند که او از اهل بهشت باشد ... [illegible] ... بحق [illegible]

در مجمع البیان از حضرت امیر المؤمنین جعفر ابن محمد صلوات الله علیهم ... [illegible]

مضمون اینکه ملکه کار آن ... [illegible]

ابه

به علم فلا تطعهما الی مرجعكم فانبئكم بما كنتم تعملون

بآن دانشی پس اطاعت مکن ایشانرا بسوی منست مرجع شما پس آگاه کنم شمارا بآنچه بودید که میکردید

والذين امنوا وعملوا الصالحات لندخلنهم في الصالحين

وآنانکه گرویدند وکردند کارهای شایسته هر آینه در آریم ایشانرا در زمره شایستگان

ومن الناس من يقول امنا بالله فاذا اوذي في الله جعل

و از مردمان کیست که میگوید گرویدیم بخدا پس چون ایذا کرده شوند در راه خدا گرداند

فتنة الناس كعذاب الله ولئن جاء نصر من ربك

عذاب مردمان را همچو عذاب خدا و اگر آید یاری از پروردگار تو

ليقولن انا كنا معكم اوليس الله باعلم بما في صدور العالمين

هر آینه گویند بدرستی که بودیم ما با شما آیا نیست خدا داناتر بآنچه در سینه های عالمیانست

وليعلمن الله الذين امنوا وليعلمن المنافقين وقال الذين

و هر آینه میداند خدا آنانکه گرویدند و هر آینه میداند منافقان را و گفتند آنانکه

كفروا للذين امنوا اتبعوا سبيلنا ولنحمل خطاياكم وما هم

کافر شدند برای آنانکه گرویدند پیروی کنید راه ما را و باید که ما برداریم گناهان شمارا و نیستند

بحاملين من خطاياهم من شيء انهم لكاذبون وليحملن

ایشان بردارندگان از گناهان ایشان هیچ چیز بدرستی ایشان هر آینه دروغگویانند و هر آینه برمیدارند

اثقالهم واثقالا مع اثقالهم وليسئلن يوم القيمة عما

بارهای گران گناه را و بارهای دیگر از بارهای گران خود و پرسیده خواهند شد روز قیامت از آنچه

كانوا يفترون ولقد ارسلنا نوحا الى قومه فلبث فيهم

بودند که افترا میکردند و بتحقیق که فرستادیم نوح را بسوی قوم او پس درنگ کرد در ایشان

الف سنة الا خمسين عاما فاخذهم الطوفان وهم ظالمون

هزار سال مگر پنجاه سال پس گرفت ایشانرا طوفان و ایشان ستمکاران

فانجيناه واصحاب السفينة وجعلناها اية للعالمين

پس رهانیدیم او را و یاران کشتی را و گردانیدیم ما کشتی را علامتی برای جهانیان

یعنی
هرگاه آزاری رسد
بایشان بسبب دین الهی از مشرکان
از دین برگردد بعلت ترس از
عذاب ایشان و عذاب
آدمیان را چون عذاب
خداوند ملکه سخت
گیرد

لنحمل
عطف است بر اتبعوا
که در عطف این کافران امر خود در لنحمل خطایاکم
مخاطبین بمتابعت سبیل ایشان مبالغه
در این حمل و دلیر کرده اند مخاطبین
در آن متابعت و از این جهت حق تعالی در مقام
رد قول ایشان فرموده که
و ما هم بحاملین من خطایاهم
من شیئ

وابرهيم اذ قال لقومه اعبدوا الله واتقوه ذلكم خير

وابراهیم چون گفت مرقوم خود را که بپرستید خدا را و بترسید از عذاب خدا این بهتر است

لكم ان كنتم تعلمون انما تعبدون من دون الله اوثانا

برای شما اگر هستید که بدانید جز این نیست که میپرستید بجز از خدا بتان را

وتخلقون افكا ان الذين تعبدون من دون الله لا يملكون

و برمی بافید دروغ را بدرستیکه آنانکه می پرستید بجز از خدا مالک نیستند

لكم رزقا فابتغوا عند الله الرزق واعبدوه واشكروا له

برای شما روزی را پس طلب کنید نزد خدا روزی را و بپرستید او را و شکر کنید مر او را

اليه ترجعون وان تكذبوا فقد كذب امم من قبلكم وما

بسوی او برگردیده میشوید و اگر تکذیب کردید پیغمبر را پس بتحقیق که تکذیب کردند گروهی که پیش از شما بودند و نه

على الرسول الا البلاغ المبين اولم يروا كيف يبدئ

نیست بر فرستاده مگر رسانیدن آشکار آیا ندیدند که چگونه ابتدا کرد

الله الخلق ثم يعيده ان ذلك على الله يسير قل سيروا

خدا آفریدن خلق را پس اعاده میکند او را بدرستی که این ابتدا بر خدا آسان است بگو سیر کنید

في الارض فانظروا كيف بدا الخلق ثم الله ينشئ النشاة

در زمین پس بنگرید که چگونه آفرید خلق را پس خدا پدید آورد پدید آوردن

الاخرة ان الله على كل شيء قدير يعذب من يشاء و

دیگر را بدرستی که خدا بر همه چیز توانا است عذاب کند هر کرا خواهد و

يرحم من يشاء واليه تقلبون وما انتم بمعجزين في الارض

رحم کند هر کرا خواهد و بسوی او برگردانیده میشوید و نیستید شما عاجز کنندگان خدا در زمین

ولا في السماء وما لكم من دون الله من ولي ولا نصير

و نه در آسمان و نیست مر شما را بجز از خدا هیچ دوستی و نه یاری کننده

والذين كفروا بايات الله ولقائه اولئك يئسوا من رحمتي

و آنانکه کافر شدند بنشانه های خدا و رسیدن بجزای او آن گروه ناامید خواهند بود از رحمت

واولئك

وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا

و آن گروه مرایشان راست عذاب دردناک پس نبود جواب قوم ابراهیم مگر آنکه گفتند

اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ

بکشید او را یا بسوزانید او را پس نجات داد او را خدا از آتش بدرستی که در آن نجات هر آینه علامتی است

لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ

برای گروهی که ایمان دارند و گفت ابراهیم جز این نیست که فرا گرفتید بجز از خدا بتان برای دوستی

بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ

میان شما در زندگانی دنیا پس روز قیامت کافر شوند بعضی از شما ببعضی

وَيَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

و لعنت میکنند بعضی از شما بعضی را و بازگشت شما آتش است و نیست مر شما را هیچ یاری کنندگان

فَآمَنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

پس ایمان آورد مر ابراهیم را لوط و گفت بدرستی که من هجران کننده ام بآنچه پروردگار من فرموده بدرستیکه او غالب حکیم است

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَ

و بخشیدیم ما مر او را اسحق و یعقوب و گردانیدیم ما در فرزندان یعقوب پیغمبری و

الْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ

کتابها را و دادیم ما مزد هجرت او را در دنیا و بدرستیکه او در قیامت هر آینه از

الصَّالِحِينَ ۝ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ

شایستگانست و فرستادیم لوط را چون گفت مر قوم خود را آیا می آیید بخصلت زشت یعنی

مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ۝ أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ

لواطه که پیشی نکرفتند شما را بآن هیچکس از جهانیان آیا شما می آیید بمردان

وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ ۝ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ

بطریق مباشرت و می برید راه را بر مردم و می آیید در مجلس خود بفعل زشت پس نبود

جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ

جواب قوم لوط مگر آنکه گفتند بیار ما عذاب خدا را اگر هستی تو از

گویند
بسبب ایذای مشرکان
ابراهیم با اسحاق ساره و لوط از کوثی که از
قرای کوفه بوده بشام مهاجرت فرمودند
و بقولی از کوثی بحران و از آنجا بشام رفتند
ابراهیم در فلسطین و لوط در سدوم رحل
اقامت افکندند

و آن
خرطه است چنانکه
از حضرت رضا علیه السلام روایت
شده و بقولی لواطه و بقولی انواع
قبایح از غنا و قمار و لواطه
و غیر اینها

الصّادقين ۝ قال ربّ انصرني على القوم المفسدين

راستگویان ۝ گفت لوط پروردگارا یاری ده مرا بر گروه تباهکاران

ولمّا جاءت رسلنا ابرهيم بالبشرى قالوا انّا مهلكوا اهل

و آن هنگام که آمدند فرستادگان ما نزد ابراهیم به مژده دادن به پسر و فرزند گفتند بدرستی که ما هلاک کنندگان

هذه القرية انّ اهلها كانوا ظالمين ۝ قال انّ فيها لوطا

اهل این ده هستیم بدرستی اهل آن ده بودند ستمکاران ۝ گفت ابراهیم بدرستی که در آن ده لوط است

قالوا نحن اعلم بمن فيها لننجّينّه واهله الّا امراته كانت

گفتند ملائکه ما داناتریم بهر که در آنست هر آینه نجات دهیم او را و اهل او را مگر زن او را که هست

من الغابرين ۝ ولمّا ان جاءت رسلنا لوطا سيء بهم وضاق

از باقی ماندگان در عذاب ۝ و آن هنگام که آمدند فرستادگان ما نزد لوط اندوهناک شد بسبب ایشان تنگ شد

بهم ذرعا وقالوا لا تخف ولا تحزن انّا منجّوك واهلك الّا

بایشان طاقت لوط و گفتند فرشتگان که مترس و اندوهناک مباش بدرستیکه ما نجات دهنده تو و اهل توایم مگر

امراتك كانت من الغابرين ۝ انّا منزلون على اهل هذه القرية

زن تو که هست از باقی ماندگان در عذاب ۝ بدرستی که ما فرود آورندگانیم بر اهل این ده

رجزا من السّماء بما كانوا يفسقون ۝ ولقد تركنا منها اية

عذابی از آسمان بسبب آنکه بودند که بدکاری میکردند ۝ و بتحقیق که گذاشتیم ما از خرابی آن ده نشانی

بيّنة لقوم يعقلون ۝ والى مدين اخاهم شعيبا فقال يا

روشن برای گروهی که تعقل میکنند ۝ و فرستادیم بسوی مدین برادر ایشانرا شعیب پس گفت ای

قوم اعبدوا الله وارجوا اليوم الاخر ولا تعثوا في الارض

گروه من پرستید خدا را و امید دارید روز قیامت را و غایت تباهی در زمین که

مفسدين ۝ فكذّبوه فاخذتهم الرّجفة فاصبحوا في دارهم

تباه کار باشید ۝ پس تکذیب کردند او را پس گرفت ایشانرا زلزله پس بامداد کردند در خانهای ایشان

جاثمين ۝ وعادا وثمود وقد تبيّن لكم من مساكنهم وزيّن

بزانو در آمدگان ۝ و یاد کن قوم عاد و ثمود را و بتحقیق که روشن شده برای شما از مکانهای ایشان و زینت داد

چون آن فرشتگان بصورتهای نیکو با حسن و جمال تمام آمده بودند و لوط علیه السلام رسید که قومش قصد ایشان کنند در چاره کار متحیر بود

لهم الشيطان اعمالهم فصدهم عن السبيل وكانوا مستبصرين

برای ایشان شیطان کردار ایشانرا پس بازداشت ایشانرا از راه راست و بودند ایشان بینایان

وقارون وفرعون وهامان ولقد جاءهم موسى بالبينات

و یاد کن قارون و فرعون و هامان را و بتحقیق که آمد ایشانرا موسی با معجزات

فاستكبروا في الارض وما كانوا سابقين ۝ فكلا اخذنا

پس سرکشی کردند در زمین و نبودند پیشی گیرندگان پس هر یک از آنهارا گرفتیم

بذنبه فمنهم من ارسلنا عليه حاصبا ومنهم من اخذته

بگناه او پس بعضی ازایشان کسی بود که فرستادیم ما بر او سنگریزه و بعضی از ایشان کسیکه گرفت اورا

الصيحة ومنهم من خسفنا به الارض ومنهم من اغرقنا وما

صدای جبرئیل و بعضی ازایشان کسیکه فروبردیم اورا بزمین و بعضی ازایشان کسی که غرق کردیم او و

كان الله ليظلمهم ولكن كانوا انفسهم يظلمون ۝ مثل

نبود خدا تا ستم کند ایشانرا و لیکن بودند که بر نفسهای خود ستم میکردند مانند

الذين اتخذوا من دون الله اولياء كمثل العنكبوت

آنانکه فرا گرفتند از غیر خدا دوستان مانند عنکبوتیست که

اتخذت بيتا وان اوهن البيوت لبيت العنكبوت لو كانوا

گرفت برای خود خانه و بدرستی که سست ترین خانها هرآینه خانه عنکبوت اگر باشند

يعلمون ۝ ان الله يعلم ما يدعون من دونه من شيء وهو

که بدانند بدرستی که خدا میداند آنچه میخوانند بجز از خدا از هر چیزی و اوست

العزيز الحكيم ۝ وتلك الامثال نضربها للناس وما

غالب درست کار و این مثلها را بیان می کنیم برای مردمان و

يعقلها الا العالمون ۝ خلق الله السموات والارض بالحق

درنمی یابند مگر دانایان آفرید خدا آسمانها و زمین را براستی

ان في ذلك لاية للمؤمنين ۝ اتل ما اوحي اليك من

بدرستی که در این هرآینه نشانهاست مر گروندگانرا بخوان یا محمد آنچه وحی کرده شد بسوی تو از

الكتاب واقم الصلوة ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنكر
کتاب و بپا دار نماز را و بدرستیکه نماز بازمیدارد از عملهای زشت و ناخوش
ولذكر الله اكبر والله يعلم ما تصنعون ۝ ولا تجادلوا اهل
و هر آینه ذکر خدا بزرگتر است و خدا میداند آنچه میکنید شما و جدال مکنید با اهل
الكتاب الا بالتى هى احسن الا الذين ظلموا منهم وقولوا امنا
کتاب مگر بخصلتی که آن بهتر است مگر آنانکه ستم کردند از ایشان و بگویید که گرویدیم
بالذى انزل الينا وانزل اليكم والهنا والهكم واحد و
بآنچه فرستاده شد بسوی ما و فرستاده شد بسوی شما و خدای ما و خدای شما یکیست و
نحن له مسلمون ۝ وكذلك انزلنا اليك الكتاب فالذين
ما حکم او را گردن نهندگانیم و همچنین فرستادیم بسوی تو کتاب پس آنانکه
اتيناهم الكتاب يؤمنون به ومن هؤلاء من يؤمن
دادیم ایشان را کتاب تورات میگروند بقرآن و از این گروه عرب کیست که ایمان می آورد
به وما يجحد بآياتنا الا الكافرون ۝ وما كنت تتلوا من قبله
بقرآن و انکار نمیکنند آیات ما را مگر کافران و نبودی تو که بخوانی پیش از قرآن
من كتاب ولا تخطه بيمينك اذا لارتاب المبطلون ۝
هیچ کتابی و نمینوشتی کتابی را بدست راست خود آن هنگام در شک می افتادند تباه کاران
بل هو آيات بينات فى صدور الذين اوتوا العلم وما
بلکه قرآن آیتهای روشنست در سینه های آنانکه داده شدند علم و
يجحد بآياتنا الا الظالمون ۝ وقالوا لولا انزل عليه آيات
منکر نشوند آیتهای ما را مگر ستمکاران و گفتند کافران چرا فرستاده نشود بر او بر محمد نشانها
من ربه قل انما الآيات عند الله وانما انا نذير مبين ۝
از پروردگارش بگو جز این نیست که معجزها نزد خداست و جز این نیست که من بیم کننده ظاهرم
اولم يكفهم انا انزلنا عليك الكتاب يتلى عليهم ان فى
آیا بسنده نیست ایشان را که فرستادیم ما بر تو کتاب را خوانده میشود بر ایشان بدرستیکه در

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که هر که خواهد که بداند که نمازش قبول شده یا نه پس ببیند که نمازش او را از قبایح باز داشته یا نه که بقدر آنچه مانع شود از قبایح پذیرفته می شود

یعنی اگر پیش از نبوت میتوانستی خواند و نوشت هر آینه مبطلان بشک می افتادند در نبوت بسبب احتمال آنکه میگویند در کتاب پیشینیان دیده باشی

ذلك

ذلك لرحمة وذكرى لقوم يؤمنون ۝ قل كفى بالله شهيدا
این هر آینه بخشایش است و پندی مر گروهی را که ایمان می آورند ۝ بگو ای محمد بس است خدا گواه
بيني وبينكم شهيدا يعلم ما في السموات والارض والذين
میان من و میان شما گواه ۝ میداند آنچه در آسمانها ۝ و زمینست ۝ و آنانکه
امنوا بالباطل وكفروا بالله اولئك هم الخاسرون ۝ و
گرویدند بباطل ۝ و کافر شدند بخدا ۝ آن گروه ایشانند ۝ زیانکاران ۝ و
يستعجلونك بالعذاب ولولا اجل مسمى لجاءهم العذاب
و شتاب درمیخواهند از تو نزول عذاب را ۝ و اگر نه ۝ مدتی ۝ نام برده هر آینه آمدی بایشان عذاب
وليأتينهم بغتة وهم لا يشعرون ۝ يستعجلونك بالعذاب
و می آید ایشان را ۝ ناگهان ایشان ۝ نمیدانند ۝ و شتاب میجویند از تو نزول عذاب را
وان جهنم لمحيطة بالكافرين ۝ يوم يغشاهم العذاب
و بدرستی که دوزخ ۝ هر آینه احاطه کننده است کافرانرا ۝ روزی که فرا پوشد ایشانرا ۝ عذاب
من فوقهم ومن تحت ارجلهم ويقول ذوقوا ما كنتم تعملون
از بالای ایشان ۝ و از زیر پاهای ایشان ۝ و گوید خدا بچشید جزای آنچه بودید ۝ که میکردید
يا عبادي الذين امنوا ان ارضي واسعة فاياي فاعبدون
ای بندگان من آنانکه ۝ گرویدند بدرستیکه زمین من فراخست ۝ پس مرا ۝ بپرستید
كل نفس ذائقة الموت ثم الينا ترجعون ۝ والذين
هر ۝ نفسی ۝ چشنده ۝ مرگست ۝ پس ۝ بسوی ما برگردیده میشوید ۝ و آنانکه
امنوا وعملوا الصالحات لنبوئنهم من الجنة غرفا تجري من
گرویدند و کردند ۝ کارهای شایسته هر آینه جای دهیم ایشانرا ۝ از ۝ بهشت منزلهای بلند که میرود از
تحتها الانهار خالدين فيها نعم اجر العاملين ۝ الذين
زیر آنها ۝ نهرها که جاوید باشند در آن نیکوست مزد نیکو کنندگان ۝ آنانکه
صبروا وعلى ربهم يتوكلون ۝ وكاين من دابة لا
صبر کردند ۝ و بر پروردگارشان ۝ توکل میکنند ۝ و بسا ۝ از جنبندگان که

نصران
حارث گفت مطر
علينا حجارة من السماء

حضرت
صادق صلوات الله
علیه فرمود که هرگاه بمعصیت
عذاب الهی واقع باشد در زمینی
که میباشی پس بیرون
رو بزمینی دیگر

تحمل رزقها الله يرزقها وإياكم وهو السميع العليم ولئن
برنمیدارد روزی خود را خدا روزی میدهد آنها و شما را و اوست شنوای دانا و اگر
سألتهم من خلق السموات والارض وسخر الشمس والقمر
پرسی تو از ایشان که که آفرید آسمانها و زمین را و رام کرد آفتاب و ماه را
ليقولن الله فأنى يؤفكون الله يبسط الرزق لمن يشاء من
هرآینه گویند خدا پس کجا برگردانیده میشوند خدا میگستراند روزی را برای هر که خواهد از
عباده ويقدر له إن الله بكل شيء عليم ولئن سألتهم
بندگان خود و تنگ میکند مر او را بدرستیکه خدا بهر چیز داناست و اگر پرسی تو از ایشان
من نزل من السماء ماء فأحيا به الارض من بعد موتها
که فرو میفرستد از آسمان آبی پس زنده میکند بآن آب زمین را بعد از مردن آن
ليقولن الله قل الحمد لله بل أكثرهم لا يعقلون وما هذه
هرآینه گویند در جواب خدا بگو یا محمد سپاس مر خدا راست بلکه بیشتر ایشان در نمی یابند و نیست این
الحيوة الدنيا إلا لهو ولعب وإن الدار الآخرة لهي الحيوان
زندگانی دنیا مگر مشغولی بامر باطل و بازی و بدرستیکه خانه آخرت مر آنراست سرای زندگی
لو كانوا يعلمون فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله مخلصين
اگر باشند که بدانند پس هرگاه شوند در کشتی بخوانند خدا را در حالیکه خالص
له الدين فلما نجاهم إلى البر إذا هم يشركون ليكفروا بما
کنند برای او دین را پس آن هنگام نجات داد ایشان را بسوی بیابان ناگاه ایشان شرک می آورند تا کافر شوند بآنچه
آتيناهم وليتمتعوا فسوف يعلمون أولم يروا أنا جعلنا حرما
دادیم ایشان را و تا برخوردار شوند پس زود باشد که بدانند آیا ندیدند بدرستیکه ما گردانیدیم مکه را حرمی
آمنا ويتخطف الناس من حولهم أفبالباطل يؤمنون وبنعمة
ایمن از قتال و حال آنکه ربوده میشوند از حوالی ایشان آیا پس بباطل میگروند و بنعمت
الله يكفرون ومن أظلم ممن افترى على الله كذبا أو كذب
خدا کفران میکنند و کیست ستمکارتر از آنکه افترا کرد بر خدا دروغ را یا تکذیب کرد

بالحق

بالحق لما جاءه أليس في جهنم مثوى للكافرين ۝ والذين

دروغ را یا پیغمبر را آن هنگام که آمد باو آیا نیست در دوزخ جایگاه مر کافران را ۝ و آنانکه

جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا وإن الله لمع المحسنين ۝

جهاد کردند در راه دین ما هر آینه نماییم ایشانرا راههای خود و بدرستی خدا هر آینه با نیکوکارانست

سورة الروم ستون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

الم ۝ غلبت الروم ۝ في أدنى الأرض وهم من بعد غلبهم

سوگند به این حروف که مغلوب شد رومیان در نزدیکترین زمین عرب و ایشان بعد از مغلوب شدن ایشان

سيغلبون ۝ في بضع سنين ۝ لله الأمر من قبل ومن بعد

زود باشد که غالب شوند ۝ در اندک سالی که میان سه تا نه باشد مر خدا راست حکم پیش از غلبه و بعد از آن

ويومئذ يفرح المؤمنون ۝ بنصر الله ينصر من يشاء وهو العزيز

در روز غلبه شاد شوند مومنان ۝ بیاری دادن خدا یاری میدهد هر کرا خواهد و اوست غالب

الرحيم ۝ وعد الله لا يخلف الله وعده ولكن أكثر الناس لا

مهربان ۝ وعده کرد خدا غلبه روم را خلاف نکند خدا وعده خود را ولیکن بیشتر مردمان

يعلمون ۝ يعلمون ظاهرا من الحيوة الدنيا وهم عن الآخرة

نمیدانند ۝ میدانند آنچه ظاهر است از زندگانی دنیا و ایشان از آخرت

هم غافلون ۝ أولم يتفكروا في أنفسهم ما خلق الله السموات

ایشان بی‌خبرانند ۝ آیا تفکر نکردند در نفسهای خود نیافرید خدا آسمانها

والأرض وما بينهما إلا بالحق وأجل مسمى وإن كثيرا

و زمین را و آنچه میان آنهاست مگر براستی و مدتی نام برده شده و بدرستیکه بسیاری

من الناس بلقاء ربهم لكافرون ۝ أولم يسيروا في الأرض

از مردمان بجزای پروردگار خود البته کافرانند ۝ آیا سیر نکنند در زمین

خواص این سوره در بعضی سوره‌ها گذشت

گویند که اهل فارس بر روم غلبه کردند و کفره قریش از این معنی شاد شدند و طعنه بر مسلمانان میزدند که رومیان اهل کتاب بودند مانند شما و فارسیان که مشرکند بر ایشان غلبه کردند ما هم بر شما غالب آئیم شد پس این آیه آمد و بضع ما بین سه و ده است پس نه سال فارسیان بر رومیان غالب بودند و بعد از آن بسال نهم رومیان بر فارسیان غلبه کردند و اخبار غیبی که درین کریمه وارد است در آن وقت بظهور رسید و مسلمانان از آن حکایت شادمان شدند و در روضه کافی از ابو عبیده مرویست که گفت از حضرت ابو جعفر سوال کردم از تفسیر کریمه الم غلبت الروم فی ادنی الارض فرمود یا ابا عبیده این آیه را تاویلی است که نمیداند آنرا مگر خدا و راسخون در علم از خانواده محمد صلی الله علیه و آله بدرستیکه رسول خدا چون هجرت نمود بمدینه و دین اسلام قوی شد نامه

فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم كانوا اشد منهم

پس بنگرند که چگونه بود سرانجام آنانکه پیش از ایشان بودند سخت تر از ایشان

قوة واثاروا الارض وعمروها اكثر مما عمروها وجاءتهم

از روی توانائی و کردهند زمین را بکندن و عمارت کردن بیشتر از آنچه عمارت کردند اهل مکه و آمد ایشان را

رسلهم بالبينات فما كان الله ليظلمهم ولكن كانوا انفسهم

پیغمبران ایشان با معجزات پس نبود خدا تا ستم کند ایشان را و لیکن بودند که بر نفسهای خود

يظلمون ۝ ثم كان عاقبة الذين اساءوا السوأى ان كذبوا بايات

ستم میکردند پس بود سرانجام آنانکه بد کردند عقوبت بدنیا با آنکه تکذیب کردند آیتهای

الله وكانوا بها يستهزءون ۝ الله يبدؤا الخلق ثم يعيده ثم

خدا را و بودند که بآن آیتها استهزا میکردند خدا می آفریند خلق را پس باز دیگر باز زنده کند پس

اليه ترجعون ۝ ويوم تقوم الساعة يبلس المجرمون ۝ ولم

بسوی او بر گردانیده شوند و روزیکه قایم شود قیامت خاموش شود گناهکاران و

يكن لهم من شركائهم شفعاء وكانوا بشركائهم كافرين

نباشد مر ایشان را هیچ شریکان شافعان و باشند بامعبودان خود کافران

ويوم تقوم الساعة يومئذ يتفرقون ۝ فاما الذين امنوا وعملوا

و روزیکه قایم شود قیامت آن روز پراگنده گردند مردمان پس اما آنانکه گرویدند و کردند

الصالحات فهم في روضة يحبرون ۝ واما الذين كفروا

کارهای شایسته پس ایشان در مرغزاری خوب شاد کرده شوند و اما آنانکه کافر شدند

وكذبوا باياتنا ولقاء الاخرة فاولئك في العذاب

و تکذیب کردند بنشانهای ما و برسیدن جزای قیامت پس آنگروه در عذاب دوزخ

محضرون ۝ فسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون ۝

حاضر شدگانند پس تسبیح کنید خدا را هنگامی که بشب در آیند و هنگامی که بامداد کنید

وله الحمد في السموات والارض وعشيا وحين تظهرون

و مر او راست سپاس در آسمانها و زمین و نماز کنید در طرف آخر روز هنگامی که در آیید بظهر

نامه بپادشاه روم نوشت و دعوت او بدین حق نمود و نامه هم بپادشاه عجم نوشت برای دعوت او بدین حق پادشاه روم تعظیم نامه رسول خدا نمود و احترام رسول آنحضرت بجای آورد و اما پادشاه عجم پس او استخفاف نمود بنامه آنحضرت و نامه را پاره کرد و رسولان آنحضرت سبک و خوار داشت و دران وقت میانه پادشاه عجم و پادشاه روم جنگ در میان بود و مسلمانان میخواستند آرزو میکردند که پادشاه روم غالب آید بر پادشاه عجم پس چون پارسیان غالب آمدند بر رومیان مسلمانان ازین معنی غمگین شدند پس خدای تعالی درین باب این آیه فرستاد که الم غلبت الروم في ادنى الارض یعنی غالب آمدند بر روم فارسیان در ادنای ارض و آن شام است و حوالی آنها پس در تفسیر وهم من بعد غلبهم سيغلبون یعنی غالب آیند بر ایشان مسلمانان بر تقدیر پس چون مسلمانان جهاد کردند با فارسیان و فتح بلاد عجم نمودند بنصرت خدای تعالی شادمان گشتند ابو عبیده گوید عرض کردم که حق تعالی فرموده سيغلبون في بضع سنين و فتح بلاد عجم در عهد عمر شد و سالها از نزول این آیه گذشته بود و مدت حیات و مدت امارت ابوبکر پس آنحضرت فرمود که تکلم این آیه را تاویل و تفسیریست ای ابو عبیده ناسخ و منسوخ چنانست آیا نشنیدی که حق تعالی فرمود لله الامر من قبل ومن بعد یعنی خدا راست مشیت است در اول

[illegible]

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ

برون می آورد خدا زنده را از مرده و بیرون می آورد مرده را از زنده و زنده میکرد اندر زمین را

بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ ۝ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ

بعد از مردن آن و مانند این برون آورده خواهید شد ۝ و از نشانهای قدرت اینکه آفرید شمارا از

تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ ۝ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ

خاک پس انگاه شما آدمیانید که پراکنده میشوید ۝ و از آیتهای اوست اینکه آفرید برای شما

مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً

از نفسهای شما زنان را تا میل کنید بسوی ایشان و گردانید میان شما دوستی

وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَمِنْ آيَاتِهِ

و مهربانی بدرستی که در این آفریدن هر آینه آیتهاست برای گروهی که تفکر کنند ۝ و از آیات او

خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ

آفریدن آسمانها و زمینست و مخالفت زبانهای شما و رنگهای شما

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالِمِينَ ۝ وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ

بدرستی که در این مخالفت هر آینه نشانهاست برای جهانیان ۝ و از آیات او خواب کردن شماست

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ

بشب و بروز و جستن شماست روزی را از فضل خدا بدرستی که در این خواب و معیشت هر آینه

لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ۝ وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ

نشانه است برای گروهی که میشنوند ۝ و از نشانهای اوست که مینماید بشما برق را جهة ترسیدن و طمع کردن و میفرستد

مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ

از آسمان آبی پس زنده میکند بآن زمین را ۝ بعد از مردنش بدرستی که در این

لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَ

هر آینه نشانه است مر گروه را که در می یابند ۝ و از نشانهای اوست که ایستاده آسمان چون ستون و

الْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ۝ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ

زمین بفرمان او ۝ پس چون بخواند شمارا خواندنی از زمین آنگاه شما

تخرجون ۝ وله من في السموات والارض كل له قانتون

بیرون آیید از قبرها ۝ و مر او راست هر که در آسمانها ۝ و زمین است ۝ همه آنها مر خدا را فرمان بردارند

وهو الذي يبدؤا الخلق ثم يعيده وهو اهون عليه و

و اوست آنکه ۝ خلق را آفرید ۝ پس اعاده کند او را و آن اعاده آسانتر هست بر او ۝ و

له المثل الاعلى في السموات والارض وهو العزيز الحكيم ۝

مر او راست ۝ صفت بلند ۝ در آسمانها ۝ و زمین ۝ و اوست غالب درست کار

ضرب لكم مثلا من انفسكم هل لكم من ما ملكت ايمانكم

زد خدا برای شما ۝ مثلی ۝ از نفسهای شما ۝ آیا هست مر شما را ۝ از آنچه مالک دستهای شما

من شركاء فيما رزقناكم فانتم فيه سواء تخافونهم كخيفتكم

از شریکان ۝ در آنچه روزی کردیم شما را پس شما ۝ در آن چیز یکسان ۝ باشند ترسیدن شما از ایشان چون ترسیدن شما

انفسكم كذلك نفصل الايات لقوم يعقلون ۝ بل

از نفسهای خود ۝ مانند آن ۝ تفصیل کنیم ۝ آیات را برای گروهی که درمی یابند ۝ بلکه

اتبع الذين ظلموا اهواءهم بغير علم فمن يهدي من اضل الله

پیروی کردند آنانکه ستم کردند آرزوهای خود را ۝ بی دانش ۝ پس کیست که راه نماید آنرا که فرو گذاشت خدا

وما لهم من ناصرين ۝ فاقم وجهك للدين حنيفا فطرت

و نیست مر کافرانرا ۝ هیچ یاری کننده ۝ پس راست گردان روی خود را برای دین میل کننده ۝ خلقت

الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين

خدا را ۝ که آفرید خدا مردمانرا ۝ بر آن ۝ نیست تبدیلی ۝ مر خلق خدا را ۝ این مذکور دین

القيم ولكن اكثر الناس لا يعلمون ۝ منيبين اليه و

راستست ۝ ولیکن ۝ بیشتر ۝ مردمان ۝ نمیدانند ۝ که برگردندگان بسوی او و

اتقوه واقيموا الصلوة ولا تكونوا من المشركين ۝ من الذين

بترسید از او و برپای دارید نماز را ۝ و مباشید ۝ از شرک آورندگان ۝ از آنانکه

فرقوا دينهم وكانوا شيعا كل حزب بما لديهم فرحون

پراکنده کردند دین خود را و بودند گروه گروه ۝ هر گروهی بآنچه نزد ایشانست ۝ شادانند

یعنی
چون راضی نیستید که
بندگان شما شریک باشند در مالهای ایشان
که من روزی شما کرده ام و نمیخواهید که ایشان
در اموال شما تصرف نمایند مانند تصرف شما
پس چگونه باشند در خدای و ایشان متصرف
میدانید در ملک حق
تعالی شانه عما یقولون

مراد
از فطرت الله درانجا چنانچه از اخبار بسیار
در تفسیر این آیه وارد شده توحید است و در
بعضی اخبار وارد شده که همه افراد آدمیان
بر فطرت توحید آفریده شده اند پس پدر و
مادرشان یهودی و نصرانی و مجوسی میگردانند شان
یعنی همگی در حال خلقت مقر و معترف بودند
بصانع خود و بآن اقرار و اعترافی که در عالم ذر
واقع شد و در آن عالم این ادیان بسبب تبعیت
پدران و مادران پیدا
شد

واذا

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُم مُّنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُم

وچون رسد آدمیان را سختی از فقر و مرض بخوانند پروردگار خود را که بازگشتگان باشند بسوی او پس چون بچشاند ایشان را

مِّنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُم بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ۝ لِيَكْفُرُوا

از نزد خود بخشش آن هنگام گروهی از ایشان به پروردگار خود شرک می آورند تا کافر شوند

بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ أَمْ أَنزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا

بآنچه دادیم ایشان را پس بهره یابند پس زود باشد که بدانید یا فرستادیم بر کافران حجتی

فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ ۝ وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً

پس آن کتاب سخن کند بآنچه بودند که بسبب آن شرک می آورند وچون بچشانیم مردمان را رحمت و نعمت

فَرِحُوا بِهَا وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ

شاد شوند بآن وچون برسد ایشان را بدی بآنچه پیش فرستاده دستهای ایشان آنگاه ایشان

يَقْنَطُونَ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ

نومید شوند آیا ندیده اند بدرستی که خدا گشاده میکند روزی را برای هر که خواهد و تنگ میکند

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ فَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ

بدرستی که در این هر آینه علامتهاست برای گروهی که ایمان می آورند پس بده ای محمد خداوند نزدیکی را از نسب

حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ

حق او را و بیچارگان و راه گذاران را این بهتر است برای آنانکه میخواهند

وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَمَا آتَيْتُم مِّن رِّبًا لِّيَرْبُوَ

ذات خدا را خالص و آن گروه ایشانند رستگاران و آنچه میدهید از ربای حرام تا بیفزاید

فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِندَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ

در مالهای مردم پس زیاد نمی شود آن مال نزد خدا و آنچه میدهید از زکوة

تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ ۝ اللَّهُ الَّذِي

که بخواهید بآن دادن ثواب خدا را پس آن گروه ایشانند خداوند افزونی خداست آنکه

خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِن شُرَكَائِكُم

آفرید شما را پس روزی داد شما را پس میراند شما را باز زنده میکند شما را آیا هست از شریکان شما

از حضرت ابی جعفر و ابی عبدالله علیهما السلام مرویست که چون این آیه نازل شد رسول خدا فدک بحضرت فاطمه عطا فرمود

مَن يَفعَلُ مِن ذَٰلِكُم مِن شَيءٍ سُبحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشرِكُونَ

کسی که بکند از این خلق و رزق شما چیزی را پاکست خدا و برتر است از آنچه شرک می آرند

ظَهَرَ الفَسَادُ فِي البَرِّ وَالبَحرِ بِمَا كَسَبَت أَيدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُم

آشکار شد تباهی در بیابان و دریا بسبب آنچه کسب کرده دستهای آدمیان تا بچشاند ایشانرا

بَعضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُم يَرجِعُونَ قُل سِيرُوا فِي الأَرضِ

بعضی از آنچه کردند شاید ایشان برگردند بگو یا محمد سیر کنید در زمین

فَانظُرُوا كَيفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبلُ كَانَ أَكثَرُهُم

پس بنگرید که چگونه بود سرانجام آنانکه پیش از ایشان بودند بیشتر ایشان

مُشرِكِينَ فَأَقِم وَجهَكَ لِلدِّينِ القَيِّمِ مِن قَبلِ أَن يَأتِيَ يَومٌ

مشرکان بودند پس راست روی خود را برای دین راست پیش از آنکه بیاید روزی که

لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَومَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ مَن كَفَرَ فَعَلَيهِ

بازگشت نیست مر اورا از خدا در آن روز مردمان جدا شوند از هم هر که کافر شد پس بر اوست

كُفرُهُ وَمَن عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنفُسِهِم يَمهَدُونَ لِيَجزِيَ الَّذِينَ

وبال کفر او و کسیکه کرد کار شایسته پس برای نفس خود میگسترانند تا جزا دهد خدا آنانرا

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِن فَضلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الكَافِرِينَ

که گرویدند و کردند کار شایسته از فضل خود بدرستیکه اوست که دوست نمیدارد کافرانرا

وَمِن آيَاتِهِ أَن يُرسِلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُم مِن

و از نشانهای قدرت او آنکه میفرستد بادهارا در حالیکه مژده دهنده باشند و تا بچشاند شما را از

رَحمَتِهِ وَلِتَجرِيَ الفُلكُ بِأَمرِهِ وَلِتَبتَغُوا مِن فَضلِهِ وَلَعَلَّكُم

رحمت و تا بروند کشتیها بفرمان خدا و تا طلب کنید از فضل خدا و شاید شما

تَشكُرُونَ وَلَقَد أَرسَلنَا مِن قَبلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَومِهِم

شکر کنید و بتحقیق که فرستادیم پیش از تو پیغمبرانرا بسوی گروه ایشان

فَجَاءُوهُم بِالبَيِّنَاتِ فَانتَقَمنَا مِنَ الَّذِينَ أَجرَمُوا وَكَانَ حَقًّا

پس آمدند ایشانرا با معجزات روشن پس انتقام کشیدیم از آنانکه کافر شدند و هست سزاوار

یعنی
احدی آنروز را بر نمیتواند
گردانید و آنچه خدا خواسته
میشود یا خدا او را برمیگرداند یعنی
آمدنش حتمی است و براین دو تقدیر
من الله متعلق است بمرد و
و بقولی متعلق است
بیاتی
لیذیقکم
عطف است بر علتی
مقدر برای یرسل که از مبشرات
مستفاد میشود گویا گفته شده
یرسل الریاح لیبشرکم و
لیذیقکم

علينا

عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ ۞ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا

بر ما یاری دادن گروندگان خدای بحق آنکه میفرستد بادها را پس بر می آید ابر را

فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسَفًا فَتَرَى

پس بگستراند خدا ابر را در آسمان ها چگونه که میخواهد و میگرداند او را پاره پاره پس بینی تو

الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

باران را که بیرون می آید از میان آن پس چون برساند خدا باران را بزمین هر که خواهد از بندگان خود

إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ۞ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنَزَّلَ

آنگاه ایشان شادمان شوند و بدرستیکه بودند پیش از آنکه فرستاده شود

عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ ۞ فَانْظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ

برایشان از پیش آن ناامیدان از باران پس نظر کن بسوی نشانهای رحمت خدا که چگونه

يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى

زنده میکند زمین را بعد مردنش بدرستی که آن هر آینه زنده کننده هست مردگان را و او بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۞ وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا

هر چیز تواناست و اگر بفرستیم ما بادی بد را پس ببینند زرد شده

لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ ۞ فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا

هر آینه گردند بعد از آن کافر نعمتهای گذشته پس بدرستی که تو نتوانی شنوانید مرده را و شنوانی

تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ۞ وَمَا أَنْتَ بِهَادِي

کران را خواندن چون برگردند در حالیکه پشت کننده باشند و نیستی تو راه نماینده

الْعُمْيِ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ

کوران از گمراهی ایشان نمی شنوانی تو مگر آنرا که ایمان آرد بآیات ما پس ایشان

مُسْلِمُونَ ۞ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ

گردن نهندگانند خدای بحق آنست که آفرید شما را از چیز سست که نطفه است پس گردانید

بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً

شما را از پس سستی قوت پس گردانید از پس قوت جوانی سستی و پیری

يخلق ما يشاء وهو العليم القدير ۝ ويوم تقوم الساعة

می آفریند هرچه میخواهد و اوست دانای توانا و روزی که قایم شود قیامت

يقسم المجرمون ۝ ما لبثوا غير ساعة كذلك كانوا يؤفكون

قسم خورند گناهکاران که درنگ نکردند در دنیا بجز ساعتی همچنین هستند که دروغ میگویند

وقال الذين أوتوا العلم والإيمان لقد لبثتم في كتاب الله

و گفتند آنانکه داده شدند علم و ایمان بتحقیق درنگ کردید در کتاب خدا

إلى يوم البعث فهذا يوم البعث ولكنكم كنتم لا

تا روز برانگیختن پس این روز بعث است و لیکن شما هستید که

تعلمون ۝ فيومئذ لا ينفع الذين ظلموا معذرتهم ولا هم

نمیدانید پس در آن روز نفع نکند آنان را که ستم کردند معذرت ایشان و نه ایشان

يستعتبون ۝ ولقد ضربنا للناس في هذا القرآن من

توانند رضای خدا جویند و بتحقیق که زدیم ما برای مردمان در این قرآن از

كل مثل ولئن جئتهم بآية ليقولن الذين كفروا إن أنتم

هر مثلی و اگر یا محمد بایشان آری آیتی هر آینه البته گویند آنانکه کافر شدند نیستید شما

إلا مبطلون ۝ كذلك يطبع الله على قلوب الذين لا

مگر دروغگویندگان همچنین مهر نهد خدا بر دلهای آنانکه

يعلمون ۝ فاصبر إن وعد الله حق ولا يستخفنك الذين لا

نمیدانند پس صبر کن یا محمد بدرستیکه وعده خدا حق است و نباید تو را بر سبکساری دارند آنانکه

سورة لقمان اربع | يوقنون ۝ | وثلثون آية مكية

یقین ندارند

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

الم ۝ تلك آيات الكتاب الحكيم ۝ هدى ورحمة للمحسنين

منم خدای دانا این آیات قرآنست که خداوند حکمت در حالیکه راه نماینده و رحمت مر نیکوکاران را

از حضرت ابو جعفر علیه السلام مرویست که هر که سوره لقمان بخواند در شب سی فرشته برو موکل سازد که حفظ او سازد از ابلیس و جنود او و اگر در روز بخواند نگهبان ها باشند تا شب

ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلْءَاخِرَةِ هُمْ

آنانکه بپا میدارند نماز را و میدهند زکوة را و ایشان بقیامت ایشان

يُوقِنُونَ ۝ أُو۟لَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ

یقین دارندگانند و آن گروه بر راه راستند از پروردگار شان و آن گروه ایشان رستگارانند

وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشْتَرِى لَهْوَ ٱلْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ

و از مردمان کسی هست که میخرد سخن بازی و بیهوده را تا اینکه گمراه سازد مردم را از راه خدا

بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۝ وَإِذَا

بی دانشی و فرا میگیرد راه خدا را افسوس آن گروه مر ایشانراست عذاب خوار کننده و چون

تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَٰتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِىٓ

خوانده شود بر او آیات ما روی بگرداند درحالیکه گردن کش بود گویا که نشنیده آنها را گویا که در

أُذُنَيْهِ وَقْرًا ۖ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟

هر دو گوشش گرانی است پس مژده او را بعذاب دردناک بدرستی که آنانکه گرویدند و کردند

ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمْ جَنَّٰتُ ٱلنَّعِيمِ ۝ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۖ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقًّا ۚ

کار شایسته مر ایشانراست بوستانهای پرنعمت که جاوید باشند در آن وعده خدا راستست

وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ۝ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ۖ

و اوست غالب درست کار آفرید آسمانها را بدون ستون درحالیکه می بینید آنرا

وَأَلْقَىٰ فِى ٱلْأَرْضِ رَوَٰسِىَ أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ

و انداخت در زمین کوههای ثابت بجهة آنکه حرکت ندهد شما را از زمین و پراکنده کرد در زمین از هر

دَآبَّةٍ ۚ وَأَنزَلْنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَنۢبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ

جنبنده و فرو فرستاد از آسمان آبی پس رویانیدیم در زمین از هر صنف گیاهی

كَرِيمٍ ۝ هَٰذَا خَلْقُ ٱللَّهِ فَأَرُونِى مَاذَا خَلَقَ ٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦ ۚ

نیکو این است مخلوقات خدا پس بنمائید مرا که چه چیز آفریده آنانکه غیر از خدااند

بَلِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ۝ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا لُقْمَٰنَ ٱلْحِكْمَةَ

بلکه مشرکان ستمکار در گمراهی آشکارند و بتحقیق دادیم ما لقمان را حکمت

مراد
از لهو حدیث هر کلام
و سخن بیهوده است و از جمله آنها غناست
چنانچه حضرات ابی جعفر و ابی عبدالله و ابی
الحسن الرضا علیهم السلام منقول است که فرمود
منه الغنا و از حضرت صادق صلوات الله علیه
مرویست که لهو حدیث طعنه زدن بر دین حق
و استهزا کردن بآنست و آنچه ابو جهل و یاران
او میگفتند که ای معشر قریش میخواهید بخورانم
بشما از زقومی که بیم از آن نموده شما را
یار شما یعنی پیغمبر صلی الله علیه و آله پس فرستاد
و کره خرمائی حاضر ساخت و گفت این است
آن زقومی که بیم نموده شما را
از آن

أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَن يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ

فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝ وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ

يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ۝ وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ

بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ

أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ ۝ وَإِن جَاهَدَاكَ

عَلَىٰ أَن تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا

فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ

فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِن تَكُ مِثْقَالَ

حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُن فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمٰوَاتِ أَوْ فِي

الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ يَا بُنَيَّ أَقِمِ

الصَّلٰوةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا

أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ۝ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ

از حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه مرویست که نعمت ظاهر پیغمبر است و آنچه آورده در باب شناخت پروردگار و توحید او و اما نعمت باطنه پس آن ولایت و قبول خلافت ها خانواده نبوتست و در دل داشتن دوستی ایشانست و ظاهر است که این تفسیر مبنی بر بیان فرد اکمل نعمتهای ظاهره و باطنه است

لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْاَرْضِ مَرَحًا اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ

برای مردمان و مرو در زمین بسیار شادان بدرستیکه خدا دوست ندارد هر متکبر

فَخُورٍ ۞ وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ اِنَّ

فخر کننده را و میانه رو باش در رفتن خود و کم گردان از آواز خود بدرستیکه

اَنْكَرَ الْاَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ۞ اَلَمْ تَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَكُمْ

بدترین آوازها آواز خرانست آیا نمی بینید بدرستی که خدا مسخر کرد برای شما

مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَاَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً

آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست و تمام ساخت بر شما نعمتهای خود را که ظاهر

وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى

و نهانست و از مردمان کیست که جدال میکند در کتاب خدا بی دانشی و بی دلیل و بی راهی

وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ ۞ وَاِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ قَالُوا بَلْ

و بی کتابی روشن و چون گفته شود مر ایشانرا که پیروی کنید آنچه فرستاده خدا گفتند بلکه

نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ اٰبَاءَنَا اَوَلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ

پیروی میکنیم آنچه یافتیم بر آن پدران خود را با اگر بود شیطان که میخواند ایشانرا

اِلٰى عَذَابِ السَّعِيرِ ۞ وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ اِلَى اللّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ

بسوی عذاب آتش سوزان و هر که تفویض کند خود را بدرگاه خدا و او نیکوکار باشد

فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقٰى وَاِلَى اللّٰهِ عَاقِبَةُ الْاُمُورِ

پس بتحقیق چنگ درزد بدست آویزی محکم و بسوی خداست سرانجام کارها

وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنْكَ كُفْرُهُ اِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا

و هر که کافر شد پس باید اندوهناک نکند ترا کفر او بسوی ماست بازگشتن ایشان پس آگاه سازیم ایشانرا بانچه

عَمِلُوا اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۞ نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ

کردند بدرستی که خدا داناست بآنچه در سینه های شماست برخورداری میدهیم ایشانرا اندکی پس مضطر سازیم ایشانرا

اِلٰى عَذَابٍ غَلِيظٍ ۞ وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰوَاتِ

بسوی عذاب قوی و اگر بپرسی از کفار که کیست آنکه آفرید آسمانها

وَالْاَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللّٰهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

و زمین را البته گویند خدا آفرید بگو سپاس مر خدا راست بلکه بیشتر ایشان نمیدانند

لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝

مر خدا راست آنچه در آسمانها و زمینست بدرستی که خدا اوست بی نیاز ستوده

وَلَوْ اَنَّ مَا فِي الْاَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ اَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ

و اگر آنکه بودی آنچه در زمینست از درختان قلمها و دریای محیط مرکب از پس فیای مداد

سَبْعَةُ اَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ مَا

هفت دریای دیگر تمام نشدی علوم الهی بدرستی خدا غالب درست کارست نیست

خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ اِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۝

آفریدن شما و نه بر انگیختن شما مگر مانند یکتن در عدم احتیاج بدرستیکه خدا شنوای بیناست

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ

آیا ندیدی تو آنکه خدا در می آرد شب را در روز و در می آرد روز را در شب

وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي اِلٰى اَجَلٍ مُسَمًّى وَاَنَّ

و رام کرد آفتاب را و ماه را هریک میروند تا زمانی نام برده شده و بدرستیکه

اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَاَنَّ مَا

خدا بآنچه میکنید آگاه است این بسبب آنست که خدا اوست ثابت و بدرستی که آنچه

يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ۝

میخوانند بجز از خدا باطلست و بدرستی که خدا اوست برتر بزرگوار

اَلَمْ تَرَ اَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللّٰهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ اٰيَاتِهِ

آیا ندیدی تو آنکه کشتی میرود در دریا بنعمت و احسان خدا تا بنماید شما را از نشانهای خود

اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ۝ وَاِذَا غَشِيَهُمْ

بدرستی که در این هر آینه علامتی است برای هر صبر کننده شکر گوینده و چون فرو گیرد ایشان را

مَوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللّٰهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۝ فَلَمَّا نَجّٰهُمْ

موجی که مانند سایبانست بخوانند خدا را در حالیکه خالص کننده گانند برای او دین را پس آنهنگام رهانید ایشان را

مراد

از کلمات الهی

بقولی جمیع مقدورات اوست از

اعیان موجودات و بقولی عقوبتهای

ارباب عصیان و ثوابهای ارباب

اطاعت و ایمان است و بقولی

گفته ها و حکمتها و اوامر و نواهی

اوست

إلى البر فمنهم مقتصد وما يجحد بآياتنا إلا كل ختار

بسوی جا بان پس بعضی از ایشان راست ایستاده اند و انکار میکنند آیات ما مگر هر غدر کننده

كفور ۝ يا أيها الناس اتقوا ربكم واخشوا يوما لا يجزي

ناسپاس ای مردمان پرهیز کنید از عذاب پروردگار خود و بترسید روزی را که باز ندارد

والد عن ولده ولا مولود هو جاز عن والده شيئا إن وعد

عذاب را پدر از پسر خود و نه فرزند او باز دارنده از پدر خود چیزی را بدرستی که وعده

الله حق فلا تغرنكم الحياة الدنيا ولا يغرنكم بالله

خدا راست است پس باید فریب ندهد شما را زندگانی دنیا و باید که مغرور نسازد شما را بخدا

الغرور ۝ إن الله عنده علم الساعة وينزل الغيث ويعلم

شیطان فریبنده بدرستی که خدا نزد اوست دانستن وقوع قیامت و فرو میفرستد باران را و میداند

ما في الأرحام وما تدري نفس ماذا تكسب غدا

آنچه در رحمهاست و نمیداند نفسی که چه چیز کسب میکند فردا

وما تدري نفس بأي أرض تموت إن الله عليم خبير ۝

و نمیداند هیچ نفسی که بکدام زمین میمیرد بدرستیکه خدا داناست آگاه است

سورة السجدة ثلاثون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

الم ۝ تنزيل الكتاب لا ريب فيه من رب العالمين ۝ أم

منم خدای دانا فرو فرستادن قرآن نیست شکی در آن از پروردگار جهانیان آیا

يقولون افتراه بل هو الحق من ربك لتنذر قوما ما أتاهم

میگویند بلکه محمد بافت هم قرآن را بلکه قرآن حق است از پروردگار تو تا بیم کنی گروهی را که نیامد ایشان را

من نذير من قبلك لعلهم يهتدون ۝ الله الذي خلق

هیچ بیم کننده پیش شاید ایشان راه یافته شوند خدای بحق آنکس است که آفرید

حسن ابن ابی علا از ابی عبد الله علیه السلام روایت کرده که هر که بخواند الم سجده را در هر شب جمعه بخواند در روز قیامت نامه عمل او را بدست راست او دهند و حساب او را نکنند و از رفقای پیغمبر و ائمه اطهار باشد

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى
آسمانها و زمین را و آنچه میان آن دو است در شش روز پس مستولی شد حکم او بر
الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُوْنِهٖ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيْعٍ اَفَلَا تَتَذَكَّرُوْنَ
عرش نیست مر شما را بجز از خدا هیچ دوستی و نه شفاعت کننده آیا پس پند پذیر نشوید
يُدَبِّرُ الْاَمْرَ مِنَ السَّمَآءِ اِلَى الْاَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ اِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ
می سازد و کار دنیا را و میفرستد ملائکه را از آسمان بسوی زمین پس عروج می کند بسوی آسمان در روزی که هست
مِقْدَارُهٗ اَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّوْنَ ذٰلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ
مقدار او هزار سال از آنچه شماره او میکنید این خداوند مدبر دانای نهان و
الشَّهَادَةِ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ اَلَّذِيْ اَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهٗ وَ
آشکار غالب آمرزگار آنکه نیکو کرد هرچیزی که آفرید او را و
بَدَاَ خَلْقَ الْاِنْسَانِ مِنْ طِيْنٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهٗ مِنْ سُلٰلَةٍ
آغاز کرد آفریدن آدم را از خاک پس گردانید فرزند او را از خلاصه چون آورد
مِنْ مَآءٍ مَهِيْنٍ ثُمَّ سَوّٰهُ وَنَفَخَ فِيْهِ مِنْ رُوْحِهٖ وَجَعَلَ لَكُمُ
از آب خوار حقیر پس راست کرد قالب آدمی را و دمید در آن از روح و گردانید برای شما
السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْئِدَةَ قَلِيْلًا مَا تَشْكُرُوْنَ
گوش و چشمها و دلها در زمان اندکی که شما شکر میکنید
وَقَالُوْٓا ءَاِذَا ضَلَلْنَا فِي الْاَرْضِ ءَاِنَّا لَفِيْ خَلْقٍ جَدِيْدٍ بَلْ هُمْ
و گویند آیا چون گم شویم ما در زمین بدرستی که ما هر آینه در آفرینش تازه ایم بلکه ایشان
بِلِقَآءِ رَبِّهِمْ كٰفِرُوْنَ قُلْ يَتَوَفّٰىكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِيْ
برسیدن پروردگار شان کافرند بگو ای محمد فرا میگیرد ارواح شما را بالتمام فرشته مرگ که
وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ اِلٰى رَبِّكُمْ تُرْجَعُوْنَ وَلَوْ تَرٰٓى اِذِ الْمُجْرِمُوْنَ
موکل شده بر شما پس بسوی پروردگار خود برگردانیده شوید و اگر ببینی چون مجرمان را که
نَاكِسُوْا رُءُوْسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَآ اَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا
افکندگان باشند سرهای خود را نزد پروردگار شان گویند پروردگارا دیدیم وعده تو را و شنیدیم پس گردان ما را

یعنی
تقدیر و تدبیر کاینات
از آسمان تا زمین همه میکند تا دنیا
هست و هر خبری را و هر کسی را بکاری باز میدارد
در روز قیامت که باندازه هزار سال از دنیاست
همه آن کارها بهم میخورد و باز میگردد و کار
تدبیر احوال خلایق همگی بسوی قدر و قضای
حق سبحانه بر میگردد و کارگری بجز او نمیماند چنانچه
کریمه الملک یومئذ لله بر این معنی گواه است و
بقولی مراد آنست که فرشتگان را موکل بر تدبیر
و تنسیق احوال کاینات و چون هر فرشته
از کار خود فارغ گردد برگردد بموضعی که مامور
بعروج است تا بموضع پس آن فرشته قطع مسافت
آنقدر میکند در یکروز از روزهای دنیا که غیر
فرشته از مرغان و آدمیان در هزار سال
کنند و اقوال دیگر هم
وارد شده

نفعا

نعمل صالحا انا موقنون ۞ ولو شئنا لاتينا كل نفس هداها
تا بکنیم کار شایسته هر آینه ما یقین کنندگانیم ۞ واگر میخواستیم هر آینه میدادیم هر نفسی را آنچه هدایت
ولكن حق القول مني لاملان جهنم من الجنة والناس
ایشان شد ولیکن ثابت شد این گفتار از من که هر آینه پر کنم دوزخ را از جن و آدمی
اجمعين ۞ فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم هذا انا نسيناكم
همه پس بچشید عذاب را بسبب آنچه فراموش کردید رسیدن شما امروز را بدرستی که فراموش کردیم شما را
وذوقوا عذاب الخلد بما كنتم تعملون ۞ انما يؤمن باياتنا
و بچشید عذاب همیشه را بسبب آنچه بودید که میکردید جز این نیست که میگروند بآیات ما
الذين اذا ذكروا بها خروا سجدا وسبحوا بحمد ربهم وهم لا
آنانکه چون پند داده شوند بآنها بر روی سجده کنندگان و تسبیح گفتند بستایش پروردگار خود و ایشان
يستكبرون ۞ تتجافى جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم
سرکشی نکنند دور میشود پهلوهای ایشان از خوابگاهها میخوانند پروردگار خود را
خوفا وطمعا ومما رزقناهم ينفقون ۞ فلا تعلم نفس ما
از روی ترس و طمع و از آنچه روزی کردیم ایشانرا نفقه میکنند پس نمیداند هیچ نفسی آنچه
اخفي لهم من قرة اعين جزاء بما كانوا يعملون ۞ افمن كان
پنهان داشته شد برای ایشان از روشنی چشمها جزا دادنی بسبب آنچه بودند که میکردند آیا پس کسیکه هست
مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستون ۞ اما الذين امنوا
گرونده مانند کسیست که باشد فاسق برابر نیستند اما کسانیکه گرویدند
وعملوا الصالحات فلهم جنات الماوى نزلا بما كانوا
و کردند کار شایسته پس مر ایشانراست بوستانها جایگاه که منزلی است بسبب آنچه بودند
يعملون ۞ واما الذين فسقوا فماويهم النار كلما ارادوا
که میکردند و اما آنانکه بیرون رفتند از دین پس جای ایشان آتش است هرگاه که خواهند بیرون
ان يخرجوا منها اعيدوا فيها وقيل لهم ذوقوا عذاب
بیرون روند از آن بر گردانیده شوند در آتش و گفته شود مر ایشانرا بچشید عذاب

مراد نماز شب گذاردنست که از بستر با جهت نماز برخیزند چنانچه از حضرات ابی جعفر و ابی عبدالله علیهما السلام مرویست حضرت صادق صلوات الله علیه منقول است که هیچ حسنه نیست مگر آنکه ثواب آن بیان شده در قرآن مگر نماز شب که بسبب بزرگی ثواب آن حق تعالی در قرآن ابهام فرموده و فرموده که فلا تعلم نفس ما اخفی لهم الآیة

النار الذي كنتم به تكذبون ۝ ولنذيقنهم من العذاب الادنى
آتش را كه بوديد كه آن تكذيب ميكرديد و هر آينه بچشانيم ايشانرا از عذاب نزديكتر

دون العذاب الاكبر لعلهم يرجعون ۝ ومن اظلم ممن
بجز عذاب بزرگتر شايد ايشان بازگردند و كيست ستمكارتر از آنكه

ذكر بايات ربه ثم اعرض عنها انا من المجرمين منتقمون ۝
پند داده شود به آيات پروردگار خود پس اعراض كرد از آن بدرستيكه ما از گناهكاران انتقام كشندگانيم

ولقد اتينا موسى الكتاب فلا تكن في مرية من لقائه وجعلناه
و بتحقيق كه داديم ما موسى را كتاب پس مباش تو در شك از ديدن اين كتاب گردانيديم

هدى لبني اسرائيل ۝ وجعلنا منهم ائمة يهدون بامرنا
تورات را رهنماينده براى پسران يعقوب و گردانيديم ما از ايشان پيشوايان كه راه مينمودند خلق را بفرمان ما

لما صبروا وكانوا باياتنا يوقنون ۝ ان ربك هو يفصل بينهم
آن هنگام كه صبر كردند و بودند نشانهاى ما يقين كنندگان بدرستيكه پروردگار تو او حكم كند ميان ايشان

يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون ۝ اولم يهد لهم كم
روز قيامت در آنچه بودند كه در آن اختلاف ميكردند آيا راه ننمود براى ايشان كه چند

اهلكنا من قبلهم من القرون يمشون في مساكنهم ان في
هلاك كرديم ما پيش از ايشان از قرنها ميروند در مكانهاى ايشان بدرستيكه در

ذلك لايات افلا يسمعون ۝ اولم يروا انا نسوق الماء الى
اين هر آينه نشانهاست آيا پس نمى‌شنوند آيا نمى‌بينند آنكه ما ميرانيم آب را بسوى

الارض الجرز فنخرج به زرعا تاكل منه انعامهم وانفسهم
زمين خالى از گياه پس بيرون آوريم بآن آب زراعت ميخورند از آن چهارپايان ايشان و نفسهاى ايشان

افلا يبصرون ۝ ويقولون متى هذا الفتح ان كنتم صادقين
آيا پس نمى‌بينند و ميگويند كى باشد اين فتح اگر هستيد از راستگويان

قل يوم الفتح لا ينفع الذين كفروا ايمانهم ولا هم
بگو اى محمد روز فتح نفع نكند آنانرا كه كافر شدند ايمان ايشان و نه ايشان

مراد از عذاب ادنى عذاب دنياست و از عذاب اكبر عذاب قيامت و از حضرت صادق صلوات الله عليه مرويست كه عذاب ادنى عذاب دابة الارض و عذاب دجال است

ينظرون

ينظرون ۝ فأعرض عنهم وانتظر انهم منتظرون

مهلت داده نشوند پس اعراض کن از ایشان و منتظر نصرت الهی باش بدرستی که ایشان منتظرانند

سورة الاحزاب ثلاث وسبعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

يا ايها النبي اتق الله ولا تطع الكافرين والمنافقين

ای پیغمبر برگزیده بپرهیز کن از خدا و دائم باش بر ترس از عذاب خدا و اطاعت مکن کافران و منافقان را

ان الله كان عليما حكيما ۝ واتبع ما يوحى اليك من ربك

بدرستی که خدا هست دانای درست کار و متابعت کن آنچیز را که وحی کرده شده بسوی تو از پروردگار تو

ان الله كان بما تعملون خبيرا ۝ وتوكل على الله وكفى

بدرستی که خدا هست بآنچه میکنید آگاه است و توکل کن بر خدا و بس است

بالله وكيلا ۝ ما جعل الله لرجل من قلبين في جوفه

خدا کارساز نیافریده خدا از برای هیچ مردی از دو دل در درون او

وما جعل ازواجكم اللائي تظاهرون منهن امهاتكم

و نگردانیده زنان شما را که از آن زنان اظهار میکنید از ایشان مادران شما

وما جعل ادعياءكم ابناءكم ذلكم قولكم بافواهكم

و نگردانیده خدا پسرخواندگان شما را پسران شما آنچه ذکر شد سخن شماست بدهنهای شما

والله يقول الحق وهو يهدي السبيل ۝ ادعوهم لآبائهم

و خدا میگوید سخن راست را و او مینماید راه بطریق حق بخوانید ایشان را باسم پدرانشان

هو اقسط عند الله فان لم تعلموا آباءهم فاخوانكم في

این راست تر است نزد خدا پس اگر ندانید پدران ایشان را پس برادران شمایند در

الدين ومواليكم وليس عليكم جناح فيما اخطأتم به

دین و دوستان شما و نیست بر شما وبالی در آنچه خطا کرده شما بآن

ابی بن کعب از سید عالم روایت کرده که هر که سوره الاحزاب بخواند و اهل خود و بنده گان خود را تعلیم نماید حق سبحانه و تعالی او را از عذاب قبر ایمن گرداند

ولكن ما تعمدت قلوبكم وكان الله غفورا رحيما ۝

و لیکن آنچه دلهای شما عمدا قصد کند و هست خدا آمرزنده مهربان

النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم وأزواجه أمهاتهم و

پیغمبر برگزیده سزاوارتر است مؤمنان را از نفسهای ایشان و زنان پیغمبر مادران ایشانند و

أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتاب الله من المؤمنين

خویشاوندان نزدیک بعضی از ایشان سزاوارترند بعضی را در کتاب خدا از مؤمنان

والمهاجرين إلا أن تفعلوا إلى أوليائكم معروفا كان

و مهاجران مگر آنکه بکنند بسوی دوستان خود وصیتی نیکو هست

ذلك في الكتاب مسطورا ۝ وإذ أخذنا من النبيين ميثاقهم

این مذکور در لوح نوشته شده و یاد کن چون فراگرفتیم ما از پیغمبران پیمان ایشان را

ومنك ومن نوح وإبراهيم وموسى وعيسى ابن مريم و

و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و

أخذنا منهم ميثاقا غليظا ۝ ليسأل الصادقين عن صدقهم

گرفتیم ما از ایشان پیمانی محکم تا سؤال کند راستگویان را از راستی گفتن

وأعد للكافرين عذابا أليما ۝ يا أيها الذين آمنوا اذكروا

ایشان و آماده کرد برای کافران عذاب دردناک ای آنانکه گرویدید یاد آورید

نعمة الله عليكم إذ جاءتكم جنود فأرسلنا عليهم ريحا

نعمت خدا را بر شما چون آمد شما را لشکرهای کفار پس فرستادیم بر ایشان بادی بد

وجنودا لم تروها وكان الله بما تعملون بصيرا ۝ إذ جاءوكم

و لشکرهای ملائکه که ندیدید ایشان را و هست خدا بآنچه می کنید بینا یاد کنید چون آمد شما را

من فوقكم ومن أسفل منكم وإذ زاغت الأبصار و

از بالای شما و از زیر وادی شما لشکرها و چون خیره شد چشمها و

بلغت القلوب الحناجر وتظنون بالله الظنونا ۝ هنالك

و رسید دلهای مؤمنان بحنجرها و گمان کردید بخدا انواع گمانها آنجا

گویند

در صدر اسلام
میراث میبردند مسلمانان از یکدیگر بحسب مهاجرت
و دوستی و اخوت دینی و باین آیه ادعوهم
الی آخر آن حکم منسوخ و توارث منوط بقرابت
و خویشی شد و بنده عبد الرحیم قصیر از حضرت
ابی جعفر مرویست که فرمود این آیه نازل شد در باب
امارت و خلافت بدرستی که این آیه جاری است
در فرزندان حسین بعد از او پس ما سزاواتریم
بامارت و خلافت رسول خدا از مؤمنان
و مهاجران انصار پس گفتم که فرزندان جعفر
طیار را درین خلافت بهره هست فرمود نه پس
عرضه داشتم که فرزندان عباس را در آن
بهره هست فرمود نه پس شمردم قبایل بنی
عبد المطلب یک یک و میپرسیدم که ایشان از بهره
هست میفرمود نه و فراموش کردم که فرزندان
حسن را پس بعد از آن بخدمت آنحضرت رفتم و
گفتم بنی حسن را درین امر نصیبی هست فرمود
بخدا سوگند ای عبد الرحیم که هیچ یک از
فرزندان محمد را درین امر نصیبی نیست بغیر از ما
و مخفی نیست که این تفسیر بما قبل و ما بعد این
آیه مناسب ترست

این
آیات در حکایت جنگ
احزابست که بجنگ خندق اشتهار دارد
و مجمل آن چنانچه در مجمع البیان حکایت کرده
آنکه جمعی از یهود که رسول خدا ایشان را از جاهای

ابتلی

ابتلي المؤمنون وزلزلوا زلزالا شديدا ۞ وإذ يقول
آزموده شدند گروندگان و جنبانیده شدند جنبانیدن سخت ۞ و یاد کن آنگه گفتند
المنافقون والذين في قلوبهم مرض ما وعدنا الله و
منافقان ۞ و آنانکه در دلهای ایشان مرض است وعده نکرد ما را خدا و
رسوله إلا غرورا ۞ وإذ قالت طائفة منهم يا أهل يثرب
پیغمبر او ۞ مگر وعده فریب ۞ و یاد کن چون گفتند طایفه از ایشان ای اهل مدینه
لا مقام لكم فارجعوا ويستأذن فريق منهم النبي
جای بودن نیست مر شما را پس برگردید ۞ و رخصت خواستند گروهی از ایشان از پیغمبر
يقولون إن بيوتنا عورة وما هي بعورة إن يريدون إلا فرارا
می گفتند ۞ بدرستی که خانهای ما خالیست و حال آنکه آنها خالی نبود ۞ آنکه نمیخواستند مگر گریختن را
ولو دخلت عليهم من أقطارها ثم سئلوا الفتنة لآتوها
و اگر داخل شوند بر ایشان از جوانب مدینه پس خواسته شوند ۞ فتنه هر آینه بیایند
وما تلبثوا بها إلا يسيرا ۞ ولقد كانوا عاهدوا الله من
و درنگ نکنند بفتنه مگر زمان اندک ۞ و بحقیقی که بودند جمعی که عهد کردند با خدا از
قبل لا يولون الأدبار وكان عهد الله مسئولا ۞ قل
پیش که برنگردانند پشتهای خود را ۞ و هست عهد خدا ۞ سوآل کرده شده ۞ بگو
لن ينفعكم الفرار إن فررتم من الموت أو القتل وإذا لا
نفع نمیکند شما را گریختن ۞ اگر بگریزید شما از مرگ یا از کشتن ۞ و آن هنگام که بگریزید
تمتعون إلا قليلا ۞ قل من ذا الذي يعصمكم من الله
برخورداری نمیابید از عمر مگر اندکی ۞ بگو با محمد کیست آنکه نگاه دارد شما را از خدا
إن أراد بكم سوءا أو أراد بكم رحمة ولا يجدون لهم
اگر خدا خواهد بشما بدی ۞ یا خواهد بشما بخششی ۞ و نمییابند مردم برای
من دون الله وليا ولا نصيرا ۞ قد يعلم الله المعوقين
از غیر خدا دوستی و نه یاری کننده ۞ بحقیق که میداند خدا بازدارندگان خود را

بنی اشجع را
سعد بن جبله
اشجعی بنی اسد را طلیحه
سردار بودند و چون رسول الله
صلی الله علیه و آله از حرکت ایشان
آگاهی یافت با سه هزار تن از مدینه باستقبال
لشکر اشرار شتافتند و در حوالی احد نزول
اجلال فرموده بمشورت سلمان فارسی رضی الله
عنه گرداگرد لشکر اسلام خندقی بعرض ده ذرع
کندند و چون لشکر اشرار بحوالی قلعه یهود بنی
قریظه رسیدند حیی ابن اخطب بدر قلعه ایشان
رفته ایشان را بمدد خود دعوت نمود ایشان
بعلت امان و پیمانی که با رسول خدا نموده بودند
سر باز زده راضی بآن معنی نمی شدند در آخر
بلطایف الحیل ایشان هم از حصار خود بیرون
آمده بلشکر اشرار پیوستند و چون دو لشکر در
برابر هم جا بر جا قرار گرفتند عمرو بن عبدود
که در میان میدان او را با هزار دلیر کار دیده
برابر میدانستند از غایت جلادت و دلاوری
اسب از خندق تاخته در برابر لشکر اسلام
ایستاد و مبارز طلبیده و مسلمانان چون آوازه
دلاوری او شنیده بودند محک جرأت
مقابله او ننموده پس حضرت علی علیه السلام
بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و
گفت من بکارزار او میروم آنحضرت
فرمود که این مرد عمرو است بنشین عمرو باز ندا
کرد و گفت از باب سرزنش مسلمانان کسی نیست
که برابر من آید کجاست بهشتی که میگویید که اگر
کسی از شما کشته شود بآنجا میرود و مسلمانان
همه ساکت و هراسان شدند امیر المؤمنین
برخواست و عرض کرد یا رسول الله من او را
شایم باز آنحضرت مانع او شده نوبت

مِنكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا
از شما و گویندگان مر برادران خود را که بیائید بسوی ما و نمی آیند منافقان بجنگ مگر

قَلِيلًا ۝ أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنظُرُونَ
اندکی در حالیکه بخیلانند بر شما پس چون آمد ترس از دشمن ببینی ایشانرا که مینگرند

إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا
بسوی تو میگردد چشمهای ایشان مانند چشم کسی که پوشیده شده باشد بر او از مرگ پس چون

ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُم بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ
برود ترس برنجانند شما را بزبانهای تند در حالتیکه بخیلند بر غنیمت

أُولَٰئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ
آن گروه ایمان نمی آورند پس باطل گرداند خدا کردار ایشانرا و هست این بر خدا

يَسِيرًا ۝ يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِن يَأْتِ الْأَحْزَابُ
آسان می پندارند منافقان آنکه لشکرهای کفار نرفته اند از مدینه و اگر بیایند لشکرهای کفار

يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُم بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنبَائِكُمْ
دوست دارند که ایشان صحرانشینان بودندی در عربها میپرسیدندی از خبرهای شما

وَلَوْ كَانُوا فِيكُم مَّا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا ۝ لَّقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي
و اگر بودندی در میان شما جنگ نکردندی مگر اندکی بدرستی که هست مر شما را در ذات

رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ
پیغمبر خدا خصلتی پسندیده مر کسی را که امید دارد بخدا و روز

الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ۝ وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ
قیامت و یاد کرد خدا را بسیار و آن هنگام که دیدند گروندگان لشکرهای کفار را

قَالُوا هَٰذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ
گفتند این آن چیزیست که وعده کرد ما را خدا و پیغمبر او و راست گفت خدا و پیغمبر او

وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا ۝ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ
و نیفزود ایشانرا مگر ایمان و گردن نهادنی از مؤمنان مردانند

وی
نهاد دوازده
نه علاقه بود پس
فرمود که برو چون حضرت
علی علیه السلام متوجه جانب عمرو
شد رسول خدا فرمود که اللهم احفظه من
بین یدیه ومن خلفه وعن یمینه وعن شماله ومن
فوقه ومن تحت قدمیه و آنحضرت زره حضرت
مشتمل بر قوت و جلادت خود خوانده برابر عمرو
ایستاد عمرو گفت تو کیستی فرمود منم علی
گفت پسر عبد مناف فرمود منم علی بن ابی طالب
بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف پس عمرو
گفت برگرد و دیگری را بفرست که از تو
بزرگتر باشد ای برادرزاده من که نمیخواهم
خون تو را بریزم آنحضرت فرمود لیکن مرا
می آید ریختن خون تو پس عمرو بخشم رفته
از مرکب فرود آمده شمشیر چون شعله آتش کشیده
بخشم تمام بر سر آنحضرت فرود آورد آنحضرت
سپر بر سر کشیده تیغ آن بدکار سپر را شکافته سر
مبارک آنحضرت را مجروح گردانید پس
آنحضرت ذوالفقار بر دوش و بروایتی بر
پای او آشنا گردانید چنانکه از شدت ضرب
آن از پای درآمد پس آنحضرت سر او را از تن جدا
کرده بخدمت رسول خدا آورد و از طرق صحاح
... رضی الله عنهم مرویست که رسول خدا صلی الله علیه
و آله فرمود که ضربة علی یوم الخندق افضل
من عبادة الثقلین و نوفل بن عبد العزی میان
خندق آمده خواست از خندق برآید که در آن
خون عمرو نماند مسلمانان او را سنگباران نمودند
و آخر بمقابله زبیر بن عوام کشته شد حضرت
ماه فرمود که از روز شنبه بود تا روز قیامت
گویند که در شکال همه در آن
عدد مسلمانان
آمدند

صدقوا

صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللّٰهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضٰى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ

مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا ۝ لِيَجْزِيَ اللّٰهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ

وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ

غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَرَدَّ اللّٰهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا

وَكَفَى اللّٰهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللّٰهُ قَوِيًّا عَزِيزًا ۝ وَأَنْزَلَ

الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ

فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا ۝ وَأَوْرَثَكُمْ

أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَئُوهَا وَكَانَ اللّٰهُ عَلٰى

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتُنَّ

تُرِدْنَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ

سَرَاحًا جَمِيلًا ۝ وَإِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ

فَإِنَّ اللّٰهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ

مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ

هر که بیاید از شما بکاری زشت روشن دو چندان کرده شود مر او را عذاب

ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ۝ وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ

دو چندان و هست این بر خدا آسان و هر که مداومت کند بر طاعت از شما

وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُّؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا

خدا او در و بکند کار شایسته بدهیم مزد او را دو مرتبه و آماده سازیم برای آن روزی

كَرِيمًا ۝ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ

نیکو ای زنان پیغمبر نیستید شما مانند یکی از زنان امت گر بترسید از دوری

فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ

از خدا پس نرمی نمائید بگفتن پس طمع کند آنکه در دل او مرضی است و گوئید

قَوْلًا مَّعْرُوفًا ۝ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ

گفتاری پسندیده و قرار گیرید در خانهای خود و اظهار مکنید زینت خود را مانند اظهار کردن زنان جاهلیت

الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا

که پیشین بوده و بپای دارید نماز را و بدهید زکوة را و اطاعت کنید خدا و فرستاده او را

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ

جز این نیست که میخواهد خدا تا ببرد از شما پلیدی گناه را ای خانواده پیغمبر و پاک گرداند شما را

تَطْهِيرًا ۝ وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ

پاک کردنی و یاد کنید ای زنان پیغمبر آنچه خوانده شود در خانهای شما از آیات خدا و سخنان خدا

إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ۝ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ

بدرستی که خدا هست لطف کننده آگاه بدرستی مردان مسلم و زنان مسلمه و مردان مومن

وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ

و زنان مومنه و مردان دایم عبادت و زنان عابده و مردان راستگو و زنان راستگو

وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَ

و مردان صبر کننده و زنان صابره و مردان تواضع کننده و زنان متواضعه و

المتصدقین

بیایند تا همگی باتفاق از قلعه بیرون و هم و شبیخون بر ایشان بزنیم هم راضی نشد و گفت که یکمرد عاقلی در میان شما نبوده پس بخدمت آن حضرت فرستاده استدعا کردند از قلعه بیرون آیند و هرچه سعد ابن معاذ درباره ایشان حکم کند اجرا شود آنحضرت قبول نمودند و تمامی ایشان همگی از قلعه بیرون آمدند سعد حکم کرد درباره ایشان کشتن مردان کاری و اسیر کردن کودکان و زنان و غارت کردن اموال ایشان و گفت که باغات و بساتین ایشان مخصوص مهاجرین باشد چون انصار در مدینه باغات و مزارعات دارند و مهاجرین ندارند پس آنحضرت فرمود که آن حکم همان حکمی است که حق تعالی بالای هفت آسمان کرده پس مردان ایشان را که ششصد تن و بقولی چهارصد و پنجاه تن بودند کشتند و زنان و کودکان و اموال ایشان را میان مسلمانان قسمت نمود

باتفاق

علمای امامیه رضی الله عنهم و اخبار اهل بیت رسالت صلی الله علیه و آله این آیه در شان آنحضرت و امیرالمومنین و فاطمه و حسنین علیهم السلام نازل شده و از طرق عامه هم اخبار در این باب زیاده از حد حصر است از آنجمله از ثعلبی منقول است که در تفسیر خود بسند خود از ابوسعید خدری روایت کرده که رسول خدا فرمود این آیه در شان من و علی و حسن و حسین و فاطمه است ابوحمزه ثمالی از ام سلمه روایت کرده که فاطمه علیها السلام آمد و حریره آورد پس رسول گفت که شوهر

الْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ

مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و مردان روزه دار و زنان صائمه

وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا

و مردان نگاه دارنده فرجهای خود و زنان نگاه دارنده خود و مردان ذکر کننده خدا بسیار

وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ۝ وَمَا كَانَ

و زنان ذکر کننده آماده کرده خدا برای ایشان آمرزش و مزدی بزرگ و نبود

لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ

هیچ مومن و زن مومنه را هرگاه حکم کند خدا و پیغمبر او در کاری آنکه باشد مر ایشان را

الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا

اختیاری از کار خود و هرکه نافرمانی کند خدا و فرستاده او را پس تحقیق گمراه شد گمراه شدنی

مُبِينًا ۝ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ

ظاهر و یاد کن ای محمد چون گفتی مر آن کس را که انعام کرده خدا بر او و انعام کردی بر او

أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ

باز دار نگاه دار برای خود زن خود را و بترس از خدا و نهان میکردی در نفس خود آنچه را که

مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ

خدا ظاهر کننده آنست و میترسی تو از سرزنش مردمان و خدا سزاوارتر است آنکه بترسی از او پس هنگامی که گذارد زید

مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ

حاجت خود را و طلاق داد تزویج نمودیم ترا زینب تا نباشد بعد از تو بر مومنان تنگی

فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ

و گناهی در خواستن زنان پسرخواندگان خود وقتیکه گذارده شد از ایشان حاجت و هست حکم خدا

مَفْعُولًا ۝ مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ

کرده شده نیست بر پیغمبر هیچ وزر و بالی در آنچه واجب کرده خدا برای او سنت نهاد

اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا ۝

خدا در دین آنانکه گذشتند پیش از این و هست حکم خدا حکمی اندازه شده و نافذ

یا رسول الله من هم با ایشانم آنحضرت فرمودند انی خیر یعنی تو زن نیکی هستی اما از اهل بیت نیستی و شیخ ابو علی طبرسی رضی الله عنه از ابو القاسم حسکانی نقل کرده از جابر بن عبد الله روایت کرده که این آیه نازل شد بر پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و حال آنکه نبود در خانه آنحضرت غیر از فاطمه و حسنین و علی علیهم السلام پس آنحضرت فرمود اللهم هولاء اهل بیتی ... و از حکایت کرده که حسن ابن علی علیهما السلام فرمود که چون این آیه نازل شد ما را جمع فرمود در زیر عبا و فرمود که اللهم هولاء اهل بیتی و عترتی

در مجمع البیان گفته که رسول خدا صلی الله علیه و آله زینب را که عمه زاده آنحضرت بود خواستگاری نمود و زینب را گمان آن بود که او را آنحضرت برای خود میخواهد چون یافت که برای زید میخواهد ابا نمود و قبول نکرد و گفت من عمه زاده توام و زن آزادم و زید آزاد کرده تو غلام تو بود و برادرش عبد الله ابن جحش هم از آن حکایت ابا نمود پس آیه و من یعص الله من الاول الی آخر نازل شد پس زینب گفت یا رسول الله راضی شدم و اختیار خود را بدست تو دادم و عبد الله هم تن داد پس آنحضرت زینب را به زید داد و ده دینار و شصت درهم و روپاکی و چادر [illegible]

الذين يبلغون رسالات الله ويخشونه ولا يخشون احدا

آنانکه میرسانند پیغامهای خدا را و میترسند از خدا و نمیترسند از کسی

الا الله وكفى بالله حسيبا ۝ ما كان محمد ابا احد من

مگر خدا و بس است خدا کفایت کننده ۝ نیست محمد پدر یکی از

رجالكم ولكن رسول الله وخاتم النبيين وكان الله بكل

مردان شما ولیکن فرستاده خدا و ختم پیغمبرانست و هست خدا بهر چیز

شيء عليما ۝ يا ايها الذين امنوا اذكروا الله ذكرا كثيرا

چیز دانا ۝ ای آنانکه گرویده اید یاد کنید خدا را یاد کردنی بسیار

وسبحوه بكرة واصيلا ۝ هو الذي يصلي عليكم و

و تسبیح کنید او را بامداد و شبانگاه ۝ وست آنکه رحمت میکند بر شما و

ملائكته ليخرجكم من الظلمات الى النور وكان بالمؤمنين

آمرزش خواهند فرشتگان او تا برآرد شما را از تاریکیهای کفر بسوی نور اسلام و هست خدا بمؤمنان

رحيما ۝ تحيتهم يوم يلقونه سلام واعد لهم اجرا كريما ۝

مهربان ۝ درود خدا مومنانراست روزی که برسند برحمت او سلام و آماده کرده برای ایشان مزدی بزرگوار

يا ايها النبي انا ارسلناك شاهدا ومبشرا ونذيرا ۝

ای پیغمبر بدرستی که ما فرستادیم ترا گواه بر امت و مژده دهنده و بیم کننده

وداعيا الى الله باذنه وسراجا منيرا ۝ وبشر المؤمنين

و خواننده مردم را به پرستش خدا بفرمان او و چراغی روشن ازو ۝ و مژده ده مومنان را

بان لهم من الله فضلا كبيرا ۝ ولا تطع الكافرين و

بانکه مر ایشانراست از خدا بخشش بزرگ ۝ و پیروی مکن کافران و

المنافقين ودع اذاهم وتوكل على الله وكفى بالله

منافقان را و دست بدار از رنج رسانیدن ایشان و توکل کن بر خدا و بس است خدا

وكيلا ۝ يا ايها الذين امنوا اذا نكحتم المؤمنات ثم طلقتموهن

کارساز ۝ ای کسانیکه گرویده اید چون نکاح کنید زنان مومنه را پس طلاق دهید ایشانرا

در تفسیر خود حکایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله زید را بسیار دوست میداشت و هرگاه زید در خدمت آنحضرت رسیدی بخانه او رفتی و احوال او گرفتی روزی بخدمت آنحضرت رسید در آنحضرت بخانه وی رفت دید که زینب در میان حجره مشغول سائیدن طیب است چون آنحضرت او را دید فرمود سبحان الله خالق النور تبارک الله احسن الخالقین و بازگردید و چون بخانه آمد زینب آنچه دیده و شنیده حکایت کرد برای زید گفت گویا دوستی تو در دل رسول خدا جای کرده میخواهی که ترا طلاق گویم تا آنحضرت ترا تزویج نماید زینب گفت میترسم تو مرا طلاق گویی آنحضرت مرا نخواهد پس زید بخدمت رسول خدا عرضه داشت که میخواهم زینب را طلاق گویم آنحضرت فرمود که نگاه دار زن خود را و طلاق مگو و از خدا بترس از آزار او و جدائی او و آنحضرت در خاطر داشت که اگر زید او را طلاق گوید تزویج نماید میترسید از سرزنش مردمان که بگویند گفت زید را که زن خود را طلاق گوید پس از طلاق بخود خواست و از حضرت علی ابن الحسین مرویست که حق سبحانه و تعالی او را خبر داده بود که زید زینب را طلاق خواهد داد و از جمله ازواج آنحضرت خواهد شد پس حق تعالی خطاب فرمود که چرا زید را گفتی زن خود را نگاه دار و طلاق مگو و حال آنکه ترا خبر دادم که زینب از زنان تو خواهد بود چرا از زبان درازی مردمان

مِن قَبلِ اَن تَمَسّوهُنَّ فَما لَكُم عَلَيهِنَّ مِن عِدَّةٍ تَعتَدّونَها

پس از آنکه مس کنید ایشان را پس نیست مر شما را بر ایشان هیچ عده که بشمارند آن را

فَمَتِّعوهُنَّ وَسَرِّحوهُنَّ سَراحًا جَميلًا ۝ يا اَيُّهَا النَّبِيُّ اِنّا

پس متمتع سازید آن را و رها کنید ایشان را رها کردن نیکو ای نبی بدرستی که ما

اَحلَلنا لَكَ اَزواجَكَ اللّاتي اٰتَيتَ اُجورَهُنَّ وَما مَلَكَت

حلال کردیم برای تو زنان تو را که داده مهرهای ایشان را و آنچه مالک شده

يَمينُكَ مِمّا اَفاءَ اللّهُ عَلَيكَ وَبَناتِ عَمِّكَ وَبَناتِ عَمّاتِكَ

دستهای تو از آنچه گردانید خدا بر تو و دختران عم تو و دختران عمه های تو

وَبَناتِ خالِكَ وَبَناتِ خالاتِكَ اللّاتي هاجَرنَ مَعَكَ

و دختران خالوهای تو و دختران خاله های تو که هجرت کردند با تو

وَامرَاَةً مُؤمِنَةً اِن وَهَبَت نَفسَها لِلنَّبِيِّ اِن اَرادَ النَّبِيُّ

و زنان مومنه را اگر بخشند نفس خود را به پیغمبر اگر خواهد پیغمبر

اَن يَستَنكِحَها خالِصَةً لَكَ مِن دونِ المُؤمِنينَ قَد عَلِمنا

آنکه طلب نکاح کند او را خالص است این مر تو را بغیر از مومنان بحقیق دانستیم ما

ما فَرَضنا عَلَيهِم في اَزواجِهِم وَما مَلَكَت اَيمانُهُم لِكَيلا

آنچه فرض کرده ایم بر ایشان در زنان ایشان و آنچه مالک شده دستهای ایشان تا

يَكونَ عَلَيكَ حَرَجٌ وَكانَ اللّهُ غَفورًا رَحيمًا ۝ تُرجي مَن تَشاءُ

نباشد بر تو تنگی و هست خدا آمرزنده مهربان باز پس دار هر که خواهی

مِنهُنَّ وَتُؤوي اِلَيكَ مَن تَشاءُ وَمَنِ ابتَغَيتَ مِمَّن عَزَلتَ فَلا

از ایشان و جای ده بسوی خود هر که خواهی و هر که خواهی بطلبی از آنها که بیکطرف رفته اند

جُناحَ عَلَيكَ ذٰلِكَ اَدنىٰ اَن تَقَرَّ اَعيُنُهُنَّ وَلا يَحزَنَّ وَ

پس نیست گناهی بر تو این تفویض نزدیکتر است باآنکه روشن شود چشمهای ایشان و اندوهناک نشوند و

يَرضَينَ بِما اٰتَيتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللّهُ يَعلَمُ ما في قُلوبِكُم

خشنود شوند بآنچه بدهی بایشان همه از نفقه و خدا میداند آنچه در دلهای شماست

در مجمع البیان گفته که اشتراط مهاجرت زنان در حلیت پیش از زمان حلیت غیر از مهاجرات بود و بعد از آن این اشتراط منسوخ شد و غیر مهاجرات هم حلال شدند

از خصایص رسول خدا آن بود که زن هرگاه خود را بر آنحضرت می‌بخشید بر او حلال می‌شد بی آنکه عقدی واقع شود

در مجمع البیان

مذکور است که بعضی از زنان آنحضرت را غیرتی بر آنحضرت عارض شد و طلب زیادتی نفقه از آنحضرت کردند پس آنحضرت یکماه از ایشان همه دوری گزید تا آنکه آیه تخییر نازل شد و حقتعالی فرمود که زنان خود را مخیر سازد میانه دنیا و آخرت و هر که اختیار کند دنیا را او را رها کند و نگاه دارد هر کرا اختیار خدا و رسول او نماید باین شرط که مادران مومنان باشند و بعد از آن حضرت زن احدی نشوند و باین شرط که حضرت حقوق زوجیت را نسبت بهر کدام بجا خواهد آورد و نسبت بهر که نخواهد بجا نیاورد و اگر حق قسم را خواهد نسبت بعضی زیاده کند



وكان الله عليما حليما ۝ لا يحل لك النساء من بعد ولا

و هست خدا دانا بردبار ۝ حلال نیست مر تو را زنان دیگر بعد از این زنان و نه

ان تبدل بهن من ازواج ولو اعجبك حسنهن الا ما ملكت

آنکه بدل کنی بایشان از زنان دیگر و اگر بشگفت آرد تو را حسن ایشان مگر آنچه مالک شده

يمينك وكان الله على كل شيء رقيبا ۝ يا ايها الذين امنوا

دستهای تو و هست خدا بر هر چیزی نگاهبان ۝ ای کسانیکه گرویدید

لا تدخلوا بيوت النبي الا ان يؤذن لكم الى طعام غير

داخل مشوید بخانه پیغمبر مگر آنکه رخصت داده شود شما را بخوردن طعام در حالتی که غیر

ناظرين اناه ولكن اذا دعيتم فادخلوا فاذا طعمتم فانتشروا

منتظر باشید وقت طعام را و لیکن چون خوانده شوید پس داخل شوید پس چون طعام خوردید پس پراکنده شوید

ولا مستانسين لحديث ان ذلكم كان يؤذي النبي

و داخل مشوید در حالی که آرام گیرنده باشید برای سخن بدرستیکه این شما هست که میرنجاند پیغمبر را

فيستحيي منكم والله لا يستحيي من الحق واذا سالتموهن

پس شرم میدارد پیغمبر از شما و خدا شرم نمیدارد از راست گفتن و چون سوال کنید از زنان پیغمبر

متاعا فسئلوهن من وراء حجاب ذلكم اطهر لقلوبكم

چیزی که بدان انتفاع گیرند پس بپرسید از ایشان از پس پرده این سوال از حجاب پاکتر است مر دلهای شما را

وقلوبهن وما كان لكم ان تؤذوا رسول الله ولا ان

و دلهای ایشان را و روا نباشد مر شما را که برنجانید پیغمبر خدا را و نه آنکه

تنكحوا ازواجه من بعده ابدا ان ذلكم كان عند الله

نکاح کنید زنان پیغمبر را از بعد پیغمبر همیشه بدرستی که نکاح ازواج پیغمبر هست نزد خدا

عظيما ۝ ان تبدوا شيئا او تخفوه فان الله كان بكل شيء

بزرگ ۝ اگر آشکارا کنید چیزی را یا پنهان دارید آنرا پس بدرستی که خدا هست بهر چیزی

عليما ۝ لا جناح عليهن في ابائهن ولا ابنائهن ولا

دانا ۝ هیچ گناهی نیست بر زنان در روی نمودن به پدران خود و نه پسران خود



اخوانهن

اخوانهن ولا ابناء اخوانهن ولا ابناء اخواتهن ولا

برادران خود و نه پسران برادر خود و نه پسران خواهران خود و نه

نسائهن ولا ما ملكت ايمانهن واتقين الله ان الله كان

زنان خود و نه آنچه مالک شد دستهای ایشان و بترسید ای زنان از خدا بدرستی که خدا هست

على كل شيء شهيدا ۝ ان الله وملائكته يصلون على

بر همه چیز گواه بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر

النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا تسليما

پیغمبر ای کسانی که گرویدید رحمت فرستید بر او و تسلیم کنید حکم او را تسلیم کردنی

ان الذين يؤذون الله ورسوله لعنهم الله في الدنيا و

بدرستیکه آنانکه میرنجانند خدا و پیغمبر او را لعنت کرد ایشان را خدا در دنیا و

الاخرة واعد لهم عذابا مهينا ۝ والذين يؤذون المؤمنين

قیامت و آماده کرده برای ایشان عذابی خوار کننده و آنانکه میرنجانند مردان مومن

والمؤمنات بغير ما اكتسبوا فقد احتملوا بهتانا و

و زنان مومنه را بغیر آنچه کسب کردند پس تحقیق که بر داشتند دروغی و

اثما مبينا ۝ يا ايها النبي قل لازواجك وبناتك و

گناهی هویدا ای پیغمبر بگو زنان خود را و دختران خود را و

نساء المؤمنين يدنين عليهن من جلابيبهن ذلك ادنى

زنان مومنان را که در وقت خروج نزدیک کنند یعنی فرو گذارند بر روی چادرهای خود را این نزدیکتر است

ان يعرفن فلا يؤذين وكان الله غفورا رحيما ۝ لئن لم ينته

باینکه شناخته شوند بعفت پس ایذا کرده نشوند و هست خدا آمرزنده مهربان اگر باز نه ایستند

المنافقون والذين في قلوبهم مرض والمرجفون في المدينة

از ایذا منافقان و آنانکه در دلهای ایشان مرضست از قصد زنان و اراجیف گویندگان در مدینه

لنغرينك بهم ثم لا يجاورونك فيها الا قليلا ۝ ملعونين

هر آینه برگماریم ترا بقتال ایشان پس همسایگی نکنند ترا در مدینه مگر اندکی در حالتیکه ملعون باشند

از ابو حمزه ثمالی مرویست که بسند خود از کعب ابن عجره روایت کرده که چون آیه ان الله وملائکته یصلون علی النبی نازل شد گفتیم یا رسول الله سلام کردن بر تو را میدانیم چگونه است صلوه بر تو را میدانیم فرمود بگویید اللهم صل علی محمد وآل محمد کما صلیت علی ابراهیم وآل ابراهیم انک حمید مجید وبارک علی محمد وآل محمد کما بارکت علی ابراهیم وآل ابراهیم انک حمید مجید و از ابو بصیر حکایت کرده که گفت از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم از تفسیر این آیه عرضه داشتم که چگونه است صلوات خدا بر رسول او فرمود که ای ابا محمد صلوات خدا بر آنحضرت عبارتست از پاک کردن او و پاکی در ساکنان آسمان بلند مرتبه پس عرضه داشتم که صلوات بر آنحضرت میدانم تسلیم چگونه است فرمود که آن عبارتست از انقیاد و فرمان برداری او در هر باب و بقولی تسلیم عبارتست از گفتن السلام علیک یا رسول الله و امثال آن و علمای ملت احمدی در باب وجوب صلوه و سلام بر آنحضرت اختلاف کرده بعضی قایل بوجوب آن شده هرگاه نام مبارک آنحضرت مذکور شود

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که رسول از خانه بیرون آمد و حال آنکه دست فاطمه را بدست خود گرفته بود فرمود که هر که او را [illegible]

أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِيلًا ۝ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا

هرکجا یافت شوند ایشان گرفته شوند و کشته شوند کشتنی بخواری سنت نهاد خدا در دین آنانکه گذشتهٔ

مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۝ يَسْأَلُكَ النَّاسُ

پیش از این و نیابی تو مر سنت و طریق خدا را میل کردنی میپرسند ترا مردمان

عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ

از قیامت بگو جز این نیست که دانستن آن نزد خداست و چه چیز دانا گرداند ترا شاید آمدن قیامت

تَكُونُ قَرِيبًا ۝ إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ۝

باشد نزدیک بدرستیکه خدا لعنت کرده کافرانرا و آماده کرده برای ایشان آتش دوزخرا

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝ يَوْمَ تُقَلَّبُ

که جاوید باشند در آن همیشه نیابند دوستی و نه یاری دهنده روزیکه گردانیده شود

وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا

رویهای ایشان در آتش گویند ای کاشکی ما فرمان بردیم خدا و پیروی کردیم

الرَّسُولَا ۝ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا

پیغمبر را و گفتند پروردگارا بدرستی که ما اطاعت کردیم مهتران خود و بزرگان خود را پس گمراه کردند

السَّبِيلَا ۝ رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا

ما را از راه حق پروردگارا بده ایشانرا دو برابر از عذاب و لعنت کن ایشانرا لعنتی

كَبِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ

بزرگ ای کسانیکه گرویدید مباشید مانند آنانکه رنجانیدند موسی را

فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

پس پاک گردانید او را خدا از آنچه گفتند و بود موسی نزد خدا با جاه و قرب ای کسانی که

آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۝ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ

گرویدید بترسید از عذاب خدا و بگوئید گفتنی استوار تا باصلاح آرد برای شما کارهای شما را و

يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ

بیامرزد برای شما گناهان شما را و هرکه فرمان برد خدا و پیغمبر او را پس حقیق که فیروزی یافت

یعنی
ایذای محمد مکنید
و نسبت مدهید با و چیزی را که
نالایق است از شفاعت و دروغ و
نصب خلیفه از پیش خود بجز دوستی خانوادهٔ
خود چنانچه بعضی از منافقان کردند بهنگام
اخبار آن حضرت در خندق بفتح بلاد و
خواب فتح مکه و نصب امیر المومنین علیه
السلام همچنانکه قوم موسی امثال این بهتان از
کشتن هارون و غیر آن بآن جناب نسبت
کردند

فرز

فَوْزًا عَظِيمًا ۞ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

فیروزی بزرگ ۞ بدرستی که ما عرض کردیم امانت را که نماز است بر آسمانها و زمین

وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ

و کوهها ۞ پس سر باز زدند از آنکه بردارند امانت را و ترسیدند از آن و برداشت آن را آدمی

إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ۞ لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ

بدرستی که هست آدمی ستمکار نادان عرض امانت جهة آن بود تا عذاب کند خدا مردان منافق و زنان منافقه را

وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و مردان مشرک و زنان مشرکه را و تا رجوع کند خدا برحمت بر مردان مؤمن و زنان مؤمنه

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۞

و هست ۞ خدا آمرزنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۞

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ

همه ستایش مر خدا راست که مر او راست آنچه در آسمانها ۞ و آنچه در زمین است و مر او راست

الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ۞ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي

ستایش در آخرت و اوست درست کار ۞ دانا میداند آنچه میرود در

الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ

زمین و آنچه بیرون می آید از آن و آنچه فرود می آید از آسمان و آنچه بالا میرود

فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ۞ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا

در آن و اوست مهربان آمرزنده ۞ و گفت آنانکه کافر شدند نمی آید بما

السَّاعَةُ قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ

قیامت ۞ بگو ای محمد بلی می آید بحق پروردگار من هر آینه بیاید بشما قیامت دانای پنهان دور نشود از علم او

مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ

سنگ مورچه خورد نه در آسمانها و نه در زمین و نه هست خوردتر از

مراد
از امانت درین
کریمه اوامر و نواهی است
و عرض آنها بر ساکنان آسمانها از فرشتگان
و ساکنان زمین از حیوانات است و تقبولی حق تعالی
هنگام آفریدن آسمانها و زمین آنها را شعوری
کرامت فرمود که شریعتی قرار میدهیم و هر که
فرمان برد بهشت میبریم او را و هر که نافرمانی
می کند بدوزخ میفرستیم گفتند ما در حکم و فرمان
توایم نه بهشت جاوید میخواهیم و نه تاب
آتش سوزان داریم و قبول تکلیف نکردند
و تقبولی عرض شدت امر تکلیف است که گویا
اگر آسمان و زمین باین بزرگی هیکل اگر شعوری میداشتند
قبول آن نمینمودند از ضعف و رحمت انسان
و آدمیزاد با این جثه قبول آن نموده
ابی
ابن کعب از سید عالم
صلی الله علیه و آله نقل کرده که هر که سوره
سبا و فاطر را در شب بخواند تا روز
در حفظ خدا باشد و چیزی باو ضرر
نرساند و اگر در روز بخواند تا شب
مکروهی باو نرسد و چندان خیر دنیا و
آخرت باو دهند که در خواطر او
نگذرد و خدا ازو
خشنود شود

ذلك ولا اكبر الا في كتاب مبين ۝ ليجزي الذين امنوا

مثقال ذره و نه بزرگتر است مگر در کتاب روشن تا جزا دهد آنان را که گرویدند

وعملوا الصالحات اولئك لهم مغفرة ورزق كريم ۝

و کردند کار شایسته آن گروه مر ایشان راست آمرزش گناه و روزی نیکو

والذين سعوا في اياتنا معاجزين اولئك لهم عذاب من رجز

و آنانکه سعی کردند در آیات ما عاجز کنندگان آن گروه مر ایشان راست عذاب از عذاب

اليم ۝ ويرى الذين اوتوا العلم الذي انزل اليك من ربك

دردناک و میدانند آنانکه داده شدند علم آنچه فرستاده شد بسوی تو از پروردگار تو

هو الحق ويهدي الى صراط العزيز الحميد ۝ وقال الذين

اوست حق و راه مینماید بسوی خدای غالب ستوده و گفتند آنانکه

كفروا هل ندلكم على رجل ينبئكم اذا مزقتم كل ممزق

کافر شدند آیا دلالت کنیم شما را بر مردی که خبر میدهد شما را که چون پاره پاره می شوید پاره پاره

انكم لفي خلق جديد ۝ افترى على الله كذبا ام به جنة

که باشید هر آینه شما هر آینه در آفرینش تازه اید آیا می بندد بر خدا دروغ یا با او دیوانگی

بل الذين لا يؤمنون بالاخرة في العذاب والضلال البعيد

بلکه آنانکه منکرند بقیامت در عذاب و گمراهی دورند

افلم يروا الى ما بين ايديهم وما خلفهم من السماء والارض

آیا پس نمی بینند بسوی آنچه میان دستهای ایشان است و آنچه پس ایشان است از آسمان و زمین

ان نشا نخسف بهم الارض او نسقط عليهم كسفا من السماء

اگر خواهیم فرو بریم ایشان را بزمین یا فرو افکنیم بر ایشان پاره از آسمان

ان في ذلك لاية لكل عبد منيب ۝ ولقد اتينا

بدرستی که در این هر آینه دلیلی است برای هر بنده بازگردنده و بتحقیق دادیم ما

داود منا فضلا يا جبال اوبي معه والطير والنا له

داود را از خود فضلی گفتیم ای کوهها بازگردید آواز خود را با او و ای مرغان شما نیز چنین کنید و نرم

تاویب
عبارتیست از ترجیع
تسبیح و بازگشت نمودن با و تسبیح پس از
تسبیحی دیگر خلاصه مضمون آنکه کوهها را همه
فرمودیم که تسبیح خدا کنند هرگاه داود
تسبیح گوید و مرغان را فرمودیم که تسبیح
خدا گویند با داود و بقولی تاویب یعنی سیر
و حرکت در روز است و کوهها و مرغها همه
همه مامور بودند که هرجا
داود رود با او
بروند

الحديد ۞ أن اعمل سابغات وقدر في السرد واعملوا صالحا
گردانیدیم برای او آهن را امر کردیم که بساز زرههای فراخ ۞ و اندازه نگهدار در بافتن آن و گفتیم که عمل کنید عمل شایسته
إني بما تعملون بصير ۞ ولسليمان الريح غدوها شهر
بدرستیکه من بآنچه میکنید بینایم ۞ و مسخر گردانیدیم برای سلیمان باد را که رفتن آن در بامداد یکماهه راه بود
ورواحها شهر وأسلنا له عين القطر ومن الجن من يعمل
و رفتن آن در شبانگاه نیز یکماهه راه بود و جاری گردانیدیم برای او چشمه مس را مانند آب گرم و رام او گردانیدیم از جنیان کسانی که
بين يديه بإذن ربه ومن يزغ منهم عن أمرنا نذقه من عذاب
کار میکردند پیش او بفرمان پروردگار او و هر که میل میکند از ایشان از فرمان ما میچشانیدیم او را از عذاب
السعير ۞ يعملون له ما يشاء من محاريب وتماثيل وجفان
آتش افروخته ۞ میساختند دیوان برای سلیمان آنچه میخواست از غرفه‌ها و صورتهای زشت و کاسه‌های چوبین
كالجواب وقدور راسيات اعملوا آل داود شكرا و
مانند حوضهای بزرگ و دیگهای بلند بزرگ و گفتیم عمل کنید ای آل داود شکر این نعمتها را و
قليل من عبادي الشكور ۞ فلما قضينا عليه الموت
اندکی از بندگان من شکر کننده‌اند ۞ پس آن هنگام که حکم کردیم بر سلیمان مردن را
ما دلهم على موته إلا دابة الأرض تأكل منسأته فلما
رهنمونی نکرد دیو را از مردن او مگر جنبنده از زمین که میخورد عصای او را پس آنهنگام
خر تبينت الجن أن لو كانوا يعلمون الغيب ما لبثوا في العذاب
که افتاد عصا با سلیمان ظاهر شد جنیان را اگر بودندی که میدانستندی غیب را درنگ نمیکردندی یکسال در عذاب
المهين ۞ لقد كان لسبإ في مسكنهم آية جنتان عن
خوار کننده ۞ بدرستیکه بود مر اولاد سبا را سبب در مسکنهای ایشان علامتی دو بوستان از
يمين وشمال ۞ كلوا من رزق ربكم واشكروا له بلدة
راست و چپ ۞ گفت بخورید از روزی پروردگار خود و شکر کنید مر او را آن شهری
طيبة ورب غفور ۞ فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل
پاکیزه بود و پروردگار آمرزنده است ۞ پس روی بگردانیدند پس فرستادیم بر ایشان سیل

مفسران
گفته اند که چون بر سلیمان
ظاهر شد که اجلش نزدیک و بنای بیت ا
المقدس هنوز با تمام نرسیده بود بلکه یکسال دیگر
کار داشت و آدمیان هم گمان میکردند که جمیع
دیوان عالمند بخبرهای پنهانی آنحضرت از
خدای تعالی درخواست که مرگ او را از ایشان
نهان دارد تا دیوان کار بیت المقدس را تمام
نمایند و بر آدمیان هم معلوم شود که دیوان
علم بغیب ندارند بمحراب عبادت رفت تکیه
بر عصا کرده قبض روح او شد و تا یکسال ایشان دو
بوده و دیوان او را میدیدند و گمان حیات او
بودند و بکار مشغول بودند خدای تعالی ارضه را
فرستاد تا عصای او را خورد چون سلیمان
افتاد بر آدمیان ظاهر شد که جنیان دانای
علم نیستند اگر علم غیب دانستندی یکسال بعد
وفات سلیمان در مشقت کار تمام بنای بیت
المقدس نماندندی بلکه بفوت آنحضرت دست
از کار کشیدندی و پس ازین آدمیان را عقیده
آن بود که جنیان علم غیب
میدانستند

العرم وبدلناهم بجنتيهم جنتين ذواتي اكل خمط و

اثل وشيء من سدر قليل ۝ ذلك جزيناهم بما كفروا وهل

نجازي الا الكفور ۝ وجعلنا بينهم وبين القرى التي

باركنا فيها قرى ظاهرة وقدرنا فيها السير سيروا فيها ليالي

واياما امنين ۝ فقالوا ربنا باعد بين اسفارنا وظلموا

انفسهم فجعلناهم احاديث ومزقناهم كل ممزق ان في

ذلك لايات لكل صبار شكور ۝ ولقد صدق عليهم

ابليس ظنه فاتبعوه الا فريقا من المؤمنين ۝ وما كان له

عليهم من سلطان الا لنعلم من يؤمن بالاخرة ممن هو منها

في شك وربك على كل شيء حفيظ ۝ قل ادعوا الذين

زعمتم من دون الله لا يملكون مثقال ذرة في السموات

ولا في الارض وما لهم فيهما من شرك وما له منهم من ظهير

وَلَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ عِندَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِّعَ عَن
ونفع نکند شفاعت کسی نزد او مگر آن کسی که رخصت داده باشد مر او را تا آنگه چون رفع فزع نماید

قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ وَهُوَ الْعَلِيُّ
از دلهای ایشان گویند با هم چه چیز گفت پروردگار شما گفتند سخن راست و اوست خدای برتر

الْكَبِيرُ ۝ قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا
بزرگوار بگو کیست که روزی دهد شما را از آسمانها و زمین بگو خداوند بدرستی که ما

أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ قُلْ لَّا تُسْأَلُونَ
یا شما بر راه راستند یا در گمراهی آشکار بگو پرسیده نخواهید شد

عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝ قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ
از آنچه کسب کردیم ما از گناه و سؤال کرده نشویم از آنچه شما می‌کنید بگو جمع کند میان ما پروردگار ما پس

يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ ۝ قُلْ أَرُونِيَ الَّذِينَ
حکم کند میان ما براستی و اوست گشاینده دانا بگو بنمایید مرا آنها را

أَلْحَقْتُم بِهِ شُرَكَاءَ ۖ كَلَّا ۚ بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ وَمَا
که الحاق کرده‌اید بخدا شریکان نه چنان است بلکه او خدای غالب درستکار است و

أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ
نفرستادیم تو را مگر فرستادنی عام مر مردمان را مژده دهنده و بیم کننده ولیکن بیشتر

النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ
مردم نمیدانند و میگویند کفار کی باشد این وعده ثواب و عقاب اگر هستید راستگویان

قُلْ لَّكُم مِّيعَادُ يَوْمٍ لَّا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ
بگو ای محمد مر شما راست وعده روزی که بر پس باز پس نروید از آن روز مقداری اندک از زمان و پیشی نگیرید بر آن

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن نُّؤْمِنَ بِهَٰذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي
و گفتند آنانکه کافر شدند هرگز ایمان نیاریم باین کتاب که فرود آمد پیش از آن

بَيْنَ يَدَيْهِ ۗ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمْ
پیش روی تو و اگر ببینی تو چون مشرکان ستمکاران را باز داشتگان نزد پروردگار خود

گویند با مشرکان که پروردگار شما در دنیا چه گفته بود گویند سخنی حق گفته بود که آن تشریع پیغمبر است آنروز ببدی گرداند و گرفتار خواهند شد

نصف

يَرجِعُ بَعضُهُم اِلَى بَعضٍ اَلقَولَ يَقُولُ الَّذِينَ استُضعِفُوا لِلَّذِينَ

که باز میگردانند بعضی از ایشان بسوی بعضی از ایشان سخن را میگوید آنانکه ضعیف بودند مر آنان را

استَكبَرُوا لَولَا اَنتُم لَكُنَّا مُؤمِنِينَ ۝ قَالَ الَّذِينَ استَكبَرُوا

که گردنکشی کردند اگر نه میبودید شما هر آینه بودیم ما گروندگان ۝ گفتند آنانکه گردنکشی کردند

لِلَّذِينَ استُضعِفُوا اَنَحنُ صَدَدنَاكُم عَنِ الهُدَى بَعدَ اِذ جَاۤءَكُم

مر آنان را که ضعیفان بودند آیا ما باز داشتیم شما را از راه راست بعد از آنکه آمد بشما

بَل كُنتُم مُجرِمِينَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ استُضعِفُوا لِلَّذِينَ استَكبَرُوا

بلکه بودید شما گنهکاران ۝ و گفتند آنانکه ضعیف و بیچاره بودند مر آنان را که گردنکشی کردند

بَل مَكرُ الَّيلِ وَالنَّهَارِ اِذ تَامُرُونَنَا اَن نَكفُرَ بِاللّٰهِ وَنَجعَلَ

بلکه مکر شما شب و روز که میفرمودید ما را چون میفرمودید ما را با آنکه کافر شویم بخدا و فرا گیریم

لَهُ اَندَادًا وَاَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَاَوُا العَذَابَ وَجَعَلنَا

مر خدا را همتایان و پنهان داشتند پشیمانی را هنگامی که دیدند عذاب را و گردانیم ما

الاَغلَالَ فِي اَعنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَل يُجزَونَ اِلَّا مَا كَانُوا

غلهای آتشین را در گردنهای آنانکه کافر شدند آیا جزا داده شوند مگر آنچه بودند که

يَعمَلُونَ ۝ وَمَا اَرسَلنَا فِي قَريَةٍ مِن نَذِيرٍ اِلَّا قَالَ مُترَفُوهَا اِنَّا بِمَا

میکردند ۝ و نفرستادیم ما در هیچ دهی از بیم کننده مگر آنکه گفتند متنعمان آن دهی پیغمبر را بدرستی که ما

اُرسِلتُم بِهِ كَافِرُونَ ۝ وَقَالُوا نَحنُ اَكثَرُ اَموَالًا وَاَولَادًا وَمَا

بآنچه فرستاده شدی تو بآن کافرانیم ۝ و گفتند ما بیشتریم از روی اموال و فرزندان و نیستیم ما

نَحنُ بِمُعَذَّبِينَ ۝ قُل اِنَّ رَبِّي يَبسُطُ الرِّزقَ لِمَن يَشَاۤءُ وَيَقدِرُ

عذاب کرده شدگان ۝ بگو بدرستی که پروردگار من میگشاید روزی را برای هر که میخواهد و تنگ میکند

وَلٰكِنَّ اَكثَرَ النَّاسِ لَا يَعلَمُونَ ۝ وَمَا اَموَالُكُم وَلَا اَولَادُكُم

و لیکن بیشتر مردمان نمیدانند ۝ و نیست مالهای شما و نه فرزندان شما

بِالَّتِي تُقَرِّبُكُم عِندَنَا زُلفَى اِلَّا مَن اٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا

آنچیزی که نزدیک گرداند شما را نزد ما نزدیک گردانیدنی مگر کسی که آورد و کرد کار شایسته

در قاموس
گفته که رجع الشیء رجعه
و رده الیه کارجعه یعنی باهم گفتگو میکنند
و سخن هم را رد میکنند یکدیگر و جواب
آن میگویند و حاصل آنکه باهم نزاع و مجادله
دارند و یقول الذین استضعفوا الخ
جمله مستانفه است برای بیان
سخنهای ایشان

منشاء
تکرار این آیه اینست که در
اول غرض تکرار توبیخ کافران بود و
در اینجا پند مومنان و ازین جهت
در اول بعد از آن واقع شده که ولکن
اکثر الناس لا یعلمون و
در اینجا نه

فاولئك

فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ

پس آن گروه مر ایشان راست پاداش زیاده بسبب آنچه کردند و ایشان در غرفات بهشت ایمنند

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ

و آنانکه میشتابند در ابطال آیات ما که عاجز کنندگان آیند آن گروه در عذاب دوزخ حاضر کرده شدگان

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ

بگو بدرستی که پروردگار من میگشاید روزی را برای هر که خواهد از بندگان خود و تنگ میکرد اند برای او

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ۝ وَ

و آنچه نفقه کنید از چیزی پس او خدا عوض میدهد او را و او بهترین روزی دهندگان است و

يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ

روز برپا یاد کن که جمع شوند ایشان همه پس گوییم مر فرشتگان را آیا این گروه شما را

كَانُوا يَعْبُدُونَ ۝ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيُّنَا مِنْ دُونِهِمْ

بودند که می پرستیدند گویند ملائکه پاکی تو راست تویی خداوند ما بجز از ایشان

بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ ۝ فَالْيَوْمَ

بلکه بودند که می پرستیدند دیوان را بیشتر مردمان بدیوان گرونده اند پس آن روز قیامت

لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا

مالک نمیشود بعضی از شما مر بعضی را نفعی و نه ضرری و گوییم ما مر آنان را که ستم کردند

ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ۝ وَإِذَا

بچشید عذاب آتش را که بودید شما بآن تکذیب می کردید و چون

تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ

خوانده شود بر ایشان آیات ما که روشنست گویند نیست محمد مگر مردی که میخواهد که

يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُفْتَرًى

باز دارد شما را از آنچه بود که می پرستیدند پدران شما و گفتند که نیست این کلام مگر دروغی بربافته

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ

و گفتند آنانکه کافر شدند مر حق را چون آمد ایشان را بدرستیکه این نیست مگر جادویی

مُبِينٌ ۝ وَمَا آتَيْنَاهُم مِّن كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ

ظاهر ۝ و ندادیم مشرکانرا ۝ از کتابهای فرستاده شده که درس میکنند و نفرستادیم بسوی ایشان

قَبْلَكَ مِن نَّذِيرٍ ۝ وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مِعْشَارَ

پیش از تو هیچ بیم کننده ۝ و تکذیب کردند آنانکه پیش از ایشان بودند و نرسیدند اهل مکه بده یک

مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ۝ قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُم

آنچه دادیم ایشانرا ۝ پس تکذیب کردند پیغمبرانرا پس چگونه بود انکار من ۝ بگو که جز این نیست که پند میدهم

بِوَاحِدَةٍ أَن تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُم

شمارا بیک کلمه واحده و آن آنست که برخیزید برای خدا دو دو و یک یک پس باهم ۝ فکر کنید که نیست بمصاحب شما

مِّن جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُم بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

هیچ دیوانگی نیست او ۝ مگر بیم کننده ۝ مر شمارا ۝ پیش از وقوع ۝ عذاب ۝ سخت

قُلْ مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ

بگوای محمد که نمیخواهم من از شما ۝ هیچ مزدی پس آن مر شماراست ۝ نیست مزد من ۝ مگر ۝ بر خدا ۝ و او هست بر

كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَّامُ الْغُيُوبِ

هر ۝ چیز ۝ گواه ۝ بگو بدرستی که پروردگار من می افکند حق را بر باطل هرگاه خواهد داناى پوشیدها

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ ۝ قُلْ إِن ضَلَلْتُ

بگو آمد حق و سخن راست ۝ و نمی آفرینند ۝ باطل ۝ و نه بازگرداند ۝ بگو یا محمد اگر گمراه شدم

فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ

پس جز این نیست که گمراه شدم بر نفس خود ۝ و اگر براه راست روم پس بسبب آنست که وحی میکند بسوی من پروردگار

سَمِيعٌ قَرِيبٌ ۝ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِن مَّكَانٍ

بدرستی که او شنوا و نزدیکست ۝ و اگر ببینی یا محمد کفار را چون ترسان شوند پس نباشد فوتی و گرفته شوند ایشان از جایگاه

قَرِيبٍ ۝ وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِن مَّكَانٍ

نزدیک ۝ و گفتند وقت مردن ایمان آوردیم بمحمد از کجا باشد مر ایشانرا فرا گرفتن ایمان باسانی از مکان

بَعِيدٍ ۝ وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِن قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِن

دور که آخرتست ۝ و بتحقیق کافر شدند ۝ بمحمد ۝ از پیش ۝ و می افکنند ۝ بپوشیده گی سخنان از



مَكَانٍ بَعِيدٍ ۝ وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا

جایگاه دور و جدا کرده شود میان ایشان و میان آنچه آرزو بردند همچنانکه

فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ ۝

کرده شد باتباع ایشان از کفار پیش از ایشان بدرستیکه ایشان بودند در شکی تهمت افکنده

سورة الملائكة خمس وأربعون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا

ستایش مر خدا راست که آفریننده آسمانها و زمینست گرداننده فرشتگان را بسوی انبیا که

أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ

صاحب بالهای متعدد هستند دو دو و سه سه و چهار چهار زیاد میکند خدا در آفرینده خود آنچه خواهد

اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا

بدرستیکه خدا بر هر چیز تواناست آنچه بگشاید خدا برای مردمان از بخشایش پس نیست

مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ

باز دارنده مر آنرا و آنچه باز گیرد پس فرستنده نیست مر او را پس از باز گرفتن او و اوست غالب

الْحَكِيمُ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ

درست کار ای مردمان یاد کنید نعمت خدا را بر شما آیا هیچ

خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

آفریننده هست غیر از خدا روزی میدهد شما را از آسمان و زمین نیست خدایی مگر او

فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ ۝ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ

پس کجا گردانیده میشوید و اگر تکذیب کنند ترا پس بتحقیق تکذیب کرده شده پیغمبران پیش از تو

وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا

و بسوی خدا باز گردانیده می شود کارها ای مردمان بدرستیکه وعده خدا راست است پس

تغرنكم الحيوة الدنيا ولا يغرنكم بالله الغرور ۝ ان

بازمفریبد شما را زندگانی دنیا و نفریبد شما را بکرم خدا شیطان فریبنده بدرستی که

الشيطان لكم عدو فاتخذوه عدوا انما يدعوا حزبه ليكونوا

شیطان مر شما را دشمنست پس فرا گیرید او را دشمن جز این نیست که میخواند شیطان گروه خود را تا باشند

من اصحاب السعير ۝ الذين كفروا لهم عذاب شديد ۝ و

با او از اصحاب آتش آنانکه کافر شدند مر ایشان راست عذاب سخت و

الذين امنوا وعملوا الصالحات لهم مغفرة واجر كبير ۝

آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته مر ایشان راست آمرزش و مزد بزرگ

افمن زين له سوء عمله فراه حسنا فان الله يضل من يشاء

آیا پس کسی آراسته شد برای او بدی عمل و کردار او پس دید آن کار زشت را پس بدرستی که خدا فرو میگذارد در گمراهی هر کرا

ويهدى من يشاء فلا تذهب نفسك عليهم حسرات ان

و راه مینماید هر کرا خواهد پس باید که نرود نفس تو بر ایشان حسرتها بدرستی که

الله عليم بما يصنعون ۝ والله الذى ارسل الرياح فتثير

خدا داناست بآنچه میکنند و خدای بحق آنکس است که فرستاد بادها را پس برمی انگیزاند

سحابا فسقناه الى بلد ميت فاحيينا به الارض بعد موتها

ابر را پس راندیم ابر را بسوی بلدی مرده پس زنده گردانیدیم بآن زمین را بعد از مردن آن

كذلك النشور ۝ من كان يريد العزة فلله العزة جميعا

همچنانکه بعد از مرگ حشر هر که باشد که خواهد برای خود عزت و بزرگی را پس مر خدا راست بزرگی همه

اليه يصعد الكلم الطيب والعمل الصالح يرفعه والذين

بسوی او بالا میرود سخن پاک و کردار شایسته بر میدارد آنرا و آنانکه

يمكرون السيئات لهم عذاب شديد ومكر اولئك هو

مکر میکنند مکرهای بد مر ایشان راست عذابی سخت و مکر این گروه آن مکر

يبور ۝ والله خلقكم من تراب ثم من نطفة ثم جعلكم

فاسد و هالک باشد و خدا آفرید شما را از خاک پس از نطفه پس گردانید شما را

علیهم
متعلق است بلا تذهب
نه بحسرات بنا برآنکه معمول مصدر مقدم
بر آن نشود و حسرات مصدر فعل
محذوف و متعلق آن مقدر است یعنی
متحسر حسرات علیهم و نکته در
جمع مبالغه در اندوه خوردن آن
حضرت بر ضلالت ایشان و لا تذهب
نفسک است و این مثل آن آیت است
که لعلک باخع نفسک ان
لا یکونوا مؤمنین

ازواجا

أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ
اصناف متنوعه و آبستن نشود هیچ زنی و نزاید مگر بعلم خدا و عمر داده نشود از عمری
وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ
و کم نشود از عمر معمری مگر آنکه ثابت باشد در لوح محفوظ بدرستی که این بر خدا آسانست
وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَ
و برابر نیستند دو دریا این آب شیرین خوش مزه گوارای خوشگوار آشامیدن آن او
هَٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ
این آب شور ناخوشگوار و از هر یک از این دو دریا میخورید گوشت تازه و بیرون می آرید از آنها
حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ
پیرایه مروارید که میپوشید آنرا و می بینی تو کشتی را در آن میشگافد دریا را تا طلب کنید از فضل او
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ
و شاید شما شکر کنید درمی آرد شب را در روز و درمی آرد روز را
فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى ذَٰلِكُمُ
در شب و رام گردانید آفتاب و ماه را هر یک میروند تا وقتی نام برده شده این
اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ
خدا که پروردگار شماست مر او راست پادشاهی و آنانرا که میخوانید بجز از خدای مالک نمی شوند
مِنْ قِطْمِيرٍ ۝ إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا
مقدار پوست استخوان خرما اگر بخوانید معبودان خود را نمیشنوند خواندن شما را و اگر فرضا بشنوند
مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا
اجابت نمیکنند برای شما و روز قیامت انکار کنند بشرک شما و
يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَ
خبر نکند تو را مانند دانای بحق ای مردمان شما محتاجید بسوی خدا و
اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ
خدا اوست بی نیاز ستوده اگر خواهد ببرد شما را و بیارد آفرینشی

محمد
در لغه بمعنی شگافتن کشتی آب
آب دریا را و کشتی را ماخره
گویند و مواخر جمع
اوست

جَدِيدٍ ۞ وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ۞ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ

وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ

إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَوٰةَ وَمَن

تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ۞ وَمَا يَسْتَوِي

الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ۞ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ ۞ وَلَا الظِّلُّ وَلَا

الْحَرُورُ ۞ وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ

مَن يَشَاءُ وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ ۞ إِنْ أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ ۞

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا

نَذِيرٌ ۞ وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم

بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ۞ ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ

كَانَ نَكِيرِ ۞ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ

مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ

و یقولی
در حالتیکه غایب اند
از خلق یعنی در خلوتها خوف
از عذاب آلهی دارند از
روی ریا

یعنی
نمیتوانی شنوانید
بکافران حق را چنانکه قبول کنند
همچنانکه نمیتوانی مردگان در قبرها
آنرا شنوانید

سود

سود ومن الناس والدواب والانعام مختلف الوانه كذلك انما يخشى

الله من عباده العلمٰؤا ان الله عزيز غفور ۞ ان الذين يتلون كتاب

الله واقاموا الصلوة وانفقوا مما رزقناهم سرا وعلانية

يرجون تجارة لن تبور ۞ ليوفيهم اجورهم ويزيدهم من فضله

انه غفور شكور ۞ والذي اوحينا اليك من الكتاب هو

الحق مصدقا لما بين يديه ان الله بعباده لخبير بصير ۞ ثم اورثنا

الكتاب الذين اصطفينا من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه و

منهم مقتصد ومنهم سابق بالخيرات باذن الله ذلك

هو الفضل الكبير ۞ جنات عدن يدخلونها يحلون

فيها من اساور من ذهب ولؤلؤا ولباسهم فيها حرير ۞

وقالوا الحمد لله الذي اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور

شكور ۞ الذي احلنا دار المقامة من فضله لا يمسنا

فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ ۞ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ

در آن رنجی ۞ و نمیرسد ما را در آن سرای ماندگی ۞ و آنانکه کافر شدند مر ایشان راست

نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا

آتش دوزخ | حکم نشود | بر ایشان | تا بمیرند ۞ و سبک نشود | از ایشان | چیزی از عذاب دوزخ

كَذَٰلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَفُورٍ ۞ وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَا

همچنین | جزا میدهیم | هر | ناسپاسی ۞ و ایشان | فریاد میخواهند | در دوزخ و میگویند ای

أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۚ أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ

پروردگار ما بیرون آر ما را از دنیا فرست تا بکنیم کار شایسته غیر از آنکه بودیم که میکردیم آیا عمر ندادیم شما را المقدار که پند گیرد

فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ ۖ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ

در آن عمر | هر که خواهد پند گیرد ۞ و آمد شما را | بیم کننده | پس بچشید عذاب را پس نیست مر ستمکاران را از

نَصِيرٍ ۞ إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ

یاری دهنده ۞ بدرستی که خدا دانای پنهان ۞ آسمانها ۞ و زمین ۞ بدرستی که او داناست بچیزی که

الصُّدُورِ ۞ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ ۚ فَمَنْ كَفَرَ

در سینه هاست ۞ اوست که گردانید شما را ۞ خلیفه ها ۞ در زمین پس هر که ناسپاسی کرد

فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ ۖ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا

پس بر اوست جزای کفر او ۞ و زیاد نکند ۞ کافران را ۞ کفر ایشان | نزد پروردگارشان | مگر دشمنی

وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا ۞ قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ

و زیاد نکند ۞ کافران را ۞ کفر ایشان | مگر زیان ۞ بگو یا محمد آیا دیدید | شریکان خود را

الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ

که ۞ میخوانید ۞ از غیر خدا ۞ بنمایید مرا که چه چیز خلق کرده اند ۞ از زمین

أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَتٍ

یا هست مر ایشان را شرکتی ۞ در آفریدن آسمانها یا ۞ داده ایم ایشان را | کتابی | پس ایشان | بر حجت روشنند

مِنْهُ ۚ بَلْ إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا ۞

از کتاب بلکه ۞ وعده نمیدهند ۞ مشرکان ۞ بعضی شان ۞ بعضی را ۞ مگر از روی فریب

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که غرض ازین آیه توبیخ گروهی است از ایشان که بسن هژده سالگی رسیده بودند در دنیا و از حضرت امیر المومنین علیه السلام روایت شده که مراد ازین عمر شصت سالگی است و از حدیث نبوی صلی الله علیه و آله هم این وارد شده و بقول مفسرین سن چهل سالگی است

إِنَّ اللَّهَ

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ

بدرستی که خدا نگاه میدارد آسمانها و زمین را از آنکه زایل شوند و اگر زایل شوند

أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ۝ وَ

نگاه ندارد آسمان و زمین را هیچ احدی بعد از زوال بدرستی که او هست بردبار آمرزنده و

أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ

سوگند خوردند بخدا سخت ترین سوگندان ایشان که اگر آید ایشان را بیم کننده هر آینه بوده باشند راه یافته تر

مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا اسْتِكْبَارًا

از یکی از امتها پس چون آمد ایشان را بیم کننده زیاده نکرد ایشان را مگر نفرت از حق گردنکشی

فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ

در زمین و مکر کردند مکر بد و احاطه نمیکند مکر و حیله بد مگر باهل او

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا

پس آیا انتظار میبرند مگر عادت الهی را که عذاب پیشینیان بود پس نیابی تو مر عادت خدا را تبدیلی

وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا ۝ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا

و نیابی تو مر سنت خدا را گردیدن آیا سیر نمیکنند در زمین پس بنگرند

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً

چگونه بود سر انجام آنان که بودند پیش از ایشان و بودند سخت تر از ایشان از روی قوت

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمٰوٰتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ

و نیست خدا که عاجز گرداند او را هیچ چیز در آسمانها و نه در زمین بدرستی که او

كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا ۝ وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا

هست دانای توانا و اگر بگیرد خدا مردم را بجزای آنچه کسب کردند از

تَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلٰكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى

گناه نگذاشتی بر پشت آن هیچ جنبنده و لیکن تاخیر میکند ایشان را تا عذاب [illegible]

فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا ۝

پس چون آید اجل ایشان پس بدرستی که خدا هست به بندگان خود بینا

سورة يس ثلاث وثمانون آية وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يس ۞ والقرآن الحكيم ۞ انك لمن المرسلين ۞ على صراط

ای سید عالم قسم بقرآن ناطق بحکمت بدرستی که تو البته از پیغمبرانی بر راه

مستقيم ۞ تنزيل العزيز الرحيم ۞ لتنذر قوما ما انذر آباؤهم

راست فرستاده آن قرآن از خدای غالب مهربان تا بیم کنی گروهی را که بیم کرده نشدند پدران ایشان

فهم غافلون ۞ لقد حق القول على اكثرهم فهم لا يؤمنون

پس ایشان بیخبرانند هر آینه بحقیق راست گفتار با عذاب بر بیشتر ایشان پس ایشان ایمان نمی آورند

انا جعلنا في اعناقهم اغلالا فهي الى الاذقان فهم مقمحون

بدرستی که ما گردانیدیم در گردنهای ایشان بندها پس آن بندها تا بر زنخها پیوسته پس ایشان در هوا کشنده گانند

وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم

وگردانیدیم از میان دستهای ایشان پرده و از پشت ایشان پرده پس پوشانیدیم چشمهای

فهم لا يبصرون ۞ وسواء عليهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم

ایشان را پس ایشان نمی بینند و یکسانست بر ایشان آیا بیم دهی ایشان را یا بیم نکنی ایشان را

لا يؤمنون ۞ انما تنذر من اتبع الذكر وخشي الرحمن

ایمان نمی آرند جز این نیست که بیم میکنی کسی که متابعت کند قرآن را و بترسد از خدا

بالغيب فبشره بمغفرة واجر كريم ۞ انا نحن نحيي الموتى و

بانکه پوشیده است پس مژده ده او را بآمرزش و مزدی بزرگ بدرستی که ما زنده میکنیم مردگان را و

نكتب ما قدموا وآثارهم وكل شيء احصيناه في امام مبين

مینویسیم آنچه از پیش فرستاده اند و مینویسیم اثرهای ایشان را و هر چیز از بد و نیک شمرده ایم در پیشوائی که روشنست

واضرب لهم مثلا اصحاب القرية اذ جاءها المرسلون

و بزن برای ایشان مثلی یاران انطاکیه وقتیکه آمدند بآن ده پیغمبران

از حضرت ابو جعفر صلوات الله علیه مرویست که رسول را در قرآن ده نج نام است محمد و احمد و عبد الله و یس و نون و بنا بر این یس مقسم است تقدیرا و اقسم یعنی سوگند به یس و بقرآن با مساوی تقدیر حرف یعنی یا یس ابی بن کعب از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که این سوره را قربة الی الله بخواند از جمیع گناهان پاک شود و ثواب کسی داشته باشد که دوازده بار ختم قرآن کرده باشد و اجر او دو بار ده

شیخ ابو علی طبرسی قدس سره در مجمع البیان حکایت کرده که عیسی دو رسول بدعوت اهل انطاکیه فرستاد و چون نزدیک آن شهر رسیدند مرد پیری را دیدند که گوسفند میچرانید و او مرد حبیب نجار بود پس سلام کردند بر آن مرد پس پرسید که شما کیانید گفتند ما فرستادگان عیسی ایم و آمده ایم که بخوانیم شما را بعبادت پروردگار و باز داریم از پرستش بتان گفت معجزه دارید گفتند بیماران را شفا میدهیم و کوران مادر زاد را شفا میدهیم و درویش میکنیم و برص را رفع مینمائیم بفرمان پروردگار پس گفت مرا پسر بیمار در بستر بیماری افتاده چند سال است گفتند ما را بخانه خود ببر تا او را ببینیم پس ایشان را بر سر بیمار برد پس دستی بر او مالیدند فی الفور بفرمان خدا برخواست بی آزار این خبر در شهر فاش شد و بیماران بسیار شفا یافتند از برکت آن دو نفر

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا

چون فرستادیم ما بسوی ایشان دو کس را پس تکذیب کردند ایشان را پس غالب کردیم بسیم ایشان را پس گفتند بدرستی که ما

إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ ۝ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ

بسوی شما فرستاده شدگانیم گفتند نیستید شما مگر آدمی مانند ما و نفرستاد

الرَّحْمَٰنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ۝ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ

خدای بخشاینده هیچ چیز از وحی نیستید شما مگر دروغ گویان گفتند پروردگار ما میداند بدرستی که ما

لَمُرْسَلُونَ ۝ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۝ قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا

بسوی شما هر آینه فرستاده شدگانیم و نیست بر ما مگر رسانیدن آشکار گفتند بدرستیکه ما فال بد زدیم

بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝

بشما هر گاه باز نه ایستید از آن دعوی هر آینه سنگسار کنیم شما را و البته برسد شما را از ما عذاب دردناک

قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ ۝

گفتند شومی فال بد شما از شماست آیا پند داده شوید شما بلکه شما قومی هستید اسراف کنندگان

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ

و آمد از دورترین جای آن شهر مردی میدوید گفت ای قوم پیروی کنید کسی را که فرستادگان

اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ ۝ وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ

پیروی کنید کسی را که نمیخواهد از شما مزدی و ایشان راه یافته شدگانند و چیست مرا که نپرستم

الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ أَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ

آنکه آفرید مرا و بسوی او باز گشت کنید آیا فرا گیرم بجز از خدا ایمان دیگر اگر

يُرِدْنِ الرَّحْمَٰنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ

اراده کند خدای بخشاینده ضرری کفایت نکند از من درخواست ایشان چیزی را و خلاص نکنند مرا

إِنِّي إِذًا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ ۝

بدرستیکه من در آن هنگام هر آینه در گمراهی ظاهر باشم بدرستیکه ایمان آوردم بپروردگار شما پس بشنوید

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ۝ بِمَا غَفَرَ لِي

گفته شد داخل شو بهشت را گفت ای کاش بودم که قوم من میدانستند بآنچه آمرزید مرا

یعنی
آنکه حبیب نجار بود
که ایمان بعیسی آورد و چون آن دو رسول
بیمار را شفا دادند و در آن وقت چون شنید
که اهل شهر تکذیب ایشان کرده اند و میخواهند
ایشان را بکشند و حبس نمایند از خانه خود که در اقصی
دری از درهای آن شهر بود بشتاب آمد و
مردم را ترغیب بمتابعت
ایشان نمود
یعنی
گفته شد حبیب نجار را اهل انطاکیه بسبب آن
سخنها که فرستادگان با وی گفتند که در آی در بهشت
بقول
بعضی از مفسرین ورا
نکشتند چون خواستند بکشندش خدا تعالی
او را زنده بالا برد به بهشت بعضی گفته اند که او را
لگد کوب کرده کشتند
غرض
استحضار آن گروهی است که حبیب را کشتند از
این که در هلاک ایشان احتیاج نبود که لشکری
از آسمان بر ایشان بکاریم چنانکه در جنگ
واحد واقع شد بلکه یک صیحه جبرئیل ایشان را هلاک
کرد و گویند که بعد از کشته شدن حبیب جبرئیل
دروازه شهر را گرفت و صیحه زد بر
کشید که همه اهل آن شهر هلاک شدند سبحان الله

ربي وجعلني من المكرمين ۞ وما انزلنا على قومه من بعده

پروردگار من و گردانید مرا از بزرگواران اهل بهشت ۞ و نفرستادیم ما بر قوم او از پس او

من جند من السماء وما كنا منزلين ۞ ان كانت الا صيحة

هیچ لشکری از آسمان ۞ و نبودیم ما فرستندگان ۞ نبود عقوبت ایشان مگر فریادی

واحدة فاذا هم خامدون ۞ يا حسرة على العباد ما يأتيهم

واحد پس ناگاه ایشان نشسته و مردگان ۞ ای تاسف ۞ بر بندگان مشرک که نیامد ایشان را

من رسول الا كانوا به يستهزءون ۞ الم يروا كم اهلكنا

هیچ فرستاده مگر که بودند که بدو استهزا میکردند ۞ آیا ندیدند که بسیاری هلاک کردیم ما

قبلهم من القرون انهم اليهم لا يرجعون ۞ وان كل لما

پیش از ایشان از اهل دوبها مدتی ایشان بسوی شان باز نمیگردند ۞ و نیستند همه ایشان مگر

جميع لدينا محضرون ۞ واية لهم الارض الميتة احييناها

فراهم آمده شدگان نزد ما حاضر کرده شدگان ۞ و علامتیست مر ایشان را زمین ۞ مرده که زنده کردیم آن را

واخرجنا منها حبا فمنه ياكلون ۞ وجعلنا فيها جنات

و بیرون آوردیم از آن دانه پس از آن دانه میخورند ۞ و گردانیدیم ما در آن زمین بوستانها

من نخيل واعناب وفجرنا فيها من العيون ۞ ليأكلوا من

از درخت خرما و انگور ۞ و روان کردیم ما در آن از چشمهای آب ۞ تا بخورند از

ثمره وما عملته ايديهم افلا يشكرون ۞ سبحان الذي

میوهای آن و از آنچه کرده دستهای ایشان ۞ آیا پس شکر نمی کنند ۞ پاکست ۞ آنکه

خلق الازواج كلها مما تنبت الارض ومن انفسهم ومما

آفرید انواع اشیا را همه آنها از آنچه میرویاند زمین ۞ و از نفسهای مردم ۞ و از آنچه

لا يعلمون ۞ واية لهم الليل نسلخ منه النهار فاذا هم

نمیدانند ۞ و نشانه دیگر مر ایشان را است شب که میکشیم از آن شب روز را ۞ پس ناگاه ایشان

مظلمون ۞ والشمس تجري لمستقر لها ذلك تقدير العزيز

در تاریکی داخلند ۞ و آفتاب است که میرود برای قرارگاهی که مر او راست این تقدیر کردن خداوند غالب

العليم

الْعَلِيمِ ۝ وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ

دانا ۝ و ماه را تقدیر کردیم او را در منزلها تا وقتی که گردد مانند چوب خرمای کهنه

لَا الشَّمْسُ يَنبَغِي لَهَا أَن تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ

نه آفتاب را سزد مر او را که دریابد ماه را ۝ و نه شب را که پیشی گیرد بر روز

وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ۝ وَآيَةٌ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي

و همه کواکب در فلک خود شنا می کنند ۝ و نشانه برای ایشانست که ما بر داشتیم آبا و اجداد ایشان را در

الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ۝ وَخَلَقْنَا لَهُم مِّن مِّثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ۝ وَ

کشتی پر از آدم ۝ و آفریدیم برای ایشان از مثل کشتی نوح ۝ و

إِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَذُونَ ۝ إِلَّا رَحْمَةً مِّنَّا

اگر خواهیم مغرق سازیم ایشان را پس نیست فریادرسی مر ایشان را و نه ایشان خلاص می شوند از غرق ۝ مگر از جهت رحمتی از ما

وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا

و برخورداری و بهره ایشان را تا وقت مرگ ۝ و چون گفته شود مر ایشان را که بترسید از آنچه پیش از شما بوده و آنچه

خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝ وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ

در عقب است ۝ شاید شما رحم کرده شوید ۝ و نیامد ایشان را هیچ نشانه از نشانه های پروردگار ایشان

إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ

مگر آنکه بودند از آنها اعراض کنندگان ۝ و چون گفته شود مر ایشان را نفقه کنید در ره از آنچه روزی

اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَن لَّوْ يَشَاءُ اللَّهُ

داده شما را خدا گفتند آنان که کافر شدند مر آنان را که گرویدند آیا طعام دهیم آنکس را که اگر خواهد خدا

أَطْعَمَهُ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ

طعام دهد او را نیستید شما مگر در گمراهی ظاهر ۝ و میگویند که کی خواهد بود این وعده

إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ۝ مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ

اگر هستید از راستگویان ۝ انتظار نمیکشند مگر یک فریاد صور که بگیرد ایشان را

وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ۝ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ

و ایشان مجادله کنند ۝ پس نتوانند نزد آن حال وصیت کردن و نه استطاعت داشته باشند که

یعنی
اگر نه آخر ماه باریک
و خم شده هلالی مانند شاخ باریکی
شتها به از رفت و رسیدن چنین مشود و از ابو
مکاری زاهدی روایت شده که بخدمت علی
ابن موسی الرضا علیه السلام و علی آبائه الکرام
اولاد الطاهرین رفت و گفت قدر و منزلت تو
آنجا رسیده که دعوی کنی امامت و خلافت را
که پدرت دعوی میکرد پس آنحضرت فرمود که
ترا که فریب داد خدا نور دیده تو را
آورد در خانمان تو آیا ندیدی که خدا تعالی وحی فرستاد
بسوی عمران که تو میدهیم پسری که شفاعت دهد
کور مادرزاد را و صاحب برص را
مریم را داد مریم عیسی را عطا نمود پس عیسی از مریم است
و مریم از عیسی و مریم و عیسی هر دو یک چیزند پس هم
از پدر خود و پدرم از من و من و پدرم هم یک چیزیم
پس ابو سعید گفت از تو مسئله میپرسم فرمود
و گمان ندارم که آنچه گویم تو قبول کنی و تو از
یعنی از شیعیان من نیستی لیکن بپرس مسئله خود را گفت
چه میگوئی در باب مردی که نزد مرگ گوید هر مملوک
قدیمی که از او دارد پس من آزاد است در راه خدا
پس آنحضرت فرمود که هر مملوکی که شش ماه در ملک
او بوده باشد قدیم و آزاد است گفت این چگونه
گفت بدلیل آنکه خدا تعالی فرموده والقمر قدرناه
منازل حتی عاد کالعرجون القدیم خدا تعالی

يَرْجِعُونَ ۝ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ
که بسوی اهل خود برگردند و دمیده شود در صور پس آنگاه ایشان از قبرها بسوی پروردگار خود

يَنْسِلُونَ ۝ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ
میشتابند گویند ای وای برما که برانگیخت مارا از خوابگاه ما اینست آنچه وعده کرده بود

الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ۝ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً
خداوند و راست گفته اند پیغمبران نبود این واقعه مگر یک فریاد که نفخه آخرین است

فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ۝ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا
پس آنگاه ایشان همه نزد ما حاضر کرده شوند پس امروز ستم کرده نشود هیچ نفسی هیچ چیز را و

تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ
جزا داده نشوید مگر آنچیز را که بودید که میکردید بدرستی که یاران بهشت امروز در کاری باشند

فَاكِهُونَ ۝ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ ۝
شادان وایشان و زنان ایشان در سایه ها باشند بر تختهای آراسته تکیه زدگان

لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدَّعُونَ ۝ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ
مر ایشان راست در بهشت جنس میوه ها و مر ایشان راست آنچه خواهند مر ایشان راست سلام گفتنی از پروردگار مهربان

وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ۝ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ
و خطاب رسد که جدا شوید امروز ای گناهکاران آیا عهد نکردیم با بسوی شما ای فرزندان آدم

أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۝ وَأَنِ اعْبُدُونِي
آنکه نپرستید شیطان را بدرستی او مر شما را دشمنی ظاهر است و آنکه بپرستید مرا

هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ
اینست راه راست و بحقیقی شیطان گمراه کرد از شما خلقی بسیار آیا پس

تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ۝ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ۝ اصْلَوْهَا
نبودید که تعقل کنید این دوزخی که می بینید آنست که ترسانیده میشدید در آیید بدوزخ

الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۝ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا
امروز بآنچه بودید که کافر میشدید امروز مهر می نهیم بر دهنهای ایشان و سخن گویند با ما

این
نفخه دویم است که
روز قیامت بآن بر
پا شود
مشغول
بنعمتهای بهشتند و از
حضرت صادق علیه السلام
مرویست که مشغول از اله بکارت
باکرانند بجماع و ظاهر آنست که
چنین باشد

ایدیهم

اَيۡدِيۡهِمۡ وَتَشۡهَدُ اَرۡجُلُهُمۡ بِمَا كَانُوا يَكۡسِبُوۡنَ ۝ وَلَوۡ نَشَآءُ لَطَمَسۡنَا

دستهای ایشان و گواهی میدهد پاهای ایشان | بآنچه بودند که کسب کردند ۝ و اگر خواهیم هرآینه ناپدید کنیم

عَلٰۤى اَعۡيُنِهِمۡ فَاسۡتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَاَنّٰى يُبۡصِرُوۡنَ ۝ وَلَوۡ نَشَآءُ

بر چشمهای ایشان | پس سبقت کنند در راه | پس چگونه بینند آنرا ۝ و اگر خواهیم

لَمَسَخۡنٰهُمۡ عَلٰى مَكَانَتِهِمۡ فَمَا اسۡتَطَاعُوۡا مُضِيًّا وَّلَا يَرۡجِعُوۡنَ ۝

مسخ کنیم ایشانرا | بر جای خود که نشسته اند | پس نتوانند رفتن از موضع خود ۝ و نه باز پس کردند

وَمَنۡ نُّعَمِّرۡهُ نُنَكِّسۡهُ فِى الۡخَلۡقِ اَفَلَا يَعۡقِلُوۡنَ ۝ وَمَا عَلَّمۡنٰهُ الشِّعۡرَ

و هر کرا عمر میدهیم | برگردانیم او را در | خلق | پس تعقل نمی کنند ۝ و تعلیم نکردیم ما محمد را شاعری

وَمَا يَنۡۢبَغِىۡ لَهٗ اِنۡ هُوَ اِلَّا ذِكۡرٌ وَّقُرۡاٰنٌ مُّبِيۡنٌ ۝ لِّيُنۡذِرَ

و نیست او را نیست مراو شعر گفتن نیست این قرآن مگر یاد کردن و کتابی روشن ۝ تا بیم دهد

مَنۡ كَانَ حَيًّا وَّيَحِقَّ الۡقَوۡلُ عَلَى الۡكٰفِرِيۡنَ ۝ اَوَلَمۡ يَرَوۡا اَنَّا

هر که باشد | زنده ۝ و تا واجب شود کلمه عذاب بر کافران ۝ آیا نمی بینند از آنکه ما

خَلَقۡنَا لَهُمۡ مِّمَّا عَمِلَتۡ اَيۡدِيۡنَاۤ اَنۡعَامًا فَهُمۡ لَهَا مٰلِكُوۡنَ ۝ وَذَلَّلۡنٰهَا

آفریدیم برای ایشان | از آنچه کرد دستهای ما چهارپایان | پس ایشان | مالکان آنها اند ۝ و رام گردانیدیم

لَهُمۡ فَمِنۡهَا رَكُوۡبُهُمۡ وَمِنۡهَا يَاۡكُلُوۡنَ ۝ وَلَهُمۡ فِيۡهَا مَنَافِعُ وَ

انعام را برای ایشان پس از آنهاست سواری ایشان و از آنهاست که میخورند ۝ و مر ایشانراست در چهارپایان منفعتها و

مَشَارِبُ اَفَلَا يَشۡكُرُوۡنَ ۝ وَاتَّخَذُوۡا مِنۡ دُوۡنِ اللّٰهِ اٰلِهَةً لَّعَلَّهُمۡ

آشامیدن شیر آیا پس شکر نمیکنند ۝ و فرا گرفتند از غیر خدا خدایان دیگر باشد که ایشان

يُنۡصَرُوۡنَ ۝ لَا يَسۡتَطِيۡعُوۡنَ نَصۡرَهُمۡ وَهُمۡ لَهُمۡ جُنۡدٌ مُّحۡضَرُوۡنَ

یاری کرده شوند ۝ نمیتوانند خدایان یاری دادن ایشانرا | و ایشان | مرآنهارا | لشکری اند حاضر کرده شده

فَلَا يَحۡزُنۡكَ قَوۡلُهُمۡ اِنَّا نَعۡلَمُ مَا يُسِرُّوۡنَ وَمَا يُعۡلِنُوۡنَ ۝ اَوَلَمۡ

پس باید که غمگین نسازد ترا گفتار | ایشان بدرستی که ما میدانیم آنچه پنهان میکنند و آنچه آشکارا می کنند ۝ آیا

يَرَ الۡاِنۡسَانُ اَنَّا خَلَقۡنٰهُ مِنۡ نُّطۡفَةٍ فَاِذَا هُوَ خَصِيۡمٌ مُّبِيۡنٌ ۝

ندید آدمی | آنکه ما آفریدیم او را | از آب منی پس آنگاه او جدال کننده | ظاهر است

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ

و زد برای ما مثلی و فراموش کرد آفریدن خود را گفت که زنده میکند استخوانها را و آن

رَمِيمٌ ۞ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ

پوسیده باشد بگو زنده کند استخوانها را آنکس که آفرید آنرا اول مرتبه و او است بآفریدن هر چیز

عَلِيمٌ ۞ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ

دانا آنکه گردانید برای شما از درخت سبز آتش را پس آنگاه شما از آن درخت

تُوقِدُونَ ۞ أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ

می افروزید آتش را آیا نیست آنکه آفرید آسمانها و زمین توانا

عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ۞ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ

بر آنکه بیافریند مانند ایشان را آری میتواند کرد و او است آفریننده دانا جز این نیست کار او هرگاه خواهد

شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۞ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ

چیزی را آنست که گوید مر او را باش پس میباشد پس پاکست آنکس که بدست قدرت اوست

كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۞

هر چیز و بسوی او برگردیده میشوید

سورة الصافات [illegible]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ۞ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ۞ فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ۞

بحق فرشتگان صف کشیده صف زدنی پس بحق ملائکه رانندگان شیطان پس بحق فرشتگان که خوانندگان تسبیح خدا

إِنَّ إِلَٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ ۞ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

بدرستیکه خدای شما هر آینه یکیست پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان هر دو است

وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ۞ إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ ۞

و پروردگار مشرقها بدرستی که ما آراستیم آسمان اولی را که نزدیکست بآراستن ستارگان

وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ ۞ لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ

و نگاه داشتیم آنرا از هر دیو سرکش نافرمان طاقت شنیدن ندارند بسوی سخن اشراف

از امام جعفر علیه السلام مرویست که هر که در هر جمعه و شب جمعه سوره والصافات را بخواند از جمیع بلیات محفوظ باشد و روزی او فراخ و شیطان در بدن و مال او داخل نشود و سلطان ظالم با او بد نکند و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و در زمره شهدا محشور باشد و در رفاقت شهدا بهشت رود و در درجه شهدا او را بود

الاعلى

الاعلى ويقذفون من كل جانب دحورا ولهم عذاب

از علی و انداخته می شوند بر ایشان از هر طرف راندن ایشان و مر ایشان راست عذاب ثابت

واصب الا من خطف الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب

دوایم مگر کسی که دزدید ربودنی پس از پی درآید او را آتش درخشنده سوزان

فاستفتهم اهم اشد خلقا ام من خلقنا انا خلقناهم من

پس طلب فتوی کن از منکران آیا ایشان سخت ترند از روی خلق یا آنکه آفریدیم بدرستی که ما آفریدیم ایشانرا از

طين لازب بل عجبت ويسخرون واذا ذكروا لا

گل چسبنده بلکه تعجب کنی و ایشان سخر میکنند و چون پند داده شوند

يذكرون واذا راوا اية يستسخرون وقالوا ان هذا الا

پند پذیرنده نشوند و چون ببینند معجزه مبالغه کنند در سخریه و گویند نیست این مگر

سحر مبين ائذا متنا وكنا ترابا وعظاما ائنا لمبعوثون

سحری ظاهر آیا چون بمیریم ما و باشیم ما خاک و استخوانها آیا ما برانگیخته شدگان باشیم

اوآباؤنا الاولون قل نعم وانتم داخرون فانما هي زجرة

یا پدران ما زنده شوند بگو آری زنده شوند و شما خوار باشید پس جز این نیست که این بعث

واحدة فاذا هم ينظرون وقالوا يا ويلنا هذا يوم الدين

یک راندنست پس آنوقت ایشان می نگرند و گویند ای وای بر ما این روز جزاست

هذا يوم الفصل الذي كنتم به تكذبون احشروا

اینست روز حکم آنچنان روزی که بودید شما بآن تکذیب میکردید جمع کنید

الذين ظلموا وازواجهم وما كانوا يعبدون من دون

آنانرا که ستم کردند بر خود و جفتهای ایشانرا و آنچه بودند که می پرستیدند از غیر

الله فاهدوهم الى صراط الجحيم وقفوهم انهم مسئولون

خدا پس راه نمائید ایشانرا بسوی راه دوزخ و بازدارید ایشانرا بدرستیکه ایشان پرسیده شوند

ما لكم لا تناصرون بل هم اليوم مستسلمون واقبل

چیست مر شما را که یاری یکدیگر نمیدهید بلکه ایشان امروز گردن نهندگانند و روی می آرند

مراد از صافات ملکانند که صف میکشند در آسمانها در مقام بندگی و تسبیح حقتعالی مانند صفوف آدمیان در نماز جماعت بقرینه تانیث و بقولی مراد نفوس مومنانند که در نمازهای جماعت و در جهادها صف میکشند و مراد از زاجرات هم بقولی فرشتگانی اند که زجر و منع خلایق از عصیان مینمایند و بقولی مراد راهنمایانی اند از بنی آدم که زجر خلایق از معاصی نمایند و بقولی آیتهائی است از قرآن که زجر از معصیت است و بقولی قاریان قرآنند که در تلاوت آوازها بلند کنند

چه زجره بمعنی صیحه آمده و مراد از تالیات هم بقولی فرشتگانی اند که کتابهای خدا را همه خوانند یا کتابی که حقتعالی برای فرشتگان نوشته خوانند و بقولی مراد قاریان قرآنست از بنی آدم

بعضهم على بعض يتساءلون ۞ قالوا انكم كنتم تأتوننا

بعضی از ایشان بر بعضی از یکدیگر احوال پرسند گویند بدرستی که شما بودید که می آمدید ما را

عن اليمين ۞ قالوا بل لم تكونوا مؤمنين ۞ وما كان لنا

از جهة میمنت گویند بلکه نبودید شما مؤمنان و نبود مر ما را

عليكم من سلطان بل كنتم قوما طاغين ۞ فحق علينا

بر شما هیچ قوتی بلکه بودید شما گروهی از حد گذرندگان پس واجب شد بر ما

قول ربنا انا لذائقون ۞ فأغويناكم انا كنا غاوين ۞ فانهم

سخن پروردگار ما بدرستی که ما چشندگان عذابیم پس گمراه ساختیم شما را بدرستی که ما بودیم گمراهان پس بدرستی که ایشان

يومئذ في العذاب مشتركون ۞ انا كذلك نفعل بالمجرمين

در آن روز در عذاب شریکان باشند بدرستی که ما مانند این عذاب پاداش میدهیم گناهکاران را

انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله الا الله يستكبرون ۞ ويقولون

بدرستی که ایشان بودند که چون گفته شدی مر ایشان را نیست خدایی مگر خدا تکبر میکردند و میگفتند

أئنا لتاركوا آلهتنا لشاعر مجنون ۞ بل جاء بالحق وصدق

آیا ما هر آینه ترک کنندگانیم خدایان خود را برای شاعری دیوانه بلکه آمد محمد بحق و راست گفت

المرسلين ۞ انكم لذائقوا العذاب الاليم ۞ وما تجزون الا

پیغمبران را بدرستی که هر آینه چشنده باشند عذاب دردناک را و جزا داده نمیشوید مگر

ما كنتم تعملون ۞ الا عباد الله المخلصين ۞ أولئك لهم

آنچه بودید که میکردید مگر بندگان خدا که پاک کنند آن گروه مر ایشان راست

رزق معلوم ۞ فواكه وهم مكرمون ۞ في جنات النعيم

روزی معین میوها و ایشان بزرگوارانند در بهشتهای پر نعمت

على سرر متقابلين ۞ يطاف عليهم بكأس من معين

بر بالای تختها که برابر هم باشند گردانیده میشود بر ایشان بجام از خمر که از چشمه بیرون آید

بيضاء لذة للشاربين ۞ لا فيها غول ولا هم ينزفون ۞

خمری سفید خوش لذت مر آشامندگان را نیست در آن فسادی و نه ایشان مست شوند که عقل از ایشان

یمین
بمعنی برکت آمده
یعنی شما ما را از راه نصیحت و برکت
پیش آمدید و گمراه نمودید و زجاج یمین را بمعنی
حق تفسیر کرده و گفته یعنی ما را از روی دین پیش
آمدید و بما نمودید که دین حق این است که بما رسانیدیم
و بعضی یمین را بمعنی قوت گرفته اند
یعنی ما را از قوای راهها
پیش آمدید و فریب
دادید
یعنی
حکم او بعذاب ما محقق
و ثابت شده یا حکم او بضلالت
و گمراهی ما محتوم
بود

وَعِندَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ ۝ كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ ۝

ونزد ایشان باشند کوتاه کنندگان چشم فراخ چشم گویا ایشان تخم شتر مرغند که پوشیده شده

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ۝ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي

پس روی آرند بعضی از ایشان بر بعضی سوال کنندگان از احوال هم گوید گوینده از ایشان بدرستی که

كَانَ لِي قَرِينٌ ۝ يَقُولُ أَئِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ ۝ أَئِذَا مِتْنَا وَ

مرا بود همنشینی میگفت آیا تو از جمله تصدیق کنندگان حشری آیا چون بمیریم ما و

كُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَئِنَّا لَمَدِينُونَ ۝ قَالَ هَلْ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ

باشیم خاک و استخوانهای پوسیده باداش داده شدگانیم گوید آیا هستید شما مطلعید

فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ ۝ قَالَ تَاللَّهِ إِن كِدتَّ لَتُرْدِينِ

پس مطلع گردد پس ببیند او را در میان آتش گوید بقسم خدا که نزدیک بود که مرا هلاک کنی

وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ۝ أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ۝

و اگر نه عطا و بخشش من بودی هر آینه بودم من از حاضر شدگان آیا پس نیستیم ما مردگان

إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ۝ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْفَوْزُ

مگر مردن ما در اول که دنیا بود و نیستیم ما عذاب کرده شدگان بدرستی که این مرا هر آینه رستگاری

الْعَظِيمُ ۝ لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ ۝ أَذَٰلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا

بزرگست از برای مثل این پس باید عمل کنند عمل کنندگان آیا این مذکور بهتر است از روی مهمانی

أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ۝ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِّلظَّالِمِينَ ۝ إِنَّهَا شَجَرَةٌ

یا درخت زقوم بدرستیکه ما گردانیدیم آنرا آزمایش برای ستمکاران بدرستی که زقوم درختیست

تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ۝ طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ ۝ فَإِنَّهُمْ

که بیرون می آید از بن دوزخ میوه آن درخت گویا سرهای شیاطین است پس بدرستی که دوزخیان

لَآكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ۝ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا

میخورند از آن درخت پس از آن پر کنند شکمها را پس بدرستی که مر ایشان را بر بالای آن

لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ ۝ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ ۝ إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ

درخت آمیخته از آب گرم پس بدرستی که بازگشت ایشان البته به دوزخ است بدرستی که ایشان یافتند پدران خود را

غرض
از این استفهام تقریر
و توبیخ قرین است بر کفر و ضلالت

شوب
مخلوط و ممزوج کردن
چیزی به چیزی دیگر و چون از آن درخت خورند
و تشنه شوند از آب جوشان آشامیده
شوند که مخلوط باحرکت و ریم دوزخیان باشد
یا در دهانهای ایشان طعام با
این آب ممزوج
شود

ضَالِّينَ ۝ فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ ۝ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ

که گمراهان بودند پس ایشان بر نشانهای پدران خود شتاب می‌کنند و بتحقیق که گمراه شد پیش از ایشان بیشترین

الْأَوَّلِينَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ ۝ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ

پیشینیان و بتحقیق فرستادیم در میان ایشان بیم کنندگان پس چگونه بنگر که بود

عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ ۝ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۝ وَلَقَدْ نَادَانَا

سرانجام بیم کرده شدگان مگر بندگان شایسته خدا که پاک کرده شده‌اند و بتحقیق که خواند ما را

نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ ۝ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ۝

نوح پس نیک اجابت کنندگانیم و رهانیدیم ما او را و اهل او را از اندوه بزرگ

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ۝ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

و گردانیدیم اولاد او را ایشان ماندگان و باقی گذاشتیم بر او در آخرین

سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ۝ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝ إِنَّهُ

درود بر نوح در میان جهانیان بدرستی که ما چنین جزا میدهیم نیکوکاران را بدرستی که

مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۝ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ ۝ وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ

از بندگان مومن ما بود پس غرق کردیم ما دیگران را و بدرستی که از پیروان نوح

لَإِبْرَاهِيمَ ۝ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ۝ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ

ابراهیم است چون آمد پروردگار خود را بدل خالص چون گفت مر پدر خوانده خود و قوم خود را

مَاذَا تَعْبُدُونَ ۝ أَئِفْكًا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ ۝ فَمَا ظَنُّكُمْ

چیست آنچه می‌پرستید آیا بآنچه کذب خدایان بجز از خدا میخواهید پس چیست گمان شما

بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ۝ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ۝

بپروردگار جهانیان پس بدید نگریستنی بستارگان پس گفت بدرستی که من بیمارم

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ ۝ فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ

پس برگشتند از ابراهیم گردانیدند که بودند پس میل کرد ابراهیم سوی خدایان ایشان پس گفت آیا نمیخورید

مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ ۝ فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ۝ فَأَقْبَلُوا

چیست مر شما را که سخن نمیگوئید پس میل کرد بر ایشان زدنی بدست راست پس روی آوردند

یقول
بعضی از جمله مفسرین
سلام علی نوح فی العالمین در محل نصب است بر
مفعولیت ترکنا و گویا که گفته شده و ترکنا علیه
ان یسلموا علیه تسلیما الی یوم القیمة حاصل مضمون
اینکه ما رحم کردیم او را و شفقت کردیم بر او
در آیندگان در آخر الزمان که او را دعا کنند
و سلام بر وی فرستند و سلام علی نوح بنا
بر این جمله مستانفه است

و بعضی
از ضربا بالیمین ضرب
قوی است و باعتبار آنست که
دست راست قوی تر است از
دست چپ و ضربی که از آن صادر
شود اقوی است و بعضی یمین را
بدست راست تفسیر کرده‌اند
چنانچه درینجا

إِلَيْهِ يَزِفُّونَ ۞ قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ۞ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا
بسوی ابراهیم میخرامیدند گفت آیا می پرستید چیزی را که میتراشید و خدا آفرید شما را و آنچه

تَعْمَلُونَ ۞ قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ ۞ فَأَرَادُوا بِهِ
میکنید گفتند قوم بنا کنید برای او بنائی پس بیندازید او را در آتش پس اراده کردند باو

كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ۞ وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي
مکری پس گردانیدیم ایشانرا خوارترین و گفت ابراهیم بدرستی که من رونده ام بسوی پروردگارم

سَيَهْدِينِ ۞ رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ۞ فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ
زود باشد که راه نماید مرا پروردگارا ببخش مرا فرزندی از شایستگان پس مژده دادیم او را به پسری

حَلِيمٍ ۞ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي
بردبار پس چون رسید با پدر موضع سعی گفت ای پسر من بدرستی که من دیدم در خواب که من

أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي
ترا ذبح کنم پس بنگر در این کار چه می بینی تو گفت ای پدر من بکن آنچه مأمور شده زود باشد که بیابی

إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ۞ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ۞ وَ
اگر خواهد خدا از صبر کنندگان پس آن هنگام که گردن نهادند و افکند او را بر پیشانی

نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ ۞ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَٰلِكَ
ندا کردیم او را که ای ابراهیم بتحقیق راست کردی خواب خود را بدرستی که ما چنین

نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۞ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ ۞ وَفَدَيْنَاهُ
جزا میدهیم نیکوکارانرا بدرستی که این هرآینه بلائی بود ظاهر و فدا کردیم او را

بِذِبْحٍ عَظِيمٍ ۞ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ۞ سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ
بذبح کردن بزرگ و باقی گذاشتیم براو ثنای نیکو در میان آخرین سلام بر ابراهیم

كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۞ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۞ وَ
همچنین جزا میدهیم نیکوکارانرا بدرستی که او از بندگان مؤمن ما بود و

بَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ۞ وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ
مژده دادیم او را باسحق که پیغمبر باشد از شایستگان و برکت دادیم براو و بر اسحق

بدانکه میانه علمای اسلام و یهود و نصاری اختلاف شده در ذبیح مشهور میان امامیه رضی الله عنهم آنست که اسمعیل بوده و اخبار وارده بر این از اهل بیت بسیار است از آنجمله عبدالله بن سنان از حضرت صادق صلوات الله علیه پرسید از خداوند قربانی فرمود که اسمعیل بود و در ... ابن سوقه هم از حضرت ابی جعفر از آن پرسید و آن حضرت فرمود که اسمعیل است و ظاهر از آیات کریمه هم اینست چه حق تعالی بعد از بشارت بغلام حلیم و حکایت قربانی فرموده و بشرناه باسحق نبیا من الصالحین پس ظاهر شود که آن غیر این است و اکثر عامه و قاطبه یهود و نصاری او را اسحق گفته اند و در بعضی از اخبار اهل بیت علیهم السلام وارد شده و ظاهر آنست که از باب تقیه باشد والعلم عند الله

كنتم صادقين ۞ وجعلوا بينه وبين الجنة نسبا ولقد

مشنيد | راستگويان ۞ و گردانيدند ميان خدا و ميان جنيان خويشي ۞ و بدرستي كه

علمت الجنة انهم لمحضرون ۞ سبحان الله عما يصفون ۞

ميدانستند جنيان كه كافران حاضر شدگانند عذاب را ۞ پاكست خدا از آنچه وصف مي كنند

الا عباد الله المخلصين ۞ فانكم وما تعبدون ۞ ما انتم

مگر بندگان خدا كه خالص باشند ۞ پس بدرستي كه شما و آنچه مي پرستيد ۞ نيستيد شما

عليه بفاتنين ۞ الا من هو صال الجحيم ۞ وما منا الا له

بر او تباه كنندگان ۞ مگر آنكه او درآينده است آتش را ۞ و نيست از ما كسي مگر آنكه او را

مقام معلوم ۞ وانا لنحن الصافون ۞ وانا لنحن المسبحون

براي عبادت جايست دانسته شده ۞ و بدرستي كه ما هر آينه از صف زدگانيم ۞ و بدرستي كه ما هر آينه از تسبيح كنندگانيم

۞ وان كانوا ليقولون ۞ لو ان عندنا ذكرا من الاولين

و بدرستي كه بودند كفار هر آينه مي گفتند ۞ اگر بودي نزد ما كتابي ۞ از جنس كتب پيشينيان

لكنا عباد الله المخلصين ۞ فكفروا به فسوف يعلمون ۞

هر آينه بوديم ما بندگان خدا پاك از شرك ۞ پس كافر شدند بقرآن پس زود باشد كه بدانند

ولقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين ۞ انهم لهم

و هر آينه پيشي گرفت سخن ما ۞ براي بندگان ما كه فرستاده شدند ۞ بدرستي كه ايشان هر آينه

المنصورون ۞ وان جندنا لهم الغالبون ۞ فتول عنهم

ياري شدگانند ۞ و بدرستيكه لشكر ما هر آينه ايشان غلبه كنندگانند ۞ پس روي بگردان از ايشان

حتى حين ۞ وابصرهم فسوف يبصرون ۞ افبعذابنا يستعجلون

تا هنگام قتال ۞ و ببين عذاب ايشان را پس زود باشد كه ببينند فتح ترا ۞ آيا پس بعذاب ما شتاب ميكنند

فاذا نزل بساحتهم فساء صباح المنذرين ۞ وتول

پس چون فرود آيد بمنازل ايشان ۞ پس بد است صباح بيم كنندگان ۞ و رو بگردان

عنهم حتى حين ۞ وابصر فسوف يبصرون ۞ سبحان ربك

از ايشان تا هنگام معين ۞ و ببين عذاب ايشان را پس زود باشد كه ببينند ۞ پاكست پروردگار تو

میان
خدا و میان
پریان نسبت زن و شوهری است
گویند عرب را عقیده آن بود که
حق تعالی با زنان بزرگان جن
مواصلت کرد

و ما منا
حکایت از قول جبرئیل
علیه السلام است یا رسول خدا
صلی الله علیه و آله و بعضی
فرشتگان است

دردا

رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ۝ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

پروردگار غالب از آنچه وصف میکنند و سلام بر فرستادگان و ستایش مر خدا را

سورة ص ثمان و ثمانون آية — رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ — عمانوئيل سکینه مکية

پروردگار جهانیان است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خداوند بخشاینده مهربان

صٓ وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ۝ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَ

سوگند بحقیقت صاد و قسم بقرآن که خداوند شرفست بلکه آنانکه کافر شدند در نهایت تکبرند و

شِقَاقٍ ۝ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوْا وَلَاتَ حِينَ

سرکشی بسیار هلاک کردیم ما پیش از مشرکان از امم ماضیه پس ندا کردند وقت عذاب

مَنَاصٍ ۝ وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ

و نبود آن هنگام گریختن و بلکه عجب داشتند آنکه آمد ایشان را بیم کننده از ایشان و گفتند کافران

هَٰذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ۝ أَجَعَلَ الْآلِهَةَ إِلَٰهًا وَاحِدًا إِنَّ هَٰذَا

این جادو هست دروغگو آیا گردانید خدایان را خدای یگانه بدرستی که این

لَشَيْءٌ عُجَابٌ ۝ وَانْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَىٰ

هرآینه چیزیست تعجب آورنده و بشتاب روان شدند اشراف از ایشان که بروید و صبر کنید بر

آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَٰذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ۝ مَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي الْمِلَّةِ

پرستش خدایان خود بدرستی که این با ما چیزیست اراده کرده شده و هرگز نشنیدیم این در ملت

الْآخِرَةِ إِنْ هَٰذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ ۝ أَأُنْزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ

بازپسین نیست این مگر بر بافتن آیا فرستاده شد بر محمد قرآن از

بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ ۝ أَمْ

میان ما بلکه ایشان در شک اند از قرآن من بلکه هنوز نچشیده اند عذاب را یا

عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ۝ أَمْ لَهُمْ مُلْكُ

نزد ایشانست خزینه های رحمت پروردگار تو که غالب بخشنده است آیا مر ایشان راست پادشاهی

از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که در هر شب جمعه سوره صاد را بخواند او را چندان ثواب و خیر از دنیا و آخرت دهند که کسی را نداده باشند مگر پیغمبران مرسل و فرشتگان مقرب را و او را بهشت برند با هر که با او باشد حتی خادمی که در دنیا خدمت او کرده باشد اگرچه از اهل شفاعت نباشد

در مجمع البیان حکایت کرده که با ترده نفر از بزرگان قریش بخدمت ابوطالب رفتند و عرض کردند که تو شیخ و بزرگتر مائی آمده ایم که حکم کنی میان ما و برادرزاده ات یعنی محمد صلی الله علیه و آله که ما را بی عقل میشمارد و خدایان ما را دشنام میدهد پس ابوطالب آنحضرت را طلبید و عرضه داشت که قوم تو از تو سؤالی دارند فرمود چه میخواهند گفت التماس داریم که دست از خدایان ما بازداری و ما را با خدایان خود بگذاری تا ما هم تو را با خدای تو بگذاریم آنحضرت بایشان فرمود که یک سخن از شما میخواهم که بگوئید تا بسبب آن مالک عرب و عجم شوید پس ابوجهل گفت

[illegible]

ٱلسَّمٰوٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِى ٱلْأَسْبٰبِ

جُندٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ ٱلْأَحْزَابِ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ

قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو ٱلْأَوْتَادِ وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَ

أَصْحٰبُ ٱلْأَيْكَةِ أُولٰٓئِكَ ٱلْأَحْزَابُ إِن كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ

ٱلرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ وَمَا يَنظُرُ هٰٓؤُلَآءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً

مَّا لَهَا مِن فَوَاقٍ وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّل لَّنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ ٱلْحِسَابِ

ٱصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَٱذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُۥدَ ذَا ٱلْأَيْدِ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ

إِنَّا سَخَّرْنَا ٱلْجِبَالَ مَعَهُۥ يُسَبِّحْنَ بِٱلْعَشِىِّ وَٱلْإِشْرَاقِ وَ

ٱلطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَّهُۥٓ أَوَّابٌ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُۥ وَءَاتَيْنَٰهُ

ٱلْحِكْمَةَ وَفَصْلَ ٱلْخِطَابِ وَهَلْ أَتَىٰكَ نَبَؤُا ٱلْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا

ٱلْمِحْرَابَ إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُۥدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ

خَصْمَانِ بَغَىٰ بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَٱحْكُم بَيْنَنَا بِٱلْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ

وَٱهْدِنَا

وَاهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ ۞ إِنَّ هَٰذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ
و ره نما ما را بسوی راه راست بدرستی که این برادر منست مراورا نود و نه
نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ
میشست و مراست میشی یکتا پس گفت بگردان مرا کفیل میش خود و غلبه کرد در این مخاطبه
قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ ۖ وَإِنَّ كَثِيرًا
گفت داود که بتحقیق ستم کرد تورا بخواستن میش تو بسوی میشهای خود و بدرستیکه بسیاری
مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
از شریکان هرآینه ستم می کنند بعضی از ایشان بر بعضی مگر آنانکه گرویدند و کردند
الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ ۗ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ
کارهای شایسته و اندکند میان مردم و دانست داود آنکه امتحان کردیم او را پس آمرزش خواست
رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ۩ ۞ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَٰلِكَ ۖ وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا
از پروردگار خود و افتاد در رکوع کننده و پشیمان پس آمرزیدیم او را امر او را این ترک اولی و بدرستیکه مراورست نزد ما
لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ ۞ يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي
هرآینه نزدیکی و خوبی بازگشت ای داود بدرستی که ما گردانیدیم تورا جانشین در
الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ
زمین پس حکم کن میان مردمان براستی و پیروی مکن خواهش را پس گمراه سازد ترا
عَن سَبِيلِ اللَّهِ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ
از راه خدا بدرستی که آنانکه گمراه میشوند از راه خدا مرایشانراست عذاب
شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ ۞ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ
سخت بسبب آنچه فراموش کردند روز حساب و نیافریدیم آسمان و زمین را
وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ۚ ذَٰلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا
و آنچه میان هر دو است باطل این گمان آنانکه کافر شدند پس وای مر آنانرا که کافر شدند
مِنَ النَّارِ ۞ أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ
از آتش آیا گردانیدیم آنانرا که گرویدند و کردند کارهای شایسته مانند تباه کاران

یعنی
اگر چنین باشد دروغ
دو گوسفند مال تو باشد و برادرت بجبر از تو گرفته باشد
ستم بر تو کرده است چه گاه باشد مدعی در دعوی دروغ گوید
و باید دعوای خود را بثبوت رساند و پس از اثبات
دعوی حکم برای مدعی کردن صواب است و
بنابراین استغفار آنحضرت نه از راه خطائی در حکم
یا گناهی بوده بلکه از راه کمال انقطاع بجناب تعالی
با نهایت خضوع و خشوعی است که انبیا و اولیا
علیهم السلام را میبود چنانکه در حکایت از قول
ابراهیم وارد شده والذی اطمع ان یغفر لی یوم
الدین و مراد از فغفرنا له ذلک آنست که او را
بر این استغفار و خضوع و خشوع ثواب جزیل کرامت
فرمودیم و تعبیر از این معنی بمغفرت از باب مجاز
مشاکلة است مانند نسبت مخادعه بخدای عز
و جل در کریمه یخادعون الله و هو خادعهم و نزد
امامیه و بعضی از علمای جماعت نسبت خطا و معصیت
با انبیا علیهم السلام جایز نیست و بعضی از عامه
که نسبت خطا و معصیت را با ایشان تجویز کرده اند
در تفسیر این آیات بعضی از ایشان گفته اند که داود
زنی را خواستگاری نمود و خویشان او میخواستند [illegible]

فی الارض ام نجعل المتقین کالفجار ۞ کتاب انزلناه الیک

مبارک لیدبروا آیاته ولیتذکر اولوا الالباب ۞ ووهبنا

لداود سلیمان نعم العبد انه اواب ۞ اذ عرض علیه بالعشی

الصافنات الجیاد ۞ فقال انی احببت حب الخیر عن ذکر

ربی حتی توارت بالحجاب ۞ ردوها علی فطفق مسحا بالسوق

والاعناق ۞ ولقد فتنا سلیمان والقینا علی کرسیه

جسدا ثم اناب ۞ قال رب اغفر لی وهب لی ملکا لا

ینبغی لاحد من بعدی انک انت الوهاب ۞ فسخرنا له

الریح تجری بامره رخاء حیث اصاب ۞ والشیاطین کل

بناء وغواص ۞ وآخرین مقرنین فی الاصفاد ۞ هذا عطاؤنا

فامنن او امسک بغیر حساب ۞ وان له عندنا لزلفی و

حسن مآب ۞ واذکر عبدنا ایوب اذ نادی ربه انی

مسني الشيطان بنصب وعذاب ۝ اركض برجلك هذا
رسانيد مرا شيطان ۝ رنج بدن ۝ و عذاب ۝ گفتيم بزن ۝ پاى خود را باين چشمه
مغتسل بارد وشراب ۝ ووهبنا له اهله ومثلهم
جاى غسلست و چشمه ديگر آبى سرد و آشاميدنى است ۝ و بخشيديم اورا ۝ كسان اورا ۝ و مانند ايشانرا
معهم رحمة منا وذكرى لاولي الالباب ۝ وخذ بيدك
با ايشان ۝ بخششى ۝ از ما ۝ و پندى ۝ مر خداوندان خرد را ۝ و گفتيم بگير بدست خود
ضغثا فاضرب به ولا تحنث انا وجدناه صابرا نعم العبد
دسته گياه ۝ پس بزن ۝ بآن ۝ و گناه كار مشو بدرستى كه يافتيم اورا صبر كننده نيكو ۝ بنده بود
انه اواب ۝ واذكر عبادنا ابرهيم واسحق ويعقوب
بدرستى كه او رجوع كننده بود ۝ و ياد كن ۝ بندگان ما را ۝ ابراهيم ۝ و اسحق ۝ و يعقوب
اولي الايدي والابصار ۝ انا اخلصناهم بخالصة
خداوندان دستها ۝ و چشمها بودند ۝ بدرستى كه ما خالص كرديم ايشانرا ۝ كه خالص بود آن
ذكرى الدار ۝ وانهم عندنا لمن المصطفين الاخيار
ياد كردن سراى آخرت و بدرستيكه ايشان ۝ نزد ما ۝ هر آينه از برگزيدگان بسيار نيكو بودند
واذكر اسمعيل واليسع وذا الكفل وكل من الاخيار
و ياد كن ۝ اسمعيل ۝ و اليسع ۝ و ذى الكفل را ۝ و همه ايشان از برگزيدگان بودند
هذا ذكر وان للمتقين لحسن ماب جنات عدن
اين شرفيست ۝ و بدرستى كه مر پرهيزكاران راست نيكويى ۝ بازگشت ۝ بوستانهاى با اقامت
مفتحة لهم الابواب ۝ متكئين فيها يدعون فيها بفاكهة
در حالتى كه گشاده است مر ايشانرا درها ۝ تكيه زدگان ۝ در آن ۝ ميخواهند ۝ در آنجا ميوه هاى
كثيرة وشراب ۝ وعندهم قاصرات الطرف اتراب
بسيار ۝ و شراب خوب ۝ و نزد ايشانست ۝ زنان كوتاه كننده چشم بر شوهران ۝ همسالان
هذا ما توعدون ليوم الحساب ۝ ان هذا لرزقنا ما له
اين آنست كه وعده داده ميشديد براى روز حساب ۝ بدرستى ۝ اين نعمتها هر آينه روزى ماست

در تفسير

كريمه انى مسنى الشيطان بنصب وعذاب بعضى گفته اند كه مرض آنحضرت بدان انجاميد تا اكثر مردمان از وى اجتناب كردند پس شيطان وسوسه كرد با مردمان كه با او اختلاط مكنيد و او را از ميان خود بيرون كنيد كه مبادا مرض او بشما سرايت كند و زنش را كه بخدمت او ميكرد پيش او راه مدهيد و آنحضرت از همين متاذى و متالم بود و در مجمع البيان از حضرت صادق صلوات الله عليه روايت كرده كه آنحضرت هفت سال با اين بلا مبتلا بود و در كلمه اركض برجلك تا آخر گفته اند كه آنحضرت بفرموده خدا چون پا بر زمين زد بقدرت الهى چشمه آبى سرد و شيرين پديد آمد و از آن آب خورد و بدن شست فى الفور جميع اعضاى او بحالت اول برگرديد و اصلا از آن بلا اثرى نماند

منشا

قسم آنحضرت بر زدن زن خود صد تازيانه چنانكه در مجمع البيان حكايت كرده آن بود كه روزى سخنى گفت كه پسند خاطر آنحضرت نبود و سوگند ياد كرد كه اگر از آن آزار شفا يابد او را صد تازيانه بزند و بقولى روزى براى قضاى حاجتى براى آنحضرت رفت و دير شد مراجعت ... از همين آن سوگند خورد و حاصل آنكه در شريعت آنحضرت بر كار زن صد تازيانه واجب مى شد ضرب بدسته چوبى كه مشتمل بر صد چوب باشد مجزى بوده است

مِن نَّفَادٍ ۞ هَٰذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ ۞ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا
مراو را هیچ انقطاعی این حال اهل بهشت و بدرستی که مر نافرمانان را هر آینه بدی بازگشت دوزخ در آیند در آن
فَبِئْسَ الْمِهَادُ ۞ هَٰذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ۞ وَآخَرُ مِن
پس بد فراش خوابگاهی است این عذاب را باید بچشند آب گرم و چرک گندیده و عذابی دیگر از
شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ ۞ هَٰذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ
مثل عذاب مذکور انواع گویند گروهی اند که با شما سختی در آیند مرحبا بایشان نیست بدرستی که ایشان
صَالُوا النَّارِ ۞ قَالُوا بَلْ أَنتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ
در آیندگان اند آتش را گفتند بلکه شما را مرحبا مباد بشما شما پیش فرستادید او را
لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ ۞ قَالُوا رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هَٰذَا فَزِدْهُ عَذَابًا
مر ما را پس بد قرارگاهی است گفتند پروردگارا هر که پیش انداخت برای ما این عذاب پس زیاده کن او را عذاب
ضِعْفًا فِي النَّارِ ۞ وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُم
دو برابر در آتش و گویند چیست ما را که نمی بینیم مردانی را که بودیم ما میشمردیم ایشان را
مِّنَ الْأَشْرَارِ ۞ أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ
از جمله بدکاران آیا گرفتیم ایشان را در دنیا بسخریه یا کج گردید از ایشان چشمها
إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ۞ قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا
بدرستی که این هر آینه حق است جدال اهل دوزخ بگو جز این نیست که من ترساننده ام و نیست
مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۞ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
هیچ خدایی مگر خدای یگانه قهر کننده پروردگار آسمانها و زمین
وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ۞ قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ۞ أَنتُمْ عَنْهُ
و آنچه میان هر دو است غالب آمرزنده بگو این خبریست بزرگ شما از آن خبر
مُعْرِضُونَ ۞ مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ
اعراض کنندگانید نبود مرا هیچ دانشی بکلام گروه اشراف اعلی هنگامی که مخاصمه میکردند
إِن يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۞ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ
که وحی کرده میشود بسوی من مگر جز این نیست که بیم کننده ظاهرم یاد کن چون گفت پروردگار تو مر فرشتگان را

خلاصه
مضمون این که
برای طاغیان آماده است
دوزخ و گفته شود با ایشان که این حمیم و غساق
بچشید و برای ایشان انواع دیگر هست از عذاب
مانند حمیم و غساق و از جنس هر یک و گفته شود
با ایشان که اینک گروهی دیگر اند که با شما در آیند
بدوزخ بشآمت متابعت شما و آن متبوعین
گویند ارباب لعن را با تابعان خود که خدای
توسعه ندهد شما را شما هم مانند دوزخ در آیید
پس تبعه در دوزخ نمی نماید ما را از دیدن ایشان پس
تابعان لعن را به متبوعین برگردانند و گویند بلکه
شما را خدای تعالی توسعه ندهد شما این عذاب را پیش
فرستاده برای ما و در ترکیب این آیه اقوال
دیگر شده که خالی از
بعدی نیست

إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ ۞ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي

بدرستی که من آفریننده ام آدمی را از خاک ۞ پس چون تمام گردانیدم او را و دمیدم در او ۞ از روح خود

فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ۞ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ۞ إِلَّا إِبْلِيسَ

پس بروی در افتید مر او را سجده کننده ۞ پس سجده کردند فرشتگان همه ۞ با تمام ۞ مگر شیطان

اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ۞ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن

که بزرگی داشت خود را و بود ۞ از کافران ۞ گفت ای ابلیس چه چیز باز داشت تو را از

تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ الْعَالِينَ ۞ قَالَ

آنکه سجده کنی تو چیزی را که آفریدم بدو دست خود آیا تکبر کردی یا بودی ۞ از بلند مرتبگان ۞ گفت شیطان

أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ ۞ قَالَ فَاخْرُجْ

من بهترم از او ۞ آفریدی مرا ۞ از آتش و آفریدی او را از خاک ۞ گفت خدا پس بیرون رو

مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ۞ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ ۞ قَالَ

از میان ملائکه پس بدرستی که تو رانده شده و بدرستی که بر تو لعنت من ۞ تا روز قیامت ۞ گفت

رَبِّ فَأَنظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۞ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ۞

پروردگارا پس مهلت ده مرا تا روزی که برانگیخته شوند ۞ گفت خدا پس بدرستی که تو از مهلت داده شدگانی

إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ۞ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

تا روز ۞ وقتیکه ۞ دانسته شده ۞ گفت پس قسم بغالبیت تو که هر آینه گمراه کنم آدمیان را همه

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ۞ قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ

مگر بندگان تو از ایشان که خالص شده از شرک ۞ گفت خدا پس من خدای بحقم و راست میگویم

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ۞ قُلْ مَا

هر آینه پر می سازم دوزخ را ۞ از تو ۞ و هر که پیروی تو کند از ایشان ۞ همه ۞ بگو

أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ۞ إِنْ

نمیخواهم از شما ۞ بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی و نیستم من ۞ از تکلف کنندگان ۞ نیست

هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ ۞ وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ۞

این قرآن مگر ۞ پندی از جانب مرجهانیان را ۞ والبته بدانید خبر قرآن را ۞ بعد از این

سورة الزمر خمس وسبعون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

تَنزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۝ إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ
فرو فرستادن کتاب از جانب خدای غالب درست کار بدرستی که ما فرستادیم بسوی تو قرآن را

بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّينَ ۝ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ۚ وَ
براستی پس بپرست خدا را که خالص کننده باشی برای او دین را بدانید که مر خدا راست دین خالص و

الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ
آنانکه فرا گرفتند بجز از خدا دوستان نمی پرستیم ایشان را مگر آنکه نزدیک گردانند ما را بسوی

زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي
رحمت خدا بدرستی که خدا حکم میکند میان ایشان در آنچه ایشان در آن اختلاف میکردند بدرستی که خدا راه ننماید

مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ۝ لَّوْ أَرَادَ اللَّهُ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا لَّاصْطَفَىٰ
آنکس که او دروغ گوینده ناسپاس است اگر خواهد خدا آنکه بگیرد فرزندی هر آینه برگزیدی

مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ سُبْحَانَهُ ۖ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۝ خَلَقَ
از آنچه می آفرید آنچه خواستی پاکست خدا اوست خدای یکتای قهر کننده آفرید

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۖ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ
آسمانها و زمین را براستی و درمی آورد شب را بر روز و درمی آرد

النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ ۖ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۖ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ
روز را بر شب و رام کرد آفتاب و ماه را همه میرود در فلک خود تا زمان

مُّسَمًّى ۗ أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ۝ خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ
نام برده شده بدانید که اوست غالب آمرزنده آفرید شما را از نفس تنها پس

جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ ۚ
آفرید از آن زن او را و فرستاد برای شما از چهارپایان هشت جفت

از امام بحق ناطق جعفر ابن محمد علیه السلام مرویست که هر که سوره الزمر را بخواند حق تعالی شرف دنیی و عقبی با وکرامت فرماید و او را بر سایر مردمان غالب گرداند هر که او را بیند سطوت او بر دل او نشیند اگرچه فقیر باشد و آتش دوزخ را بر او حرام کند و هزار شهر برای وی بنا کند که در هر یکی هزار قصر باشد و در هر قصری صد حور العین

در مجمع البيان از حضرت ابو جعفر صلوات الله عليه روايت كرده كه اين سه ظلمت ظلمت بطن مادر و ظلمت رحم و ظلمت مشيمه است و بقول ظلمت صلب پدر و ظلمت رحم و ظلمت بطن مادر است

يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ
آفريند شما را در شكمهاى مادران شما آفريدنى بعد از آفريدنى در تاريكى

ثَلَاثٍ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ
سه گانه آنكه خلق اين اشيا كرد خدا كه پروردگار شماست مر او راست پادشاهى نيست بجز خدا اى پس كجا دابين مى شويد

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ
اگر كافر شويد پس بدرستى كه خداى بى نياز است از شما و نمى پسندد براى بندگان خود كفر را

وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ
و اگر شكر كنيد پسندد او براى شما آنرا و برندارد هيچ بردارنده گناه ديگرى را پس بسوى

رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ
پروردگار شماست بازگشت شما پس آگاه سازد شما را بآنچه بوديد كه ميكرديد بدرستى كه خدا داناست بآنچه

الصُّدُورِ ۝ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ
در سينه هاست و چون رسيد آدمى را ضرر و قحط بخواند پروردگار خود را برگردنده بسوى او

ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَ
پس چون عطا فرمود نعمتى از خود فراموش كند آنچه را ميخواند بسوى او از پيش و

جَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ
گردانيد براى خدا همتايان تا گمراه كند مردم را از راه دين خدا بگو برخوردار باش بكفر خود

قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ۝ أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا
اندكى بدرستيكه تو از ياران آتش اين كافر بهتر است يا آنكه ايستاده و دعا كننده در ساعتهاى شب

وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ
سجود كننده و ايستاده مى ترسد از عذاب قيامت و اميد ميدارد بخشش پروردگار خود را بگو آيا مساوى نيست آنانكه

يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ۝ قُلْ
ميدانند و آنانكه نميدانند جز اين نيست كه پند پذير ميشوند صاحبان عقلها

يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَٰذِهِ
اى بندگان من آنانكه گرويده اند بترسيد از عذاب پروردگار خود مر آنانرا كه نيكوئى كرده اند در اين دنيا

الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُم
دنیا نیکوئی و زمین خدا گشاده است جزاین نیست که تمام داده شود صبر کنندگان مزد ایشان

بِغَيْرِ حِسَابٍ ۞ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ
بی شمار بگو بدرستی که من مامورم آنکه بپرستم خدا را در حالیکه خالص کننده ام برای او دین را

وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ۞ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ
و مامورم آنکه بوده باشم اول گردن نهندگان بگو بدرستی که من میترسم اگر نافرمانی کنم

رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۞ قُلِ اللَّهَ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي ۞
پروردگار خود را عذاب روز بزرگ را بگو خدا را میپرستم که خالص کننده برای او دین خود را

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا
پس بپرستید آنچه خواهید بجز خدا بگو بدرستی که زیانکاران آنانند که زیان کردند

أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ
بر نفسهای خود و بر کسان خود روز قیامت بدانید که این زیان زیان است زیانی ظاهر

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ
مر آن خاسران را از بالای ایشان سایبانها از آتش و از زیر ایشان سایبانها این است که میترساند

اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ ۞ وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ
خدا بآن بندگان خود را ای بندگان پس بترسید و آنانکه اجتناب کردند شیطان را

أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ
آنکه پرستش کنند آنها را و بازگشتند بسوی خدا مر ایشان راست مژده پس مژده ده بندگان مرا آنانکه

يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ
میشنوند گفتار حق را پس پیروی کنند نیکوترین آنرا آن گروه آنانند که راه نمود ایشان را

اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ ۞ أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ
خدا و آن گروه ایشان صاحبان خردها آیا پس آنکه واجب شده بر او سخن عذاب

الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ۞ لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ
عذاب آیا پس تو ای محمد میرهانی او را از آتش لیکن آنانکه پرهیزکردند از عذاب پروردگار

از حضرت ابی عبد الله علیه السلام مرویست که در آن وقت که بازگرده شود نامهای اعمال خلایق و ترازوها برپا شود برای مصیبت زدگان ترازوئی برپا نشود و نامهٔ عمل ایشان باز نگردد پس این آیه را تلاوت نمود

از حضرت ابی عبد الله علیه السلام مرویست که شما ئید این گروه و کسیکه فرمان بردجباری را پس بحقیقت که عبادت او کرده و هم مرویست که استماع قول و متابعت احسن در این آیه اشنیدن اقوالی است که درباب امامت ائمه جور و هدایت و متابعت امام حق است

همه

لهم غرف من فوقها غرف مبنية تجري من تحتها الانهار
وایشانرا غرفه ها از بالای آن غرفه های دیگر بنا کرده میرود از زیر آن نهرها
وعد الله لا يخلف الله الميعاد ۝ الم تر ان الله انزل من السماء
وعده دادن خداست خلاف نمیکند خدا وعده خود را آیا نمی بینی ای پرستی خدا فرستاد از آسمان
ماء فسلكه ينابيع في الارض ثم يخرج به زرعا مختلفا الوانه
آبی پس درآورد آن ابر را در چشمه های که در زمینست پس بیرون می آورد بآن کشت را که مختلف است رنگهای آن
ثم يهيج فتريه مصفرا ثم يجعله حطاما ان في ذلك لذكرى
پس خشک میشود پس می بینی تو آنرا زرد پس میکرداند آنرا ریزه ریزه بدرستیکه درین هر آینه یاد کردنی است
لاولي الالباب ۝ افمن شرح الله صدره للاسلام فهو على
مر خداوندان خردها را آیا پس آنکه گشاده خدا سینه او را برای قبول اسلام پس او بر
نور من ربه فويل للقاسية قلوبهم من ذكر الله اولئك
روشنی معرفت از پروردگار خود پس وای بر جماعتی سخت دلهای ایشان از جهة یاد کردن خدا آنگروه
في ضلال مبين ۝ الله نزل احسن الحديث كتابا متشابها
در گمراهی ظاهرند خدا فرو فرستاد نیکوترین سخنی را که آن کتابیست متشابه بعضی
مثاني تقشعر منه جلود الذين يخشون ربهم ثم تلين
مثنی و مکرر میلرزد از خوف وعید پوستهای آنانکه می ترسند پروردگار ایشان پس نرم میشود
جلودهم وقلوبهم الى ذكر الله ذلك هدى الله يهدي
پوستهای ایشان و دلهای ایشان بسوی یاد کردن خدا این کتاب راه نمودن خداست راه مینماید
به من يشاء ومن يضلل الله فما له من هاد ۝ افمن يتقي
بآن هر کرا خواهد و کسی که گمراه می سازد او را خدا پس نیست مر او را هیچ راه نماینده آیا پس کسی که پرهیزد
بوجهه سوء العذاب يوم القيمة وقيل للظالمين ذوقوا
برای خود از بدی عذاب روز قیامت و گفته شد مر ستمکاران را بچشید
ما كنتم تكسبون ۝ كذب الذين من قبلهم فاتيهم العذاب
آنچه بودند که کسب کردید تکذیب کردند آنانکه بودند پیش از ایشان پس آمد ایشانرا که کفار نباشند علا

من حيث لا يشعرون فاذاقهم الله الخزي في الحيوة الدنيا
از آنجا که شعور بآن نداشتند پس چشانید ایشان را خدا رسوائی در زندگانی دنیا
ولعذاب الاخرة اكبر لو كانوا يعلمون ولقد ضربنا للناس
و هر آینه عذاب قیامت بزرگتر است اگر هستند که بدانند و هر آینه زدیم ما برای مردم
في هذا القران من كل مثل لعلهم يتذكرون قرانا
در این کتاب از همه مثلی شاید ایشان پند پذیرند آن قرآنست
عربيا غير ذي عوج لعلهم يتقون ضرب الله مثلا رجلا
بزبان عربی نیست خداوندان کجی شاید ایشان پرهیزگردند زد خدا مثل مردی را که
فيه شركاء متشاكسون ورجلا سلما لرجل هل يستويان
در او شریکان باشند و مخالف کننده باهم و مردی که شریک نداشته باشد برای مردی آیا مساوی باشند
مثلا الحمد لله بل اكثرهم لا يعلمون انك ميت وانهم ميتون
مثلا سپاس مر خدا راست بلکه بیشتر ایشان نمیدانند بدرستی که تو مرده و بدرستی که ایشان هم مرده اند
ثم انكم يوم القيمة عند ربكم تختصمون فمن اظلم ممن
پس بدرستی که شما روز قیامت نزد پروردگار خود مجادله خواهید کرد پس کیست ستمکارتر از آنکه
كذب على الله وكذب بالصدق اذ جاءه اليس في
دروغ گفت بر خدا و دروغ گفت براستی چون آمد او را آیا نیست در
جهنم مثوى للكافرين والذي جاء بالصدق وصدق
دوزخ جایگاه مر کافران را و آنکه آمد براستی و تصدیق کرد
به اولئك هم المتقون لهم ما يشاؤن عند ربهم ذلك
قرآن را آنگروه ایشانند پرهیزکاران برای ایشانست آنچه خواهند نزد پروردگار ایشان این
جزاء المحسنين ليكفر الله عنهم اسوء الذي عملوا و
جزای نیکوکارانست تا بپوشد خدا از ایشان بدترین آنچه کرده باشند و
يجزيهم اجرهم باحسن الذي كانوا يعملون اليس الله بكاف
پاداش دهد ایشان را مزد ایشان را به نیکوترین آنچه بودند که میکردند آیا نیست خدا کفایت کننده



عبده

عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِن دُونِهِ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ

بنده خود را و می‌ترسانند ترا بآنانکه غیر از خدا است و کسی که گمراه کرد خدا او را پس نیست مر او را

مِنْ هَادٍ ۝ وَمَن يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي

هیچ راه نماینده ۝ و هر کرا راه نماید خدا پس نیست مر او را هیچ گمراه کننده آیا نیست خدا غلبه کننده

انتِقَامٍ ۝ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ

کینه کشنده ۝ و اگر بپرسی از ایشان که آفرید آسمانها و زمین البته گویند

اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ

در جواب خداوند بگو آیا پس می‌بینید آنرا که میخوانید از غیر خدا اگر اراده کند بمن خدا ضرری

هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ

آیا باشند ایشان رفع کننده ضرر او یا اراده کند بمن بخششی آیا باشند ایشان بازدارندگان

رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ۝ قُلْ يَا

رحمت او بگو بس است خدا بر او توکل میکنند توکل کنندگان بگو ای

قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝

گروه عمل کنید بر حالیکه هستید شما بدرستی که من عمل کننده ام پس زود باشد که بدانید

مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ۝ إِنَّا

آنکس که بیاید او را عذابی که رسوا کند او را و فرود آید بر او عذابی که دایم باشد بدرستی که ما

أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ

فرستادیم ما بر تو کتاب برای مردم براستی پس هر که راه یافت پس برای نفس اوست

وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ ۝ اللَّهُ

و هر که گمراه شد پس جز این نیست که گمراه شود بر خود و نیستی تو بر ایشان نگاهبان خدا

يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ

قبض میکند همه نفسها را وقت مردن ایشان و فرا گیرد نفس آنرا که نمرده در خواب خود پس نگاه میدارد

الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى

نفوسی که حکم کرده شود بر او مرگ را و میفرستد دیگری را بسوی وقت نام برده شده

إن في ذلك لآيات لقوم يتفكرون ۝ أم اتخذوا من دون

الله شفعاء قل أولو كانوا لا يملكون شيئا ولا يعقلون

قل لله الشفاعة جميعا له ملك السموات والأرض ثم إليه

ترجعون ۝ وإذا ذكر الله وحده اشمأزت قلوب الذين لا

يؤمنون بالآخرة وإذا ذكر الذين من دونه إذا هم

يستبشرون ۝ قل اللهم فاطر السموات والأرض عالم

الغيب والشهادة أنت تحكم بين عبادك فيما كانوا

فيه يختلفون ۝ ولو أن للذين ظلموا ما في الأرض جميعا

ومثله معه لافتدوا به من سوء العذاب يوم القيمة و

بدا لهم من الله ما لم يكونوا يحتسبون ۝ وبدا لهم

سيئات ما كسبوا وحاق بهم ما كانوا به يستهزءون

فإذا مس الإنسان ضر دعانا ثم إذا خولناه نعمة منا قال

إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلْمٍۭ بَلْ هِىَ فِتْنَةٌ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

جز این نیست که داده شدم آنرا بر دانش بلکه این امتحانست و لیکن بیشتر ایشان نمیدانند

قَدْ قَالَهَا ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَمَآ أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ ۝

بتحقیق گفت این کلمه را آنانکه پیش از ایشان بودند پس باز نداشت از ایشان آنچه بودند که کسب میکردند

فَأَصَابَهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُوا۟ وَٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ مِنْ هَٰٓؤُلَآءِ سَيُصِيبُهُمْ

پس رسید ایشان را بدیهای آنچه کسب کردند و آنانکه ستم کردند از این گروه زود باشد که برسد

سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُوا۟ وَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ ۝ أَوَلَمْ يَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ

ایشان را بدیهای آنچه کسب کردند و نیستند ایشان عاجز کنندگان خدا آیا ندانسته بدرستی که خدا گشاده کند

ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝

روزی را برای هر که خواهد و تنگ میکند بدرستی که در این هرآینه نشانهاست مر گروهی را که بگروند

قُلْ يَٰعِبَادِىَ ٱلَّذِينَ أَسْرَفُوا۟ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا۟ مِن رَّحْمَةِ

بگو ای بندگان من آنانکه اسراف کردند بر نفسهای خود بمعاصی نومید مشوید از رحمت خدا

ٱللَّهِ إِنَّ ٱللَّهَ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ۝

خدا بدرستیکه خدا می آمرزد گناهکاران را همه بدرستی که اوست خدای آمرزنده مهربان

وَأَنِيبُوٓا۟ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا۟ لَهُۥ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلْعَذَابُ

و بر گردید بسوی پروردگار خود و گردن نهید مر او را پیش از آنکه بیاید شما را عذاب

ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ۝ وَٱتَّبِعُوٓا۟ أَحْسَنَ مَآ أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُم

پس یاری کرده نشوید و پیروی کنید بهترین آنچه فرستاده شده بسوی شما از پروردگار شما

مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ۝

پیش از آنکه بیاید شما را عذاب ناگهان و شما ندانید

أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَٰحَسْرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطتُ فِى جَنۢبِ ٱللَّهِ وَإِن

آنکه گوید نفس ای افسوس و ندامت بر آنچه تقصیر کردم در جانب خدا و بدرستیکه

كُنتُ لَمِنَ ٱلسَّٰخِرِينَ ۝ أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ ٱللَّهَ هَدَىٰنِى لَكُنتُ

بودم من از مستهزء کنندگان یا گوید اگر آنکه خدا راه نمودی مرا هرآینه بودم من

من المتقين ۝ او تقول حين ترى العذاب لو ان لي كرة فاكون
از پرهیزکاران ۝ یا گوید وقتیکه بیند عذاب را اگر آنکه بودی برای من برگشتنی پس بودمی

من المحسنين ۝ بلى قد جاءتك اياتي فكذبت بها واستكبرت
از نیکوکاران ۝ آری بتحقیق آمد تورا آیات من پس تکذیب کردی تو آنرا و گردنکشی کردی

وكنت من الكافرين ۝ ويوم القيمة ترى الذين كذبوا
و بودی تو از کافران ۝ و روز قیامت بینی آنانرا که تکذیب کردند

على الله وجوههم مسودة اليس في جهنم مثوى للمتكبرين ۝
بر خدا روهای ایشان سیاه شده آیا نیست در دوزخ جای آرام مر گردنکشانرا ۝

وينجي الله الذين اتقوا بمفازتهم لا يمسهم السوء ولا هم
و نجات دهد خدا آنانرا که پرهیزگاری کردند بسبب ایمان نرسد بایشان بدی و نه ایشان

يحزنون ۝ الله خالق كل شيء وهو على كل شيء وكيل
اندوهگین شوند ۝ خدا آفریننده هر چیز است و اوست بر هر چیز وکیل

له مقاليد السموات والارض والذين كفروا بايات الله
مراوراست کلیدهای آسمانها و زمین و آنانکه کافر شدند بنشانهای خدا

اولئك هم الخاسرون ۝ قل افغير الله تامروني اعبد ايها
آن گروه ایشانند زیانکاران ۝ بگو آیا پس غیر خدا را امر میکنید که من بپرستم ای

الجاهلون ۝ ولقد اوحي اليك والى الذين من قبلك
نادانان ۝ و بتحقیق وحی کرده شد بسوی تو و بسوی آنانکه پیش از تو بودند

لئن اشركت ليحبطن عملك ولتكونن من الخاسرين ۝ بل الله
اگر شرک گرداند آری تو هر آینه باطل باشد عمل تو و هر آینه باشی تو از جمله زیانکاران ۝ بلکه خدا را

فاعبد وكن من الشاكرين ۝ وما قدروا الله حق قدره و
پرستش کن و باش از شکرکنندگان ۝ و تعظیم نکردند خدا را سزای بزرگواری او و

الارض جميعا قبضته يوم القيمة والسموات مطويات
زمین با تمام در قبضه اقتدار اوست روز قیامت و آسمانها درهم پیچیده است

بيمينه سبحانه وتعالى عما يشركون ونفخ في الصور فصعق

بدست قدرت او پاکیزه و پاکست و بلند است از آنچه شریک میسازند و دمیده شود در صور پس بیهوش شود

من في السموات ومن في الارض الا من شاء الله ثم نفخ

هر که در آسمانها و هر که در زمینست مگر آنکه خواهد خدا پس دمیده

فيه اخرى فاذا هم قيام ينظرون واشرقت الارض بنور

شود در صور بار دیگر پس ناگاه ایشان ایستاده باشند و نگرند و روشن گردد زمین بنور

ربها ووضع الكتاب وجاىء بالنبيين والشهداء و

پروردگار خود و نهاده شود نوشته ها و بیارند پیغمبران و گواهان را و

قضي بينهم بالحق وهم لا يظلمون ووفيت كل نفس ما عملت

حکم کرده شود میان ایشان براستی و ایشان ستم کرده نشوند و تمام داده شود هر نفسی را جزای آنچه کرده

وهو اعلم بما يفعلون وسيق الذين كفروا الى جهنم

و او داناترست بانچه می کنند و رانده شوند آنانکه کافر شدند بسوی دوزخ

زمرا حتى اذا جاؤها فتحت ابوابها وقال لهم خزنتها الم

گروه گروه تا وقتیکه بیایند بدوزخ گشوده شود درهای آن و گفت مر ایشان را خازنان دوزخ آیا

ياتكم رسل منكم يتلون عليكم ايات ربكم وينذرونكم

نیامد شما را پیغمبران از شما که بخوانند بر شما نشانهای پروردگار خود را و بیم کنند شما را

لقاء يومكم هذا قالوا بلى ولكن حقت كلمة العذاب

از رسیدن امروز شما گویند بلی ولیکن واجب شد سخن خدا بوقوع عذاب

على الكافرين قيل ادخلوا ابواب جهنم خالدين فيها

بر کافران گفته شود در آیید بدرهای دوزخ جاوید ماندگان در آن

فبئس مثوى المتكبرين وسيق الذين اتقوا ربهم الى

پس بد آرامگاهی است گردنکشان را و رانده شوند آنانکه پرهیزگاری کردند پروردگار خود را بسوی

الجنة زمرا حتى اذا جاؤها وفتحت ابوابها وقال لهم خزنتها

بهشت گروه گروه تا چون بیایند و گشوده شود درهای آن و گویند مر ایشان را خازنان بهشت



سلام عليكم طبتم فادخلوها خالدين ۝ وقالوا الحمد لله
رحمت برشما باد پاک بودید در دنیا پس داخل شوید در بهشت جاوید ماندگان و گویند اهل بهشت سپاس خدا را
الذى صدقنا وعده واورثنا الارض نتبوء من الجنة
که راست کرد با ما وعده خود را و میراث داد بما زمین بهشت را جای میگیریم از بهشت
حيث نشاء فنعم اجر العاملين ۝ وترى الملائكة حافين
هر جا که خواهیم پس نیکوست مزد عمل کنندگان و بینی فرشتگان را در آرزو فروگرفتگان
من حول العرش يسبحون بحمد ربهم وقضى بينهم بالحق وقيل
گرداگرد عرش تسبیح می کنند خدا را بستایش پروردگار شان و حکم کرده شود میان ایشان براستی و گفته شد
الحمد لله رب العالمين ۝
ستایش مر خدا راست پروردگار عالمیانست

سورة المؤمن خمس وثمانون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان
حم ۝ تنزيل الكتاب من الله العزيز العليم ۝ غافر الذنب وقابل
قسم بحافظ و مجید آنکه فرو فرستاده کتاب یعنی قرآن از جانب خدای غالب دانا آمرزنده گناه و قبول کننده
التوب شديد العقاب ذى الطول لا اله الا هو اليه
توبه و سخت عقوبت خداوند نعمت نیست خدائی مگر او بسوی اوست
المصير ۝ ما يجادل فى آيات الله الا الذين كفروا فلا يغررك
بازگشت جدال نکنند در آیتهای خدا مگر آنانکه کافر شدند پس باید فریب ندهد ترا
تقلبهم فى البلاد ۝ كذبت قبلهم قوم نوح والاحزاب من
گردیدن کفار در بلاد شام و یمن بتجارت تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح و گروهی چند از
بعدهم وهمت كل امة برسولهم ليأخذوه وجادلوا
بعد ایشان و قصد کردند هر گروهی پیغمبر خود را تا بگیرند آن پیغمبر را و مجادله کردند
بالباطل ليدحضوا به الحق فأخذتهم فكيف كان عقاب
بسخن باطل تا زایل کنند بآن باطل سخن حق را پس گرفتیم ایشان را پس چگونه بود عقاب من

از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که در سه روز یکبار سوره مومن را بخواند حقتعالی جمیع گناهان اول و آخر او را بیامرزد و تقوی را لازم او گرداند و نعیم جنت باو کرامت فرماید و علما گفته اند که از جمله فضیلت این سوره آنست که در او آیه منسوخ نیست والله اعلم

وكذلك

وَكَذٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ

و همچنان واجب بود برایشان سالف واجب شد حکم پروردگار تو بر آنانکه کافر شدند بدرستیکه ایشان یاران

النَّارِ ۞ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

آتش‌اند آنانکه برمی‌دارند عرش را و آنانکه گرداگرد اویند تسبیح می‌کنند بستایش پروردگار خود

وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ

و ایمان دارند بوحدت خدا و طلب آمرزش می‌کنند برای آنانکه گرویدند پروردگارا فرا رسیدی همه چیز

رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ

از روی بخشش و دانش پس بیامرز برای آنانکه توبه کردند و پیروی کردند راه تو را و نگاه دار ایشان را از عذاب

الْجَحِيمِ ۞ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ

آتش پروردگارا و درآور ایشان را در بوستانهای با اقامت که وعده دادی ایشان را و هر که کار

مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۞

شایسته کرد از پدران ایشان و زنهای ایشان و فرزندان ایشان بدرستی که تویی تو غالب درست کار

وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ

و نگاه دار ایشان را از بدیهای گناه در روز جزا و هر که نگاه داری از بدیهای گناه در آن روز بدرستی بخشیدی او را

وَذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۞ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادَوْنَ

و این نگاه داشتن آنست فیروزی بزرگ بدرستی که آنانکه کافر شدند ندا کرده که

لَمَقْتُ اللّٰهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ

هر آینه دشمنی خدا بزرگتر است از دشمنی شما با نفسهای شما وقتیکه خوانده میشوید بسوی ایمان

فَتَكْفُرُونَ ۞ قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ

پس شما کفر ورزیدید بآن گفتند پروردگارا میرانیدی ما را دو نوبت و زنده گردانیدی ما را دو مرتبه

فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ ۞ ذٰلِكُمْ بِأَنَّهُ

پس اقرار کردیم بگناهان خود پس آیا به بیرون رفتن هیچ راهی این عذاب شما را بسبب آنکه

إِذَا دُعِيَ اللّٰهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ

چون خوانده شد خدا را بتنهایی کافر شدید و اگر شرک آورده می‌شد بآن خدا میگرویدید پس حکم

لله العلى الكبير ۝ هو الذى يريكم اياته وينزل لكم من
مر خدا را که بلند مرتبه بزرگوار است ۝ اوست آنکه مینماید بشما آیات خود و میفرستد برای شما از
السماء رزقا وما يتذكر الا من ينيب ۝ فادعوا الله مخلصين
آسمان روزی را و پند نپذیرد مگر آنکه بازگردد بحق ۝ پس بخوانید خدا را در حالیکه خالص
له الدين ولو كره الكافرون ۝ رفيع الدرجات ذو
کنندگان باشید برای او دین را و اگرچه اکراه داشته باشند کافران ۝ بردارنده مرتبه ها خداوند
العرش يلقى الروح من امره على من يشاء من عباده لينذر
عرش عظیم می افکند وحی را از فرمان خود بر آنکه میخواهد از بندگان خود تا بیم کند مردم را
يوم التلاق ۝ يوم هم بارزون لا يخفى على الله منهم شىء لمن
از روز بهم رسیدن بهیکدیگر روح و جسد روزیکه ایشان بیرون آینده باشند پوشیده نشود بر خدا از کردار ایشان چیزی مر کراست
الملك اليوم لله الواحد القهار ۝ اليوم تجزى كل نفس بما
پادشاهی امروز گویند مر خدا راست که یگانه است پادشاهی قهر کننده امروز جزا داده میشود هر نفسی آنچه
كسبت لا ظلم اليوم ان الله سريع الحساب ۝ وانذرهم يوم
کسب کرده بود نیست ستمی امروز بدرستی که خدا زود حسابست ۝ و بترسان کافران را از روز
الازفة اذ القلوب لدى الحناجر كاظمين ۝ ما للظالمين
قیامت ۝ در آن وقت دلهای مردم نزدیک حنجرهای ایشان باشد که فرو خورندگان خشم ۝ نیست ستمکاران را
من حميم ولا شفيع يطاع ۝ يعلم خائنة الاعين وما تخفى
هیچ خویشی که دفع عذاب کند و شفاعت کننده که فرمان برده شود ۝ میداند خیانتهای چشمها را و آنچه پوشیده است
الصدور ۝ والله يقضى بالحق والذين يدعون من دونه
سینه ها ۝ و خدا حکم میکند براستی و آنانکه میخوانند بجز از خدا
لا يقضون بشىء ان الله هو السميع البصير ۝ اولم يسيروا فى
حکم میکنند بچیزی بدرستی که خدا اوست شنوای بینا ۝ آیا سیر نمیکنند در
الارض فينظروا كيف كان عاقبة الذين كانوا من قبلهم
زمین پس ببینند چگونه بود عاقبت آنانکه بودند پیش از ایشان

كانوا

كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ

بودند ایشان سخت تر از ایشان از روی قوت و از روی علامت در زمین پس گرفت ایشانرا خدا

بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ۞ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ

بگناهان ایشان و نبود مر ایشانرا از خدا هیچ نگاه دارنده این بسبب آنست که بود

تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ

می آمد بایشان پیغمبران ایشان با معجزات پس کافر شدند پس گرفت ایشانرا خدا بدرستی که او توانای

شَدِيدُ الْعِقَابِ ۞ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ

سخت عقوبت و بتحقیق فرستادیم ما موسی را با معجزات و حجتی

مُبِينٍ ۞ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ

ظاهر بسوی فرعون و هامان وزیر و قارون پس گفتند که موسی جادویست

كَذَّابٌ ۞ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ

دروغگو پس آن هنگام که آمد ایشان دین راست از نزد ما گفتند بکشید پسران

الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ

آنانکه ایمان آورده اند با موسی و زنده بگذارید دختران ایشانرا و نیست مکر کافران

إِلَّا فِي ضَلَالٍ ۞ وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ

مگر در گمراهی و گفت فرعون بگذارید مرا تا بکشم موسی را و بخواند

رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ

موسی پروردگار خود را که من میترسم آنکه بدل کند دین شمارا یا آنکه ظاهر شود در زمین مصر

الْفَسَادَ ۞ وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ

فساد و گفت موسی بدرستی که من پناه گرفتم به پروردگار خود و پروردگار شما از هر

مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ ۞ وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ

گردنکشی که ایمان نیارد بروز حساب و گفت مردی که ایمان داشت از آل

فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ

فرعون پنهان میداشت ایمان خود را آیا میکشید شما مردی را که میگوید پروردگار من خداست

وقد جاءكم بالبينات من ربكم وان يك كاذبا فعليه

وبراستی آمد شما را بمعجزات از پروردگار شما و اگر باشد دروغگوی پس براوست

كذبه وان يك صادقا يصبكم بعض الذي يعدكم

دروغ او و اگر باشد راستگو میرسد بشما بعضی از آنچه وعده میکند شما را

ان الله لا يهدي من هو مسرف كذاب ۝ يا قوم لكم

بدرستی که خدا راه نمینماید هر کرا که او گذرنده دروغگوست ای قوم مر شما راست

الملك اليوم ظاهرين في الارض فمن ينصرنا من باس الله ان

پادشاهی امروز که غالبند بر بنی اسرائیل در زمین پس کیست یاری کند ما را از عذاب خدا اگر

جاءنا قال فرعون ما اريكم الا ما ارى وما اهديكم

بیاید ما را گفت فرعون نمینمایم شما را مگر آنچه مصلحت میدانم از قتل موسی و راه نمینمایم

الا سبيل الرشاد ۝ وقال الذي امن يا قوم اني اخاف

شما را مگر راه راست وگفت آنکس که ایمان آورد ای قوم بدرستی که من میترسم

عليكم مثل يوم الاحزاب ۝ مثل داب قوم نوح و

بر شما مانند روز هلاک جماعت گذشته مانند عادت قوم نوح و

عاد وثمود والذين من بعدهم وما الله يريد ظلما للعباد

عاد و ثمود و آنانکه بعد از ایشان بودند و نیست خدا که بخواهد ستم را بر بندگان خود

ويا قوم اني اخاف عليكم يوم التناد ۝ يوم تولون مدبرين

وای قوم بدرستی که من میترسم بر شما از عذاب روز ندا کردن در روزی که روی گردانیده شوند بازگشتگان

ما لكم من الله من عاصم ومن يضلل الله فما له من هاد ۝

نیست مر شما را از عذاب خدا هیچ نگاهدارنده و هر کرا فرو گذارد خدا پس نیست مر او را هیچ راهنماینده

ولقد جاءكم يوسف من قبل بالبينات فما زلتم في شك

و بتحقیق که آمد شما را یوسف پیش از این با معجزات پس همیشه بودید در شک

مما جاءكم به حتى اذا هلك قلتم لن يبعث الله من بعده رسولا

از آنچه آمد بشما از احکام تا آنکه چون هلاک شد گفتید شما هرگز بر نخواهد انگیخت خدا از بعد او پیغمبری

كذلك يضل الله من هو مسرف مرتاب ۝ الذين يجادلون
همچنانکه شمارا گمراه میکند خدا هرکه او از حد درگذرنده وشک آرنده است آنکه جدال میکنند
في ايات الله بغير سلطان اتيهم كبر مقتا عند الله وعند
در دفع آیات خدا بی حجتی که آمده باشد باشان بزرگست غذاب ایشان از روی عداوت نزد خدا و نزد
الذين امنوا كذلك يطبع الله على كل قلب متكبر جبار ۝
آنانکه گرویدند همچنین مهر مینهد خدا بر هر دل سرکش گردنکشی
وقال فرعون ياهامان ابن لي صرحا لعلي ابلغ الاسباب
وگفت فرعون ای هامان بنا کن برای من بنای بلند افراشته شاید برسم براهها
اسباب السموات فاطلع الى اله موسى واني لاظنه كاذبا
راهها ی آسمانها پس مطلع شوم بسوی خدای موسی و بدرستی که من هرآینه گمان میکنم موسی را
وكذلك زين لفرعون سوء عمله وصد عن السبيل وما
و همچنین آراسته شد برای فرعون بدی کردار او و بازداشته شد از راه راست و نبود
كيد فرعون الا في تباب ۝ وقال الذي امن ياقوم اتبعون
مکر فرعون مگر در زیانکاری وگفت آنکه گروید ایقوم پیروی کنید مرا
اهدكم سبيل الرشاد ۝ ياقوم انما هذه الحيوة الدنيا
تا بنمایم شمارا راه راست ای قوم جز این نیست که این زندگانی دنیا
متاع وان الاخرة هي دار القرار ۝ من عمل سيئة فلا يجزى
برخورداری اندکست و بدرستیکه آخرت آنست سرای آرام گرفتن هرکه کرد کاری بد پس جزا داده نشود
الا مثلها ومن عمل صالحا من ذكر او انثى وهو مؤمن
مگر مانند آن و هرکه کار شایسته از مرد یا زن و حال آنکه او مومن باشد
فاولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغير حساب ۝ و
پس آن گروه در می آیند در بهشت روزی داده میشوند در آن بی حساب و
ياقوم مالي ادعوكم الى النجوة وتدعونني الى النار ۝ تدعونني
ایقوم چیست مرا که میخوانم شمارا بسوی نجات و میخوانید مرا بسوی آتش میخوانید مرا

لأكفر بالله وأشرك به ما ليس لي به علم وأنا أدعوكم إلى
تا کافر شوم بخدا و شریک گردانم با او آنچه نیست مرا بآن دانشی و من میخوانم شما را بسوی
العزيز الغفار ۝ لا جرم أنما تدعونني إليه ليس له دعوة في
خدای غالب آمرزنده بلکه ثابتست آنچه میخوانید مرا بسوی او نیست مر او را خواندنی در
الدنيا ولا في الآخرة وأن مردنا إلى الله وأن المسرفين هم
دنیا و نه در آخرت و اینکه بازگشت ما بسوی خداست و اینکه اسراف کنندگان ایشانند
أصحاب النار ۝ فستذكرون ما أقول لكم وأفوض أمري إلى
یاران آتش پس زود باشد که یاد کنید آنچه میگویم برای شما و باز میگذارم کار خود را بسوی
الله إن الله بصير بالعباد ۝ فوقاه الله سيئات ما مكروا
خدا بدرستی که خدا بیناست به بندگان پس نگاه داشت خدا او را از بدیهای آنچه مکر کردند
وحاق بآل فرعون سوء العذاب ۝ النار يعرضون عليها
و فرو گرفت بدورگسان فرعون را بدی عذاب غرق و فرو گرفت ایشان را آتش که عرض کرده میشوند بر آن
غدوا وعشيا ويوم تقوم الساعة أدخلوا آل فرعون أشد
صبح و شام و روزیکه می ایستد قیامت گویند در آرید ای قوم فرعون سخت ترین
العذاب ۝ وإذ يتحاجون في النار فيقول الضعفاء للذين
عذاب را و وقتی که مخاصمه کنند در آتش پس گویند ضعیفان مر آنان را
استكبروا إنا كنا لكم تبعا فهل أنتم مغنون عنا نصيبا
که سرکش بودند بدرستی که ما بودیم مر شما را پیرو پس آیا شما هستید دفع کنندگان از ما بهره
من النار ۝ قال الذين استكبروا إنا كل فيها إن الله قد حكم
از آتش گفتند آنانکه سرکشی کردند بدرستی که ما و شما همه در دوزخیم بدرستی خدا بتحقیق حکم کرد
بين العباد ۝ وقال الذين في النار لخزنة جهنم ادعوا ربكم
میان بندگان و گفتند آنانکه در آتشند مر خازنان دوزخ را بخوانید پروردگار
يخفف عنا يوما من العذاب ۝ قالوا أولم تك تأتيكم
خود را تا سبک کند از ما روزی را از عذاب گویند آیا نبود در دنیا که آمد بشما

رسلكم

رُسُلُكُم بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ

پیغمبران شما با معجزات گویند بلی آمدند گفتند پس دعا کنید و نیست دعای کافران

إِلَّا فِي ضَلَالٍ ۞ إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ

مگر در گمراهی بدرستی که ما یاری میدهیم پیغمبران را و آنانکه گرویدند در زندگانی

الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ۞ يَوْمَ لَا يَنفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ

دنیا و روزیکه برپا میشوند گواهان روزی که نفع نکند ستمکاران را عذر ایشان

وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ۞ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَىٰ

و مر ایشان راست دوری از رحمت و مر ایشان راست سرای بد و بتحقیق دادیم ما موسی را راه نمودن

وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ ۞ هُدًى وَذِكْرَىٰ لِأُولِي

و میراث دادیم پسران یعقوب را کتاب بجهت راهنمائی و پند دادن مر خداوندان

الْأَلْبَابِ ۞ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ

خردها را پس صبر کن بدرستی که وعدهٔ خدا راستست و طلب آمرزش کن برای گناه خود

وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ۞ إِنَّ الَّذِينَ

و تسبیح کن بحمد پروردگار خود شام و صبح بدرستی که آنانکه

يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِن فِي صُدُورِهِمْ

جدال میکنند در آیات خدا بی حجتی که آمده باشد بایشان نیست در سینه های ایشان

إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُم بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ

مگر سرکشی نیستند ایشان رسنده بآن پس پناه گیر بخدا بدرستی که اوست شنوای

الْبَصِيرُ ۞ لَخَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ

بینا هر آینه آفریدن آسمانها و زمین بزرگتر است از آفریدن مردم

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۞ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ

و لیکن بیشتر مردمان نمیدانند و برابر نیستند نابینا

وَالْبَصِيرُ ۞ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ

و بینا و آنانکه گرویدند و کردند کار شایسته و نه بدکار

قليلا ما تتذكرون ۝ ان الساعة لآتية لا ريب فيها ولكن

اندکی پند می پذیرند ۝ بدرستی که قیامت هر آینه آینده است نیست شکی در آن ولیکن

اكثر الناس لا يؤمنون ۝ وقال ربكم ادعوني استجب لكم

بیشتر مردمان نمی گروند ۝ وگفت پروردگار شما بخوانید مرا تا اجابت کنم برای شما

ان الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين

بدرستی آنانکه سرکشی کردند از بندگی من زود باشد که درآیند در دوزخ خوارشدگان

الله الذي جعل لكم الليل لتسكنوا فيه والنهار مبصرا

خدای بحق آنست که گردانید برای شما شب را تا ساکن شوید در آن ۝ و روز را بینند در آن

ان الله لذو فضل على الناس ولكن اكثر الناس لا يشكرون

بدرستی که خدا هر آینه خداوند فضلست بر مردمان ۝ ولیکن بیشتر مردمان شکر نمی کنند

ذلكم الله ربكم خالق كل شيء لا اله الا هو فانى تؤفكون

اینست خدائی که پروردگار شما و آفریننده هر چیز است نیست خدائی مگر او پس کجا برگردانیده میشوید

كذلك يؤفك الذين كانوا بآيات الله يجحدون ۝

همچنین برگردانیده میشوند آنانکه بودند آیات خدا انکار میکردند

الله الذي جعل لكم الارض قرارا والسماء بناء وصوركم

خدای بحق آنست که گردانید برای شما زمین جایگاه ۝ و آسمان را بنای برافراشته و تصویر کرد شما

فاحسن صوركم ورزقكم من الطيبات ذلكم الله ربكم

پس نیکو ساخت صورتهای شما را و روزی داد شما را از پاکیزه ها آنکه فاعل اینها خداست پروردگار شما

فتبارك الله رب العالمين ۝ هو الحي لا اله الا هو فادعوه

پس بزرگوار است خدا که پروردگار جهانیان است ۝ اوست زنده نیست خدائی مگر او پس بخوانید او را

مخلصين له الدين الحمد لله رب العالمين ۝ قل اني نهيت

در حالیکه خالص سازید برای دین را حمد مر خدای را که پروردگار جهانیان است ۝ بگو بدرستی که نهی کرده شدم

ان اعبد الذين تدعون من دون الله لما جاءني البينات

از آنکه بپرستم آنانکه میخوانید بجز از خدا آن هنگام که آمد مرا معجزات ظاهره

من ربی

من ربي وامرت ان اسلم لرب العالمين ○ هو الذي خلقكم
از پروردگار من و مأمور شدم که گردن نهم حکم پروردگار جهانیان را ○ اوست آنکه آفرید شمارا

من تراب ثم من نطفة ثم من علقة ثم يخرجكم طفلا ثم
از خاک پس از آب منی پس از خون بسته پس بیرون آرد شمارا کودک پس

لتبلغوا اشدكم ثم لتكونوا شيوخا ومنكم من يتوفى من قبل
پس برسید شما بسخت ترین قوت پس باشید شما پیران ○ و از شما کسیست که میمیرد پیش از پیری

ولتبلغوا اجلا مسمى ولعلكم تعقلون ○ هو الذي يحيي
و تا برسید شما باجل نام برده شده و شاید شما ○ عقل کنید ○ اوست آنکه زنده میکند

ويميت فاذا قضى امرا فانما يقول له كن فيكون ○ الم تر
و میمیراند پس چون حکم کند بامری پس جز این نیست که میگوید مر او را باش پس میباشد ○ آیا نمی بینی

الى الذين يجادلون في آيات الله انى يصرفون ○ الذين
بسوی آنانکه مجادله میکنند در آیات خدا چگونه برگردانیده میشوند ○ آنانکه

كذبوا بالكتاب وبما ارسلنا به رسلنا فسوف يعلمون ○
دروغ بستند بقرآن و بآنچه فرستادیم بآن پیغمبران خود را پس زود باشد که بدانند

اذ الاغلال في اعناقهم والسلاسل يسحبون ○ في الحميم
وقتی که بندهای آتشین در گردنهای ایشان باشد و زنجیرها در حالی که کشیده شوند ایشان را در آب جوشان

ثم في النار يسجرون ○ ثم قيل لهم اين ما كنتم تشركون ○
پس در آتش سوخته شوند پس گفته شود مر ایشان را کجایند آنانکه بودید شما که شریک میکردید

من دون الله قالوا ضلوا عنا بل لم نكن ندعوا من قبل
بجز از خدا ○ گویند دور شدند از ما بلکه نبودیم که خوانده باشیم پیش از این

شيئا كذلك يضل الله الكافرين ○ ذلكم بما كنتم تفرحون
چیزی را ○ همچنان فرو گذارد خدا کافران را ○ این فرو گذاشتن شما بسبب آنست که بودید خوشحال

في الارض بغير الحق وبما كنتم تمرحون ○ ادخلوا ابواب جهنم
میشدید در زمین بجز آنکه حق بود و از جهت آن بسبب آنکه بودید نشاط میکردید ○ در آیید بدرهای دوزخ

خالدين فيها فبئس مثوى المتكبرين ۝ فاصبر إن وعد الله

جاودانیان باشند در آن پس بد آرامگاهست گردنکشان را ۝ پس صبر کن بدرستی که وعده خدا

حق فإما نرينك بعض الذي نعدهم أو نتوفينك فإلينا

راستست پس اگر بنمائیم ترا بعضی از آنچه وعده کرده ایم ایشان را یا بمیرانیم ترا پس بسوی ما

يرجعون ۝ ولقد أرسلنا رسلا من قبلك منهم من قصصنا

بر گردانیده میشوند ۝ و بتحقیق فرستادیم پیغمبران را پیش از تو از ایشان کسانی اند که خواندیم ما

عليك ومنهم من لم نقصص عليك وما كان لرسول أن

بر تو قصه ایشان را و بعضی از ایشان کسانی اند که نخواندیم قصه آنها را بر تو ۝ و نبود هیچ پیغمبر را که

يأتي بآية إلا بإذن الله فإذا جاء أمر الله قضي بالحق وخسر

بیارد معجزه مگر بفرمان خدا پس چون آمد فرمان خدا بعذاب کفار حکم شود به راستی و زیان کنند

هنالك المبطلون ۝ الله الذي جعل لكم الأنعام لتركبوا منها

آنجا اهل بطلان ۝ خدای بحق آنست که گردانید برای شما چهارپایان را تا سوار شوید بعضی از آنها

ومنها تأكلون ۝ ولكم فيها منافع ولتبلغوا عليها حاجة

و بعضی از آنها را بخورید ۝ و شما راست در آن نفعها و تا برسید بسفر کردن بر آنها بحاجتی که

في صدوركم وعليها وعلى الفلك تحملون ۝ ويريكم آياته

در سینه های شماست و بر انعام در خشکی و بر کشتی در دریا برداشته میشوید ۝ و مینماید شما را آیات خود را

فأي آيات الله تنكرون ۝ أفلم يسيروا في الأرض فينظروا

پس کدام آیه از آیات خدا را انکار میکنید ۝ آیا پس سیر نکردند در زمین پس بنگرند

كيف كان عاقبة الذين من قبلهم كانوا أكثر منهم وأشد

چگونه بود سرانجام آنانکه پیش از ایشان بودند بیشتر از ایشان در عدد و سخت تر

قوة وآثارا في الأرض فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون ۝

در قوت و نشان در زمین پس دفع نکرد از ایشان آنچه بودند که کسب میکردند

فلما جاءتهم رسلهم بالبينات فرحوا بما عندهم من العلم

پس آن هنگام که آمد ایشان را پیغمبران ایشان با معجزات شاد شدند بآنچه نزد ایشان هست از دانش



وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ۞ فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا
وفرود آمد بایشان آنچه بودند که بآن استهزا میکردند ۞ پس آن هنگام که دیدند عذاب ما را گفتند گرویدیم
بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ ۞ فَلَمْ يَكُ يَنفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ
بخدا تنها وکافر شدیم ما بآنچه بودیم ما بآن شرک آورندگان ۞ پس نبود که نفع کند ایشان را ایمان ایشان
لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ
چون دیدند عذاب ما را در آن وقت عادت خداست که بتحقیق گذاشته در میان بندگان خود و زیانکار شدند

هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ ۞
در زمان دیدن عذاب کافران

سورة فصلت اربع وخمسون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۞
بنام خداوند بخشاینده مهربان

حم ۞ تَنزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۞ كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا
بحق حمید مجید که فرو فرستادن این قرآن از خدای بخشاینده مهربان است کتابی است که تفصیل داده شده آیتهای آن قرآنیست عربی
لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۞ بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا
مر قومی را که میدانند ۞ مژده دهنده و بیم کننده پس اعراض کردند بیشتر ایشان پس ایشان
يَسْمَعُونَ ۞ وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا
[illegible] ۞ وگفتند که دلهای ما در غلافهاست از آنچه میخوانید ما را بسوی او و در گوشهای ما
وَقْرٌ وَمِن بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ ۞ قُلْ
گرانی است و میان ما و میان تو پرده ایست پس عمل کن بدرستی که ما عمل کنندگانیم ۞ بگو
إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا
جز این نیست منم آدمی مانند شما وحی کرده میشود بسوی من جز این نیست که خدای شما خدای یگانه است پس راست باشید
إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ ۗ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ ۞ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ
در توجه باو و طلب آمرزش کنید از او و سختی عذاب برای مشرکان است ۞ آنانکه نمیدهند زکوة
وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ۞ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
و ایشانند باخرت ایشان کافران ۞ بدرستی که آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته

لهم اجر غير ممنون ۝ قل ائنكم لتكفرون بالذي خلق

مر ایشانراست مزدی که منت نهاده نشود ۞ بگو آیا شما ۞ کافر میشوید ۞ بآنکه ۞ آفرید

الارض في يومين وتجعلون له اندادا ذلك رب العالمين ۝

زمین را ۞ در ۞ دو روز ۞ و میگردانید برای او ۞ همتایان ۞ اینست ۞ پروردگار جهانیان

وجعل فيها رواسي من فوقها وبارك فيها وقدر فيها اقواتها

و آفرید در زمین کوههای استوار از ۞ بالای آن و برکت داد در آن ۞ نهاد منافع و تقدیر کرد در زمین روزیها

في اربعة ايام سواء للسائلين ۝ ثم استوى الى السماء وهي

در ۞ چهار ۞ روز ۞ یکسانست مر سائلانرا ۞ پس ۞ قصد کرد ۞ بسوی آسمان و آسمان

دخان فقال لها وللارض ائتيا طوعا او كرها قالتا اتينا

دودی بود ۞ پس گفت مر آسمانرا ۞ و مر زمین را که بیائید در حالت رغبت یا کراهت ۞ گفتند ۞ آمدیم ما

طائعين فقضيهن سبع سموات في يومين واوحى في كل

بهرچه فرمائی فرمان برندگانیم پس حکم کرد در خلق ۞ هفت آسمان ۞ در ۞ دو روز ۞ و وحی فرمود در هر

سماء امرها وزينا السماء الدنيا بمصابيح وحفظا ذلك

آسمان ۞ کار آنرا ۞ و زینت دادیم آسمان ۞ دنیا را بچراغهای ستارگان ۞ و نگاه داشتیم ۞ آنرا

تقدير العزيز العليم ۝ فان اعرضوا فقل انذرتكم صاعقة

اندازه کردن خدای غالب داناست ۞ پس اگر اعراض کنند ۞ پس بگو بیم کردم شمارا ۞ از عذاب صاعقه

مثل صاعقة عاد وثمود ۝ اذ جاءتهم الرسل من بين

مانند ۞ صاعقه ۞ عاد ۞ و ثمود ۞ چون آمدند بایشان ۞ پیغمبران ۞ از میان

ايديهم ومن خلفهم الا تعبدوا الا الله قالوا لو شاء ربنا

دستهاشان ۞ و از پشتهاشان ۞ آنکه مپرستید ۞ مگر خدارا ۞ گفتند ۞ اگر خواستی پروردگار ما

لانزل ملائكة فانا بما ارسلتم به كافرون ۝ فاما عاد

هر آینه میفرستاد ۞ فرشتگانرا پس بدرستی ما بخبری که فرستاده شده ۞ بآن ۞ کافرانیم ۞ پس اما قوم عاد

فاستكبروا في الارض بغير الحق وقالوا من اشد منا قوة

پس گردنکشی کردند ۞ در ۞ زمین ۞ بناحق ۞ و گفتند ۞ کیست سخت تر از ما از روی توانائی

او لم

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا

آیا ندانستند بدرستی که خدائی که آفرید ایشانرا او سخت ترست از ایشان از روی توانائی و بودند

بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ۝ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ

بنشانهای ما که انکار میکردند پس فرستادیم بر ایشان بادی سخت و زنده در روزهای

نَحِسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ

شوم تا بچشانیم ایشانرا عذاب رسوائی در زندگانی دنیا و البته عذاب

الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنْصَرُونَ ۝ وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ

آخرت رسواترست و ایشان یاری داده نمیشوند و اما طایفه ثمود که قوم صالح بودند پس راه نمودیم ایشانرا

فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ

پس دوست داشتند نابینائی بر راه راست پس گرفت ایشانرا صاعقه عذاب

الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا

خوارکننده بسبب آنچه بودند که کسب کردند و رهانیدیم آنانرا که گرویدند و بودند که

يَتَّقُونَ ۝ وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ۝

پرهیز میکردند و روزی که جمع کرده شود دشمنان خدا بسوی آتش پس ایشان بازداشته شوند

حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَ

تا وقتیکه درآیند در آتش گواهی دهد بر ایشان گوشهای ایشان و چشمهای ایشان و

جُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا

پوستهای ایشان بآنچه بودند که میکردند و گفتند با پوستهای خود ایشان چرا گواهی دادید بر ما

قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ

گویند اعضا بسخن آورد ما را خدائی که بسخن آورد هر چیزی را و او آفرید شما را اول

مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ

مرتبه و بسوی او برگردانیده میشوید و نبودید شما که بپوشانید آنکه گواهی دهند بر شما

سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَٰكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ

گوش شما و نه چشمهای شما و نه پوستهای شما و لیکن گمان داشتید بدرستیکه

اللّٰه لا يعلم كثيرا مما تعملون ۝ وذلكم ظنكم الذى ظننتم

خدا ندانند بسیار را از انچه میکنید و این گمان شماست که گمان داشتید

بربكم اردىكم فاصبحتم من الخاسرين ۝ فان يصبروا فالنار

بپروردگار خود هلاک کرد شمارا پس گشتید از زیانکاران پس اگر صبر کنند کفار آتش

مثوى لهم وان يستعتبوا فما هم من المعتبين ۝ وقيضنا لهم قرناء

مکانست مر ایشانرا و اگر طلب رضا جویند پس نیستند ایشان از اجابت کرده شدگان و تقدیر کردیم برای ایشان همنشینان

فزينوا لهم ما بين ايديهم وما خلفهم وحق عليهم القول فى

پس بیاراستند برای ایشان آنچه در پیش ایشان و آنچه از پس ایشانست و واجب شد بر ایشان کلمه در حالیکه بود

امم قد خلت من قبلهم من الجن والانس انهم كانوا خاسرين

از جمله گروه گذشته پیش از ایشان از جن و آدمی بدرستیکه ایشان بودند زیانکاران

وقال الذين كفروا لا تسمعوا لهذا القران والغوا فيه

و گفتند آنانکه کافر شدند مشنوید این قرآن را و سخن لغو گویید در میان

لعلكم تغلبون ۝ فلنذيقن الذين كفروا عذابا شديدا

آن شاید شما غلبه کنید پس بچشانیم آنانرا که کافر شدند عذاب سخت را

ولنجزينهم اسوء الذى كانوا يعملون ۝ ذلك جزاء اعداء الله

و هرآینه جزا دهیم ایشانرا بدترین جزای آنانکه بودند که میکردند این عذاب بدتر جزای دشمنان خداست

النار لهم فيها دار الخلد جزاء بما كانوا باياتنا يجحدون ۝

آتش مر ایشانراست در آن آتش سرای جاوید این جزا بسبب آنچه بودند که بآیات ما انکار میکردند

وقال الذين كفروا ربنا ارنا الذين اضلانا من الجن و

و گفتند آنانکه کافر شدند پروردگارا بنما بما آنانرا که گمراه کردند ما را از جن و

الانس نجعلهما تحت اقدامنا ليكونا من الاسفلين ۝ ان

آدمی تا بگردانیم ایشانرا زیر قدمهای ما تا باشند از جمله فروتران بدرستیکه

الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة

آنانکه گفتند پروردگار ما خداست پس راست ایستادند فرود آیند بر ایشان فرشتگان

أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

که مترسید و اندوهناک مشوید و شاد شوید به بهشت که بودید شما که وعده داده میشدید

نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا

ماییم دوستان شما در زندگانی دنیا و در آخرت و مر شماراست در آن

مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ

آنچه آرزو کند نفسهای شما و مر شماراست در آن آنچه بخواهید در حالیکه پیشکش باشد از خدای آمرزنده مهربان

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي

و کیست نیکوتر از روی گفتار از آنکه بخواند بسوی عبادت خدا و بکند کار شایسته و گوید بدرستی که من

مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي

از گردن نهندگان و برابر نیست نیکویی که توحید است و نه بدی که کفر است دفع کن به راه که

هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَمَا

آن نیکوتر است پس آنکس که میان تو و میان او دشمنی است گویا او دوستی کارساز خویش است و

يُلَقَّاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ

عطا کرده نشود این خصلت مگر آنانکه صبر کردند و عطا کرده نشود این خصلت مگر خداوند بهره بزرگ و اگر برسد بتو

مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَ

از شیطان خار خاری پس پناه جوی بخدا بدرستیکه او است شنوای دانا و

مِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا

از جمله نشانهای قدرت خداست شب و روز است و آفتاب و ماه سجده مکنید

لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ

مر آفتاب را و نه ماه را و سجده کنید مر خدا را که آفرید ایشانرا اگر هستید شما که

إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ

که او را می پرستید بوحدت پس اگر سرکشی کردند پس آنانکه نزد پروردگار تو اند تسبیح می کنند

لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنَّكَ

مر خدا را بشب و روز و ایشان ملول نمیشوند و از جمله نشانهای است بدرستیکه تو



تری الارض خاشعة فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت وربت
می بینی زمین را خوار و خشک پس چون فرستیم ما بر آن زمین آب باران بجنبش در آید و بر آید مانند خمیر
ان الذی احیاها لمحی الموتی انه علی کل شیء قدیر ان
بدرستیکه آنکه زنده گردانید او را هر آینه زنده میکند مردگان را بدرستی که او بر هر چیز توانا است بدرستی که
الذین یلحدون فی آیاتنا لا یخفون علینا افمن یلقی فی النار
آنانکه میل میکنند در آیات ما پوشیده نمیشوند بر ما آیا پس کسی که انداخته شود در آتش
خیر ام من یاتی امنا یوم القیمة اعملوا ما شئتم انه بما تعملون
بهتر است یا کسی که بیاید ایمن از آتش روز قیامت بکنید آنچه خواهید بدرستی که او بآنچه می کنید
بصیر ان الذین کفروا بالذکر لما جاءهم وانه لکتاب
بیناست بدرستی آنانکه کافر شدند بقرآن هنگامیکه آمد ایشان را و بدرستی که قرآن هر آینه کتاب
عزیز لا یاتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل
ارجمند است نیاید باو هیچ باطل از پیش قرآن و نه از پشت قرآن فرو فرستاده
من حکیم حمید ما یقال لک الا ما قد قیل للرسل من
از حکیم ستوده شده گفته نمی شود مر ترا مگر آنچه بتحقیق گفته مر پیغمبران را پیش
قبلک ان ربک لذو مغفرة وذو عقاب الیم ولو جعلناه
از تو بدرستیکه پروردگار تو هر آینه خداوند آمرزش و خداوند عقوبت دردناک است و اگر میگردانیدیم
قرآنا اعجمیا لقالوا لولا فصلت آیاته ءاعجمی وعربی
این کتاب را بزبان عجم هر آینه می گفتند چرا مبین نشده آیات این قرآن آیا این کلام عجم است و مخاطب عرب
قل هو للذین آمنوا هدی وشفاء والذین لا یؤمنون فی آذانهم
بگو این قرآن برای آنست که گرویدند که راهنماینده و شفا دهنده و آنانکه نگرویدند در گوشهاشان
وقر وهو علیهم عمی اولئک ینادون من مکان بعید
گرانی است و این کتاب بر ایشان پوشیده است آن گروه ندا کرده می شوند از مکان دور
ولقد آتینا موسی الکتاب فاختلف فیه ولولا کلمة
و بتحقیق که دادیم ما موسی را کتاب توراة پس خلاف کرده شد در آن و اگر نه بودی سخنی که

سبقت



سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ

پیشی گرفته از پروردگار تو هر آینه حکم کرده میشد میان ایشان بدرستیکه ایشان هر آینه در شک اند از قرآن گمان کرده

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ

هر که کرد کار شایسته پس برای نفس خود و هر که بد کرد پس بر نفس اوست و پروردگار تو نیست ستم کننده

لِلْعَبِيدِ ۞ إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ

مر بندگان را بسوی او رد کرده میشود دانستن قیامت و بیرون نیاید هیچ میوه از

أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ

غلافهای خود و بار نگیرد هیچ ماده و نهد بار خود مگر بدانستن خدا و روزی که بخواند خدا

أَيْنَ شُرَكَائِي قَالُوا آذَنَّاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ ۞ وَضَلَّ

مشرکان را که کجایند شریکان من گویند اعلام کردیم ما تو را که نیست از ما هیچ گواهی و گم شد

عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ ۞ لَا

از ایشان آنچه بودند که میخواندند پیش از قیامت و گمان کنند که نیست مر ایشان را هیچ خلاصی

يَسْأَمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ

ملول نمیشود آدمی از خواهش نیکو و اگر برسد او را شری پس نا امید

قَنُوطٌ ۞ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ

و نا امید است و اگر بچشانیم ما او را رحمتی از جانب ما بعد از سختی که بدو رسیده بود

لَيَقُولَنَّ هَٰذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ

هر آینه میگوید که این مراست و گمان نمیبرم قیامت را برخاسته و اگر بازگردانیده شوم

إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا

بسوی پروردگار خود مراست نزد او خصلتی نیکو پس خبر کنیم آنان را که کافر شدند

بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ۞ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى

بآنچه کردند و هر آینه بچشانیم ایشان را از عذاب درشت و چون انعام کنیم ما بر

الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ

آدمی روی گرداند و دور آورد جانب خود را و چون برسد او را شری پس خداوند دعای

عَرِيضٍ ۞ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ

بسیار است | بگوای محمد آیا دیدید شما | اگر باشد | از نزد | خدا پس | کافر شدید | بقرآن کیست

أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ۞ سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ

گمراه تر | از آنکه | او | در خلافی باشد | دور | زود باشد که بنمائیم کفار را | قدرت خود در آفاق

وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ

و در نفسهای ایشانست | تا | روشن گردد برای ایشان | آنکه رسول حق است | آیا کفایت نمیکند پروردگار تو بدرستی که او

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۞ أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ

بر | هر | چیز | گواه است | بدانید بدرستی که ایشان | در شک اند از رسیدن جزای پروردگار خود | بدانید که

بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ ۞

خدا بهمه چیز | وارسنده است

سورة الشورى ثلاث وخمسون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۞

بنام | خداوند بخشاینده مهربان

حم ۞ عسق ۞ كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ

قسم بحمعسق | مثل آنچه وحی میکند بسوی تو | و بسوی آنانکه | پیش از تو بودند خداوند غالب

الْحَكِيمُ ۞ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ

درست کار | مر اوراست آنچه در آسمانها | و آنچه | در زمینست | و اوست | برتر

الْعَظِيمُ ۞ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ

بزرگوار | نزدیک شد که آسمانها | شکافته شوند | از بالای هم | و فرشتگان

يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ

تسبیح میکنند | بستایش پروردگار خود | و آمرزش مطلبند | از برای کسانی که در زمینند | بدانید که

اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۞ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ

خدا اوست | آمرزنده | مهربان | و آنانکه | فرا گرفتند | از غیر خدا دوستان خدا

حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۞ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا

نگهبانست بر ایشان | و نیستی تو | بر ایشان | گماشته شده | و همچنین | وحی فرستادیم ما

از امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که هر که سوره شوری را بخواند خدا تعالی در قیامت روی ورا چون ماه چهارده کند و با خطاب کند که ای بنده سوره حمعسق را بخواندی و مرتبه ثواب آنرا ندانستی اگر علم ثواب آن داشتی از ملال و ملول نشدی و دائم میخواندی پس فرماید تا ملائکه بهشت اورا ببرند و در بهشت آنکه اورا جای دهند پس فرشتگان در قصری که همه آن از یاقوت سرخ باشد درآرند و چندان با صفا باشد که باطن و ظاهر آن مشاهده شود و هزار حور العین نورانی نامزد او نمایند با سایر انواع کرامت و نعمتها

الذين

إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ يَوْمَ

بسوی تو قرآن عربی را تا بیم کنی تا آن اهل مکه را وکسانیکه در حوالی مکه اند و بیم کنی ایشان را در روز

الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ۞ وَلَوْ شَاءَ

جمع شدن نیست شکی در آن بعضی از ایشان در بهشتند و گروهی در دوزخ و اگر خواستی

اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَ

خدا هر آینه گردانیدی ایشان را گروهی یکتا و لیکن در می آورد هر که را خواهد در رحمت خود و

الظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۞ أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ

ستمکاران نیست مر ایشان را هیچ دوستی و نه یاری دهنده یا فرا گرفتند از غیر خدا

أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

دوستان پس خدا اوست دوستدار و او زنده میکند مرده را و او بر هر چیز

قَدِيرٌ ۞ وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ

تواناست و آنچه اختلاف میکنید در آن از چیزی پس حکم او بسوی خداست اینست خدای

رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ۞ فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

پروردگار من بر او و بسوی اوست توکل من و بسوی او بر گردنده میشوم آفریننده آسمانها و زمین

جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذْرَؤُكُمْ

آفرید برای شما از نفسهای شما زنان را و آفرید از چهارپایان جفتهای گوناگون بسیار میکرد شما

فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۞ لَهُ مَقَالِيدُ

شما را در تناسل نیست مانند او چیزی و اوست شنوای بینا مر او راست کلیدهای

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ

آسمانها و زمین که میگشاید روزی را برای هر که خواهد و تنگ میگرداند بدرستی که او بهر چیز

عَلِيمٌ ۞ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا

داناست بیان کرد برای شما از دین آنچه فرمود بآن نوح را و آنچه وحی کردیم ما

إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ

بسوی تو و آنچه امر کردیم ما بآن ابراهیم را و موسی و عیسی را آنست که بپای دارید دین را

وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي

و متفرق مشوید در آن بزرگ است بر مشرکان آنچه میخوانی ایشان را بسوی اسلام و توحید خدای میکشد

إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ ۞ وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ

بسوی خود هر کرا میخواهد و راه مینماید بتوفیق حق هر کرا که باز گردد و پراکنده نشدند مگر از

بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ

بعد آنچه آمد ایشان را دانش بستمکاری میان ایشان و اگر نبودی سخنی پیشی گرفته از پروردگار تو

إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ

تا مدت نام برده شده هر آینه حکم شود میان ایشان بدرستی که آنانکه میراث داده شدند کتاب را از

بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ۞ فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ

بعد ایشان هر آینه در شک انداز قرآن در تهمت افگنده پس بنابراین پس بخوان مردم را و مستقیم باش چنانکه مأموری

وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ

و پیروی مکن آرزوهای ایشان را و بگو ایمان آوردم بآنچه فرستاد خدا از جنس کتاب و مأمور شدم من

لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ

که عدل کنم میان شما خدا پروردگار ما و پروردگار شماست از برای ماست کردار ما و برای شماست کردار شما

لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ۞ وَالَّذِينَ

نیست خصومتی میان ما و میان شما خدا جمع میکند میان ما و بسوی اوست بازگشت و آنانکه

يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ

مخاصمه میکنند در دین خدا از بعد آنکه اجابت کرده شده باشد مر قول خدا را روز میثاق حجه ایشان باطلست

رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۞ اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ

نزد پروردگار ایشان و بر ایشان است غضب و مر ایشان راست عذاب سخت خدای بحق آنست که فرو فرستاد

الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ

قرآن را براستی و بطریق حق که میزانست و چه چیز دانا گرداند ترا شاید وقت قیامت نزدیک باشد

يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ

شتاب میکنند بآمدن عذاب آنانکه ایمان نمی آرند بآن و آنانکه ایمان آوردند ترسانند

منها

مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ اَنَّهَا الْحَقُّ اَلَا اِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي

از قیامت و میدانند که آمدن قیامت حق است بدانید که آنانکه مخاصمه کردند از روی انکار در قیامت هر آینه

ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۞ اَللّٰهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ

در گمراهی دور ند ۞ خدا بسیار لطف کننده است به بندگان خود روزی دهد هر که را خواهد و اوست

الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ۞ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْاٰخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي

توانای غالب ۞ هر که باشد که او اراده نماید کشت آن سرای را بیفزاییم او را در

حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي

کشت او و هر که باشد که اراده نماید کشت دنیا را بدهیم او را نصیبی از دنیا و نیست مر او را در

الْاٰخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ ۞ اَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ

آخرت هیچ بهره ۞ بلکه مر ایشان راست شریکان که وضع کردند برای ایشان از دین باطل آنچه

يَاْذَنْ بِهِ اللّٰهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَاِنَّ الظَّالِمِينَ

اذن نداده بآن خدا و اگر نه سخن حق بودی که فصل در قیامت باشد هر آینه حکم کرده شدی میان ایشان و بدرستیکه ستمکاران

لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۞ تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ

مر ایشان راست عذاب دردناک ۞ می بینی تو مشرکان را بسیار ترسان از آنچه کسب کردند و آن

وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ

رسنده است بایشان و آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته در مرغزارهای

الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

بهشتها باشند مر ایشان راست آنچه میخواهند نزد پروردگار ایشان ۞ اینست آن فضل بزرگ

ذٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللّٰهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

این ثواب آنست که مژده میدهد خدا بندگان خود را آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته

قُلْ لَا اَسْاَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبٰى وَمَنْ يَقْتَرِفْ

بگو سوال نمیکنم از شما بر او مزدی مگر دوستی ثابت در خویشان من و هر که کسب کند

حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ۞ اَمْ يَقُولُونَ

نیکی زیاده کنیم مر او را در آن نیکوئی بدرستی که خدا آمرزنده شکرگذار است ۞ یا میگویند

افترى على الله كذبا فان يشاء الله يختم على قلبك ويمح الله الباطل
افترا كرد بر خدا دروغی پس اگر خواهد خدا مهر مینهد بر دل تو ومحو كند خدا باطل را
ويحق الحق بكلماته انه عليم بذات الصدور ۞ وهو الذي
وثابت گرداند حق را بسخنان خود بدرستی كه او داناست بهرچه در سینه هاست واوست آنكه
يقبل التوبة عن عباده ويعفوا عن السيئات ويعلم ما
قبول میكند توبه را از بندگانش ومیگذرد از بدیها ومیداند آنچه
تفعلون ۞ ويستجيب الذين امنوا وعملوا الصالحات ويزيدهم
میكنید واجابت كند دعای آنانكه گرویدند وكردند كارهای شایسته وزیاده گرداند
من فضله والكافرون لهم عذاب شديد ۞ ولو بسط
ایشانرا از فضل خود وكافران مرایشانراست عذاب سخت واگر بگستراند
الله الرزق لعباده لبغوا في الارض ولكن ينزل بقدر ما
خدا روزی را برای بندگان خود هر آینه فساد كنند در زمین ولیكن فرو فرستد روزی را باندازه آنچه
يشاء انه بعباده خبير بصير ۞ وهو الذي ينزل الغيث
خواهد بدرستی كه او به بندگان خود آگاه وبیناست واوست آنكه فرو فرستد باران را
من بعد ما قنطوا وينشر رحمته وهو الولي الحميد ۞ ومن
از بعد آنكه نومید شده باشند وپراكنده كند رحمت خود را واوست دوست ستوده شده واز
اياته خلق السموات والارض وما بث فيهما من دابة وهو
نشانهای اوست آفریدن آسمانها وزمین وآنچه پراكنده ساخت در آنها از جنبنده واو
على جمعهم اذا يشاء قدير ۞ وما اصابكم من مصيبة
بر جمع كردن ایشان هرگاه خواهد قادر است وآنچه رسید بشما از آفات پس بدین
فبما كسبت ايديكم ويعفوا عن كثير ۞ وما انتم بمعجزين في الارض
پس آنچه كسب كردند دستهای ایشان ودرمیگذرد از بسیاری ونیستید شما عاجز كنندگان در زمین
وما لكم من دون الله من ولي ولا نصير ۞ ومن اياته الجوار
ونیست مرشما را از غیر خدا هیچ دوستی ونه یاری دهنده واز نشانهای قدرت كشتیها

فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَىٰ ظَهْرِهِ

جاریه هست در دریا مانند کوه‌های بلند اگر خواهد ساکن گرداند باد را پس گردند آن کشتیها ایستادگان بر پشت دریا

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا

بدرستیکه در این هر آینه آیتهاست برای هر صبر کننده شکر کننده یا اگر خواهد هلاک کند ایشان را

كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا

بآنچه کسب کرده‌اند و درگذرد از بسیاری گناه و تا بداند آنانکه مجادله میکنند در آیات ما

مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

نیست مر ایشان را هیچ گریزگاهی پس آنچه داده شدید از چیزی پس آن خوردنی زندگانی دنیا است

وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

و آنچه نزد خدا بهتر است و باقی تر مر آنان را که گرویدند و بر پروردگار ایشان توکل میکنند

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ

و آنانکه اجتناب میکنند از کبائر گناهان و کارهای زشت و چون خشم گیرند ایشان

يَغْفِرُونَ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ

در میگذرند و آنانکه اجابت کردند مر پروردگار خود را و برپای داشتند نماز را و کار ایشان

شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ

مشورت کردنست میان ایشان و از آنچه روزی دادیم ایشان را انفاق میکنند و آنانکه چون رسد ایشان را

الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا

گمراهی ایشان انتقام میکشند و پاداش کردار بد بدیست مانند آن پس هر که درگذرد

وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ

و باصلاح آرد پس مزد او بر خداست بدرستیکه خدا دوست نمیدارد ستمکاران را و هر آینه کسی که انتقام کشد بعد

ظُلْمِهِ فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ

ستم ستمکار پس آن گروه نیست بر ایشان هیچ راهی جز این نیست که راه عقوبت بر آنانکه

يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَٰئِكَ لَهُمْ

ستم کنند بر مردم و میخواهند افزونی را در زمین بنا حق آن گروه مر ایشان راست

عذاب اليم ولمن صبر وغفر ان ذلك لمن عزم الامور

عذاب دردناک و هر که صبر کرد و درگذشت بدرستی که این از کارهای مجزوم است

ومن يضلل الله فما له من ولي من بعده وترى الظالمين

و هر که فروگذارد خدا پس نیست مراو را هیچ دوستی از بعد او و ببینی ستمکاران را

لما راوا العذاب يقولون هل الى مرد من سبيل وتريهم

چون دیدند عذاب را گویند آیا هست بسوی بازگشتن هیچ راهی و می بینی ایشان را

يعرضون عليها خاشعين من الذل ينظرون من طرف خفي

که عرض کرده شوند بر آتش که فروتنان باشند از خواری مینگرند از نهان نگرستن

وقال الذين امنوا ان الخاسرين الذين خسروا انفسهم و

و گویند آنانکه ایمان آوردند بدرستی که زیانکاران آنانند که زیان کردند نفسهای خود را و

اهليهم يوم القيمة الا ان الظالمين في عذاب مقيم وما

کسان خود را روز قیامت بدانکه بدرستی که ستمکاران در عذاب دایم باشند و نیست

كان لهم من اولياء ينصرونهم من دون الله ومن يضلل الله

مر ایشان را هیچ دوستانی که یاری دهند ایشان را بجز از خدا و هر کرا فروگذارد خدا

فما له من سبيل استجيبوا لربكم من قبل ان ياتي يوم لا مرد

پس نیست مراو را هیچ راهی اجابت کنید پروردگار خود را پیش از آنکه بیاید مر روزی که بازگردیدن

له من الله ما لكم من ملجا يومئذ وما لكم من نكير فان

مراو را از نزد خدا نیست شما را هیچ پناهی در آن روز و نیست مرشما را هیچ انکاری پس اگر

اعرضوا فما ارسلناك عليهم حفيظا ان عليك الا البلغ و

اعراض کنند از ایمان پس نفرستادیم ترا بر ایشان نگاهبان نیست بر تو مگر رسانیدن پیغام و

انا اذا اذقنا الانسان منا رحمة فرح بها وان تصبهم سيئة

بدرستی که چون بچشانیم ما انسان را از نزد خود رحمتی شاد شوند بآن و اگر برسد بایشان بدی

بما قدمت ايديهم فان الانسان كفور لله ملك السموت

بآنچه پیش فرستاد دستهای ایشان پس بدرستی که انسان ناسپاس است مر خدا راست پادشاهی آسمانها

والارض

وَالْاَرْضِ یَخْلُقُ مَا یَشَآءُ یَهَبُ لِمَنْ یَشَآءُ اِنَاثًا وَیَهَبُ لِمَنْ یَشَآءُ

و زمین می آفریند آنچه میخواهد می بخشد هر کرا میخواهد دختران و می بخشد هر کرا میخواهد

الذُّکُورَ ۝ اَوْ یُزَوِّجُهُمْ ذُکْرَانًا وَاِنَاثًا وَیَجْعَلُ مَنْ یَشَآءُ عَقِیمًا

پسران یا جفت میکرداند ایشانرا پسران و دختران و میکرداند هر کرا میخواهد بی فرزند

اِنَّهُ عَلِیمٌ قَدِیرٌ ۝ وَمَا کَانَ لِبَشَرٍ اَنْ یُکَلِّمَهُ اللّٰهُ اِلَّا وَحْیًا

و نازاینده بدرستی او داناست و تواناست و نبود مر آدمی را آنکه سخن گوید با او خدا مگر بوحی

اَوْ مِنْ وَرَآءِ حِجَابٍ اَوْ یُرْسِلَ رَسُولًا فَیُوحِیَ بِاِذْنِهِ مَا یَشَآءُ

یا از پس پرده یا بفرستد پیغمبری پس وحی میکند باذن او آنچه میخواهد

اِنَّهُ عَلِیٌّ حَکِیمٌ ۝ وَکَذٰلِکَ اَوْحَیْنَا اِلَیْکَ رُوحًا مِنْ اَمْرِنَا مَا

بدرستی که خدا برتر درست کارست و همچنین وحی فرستادیم بسوی تو قرآنرا که روح دلست بفرمان خود

کُنْتَ تَدْرِی مَا الْکِتَابُ وَلَا الْاِیمَانُ وَلٰکِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا

نبودی تو که بدانی پیش از وحی چه چیزست کتاب و نه خواندن بایمان ولیکن کردانیدیم اورا نور

نَهْدِی بِهِ مَنْ نَشَآءُ مِنْ عِبَادِنَا وَاِنَّکَ لَتَهْدِی اِلٰی صِرَاطٍ

راه مینماییم باو هر کرا خواهیم از بندکان خود و بدرستی که تو البته راه نمایی بسوی راه

مُسْتَقِیمٍ ۝ صِرَاطِ اللّٰهِ الَّذِی لَهُ مَا فِی السَّمٰوَاتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ

راستست راه راست خدا که مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست

اَلَا اِلَی اللّٰهِ تَصِیرُ الْاُمُورُ ۝

بدانید که بسوی خداست بازگشت همه کارها

سورة الزخرف تسع و ثمانون آیة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ ۝

بنام خداوند بخشاینده مهربان

حٰمٓ ۝ وَالْکِتَابِ الْمُبِینِ ۝ اِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْاٰنًا عَرَبِیًّا لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ

قسم باسماء حسنی و کتاب روشن بدرستی که کردانیدیم ما قرآنرا بلغت عرب تا شما دریابید آنرا

وَاِنَّهُ فِی اُمِّ الْکِتَابِ لَدَیْنَا لَعَلِیٌّ حَکِیمٌ ۝ اَفَنَضْرِبُ عَنْکُمُ

و بدرستی که او در اصل کتاب نزد ما هر آینه بزرگوار محکم است آیا پس بازگذاریم از شما

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که سوره زخرف را مداومت کند خدای تعالی اورا در لحد از هوام و فشار قبر ایمن گرداند و در روز قیامت این سوره بصورتی زیبا برآمده ملاقات کننده او بود تا بهشت و درجات عالی تمام او را باشد

الذِّكرَ صَفْحًا اَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ ۝ وَكَمْ اَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيٍّ فِي

قرآن را بازداشتنی اگر هستید شما گروهی از حد گذشتگان و بسا که فرستادیم از جنس پیغمبران در

الْاَوَّلِينَ ۝ وَمَا يَاْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ اِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ ۝

میان پیشینیان و نمی آمد ایشان را هیچ پیغمبری مگر آنکه بودند که بآن استهزا میکردند

فَاَهْلَكْنَا اَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَى مَثَلُ الْاَوَّلِينَ ۝ وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ

پس هلاک کردیم سخت تر از ایشان از روی توانائی و گذشت قصه پیشینیان و اگر پرسی ایشان را

مَنْ خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ۝

از آفرینش آسمانها و زمین هر آینه گویند آفرید آنها را خدای غالب دانا

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ

آنکس که کردانید برای شما زمین را بساط گسترده و کردانید برای شما در آن راهها شاید شما

تَهْتَدُونَ ۝ وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَاَنْشَرْنَا

راه یابید و آنخدائی که فرستاد از آسمان آبی باندازه حاجت پس زنده کردیم ما

بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذٰلِكَ تُخْرَجُونَ ۝ وَالَّذِي خَلَقَ الْاَزْوَاجَ كُلَّهَا

بآن شهرهای مرده را همچنین برون آورده خواهید شد و آنکه آفرید اصناف مخلوقات را همه

وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَالْاَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ۝ لِتَسْتَوُوا

و کردانید برای شما از کشتی و چهارپایان آنچه سوار میشوند تا راست شوید

عَلٰى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ اِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا

بر پشتهای ایشان پس یاد کنید نعمت پروردگار خود را چون راست نشیند بر آن و بگوئید

سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ۝ وَاِنَّا اِلٰى

پاکست آنکه رام کرد برای ما این را و نیستیم ما مر او را فرمان برندگان و بدرستی که بسوی

رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ۝ وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا اِنَّ الْاِنْسَانَ

پروردگار خود بازگردندگانیم و کردانیدند برای خدا از بندگان او پاره بدرستی که آدمی

لَكَفُورٌ مُبِينٌ ۝ اَمِ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَاَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ

هر آینه ناسپاس ظاهر است آیا فرا گرفت خدا از آنچه آفرید دختران را و برگزید شما را به پسران

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَٰنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ
وچون مژده داده شد یکی از مشرکان بآنچه مثل زده برای بخشنده مثلی بگردد روی او سیاه شده و

هُوَ كَظِيمٌ ۝ أَوَمَن يُنَشَّأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ
او خشم دارنده آیا کسی را میسر گردانند در زینت و او ست در مخاصمه غیر ظاهر

وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَٰنِ إِنَاثًا أَشَهِدُوا
و گردانیدند فرشتگان را که ایشان بندگان خدااند دختران آیا حاضر بودند

خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ ۝ وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَٰنُ
در آفریدن ایشان زود باشد که نوشته شود گواهی ایشان و پرسیده شوند و گفتند اگر خواستی خدای بخشنده

مَا عَبَدْنَاهُم مَّا لَهُم بِذَٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ۝ أَمْ
نمی پرستیدیم ملائکه را نیست مر ایشان را آنچه میگویند دانشی نیستند ایشان مگر آنکه اقرار کنند یا

آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ فَهُم بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ۝ بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا
داده ایم ایشان را کتابی از پیش او پس ایشان بآن چنگ زدگانند بلکه گفتند بدرستی که ما یافتیم ما

آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ ۝ وَكَذَٰلِكَ مَا
پدران خود را بر ملتی و بدرستی که ما بر اثرهای ایشان راه یافته شدگانیم و همچنین

أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا
نفرستادیم ما پیش از تو در دهی هیچ بیم دهنده مگر آنکه گفتند توانگران آن ده که ما

وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ ۝ قَالَ
یافتیم پدران خود را بر دینی و بدرستی که ما بر اثر ایشان اقتدا کنندگانیم گفت

أَوَلَوْ جِئْتُكُم بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدتُّمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا
آیا اگر بیاورم شما را دینی راست تر از آنچه یافتید شما بر آن پدران خود را گفتند بدرستی که ما بآنچه

أُرْسِلْتُم بِهِ كَافِرُونَ ۝ فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
فرستاده شده بشما بآن کافرانیم پس انتقام کشیدیم از ایشان پس بنگر که چگونه بود سرانجام

الْمُكَذِّبِينَ ۝ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا
دروغگویان وچون گفت ابراهیم مر پدر خود را و قوم خود را بدرستی که من بیزارم از آنچه

تعبدون ۝ الا الذی فطرنی فانه سیهدین ۝ وجعلها

میپرستید ۝ مگر آنخدائی که آفریده مرا پس بدرستی که زود باشد که راه نماید مرا ۝ و گردانید ابراهیم

کلمة باقیة فی عقبه لعلهم یرجعون ۝ بل متعت هؤلاء

توحید را کلمهٔ پاینده ۝ در میان ایشان شاید ایشان ۝ بازگردند ۝ بلکه برخورداری دادم آنقوم

وآباءهم حتی جاءهم الحق ورسول مبین ۝ ولما جاءهم الحق

و پدران ایشان را ۝ تا آمد بایشان ۝ سخن راست و پیغمبری که ظاهر است ۝ و هنگامی که آمد ایشان را سخن حق

قالوا هذا سحر وانا به کافرون ۝ وقالوا لولا نزل هذا القرآن

گفتند این قرآن سحر است و بدرستی که ما بآن ناگروندگانیم ۝ و گفتند چرا فرستاده ۝ این ۝ قرآن را

علی رجل من القریتین عظیم ۝ اهم یقسمون رحمة ربک نحن

بر ۝ مردی که از یکی ازین دو ده است بزرگ قدر ۝ آیا ایشان قسمت میکنند ۝ رحمت پروردگار ترا ۝ ما

قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیوة الدنیا ورفعنا بعضهم فوق

قسمت کنیم میان ایشان ۝ روزیهای ایشان را ۝ در زندگانی ۝ دنیا ۝ و برداشته ایم بعضی از ایشان را ۝ بالای

بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضا سخریا ورحمت ربک خیر

بعضی ۝ درجه‌ها ۝ بجهة آنکه تا فراگیرند بعضی از ایشان بعضی را ۝ رام ۝ و رحمت پروردگار تو بهتر است

مما یجمعون ۝ ولولا ان یکون الناس امة واحدة لجعلنا لمن

از آنچه جمع می‌کنند ۝ و اگر نه ۝ آن بودی که مردم گشتند ۝ بر دین کفر ۝ تنها ۝ هر آینه میگردانیدیم برای

یکفر بالرحمن لبیوتهم سقفا من فضة ومعارج علیها یظهرون

کسی که کافر میشود بخدای بخشنده مر خانهای ایشان را سقفها ۝ از نقره ۝ و نردبانها بر ۝ بالای آنجا نه تا ظاهر گشتند خود را

ولبیوتهم ابوابا وسررا علیها یتکئون ۝ وزخرفا وان کل

و مر خانهای ایشان را ۝ درها ۝ و تختها که ۝ بر آن ۝ تکیه کنند ۝ و از طلا مساخته شده آنها را و نیست همه

ذلک لما متاع الحیوة الدنیا والآخرة عند ربک للمتقین

مذکور شد مگر برخورداری ۝ زندگانی ۝ دنیا ۝ و آخرت ۝ نزد ۝ پروردگار تو برای پرهیزگاران است

ومن یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطانا فهو له قرین

و هر که چشم پوشد ۝ از یاد خدای بخشنده برگماریم ۝ بر او ۝ شیطان را ۝ پس او مر او را همنشین است

وانهم

وَاِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ اَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ
و بدرستی که ایشان هر آینه باز میدارند قرینان خود را از راه حق و می پندارند که ایشان بپیروی شیطان راه یافتگانند
حَتَّىٰ اِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ
تا وقتیکه بیاید بما گوید آن مرد ای کاش میان من و میان تو دوری مشرق و مغرب بود پس بد
الْقَرِينُ وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ اِذْ ظَلَمْتُمْ اَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ
همنشینی تو و البته نفع نکند شما را امروز این آرزو چون ستم کردید برای آنکه شما هستید در عذاب
مُشْتَرِكُونَ اَفَاَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ اَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَنْ كَانَ
باهم شریکان آیا پس تو میشنوانی کران را یا راه مینمایی کوران را و هر که هست
فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ فَاِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَاِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ
در گمراهی ظاهر پس اگر ببریم ما تو را بجوار رحمت خود پس بدرستی که ما از ایشان انتقام
اَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَاِنَّا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ فَاسْتَمْسِكْ
کشندگانیم یا اگر بنماییم تو را آنچه وعده داده‌ایم ایشان را پس بدرستی که ما بر ایشان قادریم پس چنگ درزن
بِالَّذِي اُوحِيَ اِلَيْكَ اِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَاِنَّهُ لَذِكْرٌ
بآن چیزی که وحی کرده شد بسوی تو بدرستی که تو بر راه راستی و بدرستی که این قرآن هر آینه
لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْئَلُونَ وَاسْئَلْ مَنْ اَرْسَلْنَا
شرفیست تو را و قوم تو را و زود باشد که پرسیده شوید و بپرس احوال کسانی که فرستادیم
مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا اَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَٰنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ
پیش از تو از پیغمبران خود آیا فرمودیم ما که بجز از خدای بخشاینده خدایان دیگر پرستیده شوند
وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا اِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ اِنِّي
و بتحقیق که فرستادیم ما موسی را با معجزات بسوی فرعون و اشراف قوم او پس گفت بدرستی که من
رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا اِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ
فرستاده پروردگار عالمیانم پس آن هنگام که آمد ایشان را با معجزه‌ها آن وقت ایشان از آن میخندیدند
وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ اِلَّا هِيَ اَكْبَرُ مِنْ اُخْتِهَا وَاَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ
و ما نمینمودیم ایشان را از هیچ معجزه مگر آنکه او بزرگتر بود از معجزه پیش و گرفتیم ما ایشان را بعذاب قحط

لعلهم يرجعون ۝ وقالوا يا ايها الساحر ادع لنا ربك بما عهد

شاید ایشان بر گردند وگفتند ای جادوگننده بخوان برای ما پروردگار خود را آنچه عهد کرده

عندك اننا لمهتدون ۝ فلما كشفنا عنهم العذاب اذا هم

نزد خود بدرستی ما هر آینه راه یافته گانیم پس چون بردیم ما از ایشان عذاب را همان آن ایشان

ينكثون ۝ ونادى فرعون في قومه قال يا قوم اليس لي ملك

شکستند عهد خود را و ندا کرد فرعون در میان قوم خود گفت ای قوم آیا نیست مرا مملکت

مصر وهذه الانهار تجري من تحتي افلا تبصرون ۝ ام انا

مصر در تصرف و این جویهای نهر نیل میروند از زیر قصر من آیا پس نمی بینید یا که من

خير من هذا الذي هو مهين ۝ ولا يكاد يبين ۝ فلولا

بهترم از این کس که او خوار است و نمیتواند روشن کند پس چرا

القي عليه اسورة من ذهب او جاء معه الملائكة مقترنين

نینداخته اند بر او دستوره ها از طلا یا چرا نیامده با او فرشتگان متقارن با او

فاستخف قومه فاطاعوه انهم كانوا قوما فاسقين ۝ فلما

پس سبک عقل یافت قوم خود را پس فرمان بردند او را بدرستی که ایشان بودند گروهی بدکاران پس چون

آسفونا انتقمنا منهم فاغرقناهم اجمعين ۝ فجعلناهم سلفا

در غضب کردند ما را انتقام کشیدیم از ایشان پس غرق کردیم ما ایشان را همه پس گردانیدیم ما ایشان را پیشرو

ومثلا للآخرين ۝ ولما ضرب ابن مريم مثلا اذا قومك

و عبرتی مر پسینان را و چون زده شد پسر مریم مثلی آنگاه قوم تو

منه يصدون ۝ وقالوا ءالهتنا خير ام هو ما ضربوه لك

از آن مثل آواز بر دارند و گویند آیا خدایان ما بهترند یا عیسی نزدند آن مثل را برای تو

الا جدلا بل هم قوم خصمون ۝ ان هو الا عبد انعمنا عليه

مگر جدل بلکه ایشان میان گروهی خصومت کنانند نیست عیسی مگر بنده که انعام کردیم بر او و نبوت

وجعلناه مثلا لبني اسرائيل ۝ ولو نشاء لجعلنا منكم

و گردانیدیم او را آیتی برای پسران یعقوب و اگر خواهیم ما هر آینه گردانیم بدل شما

مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ۝ وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا
فرشتگان را در زمین در ازپی در آیند ۝ و بدرستیکه عیسی الله نشانه ایست مر قیامت را پس شک مکنید

وَاتَّبِعُونِ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ
و پیروی کنید مرا این است راه راست ۝ و باید که باز ندارد شما را شیطان بدرستی که او

لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۝ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ
مر شما را دشمنی ظاهر است ۝ و چون آمد عیسی آشکارا گفت بحقیق که آمدم شما را

بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ
براستی حکمت و تا آنکه بیان کنم برای شما بعضی از آنچه اختلاف میکنید در آن پس بترسید از خدا و

أَطِيعُونِ ۝ إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ
پیروی کنید مرا ۝ بدرستی که خدا اوست پروردگار من و پروردگار شما پس بپرستید او را این است راه راست

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ
پس اختلاف کردند گروهی از میان ایشان پس وای بر آنانکه ستم کردند از عذاب روز

أَلِيمٍ ۝ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ
دردناک ۝ آیا انتظار میکشند مگر آنکه قیامت را که بیاید بایشان ناگهان و ایشان ندانند

الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ۝ يَا عِبَادِ
کسانی که دوستان بودند در آن روز بعضی ایشان مر بعضی را دشمنند مگر پرهیزکاران ۝ ای بندگان من

لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا
نیست ترسی بر شما امروز و نه شما اندوهگین باشید ۝ آنانکه گرویدند بنشانهای ما

وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ۝ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ۝
و بودند گردن نهندگان ۝ در آیید در بهشت شما و زنان شما در حالتی که شاد باشید

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ
گردانیده شود بر آن مؤمنان کاسه ها از زر و کوزه ها و در بهشت باشد آنچه آرزو کنند

الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ
آن را نفسها و لذت برد چشمها و شما در بهشت جاویدان باشید ۝ و این بهشتی است

الَّتِي اُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا

تَاكُلُونَ اِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ لَا يُفَتَّرُ

عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ

وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ اِنَّكُمْ مَاكِثُونَ لَقَدْ

جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ اَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ اَمْ اَبْرَمُوا

اَمْرًا فَاِنَّا مُبْرِمُونَ اَمْ يَحْسَبُونَ اَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَيهُمْ

بَلَى وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ قُلْ اِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ

فَاَنَا اَوَّلُ الْعَابِدِينَ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ رَبِّ

الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ

الَّذِي يُوعَدُونَ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ اِلَهٌ وَفِي الْاَرْضِ اِلَهٌ

وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ

وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

ولا

وَلَا يَمْلِكُ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ ٱلشَّفَٰعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ
و مالک نباشند آنانکه میخوانند بجز از خدا شفاعت را مگر کسانی که گواهی دادند

بِٱلْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۞ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ
براستی و ایشان میدانند و اگر بپرسی ایشان را که آفرید ایشان را هرآینه گویند خدا

فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ۞ وَقِيلِهِ يَٰرَبِّ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ قَوْمٌ لَّا يُؤْمِنُونَ
پس چگونه گردیده میشوید و گفتن رسول را ای پروردگار من بدرستی که ایشان گروهی اند که منکروند

فَٱصْفَحْ عَنْهُمْ ۞ وَقُلْ سَلَٰمٌ ۞ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۞
پس اعراض کن از ایشان و بگو سلام پس زود باشد که بدانند

سورة الدخان تسع و خمسون آية

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ۞
بنام خداوند بخشاینده مهربان

حمٓ ۞ وَٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ ۞ إِنَّآ أَنزَلْنَٰهُ فِى لَيْلَةٍ مُّبَٰرَكَةٍ
سوگند بحلم و مجد و منت ما و این کتاب روشن بدرستی که ما فرو فرستادیم این قرآن را در شب مبارک

إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ۞ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ۞ أَمْرًا مِّنْ عِندِنَآ
بدرستی که ما هستیم بیم کنندگان در این شب فصل داده شود هر کار حکم کرده شده کاری حاصل از نزد ما

إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ۞ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ۞
بدرستی که ما بودیم فرستادگان پیغمبران بخشایش از پروردگار تو بدرستی که او شنوای داناست

رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَآ إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ ۞ لَآ
پروردگار آسمانها و زمینست و آنچه میان آنهاست اگر هستید یقین کنندگان نیست

إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْىِۦ وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ ءَابَآئِكُمُ ٱلْأَوَّلِينَ
خدائی مگر او زنده میسازد و میمیراند پروردگار شما و پروردگار پدران شما که پیش بودند

بَلْ هُمْ فِى شَكٍّ يَلْعَبُونَ ۞ فَٱرْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِى ٱلسَّمَآءُ بِدُخَانٍ
بلکه ایشان در شک اند و بازی میکنند پس انتظار کش برای ایشان روزی که بیارد آسمان دودی

ابو حمزه ثمالی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که هر که این سوره را بخواند در نوافل و فرایض حقتعالی او را در روز قیامت از جمله امان مبعوث سازد و در سایه عرش خودش جای دهد و حساب او را آسان کند و نامه اعمال او را بدست راست او دهد

از حضرت ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام مرویست که لیله مبارکه شب قدرست در ماه رمضان و بصحت پیوسته که قرآن تماما در شب قدر باسمان دنیا نازل شد و از آنجا بتدریج سوره سوره و آیه آیه نازل باین دنیا شد و بقول بعضی از مفسرین آن شب نیمه شعبانست بنابر آنکه شب قدر را این شب میدانند

مبين يغشى الناس هذا عذاب اليم ربنا اكشف عنا العذاب
از ما عذاب قحط را پروردگارا بردار این عذاب دردناک فروگیرد مردمانرا ظاهر را

انا مؤمنون انى لهم الذكرى وقد جاءهم رسول مبين
بدرستی که ما ازگروندگانیم چگونه بود مرایشانرا پند گرفتن و بدرستی که آمد ایشانرا پیغمبری ظاهر

ثم تولوا عنه وقالوا معلم مجنون انا كاشفوا العذاب قليلا
پس اعراض کردند ازو و گفتند آموخته شده دیوانه است بدرستی که ما کشف کنندگان عذاب اندکیم

انكم عائدون يوم نبطش البطشة الكبرى انا منتقمون
بدرستی که شما رجوع کنندگانید روزیکه بگیریم آنها را گرفتن بزرگ بدرستیکه ما انتقام کشندگانیم

ولقد فتنا قبلهم قوم فرعون وجاءهم رسول كريم ان ادوا
و بدرستی که ما درفتنه انداختیم پیش از کفار قوم فرعون را و آمد ایشانرا پیغمبر بزرگوار آنکه برسانید

الى عباد الله انى لكم رسول امين وان لا تعلوا على الله
بسوی من بندگان خدارا بدرستی که من برای شما فرستاده امینم و آنکه تکبر مکنید بر خدا

انى اتيكم بسلطان مبين وانى عذت بربى وربكم
بدرستی که من می‌آیم شمارا سلطانی ظاهر و بدرستی که من پناه میگیرم به پروردگارم و پروردگار شما

ان ترجمون وان لم تؤمنوا لى فاعتزلون فدعا ربه ان
آنکه سنگسار کنید مرا و اگر نمیگروید به رسالت من پس کناره کنید از من پس دعا کرد موسی پروردگار

هؤلاء قوم مجرمون فاسر بعبادى ليلا انكم متبعون
خود را آنکه گروه قبطیان گناهکارانند پس گفت خدا ببر بندگان مرا در شب بدرستی که شما از پی در آمده شدگانید

واترك البحر رهوا انهم جند مغرقون كم تركوا من جنات
و بگذار دریا را ساکن بدرستی که ایشان لشکری اند غرق شدگان چه بسیار گذاشتند از بوستانها

وعيون وزروع ومقام كريم ونعمة كانوا فيها فاكهين
و چشمه های آب روان و کشتها و خانهای نیکوی بزرگوار و نعمتی که بودند در آن شادی کنان

كذلك واورثناها قوما اخرين فما بكت عليهم السماء و
چنین است و میراث دادیم منزلهاشانرا بگروهی دیگر پس نگریست برایشان آسمان و

مجمع
البیان گفته که
حضرت رسول خدا قوم خودرا
نفرین کرده چون تکذیب او نمودند گفت
خداوندا قحطی بایشان بگمار مانند سالهای قحطی
که بقوم یوسف رسید و بدعای آنحضرت صلعم
چنان قحطی در قریش پیدا شد که محتاج شدند
بخوردن مردهای حیوانات پس بخدمت آنحضرت
رفته استغاثه نموده و عرض کردند که همیشه تو ما را
امر بصله رحم مینمودی و قوم تو هلاک شدند بفریاد
ایشان برس پس آنحضرت از حقتعالی سؤال نمود
فراوانی نعمتها را و بعد از ظهور نعمتها برکفر خود
ماندند و بعضی گفته اند گرسنگی را خدا تعالی از آن
دخان نامیده که بسبب گرسنگی دیده ها ضعیف میشود
و گمان میکنند که دودی عالم را گرفته و دنیا در
نظرش تار مینماید و بقولی مراد آن دخانی است
که از علامات ظهور قیامت شمرده
شده



الارض وما كانوا منظرين ۝ ولقد نجينا بنى اسرائيل من العذاب
زمین و نبودند ایشان مهلت شدگان و بتحقیق رهانیدیم پسران یعقوب را از عذاب

المهين ۝ من فرعون انه كان عاليا من المسرفين ۝ ولقد
خوارکننده از جانب فرعون که آن بدرستی که او بود سرکشنده از حد گذرندگان و بدرستی که

اخترناهم على علم على العالمين ۝ واتيناهم من الايات ما فيه
برگزیدیم ما ایشان را برحالیکه دانا بودیم بر جهانیان و دادیم ایشان را از نشانهای قدرت آنچه در آن

بلاء مبين ۝ ان هؤلاء ليقولون ۝ ان هى الا موتتنا الاولى
نعمتی ظاهرست بدرستی گروه قریش هرآینه میگویند نیست عاقبت ما مگر مردن ما اول ما

وما نحن بمنشرين ۝ فاتوا بابائنا ان كنتم صادقين ۝ اهم
و نیستیم ما زنده شدگان پس بیارید پدران ما را اگر هستید راستگویان آیا قریش

خير ام قوم تبع والذين من قبلهم اهلكناهم انهم كانوا
بهترند یا گروه تبع حمیری و آنانکه پیش از ایشان بودند هلاک کردیم ما ایشان را بدرستی که ایشان بودند

مجرمين ۝ وما خلقنا السموات والارض وما بينهما
گنهکاران و نیافریدیم ما آسمانها و زمین را و آنچه میان آن دو است

لاعبين ۝ ما خلقناهما الا بالحق ولكن اكثرهم لا يعلمون
بازی کنان نیافریدیم ما اینهارا مگر براستی و لیکن بیشتر ایشان نمیدانند

ان يوم الفصل ميقاتهم اجمعين ۝ يوم لا يغنى مولى عن مولى
بدرستی که روز جدا شدن هنگام جمع شدن آن همه روزیکه دفع نکند هیچ دوستی از دوستی

شيئا ولا هم ينصرون ۝ الا من رحم الله انه هو العزيز الرحيم
چیزی را و نه ایشان یاری کرده شوند مگر کسیکه رحم کند خدا بدرستی که اوست خدای غالب مهربان

ان شجرت الزقوم ۝ طعام الاثيم ۝ كالمهل يغلى فى البطون
بدرستی که درخت زقوم طعام گناهکارانست مانند مسیست که گداخته شود میجوشد در شکمها

كغلى الحميم ۝ خذوه فاعتلوه الى سواء الجحيم ۝ ثم صبوا
مانند جوشیدن آب گرم بگیرید او را پس بکشید او را بمیانه دوزخ پس بریزید

فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ۝ ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ
بر زبر سر او از عذاب آب گرم جوشان بگویند او را بچش بدرستی که تو بودی ارجمند بزرگوار از قوم

إِنَّ هَٰذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ ۝ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ
بدرستی که اینست آنچه بودید که با آن شک میکردید در آن بدرستیکه پرهیزکاران در جایگاه ایمن باشند

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۝ يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ
در بوستانها و چشمه های جاری میپوشند جامه ها از حریر نازک و حریر سطبر که مقابل هم باشند

كَذَٰلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ۝ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ
و چنین احوال اهل بهشت و قرین میسازیم ایشانرا بزنان سفید گشاده چشم طلب میکنند در آن باحضار همه میوه

آمِنِينَ ۝ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ ۖ وَوَقَاهُمْ
در حالیکه ایمن باشند نمیچشند در بهشت مردن را مگر مرگ اول و نگاهدار ایشانرا

عَذَابَ الْجَحِيمِ ۝ فَضْلًا مِنْ رَبِّكَ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝
از عذاب دوزخ از روی تفضل که واقعست از پروردگار این حالات ابد آنست رستگاری بزرگ

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ
پس جز این نیست که آسان کردیم قرآنرا بزبان تو شاید ایشان پند پذیرند پس منتظر عذاب ایشان باش بدرستیکه ایشان منتظر

سورة الجاثية سبع وثلاثون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

حم ۝ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۝ إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ
قسم بحفظ ملک خود میکنم فرو آمدن قرآن از جانب خدای غالب درست کار است بدرستی که در آسمانها

وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ
و زمین هر آینه علامتهاست مر مؤمنان را و در آفریدن شما و در آنچه پراکنده از جمیع جنبندگان

آيَاتٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۝ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ
علامتهاست مر گروه را که یقین دارند و در آمد و شد شب و روز و آنچه فرستاد

ابو بصیر از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که قاری سوره جاثیه آتش دوزخ نبیند و فریاد شهیق جهنم نشنود و در جنت اعلی رفیق سید انبیا باشد

اللهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ
خدا از آسمان از سبب روزی پس زنده گردانید به آن زمین را ۝ بعد از مردن آن و در گردانیدن
الرِّيَاحِ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ تِلْكَ آيَاتُ اللهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ
بادها علامتهاست مر گروهی را که تعقل کنند ۝ این دلایل قدرت خداست میخوانیم آن را بر تو
بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ ۝ وَيْلٌ لِكُلِّ
براستی پس بکدام سخن ۝ بعد از سخن خدا و دلایل قدرت او میگروند عذاب مر هر
أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ۝ يَسْمَعُ آيَاتِ اللهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَنْ
دروغگوی گناهکار را که میشنود آیات کلام خدا را که خوانده میشود بر او پس اصرار میکند گردنکش است گویا
لَمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا
نشنیده آن را پس مژده ده او را بعذاب دردناک و چون بداند از آیات کتاب ما چیزی را فرا گیرد آن را
هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ۝ مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي
باستهزا آن گروه مر ایشان راست عذاب خوار کننده از پس ایشان دوزخست و باز ندارد
عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ
از ایشان آنچه کسب کردند چیزی و نه آنچه فرا گرفته باشند از غیر خدا دوستان و ایشان راست
عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ
عذاب بزرگ این قرآن راهنماست و آنانکه کافر شدند بنشانهای پروردگار خود
لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ ۝ اللهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ
مر ایشان راست عذاب سخت ترین عذابها خدای بحق آنست که رام گرد برای شما دریا را تا میرود
الْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ
کشتیها در آن دریا بفرمان او و تا طلب کنید از فضل او و شاید شما شکر کنید
وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ
و رام گرد برای شما آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست همه از اوست بدرستی که در این
لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ
هر آینه نشانهاست برای گروهی که فکر می کنند ۝ بگو مر آنان را که گرویدند می آمرزند مر آنان را که

لا يرجون ايام الله ليجزى قوما بما كانوا يكسبون ۝ من عمل

امید ندارند وقایع خدا را تا پاداش دهد گروهی را بآنچه بودند که کسب میکردند ۝ هر که کند

صالحا فلنفسه ومن اساء فعليها ثم الى ربكم ترجعون ۝ و

کار شایسته پس برای نفس او و هر که بد کند پس بر اوست پس بسوی پروردگار شما بر گردیده میشوید ۝ و

لقد اتينا بنى اسرائيل الكتاب والحكم والنبوة ورزقناهم

بتحقیق دادیم ما پسران یعقوب را کتاب و حکمت ۝ و پیغمبری و روزی دادیم

من الطيبات وفضلناهم على العالمين ۝ واتيناهم بينات

ایشان را از پاکیزه‌ها ۝ و زیادتی دادیم ایشان را بر جهانیان ۝ و دادیم ایشان را نشانهای معجزه

من الامر فما اختلفوا الا من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم

از کار دین پس اختلاف نکردند مگر بعد از انکه آمد ایشان را دانش بجهة حسد میان ایشان

ان ربك يقضى بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون ۝

بدرستی که پروردگار تو حکم میکند میان ایشان روز قیامت در آنچه بودند که در آن اختلاف میکردند ۝

ثم جعلناك على شريعة من الامر فاتبعها ولا تتبع اهواء الذين

پس گردانیدیم ترا بر طریقه ۝ از کار دین پس پیروی کن آن را و پیروی مکن آرزوهای آنان را

لا يعلمون ۝ انهم لن يغنوا عنك من الله شيئا وان الظالمين

که نمیدانند ۝ بدرستی که ایشان دفع نکنند از تو از عذاب خدا چیزی و بدرستی که ستمکاران

بعضهم اولياء بعض والله ولى المتقين ۝ هذا بصائر للناس

بعضی شان دوستان اند بعضی را و خدا دوست پرهیزکارانست ۝ این قرآن بینائیهاست مر مردمان را

وهدى ورحمة لقوم يوقنون ۝ ام حسب الذين اجترحوا

و راهنما و بخشش است مر گروهی را که یقین دارند ۝ آیا پنداشتند آنانکه کسب کردند

السيئات ان نجعلهم كالذين امنوا وعملوا الصالحات

بدیها را ۝ انکه بگردانیم ایشان را مانند آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته

سواء محياهم ومماتهم ساء ما يحكمون ۝ وخلق الله السموات

مساویست زندگانی ایشان و مردگی ایشان بد حکمی است آنچه میکنند ایشان ۝ و آفرید خدا آسمانها

وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزٰى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

و زمین را براستی و تا پاداش داده شود هر نفسی را آنچه کسب کرده و ایشان را ستم کرده نشوند

اَفَرَاَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهُ هَوٰيهُ وَاَضَلَّهُ اللّٰهُ عَلٰى عِلْمٍ وَخَتَمَ

آیا پس می بینی کسی را که فرا گرفت خدای خود را آرزوی خود و گذاشت او را خدا بر دانش و مهر نهاد

عَلٰى سَمْعِهٖ وَقَلْبِهٖ وَجَعَلَ عَلٰى بَصَرِهٖ غِشٰوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ

بر گوش او و دل او و گردانید بر چشم او پرده پس کیست راه نماید او را

مِنْ بَعْدِ اللّٰهِ اَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝ وَقَالُوا مَا هِىَ اِلَّا حَيٰوتُنَا

بعد از راه خدا آیا پس پند پذیر نمی شوند و گفتند نیست این مگر زندگانی دنیا

الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا اِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذٰلِكَ

دنیا میمیریم و زنده میشویم و هلاک نکند ما را مگر درز مان و نیست مر شرکا را باین گفتار

مِنْ عِلْمٍ اِنْ هُمْ اِلَّا يَظُنُّونَ ۝ وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ

هیچ دانشی نیستند ایشان مگر آنکه گمان میبرند و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما که واضحست حجت

مَا كَانَ حُجَّتَهُمْ اِلَّا اَنْ قَالُوا ائْتُوا بِاٰبَائِنَا اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

نباشد دلیل ایشان مگر آنکه گویند بیارید پدران ما را اگر هستید راستگویان

قُلِ اللّٰهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَا رَيْبَ

بگو خدا زنده میکند شما را پس میمیراند شما را پس جمع می کند شما را بسوی روز قیامت نیست شکی

فِيهِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَ

در آن و لیکن بیشتر مردمان نمیدانند و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و

الْاَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ ۝ وَتَرٰى

زمین و روزیکه برپا شود قیامت در آن روز زیان کنند تباه کاران و بینی تو ای محمد

كُلَّ اُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ اُمَّةٍ تُدْعٰى اِلٰى كِتَابِهَا اَلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ

هر گروهی را بزانو در آمده هر گروهی خوانده شد بسوی نوشته خود و گویند که امروز جزا داده میشوید

مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ هٰذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ اِنَّا كُنَّا

آنچه بودید که میکردید این کتاب ماست که سخن گوید بر شما براستی بدرستی که بودیم ما

یعنی
بعضی از ما میمیریم
و بعضی زندگانی میکنند و بقولی
ما میمیریم و اولاد ما زنده میشویم
و بقولی تقدیم و تاخیر شده
یعنی زنده میشویم هر یک از ما
پس میمیریم و العلم
عند الله

نستنسخ ما كنتم تعملون ۝ فاما الذين امنوا وعملوا الصالحات
که ما مینوشتیم آنچه بودید که عمل میکردید پس اما آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته

فيدخلهم ربهم في رحمته ذلك هو الفوز المبين ۝ واما
پس درمی آورد ایشانرا پروردگار ایشان در رحمت خود این درآوردن بهشت آنست رستگاری ظاهر و اما

الذين كفروا افلم تكن اياتي تتلى عليكم فاستكبرتم وكنتم
آنانکه کافر شوند آیا پس نبود آیتهای ما که خوانده شود بر شما پس گبر کردید شما و بودید شما

قوما مجرمين ۝ واذا قيل ان وعد الله حق والساعة لا ريب
گروهی گناهکاران و چون گفته شود آنکه وعده خدا راستست و آمدن قیامت نیست شکی

فيها قلتم ما ندري ما الساعة ان نظن الا ظنا وما نحن
در آن گفتید نمیدانیم چیست قیامت گمان نمیبریم مگر گمانی ضعیف و نیستیم ما

بمستيقنين ۝ وبدا لهم سيئات ما عملوا وحاق بهم ما
بی گمانان و ظاهر گردد مرایشانرا بدیها آنچه کردند و فرو آید بایشان آنچه

كانوا به يستهزءون ۝ وقيل اليوم ننسيكم كما نسيتم
بودند که بآن استهزا میکردند و گفته شود امروز فراموش کنیم شما را چنانکه فراموش کردید

لقاء يومكم هذا ومأويكم النار وما لكم من ناصرين ۝ ذلكم
شما رسیدن روز خود را این و جایگاه شما آتشست و نیست شما را هیچ یاری کنندگان این عذاب شما

بانكم اتخذتم ايات الله هزوا وغرتكم الحيوة الدنيا
بسبب آنست که شما فرا گرفتید آیتهای خدا را که استهزا کنید و فریفت شما را زندگانی دنیا

فاليوم لا يخرجون منها ولا هم يستعتبون ۝ فلله الحمد
پس امروز بیرون آورده نشوند از آتش و نه ایشان طلب رضای خدا توانند کرد پس مر خدا راست ستایش که

رب السموات ورب الارض رب العالمين ۝ وله الكبرياء
پروردگار آسمانها و پروردگار زمینست پروردگار جهانیان و مراوراست بزرگواری

في السموات والارض ۝ وهو العزيز الحكيم
در آسمانها و زمین و اوست غالب درست کار



سورة احقاف خمس وثلثون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

حم تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم ما خلقنا السموات

قسم بمجد مجید که فرستادن این کتاب از خداست که غالب درست کارست نیافریدیم آسمانها

والارض وما بينهما الا بالحق واجل مسمى والذين كفروا

و زمین را و آنچه میان هر دوست مگر راست و درست و وقتی نام برده شده و آنانکه کافر شدند

عما انذروا معرضون قل ارايتم ما تدعون من دون الله اروني

از آنچه بیم کرده شدند اعراض کنندگان بگو آیا می بینید آنچه میخوانید از غیر خدا بنمایید مرا که

ماذا خلقوا من الارض ام لهم شرك في السموات ائتوني بكتاب

چه آفریده اند از زمین آیا مر ایشان راست شرکتی در آسمانها آفریدن بیارید من کتابی

من قبل هذا او اثارة من علم ان كنتم صادقين ومن

پیش ازین قرآن یا بیارید من کتابی بقیه از آثار علم اگر هستید راستگویان و کیست

اضل ممن يدعوا من دون الله من لا يستجيب له الى يوم القيمة

گمراه تر از آنکه میخواند از غیر خدا آنرا که اجابت نکند مر او را تا روز قیامت

وهم عن دعائهم غافلون واذا حشر الناس كانوا لهم

و ایشان از خواندن کفار بیخبر اند و چون محشور شوند مردمان باشند مر ایشان

اعداء وكانوا بعبادتهم كافرين واذا تتلى عليهم اياتنا

دشمنان و باشند به پرستش ایشان کافران و چون خوانده شود بر ایشان نشانهای ما

بينات قال الذين كفروا للحق لما جاءهم هذا سحر مبين

روشن گویند آنانکه کافر شدند مر حق را آن هنگام که آمد ایشان را این جادوییست ظاهر

ام يقولون افتريه قل ان افتريته فلا تملكون لي من الله شيئا

یا میگویند محمد بر بافته قرآن را بگو اگر بافته باشیم او را پس شما مالک نتوانید شد برای از خدا چیزی

از امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که سوره احقاف را بخواند حقتعالی او را از ترس دنیا و عقبی ایمن کند

غرض خدا آنست که بگو ای محمد اگر افترا کنم بر خدا تعالی و قرآن را از پیش خود ساخته جرات نسبت آن بخدا دهم برای شما و حال آنکه اگر خدا تعالی مرا عقوبت نماید بر این افترا شما نمیتوانید که دفع نمایید عقوبت او را از

هُوَ اَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ

او است داناتر بآنچه شروع می‌کنید در آن کافیست خدا گواه میان من و میان شما ۝ و او

اَلْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝ قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا اَدْرِي مَا

آمرزنده مهربانست ۝ بگو نیستم من نو پیدا شده از پیغمبران و نمیدانم چه

يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ اِنْ اَتَّبِعُ اِلَّا مَا يُوحَىٰ اِلَيَّ وَمَا اَنَا اِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ

خواهد شد بمن و نه بشما متابعت نمیکنم مگر آنچه وحی کرده شده بسوی من و نیستم من مگر بیم دهنده ظاهر

قُلْ اَرَاَيْتُمْ اِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ

بگو چگونه می‌بینید اگر باشد این قرآن از نزد خدا و کافر شده باشید بآن و گواهی داده باشد گواهی

مِنْ بَنِي اِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَاٰمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي

از پسران یعقوب بر آنچه مانند قرآنست پس ایمان آورده باشد و سرکشی کرده باشید بآن بدرستی که خدا راه ننماید

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ اٰمَنُوا لَوْ كَانَ

گروه ستمکاران را ۝ و گفتند آنانکه کافر شدند مر آنانرا که گرویدند اگر بودی

خَيْرًا مَا سَبَقُونَا اِلَيْهِ وَاِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هٰذَا

بهتر از دین ما پیشی نگرفتندی بر ما باسلام ۝ و چون راه نیافتند بقرآن پس زود باشد که گویند این قرآن

اِفْكٌ قَدِيمٌ ۝ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ اِمَامًا وَرَحْمَةً وَهٰذَا

دروغ کهنه است ۝ و پیش از قرآن کتاب موسی را پیشوا فرمود و بخششی و این قرآن

كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنْذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ

کتابی است تصدیق کننده تورات که بزبان عربی است تا بیم کند آنانرا که ستم کردند و مژده دهنده

لِلْمُحْسِنِينَ ۝ اِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ

مر نیکوکارانرا ۝ بدرستی که آنانکه گفتند پروردگار ما خداست پس ایستادند در آن پس نیست ترسی

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ اُولٰئِكَ اَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا

بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند ۝ آن گروه یاران بهشتند در حالیکه جاوید باشند در آن

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَوَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ اِحْسَانًا

جزا داده شود بآنچه بودند که میکردند ۝ و وصیت کردیم ما آدمی را به پدر و مادر خود نیکویی



حملته

حَمَلَتْهُ اُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلٰثُونَ شَهْرًا

برداشته آن را مادر او و در حالیکه کاره بود و زاییده او را بکراهت و مدت حمل او و از شیر باز گرفتن سی ماه است

حَتّٰى اِذَا بَلَغَ اَشُدَّهُ وَبَلَغَ اَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ اَوْزِعْنِىٓ اَنْ

تا وقتیکه رسید بنهایت قوت و رسید بچهل سال گوید پروردگار من الهام کن مرا آنکه

اَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِىٓ اَنْعَمْتَ عَلَىَّ وَعَلٰى وَالِدَىَّ وَاَنْ اَعْمَلَ

شکر گویم نعمت تورا که انعام کرده تو بر من و بر پدر و مادر من و آنکه بکنم

صَالِحًا تَرْضٰىهُ وَاَصْلِحْ لِى فِى ذُرِّيَّتِىٓ اِنِّى تُبْتُ اِلَيْكَ وَاِنِّى

کار شایسته که بپسندی او را و بصلاح آر برای من در فرزندان من بدرستی که من بازگشتم بسوی تو و بدرستی که من

مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ اُولٰٓئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ اَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ

از گردن نهندگانم آن گروه آنانند که قبول میکنیم از ایشان نیکوترین آنچه کرده اند و

نَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِىٓ اَصْحٰبِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِى

میگذریم از گناهان ایشان در حالی که میان اهل بهشت باشند وعده داده خدا براستی آن وعده که

كَانُوا يُوعَدُونَ ۝ وَالَّذِى قَالَ لِوَالِدَيْهِ اُفٍّ لَكُمَآ اَتَعِدَانِنِىٓ

بودند که وعده داده میشدند و آن کافر که گفت مر پدر و مادر خود را دلتنگی باد شما را آیا وعده میدهید مرا

اَنْ اُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِى وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ اللّٰهَ

آنکه بیرون آورده شوم و بتحقیق گذشت قرنهای بسیار پیش از من و ایشان بر میگردیدند استغاثه کنند خدا را

وَيْلَكَ اٰمِنْ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هٰذَآ اِلَّآ اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ

وای هلاک باد بر تو ایمان آر بدرستی که وعده خدا راست است پس گوید نیست این قرآن مگر افسانهای پیشینیان

اُولٰٓئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِىٓ اُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ

آن گروه آنانند که واجب گشته بر ایشان کلمه عذاب در گروهی که گذشته اند پیش از ایشان

مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنَّهُمْ كَانُوا خٰسِرِينَ ۝ وَلِكُلٍّ دَرَجٰتٌ

از جن و آدمی بدرستی که ایشان بودند گروه زیانکاران و هر یکرا مراتبست

مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُوَفِّيَهُمْ اَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ وَيَوْمَ يُعْرَضُ

از آنچه کردند و تا تمام کرداند ایشانرا از کردار ایشان و ایشان ستمدیده نمیشوند و در روزیکه عرض کرده شوند

این
آیه در شان پسر
کافری است که عاق پدر و مادر
باشند که پدر و مادرش مسلمان
باشند و بقول بعضی در شان عبدالرحمن
ابن ابی بکر است
٣

الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا
آنانکه کافر شدند بر آتش بردید شما چیزهای لذیذ خود را در زندگانی خود در دنیا
وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ
و برخورداری یافتید شما با آنها پس امروز جزا داده خواهید شد عذاب رسوائی بسبب آنچه بودید که استکبار میکردید
فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ ۝ وَاذْكُرْ أَخَا
در زمین بدون استحقاق و بسبب آنچه بودید که بیرون میرفتید از ایمان و یاد کن برادر
عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ النُّذُرُ مِنْ بَيْنِ
عاد هود را چون بیم کرد گروه خود را بموضع احقاف و بتحقیق که گذشته بودند بیم کننده پیش از
يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ
هود و از پس او آنانکه نپرستید مگر خدا را بدرستی که من میترسم بر شما عذاب
يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَأْفِكَنَا عَنْ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا
روز بزرگ گفتند عاد آیا آمده بما تا برگردانی ما را از خدایان ما پس بیار آنچه وعده میکنی بما
إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ
اگر هستی از راستگویان گفت هود جز این نیست که علم نزد خداست و میرسانم بشما
مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ۝ فَلَمَّا رَأَوْهُ
آنچه فرستاده شدم من بآن ولیکن من می بینم شما را گروهی که نادانید پس آن هنگام که دیدند
عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُمْطِرُنَا بَلْ هُوَ
عذاب را که ابری بود پهن شده که روی آورده بود وادیهای ایشان گفتند این ابریست پهن که باران دهنده است ما را بلکه آن
مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ
ابریست که تعجیل میکردید آن بادیست که در آن عذاب دردناکست هلاک کند این هر چیز را بفرمان
رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ
پروردگار خود پس برگشتند که دیده نمی شد مگر مسکنهای ایشان همچنین جزا میدهیم گروه گناهکاران را
وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا
و بدرستی تمکین دادیم ایشان را در آنچه تمکین ندادیم شما را در آن و گردانیدیم برای ایشان گوش

از درازی عمر و کثرت اموال و اعوان و انصار و قوت و قدرت و آن ان نافیه است و بقولی شرطیه و جزاش محذوف است تقدیر ان مکناکم فیه کان بغیکم اکثر و خلاصه معنی بنا بر این آنکه تمکین ایشان نمودیم بر روی زمین در حالتی که اگر شما را در آن مدت تمکین میدادیم هر آینه ضلالت و گمراهی

وابصارا

وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ
و چشمها و دلها پس دفع نکرد از ایشان عذاب را گوش ایشان و نه چشمهای ایشان
وَلَا أَفْئِدَتُهُم مِّن شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ
و نه دلهای ایشان هیچ چیز زیرا که بودند که انکار میکردند نشانهای خدا و بگرد درآمد
بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُم
ایشان را آنچه بودند که بآن استهزا میکردند و بدرستی که کردیم هلاک آنچه گرداگرد شما بود
مِّنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ
از دیهها و مکرر کردیم ما آیات خود را شاید ایشان بر گردند از کفر پس چرا یاری نکردند ایشان را
الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَٰلِكَ
آنانکه فرا گرفتند از غیر خدا چیزی را که متقرب شوند بآن خدایان بلکه گم شدند از ایشان و این
إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ
دروغ ایشان است و بودند که افترا میکردند و چون گردانیدیم ما بسوی تو گروهی را از جن که
يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا
میشنیدند قرآن را پس آن هنگام که حاضر شوند نزد قرآن گفتند خاموش باشید پس چون گذارده شد
إِلَىٰ قَوْمِهِم مُّنذِرِينَ ۝ قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ
بازگشتند بسوی گروه خود که بودند بیم کنندگان گفتند ای قوم ما بدرستی که ما شنیدیم کتابی را که فرو فرستاده شد
مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَ
بعد از کتاب موسی تصدیق کننده مر آن چیز که پیش اوست راه مینماید بسوی حق و
إِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ ۝ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ
بسوی حق و براه راست ای گروه ما اجابت کنید خواننده خدا را و ایمان آورید بآن
يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ وَمَن
تا بیامرزد خدا برای شما از گناهان شما را و امان دهد شما را از عذاب دردناک و هر که
لَّا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ
اجابت نکند خواننده خدا را پس نیست عاجز کننده در زمین و نیست مر او را جز از

در مجمع البیان حکایت کرده از زهری که چون ابو طالب وفات یافت و قریش در صدد ایذای آنحضرت در آمدند و آزارهای ایشان آنحضرت بطاقت تا شاید چند روزی بیاساید و شاید او را اعانت دهند و آن گروه اشرار هم بدتر از قریش ایذای آنحضرت می نمودند حتی آنکه چون آنحضرت در میان ایشان گذشتی سنگ بر روی می انداختند و روزی دو صف در سر راه وی کشیدند و همه بر روی سنگ می انداختند چنانچه گامی بر نمیداشت و نمیگذاشت مگر آنکه سنگی بر پای وی خوردی و چون افتادی تا آنکه از ایشان گریخت و از پای مبارکش خون روان بود و بسایه درختی در از کرمان نشست دلگیر و دردناک ناگاه دید که در آن نخلستان عتبه و شیبه پسران ربیعه بودند و ایشان چون آنحضرت را دیدند غلامی نصرانی که او را عداس میگفتند با طبق انگوری بخدمت آنحضرت فرستادند چون بخدمت آنحضرت رسید آنحضرت پرسید که تو از کدام سرزمینی گفت از نینوا فرمود که از شهر بنده صالح یونس بن متی عداس گفت که یونس متی را از کجا شناختی فرمود که من پیغمبر خدایم و خدای تعالی مرا از حال وی

أولياء أولئك في ضلال مبين ۝ أولم يروا أن الله الذي
و دوستان آن گروه در گمراهی ظاهرند آیا ندیدند بدرستی که خدا آنست که

خلق السموات والأرض ولم يعي بخلقهن بقادر على أن
آفرید آسمانها و زمین را و مانده نشد بآفریدن آنها قادرست بر آنکه

يحيي الموتى بلى إنه على كل شيء قدير ۝ ويوم يعرض الذين
زنده کند مرده را بلی بدرستی که او بر هرچیز تواناست و روزی که عرض شوند آنانکه

كفروا على النار أليس هذا بالحق قالوا بلى وربنا قال
کافر شدند بر آتش آیا نیست این عذاب راست گفتند آری و پروردگار ما گوید

فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون ۝ فاصبر كما صبر أولوا
پس بچشید عذاب را با آنچه بودید که کفر میورزیدید پس صبر کن چنانکه صبر کردند خداوندان

العزم من الرسل ولا تستعجل لهم كأنهم يوم يرون ما يوعدون
ثبات از پیغمبران و تعجیل مکن بعذاب قریش گویا ایشان روزی که ببینند آنچه وعده داده شده

لم يلبثوا إلا ساعة من نهار بلاغ فهل يهلك إلا القوم
درنگ نکنند مگر یکساعت از روز دنیا پندیست پس هلاک نشود مگر گروه

سورة محمد ... | الفاسقون ۝ | وهي ثلثون وثمان آية مدنية
بدکاران

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشاینده مهربان

الذين كفروا وصدوا عن سبيل الله أضل أعمالهم ۝
آنانکه نگرویدند بوحدانیت خدا و نبوت محمد و اعراض کردند از راه دین خدا باطل کرد خدا کردار ایشان را

والذين آمنوا وعملوا الصالحات وآمنوا بما نزل على محمد
و آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته و گرویدند بآنچه فرستاده شد بر محمد

وهو الحق من ربهم كفر عنهم سيئاتهم وأصلح بالهم ۝
و قرآن راستیست از پروردگار ایشان و پوشانید از ایشان گناهان ایشان را و باصلاح آورد حال ایشان را

شنید مراجعت نمود و گفتند چرا سجده محمد کردی و پای او را بوسه دادی و باما که مولای توایم هرگز چنین نکردی عداس گفت او مردیست شایسته و خبر داد مرا از پیغمبری که خدا بما فرستاده بود و من میشناختم او را که یونس بن متی بخندیدند و گفتند مبادا دین نصرانیت را از دست تو بیرون کند که او مردی فریبنده است و آنحضرت از آنجا بمکه مراجعت فرمود تا آنکه بارض نخله رسید نصف شب آنجا مشغول نماز بود که جمعی از جن زمین نصیبین که از اراضی یمن است آنجا میگذشتند چون آنحضرت را مشغول نماز صبح دیدند و تلاوت قرآن مینمود بایستادند و گوش داشتند شنیدن کلام الهی و بقول بعضی آنحضرت مامور شد بانذار و دعوت جنیان و خواندن قرآن بر ایشان پس حق تعالی جمعی از جن را بخدمت آنحضرت ساخت استماع کلام الهی نمود و بسوی قوم خود مراجعت و با ایشان سلام

حزب

از امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هرکه سوره محمد صلی الله علیه و آله را بخواند هرگز در دین خود شک نکند و از کفر و شرک محفوظ باشد تا بمیرد و بعد از مرگ خدا تعالی هزار فرشته بقبر او فرستد تا بر او نماز گذارند و تسبیح او کنند تا او را بموقف امن و امان حاضر سازند و او دایم در امان خدا و رسول او خواهد باشد

ذلك

ذلك بأن الذين كفروا اتبعوا الباطل وأن الذين آمنوا اتبعوا

این بسبب آنست که آنانکه کافر شدند پیروی کردند باطل را ۞ و بدرستی که آنانکه گرویدند پیروی کردند

الحق من ربهم كذلك يضرب الله للناس أمثالهم ۞ فإذا

حق را از پروردگار خود ۞ همچنین بیان میکند خدا برای مردمان احوال ایشانرا ۞ پس چون

لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب حتى إذا أثخنتموهم

ملاقات کنید آنانرا که کافر شدند ۞ پس بزنید گردنهای ایشانرا تا چون بسیار شود کشتن ایشان

فشدوا الوثاق فإما منا بعد وإما فداء حتى تضع الحرب

پس محکم کنید بند را ۞ پس یا منت نهید بر ایشان بعد از اسیر کردن یا فدیه ۞ تا چون بگذارد اهل جنگ

أوزارها ۞ ذلك ولو يشاء الله لانتصر منهم ۞ ولكن ليبلو

سلاح خود را ۞ نیست کار ۞ و اگر خواهد خدا هر آینه انتقام کشد از کفار ۞ و لیکن تا بیازماید

بعضكم ببعض ۞ والذين قتلوا في سبيل الله فلن يضل

بعضی شما ۞ بعضی را ۞ و آنانکه کشته اند در راه خدا ۞ پس هرگز باطل نکند خدا

أعمالهم ۞ سيهديهم ويصلح بالهم ۞ ويدخلهم الجنة

کردارایشانرا ۞ زود باشد که راه نماید ایشانرا و بصلاح آرد حال ایشانرا ۞ و در آورد ایشانرا بهشت که

عرفها لهم ۞ يا أيها الذين آمنوا إن تنصروا الله ينصركم ويثبت

تعریف کرد بهشت را برای ایشان ۞ ای آنانکه گرویدید اگر یاری کنید خدا را یاری کند خدا شما را و استوار سازد

أقدامكم ۞ والذين كفروا فتعسا لهم وأضل أعمالهم ۞

قدمهای شما را ۞ و آنانکه کافر شدند پس لغزیده شد که ایشانرا بود و گم کرد کردار ایشان

ذلك بأنهم كرهوا ما أنزل الله فأحبط أعمالهم ۞ أفلم يسيروا

این بسبب آنست که ایشان کراهت داشتند آنچه که فرستاد خدا پس باطل کرد خدا کردار ایشانرا ۞ آیا پس سیر نکردند

في الأرض فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم

در زمین ۞ پس بنگرند که چگونه بود سرانجام آنانکه بودند پیش از ایشان

دمر الله عليهم وللكافرين أمثالها ۞ ذلك بأن الله

بر کند خدا نفس ایشانرا ۞ و مر کافرانراست مانند آن عاقبت آنچه ذکر شده ۞ بسبب آنست که خدا

در مجمع البیان از ائمه هدی علیهم السلام مرویست که اسیران بر دو قسم اند یکی آنکه اسیر شود پیش از انقضای حرب و هنوز معرکه قتال برپا باشد حکمش تخییر امام است میانه کشتن و بریدن دست راست و پای چپ و گذاشتن تا آنکه خون از بدن برود که بمیرد و در اینوقت منت نهادن و آزادی و عوض نفس از وی گرفتن و رها کردن او هیچیک جایز نیست قسم دویم اسیرانی که گرفته شوند بعد از آنکه معرکه کارزار از هم پاشد و جنگ از پا بایستد حکمش تخییر امام است میانه منت نهادن و فدیه گرفتن و بنده کردن و گردن زدن و اگر در یکی از این دو وقت مسلمان شود همه آن احکام ساقط می شود و در حکم مسلمانان است

و از حضرت ابی جعفر علیه السلام مرویست که در تفسیر این آیه فرمود که کراهت داشتند آنچه را که خدا تعالی فرستاده بود در شان علی علیه السلام

مولى الذين امنوا وان الكافرين لا مولى لهم ۝ ان الله يدخل
دوست آنانست که گرویدند ۝ و آنکه کافرانرا نیست دوستی مر ایشانرا ۝ بدرستی که خدا در می آورد

الذين امنوا وعملوا الصالحات جنات تجري من تحتها
آنانرا که گرویدند ۝ و کردند کارهای شایسته بوستانهاست که میرود ۝ از زیر آنها

الانهار والذين كفروا يتمتعون وياكلون كما تاكل
نهرها ۝ و آنانکه کافر شدند برخورداری می یابند و میخورند همچنانکه میخورند

الانعام والنار مثوى لهم ۝ وكاين من قرية هي اشد قوة
چهارپایان ۝ و دوزخ آرامگاهست ایشانرا ۝ و بسیار ۝ از اهل ده که ایشان سخت بودند از روی

من قريتك التي اخرجتك اهلكناهم فلا ناصر لهم ۝ افمن كان
توانائی از ده تو ۝ که بیرون کرده ترا هلاک کردیم ما ایشانرا پس نبود یاری مر ایشانرا ۝ آیا پس هر که باشد

على بينة من ربه كمن زين له سوء عمله واتبعوا اهواءهم
بر حجتی ظاهر از پروردگار خود همچو کیست که زینت داده شده مر او را بدی کردار او و پیروی کردند آرزوهای خود را

مثل الجنة التي وعد المتقون فيها انهار من ماء غير
صفت بهشتی ۝ که وعده داده شدند پرهیزکاران در آن بهشت نهرها ۝ از آبی که متغیر نیست

اسن وانهار من لبن لم يتغير طعمه وانهار من خمر لذة
رنگ و بوی او و نهرها ۝ از شیر که متغیر نیست طعم او ۝ و نهرها ۝ از شرابی که لذیذ است

للشاربين ۝ وانهار من عسل مصفى ولهم فيها من كل
برای آشامندگان ۝ و نهرها ۝ از عسل صاف شده سفید و مر ایشانراست در آن ۝ از هر گونه

الثمرات ومغفرة من ربهم كمن هو خالد في النار وسقوا
میوهها ۝ و آمرزش ۝ از پروردگار ایشان مانند کسی که او جاوید باشد در آتش و چشانیده شود

ماء حميما فقطع امعاءهم ۝ ومنهم من يستمع اليك حتى
آبی گرم پس پاره کند رودههای ایشانرا ۝ و پاره منافق اند آنانکه گوش میدارند بسوی تو تا

اذا خرجوا من عندك قالوا للذين اوتوا العلم ماذا قال
چون بیرون روند ۝ از نزد تو گویند مر آنانرا که داده شدند علم ۝ چه گفت پیغمبر

اصبغ بن نباته از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه روایت کرده که ما نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله میبودیم پس آنحضرت خبر میداد ما را بوحی و من حفظ و رعایت آن وحی مینمودیم و چون بیرون می آمدیم میگفتند و می پرسیدند از من آنانکه نمیفهمیدند کلام آنحضرت را که چه گفت این ساعت که در خدمت آنحضرت بودیم و گویند غرض منافقان ازین قول استهزا و اظهار بود که ما مشغول شنیدن و فهمیدن کلام آنحضرت نبودیم و بقولی غرض ایشان ازین کلام آنحضرت بود یعنی خبری که بر آن فایده مترتب نشود گفت

انفا

در مجمع البیان از ابن عباس حکایت شده که بعثت پیغمبر ص از جمله علامات قیامت است و آنحضرت فرمود که بعثت انا و الساعة کهاتین و بقول بعضی شق قمر و دخان هم داخلست در اشراط ساعت

آنفاً أولئك الذين طبع الله على قلوبهم واتبعوا أهواءهم
اول وقت آن گروه آنانست که مهر نهاد خدا بر دلهای ایشان و پیروی کردند آرزوهای خود را

والذين اهتدوا زادهم هدى وآتاهم تقواهم فهل
و آنانکه راه یافتند و زیاده میکند خداوند بینائی ایشانرا و میدهد ایشانرا پرهیزکاری پس آیا

ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم بغتة فقد جاء أشراطها
انتظار میکشند مگر قیامت را آنکه بیاید ایشانرا ناگهان پس بتحقیق آمد علامتهای آن

فأنى لهم إذا جاءتهم ذكراهم فاعلم أنه لا إله إلا الله
پس از کجا باشد مر ایشانرا چون آمد ایشانرا پند گرفتن ایشان پس بدان آنکه نیست خدائی مگر خدای بحق

واستغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات والله يعلم
و آمرزش خواه از برای گناه خود و از برای مردان مومن و زنان مومنه و خدا میداند

متقلبكم ومثواكم ويقول الذين آمنوا لولا نزلت
جای گردیدن شما و آرامگاه شمارا و میگویند آنانکه گرویدند چرا فرستاده نشد

سورة فإذا أنزلت سورة محكمة وذكر فيها القتال رأيت
سوره پس چون فرستاده شود سوره که محکم باشد و یاد کرده شود در آن مقاتله می بینی تو

الذين في قلوبهم مرض ينظرون إليك نظر المغشي عليه
آنانرا که در دلهای ایشان بیماری نفاق است بنگرند بسوی تو مانند نگاه کردن کسی که فرود آمده باشد

من الموت فأولى لهم طاعة وقول معروف فإذا عزم
بر او بیهوشی از مرگ پس سزاوار است برای ایشان فرمان بردن در جهاد و گفتن سخن نیکو پس چون جزم شد

الأمر فلو صدقوا الله لكان خيراً لهم فهل عسيتم إن
امر قتال پس اگر راست گویند با خدا هرآینه بودی بهتر مر ایشانرا پس آیا متوقعست از شما اگر

توليتم أن تفسدوا في الأرض وتقطعوا أرحامكم
متولی شوید که فساد کنید در زمین و ببرید از خویشان خود

أولئك الذين لعنهم الله فأصمهم وأعمى أبصارهم
آن گروه آنانند که لعنت کرد ایشانرا خدا پس کر کرد و کور کرد چشمهای ایشانرا

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ۞ إِنَّ الَّذِينَ
آیا پس چرا تدبر نکنند در قرآن یا بر دلهای ایشان قفلهاست بدرستی که آنانکه
ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِم مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى ۙ الشَّيْطَانُ
برگشتند بر پشتهای خود بعد از آنکه روشن شده بود مر ایشان را هدایت شیطان
سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ ۞ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا
بیار است برای ایشان عملهای ایشان را و دراز گردانید امل ایشان را این بسبب آنست که ایشان گفتند مر آنانرا که کراهت داشتند آنچه
نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ ۖ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ
فرستاد خدا زود باشد که فرمان بریم شما را در پاره کار و خدا میداند پنهانی ایشانرا
فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ
پس چگونه باشد وقتی که متوفی سازند ایشانرا فرشتگان میزنند بر روهای ایشان و پشتهای ایشان
ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ
این بسبب آنست که ایشان پیروی کردند چیزی را که بغضب آورد خدا را و کراهت داشتند خشنودی خدا را پس باطل کرد
أَعْمَالَهُمْ ۞ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَن لَّن يُخْرِجَ
عملهای ایشانرا آیا گمان کردند آنان که در دلهای ایشان مرض است آنکه هرگز بیرون نیاورد
اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ ۞ وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُم بِسِيمَاهُمْ ۚ
خدا کینه‌های ایشانرا و اگر خواهیم هر آینه نمائیم شما را پس اگر شناسی ایشانرا بعلامت ایشان
وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ۞ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ
والبته شناسی ایشانرا در گردانیدن سخن و خدا میداند کردارهای شما را و هر آینه می آزمائیم شما را
حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ
تا بدانیم جهاد کنندگان را از شما و صبر کنندگان را و آزمایش نمائیم اخبار شما را
۞ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا
بدرستی که آنانکه کافر شدند و باز داشتند از راه خدا و مخالفت کردند
الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ
پیغمبر را پس از آنکه روشن شده بود مر ایشانرا راه راست هرگز ضرر نتوانند رسانید خدا را

از حضرت ابو جعفر و ابو عبد الله مرویست که این گروه بنی امیه‌اند که کراهت داشتند از آنچه خدا تعالی در شان علی ابن ابی طالب صلوات الله علیه فرستاد

در طریق عامه از ابو سعید خدری مرویست که گفت لحن قول عبارتیست از بغض علی ابن ابی طالب علیه السلام و از جابر ابن عبد الله انصاری هم مانند این روایت شده و از عباده بن صامت منقول است که گفت ما فرزندان خود را می آزمودیم بدوستی علی ابن ابی طالب علیه السلام پس اگر میدیدیم که یکی از ایشان آنحضرت را دوست نمیدارد میدانستیم که از زنا حرامزاده شده

شيئا وسيحبط اعمالهم ۝ يا ايها الذين امنوا اطيعوا الله

فرمان برید خدا را ای کسانیکه گرویدید ۝ کردار ایشان را وزود باشد که باطل کند چیزی

واطيعوا الرسول ولا تبطلوا اعمالكم ۝ ان الذين كفروا

بدرستی که آنانکه کافر شدند ۝ عملهای خود را و باطل مسازید و فرستاده خدا را و پیروی کنید

وصدوا عن سبيل الله ثم ماتوا وهم كفار فلن يغفر الله

و منع کردند مردم را از راه خدا پس مردند و حال آنکه ایشان کافر بودند پس هرگز نیامرزد خدا

لهم ۝ فلا تهنوا وتدعوا الى السلم وانتم الاعلون والله

مر ایشان را ۝ پس سست مشوید و مخوانید کفار را به آشتی و حال آنکه شما برترید و خدا

معكم ولن يتركم اعمالكم ۝ انما الحيوة الدنيا لعب و

با شماست و هرگز ناقص نکند شما را از کردار شما ۝ جز این نیست که زندگانی دنیا بازی و

لهو وان تؤمنوا وتتقوا يؤتكم اجوركم ولا يسئلكم اموالكم

عبث است و اگر بگروید و پرهیزگاری کنید بدهد شما را خدا مزدهای شما را و نمیخواهد پروردگار از شما مالهای شما را

ان يسئلكموها فيحفكم تبخلوا ويخرج اضغانكم ۝ ها انتم

اگر بخواهد از شما مال شما را پس مبالغه کنند با شما بخیلی کنید و بیرون آورد خدا کینه های شما را ۝ آگاه باشید

هؤلاء تدعون لتنفقوا في سبيل الله فمنكم من يبخل ومن يبخل

آنکسانید که خوانده شوید از برای آنکه نفقه کنید در راه خدا پس بعضی از شما کسیست که بخل میکند و هر که بخیلی کند

فانما يبخل عن نفسه والله الغني وانتم الفقراء وان تتولوا

پس جز این نیست که بخل کند از نفس خود و خدا بی نیاز است و شما محتاجید ۝ و اگر روی برگردانید

يستبدل قوما غيركم ثم لا يكونوا امثالكم ۝

از ما مورات بدل کند خدا گروهی دیگر غیر شما پس نباشند آن جماعت ماننده های شما

سورة الفتح تسع وعشرون آية وهي مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

بنام خداوند بخشاینده مهربان

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا ۝ لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ
وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا
وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا ۝ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي
قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ
عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَٰلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ۝ وَيُعَذِّبَ
الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ
بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ
لَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝ وَلِلَّهِ جُنُودُ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ
شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۝ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ

وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ۞ إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ

و بزرگ دارید فرمان او را و پاکی یاد کنید او را در بامدادان و شام ۞ به درستی آنانکه بیعت میکنند تو را

إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ

جز این نیست که بیعت میکنند با خدا دست پیغمبر دست خداست بالای دستهای ایشان پس هر که بشکند پس جز این نیست که بشکند عهد را بر

نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

نفس خود و هر که وفا کرد آنچه عهد کرده است بر او خدا را پس زود باشد که بدهد او را خدا مزدی بزرگ

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَ

زود باشد که بگویند مر تو را بازپس ماندگان از عربان مشغول ساخت ما را مالهای ما و

أَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ

زنان و فرزندان ما پس طلب آمرزش کن برای ما میگویند بزبانهای خود آنچه نیست در دلهای ایشان

قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ

پس بگو که کیست که مالک و قادر باشد برای شما از خدا چیزی اگر خواهد بشما ضرری رساند یا

أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۞ بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ

خواهد بشما نفعی رساند بلکه هست خدا بآنچه میکنید آگاه است بلکه گمان کردید اگر

لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ

بر نگردد پیغمبر و بر نگردند گروندگان بسوی اهالی خود هرگز و آراسته شد این گمان

فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ۞ وَمَنْ

در دلهای شما و گمان کردید گمان بد و گشتید شما گروهی هلاک شدگان و هر که

لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا

نگروید بخدا و فرستاده او پس بدرستی که ما آماده کرده ایم برای کافران آتش را

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ

و مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین می آمرزد هر کرا خواهد و عذاب میکند

مَنْ يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۞ سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ

هر کرا خواهد و هست خدا آمرزنده مهربان ۞ زود باشد که بگویند بازپس ماندگان

إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ
أَن يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُل لَّن تَتَّبِعُونَا كَذَٰلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِن
قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا
قَلِيلًا ۝ قُل لِّلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُولِي
بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ ۝ فَإِن تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ
أَجْرًا حَسَنًا وَإِن تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُم مِّن قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا
أَلِيمًا ۝ لَّيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى
الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي
مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ لَّقَدْ رَضِيَ
اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ
فَأَنزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ۝ وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً
يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝ وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ

نصف

مراد
از فتح قریب بنابر مشهور
فتح خیبر و غنایم در آیه اول عبارتست از
غنایم خیبر که مشهور بکثرت مال و عقار بوده و
بقولی فتح قریب فتح مکه و غنایم در آیه اول غنایم
هوازن است که بعد از فتح مکه در غزای حنین بدست
مسلمانان آمده و بر هر دو قول غنایم در آیه دوم
غنایمی است که بدست مسلمانان آید تا روز
تا روز قیامت و همچنین غنیمت
معجله باتفاق همه غنیمت
خیبر است

كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَٰذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنكُمْ

بسيار كه بگيريد آنرا پس تعجيل فرمود شما را اين و بازداشت دستهاى مردم را از شما

وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا

و تا باشد نشانه مر مؤمنان را و نمايد شما را راه راست

وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ

و وعده داد غنايم ديگر را كه قادر نشديد بر آن هنوز بدرستى كه احاطه كرد خدا آنها را و هست خدا بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا الْأَدْبَارَ

هر چيز توانا و اگر كارزار كردندى با شما آنانكه كافر شدند هر آينه گردانيدندى پشتها را

ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ

پس نيافتندى دوستى و نه يارى دهنده سنت كرد خدا آنچنان سنتى كه گذشته

مِن قَبْلُ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَهُوَ الَّذِي كَفَّ

پيش از اين و نيابى مر سنت خدا را تبديلى و او است آنكه بازداشت

أَيْدِيَهُمْ عَنكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُم بِبَطْنِ مَكَّةَ مِن بَعْدِ أَنْ

دستهاى ايشان را از شما و دستهاى شما را از ايشان در وادى مكه بعد از آنكه

أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا هُمُ الَّذِينَ

ظفر داد شما را بر ايشان و هست خدا بانچه ميكنيد بينا ايشان آنانند كه

كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيَ مَعْكُوفًا

كافر شدند و باز داشتند شما را از مسجد الحرام و منع كردند شتران بدوى را

أَن يَبْلُغَ مَحِلَّهُ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُّؤْمِنَاتٌ

كه بازداشته بودند بجاى خود و اگر نبودى مردان گروندگان و زنان گرونده

لَّمْ تَعْلَمُوهُمْ أَن تَطَئُوهُمْ فَتُصِيبَكُم مِّنْهُم مَّعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِّيُدْخِلَ

كه ندانيد شما ايشان را اگر كه كام نهاديد بر ايشان پس ميرسيد شما را از ايشان مكروهى بقتل خطا كه علم نداشتيد تا در آورد

اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا

خدا در رحمت خود هر كه خواهد و اگر جدا بودند آن مؤمنان از ايشان هر آينه عذاب ميكرديم آنانرا كه كافر شدند

در مجمع البيان در بيان شان نزول اين آيه گفته كه در روز حديبيه قريش چهل تن بكارزار مسلمانان آمده و همه بر دست اهل اسلام اسير گشتند همه ايشان را بخدمت آنحضرت آوردند و بقولى هشتاد تن از كوه تنعيم رسيده دم بقصد شبيخون بزير آمدند و همه اسير شدند و بقولى آنحضرت با امير المؤمنين در سايه درختى مشغول نوشتن مصالح نامچه بودند كه سى تن از قريش مسلح و مكمل بقصد شهادت ايشان رسيدند و آنحضرت ايشان را نفرين كرده و ديدهاى ايشان كور گرديد گرفتار شدند و بعد از وقوع مصالحه آنجماعت را آزاد نمود و در ذيل تفسير آيه از آن حكايت صلح و منع از مقاتله مسلمانان با مشركان تعبير كرده والله يعلم

٣٣

در مجمع البیان حکایت
کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در
مدینه پیش از سفر حدیبیه در خواب دید که
مسلمانان مسجد الحرام در آمدند و صحابه را از آن
خواب آگاهی داد ایشان شاد گشتند تعبیر آن
در همین سال وقوع خواهد یافت پس چون در حدیبیه
کار مصالحه انجامید و مراجعت فرمودند
منافقان گفتند نه سر تراشیدیم و نه تقصیر کردیم
و نه مسجد الحرام در آمدیم پس حق تعالی این آیه فرستاد
و خبر داد که آنخواب را آنحضرت براستی دیده
نه بدروغ و البته داخل مسجد الحرام خواهند شد
و سوگند برطبق این مدعا یاد
کرد لتدخلن المسجد الحرام
ان شاء الله

مِنْهُمْ عَذَابًا اَلِيمًا ۝ اِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ
از ایشان عذابی دردناک · چون گردانیدند آنانکه کافر شدند · در دلهای ایشان
اَلْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَاَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِينَتَهُ عَلٰى رَسُولِهِ
غیرت را · غیرت زمان جاهلیت را · پس فرو فرستاد خدا آرام و طمانینه خود را بر فرستاده خود
وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَاَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوٰى ۝ وَكَانُوا اَحَقَّ بِهَا
و بر گروندگان و لازم ساخت بر ایشان کلمه پرهیزگاری را · و بودند سزاوارتر از مشرکان
وَاَهْلَهَا وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۝ لَقَدْ صَدَقَ اللّٰهُ
و اهل آن · و هست خدا · بهمه چیز · دانا · هر آینه بتحقیق که راست کرد خدا
رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ
فرستاده خود را در خواب براستی · که داخل شوید البته در مسجد الحرام · اگر خواسته باشد خدا
اٰمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ
در حالیکه ایمن باشید تراشندگان سرهای خود · و تقصیر کنندگان موی با ناخن نترسید از کسی پس دانست خدا آنچه
تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذٰلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا ۝ هُوَ الَّذِي اَرْسَلَ
ندانستید شما پس گردانید برای شما پیش از آن · فتحی نزدیک · اوست آنکه فرستاد
رَسُولَهُ بِالْهُدٰى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفٰى
پیغمبر خود را بهدایت مردمان و دین راست اسلام تا غالب داند اسلام را بر دینها همه · و بس است
بِاللّٰهِ شَهِيدًا ۝ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ اَشِدَّاءُ عَلَى
خدا گواه · محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست و آنانکه با اویند سخت دلانند بر اهل
الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرٰيهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا
کفر · رحیم دل میان ایشان می بینی ایشان را رکوع کنندگان سجده کنندگان میخواهند افزونی مرتبه
مِنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ اَثَرِ السُّجُودِ ذٰلِكَ
از خدا و خشنودی او را علامات ایشان · در رویهای ایشانست · از اثر سجده کردن · این کو
مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرٰيةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْاِنْجِيلِ كَزَرْعٍ اَخْرَجَ شَطْاَهُ
صفت ایشانست در توراة · و صفت ایشانست در انجیل · مانند دانه که کشته اند بیرون آورد شاخهای خود

فآزره

فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ

پس قوی گردانید پس سطبر و غلیظ شد و پس راست بایستاد بر ساقهای خود بشگفت آرد زراعت کنندگان را تا خشم گیرد

بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُم

بقوت ایشان کافران را وعده کرده خدا آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته از ایشان

مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

آمرزش گناهان و مزدی بزرگ

سورة الحجرات ثمان عشر آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا

ای کسانیکه گرویده اید پیش مدارید هیچ امری را نزد خدا و فرستاده او و بپرهیزید از

اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ

خدا بدرستیکه خدا شنوای داناست ای آنانکه گرویده اید بلند مکنید آوازهای خود را

فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ

بالای آواز پیغمبر و بلند حرف مزنید با آنحضرت آشکارا مانند بلند سخن گفتن چون آنکه بعضی شما

لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ

مر بعضی را که نباید گردد باطل شدن اعمال شما و شما نمیدانید بدرستیکه آنانکه فرو خوابانند

أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ

آوازهای خود را نزد پیغمبر خدا آنگروه آنانند که امتحان کرده خدا دلهای ایشان را

لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ

برای پرهیزکاری مر ایشانراست آمرزش و مزدی بزرگ بدرستیکه آنانکه آواز میکنند ترا از

وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّىٰ

بیرون حجره ها بیشتر ایشان عقل ندارند و اگر آنکه ایشان صبر کنند تا بیرون آیی

تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

تو یا محمد بسوی ایشان هر آینه هست بهتر برای ایشان و خدا آمرزنده مهربانست ای آنانکه

حین ابن علا از ابی بن کعب علیه السلام روایت کرده که هر که سوره حجرات را در هر شب بخواند از جمله زوار پیغمبر صلی الله علیه و آله باشد

در مجمع البیان در شان نزول آیه ان الذین ینادونک گفته که گروهی از بنی تمیم که از آنجمله اقرع بن حابس و زبرقان بن بدر و عمرو بن اهتم و قیس بن عاصم بود بمدینه آمدند و چون داخل مسجد شدند رسول خدا را از پس حجره آنحضرت صدا زدند و گفتند ای محمد بیرون آی آنحضرت از خانه بیرون آمد گفتند آمده ایم تا با تو مفاخره نمائیم رخصت ده شاعر و خطیب ما را که فخر برای ما بخوانند فرمود رخصت دادم خطیب ایشان برخواست و گفت الحمد لله الذی جعلنا ملوکا الذی له الفضل علینا والذی وهب لنا ...

آمنوا ان جاءكم فاسق بنبأ فتبينوا ان تصيبوا قوما بجهالة

گرویده‌ید اگر بیارد شما مردی بدکار خبری را پس تفحص کنید آنکه رسانید گروهی را بنادانی

فتصبحوا على ما فعلتم نادمين ۝ واعلموا ان فيكم رسول

پس گردید بر آنچه کرده‌ید شما پشیمانان و بدانید بدرستی که در میان شماست پیغمبر

الله لو يطيعكم في كثير من الامر لعنتم ولكن الله حبب

خدا اگر فرمان برد شما را در بسیاری از امور هر آینه در رنج افتید ولیکن خدا دوست کرد

اليكم الايمان وزينه في قلوبكم وكره اليكم الكفر و

بسوی شما ایمان را و زینت آنرا در دلهای شما و مکروه ساخت بسوی شما کفر و

الفسوق والعصيان اولئك هم الراشدون ۝ فضلا من

بدکاریها و گناهان را آن گروه ایشان راه یافتگانند این فضلیست از

الله ونعمة والله عليم حكيم ۝ وان طائفتان من المؤمنين

خدا و نعمتی و خدا دانای درست کارست و اگر دو گروه از مومنان

اقتتلوا فاصلحوا بينهما فان بغت احدهما على الاخرى

کارزار کنند باهم پس اصلاح کنید میان ایشان پس اگر ستم کند یکی از این دو طایفه بر دیگری

فقاتلوا التي تبغي حتى تفيء الى امر الله فان فاءت فاصلحوا

پس کارزار کنید با گروهی که ستم میکنند تا برگردند بسوی فرمان پس اگر بازگردند گروه باغیه پس اصلاح کنید

بينهما بالعدل واقسطوا ان الله يحب المقسطين ۝ انما

میان ایشان بسویت و عدالت کنید بدرستی که خدا دوست میدارد عدل کنندگان را اینست جز این نیست

المؤمنون اخوة فاصلحوا بين اخويكم واتقوا الله لعلكم

که مومنان برادران هم اند پس اصلاح کنید میان برادران خود و بپرهیزید از عذاب خدا شاید شما

ترحمون ۝ يا ايها الذين آمنوا لا يسخر قوم من قوم عسى

رحم کرده شوید ای آنانکه گرویده‌ید باید که تمسخر نکنند قومی از شما قومی دیگر را شاید

ان يكونوا خيرا منهم ولا نساء من نساء عسى ان يكن خيرا

که باشند آن گروه بهتر از ایشان و نه زنان تمسخر کنند ز زنان دیگر را شاید زنان تمسخر شدگان بهتر باشند

فضایل

برای خود ماننده آنچه ما شمردیم و نشست پس رسول خدا صلی الله علیه و آله ثابت بن قیس بن شماس را گفت برخیز و جواب او بگو برخواست و گفت الحمد لله الذی خلق السموات والارض خلقه وقضی فیه امره ووسع کرسیه علمه ولم یکن شیء قط الا من فضله ثم کان من فضله انا جعلنا ملوکا واصطفی من خیر خلقه رسوله اکرمه نسبا واصدقه حدیثا وافضله حسبا فانزل علیه کتابا وائتمنه علی خلقه فکان خیرة الله علی العالمین ثم دعا الناس الی الایمان بالله فامن به المهاجرون من قومه وذوی رحمه اکرم الناس احسابا پس زبرقان بن بدر برخواست و چند بیت در فخر خود بخواند و حسان بن ثابت چند بیت در جواب او گفت و چون حسان فارغ شد اقرع گفت ای مرد بعضی خطیب و بلیغتر از خطیب ما است و شاعر ایشان بلندتر آواز از ما است و چون فارغ شدند رسول ایشان را جایزه داد و ایشان مسلمان شدند و بقولی گروهی از قبیله بنی العنبر که بعضی در غزوات طایفه‌ای از ایشان اسیر شده بود در دست مسلمانان بمدینه آمده بودند و قصد آن جهت استخلاص اسیران خود آورده بودند و آنحضرت را از بیرون حجرها صدا زده طلبیدند و گفتند یا محمد بیرون آی

منه ره

منهنّ

حزب

مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوٓا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الِاسْمُ

الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰٓئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ

الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ

أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ

تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ۝ يَٰٓأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن ذَكَرٍ وَ

أُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ

اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ۝ قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا

قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَٰكِن قُولُوٓا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي

قُلُوبِكُمْ وَإِن تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُم مِّنْ أَعْمَالِكُمْ

شَيْـًٔا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ

وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي

در مجمع البیان گفته که در خشک سالی گروهی از قبیله اسد بخدمت حضرت رسول خدا آمده اظهار اسلام نمودند برای صدقه در واقع ایمان نداشتند این آیه آمد

سبيل الله اولئك هم الصادقون ۝ قل اتعلمون الله بدينكم

در راه خدا آنگروه ایشانند راستگویان بگو آیا می آموزید خدا را بدین خود

والله يعلم ما في السموات وما في الارض والله بكل شيء

و خدا میداند آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست و خدا بهر چیز

عليم ۝ يمنون عليك ان اسلموا قل لا تمنوا على اسلامكم

داناست منت مینهند بر تو با سلام آوردن خود بگو منت مگذارید بر من اسلام در را

بل الله يمن عليكم ان هديكم للايمان ان كنتم صادقين

بلکه منت مینهد خدا بر شما با نکه راه نمود شما را بایمان اگر هستید شما از راستگویان

ان الله يعلم غيب السموات والارض والله بصير بما

بدرستی که خدا میداند پوشیده آسمانها و زمین را و خدا بیناست آنچه

سورة ق خمس واربعون ۝ تعملون ۝ آية ق هي مكية

میکنید

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

بنام خداوند بخشاینده مهربان

ق والقرآن المجيد ۝ بل عجبوا ان جاءهم منذر منهم

قسم بگو و قاف و قسم بقرآن بزرگوار بلکه عجب داشتند مشرکان آنکه آمد ایشان را بیم دهنده از ایشان

فقال الكافرون هذا شيء عجيب ۝ ائذا متنا وكنا ترابا

پس گفتند کافران این نبوت محمد چیزیست عجب گویند آیا زنده شویم وقتیکه بمیریم و باشیم خاک

ذلك رجع بعيد ۝ قد علمنا ما تنقص الارض منهم و

این بازگشتنی دور از عادتست بدرستی که میدانیم ما آنچه ناقص کند و بجوزد زمین از ایشان

عندنا كتاب حفيظ ۝ بل كذبوا بالحق لما جاءهم

نزد ماست کتابی که نگاه دارنده است بلکه تکذیب کردند قرآن را براستی آن هنگام که آمد ایشان را

فهم في امر مريج ۝ افلم ينظروا الى السماء فوقهم كيف

پس ایشان در کاری شوریده اند آیا پس نمی نگرند بسوی آسمان که در زبر ایشان چگونه

حضرت امام ابو جعفر علیه السلام روایت کرده که هر که مداومت کند سوره ق را در فرایض و نوافل خدا روزی او را فراخ گرداند و کتاب اعمال او را بدست راست او دهد و حساب او را آسان کند

خلاصه معنی آنکه سوگند بحق قرآن مجید عظیم که محمد صلی الله علیه و آله پیغمبر خداست و امت او تکذیب وی کردند در دعوی نبوت از آن رو که او در واقع کاذبست بلکه از جهت تکذیب او کردند که عجب و غریب میدانستند که باید ایشان را پیغمبری از جنس ایشان میگفتند که باید فرشته باشد

بنيناها وزيناها وما لها من فروج ۞ والارض مددناها
بنا کردیم آن را و آراستیم آن را و نیست آن را هیچ فرجه و زمین را گسترده‌ایم
والقينا فيها رواسي وانبتنا فيها من كل زوج بهيج
و افکندیم در آن کوههای استوار و رویانیدیم در زمین از هر صنف نبات آراسته
تبصرة وذكرى لكل عبد منيب ۞ ونزلنا من السماء
بجهة بینا کردن و پند دادن هر بنده را بازگردنده و فرستادیم از آسمان
ماء مباركا فانبتنا به جنات وحب الحصيد ۞ والنخل
آبی مبارک را پس رویانیدیم بآن آب بوستانها و نبات که درویده میشود و درختان خرما
باسقات لها طلع نضيد ۞ رزقا للعباد واحيينا به
درحالیکه بلند میشوند مر آن نخلهاست شکوفه با هم نهاده روزی مر بندگان را و زنده گردانیدیم بآن آب
بلدة ميتا كذلك الخروج ۞ كذبت قبلهم قوم نوح واصحاب
زمین مرده را همچنانست بیرون آمدن ایشان تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح و یاران
الرس وثمود ۞ وعاد وفرعون واخوان لوط ۞ واصحاب
چاه پر از سنگ و قوم ثمود و عاد و فرعون و برادران لوط و یاران
الايكة وقوم تبع كل كذب الرسل فحق وعيد ۞
بیشه که اصحاب شعیب بودند و قوم تبع همه تکذیب کردند پیغمبران را پس واجب گشت وعید من
افعيينا بالخلق الاول بل هم في لبس من خلق جديد
آیا پس درمانده شده‌ایم به آفرینش اول بلکه ایشان در شک اند از آفریدن تازه
ولقد خلقنا الانسان ونعلم ما توسوس به نفسه
و بتحقیق که آفریدیم ما آدمی را و میدانیم آنچه وسوسه میکند بآن نفس او
ونحن اقرب اليه من حبل الوريد ۞ اذ يتلقى المتلقيان
و ما نزدیکتریم باو از رگ گردن وقتیکه فرا گیرد دو فرشته فرا گیرنده
عن اليمين وعن الشمال قعيد ۞ ما يلفظ من قول الا
از راست و از چپ که ملازم اند بیرون نمی افکند از دهن خود هیچ سخنی مگر



لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ۝ وَجَآءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ
نزد آن نگهبان آماده است و بیاید بیهوشی مرگ امر درست که آخرتست

مَا كُنتَ مِنْهُ تَحِيدُ ۝ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ
چیزیست که بودی تو از آن میل میکردی و دمیده شود در صور آن روزیست که مردم را آن میترسانند

وَجَآءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَآئِقٌ وَشَهِيدٌ ۝ لَقَدْ كُنتَ فِي
و بیاید در آن روز هر نفسی که با آن باشد راننده و گواه او فرشته و بتحقیق بودی در

غَفْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا فَكَشَفْنَا عَنكَ غِطَآءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ
بیخبری از این امر پس برداشتیم از تو پرده غفلت را پس چشم تو شده است امروز

حَدِيدٌ ۝ وَقَالَ قَرِينُهُ هَٰذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ ۝ أَلْقِيَا فِي
در یقین معاد و گوید آن روز همنشین او که این نامه اعمال نزد من آماده است بیفکنید در

جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ۝ مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ
دوزخ هر ناگرونده ستیزه کننده را بسیار منع کننده مر خیر را در گذرنده از حد شک

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ
آنکه گردانید با خدا خدایان دیگر پس بیفکنید او را در عذاب سخت

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَٰكِن كَانَ فِي ضَلَالٍ
گوید همنشین او شیطان است پروردگارا طاغی نساختم من او را ولیکن خود بود در گمراهی

بَعِيدٍ ۝ قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُم
دور گوید خدا مخاصمت مکنید نزد من و بدرستی که من از پیش فرستادم بسوی شما

بِالْوَعِيدِ ۝ مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ
وعید خود را تغییر داده نمیشود سخن نزد من و نیستم من ستم کننده مر بندگان را

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِن مَّزِيدٍ ۝
روزی که گوییم مر دوزخ را آیا پر شدی از کفار و عاصی گوید دوزخ آیا هیچ زیادتی هست

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ۝ هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ
و نزدیک گردانیده شود بهشت مر پرهیزکاران را در هنگامی که دور نباشد این ثواب آنچیزیست که وعده داده

در مجمع البیان از ابو القاسم حسکانی بسند او از ابو سعید خدری روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که چون روز قیامت شود خدا تعالی با من و علی خطاب کند که بیندازید در دوزخ هر کرا که دشمنی داشته با شما و در آورید به بهشت هر کرا که دوست داشته شما را و فرمود که این است تفسیر گفتار خدا تعالی القیا فی جهنم کل کفار عنید و بقول بعضی از مفسرین خطاب با دو فرشته ایست که موکلند بر عباد که عبارتند از سائق و شهید

مراد از قرین چنانکه در مجمع البیان از حضرات ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام روایت کرده که فرشته ایست که گواه اعمال و کاتب آنها بوده خلاصه معنی آنکه کاتبان اعمال در آن روز گواهی دهند بر کردهای عباد از خیر و شر و گویند این گواهی که میدهیم خبریست که ثبت شده و در روزنامه اعمال ایشان نزد ما حاضر است و بقول جمعی از مفسرین قرین عبارتست از شیاطین که در دنیا وسوسه عباد میکردند و معنی آنکه این شیطان گوید که این بنده شخصی است که در ملک من و فرمان بردار من بوده و مهیا شده برای دوزخ

لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ ۝ مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ

ازبرای هر تسبیح کننده نگاه دارنده هر که بترسد از خدا بقیامت که پنهانست و آمد بدل

مُنِيبٍ ۝ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ۝ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ

بازگشته بحق درآیید در بهشت بسلامتی این وقت حلول روز جاویدست مر ایشانرا آنچه میخواهند

فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ۝ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ

در آن و نزد ماست زیاده و بسا که هلاک کردیم ما پیش از ایشان از اهل روزگار که ایشان سخت تر بودند

مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ ۝ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ

از ایشان از قوت نقب زدند در شهرها آیا بود هیچ گریزگاهی ایشانرا بدرستی در این

لَذِكْرَىٰ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ۝

هرآینه پندیست مرکسی را که باشد مر او را دلی که تفکر کند یا بیندازد گوش را و او حاضر باشد

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ

و بدرستی که آفریدیم ما آسمانها و زمین را و آنچه میان هر دوست در شش

أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ ۝ فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ

روز و نرسیده ما را در آفریدن هیچ ماندگی پس صبر کن بر آنچه میگویند و تسبیح کن

بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ۝ وَمِنَ اللَّيْلِ

بحمد پروردگار خود پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب و بعضی از شب

فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ ۝ وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ

پس تسبیح کن او را در عقب سجده های نماز ها و بشنو از روزی که ندا کند نداکننده از

مَكَانٍ قَرِيبٍ ۝ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ

جای نزدیک روزی که بشنوند آواز مهیب را آنچه راستست این روز

الْخُرُوجِ ۝ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ ۝ يَوْمَ تَشَقَّقُ

بیرون آمدن از قبراست بدرستی که ما زنده میکنیم و میمیرانیم و بسوی ماست بازگشت روزی که بشکافد

الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ۝ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا

زمین از ایشان شتابندگان این احیا بر انگیختنی است بر ما آسان ما میدانیم آنچه

مرویست

که از حضرت صادق

صلوات الله علیه پرسیدند از تفسیر

کریمه و سبح بحمد ربک قبل طلوع الشمس وقبل الغروب

فرمود که بگو چون بامداد شود و هنگام شبانگاه

لا اله الا الله وحده لا شریک له الملک وله الحمد

یحیی ویمیت ویمیت ویحیی وهو علی کل شیء قدیر

وهم از آنحضرت مرویست که مراد از ادبار السجود

نماز وتر یست که بعد از شب

گذارده می شود

يقولون وما انت عليهم بجبار فذكر بالقرآن من يخاف

میگویند کافران و نیستی تو بر ایشان جبر کننده پس پند گو بموعظه قرآن کسی که بترسد

وعيد

از وعده عذاب من

سورة الذاريات

ستون آية وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

والذاريات ذروا فالحاملات وقرا فالجاريات يسرا

سوگند بادهای پراگنده ابرهای پراگنده گردی پس برداراندگان بارگران بارانرا پس بکشتیهای رونده بآسانی

فالمقسمات امرا انما توعدون لصادق وان الدين

پس بقسمت کنندگان کارهای روزی و مرگ جز این نیست که آنچه وعده داده شده اید راستست و بدرستی که دین البته

لواقع والسماء ذات الحبك انكم لفي قول مختلف

واقعست وقسم باسمان خداوند راههای نیکو بدرستیکه شما هر آینه در گفتار مختلف هستید پیغمبر

يؤفك عنه من افك قتل الخراصون الذين هم في

برگردیده شده از ایمان هر که برگردیده می شد کشته شدند دروغگویان آنانکه ایشان در

غمرة ساهون يسئلون ايان يوم الدين يوم هم على

غمره خود بیخبرانند میپرسند کفار که کی خواهد بود روز جزا روزیکه ایشان بر

النار يفتنون ذوقوا فتنتكم هذا الذي كنتم به تستعجلون

آتش سوخته سوند بچشید سوختن خود را این عذاب آنچیزیست که بودید که بآن شتاب میکردید

ان المتقين في جنات وعيون آخذين ما آتيهم ربهم

بدرستی پرهیزکاران در بهشتها و چشمه های آب روانست که فراگیرندگانند آنچه داد بایشان پروردگار ایشان

انهم كانوا قبل ذلك محسنين كانوا قليلا من الليل

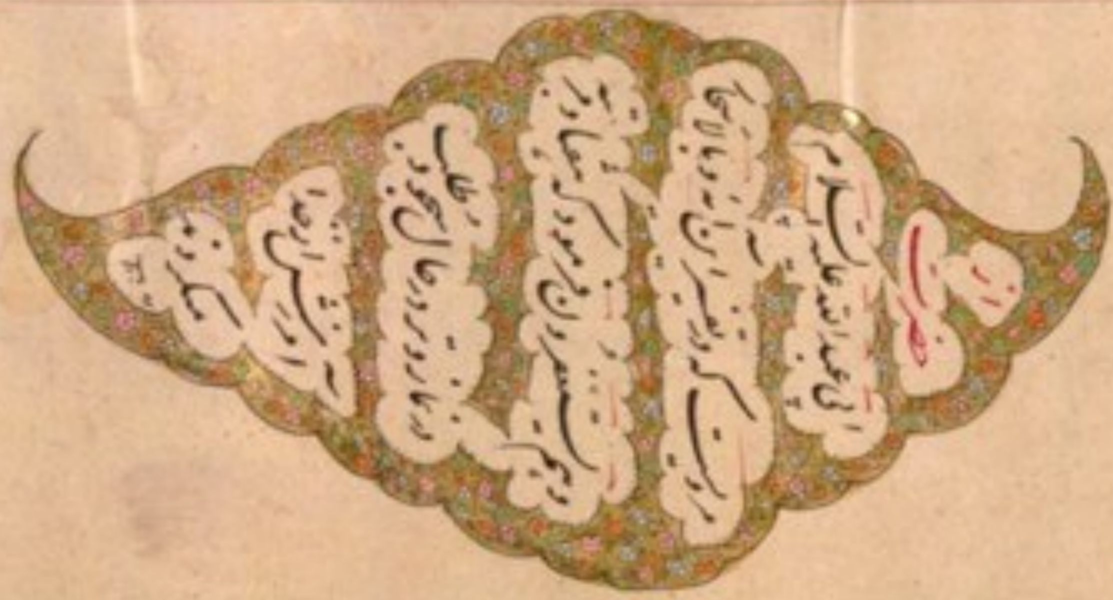
بدرستیکه ایشان بودند پیش ازین نیکوکاران بودند در زمان اندک از شب

ما يهجعون وبالاسحار هم يستغفرون وفي اموالهم

خواب میکردند و بسحرهای ایشان استغفار میکردند و در مالهای ایشان

از امام جعفر صادق مرویست که هر که سوره والذاریات را در هر شب یا روز بخواند حقتعالی معیشت او را اصلاح و روزی را بر روی فراخ گرداند و نوری در قبر او بیافریند که تا روز قیامت فرا او منور باشد

مرویست که ابن کوا از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه و آله پرسید که مراد از والذاریات ذروا چیست فرمود که بادها پرسید که فالحاملات وقرا چیست فرمود ابرها پرسید که فالجاریات یسرا فرمود کشتیها گفت فالمقسمات امرا فرمود فرشتگان یعنی ذاریات بادهائیست که خار و خاشاک را بر انگیزند و حاملات وقرا ابرهائیست که بار گران باران را بر دارند و از جائی بجای دیگر برند و جاریات کشتیهاست که در دریاها روانست و مقسمات امرا فرشتگانند که موکل اند بتقسیم ارزاق و آجال و حاجات خلایق و تقدیرات و تدبیرات مهمات ایشان



حق للسائل والمحروم ۝ وفي الارض ايات للموقنين ۝

نصيبي بود مر خواهنده را و محروم را و در زمين نشانهاست بر وجود صانع مر بدگانان را

وفي انفسكم افلا تبصرون ۝ وفي السماء رزقكم وما

و در نفسهاي شما آيا پس نمي بينيد و در جانب آسمان روزي شماست و آنچه

توعدون ۝ فورب السماء والارض انه لحق مثل ما انكم

وعده داده ميشويد از بهشت پس قسم بپروردگار آسمان و زمين بدرستي كه اين راستست مانند آنچه شما

تنطقون ۝ هل اتاك حديث ضيف ابرهيم المكرمين ۝

حرف ميزنيد آيا آمد بتو يا محمد سخن مهمانان ابراهيم كه گرامي بودند

اذ دخلوا عليه فقالوا سلاما قال سلام قوم منكرون

چون در آمدند بر ابراهيم پس گفتند سلام گرديم سلام گردني گفت ابراهيم سلام بر شما كه گروهي ناشناسيد

فراغ الى اهله فجاء بعجل سمين ۝ فقربه اليهم قال الا

پس ميل كرد ابراهيم بسوي اهل خود پس بياورد گوساله فربه پس نزديك كرد آنرا بسوي ايشان گفت آيا

تاكلون ۝ فاوجس منهم خيفة قالوا لا تخف وبشروه

نميخوريد پس در خاطر گرفت از ايشان ترسي گفتند مترس و مژده دادند

بغلام عليم ۝ فاقبلت امراته في صرة فصكت وجهها

او را به پسري دانا پس روي بخانه نهاد زن ابراهيم در حالي كه فرياد ميكرد و طپانچه زد بر روي خود

وقالت عجوز عقيم ۝ قالوا كذلك قال ربك انه هو

و گفت من پير زن نازاينده ام گفتند فرشتگان همچنين گفت پروردگار تو بدرستيكه او

الحكيم العليم ۝ قال فما خطبكم ايها المرسلون ۝

درست كار داناست گفت ابراهيم پس چيست كار بزرگ شما اي فرستادگان

قالوا انا ارسلنا الى قوم مجرمين ۝ لنرسل عليهم حجارة

گفتند كه ما فرستاده شديم بسوي گروه گناهكاران تا فرو فرستيم بر ايشان سنگي

من طين ۝ مسومة عند ربك للمسرفين ۝ فاخرجنا من كان

از گل مصنوع كه آن سنگها نشان كرده شده بود نزد پروردگار تو براي اسراف كنندگان پس بيرون كنيم هر كه باشد

روع
در لغت عبارت بود از رفتن بسوي چيزي پنهاني و در مجمع البيان گويد كه علت خفيه رفتن آن حضرت بسوي اهل خود براي حاضر گردانيدن طعام براي آن مهمانان هم از آن بود كه مبادا ايشان مانع از تكليف و ضيافت شوند چنانكه عادت كريمان است



فيها من المؤمنين ۞ فما وجدنا فيها غير بيت من المسلمين

در آن از گروندگان پس نخواهیم یافت در آن شهر با غیر اهل یکی خانه از مسلمانان

وتركنا فيها آية للذين يخافون العذاب الأليم ۞ وفي

و باقی گذاشتیم ما در آن شهر ها علامتی برای آنانکه می ترسند از عذاب دردناک و در

موسى إذ أرسلناه إلى فرعون بسلطان مبين ۞ فتولى

قصه موسی چون فرستادیم او را بسوی فرعون با معجزه حجتی ظاهر پس برگشت از ایمان

بركنه وقال ساحر أو مجنون ۞ فأخذناه وجنوده فنبذناهم

بقوت و گفت فرعون که موسی جادوگر یا دیوانه است پس فرا گرفتیم فرعون و لشکرهای او را پس انداختیم

في اليم وهو مليم ۞ وفي عاد إذ أرسلنا عليهم الريح العقيم

ایشان را در دریا و او ملامت کننده خود بود و در قصه عاد چون فرستادیم بر ایشان بادی بی خیر

ما تذر من شيء أتت عليه إلا جعلته كالرميم ۞ وفي

نمی گذاشت هیچ چیز را که بگذشت بر او مگر آنکه گردانید او را مثل کهنه ریزه ریزه و در قوم

ثمود إذ قيل لهم تمتعوا حتى حين ۞ فعتوا عن أمر ربهم

ثمود چون گفته شد مر ایشان را که برخوردار شوید تا وقت عذاب پس سرکشی کردند از کار پروردگار خود

فأخذتهم الصاعقة وهم ينظرون ۞ فما استطاعوا من

پس گرفت ایشان را صاعقه و ایشان می نگریستند پس نتوانستند هیچ

قيام وما كانوا منتصرين ۞ وقوم نوح من قبل إنهم كانوا

برخواستن و نبودند انتقام کشندگان و در قوم نوح آنچه هست که پیش بود بدرستی که ایشان

قوما فاسقين ۞ والسماء بنيناها بأيد وإنا لموسعون

بودند گروهی بدکاران و آسمان را بنا نهادیم بتوانایی خود و بدرستی که ما توانائیم بر آن

والأرض فرشناها فنعم الماهدون ۞ ومن كل شيء

و زمین را گسترانیدیم آن را پس نیک گسترانندگانیم و از همه چیز

خلقنا زوجين لعلكم تذكرون ۞ ففروا إلى الله

آفریدیم دو صنف شاید که شما پند گیرید پس بگریزید بسوی خدا

در مجمع البیان گفت که باء در برکنه برای تعدیه است و مراد از رکن قوم و لشکر اوست که با ایشان قوت میجست یعنی گردانید قوم خود را روگردان از دین حق

در مجمع البیان در تفسیر وهو ملیم گفته یعنی کردکاری که سبب ملامت او بود که آن عبارت از کفر و جحود بود

إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝ وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ

بدرستی که من شما را از عذاب خدا بیم دهنده ظاهرم ۝ و مگردانید با خدا معبودی دیگر

إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝ كَذَٰلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم

بدرستی که من شما را از عذاب خدا بیم دهنده ظاهرم ۝ چنین بود احوال امم سابقه نیامد آن کسانی که بودند پیش از کفار

مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ۝ أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ

هیچ فرستاده مگر آنکه گفتند قوم او این مرد جادوگر یا دیوانه است ۝ آیا وصیت کردند امم سابقه بلکه ایشان

قَوْمٌ طَاغُونَ ۝ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنتَ بِمَلُومٍ ۝ وَذَكِّرْ فَإِنَّ

گروهی اند نافرمان ۝ پس روی بگردان از ایشان پس نیستی تو ملامت زده ۝ و پند ده اهل ایمان را پس بدرستی که

الذِّكْرَىٰ تَنفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ

پند دادن نفع میدهد اهل ایمان را ۝ و نیافریدم من جن و آدمی را

إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ۝ مَا أُرِيدُ مِنْهُم مِّن رِّزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَن

مگر آنکه پرستند مرا ۝ نمیخواهم از این مخلوقات هیچ روزی ۝ و نمیخواهم آنکه

يُطْعِمُونِ ۝ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ۝ فَإِنَّ

طعام دهند مرا ۝ بدرستی که خدا اوست روزی دهنده خداوند توانائی استوار ۝ پس بدرستی که

لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذَنُوبًا مِّثْلَ ذَنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ

آنانکه ستم کردند بهره ایست از عذاب مثل عذاب یاران ایشان ۝ پس باید شتاب نکنند

فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِن يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ۝

پس وای مر آنها را که کافر شدند ۝ از عذاب روز ایشان آنکه وعده داده میشوند

سورة الطور ثمان واربعون آية وهي مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالطُّورِ ۝ وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ ۝ فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ ۝ وَالْبَيْتِ

قسم بطور سینا ۝ و کتاب نوشته شده ۝ در صحیفه گشوده شده ۝ و قسم بخانه

یعنی
برای نفع خود
نیافریدم ایشان را و بقولی مراد
مرا آنست که نخواستیم از شما اینکه اطعام
نمائید آفریدگان مرا و اسناد اطعام بخود بعلت
آنست که آفریدگان همه عیال خداوندند پس
اطعام ایشان بمنزله اطعام
خداست

محمد
ابن شهداد از امام
محمد باقر علیه السلام روایت کرده که هر که
سوره والطور را بخواند حق سبحانه و تعالی
خیر دنیا و آخرت با وی کرامت
فرماید

الْمَعْمُورِ ۝ وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ۝ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ۝ إِنَّ عَذَابَ

آباد ان و سقف بلند افراشته و سوگند بدریای بر آمده بدرستی که عذاب

رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ۝ مَا لَهُ مِن دَافِعٍ ۝ يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ۝

پروردگار تو هر آینه واقعست نیست مراو را هیچ دفع کننده روزیکه مضطرب شود آسمان مضطرب

وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ۝ فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۝ الَّذِينَ هُمْ

و روان شود کوهها روان شدنی پس وای در آن روز مر تکذیب کنندگان را آنانکه ایشان

فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ۝ يَوْمَ يُدَعُّونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا ۝ هَٰذِهِ

در شروع کردن باطل بازی می کنند روزیکه دفع کرده شوند بسوی آتش دوزخ دفع شدنی که این

النَّارُ الَّتِي كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ۝ أَفَسِحْرٌ هَٰذَا أَمْ أَنتُمْ لَا

آتش آنست که بودید شما که با آن تکذیب می کردید آیا پس سحر است این یا شما نه

تُبْصِرُونَ ۝ اصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا

می بینید عذاب را در آیید بدوزخ پس صبر کنید یا صبر مکنید یکسانست بر شما جز این نه

تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ۝

که جزا داده میشوید آنچه بودید که میکردید بدرستی که پرهیزکاران در بهشتها و نعمتها اند

فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ۝ كُلُوا

متنعمان بسبب عطا کردن ایشان را پروردگار ایشان و نگاهداشتن ایشان را پروردگار ایشان از عذاب دوزخ بخورید

وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ

و بیاشامید گوارنده بسبب آنچه بودید که میکردید در حالیکه تکیه زدگان باشند بر تختهای بهم پیوسته

وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم

و جفت کنیم ایشان را بزنان سفید و آنانکه گرویدند و پیرو شدند ایشان را فرزندان ایشان

بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُم مِّنْ عَمَلِهِم مِّن شَيْءٍ

بسبب ایمان در رسانیم بایشان فرزندان ایشان را و کم نکنیم ایشان را از ثواب کردار ایشان هیچ چیز

كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ ۝ وَأَمْدَدْنَاهُم بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ

هر مردی بآنچه کسب کرده از کردار در گروست و بیفزاییم ریشان را زیاده از آنچه دادند و گوشت

از حضرت
صادق صلوات الله
علیه مرویست که اطفال مومنان
در روز قیامت راه نموده میشوند بسوی
پدران خود و در طرق عامه از امیر المومنین علیه
السلام منقول است که رسول خدا
فرمود که مومنان و فرزندان
ایشان در بهشتند در روز
قیامت و این آیه را
تلاوت نمود

مِمَّا يَشْتَهُونَ ۝ يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ

از آنچه آرزو کنند ۝ داد و ستد کنند با هم در بهشت کاسه شراب را سخن بیهوده نباشد در آن و نه گناه

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ ۝ وَ

شدن و طواف کند بر ایشان غلامان که مر ایشان راست گویا ایشان مروارید پوشیده اند ۝ و

أَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ۝ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي

روی آورند بعضی از ایشان بر بعضی در حالی که بپرسند از هم ۝ گویند بدرستی که بودیم ما پیش ازین در

أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ۝ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ

میان خود ترسندگان ۝ پس منت نهاد خدا بر ما و نگاه داشت ما را از عذاب آتش سوزان

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ۝ فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ

بدرستی که ما بودیم پیش ازین که می پرسیدیم خدا را بدرستی که او نیکوکار مهربان است ۝ پس پند ده ای محمد تو آن نیستی

بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ ۝ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُ

بحق نعمت پروردگار خود خبر دهنده و نه دیوانه ۝ بلکه میگویند محمد شاعر است انتظار میبریم

بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ ۝ قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ

عروض حادثه و مصیبت روزگار ۝ بگو ای محمد انتظار برید هلاک را پس بدرستی که من با شما از جمله منتظرانم

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُمْ بِهَٰذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ۝ أَمْ يَقُولُونَ

بلکه امر میکند ایشان را عقول ایشان با این بلکه ایشان گروهی اند از حد درگذشتگان ۝ بلکه میگویند

تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا

کفار که بر بافته محمد قرآن را نه چنانست بلکه ایمان نمی آورند پس باید که بیارند ایشان سخنی مانند قرآن اگر هستند

صَادِقِينَ ۝ أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ ۝ أَمْ

راستگویان ۝ آیا آفریده شده اند بی چیزی یا ایشان آفرینندگان نفس خود اند ۝ یا

خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ ۝ أَمْ عِنْدَهُمْ

آفریده اند آسمانها و زمین را نه چنانست بلکه یقین ندارند ۝ آیا نزد ایشان است

خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيْطِرُونَ ۝ أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ

خزینه های پروردگار تو یا ایشان غالبانند بر شما ۝ یا مر ایشان راست نردبانی که به آسمان رفته شنوند

فيه فليأت مستمعهم بسلطان مبين ۝ أم له البنات
در آن کلام ملائکه را پس باید که بیارد شنونده ایشان حجتی روشن برفتن آسمان آیا مر خدا راست دختران

ولكم البنون ۝ أم تسألهم أجرا فهم من مغرم مثقلون ۝
و مر شما راست پسران آیا سؤال میکنی از ایشان مزدی پس ایشان از التزام تاوان آن گرانبارند

أم عندهم الغيب فهم يكتبون ۝ أم يريدون كيدا فالذين
یا نزد ایشانست آنچه در غیب نوشته شده پس ایشان می‌نویسند یا آنکه میخواهند مکری و حیله درباره تو پس آنانکه

كفروا هم المكيدون ۝ أم لهم إله غير الله سبحان الله عما
کافر شدند ایشانند کید کرده شدگان یا مر ایشان راست معبودی غیر خدا پاکست خدا از آنچه

يشركون ۝ وإن يروا كسفا من السماء ساقطا يقولوا سحاب
شرک می آورند و اگر ببینند پاره از آسمان فرو آینده بر ایشان میگویند از غایت انکار

مركوم ۝ فذرهم حتى يلاقوا يومهم الذي فيه يصعقون ۝
ابریست برهم نشسته پس بگذار ایشان را تا ببینند آن روز خود را که در آن روز هلاک کرده شوند

يوم لا يغني عنهم كيدهم شيئا ولا هم ينصرون ۝ وإن للذين
روزی دفع کرده نشود از ایشان مکر ایشان چیزی از عقاب و نه ایشان یاری کرده شوند و بدرستی که مر آنان را که

ظلموا عذابا دون ذلك ولكن أكثرهم لا يعلمون ۝ واصبر
ستم کردند عذابیست غیر از عذاب آخرت و لیکن بیشتر ایشان نمیدانند و صبر کن

لحكم ربك فإنك بأعيننا وسبح بحمد ربك حين تقوم ۝
مر حکم پروردگار خود را پس بدرستی تو در حفظ مائی و تسبیح کن خدا را مقرون بحمد پروردگار خود وقتیکه برخیزی از خواب

ومن الليل فسبحه وإدبار النجوم
و بعضی از شب پس نماز کن در برگشتن ستاره ها

سورة النجم اثنتان وستون آية

بسم الله الرحمن الرحيم ۝
بنام خدای بخشاینده مهربان

والنجم إذا هوى ۝ ما ضل صاحبكم وما غوى ۝ وما ينطق
قسم بستاره وقتی که هبوط کند گمراه نشد مصاحب شما محمد و نه خطا کرد و سخن نگفت

یعنی
که برخیزید و تسبیح
پروردگار خود گویید و از امیر المؤمنین
علیه السلام مرویست که فرمود که هر که
دوست دارد که کیله کرده شود یعنی ثواب
او پس باید که باشد آخر سخن او در هر مجلسی
سبحان ربک رب العزة عما یصفون و
سلام علی المرسلین والحمد لله
لله رب العالمین

یزید
بن ابی خلیفه از ابی عبدالله
علیه السلام روایت کرده است که هر که
در روز یا در شب سوره نجم را بخواند
در میان مردمان ستوده
و در عالمیان عزیز
باشد

عَنِ الْهَوَىٰ ۝ اِنْ هُوَ اِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۝ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ

از روی هوس ۝ نیست نطق او مگر وحی که فرود آمده می شد باو ۝ آموزانید پیغمبر را فرشته که سخت قوت

ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ ۝ وَهُوَ بِالْاُفُقِ الْاَعْلَىٰ ۝ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ

صاحب خرد ۝ پس راست ایستاد ۝ و او در کنار بلند تر بود از دنیا ۝ پس نزدیک شد پیغمبر آنگاه

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ اَوْ اَدْنَىٰ ۝ فَاَوْحَىٰ اِلَىٰ عَبْدِهِ مَا اَوْحَىٰ

جبرئیل پس بود مقدار دو کمان ۝ یا نزدیک تر ۝ پس وحی کرد بسوی بنده خود که محمد است آنچه وحی

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَاَىٰ ۝ اَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ۝ وَلَقَدْ

کرد دروغ نگفت دل محمد آنچه دید ۝ آیا مجادله میکنید با محمد بر آنچه دید معراج ۝ و بتحقیق

رَاٰهُ نَزْلَةً اُخْرَىٰ ۝ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ۝ عِنْدَهَا جَنَّةُ

دید محمد جبرئیل را بصورت خود یکبار دیگر نزدیک درخت سدرة المنتهی ۝ نزد آن سدره بهشتی که

الْمَاْوَىٰ ۝ اِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ ۝ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا

مقام صالحانست ۝ وقتی که پوشیده بود سدره را آنچه پوشیده بود ۝ میل نکرد دیده محمد و

طَغَىٰ ۝ لَقَدْ رَاَىٰ مِنْ اٰيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ ۝ اَفَرَاَيْتُمُ اللَّاتَ

و نگذشت از آنجا که مأمور بود ۝ قسم بخدا که دید از نشانهای پروردگار خود که بزرگترین نشانها بود ۝ آیا پس دیدید لات

وَالْعُزَّىٰ ۝ وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْاُخْرَىٰ ۝ اَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ

و عزی را ۝ و بت منات که بت سیم هست که یکی دیگر اصنام بود ۝ آیا مر شما راست فرزند نرینه و مر خدا را

الْاُنْثَىٰ ۝ تِلْكَ اِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ ۝ اِنْ هِيَ اِلَّا اَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا

فرزند ماده ۝ این قسمت در آن هنگام قسمتی است نا راست ۝ نیستند این بتان مگر اسمی چند که نام نهاده اید

اَنْتُمْ وَاٰبَاؤُكُمْ مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ اِنْ يَتَّبِعُونَ

آنرا شما ۝ و پدران شما ۝ و نفرستاده خدا با آن تسمیه هیچ حجتی ۝ پیروی نمیکنند

اِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْاَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ

مشرکان مگر گمان را ۝ و آنچه آرزو میکند آن نفسها ۝ و بتحقیق آمد ایشان را ۝ از پروردگار ایشان

الْهُدَىٰ ۝ اَمْ لِلْاِنْسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝ فَلِلّٰهِ الْاٰخِرَةُ وَالْاُولَىٰ

آنچه سبب هدایت ایشانست ۝ آیا مر آدمی راست آنچه آرزو کند ۝ هست پس مر خدا راست آخرت و دنیا

در مجمع البیان تفسیر کرده شدید القوی را بجبرئیل که بحقیقت صاحب قوت است ... السلام ... خود ... آسمان ... قوت ...



وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِى السَّمٰوٰتِ لَا تُغْنِى شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا اِلَّا مِنْ
وبسیاری از فرشتگان در آسمانها ست که مشرکان ایشانرا شفیع میدانند سود ندهد شفاعت ایشان

بَعْدِ اَنْ يَاْذَنَ اللّٰهُ لِمَنْ يَشَآءُ وَيَرْضٰى ۝ اِنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ
چیزرا اگر بعد از انکه رخصت دهد خدا برای هر که خواهد و پسندد ۝ بدرستی که آنانکه نگروند

بِالْاٰخِرَةِ لَيُسَمُّوْنَ الْمَلٰٓئِكَةَ تَسْمِيَةَ الْاُنْثٰى ۝ وَمَا لَهُمْ
بآخرت هرآینه نام می نهند فرشتگان را نام نهادن زنان ۝ و نیست مرایشانرا

بِهٖ مِنْ عِلْمٍ اِنْ يَتَّبِعُوْنَ اِلَّا الظَّنَّ وَاِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِىْ مِنَ الْحَقِّ
بآن هیچ دانشی پیروی نمی کنند مگر گمان را و بدرستی که گمان سود نمیدهد از حقیقت امر

شَيْئًا فَاَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلّٰى ۝ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ اِلَّا الْحَيٰوةَ
چیزی را پس روی بگردان از آنکه روی میگرداند از ذکر ما که قرآنست و نخواستند مگر زندگانی

الدُّنْيَا ۝ ذٰلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ
دنیا را ۝ این دوستی دنیا غایت رسیدن ایشانست از علم بدرستی که پروردگار تو اوست داناتر بآنکه گمراه شد

عَنْ سَبِيْلِهٖ وَهُوَ اَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدٰى ۝ وَلِلّٰهِ مَا فِى السَّمٰوٰتِ
از راه حق و او داناتر است بآنکه راه یافته ۝ و مر خدا راست آنچه در آسمانها

وَمَا فِى الْاَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِيْنَ اَسَآءُوْا بِمَا عَمِلُوْا وَيَجْزِيَ الَّذِيْنَ
و آنچه در زمینست تا جزا دهد آنانرا که بد کردند بعقوبت آنچه عمل کردند و تا جزا دهد آنانرا

اَحْسَنُوْا بِالْحُسْنٰى ۝ اَلَّذِيْنَ يَجْتَنِبُوْنَ كَبٰٓئِرَ الْاِثْمِ وَ
که نیکوئی کردند بمثوبت نیکو ۝ آنانکه اجتناب میکنند از کبایر گناه و کبیرهای

الْفَوَاحِشَ اِلَّا اللَّمَمَ اِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ اَعْلَمُ بِكُمْ
فاحش چون زنا مگر آنچه صغیره باشد بدرستی پروردگار تو بسیار آمرزش است و او داناتر است بشما

اِذْ اَنْشَاَكُمْ مِنَ الْاَرْضِ وَاِذْ اَنْتُمْ اَجِنَّةٌ فِىْ بُطُوْنِ اُمَّهٰتِكُمْ
در وقتیکه بیافرید شما را از زمین و وقتی که شما خورد بودید در شکمهای مادران شما

فَلَا تُزَكُّوْٓا اَنْفُسَكُمْ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقٰى ۝ اَفَرَءَيْتَ الَّذِىْ
پس نسبت مدهید بپاکیزگی نفسهای خود را او داناتر است بکسی که تقوی کند ۝ آیا پس دیدی آنکس را

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که در تفسیر این آیهٔ کریمه فرمود که فواحش زنا و سرقه است و لمم آنست که شخصی بگناهی قصد و فوراً توبه کند و عبارت آیست اللهم الرجل یلم بالذنب فیستغفر الله منه و در باب اللمم از آنحضرت مرویست که فرمود که هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه گناهی ازوی صادر شود که بعد از آن نادم میشود و مدتها ترک میکند پس باز بسر آن می آید و اینست معنی گفتار خداوند الا اللمم

تولّى

تَوَلّٰى ۝ وَأَعْطٰى قَلِيلًا وَأَكْدٰى ۝ أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ

روی گردانید از حق و داد اندک از مال خود در رشوت و باز داشت باقی را آیا نزد او هست دانش پوشیده و پس او

يَرٰى ۝ أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسٰى ۝ وَإِبْرٰهِيمَ الَّذِي وَفّٰى

می‌بیند آیا خبر داده نشده به آنچه در صحیف های موسی است و آنچه در صحیفه ابراهیم است که نیک وفا کرد

أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرٰى ۝ وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعٰى

و آن آنست که بر ندارد هیچ بردارنده گناه دیگری را و آنکه نیست مر آدمی را مگر ثواب آنچه

وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرٰى ۝ ثُمَّ يُجْزٰىهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفٰى ۝ وَأَنَّ

سعی کند و آنکه آدمی سعی خود را زود باشد که ببیند در قیامت پس پاداش داده شود به پاداش تمامتر و آنکه

إِلٰى رَبِّكَ الْمُنْتَهٰى ۝ وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكٰى ۝ وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ

بسوی پروردگار تست نهایت کار خلایق و بیرا او میخنداند مومن را و میگریاند کافر را در قیامت و آنکه او بمیراند

وَأَحْيَا ۝ وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثٰى ۝ مِنْ نُطْفَةٍ

و زنده میگرداند و آنکه او آفرید از حیوانات دو صنف نر و ماده از آب منی

إِذَا تُمْنٰى ۝ وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرٰى ۝ وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنٰى وَأَقْنٰى

وقتیکه جدا کرده شود از ایشان و آنکه بر خداست آفرینش دیگر در قیامت و آنکه اوست خدای توانگر و بدبیننده

وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشِّعْرٰى ۝ وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولٰى ۝ وَثَمُودَ

که سرمایه باز داد و آنکه اوست پروردگار ستاره شعری و آنکه اوست که هلاک کرد قوم عاد اول را و هلاک کرد قوم ثمود

فَمَا أَبْقٰى ۝ وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغٰى ۝

پس باقی نگذاشت کسی را و قوم نوح را هلاک کرد پیش از عاد و ثمود بدرستی که ایشان است ستمکارتر و سرکش‌تر

وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوٰى ۝ فَغَشّٰىهَا مَا غَشّٰى ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ

و شهرهای قوم لوط را بعکس کرد بعد از بلندی پس پوشانید او را آنچه پوشانید پس کدام یک از نعمتهای پروردگار

تَتَمَارٰى ۝ هٰذَا نَذِيرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولٰى ۝ أَزِفَتِ الْآزِفَةُ ۝ لَيْسَ

خود شک میکنی این پیغمبر که محمد است بیم کننده است از جنس بیم کنندگان اول نزدیک شد قیامت نیست وقت آمدن

لَهَا مِنْ دُونِ اللّٰهِ كَاشِفَةٌ ۝ أَفَمِنْ هٰذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ۝ وَ

آن را بجز از خدا نفسی که ظاهر کننده آن باشد آیا پس از این سخن که قرآنست تعجب میکنید و

در مجمع
البیان مذکور است
که گزینه افرأیت الذی تولی تا
آخر هفت آیه در باب عثمان بن عفان
نازل شده که روگردان از جهاد شد در روز
احد و گریخت صدقه و انفاق مال خود مینمود
تا آنکه عبدالله بن سعد بن ابی سرح که برادر
رضاعی او بود گفت این چه کار است که میکنی
نزدیک است مالت تمام شود عثمان گفت گناه
بسیار کرده‌ام امید دارم که برکت این صدقات
حق تعالی از من عفو نماید عبدالله گفت اگر شتر خود را
بمن بخشی من متحمل گناهان تو شوم عثمان چنان کرد
و گواهی بر این مدعا گرفت

غرض
سرزنش و توبیخ جمعی از
قریش است که ستاره شعری را
می‌پرستیدند گویند ایشان قبیله
خزاعه بودند

عاد اولی
عبارت اند از قوم ثمود که از
نسل عاد بن ارم بوده و اعقاب
ایشان را عاد اخری
می‌گفتند

تضحكون ولا تبكون ۝ وانتم سامدون ۝ فاسجدوا لله واعبدوا

میخندید و نمیگریید و شما بازی کنندگانید و غافلانید پس سجده کنید مر خدا را و پرستید او را

سورة القمر خمس وخمسون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اقتربت الساعة وانشق القمر ۝ وان يروا آية يعرضوا و

نزدیک شد قیامت و شکافته شد ماه و اگر ببینند کافران نشانی از قرآن اعراض کنند و

يقولوا سحر مستمر ۝ وكذبوا واتبعوا اهواءهم وكل امر مستقر ۝

گویند این جادوییست دایم و تکذیب کردند و پیروی نمودند آرزوهای خود را و هر کاری قرارگیرنده است بجای تو

ولقد جاءهم من الانباء ما فيه مزدجر ۝ حكمة بالغة فما تغن

و بتحقیق که آمد اهل مکه را از اخبار گذشته آنچه در آن بازداشتن است حکمتی است تمام پس نفع ندهد

النذر ۝ فتول عنهم يوم يدع الداع الى شيء نكر ۝ خشعا

بیم کنندگان پس روی گردان از ایشان روزی که بخواند خواننده مردم را بسوی چیزی زشت که خوار باشد

ابصارهم يخرجون من الاجداث كانهم جراد منتشر ۝ مهطعين

چشمهای ایشان از هول بیرون می آیند از قبرها گویا ایشان ملخ پراکنده اند که شتابکنندگان

الى الداع ويقول الكافرون هذا يوم عسر ۝ كذبت

بسوی خواننده و گویند کافران این روزیست دشوار تکذیب کردند

قبلهم قوم نوح فكذبوا عبدنا وقالوا مجنون وازدجر ۝ فدعا

پیش از ایشان قوم نوح پس دروغ داشتند بنده ما نوح را و گفتند او دیوانه است و بازداشته شده پس خواند

ربه انى مغلوب فانتصر ۝ ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر

پروردگار خود را بدرستی منم مغلوب پس یاری کن مرا پس بگشادیم درهای آسمان را بآبی فتابت ریزان

وفجرنا الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر ۝ وحملناه

و روان ساختیم زمین چشمها پس تلاقی شد آب آسمان بر حالیکه اندازه کرده شده بود و برداشتیم او را



باجماع اهل اسلام مراد از انشقاق قمر در این
آیه شکافته شدن ماه در شب بدر که قرص ماه
تمام بود و ظهور این معجزه از دست معجز نمای
آنحضرت بصحت پیوسته بتواتر بلکه بضرورت
مذهب اسلام است و از جبیر بن مطعم منقول است
که ماه بدر باشاره آنحضرت بدو شق شد بحدی
که نیمه آن بر سر این کوه و نیمه دیگر بر سر آن کوه
بود یعنی کوه صفا و مروه و از عبد الله بن مسعود
منقول است که گفت قسم بآنکه روح من در قبضه
قدرت اوست که دیدم کوه حرا را در میان

در عهد آنحضرت واقع بودی بایستی که هرکه در روی زمین است میدید واین بی صورت که گاه باشد که بر کهر مردم مخفی شده باشد بعلت ابر و غبار و بعلت اختلاف آفاق زیرین لا محاله ماه در آن وقت در زیر زمین بوده و دیگر آنکه حکایات در شب واقع شد واکثر مردم آن وقت در خواب و در جاهای مسقف بوده و در زیر آسمان هم اگر باشند ضرور نیست که مطلع بر آن واقعه شوند بعلت عدم التفات باسمان و اشتغال قرب امتدادی نداشته بلکه لحظه بوده مانند ستاره که میجهد وگاهی مطلع بر آن میشود و اکثر نمی یابند و بالجمله انکار این حکایت که مفید علم قطعی است انکار او بان شبهه باطل صورت نیست والله اعلم

عَلٰى ذَاتِ اَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ ۝ تَجْرِي بِاَعْيُنِنَا جَزَآءً لِمَنْ كَانَ كُفِرَ

بر تخته‌ها و میخها بود ۝ میرفت آن کشتی بحفظ و حراست ما برای جزای هرکه کافر بود

وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا اٰيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ۝ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي

و بتحقیق که باقی گذاشتیم این قصه را نشانه پس آیا هیچ پند گیرنده هست ۝ پس چگونه بود عذاب من

وَنُذُرِ ۝ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْاٰنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ

و بیم کردن من ۝ و هر آینه آسان گردیم ما قرآن را برای یاد کردن پس آیا هیچ قبول کننده هست

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ۝ اِنَّا اَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ

تکذیب کرد عاد پس چگونه بود عذاب کردن و بیم کردن من ۝ بدرستیکه ما فرستادیم بر ایشان

رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ ۝ تَنْزِعُ النَّاسَ كَاَنَّهُمْ اَعْجَازُ

بادی سخت سرد در روز نحسی که استحکام داشت ۝ برمیکند آن باد مردم را که گویا ایشان تنهای

نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ ۝ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ۝ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا

خرما بودند برکنده شده ۝ پس چگونه بود عذاب من و بیم کردن من ۝ و بدرستیکه آسان کردیم ما

الْقُرْاٰنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ۝ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ

قرآن را برای پند گرفتن پس آیا هیچ پند گیرنده هست ۝ تکذیب کردند قوم ثمود صالح را بیم کردن

فَقَالُوا اَبَشَرًا مِنَّا وَاحِدًا نَتَّبِعُهُ اِنَّا اِذًا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ

پس گفتند آیا آدمی را که از جنس ماست تنها که خویشی ندارد پیروی کنیم بدرستیکه ما آن وقت در گمراهی و آتشیم

ءَاُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ اَشِرٌ ۝ سَيَعْلَمُونَ

آیا القا شده وحی بر او از میان ما بلکه او دروغگوییست خودپسند منکر زود باشد که بدانند

غَدًا مَنِ الْكَذَّابُ الْاَشِرُ ۝ اِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ

فردا کیست دروغگوی ناپسند ۝ بدرستیکه ما فرستادیم شتر را برای امتحان ایشان

فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ ۝ وَنَبِّئْهُمْ اَنَّ الْمَآءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ

پس نگاهبان پس ایشان را و صبر کن ۝ و آگاه کن ایشان را بدرستیکه آب چشمه بخش شده میان ایشان هر نصیبی از آن

مُحْتَضَرٌ ۝ فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطٰى فَعَقَرَ ۝ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي

حاضر شده ۝ پس بخواندند قوم ثمود یار خود را پس گرفت شمشیر خود را پس پی کرد ناقه را ۝ پس چگونه بود عذاب من

وَنُذُرِ ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ
و بیم کردن من | بدرستی که ما فرستادیم بر ایشان | یک فریاد جبرئیل | پس گشتند | مانند درخت خشک

الْمُحْتَظِرِ ۝ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ۝
در هم شکسته | و بدرستی که آسان کردیم ما | قرآن را برای پند گرفتن پس آیا هیچ پند گیرنده هست

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا
تکذیب کردند قوم | لوط را | به بیم کردن | بدرستی که ما فرستادیم بر ایشان | باد سنگ بارنده

إِلَّا آلَ لُوطٍ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ ۝ نِعْمَةً مِنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي
مگر لوط و اولاد لوط را | رهانیدیم ایشان را | بوقت سحر | انعامی | از نزد ما | همچنانکه جزا دادیم ایشان را

مَنْ شَكَرَ ۝ وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ ۝
جزا میدهیم هر که سپاس دارد | و بتحقیق که ترسانید ایشان را | از شدت گرفتن ما | پس شک آوردند | آن بیم کردن

وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي
و بتحقیق که طلبیدند لوط را | از | مهمانان لوط | پس کور کردیم | چشمهای ایشان را | پس بچشید عذاب مرا

وَنُذُرِ ۝ وَلَقَدْ صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُسْتَقِرٌّ ۝ فَذُوقُوا
و بیم کردن مرا | و بتحقیق که بامداد کردند قوم | لوط در اول روز | عذابی | قرار گرفته | پس بچشید

عَذَابِي وَنُذُرِ ۝ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ
عذاب مرا و بیم کردن مرا | و بدرستی که ما آسان کردیم قرآن را برای موعظه | پس آیا هیچ پند شنونده

وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ ۝ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ
و بتحقیق | آمد بفرعون و آل او | بیم کردن | تکذیب کردند آیات ما را | همه | پس گرفتیم ایشان را

أَخْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ ۝ أَكُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أُولَئِكُمْ أَمْ لَكُمْ
گرفتنی غالب باشد توانا بر هلاک | آیا کافران شما | بهتر اند از آن در گذشتگان | یا شما راست

بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ ۝ أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرٌ ۝ سَيُهْزَمُ
برائتی | در کتابهای آسمان | یا | میگویند کفار که ما گروه جمع | شده ایم انتقام کشنده زود باشد که هزیمت کرده

الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ ۝ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَى
شود این جمع | و برگردانند پشتهای خود را | بلکه روز قیامت وعده ایشانست | و قیامت قطع تر

خطاب
با توبیخ است
و حاصل معنی آنکه شما که ایمان نمی
آورید آیا کفر شما باعتبار آنست که شما باید
قوی تر از قوم عاد و ثمود و امثال ایشان
آنکه گشتگان بجدی که توانید دفع نمود عذاب
الهی را از خود یا برای شما برات مسلمی از عذاب
خدا در کتابهای سماوی آمده یا توانید دفع
هم نمود هیچ یک واقع نیست پس چرا از عذاب
الهی نمی ترسانید و میگریزید

وأمر

وأمر ﴿ إن المجرمين في ضلال وسعر ﴿ يوم يسحبون في

و فرمان است / بدرستیکه گناهکاران در گمراهیند و آتش سوزان / روزی که کشیده شوند در

النار على وجوههم ذوقوا مس سقر ﴿ إنا كل شيء خلقناه

آتش بر رویهای خود / بچشید سودن دوزخ را / بدرستی که ما چیزی را آفریدیم

بقدر ﴿ وما أمرنا إلا واحدة كلمح بالبصر ﴿ ولقد

باندازه خود / و نیست فرمودن ما مگر کلمه واحده مانند نگریستن بچشم / و بتحقیق که

أهلكنا أشياعكم فهل من مدكر ﴿ وكل شيء فعلوه في

هلاک کردیم ما اشباه شما را / پس آیا هیچ پندگیرنده هست / و هر چیز را که کرده اند نوشته در

الزبر ﴿ وكل صغير وكبير مستطر ﴿ إن المتقين

نامهای اعمال / و هر خوردی و بزرگی نوشته شده / بدرستی پرهیزکاران

في جنات ونهر ﴿ في مقعد صدق عند مليك مقتدر

در بوستانها باشند و نهرها / در مکان پسندیده نزد پادشاهی مقتدر

نصف

سورة الرحمن ثمان وسبعون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الرحمن ﴿ علم القرآن ﴿ خلق الإنسان ﴿ علمه البيان

خداوند بخشاینده آموخت به پیغمبر خود قرآن را / آفرید انسان را / بیاموخت او را روشنی سخن

الشمس والقمر بحسبان ﴿ والنجم والشجر يسجدان

آفتاب و ماه بحسابی مقدر میروند / و گیاه بی ساق و بساق و درخت سجده میکنند خدا را

والسماء رفعها ووضع الميزان ﴿ ألا تطغوا في الميزان

و آسمان را برداشت بربالای زمین و وضع کرد ترازو را / تا تجاوز نکنید در میزان

وأقيموا الوزن بالقسط ولا تخسروا الميزان ﴿ والأرض

و بپای دارید سنجیدن را بعدل / و کم مکنید ترازو را / و زمین را

از حضرت امام موسی کاظم مرویست که هر چیزی را عروسیست و عروس قرآن سوره الرحمن است و از امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که سوره الرحمن را هر روز جمعه بخواند و هر گاه که بفبای آلاء ربکما تکذبان بگوید لا بشیء من آلائک رب اکذب یعنی با هیچ چیز از نعمتهای تو را پروردگارا تکذیب نمیکنیم و نیز از آنحضرت مرویست که هر که در شب این سوره را بخواند با جن حقتعالی دو فرشته را موکل گرداند که نگهبان او باشند تا صبح و اگر صبح بخواند نیز دو ملک را موکل کند که حافظ باشند تا شب

وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ۞ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ۞

نهاد در روی آب برای آدمیان ۞ در زمین انواع میوهاست و درخت خرما که خداوند غلافهاست

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

و دانه ایست که صاحب برگ خشک است و ریحانست ۞ پس بکدام یک از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنید

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ۞ وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ

آفرید آدمی را ۞ از گل خشک مجوف مانند گل پخته ۞ و آفرید جان را از

مَارِجٍ مِنْ نَارٍ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ

آتش متحرک ۞ پس کدام یک از نعمتهای پروردگار تکذیب می کنید ۞ پروردگار دو مشرق

وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ مَرَجَ

و پروردگار دو مغرب ۞ پس بکدام یک از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید ۞ روان کرد

الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ۞ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

دو دریا را که بهم میرسند ۞ میان آن دو دریا مانعی است از حکمت که افزونی نمیجویند ۞ پس کدام یک از نعمتهای

تُكَذِّبَانِ ۞ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ

پروردگار خود تکذیب می کنید ۞ بیرون می آید از این دو دریا مروارید بزرگ و مروارید کوچک ۞ پس بکدام یک از نعمتهای

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ۞

پروردگار خود تکذیب می کنید ۞ و مر خدا راست کشتیهای رونده برداشته بادبانها در دریا مانند کوهها

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ۞ وَيَبْقَى

پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید ۞ هر که بر روی زمینست فانی است ۞ و باقی ماند

وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

ذات پروردگار تو که صاحب عظمت و غنای مطلق است ۞ پس بکدام از نعمتهای پروردگار خو

تُكَذِّبَانِ ۞ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ

تکذیب می کنید ۞ سؤال میکند از و هر که در آسمانها و زمینست ۞ هر روزی او

فِي شَأْنٍ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ سَنَفْرُغُ

در کاریست ۞ پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید ۞ زود باشد که فارغ شویم

در مجمع
البیان از غواصان
حکایت کرده که مروارید از دریای
شور تنها نیست و نه از آب شیرین تنها بلکه از
محل تلاقی این دو آب بهم میرسد و استخراج این
دو آب دخل در حصول این دارد و بنابر این
وجه تثنیه ضمیر ظاهر است و در مجمع البیان
از سلمان فارسی رضی الله عنه و سعید ابن جبیر
روایت کرده که مراد از بحرین علی و فاطمه
و از برزخ محمد صلی الله علیه و آله و از لؤلؤ و
مرجان حسنین علیهما السلام که از آن دو
دریای علم بوجود آمده اند و ظاهر این است
که تاویل باطن آیه کریمه است و ظاهرش
همان است که اولا مذکور
شد

لكم ايها الثقلان ۝ فباي الاء ربكما تكذبان ۝ يا معشر

برای شما ای گروه جن و انس ۝ پس کدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید ۝ ای گروه

الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات

جن و آدمیان ۝ اگر توانید شما آنکه بیرون روید از کنارهای آسمانها

والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان ۝ فباي

و زمین پس بیرون روید بیرون نمیتوانید رفت مگر بسلطنت ۝ پس کدام

الاء ربكما تكذبان ۝ يرسل عليكما شواظ من نار

از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید ۝ فرستاده شد بر شما زبانه تند از آتش

ونحاس فلا تنتصران ۝ فباي الاء ربكما تكذبان ۝

و دود سیاه با مس گداخته پس یاری شوهید کرد ۝ پس کدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید

فاذا انشقت السماء فكانت وردة كالدهان ۝ فباي

پس چون شکافته آسمان ۝ پس گردد مانند گل سرخ چون روغن زیت ۝ پس کدام

الاء ربكما تكذبان ۝ فيومئذ لا يسئل عن ذنبه

از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید ۝ پس در آن روز سؤال کرده نشود از گناه خود

انس ولا جان ۝ فباي الاء ربكما تكذبان ۝ يعرف

آدم و نه جن ۝ پس کدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید ۝ شناخته میشود

المجرمون بسيماهم فيؤخذ بالنواصي والاقدام ۝ فباي

گناهکاران بسیاهی روی پس گرفته بموهای پیشانی و قدمها ۝ پس کدام

الاء ربكما تكذبان ۝ هذه جهنم التي يكذب بها المجرمون

از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنید ۝ این آن دوزخیست که تکذیب میکردند آنرا گناهکاران

يطوفون بينها وبين حميم ان ۝ فباي الاء ربكما تكذبان

طواف کنند میان دوزخ و میان آب بغایت گرم شده ۝ پس کدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنند

ولمن خاف مقام ربه جنتان ۝ فباي الاء ربكما

و از برای کسیکه بترسد از ایستادن نزد پروردگار خود دو بهشت ۝ پس کدام از نعمتهای پروردگار خود

بقول

اکثر مفسرین مراد از

این روز هنگام بیرون آمدن است

مردگانرا از قبرها و علت عدم سؤال آنست

که گناهکاران و نیکوکاران از یکدیگر ممتاز بسیمای

ایشان که آنها سیاه رو و اینها سفید رویند با آنکه

حقتعالی هر یک را میشناسد و احتیاج بسؤال

ندارد در معرفت ایشان و از حضرت امام رضا

مرویست که فرمود فیومئذ لا یسئل منکم عن ذنبه

انس و لا جان یعنی خطاب در این آیه با شیعیان است

و غرض آنست که هر که باعتقاد حق از دنیا رود

هر چند گناهکار باشد از شیعیان آدمیان در

روز قیامت سؤال از گناه او واقع نخواهد شد

بلکه بفضل الهی عفو از گناه او می شود یا در عالم

برزخ عذابی که مستحق اوست واقع خواهد شد و

گاه باشد بسکرات موت جزای او فعل آید

و بهر حال در روز قیامت بیگناه

محشور گردد چنانچه از

اخبار دیگر مستفاد

میشود

تكذبان ۞ ذواتا افنان ۞ فباي الاء ربكما تكذبان

تكذيب مي كنند — اين دو جنت صاحب شاخهاي درختند — پس بكدام از نعمتهاي پروردگار خود تكذيب مي كنند

فيهما عينان تجريان ۞ فباي الاء ربكما تكذبان

در آن دو جنت دو چشمه است كه روانست — پس بكدام از نعمتهاي پروردگار خود تكذيب ميكنند

فيهما من كل فاكهة زوجان ۞ فباي الاء ربكما

دراين دو بهشت از هر نوع ميوه دو صنف اند — پس بكدام از نعمتهاي پروردگار خود

تكذبان ۞ متكئين على فرش بطائنها من استبرق و

تكذيب ميكنند — درحالي كه تكيه كننده كان باشند بر فرشها كه آستر آنها از ديباي ستبر است و

جنا الجنتين دان ۞ فباي الاء ربكما تكذبان ۞ فيهن

ميوه چيدن آن دو بهشت نزديكست — پس بكدام از نعمتهاي پروردگار خود تكذيب ميكنند — دراين بهشتها

قاصرات الطرف لم يطمثهن انس قبلهم ولا جان ۞ فباي

كوتاه چشمان باشند كه بجز زوج خود بديگري ننگرند نسوده باشد ايشانرا آدمي پيش از ايشان نه جنيان پس بكدام

الاء ربكما تكذبان ۞ كانهن الياقوت والمرجان

از نعمتهاي پروردگار خود تكذيب ميكنند — گويا آن حوريان ياقوتند در سرخي و مرواريدند در خوردي

فباي الاء ربكما تكذبان ۞ هل جزاء الاحسان

پس بكدام از نعمتهاي پروردگار خود تكذيب مي كنند — آيا هست پاداش نيكويي باشد

الا الاحسان ۞ فباي الاء ربكما تكذبان ۞ ومن

مگر نيكويي — پس بكدام از نعمتهاي پروردگار خود تكذيب ميكنند — و از

دونهما جنتان ۞ فباي الاء ربكما تكذبان مدهامتان

نزديك آن دو بستان دو بستان ديگرست — پس بكدام از نعمتهاي پروردگار خود — تكذيب ميكنند بسيار سبز شده اند

فباي الاء ربكما تكذبان ۞ فيهما عينان نضاختان

باشند پس بكدام از نعمتهاي پروردگار خود تكذيب مي كنند — دراين دو جنت باشند — دو چشمه جوشنده

فباي الاء ربكما تكذبان ۞ فيهما فاكهة ونخل و

پس بكدام از نعمتهاي پروردگار خود تكذيب مي كنند — درآن دو بهشت ميوه باشد و درخت خرما و

ورمان

در تفسير

عياشي بسند او از
علي بن سالم مرويست كه گفت شنيدم
از حضرت ابو عبد الله كه ميفرمود آيتي در كتاب
الهي هست كه عام و محكم است گفتم كدام است
فرمود هل جزاء الاحسان الا الاحسان شامل
مومن و كافر و نيكوكار و بدكردار است كه
هر كه در دنيا نسبت بوي احساني كرده شود لازم
آنست كه در برابر آن احساني با آن كس
بعمل آورد و مكافات بهمين حاصل نشود كه مثل
آن احسان بعمل آوري بلكه بايد زياده بر آن
بجاي آوري كه اگر مثل احسان
او كني او را زيادتي بر تو خواهد
بود بعلت اينكه او اولا
اين كار كرده

رُمّانٌ ۝ فَبِاَیِّ اٰلآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ ۝ فِیهِنَّ خَیْرٰاتٌ
انار است ۝ پس کدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید ۝ در آن بهشت دختران

حِسَانٌ ۝ فَبِاَیِّ اٰلآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ ۝ حُورٌ مَقْصُورٰاتٌ
خوب صورت باشند ۝ پس کدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنید ۝ حوران باز داشته شده

فِی الْخِیَامِ ۝ فَبِاَیِّ اٰلآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ ۝ لَمْ یَطْمِثْهُنَّ
در خیمه باشند ۝ پس کدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید ۝ نسوده است ایشان را

اِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَآنٌّ ۝ فَبِاَیِّ اٰلآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ
آدمی پیش از اهل بهشت و نه جنیان ۝ پس کدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید

مُتَّکِئِینَ عَلٰی رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِیٍّ حِسَانٍ ۝ فَبِاَیِّ
تکیه کننده کانند بر فرشهای سبز و بساطهای قیمتی خوب ۝ پس کدام

اٰلآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ ۝ تَبَارَکَ اسْمُ رَبِّکَ ذِی الْجَلَالِ
از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید ۝ بزرگست اسم پروردگار تو که خداوند بزرگیها

سورة الواقعة | وَالْاِکْرَامِ ۝ | ست وتسعون آیة
و کرمهاست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ ۝
بنام خداوند بخشاینده مهربان

اِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۝ لَیْسَ لِوَقْعَتِهَا کَاذِبَةٌ ۝ خَافِضَةٌ
یاد کنید چون واقعشود واقع شونده ۝ نیست مر واقع شدن آنرا دروغ گوینده ۝ واقعشود پست سازنده

رَافِعَةٌ ۝ اِذَا رُجَّتِ الْاَرْضُ رَجًّا ۝ وَبُسَّتِ الْجِبَالُ
بر دارنده ۝ چون جنبانده شود زمین جنبانیدنی ۝ و ریزه ریزه شود کوهها

بَسًّا ۝ فَکَانَتْ هَبَآءً مُنْبَثًّا ۝ وَکُنْتُمْ اَزْوَاجًا ثَلٰثَةً ۝
ریزه ریزه شدنی ۝ پس باشد کوهها غباری پراکنده ۝ و باشید شما ای اصناف سه گانه

فَاَصْحَابُ الْمَیْمَنَةِ ۝ مَا اَصْحَابُ الْمَیْمَنَةِ ۝ وَاَصْحَابُ
پس یاران دست راست ۝ چه چیزند یاران دست راست ۝ و یاران

مراد از اصحاب میمنه
کسانی اند که در روز قیامت نامه اعمال
ایشان بدست راست داده شود و اصحاب مشئمه
آنانی اند که نامه کردارشان را
بدست چپ دهند

از حضرت
ابی جعفر روایت کرده
که هر که در شب سورة الواقعه را بخواند
پیش از آنکه خواب کند روزی که بخدا ملاقات کند
روی او چون ماه شب چارده
باشد

و از ابی عبد الله
علیه السلام مرویست که هر که
در شب جمعه سوره اذا وقعت را بخواند
حقتعالی او را دوست خود دارد
و هر گز در دنیا درمانده
نشود و از آفات
محفوظ
باشد

الْمَشْأَمَةِ ۝ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۝ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ
دست چپ چه اند یاران دست چپ و پیشی گیرندگان بایمان پیشی گیرندگانند

أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ۝ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۝ ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ
ایشانند مقربان در بوستانهای پرنعمت گروهی بسیار از پیشینیان

وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ ۝ عَلَىٰ سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ ۝ مُتَّكِئِينَ عَلَيْهَا
و گروهی اندک از پسینیان بر تختهای بهشت که بافته شده باشد تکیه زدگان باشند بر آن

مُتَقَابِلِينَ ۝ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ ۝ بِأَكْوَابٍ
در حالیکه روبروی هم قرار گرفته باشند گردند برایشان پسران جاوید ماندگان بکوزه‌های

وَأَبَارِيقَ ۝ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ ۝ لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا
بی دسته و ابریقها و جام مملو از شراب جاری درد سر نکشند از آن شراب خوردن و نه

يُنْزِفُونَ ۝ وَفَاكِهَةٍ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ ۝ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ
بی عقل شونده و میوه‌ها از آنچه اختیار کنند و گوشت مرغ از آنچه آرزو کنند

وَحُورٌ عِينٌ ۝ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ ۝ جَزَاءً بِمَا كَانُوا
و طواف کنند برایشان حوران بزرگ چشم مانند مروارید پوشیده در صدف است پاداش دادن ایشانرا بانچه بودند

يَعْمَلُونَ ۝ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا ۝ إِلَّا قِيلًا سَلَامًا
که میکردند نشنوند در بهشت سخن بیهوده و نه سخنی که موجب گناه باشد مگر گفتاری که آن سلام است

سَلَامًا ۝ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ۝ فِي سِدْرٍ
سلام و یاران دست راست چه اند یاران دست راست در زیر درخت سدر

مَخْضُودٍ ۝ وَطَلْحٍ مَنْضُودٍ ۝ وَظِلٍّ مَمْدُودٍ ۝ وَمَاءٍ مَسْكُوبٍ
بی خار و درخت موز برهم چیده و سایه کشیده شده و آب ریخته شده

وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ ۝ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ۝ وَفُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ
و میوه‌های بسیار نه بریده شده و نه منع کرده شده و گسترانیده‌ها که برداشته شده

إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً ۝ فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا ۝ عُرُبًا أَتْرَابًا
باشد بدرستی که ما آفریدیم ایشانرا آفریدنی پس گردانیدیم ایشانرا دختران و شیفته‌ها همسال هم

از حضرت ابو جعفر صلوات الله علیه مرویست که سابقان چهار نفر اند پسر آدم که کشته شد و سابق در امت موسی و آن مومن آل فرعون بود و سابق در امت عیسی و او حبیب نجار بود و سابق در امت محمد صلی الله علیه و آله علی ابن ابی طالب صلوات الله علیه بود

لاصحاب

لاصحاب اليمين ۞ ثلة من الاولين ۞ وثلة من الاخرين

برای یاران دست راست که گروهی اند پیشینیان و گروهی از پسینیان

واصحاب الشمال ما اصحاب الشمال ۞ في سموم وحميم ۞

و یاران دست چپ چه اند یاران دست چپ هستند در بادی بسیار گرم و

وظل من يحموم ۞ لا بارد ولا كريم ۞ انهم كانوا قبل

آبی گرم و سایه بی غایت از دودی سیاه نیست خنک و نه شود رسانده بدرستیکه ایشان بودند پیش از

ذلك مترفين ۞ وكانوا يصرون على الحنث العظيم ۞ وكانوا

این در دنیا بناز و نعمت پرورده شدگان و بودند که اصرار میکردند بر گناه بزرگ و بودند

يقولون ائذا متنا وكنا ترابا وعظاما ائنا لمبعوثون ۞

که میگفتند بروجه انکار آیا وقتی که بمیریم و گردیم خاک و استخوانها آیا ما وقتی که برانگیخته شویم از قبرها

اواباؤنا الاولون ۞ قل ان الاولين والاخرين ۞ لمجموعون

یا پدران ما که پیش بودند بگو بدرستی پیشینیان و پسینیان هر آینه جمع کرده شدگان

الى ميقات يوم معلوم ۞ ثم انكم ايها الضالون المكذبون

بسوی آنچه موقت شده که آن روزی معلوم است پس بدرستی که شما ای گمراهان تکذیب کنندگانید

لاكلون من شجر من زقوم ۞ فمالئون منها البطون ۞

هر آینه خورندگانید از درخت زقوم پس پر کنندگانید از آن شکمها را

فشاربون عليه من الحميم ۞ فشاربون شرب الهيم ۞ هذا

پس آشامندگانید بر بالای آن درخت از آب گرم پس آشامندگانید مانند آشامیدن شتران این است

نزلهم يوم الدين ۞ نحن خلقناكم فلولا تصدقون ۞

پیشکش ایشان در روز جزا ما آفریدیم شما را پس چرا باور نمیکنید

افرءيتم ما تمنون ۞ ءانتم تخلقونه ام نحن الخالقون ۞ نحن

آیا پس دیدید آنچه را که میریزید در رحم آیا شما می آفرینید آن را یا ما آفرینندگانیم ما

قدرنا بينكم الموت وما نحن بمسبوقين ۞ على ان

تقدیر کردیم میان شما مرگ را و نیستیم ما پیشی گرفته شدگان بر آنکه

نبدل امثالكم وننشئكم فيما لا تعلمون ولقد
تبدیل شما کنیم با مثال شما و باز آفرینیم شما را در چیزی که ندانید و بدرستیکه

علمتم النشاة الاولى فلولا تذكرون افرايتم ما تحرثون
دانستید شما آفریدن نخستین را پس چرا یاد نمیکنید توانائی ما را آیا پس دیدید آنچه زراعت می کنید

ءانتم تزرعونه ام نحن الزارعون لو نشاء لجعلناه حطاما
آیا شما میرویانید آن تخم را یا ما رویاننده ایم زرع شما را اگر خواهیم هرآینه بگردانیم ما او را در هم شکسته

فظلتم تفكهون انا لمغرمون بل نحن محرومون
پس همه روز شما تعجب میکنید گویند ما الزام کرده شدگانیم بلکه ما محروم شدگانیم

افرايتم الماء الذى تشربون ءانتم انزلتموه من المزن
آیا پس شما دیدید آبی را که می آشامید آیا شما فرو فرستاده اید آنرا از ابر سفید

ام نحن المنزلون لو نشاء جعلناه اجاجا فلولا تشكرون
یا ما فرو فرستنده آنیم اگر خواهیم گردانیم او را تلخ پس چرا شکر نمیکنید

افرايتم النار التى تورون ءانتم انشاتم شجرتها ام نحن
آیا پس دیدید آتشی را که بیرون می آید از درخت سبز آیا شما آفریدید درخت آتش را یا ما

المنشئون نحن جعلناها تذكرة ومتاعا للمقوين
پدید آرنده آنیم ما گردانیده ایم آن آتش را یاد کردن دوزخ و سبب نفع برای کسیکه نزول کند در بیابان

فسبح باسم ربك العظيم فلا اقسم بمواقع النجوم وانه
پس تسبیح کن بنام پروردگار خود که بزرگست بدرستی که قسم میخورم بمواضع ستارگان و بدرستی که

لقسم لو تعلمون عظيم انه لقران كريم فى كتاب مكنون
این قسم هرآینه قسمی است که بدانید بزرگ بدرستی که این قرآن بزرگوارست در کتابی پوشیده

لا يمسه الا المطهرون تنزيل من رب العالمين افبهذا
که مس نکند آنرا مگر پاکان فرو فرستاده شده از پروردگار جهانیان آیا پس این

الحديث انتم مدهنون وتجعلون رزقكم انكم
قرآنست که شما تهاون کنندگانید و میگردانید روزی خود را بدرستی که شما

در مجمع البیان از حضرات ابوجعفر و ابوعبدالله علیهما السلام روایت کرده که مراد از مواقع نجوم ستارهائی است که برای رجم شیاطین می افشند و بقولی مقصود نزول آیات و سوره قرآنی است که منجما فرستاده

حزب

فی کتاب مکنون صفت دیگر است برای قرآن و مراد از آن لوح محفوظ است و مجاهد گفته مراد از آن مصحف مجید است و این قول ضعیف است و لا یمسه الا المطهرون بنابر مشهور صفت دیگر است برای قرآن و بنابر این مراد از مطهرون گروهی اند از مسلمانان که پاک باشند از حدث صغر و حدث اکبر و آیه دلیل است بر حرمت مس محدث از مسلمانان نوشته قرآن

تکذبون

تُكَذِّبُونَ ۝ فَلَوْلَآ إِذَا بَلَغَتِ ٱلْحُلْقُومَ ۝ وَأَنتُمْ حِينَئِذٍ تَنظُرُونَ
دروغ کو یانید ۝ پس چرا چون برسد روح بحلقوم ۝ و شما آن هنگام می نگرید
وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنكُمْ وَلَٰكِن لَّا تُبْصِرُونَ ۝ فَلَوْلَآ
و ما نزدیکتریم بسوی او از شما ۝ و لیکن شما نمی بینید ۝ پس چرا
إِن كُنتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ۝ تَرْجِعُونَهَآ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ۝
اگر باشید جزا داده شدگان ۝ باز گردانید روح را اگر هستید راستگویان
فَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلْمُقَرَّبِينَ ۝ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ
پس اما اگر باشد محتضر از مقربان ۝ پس مراو راست راحت و ریحان و بوستان نعمت
نَعِيمٍ ۝ وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنْ أَصْحَٰبِ ٱلْيَمِينِ ۝ فَسَلَٰمٌ لَّكَ مِنْ
پر نعمت ۝ و اما اگر باشد از یاران دست راست ۝ پس سلامتی مر تو راست از
أَصْحَٰبِ ٱلْيَمِينِ ۝ وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلْمُكَذِّبِينَ ٱلضَّآلِّينَ
یاران دست راست ۝ و اما اگر باشد آن از تکذیب کنندگان گمراهان
فَنُزُلٌ مِّنْ حَمِيمٍ ۝ وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ ۝ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ حَقُّ ٱلْيَقِينِ ۝
پس منزل اوست از آب گرم ۝ و در آوردن در آتش سوزان ۝ بدرستی که آنچه گفته شد مر اوست حق ثابت
فَسَبِّحْ بِٱسْمِ رَبِّكَ ٱلْعَظِيمِ ۝
پس تسبیح کن بنام پروردگار خود که بزرگست

سورة الحديد تسع وعشرون آية

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان
سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ۝
تسبیح کند خدا را آنچه در آسمانها و زمینست و اوست غالب درست کار
لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ يُحْيِۦ وَيُمِيتُ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ
مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین زنده میکند و میمیراند و اوست بر همه
شَىْءٍ قَدِيرٌ ۝ هُوَ ٱلْأَوَّلُ وَٱلْءَاخِرُ وَٱلظَّٰهِرُ وَٱلْبَاطِنُ ۝
چیز توانا ۝ اوست اول و آخر و آشکار و نهان

خلاصه
معنی آنکه اگر مقهور حکم و تقدیر الهی نیستید بگمان باطل خود پس چرا بمیکه وا نمیدارید ارواح خود و دوستان خود را باید نها هنگامی که آن ارواح در حال احتضار بگلوها می رسد اگر راست گفتار یید درین گمان باطل

از ابو عبدالله مرویست که هر که سورهٔ حدید و مجادله را بخواند ... خدای تعالی ... و در مال و نفس او ... از جمیع آفات ...

وهو بكل شيء عليم ۞ هو الذي خلق السموات والارض في
و او بهمه چیز دانا اوست آنکه آفرید آسمانها و زمین را در

ستة ايام ثم استوى على العرش يعلم ما يلج في الارض
شش روز پس مستولی شد بر آفریدن عرش میداند آنچه در آید در زمین

وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها وهو
و آنچه بیرون می آید از آن و آنچه فرود می آید از آسمان و آنچه بالا رود در آن و او

معكم اينما كنتم والله بما تعملون بصير ۞ له ملك
با شماست هر جا که باشید و خدا آنچه میکنید بیناست مر او راست پادشاهی

السموات والارض والى الله ترجع الامور ۞ يولج الليل
آسمانها و زمین و بسوی خدا گردانیده شود کارها در می آورد شب را

في النهار ويولج النهار في الليل وهو عليم بذات الصدور
در روز و در می آرد روز را در شب و او دانا آنچه در سینه هاست

امنوا بالله ورسوله وانفقوا مما جعلكم مستخلفين فيه
بگروید بخدا و پیغمبر او و بدهید از آنچه گردانید شما را بازماندگان در آن

فالذين امنوا منكم وانفقوا لهم اجر كبير ۞ وما لكم لا
پس آنانکه گرویدند از شما و نفقه کردند مر ایشان راست مزد بزرگ و چیست مر شما را که

تؤمنون بالله والرسول يدعوكم لتؤمنوا بربكم وقد اخذ
منکر شوید بخدا و فرستاده او میخواند شما را تا بگروید به پروردگار خود و بتحقیق که گرفت خدا

ميثاقكم ان كنتم مؤمنين ۞ هو الذي ينزل على عبده
پیمان شما را اگر هستید گروندگان اوست آنکه فرستاد بر بنده خود

ايات بينات ليخرجكم من الظلمات الى النور وان الله بكم
نشانهای روشن تا بیرون آرد شما را از تاریکیها بسوی نور ایمان و بدرستی که خدا بشما

لرءوف رحيم ۞ وما لكم الا تنفقوا في سبيل الله ولله
هر آینه مهربان است و چیست مر شما را که نفقه میکنید در راه خدا و مر خدا راست

ميراث السموات والارض لا يستوي منكم من انفق من

میراث آسمانها و زمین برابر نیست از شما هرکه نفقه کرد

قبل الفتح وقاتل اولئك اعظم درجة من الذين انفقوا

پیش از فتح مکه و کارزار کرد آن گروه بزرگتر است از روی درجه از آنانکه نفقه کردند

من بعد وقاتلوا وكلا وعد الله الحسنى والله بما تعملون

از بعد فتح و کارزار کردند و همه را وعده داد خدا نیکوکاری را و خدا آنچه میکنید

خبير من ذا الذي يقرض الله قرضا حسنا فيضاعفه

آگاه است کیست آنکه قرض دهد بندگان خدا را قرض نیکو پس زیاد گرداند خدا آن قرض

له وله اجر كريم ۝ يوم ترى المؤمنين والمؤمنات

و مر او راست مزدی بزرگ روزی که بهبینی مردان مومن و زنان مومنه را

يسعى نورهم بين ايديهم وبايمانهم بشريكم اليوم

که میرود بشتاب نور ایشان در میان دستهای ایشان و در راست ایشان مژده باد شما را آن روز

جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ذلك

رفتن آن روز در بوستانها که میرود از زیر آنها نهرها در حالیکه جاوید باشند در آن این مژده

هو الفوز العظيم ۝ يوم يقول المنافقون والمنافقات

اوست رستگاری بزرگ روزی که گویند مردان منافق و زنان منافقه

للذين امنوا انظرونا نقتبس من نوركم قيل ارجعوا وراءكم

مر آنانرا که ایمان آورده اند نظر کنید با تا بگیریم از نور شما گفته شود که برگردید به پس خود

فالتمسوا نورا فضرب بينهم بسور له باب باطنه فيه الرحمة

پس بجوئید روشنی را پس زده شود میان ایشان دیواری بلند که مر او راست دری داخل آن در او بخشش است

وظاهره من قبله العذاب ۝ ينادونهم الم نكن معكم

یعنی بهشت و خارج آن از نزد او پیش آن عذاب که دوزخست بخوانند ایشانرا و گویند آیا نبودیم با شما

قالوا بلى ولكنكم فتنتم انفسكم وتربصتم وارتبتم

گویند بلی و لیکن شما در هلاکت افکندید نفسهای خود را بر آن سبب نفاق و انتظار مصیبت

وَغَرَّتْكُمُ الْاَمَانِيُّ حَتّٰى جَآءَ اَمْرُ اللّٰهِ وَغَرَّكُمْ بِاللّٰهِ الْغَرُوْرُ ۞

و شک کردید و بفریفت شمارا آرزوهای دور و دراز تا آمد حکم خدا و فریب داد شما را بخدا شیطان فریبنده

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَّلَا مِنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مَاْوٰكُمُ النَّارُ

پس امروز گرفته نشود از شما چیزی که فدا کنید و نه از آنانکه کافر شدند جای همه شما آتش است

هِيَ مَوْلٰكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ۞ اَلَمْ يَاْنِ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَنْ تَخْشَعَ

این سزاوارست شما را و بد بازگشتنی است آیا وقت نیامد مر آنانرا که گرویدند آنکه بترسید

قُلُوْبُهُمْ لِذِكْرِ اللّٰهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ اُوْتُوا

دلهای ایشان برای یاد کردن خدا و آنچه فرستاد خدا از کلام حق و نباشند مانند آنان که داده شده اند

الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْاَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوْبُهُمْ وَكَثِيْرٌ

کتاب پیش ازین پس دراز شد برایشان زمان یعنی عمر دراز پس سخت شد دلهای ایشان و بسیاری

مِّنْهُمْ فٰسِقُوْنَ ۞ اِعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ يُحْيِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ

از ایشان بدکارانند بدانید بدرستیکه خدا زنده میکند زمین را بعد مردن آن بتحقیق که

بَيَّنَّا لَكُمُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ۞ اِنَّ الْمُصَّدِّقِيْنَ وَالْمُصَّدِّقٰتِ

بیان کردیم برای شما نشانها شاید شما دریابید بدرستی که مردان صدقه کننده و زنان صدقه

وَاَقْرَضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضٰعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ اَجْرٌ كَرِيْمٌ ۞

کننده و مردان و زنانی که قرض دهند بندگان خدا را قرض نیکو زیاده شود مر ایشانرا و مر ایشانراست مزدی بزرگ

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖٓ اُولٰٓئِكَ هُمُ الصِّدِّيْقُوْنَ وَ

و آنانکه گرویدند بخدا و فرستادگان او آنگروه ایشانند راستگویان و

الشُّهَدَآءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ اَجْرُهُمْ وَنُوْرُهُمْ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا

گواهان نزد پروردگار ایشان مر ایشانراست مزد ایشان و نور ایشان و آنانکه کافر شدند

وَكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَآ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَحِيْمِ ۞ اِعْلَمُوْٓا اَنَّمَا الْحَيٰوةُ

و تکذیب کردند بنشانهای ما آن گروه اند یاران دوزخ بدانید که جز این نیست زندگانی

الدُّنْيَا لَعِبٌ وَّلَهْوٌ وَّزِيْنَةٌ وَّتَفَاخُرٌۢ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي

دنیا بازی و مشغولی است و زینتی و تفاخری میان شما و مباهات کردن در

در تفسیر
عیاشی از حارث بن
مغیره روایت کرده که گفت ما
در خدمت حضرت ابو جعفر صلوات الله علیه
بودیم پس آنحضرت فرمود که عارف باین امر
در میان شما یعنی آنکه شناسا باحق الله بدی
علیهم السلام باشد و انتظار ظهور دولت امام
بحق کشد بمحض رضای الهی بخدا سوگند که مانند
کسی است که جهاد کند بشمشیر با دشمنان آنحضرت
در خدمت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله پس دیگر
فرمود که بخدا سوگند که مانند کسیست که جهاد
کند در راه خدا بشمشیر خود در خدمت پیغمبر خدا
پس بار سیم فرمود که آری بخدا سوگند که مانند
کسی است که شهید شده باشد در خدمت رسول
در خیمه آنحضرت و در باب شما آیه نازل شده

الاموال

الاموال والاولاد كمثل غيث اعجب الكفار نباته ثم

مانند فرزندان او مانند بارانی است که بزرع برشکفت آرد کافرانرا نبات آن باران

يهيج فتريه مصفرا ثم يكون حطاما وفي الاخرة عذاب

پس خشک شود پس می بینی آنرا زرد پس باشد بعد از زردی درهم شکسته و در آخرت عذابی

شديد ومغفرة من الله ورضوان وما الحيوة الدنيا

سخت و آمرزش از جانب خدا و خشنودی و نیست زندگانی در دنیا

الا متاع الغرور ۞ سابقوا الى مغفرة من ربكم وجنة

مگر متاع فریفتن پیشی گیرید بسوی آمرزش از پروردگار خود و بهشتی که

عرضها كعرض السماء والارض اعدت للذين امنوا بالله

پهنای آن مانند پهنای آسمان و زمینست آماده کرده شد برای آنانکه گرویدند بخدا

ورسله ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل

و فرستادگان او این فضل خداست میدهد آنرا بهر که خواهد و خدا صاحب فضلست

العظيم ۞ ما اصاب من مصيبة في الارض ولا في انفسكم

بزرگ نرسید و نخواهد رسید هیچ مصیبتی در زمین و نه در نفسهای شما

الا في كتاب من قبل ان نبراها ان ذلك على الله

مگر در کتاب پیش از آنکه بیافرینیم نفسها را بدرستی که این بر خدا

يسير ۞ لكيلا تاسوا على ما فاتكم ولا تفرحوا بما

آسانست تا اندوهگین نشوید و غم نخورید بر آنچه فوت شده باشد از شما و شادمان نگردید بآنچه

اتيكم والله لا يحب كل مختال فخور ۞ الذين يبخلون و

داده شما را و خدا دوست ندارد هر متکبر فخر کننده را آنانکه بخل میکنند و

يامرون الناس بالبخل ومن يتول فان الله هو الغني الحميد

امر میکنند مردم را ببخل کردن و هر که روی بگرداند پس بدرستی که خدا اوست بی نیاز ستوده

لقد ارسلنا رسلنا بالبينات وانزلنا معهم الكتاب و

بتحقیق فرستادیم فرستادگان را با حجتهای روشن و فرستادیم با ایشان کتاب را و

در

کتاب خدا

حارث گوید گفتم کدام آیه در حق شهدای

تو کردم فرمود که والذین امنوا بالله ورسله

اولئک هم الصدیقون والشهداء عند ربهم پس

فرمود که گروه اید شما بخدا سوگند صادقان و شهیدان

نزد پروردگار خود و هم از منهال قصاب روایت

کرده که گفت از خدمت حضرت ابو عبد الله علیه

السلام استدعا کردم که دعا کند تا حقتعالی شهادت

روزی من گرداند پس آنحضرت فرمود

که مومن شهید است و این آیه را

تلاوت فرمود

مرویست

که مردی بخدمت

حضرت علی ابن الحسین علیهما السلام

آمده از حقیقت زهد استفسار نمود فرمود که زهد

مشتمل است بر ده مرتبه و بالاترین درجات آن

پست ترین درجات ورع است و بالاترین

درجات ورع پست ترین درجات یقین است

و بالاترین درجات یقین پائین ترین درجات رضاست

و بدرستی که همه مراتب زهد در این

آیه از کتاب الهی است که لکیلا

تاسوا علی ما فاتکم ولا تفرحوا

بما آتیکم والله

بسلم

الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ
ترازو را تا قایم شوند مردمان بعدل و فرستادیم آهن را که در آن آهن کارزار

شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ
سخت است و منفعتهای بسیار برای مردمان و تا بداند خدا آنکس را که نصرت میدهد او و فرستادگان او را

بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ
پنهان بدرستی که خدا توانای غالبست و بحقیق که فرستادیم نوح را و ابراهیم را

وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ
و گردانیدیم ما در میان فرزندان ایشان پیغمبری را و کتاب را پس بعضی از ایشان راه یافتگانند و بسیاری

مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ۝ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى
از ایشان بدکارانند و از پی در آوردیم بر اثرهای ایشان فرستادهای خود را و از پی در آوردیم عیسی

ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ
پسر مریم را و دادیم او را انجیل و گردانیدیم در دلهای آنانکه پیروی کردند

رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ
او را مهربانی و بخشایشی و طریق رهبانیت را که از نو پیدا کردند ننوشتیم ما بر ایشان

إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ
مگر آنرا اگر کردند بطلب خشنودی خدا پس رعایت نکردند آنرا حق رعایت آن پس دادیم آنانرا که

آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
گرویدند از ایشان مزد ایشانرا و بسیاری از ایشان فاسقانند ای آنانکه گرویده اید

اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ
بپرهیزید از خدا و بگروید به پیغمبر او تا بدهد شما را دو حصه از رحمت خود و بگرداند

لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ لِئَلَّا يَعْلَمَ
برای شما روشنی که بروید بآن و بیامرزد مر شما را و خدا آمرزنده مهربانست تا آنکه بدانند

أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ
اهل کتاب آنکه قادر نیستند بر چیزی از فضل خدا و بدرستی که

الفضل

الفضل بيد الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم

افزونی بدست خداست میدهد آنرا بهر که خواهد و خدا خداوند فضل بزرگست

سورة المجادلة اثنان وعشرون آية مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قد سمع الله قول التي تجادلك في زوجها وتشتكي الى الله

بتحقیق که شنید خدا سخن آن زن را که مجادله میکرد با تو در کار شوهر خود و شکایت میکرد بسوی خدا

والله يسمع تحاوركما ان الله سميع بصير الذين يظاهرون

و میشنود خدا مراجعت کلام شما را بدرستی که خدا شنوای بیناست آنانکه اظهار کنند

منكم من نسائهم ما هن امهاتهم ان امهاتهم الا اللائي

از شما از زنان خود نیستند آن زنان مادران ایشان نیستند مادران ایشان مگر زنانی که

ولدنهم وانهم ليقولون منكرا من القول وزورا وان

زاییدند ایشانرا و بدرستی که ایشان هر آینه میگویند انکار کرده شده از سخن نامشروع و دروغ و بدرستی که

الله لعفو غفور والذين يظاهرون من نسائهم ثم يعودون

خدا هر آینه درگذرنده آمرزنده است و آنانکه اظهار میکنند از زنان خود پس باز گردند

لما قالوا فتحرير رقبة من قبل ان يتماسا ذلكم توعظون به

بسوی آنچه گفتند پس بر ایشانست آزاد کردن بنده پیش از آنکه مس کنند بجماع آن حکم پند داده میشوید بآن

والله بما تعملون خبير فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين

و خدا بآنچه میکنید آگاه است پس هر که نیابد بنده پس بر اوست روزه داشتن دو ماه پی در پی

من قبل ان يتماسا فمن لم يستطع فاطعام ستين مسكينا

پیش از آنکه یکدیگر مس کنند بجماع پس هر که استطاعت روزه نداشته باشد پس بر اوست طعام دادن شصت مسکین

ذلك لتؤمنوا بالله ورسوله وتلك حدود الله وللكافرين

این از آنست تا بگروید بخدا و فرستاده او و این حدهای خداست و مر کافرانراست

المجادلة

خواص سوره مجادله در ضمن خواص سوره حدید مذکور شد

در مجمع البیان حکایت کرده که اوس بن صامت روزی با زن خود خوله بنت خویلد یا ثعلبه علی اختلاف القولین از روی غضب گفت انت علی کظهر امی و چون این سخن در جاهلیت طلاق بود و نهایت محبت و مودت میانه او و زنش بود از این حرکت پشیمان شده با زنش گفت چنان می پندارم که تو بر من حرام شده زن گفت چنین میگو لیکن برو از رسول خدا صلی الله علیه و آله بپرس گفت مرا شرم می آید که از آنحضرت این سؤال نمایم زن گفت مرا دستوری ده تا بروم و از آنحضرت استفسار نمایم دستوری داد آن زن خدمت آنحضرت آمد [illegible]

عَذَابٌ اَلِيمٌ ۝ اِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ

عذاب دردناک ۝ بدرستی که آنانکه خلاف میکنند خدا و فرستاده او خوار شوند همچنانکه خوار

الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَقَدْ اَنزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ

شدند آنانکه پیش از ایشان بودند و بتحقیق که فرستادیم آیتهای روشن و مر کافران راست عذاب

مُهِينٌ ۝ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللّٰهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا اَحْصَاهُ اللّٰهُ

خوار کننده ۝ روزی که برانگیزاند ایشانرا خدا همه پس خبر دهد ایشانرا بآنچه کرده باشند شمرده است خدا

وَنَسُوهُ وَاللّٰهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِي

و فراموش کردند و خدا بر همه چیز گواه است ۝ آیا ندیدی که خدا میداند آنچه در

السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ مَا يَكُونُ مِن نَّجْوَىٰ ثَلٰثَةٍ اِلَّا هُوَ

آسمانها و آنچه در زمینست نباشد واقع نجوی هیچ رازگفتن سه کس مگر آنکه خدا

رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ اِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا اَدْنَىٰ مِن ذٰلِكَ

چهارم ایشانست و نه رازگفتن پنج تن مگر آنکه خدا ششم ایشانست و نه کمتر از این نفر ۝ از این کس

وَلَا اَكْثَرَ اِلَّا هُوَ مَعَهُمْ اَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ

و نه بیشتر از آن مگر آنکه خدا با ایشانست هرجا باشند پس خبر دهد ایشانرا بآنچه کردند در روز

الْقِيٰمَةِ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ

قیامت بدرستی که خدا بهر چیز داناست ۝ آیا نمی بینی بسوی آنانکه بازداشته شدند از

النَّجْوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْاِثْمِ وَ

رازگفتن با هم پس باز میگردند بسوی آنچه نهی کرده شده از او و راز میگویند بآنچه گناه و ستم و

الْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَاِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ

تعدی و نافرمانی پیغمبر است و چون آیند بتو یا محمد تحیت کنند ترا بآنچه

يُحَيِّكَ بِهِ اللّٰهُ وَيَقُولُونَ فِي اَنفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللّٰهُ بِمَا

تحیت نکرده ترا بآن خدا و میگویند در نفسهای خود چرا عذاب نمیکند ما را خدا بآنچه

نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ

میگوئیم بس است ایشانرا دوزخ در آیند در آن پس بد بازگشتی است ۝ ای آنانکه

مذکور
مساخت
بازفرمود که حرام شده براو
در باب تو هنوز حکمی بمن نازل نشده بگر
آن زن سخن میگفت و آن حضرت همان جواب
می شنید و هرگاه آنحضرت میفرمود که حرام شده
برا و افغان و ناله میکرد و میگفت بار خدایا
حکم آنرا به پیغمبر خود بفرست در این حال این آیات
آمد پس آن زن گفت شوهر خود را طلب چون
حاضر شد این آیات بروی خواند و فرمود
که میتوانی بنده آزاد کنی گفت قیمت بنده
در این وقت بسیار گرانست و من چندان مال
ندارم پس فرمود میتوانی دو ماه پی در پی روزه
داری گفت من در هر روز سه نوبت چیزی
نخورم و اگر نخورم دیده ام ضعیف میشود و
میترسم که دیده ام نابود شود فرمود که میتوانی
شصت مسکین را طعام دهی گفت بخدا
سوگند که مگر آنکه اعانت و مدد من نمایی
پیغمبر خدا پس فرمود که پانزده صاع
و دعا میکنم که خدا برکت بمال تو دهد پس طعام
شصت مسکین نمود و حرمت جماع از آن زن
این کفاره زایل گردید و این
اول ظهاری بود که در دین
اسلام وقوع یافت

اٰمَنُوا

ءامنوا اذا تناجيتم فلا تتناجوا بالاثم والعدوان ومعصيت
الرسول وتناجوا بالبر والتقوى واتقوا الله الذى اليه
تحشرون ۝ انما النجوى من الشيطان ليحزن الذين ءامنوا و
ليس بضارهم شيئا الا باذن الله وعلى الله فليتوكل
المؤمنون ۝ يا ايها الذين ءامنوا اذا قيل لكم تفسحوا فى
المجالس فافسحوا يفسح الله لكم واذا قيل انشزوا فانشزوا
يرفع الله الذين ءامنوا منكم والذين اوتوا العلم درجات و
الله بما تعملون خبير ۝ يا ايها الذين ءامنوا اذا ناجيتم
الرسول فقدموا بين يدى نجويكم صدقة ذلك
خير لكم واطهر فان لم تجدوا فان الله غفور رحيم ۝
ءاشفقتم ان تقدموا بين يدى نجويكم صدقات فاذ
لم تفعلوا وتاب الله عليكم فاقيموا الصلوة واتوا

الزَّكوٰةَ وَاَطِيعُوا اللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَاللّٰهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ اَلَمْ تَرَ

زکوة را و پیروی کنید خدا و فرستاده او و خدا آگاه است بآنچه میکنید ۝ آیا نمی بینی

اِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا

بسوی آنانکه دوست گرفتند قومی را غضب خداست بر ایشان نیستند ایشان از شما و نه

مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝ اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ

از یهودان و سوگند میخورند بدروغ و ایشان میدانند ۝ آماده کرده خدای برای

عَذَابًا شَدِيدًا اِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ اِتَّخَذُوا اَيْمَانَهُمْ

ایشان عذاب سخت را بدرستی که ایشان بد بود آنچه بودند که میکردند ۝ فرا گرفتند سوگندان خود را

جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ۝ لَنْ

سپری پس باز داشتند مردم را از راه خدا پس ایشان راست عذاب خوار کننده ۝ هرگز

تُغْنِيَ عَنْهُمْ اَمْوَالُهُمْ وَلَا اَوْلَادُهُمْ مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا اُولٰٓئِكَ

دفع نکند از ایشان مالهای ایشان و نه فرزندان از خدا چیزی را آن گروه

اَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللّٰهُ جَمِيعًا

یاران آتشند ایشان در آن جاویدان ۝ روزی که برانگیزاند ایشان را خدا همه

فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ اَنَّهُمْ عَلَى شَيْءٍ اَلَا اِنَّهُمْ

پس سوگند خورند برای خدا چنانکه میخورند برای شما و گمان دارند آنکه ایشان برچیزی اند بدانید که ایشان

هُمُ الْكَاذِبُونَ ۝ اِسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَاَنْسٰيهُمْ

دروغگویانند ۝ مستولی بر ایشان شیطان پس فراموش گرد

ذِكْرَ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ اَلَا اِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ

ایشان از یاد خدا آن گروه لشکر شیطانند بدانید بدرستی لشکر شیطان

هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ اِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ اُولٰٓئِكَ

ایشانند زیانکاران ۝ بدرستی که آنانکه خلاف کنند خدا و فرستاده او را آن گروه

فِي الْاَذَلِّينَ ۝ كَتَبَ اللّٰهُ لَاَغْلِبَنَّ اَنَا وَرُسُلِي اِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ

در سلک خواران ۝ نوشته است خدا که هرآینه غالب شوم و پیغمبران من بدرستیکه خدا توانای

با آنحضرت

کشیدند پس آیه رخصت یعنی کریمه

ءاشفقتم ان تقدموا تا آخر برای نسخ آن

حکم نزول یافت و از امیر المؤمنین صلوات الله علیه

روایت کرده که در کتاب الهی آیه ایست که

هیچ احدی بمقتضای آن عمل نکرده پیش از من و

عمل نخواهد کرد بعد از من و آن این آیه است

که یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم الرسول تا

آخر و فرمود که من یک دینار داشتم آنرا بده درهم

فروختم و هرگاه میخواستم که رازی با آنحضرت

بگویم درهمی پیشتر تصدق میکردم پس نسخ فرمود

آن حکم را بآیه دیگر که ءاشفقتم ان تقدموا تا آخر

پس فرمود که بسبب من تخفیف نمود خدا تعالی

از این امت و نازل نشد آن آیه در شان کسی

پیش از من و نازل نخواهد شد در شان کسی بعد از

من و از عبد الله بن عمر روایت کرده که گفت

حضرت علی ابن ابی طالب را سه خصلت بود که

اگر یکی از آنها مرا میبود بهتر بود نزد من از

شتر سرخ موی اول تزویج نمودن رسول بوی فاطمه را

علیها السلام و دادن علم را بوی در روز فتح خیبر

و آیه نجوی و از مجاهد و قتاده حکایت کرده که

چون خدا تعالی نهی فرمود مردمان را از راز

گفتن با آنحضرت صلی الله علیه و آله پیش از صدقه

نکرد با آنحضرت بغیر از علی ابن ابی طالب صلوات الله

علیه پس گردان صدقه را و راز

نمود پس آیه رخصت آمد

عیز

عزيز ۞ لا تجد قوما يؤمنون بالله واليوم الآخر يوادون

غالب است نيابي گروهي را كه ميگروند بخدا و روز قيامت كه دوستي كنند

من حاد الله ورسوله ولو كانوا آباءهم او ابناءهم او

كساني كه خلاف كنند خدا و فرستاده او را و اگر باشند پدران ايشان يا پسران ايشان يا

اخوانهم او عشيرتهم اولئك كتب في قلوبهم الايمان

برادران ايشان يا خويشان ايشان آنگروه نوشته در دلهاي ايشان ايمان را

وايدهم بروح منه ويدخلهم جنات تجري من تحتها

و تقويت كرده خدا ايشانرا بحجتي كه دلشان زنده شود و درآورد ايشانرا در بوستانها كه ميرود از زير آنها

الانهار خالدين فيها رضي الله عنهم ورضوا عنه اولئك

نهرها كه جاويدانند در آن خشنود شود خدا از ايشان و خشنود باشند از خدا آن گروه

حزب الله ۞ الا ان حزب الله هم المفلحون ۞

لشكر خدايند بدانيد كه لشكر خدايند ايشان رستگارانند



بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاينده مهربان

سبح لله ما في السموات وما في الارض وهو العزيز الحكيم

تسبيح كرد مر خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است و اوست خداي غالب درست كار

هو الذي اخرج الذين كفروا من اهل الكتاب من ديارهم

اوست آنكه بيرون كرد آنانرا كه كافر شدند از اهل كتاب از ديار ايشان

لاول الحشر ما ظننتم ان يخرجوا وظنوا انهم مانعتهم

در اول راندن ايشان گمان نداشتيد آنكه بيرون روند و گمان داشتند ايشان آنكه منع كند ايشانرا

حصونهم من الله فاتاهم الله من حيث لم يحتسبوا وقذف

حصارهاي ايشان از عذاب خدا پس آمد بايشان عذاب خدا از آنجا كه گمان نمي بردند و افكند خدا

غرض

ازان آيه چنانچه از اهل بيت بسيار مستفاد است آنست كه موالات و دوستي كافران هرچند خويش و نزديك باشند با ايمان جمع نشود و نقولي در باب عبد الله بن ابي نازل شده چون پسرش مخلص و مطيع رسول بود و آنحضرت آب اوكفت كاش سور خود را ميداد كه ميبردم و پدرم ميخورد شايد كه ايمان در دلش جا ميكرد آنحضرت حاجت او قبول نمود نيم خورده آنرا بابو داد و چون آنرا برد پيش پدر و شرح حال نمود عبد الله گفت كاش بجاي اين آب بول مادرت را مي آوردي آن پسر بخدمت آنحضرت آمده و حكايت عرضه داشت و رخصت قتل پدرش را از آنحضرت خواسته آن معدن حلم و منبع نبوت ابا فرمود كه با پدرت مهرباني كن

سعيد مكاري از ابو عبد الله روايت كرده كه هركه در شبانگاه سوره الرحمن و حشر را بخواند ...

اين اهل الكتاب گروهي النضير از قبائل جهودان كه رسول خدا صلى الله عليه و آله بفرمان الهي ايشانرا از خانمان آواره ساخته گروهي بخيبر و بعضي باذرعات شام رفتند

فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ

در دلهای ایشان ترس را خراب میکردند خانهای خود را بدستهای خود و دستهای مؤمنان

فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ ۞ وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ

پس عبرت گیرید ای صاحبان بینایی و اگر نه آن بودی که نوشته است خدا بر ایشان

الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ

جلای از خانهای هر آینه عذاب ایشان را در دنیا و مر ایشانراست در آخرت عذاب آتش

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ

این بسبب آنست که ایشان مخالفت کردند خدا را و فرستادهٔ او را و هر که خلاف کند خدا را پس بدرستی که خدا

شَدِيدُ الْعِقَابِ ۞ مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا

سخت عقوبتست آنچه بریدید از خرماستان یا بگذاشتید آنرا

قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ ۞ وَمَا

ایستاده بر اصلهای خود پس آن باذن خداست و تا خوار کند خدا بدکاران را و آنچه

أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا

باز گردانید خدا بر فرستادهٔ خود از مالهای ایشان پس نتاختید بر آن اموال هیچ اسبی و نه

رِكَابٍ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ

شتری و لیکن خدا میکند مسلط پیغمبران خود را بر هر که خواهد و خدا

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۞ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ

بر هر چیز تواناست آنچه باز گردانیده خدا بر فرستادهٔ خود از اهل دهها

فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ

پس خدا و مر فرستادهٔ او را و مر خداوندان خویشی و یتیمان آل محمد و درویشان و درماندگان

السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ ۚ وَمَا

راه گذاران تا نباشد آن چیز متداول میان بی نیازان از شما و آنچه

آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ

بدهد شمارا پیغمبر پس بگیرید آنرا و آنچه نهی کند شمارا از آن پس باز ایستید و پرهیز کنید از خدا



ان الله

إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا
بدرستیکه خدا سخت عقوبتست مر درویشانرا مهاجرانرا آنانکه بیرون رفتند

مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا
از خانهای خود و مالهای خود طلب کنند افزونی را از خدا و خشنودی

وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ۝ وَالَّذِينَ
و یاری میدهند دین خدا و رسول او آن گروه ایشانند راستگویان و آنانکه

تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ
جای در سرای گرفتند و در ایمان پیش از مهاجران دوست میدارند هرکه هجرت کرد بسوی ایشان

وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ
و نیابند در سینهای ایشان آنچه احتیاج باشد از آنچه داده شد و اختیار میکنند

أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ
بر نفسهای خود و اگر هست ایشانرا بآنچه میدهند و هرکه نگاه داشته شود در بخل نفس پس گروه

هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا
ایشانند رستگاران و آنانکه آمدند بعد از مهاجران و انصار میگویند پروردگارا

اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ
بیامرز مارا و برادران مارا آنانکه پیشی گرفتند مارا بایمان و مگردان

فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ أَلَمْ تَرَ
در دلهای ما کینه و حسدی مر آنانرا که گرویدند پروردگارا بدرستیکه تو مهربان بخشاینده آیا ندیدی

إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ
بسوی آنانکه نفاق میورزند و میگویند مر برادران خود را آنانکه کافر شدند از اهل

الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا
کتاب هرآینه اگر بیرون کرده شوید بیرون آئیم البته با شما و فرمان نبریم در خلاف شما کسی را هرگز

وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۝
و اگر کارزار کرده شوید هرآینه یاری دهیم شما را و خدا گواهی میدهد بدرستیکه ایشان مر دروغگویانند

در مجمع البیان حکایت کرده از ابن عباس که رسول خدا روزی با انصار گفت که اگر خواهید اموال و خانهای خود و غنایم بنی النضیر شریک شوید با مهاجران و اگر خواهید اموال و خانهای شما مخصوص شما باشد و در این غنایم شما را هم نصیب باشد ایشان گفتند ما خانها و اموال خود را قسمت میکنیم با مهاجران و غنایم را مخصوص ایشان میکردانیم پس این آیه نازل شد

حزب

و بقولی این آیه و الذین تبوءو الدار ما بآخر در زمانی نازل شد که مردی بخدمت رسول خدا آمده عرضه داشت که گرسنه ام و طعامی طلبید آنحضرت بخانهای خود کس فرستاد که اگر طعامی باشد بیاورند هیچ در خانه آنحضرت نبود پس فرمود که کیست که امشب این مرد را ضیافت نماید مردی از انصار برخواست و او را بخانه برد و هیچ در خانه نداشت بغیر طعامی که بجهه کودکان خود مهیا کرده بود آن طعام را برای آنمرد آورد و چون میسر نشد که آنمرد بفهمد که آن طعام از کودکان

لئن اخرجوا لا یخرجون معهم ولئن قوتلوا لا ینصرونهم ولئن

اگر بیرون کرده شوند بیرون نمیروند با ایشان و اگر کارزار کرده شوند یاری نمیکنند ایشانرا و اگر

نصروهم لیولن الادبار ثم لا ینصرون ۝ لانتم اشد رهبة

یاری دهند ایشانرا هر آینه برگردانند پشتهای خود را پس یاری کرده نشوند ۝ هر آینه شما سخت تر از روی ترس

فی صدورهم من الله ذلک بانهم قوم لا یفقهون ۝ لا

در سینه های ایشان از خدا است این ترس بسبب آنست که ایشان گروهی اند که نمی فهمند

یقاتلونکم جمیعا الا فی قری محصنة او من وراء

کارزار نمیکنند در حالی که جمع باشند مگر در دههای استوار یا از پس

جدر باسهم بینهم شدید تحسبهم جمیعا وقلوبهم شتی

دیوارها کارزار ایشان در میان هم سخت است پنداری تو ایشانرا جمع و حال آنکه دلهای ایشان متفرق است

ذلک بانهم قوم لا یعقلون ۝ کمثل الذین من قبلهم

این بسبب آنست که ایشان گروهی اند که نمی فهمند مانند مثل آنانست که پیش از ایشان بودند

قریبا ذاقوا وبال امرهم ولهم عذاب الیم ۝ کمثل

زمان اندک بچشیدند عاقبت کار ایشان و مر ایشانراست عذابی دردناک ۝ چون وعده

الشیطان اذ قال للانسان اکفر فلما کفر قال انی

شیطانست چون گفت مر آدمی را که بر کفر خود ثابت باش پس چون کافر شد گفت که من

بریء منک انی اخاف الله رب العالمین ۝ فکان عاقبتهما

بیزارم از تو بدرستی که من میترسم از خدا که پروردگار عالمیانست پس هست عاقبت این شیطان

انهما فی النار خالدین فیها وذلک جزاء الظالمین ۝ یا

و آدمی بدرستی که ایشان در آتش همیشه باشند در آن و این باداش ستمکارانست ای

ایها الذین آمنوا اتقوا الله ولتنظر نفس ما قدمت لغد

آنانکه گرویده اید بپرهیزید از عذاب خدا و باید که نظر کند هر نفسی آنچه پیش فرستاده برای فردای

واتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون ۝ ولا تکونوا کالذین

و بپرهیزید از عذاب خدا بدرستی که خدا داناست بآنچه می کنید ۝ و مباشید مانند آنانکه

نَسُوا اللّٰهَ فَاَنْسٰهُمْ اَنْفُسَهُمْ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۞ لَا يَسْتَوِىٓ

فراموش کردند خدا پس فراموش کرد خدا برایشان نفسهای ایشان را آنگروه ایشان فاسقانند برابر نیستند

اَصْحَابُ النَّارِ وَاَصْحَابُ الْجَنَّةِ اَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَآئِزُونَ

یاران آتش و یاران بهشت یاران بهشت ایشان رستگارانند

لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰى جَبَلٍ لَرَاَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا

اگر فرو فرستیم ما این قرآن را بر کوهی هر آینه میدیدی آنرا ترسنده شکافته از هم

مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ

ریخته از ترس خدا و این مثلها را بیان کنیم ما برای مردمان شاید ایشان

يَتَفَكَّرُونَ ۞ هُوَ اللّٰهُ الَّذِى لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ

تفکر کنند اوست خدائی که نیست خدائی مگر او دانای نهان

وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ ۞ هُوَ اللّٰهُ الَّذِى لَآ اِلٰهَ اِلَّا

و آشکار اوست بخشنده مهربان اوست خدائی که نیست خدائی مگر

هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ

او پادشاه عالم که پاک و سالم از عیبهاست ایمن کننده بندگان نگهبان غالب بزرگوار

الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۞ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ

در نهایت کبریا پاکست خدا از آنکه شریک میسازند اوست خدای آفریننده مخلوقات

الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِى السَّمٰوَاتِ وَ

آفریننده ممکنات مر اوراست نامهای نیکو تسبیح میکند مر او را آنچه در آسمانها و

الْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۞

زمینست و او غالب درست کار است

سورة الممتحنة ثلث عشرة آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

يَآ اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّى وَعَدُوَّكُمْ اَوْلِيَآءَ

ای کسانی که گرویده اید مگیرید دشمنان من و دشمنان شما دوستان



تلقون إليهم بالمودة وقد كفروا بما جاءكم من الحق يخرجون

می افکنید بسوی ایشان دوستی را بمکاتبه و بتحقیق که کافر شدند بآنچه آمده بشما از راستی بیرون میکنند

الرسول وإياكم أن تؤمنوا بالله ربكم إن كنتم خرجتم

پیغمبر را و شما را بسبب آنکه ایمان آورده اید بخدا پروردگار شما اگر هستید که بیرون آمده اید

جهادا في سبيلي وابتغاء مرضاتي تسرون إليهم بالمودة

بجهت جهاد در راه من و برای طلب رضای من پنهانی میفرستید بسوی ایشان دوستی

وأنا أعلم بما أخفيتم وما أعلنتم ومن يفعله منكم

و من میدانم آنچه را پنهان میکنید و آنچه را آشکار میکنید و هر که بکند این کار را از شما

فقد ضل سواء السبيل إن يثقفوكم يكونوا لكم أعداء

پس بدرستی که گم کرده راه راست را اگر بیابند شما را دشمنان که باشند مر شما را دشمنان

ويبسطوا إليكم أيديهم وألسنتهم بالسوء وودوا

و بگشایند بسوی شما دستهای خود را و زبانهای خود را به بدی و دوست دارند

لو تكفرون لن تنفعكم أرحامكم ولا أولادكم يوم

اگر کافر شوید شما هرگز نفع نخواهند رسانید شما خویشان شما و نه فرزندان شما روز

القيمة يفصل بينكم والله بما تعملون بصير قد كانت

قیامت جدا کند میان شما و خدا بآنچه میکنید بیناست بدرستی هست

لكم أسوة حسنة في إبرهيم والذين معه إذ قالوا لقومهم

مر شما را قدوه نیکو که بآن اقتدا باید کرد در میان ابراهیم و آنانکه با او بودند وقتی که گفتند ایشان مر قوم خود را

إنا برآء منكم ومما تعبدون من دون الله كفرنا بكم

بدرستی که ما بیزاریم از شما و از آنچه پرستش میکنید بجز خدا از اصنام انکار کردیم دین شما

وبدا بيننا وبينكم العداوة والبغضاء أبدا حتى تؤمنوا

و ظاهر شد میان ما و میان شما عداوت و دشمنی بدل و دشمنی بدست تا آنکه ایمان آرید

بالله وحده إلا قول إبرهيم لأبيه لأستغفرن لك

بخدا که یگانه است او مگر در گفتن ابراهیم مر پدر خود را که هر آینه آمرزش می طلبم برای تو

بیان

شان نزول این

آیات در مجمع البیان حکایت

کرده که بعد از واقعه بدر دو سال ساره مغنیه

از مکه بمدینه آمد و رسول خدا صلی الله علیه و آله

از مشار حرکت وی استفسار فرمود و فرمود

که آیا مسلمان شده گفت نه فرمود مطلب چه

از مکه و سکنای در مدینه است عرض کرد نه ملکه

بعلت فقر و فاقه آمده ام چون بزرگان قریش

مستاصل شدند در بدر پس آنحضرت صلی الله

علیه و آله اولاد عبد المطلب را فرمود تا طعام

و کسوه و سواری و زاد و راحله سفر مکه بوی

دادند و در آنوقت آنحضرت اراده فتح مکه داشت

پس حاطب بن ابی بلتعه نامه بقریش نوشت که

پیغمبر اراده فتح مکه دارد با خبر باشید و تهیه کار

خود نمائید و آن را بساره داد چون ساره روانه

شد جبرئیل آنحضرت را از معنی آگاهی داد و آن

حضرت با علی علیه السلام و عمار و عمر و زبیر و طلحه و

مقداد فرمود بروید تا روضه خاخ و آن محلی است

در ما بین الحرمین در آنجا ساره را دیده نامه از وی

مطالبه نمودند و او منکر شده قسم یاد نمود

نامه با او نیست و اسباب او را ملاحظه تمام نمودند

چیزی نیافتند رفتا خواستند برگردند امیر المؤمنین

فرمود بخدا سوگند که پیغمبر صلی الله علیه و آله ما را

دروغ نگفته و نامه البته با او هست و شمشیر کشیده

با ساره گفت نامه را بده والا بخدا اگر گردن ترا

[illegible]

وما

وما املك لك من الله من شيء ربنا عليك توكلنا واليك
و ما لک نیستم برای تو دفع عذاب خدا هیچ چیزی ای پروردگار ما بر تو توکل کردیم و بسوی تو

انبنا واليك المصير ربنا لا تجعلنا فتنة للذين كفروا
بازگشتیم و بسوی تست بازگشت همه ای پروردگار ما مگردان ما را آزمایش برای آنانکه کافر شدند

واغفر لنا ربنا انك انت العزيز الحكيم لقد كان لكم فيهم
و بیامرز ما را ای پروردگار ما بدرستی که تویی تو غالب درست کار بدرستی که هست شما را در ابراهیم

اسوة حسنة لمن كان يرجوا الله واليوم الاخر ومن
قوم او خصلتی نیکو مر آن کسی را که باشد امیدوار رضای خدا و روز قیامت و هر که

يتول فان الله هو الغني الحميد عسى الله ان يجعل بينكم
روی بگرداند بدرستی که خدا اوست بی نیاز ستوده امید هست که خدا بگرداند میان شما

وبين الذين عاديتم منهم مودة والله قدير والله غفور
و میان آنانکه دشمنی داشتید از کفار دوستی و خدا تواناست و خدا آمرزنده

رحيم لا ينهيكم الله عن الذين لم يقاتلوكم في الدين
مهربانست نهی میکند شما را خدا از آنانکه کارزار نکردند با شما در کار دین

ولم يخرجوكم من دياركم ان تبروهم وتقسطوا اليهم ان
و بیرون نکردند شما را از خانهای شما که نیکویی کنید با ایشان و حکم بعدل کنید بسوی ایشان بدرستی که

الله يحب المقسطين انما ينهيكم الله عن الذين قاتلوكم
خدا دوست میدارد عدل کنندگان را جز این نیست که نهی میکند شما را خدا از آنانکه کارزار کردند با شما

في الدين واخرجوكم من دياركم وظاهروا على اخراجكم
در دین و بیرون کردند شما را از دیار شما و هم پشت شدند بر بیرون کردن شما

ان تولوهم ومن يتولهم فاولئك هم الظالمون يا ايها
آنکه دوستی کنید با ایشان و هر که دوست دارد ایشان را پس آنگروه ایشان ستمکاران ای

الذين امنوا اذا جاءكم المؤمنات مهاجرات فامتحنوهن
آنانکه گرویدید چون بیایند شما را زنان مؤمنه که هجرت کننده باشند پس بیازمایید آنها را

آورده
با آنحضرت واد ایشان
معاودت بمدینه نموده گفت بعرض حضرت
رسالت رسانیدند آنحضرت حاطب را
طلبیده فرمود که غرض تو ازین حرکت
چه بوده گفت یا رسول الله از روزی که
مسلمان شده ام هرگز کفر نورزیده ام و از
آنوقت که اظهار خیرخواهی تو نموده ام دیگر
هرگز صلاح حال تو را منظور نداشتم و از آنگاه
که از قریش جدایی نموده بخدمت شتافتم دیگر
هرگز ایشان را دوست نداشتم و منشا این حرکت
آن بود که مرا در مکه خویشان هست که ناتوان
و ضعیفند و میترسیدم که از شنیدن حرکت مسلمانان
بمکه قریش درصدد ایذای قوم من درآیند من
خواستم که ایشان را ممنون خود نمایم شاید که
ایشان بقوم من نرسد و میدانستم که خدای
عز و جل تو را نصرت خواهد داد و بر قریش غالب
خواهی شد و نامه من بحال تو ضرری نرساند
آنحضرت صلی الله علیه و آله
عذر او را در پذیرفت
در مجمع
البیان حکایت کرده
از ابن عباس که این آیه در شان
خزاعه و بنی مدلج نازل شده که با رسول الله
مصالحه نموده بشرط آنکه خود محاربه با
مسلمانان ننمایند و دشمن هم
ننمایند

اللّٰه اعلم بايمانهن فان علمتموهن مؤمنات فلا ترجعوهن
خدا داناتر است بگرویدن ایشان پس اگر دانستید آنها را که مؤمنه اند پس باز مگردانید ایشان را
الى الكفار لا هن حل لهم ولا هم يحلون لهن وآتوهم
بسوی کفار نه این زنان حلال است مر کافران را و نه کفار حلال می شوند مر آن زنان را و بدهید ایشان را
ما انفقوا ولا جناح عليكم ان تنكحوهن اذا آتيتموهن
آنچه خرج کرده اند و نیست گناه بر شما اگر نکاح کنید زنان مهاجره را هرگاه بدهید ایشان
اجورهن ولا تمسكوا بعصم الكوافر واسئلوا ما انفقتم
مزدهای ایشان را و چنگ مزنید بعقد و کابین زنان کافره و بپرسید از کفار آنچه خرج کرده
وليسئلوا ما انفقوا ذلكم حكم اللّٰه يحكم بينكم واللّٰه
و باید که بخواهند کفار آنچه خرج کرده اند از شما این فرمان خداست حکم میکند میان شما و خدا
عليم حكيم وان فاتكم شيء من ازواجكم الى الكفار
دانای درست کار است و اگر فوت شود از شما چیزی از زنان شما بسوی کفار
فعاقبتم فآتوا الذين ذهبت ازواجهم مثل ما انفقوا
پس عاقبت ظفر از شماست پس بدهید آنان را که رفته اند زنان ایشان مانند آنچه نفقه کرده اند
واتقوا اللّٰه الذي انتم به مؤمنون يا ايها النبي اذا جاءك
و بترسید از عذاب خدایی که شما بآن خدا گرونده اید ای پیغمبر برگزیده چون بیایند بتو
المؤمنات يبايعنك على ان لا يشركن باللّٰه شيئا ولا يسرقن
زنان مؤمنه مبایعه کنند با تو بر آنکه شرک نیارند بخدا چیزی و دزدی نکنند
ولا يزنين ولا يقتلن اولادهن ولا يأتين ببهتان يفترينه
و زنا نکنند و نکشند فرزندان خود را و نیایند بدروغی که افترا کرده باشند آن را
بين ايديهن وارجلهن ولا يعصينك في معروف فبايعهن
میان دستهای خود و پاهای خود و عاصی نشوند با تو در کار نیک پس بیعت کنید با
واستغفر لهن اللّٰه ان اللّٰه غفور رحيم يا ايها الذين آمنوا
ایشان و طلب آمرزش کنید برای ایشان از خدا بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست ای آنانکه ایمان آورده اند

مجمع البیان حکایت کرده که در صلح شرط شده بود که هر که از مشرکان قریش بمدینه آید حضرت رسول او را بمکه باز پس فرستد هر چند مسلمان شده باشد و بعد از وقوع مصالحه بهمان در حدیبیه سبیعه حارث اسلمیه بلشکر اسلام آمد و اظهار اسلام نمود شوهرش مسافر که از قبیله بنی مخزوم بود آمد و بمقتضای مصالحه زن خود را مطالبه نمود پس آیه یا ایها الذین آمنوا اذا جاءکم المؤمنات آمد

مجمع البیان گفته که چون آیه مذکور نزول یافت مسلمانان اطاعت فرمان الهی نموده مهرهای زنان مشرکان که بسبب اسلام بمدینه می آمدند بشوهران کافر ایشان میدادند مشرکان قریش باین حکم عمل ننمودند اگر زنی از مسلمانان بسبب ارتداد بمکه رفته بمشرکان می پیوست مهرش را بشوهرش نمی رسانیدند پس حق تعالی این آیه فرستاد که وان فاتکم شیء من ازواجکم تا آخر

مجمع البیان مذکور است که این آیه در روز فتح نزول یافت وقتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر صفا از بیعت گرفتن از مردان فارغ شد زنان برای بیعت آمدند و بیعت ایشان بشروطی که در آیه مذکور است برزبان مقرر شد

لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْاٰخِرَةِ كَمَا يَئِسَ

دوستی مکنید گروهی را که غضب کرد خدا بر ایشان بحقیق که نومید شدند از ثواب آخرت همچنانکه نومید شدند

الْكُفَّارُ مِنْ اَصْحَابِ الْقُبُورِ

کافران از یاران گورها

سورة الصف اربع عشرة آية مدنية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

تسبیح کرد خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست و اوست غالب محکم کار

يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا

ای آنانکه گرویده اید چرا میگویید آنچه نخواهید کرد بزرگست از روی غضب

عِنْدَ اللّٰهِ اَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الَّذِينَ

نزد خدا آنکه بگویید آنچه نخواهید کرد بدرستی که خدا دوست میدارد آنانکه

يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَاَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ وَاِذْ

کارزار میکنند در راه دین خدا در حالی که صف زدگانند گویا ایشان بناهای ریخته شده اند از ارزیر و یاد کن

قَالَ مُوسٰى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ اَنِّي رَسُولُ

چون گفت موسی مر قومش را ای قوم چرا میرنجانید مرا و حال آنکه میدانید شما بدرستی که من

اللّٰهِ اِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا اَزَاغَ اللّٰهُ قُلُوبَهُمْ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي

فرستاده خدایم بسوی شما پس آن هنگام که گشتند از ایمان گردانید خدا دلهای ایشان را و خدا راه نمیناید

الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ وَاِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي اِسْرَائِيلَ

گروه بدکاران را و یاد کن یا محمد چون گفت عیسی پسر مریم ای بنی اسرائیل

اِنِّي رَسُولُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاةِ

بدرستی که من رسول خدا بسوی شما که باور دارنده ام مر آنچیزی را که پیش روی شماست از کتاب توراة

وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَاْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ اَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ

و مژده دهنده به پیغمبری که می آید از بعد من نام او احمد است پس چون آمد ایشان را

ابو بصیر از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که هرکه سوره صف را در فرایض و نوافل بخواند و بآن مداومت نماید حقتعالی او را در صف انبیا و فرشتگان جای دهد

بقول اکثر مفسرین این آیه نازل شد در شان گروهی که میگفتند بعد از ثواب جهاد مجاهدین و شهداء بدر اگر دیگر جهادی روی دهد ثابت قدم باشیم تا شهید گردیم و در روز احد همه گریختند و رسول را با امیر المومنین تنها و ابو دجانه گذاشتند

بالبينات قالوا هذا سحر مبين ۝ ومن اظلم ممن افترى

معجزات روشن گفتند این سحریست ظاهر ۝ وکیست ستمکارتر از کسی که دروغ بست

على الله الكذب وهو يدعى الى الاسلام والله لا يهدى

بر خدا دروغ ۝ و او خوانده میشود بسوی اسلام و خدا راه ننماید

القوم الظالمين ۝ يريدون ليطفئوا نور الله بافواههم والله متم نوره

گروه ستمکاران را ۝ میخواهند که فرو نشانند نور خدا را بدهنهای خود و خدا تمام کننده نور خودست

ولو كره الكافرون ۝ هو الذى ارسل رسوله بالهدى

واگرچه کراهت داشته باشند کافران ۝ اوست آنکسی که فرستاد پیغمبر خود را براهنمائی

ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون ۝

و مذهب راست تا غالب کند این را بر همه دینها واگرچه کراهت داشته باشند مشرکان

يا ايها الذين امنوا هل ادلكم على تجارة تنجيكم من

ای کسانی که ایمان آورده اید آیا دلالت کنم شما را بر بازرگانی که رهاند شما را از

عذاب اليم ۝ تؤمنون بالله ورسوله وتجاهدون فى

عذاب دردناک ۝ بگروید بخدا و فرستاده او و جهاد کنید با کفار در

سبيل الله باموالكم وانفسكم ذلكم خير لكم ان كنتم

راه خدا بمالهای خود و بتنهای خود این بهترست برای شما اگر هستید که

تعلمون ۝ يغفر لكم ذنوبكم ويدخلكم جنات

بدانند ۝ بیامرزد خدا برای شما گناهان شما را و درآورد شما را در بوستانها که

تجرى من تحتها الانهار ومساكن طيبة فى جنات

میرود از زیر آنها نهرها و مسکنهای پاکیزه در بوستانهای

عدن ذلك الفوز العظيم ۝ واخرى تحبونها نصر من

باقامت این رستگاری بزرگست ۝ و نعمتی دیگر که دوست میدارید آنرا نصرت

الله وفتح قريب وبشر المؤمنين ۝ يا ايها الذين امنوا

از خدا و فتحی نزدیک و مژده ده مؤمنان را ۝ ای آنانکه گرویده

كونوا انصار الله كما قال عيسى ابن مريم للحواريين من انصارى

باشند نصرت کنندگان دین خدا چنانکه گفت عیسی پسر مریم مر حواریان را که کیست یاری دهنده

الى الله قال الحواريون نحن انصار الله فامنت طائفة

من بسوی خدا گفتند حواریان ما ایم یاری دهنده خدا پس گرویدند طایفه

من بنى اسرائيل وكفرت طائفة فايدنا الذين امنوا على

از بنی اسرائیل برسالت عیسی و کافر شد طایفهٔ دیگر پس قوت دادیم آنانرا که گرویدند بر

عدوهم فاصبحوا ظاهرين

دشمنان ایشان پس گشتند غالبان

سورة الجمعة احدى عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

يسبح لله ما فى السموات وما فى الارض الملك القدوس

تسبیح میکند خدا را آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین پادشاهی از نقص

العزيز الحكيم هو الذى بعث فى الاميين رسولا

غالب محکم کار اوست آنکه برانگیخت در میان ناخوانندگان پیغمبری

منهم يتلوا عليهم اياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة

از ایشان که میخواند برایشان آیتهای کلام خدا را و پاک می سازد ایشانرا و می آموزد ایشانرا قرآن و احکام شریعت

وان كانوا من قبل لفى ضلال مبين واخرين منهم

و اگر چه بودند پیش از بعثت مر آینه در گمراهی ظاهر و دیگر مبعوث ساخت

لما يلحقوا بهم وهو العزيز الحكيم ذلك فضل الله يؤتيه

پیغمبر را در میان جماعتی دیگر که هنوز لاحق نشده اند بایشان غالب است [illegible] این عموم بعثت نعمت و احسان خداست میدهد آنرا

من يشاء والله ذو الفضل العظيم مثل الذين حملوا

بهر که خواهد و خدا صاحب فضل و احسان بزرگست مانند آنانکه بار کرده شد

التورية ثم لم يحملوها كمثل الحمار يحمل اسفارا بئس مثل

تورات را پس برنداشتند آنرا چنانکه حق آنست مانند صفت آنست که خری بر میدارد کتابها را بد است مانند

نصف

از حضرت ابی عبدالله مرویست که از جمله واجبات بر مسلمان [illegible]

[illegible]

الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

گروه آنانکه تکذیب کردند آیتهای خدا را و خدا راه نمینماید گروه

الظَّالِمِينَ ۝ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ

ستمکاران را بگو ای کسانیکه یهود شدید اگر گمان شما آنست که شما

أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝

دوستان خدائید غیر از مردم پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید شما راستگویان

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ۝

و آرزو نکنند یهود هرگز بسبب آنچه پیش فرستاده دستهای ایشان و خدا داناست بستمکاران

قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ

بگو ای محمد بدرستی این مرگ که میگریزید شما از او پس بدرستی که او رسنده است بشما پس بازگردانیده

إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ يَا أَيُّهَا

شوی دانای نهان و آشکار پس خبر دهد شما را بآنچه بودید شما که میکردید ای

الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا

آنانکه گرویدید چون ندا داده شود برای نماز از روز جمعه پس بشتابید

إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

بسوی یاد کردن خدا که نماز است و بگذارید خرید و فروخت این بهتر است برای شما اگر هستید که بدانید

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ

پس چون گذارده شود نماز پس پراگنده شوید در زمین و بجوئید از فضل

اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً

خدا و یاد کنید خدا را بسیار شاید شما رستگار شوید و چون به بینند کاروانی را

أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ

یا لهوی که طبل زدن بود متفرق شوند در مجلس بسوی آن و بگذارند ترا ایستاده بر منبر بگو ای محمد آنچه نزد خداست بهتر است

مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ ۝ وَاللَّهُ خَيْرُ ۝ الرَّازِقِينَ ۝

از لهو و از بازرگانی و خدا بهترین روزی دهندگانست

در مجمع
البیان حکایت
کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز
جمعه در اثنای خطبه و نماز بود که قافله
تجار شام بمدینه رسید و طبل برای اعلام مردمان
کوفتند اهل مسجد چون آواز طبل شنیدند همگی
از مسجد با آواز طبل رفتند بغیر از دوازده مرد
و بگمان و بقولی یازده تن و بقولی هشت تن و
بعضی گفته اند که سه نفر دو مرد و زنی چون معامله
رو داد که هر نوبت قافله از شام در روز جمعه
در ادای خطبه رسید بدستور مردمان نماز را
گذاشتند بقافله که میرفتند جهة خریدن
متاع کاروان و شنیدن آواز طبل هنگام خرید
و فروش مردان پس این آیه
نزول یافت

سورة المنافقون احدى عشر آية مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

اذا جاءك المنافقون قالوا نشهد انك لرسول الله و

چون بیایند نزد تو منافقان گویند گواهی میدهیم بدرستیکه تو فرستاده خدائی و

الله يعلم انك لرسوله والله يشهد ان المنافقين لكاذبون

خدا میداند که تو البته پیغمبر اوئی و خدا گواهی میدهد که منافقان هرآینه دروغگویانند

اتخذوا ايمانهم جنة فصدوا عن سبيل الله انهم ساء ما

فرا گرفتند سوگندهای خود را سپری پس بازمیدارند مردم را از راه دین خدا بدرستی که ایشان بد است آنچه

كانوا يعملون ذلك بانهم امنوا ثم كفروا فطبع على قلوبهم

بودند که میکردند این بسبب آنست که ایشان گرویدند پس کافر شدند پس مهر نهادند بر دلهای

فهم لا يفقهون واذا رايتهم تعجبك اجسامهم وان يقولوا

ایشان پس ایشان در نمی یابند و چون ببینی منافقان را بشگفت آرد ترا جسمهای ایشان و اگر سخن گویند

تسمع لقولهم كانهم خشب مسندة يحسبون كل صيحة

گوش میکنی بسخن ایشان گوییا ایشان چوبهای بدیوار پشت نهاده اند گمان میبرند هر فریادی که

عليهم هم العدو فاحذرهم قاتلهم الله انى يؤفكون

بر ایشان برآید ایشان دشمنند پس حذر کن از ایشان بکشد ایشانرا خدا پس چگونه برگردانیده میشوند

واذا قيل لهم تعالوا يستغفر لكم رسول الله لووا رؤسهم

و چون گفته شود مر ایشانرا بیایید تا طلب آمرزش کند برای شما پیغمبر خدا بپیچند سرهای خود را

ورايتهم يصدون وهم مستكبرون سواء عليهم

و ببینی ایشانرا که اعراض میکنند از آن و ایشان گردن کشانند یکسانست بر ایشان

استغفرت لهم ام لم تستغفر لهم لن يغفر الله لهم

اگر استغفار کنی برای ایشان یا استغفار نکنی برای ایشان نمی آمرزد خدا ایشانرا

خواص
سوره منافقان در
ضمن فضیلت سوره
جمعه گذشت
در مجمع
البیان حکایت
کرده که هنگام مراجعت رسول
از جهاد بنی المصطلق در سر چاهی برای کشیدن
آب بعلت کثرت وازدحام لشکری منازعه
واقع شد میان جهجاه غفاری که از زمره مهاجرین
بود و سنان جهنی انصاری بجهت تقدم و تاخر
وشخصی از مهاجرین که او رجال میگفتند بمدد جهجاه
و معاونت سنان هم جمعی از انصار آمده و کار
منازعه قوت گرفت عبدالله بن ابی با
باجعال گفت این فتنه در زیر سر تست و جعال
هم در برابر سخنان درشت گفت عبدالله با قوم
خود گفت که شما تقویت این گروه مسلمانان نموده
بخانهای خود ایشانرا جای دادید و اموال خود
بایشان عطا نمودید بخدا قسم که چون بمدینه
بازگشت نمایم هرآینه بیرون کند عزیزترین ما خوار
ترین ما را و مرادش از عزیز خود و اصحاب
خود از منافقان بود و از قبیله مسلمانان
زید بن ارقم بود که در آن وقت جوانی خورد

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۞ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا

بدرستی که خدا راه ننماید گروه بدکاران را ۞ ایشانند آنانکه میگویند

تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُّوا ۗ وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ

نفقه مکنید و طعام مدهید بر کسی که نزد رسول خداست تا متفرق شوند و مر خدا راست خزینهای آسمانها

وَالْأَرْضِ وَلَٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ۞ يَقُولُونَ لَئِنْ

و زمین و لیکن منافقان نمیدانند ۞ میگویند منافقان اگر

رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ ۚ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ

بازگردیم ما بسوی شهر هرآینه بیرون کند عزیزترین از مدینه خوارترین مردم را و مر خداراست

وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۞ يَا أَيُّهَا

عزت و مر رسول او را و مر مومنان را و لیکن منافقان نمیدانند ۞ ای

الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ

آنان که گرویدید باید مشغول نسازد شما را مالهای شما و نه فرزندان شما از یاد کردن

اللَّهِ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۞ وَأَنْفِقُوا

خدا و هر که بکند این کار را پس آن گروه ایشان زیانکارانند ۞ و نفقه کنید در راه

مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ

خدا از آنچه روزی دادیم شما را پیش از آنکه بیاید یکی از شما را مرگ پس گوید پروردگار من

لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ

چرا مهلت ندهی مرا تا مدتی نزدیک پس تصدق کنم و باشم از جمله شایستگان

وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا ۚ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۞

و هرگز تاخیر نکند خدا هیچ نفسی را چون بیاید وقت آن و خدا آگاه است بآنچه می کنید

سورة التغابن ثماني عشرة آية وهي مدنية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

این
سخن را شنیده بخدمت
حضرت رسول خدا عرضه داشت
آنحضرت عبدالله بن ابی را طلبیده وعید
او برین گفتار نمود عبدالله سوگند بخدا خورد
که آن سخن وی نیست و حاضران انصار عرضه داشتند
که عبدالله بن ابی بزرگ و شیخ ماست سخن
کودکی را درباره وی باور مکن و آنحضرت عذر
عبدالله را پذیرفت و انصار زبان طعن و ملامت
بر زید بن ارقم گشودند و زید گوید که چون رسول
خدا صلی الله علیه و آله بمدینه رسید در خانه خود
غمگین و محزون نشستیم پس سوره منافقان
نازل گردید پس رسول خدا صلی الله علیه و آله
از روی محبت رو و دو گوش مرا گرفته از
جا برداشت و فرمود که ای کودک آنچه گفتی
راست گفتی و آنچه گوشهای تو شنیده مطابق
واقع است و حقتعالی در این باب سوره فرستاد
گویند چون این آیات نزول یافت با عبدالله بن
ابی گفتند برو بخدمت رسول خدا و از گفتار
خود توبه نما و آمرزش جوی شاید از تقصیر تو عفو
فرماید عبدالله سر باز زد و گفت فرمودید ایمان
بیاور آوردم گفتید زکوة مال خود بده دادم
کاری نماند که نکردم مگر سجده محمد پس کریمه
و اذا قیل لهم تعالوا یستغفر لکم رسول الله
نازل شد تا آنجا که و لکن المنافقین لا یعلمون

ابو عبد الله علیه السلام
مرویست که هر که سورة التغابن را
در فریضه بخواند روز قیامت شفاعت
او کند و شاهد عدل او گردد پیش خدای
او گردد و مفارقت نکند از و تا آورا
بهشت در آورد و مصاحب
او باشد

يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
تسبیح میکند خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست مر او راست پادشاهی و مر او راست سپاس

وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ
و او بر هر چیز تواناست ۝ اوست آنکه آفرید شما را پس بعضی از شما کافرند

وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَ
و بعضی از شما مومن و خدا بآنچه میکنید بیناست ۝ آفرید آسمانها و

الْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ۝
زمین را براستی و تصویر کرد شما را پس نیکوتر گردانید صورتهای شما را و بسوی اوست بازگشت

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ
میداند آنچه در آسمانها و زمینست ۝ و میداند آنچه می پوشید از هم و آنچه اظهار میکنید

وَاللّٰهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا
و خدا داناست بآنچه در سینه های شماست ۝ آیا نیامد بشما خبر آنانکه کافر شدند

مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ ذٰلِكَ بِأَنَّهُ
پیش از شما پس چشیدند عقوبت روزگار خود را و مر ایشان راست عذاب پر درد ۝ این بسبب آنست که

كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا
بود آمد بایشان پیغمبران ایشان با معجزه های روشن پس گفتند آیا آدمی مانند ما راه مینماید ما را

فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللّٰهُ وَاللّٰهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝ زَعَمَ الَّذِينَ
پس کافر شدند و روی بگردانیدند و بی نیاز است خدا ۝ و خدا بی نیاز ستوده است ۝ گمان کردند آنانکه

كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا
کافر شدند ۝ انکه هرگز برانگیخته نشوند بگو یا محمد آری قسم بپروردگار من که البته مبعوث می شوید پس خبر داده میشوید

عَمِلْتُمْ وَذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرٌ ۝ فَآمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي
بآنچه کرده اید ۝ و این بر خدا آسانست ۝ پس بگروید بخدا و فرستاده خدا و روشنی که

أَنْزَلْنَا وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ
فرستادیم ما و خدا بآنچه میکنید آگاه است ۝ روزی که جمع کند خدا شما را برای روز جمع

ذلك يوم التغابن ومن يؤمن بالله ويعمل صالحا يكفر

آن روز روز زيان كردنست وكسى كه ايمان آورد بخدا و بكند كار شايسته بپوشاند

عنه سيئاته ويدخله جنات تجري من تحتها الانهار

از او گناهان او را و درآورد او را در بوستانها كه ميرود از زير آنها جويها

خالدين فيها ابدا ذلك الفوز العظيم والذين كفروا و

جاويدان در آن هميشه اين رستگاري بزرگست و آنانكه كافر شدند و

كذبوا بآياتنا اولئك اصحاب النار خالدين فيها وبئس

تكذيب كردند بنشانهاي ما آن گروه ياران آتش‌اند جاويدان در آن و بد

المصير ما اصاب من مصيبة الا باذن الله ومن يؤمن بالله

جاي بازگشتنی است نرسد هيچ مصيبتي مگر باذن خدا و هر كه ايمان آورد بخدا

يهد قلبه والله بكل شيء عليم واطيعوا الله واطيعوا

راه نمايد خدا دل او را و خدا بهر چيز داناست و پيروي كنيد خدا و پيروي كنيد

الرسول فان توليتم فانما على رسولنا البلاغ المبين الله

پيغمبر او را پس اگر روي گردانيد پس جز اين نيست كه بر پيغمبر ما است رسانيدن ظاهر خداي

لا اله الا هو وعلى الله فليتوكل المؤمنون يا ايها الذين

كه نيست خدائي مگر او و بر خدا پس توكل كنند مؤمنان اي كساني كه

آمنوا ان من ازواجكم واولادكم عدوا لكم فاحذروهم

گرويده‌ايد بدرستي كه بعضي از زنان شما و اولاد شما دشمنانند مر شما را پس حذر كنيد از ايشان

وان تعفوا وتصفحوا وتغفروا فان الله غفور رحيم انما

و اگر در گذريد و گذر دهيد و بپوشانيد پس بدرستي كه خدا آمرزنده مهربانست جز اين نيست

اموالكم واولادكم فتنة والله عنده اجر عظيم فاتقوا

كه مالهاي شما و فرزندان شما آزمايشند و خدا نزد اوست مزد بزرگ پس بترسيد

الله ما استطعتم واسمعوا واطيعوا وانفقوا خيرا لانفسكم

از عذاب خدا آنچه توانيد و بشنويد و فرمان بريد و نفقه كنيد بهترست از براي نفسهاي شما



ومن

وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ إِن تُقْرِضُوا اللَّهَ

و هر که نگاه داشته شد بخل او پس گروه ایشانند رستگاران اگر قرض دهید خدا را

قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۚ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ ۝ عَالِمُ

قرضی نیکو زیاده کند آن را برای شما و بیامرزد شما را و خدا جزا دهنده شکر و بردبار است و دانای

الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝

نهان و آشکار غالب درست کار

سورة الطلاق اثنا عشر آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا

ای پیغمبر چون طلاق دهید زنان را پس طلاق دهید ایشان را در وقت عده ایشان را و شماره

الْعِدَّةَ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ ۖ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِن بُيُوتِهِنَّ وَلَا

عده ایشان را و بترسید از عذاب خدا که پروردگار شما است بیرون مکنید زنان مطلقه را از خانهای ایشان و

يَخْرُجْنَ إِلَّا أَن يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ ۚ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۚ فَقَدْ

ومن يتعد حدود الله

بیرون نروند مگر آنکه بیایند بکار زشت ظاهر و این حدهای احکام خدا است بتحقیق

ظَلَمَ نَفْسَهُ ۚ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَٰلِكَ أَمْرًا ۝

ستم کرده بر نفس خود نمیدانی تو شاید خدا تازه کند بعد از آن کاری را

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ

پس چون برسند زنان بمدت خود پس نگاه دارید ایشان را به نیکوئی یا مفارقت کنید از ایشان به نیکوئی

وَأَشْهِدُوا ذَوَيْ عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ۚ ذَٰلِكُمْ

و گواه گیرید دو کس عادل از خود و اقامت کنید گواهی را برای خدا آنچه مذکور شد

يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۝ وَمَن يَتَّقِ

پند داده میشود بآن هر که هست که بگرود بخدا و روز قیامت و هر که بترسد

اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا ۝ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ۚ وَمَن

از عذاب خدا بگرداند برای او جای بیرون شدن و روزی او را از آنجا که گمان نبرد و هر که

ابو بصیر از ابو عبد الله روایت کند که هر که سوره الطلاق و سوره التحریم را در فریضه بخواند خدا تعالی او را در پناه خود گیرد و از خوف روز قیامت نگاه دارد و از دوزخ نجات داده بهشتش رساند زیرا که این هر دو سوره از محمد است که پیغمبر باشد صلی الله علیه و آله

یعنی طلاق دهید زنان را در وقتی که توانید آن وقت را حساب نمود از عده و آن وقتی است که زن پاک باشد از حیض و نفاس در طهری غیر طهر مواقعه چه طلاق در حال طهر مواقعه و حیض و نفاس باجماع امامیه فاسد است و مراد از زنان در این آیه بنابر مشهور من الاصحاب زنانی اند که در سن من تحیض باشند یعنی یائسه و صغیره نباشند و مدخوله هم باشند و حامله هم نباشند چه طلاق غیر مدخوله و حامله در حال حیض و نفاس جایز است و طلاق یائسه و صغیره هم در طهر غیر مواقعه صحیحست و ...

يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله

توكل كند بر خدا پس او خدا بست اورا بدرستي كه خدا رساننده كار خود است بتحقيق كه كرده است خدا

لكل شيء قدرا ۝ واللائي يئسن من المحيض من نسائكم ان

براي هر چيز اندازه و آن زناني كه نوميد گشته اند از حيض از زنان شما اگر

ارتبتم فعدتهن ثلثة اشهر واللائي لم يحضن واولات

شك داريد پس زمان عده ايشان سه ماه است و عده زناني كه حايض نشده باشند و خداوندان

الاحمال اجلهن ان يضعن حملهن ومن يتق الله يجعل له من

بارها مدت عده شان آنست كه بنهند بار خود را و هر كه بپرهيزد از عذاب خدا گرداند خدا

امره يسرا ۝ ذلك امر الله انزله اليكم ومن يتق الله يكفر

براي او از كار خود آساني آنچه مذكور شد حكم خداست فرو فرستاده آنرا بسوي شما و هر كه بپرهيزد از عذاب خدا

عنه سيئاته ويعظم له اجرا ۝ اسكنوهن من حيث سكنتم

بپوشاند خدا از و بديهاي او را و بزرگ سازد براي او مزد او را ساكن گردانيد زنان مطلقه را از آنجا كه ساكن شده ايد

من وجدكم ولا تضاروهن لتضيقوا عليهن وان كن اولات

از وسع طاقت شما و رنج مرسانيد مطلقات را براي آنكه تنگ گردانيد بر ايشان و اگر باشند زنان از

حمل فانفقوا عليهن حتى يضعن حملهن فان ارضعن لكم

صاحبان بار پس نفقه كنيد بر ايشان تا بنهند بار خود را پس اگر شير دهند زنان براي شما

فاتوهن اجورهن واتمروا بينكم بمعروف وان تعاسرتم

پس بدهيد ايشان را مزد ايشان و سازگاري كنيد ميان خود بنيكوئي و اگر سخت گيري كنيد

فسترضع له اخرى ۝ لينفق ذو سعة من سعته ومن قدر

پس زود باشد كه شير دهد فرزند را زني ديگر بايد كه نفقه دهد خداوند مال از مال خود و هر كه تنگ كرده شده

عليه رزقه فلينفق مما اتاه الله لا يكلف الله نفسا

بر او روزي او پس بايد كه نفقه كند از آنچه داده است خدا او را تكليف نكند خدا نفسي را

الا ما اتاها سيجعل الله بعد عسر يسرا ۝ وكاين من قرية

مگر آنچه عطا كرده آن نفس را زود باشد كه بديد آرد خدا بعد از دشواري آساني و بسا از اهل دهي

مرتضي رضي الله عنه
و همگي علماي سنيان گويند كه مراد از
اللائي يئسن من المحيض زناني اند كه بعلت پيري
مايوس از حيض و نفاس باشند و ان ارتبتم يعني
ان جستم عدتها تعيين كرده اند و اللائي
لم يحضن را صغيره گفته اند و حاصل معني گويند
بنابر اينكه زناني كه بعلت بزرگسالي يا
از حيض و نفاس باشند و دختران نابالغ عده
ايشان را اگر نميدانيد بدانيد كه آن سه ماه است
و بنابر اين گويند صغيره و يائسه هم عده دارند
و بدانكه و اولات الاحمال اجلهن ان يضعن حملهن
بيان عده زنان حامله است و آن وضع حمل است
هرچند كه لحظه پس از طلاق باشد و اين حكم در عده
طلاق است و اما عده وفات پس آن چهار
ماه و ده روز است نسبت بزني كه حامله [illegible]
عده او كه [illegible] از وضع حمل و چهار
ماه و ده روز چنانچه از آنها
ديگر مشهورات

عتت



عتت عن امر ربها ورسله فحاسبناها حسابا شديدا و

گردن کشید از فرمان پروردگار خود و پیغمبران او پس حساب کنیم ایشان را حسابی سخت و

عذبناها عذابا نكرا فذاقت وبال امرها وكان عاقبة

عذاب کنیم ایشان را عذابی زشت پس بچشید عقوبت کار ایشان را و بود سرانجام کار

امرها خسرا اعد الله لهم عذابا شديدا فاتقوا الله يا اولي

ایشان زیان کاری آماده کرد خدا برای ایشان عذاب سخت پس بترسید از عذاب خدا ای خداوندان

الالباب الذين امنوا قد انزل الله اليكم ذكرا رسولا

خرد ها آنان که ایمان آوردید بتحقیق که فرستاد خدا بسوی شما قرآن را فرستاد پیغمبری

يتلوا عليكم ايات الله مبينات ليخرج الذين امنوا وعملوا

که میخواند بر شما آیتهای خدا را که روشن کننده احکام است تا بیرون آورد آنان را که ایمان آوردند و کردند

الصالحات من الظلمات الى النور ومن يؤمن بالله ويعمل صالحا

کار شایسته از تاریکیهای کفر بسوی روشنیهای ایمان و هر که ایمان آورد بخدا و بکند کار شایسته

يدخله جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا

در می آورد او را خدا بهشتهائی که میرود از زیر آنها نهرها در حالی که جاوید باشند در آن همیشه

قد احسن الله له رزقا الله الذي خلق سبع سموات ومن

بتحقیق که نیکو گردانید خدا برای او روزی را خدائی که آفرید هفت آسمان را و بیافرید از

الارض مثلهن يتنزل الامر بينهن لتعلموا ان الله على كل

زمین مانند آن آسمانها فرود می آید فرمان خدا میان آسمانها تا بدانید بدرستی که خدا بر هر

شيء قدير وان الله قد احاط بكل شيء علما

چیز تواناست و بدرستیکه خدا بتحقیق فرا رسیده بهمه اشیا از روی علم



بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

در مجمع البیان از عیاشی روایت کرده که حضرت ابو الحسن علیه السلام کف دست چپ را گشوده و فرمود که این زمین دنیاست و کف دست راست بر زبر آن گشوده فرمود که این آسمان دنیاست و قبه ایست بر زبر زمین و زمین دویم بر زبر آسمان دنیا و آسمان دویم گنبدیست بر زبر آن و ما بقی آسمانها و زمینها را باین دستور بیان فرمود پس زمین هفتم فرمود که بالای آسمان ششم و آسمان هفتم قبه ایست بر زبر آن و فرمود این است معنی گفتار خدا تعالی سبع سموات و من الارض مثلهن یتنزل الامر بینهن و فرمود که صاحب امر نیست جز رسول خدا و وصی که بروی این زمین است و امر الهی نازل میشود از بالا میانه آسمانها و زمینها و بعضی هفت زمین را بطبقات یمن زمین و بعضی بطبقات عناصر تفسیر کرده اند و بقولی هفت زمین در زیر فلک قمر است که دریاها در میانه آنها واسطه است





يا أيها النبي لم تحرم ما أحل الله لك تبتغي مرضات أزواجك

ای پیغمبر بزرگ قدر چرا حرام میکنی بر خود آنچه حلال کرد خدا برای تو طلب میکنی باین تحریم خشنودی زنان خود را

والله غفور رحيم ۞ قد فرض الله لكم تحلة أيمانكم والله

و خدا آمرزنده مهربانست ۞ بتحقیق که تقدیر کرد خدا برای شما گشودن قسمهای شما را و خدا

مولىكم وهو العليم الحكيم ۞ وإذ أسر النبي إلى بعض أزواجه

متولی شماست و او داناست و درست کار ۞ و یاد کن چون راز گفت پیغمبر با بعضی از زنان خود

حديثا فلما نبأت به وأظهره الله عليه عرف بعضه وأعرض

یعنی حفصه سخنی را پس آن هنگام که خبر کرد آن عایشه را و ظاهر کرد خدا بر پیغمبر آن حدیث را شناسانید پیغمبر بعضی از آن حفصه را و اعراض

عن بعض فلما نبأها به قالت من أنبأك هذا قال نبأني العليم

کرد از بعضی پس آن وقت که خبر کرد پیغمبر حفصه را آن گفت که خبر داد ترا باین حدیث گفت پیغمبر خبر داد مرا خدای دانای

الخبير ۞ إن تتوبا إلى الله فقد صغت قلوبكما وإن تظاهرا

آگاه ۞ اگر توبه کنید و باز گردید بسوی خدا پس بتحقیق کشته است دلهای شما و اگر هم پشت شوید

عليه فإن الله هو مولىه وجبريل وصالح المؤمنين ۞ و

بر آزار دل پیغمبر پس درستی که خدا دوست یار پیغمبر و صالح المؤمنین یعنی بهتر مؤمنان علی ابن ابی طالب و همه اهل

الملائكة بعد ذلك ظهير ۞ عسى ربه إن طلقكن أن

ایمان و فرشتگان بعد از نصرت خدا همه پشت و معاون اویند شاید پروردگار او اگر طلاق دهد شما را پیغمبر که

يبدله أزواجا خيرا منكن مسلمات مؤمنات قانتات تائبات

بدل دهد او را زنان دیگر بهتر از شما ۞ گردن نهندگان حکم خدا گروندگان فرمانبران توبه کنندگان

عابدات سائحات ثيبات وأبكارا ۞ يا أيها الذين آمنوا

عبادت کنندگان روزه دارندگان شوهر دیدگان و دختران ۞ ای آنانکه گرویدید

قوا أنفسكم وأهليكم نارا وقودها الناس والحجارة عليها

نگاه دارید نفسهای خود را و اهالی خود را از آتش و هیمه آتش که آن مردمان باشند و سنگ کبریت بر آن آتش

ملائكة غلاظ شداد لا يعصون الله ما أمرهم ويفعلون

فرشتگان درشت سخن در تعذیب نافرمانی نکنند خدا را آنچه فرمود ایشان را و میکنند

در مجمع البیان آورده که رسول صلی الله علیه و آله ...



مَا يُؤْمَرُونَ ۞ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا
آنچه مامور می شوند بآن ای آنانکه کافر شدید عذر میاورید امروز قیامت جز این نیست

تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۞ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ
که پاداش داده می شوید آنچه بودید که میکردید ای کسانی که ایمان آوردید توبه کنید بسوی خدا

تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ
بازگشتی خالص شاید پروردگار شما اینکه بپوشاند از شما گناهان شما را و

يُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ
درآورد شما را در بوستانها که میرود از زیر آنها نهرها روزی که رسوا نکند خدا

النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ
پیغمبر را و آنانکه گرویدند با او نور ایشان میرود پیش از ایشان و بجانب راست ایشان

يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
میگویند پروردگارا تمام کن برای ما نور ما را و بیامرز ما را بدرستی تو بر هر چیز

قَدِيرٌ ۞ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ
قادری ای پیغمبر کارزار کن با کفار بشمشیر و با منافقان و درشتی کن

عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۞ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ
برایشان و بازگشت ایشان دوزخ است و بد جایی بازگشتی است زد خدا مثلی برای آنان که

كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ
کافر شدند آن مثل زن نوح و زن لوط بودند آن هر دو زن در زیر حکم دو بنده از

عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَ
بندگان ما شایستگان در همه امور پس خیانت کردند با دو بنده پس دفع نکردند از خود عذاب چیزی را که

قِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ ۞ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ
گفته شد درآیید در آتش با درآیندگان و بیان کرد خدا مثلی برای آنانکه

آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي
گرویدند آن مثل زن فرعون است زیرا که گفت پروردگارا بنا کن برای من نزد خود خانه در

بقول
اکثر مفسرین
مراد از توبه نصوح توبه ایست که
توبه پذیرفته است مگر با پشیمانی از همه
معاصی از بیم و ترس
الهی

صاحب
کشاف گفته در این دو مثل
تعریض بدو مادر مومنان یعنی حفصه و عایشه
میباشد که در اول سوره حکایت ایشان
مذکور شده و اشاره بهست بآنچه از ایشان
صدور یافته از معاونت یکدیگر در ایذای رسول
خدا و عید ایشان واقع شده بر وجه [illegible]
چه مثل ایشان بدو زن کافر شده و [illegible]
و اوست کریمه ومن کفر فان الله غنی عن العالمین
و اشاره بهست بآنکه بایست حال ایشان
هم مانند حال آن دو زن مومنه باشد و عصمت
بر زوجیت رسول خدا نماند چه این فضیلت سود مند
نیست مگر هرگاه در مقام اخلاص عمدی باشند
تعریض شده و مثل حفصه برای آنکه نشنید او
بحال زن لوط شده در سکه افشای راز
او نمود و گفت که نکات در رموز قرآن مجید در
وقت انصاف معلوم ایست که مکر و ایمان در آن

ا ذ

الجنة ونجني من فرعون وعمله ونجني من القوم الظالمين

ومريم ابنت عمران التي احصنت فرجها فنفخنا فيه من

روحنا وصدقت بكلمات ربها وكتبه وكانت من القانتين

سورة الملك ثلثون آية وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

تبارك الذي بيده الملك وهو على كل شيء قدير الذي

خلق الموت والحيوة ليبلوكم ايكم احسن عملا وهو

العزيز الغفور الذي خلق سبع سموات طباقا ما ترى في

خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور

ثم ارجع البصر كرتين ينقلب اليك البصر خاسئا وهو

حسير ولقد زينا السماء الدنيا بمصابيح وجعلناها رجوما

للشياطين واعتدنا لهم عذاب السعير وللذين كفروا



از حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب صلوات الله علیه مرویست که هر که سوره تبارک را بخواند روز قیامت بالای بال فرشتگان ایستاده باشد و روی او مانند روی یوسف نیکو باشد و در هر خانه که خوانده شود خیر و برکت در آن خانه زیاده گردد و پاینده باشد

بربهم عذاب جهنم وبئس المصیر ۞ اذا القوا فیها سمعوا لها
پروردگار خود عذاب دوزخ و بد جای بازگشتنی است چون برکشته شوند کافران در جهنم بشنوند مر
شهیقا وهی تفور ۞ تکاد تمیز من الغیظ کلما القی فیها
دوزخ را آوازی مانند آواز خر و دوزخ میجوشد نزدیک باشد که پاره پاره شود از خشم هر گاه انداخته شود در آن
فوج سالهم خزنتها الم یاتکم نذیر ۞ فکذبنا وقلنا ما نزل
گروهی که پرسند ازیشان خازنان دوزخ آیا نیامد شما را پیغمبر بیم کننده پس تکذیب کردیم و گفتیم نفرستاد
الله من شیء ان انتم الا فی ضلال کبیر ۞ وقالوا لو کنا نسمع
خدا هیچ چیز نیستید شما مگر در گمراهی بزرگ و گویند اگر میشنودیم [illegible]
او نعقل ما کنا فی اصحاب السعیر ۞ فاعترفوا بذنبهم فسحقا
یا تعقل میکردیم سخن پیغمبر را نبودیم ما از یاران دوزخ پس اقرار کنند بگناهان خود پس دور کنید
لاصحاب السعیر ۞ ان الذین یخشون ربهم بالغیب لهم
دور کردنی مر یاران دوزخ را بدرستی که آنانکه میترسند از پروردگار خود که آن غائب است مر ایشان را
مغفرة واجر کبیر ۞ واسروا قولکم او اجهروا به انه علیم
آمرزش و مزدی بزرگ و پنهان کنید سخن خود را یا ظاهر کنید او را بدرستی که خدا دانا است
بذات الصدور ۞ الا یعلم من خلق وهو اللطیف الخبیر
بآنچه در سینه هاست آیا نمیداند آنکس که آفرید و او باریک بین آگاه است
هو الذی جعل لکم الارض ذلولا فامشوا فی مناکبها
او ست آنکه گردانید برای شما زمین را رام پس بروید در دوشهای زمین
وکلوا من رزقه والیه النشور ۞ ءامنتم من فی السماء ان
و بخورید از روزی او و بسوی اوست برانگیختن آیا ایمن شدید از آنکه در آسمان است
یخسف بکم الارض فاذا هی تمور ۞ ام امنتم من فی السماء
آنکه فرو برد شما را بزمین پس آنهنگام زمین اضطراب کند یا ایمن شدید از آنکه در آسمان است
ان یرسل علیکم حاصبا فستعلمون کیف نذیر ۞ و
آنکه بفرستد بر شما بادی سنگریزه دارد پس زود باشد که بدانید که چگونه است بیم کردن من

لقد كذب الذين من قبلهم فكيف كان نكير ۝ اولم يروا الى

بدرستی که تکذیب کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس چگونه بود بر ایشان عقوبت من آیا نمی‌نگرند بسوی

الطير فوقهم صافات ويقبضن ما يمسكهن الا الرحمن انه

مرغان که بالای ایشانند صف کشیده و فراهم گیرنده بالهای خود را باز نمیدارد ایشان را مگر خدای بخشاینده

بكل شيء بصير ۝ امن هذا الذي هو جند لكم ينصركم من

بدرستیکه او بهر چیز بیناست آیا کیست آنکس این که او لشکر باشد مر شما را یاری کند شما را بجز

دون الرحمن ان الكافرون الا في غرور ۝ امن هذا الذي

از خدای بخشاینده نیستند کافران مگر در فریب شیطان آیا کیست آنکس که

يرزقكم ان امسك رزقه بل لجوا في عتو ونفور ۝ افمن يمشي

روزی میدهد شما را اگر باز گیرد روزی خود را از شما بلکه لجاج کردند در سرکشی و رمیدن آیا پس کسی که میرود

مكبا على وجهه اهدى امن يمشي سويا على صراط مستقيم ۝

در حالی که سرنگونست بر روی خود راه یافته تر است یا آنکس که میرود در حالی ایستاده بر راه راست

قل هو الذي انشاكم وجعل لكم السمع والابصار و

بگو یا محمد اوست آنکه آفرید شما را و گردانید برای شما گوش و چشمها و

الافئدة قليلا ما تشكرون ۝ قل هو الذي ذراكم في

دلها اندکی شکر میکنید بگو یا محمد اوست آنکه آفرید شما را در

الارض واليه تحشرون ۝ ويقولون متى هذا الوعد ان

زمین پراکنده کرده و بسوی او محشور می‌شوید و میگویند کی خواهد بود این وعده قیامت اگر

كنتم صادقين ۝ قل انما العلم عند الله وانما انا نذير مبين

هستید شما راستگویان بگو یا محمد جز این نیست که علم نزد خداست و جز این نیست که من بیم کننده ظاهرم

فلما راوه زلفة سيئت وجوه الذين كفروا وقيل هذا

پس آن هنگام که ببینند آنرا نزدیک بخود زشت کرده شود رویهای آنانکه کافر شدند و گفته شود مر ایشان را

الذي كنتم به تدعون ۝ قل ارايتم ان اهلكني الله ومن معي

این آنست که بودید که آن طلب میکردید بگو یا محمد آیا می‌بینید اگر هلاک کند مرا خدا و هر که با منست

از حضرت
ابو جعفر صلوات الله
علیه مرویست که در تفسیر این آیه
فرمود که چون در روز رستخیز بینند قدر و منزلت
علی بن ابی طالب علیه السلام را نزد رسول خدا
آثار حزن و علامات اندوه برآنانکه کافر شدند
از روهای ایشان هویدا گردد یعنی آنانکه
خلاف آنحضرت کرده اند و در مجمع البیان
از ابو القاسم حسکانی روایت کرده باسناد
صحیحه از اعمش که در تفسیر این آیه گفت چون ببینند
قدر و منزلت و قربی که علی بن ابی طالب را
نزد خدای عز وجل است آثار حزن و اندوه
از روهای آنانکه کافر شدند
ظاهر و هویدا گردد
والسلام علی من اتبع الهدی

اُو

أو رحمنا فمن يجير الكافرين من عذاب أليم ۝ قل هو الرحمن

یا ببخشد بر ما پس کیست آنکه زنهار دهد کافران را از عذاب دردناک بگو یا محمد اوست خدای بخشاینده

آمنا به وعليه توكلنا فستعلمون من هو في ضلال

گرویدیم باو و بر او توکل کردیم پس زود باشد که بدانید که کیست از ما و شما در گمراهی

مبين ۝ قل أرأيتم إن أصبح ماؤكم غورا فمن يأتيكم بماء

ظاهر بگو یا محمد آیا می بینید اگر گردد آب شما جا گرفته در زمین پس کیست که بیارد شما را

سورة القلم اثنان وخمسون آية مكية

معين ۝

آبی گوارای ظاهر

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

ن والقلم وما يسطرون ۝ ما أنت بنعمة ربك بمجنون

قسم بدوات و قلم و آنچه می نویسند حفظه نیستی تو بنعمت پروردگار خود دیوانه

وإن لك لأجرا غير ممنون ۝ وإنك لعلى خلق عظيم

و بدرستی که مر تو راست مزد غیر منقطع و بدرستیکه تو یا محمد بر خلقی بزرگی

فستبصر ويبصرون ۝ بأيكم المفتون ۝ إن ربك هو

پس زود باشد که ببینی تو و ببینند معاندان که کدام یک شما در فتنه اند بدرستی که پروردگار تو او

أعلم بمن ضل عن سبيله وهو أعلم بالمهتدين ۝ فلا تطع

داناترست با آنکه گمراه شد از راه او و اوست داناتر براه یافتگان پس فرمان مبر

المكذبين ۝ ودوا لو تدهن فيدهنون ۝ ولا تطع كل حلاف

دروغگویان را دوست میدارند اگر نرمی کنی پس ایشان نرمی کنند و فرمان مبر هر قسم خورنده

مهين ۝ هماز مشاء بنميم ۝ مناع للخير معتد أثيم

بدروغ عیب کننده بسیار رونده بسخن چینی منع کننده مر خوبی را ستم کننده در گذرنده گناه کاری

عتل بعد ذلك زنيم ۝ أن كان ذا مال وبنين ۝ إذا

خوی بعد از آنها حرامزاده بجهة آنکه هست صاحب مال و فرزند چون

در مجمع البیان

از ابو القاسم حسکانی بسند او از اصحاب کن
ابن مراحم روایت کرده که چون قریش دیدند
که رسول خدا صلی الله علیه و آله علی بن ابیطالب
صلوات الله علیه را بر همگی صحابه تقدیم داد
و نهایت تعظیم و احترام نمود زبان ببدگوئی
آن دو بزرگوار گشودند و گفتند محمد دیوانه شد و فتنه
پس حق تعالی فرو فرستاد ن والقلم و یسطرون تا آنجا که
ان ربک هو اعلم بمن ضل عن سبیله و ایشان
و هو اعلم بالمهتدین است علی بن ابی طالب
از ابو عبد الله علیه
السلام مرویست که هر که سوره نون
و القلم را تلاوت کند در فریضه یا
نافله تا زنده باشد حق سبحانه تعالی
او را از فقر ایمن گرداند و از
عذاب و فشار قبر نگاه دارد
و از سعداء اش
نویسند

بقولی
با در نعمة ربک باء سببی است
و مراد از نعمت عقل کامل و نبوت و حکمت است
برای انتفای جنون از آنحضرت گویند این
آیه جواب قول قریش است که در مقام استهزا
با آنحضرت میگفتند یا ایها الذی
نزل علیه الذکر انک
لمجنون

تُتْلٰى عَلَيْهِ اٰيَاتُنَا قَالَ اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ ۞ سَنَسِمُهُ عَلَى
خوانده شود براو آیات ما گوید این قصه پیشینیانست زود باشد که نشان کنیم ما اورا

الْخُرْطُومِ ۞ اِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا اَصْحَابَ الْجَنَّةِ اِذْ اَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا
بر دماغ بدرستی که ما آزمودیم اهل مکه را چنانکه آزمودیم یاران باغ و بوستانی که در صفا بودند چون قسم خوردند که

مُصْبِحِينَ ۞ وَلَا يَسْتَثْنُونَ ۞ فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ
ببرند میوهای باغرا در وقت صبح و استثنا نکردند پس طواف کرد بآن باغ طواف کننده از پروردگار تو

وَهُمْ نَائِمُونَ ۞ فَاَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ ۞ فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ ۞ اَنِ
وایشان خوابیدگان بودند پس گشت آن باغ چون بامی که چیزی نداشت پس آواز کردند هم را در وقت صبح آنکه

اغْدُوا عَلَىٰ حَرْثِكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ ۞ فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ
بامداد بیرون روید بر کشتهای خود اگر هستید میوه برندگان پس روان شدند وایشان نرم و آهسته

اَنْ لَا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مِسْكِينٌ ۞ وَغَدَوْا عَلَىٰ حَرْدٍ
میگفتند آنکه در نیاید بدین باغ امروز بر شما هیچ درویشی و بامداد رفتند بر قصد منع

قَادِرِينَ ۞ فَلَمَّا رَاَوْهَا قَالُوا اِنَّا لَضَالُّونَ ۞ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ
در حالیکه توانایان بودند پس چون دیدند باغرا گفتند بدرستی که ما گمکردگان راه باغیم بلکه ما محرومیم از میوه باغ

قَالَ اَوْسَطُهُمْ اَلَمْ اَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ۞ قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا
گفت بهترین ایشان از روی عقل آیا نگفتم مر شمارا که چرا تسبیح میکنید خدارا گفتند پاکست پروردگار ما

اِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۞ فَاَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ ۞ قَالُوا
بدرستی که ما بودیم ستمکاران پس روی آوردند بعضی از ایشان بر بعضی که ملامت هم میکردند گفتند

يَا وَيْلَنَا اِنَّا كُنَّا طَاغِينَ ۞ عَسَىٰ رَبُّنَا اَنْ يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِنْهَا
ای وای بر ما بدرستیکه ما ستمکاران شاید پروردگار ما که بدل دهد مارا بهتر ازین باغ

اِنَّا اِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ ۞ كَذَٰلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ اَكْبَرُ
بدرستی که ما بسوی پروردگار خود رغبت کنندگانیم همچنین است عذاب ما در دنیا و هر آینه عذاب قیامت بزرگترست

لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۞ اِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۞
اگر باشد که مردم بدانند بدرستی که مر پرهیزکارانراست نزد پروردگار ایشان بوستانهای پر نعمت

در مجمع
البیان حکایت
کرده که در قریه ضروان که در چهار فرسنگی
صنعا و بقولی دو فرسنگی آن واقع است
مردی بوستانی و باغی داشت حاصل خرما
و بقدر قوت خود و عیال خود از حاصل
برمیداشت و ما بقی را بر فقرا و مساکین بخش
مینمود و تا زنده بود حال بدین منوال بود و بعد از
وفات آن مرد فرزندانش گفتند که ما احقیم
بحاصل این بوستان چرا باید بدیگران داد
عزیمت بر حرمان فقرا و مساکین نمودند
حق تعالی در سزای آن ایشانرا از حاصل آن
بوستان محروم گردانید
در مجمع
البیان گفته که کافران میگفتند اگر حشر
ونشر و ثواب و عقابی باشد چنانچه محمد صلی الله
علیه و آله میگوید هر آینه ما نیز او را از نعم خود
و نعیم بهشت چنانچه در دنیا پرورده ما رو سهیم نعمتیم پس
این آیه جهت انکار قول ایشان نزول یافت و اکثر
مفسرین گفته اند که خطاب با مجرمین است از
قبیل التفات از غیبت
بخطاب

افنجعل

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ۝ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۝ أَمْ

آیا پس بگردانیم مسلمانان را مانند مشرکان ۝ چیست شما را ۝ چگونه ۝ حکم میکنید ۝ آیا

لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ۝ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ۝

مر شما راست کتابی که در آن کتاب درس میخوانید ۝ به درستی که مر شما راست در آن آنچه اختیار کنید

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَالِغَةٌ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا

یا مر شما راست عهود موکده ۝ بر ما ۝ رسنده ۝ تا روز ۝ قیامت ۝ با که شما راست آنچه

تَحْكُمُونَ ۝ سَلْهُمْ أَيُّهُمْ بِذَٰلِكَ زَعِيمٌ ۝ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا

حکم میکنید ۝ بپرس ایشان را کدام یک ایشان این حکم ضامن است ۝ یا مر ایشان راست شریکان پس باید بیارند

بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ۝ يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ

شریکان خود را ۝ اگر هستند ۝ راستگویان ۝ روزی که ۝ برداشته شود از ساق

وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ۝ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ

و خوانده شوند مردمان ۝ بسجود ۝ پس نتوانند سجده کردن ۝ که فرو افتاده باشد چشمهاشان

تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ

فرو گیرد ایشان را خواری و بدرستی که بودند که خوانده میشدند بسجده خدا و ایشان سالم بودند از مرض

فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهَٰذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ

پس بگذار مرا ۝ و آنکس که تکذیب میکند بامسخن ۝ زود باشد که بگیریم ایشان را ۝ از آنجا که

لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ۝ أَمْ تَسْأَلُهُمْ

ایشان نه دانند ۝ و مهلت دهم ایشان را ۝ به درستی که عقوبت من محکم است ۝ یا طلب میکنی از ایشان

أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ۝ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ

مزدی پس ایشان ۝ از غرامت ۝ گرانبار شده ۝ یا نزد ایشان است ۝ لوح محفوظ پس ایشان

يَكْتُبُونَ ۝ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ

می نویسند ۝ پس صبر کن مر حکم ۝ پروردگار خود را و مباش تو مانند خداوند ماهی

إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ ۝ لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ

چون خوانده پروردگار را چون پر بود از خشم ۝ اگر نبودی که در یافتی او را رحمتی از پروردگار او

در مجمع البیان از حضرت ابوجعفر و ابوعبدالله علیهما السلام روایت کرده که در تفسیر این آیه کریمه فرمودند که این گروه را بسبب دهشت و حسرت ترسی عظیم عارض گردد و از غایت اندوه و ندامت زبانشان از گفتار بماند و بعلت حیرت دیدها باز مانده و بسبب شدت حزن و اندوه دلهاشان بحنجرها بالا رود

لنبذ بالعراء وهو مذموم ۞ فاجتبه ربه فجعله من

هرآینه افکنده شدی بصحرا خالی واو ملامت کرده شده ۞ پس برگزید او را پروردگار او پس گردانید او را از

الصالحين ۞ وان يكاد الذين كفروا ليزلقونك بابصارهم

شایستگان ۞ و بدرستی که نزدیک بود آنان که کافر شدند اینکه بلغزانند و هلاک کنند تو را بچشمهای خود

لما سمعوا الذكر ويقولون انه لمجنون ۞ وما هو الا ذكر للعالمين ۞

آن هنگام که شنیدند قرآن را و میگفتند بدرستی محمد مردی دیوانه است ۞ و حال آنکه نیست مگر آن پندی مر عالمیان را

سورة الحاقة اثنا و خمسون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الحاقة ۞ ما الحاقة ۞ وما ادريك ما الحاقة ۞ كذبت ثمود

ساعتی که سزاوار است چه چیز است آن ساعت و چه چیز دانا گرد تو را که چه چیز است حاقه ۞ تکذیب کردند قبیله ثمود

وعاد بالقارعة ۞ فاما ثمود فاهلكوا بالطاغية ۞ واما عاد

و عاد ساعت کوبنده ۞ پس اما ثمود پس هلاک کرده شدند بسبب طغیان ۞ و اما قوم عاد

فاهلكوا بريح صرصر عاتية ۞ سخرها عليهم سبع ليال و

پس هلاک گردانیده شدند بباد سخت و از حد در گذشته ۞ مسخر کرد باد را بر ایشان هفت شب و

ثمانية ايام حسوما فترى القوم فيها صرعى كانهم اعجاز نخل

هشت روز متوالی پس میدید قوم عاد را در آن ایام افتاده گویا ایشان تنهای درخت خرمای

خاوية ۞ فهل ترى لهم من باقية ۞ وجاء فرعون ومن

پوشیده بودند ۞ پس آیا می بینی مر ایشان را نفسی باقی مانده ۞ و آمد فرعون و آنها که

قبله والمؤتفكات بالخاطئة ۞ فعصوا رسول ربهم

پیش از او بودند و اهل دههای برگردانیده بخطا و گناه کاری ۞ پس نافرمانی کردند فرستاده پروردگار خود را

فاخذهم اخذة رابية ۞ انا لما طغى الماء حملناكم في الجارية

پس گرفت ایشان را گرفتنی افزون در شدت ۞ بدرستی که ما آن هنگام که طغیان کرد آب برداشتیم پدران شما را در کشتی

لنجعلها

حزب

جابر جعفی از ابو جعفر روایت کند که هر که این سوره را در نوافل و فرایض بخواند موجب تمامت ایمان او بیت و هرگز از مسلمانان نشود تا آنکه بخداوند ملاقات کند

حاقه نام روز قیامت است و آن روز را از آن حاقه میگویند که چیز در آن روز واقع گردد حق و ثابت است و در آن شبهه نیست و قارعه هم عبارت است از روز قیامت و آن مشتق است از قرع چه در آن روز کوبیده میشوند مجرمان کافران یا میگوییم الهای بندگان را از بیم

لنجعلها لكم تذكرة وتعيها اذن واعية ۝ فاذا نفخ في

تا بگردانیم برای شما پندی و نگاه دارد آن را گوش نگاه دارنده پس چون دمیده شود در

الصور نفخة واحدة ۝ وحملت الارض والجبال فدكتا

صور دمیدن تنها و برداشته شود زمین و کوهها پس درهم شکسته شود

دكة واحدة ۝ فيومئذ وقعت الواقعة ۝ وانشقت السماء

درهم شکستنی تنها پس در آن روز واقع شود قیامت و بشکافد آسمان

فهي يومئذ واهية ۝ والملك على ارجائها ويحمل عرش

پس آسمان در آن روز سست ضعیف بود و فرشتگان بر کنارهای آسمان باشند و برداشته عرش

ربك فوقهم يومئذ ثمانية ۝ يومئذ تعرضون لا تخفى

پروردگار ترا بالای ملائکه در آن روز هشت فرشته در آن روز عرض کرده شوید پنهان نماند

منكم خافية ۝ فاما من اوتي كتابه بيمينه فيقول هاؤم

از شما هیچ پوشیده پس اما آنکه داده شود نوشته او بدست راست او پس گوید بگیرید نامه مرا

اقرءوا كتابيه ۝ اني ظننت اني ملاق حسابيه ۝ فهو في

بخوانید کتاب عمل مرا بدرستی که من یقین داشتم آنکه ملاقات کننده ام حساب خود را پس او در

عيشة راضية ۝ في جنة عالية ۝ قطوفها دانية ۝

زندگانی باشد پسندیده در بهشتی که بلند باشد میوه های آن نزدیک باشد

كلوا واشربوا هنيئا بما اسلفتم في الايام الخالية ۝

گویند بخورید و بیاشامید گوارنده آنچه پیش فرستاده اید در روزهای گذشته

واما من اوتي كتابه بشماله فيقول يا ليتني لم اوت كتابيه

و اما آنکه داده شود نامه او بدست چپ او پس گوید ای کاشکی داده نشدی نامه را

ولم ادر ما حسابيه ۝ يا ليتها كانت القاضية ۝ ما اغنى عني

و کاشکی ندانستمی که حساب من چیست ای کاش مرگ بودی حکم نماینده دفع نکرد از من

ماليه ۝ هلك عني سلطانيه ۝ خذوه فغلوه ۝ ثم الجحيم صلوه ۝ ثم في

عذاب را مال تا بود گشت از من تسلط خطاب رسد بزبانیه که بگیرید او را و غل کنید او را پس در آتش در آرید پس آنگاه

در مجمع البیان طبرسی بسند او از مکحول روایت کرده که چون کریمه وتعیها اذن واعیه نازل گردید پیغمبر خدا فرمود که بگرداند این گوش را گوش علی پس علی فرمود از آن وقت هرگز چیزی نشنیدم از رسول خدا که فراموش کرده باشم و هم از طبرسی بسند او از بریده اسلمی روایت کرده که رسول خدا با علی فرمود که ای علی بتحقیق که حقتعالی فرموده تو را نزدیک گردانم بخود و از خود دور ننمایم و تعلیم نمایم ترا و تو بخاطر نگاه داری و لازم است بر خدا تعالی که چنان کند پس نازل شد کریمه وتعیها اذن واعیه و هم بسند خود از عثمان خطاب معمر که بعلت درازی عمر مشهور بابی الدنیا بود روایت کرده که علی علیه السلام فرمود که چون کریمه وتعیها اذن واعیه نزول یافت رسول خدا با من گفت که از خدا تعالی درخواستم که بگرداند این گوش را گوش تو یا علی

سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ۝ إِنَّهُ كَانَ

در زنجیری که گز آن هفتاد گز است پس بپیچید او را بدرستی که او بود در دنیا

لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ۝ وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ۝ فَلَيْسَ

که ایمان نمی آورد بخدای بزرگوار و تحریص نمیکرد بطعام دادن درویش پس نیست

لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ ۝ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ ۝ لَا يَأْكُلُهُ

او را امروز در اینجا خویشی و نیست خوردنی مگر از غساله دوزخیان نمیخورند آنرا

إِلَّا الْخَاطِئُونَ ۝ فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ۝ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ

مگر گناهکاران پس قسم میخورم بآنچه می بینید و آنچه نمی بینید

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۝ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ

بدرستی که قرآن هرآینه گفتار پیغمبر بزرگوار است و نیست قرآن گفتار شاعر اندکی تصدیق میکنید آنرا

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ۝ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و نیست سخن کسی که اخبار غیب نماید بسبب جن اندکی پند گیر میشوند قرآن فرستاده شده از پروردگار جهانیان

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ۝ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ۝

و اگر افترا کند بر ما پیغمبر پاره سخنان را هرآینه بگیریم ما از او دست راست او را

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ۝ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ

پس ببریدیم ما از او رگ گردن او را پس نیست از شما هیچکس از قتل او که منع کنندگان باشد

وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ۝ وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ ۝

و بدرستی که قرآن هرآینه پندیست مر پرهیزکاران را و بدرستی که ما میدانیم آنکه بعضی از شما تکذیب کنندگانند

وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ۝ وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ۝ فَسَبِّحْ بِاسْمِ

و بدرستی که قرآن هرآینه حسرتست بر کافران و بدرستی که درست و راستست پس تسبیح کن بنام

رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۝

پروردگار خود که بزرگست

سورة المعارج اربع واربعون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خدای بخشاینده مهربان





سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ۝ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ۝ مِنَ

اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ۝ تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ

كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ۝ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا ۝ وَنَرَاهُ قَرِيبًا ۝ يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ۝ وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا ۝ يُبَصَّرُونَهُمْ

يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ ۝ وَصَاحِبَتِهِ

وَأَخِيهِ ۝ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ ۝ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا

ثُمَّ يُنْجِيهِ ۝ كَلَّا إِنَّهَا لَظَىٰ ۝ نَزَّاعَةً لِلشَّوَىٰ ۝ تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ

وَتَوَلَّىٰ ۝ وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ ۝ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ۝ إِذَا

مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ۝ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ۝ إِلَّا الْمُصَلِّينَ

الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ۝ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ

لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ۝ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ۝ وَ

الذين هم من عذاب ربهم مشفقون ان عذاب ربهم
غير مأمون والذين هم لفروجهم حافظون الا على ازواجهم
او ما ملكت ايمانهم فانهم غير ملومين فمن ابتغى وراء
ذلك فاولئك هم العادون والذين هم لاماناتهم وعهدهم
راعون والذين هم بشهاداتهم قائمون والذين هم على
صلواتهم يحافظون اولئك في جنات مكرمون فما
للذين كفروا قبلك مهطعين عن اليمين وعن الشمال
عزين ايطمع كل امرئ منهم ان يدخل جنة نعيم كلا انا
خلقناهم مما يعلمون فلا اقسم برب المشارق والمغارب
انا لقادرون على ان نبدل خيرا منهم وما نحن بمسبوقين
فذرهم يخوضوا ويلعبوا حتى يلاقوا يومهم الذي يوعدون
يوم يخرجون من الاجداث سراعا كانهم الى نصب

يوفضون خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلة ذلك اليوم
میشتابند در حالی که فرو افتاده باشد چشمهای ایشان می‌پوشد ایشان را خواری این روز روزیست

الذی كانوا يوعدون
که بودند که وعده داده میشدند

سورة نوح ثمان وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

انا ارسلنا نوحا الى قومه ان انذر قومك من قبل ان
بدرستی که ما فرستادیم نوح را بسوی قوم او با آنکه بیم کن قوم خود را پیش از ایشان آنکه

ياتيهم عذاب اليم قال يا قوم انی لكم نذير مبين ان
بیاید بایشان عذاب پر درد گفت نوح ای قوم بدرستی که من مر شما را بیم کننده ظاهرم که

اعبدوا الله واطيعون يغفر لكم من ذنوبكم ويؤخركم
بپرستید خدا را و فرمان برید مرا تا بیامرزد خدا شما را بعضی از گناهان شما را و تا باز پس دارد شما را

الى اجل مسمى ان اجل الله اذا جاء لا يؤخر لو كنتم تعلمون
بسوی وقتی نام برده شده بدرستی مدت مقدر خدا چون آمد موخر نشود اگر هستید که بدانید

قال رب انی دعوت قومی ليلا ونهارا فلم يزدهم دعائی
گفت پروردگارا بدرستی که من خواندم قوم خود را شب و روز پس نیفزود ایشان را خواندن من

الا فرارا وانی كلما دعوتهم لتغفر لهم جعلوا اصابعهم
مگر گریختن ایشان و بدرستی که هر گاه خواندم ایشان را تا بیامرزی ایشان را در آوردند انگشتان خود را

فی آذانهم واستغشوا ثيابهم واصروا واستكبروا استكبارا
در گوشهای خود و بسر در کشیدند جامهای خود را و مصر شدند و سرکشی کردند سرکشی کردنی

ثم انی دعوتهم جهارا ثم انی اعلنت لهم واسررت
پس بدرستی که من خواندم ایشان را باواز بلند پس بدرستی که من آشکار کردم برای ایشان دعوت را و آهسته گفتم

لهم اسرارا فقلت استغفروا ربكم انه كان غفارا
ایشان را آهسته گفتنی پس گفتم آمرزش کنید پروردگار خود را بدرستی او هست آمرزنده

از ابو
عبد الله علیه السلام
مرویست که هر که این سوره را در فریضه
و نافله بخواند حقتعالی او را در مسکن ابرار
جای دهد و ثلث جنان با و عطا فرماید و انواع
کرامت و اصناف نعمت با و نوازش نماید
و دویست حور عین با و عنایت کند و چهار
هزار زن با و عطا فرماید
اللهم ارزقنا

يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ۝ وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ

میفرستد ابر را از آسمان بر شما بسیار بارنده و مدد دهد شما را به مالها

وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا ۝

و پسران و گرداند برای شما بوستانها و جاری کند برای شما نهرها

مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ۝ وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ۝ أَلَمْ تَرَوْا

چیست مر شما را که امید ندارید از برای خدا تعظیم کردن و بتحقیق آفرید شما را بعد از حالی بحالی آیا نمی بینید

كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا ۝ وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ

که چگونه آفرید خدا هفت آسمان را طبقه بالای طبقه و گردانید ماه را در آسمانها

نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا ۝ وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا

روشنی و گردانید آفتاب را چراغ اهل زمین و خدا برویانید شما را از زمین رویانیدنی

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ۝ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ

پس باز برد شما را در زمین و بیرون آورد شما را بیرون آوردنی و خدا گردانید برای شما زمین را

بِسَاطًا ۝ لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا ۝ قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ

گسترده تا بروید از این زمین براههای گشاده گفت نوح پروردگارا بدرستی که

عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا ۝

ایشان نافرمانی مرا و پیروی کردند کسانی را که زیاد نکرده او را مال و فرزندان او مگر زیان کاری

وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا ۝ وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا

و حیله کردند کسانی را که مکر کردند مکر کردنی بزرگ و گفتند دست باز مدارید خدایان خود را و

تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ۝ وَقَدْ

دست باز مدارید صنم را که ود است و نه سواع را که ... و نه یعوق ... و نه نسر ... و بتحقیق

أَضَلُّوا كَثِيرًا ۝ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا ۝ مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ

گمراه کردند بسیاری از مردم را و زیاده مکن ستمکاران را مگر گمراهی از جهت گناهان ایشان

أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا ۝ فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا

غرق شدند پس در آورده شدند آتش پس نیافتند مر ایشان را از غیر خدا یاوران

ود و سواع و یغوث و یعوق و نسر هر یک نام بتی است که در جاهلیت عرب آنها را می پرستیدند و گویند [illegible] شد پرستیدن آن بتان آنکه هر یک از این بتها نام مردی صالح بود که بعد از آدم و پیش از نوح بعبادت خدای عز و جل مشغول بودند و مردم بعبادت الهی از ایشان امید [illegible] و بعد از وفات ایشان شیطان با مردمان گفت اگر صورت ایشان را ساخته در نظر دارید باعث زیادتی رغبت شما بعبادت حق تعالی خواهد بود و آن گروه فریفته وسوسه او شده چنان کردند و مدتی برین منوال بود تا آنکه بعد از آن گروه شیطان با اولاد ایشان گفت که پدران شما که رهنمای شما بودند عبادت این بتان میکردند ایشان هم بقرب و عبادت آنها اشتغال نمودند

وقال

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا

وگفت نوح پروردگارا مگذار بر روی زمین از کافران هیچ ساکن

إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا

بدرستی که تو اگر بگذاری ایشانرا گمراه کنند بندگان تورا و نزایند مگر فجور کننده ناسپاس

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ

پروردگارا بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و کسی را که درآید در خانه من مومن و مر مردان مومن

وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا

وزنان مومن و زیاده مکن ستمکاران مگر هلاک

سورة الجن ثمان وعشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا

بگو یا محمد وحی کرده شد بسوی من آنکه شنیدند قرآن گروهی از جنیان پس گفتند بدرستی که ما شنیدیم قرآن

عَجَبًا ۝ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا

عجبی که راه مینماید بندگانرا براستی پس ایمان آوردیم بآن و هرگز شریک نیاریم بپروردگار خود

وَأَنَّهُ تَعَالَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ۝ وَأَنَّهُ

کسی را و بدرستی که او بلند است عظمت پروردگار ما فرا نگرفت هیچ زنی و نه فرزندی و آنکه

كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ۝ وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ تَقُولَ

هست که میگوید جاهل ما یعنی شیطان بر خدا سخن دور از حق و آنکه ما پنداشتیم آنکه نگویند

الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۝ وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ

آدمی و جنی بر خدا دروغی و آنکه بودند مردان از آدمیزاد

يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ۝ وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا

پناه میگرفتند بمردان از جنیان پس افزودند آدمیان جنیانرا سرکشی و جهل و آنکه گمان بردند

كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا ۝ وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ

چنانکه گمان کردید شما آنکه هرگز مبعوث نکند خدا کسی را و آنکه ما قصد کردیم آسمانرا

مصحف

از ابو عبد الله مرویست که هر که سوره جن را بسیار بخواند تا در دنیا باشد از شر جنیان ایمن باشد و در آخرت با محمد و آل او طاهره محشور شود و چون بخدمت ایشان رسد گوید خدایا بغیر از ایشان کسی دیگر را نمیخواهم بغیر از این درجه ها هیچ آرزو ندارم

گویند نفر ما بین سه تا ده را گویند و این گروه جنیان هفت تن از جن نصیبین بودند که رسول خدا ایشان را دید و قرآن برایشان خواند و ایمان آوردند بآنحضرت و بفرموده آنحضرت ایشان تبلیغ رسالت آنحضرت بسایر جنیان نمودند و ابو حمزه ثمالی گفته که بما رسیده که ایشان از جنیان

فوجدناها ملئت حرسا شديدا وشهبا ۝ وانا كنا نقعد

پس یافتیم ما آسمان را پر شده از پاسبانان توانا و ستارگان رسنده ۝ و آنکه بودیم ما که می نشستیم

منها مقاعد للسمع فمن يستمع الان يجد له شهابا رصدا ۝

از ایشان در نشستن گاه برای شنیدن و هر کس از جن طلب شنیدن حالا می یابد برای خود ستاره روشن را

وانا لا ندري اشر اريد بمن في الارض ام اراد بهم ربهم

نگاه دارنده ۝ و آنکه نمیدانیم آیا بدی خواسته شده هر که در زمین است یا خواسته با ایشان پروردگار ایشان

رشدا ۝ وانا منا الصالحون ومنا دون ذلك كنا طرائق

خیری ۝ و بدرستی که از ما شایسته کارانند و از ما جمعی فروترند از صالحان هستیم با طریقهای

قددا ۝ وانا ظننا ان لن نعجز الله في الارض ولن نعجزه

مختلف ۝ و آنکه گمان کردیم که هرگز عاجز نتوانیم ساخت خدا را در زمین و هرگز عاجز نتوانیم کرد

هربا ۝ وانا لما سمعنا الهدى امنا به فمن يؤمن بربه فلا

او را که گریزنده باشیم ۝ و بدرستی که چون شنیدیم ما قرآن را گرویدیم با آن پس هر که ایمان آورد به پروردگار خود

يخاف بخسا ولا رهقا ۝ وانا منا المسلمون ومنا القاسطون

پس نترسد از نقصانی و نه گراهتی ۝ و آنکه از ما مسلمانانند و از ما ستمکارانند بر خود

فمن اسلم فاولئك تحروا رشدا ۝ واما القاسطون فكانوا

پس هر که گردن نهاد پس آن گروه قصد کردند راه راست را ۝ و اما بیرون رفتگان از ایمان پس باشند

لجهنم حطبا ۝ وان لو استقاموا على الطريقة لاسقيناهم

مر دوزخ را هیزم ۝ و دیگر اگر مستقیم باشند بر طریقه حق که اسلام است هر آینه بدهیم

ماء غدقا ۝ لنفتنهم فيه ومن يعرض عن ذكر ربه يسلكه

ایشان را آب بسیار تا بیازماییم ایشان را در آن ۝ و هر که اعراض کند از یاد کردن پروردگار خود در آورد

عذابا صعدا ۝ وان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا

او را خدا در عذابی فوق طاقت او ۝ و آنکه مسجدها مر خدای راست پس مخوانید با خدا یکی را

وانه لما قام عبد الله يدعوه كادوا يكونون عليه لبدا

و آنکه آن هنگام که برخواست بنده خدا میخواند خدا را در نماز نزدیک بود که باشند جنیان بر پیغمبر خشمگین از ازدحام

قل

از جنیان نصیبین بوده اند و این گروه بحسب عدد زیاده از همه جنیان بودند که لشکر شیطانند و در صحیح بخاری و مسلم از ابن عباس روایت شده که چون رسول خدا مبعوث شد شیطان و اتباع او از بالا رفتن بآسمان و استراق سمع بتیرهای شهاب ممنوع شدند با هم گفتند که حادثه عظیمی روی داده که باعث منع ما شده باید تفحص آن واقعه نمود و متفرق در اطراف زمین میگشتند گروهی از ایشان بتهامه رسیدند اتفاقا وقتی ببازار عکاظ رسیدند که رسول با یاران خود نماز صبح میکردند و چون ایشان قرآن را شنیدند گوش دادند و با هم گفتند که همین مردی است که مانع صعود ما بآسمان شده و از آنجا مراجعت نموده با قوم خود گفتند انا سمعنا قرآنا عجبا یهدی الی الرشد فآمنا به ولن نشرک بربنا احدا پس وحی نازل شد بآنحضرت که قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن و آنحضرت ایشان را ندیده بود و قرآن را بر ایشان نخوانده بود

قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا ۝ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ

بگو بدرستی که من مالک نیستم ... بجهه شنیدن قرآن جز این نیست که میخوانم پروردگار خود را و شریک نمیکنم با او کسی را

لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ۝ قُلْ إِنِّي لَن يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ ۝ وَلَنْ

برای شما ضرری و نه رسانیدن خیری و صلاحی را بگو بدرستیکه من زنهار ندهد مرا از عذاب خدا کسی و

أَجِدَ مِن دُونِهِ مُلْتَحَدًا ۝ إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ ۚ وَمَن

نیابم هرگز بجز از خدا پناهی مالک نفع و ضر نیستم مگر رسانیدن از نزد خدا و پیغامهای او و هر که

يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۝

عصیان خدا و پیغمبر او را پس بدرستی که مر او راست آتش دوزخ که جاوید باشند در آن همیشه

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ

تا وقتیکه ببینند آنچه وعده داده میشدند پس زود باشد که بدانند کیست ضعیف تر از جهة یاری و کمتر از

عَدَدًا ۝ قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي

روی عدد بگو یا محمد نمیدانم من آیا نزدیکست آنچه وعده داده شده اید یا گردانیده از برای آن پروردگار

أَمَدًا ۝ عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ۝ إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ

من مدت دراز او است داننده نهان پس ظاهر نشود بر غیب که مخصوص بعلم او است کسی مگر آنکه پسندیده باشد

مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ۝

از فرستاده پس بدرستی که خدا در می آورد از پیش رسول و از پس او نگهبانان فرشته

لِّيَعْلَمَ أَن قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ

تا بداند رسول آنکه بتحقیق رسانیده اند رسولان پیغامهای پروردگار خود را و فرا گرفته بآنچه نزد ایشانست و شمرده

كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا

هر چیز را که معدود بود

سورة المزمل — عشرون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ ۝ قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ نِّصْفَهُ أَوِ انقُصْ

ای گلیم پیچیده برخیز بنماز شب مگر اندکی از شب که نیمه او است یا کم کن

قم اللیل الا نصفه معلوم میشود که مراد بقیام در نصف شب است و این آیه دلالت دارد بر وجوب نماز شب بر آنحضرت و بعضی از خصایص اوست و بر امت او مستحب مؤکد است

از ابو جعفر علیه السلام مرویست که خواننده این سوره هرگز فقیر و محتاج نشود

مِنْهُ قَلِيلًا ۝ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ۝ إِنَّا

از نیمه شب اندکی ۝ یا زیاده کن بر نیمه شب و بیانی بخوان قرآن را بیانی خواندنی بدرستی که

سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ۝ إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ

زود باشد که وحی کنیم بر تو گفتنی سنگین ۝ بدرستی که ساعتی که ناشی است از شب آن سخت است

وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا ۝ إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ۝ وَاذْكُرِ

از روی ثبات و درست تر از روی گفتن بدرستی که مر تو راست در روز آمد و شد دراز بسیار ۝ و یاد کن

اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا ۝ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَٰهَ

نام پروردگار خود را و بریده شو از خلق بسوی او بریدنی ۝ پروردگار مشرق و مغرب نیست خدای

إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ۝ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ

مگر او پس فرا گیر او را وکیل خود ۝ و صبر کن بر آنچه میگویند کفار و ببر و دور باش از ایشان

هَجْرًا جَمِيلًا ۝ وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ

بریدنی نیکو ۝ و بگذار مرا با تکذیب کنندگان که خداوندان نعمت اند و مهلت ده ایشان را

قَلِيلًا ۝ إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ۝ وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَ

اندکی ۝ بدرستی که نزد ماست غلهای گران و آتش افروخته ۝ و خوردنی صاحب گلو گرفتن و

عَذَابًا أَلِيمًا ۝ يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ

عذاب دردناک ۝ روزی که بلرزه درآید زمین ۝ و بجنبد کوهها و باشند کوهها

كَثِيبًا مَهِيلًا ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ

مثل توده ای ریگ پراکنده ۝ بدرستی که ما فرستادیم بسوی شما پیغمبری که گواه است بر شما

كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ۝ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ

چنانچه فرستادیم بسوی فرعون آن پیغمبر را ۝ پس نافرمانی کرد فرعون آن پیغمبر را

فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا ۝ فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ

پس گرفتیم او را گرفتنی سخت ۝ پس چگونه پرهیز میکنید اگر کافر باشید از روزی که میگرداند

الْوِلْدَانَ شِيبًا ۝ السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا ۝ إِنَّ

کودکان را پیر از هول ۝ و آسمان شکافته شود در آن روز و هست وعده خدا آن کرده شده بدرستی که

ظاهر آنست که مراد از ترتیل قرآن اظهار حروف و اخراج آنها از مخارج و تامل و تدبر در فهم معانی کلمات و طلب مغفرت و بهشت نزد تلاوت آیاتی که مشتمل بر استغفار و ذکر بهشت باشد و استعاذه از آتش دوزخ نزد خواندن آیه مشتمل بر آنها و امثال اینها و از حضرت امیرالمومنین مرویست که در تفسیر ترتیل فرموده ظاهر ساز کلمات و حروف آن را اظهار نیک و تند مخوان از قبیل خواندن شعر و پراکنده مساز آن را مانند پراکنده نمودن ریگ

مراد از ناشئه لیل نفسی است که در شب از برای عبادات الهی برخیزد و ظاهر این است که کلفت و مشقت این نفس بیشتر است از کلفت و مشقت کسی که در روز مشغول عبادت گردد چه شب وقت استراحت و خواب است و هم ظاهر است که سخنی که در شب گفته شود درست تر است با قلب و زبان و حضور قلب

هٰذِهٖ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَآءَ اتَّخَذَ اِلٰى رَبِّهٖ سَبِيلًا ۝ اِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ

این آیتهای قرآن پند جست پس هر که خواهد فرا گیرد بقرب پروردگار خود راهی بدرستی که پروردگار تو میداند

اَنَّكَ تَقُومُ اَدْنٰى مِنْ ثُلُثَيِ الَّيْلِ وَنِصْفَهٗ وَثُلُثَهٗ وَطَآئِفَةٌ

انکه تو بر میخیزی کمتر از چهار دانگ شب و نصف شب و سه یک شب و بر میخیزند جمعی

مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللّٰهُ يُقَدِّرُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ اَنْ لَنْ تُحْصُوهُ

از آنها که با تو اند و خدا اندازه میکند شب و روز را میداند خدا انکه هرگز نتوانید

فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْاٰنِ عَلِمَ اَنْ سَيَكُونُ

شمردن آنرا پس بازگشت بر شما پس بخوانید آنچه آسان بود بر شما از قرآن داند خدا انکه باشند

مِنْكُمْ مَرْضٰى وَاٰخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِى الْاَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ

از شما جمعی بیماران و طایفه دیگر که سفر میکنند در زمین طلب میکنند از فضل

اللّٰهِ وَاٰخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِى سَبِيلِ اللّٰهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ

خدا و طایفه دیگر کارزار میکنند در راه دین خدا پس بخوانید آنچه میسر باشد از قرآن

وَاَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاَقْرِضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا

و بپای دارید نماز را و بدهید زکوة را و قرض بدهید خدا را یعنی بندگان او را قرضی نیکو و انچه

تُقَدِّمُوا لِاَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللّٰهِ هُوَ خَيْرًا

از پیش فرستید از برای نفسهای خود از خوبی بیابید آنرا نزد خدا او بهتر است

وَاَعْظَمَ اَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝

از روی خیر و بزرگتر از روی مزد و طلب آمرزش کنید از خدا بدرستی که خدا آمرزنده مهربان است

سورة المدثر خمسون و ست آية مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يَا اَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ۝ قُمْ فَاَنْذِرْ ۝ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ۝ وَثِيَابَكَ

ای جامه در سر کشیده برخیز پس بیم کن مردم را و پروردگار خود را پس بزرگ کن و جامهای خود را

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود هر که در شبی ده آیه بخواند نوشته نشود در زمره غافلان و هر که پنجاه آیه تلاوت کند نوشته شود در زمره ذاکرین و هر که صد آیه بخواند نوشته شود از جمله قانتین و هر که دویست آیه بخواند نوشته شود از جمله خاشعین و هر که سیصد آیه بخواند نوشته شود از جمله فائزین و کسی که پانصد آیه بخواند نوشته شود از جمله مجتهدین و کسی که هزار آیه بخواند نوشته شود برای او ثواب هزار قنطار که قنطار عبارتست از پانصد مثقال و هر مثقال چهار قیراط است که کوچکترین آنها مانند کوه احد است و بزرگترین آنها باندازه ما بین زمین و آسمان

از محمد بن مسلم از ابو جعفر روایت کنند که هر که در نماز فریضه سوره المدثر را بخواند بر خدا حق است که او را با محمد در درجه واحد قرار دهد و در دنیا باشد هرگز شقاوتی باو نرسد

فطهر والرجز فاهجر ولا تمنن تستكثر ولربك فاصبر

پاک ساز و از گناه پس دوری کن و عطا مده بیشتر از آنچه داده و برای خدا پس صبر کن

فاذا نقر في الناقور فذلك يومئذ يوم عسير على

پس چون دمیده شود در صور پس آن وقت دران روز روز دشوار است بر

الكافرين غير يسير ذرني ومن خلقت وحيدا وجعلت

ناگرویدگان آسان نیست بگذار مرا و هر که آفریدم من او را که تنها بودم و گردانیدم

له مالا ممدودا وبنين شهودا ومهدت له تمهيدا

برای او مالی کشیده بسیار و پسران نزد او حاضر بودند و گسترده برای او گستردنی

ثم يطمع ان ازيد كلا انه كان لاياتنا عنيدا سارهقه

پس طمع میدارد که زیاده کنم نه چنانست بدرستی که او بود مر آیات ما را ستیزه کننده زود باشد که رسانم او را

صعودا انه فكر وقدر فقتل كيف قدر ثم قتل كيف

بعقبه بدرستی که او فکر کرد و تقدیر کرد پس کشته شد چگونه تقدیر کرد پس کشته شد چگونه

قدر ثم نظر ثم عبس وبسر ثم ادبر واستكبر فقال

تقدیر کرد پس نظر کرد پس روی ترش کرد و پیشانی درهم کشید پس روی گردانید و سرکشی کرد پس گفت

ان هذا الا سحر يؤثر ان هذا الا قول البشر ساصليه

نیست این قرآن مگر جادویی که روایت کرده میشود نیست این مگر گفتن آدمی زود باشد که درآورم او را

سقر وما ادريك ما سقر لا تبقي ولا تذر لواحة

در دوزخ و چه چیز دانا گردانید ترا که چیست سقر باقی نمیگذارد و ترک نمیکند سوزنده

للبشر عليها تسعة عشر وما جعلنا اصحاب النار الا

پوست آدمی را بر آن نوزده فرشته و نگردانیدیم ما یاران دوزخ را مگر

ملائكة وما جعلنا عدتهم الا فتنة للذين كفروا ليستيقن

فرشتگان و نگردانیدیم ما عدد ایشان را مگر آزمایش مر آنان را که کافر شدند تا یقین کنند

الذين اوتوا الكتاب ويزداد الذين امنوا ايمانا ولا يرتاب الذين

آنانکه داده شدند کتاب تورات و زیاده کند آنانکه گرویدند گرویدنی و شک نیارند آنانکه

وحيدا حال است از ضمیر منصوب در ذرنی یعنی واگذار مرا تنها یا با آنکه من او را آفریده ام غرض اینست که من تنها کفایت عقوبت او میکنم و احتیاج بمددکاری در عقوبت او ندارم و باتفاق مفسران مراد از من خلقت وحیدا ولید بن مغیره ملعون است

اوتوا

أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ
داوند کتاب را و گروندگان و تا بگویند آنانکه در دلهای ایشان بیماریست و کافران

مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ
چه چیز خواسته خدا باین عدد مثلا همچنین گمراه میکند خدا کسی را که میخواهد و راه مینماید هر کرا

يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ كَلَّا وَ
میخواهد و نمیداند لشکرهای پروردگار ترا مگر او و نیست این سقر مگر پندی برای مردمان نه چنان است

الْقَمَرِ وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ إِنَّهَا لَإِحْدَى الْكُبَرِ
قسم بماه و شب چون پشت دهد عقب روز و قسم بصبح چون روشن شود بدرستی که سقر یکی از بلاهای

نَذِيرًا لِلْبَشَرِ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ كُلُّ نَفْسٍ
بزرگست از روی ترسانیدن آدمی هر که خواهد از شما آنکه پیش رود در خیر یا پس ایستد هر نفسی

بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ
بآنچه کرده است مرهونست مگر یاران دست راست در بوستانهای بهشت میپرسند از حال

عَنِ الْمُجْرِمِينَ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ
گناهکاران چه چیز در آورد شما را در دوزخ گویند نبودیم ما از نمازگذارندگان

وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ وَكُنَّا
و نبودیم که طعام دهیم درویشان را و بودیم ما که شروع میکردیم با شروع کنندگان و بودیم که

نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ
تکذیب میکردیم بروز جزا تا آمد ما را مرگ پس نفع نکند ایشان را شفاعت

الشَّافِعِينَ فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ
شفاعت کنندگان پس چیست مر ایشان را از تذکره که قرآنست اعراض کنندگانند گویا ایشان خران وحشی اند

مُسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ
که گریخته باشند و فرار کرده باشند از شیران بلکه میخواهد هر مردی از ایشان

أَنْ يُؤْتَى صُحُفًا مُنَشَّرَةً كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ كَلَّا إِنَّهُ
آنکه داده شود نامهای سرگشاده نه چنانست که پندارند بلکه نمیترسند از عذاب آخرت نه چنانست که آن

تذكرة فمن شاء ذكره وما يذكرون الا ان يشاء الله

قرآن پندیست پس هر که خواهد پند گیرد آنرا و پند نگیرند آنرا مگر آنکه خواهد خدا

هو اهل التقوى واهل المغفرة

اوست سزاوار آنکه بترسند ازو و سزاوار گناه آمرزیدن مردمان است

سورة القيامة

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

لا اقسم بيوم القيمة ولا اقسم بالنفس اللوامة ايحسب

سوگند میخورم بروز قیامت و سوگند میخورم بنفس ملامت کننده آیا می پندارد

الانسان الن نجمع عظامه بلى قادرين على ان نسوى بنانه

[illegible]

بل يريد الانسان ليفجر امامه يسئل ايان يوم القيمة فاذا

بلکه میخواهد آدمی ... می پرسد که کی خواهد بود روز قیامت پس آن هنگام

برق البصر وخسف القمر وجمع الشمس والقمر يقول

که خیره شود چشم و تیره شود ماه و جمع کرده شود آفتاب و ماه بگوید

الانسان يومئذ اين المفر كلا لا وزر الى ربك

آدمی در آن روز کجاست گریختن گاه نه چنانست نیست پناهی ایشانرا بسوی پروردگار تو

يومئذ المستقر ينبؤا الانسان يومئذ بما قدم واخر

در آن روز قرارگاه خبر داده شود آدمی در آن روز بآنچه پیش فرستاد و آنچه باخیر کرد

بل الانسان على نفسه بصيرة ولو القى معاذيره

بلکه آدمی بر نفس خود بیناست و اگر القا کند عذرهای خود را

لا تحرك به لسانك لتعجل به ان علينا جمعه وقرانه

مجنبان ای محمد بقرآن زبان خود را تا تعجیل کنی بحفظ آن بدرستی که برماست فراهم آوردن آن و قرائت بزبان او

فاذا قراناه فاتبع قرانه ثم ان علينا بيانه كلا بل تحبون

پس چون خوانیم او را پس پیروی کن خواندن او را پس بدرستی که برماست بیان او نه چنانست بلکه دوست میدارید

ابو بصیر از ابو جعفر روایت کرده که هر که مداومت کند سوره قیامت را و عمل کند بآن حق تعالی او را از قبر مبعوث گرداند با او در احسن صورت و بشارت دهد ... و بروی خندد ... تا از صراط بگذرد

در مجمع البیان گفته که چون قرآن بر رسول خدا صلی الله علیه وآله نزول میافت آنحضرت از راه نهایت خواهشی که بخواندن آن داشت زبان را بآسانی حرکت میداد و تعجیل برای حفظ قرآن پس از تمام وحی مشغول تلاوت می شد پس این آیه نزول یافت ... کریمه تعجل بالقرآن من قبل ان یقضی الیک وحیه

العاجلة ۝ وتذرون الاخرة ۝ وجوه يومئذ ناضرة ۝ الى

دنیای شتابنده را و دست بازمیدارند از آخرت ۝ روها ۝ در آن روز تازه و باطراوت ۝ بسوی

ربها ناظرة ۝ ووجوه يومئذ باسرة ۝ تظن ان يفعل بها

پروردگار خود نظر کنند ۝ و روها ۝ در آن روز سخت ترش باشد ۝ گمان میبرند که کرده خواهد شد بآن

فاقرة ۝ كلا اذا بلغت التراقي ۝ وقيل من راق ۝ وظن

شکننده مهرهای پشت است ۝ نه چنان است چون برسد روح باستخوانهای بالای سینه ۝ و گفته شود کیست افسون کننده ۝

انه الفراق ۝ والتفت الساق بالساق ۝ الى ربك يومئذ

و گمان میبرد که نازل شده مفارقت ۝ و پیچیده ساق محتضر بساق دیگر ۝ بسوی جزای پروردگار تو در آن روز

المساق ۝ فلا صدق ولا صلى ۝ ولكن كذب وتولى

موضع راندنست ۝ پس تصدیق نکرد و نماز نکرد ۝ و لیکن تکذیب کرد و برگشت از راه حق

ثم ذهب الى اهله يتمطى ۝ اولى لك فاولى ۝ ثم اولى

پس رفت بسوی اهل خود میخرامید از افتخار ۝ تنگ سزاوار است پس تنگ سزاوار است ۝ پس سزاوار است

لك فاولى ۝ ايحسب الانسان ان يترك سدى ۝ الم

مر ترا پس تنگ سزاوار است ۝ آیا گمان میکند آدمی ۝ آنکه گذاشته شود در حالی که مهمل باشد ۝ آیا

يك نطفة من مني يمنى ۝ ثم كان علقة فخلق فسوى ۝

نبوده قطره آبی ۝ از منی که ریخته شود ۝ پس بود خون بسته ۝ پس تقدیر کرد و برابر او زمانی

فجعل منه الزوجين الذكر والانثى ۝ اليس ذلك بقادر

پس گردانید از آدمی ۝ دو وصف ۝ مرد ۝ و زن ۝ آیا نیست ۝ آنکه چنین ایجاد کند

على ان ۝ يحيي الموتى ۝

توانا بر آنکه ۝ زنده کند مردگان را

سورة الدهر احد وثلثون اية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام ۝ خدا ۝ بخشاینده ۝ مهربان

هل اتى على الانسان حين من الدهر لم يكن شيئا مذكورا

آیا بحقیق آمد ۝ بر ۝ آدمی ۝ زمانی ۝ از زمان عمر ممتد و نبود آن آدمی چیزی یاد کرده شده

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ

بدرستی که آفریدیم ما آدمی از آب اندک منی ممزوج با حرارت و برودت تا بیازمائیم اورا

سَمِيعًا بَصِيرًا ۝ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

پس گردانیدیم اورا شنوا و بینا بدرستی که ما راه نمودیم اورا راه راست درحالیکه شکر کننده است و یا ناسپاس

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا ۝

بدرستی که آماده کرده ایم برای کافران زنجیرها و غلها و آتش افروخته

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ۝

بدرستی که نیکوکاران می آشامند از جام شراب که باشد امتزاج او با کافور بهشت

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ۝ يُوفُونَ بِالنَّذْرِ

که آمیخته باشد آب چشمه که می آشامند از آن بندگان خدا و میرانند آن چشمه را راندنی و وفا میکنند بنذر

وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ۝ وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ

و میترسند روزیرا که هست شر او فاش آشکارا و میخورانند خوردنی را

عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ۝ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ

بر دوستی خدا مسکین بیمایه و طفل بی پدر و اسیر میگویند جز این نیست که طعام میدهیم شما را برای رضای خدا

لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا ۝ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا

نمیخواهیم ما از شما پاداشی و نه شکر گردن بر احسان بدرستی که ما میترسیم از پروردگار خود در روزیکه

عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ۝ فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً

روبها در آن ترش باشد در نهایت سختی پس نگاه داشت ایشانرا خدا از بدی این روز در پیش آورد ایشان را تازه گی

وَسُرُورًا ۝ وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ۝ مُتَّكِئِينَ فِيهَا

و خوشی و جزای ایشان بسبب آنچه کردند بهشتست و جامه ابریشم درحالیکه تکیه زدگان باشند

عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا ۝ وَدَانِيَةً

در بهشت بر تختها نه بینند در بهشت آفتابی و نه سرمائی و جزا دهد خدا ایشانرا

عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا ۝ وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ

بهشت دیگر نزدیک بهشت اول بر ایشان باشد سایه درختان و رام کرده شود میوه آن رام شدنی و گردانیده شود بر ایشان

بآنية

بآنية من فضة واكواب كانت قواريرا قواريرا من فضة

بظروف خوردن از نقره و کوزهایی بی دسته که باشد مانند شیشه ها آن شیشه ها از نقره باشد

قدروها تقديرا ۝ ويسقون فيها كأسا كان مزاجها زنجبيلا

که اندازه کنند بهشتیان آنها را اندازه کردنی و آشامانیده شوند در آن کاسه که باشد آمیزش آن از زنجبیل

عينا فيها تسمى سلسبيلا ۝ ويطوف عليهم ولدان

چشمه در آن بهشت که نامیده شده سلسبیل و طواف کنند بر ایشان پسران

مخلدون اذا رأيتهم حسبتهم لؤلؤا منثورا ۝ واذا رأيت

جاوید مانده چون ببینی ایشان را گمان کنی ایشان را مروارید پراکنده از صدف و چون دیدی تو

ثم رأيت نعيما وملكا كبيرا ۝ عاليهم ثياب سندس

آنجا ببینی نعمتها و ملکی بزرگ را در حالیکه بر زبر ایشان باشد جامهای دیبای نازک

خضر واستبرق وحلوا اساور من فضة وسقاهم ربهم

سبز و دیبای محکم و آراسته شوند بدستوانهای از نقره و سیراب کند ایشان را پروردگار ایشان

شرابا طهورا ۝ ان هذا كان لكم جزاء وكان سعيكم

شرابی پاک از نجاس بدرستی که این مر شما را پاداش و هست سعی شما

مشكورا ۝ انا نحن نزلنا عليك القرآن تنزيلا ۝ فاصبر لحكم

پسندیده شده بدرستی که ما فرستادیم بر تو قرآن را فرستادنی پس صبر کن مر حکم

ربك ولا تطع منهم آثما او كفورا ۝ واذكر اسم ربك

پروردگار خود را فرمان مبر از ایشان گناهکار یا ناسپاس را و یاد کن نام پروردگار خود را

بكرة واصيلا ۝ ومن الليل فاسجد له وسبحه ليلا طويلا

صبح و شام و در بعضی از شب پس سجده کن مر او را و تسبیح کن او را در شب دراز

ان هؤلاء يحبون العاجلة ويذرون وراءهم يوما ثقيلا

بدرستی که این کافران دوست میدارند دنیای شتابنده را و میگذارند از پس پشت خود روز گران

نحن خلقناهم وشددنا اسرهم واذا شئنا بدلنا امثالهم

ما آفریدیم ایشان را و محکم کردیم ربط مفاصل ایشان را و اگر خواهیم ما بدل کنیم ایشان را امثال ایشان

یعنی
مشیت شما طاعات
وعبادات وبندگی که تعلق بعبادت دارد
کرفت بی تعلق مشیت الهی ومراد از مشیت
تکوینی حتمی است تا آنکه موجب لزوم جبر باشد
بلکه عبارتست از مشیت تکلیفی وتهیه اسباب طاعات
والطاف وهدایات خاصه که موجب سهولت صدور
عبادتست از بندگان بقدرت واختیار ایشان
و همچنین یک تفسیر امر بین امرین است
که در جبر لاجبر ولا تفویض بل
امر بین امرین

تبديلا ۝ ان هذه تذكرة فمن شاء اتخذ الى ربه سبيلا
تبدیل کردنی ۝ بدرستی که این سوره پندیست پس هر که خواهد فرا گیرد بسوی پروردگار خود راهی را
وما تشاءون الا ان يشاء الله ان الله كان عليما حكيما
و نخواهید شما مگر آنکه خواهد خدا بدرستی که خدا هست دانای محکم کار
يدخل من يشاء في رحمته والظالمين اعد لهم عذابا اليما
در می آرد هر کرا خواهد در رحمت خود و ستمکاران را آماده کرد برای ایشان عذابی دردناک



بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان
والمرسلات عرفا ۝ فالعاصفات عصفا ۝ والناشرات
قسم بفرشتگان فرستاده شده به نیکوئی پس قسم بملائکه جهنده بسختی رفتنی و قسم بملائکه نشر کننده
نشرا ۝ فالفارقات فرقا ۝ فالملقيات ذكرا ۝ عذرا او
نشر کردنی پس قسم بملائکه جدا کننده میان حق و باطل جدا کردنی پس قسم بفرشتگان اندازه وحی را عذر مومنان یا
نذرا ۝ انما توعدون لواقع ۝ فاذا النجوم طمست ۝ واذا
بیم کفار بدرستیکه جز این نیست که وعده کرده میشوید هر آینه واقع میشود پس آنگاه که ستارگان محو شوند و آنگاه که
السماء فرجت ۝ واذا الجبال نسفت ۝ واذا الرسل اقتت
آسمان شکافته شود و آنگاه که کوهها شکافته و پراکنده شود و هنگامی که پیغمبران را وقتی معین کرده شود
لاي يوم اجلت ۝ ليوم الفصل ۝ وما ادراك ما يوم
از برای کدام روز معین شده برای آن روز جدا کردن و چه چیز دانا گردانید ترا که چیست روز
الفصل ۝ ويل يومئذ للمكذبين ۝ الم نهلك الاولين
فصل وای در آن روز مر تکذیب کنندگان را آیا هلاک نکردیم ما پیشینیان را
ثم نتبعهم الآخرين ۝ كذلك نفعل بالمجرمين ۝ ويل يومئذ
پس از پی ایشان در آوریم پسینیان را مثل این فعل شنیع میکنیم با گناهکاران وای در آن روز

از ابی عبدالله مرویست که هر که سوره مرسلات را بخواند حق تعالی او را با پیغمبر شناسا گرداند و در آن ... گردد

مراد از مرسلات فرشتگانی که حق تعالی ایشان را بسوی پیغمبران خود فرستاده برای وحی معروف از اوامر و نواهی

للمكذبين

لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ۝ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ

مر مکذبین کننده گان را . آیا نیافریدیم شما را از آب خوار بمقدار . پس گردانیدیم آن آب را در قرارگاه استوار

إِلَىٰ قَدَرٍ مَعْلُومٍ ۝ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ

تا مقداری دانسته شده . پس توانا بودیم در آفرینش شما پس نیک توانایم ما . وای در آن روز

لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ۝ أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا

مر مکذبین کننده گان را . آیا نگردانیدیم ما زمین را جمع کننده بندگان . زندگان و مردگان

وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا ۝

و گردانیدیم ما در زمین کوههای استوار بلند . و بیاشامانیدیم شما را آبی شیرین و صاف

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ انْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ

وای در آن روز مر مکذبین کننده گان را . بروید البته بسوی آنچه بودید که آن را تکذیب میکردید

انْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ ۝ لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ

بروید البته بسوی سایه خداوند سه شاخ است یعنی دود نه سایه خنک کرده در آن شده نه دفع

اللَّهَبِ ۝ إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ ۝ كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ ۝

کند از زبانه آتش . هر آتشی که دوزخ می اندازد شراری که مانند کوشکی است گویا آن شرر اشتران زرد رنگ

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ هَٰذَا يَوْمُ لَا يَنْطِقُونَ ۝ وَلَا

وای در آن روز مر مکذبین کننده گان را . این روز روزی است که سخن نگویند کفار از هول و

يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ هَٰذَا

رخصت داده نشوند مر ایشان را پس عذر بگویند . وای در آن روز مر مکذبین کننده گان را . این روز

يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ ۝ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ

روز حکم قضاست . جمع کردیم ما شما را و پیشینیان را . پس اگر هست مر شما را مکری و حیله

فَكِيدُونِ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ

پس مکر کنید مرا . وای در آن روز مر مکذبین کننده گان را . بدرستی پرهیزکاران در سایه

وَعُيُونٍ ۝ وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ ۝ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا

و کنار چشمه ها باشند . و در میان میوه ها از آنچه آرزو کنند . بخورید و بیاشامید گوارا بسبب آنچه

كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
بودید که میکردید بدرستی که ما چنین جزا میدهیم نیکوکاران را وای در آن روز

لِّلْمُكَذِّبِينَ ۝ كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُم مُّجْرِمُونَ ۝ وَيْلٌ
مر تکذیب کنندگان را گویند بخورید و متمتع گردید از مال اندک دنیا بدرستی که شما گناهکارانید و وای

يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ ۝
در آن روز مر تکذیب کنندگان را و چون گفته شود مر ایشان را که نماز گذارید نماز گذارندگان

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۝ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ۝
وای در آن روز مر تکذیب کنندگان را پس بکدام سخن بعد از قرآن ایمان می آورند

سورة النبأ اربعون آية وهي مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝
بنام خدای بخشاینده مهربان

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ۝ عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ ۝ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ
از چه چیز میپرسند از خبر بزرگ آنکه ایشان در آن اختلاف میکنند

كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ۝ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ۝ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ
باید باز ایستند زود باشد که بدانند پس باید باز ایستند زود باشد که بدانند آیا نگردانیده ایم زمین را

مِهَادًا ۝ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ۝ وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ۝ وَجَعَلْنَا
گسترده و کوهها را میخ زمین و آفریدیم ما شما را جفت جفت نر و ماده و گردانیدیم ما

نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ۝ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ۝ وَجَعَلْنَا
خواب شما را چیزی که قطع خواهش کند و گردانیدیم ما شب را پوششی و گردانیدیم روز را

النَّهَارَ مَعَاشًا ۝ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ۝ وَجَعَلْنَا
وقت طلب معیشت و بنا کردیم ما بر زبر شما هفت آسمان سخت و آفریدیم مادر

سِرَاجًا وَهَّاجًا ۝ وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۝ لِّنُخْرِجَ
آسمان چراغی درخشان و فرو فرستادیم ما از ابرهای فشارنده آبی بغایت ریزان تا بیرون آریم



ابی ابن کعب از پیغمبر روایت
کرده که هر که سوره النبا را بخواند خداوند
او را در قیامت شراب سرد بیاشامد و از
ابو عبد الله مرویست که هر که عم را بخواند
و هر روز مداومت کند آن سال
بیرون نیاید تا زیارت
الحرام مشرف
شود

در کتاب کافی از ابو حمزه ثمالی مرویست
که گفت بخدمت حضرت ابو جعفر عرض کردم
که شیعیان از شما استفسار معنی کریمه عم
یتساءلون عن النبا العظیم مینمایند فرمود که
جواب آن این است اگر خواهم میگویم و اگر
صلاح در جواب نه بینم نمیگویم لیکن ترا آگاه
میکنم

بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ۝ وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا ۝ إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ

با آن دانه مر وا را بیدا از دریا و از زمین گیاه و بوستانهای بهم پیچیده درختان بدرستی که روز حکم هست

مِيقَاتًا ۝ يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ۝ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ

وقتی مقرر روزی که دمیده شود در صور در نفخه ثانیه پس بیایید شما فوج فوج بمحشر و گشاده شود آسمان

فَكَانَتْ أَبْوَابًا ۝ وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ۝ إِنَّ جَهَنَّمَ

پس گردد دارای درهای بسیار و روان گردانیده شود کوهها پس باشد چون سراب بدرستیکه دوزخ

كَانَتْ مِرْصَادًا ۝ لِّلطَّاغِينَ مَآبًا ۝ لَّابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا ۝

هست کمینگاهی که زبانیه در آنجا مترصد اهل دوزخ‌اند از حد در گذشتگان را بازگشت درنگ کنندگان در آن روزگار دراز

لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ۝ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ۝

نچشند در آن سردی و نه شرابی مگر آب جوشان و چرک و ریم دوزخیان

جَزَاءً وِفَاقًا ۝ إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ۝ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

پاداش دادنی موافق کردار ایشان بدرستی که ایشان بودند که امید نداشتند حساب آخرت را و تکذیب کردند بنشانهای

كِذَّابًا ۝ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ۝ فَذُوقُوا فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلَّا

تکذیب کردنی و همه چیز از کردار بنده‌گان را شمرده‌ایم آن را در لوح پس بچشید عذاب را پس نمی‌افزاییم شما را هیچ مگر

عَذَابًا ۝ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ۝ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ۝ وَكَوَاعِبَ

عذاب بدرستی که مر پرهیزکاران راست جای فوز هست که آن درختها و انگورهاست و دختران

أَتْرَابًا ۝ وَكَأْسًا دِهَاقًا ۝ لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا ۝

نارپستان همسال و جامهای پر از شراب نمی‌شنوند بجز از شراب در بهشت سخن بیهوده و نه دروغ

جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا ۝ رَّبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

این پاداشیست از پروردگار تو بخششی از نزد خدای وافی پسندیده پروردگار آسمانها و زمین

وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَٰنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ۝ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ

و آنچه میان هر دو است خدای بخشنده مالک نشوند از او سخن گفتنی روزی که بایستد روح

وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَٰنُ

و فرشتگان در حالیکه صف زدگان باشند سخن نگویند مگر آنکه رخصت داده باشد او را خدای بخشاینده

میگردانم
از معنی آن این آیه در شان
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است که
فرموده است خدای عز و جل را هیچ آیه و نشانه
قدرتی بزرگتر از من و خبری خدا تعالی را هیچ
نبای عظیم‌الشان‌تر از من و نبا در لغت بمعنی
خبر است و اگر خبر دهد از چیزی آن را نبا گویند مجاز
برای مبالغه مانند زید عدل و پیغمبران را از آن انبیا
میگویند که خبر میدهند از احکام شریعت
بوحی الهی و اطلاق بر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
باین اعتبار است و بنا بر حدیث مذکور
آیه شریفه دلالت میکند بر مساوات آنحضرت
با رسول خدا صلی الله علیه و آله در صفات کمال
مگر آنچه بضرورت مستثنی است که آن صفت
نبوت و رسالت است چنانچه باندک تاملی ظاهر میشود
و اکثر مفسرین نبا عظیم را بقرآن تفسیر کرده‌اند
که خبر دهنده از توحید و احکام شریعت و رسالت
حضرت خیر البشر است و بقولی حشر و نشر است
و بقولی اثبات صانع و صفات او و فرشتگان
و پیغمبران و بهشت و دوزخ و رسالت و خلافت
و بعضی از مفسرین عامه آن را بآنحضرت تفسیر کرده‌اند
چنانچه از سدی حکایت شده که رسول خدا
فرمود در تفسیر این آیه که سؤال میکنند از مردمان
ولایت علی را در قبر یا بنماند
هیچ مرده‌ام

وَقَالَ صَوَابًا ۞ ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ مَآبًا

و گوید گفتاری با صواب ۞ این آن روز است که راست است پس هر که خواهد فرا گیرد بسوی پروردگار رجوع

إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا ۞ يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ

بدرستی که ما بیم کردیم شما را بعذابی نزدیک ۞ روزی که بنگرد آدمی آنچه پیش فرستاده دستهاش

وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا

سورة النازعات

و میگوید کافر ای کاشکی بودم من خاک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا ۞ وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا ۞ وَالسَّابِحَاتِ

سوگند بکشندگان از روی توت ۞ و سوگند بگشایندگان که بنشاط آورندگان ۞ و قسم بشناکنندگان

سَبْحًا ۞ فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا ۞ فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا ۞ يَوْمَ تَرْجُفُ

شنا کنندگی ۞ پس قسم به پیشی گیرندگان پیشی گرفتنی ۞ پس تدبیر کنندگان کار ۞ روزی که بلرزد زمین

الرَّاجِفَةُ ۞ تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ ۞ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ

لرزیدنی ۞ از پی درآید آن ازپی درآینده ۞ دلها ۞ در آن روز ترسان باشد

أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ ۞ يَقُولُونَ أَإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ

چشمهای ایشان یعنی خداوندان قلوب خشوع کننده است ۞ میگویند آیا باز رد شده گانیم ۞ بحالت اول

أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً ۞ قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ۞ فَإِنَّمَا

آیا چون گردیم استخوانهای پوسیده ۞ گویند آن بازگشتن آن هنگام بازگشتنی است خداوندان زیان کار را پس جز این

هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ۞ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ۞ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ

نیست که آن یک فریاد است ۞ پس ناگاه ایشان بر روی زمین هموار باشند ۞ آیا آمد بتو سخن

مُوسَى ۞ إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ۞ اذْهَبْ

موسی ۞ وقتی که بخواند موسی پروردگار او بوادی پاکیزه که آن طوی است ۞ آنکه برو

إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ۞ فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى

بسوی فرعون بدرستی که او از حد در گذشته است ۞ پس بگو آیا مر تراست رغبتی آنکه پاک شوی

مغرب و مصیر ما بادر با ... مگر آنکه منکر ... میکنند از روی ولایت علی ابن ابیطالب و میگویند پروردگار نوبت ... و پیغمبر و امام ... که از اهل بیت رسالت علیهم السلام ... که رسول خدا بعد از دختر فاطمه ... و در بیان ... امتحان فرمود که از روی سؤال ... جواب گفت ... با دوی و تلقین ... پسر نیست

از ابو عبد الله مرویست که هر که سوره النازعات بخواند نمیرد مگر سیراب و مبعوث نگردد مگر سیراب و در بهشت نرود مگر سیراب

در مجمع البیان از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده که نازعات غرقا فرشتگانی اند که جانهای کفار را بسختی از بدنهای ایشان بیرون میکشند و ناشطات هم فرشتگانی اند که جانهای کافران ... و دشواری از زیر پوست و ناخنهای ایشان بیرون میکشند و سابحات فرشتگانی اند قابض ارواح مؤمنان که ارواح ایشان را در غایت ملاطفت و مهربانی قبض مینمایند چنانچه قدری از بدن ایشان بمهربانی تمام میکشند بعد مهلت میدهند که از آن ماندگی آن محتضر بر آید و باز بدستور قدری دیگر از بدن او میکشند تا آنکه تمام روح او تمام شود ...

واحدی



وَاَهْدِيَكَ اِلٰى رَبِّكَ فَتَخْشٰى ۝ فَاَرٰيهُ الْاٰيَةَ الْكُبْرٰى ۝

و راه نمایم تورا بسوی پروردگار تو پس ترسی پس نمود او را موسی آیه بزرگ

فَكَذَّبَ وَعَصٰى ۝ ثُمَّ اَدْبَرَ يَسْعٰى ۝ فَحَشَرَ فَنَادٰى ۝ فَقَالَ اَنَا

پس تکذیب کرد فرعون و گناه کرد پس پشت کرد در حالتی که سعی میکرد پس جمع کرد قوم خود را پس آگه دو پس گفت منم

رَبُّكُمُ الْاَعْلٰى ۝ فَاَخَذَهُ اللّٰهُ نَكَالَ الْاٰخِرَةِ وَالْاُوْلٰى ۝ اِنَّ فِىْ

پروردگار شما که برترم پس بگرفت او را خدا بعقوبت قیامت و دنیا بدرستی که در

ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَّخْشٰى ۝ ءَاَنْتُمْ اَشَدُّ خَلْقًا اَمِ السَّمَآءُ بَنٰيهَا

این هر آینه عبرتی است مرکسی را که میترسد آیا شما سخت تر اید از روی خلق یا آسمان که بنا کرد آنرا

رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوّٰيهَا ۝ وَاَغْطَشَ لَيْلَهَا وَاَخْرَجَ ضُحٰيهَا ۝ وَالْاَرْضَ

برداشت سقف آنرا پس راست کرد آنرا و تاریک کرد شب او و بیرون آورد روشنی آفتاب را و زمین را

بَعْدَ ذٰلِكَ دَحٰيهَا ۝ اَخْرَجَ مِنْهَا مَآءَهَا وَمَرْعٰيهَا ۝ وَالْجِبَالَ

بعد از خلق آسمان بگسترانید بیرون آورد از زمین آب آنرا و چراگاه آنرا و کوهها را

اَرْسٰيهَا ۝ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِاَنْعَامِكُمْ ۝ فَاِذَا جَآءَتِ الطَّآمَّةُ

استوار ساخت بجهة انتفاع شماست و مر چهارپایان شما پس چون بیاید بلیه

الْكُبْرٰى ۝ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْاِنْسَانُ مَا سَعٰى ۝ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيْمُ

بزرگ روزی که یاد آورد آدمی آنچه سعی کرده از خیر و شر و ظاهر گردانیده شود جهنم

لِمَنْ يَّرٰى ۝ فَاَمَّا مَنْ طَغٰى ۝ وَاٰثَرَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ۝ فَاِنَّ الْجَحِيْمَ

مر هر کسی را که میبیند و اما هر که گذشت از حد و اختیار کرد زندگانی دنیا را پس بدرستی که دوزخ

هِيَ الْمَاْوٰى ۝ وَاَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهٖ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ

آن آرامگاه است و اما آنکه بترسد از ایستادن نزد جزای پروردگار خود و باز داشتن نفس خود را

الْهَوٰى ۝ فَاِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَاْوٰى ۝ يَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ السَّاعَةِ

از خواهشها پس بدرستی که بهشت آرامگاه او می پرسند از تو یا محمد از روز قیامت

اَيَّانَ مُرْسٰيهَا ۝ فِيْمَ اَنْتَ مِنْ ذِكْرٰيهَا ۝ اِلٰى رَبِّكَ مُنْتَهٰيهَا

کی باشد اقامت آن در چه چیزی تو از یاد کردن آن بسوی پروردگار توست موضع نهایت آن

از این آیه کریمه مستفاد می شود که اصل ماده زمین پیش از خلق آسمان بوده چنانچه از کریمه ثم استوی الی السماء فسویهن سبع سموات ایضا هم مستفاد است

إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرُ مَن يَخْشَاهَا ۝ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا

اینست وجز این نیست که تو بیم کننده هرکه بترسد از قیامت گوییا کفار روزیکه ببینند قیامت را گمان کنند که درنگ

عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا ۝

نکردند در دنیا مگر شبانگاه یا چاشت از روز

سورة عبس اثنتان واربعون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

عَبَسَ وَتَوَلَّىٰ ۝ أَن جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ ۝ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ

روی ترش کرد محمد وگردانید روی خود را چون آمد بسوی او نابینا وچه چیز دانا کرد تورا احوال و شاید او

يَزَّكَّىٰ ۝ أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ الذِّكْرَىٰ ۝ أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَىٰ

پاک شود از گناه یا پند گیرد پس نفع کند او را پند تو اما آنکس که توانگر است

فَأَنتَ لَهُ تَصَدَّىٰ ۝ وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ ۝ وَأَمَّا مَن جَاءَكَ

پس تو باو روی آوری ونیست بر تو این که غنی از کفر پاک شود واما آنکه آمد بتو

يَسْعَىٰ ۝ وَهُوَ يَخْشَىٰ ۝ فَأَنتَ عَنْهُ تَلَهَّىٰ ۝ كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ۝

در حالتیکه میشتابد واو میترسد از خدا پس تو از او مشغول می شوی عبوس مکن بدرستی که قرآن پندیست

فَمَن شَاءَ ذَكَرَهُ ۝ فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ ۝ مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ۝ بِأَيْدِي

پس هرکه خواهد حفظ کند آنرا ثابت در قرآن گرامی کرده شده برداشته شده در آسمان پاکیزه از دست

سَفَرَةٍ ۝ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ۝ قُتِلَ الْإِنسَانُ مَا أَكْفَرَهُ ۝ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ

شیاطین بدستهای نویسندگان بزرگان نیکوکار لعنت کرده باد آدم کافر چه چیز کافر ساخت او را از چه چیز

خَلَقَهُ ۝ مِن نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ ۝ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ ۝ ثُمَّ

آفرید خدای او را از اندکی آب منی آفرید او را پس تقدیر کرد او را پس راه بیرون آمدن از رحم آسان گردانید

أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ۝ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ ۝ كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ ۝

پس میرانید او را پس در قبر کرد او را پس وقتی که زنده خواهد کرد او را نه چنانست هنوز بجا نیاورد آنچه فرمود

فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ ۝ أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ۝ ثُمَّ

پس باید که نظر کند آدمی بسوی طعام خود آنکه ما ریختیم از ابر آب را ریختنی پس

از ابوعبدالله مرویست که هرکه سوره عبس و اذا الشمس کورت را بخواند در دوستان خدا بوده و در ظل حق تعالی باشد و از مقربان او محسوب شود

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که این آیات نازل شده در باب مردی از بنی امیه که در خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله بود و عبدالله بن ام مکتوم که اعمی بود در آن وقت بخدمت آنحضرت آمده و نزدیک آن مرد نشست آن مرد چون وی را نزدیک خود دید از غایت تنفر از او خود را جمع نمود و دور گردانید و عبوس نمود روی خود را از وی گردانید و مفسرین گفته اند که روزی رسول خدا از زیر باجمعی در میان داشت ام مکتوم وارد شده عرض کرد یا رسول الله آنچه آیات قرآنی بر تو نازل بر من بخوان و آنچه بر تو آموخته بر من بیاموز و مکرر با آنحضرت این سخن ادا کرد بر آنحضرت ناگوار آمده عبوس کرده روی مبارک از وی بگردانید

شققنا

شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعِنَبًا وَقَضْبًا وَ

شکافتیم ما زمین را شکافتنی پس رویانیدیم در زمین دانه جو و گندم و انگور و رطب یعنی تره و

زَيْتُونًا وَنَخْلًا وَحَدَائِقَ غُلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا مَتَاعًا لَكُمْ

درخت زیتون و خرما و باغهای مشتمل بر درختان و میوه ها و چراگاه ایجاد این چیزها متع بر شماست

وَلِأَنْعَامِكُمْ فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ

و برای چهارپایان شما پس چون بیاید آواز کننده یعنی صور در روزیکه بگریزد مرد از برادر خود

وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ

و از مادر خود و پدر خود و از زن خود و فرزندان خود مر هر مردی را از ایشان

يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ

در آن روز کاری که مشغول دارد او را رویها باشد در آن روز روشن خندان

مُسْتَبْشِرَةٌ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ

و شادمان و رویها در آن روز بر آنها غبار نشسته فرو گیرد آنها را تاریکی

أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ

آن گروه ایشانند کافران فاجران

سورة التكوير تسع وعشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ وَإِذَا الْجِبَالُ

آنگاه که آفتاب درهم پیچیده شود و هنگامیکه ستاره ها … شود و آنوقت که کوهها

سُيِّرَتْ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ

سیر کرده شود و آنوقت که شتران فرو گذاشته شوند و وقتیکه جانوران وحشی محشور شوند

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ

و آنوقت که دریاها پر کرده شود و آنوقت که نفسها جفت گردانیده شود و آنوقت که دختر زنده در

سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ

گور پرسیده شود که بکدام گناه کشته شود و آنوقت که نامه های اعمال گشاده شود

مراد از صاخه صیحه نفخ صور است و آنرا صاخه از آن گویند که از سختی گوشها کر میکرده

خواص سوره واذا الشمس در ضمن فضیلت سوره عبس ذکر گذشت

وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ۝ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ۝ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ
و هرگاه که آسمان از برکنده شود و از روی هم و آن وقت که دوزخ افروخته شود و هرگاه که بهشت نزدیک کرده
عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ ۝ فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ
شود آن وقت بداند هر نفسی آنچه حاضر کرده پس قسم بستارگان رجوع کننده روندگان نهان
وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ۝ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ۝ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ
شونده و قسم بشب هرگاه که پس آید و قسم بصبح آنگاه که دم زند بدرستیکه قرآن هر آینه گفتار فرستاده
كَرِيمٍ ۝ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ۝ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ
بزرگوار است خداوند قوت که نزد خداوند عرش با منزلت فرمان برده شده در آسمان امین است
وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ۝ وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ ۝ وَمَا
و نیست صاحب شما محمد دیوانه و بدرستی که بدید پیغمبر جبرئیل را بصورت خود در کناره افق روشن و
هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ۝ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ
نیست پیغمبر بر چیزهای پوشیده بخیل و نیست قرآن سخن شیطان رانده شده
فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ۝ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۝ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ
پس کجا میروند نیست قرآن مگر پندی برای جهانیان مر کسی را که خواهد از شما
أَنْ يَسْتَقِيمَ ۝ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ
که مستقیم شود و نخواهید شما استقامت را مگر آنکه خواهد خدا که پروردگار جهانیان است

سورة الانفطار تسع عشرة آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
نام خداوند بخشاینده مهربان
إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ۝ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ۝ وَإِذَا
آنگاه که آسمان شکافته شود و آنگاه که ستارگان فرو ریزند و آنگاه
الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ۝ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ۝ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ
دریاها روان گردانیده شود و آنگاه که قبرها زیر و زبر گردانیده شوند در آن وقت بداند نفس آنچه پیش فرستاده

در مجمع
البیان روایت
کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله
با جبرئیل علیه السلام فرمود چه نیکو مدح تو
کرده پروردگار تو که ذی قوة عند ذی
العرش مکین مطاع ثم امین قوت تو از کجا
شده و امانت تو از چه چیز آشکار گردیده بود
گفت اما قوت من از آنجا معلوم شد که
حق تعالی مرا جهة اهلاک قوم لوط فرستاده و ایشان را
چهار شهر بود که در هر شهری چهار هزار
مرد جنگی بود بغیر از کودکان من آن شهرها را از طبقه هفتم
زمین کندم و بالا بردم بجدی که ساکنان
آسمان آواز خروسان و صدای سگان شهرها
شنیدند از آنجا سرنگون نمودم ایشان را و اما
امانت من پس من مامور هیچ کاری نشدم
که از آن در گذشته باشم
بکاری دیگر
٣٠

از
ابو عبد الله
مرویست که هر که سوره انفطار یا سوره
انشقاق را در فریضه یا در نافله بخواند
هیچ حجابی او را از رحمت خدا منع نکند و
همیشه در رحمت الهی نظر کند و خدا بسوی او
نظر رحمت با آن بنده کند تا همه
مردمان از حساب فارغ
شوند

وأخرت ۝ يا أيها الانسان ما غرك بربك الكريم
و آنچه پس گذاشته اند ۝ ای آدمیزاد چه چیز فریفت ترا بپروردگار تو که بزرگست

الذی خلقك فسويك فعدلك ۝ فی ای صورة ما
آنخدایی که آفرید ترا پس تمام کرد اعضای ترا پس معتدل کرد ترا ۝ در صورتی که

شاء ركبك ۝ كلا بل تكذبون بالدين ۝ وان
خواست ترکیب ترا باز ایستید از غرور بلکه تکذیب می کنید بروز جزا ۝ و بدرستی که

عليكم لحافظين ۝ كراما كاتبين ۝ يعلمون ما تفعلون
بر گماشته شما حفظ کنندگانیم ۝ بزرگان نزد خدا نویسندگان نامه کردار ۝ میدانند آنچه میکنند

ان الابرار لفی نعيم ۝ وان الفجار لفی جحيم ۝ يصلونها يوم
بدرستی که نیکوکاران در بهشت با نعمت اند ۝ و بدرستی که بدکاران هر آینه در دوزخند ۝ در آیند در آن روز

الدين ۝ وما هم عنها بغائبين ۝ وما ادريك ما يوم
قیامت که روز جزاست ۝ نیستند فجار از دوزخ گمشدگان ۝ و چه چیز دانا کرد ترا که چیست روز

الدين ۝ ثم ما ادريك ما يوم الدين ۝ يوم لا تملك نفس
جزا ۝ پس چه چیز دانا کرد ترا که چیست روز جزا ۝ روزی که مالک نشود هیچ نفس

لنفس شيئا و الامر يومئذ لله
برای هیچ نفس چیزی را ۝ حکم در آن روز مر خدا راست

سورة المطففين ست و ثلثون آية

بسم الله الرحمن الرحيم ۝
بنام خداوند بخشاینده مهربان

ويل للمطففين ۝ الذين اذا اكتالوا على الناس يستوفون
وای مر کم کنندگان کیل و وزن را ۝ آنان که میستانند بکیل از مردمان تمام میستانند

واذا كالوهم او وزنوهم يخسرون ۝ الا يظن اولئك انهم
و چون می پیمایند برای ایشان یا وزن میکنند زیان میرسانند ۝ آیا گمان نمی برند آن گروه که ایشان

مبعوثون ۝ ليوم عظيم ۝ يوم يقوم الناس لرب العالمين ۝
برانگیخته شدگانند مر روز بزرگ را ۝ روزی که بپای ایستند مردمان برای حکم پروردگار جهانیان

از ابو عبد الله علیه السلام مرویست که هر که قرائت او سورة المطففین باشد حق سبحانه و تعالی او را در روز قیامت از آتش دوزخ ایمن گرداند و آتش او را در قیامت نبیند و در جسر جهنم گذر نکند و در قیامت حساب او را نکنند

كلا ان كتاب الفجار لفي سجين ۝ وما ادريك ما سجين ۝

کم کنند از کیل بدرستی که نامه اعمال بدکاران هرآینه در سجین است و چه دانا کرد ترا که چه چیز است سجین

كتاب مرقوم ۝ ويل يومئذ للمكذبين ۝ الذين يكذبون

کتابی است نوشته شده وای در آن روز مر تکذیب کنندگان را آنانکه تکذیب کنند

بيوم الدين ۝ وما يكذب به الا كل معتد اثيم ۝ اذا

بروز جزا و تکذیب نکند در آن روز مگر هر حد که زننده گناه کار چون

تتلى عليه اياتنا قال اساطير الاولين ۝ كلا بل ران

خوانده شود بر او آیات ما گوید این قصه پیشینیان است نه چنانست بلکه غلبه کرده و زنگ

على قلوبهم ما كانوا يكسبون ۝ كلا انهم عن ربهم

نهاده بر دلهای ایشان آنچه بودند که کسب می کردند باید که باز ایستند بدرستی که ایشان از رحمت پروردگار

يومئذ لمحجوبون ۝ ثم انهم لصالوا الجحيم ۝ ثم يقال هذا

آن روز هرآینه در پرده شدگانند پس بدرستی که ایشان هرآینه درآیندگانند بدوزخ پس گفته شود ایشان را این

الذي كنتم به تكذبون ۝ كلا ان كتاب الابرار لفي

عذابی است که بودید که بآن تکذیب می کردید تکذیب مکنید بدرستی که آنچه نوشته شده از کردار نیکوکاران

عليين ۝ وما ادريك ما عليون ۝ كتاب مرقوم ۝ يشهده

هرآینه در علیین است و چه دانا گرد ترا که چه چیز دانا گرد ترا که چیست علیون کتابی است نوشته شده حاضر شوند

المقربون ۝ ان الابرار لفي نعيم ۝ على الارائك ينظرون ۝

بر آن کتاب فرشتگان مقرب بدرستی که نیکوکاران هرآینه در بهشت پرنعمت اند بر تختها مینگرند

تعرف في وجوههم نضرة النعيم ۝ يسقون من رحيق

بر چیزهای خوب بشناسی در چهرهای ایشان تازگی نعمتهای بهشت را آشامانیده شوند از شراب خالص

مختوم ۝ ختامه مسك وفي ذلك فليتنافس المتنافسون ۝

مهر شده که مهر او مشک است و در این شراب پس باید رغبت کنند رغبت کنندگان

ومزاجه من تسنيم ۝ عينا يشرب بها المقربون ۝ ان

و آمیختگی رحیق از چشمه کوثر چشمه ایست که می آشامند از آن نزدیکان بدرستی که

از حضرت ابو جعفر صلوات الله علیه مرویست که هیچ بنده مومنی نیست مگر آنکه در دل او نقطه سفیدیست و چون گناهی کند در آن نقطه سیاهی پیدا آید پس اگر توبه و بازگشت نماید آن سیاهی زایل گردد و اگر مصر باشد بر معاصی آن سیاهی زایل نگردد و فزون شود تا بحدی که سفیدی را تمام بپوشاند و چون سفیدی پوشیده شود دیگر هرگز صاحبش بازگشت بخیر و طاعت ننماید و از حضرت ابو عبدالله صلی الله علیه مرویست که دل از زنگی میباشد و جلا دهنده آن کلمه طیبه لا اله الا الله می باشد

تسنیم نام چشمه ایست در بهشت

الَّذِينَ اَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ اٰمَنُوا يَضْحَكُونَ ۝ وَاِذَا مَرُّوا بِهِمْ

آنانکه شرک آوردند هستند آن جماعت که ایمان آوردند مسخره میکنند و چون بگذرند بمومنان

يَتَغَامَزُونَ ۝ وَاِذَا انْقَلَبُوا اِلٰى اَهْلِهِمُ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ۝

اشارتها کنند بچشم و چون بازگردند بسوی کسان خود برگردند حالیکه شادمان باشند

وَاِذَا رَاَوْهُمْ قَالُوا اِنَّ هٰؤُلَاۤءِ لَضَاۤلُّونَ ۝ وَمَاۤ اُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ

و چون ببینند مومنان را گویند بدرستی که این گروه گمراهانند و فرستاده نشدند بر ایشان

حَافِظِينَ ۝ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ اٰمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ۝

نگاهبانان پس امروز که قیامتست آنانکه گرویدند بحال کفار مسخره کنند مومنان

عَلَى الْاَرَاۤئِكِ يَنْظُرُونَ ۝ هَلْ ثُوِّبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

بر تختها تکیه زده اند مینگرند گویند آیا جزا داده شدند کفار آنچه بودند که میکردند

سورة الانشقاق خمس و عشرون آية مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اِذَا السَّمَاۤءُ انْشَقَّتْ ۝ وَاَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ۝ وَاِذَا الْاَرْضُ

وقتیکه آسمان شکافته شود و بشنوند فرمان پروردگار خود را و سزاوارست شنیدن فرمان

مُدَّتْ ۝ وَاَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ۝ وَاَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ

و وقتی که زمین گشاده شود و بیرون افکنند آنچه در آنست و خالی شود از اموات و گنوز و فرمان برد حکم پروردگار خود

يَاۤ اَيُّهَا الْاِنْسَانُ اِنَّكَ كَادِحٌ اِلٰى رَبِّكَ كَدْحًا ۝ فَمُلَاقِيهِ

و سزاوارست شنیدن حکم ای آدمی بدرستی که تو کار کننده تا برسی بجزای پروردگار خود بجهد و جد پس شده اند

فَاَمَّا مَنْ اُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۝ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا

پس آنکه داده شد نامه اعمال او بدست راست او پس زود باشد که حساب کرده شود حسابی

يَسِيرًا ۝ وَيَنْقَلِبُ اِلٰى اَهْلِهِ مَسْرُورًا ۝ وَاَمَّا مَنْ اُوتِيَ كِتَابَهُ

آسان و بازگردد بسوی کسان خود شادمان و اما آنکه داده شد کتاب

خواص
سوره انشقاق در ضمن
سوره انفطار
گذشت

گویند
دست راست
این گروه در روز رستخیز بگردن
بسته شده و دست چپ به پی سر بسته و
نامه عمل ایشان از پی سر بدست
چپ داده میشود

وراء ظهره فسوف يدعوا ثبورا ويصلى سعيرا انه كان

پس پشت او پس زود باشد که بخواند هلاک را و در آید باتش فروخته بدرستی که او بود

في اهله مسرورا انه ظن ان لن يحور بلى ان ربه كان

در میان اهل خود شادمان بدرستی که او گمان برده که باز نگردد بحشر آری بدرستی که پروردگار او هست

به بصيرا فلا اقسم بالشفق والليل وما وسق و

باعمال او بینا پس سوگند میخورم بسرخی بعد از غروب و بشب و آنچه پوشیده شد از تاریکی او و

القمر اذا اتسق لتركبن طبقا عن طبق فما لهم لا

بماه و قتیکه کامل شود هر آینه برسید حالی بعد از حالی پس چیست مر ایشان را که

يؤمنون واذا قرئ عليهم القران لا يسجدون بل

نمیگروند و چون خوانده شود بر ایشان قرآن سجده نمیکنند بلکه

الذين كفروا يكذبون والله اعلم بما يوعون فبشرهم

آنانکه کافر شدند تکذیب می کنند و خدا داناتر است بآنچه نگاه میدارند در دل پس مژده ده

بعذاب اليم الا الذين امنوا وعملوا الصالحات لهم اجر

ایشان را بعذاب الیم مگر آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته مر ایشان راست مزد

سورة البروج اثنان | غير ممنون | وعشرون آية مكية

غیر مقطوع

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

والسماء ذات البروج واليوم الموعود وشاهد و

قسم باسمان صاحب برجها و قسم بروز موعود که قیامت و قسم بشاهد یعنی پیغمبر و

مشهود قتل اصحاب الاخدود النار ذات الوقود

قسم بمشهود یعنی امت هلاک شوند خداوندان شکافهای در زمین آن آتشی بود خداوند هیمه

اذ هم عليها قعود وهم على ما يفعلون بالمؤمنين شهود

وقتی که ایشان بر کنار آن بودند نشستگان و ایشان بر آنچه میکردند با مؤمنان گواهی دهندگان

وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۝ الَّذِي
و عیب نکردند ایشان را مگر آنکه میگرویدند بخدای غالب ستوده آن خدائی که

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ
مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین و خدا بر همه چیز گواه است

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ
بدرستی که آنانکه درانداختند مؤمنان و مؤمنات را پس توبه نکردند پس مر ایشانراست

عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
عذاب دوزخ و مر ایشانراست عذاب آتش سوزان بدرستی که آنانکه گرویدند و کردند

الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۚ ذَٰلِكَ
کارهای شایسته مر ایشانراست بوستانها که میرود از زیر آنها نهرها آن

الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ۝ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ۝ إِنَّهُ هُوَ
است رستگاری بزرگ بدرستی که گرفتن پروردگار تو هر آینه سخت است بدرستی که او

يُبْدِئُ وَيُعِيدُ ۝ وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ۝ ذُو الْعَرْشِ
آشکار میکند مردم را و اعاده میکند و اوست آمرزگار دوست خداوند عرش

الْمَجِيدُ ۝ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ۝ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ ۝
بزرگ کننده آنچه خواهد آیا آمد بتو سخن لشکرهای کفار

فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ۝ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ۝ وَاللَّهُ
یعنی لشکر فرعون و ثمود نه چنانست بلکه آنانکه کافر شدند در دروغ داشتن قیامت و خدا

مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ۝ بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ ۝ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ ۝
از ورای ایشان احاطه کننده است بلکه این قرآن بزرگوار است در لوح نگاه داشته شده

سورة الطارق سبع عشرة آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

حضرت
امیر المؤمنین
صلوات الله وسلامه علیه نزد
یکی از علمای نصارا فرستاده از حال اصحاب
اخدود پرسید او جوابی گفت آنحضرت
فرمودند چنین است من خبر میدهم شما را
از حال ایشان حق تعالی مردی حبشی نام برسالت
بر حبشیان فرستاده بود ایشان او را تکذیب نمودند
با وی کارزار نمودند اکثر یاران او را کشته
او را با بقیة السیف اسیر کردند پس گودالی بزرگ
در زمین کنده پر آتش کردند و همگی مردمان را
جمع نموده گفتند هر که از دین این مرد برگردیده کیش ما
گرود از کنار این آتش کناره گیرد و الا خود را در آن
افکند اصحاب آن پیغمبر همه از بیم زندگی خود را
در آن آتش افکندند زنی از ایشان که کودکی
یکماهه در کنار داشت جهة ترحم بر آن کودک
خواست که از دین برگردد و از آتش او را برهاند
کودک بفرمان خدا بسخن درآمد و با او گفت مترس
و خود را در آتش افکن که این سوختن در راه خدا
سهل است پس آن زن با آن کودک در آن
آتش رفتند والسلام
من اتبع الهدی

والسماء والطارق وما ادريك ما الطارق النجم

سوگند به آسمان و به ستاره ظاهر شونده در شب و چه چیز دانا گردانید ترا که چیست طارق ستاره

الثاقب ان كل نفس لما عليها حافظ فلينظر الانسان

درخشنده نیست هیچ نفسی مگر که بر او هست نگهبان خدا پس باید نظر کند آدمی که

مم خلق خلق من ماء دافق يخرج من بين الصلب والترائب

از چه چیز آفریده شده آفریده شده از آب جهنده که بیرون می آید از میان پشت مردان و استخوان سینه زنان

انه على رجعه لقادر يوم تبلى السرائر فما له من قوة

بدرستی که خدا بر بر گردانیدن او هر آینه تواناست در روزی که ظاهر شود نهان ها پس نیست مر او را هیچ قوتی

ولا ناصر والسماء ذات الرجع والارض ذات الصدع

و نه یاری دهنده و قسم به آسمان که صاحب باز گردیدن است و به زمینی که خداوند شکافتن است

انه لقول فصل وما هو بالهزل انهم يكيدون كيدا

بدرستیکه قرآن سخنی جدا کننده حق و باطل است و نیست این بازی و باطل بدرستی که معاندان مکر میکنند در ابطال قرآن

واكيد كيدا فمهل — سورة الاعلى تسع عشرة — الكافرين امهلهم رويدا

مکر کردنی و من خواهم جزا دهم مکر ایشان را مکر کردنی پس مهلت ده کافران را و بگذار ایشان را فرو گذاشتنی

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

سبح اسم ربك الاعلى الذي خلق فسوى والذي قدر

تنزیه کن بنام پروردگار خود که برتر است از صفت آنخدایی که بیافرید هر چیز را پس راست گردانید و آنخدایی که اندازه

فهدى والذي اخرج المرعى فجعله غثاء احوى

کرد پس راه نمود و آنخدایی بیرون آورد از زمین گیاه چراگاه را پس گردانید آنرا بعد از سبزی گیاه خشک

سنقرئك فلا تنسى الا ما شاء الله انه يعلم الجهر

زود باشد که بر تو خوانیم قرآن را پس تو فراموش نکردی مگر آنچه خواهد خدا بدرستی که او میداند آشکار را از

وما يخفى ونيسرك لليسرى فذكر ان نفعت الذكرى

احوال و آنچه پنهان است و آسان گردانیدیم ترا برای سلوک طریقه آسان در حفظ وحی پس پند ده بقرآن مردم را اگر نفع کند

سيذكر

معلی ابن خنیس از ابو عبد الله علیه السلام روایت کرده که هر کسی قرائت کند سوره والطارق را در فریضه اورا در قیامت نزد حضرت عزت جاه و منزلت باشد و از رفقای انبیا باشد

ابو عبد الله علیه السلام فرمود که هر که سوره اعلی را در فریضه یا نافله بخواند در قیامت با و ندا رسد که داخل شو هر دری از درهای بهشت که خواهی

مرویست که چون حضرت علی علیه السلام میخواند سبح اسم ربک الاعلی می گفت سبحان ربی الاعلی و از رسول خدا هم این سخن مرویست و از حضرت باقر مرویست که چون خوانی سبح اسم ربک الاعلی بگو سبحان ربی الاعلی و اگر در نماز باشی در دل خود این سخن بگو و تلاوت این سوره در رکعت اول نماز خفتن فضیلت بسیار دارد

سَيَذَّكَّرُ مَن يَخْشَىٰ ۝ وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ۝ الَّذِي يَصْلَى النَّارَ

زود باشد که پند پذیرد کسی که بترسد ۝ و پهلو تهی کند از پند بدبخت کافر ۝ آنکس که درآید در آتش

الْكُبْرَىٰ ۝ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ۝ قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَكَّىٰ

بزرگ جهنم ۝ پس آن بدبخت نمیرد در آتش و نه زنده است ۝ بحقیقی که رستگار شد آنکه پاک شد

وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ ۝ بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۝ وَالْآخِرَةُ

و یاد کرد نام پروردگار خود را پس نماز گذارد ۝ بلکه برمیگزینید زندگانی دنیا را ۝ و سرای آخرت

خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ۝ إِنَّ هَٰذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ ۝ صُحُفِ

بهتر است و پاینده تر ۝ بدرستی که این سخن هرآینه در نامه‌های پیشینیان است ۝ نامه‌های

إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ ۝

ابراهیم که دادست و کتابهای موسی که الواح

سورة الغاشية ستة وعشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ۝ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ۝

آیا آمد ترا ای محمد خبر داهیه ۝ رویهای کفار در آن روز ترسناک است

عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ ۝ تَصْلَىٰ نَارًا حَامِيَةً ۝ تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ

عمل کننده رنج کشنده ۝ درآیند در میان آتش نهایت رسیده ۝ آشامیده شوند از چشمه نهایت

آنِيَةٍ ۝ لَّيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِن ضَرِيعٍ ۝ لَّا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي

گرم ۝ نیست مر ایشان را خوردنی مگر از گیاه خوار دار ۝ فربه نکند آن گیاه و دور نکند

مِن جُوعٍ ۝ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ ۝ لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ ۝ فِي

گرسنگی ۝ رویهای مؤمنان در آن روز تازه است ۝ مر عملهای خود را پسندیده ۝ در

جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝ لَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً ۝ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ۝

بهشت بلند مرتبه ۝ نشنوند اهل بهشت لغو ۝ در بهشت چشمه‌ایست روان

فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ ۝ وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ ۝ وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ

در آنجا تختها ی رفیع ۝ و کوزه‌ها نهاده شده ۝ و بالشهای نهاده شده برکدیگر

کفته‌اند که این آیه خبر دلالت دارد بر نزول کتاب و صحیفه بر ابراهیم ... حضرت ابراهیم کتابی نازل شده است

ابو بصیر از ابو عبد الله علیه السلام روایت کرده که هر که این سوره را در فرایض و نوافل بخواند حق تعالی او را غرق رحمت خود کند ... او را ایمن گرداند

روز قیامت را از آن غاشیه گویند که ... اهل محشر را ...

بقول ... است ... حضرت ... الغاشیه فرمود که ... آل محمد صلی الله علیه و آله ... وجوه یومئذ خاشعة ... فرمود که

رویهای ایشان در آن روز خوار ... و قدرت ...

وزرابی مبثوثة ۝ افلا ینظرون الی الابل کیف خلقت ۝

و فرشهای گسترده فاخره ۝ آیا پس نمی نگرند بسوی شتر که چگونه آفریده شده

والی السماء کیف رفعت ۝ والی الجبال کیف نصبت ۝

و بسوی آسمان که چگونه بلند برافراشته شده ۝ و بسوی کوهها که چگونه برافراشته شده

والی الارض کیف سطحت ۝ فذکر انما انت مذکر ۝

و بسوی زمین که چگونه پهن شده ۝ پس پند کو ای محمد جز این نیست که تو پند دهنده

لست علیهم بمصیطر ۝ الا من تولی وکفر ۝ فیعذبه الله

نیستی تو بر ایشان مسلط ۝ لیکن هر که روی گردانید و کافر شد ۝ پس عذاب کند او را خدا

العذاب الاکبر ۝ ان الینا ایابهم ۝ ثم ان علینا

عذاب بزرگ ۝ بدرستی که بسوی ماست بازگشت ایشان ۝ پس بدرستی که بر ماست

سورة الفجر ثلثون حسابهم وهی مکیة

حساب ایشان

بسم الله الرحمن الرحیم

والفجر ۝ ولیال عشر ۝ والشفع والوتر ۝ واللیل اذا یسر ۝

قسم باول صبح و قسم به ده شب ۝ و قسم بجفت و طاق ۝ و قسم بشب هر گاه منقضی شود

هل فی ذلک قسم لذی حجر ۝ الم تر کیف فعل ربک

آیا هست در آنچه ذکر کردیم قسمی مر خداوند عقل را ۝ آیا نظر نکردی تو که چگونه کرد پروردگار تو

بعاد ۝ ارم ذات العماد ۝ التی لم یخلق مثلها فی البلاد ۝

با ولاد عاد ۝ ارم خداوند ستونهای بزرگ که آفریده نشد مثل ایشان در شهرهای بزرگ

وثمود الذین جابوا الصخر بالواد ۝ وفرعون ذی الاوتاد ۝

و فرعون خداوند میخها

الذین طغوا فی البلاد ۝ فاکثروا فیها الفساد ۝

این گروه آنانند که سرکشی کردند در شهرها ۝ پس بسیار کردند در آن شهرها تباهی را

نصف

گویند که چون حق تعالی آن اوصاف بهشت را بیان فرمود مشرکان از آن تعجب نمودند ... الی الابل ... ایشان

این سوره الفجر سوره حسین بن علی علیهما السلام ...

گویند ارم ذات العماد ... شداد ... فرعون را از آن ذی الاوتاد ...

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ۝ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ

پس ریخت برایشان پروردگار تو تازیانهٔ عذاب را ۝ بدرستی که پروردگار تو هر آینه در کمینگاه است

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ ۝ فَيَقُولُ رَبِّي

پس اما آدمی چون بیازماید او را پروردگار او پس گرامی کند او را و نعمت او را پس گوید پروردگار

أَكْرَمَنِ ۝ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ ۝ فَيَقُولُ رَبِّي

من گرامی کرد مرا نه خیانتست بلکه چون بیازماید او را پس تنگ کند بر او روزی را پس گوید پروردگار

أَهَانَنِ ۝ كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ۝ وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ

خوار کرد مرا ۝ نه خیانتست بلکه اهانت شما است که گرامی نمیدارید یتیم را و تحریص نمیکنید یکدیگر را بر دادن طعام درویش

وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا ۝ وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ۝ كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ

و میخورید مال میراث را خوردن بسیار که جمع می کنید و دوست میدارید مال را دوستی بسیار باز ایستید از این مرا که کنند

دَكًّا دَكًّا ۝ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ۝ وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ

روزیکه چون شکافته زمین شکستن بعد از شکستن و بیاید قدرت پروردگار تو و فرشتگان محشر صفی بعد از صفی و آورده شود آن روز جهنم نزد

يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ۝ يَقُولُ

اهل محشر در آن روز یاد کند آدمی گناهان خود را ۝ و از کجا باشد آنرا یاد کردن ۝ گوید

يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ۝ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ

کاشکی من ۝ پیش میفرستادم برای زندگانی خود پس آن روز ۝ عذاب نکند او کسی را مثل عذاب

أَحَدٌ ۝ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ۝ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ

خدا کسی را ۝ و بند نکند بسلاسل و اغلال و محکم را مانند بند کردن خدا کسی را ۝ ای نفس آرام گرفته بذکر ما

ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ۝ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي

باز گرد ۝ بسوی موعد پروردگار خود که پسند کننده و پسندیده شده ۝ پس در آی در زمرهٔ بندگان من

وَادْخُلِي جَنَّتِي ۝

و در آی در بهشت من

سورة البلد عشرون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

یعنی
حاشا که چنین باشد
که انعام بعلت اکرام و فقیری از
راه خواری و اهانت باشد چه اکثر کفار و
مشرکین در دنیا با ناز و نعمت اند و اکثر
مومنان و متقیان تنگ روزی اند بلکه در
ضمن این مصلحتهاست
١٣٠

لَا أُقْسِمُ بِهَٰذَا الْبَلَدِ ۝ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَٰذَا الْبَلَدِ ۝ وَوَالِدٍ

البته سوگند میخورم باین شهر یعنی که ۝ و حال آنکه توقف و آمده در این شهر ۝ و سوگند به پدر یعنی پدر

وَمَا وَلَدَ ۝ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ۝ أَيَحْسَبُ أَنْ

و آنچه زاده شده از او ۝ بدرستی که ما آفریدیم آدمی را در سختی و رنج ۝ آیا می پندارد آنکه

لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ۝ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا ۝

ندیده است قادر نباشد بر او کسی ۝ گوید در روز قیامت هلاک کردم او در دنیا مالی انبوه

أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ ۝ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ۝ وَلِسَانًا

آیا می پندارد آنکه ندیده است او را کسی ۝ آیا نکردانیدیم ما برای او دو چشم ۝ و زبان

وَشَفَتَيْنِ ۝ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ۝ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ۝

و دو لب ۝ و راه نمودیم او را خیر و شر ۝ پس بتکلیف در نیاید و شروع نکرد در کار سخت

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ۝ فَكُّ رَقَبَةٍ ۝ أَوْ إِطْعَامٌ فِي

و چه چیز دانا کرد تو را که چه چیز است عقبه ۝ رهانیدن گردن است از بندگی ۝ یا طعام دادن در

يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ۝ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ۝ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ۝

روزی که خداوند گرسنگی است و طعام دهد بی پدر را که خداوند خویشی است یا درویشی که خداوند خاک نشینی باشد

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ۝ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ

پس نبود حد آنجا که گرویدند و وصیت کردند بصبر و وصیت کردند با هم بخشایش آن گروه که یاران

الْمَيْمَنَةِ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۝

دست راستند ۝ و آنان که کافر شدند بآیات ما ایشان یاران دست چپ اند

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤْصَدَةٌ ۝

بر ایشانست آتشی پوشیده سر آن

سورة الشمس خمس عشرة آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ۝ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا ۝ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا

قسم بآفتاب و روشنی چاشت آن ۝ و قسم بماه چون پیروی آفتاب کند ۝ و قسم بروز چون جلا دهد آفتاب را

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ۝ وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ۝ وَالْأَرْضِ وَمَا

قسم بشب چون پوشد آفتاب را و قسم بآسمان و کسی که بنا کرده است او را و قسم بزمین و کسی که

طَحَاهَا ۝ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ۝ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۝

پهن کرده او را و قسم بنفس و کسی که راست کرد او را پس الهام کرد آن نفس را دروغ آن و پرهیزکاری او را

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۝ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ۝ كَذَّبَتْ ثَمُودُ

بتحقیق رستگار شد هر که پاکیزه کرد نفس خود را و بتحقیق بی بهره ماند هر که گمراه کرد نفس خود را تکذیب کردند قوم

بِطَغْوَاهَا ۝ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ۝ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ

ثمود بسبب طغیان خود در وقتی که برخواست بدبخت ترین قبیله پس گفت مر ایشان را پیغمبر خدا صالح دست بدارید

اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ۝ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا ۝ فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ

ناقه خدا را و شراب او را پس تکذیب کردند او را پس پی کردند ناقه را پس فرو پوشانید عذاب را بر ایشان پروردگار ایشان بسبب گناه

فَسَوَّاهَا ۝ وَلَا

سورة الليل عشرون آية

يَخَافُ عُقْبَاهَا ۝

ایشان پس یکسان کرد ایشان را بهلاک و نترسید عاقبت عذاب را

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ ۝ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ۝ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ

قسم بشب چون پوشد آفتاب را و قسم بروز چون روشن شود و قسم بآنکه آفرید نر

وَالْأُنْثَىٰ ۝ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ ۝ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ۝

و ماده را بدرستی که سعی شما در کردار و گفتار پس اما هر که داد حقوق مال را و پرهیز کرد

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ۝ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ ۝ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ

از گناه و تصدیق کرد بکلمه نیکو پس زود باشد که آسان سازیم او را و اما هر که بخل کرد

وَاسْتَغْنَىٰ ۝ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ ۝ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ ۝

بخل کرد در دادن مال و استغنا کرد از ثواب و تکذیب کرد کلمه نیکو را پس زود باشد که آسان کنیم مر دشواری او را

وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ ۝ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ ۝

و دفع نکند از او عذاب را مال او چون هلاک شود بدرستی که بر ماست راه نمودن

مراد از بدبخت ترین ایشان قدار بن سالف که ناقه صالح را پی نمود چنانچه در مجمع البیان گوید پیوسته از صهیب که رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی از علی ابن ابیطالب پرسیدند که هیچ میدانی که بدبخت ترین پیشینیان کیست گفت میدانم گفت آنکه ناقه صالح را پی کرد فرمود راست گفتی گفت هیچ میدانی که بدبخت ترین پسینیان کیست گفت میدانم فرمود آنکه تیغ بدین موضع زند و اشاره بسر حضرت امام علیه السلام نمود

فضیلت سوره واللیل در سوره والشمس گذشت

ظاهر آنست که این آیات عاما از برای بیان فضیلت سخا و عطا و اظهار رذالت بخل و جمع مال است علی وجه العموم و در شان شخصی مخصوص نازل نشده

وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ ۝ فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ ۝ لَا يَصْلَاهَا
وبه راستی که ما راست سرای آخرت و سرای دنیا پس بیم کردم شما را ای اهل مکه از آتشی که زبانه زند در نیاید در

إِلَّا الْأَشْقَى ۝ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۝ وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ۝
آتش مگر بدبخت تری که تکذیب کرد حق را و روی گردانید از طاعت و زود باشد که دور گردانیده شود از آن آتش پرهیزکارتر

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ ۝ وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُ مِن نِّعْمَةٍ تُجْزَىٰ
آنکه میدهد مال خود را و میجوید پاکی نزد خدا و نیست هیچکس را نزد او هیچ نعمتی که جزا داده شود

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ ۝ وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ ۝
مگر برای طلب رضای پروردگار خود که برتر و بزرگتر است و زود باشد که خشنود باشد

سورة الضحى احدى عشر آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝
بنام خدای بخشاینده مهربان

وَالضُّحَىٰ ۝ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ۝ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا
قسم بچاشت و قسم بشب وقتی که بیارامد تاریکی آن نگذاشت ترا پروردگار تو و دشمن

قَلَىٰ ۝ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ۝ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ
نگرفت ترا و هر آینه آن سرای بهتر است برای تو از دنیا و زود باشد که بدهد تو را

رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ۝ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ۝ وَوَجَدَكَ ضَالًّا
پروردگار تو پس راضی شوی آیا نیافت ترا کودکی بی پدر پس جای داد ترا در حمایت خود و یافت ترا گمراه

فَهَدَىٰ ۝ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ ۝ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ
از دروازه مکه پس راه نمود ترا و یافت ترا درویش پس بی نیاز کرد ترا پس اما یتیم را پس قهر مکن از زد

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ۝ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ۝
خود و اما درویش را پس زجر مکن و اما بنعمت پروردگار خود حدیث کن مردم را

سورة الم نشرح ثمان آيات مكية

فضیلت
سوره والضحی در سوره والشمس
گذشت

از
حضرت
ابو عبد الله علیه السلام
مرویست که رسول خدا صلی الله علیه و آله
روزی بخانه فاطمه علیها السلام درآمد دید
که او عبائی از پشم شتر بر خود پیچیده بدست
آس گندم آرد مینماید و فرزند گرامی خود را شیر
میدهد از مشاهده آن رنج و تعب او رقت شده
سرشک از دیده ها بارید پس فرمود که ای
دختر من زود باشد که تلخی زندگی دنیا بدل شود
براحت حلاوت زندگی آخرت بدرستیکه
حق تعالی درباره من آیه فرستاده است که
ولسوف یعطیک ربک فترضی

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

أَلَمۡ نَشۡرَحۡ لَكَ صَدۡرَكَ ۝ وَوَضَعۡنَا عَنكَ وِزۡرَكَ ۝

آیا گشاده نکردیم برای تو سینه تو را و بگرفتیم ما از تو بار گران ترا

ٱلَّذِيٓ أَنقَضَ ظَهۡرَكَ ۝ وَرَفَعۡنَا لَكَ ذِكۡرَكَ ۝ فَإِنَّ مَعَ

آن باری که شکسته پشت تو یعنی رسالت و برداشتیم برای تو ذکر تو را به نبوت پس بدرستی که با

ٱلۡعُسۡرِ يُسۡرًا ۝ إِنَّ مَعَ ٱلۡعُسۡرِ يُسۡرًا ۝ فَإِذَا فَرَغۡتَ فَٱنصَبۡ ۝

هر دشواری آسانی است بدرستی که با هر دشواری آسانی هست پس چون فارغ شوی از تبلیغ پس رنج کن در

وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَٱرۡغَب ۝

سورة التين ثماني آية

عبادت و بدعای پروردگار خود پس رغبت کن

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَٱلتِّينِ وَٱلزَّيۡتُونِ ۝ وَطُورِ سِينِينَ ۝ وَهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ ٱلۡأَمِينِ ۝

قسم بانجیر و بزیتون و قسم بطور سینا و قسم باین شهر که امان دهنده اهل

لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ فِيٓ أَحۡسَنِ تَقۡوِيمٖ ۝ ثُمَّ رَدَدۡنَٰهُ أَسۡفَلَ

مکه است بدرستی که آفریدیم ما آدمی را در نیکوترین تعدیلی پس بازگردانیدیم او را در

سَٰفِلِينَ ۝ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَلَهُمۡ أَجۡرٌ

زیرترین همه فروتران مگر آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته پس مر ایشان راست مزدی

غَيۡرُ مَمۡنُونٖ ۝ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعۡدُ بِٱلدِّينِ ۝ أَلَيۡسَ ٱللَّهُ

نا بریده و پس چه بر تکذیب میدارد تو را ای منکر حشر بعد از ظهور دلایل بر و حجج آیا نیست خدا

بِأَحۡكَمِ ٱلۡحَٰكِمِينَ ۝

سورة العلق ثماني عشرة آية

حکم کننده ترین حکم کنندگان

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

خواص سوره الم نشرح در ضمن فضیلت سوره والشمس گذشت

از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که مراد از تین حضرت امام حسن و از زیتون امام حسین و از طور سینین مرتضی علی علیه السلام و از بلد امین حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که حقتعالی سوگند بایشان یاد فرموده است

بقولی تین و زیتون دو کوهند در بلاد شام و این مناسبت بیشتر دارد با ذکر طور سینین

محمد
ابن حسان از ابو عبد الله
روایت کرده که هر که سوره اقرا را در روز یا در شب بخواند
اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و همچنان باشد که با رسول خدا شمشیر زده باشد



اقرا باسم ربك الذي خلق ۝ خلق الانسان من علق ۝ اقرا
بخوان یا محمد بنام پروردگار خود آنخدائی که آفرید اشیا را ۝ آفرید آدمیان را از خونهای بسته ۝ بخوان
وربك الاكرم ۝ الذي علم بالقلم ۝ علم الانسان ما
و پروردگار تو آنکه بزرگتر است ۝ آنکه آموخت آدمی را قلم یعنی علم خط ۝ آموخت آدمی را آنچه
لم يعلم ۝ كلا ان الانسان ليطغى ۝ ان راه استغنى ۝
نمیدانست ۝ باز ایست بدرستی انسان هرآینه از حد میگذرد گردنکشی را بجهة آنکه دید خود را بی نیاز
ان الى ربك الرجعى ۝ ارايت الذي ينهى ۝ عبدا اذا
بدرستیکه بسوی پروردگار تو بازگشتن است ۝ آیا نمی بینی تو آنکس را که باز میدارد ۝ بنده ما را محمد چون
صلى ۝ ارايت ان كان على الهدى ۝ او امر بالتقوى
نماز میگذارد ۝ آیا دیدی تو ای ناهی از نماز اگر باشد نمازکن بر هدی ۝ یا فرماید پرهیزکاری
ارايت ان كذب وتولى ۝ الم يعلم بان الله يرى ۝ كلا
آیا می بینی تو یا محمد اگر تکذیب کند تو را و روی گرداند آیا ندانسته است ۝ با آنکه خدا می بیند قصد ورا باید که
لئن لم ينته لنسفعا بالناصية ۝ ناصية كاذبة خاطئة
باز نایستد ۝ هرآینه بگیریم موی پیشانی او را ۝ موی پیشانی دروغگوی خطاکار که
فليدع ناديه ۝ سندع الزبانية ۝ كلا لا تطعه واسجد
ابوجهل است پس باید بخواند اهل مجلس خود را و دوستان که بخوانیم زبانیه دوزخ را ۝ که ازین باز ایستد فرمان مبر او را و سجده کن

سورة القدر خمس آيات | واقترب ۝ | وهي مكية

و نزدیک شو پروردگار خود را

بسم الله الرحمن الرحيم ۝
بنام خداوند بخشاینده مهربان
انا انزلناه في ليلة القدر ۝ وما ادريك ما ليلة القدر
بدرستی که فرو فرستادیم ما این قرآن را در شب قدر ۝ و چه چیز دانا کرد تو را که چیست شب قدر
ليلة القدر خير من الف شهر ۝ تنزل الملائكة والروح
شب قدر بهتر است از هزار ماه ۝ فرود آیند فرشتگان و روح

سجده
در لغت جذب
شدید را گویند یعنی کشیدن
چیزی است بسختی و دشواری از
روی عایت ...
و کشتن



از
ابو عبد الله علیه
السلام مرویست که سوره انا انزلناه را
بجهر بخواند همچنان باشد که شمشیر کشیده با
در راه خدا و هر که نهانی بخواند همچنان باشد
که در خون خود غلطیده باشد در راه خدا
و هر که آزاد ده بار بخواند هزار گناه از
دیوان او محو شود و ثواب و خاصیت این
سوره بسیار است خوشا بحال کسی که مداوم

فیها

فيها باذن ربهم من كل امر ۝ سلام هي حتى مطلع الفجر

در آن شب بفرمان پروردگار خود از هر کاری سلام و سلامتی در آن شب است تا دمیدن صبح

سورة البينة ثمان آيات وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

لم يكن الذين كفروا من اهل الكتاب والمشركين

نبودند آنانکه کافر شدند از اهل کتاب تورات و مشرکان

منفكين حتى تاتيهم البينة ۝ رسول من الله يتلوا صحفا

باز ایستادگان از کفر تا آنگاه که آمد ایشان را حجتی روشن که فرستاده است از خدا میخواند نامه‌های

مطهرة ۝ فيها كتب قيمة ۝ وما تفرق الذين اوتوا الكتاب

پاکیزه که در آن نوشته‌هایی است راست و جدا نشدند آنانکه داده شدند کتاب تورات

الا من بعد ما جاءتهم البينة ۝ وما امروا الا ليعبدوا

مگر بعد از آنکه آمد ایشان را حجتی که محمد است و مامور نشدند مگر آنکه بپرستند

الله مخلصين له الدين ۝ حنفاء ويقيموا الصلوة و

خدا را در حالتی که خالص سازند برای او دین را میل کنندگان و بپای دارند نماز را و

يؤتوا الزكوة وذلك دين القيمة ۝ ان الذين كفروا

بدهند زکوة را و این دین راست است بدرستی که آنانکه کافر شدند

من اهل الكتاب والمشركين في نار جهنم خالدين فيها

از اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخ جاوید اند در آن

اولئك هم شر البرية ۝ ان الذين امنوا وعملوا الصالحات

آنگروه ایشانند بدترین آفریدگان بدرستی که آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته

اولئك هم خير البرية ۝ جزاؤهم عند ربهم جنات عدن

آنگروه ایشانند بهترین آفریدگان پاداش ایشان نزد پروردگارشان بوستانهای باقامت

از حضرت ابوجعفر علیه السلام مرویست که هر که سوره لم یکن را تلاوت نماید بیزار از شرک خواهد بود و در دین محمد صلی الله علیه و آله و حق تعالی او را در روز قیامت با ایشان حشر کند و حساب او را آسان کند

این بشارت
در این سوره
آورد

تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابدا رضی الله عنهم

که میرود از زیر آنها نهرها که جاوید باشند در آن همیشه خشنود باشد خدا از ایشان

ورضوا عنه ۞ سورة الزلزال ثمانی آیات ۞ ذلك لمن خشی ربه ۞

و خشنود ند از خدا ... این که بترسد از پروردگار خود

بسم الله الرحمن الرحیم ۞

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اذا زلزلت الارض زلزالها ۞ واخرجت الارض اثقالها ۞

چون جنبیده گردد زمین جنبانیدن وی و بیرون آورد زمین بارهای خود را

وقال الانسان ما لها ۞ یومئذ تحدث اخبارها ۞ بان ربك

و گوید آدمی چیست زمین را در آن روز سخن گوید زمین خبرهای خود را بسبب آنکه پروردگار

اوحی لها ۞ یومئذ یصدر الناس اشتاتا لیروا اعمالهم ۞

وحی کرد او را در آن روز بازگردانند مردمان از قبور پراکندگان تا نموده شوند کردار خود را

فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره ۞ ومن یعمل مثقال ذرة شرا یره ۞

پس هر که بکند هموزن مورچه خورد خوبی ببیند او را و هر که بکند همسنگ مورچه خورد بدی ببیند او را

سورة العادیات ۞ بسم الله الرحمن الرحیم ۞ احدی عشر آیة

بنام خدای بخشاینده مهربان

والعادیات ضبحا ۞ فالموریات قدحا ۞ فالمغیرات صبحا ۞

قسم باسبان دونده که نفس زنند نفس زدنی پس قسم به بیرون آورندگان آتش از سنگ بسمهای خود پس قسم بتازندگان

فاثرن به نقعا ۞ فوسطن به جمعا ۞ ان الانسان لربه لکنود

پس انگیختند بوقت صبح غباری پس میان درآمدند صبح گرده دشمنان را بدرستیکه آدمی مر پروردگار خود را ناسپاس است

وانه علی ذلك لشهید ۞ وانه لحب الخیر لشدید ۞ افلا

و بدرستیکه آدمی بر بخل و کفران خود هر آینه گواه است و بدرستی که او بجهة دوستی مال هر آینه سخت است آیا پس

یعلم اذا بعثر ما فی القبور ۞ وحصل ما فی الصدور ۞ ان

نمیداند آدمی که چون برانگیخته شود در قبرها و حاصل کرده شود آنچه در سینه‌هاست بدرستی که

از
حضرت
ابی عبد الله علیه السلام مرویست
که هر که سوره زلزله را چهار مرتبه
بخواند چنان است که
همه قرآن را خوانده
باشد

از
ابی عبد الله
مرویست که هر که سوره عادیات را
بخواند او را در قیامت با امیر المؤمنین
و امام الحق و الیقین علی ابن ابی طالب
صلوات الله و سلامه علیه مبعوث سازند
و در رفیق آنجناب باشد در بهشت
عدن

ربهم بهم

رَبَّهُم بِهِم | سورة القارعة احدى عشر آية | يَومَئِذٍ لَّخَبِيرٌ

پروردگار ایشان با ایشان ... در آن روز هر آینه آگاه است

بِسمِ اللَّهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اَلقَارِعَةُ ۝ مَا القَارِعَةُ ۝ وَمَا أَدرٰكَ مَا القَارِعَةُ ۝ يَومَ

ساعت کوبنده یعنی قیامت چیست آن ساعت کوبنده و چه چیز دانا کرد ترا که بدانی که چیست آن ساعت کوبنده روزی که

يَكُونُ النَّاسُ كَالفَرَاشِ المَبثُوثِ ۝ وَتَكُونُ الجِبَالُ كَالعِهنِ

بوده باشند مردمان مانند پروانه پراکنده شده در اضطراب و شود کوهها چون پشم رنگین

المَنفُوشِ ۝ فَأَمَّا مَن ثَقُلَت مَوَازِينُهُ ۝ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ

زده شده پس اما هر که گران باشد اعمال او که وزن میکنند پس او در زندگانی پسندیده باشد

وَأَمَّا مَن خَفَّت مَوَازِينُهُ ۝ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ۝ وَمَا أَدرٰكَ مَا هِيَه

و اما آنکه سبک باشد اعمال موزون او پس اوراجا هاویه است و چه چیز دانا کرد ترا که چیست آن

سورة التكاثر | نَارٌ حَامِيَةٌ | ثمانى آيات مكية

آتشیست بغایت گرم

بِسمِ اللَّهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

أَلهٰكُمُ التَّكَاثُرُ ۝ حَتّٰى زُرتُمُ المَقَابِرَ ۝ كَلَّا سَوفَ تَعلَمُونَ ۝ ثُمَّ

مشغول ساخت شما را بهم بسیاری قبیله از طاعت الله تا زیارت کردید قبور را نه چنانست زود باشد که بدانید پس

كَلَّا سَوفَ تَعلَمُونَ ۝ كَلَّا لَو تَعلَمُونَ عِلمَ اليَقِينِ ۝ لَتَرَوُنَّ

باز ایستید زود باشد که بدانید گناه خود را نه چنانست اگر بدانید دانستن امری که بیگمانست هر آینه خواهید دید

الجَحِيمَ ۝ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَينَ اليَقِينِ ۝ ثُمَّ لَتُسئَلُنَّ يَومَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

دوزخ را پس هر آینه خواهید دید دوزخ را دیدن بیگمان پس هر آینه پرسیده شوید در آن روز از نعمتها که مشغول بود

سورة العصر | بِسمِ اللَّهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِيمِ | ثلث آيات

بنام خداوند بخشاینده مهربان

از حضرت ابو جعفر علیه السلام مرویست که هر که سوره القارعه را بخواند حق تعالی او را از فتنه دجال نگاه دارد و از عذاب جهنم او را ایمن گرداند

از حضرات ابو جعفر و ابو عبد الله علیهما السلام مرویست که نعیم عبارتست از امن و صحت و گویا مراد بودن ایمن از شر دشمنان دین و صحت عقل و دین است

از ابو عبد الله مرویست که هر که این سوره را در فریضه خواند ثواب صد حدیث برای او نویسند و اگر در نافله بخواند ثواب پنجاه شهید و چهل صف ملائکه در عقب او حاضر شود با او نماز گذارند

وَالْعَصْرِ ۝ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۝ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

سوگند بعصر یعنی بدرستیکه آدمی هر آینه در زیان کاری اند مگر آنانکه گرویدند و کردند کارشایسته

وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ۝

و وصیت کردند با هم بامر حق که توحید است و وصیت کردند با هم بصبر

سورة الهمزة تسع آيات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ ۝ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ۝ يَحْسَبُ

وای بر هر غیبت کننده در نهان و طعنه زننده بظاهر و مواجهه کسی که جمع کرد مال او شمرد آنرا مکرر یعنی دوستی آن میدارد

أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ۝ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ

که مال او جاوید سازد او را در دنیا نه چنین است هر آینه انداخته شود در حطمه که نام درکه از دوزخست و چه دانی تو که

مَا الْحُطَمَةُ ۝ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ ۝ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ۝ إِنَّهَا

چیست حطمه آتش خداست که برافروخته شده آن آتشی که برآید بر دلها بدرستیکه آن آتش

سورة الفيل خمس آيات

عَلَيْهِمْ مُؤْصَدَةٌ ۝ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ۝

برایشان بسته شده است در ستونهای کشیده شده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خداوند بخشاینده مهربان

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ۝ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ

آیا ندیدی تو که چگونه کرد پروردگار تو بیاران فیل آیا نگردانید مکر ایشان را

فِي تَضْلِيلٍ ۝ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ۝ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ

در تباهی و گمراهی و فرستاد برایشان مرغان گروه گروه می انداخت آن مرغان ایشان را بسنگ گلین

سورة القريش اربع آيات

سِجِّيلٍ ۝ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ ۝

یعنی از گل پس گردانید ایشان را چون کاهی که ستوران خورده باشند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خدای بخشاینده مهربان

از ابوعبدالله مرویست که هرکه والعصر را در نوافل بخواند حق تعالی در روز قیامت روی او را منور گرداند و لب او را خندان و چشمهای او را روشن بخوشترین حال به بهشت عدنش درآورد

از ابوعبدالله مرویست که هرکه سوره همزه را در فرایض بخواند درویشی از او زایل شود و از مردن بد ایمن باشد

هنگامی که گویند او صد الباب یعنی درگاه آن در بسته گردد که راه پیدا شدن و داخل شدن نباشد و عمد جمع عماد و آن ستون خیمه است و مراد در اینجا ستونهای سراپردهای آتشین است که بر سر دوزخیان کشیده شده

ابی بن کعب از پیغمبر روایت کند که هرکه سوره الفیل را بخواند حق تعالی او را از خسف و مسخ و قذف ایمن گرداند

در مجمع البیان حکایت کرده که ابرهه از جانب پادشاه حبشه یعنی نجاشی بحکومت ولایت یمن سرافراز بود در یمن خانه پخته بکنیسه بنا نمود و فرمان داد که اهل مملکت او بطواف آن آیند وجهه ترویج آن کار اراده تخریب مکه معظمه زادالله شرفا نمود و با لشکری گران و فیل کلان متوجه

لایلاف

لإيلاف قريش إيلافهم رحلة الشتاء والصيف فليعبدوا

هلاک کردیم اصحاب فیل را برای الفت قریش الفت ایشان بر رفتن سفر زمستان و تابستان پس باید بپرستند

رب هذا البيت الذي أطعمهم من جوع وآمنهم من خوف

پروردگار این خانه کعبه را آنکه داد ایشان را طعام از گرسنگی و ایمن ساخت از ترس

سورة الماعون ثماني آيات مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

أرأيت الذي يكذب بالدين فذلك الذي يدع اليتيم

یا محمد آیا دیدی آن کس را که تکذیب کرد روز جزا را پس آن کس است که رنج میکند و میراند یتیم را

ولا يحض على طعام المسكين فويل للمصلين الذين هم

و تحریص نمیکند مردم را بر طعام دادن درویش پس وای بر نمازگذارندگان آنانکه ایشان

عن صلاتهم ساهون الذين هم يراءون ويمنعون الماعون

از نماز خود سهوکنندگان و بیخبرانند آنکه ایشان ریا میکنند در اعمال و منع میکنند مال کوه را ...

سورة الكوثر ثلث آيات مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

إنا أعطيناك الكوثر فصل لربك وانحر إن شانئك

بدرستی که ما عطا کردیم تو را خیر بسیار پس مداومت کن بر نماز از برای پروردگار خود و قربان کن بدرستی که دشمن تو

هو الأبتر

او است دم بریده

سورة الكافرون ستة آيات مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

ابو بصیر از ابوعبدالله علیه السلام روایت کرده که هر که سوره لایلاف بخواند در روز قیامت بر مرکبی سوار گردد و به بهشت رساند

از ابوجعفر علیه السلام مروی است که هر که سوره ماعون را در فرایض و نوافل بخواند حق تعالی نماز و روزه او را قبول کند و آنچه در دنیا از او صادر شده محاسبه نکند

حضرت ابوعبدالله صلوات الله علیه پرسیدند که در این آیه سهو شیطان است فرمود نه هیچکس نیست که وسواس شیطان با او نرسد اما مراد از سهو غافل شدن است

ابو بصیر از ابوعبدالله علیه السلام روایت کرده که هر که سوره کوثر را بخواند در فرایض و نوافل حق تعالی او را از حوض کوثر آب دهد در زیر درخت طوبی

مراد از کوثر بقولی حوض کوثر است و در روایتی از حضرت ابوعبدالله علیه السلام وارد شده که آن نهریست که خدا تعالی آن را به پیغمبر خود صلی الله علیه و آله در بهشت کرامت کرده

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ۝ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ۝

بگو ای محمد ای کافران نخواهم پرستید آنچه می پرستید در آینده

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۝ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ ۝

و نیستید شما پرستندگان آنچه میپرستیم ما در استقبال و نیستم من پرستنده هرگز آنچه پرستیدید شما

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۝ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ۝

و نه شما پرستندگانید مگر آنچه می پرستیم مر شماراست دین شما و مراست دین من

سورة الفتح ثلث آيات وهي مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ۝ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ

چون آمد یاری کردن خدا و فتح مکه و دیدی تو مردمان را که در می آیند در دین خدا

اللَّهِ أَفْوَاجًا ۝ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ۝

یعنی اسلام فوج فوج پس تسبیح کن بحمد پروردگار خود و طلب آمرزش کن از و بدرستی که خدا هست قبول کننده توبه

سورة أبي لهب خمس آيات وهي مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ۝ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا

هلاک و شکسته باد دو دست ابی لهب که خواست سنگ بر پیغمبر زند هلاک شد ابی لهب دفع نکند از و مال او عذاب را و آنچه

كَسَبَ ۝ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ۝ وَامْرَأَتُهُ

کسب کرده از مال زود باشد که در آید در آتش خداوند زبانه و زن او باشد که در آید

حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ۝ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ ۝

بآتش زن او که برازنده هیمه است در گردن او ریسمانی است از لیف خرما

فرمود که تحریر برداشتن دستهاست تا برآ
رود در حال تکبیر

از حضرت ابو عبد الله مرویست که هرکه سوره قل یا ایها الکافرون را بخواند چنان باشد که ربع قرآن را خوانده باشد و آنحضرت چون از قرائت این سوره فارغ میشد میگفت اعبد الله وحده

از ابو عبد الله علیه السلام مرویست که هرکه سوره نصر را در فریضه یا در نافله بخواند حقتعالی او را بر همه اعدا نصرت دهد و چون مبعوث گردد حقتعالی کتابی از میان قبر او بیرون آورده باو دهد و در آن نوشته باشد که او را امانست از جسر جهنم و در حضور نیران آن و حقتعالی آن نامه را ناطق گرداند تا آنچه را ویست میخواند تا به بهشت برود و روز قیامت هیچ نگذرد مگر او را بشارت دهند بانواع نعمت و اصناف کرامت تا اگر آو بجنت عدن در آید و الله اعلم

از ابو عبد الله علیه السلام مرویست که چون سوره تبت بخوانید ابو لهب را لعنت کنید که او از جمله تکذیب کنندگان پیغمبر بود منکر آنچه آنحضرت از جانب حضرت عزت آورده اند التب والتباب الهلاک

سورة الاخلاص اربع آيات و مكية

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ ۝ اللهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُنْ
بگو ای محمد او ست خدای یگانه خدای بی نیاز نزاینده و زاینده نشده و نمیباشد

لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝
مر او را همتا و همال و همجنس

سورة الفلق خمس آيات مكية

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ
بگو یا محمد پناه میگیرم به پروردگار شکافنده صبح از بدی آنچه آفریده است و از بدی شب تاریک

إِذَا وَقَبَ ۝ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ۝ وَمِنْ شَرِّ
چون در آید تاریکی آن و از شر زنان که دمنده گان افسونند در گرهها و از شر

سورة الناس ست آيات مكية

حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۝
حسد کننده چون ظاهر کند حسد خود را

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝ مَلِكِ النَّاسِ ۝ إِلٰهِ النَّاسِ ۝ مِنْ
بگو یا محمد پناه می برم به پروردگار مردمان پادشاه آدمیان معبود مردمان از

شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۝ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ
بدی دیو وسوسه کننده جهنده آنکه وسوسه میکند در سینه های

هذا دعاء ۝ النَّاسِ ۝ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۝ ختم القرآن
مردمان از جن و آدمیان

از ابن عباس رضی الله عنه روایت کرده که هر که یک جمعه بر او بگذرد و سوره قل هو الله احد نخوانده باشد بر دین ابو لهب مرده باشد چون سه دفعه خواند ثواب یکختم قرآن دارد

از حضرت ابو جعفر صلوات الله علیه مرویست که هر که در نماز وتر معوذتین و قل هو الله احد را بخواند ندا کرده شود که ای بنده خدا بشارت باد تو را که بتحقیق قبول نمود خدای عز و جل نماز وتر تو را

اللهم انفعنا وارفعنا واحرسنا واسترنا واجبرنا

وعافنا واعف عنا بالقرآن العظيم وبارك لنا بالآيات

والذكر الحكيم وتب علينا انك انت التواب الرحيم

واهدنا الى الحق والى طريق مستقيم اللهم اجعل

القرآن لنا فى الدنيا قرينا وفى القبر مونسا وفى القيمة

شافعا وعلى الصراط نورا وفى الجنة رفيقا ومن النار

سترا وحجابا وعلى الخيرات كلها دليلا وحجة وبرهانا

اللهم بشر به ارواحنا عند الخروج من الاجساد بالروح

والريحان وازلفنا الكاملة والوداد ونور به قبورنا

من ظلم الادناس والالحاد وارزقنا الايمان والامن

من الخوف فى يوم الحشر والمعاد اللهم احطط به ثقل

الاوزار وهب لنا به حسن شمائل الابرار ونجنا به

من النار ووفقنا لتلاوته آناء الليل واطراف النهار

اللهم ارزقنا بكل حرف من القرآن حلاوة وبكل

آية اثابة وبكل عشر عناية وبكل سورة من القرآن

سرورا وبكل جزء جزاء اللهم ارزقنا بكل الف من

القرآن الفة وبكل باء بركة وبكل تاء توبة وبكل

ثاء ثوابا وبكل جيم جمالا وبكل حاء حكمة وبكل خاء

خلوة وبكل دال دولة وبكل ذال ذكاء وبكل راء

رحمة وبكل زاء زلفة وبكل سين سعادة وبكل

شين شفاعة وبكل صاد صفاء وبكل ضاد ضياء

وبكل طاء طراوة وبكل ظاء ظفرا وبكل عين عناية

وبكل غين غناء وبكل فاء فلاحا وبكل قاف قربة و

بكل كاف كفاية وبكل لام لطفا وبكل ميم موعظة

وبكل واو وصلة وبكل نون نورا وبكل هاء هداية

وبكل لام الف لقاء وبكل ياء يمنا ويسرا ويقينا

وصلى الله على سيدنا وشفيع ذنوبنا محمد واله الطيبين

الطاهرين اللهم بلغ بركات هذه الايات وثوابها الى

كافة الخلايق من المؤمنين والمؤمنات والمسلمين و

المسلمات واخصص من ابائنا وامهاتنا واجدادنا واخواننا

في دين الاسلام اللهم اجزهم بالاحسان احسانا وبالسيئات

مغفرة ورضوانا ربنا اتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة

حسنة وقنا عذاب النار

كان تمام تسطير بادي آيات وحي وتنزيل سبحاني بتاريخ يوم الثلثاء ثالث شهر

جمادى الثاني سنة تسع وستين ومائتين بعد الالف من الهجرة النبوية المصطفوية على ١٢٦٩

صاحبها الف الاف التحية در دار العلم شيراز حسب الفرمان حضرت مجد وجلالت



نابسالک و فهرست بیاض رضا فی خاتمت و عنوان انتساب شهامت و لباب اکتساب

ناظم مناظم امور کافل مهام جمهور جمیل الخلق و جلیل الشیم کریم نبیل الخلق عظیم

الهمم دوحه نفث شیر سیرت و اقبال تابنده بدر آسمان جلال محمود عزیمت مکارم آداب

فهرست دیوان صواب پرورده دامان عنایت واد کریم الاصل و النسب شریف

الاخلاق و الآداب العالی بالنجابت منفرد الخصال فامول السلطان نظام الملک میرزا محمد

کاظم خان دام اقباله و احسن ماله قد سوّد کلک اقل الکتاب عبد الوهاب متخلص بنعمه

عفی الله عن جرائمه کردید



الله نور السموات والارض مثل نوره كمشكاة فيها مصباح المصباح في زجاجة الزجاجة كأنها كوكب



